۲۴

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و چهارم- حرف ک

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد بیست و چهارم- حرف ک/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴ ۵آ/

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱-قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف،

فایـده، پیش انگـاره هـا (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسـیر از علوم مرتبط با قرآن به شـمار می آیـد که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسـیر به دانشـی گفته می شود که انسـان را بـا معانی و مقاصـد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعـد آن آشنا می سازد.

به عبـارت دیگر، دانش تفسـیر از چنـد بخش اساسـی تشـکیل می شود: ۱) مبانی تفسـیر؛ ۲) قواعد تفسـیر؛ ۳) منابع تفسـیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسـیر: آیات قرآن (سـخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلم نازل شـده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲-اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصـیف شودمقـدمه تفسـیرخواهد شد و تفسـیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشـهای نوین زبانشناسـی است می باشـد . زبانشناسـی بیشتر نـاظر به کلاـم انسـانی است که دردورهـای مختلف شامـل کلاـم هـای مقـدس(کتابهـای آسـمانی) نیز شـده است . زبـان شناسـی شامـل: زبـان شناسـی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختـاری ؛ سبک شناسـی ؛ تجویز و توصـیف ؛ کاربردشناسـی ؛ زبانشناسـی کـاربردی ؛ اکتسـاب زبـان ؛ زبـان شناسـی روان شنـاختی ؛ زبان شناسـی جامعه شـناختی ؛ زبان شناسـی شـناختی ؛ جامعه شناسـی زبان ؛ زبان شناسـی محاسـباتی؛ زبان شناسـی توصـیفی ؛ زبان شناسـی تاریخی ؛ زبان شناسـی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک

ومتودولوژی می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه

مراکز قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله

بینات شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را

درمنظومه این ساختمان به شـما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شایـد بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشـته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصـر است زیراکه بسـیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصـورت گسـیخته درضـمن مطـالب دیگربیـان می شـود. هراسـتادی بـا تـوجه به شـناخت نسـبی خـود از آن بحث می کند وبسـیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسـند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سـی سال آشـنائی با علوم دینی و اســلامی وقرآنی و بعـد تمرکزبرروی ایـن موضـوع (علـم مفـاهیم شناســی قرآن) وکشـف آن در تفسیرشـریف راهنمـا بـه این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی بـا آن برخورد می کردم که خود داسـتانهای زیبـا و دلنشـینی دارد. خیلی دوست داشـتم بـا قرآن مـانوس بـاشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش

آن درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کارونداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردنند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و

صـدها نمونه از این دست به صورت علمی دسـته بنـدی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسـیاری ازتفاسـیر که دردوران قـدیم نوشـته شـده است درمحـدوده علم آموزی ودانش یـک فرد و بسـته به نوع کتابهای تفسـیری و امکاناتی که دراختیارداشـته و گرایش و هدفی که داشـته است.درصورتیکه درزمان معاصـرباید ازنوشتن تکراری و بیهـوده این تفاسـیرخوداری کرد و زیرنظرمجمـوعه ای ازاساتیـد ، تفسـیرهمه جـانبه نوشت.وحوزهـای پژوهشـی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشـگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشـتن روش هدفمنـد و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسـیرازنکات مهمی است که مفسـرین بایـد رعایت کنند. زیرا مفسـرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عـدول کرده انـد مثـل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صـلوة) را به این شـکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صـلاة) بنویسـیم. اگرمـا توانستیم به معنـای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسـیم بایـد بااین ملاک واحـد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم بایـد اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و

یکم سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَکُمْ وَلَا تَکُونُوا أَوَّلَ کَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآیَاتِی ثَمَناً قَلِیلًا وَإِیَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه

فرو فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

-

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات

است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت

بارقه ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشمه جوشان هدی للمتقین هدایت یافته اند، برای عاشقان سوخته هدایت الله به ارمغان آورند. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشمندان معظم به بعدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشقان قرآن رابرآورند و در ابعاد سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلح قرآن وقت صرف فرمایند تا معلوم شود این کتاب سرچشمه همه چیز است ؛ از عرفان و فلسفه تاادب و سیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیاست و حکومت و اداره کشور چه کار دارد که این کار سلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسلام دین صلح و سازش است و حتی از جنگ و جدال با ستمکاران بری است . و به سر قرآن آن آورند که کلیسای جاهل و سیاستمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزید و قرآن کریم را ازشرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بادرفته خود در راه اشتباه و جهالت تاسف دارم . و شما ای فرزندان برومند اسلام ! حوزه ها ودانشگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف

آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق

ظاهر که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) — وجود

لفظی (علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف–وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب–وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج–وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د–وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند

و حقیقی ترین آن امام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفاهیم شناسی قرآن فعالیت و تحقیق و مطالعه می کند دربخش سوم (وجود ذهنی) جایگاه می یابد ووقتی درعرصه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبا استخراج کرده ایم ؛ باشد که انشا ء الله در آینده این علم(مفهوم شناسی قرآنی) توسعه لازم را بنماید. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضی ازاستاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهای آن را درمقدمه آن تفسیرشایسته و مهم بخوانید. باید توجه داشت که بعضی ازکلمات مشترک لفظی و بعضی ازآنها مشترک معنوی می باشند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و

کسانیکه می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

کاتب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کاتب

خیانت کاتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۴۵،۴۹

۴۵ حرمت زیان رساندن و خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، بر طرفین قرارداد

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

در صورتی که <لا یضارّ> معلوم باشد و نه مجهول، متعلّق آن، متعاملین خواهند بود. یعنی: لا یضارّ کاتب ولا شهید المتبایعین.

۴۹ خیانت نویسنده و گواه مبادلات ، فسق و انحراف از حق است .

و لا یضارّ کاتب و لا شهید و ان تفعلوا فانّه فسوق بکم

بر مبنای معلوم بودن <لا یضار>

شرایط کاتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۵۳

۵۳ لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده ، گواهان و طرفین قرارداد ها و مبادلات

اذا تداینتم . .. و لا یأب کاتب ... و استشهدوا شهیدین ... و اتّقوا اللّه

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب <و اتقوا اللّه> می باشند.

مسؤولیت کاتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵۳

۵۳ لزوم رعایت تقوای الهی از جانب نویسنده ، گواهان و طرفین قرارداد ها و مبادلات

اذا تداینتم . .. و لا یأب کاتب ... و استشهدوا شهیدین ... و اتّقوا اللّه

متعاملین، کاتب و گواه در مبادلات، از مصادیق مورد نظر در خطاب <و اتقوا اللّه> می باشند.

نقش ملائکه کاتب عمل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ اعمال انسان ها توسط فرشتگان مراقب ، ثبت می شود .

إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

۱۶ فرشتگان مراقب اعمالِ مردمان ، از نوشتن هیچ عملی هر چند که کوچک و اندک باشد فروگذاری نمی کنند .

إن رسلنا یکتبون ما تمکرون

کلمه <ما> در <ما تمکرون> افاده عموم می کند.

کاخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کاخ

احضار دایه ها به کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۱

۱ - احضار دایگان به کاخ فرعون ، برای شیر دادن به موسی (ع)

و حرّمنا علیه المراضع من قبل فقالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم

ارزش کاخ های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۷

۷ باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک قصورًا

ارزش کاخ های دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۰ – ۷

۷ باغ ها و قصر های بهشتی در قیامت ، بهتر از نوع دنیایی آنها است .

إن شاء جعل لك خيرًا من ذلك جنّت . .. و يجعل لك قصورًا

امکان کاخ برای محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۰ – ۵

۵ خداوند ، توانا بر مهیّا ساختن قصرهایی با عظمت برای پیامبر (ص) به

مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

تبارک الذی إن شاء . .. یجعل لک قصورًا

بیهودگی کاخ سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۲،۳

۲ - برج های برپا شده بر بلندی ها به وسیله قوم عاد ، کاری بیهوده و خارج از نیاز آنان بود .

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

فعل <تبعثون> از ریشه <عبث> (بیهوده کاری)، حال از ضمیر فاعل <تبنون> است; یعنی، شما در حالی به ساختن برج ها می پردازید که به آن نیاز ندارید و در نتیجه کاری عبث و بیهوده انجام می دهید.

۳ - سرزنش عادیان توسط هود (ع) به خاطر ساختن بناهایی بی فایده و بازیگرانه

أتبنون بکلّ ریع ءایه تعبثون

استفهام در <أتنبون> برای توبیخ و سرزنش است.

ترک کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۸ - ۲

۲ - موسی (ع) ، پس از حادثه قتل مرد قبطی به کاخ فرعون بازنگشت .

فأصبح فی المدینه

تعدد درهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیـا مصـر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شـده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹

مؤید احتمال اول می باشد.

دربهای کاخ زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۶،۷

۶ زلیخا برای کام جویی از یوسف (ع) و رسیدن به وصال او ، درب های قصرش را قفل کرد و او را به سوی خویش فرا خواند .

رودته . .. و غلّقت الأبوب و قالت هیت لك

<تغلیق> (مصدر غلّقت) به معنای قفل کردن است. <هیت لك> اسم فعل امر و به معنای <بیا> می باشد.

۷ قصر زلیخا ، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود .

و غلّقت الأبوب

به کارگیری باب تفعیل ، برای بیان قفل زدن دربها (غلّقت الأبواب) می تواند حاکی از شدت مبالغه باشد ; یعنی ، دربها را با قفلها و پشت بندها محکم بست ، و می تواند بر کثرت دربها دلالت داشته باشد. برداشت فوق ، ناظر به دومین معناست.

شیشه های کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳،۴،۶

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قواریر

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قواریر>) مرادف شیشه و آبگینه است; یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۶ – اقدام سلیمان (ع) به تصحیح خطای دید بلقیس در آب پنداشتن شیشه های مفروش

حسبته لجّه .

.. قال إنّه صرح ممرّد من قوارير

عظمت كاخ سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳

۳ - قصر سليمان ، قصرى مجلل و با شكوه ، با صحنى مفروش از آبگينه هاى آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قوارير

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قوارير>) مرادف شيشه و آبگينه است; يعنى، اين صحن از آبگينه صاف، مفروش شده است.

عوامل كاخ سازى قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۵

۵ - غفلت از مرگ و پندار جاودانگى در دنيا ، عامل روى آورى عاديان به كاخ سازى ، تجمل گرايى و بيهودگى

أتبنون . .. تعبثون . و تتّخذون مصانع لعلّكم تخلدون

تعبير <لعلّكم تخلدون> بيانگر اين معنا است كه: كار شما طورى است كه گويا از مرگ و ناپايدارى زندگى دنيوى، غافل شده ايد و مى پنداريد كه هميشه در اين دنيا خواهيد ماند.

كاخ بلورين سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۲۸

۲ - جلوه نمودن صحن بلورين قصر سليمان به شكل آبگيرى ژرف در نظر بلقيس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل بركه، آبگير و استخرى است كه آب زيادى در آن ايستاده باشد. بر اين اساس معناى آيه چنين مى شود: چون

نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۸ – صحن شیشه ای آب نما ، یکی دیگر از نشانه های شگفت سلیمان (ع) برای بلقیس

قیل لها ادخلی الصرح . .. و کشفت عن ساقیها

قال إنّه صرح ممرّد من قوارير

کاخ سازی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۳ - ۲

۲ - جنّیان برای سلیمان (ع) ، طبق خواست او قصرهایی می ساختند .

یعملون له ما یشاء من محریب

<محاریب> جمع <محراب> (از ریشه <حرب>) است و آن به جایی گفته می شود که محل جنگ با دشمن است. این واژه، به قصرهایی اطلاق می شده که بر بالای آنها، جایگاه مخصوصی برای دفاع ساخته می شده است.

کاخ سازی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ فرعون و مردمانش در طول حکومتشان ، همواره در پی ساختن کاخ ها و خوش نشین های سایه افکن بودند .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<ما> در <ما کانوا> موصول است و مراد از آن به دلیل <یعرشون>، عرش و عریش (سایبان) است. بنابراین <ما کانوا یعرشون> یعنی سایبانهایی که آنها را ساخته بودند. فعل <یصنع> و <یعرشون> که به همراه <کان> و <کانوا> آمده، دلالت می کند که فرعونیان پیوسته کاخ و سایبان می ساختند ; یعنی دارای کاخها و خوش نشینهای فراوان بودند.

کاخ سازی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۵

۱۵ فرعون و مردمانش در طول حکومتشان ، همواره در پی ساختن کاخ ها و خوش نشین های سایه افکن بودند .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<ما> در <ما كانوا> موصول است و

مراد از آن به دلیل <یعرشون>، عرش و عریش (سایبان) است. بنابراین <ما کانوا یعرشون> یعنی سایبانهایی که آنها را ساخته بودند. فعل <یصنع> و <یعرشون> که به همراه <کان> و <کانوا> آمده، دلالت می کند که فرعونیان پیوسته کاخ و سایبان می ساختند ; یعنی دارای کاخها و خوش نشینهای فراوان بودند.

کاخ سازی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۸ - ۱

۱ - قوم عاد ، برپا کننده برج های عظیم بر فراز بلندی ها و ارتفاعات

أتبنون بكلّ ريع ءايه تعبثون

<بناء> (مصدر <تبنون>) مقابل <هدم> (خراب کردن) است; یعنی، درست کردن و ساختن. <با> در <بکلّ ریع> مرادف <علی> (بر روی) می باشد. <ریع> به هر جای بلند و مرتفع (تپه) گفته می شود. <آیه> در اصل به معنای نشانه است و نکره آمدنش برای بیان عظمت آن است و در این جا مراد از آن به قرینه <أتبنون...>، برج های عظیم و بلند است.

کاخ نشینی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۴

۴ - سرزنش عادیان از سوی هود (ع) ، به خاطر احداث قصر ها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتّخذون مصانع لعلّكم تخلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۷ - ۴

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشنیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلّا خلق الأوّلين

برداشت یاد شده بدان احتمال است

که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأوّلین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

محمد(ص) و کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۸،۹

۸ تعلق نگرفتن مشیت خداوند بر برخورداری پیامبر (ص) از زندگی مرفه و کاخ نشینی

تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت تجری من تحتها الأنهر و یجعل لک قصور

۹ زندگی مرفه و کاخ نشینی ، دور از شأن پیامبر (ص) و برخلاف مصلحت او بود .

تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک قصورًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند با آن که فرمود: من قادر به اعطای بوستان های آباد و کاخ های متعدد به پیامبر(ص) هستم در عین حال به آن حضرت اعطا نفرمود و این می رساند که چنین کاری درخور شأن پیامبر(ص) آن گونه که مشرکان و کافران فکر می کردند و یا به مصلحت آن حضرت نبود.

ملکه سبأ در کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۲ - ۱

۱ - ورود ملکه سبا به بارگاه سلیمان

فلمّا جاءت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۱،۲،۴،۵

۱ - اذن یافتن ملکه سبا برای ورود به صحن و سرای قصر سلیمان

قیل لها ادخلی الصرح

<صرح> به معنای قصر و نیز به معنای صحن و ساحت می آید. در آیه یاد شده به قرینه

جمله بعد (حسبته لجّه) معنای دوم (صحن) مراد است; زیرا اطلاق <لجّه> بر قصر درست نمی نماید.

۲ - جلوه نمودن صحن بلورین قصر سلیمان به شکل آبگیری ژرف در نظر بلقیس

فلمّا رأته حسبته لجّه

<لجّه> معادل برکه، آبگیر و استخری است که آب زیادی در آن ایستاده باشد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: چون نگاه بلقیس به صحن افتاد، گمان کرد که آبگیری است پر از آب.

۴ - بلقیس ، برای عبور از آبگینه های آب نما ، دامن برکشید و ساق های پایش نمایان شد .

فلمّا رأته حسبته لجّه و کشفت عن ساقیها

۵ - سلیمان (ع) ، ناظر عکس العمل بلقیس ، در مواجهه با آبگینه های آب نما

و کشفت عن ساقیها قال إنّه صرح

مراد از ضمیر فاعل در <قال> سلیمان(ع) می باشد.

موانع کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ - گرایش به کاخ نشینی ، ناسازگار با اعتقاد دینی و پیروی از مکتب پیامبران

و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

موسی(ع) در کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۵ - ۲

۲ - واقع شدن کاخ فرعون و محل زندگی موسی (ع) در نقطه ای خارج از شهر مصر

و دخل المدینه

با توجه به این که موسی(ع) در آن زمان پیش فرعون و در کاخ وی زندگی می کرد، تعبیر <دخل المدینه> نشان می دهد که قصر فرعون در محلی بیرون از شهر مصر واقع شده بود.

موقعیت جغرافیایی کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۱ – ۱۰

۱۰ – کاخ فرعون ، مشرف و مسلط بر جریان رود نیل *

و هذه الأنهر تجری من تحتی

موقعیت کاخ فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۵ – ۲

۲ – واقع شدن کاخ فرعون و محل زندگی موسی (ع) در نقطه ای خارج از شهر مصر

و دخل المدینه

با توجه به این که موسـی(ع) در آن زمان پیش فرعون و در کاخ وی زنـدگی می کرد، تعبیر <دخل المـدینه> نشان می دهد که قصر فرعون در محلی بیرون از شهر مصر واقع شده بود.

ویرانی کاخ فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۳۷ – ۱۶

۱۶ خداوند پس از هلاکت فرعونیان ، کاخ ها و خوش نشین های آنان را بکلی ویران کرد .

و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه و ما کانوا یعرشون

<تدمیر> (مصدر دمرنا) به معنای نابودن کردن است.

ویژگیهای کاخ زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۳ – ۷

۷ قصر زلیخا ، قصری مجلل و دارای درب های فراوان و متعدد بود .

و غلّقت الأبوب

به کار گیری باب تفعیل ، برای بیان قفل زدن دربها (غلّقت الأبواب) می توانـد حاکی از شـدت مبالغه باشد ; یعنی ، دربها را با قفلها و پشت بندها محکم بست ، و می تواند بر کثرت دربها دلالت داشته باشد. برداشت فوق ، ناظر به دومین معناست.

ویژگیهای کاخ سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۳

۳ - قصر سلیمان ، قصری مجلل و با شکوه ، با صحنی مفروش از آبگینه های آب نما

قال إنّه صرح ممرّد من قوارير

<ممرّد> معادل صاف و <قاروره> (مفرد <قوارير>) مرادف شیشه و آبگینه است; یعنی، این صحن از آبگینه صاف، مفروش شده است.

ویژگیهای کاخ فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۱ - ۹،۱۰

۹ - آب های زراعی و آشامیدنی مردم مصر ، از قصر و اراضی فرعون عبور می کرده است . *

و هذه الأنهر تجری من تحتی أفلاتبصرون

۱۰ - کاخ فرعون ، مشرف و مسلط بر جریان رود نیل *

و هذه الأنهر تجری من تحتی

ویژگیهای کاخ یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۷ - ۳

۳ دربار یوسف (ع) ، دارای دربهایی متعدد برای ورود و خروج مراجعه کنندگان *

لاتدخلوا من باب وحد وادخلوا من أبوب متفرقه

در اینکه مراد از مفعول <ادخلوا> چیست ، آیا مصر است و یا بارگاه یوسف؟ دو نظر ابراز شده است. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است. قابل ذکر است که تکرار <لما دخلوا> در آیه ۶۹ مؤید احتمال اول می باشد.

کاخ نشینی

کاخ نشینی قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۲۹ – ۴

۴ – سرزنش عادیان از سوی هود (ع) ، به خاطر احداث قصر ها و روحیه کاخ نشینی آنان

و تتّخذون مصانع لعلّكم تخلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء

۴ - ۱۳۷ - ۲۶ -

۴ - عادیان شیوه زندگی خویش (برج سازی ، کاخ نشینی و . . .) را ، سنتی برجای مانده از پیشنیان خود اعلام کردند .

إن هذا إلاّ خلق الأوّلین

برداشت یاد شده بدان احتمال است که کلمه <هذا> اشاره به رفتار عادیان داشته باشد. بر این اساس مراد از <خلق الأوّلین>، شیوه نیاکان خود آنان است.

محمد(ص) و کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۹،۸

۸ تعلق نگرفتن مشیت خداوند بر برخورداری پیامبر (ص) از زندگی مرفه و کاخ نشینی

تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت تجری من تحتها الأنهر و یجعل لک قصور

۹ زندگی مرفه و کاخ نشینی ، دور از شأن پیامبر (ص) و برخلاف مصلحت او بود .

تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت . .. و یجعل لک قصورًا

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند با آن که فرمود: من قادر به اعطای بوستان های آباد و کاخ های متعدد به پیامبر(ص) هستم در عین حال به آن حضرت اعطا نفرمود و این می رساند که چنین کاری درخور شأن پیامبر(ص) آن گونه که مشرکان و کافران فکر می کردند و یا به مصلحت آن حضرت نبود.

موانع کاخ نشینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۹ - ۶

۶ - گرایش به کاخ نشینی ، ناسازگار با اعتقاد دینی و پیروی از مکتب پیامبران

و تتّخذون مصانع لعلّکم تخلدون

کار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کار

آثار بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۸

۸ - انجام کار ها با نام خدا ، مایه جلب رحمت اوست .

بسم اللّه الرحمن الرحیم

توصیه به انجام دادن کارها با نام خدا و تذکر به رحمانیت و رحیمیت او به عنوان حکمت این توصیه، گویای این است که نام خدا در کارها، موجب جلب رحمت الهی و در نتیجه به کمال رسیدن آن کارهاست.

آثار تقسیم کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان ، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور ، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فالمقسّمت أمرًا

آثار کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۶

۶ - وجود خطر غافل شدن از یاد خدا ، در کسب و کار و خرید و فروش

و ابتغوا من فضل اللّه و اذکروا اللّه کثیرًا

آداب کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۳

۳ - لزوم آغاز کردن کار ها با نام خدا و گفتن < بسم اللّه >

بسم اللّه

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با <بسم اللّه> آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای خود را با <بسم اللّه> شروع کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۹ - ۲۹

۲۹ لزوم توجّه به نقش تعیین کننده

خداوند برای موفقیّت در امور ، حتّی پس از مشورت و تصمیم گیری نهایی بر انجام کارها

و شاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکّل علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ ضرورت توأم بودن حرکت و تلاش با توکل بر خدا

ادخلوا علیهم الباب . .. و علی اللّه فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ خداوند ، همواره باید محور حرکت ها و برنامه های مؤمنان باشد .

اتقوا اللّه و ابتغوا إلیه الوسیله و جهدوا فی سبیله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۲

۲ - تبرک جستن به نام خداوند در همه امور ، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۰ - ۵

۵ - ذکر و یاد فراوان خدا ، به هنگام کسب و کار و خرید و فروش ، توصیه الهی به مؤمنان

و ابتغوا من فضل اللّه و اذکروا اللّه کثیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۸ - ۲

۲ – لزوم ذکر و یادکردن پروردگار در ضمن تلاش گسترده روزانه

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلًا . و اذکر اسم ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱ – ۵

۵ – آغاز کار ها با نام خدا ، شایسته و مطلوب است .

اقرأ باسم ربّک

توصیه به آغاز قرائت قرآن با

نـام خـدا و مطرح شـدن ذکر نـام او در اولین خطاب الهی به پیامبر(ص)، نشانگر اهمیت آن است و این نکته را به مخاطب القا می کند که نام خداوند، باید سرآغاز هر کاری قرار گیرد.

اجرت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۷

۱۷ عرف ، میزانی در تعیین مقدار مزد کارها

اتوهُنّ اجورهنّ بالمعروف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۹

۹ کاستن از اجر و مزد کار دیگران ، حتی به کمترین مقدار ستم است .

و من یعمل من الصلحت . .. یدخلون الجنه و لایظلمون نقیراً

خداوند، کاستن از پاداش را هر چند بسیار اندک باشد، ظلم دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۹

۱۹ پرداخت مزد کار ها به کمتر از مقدار استحقاق ، ستمکاری است .

یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

<توفیه> مصـدر <یوف> به معنـای پرداخت کامـل و تمام است و جمله <أنتم لاتظلمون> حال برای ضـمیر در <إلیکم> است. مفهوم این دو جمله همان است که در برداشت فوق آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملين عليها

برداشت فوق بـدين احتمال است كه اسـتحقاق اجرت در برابر كار، اختصاص به كار جمع آورى صدقات نداشـته باشد ; بلكه تمامى كارگزاران حكومت، مستحق

دریافت اجرت باشند.

۱۱ کار ، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند .

و العملین علیها

بـا توجه به اینکه برای کـار گزاران امور صـدقات، سـهمی از آن قرار داده شـده و این سـهم در برابر کار آنان است چه نیازمند باشند چه بی نیاز برداشت فوق استفاده می شود.

ارزش کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۳

۳ ارزش و اهمیّت کسب و کار

ان تبتغوا فضلا من ربکم

به کار بردن کلمه <فضلا من ربکم> برای سود کسب و کار، حاکی از اهمیّت و ارزش آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۱ - ۳

۳ ارزش اقدام به فعالیت های روزانه از آغاز صبح *

و اذ غدوت من اهلك تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۱۳

۱۳ اعتبار عرف ، در تعیین مقدار ارزش کار

فلیاکل بالمعروف

کلمه <بالمعروف>، یعنی متعارف و مورد پسند مردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ کار ، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند .

و العملین علیها

با توجه به اینکه برای کارگزاران امور صدقات، سهمی از آن قرار داده شده و این سهم در برابر کار آنان است چه نیازمند باشند چه بی نیاز برداشت فوق استفاده می شود.

امیدواری در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۲ – ۲۱

۲۱ ضرورت امیدواری به فضل خدا ، در کنار کار و کوشش

للرّجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب . .. و سئلوا اللّه من فضله

جمله <للرجال . .. > تعلیل جمله سابق است ; یعنی آرزوی نعمت دیگران نکنید، بکله خود در به دست آوردن مال و منال تلاش کرده و به فضل خدا نیز امیدوار باشید.

اهمیت تقسیم کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۲ – ۵

۵ لزوم تقسیم کار و مسؤولیت ها در جامعه

و ما کان المؤمنون لینفروا کافه فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقهوا فی الدین

اهمیت مزد کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ لزوم پرداخت دستمزد و ثمره کار افراد ، بدون هیچ کم و کاست

نوفّ إلیهم أعملهم و هم فیها لایبخسون

جمله حالیه <و هم فیها لایبخسون> بیانگر علت التزام خداوند بر اعطای کامل ثمره کارها و تلاشهاست; یعنی ، چون روا نیست که در اعطای حق دیگران کم و کاست شود ، خداوند نتیجه اعمال انسانها را به طور کامل به آنها ادا می کند.

بسمله در کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۱ – ۳

۳ - لزوم آغاز کردن کار ها با نام خدا و گفتن < بسم اللّه >

بسم اللّه

از آنجا که قرآن کتاب هدایت است و سخن خویش را با <بسم اللّه> آغاز کرده این نکته را به مخاطبانش القا می کند که کارهای

خود را با <بسم اللّه> شروع کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۸ – ۲

۲ – تبرک جستن به نام خداوند در همه امور ، امری شایسته و پسندیده

تبرک اسم ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱ – ۵

۵ – آغاز کار ها با نام خدا ، شایسته و مطلوب است .

اقرأ باسم ربّک

توصیه به آغاز قرائت قرآن با نام خدا و مطرح شدن ذکر نام او در اولین خطاب الهی به پیامبر(ص)، نشانگر اهمیت آن است و این نکته را به مخاطب القا می کند که نام خداوند، باید سرآغاز هر کاری قرار گیرد.

تشویق به کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۲۱

۲۱ تلاش برای تجارت و امرار معاش ، امری پسندیده و مورد ترغیب خداوند

یبتغون فضلا من ربهم

از اینکه تجارت و به دست آوردن درآمدهای مادی در ردیف جلب رضایت الهی قرار گرفته است، برداشت فوق به دست می آید.

حرمت کار در شنبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۵ – ۱

۱ - کار و فعالیت در روز شنبه برای بنی اسرائیل حرام بود .

و لقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت

<سبت> به معنای قطع عمل، سکون و استراحت است که از آن به تعطیلی تعبیر می کنیم. <اعتداء> (مصدر اعتدوا) به معنای تجاوز و تخلف می باشد.

زمینه ذکر بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق

- ۹۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ - توجّه به خالقیت خداوند و ربوبیت او ، برانگیزاننده انسان به همراه ساختن کار ها با ذکر نام او است .

اقرأ باسم ربّک الذی خلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۲ - ۴

۴ - آگاهی از قدرت خداوند بر آفرینش انسان از خون لخته ، زمینه ساز توجه به او در آغاز هر کار است .

اقرأ باسم ربّک . .. خلق الإنسن من علق

فلسفه بسمله در کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۱ - ۷

۷ - رحمت گسترده خداوند و مهربانی او به بندگان ، دلیل لزوم انجام کار ها با نام او

بسم اللّه الرحمن الرحیم

توصیف <اللّه> به رحمان و رحیم پس از اشاره به لزوم انجام کارها با نام خدا، گویای حکمت این دستور است ; یعنی، چون خدا رحمان و رحیم است، کارها را با نام او آغاز کنید.

کار انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۴

۴ - کار و تبلیغ ، آمیخته به یکدیگر در زندگی پیامبران

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که حضرت نوح(ع) شخصاً مأمور ساختن کشتی شد.

کار در حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۸ - ۱

۱ جواز کسب و کار ، در هنگام انجام مناسک حج

الحج اشهر معلومات . .. لیس علیکم جناح ان تبتغوا فضلا

جمله <لیس علیکم . ..>، ناظر به

کسب و کـار در حـج و هنگـام انجـام مناسـک است ; به دلیـل وقوع آن در بین احکـام حـج. علاوه بر اینکه کسب و کار در زمانهای دیگر، محل شبهه نیست تا نفی و یا اثبات شود.

مالک کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۹ – ۴

۴ – انسان ، مالک عمل و دستاورد تلاش خویش *

و أن لیس للإنسن إلّا ما سعی

لام در <للإنسان> برای ملکیت است و <سعی> تمامی فعالیت های آدمی را شامل می شود.

مزد کار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۱۵،۱۶

۱۵– تعیین مقدار اجرت ، پس از انجام کار صحیح و نافذ است .

لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

۱۶– دریافت اجرت در برابر کاری که بدون درخواست کارفرما انجام گیرد ، جایز است .

لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

مزد کار در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۷ – ۱۴

۱۴– نظام کارمزدی ، در زمان موسی (ع) وجود داشته است .

قال لو شئت لتّخذت علیه أجرًا

مقدار کار در جعاله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۳

۱۳ در صحت جعاله ، معین بودن مقدار عملیاتی که برای انجام کار مورد جعاله لازم است ، شرط نیست .

و لمن جاء به حمل بعیر

از آن جا که مشخص نبود پیدا کردن جام مفقود شده چه مقدار کار خواهد برد ، می توان گفت: در قرارداد <جعاله> جهل به مقدار کار به

صحت آن ضرر نمی زند.

وقت کار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۷ - ۱

۱ - شب ، فرصتی مناسب برای عبادت و راز و نیاز به درگاه الهی و روز ، زمانی شایسته برای تلاش و رسیدگی به امور زندگی

إنّ لک فی النهار سبحًا طویلًا

<سبح> در معانی متعددی به کار می رود; از جمله سعی و تلاش برای معاش (قاموس المحیط). جمله <إنّ لک فی النهار>، تعلیل دیگری برای <قم اللیل>است; یعنی، چون در روز به خاطر تلاش طولانی برای معاش، فرصت و فراغت برای مناجات و عبادت نیست، شب را برای این کار اختصاص بده.

کسب

احکام کسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمناً قلیلا أولئک . .. لایکلمهم اللّه ... و لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۸

۸ حرمت روش کسب مال ، همواره ملازم حرمت تصرف در مال به دست آمده نیست . *

ما کان لنبی أن یکون له أسری . .. فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۲۲،۲۳

۲۲ – سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن

تحصّنًا لتبتغوا عرض الحيوه الدنيا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید; زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

ارزش کسب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۹ - ۸

۸ - شرکت در نماز جمعه و پرداختن به ذکر خدا ، بسی ارزشمندتر از کسب مال و سایر منافع دنیوی

فاسعوا إلی ذکر اللّه و ذروا البیع ذلکم خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند اللّه خیر من اللهو و من التجره

حرمت کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمناً قلیلا أولئک . .. لایکلمهم اللّه ... و لهم عذاب الیم

راههای کسب در جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۲۴

۲۴ – واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی جهت کسب در آمد و رفاه

بیشتر ، امری رایج در جاهلیت

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء . .. لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

زمینه کسب قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لإیلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد; می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

کسب با بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قلیلا> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قلیلا

ظاهر این است که <قلیلا> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قلیلا> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کسب با دروغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۸ – ۱۵

۱۵ – < روی عن ابی جعفر (ع) انه یعنی بالباطل الیمین الکاذبه

يقتطع بها الأموال ;

از امام باقر(ع) درباره <باطل> در آيه فوق روايت شده كه: مراد، سوگند دروغ است كه موجب به دست آوردن مال مى شود (يعنى تحصيل مال باقسم دروغ اكل مال به باطل است)>.

كسب با دين سازى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - درآمد هاى به دست آمده از راه دين سازى و بدعتگذارى ، حرام و موجب عذاب الهى خواهد شد .

و ويل لهم مما يكسبون

مراد از <ما>ى موصوله در <مما يكسبون> مى تواند درآمدهايى باشد كه عبارت <ليشتروا به ثمناً قليلا> آن را بيان داشت و نيز مى تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۲ - هر درآمدى كه از طريق بدعتگذارى و دين سازى به دست آيد - هر چند فراوان باشد - ناچيز و بى ارزش است .

ليشتروا به ثمناً قليلا

ظاهر اين است كه <قليلا> صفت توضيحى براى <ثمناً> باشد. بنابراين <ثمناً قليلا> به اين معناست كه: هر ثمنى در قبال دين سازى گرفته شود، ناچيز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

كسب با زنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشى ، حرام است .

و لاتكرهوا فتيتكم على البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحيوه الدنيا

برداشت ياد شده از انتزاع از مورد آيه (كنيزان) به دست مى آيد; زيرا از ظاهر آيه شريفه چنين به دست مى آيد كه مورد آن

خصوصیتی ندارد.

کسب با محرمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۴

۱۴ - حرمت درآمد ها و اموال به دست آمده در مقابل انجام کار های حرام

و ویل لهم مما یکسبون

کسب بی ارزش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ - هر درآمدی که از طریق بدعتگذاری و دین سازی به دست آید - هر چند فراوان باشد - ناچیز و بی ارزش است .

لیشتروا به ثمناً قلیلا

ظاهر این است که <قلیلا> صفت توضیحی برای <ثمناً> باشد. بنابراین <ثمناً قلیلا> به این معناست که: هر ثمنی در قبال دین سازی گرفته شود، ناچیز است هر چند به ظاهر فراوان باشد.

کسب حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۱،۱۴

۱۱ - درآمد های به دست آمده از راه دین سازی و بدعتگذاری ، حرام و موجب عذاب الهی خواهد شد .

و ویل لهم مما یکسبون

مراد از <ما>ی موصوله در <مما یکسبون> می تواند درآمدهایی باشد که عبارت <لیشتروا به ثمناً قلیلا> آن را بیان داشت و نیز می تواند منظور از آن مطلق اعمال و رفتار ناپسند باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال اول است.

۱۴ - حرمت درآمد ها و اموال به دست آمده در مقابل انجام کار های حرام

و ویل لهم مما یکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۶

۶ حرمت به دست آوردن مال با اسباب باطل و غیر مشروع

و أکلهم أمول

الناس بالبطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۹ - ۸

۸ حرمت روش کسب مال ، همواره ملازم حرمت تصرف در مال به دست آمده نیست . *

ما کان لنبی أن یکون له أسری . .. فلکوا مما غنمتم حللا طیبا

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۲،۲۳

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۲۳ - سود و درآمد به دست آمده از راه اشاعه فحشا و خودفروشی ، حرام است .

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

برداشت یاد شده از انتزاع از مورد آیه (کنیزان) به دست می آید; زیرا از ظاهر آیه شریفه چنین به دست می آید که مورد آن خصوصیتی ندارد.

کسب روزی حلال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ - قال رسول اللّه (ص) : . . . یابن مسعود قول اللّه . . . < و لنبلونکم بشیء من الخوف . . . و بشر الصابرین > قلنا یا رسول اللّه فمن الصابرون ؟ قال : الذین یصبرون علی طاعه اللّه واجتنبوا معصیه ، الذین کسبوا طیباً و انفقوا قصداً و

قدموا فضلا فافلحوا . . . ;

از رسول خدا(ص) روایت شده . .. که فرمود: ای پسر مسعود ... سخن خداوند است: <و لنبلونکم بشیء من الخوف ... و بشر الصابرین>، به آن حضرت عرض کردیم: صابران چه کسانی هستند؟ فرمود: کسانی که بر اطاعت خدا صبر می نمایند و از گناهان دوری کرده اند، کسانی که روزی پاکیزه کسب کرده و در انفاق میانه رو هستند و زیادی درآمد خود را انفاق نموده اند، پس آنان رستگار گشته اند.

کسب مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۱۵،۱۷

۱۵ کسب مال و تجارت به هنگام سفر بسوی خانه خدا ، امری مشروع و مجاز بر حاجیان و معتمران

ءآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم

چنانچه مراد از <فضلا> رزق و روزی و درآمدهای مادی باشد، ابتغاء فضل به معنای کسب درآمد به وسیله تجارت و مانند آن است.

۱۷ دستیابی مردم به روزی و درآمد های مادی ، پرتوی از ربوبیت خداوند نسبت به آنان

یبتغون فضلا من ربهم

کسب مال حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۲،۳،۴

۲ دنیاگرایان یهود ، علی رغم ادعای اعتقاد به تورات و دسترسی به آن ، از راه های نامشروع به مال و منال دنیا چنگ می زدند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <ورثوا الکتب> (تورات را به ارث بردند) اشاره به دو معنا دارد که هر دو در سرزنش دنیاگرایان یهود دخیل است: دسترسی به تورات داشتند ; مدعی اعتقاد به آن

بودند.

۳ دنیاگرایان یهود خود به گناه دنیاگرایی و کسب مال و منال از راه های ناروا معترف بودند .

یأخذون عرض هذا الأدنی و یقولون سیغفر لنا

جمله <سیغفر لنا> (آمرزیده خواهیم شد)، اعتراف یهودیان دنیاگرا به گنهکاری خویش و بیانگر این است که جمله <یأخذون . .. > ناظر به کسب مال از راههای نامشروع است.

۴ دنیاگرایان یهود به گناه خویش (دستیابی به مال و منال دنیا از راه های نامشروع) ، اصرار میورزیدند .

و إن یأتهم عرض مثله یأخذوه

جمله <و إن یأتهم . .. > (اگر مال و منال دنیا در مرتبه و زمانی دیگر به آنان روی می آورد از گرفتن آن دریغ نداشتند)، اشاره به اصرار یهودیان دنیاگرا به گناه کسب درآمدهای نامشروع دارد.

کسب نور در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۳ - ۹

۹ - کسب کردن نور از دیگران در قیامت ، در صورتی که انسان نور نداشته باشد ، ممکن نیست .

یوم یقول المنفقون . .. قیل ارجعوا وراءکم فالتمسوا نورًا

کیفر کسب نامشروع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۹

۱۹ - کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمناً قلیلا أولئک . .. لایکلمهم اللّه ... و لهم عذاب الیم

منابع کسب در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۳

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع

) از منابع درامد بود .

فكانت لمسكين يعملون فى البحر

منابع كسب مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - كشاورزى و دامدارى ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لكم و لأنعمكم

کارگر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

كارگر

امانتدارى كارگر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۸

۸ - لزوم معيار قرار دادن توانايى و امانت در گزينش و استخدام كارگران ، مديران و كارگزاران

إنّ خير من استئجرت القوىّ الأمين

جمله <إنّ خير من استئجرت. ..> تعليل براى <استأجره> مى باشد و با توجه به اين كه تعليل مفيد تعميم است، مطلب ياد شده از آن استفاده مى شود.

پرداخت مزد كارگر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ لزوم پرداخت دستمزد و ثمره كار افراد ، بدون هيچ كم و كاست

نوفّ إليهم أعملهم و هم فيها لايبخسون

جمله حـاليه <و هم فيهـا لاـيبخسون> بيـانگر علت التزام خداونـد بر اعطاى كامل ثمره كارها و تلاشـهاست; يعنى ، چون روا نيست كه در اعطاى حق ديگران كم و كاست شود ، خداوند نتيجه اعمال انسانها را به طور كامل به آنها ادا مى كند.

حقوق كارگر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۵

۱۵ ندادن اجر كامل در برابر عمل ، ظلم است .

و اللّه لا يحبّ الظالمين

بنابراينكه جمله <و اللّه لا يحب الظالمين>، تعليل براى جمله <فيوفّيهم اجورهم> باشد.

روش برخورد با كارگر

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۴

۱۴ – لزوم مدارا کردن با اجیر و پرهیز از سخت گرفتن بر وی در کار

و ما أُرید أن أشقّ علیک

شرایط استخدام کارگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۸

۸ – لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

جمله <إنّ خیر من استئجرت. ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

قدرت کارگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۸

۸ – لزوم معیار قرار دادن توانایی و امانت در گزینش و استخدام کارگران ، مدیران و کارگزاران

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

جمله <إنّ خیر من استئجرت. ..> تعلیل برای <استأجره> می باشد و با توجه به این که تعلیل مفید تعمیم است، مطلب یاد شده از آن استفاده می شود.

مدارا با کارگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۴

۱۴ – لزوم مدارا کردن با اجیر و پرهیز از سخت گرفتن بر وی در کار

و ما أُرید أن أشقّ علیك

کارگران

اجرت کارگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۰ – ۱۱

۱۱ کار ، دارای بها و ارزش است و کارکنان مستحق مزد در برابر کار خویشند .

و العملین علیها

با توجه به اینکه برای کارگزاران

امور صـدقات، سـهمی از آن قرار داده شـده و این سـهم در برابر کـار آنـان است چه نیازمنـد باشـند چه بی نیـاز برداشت فوق استفاده می شود.

کارگزاران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اجرت کارگزاران جامعه اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ کارگزاران حکومت و ارائه کنندگان خدمات به جامعه اسلامی ، دارای استحقاق دریافت اجرت در قبال عمل خویش

إنما الصدقت للفقراء . .. و العملین علیها

برداشت فوق بـدین احتمال است که اسـتحقاق اجرت در برابر کار، اختصاص به کار جمع آوری صدقات نداشـته باشد ; بلکه تمامی کارگزاران حکومت، مستحق دریافت اجرت باشند.

اذیتهای کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظلمین

تکرار درخواست نجات (و نجّنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

استقامت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۲

۲ - مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند ، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزاند .

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... کذّب و تولّی ... فلیدع نادیه. سندع الزبانیه

استهزاهای اخروی کارگزاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۳

۳ – سخن ملامت بار و استهزاآمیز

مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هـذه النار. ..>، می توانـد گفتار الهی و یا سـخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

امانتداری کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت دارِی منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی . .. مکین أمین

بازدید از کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدیـد از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جسـتوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشـتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

برادران یوسف و کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۱

۱ فرزنـدان یعقوب در حضور یوسف (ع) و کارگزارانش ، بر منزه بودنشان از سـرقت و نداشـتن قصد فسادگری و خرابکاری در مصر ، سوگند یاد کردند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

گرچه مقسم علیه (آنچه بر انجام آن سوگند یاد می شود) در آیه شریفه <لقد علمتم> است ; ولی در حقیقت <ما جئنا ..> .

مقسم علیه می باشد. بنابراین معنای جمله چنین می شود: به خدا سوگند که ما برای فساد به مصر نیامده ایم و هرگز سارق نبوده ایم و شما این حقیقت را به خوبی دانستید.

برخورد اخروی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۴

۴ - دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبه خاطئه . .. سندع الزبانیه

بی شماری کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ - خداوند ، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما یعلم جنود ربّک إلّا هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد; یعنی، بر اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

تحلیل کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۰ – ۱

۱ به قدرت رساندن بنی اسرائیل برای برچیدن نظام فرعونی ، تحلیل اشراف دربار از پیشنهاد موسی (رهاسازی بنی اسرائیل)

فأرسل معی بنی إسراءیل . .. یرید أن یخرجکم من أرضکم

تصمیم کارگزاران عزیز مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸

- یوسف - ۱۲ - ۳۵ - ۲

۲ تصمیم قاطع دولت مردان مصر بر زندانی ساختن یوسف (ع) ، جهت رهایی از بحران و حفظ حیثیت دربار

ثم بدا لهم . .. لیسجننه

تعداد کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را ، کسی جز خدا نمی داند .

و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو

مقصود از <جنود> مطابق نظر مفسران فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

تکریمهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفّت بار خواهند داشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. و أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره

تهمتهای کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۵،۶

۵ کارگزاران یوسف (ع) بر اثر نیافتن آبخوری مخصوص ، فرزندان یعقوب را به دزدیدن آن متهم کردند .

جعل السقایه فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

۶ یکی از کارگزاران یوسف با مخاطب قرار دادن قافله فرزندان یعقوب ، اتهام سرقت را به آنان اعلام کرد .

ثم أذّن مؤذّن أيّتها العير إنكم لسرقون

<عیر> به مجموعه افراد قافله و شترانی که بار و بنه آنان را حمل می کنند، گفته می شود. این کلمه

مرادف کاروان و قافله در فارسی است. <اذان> به معنای اعلام کردن است و <تأذین> مصدر <أذّن> به معنای کثرت اعلام می باشد. بنابراین <أذّن مؤذّن ...> ; یعنی، اعلام کننده ای چندین بار اعلام کرد.

خواسته های کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۵

۵ سران دربار فرعون از وی خواستند با تأخیر مجازات موسی و هارون موافقت کرده و ساحران زبردست و کاردان را از اطراف و اکناف احضار کند .

و أرسل فی المدائن حشرین

<حشرین> به معنای جمع کنندگان و کوچ دهندگان است و مفعول آن به قرینه آیه قبل و بعد <ساحرین> می باشد و خود <حشرین> مفعول برای <أرسل> است. بنابراین جمله <أرسل ... > یعنی: نیروهایی را برای جمع آوری و گسیل ساحران بسیج کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۲ - ۳

۳ احضار همه ساحران زبردست برای مبارزه با موسی (ع) ، درخواست اشرافیان دربار فرعون از فرعون

یأتوک بکل سحر علیم

خواسته های کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۲

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

درخواست نجات از کارگزاران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۱

۱۰ – همسر فرعون ، از خداوند خواستار نجات خود از شرّ مردم ستمگر (قبطیان و کارگزاران فرعون)

و نجّنی من القوم الظلمین

دشمنی کارگزاران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۳ – ۶

۶ رؤسا و اشرافِ قوم موسی ، دشمنان او و وابسته به حکومت فرعون بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم

روش برخورد با کارگزاران حکومت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۸

۸ – بازدید از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

روش برخورد کارگزاران نامه عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۱۰ – ۵

۵ – واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفّت بار خواهند داشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. و أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره

سخت کوشی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زِبْنِیَه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبْن> به معنای <دفع>)؛ به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس).

اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار. ..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

سرزنشهای کارگزاران خدا خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۷ - ۲

۲ - مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

سرزنشهای کارگزاران نامه عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۰ - ۵

۵ - واگذارکنندگان نامه عمل به انسان ها در قیامت ، برخی را محترم شمرده و با گروهی دیگر برخوردی تحقیرآمیز و خفّت بار خواهند داشت .

فأمّا من أُوتی کتبه بیمینه . .. و أمّا من أُوتی کتبه وراء ظهره

شرایط گزینش کارگزاران حکومت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملک ائتونی به

أستخلصه لنفسى . .. مكين أمين

شكنجه های کارگزاران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – همسر فرعون ، افزون بر آزار دیدن از او ، از سوی کارگزاران نظام وی نیز تحت آزار و شکنجه قرار داشت .

نجّنی من فرعون و عمله و نجّنی من القوم الظلمین

تکرار درخواست نجات (و نجّنی) درباره قوم ستمگر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

شورای کارگزاران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۰ – ۵

۵ انتخاب روش مبارزه با موسی پس از تصمیم به ساحر خواندن وی و تحلیل اهداف او (برچیدن حکومت فرعونی) ، از مسائل مطرح شده در جلسه مشورتی بزرگان دربار فرعون

فماذا تأمرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۱ – ۱،۲،۴

۱ مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از پیشنهاد های ارائه شده در جلسه مشورتی اشراف و سران حکومت فرعونی

قالوا أرجه و أخاه

پیشنهاد تأخیر در مجازات موسی و هارون حکایت از آن دارد که فرعون و یا برخی از اشراف دربار مجازات موسی و هارون را مطرح کرده بودند.

۲ تأخیر در مجازات موسی (ع) و برادرش هارون از مصوبات جلسه مشورتی سران و بزرگان دربار فرعون

قالوا أرجه و أخاه

<ه> در <أرجه> ضـمیری است که به صورت سـاکن قرائت شـده و مفعول <ارجِ> می باشـد. <ارجِ> فعل امر از مصـدر <ارجاء> (به تأخیر انداختن) است. مشتقات کلمه <ارجاء> گاهی با همزه استعمال می گردد و گاهی

همزه آن تبـدیل به یاء می شود. گفته می شود: اَرْجأ یُرْجی یُرْجی. قابل ذکر است که مراد از تأخیر انداختن، تأخیر در مجازات است.

۴ خنثی سازی معجزه موسـی (ع) با اسـتمداد از ساحران زبردست ، از آرای تصویب شـده از جلسه سـران و بزرگان حکومت فرعونیان

و أرسل فی المدائن حشرین

ظلم کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - قبطیان و کارگزاران فرعون ، مردمی ستمگر بودند .

و نجّنی من القوم الظلمین

غضب کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

کلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحریق

فرعون و کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است .

إنا فوقهم قهرون

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشـد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسـلط هستیم. و

این کنایه از سلطه کامل است.

قدرت کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ واگذار کننده منصب ، باید توانمندی و امانت داریِ منصب پذیر را احراز کند .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی . .. مکین أمین

کارگزاران جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

تکویر - ۸۱ - ۲۱ - ۲

۲ - جبرئیل در ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، تنها نبود و مأمورانی فرمان پذیر در اختیار داشت .

لقول رسول . .. مطاع

کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۳

۳ - وجود مأمورانی با گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید . کلّما أرادوا... أُعیدوا فیها

<اعیدوا> فعل مجهول و فاعل آن محذوف است و تقدیر آن با توجه به آیه پیش (لهم مقامع من حدید) چنین می شود: <کلّما أرادوا أن یرجوا. .. اعادتهم الخزنه بالمقامع فیها; اهل دوزخ هر وقت خواستند از دوزخ بیرون آیند مأموران دوزخ با گرزهای آهنین، آنان را به داخل دوزخ بازمی گردانند>.

کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ ملائکه، مجریان دقیق اراده قاهر خداوند هستند.

و یرسل علیکم حفظه . .. توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۴

۱۴ گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملئکه باسطوا أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۷ – ۵

۵- برخی از ملائکه ، پیام آوران و مجریان فرمان خداوندند .

فما خطبکم أيّها المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۸ – ۲

۲– اجرای فرمان های خداوند از وظایف و مسؤولیت های

فرشتگان

قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ – ۲

۲– مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۶

۶– فرشتگان ، مجریان و کارگزاران اوامر و مقدرات الهی اند .

إلاّ امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

با آنکه بی تردید مقدرات امور به دست خداست، در عین حال خداوند آن را به فرشتگان نسبت داد (قالوا . .. قدّرنا) و این می رساند که فرشتگان کارگزاران و مجریان اوامر و مقدّرات الهی اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۳ – ۲،۶

۲– فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنکم قوم منکرون . قالوا بل جئنک بما کانوا

۶– فرشتگان ، مجریان عذاب الهی بر قوم لوط بودند .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۴ – ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع) ، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند .

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۵

۵- فرشتگان ، کارگزاران خداوند هستند .

و هم بأمره یعملون

نظر به این که بسیاری از کارهای خداوند به وسیله فرشتگان انجام می گیرد (مانند قبض روح، عذاب، ابلاغ وحی به پیامبران و. ..) می توان گفت که مراد از <أمره> در رابطه با چنین کارهایی می باشد.

کارگزاران خدا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کارگزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

کارگزاران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۹ - ۱۲

۱۲ - افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کارگزاران او هستند .

لاتتبعوا خطوت الشيطن . .. إنما يأمركم ... أن تقولوا على اللّه ما لاتعلمون

کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۱ - ۶

۶ بسیج نیرو های حکومتی به تمامی شهر های تحت نفوذ فرعون ، طرح کارگزاران دربار برای گردآوری و احضار ساحران زبردست

و أرسل فی المدائن حشرین

<ال> در <المدائن> عهد ذهنی است و اشاره به شهرهای تحت نفوذ حکومت فرعون دارد.

زیرا معهود بین فرعون و اشراف دربار همان شهرهای کشور خودشان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۰ – ۱

۱ مأموران حکومت ، پس از دستور فرعون ، تمام ساحران چیره دست و ماهر را از اطراف و اکناف کشور فراخوانده و در پایتخت گرد آوردند .

و قال فرعون ائتونی بکل سحر علیم. فلما جاء السحره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۶ – ۳

۳ – هامان ، از کارگزاران و دستیاران اصلی دربار فرعون بود .

و قال فرعون یهمن ابن لی صرحًا

فرمان فرعون به هامان و انتخاب کردن او برای امر مهمی چون احداث بنای بلند و یا رصدخانه، می تواند حاکی از مطلب یاد شده باشد.

کارگزاران قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۹

۹ اصحاب اعراف دارای مرتبه ای والا در پیشگاه خداوند و از کارگزاران صحنه قیامت هستند .

قالوا . .. ادخلوا الجنه لا خوف علیکم و لا أنتم تحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۸ – ۱۳

۱۳ گواهان اعمال ، از کارگزاران صحنه قیامتند .

و یقول الأشهد . .. ألا لعنه الله علی الظلمین

کارگزاران یوسف و تدبیر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۴

۴ بی اطلاعی کارگزاران یوسف (ع) از طرح و نقشه وی (جاسازی کردن پیمانه در محموله بنیامین) برای جلوگیری از بازگشت بنیامین

جعل السقایه

فی رحل أخیه ثم أذّن مؤذّن

چنان چه کارگزاران یوسف(ع) از نقشه وی مطلع بودند، به سارق بودن فرزندان یعقوب تصریح و تأکید نمی کردند (إنکم لسارقون). همچنین از اینکه یوسف(ع) خود جام را در محموله بنیامین قرار داد، این معنا استفاده می شود که او نمی خواست دیگران از نقشه وی مطلع باشند.

کارگزاران یوسف(ع) و برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۳

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

کارگزاران یوسف(ع) و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ یوسف (ع) و کارگزارانش به هنگام اقتدار و حکومت در مصر ، از هر$ گونه ظلم و ستم اجتناب می کردند .

قال معاذ الله ان . .. إنا إذًا لظلمون

مقصود یوسف از ضمیرهای متکلم مع الغیر <نا> و <نحن> در حقایقی که مطرح

کرد (أن نأخذ . .. إنا إذًا لظالمون) خود او و کارگزارانش می باشد.

گفتگوی کارگزاران خدا با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار. ..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

مسوول عمل کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۷ - ۱۲

۱۲ - فرمان روایان ، مسؤول کردار زیردستان خود هستند .

لاتعذّبهم

تردیدی نیست که فرعون، در شکنجه کردن بنی اسرائیل مباشرت نداشته است; ولی در عین حال خداوند عذاب کردن بنی اسرائیل را به او نسبت داده است; زیرا فرعون سردمدار حکومت بوده و فرمان شکنجه را صادر می کرده است.

مسؤولیت کارگزاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - مجریان احکام الهی ، در صورت زیاده روی از حد عدالت و مقابله به مثل ، خود ستمگر و محروم از محبت خدا خواهند بود .

جزؤا سیّئه سیّئه مثلها . .. إنّه لایحبّ الظلمین

ممکن است <إنّه لایحبّ الظالمین> ناظر به قانون مقابله به مثل باشد.

مسؤولیت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور

کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

مشاوره کارگزاران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۹ - ۳

۳ اشراف و بزرگان قوم فرعون پس از تبادل نظر در جلسه مشورتی به این نتیجه رسیدند که موسی (ع) بدون هیچ تردید ساحری زبردست و معجزه وی سحر است .

قال الملأ من قوم فرعون إن هذا لسحر علیم

برداشت فوق بر اساس اولین احتمالی است که در توضیح فیش قبل درباره جمله <إن هذا . .. > بیان شد.

مغضوبان کارگزاران جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۲ - ۴

۴ - مأموران دورخ ، آکنده از خشم و نفرت نسبت به دوزخیان

کلّما أرادوا . .. و ذوقوا عذاب الحریق

نظارت بر کارگزاران حکومت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۸

۸ - بازدید از نیرو های تحت فرمان و کارگزاران ، جستوجو از احوال آنان ، نظارت دقیق بر کارهایشان و خویشتن داری در برخورد با آنها ، از اوصاف و وظایف فرماندهان سپاه و رهبران جامعه اسلامی .

و تفقّد الطیر فقال ما لی لأری الهدهد أم کان من الغائبین

نظارت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۲،۱۰

۲ - دسته های بازگردانده شده به دنیا ، تحت نظارت و کنترل مأموران الهی

و یوم نحشر. .. فهم یوزعون

<وزع>

(مصـدر مجهول <یوزعون>) به معنای ممنوع شـدن است. بنابراین عبارت <فهم یوزعون> اشاره دارد به این که: گروه های محشور شده، نمی توانند به میل خود هر طور خواستند عمل کنند. مأموران آنان را از متفرق شدن بازمی دارند.

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است . *

و یوم نحشر . .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶،۷

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

۷ - مأموران الهی برای ثبت اعمال ، همیشه در کنار انسان و ناظر بر اعمال او

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

نقش کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۸

۸ - ثبت اعمال خلق ، به وسیله مأموران الهی

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

با الغای خصوصیت از مورد آیه شریفه، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۹

۹ - نقش کارگزاران الهی ، در ثبت و ضبط اعمال آدمیان *

کتبنا . .. إنّا کنّا نستنسخ

ضمایر متکلم مع الغیر در این آیه، ممکن است از آن جهت به کار رفته باشد که خداوند، برنامه های خویش را در نظام تکوین، از طریق عوامل و کارگزارانش عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۵

۵ - نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إنّا> و <أعتدنا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان ، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور ، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فالمقسّمت أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۲

۲ - کردار هر انسان ، به وسیله مأموران الهی نگه داری می شود .

و إنّ عليكم لحفظين

مراد از <حفاظت> به قرینه آیات بعد نگهداری اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانيه

<زِبْنِيِه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

نقش کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۲ - ۴

۴ غلامان و کارگزارانی فراوان در استخدام یوسف (ع) برای توزین و توزیع آذوقه ها و دریافت بهای آنها

و قال لفتینه اجعلوا بضعتهم فی رحالهم

<فتیان> جمع فتی و

به معنای غلامان و جوانان است.

کارگزاران خدا

{کارگزاران خدا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۵

۵ نیرو و قدرت مؤمنان ، وسیله تحقق اراده الهی در نابودی و عذاب منافقان

أن یصیبکم اللّه بعذاب من عنده أو بأیدینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۱۴

۱۴ وجود وسایط و عوامل (شفیعان) برای خدا در تدبیر امور نظام هستی

یدبر الأمر ما من شفیع إلا من بعد إذنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ فرشتگان ، از عوامل و وسایط خداوند در تحقق خواست ها و مشیت های او در عالم طبیعتند .

و لقد جاءت رسلنا إبرهيم بالبشرى. .. فبشّرنها

ظاهر آن است كه فرشتگان به همسر ابراهيم خبر دادند كه: وى داراى فرزند خواهد شد; ولى خداوند با جمله <فبشرناها> (ما به وى بشارت داديم) آن را

به خود نسبت می دهد تا به این نکته اشاره کند که: اولاً کار فرشتگان در حقیقت کار خداست و ثانیاً، خداوند از طریق عوامل و وسایط، مشیتهای خویش را در جهان عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۱

۱- انتقام خداوند از بنی اسرائیل ، به وسیله نیروهایی توانمند و جنگاور ، در پی نخستین فسادانگیزی آنان

فإذا جاء وعد أُولهما بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید

<بأس> در لغت به معنای شدت در جنگ است و <أُولی بأس> توانمندی و جنگاوری را معنا می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۵

۵- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعیدکم . .. فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۸

۸- خضر (ع) کارگزار اوامر الهی بود و نه مجری خواسته های شخصی خود .

فخشینا أن یرهقهما

ضمیر <نا> در <خشینا> می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد. جمله <و ما فعلته عن أمری> در آیات بعد نیز بر این نکته تصریح کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۷

۷ - پی بردن انسان در هنگام مرگ ، به دست اندرکاری عوامل و کارگزاران الهی (ملائکه) در مرگ و حیات او

حتّى إذا جاء أحدهم

الموت قال ربّ ارجعون

کلمه <ارجعون> می تواند خطاب به خداوند بوده و جمع آمدن آن از باب تعظیم باشد. هم چنین می تواند بدان جهت باشد که انسان، در آن لحظه حضور ملائکه و کارآیی آنان را مشاهـده می کند و با التجا به خدا، از آنان می خواهد که او را به دنیا بازگردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به کافران به عالم آخرت ، مبنی بر این که آنان در احاطه کامل مأموران الهی اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<فا> در <أفلم یروا> تفریع بر <بل الـذین لایؤمنون. ..> است. توجه دادن به این که پشت سـرشان آسـمان و زمین است، کنایه از احاطه مأموران الهی (آسمان زمین) بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۸

۸ - ملائکه ، رسولان و کارگزاران خداوند در امور تکوین و تشریع جهان اند .

جاعل الملئکه رسلاً

اطلاق کلمه <رُسلاً> می رساند که قلمرو رسالت فرشـتگان، شامل تمامی امور تکوین و تشـریع می شود و اختصاص به امور تشریعی (همچون ابلاغ وحی و دین به پیامبران) ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۲ - ۲

۲ - تنها خداوند جان ستان حقیقی انسان ها است و عوامل دیگر (چون عزرائیل) واسطه و مأمور او هستند .

اللّه یتوفّی الأنفس حین موتها

تقدم اسم جلاله (اللّه) بر خبر فعلی مقید، تخصیص مضمون خبر است.

بنابراین اختصاص جان ستاندن به خداوند در حالی که در آیات دیگر این عمل به فرشته مخصوص (ملك الموت) نسبت داده شده گویای حقیقت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷ - ۵

۵ - برخی از فرشتگان ، کارگزاران الهی در جهان اند .

الذین یحملون العرش

عرش در آیه شریفه، به معنای مرکز اداره و فرمان روایی خدا بر جهان هستی است. بنابر این حمل این مرکز از سوی فرشتگان، می تواند به معنای کارگزاری آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۱ - ۶

۶ - مأموران الهی ، خدمت گذاران اهل تقوا و همسران آنان در بهشت

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم . .. یطاف علیهم بصحاف من ذهب و أکواب

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: الف) به قرینه آیه قبلی می توان استفاده کرد که مرجع ضمیر <علیهم> پرهیزگاران و همسران آنانند. ب) از صیغه مجهول <یُطاف> می توان استفاده کرد که خدمت گذاران بهشتیان، مأموران الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۶،۱۹

۱۶ - آرامش و اطمینان روحی ، خود نیرویی از نیرو های الهی است . *

أنزل السکینه . .. و للّه جنود السموت و الأرض

بیان <للّه جنود> بعد از <أنزل السکینه>، می تواند اشاره به این باشد که آرامش (السکینه) خود از جنود الهی است.

۱۹ - علم و حکمت ازلی خداوند ، پشتوانه آفرینش قوای هستی و به کارگیری بهینه آن

و للّه جنود السموت و الأرض و

كان اللّه عليمًا حكيمًا

تعبير <و كان اللّه عليماً حكيماً> در پايان آيه شريفه، مى رساند كه فتح مؤمنان و انزال سكينه بر آنان و بهره گيرى از جنود آسمان ها و زمين، در پرتو علم و حكمت ازلى صورت مى گيرد; زيرا نفس تكوّن جنود و نيز بهره گيرى از آنها در موارد مختلف، نيازمند علم و حكمت گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۳ - ۳

۳ - فرشتگان ، مجريان اراده الهى در تحولات تاريخ

لنرسل عليهم حجاره من طين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۶ - ۳

۳ - فرشتگان ، كارگزاران الهى در آسمان براى اجراى فرمان هاى الهى نسبت به انسان ها

ءأمنتم من فى السماء أن يخسف بكم الأرض

برخى از مفسران، بر اين عقيده اند كه مقصود از <من فى السماء>، فرشتگان است كه در آسمان ها قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۷ - ۳

۳ - فرشتگان ، كارگزاران الهى در آسمان ، آماده براى اجراى فرمان هاى الهى نسبت به انسان ها

أم أمنتم من فى السماء أن يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۷ - ۶

۶ - فرشتگان ، كارگزاران الهى در جهان هستى

و الملك على أرجائها و يحمل عرش ربّك فوقهم يومئذ ثمنيه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴ - ۱،۲

۱ - عروج و صعود ملائکه و جبرئیل به سوی خدا

(به صعودگاه ها و جایگاه های بلند مرتبه) در قیامت برای دریافت فرامین الهی و اجرای آن

تعرج الملئکه و الروح إلیه

مقصود از <روح> روح الامین و جبرئیل است. ضمیر در <إلیه> به <اللّه> بازمی گردد; به این اعتبار که خداوند که صاحب معارج است. بر این اساس مقصود آیه شریفه، این حقیقت است که فرشتگان برای دریافت فرمان های الهی، به صعودگاه و جایگاه دریافت آنها عروج می کنند و چون خداوند صاحب این جایگاه ها و صعودگاه ها است، فرشتگان در حقیقت به سوی او عروج خواهند کرد.

۲ - فرشتگان و جبرئیل ، کارگزاران الهی در عرصه قیامت

تعرج الملئکه و الروح إلیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۷ - ۵

۵ - خداوند ، برای حفاظت از وحی ، نگهبانانی را در اطراف پیامبر (ص) گماشته است .

فإنّه یسلک من بین یدیه و من خلفه رصدًا

<رصد> اسم جمع <راصد> (مراقب و نگهبان) است و مقصود از آن در این آیه، فرشتگانی است که خداوند بعد از نزول وحی، به آنها دستور داده بود پیامبرش را از هر سو احاطه کنند و آن حضرت از شرّ شیاطین جن و انس و وسوسه های آنها و آنچه اصالت وحی را خدشه دار می کند، محافظت و پاسداری نمایند; تا پیام الهی بی کم و زیاد و بدون کمترین خدشه ای به بندگان ابلاغ گردد. این خود یکی از دلایل معصوم بودن پیامبر(ص) در امر رسالت و مصونیت وحی از دستبرد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸

- ۱۴ - ۴

۴ - عملکرد عوامل طبیعی ، مستند به خداوند است .

و أنزلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۴

۴ - فرشتگانِ عازم به اجرای فرمان های الهی و ترک کننده مقر خود برای تدبیر امور جهان ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و النشطت نشطًا

<ناشط>، ممکن است به معنای چیزی باشد که از مکانی خارج و به مکان دیگر انتقال پیدا می کند (قاموس). سوگند خداوند به فرشتگان <ناشط>، نشانه تحسین خروج و انتقال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳ - ۳

۳ - فرشتگان پی گیر فرمان های الهی ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

و السبحت سبحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۵ - ۸

۸ - < عن علی بن أبی طالب (ع) انّ ابن الکوّاء سأله عن < و المدبرات أمراً > قال : الملائکه یدبّرون ذکر الرحمن و أمره ;

از علی بن ابی طالب(ع) روایت شده که در پاسخ ابن کوّاء که از او

درباره <فالمدبّرات أمراً> سؤال کرده بود فرمود: مراد فرشتگانی اند که ذکر خدای رحمان و فرمان او را تدبیر می کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۱

۱ - مأموران الهی ، انسان ها را زیر نظر داشته ، و مراقب کردار اویند .

و إنّ علیکم لحفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۵ - ۴

۴ - وجود کارگزارانی چند ، در مرحله حضور مردم در پیشگاه خداوند در قیامت *

إنّ إلینا إیابهم

ضمیر جمع (نا) در <إلینا>، می تواند بیانگر رجوع مردم به مجموعه ای از کارگزاران صحنه قیامت باشد که به فرمان خداوند در آن مقام قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۵

۵ - وجود کارگزارانی چند ، برای حسابرسی اعمال مردم در قیامت

ثمّ إنّ علینا حسابهم

برداشت یاد شده، از ضمیر <نا> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قدر - ۹۷ - ۴ - ۷

۷ - فرشتگان و روح ، تسلیم خداوندانند و کار های آنان به اذن او انجام می گیرد .

تنزّل الملئکه و الروح فیها بإذن ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۶ - ۶

۶ - وجود مأمورانی الهی ، برای برافروختن آتش جهنم

الموقده

<موقده> اسم مفعول و حاکی از وجود فاعلی است که آتش را شعلهور ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ -

۲ – پرندگان ، مطیع فرمان خداوند و در خدمت اهداف او هستند .

و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

استقامت کارگزاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۸ – ۲

۲ – مخالفان نماز و تکذیب گران دین ، هر چند فراوان و سازمان یافته باشند ، از مقاومت در برابر مأموران الهی عاجزاند .

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... کذّب و تولّی ... فلیدع نادیه. سندع الزبانیه

استهزاهای اخروی کارگزاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۳

۳ – سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار. ..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

برخورد اخروی کارگزاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۸ – ۴

۴ – دروغ گویان و گنه کاران ، در آخرت با برخورد شدید مأموران الهی مواجه شده و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

ناصیه کذبه خاطئه . .. سندع الزبانیه

بی شماری کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۲۰

۲۰ - خداوند ، دارای لشکریان و کارگزارانی بی شمار

و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو

برداشت یاد شده، با توجه به این احتمال است که ندانستن لشکریان

خداوند، به تعداد بی شمار آنان اشاره داشته باشد; یعنی، بر اثر کثرت تعداد آنان، قابل شناخت برای کسی نیست.

تعداد کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۹

۱۹ - شمار لشکریان و کارگزاران پروردگار و ویژگی های آنان را ، کسی جز خدا نمی داند .

و ما یعلم جنود ربّک إلاّ هو

مقصود از <جنود> مطابق نظر مفسران فرشتگان اند که نقش کارگزاری و امر بری نسبت به خدا را دارند.

سخت کوشی کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زِبْنِيِه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

سرزنشهای کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار. ..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

سرزنشهای کارگزاران خدا خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۲

۲ – مأموران الهی ، با به رخ کشیدن تکذیب گری ها و ناباوری های جهنمیان ، آنان را بر آن موضع گیری ، سرزنش خواهند کرد .

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

کارگزاران خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۱ – ۱۰

۱۰ ملائکه، مجریان دقیق اراده قاهر خداوند هستند.

و یرسل علیکم حفظه . .. توفته رسلنا و هم لا یفرطون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۱۴

۱۴ گروهی از فرشتگان، کارگزاران خداوند در گرفتن جان آدمیان هستند.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت و الملئکه باسطوا أیدیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۷ – ۵

۵- برخی از ملائکه ، پیام آوران و مجریان فرمان خداوندند .

فما خطبکم أیّها المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۸ – ۲

۲- اجرای فرمان های خداوند از وظایف و مسؤولیت های فرشتگان

قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۲

۲- مأموران الهی ، خاندان لوط (ع) را از عذاب نازل شده بر قوم وی نجات دادند .

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۶

۶- فرشتگان ، مجریان و کارگزاران اوامر و مقدرات الهی اند

.

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

با آنکه بی تردید مقدرات امور به دست خداست، در عین حال خداوند آن را به فرشتگان نسبت داد (قالوا . .. قدّرنا) و این می رساند که فرشتگان کارگزاران و مجریان اوامر و مقدّرات الهی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۳ - ۲،۶

۲- فرشتگان وارد شده بر لوط (ع) در پی اظهار وی بر ناشناخته بودن آنان ، خود را مأموران الهی معرفی کردند .

قال إنكم قوم منكرون . قالوا بل جئنك بما كانوا

۶- فرشتگان ، مجریان عذاب الهی بر قوم لوط بودند .

قالوا بل جئنک بما کانوا فیه یمترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۴ - ۲

۲- فرشتگان وارد شده بر حضرت لوط (ع) ، حامل پیام حق و دستوری تحقق یافتنی بودند .

و أتینک بالحقّ و إنا لصدقون

مراد از <بالحق> به قرینه ذیل آیه که تأکید بر راستگویی است می تواند خبر و پیام حق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۵

۵- فرشتگان ، کارگزاران خداوند هستند .

و هم بأمره یعملون

نظر به این که بسیاری از کارهای خداوند به وسیله فرشتگان انجام می گیرد (مانند قبض روح، عذاب، ابلاغ وحی به پیامبران و. ..) می توان گفت که مراد از <أمره> در رابطه با چنین کارهایی می باشد.

کارگزاران خدا در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۲۳ – ۴

۴ – جهنم ، مقهور

کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

کارگزاران خدا و مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۵

۵ - یادآوری مواضع انکارآمیز تکذیب کنندگان قیامت از سوی مأموران الهی ، به هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

گفتگوی کارگزاران خدا با مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۳

۳ - سخن ملامت بار و استهزاآمیز مأموران الهی نسبت به تکذیب گران ، به هنگام روبه رو شدن آنان با آتش دوزخ

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جمله <هذه النار. ..>، می تواند گفتار الهی و یا سخن مأموران خداوند (همانان که تکذیب گران را به عنف و قهر به سوی دوزخ رانده اند) باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

مسؤولیت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۳ - ۴

۴ - جهنم ، مقهور کارگزاران صحنه قیامت و عرضه آن بر اهل محشر بر عهده آنان است .

و جاْیء

مجهول آوردن فعل <جیء>، بر وجود مأمور برای آوردن جهنم دلالت دارد.

نظارت کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۲،۱۰

۲ - دسته های بازگردانده شده به دنیا ، تحت نظارت و کنترل مأموران الهی

و یوم نحشر. .. فهم یوزعون

<وزع> (مصدر مجهول <یوزعون>) به معنای ممنوع شدن است. بنابراین عبارت <فهم

یوزعون> اشاره دارد به این که: گروه های محشور شده، نمی توانند به میل خود هر طور خواستند عمل کنند. مأموران آنان را از متفرق شدن بازمی دارند.

۱۰ - جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است . *

و یوم نحشر . .. فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۶،۷

۶ - رفتار پنهان و آشکار دین ستیزان ، تحت نظارت مستقیم خداوند و نیز در نظرگاه کاتبان و مأموران الهی

أم یحسبون أنّا لانسمع سرّهم و نجویهم بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

۷ - مأموران الهی برای ثبت اعمال ، همیشه در کنار انسان و ناظر بر اعمال او

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

نقش کارگزاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۰ - ۸

۸ - ثبت اعمال خلق ، به وسیله مأموران الهی

بلی و رسلنا لدیهم یکتبون

با الغای خصوصیت از مورد آیه شریفه، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۹ - ۹

۹ - نقش کارگزاران الهی ، در ثبت و ضبط اعمال آدمیان *

کتبنا . .. إنّا کنّا نستنسخ

ضمـایر متکلم مـع الغیر در این آیه، ممکن است از آن جهت به کـار رفته باشـد که خداونـد، برنـامه هـای خـویش را در نظـام تکوین، از طریق عوامل و کارگزارانش عملی می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ -

۵ - نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إنّا> و <أعتدنا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴ - ۲

۲ - سامان یافتن نظام جهان ، در پرتو تقسیم و دسته بندی امور ، به دست کارگزاران الهی (فرشتگان)

فالمقسّمت أمرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۰ - ۲

۲ - کردار هر انسان ، به وسیله مأموران الهی نگه داری می شود .

و إنّ علیکم لحفظین

مراد از <حفاظت> به قرینه آیات بعد نگهداری اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۱

۱ - خداوند ، دارای مأمورانی سرسخت برای خنثی ساختن تلاش مخالفان دین و راندن آنها به سوی جهنم

سندع الزبانیه

<زِبْنِیَه> (مفرد <زبانیه> از ریشه <زَبْن> به معنای <دفع>); به معنای <شدید> و <پلیس> (یاور سلطان) است (قاموس). اطلاق <زبانیه> بر مأموران الهی، به این جهت است که آنها اهل آتش را به سوی آن سوق می دهند. (مصباح)

کاروان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اُتراق کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۳

۱۳ اتراق کاروانیان در اطراف چاه کنعان ، نجات دادن یوسف (ع) از آن چاه و به همراه خویش بردن او ، به تقدیر خداوند و تحت نظارت دقیق او انجام می گرفت .

و جاءت سیّاره .

.. والله علیم بما یعملون

مراد از <ما> در <ما یعملون> می تواند کالا قرار دادن یوسف(ع) باشد (أسرّوه بضاعه). و نیز محتمل است همه داستان کاروان، در رابطه با یوسف(ع) باشد. بنابر فرض نخست، علم خدا به رفتار آنان (کالا قرار دادن) کنایه از کیفردهی است و بنابر فرض دوم، علم خدا کنایه از تقدیر و تدبیر اوست ; یعنی، تمام مقدماتی که مایه نجات یوسف(ع) از چاه شد (گذر کردن کاروان در اطراف کنعان، منزل کردن در اطراف چاه و ...) همه به نظارت خدا و تدبیر او بود.

ادعای کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۲

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و خویشتن را مالک او می شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

بشارت به کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش بشارت داد .

قال یبشری هذا غلم

بشارت ساقی کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از یافتن یوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خویش

بشارت داد .

قال يبشرى هذا غلم

بينش کاروان يابنده يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ کاروانيان بردن يوسف (ع) را به بردگى ، کارى نامشروع و غيرقانونى مى دانستند .

و أسرّوه بضعه والله عليم بما يعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکى که پيدا شده امرى مجاز و قانونى بود ، مخفى ساختن يوسف(ع) (أسرّوه بضاعه) وجهى نداشت.

ساقى کاروان يابنده يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱

۱ کاروانى در اطراف چاهى که يوسف (ع) در آن بود ، منزل گزيدند و مأمور تهيه آب را به سوى آن چاه روانه کردند .

و جاءت سيّاره فأرسلوا واردهم

<وارد> به کسى که براى تهيه آب بر سر چاه ، نهر و مانند آن مى رود ، گفته مى شود.

سرور ساقى کاروان يابنده يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۴

۴ آب آور کاروان ، از يافتن يوسف (ع) شادمان و شگفت زده شد و آن را به همسفران خويش بشارت داد .

قال يبشرى هذا غلم

کاروان یابنده یوسف و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱،۱۰،۶،۵

۵ کاروانِ یابنده یوسف (ع) ، او را به عنوان کالای تجاری به همراه خود بردند .

و أسرّوه بضعه

<بضاعه> به مال و کالایی اطلاق می شود که برای تجارت قرار داده شده است.

۶ کاروانِ یابنده یوسف (ع

) به منظور کالای تجارتی قرار دادن او ، سعی در مخفی ساختن وی داشتند .

و أسرّوه بضعه

در فعل <أسرّوا> (پنهان ساختند) معنای جعل و قرار دادن اشراب شده است ; از این رو <بضاعه> را به عنوان مفعول دوم نصب داده است. معنای جمله نیز چنین می شود: یوسف(ع) را کالای تجارتی قرار دادند و او را پنهان ساختند.

۱۰ کاروانیان بردن یوسف (ع) را به بردگی ، کاری نامشروع و غیرقانونی می دانستند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

چنان چه برده قرار دادن و فروش کودکی که پیدا شده امری مجاز و قانونی بود ، مخفی ساختن یوسف(ع) (أسرّوه بضاعه) وجهی نداشت.

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ کاروانیان ، یوسف (ع) را به درهمهایی اندک و بهایی ناچیز فروختند .

و شروه بثمن بخس درهم معدوده

<شراء> (مصدر شروا) به معنای فروختن است و ضمیر فاعلی در <شروه> به <سیّاره> باز می گردد. <بخس> مصدر به معنای اسم مفعول (مبخوس =ناقص و کم ارزش) می باشد. <ثمن بخس> ; یعنی، بهایی که نسبت به چیز خریداری شده کم ارزش تر باشد. <معدوده> به معنای شمرده شده و کنایه از اندک بودن است.

۲ همه اهل کاروان ، خود را نسبت به یوسف (ع) ذی نفع می پنداشتند و

خویشتن را مالك او می شمردند .

أسرّوه بضعه . .. و شروه بثمن

از آن جایی که کالا قرار دادن و نیز فروختن یوسف(ع) به کاروان نسبت داده شده است ، برداشت فوق استفاده می شود.

۳ کاروانیان یابنده یوسف (ع) ، به نگه داشتن او در نزد خویش ، رغبتی نداشتند .

شروه . .. و کانوا فیه من الزهدین

<زهد> رغبت نداشتن به چیزی به خاطر بی مقدار دانستن آن است. به نظر می رسد کاروانیان ، بیم آن داشتند که کار ناروایشان یعنی برده ساختن انسان یافت شده فاش شود. ازاین رو قیمتی ارزان برای او تعیین کردند ، تا هرچه زودتر به فروش رسد.

۴ تعجیل کاروانیان در فروش یوسف (ع) و بی رغبتی آنان در نگه داشتن وی ، دلیل فروختن او به بهایی ناچیز

و شروه بثمن بخس . .. و کانوا فیه من الزهدین

جمله <و کانوا . ..> به منزله تعلیل برای <شروه بثمن بخس> است ; یعنی ، چون رغبتی به [نگه داری]یوسف(ع) نداشتند ، او را به بهایی ناچیز فروختند.

کیفر کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

کافر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کافر

آثار تحجر مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۱

۱ - واپس

گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لاتجئروا الیوم . .. قد کانت ءایتی ... علی أعقبکم تنکصون

آیه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعلیل برای ردّ استغاثه آنها است. فعل های <تتلی> و <تنکصون> به دلیل همراه شدن با <کانت> و <کنتم>، ماضی استمراری است. <نکوص> (مصدر <تنکصون>) به معنای بازگشت به قهقرا است. بنابراین قید <علی أعقابکم> که آن نیز به معنای قهقهرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

آثار تکبر مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهان کفرپیشه ، در برابر آیات الهی (قرآن) و تکذیب آن ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند در قیامت

لاتجئروا الیوم . .. قد کانت ءایتی تتلی علیکم ... تنکصون . مستکبرین به

اباحه غنیمت زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - به غنیمت گرفتن زنان کافر ، در شرایطی خاص ، مباح است .

إنّا أحللنا لک . .. ما ملکت یمینک ممّا أفاء اللّه علیک

مراد از <ملک یمین> کنیزانی بوده اند که از دشمن به اسارت درمی آمدند. این که خداوند آنان را برای پیامبر(ص) حلال دانسته، فرع بر جایز بودن اصل آن است.

احزاب کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲،۳

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف

رجالا يعرفونهم بسيمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قيامت ، احزاب كفرپيشه و مستكبر را به وسيله علامتهايشان خواهند شناخت .

يعرفونهم بسيمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قيامت ، احزاب كفرپيشه و مستكبر را مخاطب ساخته و از فاصله اى دور با آنان سخن مى گويند .

و نادى اصحب الاعراف رجالا

احكام زنان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۶

۲۶ - احكام مربوط به زنان مهاجر و زنان كافر ، احكامى الهى و لازم الاجرا است .

ذلكم حكم اللّه يحكم بينكم

مشاراليه <ذلك>، مجموع احكام مطرح شده در آيه شريفه است كه مربوط به زنان مهاجر و كافر مى باشد.

احكام كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۸

۸ - كافران ستيزكننده با خدا و پيامبر (ص) ، فاقد حق مالكيت نسبت به اموال و دارايى خويش *

و ما أفاء اللّه على رسوله منهم

واژه <أفاء> كه از <فىء> به معناى رجوع گرفته شده نشانگر آن است كه يهوديان محارب، حق مالكيتى نسبت به اموال و دارايى شان ندارند و در حقيقت به مالك اصلى آن، بازگردانيده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است; چنان

که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

ازدواج با کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۱۱

۱۱ جواز ازدواج زنان مؤمن با مردان کافر در شریعت حضرت لوط (ع)

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

جمله <فأسر بأهلك . .. إلا امرأتك> حاکی است که دختران حضرت لوط(ع) از مؤمنان به او بوده اند.

اشراف کافر قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۵ – ۲،۶

۲ گروهی از اشراف و بزرگان قوم صالح رسالت وی را پذیرفتند و به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر از آنان به وی کافر شدند .

قال الملأ الذین استکبروا

برداشت فوق مبتنی بر این است که <الذین . .. > وصفی احترازی باشد. یعنی ملأ قوم ثمود در برابر رسالت صالح دو طایفه شدند: مستکبران و غیر مستکبران.

۶ اشراف کفرپیشه قوم ثمود برای ایجاد تردید در مؤمنان ، از باور و اطمینان آنان به رسالت صالح پرسش کردند .

قال الملأ . .. أتعلمون أن صلحاً مرسل من ربه

اشراف کافر مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۸ – ۳،۴،۸،۹

۳ اشراف کفرپیشه قوم مدین ، سردمداران مبارزه با شعیب و رسالت های وی

قال الملأ الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۴ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین ، ریشه مبارزه آنان با شعیب

و رسالت های او

قال الملأ الذین استکبروا من قومه لنخرجنک

۸ اشراف کفرپیشه مدین بازگشت به آیین ملی آن سامان را شرط رهایی شعیب و همگامانش از خطر تبعید اعلان کردند .

لنخرجنک . .. او لتعودن فی ملتنا

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۱،۴،۵،۷

۱ اشراف کفرپیشه مدین در تلاش برای بازداشتن مردم از ایمان به رسالت شعیب و پیروی از فرمان های او

و قال الملأ الذین کفروا من قومه لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

مراد از متابعت در <اتبعتم> می تواند پیروی از آیین و دستورات شعیب باشد. در این صورت مخاطبان این کلمه (اتبعتم) عموم مردم هستند. همچنین می تواند مراد از آن پیروی از شعیب در خروج از شهر مدین باشد. در این صورت مؤمنانِ به شعیب مخاطبانِ <اتبعتم> خواهند بود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۴ گرایش به توحید و رعایت عدل در خرید و فروش و امور اقتصادی ، مایه خسارت در دیدگاه اشراف کفرپیشه قوم مدین

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

برداشت فوق با توجه به آیه ۸۵، که بیانگر پیامهای شعیب است، به دست می آید.

۵ شعیب (ع) پس از اعلان پایداریش بر توحید و رد پیشنهاد اشراف کفرپیشه (بازگشت

به آیین شرك) ، خروج از دیار مدین را برگزید .

لئن اتبعتم شعیباً

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <اتبعتم شعیباً>، پیروی از شعیب(ع) در خروج از شهر مدین باشد.

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال الملأ . .. لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

اعراض مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص) ، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرجًا

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری است; یعنی، <ما تسئلهم خرجاً>. بنابراین <خرجاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

اقرار جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم . .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

امت های کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۸

۸ از موانع نزول عذاب استیصال بر امت های

گنهکار و کافر ، علم خداوند به ایمان آوردن آنان در آینده است .

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

امت های کافر پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱

۱ برخی از امت های گذشته حتی پس از پیدایش سختی های بیدارکننده همچنان بر کفرپیشگی و بی تقوایی خویش اصرار ورزیدند .

لعلهم یضرعون. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

اهتمام به ثروتمندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۷

۷ - امکان بهره گیری از ثروت چشمگیر کافران ، نباید توجه رهبران دینی را به توانگران کافر معطوف سازد .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

نهی خداوند از توجه پیامبر(ص) به ثروت کافران، ممکن است برای بیان این نکته باشد که جهت بهبود زندگی مؤمنان، نباید به سرمایه های کافران چشم داشت و به این منظور نیز، مسلمان شدن آنان را آرزو کرد.

بدکاران کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۱

۱ زشتکاران بی ایمان، پیروی از شیوه پدرانشان را توجیه کننده کردار خویش می شمردند.

للذین لا یؤمنون. و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

بردگی اسیران کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۰ – ۱۴

۱۴ – کافرانی که به دست مسلمانان اسیر می شوند ، مملوك اند .

و ما ملکت یمینک ممّا أفاء اللّه علیك

بی پناهی اخروی مرفهان کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

بی تقوایی یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ بی پروایی یهودیان کفرپیشه از پیمان شکنی های مکرر

و هم لایتقون

تحقیر زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقیر زنانِ کافر و مؤذی و به کار بردن کلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

تشبیه موضعگیری مرفهان کافر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

تکذیبگری جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۱

۱ - گروهی از جن ، منکر قیامت و رستاخیزاند .

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

توقعات بیجای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۶

۶ - رفاه زدگان کافر ، متوقع انعطاف پذیری دین در برابر هوس ها و منافع ناحق آنان

و أکثرهم للحقّ کرهون . و لو اتبع الحقّ أهواءهم

تولّد کافر از مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱۰

۱۰

عن أبی عبدالله(ع): . .. قال الله عز و جل: <یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی> فالحی المؤمن الذی تخرج طینته من طینه الکافر و المیت الذی یخرج من الحی هو الکافر الذی یخرج من طینه المؤمن ... .

از امام صادق(ع) درباره آیه <یخرج الحی . .. > روایت شده است: <حی>، مؤمنی است که از کافر متولد شود. و <میت> که از <حی> بیرون می آید، کافری است که از مؤمن متولد شود ... .

تولد مؤمن از کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ عن أبی عبدالله(ع): . .. قال الله عز و جل: <یخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی> فالحی المؤمن الذی تخرج طینته من طینه الکافر و المیت الذی یخرج من الحی هو الکافر الذی یخرج من طینه المؤمن ... .

از امام صادق(ع) درباره آیه <یخرج الحی . .. > روایت شده است: <حی>، مؤمنی است که از کافر متولد شود. و <میت> که از <حی> بیرون می آید، کافری است که از مؤمن متولد شود ... .

ثروتمندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۴

۴ قیامت ، صحنه بروز کارساز نبودن ثروت دنیا برای زراندوزان بی ایمان

إنّ الذین کفروا لو أنَّ لهم ما فی الارض جمیعاً و مثله معه . .. ما تقبل منهم

ثروتمندان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر

زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إن الذین کفروا ینفقون امولهم لیصدوا

انفـاق مال به معنای مصـرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سـینفقونها>، که اخبار از تحقق سـرمایه گـذاری است، بیان حالت کافران می باشـد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسـلام آماده سـرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

جبران مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۸

۸ - < عن یونس عن أصـحابه عن أبی جعفر (ع) و أبی عبـداللّه (ع) قال : قلت : . . . و قد قال اللّه عزّوجلّ فی کتابه < و إن فاتکم شیء من أزواجکم إلی الکفّار فعاقبتم . . . > ما معنی العقوبه هاهنا ؟ قال : إنّ الذی ذهبت إمرأه فعاقب علی إمرأه اُخری غیرها یعنی تزوّجها [بعقب] . . . فعلی الإمام أن یعطیه مهر إمرأه الذاهبه ;

از یونس از اصـحابش از امـام بـاقر(ع) و امـام صـادق(ع) روایت شـده که گفت: به امـام(ع) عرض کردم: . .. خداونـد عزّوجلّ فرموده است: <و إن فـاتکم شـیء من أزواجکم إلی الکفّار فعاقبتم> مراد از این عقوبت در این جا چیست؟ امام فرمود: مردی که همسرش از دست او رفته [و به کفّار ملحق شده]و در پی آن همسر دیگری اختیار کرده ... برعهده امام است که

مهر زنی را که رفته به آن مرد بپردازد [و معنای]<عاقبتم> یعنی پس از رفتن آن زن، همسر دیگری گرفته باشد>.

جبران مهریه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲،۳

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزوجکم إلی الکفّار فعاقبتم

واژه <عاقبتم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

۳ - جبران مخارج مردان مؤمن ، به مقدار اموالی که برای همسر کافر خود صرف کرده اند ; نه کمتر و نه فزون تر .

و إن فاتکم . .. فاتوا ... مثل ما أنفقوا

جبران نفقه همسر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۲

۲ - مخارج و مهریه ای که مرد مؤمن برای همسر کافر خویش ، صرف کرده و اکنون به حکم اسلام از او جدا شده است ، باید از بیت المال و غنایم جنگی ، به مرد مؤمن پرداخت شود .

و إن فاتکم شیء من أزوجکم إلی الکفّار فعاقبتم

واژه <عاقبتم>، به معنای <اصبتم منهم غنیمه> دانسته شده است.

جن کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ عليهم القول فى أمم قد خلت من

قبلهم من الجنّ و الإنس

جنيان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۵

۵ - وجود عناصرى كافر و تكذيب گر در ميان جن ، همانند آدميان

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

در صورتى كه آيه شريفه خطاب به جن و انس باشد، مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۶

۶ - وجود عناصر كافر و تكذيب گر در ميان جن ، همانند آدميان

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۲

۲ - وجود عناصر كافر و تكذيب گر در ميان جن ، همانند آدميان

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۵

۵ وجود عناصر كافر و تكذيب گر در ميان جن ، همانند آدميان

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۸ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر ، در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۰ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۲ – ۱

۱ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و

<تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۱

۱ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۵ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۷ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۹ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۱ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۳ – ۲

۲ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۵ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۷ – ۳

۳ – وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیبگر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۳

۳ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان

جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۴

۴ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۲

۲ - وجود عناصر کافر و تکذیب گر در میان جن ، همانند آدمیان

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۱

۱ - دو دسته شدن جن ، پس از نزول قرآن : مسلمان هدایت یافته و کافران ظالم و منحرف از مسیر حق

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

<قَسْط> (مصدر <قاسطون>)، به معنای جور است. (مقاییس اللغه)

جنیان کافر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جوامع کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۴ – ۹

۹ – عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

حتمیت عذاب جن کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۳

۳– گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

حق ناپذیری اقوام کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

حقوق کافر ذمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۸ – ۸

۸ - کافران غیرحربی ، برخوردار از حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم

خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناک شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم

کفرین

خویشاوندان کافر محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ... و توکّل علی العزیزالرحیم

دستور <توکّل علی اللّه> پس از <فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

دشمنی اخروی دوستان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - < عن علی (ع) قال : فی . . . خلیلین کافرین . . . أمّا الکافران فتخالاّ بمعصیه اللّه و تباذلا علیها و توادّا علیها فمات أحدهما قبل صاحبه فأراه اللّه تبارک و تعالی منزله فی النار فقال یا ربّ فلان خلیلی کان یأمرنی بمعصیتک و ینهانی عن طاعتک فثبّته علی ما ثبّتنی علیه من المعاصی حتی تُریَه ما أرَیتنی من العذاب فیلتقیان عند اللّه یوم القیامه یقول کلّ واحد منهما لصاحبه جزاک اللّه من خلیل شرّاً کنت تأمرنی بمعصیه اللّه و تنهانی عن طاعه اللّه قال ثمّ قرأ (ع) < الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین > . . . ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره دو دوست کافر فرمود: . .. اما آن دو کافر، دوستی آنان در نافرمانی خداوند بوده و در این نافرمانی به یکدیگر کمک کرده و دوستی نموده بودند یکی از آنان قبل از دوست دیگری مرده و جایگاهش را در آتش به او نشان می دهند; پس

می گوید: پروردگارا! فلانی دوست من بود و مرا به نافرمانی تو دستور می داد و از طاعت تو نهی می کرد. پس او را بر همان چیزی ثابت قدم بدار که مرا بر آن نگه داشت تا به او نشان دهی عذابی راکه به من نشان دادی، پس در روز قیامت همدیگر را ملاقات می کنند و هر یک از آنان به دوست خود می گوید: خداوند تو را به عنوان <دوست>، جزای شرّ بدهد! مرا به نافرمانی خدا دستور می دادی و از اطاعت خدا نهی می کردی. راوی گوید: حضرت علی(ع) سپس آیه <الأخلّاء یومئذ بعضهم لبعض عدوّ إلاّ المتّقین> را تلاوت فرمود...>.

دوستی با برادر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخونکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

دوستی با پدر کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخونکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

دوستی با خویشاوندان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها

الذين ءامنوا لا تتخذوا ءاباءكم و إخونكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمن

رابطه با خويشاوندان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانى برخى از مسلمانان صدر اسلام ، از قطع روابط خويشاوندى ، كسادى تجارت و از دست دادن خانه هاى دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقرارى روابط با كافران

يأيها الذين ءامنوا لا تتخذوا . .. قل إن كان ءاباؤكم و أبناؤكم

رد استغاثه مرفهان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۱

۱ - پاسخ منفى خداوند به فرياد استغاثه مرفهان كفرپيشه ، در روز كيفر

لاتجئروا اليوم إنّكم منّا لاتنصرون

عبارت <لا ـتجئروا اليوم> در محل نصب و مقول قول محذوف است; يعنى: <قلنا لهم لا ـتجئروا اليوم . ..; به آنها خواهيم گفت: امروز زارى نكنيد، قطعاً از جانب ما يارى نخواهيد شد>.

روش برخورد با زنان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۷

۷ - جواز تحقير زنانِ كافر و مؤذى و به كار بردن كلمات ناهنجار درباره آنان

حمّاله الحطب

سرزنش جنيان كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۳ - ۳

۳ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۶ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران

و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاک و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۸ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در <فبأىّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در<فبأىّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن

- ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران

و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلاّ بسلطن . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توبیخی در <فبأىّ. ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ - توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذکر قدرت، تکذیب گران را به محاکمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران جن و انس به خاطر تکذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه کاران

فيومئذ لايسل عن ذنبه

. .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تکذیب نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و

جلوه های ربوبیت حق

فیهما عینان تجریان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّکین علی . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و

محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۱ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۳ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۵ - ۳

۳ -

توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

شب نشینیهای مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمرًا تهجرون

صفات مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۴

۴ - یاوه سرایی در شب نشین ها ، خصلت رفاه زدگان کافر

سمرًا تهجرون

ظلم اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

عذاب اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ نزول عذاب بر امت های کافر پیشین ، پس از اصرار و مداومت آنان بر ظلم و حق ناپذیری

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

فعل <کانوا> به همراه <یظلمون> افاده استمرار می کند.

عذاب پیشینیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

عذاب یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین عذاب ألیم

عقیده اقوام کافر پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۹

۹ امت های کفرپیشه و تکذیب کننده انبیا در تاریخ گذشته ، اهل ایمان و گرایش به معارف دین نبودند .

فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

<ما> در <ما کانوا> برای نفی و <لام> در <لیؤمنوا> لام جحود و تقویت کننده نفی است. بنابراین جمله <فما کانوا> با تأکید فراوان گرایش امتهای گذشته را به ایمان نفی می کند و آنها را اهل باور به دین نمی داند.

عوامل محرومیت مرفهان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۱

۱ - واپس گرایی رفاهمندان کافر و تأثیر ناپذیری در برابر آیات الهی ، عامل محرومیت آنان از نصرت خداوند

لاتجئروا اليوم . .. قد كانت ءايتى ... على أعقبكم تنكصون

آيه فوق، خطاب به مرفهان گرفتار عذاب و تعليل براى ردّ استغاثه آنها است. فعل هاى <تتلى> و <تنكصون> به دليل همراه شدن با <كانت> و

<کنتم>، ماضـی اسـتمراری است. <نکوص> (مصـدر <تنکصون>) به معنای باز گشت به قهقرا است. بنابراین قیـد <علی أعقابکم> که آن نیز به معنای قهقهرا است برای تأکید معنای <تنکصون> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۲

۲ - کبرورزی مرفهـان کفرپیشه ، در برابر آیـات الهی (قرآن) و تکـذیب آن ، عامـل محرومیت آنـان از نصـرت خداونـد در قیامت

لاتجئروا الیوم . .. قد کانت ءایتی تتلی علیکم ... تنکصون . مستکبرین به

فهم جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننـده توانایی و ناتوانی دانسـته شـده، معلوم می شود مفعول حـذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

قیاس مؤمن با کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۲

۲ همسنگ قرار دادن کافر و مشرک نیک کردار با مؤمن مجاهد ، عملی ناصواب و شایسته ملامت و توبیخ است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه و الیوم الأخر و جهد فی

کیفر جنیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من

الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۷

۷ - یهودیان ، در صورت انکار رسالت پیامبر (ص) ، برای همیشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

لعن بر یهود کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

مرفهان کافر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۵ - ۴

۴ - قیامت ، روز بی پناهی و درماندگی کامل مرفهان کفرپیشه

لاتجئروا الیوم إنّکم منّا لاتنصرون

مرگ جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۵ – ۸

۸ خداوند جوامع کفرپیشه را به اندیشه در امکان نزدیک بودن مرگ و هلاکتشان فراخواند .

أو لم ینظروا فی . .. أن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم

مستضعفان کافر قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۵ – ۴

۴ گروهی از مستضعفان قوم ثمود رسالت

صالح (ع) را تصدیق کرده و به وی ایمان آوردند .

للذین استضعفوا لمن ءامن منهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <منهم> به <الذین> در <للذین استضعفوا> برگردد، نه به <قومه>. در این صورت <لمن ءامن> بدل بعض از کل برای <للذین استضعفوا> است و مفاد آن تقسیم مستضعفان به دو طایفه مؤمنان و غیر مؤمنان خواهد بود.

مسیحیان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع) مردمی کافر و مشرک

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم . .. انه من یشرک باللّه

مؤمنان صدر اسلام و بادیه نشینان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش ، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشداری به مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

مهریه زنان کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۱ - ۷

٧ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله : < و إن فاتكم شىء

من أزواجكم . . . > فلحق بالكفّار من أهل عهدكم فاسألوهم صداق ها و إن لحقن بكم من نسائهم شىء فأعطوهم صداقها ;

از امام باقر(ع) در توضيح قول خدا<وإن فاتكم شىء من أزواجكم. ..> روايت شده: هرگاه [برخى از] زنان شما به كفّارى كه با آنها معاهده داريد ملحق شدند، مهر او را از آنان مطالبه كنيد و اگر زنانى از آن كفار به شما ملحق شدند، مهر او را به آنان بپردازيد>.

مهريه همسر كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - مرد مؤمن ، داراى حق مطالبه مهر همسرش از كافران ، در صورت پيوستن همسرش به جمع كافران

و سئلوا ما أنفقتم

چنان كه از سياق آيه استفاده مى شود، مؤمن در صورتى مهريه همسر خويش را از كافران طلب مى كند كه همسر وى به جمع آنان پيوسته و در جامعه آنان پذيرفته شده باشد.

مهلت به امت هاى كافر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۵

۵ مهلت دادن به امت هاى كفرپيشه و تكذيب گر و تأخير در نزول عذاب بر ايشان ، از سنت هاى خداوند است .

حتّى إذا استيئس الرسل و ظنوا أنهم قد كذبوا

از آن جا كه تأخير عذاب براى همه امتها و تكذيب كنندگان تمامى پيامبران بوده زيرا <رسل> جمع و داراى الف و لام مى باشد و شامل همه رسولان است استفاده مى شود كه: مهلت دادن به تكذيب گران و تعجيل نكردن در عذاب آنان، شيوه اى مستمر و از سنتهاى خداوند

است.

ویژگی جامعه کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننـده توانایی و ناتوانی دانسـته شـده، معلوم می شود مفعول حـذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

هلاکت اقوام کافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۵،۷،۱۲،۱۶

۵ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، از حوادث مهم و اخبار سازنده و پرفایده است .

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفکت

<نبأ> به معنای خبر مهم و بسیار سودمند است.

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفکت

۱۲ هلاکت اقوام کافر پیشین ، پس از اتمام حجت رسولان الهی بر آنان بود .

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم . .. أتتهم رسلهم بالبیّنت

۱۶ هلاکت اقوام کافر ، بازتاب عملکرد خود آنان است نه ظلمی از ناحیه خداوند بر آنها .

فما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

هلاکت امت های کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۹

۱۹ پابرجایی زندگی انسانها در زمین، در عین انقراض امتهای متمدن کافر

فأهلکنهم بذنوبهم و أنشأنا من بعدهم قرنا ءاخرین

یهود کافر

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۰ – ۲۰

۲۰ – یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۳ – ۹،۱۰

۹ یهودیان اعراض کننده از حکم تورات ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئك بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به حکم الهی در تورات باشد. قابل ذکر است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر جمله <فیها حکم اللّه> است و <ثم> برای ترتیب در خبر است، نه برای ترتیب حکم.

۱۰ یهودیان اعراض کننده از حکم رسول خدا (ص) ، مردمی بی ایمان

ثم یتولون من بعد ذلک و ما أولئك بالمؤمنین

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره باشد به حکم رسول خدا که از <یحکمونک> به دست می آید. گفتنی است که بر این مبنا، <یتولون> عطف بر <یحکمونک> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۹ – ۶

۶ پندار غلبه بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

کافران

{کافران}

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱

- بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذين كفروا . .. لايؤمنون

متعلّق <لايؤمنون> به دليل آيه هشت و نيز آيات قبل، خدا و قيامت است; يعنى: لايؤمنون باللّه و لاباليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸ - ۱

۱ - تقسیم انسان ها به : تقواپیشگان ، کافران و منافقان ، از طبقه بندی های مردم در قرآن

هدًى للمتقين . .. إن الذين كفروا ... و من الناس من يقول ءامنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۶

۶ - منافقان در زمره کفرپیشگانند .

واللّه محيط بالكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۰،۱۸،۱۹

۱۰ - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا ، از زمره کافران شد .

أبى و استكبر و كان من الكفرين

۱۸ موسى بن بكر واسطى گفت : < سألت أباالحسن موسى (ع) عن الكفر و الشرك أيهما أقدم . . . فقال لى : الكفر أقدم و هو الجحود قال لابليس < أبى و استكبر و كان من الكافرين > ;

از امام كاظم(ع) سؤال كردم: كفرقديمى تر است يا شرك؟ امام فرمود: كفر قديمى تر است و آن به معناى انكار است. خداوند درباره ابليس فرمود: نافرمانى و تكبر كرد و از كافران بود>.

۱۹ از امام سجاد (ع) روایت شده : < . . . فأول ما عصى اللّه بالكبر و

هی معصیه إبلیس حین أبی و استکبر و کان من الکافرین . . . ;

. .. اولین سبب نافرمانی از خدا کبر بوده و این نافرمانی ابلیس بود به هنگامی که تکبر و نافرمانی کرد و از کافران گشت ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - یهودیان منکر رسالت پیامبر (ص) ، از زمره کافرانند و به عذابی خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶،۷،۹

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً للّه . .. فإن اللّه عدو للکفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست; زیرا آنان کافرند.

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل

روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۳

۱۳ - یهودیان عصر بعثت ، مردمی کفرپیشه بودند .

و للکفرین عذاب ألیم

از مصداقهای <الکافرین> به قرینه آیات پیشین، یهودیانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهل . ..> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لمّا بروزا الجالوت و جنوده . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۲

۱۲ کافران ، مصداق کامل ظالمان هستند .

و الکافرون هم الظالمون

مسلّماً تنها کافران ظالم نیستند; بنابراین مراد از حصر در جمله فوق، می تواند اشاره به مصداقی کامل از ظلم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهل کفر

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسّک به عروه

الوثقی شـده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُـست و گسستنی است.

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۸،۱۴،۱۵

۸ مؤمنان از ولیِّ واحد (خداوند) برخوردار هستند و کافران از اولیای متعدد

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیّت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارنـد، پس به وحـدت می رسـند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددنـد و در نتیجه متشتت خواهند شد.

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۲۱،۲۵

۲۱ عجز و واماندگی کافران و ستمگران ، در استدلال بر ربوبیّت غیر خداوند

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

توصـیف نمرود به <الّذی کفر> اشاره به علت بهت است ; یعنی نه تنها نمرود در انکار ربوبیّت خداوند وامانده شد; بلکه هر کافری در مقابل برهان ابراهیم (ع) و متمسکان به قرآن، عاجز می گردد.

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود) ، حاکمی کافر و ستمگر

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی

القوم الظّالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۸،۹،۱۰

۸ تنها كافران ، آتشگيره دوزخند .

اولئك هم وقود النار

حصر، از ضمير فصل <هُم> استفاده شده است. و <وقود>، به چيزى گويند كه آتش به وسيله آن شعلهور مى شود.

۹ هشدار الهى به كافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذين كفروا . .. و اولئك هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون كافران زبانه مى كشد .

اولئك هم وقود النار

با توجه به معناى لغوى <وقود>: هو الحطب المجعول للوُقود. يعنى وقود، هيزمى است براى روشن كردنِ آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ كافران در دنيا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذين كفروا ستغلبون و تحشرون الى جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۴،۷،۱۲

۴ رويارويى مجاهدان در راه خدا و كافران ، در بدر

فئه تقاتل فى سبيل اللّه و اخرى كافره

۷ كافران در جنگ بدر ، نيرو هاى رزمنده مسلمان را دو برابر نيرو هاى خودشان مى ديدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنـابراینکه ضـمیر فـاعلی در <یرون> بـه مشـرکین برگردد و ضـمیر مفعـولی <هم> به مسـلمین و ضـمیر مجرور <هم> در <مثلیهم> به مشرکین برگردانده شود.

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . .. یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل

پیروزی برای مسلمانان میسور نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۰ – ۱۰،۱۶

۱۰ پیامبر (ص) ، نگران رویگردانی کافران ، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

۱۶ کافران نیز همچون مؤمنان ، تحت حاکمیّت و نظارت خدا هستند .

و اللّه بصیر بالعباد

از کاربرد کلمه عبد بر کافران، حاکمیّت استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۱،۲،۱۰،۱۱

۱ آنان که از تسلیم در برابر خدا روی گردانند ، کافرند .

و ان تولّوا . .. انّ الّذین یکفرون بایات اللّه

۲ کافران به آیات الهی ، مستحق عذابی دردناک

انّ الذین یکفرون بایات اللّه . .. فبشّرهم بعذاب الیم

۱۰ کافران با توجیه و تظاهر به حقّ ، انبیای الهی و عدالتخواهان را به قتل می رساندند .

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

تأکید و تصریح به <بغیر حق>، بیانگر توجیه و حق نمایی کافران است.

۱۱ بسیاری از پیامبران و عدالتخواهان ، به دست کافران به قتل رسیدند .

انّ الذين يكفرون . .. و يقتلون النّبيّن بغير حق و يقتلون الذين يأمرون بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ خداوند ، چه بسا مؤمنی را از کافر و کافری را از مؤمن پدید می آورد .

و تخرج الحیّ من المیّت و تخرج المیّت من الحیّ

امام صادق (ع): . .. انّ اللّه عز و جل یقول: <یخرج الحیّ من المیّت و یخرج ... > یعنی المؤمن من الکافر و الکافر من المؤمن.

معانی الاخبار، ص ۲۹۰، ح ۱۰ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ لزوم تشکّل و جبهه گیری مؤمنان ، در قبال جبهه کفر

من انصاری الی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرک من الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۷ – ۱۲

۱۲ کفر (انکار پیامبر) ، ظلم است و کافران ، ظالم هستند .

فاما الذین کفروا . .. و اللّه لا یحبّ الظالمین

بنابراینکه جمله <و اللّه لا یحب الظالمین>، تعلیل برای کیفر کافران باشد; یعنی چون کافران ظالم هستند، مستحق کیفرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۱ – ۱،۵،۶

۱ کسی که

در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیه دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا . .. فلن یقبل من احدهم مِلءُ الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲۵

۲۵ منکر وجوب حج ، کافر است .

و من کفر

امام کاظم (ع) در پاسخ این سؤال که آیا اگر کسی حج بجا نیارد کافر است؟ فرمود: لا و لکن من قال لیس هذا هکذا فقد کفر.

کافی، ج ۴، ص ۲۶۵، ح ۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۲

۲ پرهیز از اطاعت کافران و بر حذر بودن از نزاع و تفرقه ، نشانه تقوای اهل ایمان

ان تطیعوا فریقاً من الذین اُوتوا الکتاب . .. اتقوا اللّه حق تُقاته

پرهیز از تفرقه و نزاع، از شأن نزول آیه <ان تطیعوا . .. > استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئك اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۴ - ۱۳۱

۴ رباخواران ، هر چند مدّعی ایمان باشند ، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند .

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

مقتضای جمع میان خطاب <یا ایّها الّـذین آمنوا لا تاکلوا الرّبوآ . .. > و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای کافران، قرار دادن رباخواران مدّعی ایمان است به منزله کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۱،۳،۱۹

۱ جراحت و آسیب همگون دو جبهه کفر و ایمان در پیکار اُحُد

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

۳ برابری آسیب و جراحت های وارده به مؤمنان پیکارگر احد ، با آسیب های وارد شده به کافران در جنگ بدر

ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله

برخی برآننـد که <ان یمسسـکم>، دربـاره جراحتهـای مسـلمانان در جنـگ احـد است و جمله <فقـد مسّ القوم>، اشاره به جراحات مشرکان در جنگ بدر دارد.

۱۹ مؤمنان استوار در نبرد اُحُد و دیگر هنگامه های پیکار با کافران ، برگزیدگان خداوند برای گواهی بر اعمال مردم

و تلک الایّام . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتّخذ منکم شهداء

ترک لام در <و یتّخـذ>، اشاره به این معنا دارد که برگزیـدن، در پی مشـخّص شدن مؤمنان واقعی است. یعنی مؤمنان واقعی برای گواه بودن برگزیده می شوند. گفتنی است که در برداشت فوق، متعلق حذف شده <شهدآء>، اعمال مردم، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱،۷

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ

با کافران ، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلک الایّام نداولها . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

فعل <یمحّص> از مصدر <تمحیص> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

۷ خداوند ، کوبنده اهل کفر و از بین برنده آنان به صورت تدریجی

و یمحق الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۰

۱۰ کافران ، مشرک هستند .

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب بما اشرکوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۲

۲ کارزار احد ، صحنه رویارویی و درگیری دو جناح کفر و ایمان

و ما اصابکم یوم التقی الجمعان فباذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ -

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنـابر اینکه دعوت مطرح شـده در آیه، یـک دعوت موردی و خاص باشـد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهنـد بود: گروهی که <للّه> و <فی سبیـل اللّه> در صـحنه پیکـار حاضـر می شونـد و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیّت خود و . .. نبرد می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۵ - ۷

۷ لشگریان کفر و شرک و دشمنان اسلام ، دوستان شیطانند .

انّ النّاس قد جمعوا لکم فاخشوهم . .. انّما ذلکم الشّیطان یخوّف اولیاءه

برداشت فوق بر این اساس است که <کُم> از <یخوّف اولیاءه> حذف شده باشد; یعنی <یخوّفکم اولیاءه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۵،۶،۷

۵ شایعه پراکنانی که در صدد تضعیف روحیه مجاهدان اسلام هستند ، شتابگران در کفرند . *

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل، جمله <الّذین یسارعون فی الکفر> می توانـد اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء و شایعات ترس آفرین، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

۶ هرگز شتابگران در کفر هیچگونه ضرری به خدا نمی رسانند .

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً

۷ آسیب ناپذیری جبهه حق در برابر شتابگران در کفر

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً

در برداشت فوق، ضرر زدن به

خدا کنایه از ضرر زدن به دین او گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۱

۱ کافران ، هرگز کوچکترین ضرری به خداوند نمی رسانند .

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضرّوا اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۶

۶ گروهی از اهل کتاب علی رغم ادعای ایمان ، نه به خداوند ایمان دارند و نه به کتب آسمانی خویش

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه و ما انزل الیکم و ما انزل الیهم

مفهوم جمله <انّ من اهل الکتاب . .. >، دلالت می کند که گروهی از اهل کتاب، علی رغم ادعای ایمان به کتب آسمانی خویش، نه به خدا ایمان دارند و نه به تورات و انجیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذین یبخلون . .. اعتدنا للکافرین

اطلاق کافر بر بخیل و . .. یا بدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سرانجام بخلورزی کفر است.

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون . .. ما اتیهم اللّه ... و اعتدنا للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۵ - ۱

۱ تأکید و سوگند خداوند بر بی ایمانی کسانی

که حاکمیّت پیامبر (ص) را در اختلافات نپذیرند .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۲

۲ مسلمانان بریده از جامعه اسلامی و رویگردان از هجرت ، منافق و کافرند .

فما لکم فی المنافقین . .. کما کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۶

۶ استهزا کنندگان آیات الهی ، کافرند .

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها

ظاهراً جمله <یستهزأ بها> توضیح و تفسیر برای جمله <یکفر بها> است، بازگشت ضمیر مفرد در <غیره> به این دو جمله، دلالت بر وحدت کفر و استهزا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۶

۶ منافقان در زمره کافرانند *

إنّ المنفقین . .. یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره منافقان است، می توان گفت مراد از <الکفرین> همان منافقان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۶ - ۱

۱ یهود ، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۷ - ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف

آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲

۲ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، کفر است و مدعیان آن کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۳

۴۳ آنان که حکم و داوری خویش را بر پایه مقررات و قوانین الهی بنا نکنند ، کافرند .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

با توجه به آیات گذشته که درباره قضاوت بود، معلوم می شود که جمله <و من لم یحکم . ..> ناظر به مسأله قضاوت و داوری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیاناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۷ – ۱۵

۱۵ منکران و مخالفان پیام ویژه خداوند در < آیه تبلیغ > ، مردمانی کافر

بلغ ما أنزل

إلیک . .. إنّ اللّه لایهدی القوم الکفرین

از مصـادیق مورد نظر برای کـافران به قرینه صـدر آیه کسانی هسـتند که آن پیام ویژه را که به منزله تمامی رسالت الهی است، منکر شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲،۱۴،۱۵

۲ کسانی که مسیح (ع) را خدا می پندارند ، بدون تردید کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح

۱۴ مسیحیان معتقد به الوهیت مسیح (ع) مردمی کافر و مشرک

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم . .. انه من یشرک باللّه

۱۵ متعتقدان به الوهیت و ربوبیت غیرخدا ، کافر و مشرکند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم . .. انه من یشرک باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۲

۲ معتقدان به تثلیث بدون هیچ تردید ، مردمی کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه ثالث ثلثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذین کفروا و کذبوا . ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۳ – ۱۰

۱۰ اعتقاد به خداوند کافی برای خارج ساختن آدمی از زمره کافران

نخواهد بود .

و لكن الذين كفروا يفترون على اللّه الكذب

افترا بر خداوند مستلزم اعتقاد به وجود اوست، و جمله <و لكن الذين كفروا . ..> مى رساند كه بدعتگذاران با اينكه معتقد به خداوند مى باشند، كافر هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۷

۳۷ گروهى از بنى اسرائيل عصر عيسى (ع) ، رسالت وى را منكر و در زمره كافران بودند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۷

۷ آنان كه براى خداوند همتايى بپندارند، كافرند.

ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

در اين برداشت <بربهم> متعلق به يعدلون و <يعدلون> نيز از عدل، به معنى برابر و همسان، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۳،۲۵

۲۳ بازيچه قرار دادن دين، كفر است و بازيچه قراردهندگان آن كافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا . .. بما كانوا يكفرون

۲۵ كسانى كه بازى و سرگرمى دنيا را دين خود قرار داده اند، كافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا . .. بما كانوا يكفرون

بنابراين كه <اتخذوا دينهم لعبا>، به معناى <اتخذوا اللعب دينا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۳

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للکفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للکفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر

می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۳،۴

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

کدأب ءال فرعون . .. کفروا بایت اللّه

۴ فرعونیان و امت های قبل از ایشان مردمی کفرپیشه و گنهکار

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

ضمیر در <کفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۷،۸

۷ اندیشه < فرزند داشتن خدا > اندیشه ایست کفرآمیز و معتقدان به آن ، کافرند .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > کافرند .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور اللّه . .. و یأبی اللّه ... و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه اند .

و منهم من یقول ائذن لی . .. ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۲

۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه و منکر رسالت پیامبر (ص)

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۶،۷

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص)

ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۸

۱۸ از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < . . . قالت بنو اسماعیل : < هؤلاء شفعائنا عند اللّه > فکفرت و لم تعبد الأصنام ;

فرزندان اسماعیل می گفتند: بتها شفیعان ما نزد خدا هستند پس کافر شدند ; ولی بت را پرستش نکردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال الملأ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلّا من سبق عليه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبنی فی الذین ظلموا إنهم

مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلّا من ...>؛ یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۷

۷ تأکید قوم عاد ، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱

۱ قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذیرفتند و به شرک و کفر اصرار ورزیدند .

فإن تولّوا . .. یستخلف ربی قومًا غیرکم ... و لما جاء أمرنا نجّینا هودًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۵

۵ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعدًا لعاد قوم هود

<بُعداً> (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مرادْ عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراست و نیز محتمل است <ألا بُعدًا ...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد؛ یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت

او محروم شدند]بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۱۷

۱۷ مصریان عصر یوسف (ع) ، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۱۰

۱۰ مشرکان از زمره کافران و موحدان از زمره تقواپیشگانند .

تلک عقبی الذین اتقوا و عقبی الکفرین النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۱۱

۱۱– < قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن کفار ؟ قال : لا و لکنّ کما قال الله : < ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً و أحلّوا قومهم دار البوار > . . . ;

هارون به امام کاظم(ع) گفت [آیا]ما کافریم؟ آن حضرت فرمود: خیر بلکه آن گونه [هستید] که خدا می فرماید: <ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفراً . ..>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۶

۱۶– مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۳ – ۲،۳،۴

۲- بیشتر مشرکان

صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثمّ ینکرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أکثرهم الکافرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

۴- اکثر انکار کنندگان نعمت های الهی ، مصداق و مجسمه کامل کفرند .

یعرفون نعمت الله . .. و أکثرهم الکفرون

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضمیر <هم> به فاعل <یعرفون>باز گردد و الف و لام در <الکافرون> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۲

۱۲- فسادانگیزان سرکش ، کافرند .

لتفسدنّ فی الأرض . .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۷ – ۴

۴- آنان که عیسی (ع) را فرزند مریم (س) ، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند ، کافراند

.

فاختلف الأحزاب من بينهم فويل للذين كفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۸ – ۷

۷- کافران از زمره ستم کاران و گمراهان اند .

فويل للذين كفروا . .. لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۲

۲ – انسان ها در برابر انذار ها و اخطار های پیامبران دو دسته اند : مؤمن و یاکافر

يأيّها الناس إنّما أنا لكم نذير مبين . فالذين ءامنوا ... و الذين سعوا فى ءايتن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۷ – ۸

۸ – کسانی که از خدا و رسول او ، روی برتابند و از فرمان هایشان سرپیچی کنند ، مؤمن نیستند .

و يقولون ءامنّا باللّه . .. ثمّ يتولّى فريق منهم من بعد ذلك و ما أُولئك بالمؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۵ – ۷

۷ پرستش غیر خدا ، کفر است و مشرکان کافراند .

و يعبدون من دون اللّه . .. و كان الكافر على ربّه ظهيرًا

برداشت فوق، از به کار بردن واژه <کافر> بر عبادت کنندگان غیر خدا که همان مشرکان اند استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳۲ – ۱۰

۱۰ – همسر لوط ، از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لننجّینّه و أهله إلّا امرأته کانت من الغبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴

- عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إنّا منجّوک . .. إلاّ امرأتک کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّه . .. أو کذّب بالحقّ... ألیس فی جهنّم مثوًی للکفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۲

۲ - احزاب متّحدِ محاصره کننده مسلمانان در مدینه ، همگی ، کافر بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا

طبق آنچه در آغاز سوره آمد، احزاب گرد آمده برای جنگ با مسلمانان مدینه، از مشرکان و منافقان و یهودیان بودند، ولی خداوند از همه آنان، به <الذین کفروا> تعبیر کرده است و این، حکایت از کفر همگی آنان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۷

۱۷ - مشرکان ، مردمانی کافراند .

إذ تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أندادًا . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا ... و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منکران قرآن ، کافراند .

ثمّ أورثنا الکتب . .. و الذین کفروا

مقصود از کفر در این آیه به قرینه آیات پیشین

که درباره قرآن کریم بود انکار قرآن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۲ – ۳

۳ – شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إنّ الذین کفروا . .. ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ – فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّاب . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۶

۶ – تحریف گران آیات الهی ، کافراند .

إنّ الذین یلحدون فی ءایتنا . .. إنّ الذین کفروا بالذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۶ – ۸

۸ – کافران و روی گردانان از عبادت خداوند ، دور ماندگان از هدف آفرینش و عنایت حق *

و ما خلقت . .. إلاّ لیعبدون

از این که هدف الهی از آفرینش انسان، پرستشگری حق دانسته شده، استفاده می شود که کافران از هدف عالی خلقت که مورد نظر حق بوده دور مانده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۴ – ۹

۹ – منکران حدود الهی در حکم کافران اند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب أليم

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۸

۸ – اهل کتاب (یهود و نصارا) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۲ – ۳

۳ – انسان ها از نظر جهان بینی و باور های دینی یا کافراند و یا مؤمن .

فمنکم کافر و منکم مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۰ – ۱

۱ – کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی بپردازند ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳۱ – ۸

۸ – کفر و نپیمودن راه خدا ، ظلم است و کافران ظالم اند .

و الظلمین أعدّ لهم عذابًاألیمًا

مقصود از <ظالمین> به قرینه آیات گذشته کافرانی هستند که راه خدا را نمی پیمایند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۷ – ۷

۷ – کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۲ – ۲

۲ – منکران معاد ، کافراند .

لترکبنّ طبقًا عن طبق . .. بل الذین کفروا یکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۱ – ۴

۴ – منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را، اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۶ – ۴،۵

۴ – منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۵ – اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أُمروا إلاّ لیعبدوا اللّه مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتوا الز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۱ – ۲

۲ – گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یأیّها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند; بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان

تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

آبروریزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱۱

۱۱- استفاده از تهمت و شخصیت شکنی ، از روش های مبارزه کافران با پیامبر (ص) و تعالیم او

إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

آتش بس با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۱،۲

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن اللّه ...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لاتقتلوهم إن اللّه غفور رحیم>.

۲ - مسلمانان ، باید آتش بس اعلام شده از سوی کافران را بپذیرند . *

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

آثار آخرت گریزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا . .. إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم يومً

برداشت یاد شده، با توجّه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثماً أو کفوراً) است.

آثار اتحاد با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۷

۷ - نفاق و همسویی با کافران ، نمودی از ظلم

فكان عقبتهما أنّهما فى النار . .. و ذلک جزؤا الظلمين

چنانکه گفته شد آیه بر منافقان و کافران نیز تطبیق شود.

آثار اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود ر ها خواهند شد .

لم يكن . .. منفكّين حتّى تأتيهم البيّنه

قید <حتّى تأتيهم البيّنه> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

آثار اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۳

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتريته فلا تملكون . .. كفى به شهيدًا بينى و بينكم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <کفی به شهیدًا> به معنای ترک محاجه باشد; یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در

صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

آثار اختلاف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

عمّ یتساءلون . .. الذی هم فیه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند; بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

آثار استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد . .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۲

۲- برخورد تحقیرآمیز کافران ، با گرایش محرومان به دین ، نمودی از روحیه استکباری آنان است .

و استکبرتم . .. و قال الذین کفروا للذین ءامنوا لو کان

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۵ – ۷

۷ – پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

آثار اسلام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۶ – ۳

۳ – کافران ، در صورت پذیرش اسلام ، هیچ غرامتی نمی پرداختند و از این بابت تحت فشار نبودند .

فهم من مغرم مثقلون

آثار اطاعت از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۸ – ۳

۳- پیروی از فریب ها و زیبانمایی های شیطان و اطاعت از کافران ، مایه خشم الهی و عذاب

الشیطن سوّل لهم . .. سنطیعکم فی بعض الأمر ... ذلک بأنّهم اتّبعواما أسخط اللّه

برداشت بالا- بنابراین نکته است که <اتّبعوا ما أسخط اللّه> به آنچه در آیات پیشین تحت عنوان <الشیطان سوّل لهم> و <قالوا . .. سنطیعکم فی بعض الأمر> آمده است، نظر داشته باشد.

آثار افساد کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۸ – ۸

۸- عذاب اخروی کافران ، بازتاب فسادگری مستمر خود آنان است .

زدنهم عذابًا . .. بما كانوا يفسدون

آثار امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن

در برابر قدرت و مکنت بسیار دشمنان و کافران مخالف

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - واگذاری مزایا ، امکانات و بهرهوری های زندگی دنیایی به کافران ، امری نادرست و زمینه گرایش نسل ها به کفر

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا لمن یکفر

آثار انعطاف پذیری در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ انعطاف پذیری در برابر کافران و منکران دین ، سست کننده بنیان رحمت و مودّت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

این برداشت، وجه دیگر برداشت قبل است.

آثار ایمان به شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران ، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم ... فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

فاء در <فإذا لقیتم> مفید ترتب و نتیجه است; یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضلّ أعمالهم) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقیتم. .. فضرب الرقاب).

آثار ایمان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۲۴

۲۴ – عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان

یأیّها النبیّ إذا

جاءك . .. فبايعهنّ و استغفر لهنّ اللّه

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند; معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

آثار باطل گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۲ - ۶

۶- رسوخ باطل در روح کافران ، مایه به تمسخر گرفتن جدی ترین هشدارها

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن كنت من الصدقين

تعبیر <لتأفکنا عن آلهتنا>، نشانگر رسوخ بت پرستی و شرك در روح قوم عاد و درخواست عذاب، در حقیقت سخنی از روی استهزا و ناباوری است.

آثار بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۸

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا لكن الظلمون اليوم فى ضلل مبين

<ال> در <الیوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <یوم یأتوننا> مطرح شده است و <لکن> استدراك از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار پیروی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۱۸

۱ ارتداد ، پیامدی برای اطاعت و پیروی از کافران

يا ايّها الّذين امنوا ان تطيعوا الّذين كفروا يردّوكم على اعقابكم

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیّت از کفرپیشگان

ان تطیعوا . ... فتنقلبوا خاسرين

از

مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

آثار تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۶ - ۶

۶ تأخیر افتادن عذاب کافران نه به سود آنان بلکه باعث تشدید عذاب اخروی آنان خواهد شد .

ثم اللّه شهید علی ما یفعلون

همـان گونه که تـأخیر عـذاب بـاعث نگرانی پیامبر اکرم (ص) بود، برای کافران نیز به قرینه آیه بعـد (یقولون متی هـذا الوعـد) دسـتاویز قرار گرفته بـود تـا به استهزای مؤمنـان بپردازنـد، از این رو جمله <ثم اللّه شـهید علی مـا یفعلـون> (خداونـد پس از ستانـدن جـان تو، به دقت تمـام اعمال آنان را زیر نظر دارد)، چنان که در برداشت فوق آمـده، می توانـد بیانگر حکمت تأخیر عذاب باشد.

آثار تکبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۵

۵ - کبر و خودبرتربینی ، عامل جدال و ستیزه جویی کافران و مشرکان با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. إن فی صدورهم إلاّ کبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۴

۴ - کافران مغرور و خودخواه دنیا ، محکوم به ذلت و خواری در آخرت

أم یقولون نحن جمیع منتصر . .. یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴ - غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن

و پیامبر (ص)

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

آثار تکبر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبراسلام ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

کانوا أکثر منهم و أشدّ قوّه و ءاثارًا فی الأرض

نکوهش مخالفان پیامبراسلام، بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، می رساند که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنان به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار تکذیبگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۵

۵ - احاطه تکذیب گری بر اندیشه کافران ، موجب احاطه غافلگیرانه عذاب الهی بر آنان است .

فی تکذیب . و اللّه من ورائهم محیط

تعبیر <فی تکذیب>، بر احاطه تکذیب گری بر کافران دلالت دارد و جمله <و اللّه . .. محیط>، کافران را به احاطه خداوند تهدید کرده است; که حاصل آن بسته بودن راه فرار از عذاب فراگیر است.

آثار تمایلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ -

۱ - ۷۱

۱ - تنظیم نظام تشریع و تکوین بر اساس تمایلات و هوس های کافران ، مایه تباهی نظام هستی

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

این آیه، ادامه آیه پیشین است. در آیه قبل بیان شد که مخالفت کافران و رفاهمندان با پیامبر(ص) و قرآن، از آن جهت نبود که آن دو برای آنها ناشناخته بود; بلکه از آن رو بود که پیام های قرآن که آورنده آن پیامبر(ص) می باشد سراسر حق است و حق در ذائقه آنها ناخوشانید بود. بنابراین آنها در صورتی پیامبر(ص) را می پذیرفتند که سخنانی مطابق هوس های آنها می آورد. در این آیه نیز می فرماید: اما هرگز حق نمی تواند تابع هوس های آنها شود; زیرا در آن صورت با توجه به نامحدود و متناقض بودن خواسته ها همه چیز از هم می پاشید; نه آسمان باقی می ماند، نه زمین و نه موجودات ساکن در آنها.

آثار توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امکان شمول عفو الهی ، نسبت به کافران حق ستیز ، به شرط توبه و پشیمانی قبل از مرگ

إنّ الذین کفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم کفّار فلن یغفر اللّه لهم

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که اگر کافر معاند در حال کفر نمیرد و قبل از مرگ توبه کند، مشمول <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

آثار توجیه گری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲

- سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

از این که کافران، با وجود مشاهده نشانه های عینی عذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند; استفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

آثار توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۷

۷- رهبران دینی ، در معرض خطر عقب نشینی از برخی مواضع اصولی خویش ، در برابر کافران

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

آثار تهدیدهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عمارياسر) به خاطر فشار های شدید کافران علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر بالله من بعد إیمنه إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عمارياسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

آثار ثروت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۱۷

۱۷ – ثروت انبوه برای کافران

، عذاب آور و سختی آفرین است .

لنفتنهم فیه

از معانی <فتنه> عـذاب و مشـقت است (قاموس). لام در <لنفتنهم> لام عاقبه و بیانگر بازتاب پیش بینی نشـده ثروت مندی است.

آثار ثروت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

أن کان ذا مال و بنین

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این نکته است که <أن کـان ذا. ..> متعلـق به فعـل محـذوفی (ماننـد <کـذّب>) باشـد که جمله شرطیه <إذا تتلی...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لکونه ذا مال و بنین کذّب بآیاتنا...>.

آثار جهل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۹ - ۴

۴- بی دقتی و جهل کافران به عظمت آفرینش آسمان ها و زمین ، زمینه ساز انکار حیات دوباره انسان از سوی آنان است .

أو لم یروا أن الله الذی خلق السموت و الأرض قادر علی أن یخلق مثلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی ، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و یقولون متی هذا الوعد . .. لویعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شـده بر این اساس است که جواب مقـدر <لو> جمله <لمّا اسـتعجلوا العذاب أو قیام الساعه> (در نزول عذاب و

یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۹

۹ - استبعاد معاد از سوی کافران ، ناشی از ناآگاهی آنان از قدرت مطلقه خداوند است .

خلق السموت . .. زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا قل بلی و ربّی لتبعثنّ ... و ذلک عل

آثار جهل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود .

فأذاقهم اللّه الخزی . .. لو کانوا یعلمون

آثار حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است ; نه نامعقول بودن آن .

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد; یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای آنان، ناممکن جلوه داده

است.

آثار حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

۱۱ – حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم . .. معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸ – ۲

۲ – رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی درآنان

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۰ – ۶

۶- به کارگیری تهدید از سوی خداوند ، پس از ارائه منطق و برهان و تأثیرناپذیری کافران از آن

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

<فاء> تفریع، تهدید را متفرع بر حق ستیزی کافران و عدم تأثیر منطق و برهان بر آنان کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۷ – ۶

۶- سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتّب و نتیجه است; یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ،

استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

آثار حق ناپذیری کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین. ..> برای اضراب انتقالی است; بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است; یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفک> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

آثار دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ -

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لکَ الأمثال فضلّوا فلایستطیعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۵

۵ - مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران ، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قالوا أَوَ لم تکَ تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی قالوا فادعوا و ما دعؤا الکفر

اعتراف کافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودند، نشان می دهد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲- عناد شدید کافران ، زمینه ساز گرایش پیامبر (ص) به درخواست عذاب ، برای آنان

و لاتستعجل لهم

از نهی <لاتستعجل> اگر استفاده نشود که پیامبر(ص) درخواست عذاب کرده است؛ می توان استفاده کرد که عناد کافران تا بدان جا شدید بوده که زمینه چنین درخواستی را فراهم می کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

عبارت <بل لایوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره

قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست; بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۹

۹ - ممنوعیت دوستی و ارتباط با کافران ، منوط به وجود درگیری و عداوت میان ایشان و مسلمانان *

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون الرسول و إیّاکم

برداشت بالا، بدان احتمال است که تعبیر <قد کفروا . .. یخرجون الرسول...> که فلسفه نهی در <لاتتّخذوا عدوّی> را بیان می کند در عین حال قلمرو نهی را نیز مشخص سازد.

آثار دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۵

۵ دشنام علیه کافران موجب دشمنی و کینه توزی جاهلانه و بدون توجه آنان علیه خداوند می گردد.

و لاتسبوا الذین . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

آثار دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷ - ۱۱

۱۱- روی گردانی کافران از ارزش های نو قرآن ، معلولِ دنیاطلبی آنان است .

لم یؤمنوا بهذا الحدیث . .. ما علی الأرض زینه لها لنبلوهم

جمله <إنّا جعلنا ما علی الأرض زینه لها> می تواند به عنوان تعلیلی برای اِعراض کافران مطرح باشد; یعنی، زیبایی دنیا، باعث شده که ایشان به آن، دلْ خوش کنند و به قرآن ایمان نیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن

پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومً

برداشت یاد شده، با توجّه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثماً أو کفوراً) است.

آثار دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۳

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بشّر المنفقین بأنّ لهم عذاباً ألیماً. الذین یتّخذون الکفرین أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل اللّه فلن تجد له سبیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ برقراری پیوند های دوستی با کافران از سوی اهل ایمان ، تباه کننده اعمال نیک آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۰،۱۵

۱۰ محرومیت مسلمانان از محبت خداوند ، در صورت ایجاد روابط دوستانه با کافران

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه بقوم یحبهم

۱۵

دوستی با کافران (یهود ، نصارا و . . .) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱۴،۱۷

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم یتولون . .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس . .. ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۳ – ۵

۵ مسلمانانی که با کفار و دشمنان اسلام پیوند دوستی و موالات می بندند ، مردمانی ستم پیشه اند .

إن استحبوا الکفر علی الإیمن و من یتولهم منکم فأولئک هم الظلمون

آثار ذکر دشمنی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۲ – ۴

۴ – توجه مسلمانان به عمق دشمنی ها و تعارض های جبهه کفر با اسلام ، مانع برقراری روابط دوستانه با آنان

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

از بیان دشمنی کافران با مؤمنان در پی خبر دادن از رابطه دوستی باکافران استفاده می شود که توجه به این امر بازدارنده مسلمانان از ارتباط با آنان است.

آثار ذکر فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و کافران ، نقشی تعیین کننده در گرایش انسان به ایمان یا کفر دارد .

فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۲

۲- توجه به نافرجامی خط کفر ، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن یغفر اللّه لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم

<فا> در <فلاتهنوا> ترتّب و تفریع را می رساند و از ترتّب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۶

۶ - توجه به فرجام بسیار متفاوت مؤمنان و کافران ، زمینه ساز گرایش انسان به ایمان

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند مل

آثار ذکر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

یعرض الذین کفروا علی النار . .. فاصبر کما صبر أولواالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

آثار ذکر هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۱۶

۱۶- توجه

به تاریخ هلاکت بار کفرپیشگان و سنت های جاری الهی ، زمینه ساز ایمان به رهنمود های الهی و پوزش از لغزش ها است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا . .. و یستغفروا ربّهم إلاّ أن تأتیهم سنّه الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۳

۳- تذکر به هلاکت اقوامی کافر در اطراف مکه ، هشداری به مکیان حق ناپذیر

و لقد أهلکنا ما حولکم من القری

مخاطب <کم> مشرکان مکه اند.

آثار رشد اقتصادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۳

۳- وضعیت بهتر اقتصادی و معیشتی کافران عصر بعثت ، زمینه ساز گرایش عده ای از مردم به کفر بود .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً

بینش مطرح شده در این آیه، از اندیشه ای سرچشمه می گیرد که در آیات پیشین با جمله <قال الذین کفروا. .. أیّ الفریقین خیر مقاماً> به آن اشاره شده بود.

آثار رفاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون . .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتّی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا

من فضّه

مراد از <اُمّه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

آثار سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱،۲

۱- همدلی و سازش نهانی با کافران ، دلیل ارتداد بیماردلان منافق

إنّ الذین ارتدّوا . .. ذلک بأنّهم قالوا للذین ... سنطیعکم فی بعض الأمر

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ذلک> اشاره به ارتداد باشد که از آیه قبل (إنّ الذین ارتدّوا) استفاده می شود و با توجه به این که مراد از <الذین کرهوا. ..> کافران معانداند.

۲- سازش با کافران و همکاری با آنان علیه دین ، مایه ارتداد است .

إنّ الذین ارتدّوا . .. ذلک بأنّهم قالوا ... سنطیعکم فی بعض الأمر

آثار سخنان باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۳

۳ - گفتار ناروای کافران علیه دین ، مایه رنج و اذیت پیامبر (ص)

فاصبر علی ما یقولون

آثار سرمستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۱

۱ - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تمرحون

<با> در <بما کنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد.
گفتنی

است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، درپی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتّبعوا أهواءهم . .. یقول الکفرون هذا یوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

آثار سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۷

۷ - استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش حیات

أنبؤا ما کانوا به یستهزءون . أَوَلم یرواإلی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۱

۱ - آگاهی اندک و سطحی کافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من ءایتنا شیًا اتّخذها هزوًا

کلمه <شیئاً>، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲ - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

از این که کافران، با وجود مشاهـده نشانه های عینی عـذاب، آن را پدیـده ای طبیعی و بی خطر می انگارند; اسـتفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

آثار سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۶

۶ دشـمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

آثار شبهه افکنی کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۹ – ۳

۳ – تأثیرپذیری مردمان کم عقل و ضعیف الرأی ، از سخنان انکارآمیز کافران مکه علیه موضوع رستاخیز و روز جزا

إنّکم لفی قول مختلف . یؤفک عنه من أُفک

ضمیر در <عنه> می توانـد به <قـول مختلف> بـازگردد. در این صورت <عن> تعلیلیه بوده و جمله <یؤفـک...> صـفت برای <قول> می باشد; یعنی، <یؤفک بسببه...>.

آثار شکست کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۰ – ۳

۳ – شکست کافران و مشرکان در پیکار با اسلام و مسلمانان ، جلوه عذاب الهی

من یأتیه عذاب یخزیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۶،۱۹

۶– اسیرکردن نیرو های دشمن در میدان جنگ ، امری مجاز پس از متلاشی کردن سپاه کفر و زمین گیر ساختن آنان

حتّی إذا أثخنتموهم فشدّوا الوثاق

۱۹- امت اسلامی ، موظّف به نبرد بی امان با جبهه کفر تا فرونشاندن شعله های شرارت آنان

فشدّوا الوثاق . .. حتّی تضع الحرب أوزارها

خطاب آیه، می تواند به امت اسلامی در همه زمان ها باشد; یعنی، هرگاه جبهه کفر با اسلام به ستیز برخاست، مسلمانان موظف اند تا مرحله خلع سلاح جبهه کفر به مبارزه ادامه دهند.

این مطلب از ملاک هایی که آیه به دست داده است (أثخنتموهم ... تضع الحرب) استفاده می شود.

آثار شنوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۸

۸- شنوایی و بینایی کافران در قیامت ، موجب نجات آنان نمی گردد .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا لکن الظلمون الیوم فی ضلل مبین

<ال> در <الیوم> چنانچه عهد ذکری باشد، مراد روز قیامت است که در <یوم یأتوننا> مطرح شده است و <لکن> استدراک از توهم نجات است که جمله <أسمع بهم و أبصر> آن را پدید آورده است.

آثار طغیانگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۲

۲ - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربّص به ریب المنون . .. أم هم قوم طاغون

آثار ظلم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک . .. و منهم من ینظر إلیک ... و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۷

۷ - عذاب

دوزخ ، ستمی از سوی کافران به خویش و نه از جانب خداوند

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

آثار عبرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

آثار عجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زیّن له سوء عمله . .. فإنّ اللّه یضلّ من یشاء و یهدی من یشاء

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فإنّ اللّه یضلّ. ..> در مقام تعلیل برای <أفمن زیّن...> است; یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند; خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴ - غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

آثار عدم تعقل در فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۰ – ۱۱

۱۱– ناخشنودی از دین و پیام های الهی ، معلول نیندیشیدن به عاقبت کفر و کافران *

کرهوا ما أنزل اللّه . .. أفلم يسيروا فی الأرض فينظروا

از

ارتباط <أفلم یسیروا> با <کرهوا ماأنزل اللّه>، می توان استفاده کرد که اگر کافران عصر بعثت به فرجام شوم پیشینیان کافر می اندیشیدند، این چنین از پیام های دین، گریزان و ناخشنود نبودند.

آثار عدم تعقل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقّل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

آثار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا، به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۴

۴ - فریاد و ضجه رفاهمندان کافر ، به هنگام لمس عذاب الهی

حتّی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجئرون

ضمیر <هم> در جمله <إذا هم یجئرون>، می تواند به <مترفین> بازگردد. در این صورت معنای <إذا هم یجئرون> چنین می شود: <مترفان به هنگام لمس عذاب الهی، فریاد و ضجه سر می دهند>. هم چنین می تواند به غفلت زدگان کافر بازگردد. در این صورت معنای جمله فوق چنین می شود: <کافران (پیروان مترفین) وقتی جلوداران خود را گرفتار عذاب دیدند، فریاد استغاثه سرمی

دهند>. برداشت فوق، بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ - کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبهم مصیبه . .. فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

آثار عصیان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین. ..> برای اضراب انتقالی است; بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

آثار عقیده باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۱

۱- ناکامی و پوجی اعمال کافران بازتاب طبیعی باطل گرایی آنان

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم ... ذلک بأنّ الذین کفروا اتّبعواالبطل

<ذالک> اشاره به فرجام پوچ و اعمال بی ثمر کافران است (أضلّ أعمالهم).

آثار عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک

خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

آثار عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاک و عذاب کافران ، نتیجه عملکرد خود ایشان

و ما أهلکنا من قریه . .. و ما کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۷

۷ - مجازات و عقوبت کفرپیشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی. ..> خود جزا و کیفر باشد.

آثار عمل ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۶

۶ - آتش دوزخ ، تجسّم و عینیت اعمال ناروای خود کافران برای ایشان *

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

تعبير <تجزون ما> به جاى <تجزون بما> بيانگر اين معنا است كه خود عمل، جزا واقع مى شود و اين در صورتى است كه عمل ناروا تجسّم پيدا كند.

آثار غفلت از هلاكت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجيل كافران در نزول عذاب ،

ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۸

۸ - تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

آثار غفلت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۷

۷ - تکذیب رسالت پیامبر اسلام از جانب کافران ، برخاسته از ناآگاهی و غفلت آنان ، از سرنوشت شوم تکذیب کنندگان بود
.

فأذاقهم اللّه الخزی . .. لو کانوا یعلمون

آثار قاطعیت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح -

۲۰ - ۲۹ - ۴۸

۲۰- صلابت در برابر کافران ، مهرورزی با مؤمنان و استمرار بر عبادت ، زمینه برخورداری جامعه اسلامی از فضل و رضای الهی

أشدّاء . .. رحماء ... رکّعًا سجّدًا یبتغون

می توان گفت: <یبتغون. ..> نتیجه و حاصل سه برنامه مؤمنان (۱ أشدّاء، ۲ رحماء، ۳ رکعّاً سجّداً) است.

آثار قبول ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان ، موجب غضب خداوند بر بنی اسرائیل

تری کثیراً منهم یتولون . .. لبئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط اللّه علیهم

آثار قدرت طلبی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار خویش بود .

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض فأخذهم اللّه بذنوبهم

نکوهش شدن مخالفان پیامبر اسلام(ص) بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، بیانگر این نکته است که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنها به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

آثار قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۸

۸ - مؤمنان مجاهد ، در معرض قرار گرفتن در موضع انفعالی و متأثر شدن در برابر قدرت و مکنت بسیار دشمنان و کافران

مخالف

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برداشت یاد شده از هشدار خداوند، به دست می آید.

آثار کثرت کافران صدراسلام

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <أن کان ذا. ..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <کذّب>) باشد که جمله شرطیه <إذا تتلی...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لکونه ذا مال و بنین کذّب بآیاتنا...>.

آثار کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زروزور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

آثار کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶ - کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد; بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

آثار کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۵ – ۲

۲ – تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است

.

على الأرائک ينظرون

آثار کيفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۱۱ – ۲

۲ مجازات کفار و منکران قيامت (از ميان برداشتن ايشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو يعجل اللّه للناس الشر . .. لقضى إليهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسيه و مفيد استغراق است؛ يعنى، اگر سنت الهى درباره جوامع بشرى اين بود که هر انسان کفرپيشه را در دنيا بى درنگ مجازات کند، هر آينه تا کنون زمين از وجود انسان تهى شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالى که اين با فلسفه آفرينش انسان (و لکم فى الأرض مستقر و متاع إلى حين. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۶

۶ – وعده رويارويى قهرآميز و سريع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مايه آرامش و تسلّاى خاطر پيامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشديد

خطاب به پيامبر(ص)، به هنگام بيان مؤاخذه کافران، بيانگر تأثير مثبت اين خبر در روحيه آن حضرت و پيروان ايشان است.

آثار گرايش به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۵ – ۱۲

۱۲– تمايل به کافران ، مايه تنها ماندن انسان و محروم شدن از نصرت خداوند

ترکن إليهم شيئًا قليلاً. إذًا لأذقنک ... ثمّ لاتجد لک علينا نصيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۶ – ۳

۳- تسلط شیطان بر روح

منافقان ، معلول گرایش آنان به کافران و اظهار همدلی با ایشان

الشیطن سوّل لهم . .. ذلک بأنّهم قالوا... سنطیعکم

<ذلک> می تواند اشاره به تسلّط شیطان باشد که از آیه قبل (الشیطان سوّل لهم) استفاده می شود و تعبیر <بأنّهم. ..> در مقام تعلیل است.

آثار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۸

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا . .. ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

این آیه با آیه <من کان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدّاً> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد. .. مدّاً> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

آثار گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

آثار لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۲

۲ - کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر كيف كان عقبه المنذرين

توصيه خداوند به نگريستن در سرنوشت كافرانِ لجوجِ انذار شده از سوى پيامبران، گوياى اين

حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۴

۴ - لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

عبارت <بل لایوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست; بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۷

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۶

۶ - مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۴

۴ - اصرار

کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . .. بل الذین کفروا فی تکذیب

آثار لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی أکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی أکثرهم> می باشد; یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

آثار مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پایان یافتن شرارت ها و حق ستیزی های کافران و ستمگران

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

آثار مسخ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیًّا و لایرجعون

آثار مکر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۰ – ۱۴

۱۴ – مکر ها و توطئه های

سوء کافران ، موجب عذاب شدید آنان است .

و الذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۱،۴

۱ - اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (ص) ناشی از مکر و حلیه آنان

أم تریدون کیدًا

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

آثار موضعگیری علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۷ - ۲

۲ - موضع گیری پیامبر (ص) در قبال کفرورزی و عصیان خویشاوندان ، دارای پی آمد های دشوار و نگران کننده

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ... و توکّل علی العزیزالرحیم

دستور <توکّل علی اللّه> پس از <فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون> بیانگر مطلب یاد شده است.

آثار نعمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

مراد از <اُمّه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

آثار ولايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱،۳

۱ مدعيان ايمان ، در صورت پذيرش سرپرستى و دوستى كافران ، در زمره اهل نفاقند .

بشّر المنفقين بأنّ لهم عذاباً أليماً. الذين يتّخذون الكفرين أولياء

<أولياء> جمع <ولى> مى

تواند به معنای دوست و یا سرپرست باشد. گفتنی است که در برداشت فوق، <الذین>، وصف برای منافقان گرفته شده است.

۳ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، در پی دارنده عذابی دردناک

بشّر المنفقین بأنّ لهم عذاباً ألیماً. الذین یتّخذون الکفرین أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۰

۱۰ پذیرش دوستی و سرپرستی کفار ، خیانت در جنگ ، خدعه با خدا ، سستی در عبادت ، ریاکاری و کم به یاد خدا بودن ، موجب گمراهی و محرومیت دایمی از هدایت الهی است .

و من یضلل اللّه فلن تجد له سبیلا

از مصادیق مورد نظر برای (من یضلل)، کسانی هستند که در آیات قبل (از ۱۳۸ تا ۱۴۳) خصلتهای آنان بر شمرده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۱ - ۱۱،۱۶

۱۱ مؤمنان پذیرای ولایت و سرپرستی یهود و نصارا ، از زمره کافران و خارج از صف مؤمنان راستین

و من یتولهم منکم فانه منهم

۱۶ مسلمانانِ پذیرای ولایت یهود و نصارا ، گمراه و از زمره ستمگرانند .

و من یتولهم منکم فانه منهم إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۸

۸ ناکامی و شکست ، سرنوشت حتمی پذیرندگان ولایت یهود ، نصارا و دیگر کافران

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

حصر در جمله <فان حزب اللّه . ..> می تواند ناظر به پندار غلط کسانی باشد که برای مصون ماندن از شکست

احتمالی مسلمانان (نخشی ان تصیبنا دائره) در صدد ایجاد روابط دوستی و ولایی با کافران بودند.

آثار هدایت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۰

۱۰- حق ناپذیری و هدایت گریزی کافران ، منتهی به دروغ شمردن پیام راستین وحی

و إذ لم یهتدوا به فسیقولون هذا إفک قدیم

<فاء> در <فسیقولون>، بیانگر ترتّب و نتیجه است; یعنی، اتهام آنان به قرآن، نتیجه حق ناپذیری و هدایت گریزی آنان است.

آثار هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۲

۲ - فرجام هلاکت بار امت های کفرپیشه تاریخ ، به رغم شوکت مندی آنان ، هشداری به همه ملت های حق ستیز

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

آثار همکاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۱۳

۱۳- ضربات شکنجه بر صورت و پشت منافقان ، بازتاب روی آوری به کافران و اعراض از اهل ایمان *

قالوا . .. سنطیعکم ... یضربون وجوههم و أدبرهم

ضمیر <هم> احتمالاً به منافقانی بازمی گردد که در آیه قبل، روی آوری پنهانی آنان به کافران مطرح شده است. با توجه به این نکته، احتمال می رود که وجود شکنجه برای آنان از دو سو، از آن جهت باشد که اولاً- رو به کفر کرده و ثانیاً پشت به ایمان و مؤمنان کرده اند.

آثار همنشینی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۵،۷

۵ - تأثیر

سوء هم نشینی با کافران و بَدان ، تا آستانه هلاکت و سقوط کامل

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

۷ - رهایی از آثار سوء هم نشینی با کافران و بدکاران و حفظ عقاید دینی با داشتن ارتباط با آنان ، امری مشکل ولی ممکن است .

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

هم نشینی با کافران، انسان را تا آستانه هلاکت می برد; ولی در عین حال عده ای از مردم خود را از آثار هلاکت بار آن نجات می هند و در نتیجه تهشتی می شوند. از این مطلب می توان استفاده کرد که رهایی از مشکل هم نشینی با کافران و بدکاران هر چند مشکل است; ولی محال نیست و امری ممکن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۷ - ۱

۱ - بهشتیان ، رهایی خود از پیامد های هلاکت بار هم نشینی با کافران دوزخی را ، مدیون لطف خدا و به توفیق او می دانند .

و لولا نعمه ربّی لکنت من المحضرین

آثار هواپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۱

۱ - تکذیب آیات الهی و معجزات پیامبر (ص) از سوی کافران ، معلول هواپرستی آنان

و کذّبوا و اتّبعوا أهواءهم

آمدن عبارت <و اتّبعوا أهواءهم> پس از <کذّبوا>، این نکته را می رساند که خواهش های نفسانی کافران، بازدارنده ایشان از تصدیق به آیات و معجزات می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا

، درپی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتّبعوا أهواءهم . .. يقول الكفرون هذا يوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

آثار هواپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهرا . .. فاعلم أنّما يتّبعون أهواءهم

آخرت فروشی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ويل للكفرين من عذاب شديد . الذين يستحبّون الحيوه الدنيا على الأخره

برداشت فوق بنابراین اساس است که <الذين يستحبّون الحياه . ..> جمله وصفی برای <للكافرين> باشد.

آخرین مهلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۹

۹- برانگیخته شدن شاهدان در قیامت ، پایان فرصت کافران برای دفاع از خویش است . *

و يوم نبعث من كلّ أُمّه شهيدًا ثمّ لايؤذن للذين كفروا

واژه <ثمّ> که برای ترتیب است، ممکن است بدین نکته اشاره داشته باشد که پس از اقامه شهود و نه قبل از آن دیگر

کافران رخصت نمی یابند.

آرزوهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت

القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۵،۱۷

۱۵ - آفریده شدن به صورت خاک و محرومیت از شعور و تکلیف از آغاز پیدایش ، آرزوی کافران در قیامت

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تربًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

آرزوهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱،۲

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه

<لو> در آیه شریفه، برای تمنّی است.

۲ - احسان (نیک کرداری و نیکی کردن به دیگران) ، هدف و فلسفه درخواست کافران از بازگشت دوباره به زندگی دنیایی

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

<إحسان> هم شامل نیکی به خود می باشـد و هم نیکی به دیگران (لسان العرب). این واژه در آیه شـریفه ممکن است به هر دو معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۳۹

۳۹–کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

کزرع أخرج . .. لیغیظ بهم الکفّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۰ – ۳

۳ – کافران ، آرزومند مرگ پیامبر (ص) یا حادثه ای ناگوار که آن حضرت را زمین گیر کرده و از دعوت باز دارد .

أم یقولون . .. نتربّص به ریب المنون

<تربّص> (مصدر <نتربص>) به معنای انتظار کشیدن و <ریب> به معنای حادثه است. <منون> در معنای روزگار و مرگ بد، به کار می رود. بنابراین <ریب المنون> یا به معنای حوادث روزگار است و یا به معنای حادثه مرگ.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۲ – ۹

۹ – آرزو و هدف نهایی کافران ، به کفر و ارتداد کشاندن مؤمنان است .

ودّوا لو تکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۵۱ – ۳

۳ – کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می برند .

الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لمّا سمعوا الذکر

آرزوی اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۲

۲ کـافران به هنگـام روبرو شـدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکـذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۷

۷- < عن عبدالله بن عطاء المکی قال : سألت أباجعفر (ع) عن قول الله : < ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین > قال : ینادی مناد یوم القیامه یسمع الخلائق : انه لایدخل الجنه إلاّ مسلم ثمَّ یودّ سائر الخلق أنهم کانوا مسلمین ;

عبدالله عطاء مکی گوید:از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <ربمایودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین >سؤال کردم، حضرت فرمود: منادی در روز قیامت به گونه ای که همه خلایق بشنوند ندا می کند: همانا داخل بهشت نمی شود مگر مسلمان، آن جاست که سایر خلق آرزو می کنند که ای کاش مسلمان می بودند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۰ – ۱

۱ – کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

آرزوی باطل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

آرزوی باطل کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۹

۹- کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام

، سرگرم آرزو های واهی بودند .

ذرهم . .. و یلههم الأمل

آرزوی بیجای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۹ – ۱

۱ – ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع كلّ امرىء منهم أن یدخل جنّه نعیم . كلاّ

آرزوی سلب نعمت از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۰ – ۹

۹- آرزوی سلب نعمت از کافرانی که بر مؤمنان فخرفروشی می کنند ، آرزویی شایسته و مطلوب است .

فعسی ربّی أن . .. یرسل علیها حسباناً

آرزوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۲ – ۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّی> به معنای لیت (ای کاش) است، و جمله <لو تسوّی . .. > کنایه از هیچ و پوچ شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۱،۲،۳

۱- آرزو و علاقه فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

مراد از <یودّ> به قرینه فعل ماضی <کانوا> مطلق دوست داشتن نیست، بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی

یا مرگ

تلک ءایت الکتب و قرءان مبین . ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

۳- آرزوی کافران برای پذیرش اسلام ، بسیار کم است . *

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ربما> همان گونه که رایج است در قلّت و <یودّ> در همان معنای خودش (یحبّ) استعمال شود. آیه بعد (ذرهم یأکلوا و یتمتعوا ...) قرینه و تأییدی است بر برداشت فوق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶۸

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

۸ - < عن الصادق (ع) . . . إذا مات الکافر شیّعه سبعون ألفاً من الزبانیه إلی قبره و انّه ليناشد حامليه بصوت يسمعه كلّ شیء إلاّ الثقلان . . . و يقول : < رّب ارجعون لعلّی أعمل صالحاً فيما تركت < فتجيبه الزبانيه كلّا إنّها كلمه أنت قائلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هنگامی که کافری می میرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند که تمام موجودات غیر از انس و جن می شنوند تشییع کنندگان را قسم می دهد . ..و می گوید: <ربّ

ارجعون لعلّی أعمل صالحاً فیما ترکت>. پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! این کلامی است که تو گوینده آنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۲،۳

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

۳ - آرزوی کافران در هنگام مرگ ، برای بازگشت به دنیا و استفاده از امکانات و اموال خود در راه خیر *

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

برداشت فوق، بدان احتمال است که مراد از <ما ترکت> اموال و امکاناتی باشد که فرد، پس از مرگ خویش بر جای می گذارد; نه فرصت های از دست رفته; چنان که در برداشت پیشین بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۴،۷

۴ - کافران ، در آرزو و انتظار نتیجه اعمال نیک خویش اند .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

این برداشت، از تشبیه سراب به دست می آید; زیرا همان گونه که فرد تشنه در انتظار آب به سر می برد و هر چه تلاش می کند، جز شبه آب (سراب) چیزی نمی بیند; کافران نیز در انتظار نتیجه اعمال خود به سر می برند; هر چند به آن نخواهند رسید.

۷ - یأس و نا امیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذین کفروا أعملهم

كسراب بقيعه يحسبه الظمأن ماء حتّى إذا جاءه لم يجده شيًا

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين است كه جمله <يحسبه الظمأن. ..لم يجده شيئاً> مربوط به دنيا باشد; يعنى، در همين دنيا است كه كافران همچون تشنگان، به نتيجه اعمال خود و در پى نيل به اهداف خويش اند; ولى به آن دست نخواهند يافت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۸ - ۳

۳ - كافران ، در آرزوى مرگ پيامبر (ص) و مؤمنان و شكست اسلام به سر مى برند .

قل أرءيتم إن أهلكنى اللّه و من معى

مفسران (صاحب مجمع البيان، تفسير كبير و. ..) نوشته اند: اين آيه و آيات مشابه آن (مانند آيه ۳۰ سوره <طور> و آيه ۱۲ سوره <فتح>)، اشاره به اين حقيقت تاريخى دارد كه كافران و مشركان، پيوسته در آرزوى مرگ پيامبر(ص) و مؤمنان و در نتيجه شكست كامل اسلام، به سر مى برند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۹

۹ - قدرتمندان كافر ، به چيزى جز كافر شدن مؤمنان ، رضايت نمى دهند .

أصحب الأُخدود . .. و ما نقموا منهم إلاّ أن يؤمنوا باللّه

آزادى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۲

۲- فراهم بودن زمينه هاى حضور آزادانه كافران در مجلس پيامبر (ص) ، براى استماع وحى

و منهم من يستمع إليك حتّى إذا خرجوا من عندك

آغاز عذاب اخروى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - بروج -

۸۵ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، عذاب کافران را در جهان آخرت ، آغاز کرده و آن را تکرار خواهد کرد . *

إنّه هو یبدیء و یعید

به قرینه آیه قبل، مصداق مورد نظر در این آیه، آغاز و تکرار عذاب کافران است; به این بیان که آنچه کافران به آن تهدید شده اند، گرچه از توان جسمی آنان فراتر است; ولی برای خداوند نه در آغاز و نه در تکرار مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

آگاهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۸

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

آگاهی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۳

۳ آگاهی کافران عصر پیامبر(ص) از سرنوشت امتهای پیشین

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

از اینکه می فرماید <ألم یروا>، معلوم می شود تاریخ گذشتگان در دسترس کافران بوده و از آن اطلاع داشته اند.

آلودگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرك من الذين كفروا

آمرزش كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ كفرپيشگان اگر ايمان آورند ، حتى در صورتى كه عليه پيامبر (ص

) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم اللّه . .. یغفر لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۱۲

۱۲ تعجیل نکردن خداوند در نزول عذاب بر کفرپیشگان ، برخاسته از شمول مغفرت او بر آنان است .

یستعجلونک بالسیئه . .. إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم

جمله <یستعجلونك . ..> اشاره به این معنا دارد که خداوند در عذاب کردن کفرپیشگان تعجیل نمی کند و به آنان مهلت می دهد و جمله <إن ربک ...> به منزله دلیل و علت این معناست ; یعنی ، بخشاینده بودن خدا موجب تعجیل نکردن و مهلت دادن اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۲ – ۲۴

۲۴ – عدم زدایش تمامی آثار گناهان کافران ، به صرف روی آوردن آنان به ایمان

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ و استغفر لهنّ اللّه

از این که پس از پذیرش بیعت مؤمنان، باز هم خداوند از پیامبر(ص) خواسته است تا برای ایشان استغفار کند; معلوم می شود که به صرف ایمان، تمامی آثار گناهان گذشته محو نشده و نیاز به استغفار است.

آمرزش کافران ذمی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۴ – ۳

۳– حکم کافرانِ غیر معاند ، متمایز از کافران ستیزه جو ، در برخورداری از عفو الهی

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. فلن یغفر اللّه لهم

بنابراین که قید <و صدّوا عن سبیل اللّه> احترازی باشد; مفهوم آیه این می شود که اگر شخص کافر، ستیزه

جویی با دین نداشته باشد، محکوم به <لن یغفر اللّه> نخواهد بود.

آمرزش کافران متنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ رحمت و مغفرت الهی نسبت به کافران تنبّه یافته

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

برداشت فوق بر این اساس است که متعلق <إن ینتهوا> کفر باشد یعنی اگر از کفر دست کشیدند . .. .

آمرزش کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۷

۷ - آمرزش گناهان کافران محارب ، پس از ایمان آوردن آنان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی است .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند ، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم اللّه . .. یغفر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۳

۳- حکم کافرانِ غیر معاند ، متمایز از کافران ستیزه جو ، در برخورداری از عفو الهی

إنّ الذين كفروا و صدّوا . .. فلن يغفر اللّه لهم

بنـابراين كه قيـد <و صـدّوا عن سبيل اللّه> احترازى باشـد; مفهوم آيه اين مى شود كه اگر شـخص كافر، ستيزه جويى با دين نداشته باشد، محكوم به <لن يغفر اللّه> نخواهد بود.

آينده كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ١٧

احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۷

۷- کافران و عناصر سست ایمان ، دارای آینده ای پر بیم و هراس

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که دو گروه در معرض بیم و هراس اند: ۱ کافران، ۲ آنان که اظهار ایمان کرده ولی در طریق ایمان استقامت نورزند.

ابتلای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

ابتلائات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۶

۶ روی آوردن رفاه و آسایش بر کافران مبتلاـ به سختی ها و محنت ها ، در پی دارنده تحلیلهایی نادرست درباره پیدایش شداید و اسباب رفاه و آسایش

ثم بدلنا . .. حتی عفوا و قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

ابراهیم(ع) و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۴،۲۰

۴ - ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

۲۰ – دلجویی خداوند از ابراهیم (ع) به خاطر اجابت نکردن دعای او علیه کافران مکه

و ارزق . .. من ءامن منهم ... قال و من کفر فأمتعه قلیلا ثم أضطره إلی عذاب النار

از هدفهای بیان اندک

بودن متاع دنیا و زمان بهره گیری از آن و نیز بیان فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

ابزار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ کثرت مال و اولاد ، مایه رنج و گرفتاری برای بی ایمانان

فلا تعجبک أمولهم و لا أولدهم . .. لیعذبهم بها فی الحیوه الدنیا

ابلاغ آیات خدا بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلک ءایت الکتب المبین . لعلّک بخع نفسک ألاّیکونوا مؤمنین

ابلیس از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا ، از زمره کافران شد .

أبی و استکبر و کان من الکفرین

اتحاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱،۴

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۴ همسویی با کافران علیه مسلمانان ، از موجبات لعن الهی است .

یقولون . .. هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنهم اللّه

اتحاد ظاهری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۱،۱۴

۱۱ -

جبهه کفر و نفاق ، به ظاهر مجتمع و متحد ; اما در درون ، آکنده از تشتت و تفرقه

تحسبهم جميعًا و قلوبهم شتّى

۱۴ - اعتماد کافران به استحکامات مادی و همبستگی های صوری و ناپایدار ، نشانه بی خردی آنان است .

لايقتلونكم جميعًا إلاّ فى قرًى محصّنه . .. ذلك بأنّهم قوم لايعقلون

اتحاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱ اتحاد و همگونی کافران ، در دشمنی با مسلمانان

ان الكفرين كانوا لكم عدواً مبيناً

خبر <کان> با اینکه طبق قواعـد ادبی بایـد جمع آورده می شـد، به صورت مفرد (عـدواً) آورده شده و اشاره به این است که کافران در دشمنی با اسلام، یکپارچه و گویا فردی واحد هستند.

اتکای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۵

۵ - اهل کفر و نفاق ، تنها متکی بر موانع و استحکامات فیزیکی و مادی در جنگ و نبرد

لايقتلونكم جميعًا إلاّ فى قرًى محصّنه أو من وراء جدر

در صورتی که فاعل در <لایقاتلونکم. ..> کافران و منافقان باشـند، به دست می آیـد که اهل کفر و نفاق، هیچ انگیزه معنوی برای حرکت های خود ندارند و تنها اطمینان از استحکامات مادی است که به آنان جرئت مبارزه می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۵

۵ - تکیه غرورآمیز کافران دین ستیز ، بر مال و منال و نیروی انسانی خویش

فسيعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

اتمام حجت با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری . ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۹

۱۹- نزول عذاب بر کفر پیشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی . .. أو یأتیهم العذاب قبلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثمّ أرسلنا . .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۵

۵ - عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم

فكنتم بها تكذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده; بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذين كفروا و . .. من بعد ما تبيّن لهم الهدى ... و سيحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم يخوضوا و يلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱،۲

۱ - کافران ، چه اهل کتاب باشند و چه مشرک ، بدون اتمام حجت ر ها نخواهند شد .

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين منفكّين حتّى تأتيهم البيّنه

<منفکّ>، به معنای منفصل است. مفاد آیه شریفه، کنار نبودن کافران از قانون

فراگیر <اتمام حجت> و <آمدن بیّنه> است.

۲ - اتمام حجت بر تمام کافران (یهود ، نصارا ، مجوس و مشرکان) و رساندن برهان آشکار به آنان ، سنتی الهی است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۹

۹ - جدایی کافران اهل کتاب و مشرکان از حرکت اسلام گرایانه دیگر هم کیشان خود ، پس از اتمام حجت بر آنان بود .

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

در برداشت یاد شده <الذین اُوتوا الکتاب> همان <الذین کفروا> در آیه اول، دانسته شده است؛ با این فرض که مراد از آنان، کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند.

اتمام حجت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب .

..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیک البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیک البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلک ءایت الکتب المبین . لعلّک بخع نفسک ألاّیکونوا مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کیفر جوامع کفرپیشه

، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است .

و ما أهلکنا من قریه إلّا لها منذرون . ذکری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۷

۷ – اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابّه من الأرض تکلّمهم

ارائه معجزه به کـافران، پیش از هلاـک ساختن آنان با <عـذاب استیصال>، می توانـد برای این باشـد که حجت خـدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۷ – ۱،۲

۱ – بستن راه بهانه جویی کافران و حق ستیزان (به این که چرا برای مارسولی نفرستادی) به هنگام گرفتار شدن به عذاب ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

جـواب <لولاـ> در <لولاـ أن تصـیبهم مصـیبه. ..> حـذف شـده و تقـدیر آن چنیـن است: <لولاـ أن تصـیبهم مصـیبه ... لمّا أرسلناك إلیهم>. گفتنی است که آیه پیش، هدف از بعثت پیامبر(ص) را تنبّه و بیداری مردم بیان کرده است. بنابراین آیه یاد شده بیانگر یکی دیگراز هدف های رسالت پیامبر(ص) می باشد.

۲ – فرستادن رسولان ، اتمام حجت الهی بر کافران

و لولا أن تصیبهم مصیبه . .. و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۶ – ۲

۲ – عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و

کتاب های روشنگر بوده است .

كذّب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. ثمّ أخذت الذين كفروا فكيف كان نكث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أوَلم نعمّركم ما يتذكّر فيه من تذكّر و جاءكم النذير

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - قرآن ، وسیله اتمام حجت بر کافران و تحقق بخش وعده الهی درباره آنان است .

و قرءان مبين . لينذر ... و يحقّ القول على الكفرين

از عطف جمله <و يحقّ الحقّ . ..> بر جمله <لينذر> كه لام در اين جمله براى تعليل است برداشت ياد شده به دست می آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرين

منظور از <منذرين> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبراسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۲

۲ – با شناخت آیات و نشانه های خداوند ، هیچ عذری از کافران و منکران خداوند پذیرفته نیست .

لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین . ..

بلی قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها

آیه شریفه، پاسخی است به ادعای کافران که می گفتند: اگر خداوند ما را هدایت می کرد، ما با تقوا می شدیم و قهراً گرفتار عذاب نمی گشتیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم . .. قالوا بلی و لکن حقّت کلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۴

۴ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ما یجدل فی ءایت اللّه إلاّ الذین کفروا . .. کذّبت قبلهم قوم نوح ... و کذلک حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أکبر . .. إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید; ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به

تؤمنوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۶

۶ – کیفر الهی کافران دوزخی ، پس از ابلاغ پیام الهی و اتمام حجت از سوی رسولان است .

أَوَلم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۵ – ۲

۲ – انتقام الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلک ما أرسلنا . .. قل أوَ لو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۹ – ۵

۵ – مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّی جاءهم الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۸ – ۸

۸ – عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه . .. و أخذنهم بالعذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۳ – ۷

۷– نزول عذاب بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان با دلایل روشن

يغشى الناس هذا عذاب أليم . .. و قد جاءهم رسول مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پيامبر (ص) ، مأمور به برگزيدن شيوه صبر و انتظار در برابر كافران ، در پى اتمام حجت بر ايشان *

فإنّما يسّرنه . .. فارتقب

با توجه به شرايط دشوار

پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۴

۴ - اتمام حجت الهی بر کافران در دنیا ، با تلاوت مداوم آیات وحی بر آنان

أفلم تكن ءايتى تتلى عليكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل يهلك إلّا القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به اتمام حجت بر کافران ، و نه مجبور ساختن آنان به پذیرش دین

فتولّ عنهم

<فاء>

می رساند که علت سلب مسؤولیت از پیامبر(ص) این است که بر کافران حجت تمام گشته و آنان از سر طغیان کفر میورزند و نه به خاطر نادانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۳

۳ - وظیفه پیامبر (ص) ، اتمام حجت بر کافران لجوج و حق ناپذیر است ; و نه پافشاری بر هدایت آنان .

فذکّر . .. فذرهم

در آیات پیشین، پیامبر(ص) موظف به تذکر و تبلیغ شد; ولی پس از بیان حقایق، فرمان <فذرهم> پایان وظیفه تبلیغ را به آن حضرت اعلام می دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۱،۵

۱ - اتمام حجت خداوند بر کافران ، با ابلاغ اخبار هشداردهنده و عبرت آمیز

به آنان

و لقد جاءهم من الأنباء ما فيه مزدجر

<مزدجر> مصـدر میمی و بـه معنـای اتعـاظ و پندپـذیری است. <مـافیه مزدجر>; یعنی، اخبـاری کـه برای بیـدار شـدن و پندآموزی کافی است.

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کـلّ أمر مسـتقرّ> کنـایه از عـذاب و کیفر حتمی کـافران باشـد، در پی آمـدن <و لقـد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کـافران دوزخی ، از کسـانی انـد که پس از اتمام حجت و از روی عمـد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکـذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلا كانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۱

۱– کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

اتمام حجت به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۳ – ۷

۷ – احیای مردگان و بازگرداندن آنان به دنیا ، آیتی دیگر برای اتمام حجت با کافران زمین است .

أخرجنا لهم دابّه من الأرض. .. و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۸ – ۶

۶ – عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل ... و أعدّ للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۳ – ۹

۹ – مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان

عذاب به ارمغان خواهند آورد; عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

اجبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، به الزام مخالفان بر ایمان در صورت بی اعتنایی و کفر ورزیدن آنان مجاز است .

لست علیهم بمصیطر . إلاّ من تولّی و کفر

حرف <إلاّ>، ممکن است برای استثنای حقیقی از ضمیر <علیهم> باشد.

اجبار کافران به ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۱

۱ - قدرت خداوند ، بر نزول نشانه ای انکارناپذیر از آسمان برای ناگزیرساختن کافران به ایمان

إن نشأ ننزّل علیهم من السماء ءایه فظلّت . .. خضعین

اجتناب از اذیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۷

۷ - پیامبر (ص) ، موظف به ترک اذیت و آزار منافقان و کافران بود . *

و دَعْ أذیهم

برداشت بالا، بنابراین اساس است که اضافه <أذی> به <هم> اضافه مصدر به فاعل اش باشد.

اجتناب از اطاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) وظیفه دار پرهیز از هرگونه اطاعت و تن دادن به خواسته های کافران

فلاتطع الکفرین

<طاعت>; یعنی، عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۳

۳ - دعوت از پیامبر (ص) برای رعایت

تقوا و پرهیز از تبعیت از کافران ، دعوتی خطیر بود .

یأیّها النبیّ اتّق اللّه

منادا، وقتی با <أیّها> آورده می شود، یا به خاطر از غفلت بیرون آوردن منادا است و یا به خاطر خطیر بودن نـدا، چون درباره پیـامبر(ص) غفلت، صادق نیست، به خصوص با توجه به این که از او به <النبیّ> تعبیر شـده است، پس نکته دوم باعث شـده است که خطاب به پیامبر، با واژه <أیّها> صورت گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۶

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر فرمان نبردن از گناه کاران و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

اجتناب از اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۹

۹- توصیه خداوند به پیامبر (ص) بر اندوهگین نشدن و خودخوری نکردن برای کافران و مشرکان

لاتمدّنّ عینیک . .. و لاتحزن علیهم

اجتناب از تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۲

۲- خداوند ، پیامبر (ص) را به شتاب نداشتن برای عذاب کافران لجوج ، توصیه کرده است .

فلاتعجل علیهم

اجتناب از توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۵

۵- لزوم پرهیز از هر اقدامی که مقدمه گرفتار شدن انسان در دام کافران و مشرکان گردد .

ولیتلطّف و لایشعرنّ بکم أحدًا . إنّهم إن یظهروا علیکم

جمله <إنّهم إن یظهروا. ..> تعلیل است برای

توصیه های اصحاب کهف که در آیه قبل ذکر شد. آن ها برای پیشْ گیری از اسارت به دست کافران، به فرستاده خویش توصیه کردند که نرمش داشته باشد و اسرار را فاش نسازد.

اجتناب از حمایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۸،۹

۸ - پرهیز از حمایت و پشتیبانی کافران توصیه أکید خدا به پیامبر (ص)

فلاتکوننّ ظهیرًا للكفرين

۹ - پرهیز از حمایت و پشتیبانی کافران ، امری لازم و از اصول راهبردی در مناسبات اجتماعی و بین المللی

فلاتکوننّ ظهیرًا للكفرين

اجتناب از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . .. الكفار أولياء

<هزواً> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

اجتناب از سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱،۲

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع كلّ حلّاف . .. أن كان ذا مال و بنين

برداشت یـاد شـده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کـان ذا مـال . ..> متعلق به <لاـتطع> باشـد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی

از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن کان ذا مال و بنین

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست; بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است; ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

اجتناب از مقابله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۵

۵ - رهنمود الهی به مؤمنان ، برای پرهیز از درگیری با جبهه کفر پیش از استحکام قوا و اقتدار کامل *

قل للذین ءامنوا یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

با توجه به مکی بودن آیه و شرایط سخت و امکانات محدود مؤمنان در آن مقطع، از آیه شریفه استفاده می شود که فرمان شکیبایی و پرهیز از درگیری، ناظر به شرایط ویژه آن مقطع تاریخی بوده است.

اجتناب از ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . .. الکفار أولیاء

<هزواً> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

اجتناب از همنشینی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۶

۶ – هشدار الهی به اجتناب از هم نشینی با کافران و بدکاران

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

نقل ماجرای گفتوگوی بهشتیان با هم

نشینان کافر و دوزخی خود و تأثیری که هم نشینان بد بر دیگران می گذارند، در واقع هشداری است به همه انسان ها که در انتخاب هم نشین، نهایت دقت را مبذول دارند.

احاطه آتش اخروی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلّط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصیدَه>; یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب>; یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

احاطه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۱

۱ - خداوند ، بر کافران قدرت کامل و سیطره همه جانبه دارد .

و اللّه من ورائهم محیط

احاطه جهنم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۵

۵ - جهنم ، بر کافران ، احاطه کامل دارد .

و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۵ – ۱

۱ – عذاب جهنم ، چنان بر کافران احاطه خواهد داشت که از بالا و پایین پا ، آنهارا فرا خواهد گرفت .

یوم یغشیهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم

احاطه حهنّم بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۰

۱۰- جهنّم ، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

احاطه عذاب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۷

۷- عذاب موعودِ مورد استهزا قرار گرفته ، کافران استهزا کننده را در احاطه خود گرفت .

کذلک فعل الذین من قبلهم . .. و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

<حاق> در لغت به معنای <أحاط> است و مراد از <ما> در <ما کانوا به> عذاب است.

احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۹

۹ - ارجاع دادن قضاوت و داوری به خداوند ، آخرین راه پیامبر (ص) در محاجه کافران و مشرکان بهانه جو

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۳

۳ - خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) و تنظیم کننده محتوا و الفاظ گفتو گوی آن حضرت با کافران

قل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۳

۳ پیامبر(ص)، مأمور احتجاج با کافران درباره توحید ربوبی

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

احتجاج علیه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۰ – ۳

۳- گواهی و ایمان بنی اسرائیل و یهود به حقانیت قرآن ، حجتی علیه کافران و مشرکان

إن کان من عند اللّه و کفرتم به و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله

خداوند، ایمان فردی از یهود را که آگاه به تورات و مفاد آن بود گواهی بر حقانیت قرآن شمرده است و به کافران تذکر داد و به آن احتجاج کرده است.

احتضار کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۹،۱۰

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۹ – ۴،۵،۶

۴ – روی آوری کافران به خدا ، در آستانه مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

۵ – قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّى إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حتّى إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱،۲،۳،۸

۱ - اعتراف ضمنی کافران در هنگام مرگ ، به زشتی اعمال گذشته خویش

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

۳ - آرزوی کافران در هنگام مرگ ، برای بازگشت به دنیا و استفاده از امکانات و اموال خود در راه خیر *

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

برداشت فوق، بدان احتمال است که مراد از <ما ترکت> اموال و امکاناتی باشد که فرد، پس از مرگ خویش بر جای می گذارد; نه فرصت های از دست رفته; چنان که در برداشت پیشین بیان شد.

۸ - تعهد کافران در هنگام مرگ ، بر تدارک بدی های گذشته با انجام نیکی ها ، تعهدی بی پشتوانه و غیر عملی

قال ربّ ارجعون . .. کلّا إنّها کلمه هو قائلها

در برداشت بالا، جمله <إنّها کلمه هو قائلها> تعلیل برای ردّ درخواست کافران گرفته شده است; یعنی، ردّ خواسته آنها، بدان جهت است که آنان بدان، عمل نخواهند کرد; چون اگر آنها اهل عمل بودند، در گذشته انجام می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) إذا أراد اللّه قبض روح الکافر ، قال : یا ملك الموت انطلق أنت و أعوانك إلی عدوّی . . . فاقبض روحه حتّی تکبه فی

النـار . . . فإذا بلغت الحلقوم ضـربت الملائكه وجهه و دبره . . . و ذلك قوله < يوم يرون الملائكه لابشـری يومئـذ للمجرمين و يقولون حجراً محجوراً > . . . ;

از امـام بـاقر(ع) روايت شـده است: زمـانی که خداونـد اراده قبض روح كـافر را كنـد، به ملك الموت امر می نمايـد كه همراه يارانت به سوی دشـمن من برويد. .. پس بگير روحش را تا آنكه او را به روی در آتش افكنی ... آن هنگام كه جان او به گلو می رسـد، ملائـكه بر صـورت و پشـت او می زننـد ... و ايـن سـخن خداونـد اسـت: <يـوم يرون الملائـكه لابشـری يـومئذ للمجرمين...>.

احساس امنيت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ كفرپيشگان به پندار باطل ، خويشتن را از مكر خدا و كيفر های ناگهانی وی ايمن می شمارند .

أفأمنوا مكر اللّه

احساس مصونيت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۴

۴ - كافران در نهاد خويش ، گرفتار خودبينی و احساس امنيت دروغين *

أم لكم براءه فی الزّبر

از پرسـش انكار آميز خداوند، چنين اسـتفاده می شود كه كافران دانسته يا ندانسته امتيازی برای خويش می پنداشتند تا خود را در گرايش به كفر، محق جلوه دهند.

احسان به كافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۳

۳ - ممنوعيت احسان ، به كافران دين ستيز و آواره كننده مسلمانان از سرزمينشان

لاينهيكم اللّه عن الذين لم يقتلوكم

فی الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۹ – ۶

۶ – نیکی و مسالمت با کافران معاند و همدستان آنان ، مصداق واقعی ظلم است .

أن تبرّوهم و تقسطوا إلیهم . .. إنّما ینهیکم ... و من یتولّهم فأُولئک هم الظلم

از مجموع دو آیه، استفاده می شود که نیکی و قسط، اصولاً در مورد کافران معاند، مفهوم واقعی ندارد و نباید تحت عنوان عدالت و انسان دوستی، به دشمنان حق روی خوش نشان داد.

احکام دوستی با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۳ – ۱،۳

۱ حرمت ایجاد پیوند دوستی با کافران و دشمنان دین

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا . .. أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخونکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

احکام کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۸

۸ – کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (ص) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

واژه <أفاء> که از <فیء> به معنای رجوع گرفته شده نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، بازگردانیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ -

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است; چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

احکام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۶

۶ اعتبار و رسمیّت مالکیت شخصی برای کفّار

لن تغنی عنهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۶

۶ تعرض به کفار و سلب امنیت از آنان در اماکن سکونتشان ، جایز نیست .

فأجره حتی یسمع کلم اللّه ثم أبلغه مأمنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۱

۲۱ - زنان مؤمن ، از آشکار کردن زینت های خویش و مواضع آنها (بدن) بر زنان غیر مسلمان منع شده اند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو نسائهنّ

اضافه <نساء> به ضمیر جمع <هنّ> که به <مؤمنات> بازمی گردد دلالت می کند که مراد از آن، عموم زنان نیست; بلکه مقصود زنان مؤمن می باشد. بنابراین استثنای <إلاّ... نسائهنّ> شامل زنان غیر مسلمان نمی شود.

احکام همکاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ -

یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۶

۱۶ ارائـه برنـامه هـای اقتصـادی بـه دولـت هـا و مردم کـافر برای دور مانـدنشان از گرسـنگی و مصـونیت در برابر قحطی هـا و دشواریها ، امری جایز و پسندیده است .

قال تزرعون سبع سنین . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

اختلاف باطنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - جبهه کفر و نفاق ، به ظاهر مجتمع و متحد ; اما در درون ، آکنده از تشتت و تفرقه

تحسبهم جمیعًا و قلوبهم شتّی

اختلاف طبقاتی در کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۷ - ۹

۹ - پیدایش دو قشر مستضعف و مستکبر و حاکمیت نظام طبقاتی ، از ویژگی های جامعه کفر و شرک پیشه

تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به . .. فیقول الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم

اختلاف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۲۱

۲۱ عالمـان یهود بـا اعزام گروهی از منافقان و یهودیان به حضور پیامبر (ص) ، جویای حکم وی درباره قضـیه مورد اختلاف در بین یهودیان شدند .

سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۹

۹ - جبهه کفر و نفاق ، درگیر تعارضات سخت و دشوار میان خویش

بأسهم بينهم شديد تحسبهم جميعًا و قلوبهم شتّى

برداشت بالا، بر پایه این احتمال است که ضمایر <هم> به کافران و منافقان بازگردد.

اختلاف کافران مکه با محمد(ص)

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران مکه ، در انتظار وقوع روزی برای حل و فصل شدن اختلاف شان با پیامبر (ص) بودند . *

و یقولون متی هذا الفتح

احتمال دارد مراد از <الفتح> فصل و قضا میان کافران و پیامبر(ص) باشد. در این صورت، <یوم الفتح>، روزی خواهد بود که چنین ایده ای، جامه عمل بپوشد.

اختلاف محمد(ص) با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰- شرکورزی و انحراف از توحید ، محور و اساس اختلاف پیامبر (ص) با مشرکان و کافران

قل ربّ . .. علی ماتصفون

اختیار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۷

۷ - در جامعه اسلامی ، کافران در پذیرش اسلام ، آزاد و مختاراند و کسی حق تحمیل و اجبار آن را بر آنان ندارد .

فإن تولّیتم فإنّما علی رسولنا البلغ المبین

اخلاق کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم بطرا

ادراك كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – مطففين – ۸۳ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – تمام مردم ، حتى كافران ، در اصل آفرينش خويش ، از قدرت درك حقايق و قلبى روشن و فهميده برخورداراند .

بل ران على قلوبهم ما كانوا يكسبون

ادعاهای

باطل کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۱۱

۱۱ – قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

ادعاهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۴ – ۲

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۲

۲ – ادعای کافران در مورد زمان کوتاهی زمان توقف شان در برزخ ، ادعایی نادرست است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به خلافِ واقع گویی کافران درباره مدت حضورشان در عالَم برزخ دارد. لازم به ذکر است که پاسخ صاحبان علم و ایمان به کافران، درباره مدت حضور آنان در برزخ، قرینه صحت برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۲ – ۴،۷

۴ – کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

۷ – کافران ، مدعی کافی نبودن دلایل وحی برای اثبات معاد و اعتقاد به آن

و إذا قیل . .. و الساعه لاریب فیها قلتم ما ندری ما الساعه إن نظنّ إلاّ ظنًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۴،۱۲،۱۷

۴– کافران ، مدعی ارزش گرایی و خیرطلبی

لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

۱۲– کافران ، مدعی

دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفک قدیم

۱۷- انکار حقایق دین از سوی کافران ، در قالب روشن فکری و ارزش گرایی

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه ... فسیقولون هذا إفک قدیم

کافران با دعوی <لو کان خیراً> خود را ارزش خواه و با اتهام <هذا إفک قدیم> خود را روشن فکر و ضد ارتجاع معرفی می کنند و با این ادعاها، بدون تأمّل در حقایق قرآن (إذ لم یهتدوا به) به کفر و انکار می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۵ - ۴

۴ - کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسحر هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

ادعاهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱۲

۱۲- کافران صدراسلام ، مدعی حرکت در راه اعتدال و برخورداری از هدایت بودند .

فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۷

۷ - استوار ماندن بر عقیده خویش تا دستیابی به برهانی آشکار برخلاف آن ، ادعای کافران عصر بعثت ، پیش از ظهور اسلام

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

در صورتی که مراد از انفکاک، دست کشیدن از کفر باشد، احتمال می رود که آیه شریفه در صدد نقل ادعای

کافران و توبیخ آنها باشد; یعنی، این کافران که می گفتند: ما تا آمدن بیّنه، از عقاید خویش دست بر نمی داریم، حال که بیّنه آمده است چرا بر آن عقیده باقی مانده اند؟!

ادعاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

ادعای خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست; ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم; مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

ادعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۴،۵

۴

کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استنتاخ از افسانه های پیشینیان و املای آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانه علیه قوم ءاخرون . .. و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۱

۱ – کافران ، مدعی تحقق پیدا نکردن روز قیامت اند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۵ – ۲

۲ – مشرکان کافر به قرآن ، مدعی برتر بودن در اموال و فرزند

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذین کفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۸ – ۲

- ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست باشد؛ ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

ادعای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعیِ نبود معجزه و آیتی بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

ادعای کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۳

۳ مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۴

۴- کافران ، پیامبر (ص) را به هنگام تلاوت آیات قرآن بر مردم ، مورد آزار و اذیت قرار می دادند و برای آن حضرت ایجاد مزاحمت می کردند .

و إذا قرأت القرءان

طبق شأن نزولهایی که وارد شده است (مجمع البیان، ذیل آیه)

و نیز ظاهر آیه <جعلنا بینک و بین الـذین> جعل حجاب به خاطر این بود که کافران نشـنوند تا پیامبر(ص) را اذیت نماینـد و برای آن حضرت، مزاحمت ایجاد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱

۱ - کافران ، پیامبر (ص) را با گفته های خویش ، مورد آزار و فشار روحی قرار می دادند .

فاصبر علی مایقولون

توصـیه خـدا به پیـامبر(ص) مبنی بر صبر در برابر گفته هـای کافران، حکایت از آزردگی آن حضـرت در برابر گفته های آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۹

۹- اتکا و اتکال پیامبر (ص) به پروردگار بخشـنده در برابر تهدید ها ، رجزخوانی ها و نسـبت های ناروای مشرکان و کافران حق ستیز

و ربّنا الرحمن المستعان علی ماتصفون

مقصود از توصـیف در <ماتصفون>، ممکن است دوچیز باشد: ۱ تهدیدهایی که مشرکان و کافران داشته اند و خود را پیروز و مسلمانان را شکست خورده می شمردند. ۲ نسبت های ناروایی که به پیامبر(ص) و قرآن می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۳

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است .

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۲

۱۲ - امکان آسیب پذیری روحی پیامبر (ص) در برابر تبلیغات و

اذیت های کافران

و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۸ – ۴،۹

۴ – کافران و منافقان ، پیامبر (ص) را مورد آزار و اذیت قرار می دادند .

و دَعْ أذیهم

۹ – توکل بر خداوند در مقابل آزار و اذیت های کافران و منافقان ، نقشی کارساز دارد .

و دَعْ أذیهم و توکّل علی اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۷ – ۵

۵ – منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۹ – ۴

۴ – ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر ، قرار گرفته و آزار می بینند .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه <إنّ الأبرار. ..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه گناه کاران از این برخورد، آزاررسانی به آنان بوده است.

اذیتهای کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۶ – ۳

۳- مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار

های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

با توجه به نزول این آیات در مکّه، جمله <سیجعل . ..> باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

ارائه آیات خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلکنا . .. و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران ننمایاند; ایشان را هلاک نمی کند.

ارزشگذاری غلط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۷

۷- انسان کافر ، گرفتار انحراف در ارزش گذاری اعمال

کمن زیّن له سوء عمله

ارزشگذاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۸

۸ برخورداری از امکانات دنیا ، ملاک سنجش شخصیّت افراد از دیدگاه کافران

زین للذین . .. و یسخرون من الذین امنوا

چون کـافران فریفته دنیـا هسـتند، لـذا هر کسـی که برخوردار از آن نباشـد که مؤمنـان صـدر اسـلام غالباً تهیـدست بودنـد ، به نظرشان حقیر می آید.

ارزیابی اخروی عمل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۵ – ۸

۸– اَعمال پوچ و نابود شده

کافران ، غیرقابل سنجش و اعتبارگذاری در قیامت است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

<وزن>، یا مصدر و به معنای سنجش سنگنی و سبکی است ; و یا به معنای مثقال است; یعنی، چیزی که با آن وزن سنجیده شود> (لسان العرب). این که خداوند، در قیامت، برای برخی که اَعمال شان حبط شده، وزنی برقرار نمی سازد، کنایه از آن است که به قدری اَعمال آنان پوچ است که ارزش سنجیدن ندارد.

ارزیابی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۱۰

۱۰ بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگ

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا . .. و لئن قتلتم او متّم لمغفره من اللّه و رح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۱۱

۱۱ ارزیابی نادرست کافران و مرتدان ، در مورد ایمان و کفر

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

چون خریدار معتقد است که آنچه به دست می آورد با ارزشتر از چیزی است که می پردازد، بنابراین کافر با انتخاب کفر بر ایمان که به منزله داد و ستد است کفر را ارجمندتر از ایمان می پندارد; غافل از آنکه عذابی دردناك را متحمّل خواهد شد.

ازدحام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ،

برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

مفسران و اهل لغت، <لِبَد> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

ازدواج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۹،۱۲،۲۲

۹ - زنان مؤمن و مردان کافر بر یکدیگر حرام اند .

لا هنّ حلّ لهم و لا هم یحلّون لهنّ

۱۲ - ممنوعیت تن دادن زن مؤمن به همسری مرد کافر

لا هنّ حلّ لهم و لا هم یحلّون لهنّ

۲۲ - ممنوعیت ازدواج مؤمن با کافر

لا هنّ حلّ لهم . .. و لاتمسکوا بعصم الکوافر

گرچه صریح آیه شریفه، درباره همسرانی است که قبل از ایمان آوردن به همسری هم درآمده اند و پس از ایمان یکی از آن دو باید از هم جدا شوند; ولی از این حکم به طریق اولی استفاده می شود که مرد مؤمن، حق ندارد اقدام به ازدواج با زن کافر کند و زن مؤمن هم نباید با مرد کافر ازدواج نماید.

ازدیاد پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و يجعل الرجس على الذين لايعقلون

ازدياد عذاب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج -

۱۹ - ۱۰ - ۸۵

۱۹ - گناه کافران ، بر عذاب آنان می افزاید .

إنّ الذین فتنوا . .. فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق

مصداق <الذین فتنوا> به قرینه مقابله با آیه بعد کافران اند. حرف <فاء> در <فلهم> دلالت می کند که این عقوبت، کیفر شکنجه گری آنان است. بنابراین کافران، علاوه بر این که بر کفر خویش مؤاخذه می شوند، بر کردار خویش نیز کیفر خواهند شد.

اسارت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمكن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء> دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

استحاله ورود کافران به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۸ - ۱

۱ - ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع كلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

استفهام در <أیطمع> انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۹ - ۱

۱ – ورود کافران به بهشت ، امری ناممکن و آرزویی بی جا

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم . کلّا

استراحتگاه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۳

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

استغاثه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱

۱ - فریاد و استغاثه کافران ، برای خروج از دوزخ به منظور تصحیح رفتار خود و انجام اعمال نیک

و هم یصطرخون فیها ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

<استراخ> (مصدر <یسترخون>) به معنای فریاد شدید است که غالباً در مورد کمک طلبی به کار می رود.

استغفار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۶

۶ گسترد گی رحمت و آمرزش خداوند ، زمینه پذیرش توبه و استغفار کافران و مشرکان

افلا یتوبون . .. و اللّه غفور رحیم

استفاده از ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۷

۷ – امکان بهره گیری از ثروت چشمگیر کافران ، نباید توجه رهبران دینی را به توانگران کافر معطوف سازد .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

نهی خداوند از توجه پیامبر(ص) به

ثروت کافران، ممکن است برای بیان این نکته باشد که جهت بهبود زندگی مؤمنان، نباید به سرمایه های کافران چشم داشت و به این منظور نیز، مسلمان شدن آنان را آرزو کرد.

استقامت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳،۱۲

۳- خداوند ، خواهان صلابت و استحکام جامعه اسلامی در قبال کافران و جامعه کفر

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

لحن آیه شریفه بیان ارزش های واقعی مؤمنان و همگامان پیامبر(ص) است و در حقیقت اخباری است که انشای مؤکد را می رساند.

۱۲- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران ، نیازمند حاکمیت روح رحمت و مودّت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

میان <أشدّاء علی الکفّار> و <رحماء بینهم>، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد; یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص) ، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرجًا

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری

است; یعنی، <ما تسئلهم خرجاً>. بنابراین <خرجاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

استقامت دربرابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران و مرفهان از پیامبر (ص) ، علی رغم عدم درخواست کمترین مزد از ایشان

أم تسئلهم خرجًا

ضمیر <هم> به کافران و رفاپیشگان که در آیات پیش از آنان یاد شده است باز می گردد. گفتنی است که استفهام در جمله فوق، استفهام انکاری است; یعنی، <ما تسئلهم خرجاً>. بنابراین <خرجاً> نکره در سیاق نفی و مفید عموم است. در نتیجه معنا چنین می شود: تو با این که از آنان کمترین مزدی درخواست نمی کنی، از تو روی برمی گردانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳،۱۲

۳- خداوند ، خواهان صلابت و استحکام جامعه اسلامی در قبال کافران و جامعه کفر

و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

لحن آیه شریفه بیان ارزش های واقعی مؤمنان و همگامان پیامبر(ص) است و در حقیقت اخباری است که انشای مؤکد را می رساند.

۱۲- حفظ صلابت و استحکام در برابر کافران ،

نیازمند حاکمیت روح رحمت و مودّت میان مؤمنان

أشدّاء علی الکفّار رحماء بینهم

میان <أشدّاء علی الکفّار> و <رحماء بینهم>، نوعی تعامل و تأثیر متقابل وجود دارد; یعنی، سستی در هر زمینه، موجب خدشه دار شدن موقعیت مؤمنان در زمینه دیگر می شود.

استقلال فکری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتّبعوا سبیلنا

استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا

بنابراین که <ثمّ> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۱،۷،۹

۱ - کافران در قیامت ، مورد ملامت و سرزنش به خاطر استکبار در برابر آیات الهی

و أمّا الذین کفروا أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

۷ - روحیه استکباری کافران در برابر آیات الهی ، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

براساس این احتمال که تعبیر <و کنتم. ..> در مقام تعلیل گرایش کافران به استکبار باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۹ - سرافکندگی کافران در صحنه قیامت ، پاسخی به روحیه مستکبرانه آنان در دنیا

و تری کلّ أمّه جاثیه . .. أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

- موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قیل . .. و الساعه لاریب فیها قلتم ما ندری ... و ما نحن بمستیقنین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری. ..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به . .. و استکبرتم

استکبار کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

استماع قرآن کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۶ – ۲

۲ – سرزنش خداوند

از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ; به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<ما> در <فمالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

استمداد اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۸،۱۵

۸- کافرانِ پیرو از رهبران مستکبر خویش ، در قیامت درخواست می کننـد که در صورت امکان ، انـدکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

۱۵- رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان در قیامت ، خود را ناتوان دانسته و کمک به آنان را تعلیق به محال می کنند .

فقال الضعفؤا . .. فهل أنتم مغنون عنّا ... قالوا لو هدینا الله لهدینکم

اینکه مستکبران در جواب استمداد پیروان خود در قیامت می گویند: اگر خداوند ما را هدایت کرده بود ما هم شما را هدایت می کردیم، در حالی که خداونـد هم چنین کاری را هرگز انجام نـداده است، در واقع برآوردن خواسته آنان را تعلیق به محال می کند.

استمداد از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولیّاً و لا نصیرا. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثا

در برداشت فوق احتمال داده شده که <الّا الّذین یصلون . .. > استثنا از حکمی است که در جمله

<و لا تتخذوا منهم وليّاً و لا نصيرا> بیان شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۳ – ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا . .. إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در <لاتفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا ... > استفاده شده، برگردانده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۲ – ۴

۴ جواز استمداد از کافران برای رهایی از مشکلات و تنگنا ها *

اذکرنی عند ربک

ظاهر این است که هم بند یوسف(ع) هنگام آزاد شدن از زندان موحد نشده و اظهار ایمان نکرده بود، و گرنه قرآن از آن یاد می کرد. بنابراین وی به هنگامی که یوسف(ع) از او تقاضا کرد ، کافر بود.

استمداد کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۴

۱۴– رهبران مستکبر در جواب استمداد پیروانشان برای رهایی از عذاب ، به آنان وعده می دهند که در صورت نجات یافتن خود ، آنان را هم نجات خواهند داد .

قالوا لو هدینا الله لهدینکم

استمرار گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۷

۷ - پایدار ماندن هدایت

مؤمنان و استمرار گمراهی کافران حق گریز ، جلوه عزتمندی و مجازات الهی است .

و من یضلل اللّه فما له من هاد . و من یهد اللّه فما له من مضلّ ألیس اللّه بعزیز ذ

یادآوری دو صفت عزت و مجازات دهی خداوند، پس از ذکر پایدار ماندن هدایت مؤمنان و استمرار یافتن گمراهی کافران حق گریز به وسیله خداوند، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

استمهال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۲

۲ - کافران در هنگام مرگ ، آرزومند یافتن فرصتی دو باره ، برای تدارک فرصت های از دست رفته و جبران بدی های گذشته خود ، با انجام اعمال نیک

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا فیما ترکت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . .. فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۵ - ۱

۱ - مهلت دادن به کافران تکذیب گر و شتاب نکردن در کیفر آنان ، سنت الهی

سنستدرجهم . .. و أُملی لهم

استمهال کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلایخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف

و مهلت خواهی آنان دارد.

استهزاگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ بذله گویی منافقان و کافران و استهزای آنان به ارزش های الهی ، کار مستمرشان در طول تاریخ

کالذین من قبلکم . .. و خضتم کالذی خاضوا

در <آیه ۵۶> از قول منافقان نقل شـده است: <إنما کنا نخوض و نلعب>; خداونـد در این آیه می فرماید <خضـتم کالذی خاضوا> ; یعنی، روش شما در پیشینیان شما نیز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۲

۲ - کافران ، اعتقاد مؤمنان به پیروزی نهایی خویش را ، مسخره پنداشتند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۱،۲،۳،۱۰

۱ استهزای نماز و بازیچه دانستن آن ، از سوی برخی اهل کتاب و کافران صدر اسلام

و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

در برداشت فوق ضمیر فاعلی <اتخذوها> به <الذین اوتوا الکتب> و <الکفار> در آیه قبل برگردانده شده است.

۲ بانگ نماز (اذان) ، بانگی مسخره و بازیچه در پندار کافران و گروهی از اهل کتاب

و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

بدان احتمال که ضمیر مفعولی <اتخذوها> به مصدر (مناداه) مستفاد از <نادیتم> برگردد.

۳ مبارزه تبلیغاتی کافران و اهل کتاب علیه اسلام ، با استهزای نماز و اذان و بازیچه خواندن آن

و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

۱۰ اهل کتاب و

دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴،۹

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أخّرنا . .. لیقولنّ ما یحبسه

استفهام در جمله <ما یحبسه> به قرینه <ماکانوا به یستهزءون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <لیقولنّ ...;>; یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۶

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۶

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر

. .. إنا كفينك المستهزءين

جمله <إنا كفيناك المستهزءين> احتمال دارد پاسخی باشد در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) كه ممكن بود پس از فرمان آشكار كردن دعوت خود و اعراض از مشركان (فاصدع بما تؤمر . .. و أعرض عن المشركين) بروز كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۳

۳- تبليغات سوء و استهزای آزار دهنده ، حربه هميشگی مشركان و كافران عليه اسلام و پيامبر (ص)

المستهزءين . .. و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

فعل مضارع <يقولون> بر استمرار و هميشگی بودن گفتار و تبليغات مشركان و دشمنان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۷،۸،۱۵

۷- عذاب موعودِ مورد استهزا قرار گرفته ، كافران استهزا كننده را در احاطه خود گرفت .

كذلك فعل الذين من قبلهم . .. و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

<حاق> در لغت به معنای <أحاط> است و مراد از <ما> در <ما كانوا به> عذاب است.

۸- كافران ، وعده عذاب را به استهزا می گرفتند .

و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

مرجع ضمير <به>، <ما> است كه مراد از آن عذاب می باشد.

۱۵- به استهزا گرفتن وعده عذاب خداوند ، از زشت ترين اعمال كافران

فأصابهم سيئات ما عملوا و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

بی شك استهزای وعده عذاب خداوند، از جمله كارهای بد (سيئات) كافران بود; اما ذكر خاص آن پس از عام (سيئات) نشان دهنده اهميت ويژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ -

۴- تسلی دادن خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر استهزای کافران

و لقد استهزئَ برسل من قبلك

خداوند در آیات پیشین، موضوع استهزای کافران به پیامبر(ص) را مطرح کرد و در این آیه، مسخره شدن پیامبران گذشته را یادآور شد. این یادآوری می تواند به منظور دلداری و پشت گرمی به آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۳

۳ - وعده معاد ، مورد استهزا و ریشخند کافران در طول تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون . .. لقد وعدنا ... هذا من قبل إن هذا إلّا أسطیر

با توجه به، به کارگیری کلمه <هذا>، که برای اشاره به نزدیك و بیانگر نوعی تحقیر نسبت به موضوع بسیار مهمی چون معاد است، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۰ - ۷،۹

۷ - بندگان مؤمن خدا ، همواره در معرض طعن و ریشخند کافران

و کنتم منهم تضحکون

۹ - مسلمانان صدراسلام ، همواره مورد ریشخند و مضحکه سران شرك و کفر

فاتّخذتموهم سخریًّا . .. و کنتم منهم تضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۶

۶ - واقعیت های مهمّ قرآنی مورد استهزای کافران ، دامنگیر آنان در آینده ای نزدیک

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۷

۷ - استهزا و ریشخند کردن مسأله معاد از سوی کافران ، معلول سطحی نگری آنان به مظاهر با ارزش

حیات

أنبؤا ما کانوا به یستهزءون . أَوَلم یرواإلی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۱ – ۱

۱ – شتابورزی استهزاآمیز کافران برای مشاهده عذاب الهی

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

سیاق آیه نشان می دهد که درخواست کافران، از روی ناباوری و استهزا بوده است، و پاسخ خداوند به آنان در آیه بعد که نظر به عذاب دنیوی دارد می رساند که مراد از <وعد> وعده الهی به مجازات آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۴

۴ – کافران ، وقوع قیامت را امری مسخره دانسته و آن را به استهزا می گرفتند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

تعبیر به نیامدن قیامت (لاتأتینا) یا به جهت این است که قیامت از جمله امور زمانی است و یا به جهت به سخره و استهزا گرفتن آن می باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال دوّم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۳۰ – ۳

۳ – تمسخر و استهزا ، از روش های مبارزاتی و حربه های تبلیغی کافران علیه رسولان الهی بود .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۶ – ۸

۸ – تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

يحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت لمن السخرين

آمدن کلمه <الساخرين> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل)

گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود; بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۵

۵ - مواجهه استهزاآمیز کافران با پیامبران در طول تاریخ ، باعث تغییر سنت الهی و سلب هدایت از امت های دیگر نمی شود .

أفنضرب عنکم الذکر . .. و کم أرسلنا ... إلاّ کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قیل . .. و الساعه لاریب فیها قلتم ما ندری ... و ما نحن بمستیقنین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما نـدری. ..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱،۲

۱ - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیامحور

فاستکبرتم . .. اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعابیر مشابه دیگر، گفته شده <اتّخدتم آیات اللّه هزواً>، می توان به مطلب بالا راه برد.

۲ - عذاب اخروی کافران ، معلول استهزای ایشان نسبت به آیات الهی و فریفتگی آنان به زندگانی دنیا

ذلکم بأنّکم اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۳

۳- استهزای کافران نسبت به وحی

و سخنان پیامبر (ص) ، در پی خارج شدن از محضر آن حضرت

حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

پرسش <ماذا قال آنفاً> از روی توهین و استهزا بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۷ - ۲

۲ - خبر زنده شدن دوباره انسان در روز رستاخیز ، مورد استهزا و ریشخند کافران

و کانوا یقولون أئذا متنا. .. أءنّا لمبعوثون

برداشت بالا، بدان احتمال است که استفهام در آیه شریفه، برای استهزا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از باب تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۸ – ۲

۲ – ادعای استهزاآمیز کافران ، به بهشتی بودن خود بر فرض برپایی قیامت

أیطمع کلّ امریء منهم أن یدخل جنّه نعیم

مفسران اظهار داشته اند: که کافران به هنگام شنیدن سخنان پیامبر(ص)، به استهزا می گفتند: اگر آنچه پیامبر می گوید درست

باشد; ما زودتر از آنان به بهشت خواهیم رفت و از آنان سزاوارتریم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۵ – ۴

۴ – پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین> (۱۰/۴۸).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۶ – ۱

۱ – پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۹ – ۱،۴

۱ – کافران مجرم ، همواره مؤمنان را تحقیر و تمسخر کرده و به باور های آنان پوزخند می زنند .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

۴ – ابرار به دلیل ایمانشان در معرض تمسخر گناه پیشگان کافر ، قرار گرفته و آزار می بینند .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین آمنوا> به قرینه <إنّ الأبرار. ..> در آیات پیشین نیکوکاران است. تغییر عبارت به جهت اشاره به این است که آنچه برای گناه کاران خنده دار به نظر می رسد، ایمان نیکوکاران است. آیات بعد که بیانگر مقابله به مثل نیکوکاران در قیامت است اشاره دارد که انگیزه

گناه کاران از این برخورد، آزاررسانی به آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

<فَکِه> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

۲ - کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

یضحکون . .. یتغامزون . و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

در این برداشت، <فَکِه> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

۳ - کافران و گنه پیشگان ، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند .

و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

استهزاهای کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۳

۳ کفرپیشگان امت های گذشته پیامبران خویش را به استهزا و تمسخر می گرفتند .

و لقد استهزیء برسل من قبلک فأملیت للذین کفروا

استهزاهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰

۴- تهدید کافران به هلاکت و عذاب از سوی خداوند ، مورد تمسخر و استهزای کافران صدراسلام

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب . .. قل کلّ متربّص

از آن جایی که آیات پیشین در باره نزول عـذاب و علل تأخیر و نیز سـنت های حاکم بر آن بود; به نظر می رسـد جمله <قل کلّ متربّص> پاسـخی به اسـتهزاهای کافران در زمینه وعـده عـذاب باشـد; یعنی، شـما آینـده ای دشوار برای ما پیش بینی می کنیـد و از آنچه ما برای شـما انتظار می کشـیم، هراسـی نداریـد و آن را هیـچ می انگاریـد. باشـد زمان بگـذرد و تا حقیقت بر همگان معلوم شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲،۶

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکـذیب گران، از پیـامبر(ص) می خواسـتند وعـده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عـذاب را بر آنان نازل کنـد، معلوم می شود که آنان تهدیـد پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشـتند و با درخواست تسـریع عذاب، آن را به ریشـخند می گرفتند.

۶ - ناباوری کافران عصر بعثت به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور . و یستعجلونک بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۳

۳ - وعده معاد ، مورد استهزا و ریشخند کافران عصر بعثت

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

موضوع مورد استهزا به قرینه آیه بعد

که استدلال برای امکان معاد است مسأله رستاخیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۱

۱ - استهزای پیامبر (ص) از سوی کافران ، به خاطر تبلیغ آن حضرت از معاد

و قال الذین کفروا

تعبیر <رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق> قرینه است بر این که استفهام در این آیه، برای استهزا و تمسخر است و حقیقی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۴

۴ - کافرانِ صدراسلام ، منکر رازقیت خدا برای بشر بودند و عقیده به آن را به مسخره می گرفتند .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو ی

برداشت یاد شده از آن جا است که کافران، جمله <من لو شاء اللّه أطعمه> (اگر خدا می خواست او را می خورانید) را از سر استهزا و تمسخر می گفتند و به آن باور نداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذين ظلموا ذنوبًا . .. فلايستعجلون

نهی الهی (فلایستعجلون) می

رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱ – ۴

۴ – یکی از عناصر کافر صدراسلام (نضربن حارث) ، از سر استهزا خواست عذابی که پیامبر (ص) از آن سخن می گوید ، بر وی نازل شود .

سأل سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران سائل در این آیه، شخصی به نام <نضربن حارث> است. (مجمع البیان و تفاسیر دیگر)

استهزاهای کافران قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۱ – ۲

۲– کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

استهزاهای کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۱

۱– خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت

را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی

می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۱ - ۳

۳- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون . .. و ما یأتیهم من رسول إلاّ کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۸

۸- خداوند ، تسلّی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمن

آیات قبل، درباره برخورد عنادآلود کفار مکه با نبوت پیامبراکرم(ص) بود. اینکه در این آیه ها، برخورد مردمان پیشین با انبیای الهی را توضیح می دهد، احتمالاً به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلاّ> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۴

۴– کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفراخروی و . . .) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

جمله استفهامیه <و یقولون متی هذا الوعد> برای تهکّم و استهزا است.

استهزای اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۵ – ۱

۱ – استهزا شدن تکذیب گران در آستانه دوزخ ، به وسیله یادآوری سخنان کفرآلودشان به ایشان

أفسحر هذا

استفهام در <أفسحر هذا> برای تهکم و استهزا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۳ – ۱

۱ – گنه پیشگان کافر ، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره راه مؤمنان ، نیستند .

و ما أرسلوا علیهم حفظین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۱۰

۱۰ – < روی [عن الإمام الصادق (ع)] أنّه قال : یا ابن جُنْدَب . . . إنّ للّه تبارک و تعالی سُوراً من نور محفوفاً بالزبرجد و الحریر منجّداً بالسندس و الدیباج یضرب هذا السور بین أولیائنا و بین أعدائنا فإذا غلی الدماغ و بلغت القلوب الحناجر و نضجت الأکباد من طول الموقف أُدخل فی هذا السور أولیاء اللّه . . . و أعداء اللّه قد ألجمهم العرق و قطعهم الفَرَقُ و هم ینظرون إلی ما أعدّ اللّه لهم . . . فینظر إلیهم أولیاء اللّه فیضحکون منهم فذلک قوله عزّوجلّ <

. . .فاليوم الذين آمنوا من الكفّار يضحكون . . . > ;

[از امام صادق(ع)] روايت شـده كه فرمود: اى پسـر جُنْدب! . .. براى خداونـد تبارك و تعالى ديوارى است از نور كه غرق در زبرجد و حرير و مزين به ابريشم هاى سـندس و ديبا است و اين ديوار بين دوسـتان و دشـمنان ما قرار دارد. پس زمانى كه مغز سرهـا به جوش آمـد و جان ها به گلو رسـيد و جگرها از طولانى شـدن توقفگاه قيامت كباب شـد، اولياى الهى را به آن طرف ديوار مى برنـد ... در حالى كه دشـمنان خدا را عرق لجام زده است (جريان عرق بر اطراف دهان، مانع سـخن گفتن آنان شده است) و ترس، آنان را ساكت كرده است. [آنان] نگاه مى كننـد به آنچه[از عذاب] كه خداوند براى آنها آماده نموده است ... پس اولياى الهى به دشـمنان خـدا نگاه مى كننـد و به آنان مى خندند و اين است سـخن خداى عزّوجلّ: فاليوم الذين آمنوا من الكفّار يضحكون>.

استهزاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۴

۴ كافران ستم پيشه ، مورد استهزاى خداوند *

و لاليهديهم طريقاً. الا طريق جهنم

به كارگيرى واژه هدايت در مورد كشانيدن كافران به سوى جهنم، مى تواند به منظور استهزاى كافران ايراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸،۱۱،۱۲

۸ تمسخر حق (قرآن) و آيات الهى، شيوه كافران مكه بوده است.

فسوف تأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

مفاد جمله <كانوا به يستهزءون> ماضى

استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مراد از <یأتیهم أنباؤا ما کانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسلام باشد که کفار آن را به مسخره گرفته و تکذیب می کردند.

۱۲ تکذیب آیات الهی با تمسخر و استهزا از شیوه های کافران

فقد کذبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱،۳،۴،۵،۷،۸

۱ بسیاری از رسولان الهی قبل از پیامبر(ص)، مورد تمسخر و استهزای کافران قرار گرفتند.

و لقد استهزیء برسل من قبلک

۳ تمسخر و استهزای پیامبران الهی، شیوه کافران در طول تاریخ بوده است.

و لقد استهزیء برسل من قبلک . .. ما کانوا به یستهزءون

۴ استهزای وعیدها و تهدیدهای پیامبران الهی، از شیوه های مبارزه کافران با انبیا در طول تاریخ

و لقد استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به

بنابراین که مقصود از <ما کانوا به یستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پیامهای انبیا(ع) ذکر می شده است.

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در

مورد رسولان الهی است.

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهی باشد که در ضمن سخنان پیامبران مطرح می شده و مورد استهزای کافران قرار می گرفته است.

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح و إن تنتهوا فهو خیر لکم

جمله <إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۵

۵ - کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۱

۱ - آگاهی اندك و سطحی كافران از قرآن ، دستمایه آنان برای تمسخر آیات الهی

و إذا علم من ءایتنا شیًا

اتّخذها هزوًا

کلمه <شيئاً>، اندک و ناچیز بودن اطلاعات کافران را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۵

۵ - شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانه و نه منطقی

کانوا به یستهزءون

شیوه بودن استهزا از <کانوا به یستهزءون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۳

۳ - کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل ثوّب

<ثواب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد; ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <ثوّب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کیفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۴ – ۳

۳ – کافران و تکذیب گران ، مورد استهزای خداوند

فبشّرهم

فعل های <بَشِرَ> و <فَرِحَ> به یک معنا است (مصباح). بنابراین واژه <بشارت> در مورد تهدید به عذاب، برای استهزا به کار می رود.

استهزای کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۷

۷ – استهزا و ریشخند کفرپیشگان کینه توز صدراسلام از سوی خداوند

قل أفأنبّئکم بشرّ من ذلکم النار

استفهام در <أفأنبّئکم> برای استهزا و ریشخند و <تنبئه> (مصدر <أُنبأ>) به معنای خبر دادن است. <ذلکم> نیز به حالت درهم رفتگی چهره مشرکان به هنگام شنیدن آیات توحیدی قرآن اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱ – ۲

۲ – کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سیعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود; بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

اسرافگری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۹ – ۹

۹ – کفر و مخالفت با پیامبران ، اسراف است و کافران مسرف اند .

أئن ذکّرتم بل أنتم قوم مسرفون

توصیف مردم بی ایمان و مخالف پیامبران الهی به اسرافگر، گویای حقیقت یاد شده

است.

اسلام ستیزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۳ – ۱

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . .. و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحیط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دارکردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لایأتونک بمثل> و جمله <إلّا جئناك بالحقّ> استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۸ – ۲

۲ – هدف کافران از اتهام سحر به پیامبر (ص) ، مبارزه با اسلام و خاموش کردن نور خدا بود .

فلمّا جاءهم . .. قالوا هذا سحر ... یریدون لیطفؤا نور اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۸ – ۲

۲ – مبارزه کافران با قرآن و رسالت

پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فکّر و قدّر

اسلام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۱۱

۱۱ مبارزات گذشته کافران علیه اسلام ، مانع پذیرش آنان در زمره مسلمانان نخواهد شد .

ثم یغلبون و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

اصحاب اعراف و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۸ – ۲،۳،۴

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

۳ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را مخاطب ساخته و از فاصله ای دور با آنان سخن می گویند .

و نادی اصحب الاعراف رجالا

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

اصرار بر کفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۱ – ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری

کنند .

قل يقوم اعملوا على مكانتكم

آهنگ آيه شريفه، آهنگى تهديدآميز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - كافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بيان سرسختى سازش خواهان كافر و باقى ماندن آنان بر مرام خويش تا پايان عمر ، از خبر هاى غيبى قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

اصرار بر كفر كافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بيان پافشارى كافران عصر بعثت بر كفر و انكار معاد ، انتظار ايمان آوردن آنان را بى فايده خواند و توطئه گرى آنها را به پيامبر (ص) گوشزد كرد .

إنّهم يكيدون كيدًا

اضطراب اخروى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۷ - ۲

۲ - ناراحتى و اضطراب شديد كافران و منكران معاد ، در لحظه ديدن عذاب قيامت

فلمّا رأوه زلفه سيئت وجوه الذين كفروا

زشت و كريه شدن كافران، به هنگام مشاهده قيامت، بيانگر ناراحتى و اضطراب شديد آنان در آن هنگام است.

اضلال كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده کافران

یایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

<لا> در لایضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضرکم . ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می تواند <لا> ناهیه باشد، یعنی

ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بربایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۲،۵

۲ اطاعت از کفرپیشگان ، نشانه پذیرش ولایت و سرپرستی آنان

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم

کلمه <بل> برای اضراب و نفی ولایت غیر خداوند است و چون در آیه قبل سخن از ولایت و پذیرش آن نیامده که با <بل> آن را نفی کند، معلوم می شود که همان اطاعت از کافران، در حقیقت پذیرش ولایت آنان است.

۵ اطاعت و پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان ، موجب خروج از ولایت خداوند و محرومیّت از یاری او

ان تطیعوا الّذین کفروا . .. بل اللّه مولیکم و هو خیرُ النّاصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۲ - ۲

۲ پرهیز از اطاعت کافران و بر حذر بودن از نزاع و تفرقه ، نشانه تقوای اهل ایمان

ان تطیعوا فریقاً من الذین اُوتوا الکتاب . .. اتقوا اللّه حق تُقاته

پرهیز از تفرقه و نزاع، از شأن نزول آیه <ان تطیعوا . .. > استفاده شده است.

اطاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إنّ اللّه لعن

الکفرین . .. یوم تقلّب ... و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... فأ

اطمینان به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۶

۶ - اطمینان بخشی منافقان به کافران ، در پیروی نکردن از پیامبر و مسلمانان بر ضد آنان

الذین نافقوا یقولون . .. و لانطیع فیکم أحدًا أبدًا

اطمینان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

اعراض از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۱

۱ ضرورت پرهیز مؤمنان از همسویی با کافران در پندار و تفکّر ، گفتار و کردار

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۵

۵ - وانهادن امر کافران حق ستیز به خداوند ، رهنمودی الهی به پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون. .. إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه

با توجه به این که آیات این بخش در ارتباط با هم است، تـذکر خداونـد به قضاوت نهایی خویش درباره کافران، می تواند در مقام توضیح و تعلیل برای آیه <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> باشد. آیات بعد نیز مؤید همین معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۳

۳ - لزوم وانهادن امر کافران به خدا ، پس از

احراز تأثیرناپذیری آنان در قبال حق

فتوکّل علی اللّه إنّک علی الحقّ المبین . إنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

آیه یاد شده، دارای این پیام است که: چون آنها مرده اند و سخن در مرده بی تأثیر است; پس بیش از این تلاش مکن و نگران مباش و کار خود را با ایشان به خدا واگذار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۱

۱ - خداوند ، به پیامبر (ص) فرمان داد تا از کافرانی که بر کفر ورزیدن مصمم بودند ، اعراض کند .

فأعرض عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۶

۶ - پیامبر (ص) در انجام رسالت الهی خویش ، نباید به سخنان و موضع گیری های کافران و منافقان اعتنا کند .

یأیّها النبیّ إنّا أرسلنک شهدًا و مبشّرًا . .. و لاتطع الکفرین و المنفقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۴ - ۳

۳ - سرزنش نشدن پیامبر (ص) ، بر روی گردانی از کافران لجوج

فتولّ عنهم فما أنت بملوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۱

۱ - رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، در وانهادن کفرپیشگان لجوج به خود و اصرار نورزیدن در هدایت آنان

فذرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۸

۸ - وانهادن کافران و تحمل عداوت آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص

)

فذرهم . .. و اصبر لحكم ربّك

بنابراین که <و اصبر> عطف بر <فذرهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۱

۱ - روی گردانی از کافران لجوج و بها ندادن به ایشان ، رهنمود الهی به پیامبر (ص)

فتولّ عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به واگذاری کافران حق ناپذیر ، باطل گرا و بازیگر به حال خود ، پس از اتمام حجت به آنان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

<خوض> (مصدر <یخوضوا>) در اصل به معنای حرکت در آب است; ولی در مواردی به کار می رود که انسان، غوطهور در مسائل باطل و ناپسند می شود; مانند همین آیه که کافران، سخنان ناروایی درباره اسلام و پیامبر(ص) بر زبان می آوردند.

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، پس از ابلاغ برهان آشکار و رسیدن پیام اسلام به آنان ، به حال خود ر ها خواهند شد .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

قید <حتّی تأتیهم البیّنه> مفهومی دارد که برداشت یاد شده، ناظر به آن است.

اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۳

۳ کفرپیشگان ، در آیات و نشانه های توحید تأمل

نمی کنند و دلالت آنها را بر توحید درنمی یابند .

یمرون علیها و هم عنها معرضون

<اعراض> (مصدر معرضون) به معنای روی گرداندن است و روی گرداندن از نشانه های توحید به معنای تأمل نکردن در آنها و درک نکردن دلالتشان بر یکتایی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱

۱- کافران حق ناپذیر ، هشدار های خداوند را نادیده گرفتند .

الکفرین . .. ظالمی أنفسهم ... هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّ

برداشت فوق بر این نکته ذاست که مراد از ملائکه در <تأتیهم الملائکه> ملائکه قبض روح، و مراد از <یأتی أمر ربک> آمدن عذاب باشد. طبق این احتمال جمله <کافران تنها در انتظار آمدن مرگ و یا عذابشان هستند> مشعر به این معناست که: آنان به هشدارهای خداوند وَقْعی ننهاده و پیوسته راه انحرافی خود را پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، در قبال روی گردانی کافران از دعوت آن حضرت پس از تبیین آیات الهی بر آنان ، مسؤولیتی نداشت .

فإن تولّوا فإنما علیک البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۴

۴- کافران ، از ولایت خدا روی گردان و سرنهاده بر آستان شماریِ از بندگان اویند .

یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۴

۴- روی گردانی کافران از پروردگار خویش ، علی رغم برخورداری از

رحمت مداوم او

قل من يكلؤكم . .. من الرحمن بل هم عن ذكر ربّهم معرضون

<بل> در آيه شريفه، براى اضراب انتقالى است; يعنى، خداوند پس از بيان نياز بشر به خداى رحمان و ذكر عذاب او، به علت اصلى كفر كافران (اعراض از ياد پروردگار و بى توجهى به ربوبيت الهى) پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۸

۸ - كفرپيشگان روى گردان از دلايل آشكار ، همچون ناشنوايان روى برتافته از راهنماى خويش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۱ - ۷

۷ - منكران آيات خدا و كافران به خدا ، تحت تأثير عوامل بيرونى و منفعلانه ، از خدا و آيات او ، روى گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... ليقولنّ اللّه فأنّى يؤفكون

مجهول آورده شدن فعل <يؤفكون> دلالت بر اين مى كند كه مشركان و منكران آيات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثير القائات بيرونى، چنين روى كردى را پيدا كرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳ - ۱۱،۱۳

۱۱- كافران ، روى گردان از انذار ها و هشدار هاى الهى

و الذين كفروا عمّا أُنذروا معرضون

۱۳- كافران ، گريزان از هشدار هاى الهى نسبت به زوال پذيرى دنيا و وجود معاد

و الذين كفروا عمّا أُنذروا معرضون

در این آیه، پیش از مسأله انذار، موضوع حقانیت هستی و محدود بودن حیات دنیوی مطرح شده است. با توجه به

این مطلب می توان گفت: یکی از موضوعات مورد انذار، ناپایداری حیات دنیا و وجود رستاخیز بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۲ – ۱

۱ – کافران ، روی گردان از تأمل و اندیشه در آیات و نشانه های الهی

و إن یروا ءایه یعرضوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۰ – ۱،۲،۳

۱ – اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل

۲ – گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقّل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

۳ – کافران دوزخی ، از شنیدن سخنان پیامبران و پیام های آسمانی امتناع می کردند .

و قالوا لو کنّا نسمع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <نسمع> امتناع از شنیدن باشد; چنان که این واکنش دستور سران کفر به توده های مردم است: <و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرآن و ألغوا فیه لعلّکم تغلبون> (سوره فصلت (۴۱) آیه ۲۶).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۴ – ۳

۳ – روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

اعراض کافران از افساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ -

۱۹۳ - ۵،۶

۵ - لزوم ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

متعلق <إنتهوا . ..> - به قرينه فرازهـای پيش - فتنه انگيزی و بـازداری از حـاكميت يـافتن دين الهی است. جواب شـرط (فإن انتهـوا) محـذوف اسـت وجمله <فلاعـدوان...> جانشـين آن می باشـد; يعنی، پس اگر از فتنه انگيزی دست كشـيدند و مـانع گسترش و حاكميت دين خدا نشدند، آنان را نكشيد; زيرا تعدی تنها بر ستمكاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

اعراض کافران از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا على الظلمين

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

اعراض کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۱

۱ - کافران صدراسلام از تمامی آیات و نشانه های پروردگار ، اعراض کرده و آنها را نپذیرفتند .

و ما تأتيهم من ءايه من ءايت ربّهم إلّا كانوا عنها معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۹ – ۲

۲ – کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (

ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن نداشتند .

فما لهم عن التذکره معرضین

از مفاد <فمالهم> (چیست آنان را)، استفاده می شود که مقصود، نبودن هیچ دلیل و عذری برای کفر و انکار کافران نسبت به قرآن پندآفرین است.

اعلام عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۴

۴ خداوند ، پیش از عذاب کردن اقوام کفرپیشه ، جریان امر را به اطلاع پیامبر آن قوم می رساند .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط . .. و لما جاءت رسلنا لوطًا ... قالوا یلوط إنا رسل ربک

اغواپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یکونون علیهم ضدًّا . ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

اغواگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته انـد: <تَقلَّبَ فی الأُمور>; یعنی، <تصرّف کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم

فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

اغواگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

افتراهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۲،۴،۵،۶،۷،۱۲

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. و لکن الذین کفروا یفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۵ لزوم آزاد سازی سائبه (شتری که ده ماده شتر زاییده باشد) از اندیشه های خرافی و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل

اللّه من بحیره و لاسائبه . .. و لکن الذین کفروا یفترون

معنـای ذکر شـده برای سـائبه در قـاموس المحیـط آمـده و حکـم آن از نظر مردم جـاهلی هماننـد احکـام بحیره بوده است. امام صـادق(ع) در توضـیح معنـای <سـائبه> در آیه فوق فرمود: ان اهـل الجاهلیه کانوا ... اذا ولـدت (الناقه) عشـراً جعلوها سائبه و لایستحلون ظهرها و لااکلها ... .

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه من . .. و لاوصیله و لکن الذین کفروا یفترون

در دوره جـاهلیت اگر گوسـفندی دو قلـو می زائیـد کـه یکی از آن دو نر بـود، ذبـح آن را تحریـم می کردنـد و همزاد آن را <وصـیله> می نامیدند یعنی ماده گوسـفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضـیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه کانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلایستحلون ذبحها و لااکلها ... .

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه . .. و لاحام و لکن الذین کفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام ، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا . .. أُولئک لم یکونوا معجزین

ماضی بودن معنای جمله <أُولئک لم یکونوا . ..> (آنان هیچ گاه ازحاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۳ – ۷

۷ – بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۲ – ۲

۲ – دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوًی للکافرین) کافران می باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۸ – ۱

۱– کافران ، مدعی منتسب نبودن قرآن به مبدأ وحی و انتساب دروغین آن از سوی پیامبر (ص) به خداوند

أم يقولون افتريه

افتراهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

افساد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹،۱۱،۱۵

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه یقتلونکم . .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود; یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

۱۱ - آواره ساختن مسلمانان از دیارشان از مصداق های فتنه انگیزی کافران است .

و أخرجوهم من حیث أخرجوکم و الفتنه أشد من القتل

۱۵ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز کشتن و نبرد با آنها در مسجد الحرام و نواحی آن نیست .

و الفتنه أشد من القتل و لاتقتلوهم عند المسجدالحرام حتی یقتلوکم

جمله <و الفتنه

. ..> بیان می دارد که کافران فتنه انگیز همانند کافران محارب هستندو لذا باید باآنان نبرد کرد. به نظر می رسد جمله <و لاتقاتلوهم عند المسجد الحرام ...> به منزله استثنا از این قانون باشد; یعنی، فتنه انگیزی کافران، مجوز جنگ در مسجد الحرام نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران ، مفسدان و تبه کاران روی زمین هستند .

کالمفسدین فی الأرض . .. کالفجّار

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که آیه شریفه، در مقام توصیف کسانی است که در آیه قبل از آنان به <الذین کفروا> (کسانی که کفر ورزیدند) یاد شده است.

افساد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۵

۵- کافران مکه ، مردمانی مجرم و تبهکار بودند .

ربما يودّ الذين كفروا . .. كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين

افشای انگیزه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۴

۴– خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن

به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت وگوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

افشای توطئه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۳ – ۱

۱– إخبار و پرده برداری خداوند از توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان علیه حقانیت پیامبر (ص) و قرآن

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلّمه بشر

افشای خطای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۷

۷ – قیامت ، روز ظهور حقایق و برملا شدن خطای کافران در گمراه دانستن مؤمنان

قالوا إنّ هؤلاء لضالّون . .. فاليوم الذين ءامنوا من الكفّار يضحكون

افشای عهدشکنی کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳ – ۴

۴ – بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

افشای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ < عن رسول الله (ص) : . . . وأما الكافر فيقرأ ذنوبه على رؤوس الأشهاد ، < هؤلاء الذين كذبوا على ربّهم ألا لعنه الله على الظالمين > ;

از رسول خدا(ص) روايت شده است كه فرمود: . .. اما كافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده

می شود: اینانند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۵

۵- افشای حرکت های مرموز کافران و منافقان ، از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

و منهم من یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک

خطاب آیه شریفه به پیامبر(ص) است و ضمیر <منهم> ممکن است به کافران بازگردد که در آیات پیشین یاد شده اند و نیز ممکن است باتوجه به محتوای آیه که نوعی حرکت نفاق آمیز را بیان داشته به منافقان بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . .. و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

افشای لجاجت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و وفا نکردن آنان به وعده ایمانِ مشروط خویش ، از اخبار غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

اقتدار در عذابهای کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، با سخت گیری و اقتدار ، کافران را گرفتار خواهد ساخت .

إنّ بطش ربّک لشدید

اقرار اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۹

۹ کافران جن و انس در قیامت با اعتراف به آمدن رسولان الهی، علیه خود شهادت خواهند داد.

ألم یأتکم رسل منکم . .. قالوا شهدنا علی أنفسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۱۱

۱۱- اعتراف کافران در قیامت ، به ظلم و ستم پیشگی خویش در دنیا

بل کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱،۴

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إنّ اللّه لعن الکفرین . .. یوم تقلّب ... و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... فأ

۴ - کافران ، در قیامت ، با مشاهده آتش جهنم ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار . .. و قالوا ربّنا

ماضی آوردن عبارت <قالوا ربّنا> در مقابل <یقولون یالیتنا> احتمال دارد که مربوط به زمانی باشد که هنوز در عذاب واقع

نشده اند و تنها، آن را مشاهده کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۸ – ۲

۲ – کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا . .. ربّنا

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۲ – ۵،۹

۵ – کافران در قیامت ، به درستی وعده های خداوند رحمان پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

هذا ما وعد الرحمن

۹ – کافران در قیامت ، به صراحت و راست گفتاری رسولان الهی پی برده و به آن اعتراف خواهند کرد .

قالوا یویلنا . .. و صدق المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۱،۶،۷

۱ – اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

۶ – اعتراف کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت به ربوبیت خداوند

قالوا ربّنا

۷ – اعتراف کافران حق ناپذیر در قیامت ، به گناهان خود پس از مشاهده قدرت الهی در آخرت

فاعترفنا بذنوبنا فهل إلی خروج من سبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۷،۸،۱۰

۷– عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

۸– کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

أليس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا العذاب

۱۰- اعتراف و پشيمانی كافران در قيامت ، بی تأثير به حال ايشان

أليس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

كافران با اين كه به حق اقرار می كنند; باز هم به ايشان حكم می شود كه: <فذوقوا

العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۱،۴

۱ - اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انذار کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا و قلنا ما نزّل اللّه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

اقرار اخروی کافرانپیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کـافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بـدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

اقرار كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳

۳ کافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بداهت و مورد اعتراف بودن

جواب را می رساند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۶ – ۲

۲– اعتراف و اقرار کافران به ستم کاری خویش پس از گرفتاری به اندک عذاب الهی

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّك لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۰ – ۱

۱ – اعتراف ضمنی کافران در هنگام مرگ ، به زشتی اعمال گذشته خویش

قال ربّ ارجعون . لعلّی أعمل صلحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۷

۷ – اعتراف کافران به آسمانی بودن کتاب موسی (تورات) ، علی رغم انکار آن در نوبتی پیش از این

قالوا لولا أُوتی مثل ما أُوتی موسی أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۷ – ۲

۲ – اعتراف کافران ، در قیامت به گمراه شدن خود از سوی بزرگان شان

إنّا أطعنا سادتنا . .. فأضلّونا السبیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۹

۹ – اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس يحسرتى على ما فرّطت . .. و إن كنت لمن السخرين ... لو أنّ لى كرّه ف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۱۰،۲۳

۱۰ – اعتراف كافران در حضور نگهبانان و دربانان دوزخ ، به آمدن پيامبران تلاوت گر آيات خداوند و

انذارگران الهی برای هدایت آنان

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومکم هذا

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۵

۵- اعتراف ضمنی کافران ، نسبت به اعجاز قرآن و نفوذ عمیق آن در دل ها و اندیشه ها

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

از این که کافران، قرآن را سحر می خوانند، استفاده می شود که آنان آثار خارق العاده آن را دیده و چون درصدد ایمان نبوده اند، نام آن را سحر گذاشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴،۵

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

۵- اعتراف کافران به حقانیت وعده های الهی ، پس از لمس و مشاهده آن

و یوم یعرض . .. ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶ – اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن

یروا ءایه . .. و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده; اما به طور غیر مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

اقرار کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱۰

۱۰ - اذعان درونی کافران صدراسلام ، به حقانیت رسالت پیامبر (ص) و قرآن

بل جاءهم بالحقّ و أکثرهم للحقّ کرهون

عبارت <أکثرهم للحقّ کارهون>; یعنی، بیشتر آنان حقیقت را خوش ندارند. بنابراین انکار رسالت پیامبر(ص) و آسمانی بودن قرآن، نه از آن رو است که آنان به حقانیت آن دو یقین ندارند; بلکه بدان جهت بود که آن دو حق است و آنها از حق خوششان نمی آید.

اقسام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۷

۷ - وجود عناصری غیرمعاند با مسلمانان ، در میان کافران عصر پیامبر

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

اکثریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸،۹

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

۹ - شالوده زندگی بیشتر کافران، بر پایه باطل و منافع آنان، ناسازگار با پذیرش حق

حتّى اذا أخذنا مترفيهم . .. و أكثرهم للحقّ كرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸ -

۲ - رسوخ روحیه حق ناپذیری در بیشتر کافران ، عامل بی تأثیری آیات الهی درآنان

و ما کان أکثرهم مؤمنین

اکثریت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون و لکن أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ; از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد; اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز

دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۴

۴ - خداوند ، پیامبر (ص) و مؤمنان اندک او را در برابر مخالفت اکثریت کافران و مشرکان صدر اسلام ، تسلّی خاطر و دلداری داد .

و لقد ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین

مفسران برآنند که یادآوری گمراهی اکثریت امت های گذشته، در شرایطی که

پیامبر(ص) و گروندگانِ اندک به آن حضرت در شرایط سخت مکه قرار داشتند و با مخالفت های بیشتر کافران و مشرکان رو به رو بودند، به منظور دلداری به پیامبر(ص) و گروندگان به ایشان است.

اکثریت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه و هم یصدون عن المسجدالحرام . .. و لکن أکثرهم لایعلمون

التجای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۱

۱ - روی آوری کافران به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتار آمدن در عذاب

ربّنا اکشف عنّا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۱

۱- اظهار ایمان و التجا به خداوند ، پس از مشاهده عذاب ، اقدامی دیر هنگام و بی ثمر برای کافران

أنّی لهم الذکری

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <أنّی لکم الذکری>، درصدد بی ثمر خواندن ایمان کافران باشد.

القای ترس در کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

القای قرآن در قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۱

۱- خداوند ، قرآن کریم را در قلب کافران هدایت ناپذیر مکه

راه داد و به آنان شناساند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه>، <الذکر> و الف و لام <المجرمین> عهد ذکری باشد که اشاره به <الذین کفروا> در آیات قبل می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

اماکن امن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۶

۶ تعرض به کفار و سلب امنیت از آنان در اماکن سکونتشان ، جایز نیست .

فأجره حتی یسمع کلم اللّه ثم أبلغه مأمنه

امتحان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۰ - ۶

۶ خداوند ، مسلمانان صدراسلام را ، به وسیله کارشکنی و دشمنی مشرکان و کافران در بوته آزمایش قرار داد .

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران، چون آیه شریفه در مکّه نازل گردیده است و مؤمنان در آن شهر بسیار مورد شکنجه و آزار قرار داشتند و نیز این آیه در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان است، می توان گفت که مقصود از <بعضکم> مسلمانان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۵

۲۵- کافران ، وسیله آزمایش مؤمنان

لیبلوْ بعضکم ببعض

مراد

از <بعضکم ببعض> گروه مؤمنان، در برابر گروه کافران است که از صدر آیه استفاده می شود.

امتحان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۱۴

۱۴ – زندگانی شکوفای کافران ، آزمون الهی برای آنان است .

زهره الحیوه الدنیا لنفتنهم فیه

<فتنه> در اصل هنگامی گفته می شود که طلا و نقره را با آتش بگدازند تا نیکو و نامرغوب آن، تمیز داده شود(مصباح) و چون مقصود از آزمایش، تمیز خوب از بد است، به آن <فتنه> اطلاق می گردد. آزمودن کافران، به این است که فراوانی نعمت ها، تکلیف آنها را سنگین تر می کند و چون حق نعمت را ادا نمی کنند، بر عذاب آنان افزوده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۱ – ۲

۲– تأخیر مجازات مشرکان و کافران ، وسیله فتنه و آزمایش آنان است .

إن أدری أقریب . .. إن أدری لعلّه فتنه لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۶۳ – ۲

۲ – درخت زقّوم ، وسیله آزمایش کافران و ستم کاران

أم شجره الزقّوم . إنّا جعلنها فتنه للظلمین

آزمایش، یکی از معانی <فتنه> است و برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است. در تأیید این مطلب گفتنی است که مفسران در شأن نزول آیه شریفه نقل کرده اند: ابوجهل هنگامی که کلمه <زقوم> را با اوصافی که قرآن برای آن نقل می کند شنید، آن را به مسخره گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - مدثر -

۴ – ۳۱ – ۷۴

۴ – ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ (۱۹ عدد) ، به منظور آزمایش کافران است .

علیها تسعه عشر . .. و ما جعلنا عدّتهم إلاّ فتنه للذین کفروا

امتحان کافران ثروتمند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۷ – ۱

۱ – اعلام خداوند به کافرانِ برخوردار از ثروت و مکنت ، به آزمودنشان همچون آزمودن باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه

مفسران درباره <اصحاب الجنّه> (صاحبان باغ) چنین نوشته اند: این باغ در حومه <یمن> در اختیار پیرمرد مؤمنی قرار داشت. او به قدر نیاز از آن برمی گرفت و بقیه را به مستمندان می داد. اما هنگامی که چشم از دنیا پوشید، فرزندانش گفتند: ما خود به محصول این باغ سزاوارتریم; چون عیال و فرزندان ما بسیار است و نمی توانیم مانند پدرمان عمل کنیم. آنان سوگند یاد کردند تمام مستمندان را از آن محروم سازند. سرنوشت آنان همان شد که در این آیات از آن یاد شده است. (مجمع البیان و نیز برگرفته از الکشاف زمخشری)

امتحان کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۱ – ۱

۱– آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ، فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

امداد به کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و یعبدون من دون اللّه . .. و کان الکافر علی ربّه ظهیرًا

<الف و لام> در کلمه <الکافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعیل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۴

۴ - پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إنّما ینهیکم اللّه . .. و ظهروا علی إخرجکم

امدادهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و یعبدون من دون اللّه . .. و کان الکافر علی ربّه ظهیرًا

<الف و لام> در کلمه <الکافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعیل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

امکانات دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۵،۱۶

۱۵ - بهره مند

ساختن کافران از متاع دنیا ، از سنت های خداوند است .

و من کفر فأمتعه

۱۶ – بهره مندی کافران از مواهب الهی ، موقت و گذراست .

و من کفر فأمتعه قلیلا ثم أضطره إلی عذاب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۶ – ۱،۲،۳

۱ کافران صدر اسلام ، برخوردار از شوکت ظاهری و بهره های دنیوی

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۲ کافران عصر بعثت ، بهره مند از سود های فراوان تجاری و نفوذ سیاسی ، بر اثر گشت و گذار در شهر ها و سرزمین های مختلف

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۷ – ۲،۳

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم

۳ توان و امکانات مادی کافران ، دلیلی بر حقّانیّت آنان نیست .

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد. متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم

تصریح به اندک بودن بهره مندی کافران در دنیا و یادآوری فرجام شوم آنان، اشاره به این معنا دارد که شوکت ظاهری آنان، نه به خاطر تقرّبشان در پیشگاه خداوند است و نه نشانه حقانیّت آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱،۵

۱ بی ارزشی بهره ها و قدرت محدود کافران در

دنیا ، نسبت به نعمت جاودانه بهشت

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم لهم جنّات ... خالدین فیه

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقواپیشگی است . *

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا . .. لکن الّذین اتّقوا ربّهم

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقواپیشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۱ – ۳

۳- تأخیر عذاب و کیفر مشرکان و کافران حق ناپذیر ، به خاطر بهره بردن ناچیز و موقتی آنان از متاع های دنیوی است .

إن أدری لعلّه . .. متع إلی حین

امکانات کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلکنا . .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاك کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکنت خویش مغرور بودند.

امکانات مادی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۸ – ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد .

ما أغنى عنكم جمعكم و ما كنتم تستكبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۹ – ۶،۷

۶ هر امتی ، چه

مؤمن و چه کافر و منافق ، در زندگی دنیوی ، بهره و نصیبی دارد .

وعد اللّه المنفقین . .. کالذین من قبلکم. فاستمتعوا بخلقهم فاستمتعتم بخلقکم

۷ کثرت بهرهوری های کافران ، به مقتضای خُلق و خو و تلاش مادی آنان و طبق جریان طبیعی است و نه نشانه رحمت و لطف الهی به آنان *

فاستمتعوا بخلقهم فاستمتعتم بخلقکم

با توجه به اینکه <خلاق>، می تواند به معنای دستاوردهای انسان به مقتضای خلق و خوی خویش باشد، این برداشت به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۲

۲ برخورداری مشرکان و کافران از رفاه و در اختیار داشتن امکانات دنیوی ، نشان رستگاری آنان نیست .

لا یفلحون. متع فی الدنیا

جمله <متاع فی الدنیا> پاسخ از پرسش مقدر است ; یعنی، بعد از اینکه خداوند درباره مشرکان افترازننده فرمود: <آنان رستگار نخواهند بود>، این سؤال پیدا می شود که: پس آن همه رفاه و برخورداری از امکانات دنیوی در زندگی آنان چه معنایی دارد؟ خداوند پاسخ داد: <متاع فی الدنیا . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۸

۸ خداوند ، متاع های دنیوی را از کافران دریغ نمی کند .

و أمم سنمتعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۶

۶ - امکانات رفاهیِ نسبیِ کافران ، در دنیا ، از جانب خداوند است .

نمتّعهم قليلًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۶

- هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان ، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکنت کافران و تجدید نظرکردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت و قهر الهی نخواهد بود .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محیص

امکانات مادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۴

۴- برخی از مردم کافر و مشرک در عصر ظهور اسلام ، از ثروت و امکانات چشمگیری برخوردار بودند .

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱

۱ - برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت (در مکه) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و از آنجایی که سوره <طه> در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. <ازواج> یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای

<اصناف> است. <من> در <منهم> برای تبعیض است.

امنیت کافران پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشرکین استجارک . .. ثم أبلغه مأمنه

اموال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۲،۴،۱۲

۲ فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال و فرزند فزونتر هشداری است به منافقان هر عصر .

وعد اللّه المنفقین . .. کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

۱۲ منافقان و کافران پیشین با همه اتکایی که بر دستاورد های مادی خویش داشتند ، سرانجام همه آنها را فرو نهاده و بی توشه در گذشتند .

کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم . .. أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره

آیه در مقام تحذیر منافقان، سرنوشت پیشینیان را بر آنان می نمایاند که چگونه با همه قدرت در گذشتند و تلاشهای دنیویشان بی نتیجه ماند.

اموال کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۶

۶ - تهدید شدن کافران صدراسلام ، به نابودی اموال و دراییی های شان

کذلک العذاب .

.. لو کانوا یعلمون

امیدواری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۱۷

۱۷ امید کفار و دشمنان اسلام به شکست اسلام ، تا پیش از نزول آیه < الیوم یئس الذین کفروا >

الیوم یئس الذین کفروا من دینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۴

۴ - چشمداشت خیر و برکت از نمود های کیفر و عذاب الهی ، نشان جهل عمیق کافران *

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم>، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد; یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

امیدواری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

انبیا و شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا کفرنا . .. إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا ... قالت رسلهم أفی الله شکّ ... قا

انبیا و عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۴

۴ خداوند ، پیش از عذاب

کردن اقوام کفرپیشه ، جریان امر را به اطلاع پیامبر آن قوم می رساند .

إنا أُرسلنا إلی قوم لوط . .. و لما جاءت رسلنا لوطًا ... قالوا یلوط إنا رسل ربك

انتظار شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم . .. و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم . ..) در حقیقت سفارش به صبر و انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

و تولّ عنهم . .. و أبصر

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند، پس از سفارش به بی اعتنایی به آنان (و تولّ عنهم) در حقیقت، توصیه به صبر و انتظار است.

انتظار عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، مأمور به صبر و انتظار در خصوص شکست کافران معاند و عذاب شدن آنان

فتولّ عنهم . .. و أبصرهم

توصیه به نظاره کردن بر احوال کافران معاند پس از توصیه به بی اعتنایی به آنان (فتولّ عنهم . ..) در حقیقت سفارش به صبر و

انتظار است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۵

۵ – پیامبر (ص) با اضطراب و نگرانی چشم به راه نزول عذاب از جانب خداوند بر مشرکان و کافران بود .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

آیه شریفه، در مقام دلداری به پیامبراسلام(ص) است و این، از وجود نوعی نگرانی و ناراحتی در آن حضرت حکایت می کند.

انتظارات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۹ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و یقولون متی هذا الفتح . .. قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۳۰ – ۴،۵

۴ – همان گونه که کافران برای شکست دین منتظرند ، مؤمنان نیز برای نابودی کفر ، باید منتظر باشند .

و انتظر إنّهم منتظرون

احتمال دارد متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با دین، انتظار برای شکست دین خدا باشد.

۵ – کافران ، همواره در کمین شکست و اضمحلال جامعه مؤمنان اند .

إنّهم منتظرون

متعلق انتظارِ کافران، به قرینه دشمنی آنان با مؤمنان، می تواند انتظار شکست مؤمنان باشد.

انتظارات کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۷

۷- کافران صدراسلام در انتظار شکست و نابودی اسلام بودند .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

انتقام از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۵ – ۲

۲ – انتقام

الهی از کافران ، پس از احتجاج و اتمام حجت بر آنان

و کذلک ما أرسلنا . .. قل أوَ لو جئتکم ... فانتقمنا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۱ - ۷

۷ - انتقام از مشرکان و کافران ، سنت تخلّف ناپذیر الهی است .

فإنّا منهم منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۱،۲

۱ - انتقام الهی ، گریبان گیر کافران و حق ستیزان ، در حیات و یا پس از رحلت پیامبر (ص)

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. فإمّا نذهبنّ ... أو نرینّک الذی وعدنهم

۲ - حضور رهبران الهی در جوامع ، مانع از تحقق انتقام الهی نسبت به کافران و حق گریزان نخواهد بود .

أو نرینّک الذی وعدنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۶

۶ - < أیام اللّه > ، روز های ظهور عینی حاکمیت و اقتدار خداوند و انتقام از کافران

لایرجون أیّام اللّه لیجزی قومًا

از اضافه <ایّام> به <اللّه>، استفاده می شود که روزهای مورد نظر، ایّام ویژه ای است که با سایر روزها تفاوت دارد و اراده الهی در آن ظهور و بروز خاصی می یابد. با توجه به جمله <لیجزی...> ممکن است چنین برداشت شود که <أیّام اللّه> روزهایی است که خداوند از کافران انتقام می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۰،۲۱

۲۰- خداوند ، قادر بر انتقام از کافران ، بدون دخالت نیرو های

بشری

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم

۲۱- کافران ، مستحق انتقام الهی

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم

مفاد آیه این است که تنها مانع انتقام، مشیت الهی است و گرنه کافران، مستحق انتقام و مجازاتی سخت می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۵

۵ - کافر ، هر لحظه در معرض انتقام الهی و نیازمند بازگشت هر چه سریع تر به سوی خداوند

ففرّوا إلی اللّه

در آیات پیشین انتقام الهی در مورد اقوام کفرپیشه مطرح شده بود. احتمال دارد مخاطب آیه شریفه، کافران باشند که شدیداً در معرض کیفر الهی قرار دارند و نیازمند آن هستند که در اولین فرصت به سوی خداوند شتاب گیرند.

انحراف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبّار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. و خاب کلّ جبّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۹

۹ - کافران ، گرفتار کجروی و کج اندیشی مداوم اند .

کذلک کانوا یؤفکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۴ - ۵

۵ - عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>،

مطلب یاد شده به دست می آید.

انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۰

۱۰ کافران با کفر خویش ، حیات و عمر خود را تباه می سازند .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

عمر طولانی اگر ثمری جز افزایش گناه و گرفتار شدن به عذاب الهی نداشته باشد، عمری تباه و سرمایه ای نابود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۲

۲ کفرپیشگانی که بر پیمانشان با پیامبر (ص) وفادار نماندند از پست ترین جنبندگان هستند .

إن شر الدواب . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون

<الذین عهدت منهم> می تواند بدل و یا عطف بیان برای <الذین کفروا> در آیه قبل باشد، و نیز می تواند مبتدا و خبر آن <فاما تثقفنهم . .. > در آیه بعد باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

اندوه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلی ربّهم ینسلون . قالوا یویلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

اندوه بر حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۸،۱۰

۸- پیامبر (ص)

، به خاطر حق ناپذیری کافران ، بسیار محزون و اندوهگین بود .

و لاتحزن علیهم

۱۰- دلداری و تسلی خداوند به پیامبر (ص) در غم او بر کفرورزی و حق ناپذیری کافران

و لاتحزن علیهم

اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۴

۲۴ طغیانگران و کفرپیشگان ، شایسته دلسوزی نیستند .

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱۰

۱۰- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، شایسته دلسوزی نیستند .

لاتمدّنّ عینیک . .. و لاتحزن علیهم

حزن و اندوه پیامبر(ص) درباره کافران و مشرکان همان گونه که مفسران گفته اند به خاطر حق ناپذیری آنان بود. نهی شدن پیامبر(ص) از اندوه برای آنان، ممکن است از این جهت باشد که آنان ارزش چنین اندوهی را ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۸،۹

۸- اندوهناک بودن پیامبر (ص) بر حال کافران ، در پیشگاه خداوند ، حالتی ستوده و فراتر از حدّ انتظار است .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث أسفًا

آیه شریف، گرچه پیامبر(ص) را از این که به سبب اندوه، خود را به هلاکت و مشقّت بیندازد، برحذر داشته است، ولی با عنایتی لطیف، از آن، تقدیر کرده است; زیرا، اصل تأسّف خوردن را مذموم ندانسته، بلکه مرحله ای از آن را غیر لازم شمرده

است.

۹ تأسف خوردن بر حال کافران و سرنوشت بد آنان ، حالت قابل تحسین است .

فلعلّك بخع نفسک علی

ءاثرهم . .. أسفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳ – ۱

۱ – نگرانی و اندوه شدید پیامبر (ص) به خاطر عدم گرایش کافران به ایمان

لعلّک بخع نفسک ألّایکونوا مؤمنین

واژه <لعلّ> در مواردی که انتظار وقوع امر ناخوشایندی می رود به معنای اشفاق و بیم داشتن است و <بَخْع> (مصدر <باخع>) نیز به معنای تباه ساختن و از بین بردن می باشد. بنابراین <لعلّك باخع نفسک>; یعنی، بیم آن می رود که تو جان خویش را تباه سازی. از این رو معلوم می شود که پیامبر(ص) از این که کافران ایمان نمی آوردند، چنان اندوهگین می شد که ترس آن می رفت که جان خویش را از دست بدهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۰ – ۱

۱ – حزن و اندوه پیامبر (ص) بر حال کافران ، علی رغم مکر و توطئه آنان علیه آن حضرت

و لاتحزن علیهم و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

اندوه بر گمراهی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۸ – ۱۳،۱۴

۱۳ – توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

۱۴ – حسرت و اندوه شدید و همه جانبه پیامبر (ص) ، بر انحراف و گمراهی مردم کافر

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

آمدن <حسرات> به صورت جمع به جای <حسرت>، بر کثرت و چند جانبه بودن آن دلالت می کند.

اندوه بر هلاکت کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناك شدن بر هلاکت کفرپیشگان لجوج ، حتی در صورت خویش و هموطنی با آنان ، امری نکوهیده و ناروا

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

اندوه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۶

۶ - شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّی إذا فتحنا . .. إذا هم فیه مبلسون

انذار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۱

۱ - انذار های پیامبر (ص) در منکرانِ قرآن و کافران به آن ، بی تأثیر بود .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم

<انذار> (مصدر انذرت) به معنای خبر دادن و مطلع ساختن از چیزی است که باید از آن ترسید و دوری کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۴

۴ پیامبران ، کفرپیشگان امت خویش را به نزول عذاب های الهی هشدار می دادند .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

ضمیرهای جمع در جمله <ظنوا . ..> به <الذین> در آیه قبل برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۲

۱۲- گرفتار شدن به سرنوشت شوم ، تهدید خداوند به کافرانِ هدایت ناپذیر

ذرهم . .. فسوف یعلمون

براشت فوق، بنابراین احتمال است که مفعولٌ به و متعلق علم در <یعلمون> عاقبت امر و سرنوشت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ -

نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- کافران منکر حقانیت قرآن ، به عذاب استیصال تهدید شدند .

هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم . . .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰ - ۴

۴- تهدید کافران به عذاب دوزخ ، بشارتی به مؤمنان است .

و یبشّر المؤمنین . .. و أن الذین لایؤمنون بالأخره أعتدنا لهم عذابًا أليمًا

جمله <و أن الذین لایؤمنون بالأخره> عطف بر جمله <أن لهم أجراً کبیراً> است; یعنی، خدا دو بشارت به مؤمنان می دهد: ۱- اجر بزرگ برای آنان، ۲- آماده کردن عذاب برای کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۲

۲- بیم دادن کافران از خطر هلاکت با عذابی از جانب خداوند ، از وظایف پیامبر (ص)

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب . .. قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

<تربص> به معنای <انتظار> است (مصباح). فرمان <قل> به پیامبر(ص)، بیانگر وظیفه داشتن آن حضرت در ابلاغ این نکته به کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۰،۱۱

۱۰- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران حق ناپذیر را به عذاب الهی تهدید کرد .

إن أدری أقریب أم بعید ما توعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون>، عذاب الهی در دنیا و یا آخرت باشد.

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد

.

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۶

۶ - همراهی مؤمنان با پیامبر (ص) در تبلیغ دین و انذار کافران

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

از این که کافران، در درخواست خود مؤمنان را مورد خطاب قرار داده اند، استفاده می شود که پیروان پیامبر(ص) نیز در تبلیغ دین و دفاع از آن، شرکت گسترده داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به کافران به عالم آخرت ، مبنی بر این که آنان در احاطه کامل مأموران الهی اند .

الذین لایؤمنون بالأخره . .. أفلم یروا إلی ما بین أیدیهم و ما خلفهم

<فا> در <أفلم یروا> تفریع بر <بل الذین لایؤمنون. ..> است. توجه دادن به این که پشت سرشان آسمان و زمین است، کنایه از احاطه مأموران الهی (آسمان زمین) بر آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۳ - ۱

۱ - مسؤولیت پیامبر (ص) در برابر مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر در صدراسلام ، تنها انذار و هشدار بود .

و ما أنت بمسمع من فی القبور . إن أنت إلاّ نذیر

حصر در این آیه با توجه به آیات پیشین

از نوع حصر اضافی و در ارتباط با کافران و مشرکان لجوج است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - آمدن نذیر و هشدار دهنده از جانب خداوند در دنیا ، برای کافران محکوم به دوزخ

و جاءکم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۱،۲،۳

۱ - نگریستن به فرجام کافرانِ انذار شده از سوی رسولان پیشین ، توصیه خداوند به پیامبر اسلام (ص)

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

۲ - کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگریستن در سرنوشت کافرانِ لجوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

۳ - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۳

۳ - کافران و مشرکان تهدید شده به عذاب الهی ، از پیش انذار و اخطار شده و اتمام حجت شده بودند .

فساء صباح المنذرین

منظور از <منذرین> (اخطار شدگان) کافران و مشرکان اند. این تعبیر می رساند که آنان از سوی پیامبراسلام و قرآن، انذار و اخطار شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۱۵- قرآن ، پیام دار انذار و هشدار به کافران

تنزیل الکتب . .. و الذین کفروا عمّا أُنذروا معرضون

از ارتباط این آیه با آیه قبل که در آن مسأله نزول کتاب مطرح شده استفاده می شود که روی گردانی کافران، از انذارهایی است که در متن <کتاب> صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۱

۱ شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار ایشان

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۵

۵ - قوت کاستی ناپذیر خداوند ، نویدی به مؤمنان و تهدیدی برای کافران است .

ذوالقوّه المتین . فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب

تأکید بر قدرت الهی (ذوالقوّه المتین) از یک سو نوید به عبادت گران و از سوی دیگر تهدید برای ظالمانی است که در کیفر الهی استعجال دارند و مهلت الهی را به معنای ضعف او می پندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۶

۶ - همراهی مؤمنان با پیامبر (ص) ، در تبلیغ دین و انذار کافران

إن کنتم صدقین

از این که در درخواست کافران، مؤمنان مورد خطاب قرار گرفته اند، استفاده می شود که پیروان پیامبراسلام(ص) نیز در تبلیغ دین و دفاع از آن، شرکت گسترده ای داشته اند.

انذار کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۹ – ۶

۶- گرفتاری به عذاب هلاکت بار

، هشدار خداوند به گنه کاران و کافران و ستم پیشگان عصر بعثت بود .

و تلك القرى أهلكنهم لمّا ظلموا و جعلنا لمهلكهم موعدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۳

۳- خداوند ، کافران صدراسلام را به عذاب استیصال تهدید کرد .

و إذا تتلى . .. قال الذين كفروا ... و كم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۵

۵- خداوند ، کافران لجوج عصر بعثت را به عذاب دنیوی در زمانی مناسب هشدار داد .

فلاتعجل عليهم إنّما نعدّ لهم عدًّا

عبارت <إنّما نعـدّ لهم عدّاً> حاوی مفهوم تعلیل است; یعنی، هدف بالا رفتن ارقام است و روزی، شـمارش به نقطه مورد نظر خواهد رسید و پس از آن، عذاب حتمی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۸ - ۵

۵- خداوند ، کافران و مشرکان متعصب و سرسخت عصر بعثت را به نابودی و عذاب استیصال ، تهدید کرد .

و تنذر به قومًا لدًّا . و كم أهلكنا قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۱

۱ - تهدید شدن کافران و تکذیب گران عصر بعثت ، به عذاب استیصال

و إن يكذّبوك . .. و يستعجلونك بالعذاب

<ال> در <العذاب> برای عهد و اشاره به عذابی است که به مشرکان تکذیب گر وعده داده شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۵

- تهدید کفرپیشگان صدراسلام به عذاب استیصال

أو يأتيهم عذاب يوم عقيم

مراد از <عذاب> در جمله فوق عذاب استیصال است. اضافه <عذاب> به <یوم>، اضافه ظرفیه و به تقدیر <عذاب فی یوم عقیم> می باشد. <عقیم> نیز صفت <یوم> و به معنای نازا است. توصیف <یوم> به <عقیم>، بدان جهت است که روزی که عذاب استیصال نازل شود، آن روز، آخرین روز زندگی کافران خواهد بود و برای آنان روز دیگری در پی نخواهد آمد.

انذار کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ; بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم ... فسوف يعلمون. و ما أهلكنا من قريه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف یعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یأکلوا . ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- هشدار خداوند به کافران استهزاگر مکه

هل ينظرون إلّا أن تأتيهم الملئكه . .. كذلك فعل الذين من قبلهم ... فأصابهم سيئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه ، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنريهم ءايتنا فى الأفاق و فى أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این

نکته است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثمّ کفرتم) کفار مکه بوده و مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابر این جمله <سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

انصاف با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعایت انصاف و حقوق مالی انسان ها ، حتی کافران ، در احکام شریعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

انفاق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۱،۳،۵،۷،۱۰

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سُوزانی است که بر زراعت قوم ستمکارِ بر خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا . .. فاهلکته

۳ تباهی امکانات مادی ، ثمره انفاق های کافران

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم ظلموا انفسهم

۵ بی ثمر بودن انفاق های اهل کفر ، نمونه ای از کارا نبودن امکانات مادّی ، در بی نیاز ساختن آنان از خدا

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم . .. من اللّه ... مثل ما ینفقون ... کمثل ری

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پَست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

۱۰ بی ثمری انفاق

(اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم . .. و ما ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إن الذین کفروا ینفقون امولهم لیصدوا

انفاق مال به معنای مصرف کردن دارایی و هزینه کردن آن است و مراد از <ینفقون>، به قرینه <سینفقونها>، که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جمع مضاف <امولهم> دلالت بر عموم دارد ; یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام ، بی اثر است .

ثم تکون علیهم حسره

انقیاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۹

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

انگیزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱

۱- آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما یستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران ، با همان انگیزه و ملاکی که به دشمنی با خدا برخاسته اند ، دشمن مؤمنان و جامعه اسلامی نیز خواهند بود .

عدوّی و عدوّکم

تکرار <عدوّ> و تقدم <عدوّی> بر <عدوّکم>، در حقیقت مؤمنان را متوجه این موضوع می کند که خویش را از دشمنِ دشمنان خداایمن نپندارند; زیرا آنان با همان انگیزه و ملاک که دشمن خدایند، دشمن مؤمنان نیز هستند.

انگیزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذكرت ربّك فى القرءان

وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

اولاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مال و اولاد کافران ، آنان را هرگز از آتش دوزخ و عذاب الهی دور نخواهد ساخت .

لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<من اللّه>، یعنی از عذاب الهی، به قرینه <اولئک هم وقود النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ اموال و فرزندان اهل کفر ، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهاند. (روح المعانی).

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

اهداف صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند *.

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با

توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

اهداف کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۷

۷ آسیب رساندن به جامعه اسلامی ، در رأس آرمان ها و اهداف منافقان و کافران

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً

برداشت فوق با توجه به این است که در رأس همه اهداف <ضراراً> مطرح شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۳ – ۲

۲ – کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذّبون . و اللّه أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

اهل کتاب و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۲

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. >

بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۵

۵ برخی از اهل کتاب همسو با کافران ، در رویارویی با اسلام

لاتتخذوا الذین . .. من الذین اوتوا الکتب من قبلکم و الکفار أولیاء

اهمیت آگاهی به روحیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ پیامبر(ص) وظیفه دار شناخت دقیق روحیات و ویژگیهای کافران و چگونگی موضعگیریهای آنها در برابر هدایت است.

و إن کان کبر . .. فلا تکونن من الجهلین

بیان ویژگی هدایت ناپذیری برخی کافران و لحن توبیخ گونه آیه نسبت به پیامبر(ص)، بیانگر این است که پیامبر(ص)، علی رغم میل به هدایت کردن همه مردم، باید واقعیت هدایت ناپذیری برخی از کفار را پذیرفته و آن را در برنامه های خود در نظر گیرد.

اهمیت برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

اهمیت تذکر به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۵

۵ – توجّه دادن کافران به کمبود فرصت ، از راه کار های مبارزه قرآن

با کفر

إنّا أنذرنكم عذابًا قريبًا

جمله <يقول الكافر. ..> در ذيل آيه - گوياى آن است كه روى خطاب در <أنذرناكم>، با كافران است.

اهميت حقوق كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - رعايت انصاف و حقوق مالى انسان ها ، حتى كافران ، در احكام شريعت

و ءاتوهم ما أنفقوا

اهميت رد خواسته هاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پيامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته هاى كافران تكذيب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نيروى انسانى بسيار آنان

و لاتطع كلّ حلّاف . .. أن كان ذا مال و بنين

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين نكته است كه جمله <أن كان ذا مال . ..> متعلق به <لاـتطع> باشد. گفتنى است در آغاز <أن> لام تعليل در تقدير است.

اهميت زمين گيرى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۴

۴- لزوم كشتن كافران و امان ندادن به آنان ، در ميدان جنگ تا مرحله زمين گيرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّى إذا أثخنتموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند; بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

اهمیت سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۳ – ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

اهمیت عفو از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۱۴

۱۴– گذشت و برخورد کریمانه با دشمنان و کافران در ابتدای نهضت اسلامی و تبلیغات دینی ، امری لازم و بایسته است .

فاصفح الصفح الجمیل

نزول آیه فوق که از گذشت و عفو سخن به میان آورده است (در نیمه اول بعثت) و از جانب دیگر دستور به برخورد شدید با کافران و دشمنان در مدینه (نیمه دوم بعثت) می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

اهمیت قتل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴ – ۴

۴– لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند; بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

اهمیت کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۷

۷ – مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت

عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

اهمیت مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱۹

۱۹- امت اسلامی ، موظّف به نبرد بی امان با جبهه کفر تا فرونشاندن شعله های شرارت آنان

فشدّوا الوثاق . .. حتّی تضع الحرب أوزارها

خطاب آیه، می توانـد به امت اسـلامی در همه زمـان هـا باشـد; یعنی، هرگـاه جبهه کفر با اسـلام به ستیز برخاست، مسـلمانان موظـف انـد تـا مرحلـه خلع سـلاح جبهـه کفر بـه مبـارزه ادامـه دهنـد. این مطلب از ملاـک هـایی که آیه به دست داده است (أثخنتموهم ... تضع الحرب) استفاده می شود.

اهمیت موضعگیری علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۴ - ۹

۹ - ناخوشاینـدی کـافران و دگرانـدیشان ، نبایـد مـانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشـتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

اهمیت هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۲

۲- پیـامبر (ص) وظیفه دار متمرکز کردن تمـامی توجه خویش به کـافران برای هـدایت آنـان بـدون توجه به امکانـات فراوان دنیوی آنها

لاتمدّنّ عينيك إلى ما متّعنا به أزوجًا منهم

برای آیـه فـوق احتمالاـتی ذکر شـده است و برداشت فـوق بر این احتمـال است که مراد از <لاتمـدّنّ عینیـك إلی مـا متّعنـا به أزواجاً> این باشد که: به ذهنت خطور نکند که

چرا کافران دشمن خدا از امکانات دنیوی زیادی برخوردار هستند؟ و با این فکر خود را به آن امکانات مشغول بکنی و از هدف اصلی باز بمانی; بلکه توجه خود را معطوف به خود آنان کن.

اهمیت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۷

۷- لزوم اهتمام رزمندگان مسلمان ، به نابودی سپاه کفر در مرحله نخست و نیندیشیدن به دیگر منافع و غنایم *

حتّی إذا أثخنتموهم فشدّوا الوثاق

گرایش به گرفتن اسیر، در یک احتمال ناشی از برخی تمایلات منفعت طلبانه و غنیمت جویانه بوده است. از این جهت خداوند، رزمندگان را از آن منع کرده و به هدف اصلی توجه داده است.

اهمیت یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۲

۲ - باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <لایصدّنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است; یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

ایمان اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳

۳ - ایمان کافران ، در قیامت ، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است .

یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <یوم

الفتح> روز قیامت است.

ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ ایمان آوردن کافران ، به هنگام رویارویی با عذاب دردناك الهی ، بی ثمر بوده و مورد قبول خداوند واقع نخواهد شد .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۴

۴-اظهار ایمان کافران ، در تنگنای عذاب ادعایی دروغین و غیر قابل اعتماد

أنّی لهم الذکری

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که تعبیر <أنّی لهم الذکری> درصدد نفی اثر نباشد; بلکه در مقام تحلیل و تفسیر ادعای ایمان کافران در شرایط عذاب باشد، به این که اینان هر چند مدعی ایمان می شوند; اما آنان کجا و ایمان کجا؟ آنان راهی به سوی ایمان باز نگذاشته اند.

ایمان کافران طغیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۸اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله

ایمان کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۸

۱۸اگر مشیت خداوند تعلق گیرد کافران لجاجت پیشه و طغیانگر نیز ایمان خواهند آورد.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله

ایمان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۴،۵،۷

۴ - ایمان ، از همگان حتی کفرپیشگان محارب پذیرفته است .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

برداشت

فوق مبتنی بر این است که متعلق <إنتهوا> کفر و شرک باشد. بنابراین <فإن انتهوا ...>; یعنی، اگر کافران و مشرکان دست از کفر و شرک برداشتند و ایمان آوردند. بر این مبنا جمله <فإن اللّه ...> گویای دو معناست: ۱ پذیرش ایمان آنان، ۲ آمرزش خطاهای گذشته شان.

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و . . .) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

۷ - آمرزش گناهان کافران محارب ، پس از ایمان آوردن آنان ، پرتوی از مغفرت و رحمت الهی است .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان اگر ایمان آورند ، حتی در صورتی که علیه پیامبر (ص) جنگیده باشند ، مشمول رحمت و مغفرت الهی خواهند شد .

إن یعلم اللّه . .. یغفر لکم

ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم ... لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندانی باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیّلوا> می باشد; زیرا <لو>ی امتناعیه،

تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

ایمان و دوستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

ایمان و ولایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۴

۴ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن ناسازگار با گزینش کافران برای دوستی و ولایت

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

بت پرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود ر ها ساخت .

لکم دینکم

بدترین عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۵

۵ - بدترین عمل کافران ، مبارزه با قرآن و تلاش در جهت محروم ساختن مردم از دستیابی به معارف آن است .

و قال الذين كفروا لاتسمعوا . .. و لنجزينّهم أسوأ الذى كانوا يعملون

بدترين كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنى اسرائيل در صورت كفر به قرآن ، نكوهيده ترين و ناشايسته ترين

کافران در پیشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق مبتنی بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لا-تکونوا . ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان; ۲ <أول> بودن قید توضیحی است، نه احترازی. بر این اساس جمله <و لا-تکونوا ...>; یعنی، و به قرآن کافر نشوید که در این صورت اولین رتبه کفر از آن شما خواهد بود.

بدخواهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، در آرزوی مرگ پیامبر (ص) و مؤمنان و شکست اسلام به سر می برند .

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه و من معی

مفسران (صاحب مجمع البیان، تفسیر کبیر و. ..) نوشته اند: این آیه و آیات مشابه آن (مانند آیه ۳۰ سوره <طور> و آیه ۱۲ سوره <فتح>)، اشاره به این حقیقت تاریخی دارد که کافران و مشرکان، پیوسته در آرزوی مرگ پیامبر(ص) و مؤمنان و در نتیجه شکست کامل اسلام، به سر می بردند.

بدکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۵

۵ - کافران ، مردمی بدکارند .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

برادران کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۲

۲ – منافقان ، برادر کافران و دارای رمز و راز با ایشان

الذین نافقوا یقولون لإخونهم الذین کفروا

برتری موحدان بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ –

۵ - ۲۴

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

برتری مؤمنان بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۵

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۹

۹ عشق به خدا و محبوب وی شدن ، فروتنی در برابر اهل ایمان و سرفرازی در مقابل کافران ، از صفات مؤمنان واقعی

فسوف یأتی اللّه بقوم . .. اعزه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۴

۴ لزوم برخورد شدید و بدون ترحم ، با کافران و منافقان حق ستیز

و اغلظ علیهم

برخورد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص) و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان

آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلکنا أشیاعکم

<أشیاع> جمع <شیعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است; یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

بشارت پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

بشارت ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۳

۳- ذلت و ناکامی نهایی کافران ، نویدی به مؤمنان مجاهد

و الذین کفروا فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم

با توجه به ارتباط آیات که جهت گیری اصلی آن، دعوت از مؤمنان به جهاد در راه خدا علیه کافران است از جمله <فتعساً. ..> مطلب بالا استفاده می شود.

بشارت شکست کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۵

۵ - نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرک و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرادّك إلی معاد

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرادُّك إلی معاد غیر ما هو الآن; ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد>. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۱

۱ - بشارت به پیروزی پیامبراسلام (ص) بر کافران

فستبصر

آیه شریفه، بشارت و تهدید است; بشارت پیروزی پیامبراسلام (فستبصر) و تهدید کافران به شکست و نابودی (و یبصرون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفّت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

بصیرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۷ – ۹

۹ – کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أوَلم یروا أنّا نسوق .

.. فنخرج ... تأكل منه... أفلايبصرون

بطلان كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۳

۳ توان و امكانات مادى كافران ، دليلى بر حقّانيّت آنان نيست .

لا يغرّنك تقلّب الّذين كفروا فى البلاد. متاع قليل ثمّ ماويهم جهنّم

تصريح به اندك بودن بهره مندى كافران در دنيا و يادآورى فرجام شوم آنان، اشاره به اين معنا دارد كه شوكت ظاهرى آنان، نه به خاطر تقرّبشان در پيشگاه خداوند است و نه نشانه حقانيّت آنان.

بغض اخروى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲

۲ - بغض و دشمنى شديد كافران حق ناپذير با خويشتن در قيامت

من مقتكم أنفسكم

بغض كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۳

۳ - بغض و دشمنى خداوند با كافران حق ناپذير ، بيشتر و شديدتر از بغض و دشمنى كافران نسبت به خويشتن است .

لمقت اللّه أكبر من مقتكم أنفسكم

بقاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۸ – ۷

۷ – جهان ، هیچ گاه خالی از کافران نخواهد بود .

و لو شاء اللّه لجعلهم أمّه وحده

بنی اسرائیل و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث

یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۲،۳

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۴

۴ بنی اسرائیل ، مایل نبودند در سرزمین کفر و در جوار کافران ، زندگی کنند .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

بنی اسرائیل و نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۲

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۲ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

حرف <لو> غالباً در مواردی

به کار گرفته می شود که شرط، امری غیر عملی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲،۳،۱۰

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملکا

جمله <و لو جعلناه ملکا . .. >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

۱۰ بقای مغالطه کاری و بهانه جوییهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و لیقولوا درست . .. اتبع ما أوحی الیک

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۱ – ۷

۷ – تاریخ گذشتگان و تحلیل آن ، دست آویز کافران و ناباوران به معارف الهی ،

برای رد و انکار ایمان و توحید

قال فما بال القرون الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۱

۱ تدریجی نازل شدن قرآن ، بهانه و دستاویز کافران برای مخالفت با آن

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

مجموعه اشیای به هم پیوسته و بدون فاصله از هم را <جمله> گویند. بنابراین <جمله> در آیه شریفه، به معنای <مجتمعاً> (باهم و دسته جمعی) می باشد (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۷

۷ خداوند ، همواره حامی پیامبر (ص) در برابر بهانه تراشی ها و سخنان شبهه آلود و باطل کفار و دشمنان

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۵

۵ - تحقق نیافتن قیامت پس از گذشت زمان ها و اعصار طولانی ، دستاویز کافران برای انکار آن

إن هذا إلّا أسطیر الأوّلین

طرح پیشینه طولانی عقیده به معاد، ظاهراً تلاشی است از سوی کافران برای بیان این که اگر واقعاً وعده رستاخیز حق بود، باید تاکنون محقق می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۳،۵،۸

۳ - کفرپیشگان حق ستیز ، منکر آسمانی بودن قرآن به بهانه عدم نزول دفعی آن

قالوا لولا أَوتی مثل ما أَوتی موسی

مقصود از <ما أُوتی موسی> تورات است که یکباره نازل شده بود; یعنی، چرا قرآن مانند تورات، یکباره نازل نشده است؟

۵ - نزول دفعی قرآن همانند

تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

۸ - انکار پیشین تورات از سوی کافران ، نشانه بهانه جویی و عدم صداقت آنان در پیشنهاد خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۸

۸ - کافران ، در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - پیامبر (ص) ، موظف به بیان فواید و آثار قرآن ، در پاسخ به بهانه جویی های کافران

و لو جعلنه . .. ءاْعجمیّ و عربیّ قل هو للذین ءامنوا هدًی و شفاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۴

۴ - بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۲،۷

۲ – روشن نبودن زمان برپایی قیامت ، دستاویز کافران برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

۷

- پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۱

۱ - مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأییدِ آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کلّ امریء منهم . .. کلاّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه . .. بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغه) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴۰ - ۴

۴ - استبعاد و تردید در توانایی خداوند ، مشکل و بهانه کافران در پذیرش مسأله معاد و احیای مردگان

ألیس ذلک بقدر علی أن یحیی الموتی

طرح مسأله توانایی خداوند بر

احیای مردگان به صورت سؤال، نشان دهنده حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

بهانه جویی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۲

۲ - روزی رسان بودن خداوند برای بشر ، بهانه و دستاویز کافرانِ صدراسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو ی

استفهام در <أنطعم> استفهام انکاری است; یعنی، <لانطعم من لو شاء اللّه لأطعمهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۳

۳ - مشخص نبودن زمان برپایی قیامت

، دستاویز کافران صدراسلام برای انکار آن

و یقولون متی هذا الوعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳

۳ - انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم ، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود .

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم و قال الكفرون هذا سحر كذّاب

بهانه جویی کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۴

۴ ایمان مستضعفان قوم ثمود بهانه ای برای کفرورزی و استکبار اشراف کفرپیشه آن قوم

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجادله کافران با مستضعفان اقتضا می کرد که کفرپیشگان در پاسخ مؤمنان بگویند: <إنا به کفرون> و یا <إنا بما ارسل به کفرون>، ولی در پاسخ گفتند ما به آنچه شماها بدان ایمان آورده اید کافر هستیم. و این تعبیر نشان می دهد که از ریشه های استکبار آنان در برابر حق، ایمان مستضعفان بوده است. تقدیم <بالذی> بر <کفرون>، که افاده حصر می کند، این معنا را تأیید می کند.

بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

قید <إلاّبالحق> می تواند احترازی باشد; یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است،

در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی

نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

بهره دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۶

۶ - < عن علی (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب > قال : نصیبهم من العذاب ;

از امام علی(ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عزّوجلّ <و قالوا ربّنا عجّل لنا قطّنا قبل یوم الحساب> فرمود: [مراد مشرکان از کلمه <قطّنا>] نصیب آنها از عذاب بود [که از روی تمسخر درخواست می کردند زودتر به آنان برسد]>.

بی ادبی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

بی ارزشی اظهارنظر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۳

۳ - مؤمنان نباید درباره ایمان و اعتقادات خود ، برای نقطه نظر های کافران ، ارزشی قائل شوند .

و ما أُرسلوا علیهم حفظین

بی ارزشی امکانات دنیوی کافران

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیویِ کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذّت جویی های آنان را ارزش نپندارند; زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

بی ارزشی امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۲

۲ - بی ارزشی بهرهوری هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إن متّعنهم سنین . .. ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱

۱ - بهرهوری کافران از منافع دنیا ، محدود و ناچیز است .

و من کفر . .. نمتّعهم قلیلاً

<قلیلاً> می تواند صفتِ مفعولِ مطلق محذوف باشد; یعنی، <نمتّعهم تمتیعاً قلیلاً>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندك و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرك قلیلاً

بی ارزشی ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در

صورتی که <أنّی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد; تعبیر <و قد جائهم. ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود; یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

بی ارزشی ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلّاف . .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کان ذا مال . ..> متعلق به <لا ـتطع> باشد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

بی ارزشی خشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ ترک وظایف الهی به خاطر خوشایند کافران ، مایه خسارت و تباهی است .

فما تزیدوننی غیر تخسیر

بی ارزشی رفاه دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۲۰

۲۰ - برخورداری ها و نعمت های بی پایان بهشت ، نشانگر فضل و رحمت خدا است و نه رفاه و خوشی محدود کافران در دنیا .

یرزق من یشاء . .. و من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها ... لهم ما یشاءون ... ذلک ه

بی ارزشی رفاه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱

- طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۹

۹ - وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه درخانواده کافران

متّعنا به أزوجًا منهم . .. وأمر أهلك بالصلوه

کلمات <أزواج> و <أهل> در این آیات، خانواده ها را مـدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسـلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

بی ارزشی عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۹ - ۴

۴ نیکوترین عملکرد کافر و مشرک ، فاقد کمترین ارزش در بینش الهی است .

أجعلتم سقایه الحاجّ و عماره المسجدالحرام کمن ءامن باللّه . .. و اللّه لایهدی الق

برداشـت فـوق به خـاطر دو نکته مهم در آیه شـریفه است: ۱ سـیراب سـاختن حاجیان و آباد کردن مسـجدالحرام، بهترین عمل مشرکان بود; ۲ خداوند، همین دسته از مشرکان به ظاهر نیکوکار را ستمکار معرفی کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱،۲

۱- عمل نیک کافرانِ به ربوبیت خداوند ، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

مراد از <أعمالهم> می توانـد اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه هیچ کس، کافر و مسلمان، ثمری ندارد تا اینکه حبط گردد و یا به خاکسترِ در معرض باد تشبیه شود.

۲- عمل نیک کافران ارزشی ندارد و حبط می شود .

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، پوچ و بی ب ها در نزد خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. و سیحبط أعملهم

مراد از اعمال، کردار به ظاهر نیکی است که مشرکان یا اهل کتاب، انجام داده و می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۵

۱۵ - اعمال نیک شخص کافر به خدا و رسول او ، در پیشگاه پروردگار فاقد ارزش می باشد .

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۱۹

۱۹ - اعمال نیک کافران و منافقان ، از کمترین ارزش در پیشگاه الهی برخوردار نیست .

لایستوی منکم من أنفق من قبل الفتح و قتل

بی ارزشی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۸

۸- اَعمال پوچ و نابود شده کافران ، غیرقابل سنجش و اعتبارگذاری در قیامت است .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

<وزن>، یا مصدر و به معنای سنجش سنگنی و سبکی است ; و یا به معنای مثقال است; یعنی، چیزی که با آن وزن سنجیده شود> (لسان العرب). این که خداوند، در قیامت، برای برخی که اَعمال شان حبط شده، وزنی برقرار نمی سازد، کنایه از آن است که به قدری اَعمال آنان پوچ است که ارزش سنجیدن ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۲

- ۲

عمل و رفتار کفرپیشگان ، پوچ و بی ارزش است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

برداشت یاد شده، از تشبیه سراب به دست آمده است; زیرا سراب، امری خیالی است که بر اثر خطای دید به ذهن انسان می آید; ولی در اصل وجود خارجی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۴

۴- اعمال کافران ، به دلیل نداشتن انگیزه الهی ، فاقد پاداش در نزد خداوند

کرهوا ما أنزل اللّه فأحبط أعملهم

از مجموع آیه استفاده می شود که خداوند، در مقام بیان فلسفه حبط اعمال نیک کافران است; فلسفه ای که برای بشر معقول و قابل فهم است و آن این که وقتی کافران به انگیزه های نفسانی و غیر الهی کاری را انجام داده اند، چگونه ممکن است که در قبال آن از خداوند پاداش دریافت کنند.

بی ارزشی قدرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۱

۱۱ - اقتدار و شوکت کافران ، ناچیز در برابر اقتدار شکست ناپذیر الهی

ربّنا إنّک أنت العزیز الحکیم

جمله <إنّک أنت العزیز> که بیانگر حصر عزت و اقتدار در خداوند است تعریض به قدرت های کفر دارد که درصدد مفتون و معذّب ساختن مؤمنان اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۱

۱ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به اجابت خواسته های کافران تکذیب گر و سازش و مسامحه با آنان ، به

صرف ثروت و نیروی انسانی بسیار آنان

و لاتطع کلّ حلّاف . .. أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که جمله <أن کان ذا مال . ..> متعلق به <لا ـتطع> باشد. گفتنی است در آغاز <أن> لام تعلیل در تقدیر است.

بی ارزشی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت کافران درباره اسلام و مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پایه عقلانی و منطقی است .

ما لکم کیف تحکمون

بی ارزشی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۳

۳ - کافران و حق ناپذیران ، عناصری بی ارزش نزد خداوند

و لاتحزن علیهم

این که خداوند به پیامبر(ص) توصیه می کند که بر بدبختی کافران غم و اندوه بر خود راه ندهد، نشانگر این است که آنان در پیشگاه خدا، از هیچ ارج و ارزشی برخوردار نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۹

۹ - کافر متعصب ، فاقد ارزش ها و ملاک های حیات انسانی

إنّک لاتسمع الموتی . .. إذا ولّوا مدبرین

تعبیر <إذا ولّوا مدبرین> بیانگر تعصب است و مرده و ناشنوا خواندن آنان، نشانگر فقدان همه ارزش ها و معیارهای حیات

انسانی است.

بی ارزشی لذایذ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیویِ کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتّعون و یأکلون . ..

و النار مثوًى لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذّت جویی های آنان را ارزش نپندارند; زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

بی ارزشی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۹

۹ - وجود نماز در خانواده مسلمان ، بهترین جایگزین برای مال و رفاه درخانواده کافران

متّعنا به أزوجًا منهم . .. وأمر أهلك بالصلوه

کلمات <أزواج> و <أهل> در این آیات، خانواده ها را مدّ نظر قرار داده است و بدین صورت لزوم تمایز خانواده مسلمان از خانواده کافر را بیان می کند.

بی اعتباری خویشاوندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلاًّ و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون

بی اعتباری دوستی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۳،۶

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم

إلّاً و لاذمه

<إلّ> در لغت به معنای عهـد، قسم و قرابت (خویشاونـدی) آمـده است (قاموس المحیط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه <ذمه> که به معنای عهد است معنای قرابت و خویشاوندی مقصود است.

۶ دشـمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

بی اعتباری عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ عقاید مشرکان و کافران متکی بر گمان بی اساس است.

یضلوک عن سبیل الله . .. و إن هم إلا یخرصون

بی اعتباری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰- کافران ، در قیامت ، فاقد کمترین شخصیت و اعتباراند .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

تعبیر <لهم> نشـانِ این است که خودِ افراد، بی ارزش و بی مقدارنـد. تفریع جمله <فلانقیم...> بر حبـط عمـل، گویـای این نکته است که سرچشمه بی ارزشی آنان، پوچی اَعمال شان است.

بی اعتباری معاهده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۳

۳ غیر قابل اعتماد بودن کافران و مشرکان ، در پیمان و پیوند دوستی با مسلمانان

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه

<إلّ> در لغت به معنای عهـد، قسم و قرابت (خویشاونـدی) آمـده است (قاموس المحیط) ولی در این آیه به قرینه آمدن واژه <ذمه> که به معنای عهد است معنای

قرابت و خویشاوندی مقصود است.

بی اعتمادی به کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - کافران ستم پیشه و حق ستیز ، غیر قابل اعتماداند .

لعلّی أعمل صلحًا . .. کلاّ إنّها کلمه هو قائلها

بی اعتنایی به امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۱،۲

۱- خداوند ، پیامبر (ص) را از هرگونه چشم دوختن و مجذوب شدن به امکانات دنیوی کافران برحذر داشت .

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

<مدّ> به معنای زیاده و طولانی کردن است و هر گاه در رابطه با چشم و نظر به کار رود، به معنای چشم دوختن، خیره شدن و مجذوب شدن است.

۲- پیامبر (ص) وظیفه دار متمرکز کردن تمامی توجه خویش به کافران برای هدایت آنان بدون توجه به امکانات فراوان دنیوی آنها

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

برای آیه فوق احتمالاتی ذکر شده است و برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزواجاً> این باشد که: به ذهنت خطور نکند که چرا کافران دشمن خدا از امکانات دنیوی زیادی برخوردار هستند؟ و با این فکر خود را به آن امکانات مشغول بکنی و از هدف اصلی باز بمانی; بلکه توجه خود را معطوف به خود آنان کن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۲

۲ – خداوند ، پیامبر (ص) را از توجه به سرمایه های

چشمگیر کافران و اشتیاق بهره گیری از آن ، برحذر داشت .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

<مدّالعین> (چشم کشیدن)، برداشتن نگاه از چیزی و متوجه ساختن و کشاندن آن به سوی چیز دیگر است و به قرینه آیاتی دیگر (نظیر <لاتعد عیناک عنهم> کهف/ ۲۸) مرادِ آیه، معطوف ساختن توجه از تهیدستان به سوی ثروتمندان است. برخی احتمال داده اند که مراد از کشاندن، ادامه دادن است و آیه ناظر به نگاهِ سیر و عمیق می باشد.

بی اعتنایی به بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۷

۷ - بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران ، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها و لا هم یستعتبون

چنانچه از <استعتاب> (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

بی اعتنایی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۸

۸ - بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُسئلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها را به حال خود ر ها

ساخت .

لکم دینکم

بی اعتنایی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، نسبت به هشدار های الهی مبنی بر پرهیز از گناه و رفتاری که موجب مجازات الهی در دنیا (عذاب استیصال) و در آخرت می شود ، بی اعتنایی کرده و گوش فرانمی دادند .

و إذا قیل لهم اتّقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <ما بین أیدیکم> (آنچه در پیش روی شما است) گناهانی است که موجب مجازات های الهی در دنیا (همچون غرق شدن) می شود و مقصود از <ما خلفکم> (آنچه پشت سر شما است) گناهانی است که بعداً موجب مجازات الهی در آخرت می گردد. گفتنی است که تعبیر به <پشت سر> از آن رو است که هنوز نیامده و گویی پشت سر انسان در حرکت است. جواب <إذا>، به قرینه ذیل آیه بعد (کانوا عنها معرضین) <أعرضوا> است.

بی ایمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۹

۹ - کافران ، به تحقق وعده نصرت خداوند ، ناباورند .

إنّ وعد اللّه حقّ و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

مراد از <الذین لایوقنون> می تواند کافرانی باشد که در آیات پیش از آنان سخن به میان آمده است. لازم به ذکر است که متعلق <لایوقنون> می تواند همین وعده ای باشد که در آیه آمده است.

بی ایمانی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۴

۴ - لجاجت در

برابر ایمان و حق گریزی ، زمینه ساز آمدن عذاب الهی است .

لقد حقّ القول علی أکثرهم فهم لایؤمنون

بی پناهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۵

۵ - کافران و منافقان ، در قیامت از یاور و پشتیبان محروم خواهند بود .

هی مولیکم

<مولی> به معنای ناصر و یاور است و قالب <هی مولاکم> قالب قصر است; یعنی، <لیس لکم ناصر إلّا النار> (کافران و منافقان به جز آتش یاوری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۲

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهنگاه است.

بی پناهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۵

۵ کافران ، بی پناه و بی دفاع در برابر خواست خداوند

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم . .. من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۵

۵- بی پناهی همه جانبه کافران دربرابر عذاب الهی و حتمی بودن هلاکت آنان

أم لهم ءالهه تمنعهم من دوننا . .. و لا هم منّا یصحبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲

- مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۵

۵ - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

بی تأثیری استمداد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۵

۵ - فریاد استغاثه و کمک خواهی کافران گذشته به هنگام عذاب ، بی نتیجه بود و آنان نجات نیافتند .

فنادوا و لات حین مناص

<مناص> به معنای ملجأ و راه گریز است.

بی تأثیری امکانات مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا

رسیدن عذاب موعود

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون . ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جمله <ما أغنی عنهم. ..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

بی تأثیری تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- وقوع رستاخیز ، مایه به خود آمدن کافران ; اما بی ثمر به حال آنان

فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است; اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فأنّی لهم).

بی تأثیری توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۳

۱۳ بی تأثیر ماندن دسیسه های منافقان و کافران طول تاریخ ، در از بین بردن ارزش های الهی ، عبرتی است برای دنبال کنندگان راه آنان . *

کالذین من قبلکم . .. أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره

با توجه به اینکه منظور از اعمال در <أعمالهم> می تواند روشهای خائنانه آنان در قبال ادیان الهی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹ - ۶،۷

۶- خداوند ، در برابر مخالفت ها و توطئه های کافران علیه قرآن ، به پیامبر (ص) اطمینان داد که خود

حفاظت و پاسداری از آن را عهده دار است .

و قالوا يأيها الذى نزّل عليه الذّكر . .. لو ما تأتينا بالملئكه ... إنا نحن نزّلن

۷- خداونـد ، در برابر توطئه های کافران علیه قرآن ، قدرت خویش را در پاسداری از آن به نمایش گذاشت و عظمت خویش را به رخ آنان کشید .

إنا نحن نزّلنا الذّكر و إنا له لحفظون

از اینکه خداوند، برای بیان نزول قرآن از سوی خود، چند ضـمیر جمع و اسم فاعل جمع می آورد، می تواند به منظور نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۷

۷ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) نسبت به عدم تأثیر و کارایی توطئه های کافران علیه رسالت وی

و لاتكن فى ضيق ممّا يمكرون

بی تأثیری تهدیدهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شدیدترین تهدید ها از جانب کافران و مشرکان ، ناتوان از خاموش ساختن نور ایمان در قلب های مستعد

و لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم

محیط مکه با آن که مسـخّر مشـرکان بود و مؤمنان ناگزیر به هجرت شده بودند; ولی خداوند از وجود مردان و زنان مؤمن در آن خبر داده است.

بی تأثیری ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۱

۱ - کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

ما أغنى عنّى ماليه

بی تأثیری جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

بی تأثیری حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۵

۵ - حق ستیزی کافران ، بی تأثیر در برنامه های الهی و در سد کردن راه رسالت

و کذّبوا. .. و کلّ أمر مستقرّ

بی تأثیری دعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۸

۸ - بی اثر بودن دعا ها و درخواست های کافران در دوزخ

و ما دعؤا الکفرین إلاّ فی ضلل

<ضلال> (مرادف <ضیاع>) به معنای تباهی است و مقصود از آن در آیه شریفه، بی ثمر بودن دعای کافران می باشد.

بی تأثیری شفاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۹ - ۷

۷ - آگاهی همه جانبه خداوند بر احوال بندگانش ، دلیل بی ثمر بودن حمایت نزدیکان و شفاعت برای کافران و مشرکان است .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع . یعلم خائنه الأعین و ما تخفی الصدور

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <یعلم خائنه الأعین . ..> تعلیل برای جمله <ما للظالمین من حمیم...> باشد.

بی تأثیری عذرخواهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۲ – ۳

۳ – عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۵ – ۳

۳ – بی نتیجه بودن توجیه و عذرتراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقی معاذیره

بی تأثیری قدرت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۳ – ۵

۵– جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأیّن من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۹ – ۱

۱ – کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلک عنّی سلطنیه

بی تأثیری معجزه بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۳،۵،۶،۱۳

۱۳اگر امور غیبی برای بهانه جویان و منکران آیات الهی محسوس شود، ایمان نمی آورند.

و لو أننا نزّلنا إلیهم الملئکه و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا

ملائکه، سخن گفتن مردگان، شهادت موجودات جملگی از امور غیبی هستند که حتی در فرض محسوس شدن آنها، گروهی ایمان نخواهند آورد.

۱۵اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا

<قبلا>

در این برداشت جمع <قبیل>، به معنی دسته و صنف گرفته شده است. <و القبیل الجماعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما کانوا لیؤمنوا

۱۳ اغلب درخواست کنندگان نزول معجزات از تأثیر نداشتن آن بر کافران آگاهی نداشتند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

مرجع ضمیر در <أکثرهم> می تواند مؤمنانی باشد که خواهان نزول آیات و اجابت درخواست مشرکان بودند، چنانچه در آیات قبل نیز این احتمال یاد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۹ – ۴

۴ علم خداوند به بی تأثیری معجزات درخواستی کفرپیشگان ، دلیل اعطا نکردن آنها به پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه . .. الله یعلم ما تحمل ... علم الغیب و

و نهانها، پس از اشاره به این که تقاضای کافران مبنی بر ارائه معجزه را پاسخ نمی دهد، حاوی این نکته است که: خداوند می داند ارائه معجزات پیشنهادی کافران اثری در هدایت ایشان ندارد. از این روست که به درخواست آنان پاسخ نمی دهد.

تفسیرعیاشی، ج۲، ص۲۰۵، ح۱۳; نورالثقلین، ج۲، ص۴۸۵، ح۳۴.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۷ – ۹

۹ بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان ، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (ص)

لولا أُنزل علیه ءایه من ربه قل إن الله یضل من یشاء و یهدی

إليه من أناب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱،۲،۳

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءانًا سيّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو كلّم به الموتى

<تسییر> (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قطّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو يشاء الله لهدى الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أنّ ...> جمله ای نظیر <لم يهتدوا إن لم يشأ الله> است.

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءانًا . .. كلّم به الموتى

هر یک از جمله های <سيّرت به الجبال> و <قطّعت به الأرض> و <كلّم به الموتى> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <كلّم به الموتى> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و

معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءانًا سیّرت به الجبال . .. بل لله الأمر جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۱ – ۸

۸ معجزات انبیا بی تأثیر در کفرپیشگان و تکذیب کنندگان معارف الهی برای ایمان به آن معارف

و لقد جاءتهم رسلهم بالبینت فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل

بی تأثیری مکر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۲ – ۴

۴– خداوند ، مکر های کفرپیشگان را بی نتیجه می سازد .

و قد مکر الذین من قبلهم فلله المکر جمیعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۰ – ۱۵

۱۵ – همه مکر ها و توطئه های سوء کافران و دین ستیزان ، رو به کسادی و نابودی است .

و الذین یمکرون السیئات . .. و مکر أُولئک هو یبور

<ال> در <السیّئات> برای جنس و مفید استغراق و به معنای انواع مکرهای بد است. <بوار> (مصدر <یبور> هم در معنای هلاکت به کار رفته و هم به معنای کسادی مفرط آمده است (لسان العرب). در هر صورت در این آیه، کنایه از عدم تأثیر و بی نتیجه بودن مکرهای کافران می باشد.

بی تأثیری موعظه بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۲ – ۵

۵- اعراض کـافران از شـنیدن کلاـم الهی و درک مفـاهیم و معـارف قرآنی ، دلیـل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من

يكلؤكم . .. من الرحمن بل هم عن ذكر ربّهم معرضون

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه مقصود از <ذكر> قرآن باشد; زيرا يكى از نام ها و اوصاف قرآن كريم ذكر است.

بى عقلى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۲۱

۲۱ - مؤمنان ، برخوردار از عقل سليم و خردناب و كافران فاقد آن هستند .

إنّما يتذكّر أُولوا الألبب

اين كه خداوند فرمود: تنها صاحبان خردناب پندپذيرانـد، اشاره به گروه مؤمنان و كافران دارد; زيرا آيات ياد شده درصدد توصيف اين دو گروه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۱ - ۲۰

۲۰ - مؤمنان ، برخورد از عقل و خرد و كافران فاقد آن

إنّ فى ذلك لذكرى لأُولى الألبب

برداشت بالا ـ از ارتباط آيه شريفه با آيات گذشته به دست مى آيد; زيرا آيات پيش درباره اوصاف مؤمنان در مقابل كافران بود و در اين آيه نيز يكى ديگر از اوصاف مؤمنان بيان شده است.

بى لياقتى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۸ - ۵

۵ كافران ، مشركان و مسلمانان بى مبالات و ناپايبند به نماز و زكات ، فاقد صلاحيت تعمير و رسيدگى به امور مساجدند .

إنما يعمر مسجد اللّه من ءامن باللّه و اليوم الأخر و أقام الصلوه و ءاتى الزكوه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۷ – ۲۰

۲۰ مشرکان ، کافران به خدا و ناباوران به قیامت ، فاقد صلاحیت برای ارائه برنامه

و مقررات برای انسانها

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸ - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

بی مبالاتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. حلّاف مهین

صفت <حلّاف مهین> و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبراسلام(ص) را تکذیب می کردند.

بی منطقی احساس مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۱

۱ - کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند ، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند .

ما غرّک . .. کلّا

حرف <کلّا> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیهات و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <کلاّ> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها بازمی دارد.

بی منطقی ادعاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۱

۱ - تهمت ها و ادعا های کافران علیه پیامبر (ص)

، به دور از عقل و منطق

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

<أم> در <أم تأمرهم> منقطعه و جمله به تقدیر استفهام استفهام انکاری است. <احلام> معادل عقول است؛ یعنی، <أم تأمرهم عقولهم>. مقصود این است که ایشان تحت تأثیر عقل علیه پیامبر(ص) موضع گیری نمی کنند؛ بلکه طغیان و سرکشی است که آنان را به این کار وامی دارد.

بی منطقی استکبار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۳

۱۳- خود بزرگ پنداری و برتری جویی کافران ، پوچ و بی اساس

تستکبرون فی الأرض بغیر الحقّ

بی منطقی تهمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۱

۱ - تهمت ها و ادعا های کافران علیه پیامبر (ص) ، به دور از عقل و منطق

أم تأمرهم أحلمهم بهذا

<أم> در <أم تأمرهم> منقطعه و جمله به تقدیر استفهام استفهام انکاری است. <احلام> معادل عقول است؛ یعنی، <أم تأمرهم عقولهم>. مقصود این است که ایشان تحت تأثیر عقل علیه پیامبر(ص) موضع گیری نمی کنند؛ بلکه طغیان و سرکشی است که آنان را به این کار وامی دارد.

بی منطقی عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام

سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۸۰ – ۴

۴- امكانات مادى و مال و فرزند كافران ، آنان را از فقر و تنهايى در قيامت نجات نمى دهد .

و نرثه ما يقول و يأتينا فردًا

بى منطقى كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۵ – ۱۰

۱۰- كافران و منكران برپايى قيامت ، فاقد توجيه و تفسير صحيح و حق مدارانه براى آفرينش جهانند و يا مردمى پوچ گرا مى باشند .

و ما خلقنا السموت . .. إلاّ بالحقّ و إن الساعه لأتيه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۳

۳- گزينش اوليا و معبودان باطل از سوى كافران ، حركتى بى پايه و متكى بر اوهام است .

أفحسب الذين كفروا أن يتّخذوا عبادى من دونى أولياء

محتمل است <أن يتّخذوا. ..> جانشين دو مفعول براى <حسب> باشد. در اين صورت، معنا چنين مى شود: <آيا كافران گمان مى كنند كه غير مرا ولىّ مى گيرند؟!>; يعنى، آنان، تنها، در اوهام خود غوطهورند و با حقايق فاصله بسيار دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۴۱ – ۳

۳- همسانى كافران در طول تاريخ ، در برخورد غير منطقى با رسولان الهى

و لقد استهزئَ برسل من قبلك

برخورد استهزاآميز، بيانگر نداشتن منطق در موضع گيرى ها است و چون پيامبران پيشين و پيامبراسلام(ص) مورد تمسخر

کافران قرار گرفته اند; به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۳ – ۴

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ – تکذیب بی دلیل آیات الهی ، شیوه مستمر و عادت همیشگی کافران

أمّاذا کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۴

۴ – کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۹ – ۶

۶ – گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و کم أرسلنا . .. و لئن سألتهم من خلق ... لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین نباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۳ – ۵

۵ – شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانه و

نه منطقی

کانوا به یستهزءون

شیوه بودن استهزا از <کانوا به یستهزءون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱

۱- مؤمنان ، متکی به برهان و عقل و کافران ، دلخوش به پندار و هوای نفس

أفمن کان علی بیّنه من ربّه . .. و اتّبعوا أهواءهم

در واژه <بیّنه> شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با <أهواء>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۴

۴- دلیل کافران ، بر انکار رسالت پیامبر (ص) ، دلیلی از جنس گمان بود ; نه از مقوله برهان .

بل عجبوا أن جاءهم . .. فقال الکفرون هذا شیء عجیب

بنابراین که <هـذا> اشاره به <منـذر منهم> باشـد; برداشت بالا به دست می آید; یعنی، تنها منطق کافران همین بود که می گفتند: انتخاب بشر برای رسالت بعید می نماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۸ - ۳

۳ - کافران ، برای انکار قیامت فاقد برهان اند و جز استبعاد و شگفت آور بودن برپایی آن ، دلیلی ندارند .

أءنّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

برداشت یاد شـده از آن جا است که دو آیه مورد بحث که درصـدد بیان دلایل انکار معاد از سوی کافران است مطلبی از آنان جز استبعاد و شگفتی آنان یاد نکرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۲

۲ - خودداری کافران از ایمان

، توجیه ناپذیر و بدون هرگونه برهان است .

فما لهم لایؤمنون

به قرینه <بل الذین کفروا> (در آیات بعد)، مرجع ضمیر در <لهم> کافران اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

بی منطقی کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۷

۷ - رفاه زدگان کفرپیشه عصر بعثت ، فاقد کمترین عذر قابل پذیرش در انکار رسالت پیامبر (ص)

حتّی اذا أخذنا مترفیهم . .. أفلم یدّبّروا القول ... بل جاءهم بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران مخالف پیامبراسلام (ص) ، گروهی باطل گرا ، بی هدف و سرگرم به بازی های زندگی بودند .

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۲

۲ - کافران پندناپذیر و مخالف پیامبر (ص) ، هیچ دلیل و عذر قابل قبولی ، برای روی گردانی از دین و پند های قرآن

نداشتند .

فما لهم عن التذكره معرضين

از مفاد <فمالهم> (چيست آنان را)، استفاده مى شود كه مقصود، نبودن هيچ دليل و عذرى براى كفر و انكار كافران نسبت به قرآن پندآفرين است.

بى منطقى كافران مكه

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۶ – ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرءان وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی – روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی – روانی آنان بود.

بی منطقی گمراهی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۱ – ۷

۷ – منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گرداندند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثیر القائات بیرونی، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

بی یاوری اخروی کافران

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۲ – ۶

۶ – کافران تکذیب کننده ، در عالم آخرت ، بی یار و یاورند .

و إن تکذّبوا . .. و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۵ – ۲

۲ – کافران در قیامت ، از هرگونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون . .. الیوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن بود می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۳۳ – ۲

۲ – در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۶ – ۴

۴ – نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یغنی. ..> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <و لا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

بی یاوری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۰ – ۳

۳- کافران در صحنه قیامت

، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما يقول و يأتينا فردًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۹ - ۲

۲- کافران ، از ياری و نصرت ديگران به هنگام وقوع عذاب محروم خواهند بود .

و لا هم ينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۵

۵ - بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من كان يظنّ أن لن ينصره اللّه. .. فليمدد بسبب الى السماء... هل يذهبنّ كيده ما يغ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا رسیدن عذاب موعود

ثمّ جاءهم ما كانوا يوعدون . ما أغنى عنهم ما كانوا يمتّعون

جمله <ما أغنى عنهم. ..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۲

۲ - کافران ، در آتش جهنم ، هیچ یار و یاوری نخواهند داشت .

الكفرين . .. خلدين فيها أبدًا لايجدون وليًا و لانصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و

شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأیّن من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۳،۵

۳ - کافران منهزم شده در جنگ با مؤمنان ، فاقد کم ترین حامی و پشتیبان

لولّوا الأدبر ثمّ لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

۵ - کافران ، فاقد هرگونه حامی و یاور در تنگناها

الذین کفروا لولّوا الأدبر ثمّ لایجدون ولیًّا و لا نصیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

بی یاوری کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۴

۱۴ – پیروان عیسی (ع) ، مورد تأیید و حمایت الهی در قبال دشمنانشان (کافران بنی اسرائیل)

فأیّدنا الذین ءامنوا

علی عدوّهم

بی یاوری کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلّط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصیدَه>; یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب>; یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

بیمار دلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه کفر و شرک در طول تاریخ ، متشکل از انسان هایی بیمار دل و قسی القلب

و ما أرسلنا من قبلک من رسول . .. للذین فی قلوبهم مرض و القاسیه قلوبهم

بینش غلط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۶

۶- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أُخرج و قد خلت القرون من قبلی

تعبیر <و قد خلت القرون من قبلی> که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده نشانگر آن است که معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ -

۵ - ۲

۵ - دلخوشی کافران به پندار غلط خود ، در زودگذری آثار معجزات پیامبر (ص) *

و إن یروا ءایه یعرضوا و یقولوا سحر مستمرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <مستمر> از ماده <مرور> (زایل شدن و گذرا بودن)، مشتق شده باشد; چنان که برخی از مفسران بدان اشاره کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۱

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

بینش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۱

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . .. کذلک زین للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱

۱ کفرپیشگان مستکبر

در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمتهای اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ینال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۹

۹ زیبا جلوه کردن کردار های زشت کافران ، در نظر ایشان

زین لهم سوء أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلّا سحر مبین

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴

۴ کفرپیشگان ، تأخیر عذاب را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أخّرنا

. .. ليقولنّ ما يحبسه

استفهام در جمله <ما يحبسه> به قرينه <ماكانوا به يستهزءون> به داعى استهزا و تمسخر ايراد شده است. بنابراين <ليقولنّ ...> ; يعنى ، از سر استهزا و تمسخر مى پرسند: چه چيز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهديدها شده است؟

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۶

۶ تأخير عذاب كفرپيشگان تكذيب گر ، موجب اطمينان آنان بر دروغ بودن آن مى شد .

و ظنوا أنهم قد كذبوا

<كِذب> به معناى دروغ گفتن است و <كُذبوا> ; يعنى، به آنان دروغ گفته شد. جمله <فنجّى من نشاء> و <لا يردّ بأسنا> مى رساند كه از مصاديق آنچه كافران دروغش مى پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذكر است كه حرف <قد> در <قد كذبوا> كه براى تأكيد و تحقيق است مى رساند كه <ظنّوا> به معناى اطمينان پيدا كردند، است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- كافران ، زندگى دنيوى را محبوب خود دانسته و آن را به جاى حيات اخروى برمى گزينند .

ويل للكفرين من عذاب شديد . الذين يستحبّون الحيوه الدنيا على الأخره

برداشت فوق بنابراين اساس است كه <الذين يستحبّون الحياه . ..> جمله وصفى براى <للكافرين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۳،۵

۳- كافران ، حيات دوباره انسان را پس از تبديل شدن به خاك و استخوان پراكنده ، بعيد مى شمردند .

و قالوا أءذا كنّا عظمًا و رفتًا أءنّا لمبعوثون

۵- مرگ در ديدگاه كافران ،

پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنًّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۲

۲- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

درباره معنای این آیه، توجیهات ادبی مختلفی ابراز شـده است. از جمله این که <أن یتّخذوا> مفعول یکم برای <حسب> و مفعول دوم آن <نافعاً> محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰- کسانی که غیر خدا را معبود و ولیّ خود ساخته اند ، به خطا ، خود را کام روا و نیک کردار می پندارند .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء . .. و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۴

۴- در دیدگاه کافران ، دین مانع پیشرفت اقتصادی و نظامی است .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً و ولدًا

تلاش برای فراوانی اولاد (در عصر نزول قرآن) برخاسته از نیازهای امنیتی و اقتصادی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۳

۳- کافران مکه ، منکر قیامت و عذاب های اخروی بودند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۵ - ۲

۲ - تبدیل دوباره خاک و استخوان

به شکل انسان و دمیده شدن حیات در آن ، امری غیر قابل قبول برای اشراف کفر پیشه

أیعدکم . .. أنّکم مخرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۳

۳ - دنیا و صحنه آمد و شد نسل ها و آفرینش آنها ، فاقد کمترین هدف و فرجام در بینش اشراف و مرفهان کفرپیشه

نموت و نحیا

مقصود از <نموت و نحیا> (می میریم و زنده می شویم) این است که نسلی می میرد و نسلی پدید می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۳ - ۱،۵

۱ - معاد ، وعده ای بی اساس و افسانه ای کهن ، در نظر کافران و مشرکان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون . .. لقد وعدنا ... إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

<اسطوره> (مفرد <أساطیر>) به معنای افسانه است. بنابراین <أساطیرالأوّلین>; یعنی، افسانه هایی که پیشینیان ساخته اند.

۵ - تحقق نیافتن وعده رستاخیز ، پس از گذشت زمانی دراز ، دلیل بی اساس بودن آن در پندار کافران

لقد وعدنا نحن . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

مقصود کافران از عبارت <لقد وعدنا. .. من قبل> می تواند این باشد که اگر قیامتی هست تا کنون بایستی تحقق می یافت. بنابراین عدم تحقق آن تاکنون، دلیل بی اساس بودن و واقعیت نداشتن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۴ - ۱

۱ - زمین و هر آنچه در آن هست ، از آن خدا و متعلق به او است .

قل لمن الأرض و من فیها

إن كنتم تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷ – ۱،۴،۹

۱ تناول غذا ، رفت و آمد و داد و ستد در بازار ، ناسازگار با شأن رسالت و پیامبری از دیدگاه مشرکان و کافران

و قال الذین کفروا . .. و قالوا مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

۴ در پندار مشرکان ، بشر بودن و همچون مردم عادی زیستن ، ناسازگار با رسیدن به مقام نبوت و دریافت وحی از جانب خداوند

مالِ هذا الرسول یأکل الطعام و یمشی فی الأسواق

برداشت فوق، از اسم استفهام <ما> که در این جا برای اظهار تعجب است استفاده می شود.

۹ انجام رسالت الهی (انذار مردمان) در دیدگاه مشرکان ، تنها در خور شأن فرشتگان بود ، نه در توان انسان .

و قالوا مالِ هذا الرسول . .. لولا أُنزل إلیه ملک

برداشت فوق، از آن جا است که مشرکان به خاطر غذا خوردن و رفت و آمد پیامبر(ص) در بازار، او را شایسته پیامبری نمی دانستند و خواستار نزول فرشته ای برای همیاری با آن حضرت بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل

- ۲۷ - ۴۳ - ۴

۴ علم به ارزش ها در نظام کفر ، مقهور عادات و رسوم اجتماعی

و صدّها ما کانت تعبد من دون اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۳

۳ - زنده شدن دوباره نسل های گذشته تاریخ با همه قدمت آنها ، غیرقابل پذیرش در نظر کافران

أءذا کنّا تربًا و ءاباؤنا أئنّا لمخرجون

آمدن کلمه <آباؤنا> در ضمن استبعاد کافران، ممکن است بدین جهت باشد که به نظر آنان زنده شدن نیاکان به جهت قدمت زمانی، امری دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۴

۴ - در پندار کافران ، عقیده به معاد ، باوری ارتجاعی و افسانه ای ساخته و پرداخته پیشینیان است .

و قال الذین کفروا . .. إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین

<أسطوره> (مفرد <أساطیر>) معادل افسانه است و آن عبارت از هر حکایت و قصه بی اصل و دروغ است که به قصد اخلاقی یا سرگرم کردن ساخته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - کافران ، سخنان مؤمنان پیرو پیامبر (ص) را نیز عاری از حقیقت می دانستند .

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

جمع آورده شدن مخاطب کافران (إن أنتم. ..) در خطاب به پیامبر(ص) احتمال دارد از این جهت باشد که آنان، می خواستند با این موضع گیری، مدافع فکری برای پیامبر(ص) باقی نگذارند و گفته های مؤمنان را نیز پیشاپیش، مخدوش اعلام کنند.

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۰ – ۳

۳ – در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۸

۸ – کافران ، درباره لحظه وقوع قیامت ، ناباور بودند و آن را محال می دانستند . *

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۲،۱۰

۲ – کافران ، وعده تحقق روز قیامت را وعده ای نادرست می دانستند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه

لازمه انکار قیامت از سوی کافران، این است که به آنان وعده ای مبنی بر وقوع قیامت داده شده باشد.

۱۰ – سخن گفتن همراه با ادای سوگند ، دارای تأثیری قابل توجه حتی در دیدگاه کافران

قل بلی و ربّی

این که خداوند به پیامبر(ص) دستور می دهد که آن حضرت سخن خود را همراه با سوگند به کافران بگوید، به خاطر تأثیر زیاد آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۷ – ۲،۳،۵

۲ – کافران ، به خاطر استبعاد معاد ، منکر آن بودند .

و قال الذين كفروا . .. إذا مزّقتم كلّ ممزّق إنّكم لفی خلق جدید

از تعبیر <رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق. ..> استفاده می شود که آنان از طرح مسأله معاد شگفت داشتند و چنین امری آنان را به انکار معاد واداشته بود.

۳ - بازآفرینی انسان ها

پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن اجزای بدنشان ، امری ناشدنی در دیدگاه کافران

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید

<مزق> در لغت به معنای پاره پاره شدن و قطعه گردیدن است (العین).

۵ - کافران ، به دلیل امکان نداشتن بازآفرینی انسان ها ، وقوع قیامت را منکر بودند .

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و قال الذین کفروا ... إذا مزّقتم کلّ ممزّ

این آیه عطف به آیه <و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه. ..> است و به منزله اقامه دلیل برای آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۴،۶

۴ - کافران ، بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه شدن از سوی خداوند ، امری ناشدنی می دانستند .

هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم . ..أفتری علی اللّه

کافران مدعی بودند که امر بازآفرینی انسان ها در قیامت که پیامبر(ص) مطرح می کند افترا به خداوند است. احتمال دارد از این جهت باشد که آنان این امر را حتی برای خدا ناشدنی می دانستند. ازاین رو می گفتند اسناد چنین امری به خدا، دروغ بستن به او است.

۶ - کافران ، امکان بازآفرینی انسان ها را پس از قطعه قطعه و پراکنده شدن ، امری عقلانی نمی دانستند .

و قال الذین کفروا . .. إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه

این که کافران به خاطر اظهار امکان تجدید حیات انسان ها پس از مرگ، به آن حضرت نسبت جنون دادند;

به دست می آید که احتمالاً آنان چنین اظهاراتی را اصلاً عاقلانه نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۸

۱۸ - قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۸ - ۳،۴،۵

۳ - زنده شدن انسان ها پس از تبدیل شدن به استخوان کهنه و پوسیده ، امری شگفت آور و ناممکن در دیدگاه کافران

قال من یحیِ العظم و هی رمیم

<من> در آیه شریفه برای استفهام انکاری و تعجبی است و <رمیم> به معنای کهنه و پوسیده است.

۴ - تبدیل شدن انسان ها به استخوان کهنه و پوسیده ، دلیل و شاهد مثالِ کافران برای دور شمردن برپایی قیامت و زنده شدن مجدد انسان ها

و ضرب لنا مثلاً . .. قال من یحیِ العظم و هی رمیم

برداشت یاد شده با توجه به این مطلب است که جمله <قال من یحیِ. ..> استئناف بیانی است; یعنی، بیان برای جمله <ضرب لنا مثلاً> است.

۵ - کافران ، خدا را از احیای مجدد انسان ها پس از مرگ ، ناتوان می دانستند .

و ضرب لنا مثلاً. .. قال من یحیِ العظم و هی رمیم

مقصود از <ضرب لنا مثلاً> (برای ما مثل آورد) می تواند این معنا باشد که: کافران، قدرت

خدا را با قدرت دیگران یکی می دانستند; یعنی، همان گونه که همه از احیای استخوان کهنه ناتوان اند، او نیز مانند همه ناتوان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۲

۲ - تبدیل خاک ها و استخوان های مردگان به انسانی کامل ، امری ناممکن در نظر کافران

یقول . .. أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمدینون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۱،۲

۱ - برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری ، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <منهم> این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر <من بیننا> در آیه ۸ مؤید همین مطلب است.

۲ - انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد; زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱

۱ - برگزیده شدن پیامبراسلام (ص) از میان توده های عرب برای پیامبری ، امری غیرمنطقی و ناممکن در نظر کافران و مشرکان

أءنزل علیه الذکر من بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸

- ۲۷ – ۸

۸ – آفرینش جهان در نظر کافران ، باطل و بی هدف است .

و ما خلقنا السماء . .. بطلاً ذلک ظنّ الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۴ – ۱

۱ – تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۵ – ۷

۷ – افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. لمّا متع الحیوه الدنیا و الأخره عند ربّک للمتّقین

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۷ – ۱،۷

۱– حق نباوران کافر ، آیات الهی را سحر و جادوئی روشن قلمداد می کردند .

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر

۷– اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۳

۱۳– مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ

ساعه من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است; <لم یلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲

۲- خداوند ، توصیف کننده بهشت برای متقین ، در قبال جلوه دنیا در چشم کافران

و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون . .. زیّن له سوء عمله ... مثل الجنّه الّتی وعد ا

در صورتی که <مثل> به معنای توصیف باشد، از ارتباط این آیه با آیات پیشین مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳ - ۱،۲،۵

۱ زنده شدن دوباره انسان ، پس از مردن و خاک شدن ، امری بعید از نظر کافران

أءذا متنا و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

۲ انکار معاد از سوی کافران ، متکی بر استبعاد و نه دلیل قطعی

أءذا متنا و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

۵ متلاشی شدن اجزای بدن در خاک ، محور اشکال کافران در مسأله معاد

و کنّا ترابًا ذلک رجع بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۹ - ۴

۴ - ناباوری بی جای کافران نسبت به نزدیک شدن لحظه به لحظه قیامت

أزفت الأزفه . .. أفمن هذا الحدیث

در صورتی که <هذا> اشاره باشد به آنچه در آیات پیشین درباره نزدیکی قیامت و وعده ها و عیدهای الهی بیان شده است، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ -

۳ - کافران ، زنده شدن انسان را پس از تبدیل شدن وی به خاک و استخوان ، غیرقابل باور می پنداشتند .

و کانوا یقولون أئذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۸ - ۱،۲

۱ - احیای مجدد گذشتگان تاریخ ، موضوعی انکارآمیزتر در پندار کافران

أو ءاباؤنا الأوّلون

آیه بالا- تأکیدی بر آیه پیش است؛ یعنی، بر فرض بپذیریم که ما پس از مرگ زنده می شویم؛ زنده شدن نیاکان ما که روزگاری دراز از مرگ آنان گذشته است به هیچ وجه باور کردنی نیست.

۲ - گذشت زمان بر مردگان ، تأثیرگذار در غیر ممکن شدن احیای مجدد آنان در پندار کافران منکر معاد

أءنّا لمبعوثون . أو ءاباؤنا الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۸

۸ - مرگ ، پایان همه چیز در بینش کافران

کما یئس الکفّار من أصحب القبور

<من> در آیه شریفه می تواند برای ابتدای غایت و یا بیانیه باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۵

۵ - در بینش کافران ، بشر شایسته مقام پیامبری ، واسطه ارتباط میان خدا و خلق و هادی برای انسان ها نیست .

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۸

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لمّا

سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، هیچ دلیل قاطعی بر نفی قیامت ندارند ، بلکه تنها به گمانه زنی درباره آن می پردازند .

إنّهم یرونه بعیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است; نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۳ - ۴

۴ - قرآن ، حتی در دیدگاه کافران ، ظاهری زیبا و آراسته دارد .

أسطیر الأوّلین

در صورتی نوشته افسانه ای را <اسطوره> می گویند که زیبا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۴

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیّم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

و ما أُرسلوا علیهم حفظین

بینش کافران جاهل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۷

۷ در بینش کافران زشتکردار عصر جاهلی، روش پدرانشان مهمتر از امر خداوند بود.

قالوا وجدنا علیها ءاباءنا و الله أمرنا بها

از اینکه زشتکاران در توجیه کردار خویش قبل از استناد به امر

خدا به روش پدرانشان تمسک جستند، برداشت فوق استفاده می شود.

بینش کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸،۹

۸- کفرورزان عصر بعثت ، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

۹- کافران عصر بعثت ، مشکلات اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی مسلمانان را ، نشانه ناروابودن عقیده و تفکر آنان می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۲

۲ - کفرپیشگان عصر بعثت ، وعده عذاب را دروغ پنداشته و آن را به ریشخند می گرفتند .

و یستعجلونک بالعذاب

از این که تکذیب گران، از پیامبر(ص) می خواستند وعده خود را عملی سازد و هر چه زودتر عذاب را بر آنان نازل کند، معلوم می شود که آنان تهدید پیامبر(ص) را تهدیدی تو خالی می انگاشتند و با درخواست تسریع عذاب، آن را به ریشخند می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۲ - ۲

۲ دسته جمعی و به یکباره نازل نشدن آیات قرآن بر پیامبر (ص) ، دلیل وحی نبودن آن در دیدگاه کافران صدراسلام

و قال الذین کفروا لولا نزّل علیه القرءان جمله وحده

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده ، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کنّا تربًا . .. أئنّا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱،۲

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم . .. أفتری علی اللّه کذبًا

۲ - کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه کذبًا أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است; یعنی، طبق نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ -

۸ - کافرانِ صدراسلام ، عقیده به روزی رسانی خدا برای انسان ها را باطل دانسته و مؤمنان را در گمراهی محض می پنداشتند .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّه أطعمه إن أنتم إلاّ فی ضلل م

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که جمله <إن أنتم إلاّ فی ضلال مبین> دنباله گفتار کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۲

۲- از نگاه کافران عصر نزول ، مقام رسالت شایسته موجودی آسمانی و فرابشری است .

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۱ - ۲

۲ - تکذیب و انکار معاد ، از سوی کافران صدراسلام

ثمّ إنّکم أیّها الضالّون المکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۴

۴ - مشرکان و کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و آن را دروغ می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۴ - ۴

۴ - قرآن ، کلامی پرجاذبه و اثرگذار ، حتی در نظر کافران حق ناپذیر عصر نزول

فقال إن هذا إلّا سحر يؤثر

اطلاق <سحر> به قرآن، می تواند به این جهت باشد که همان گونه که سحر بسیار تأثیرگذار است، قرآن نیز چنین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر

صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر . إن هذا إلاّ قول البشر

بینش کافران مستکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۳

۳ مستکبران کفرپیشه مدعی برخورداری خویش از رحمت های الهی در آخرت

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

زیرا سوگند مستکبران به محرومیت مؤمنان از رحمت الهی، از موضع کسی است که تنها خود را بهره مند از مواهب الهی می داند.

بینش کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۴،۵

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷ – ۲،۴،۶

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص) را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتينا بالملئکه إن کنت من الصدقین

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد .

*

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینابالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷،۸،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام < رحمان > برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

اختصاص به ذکر یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۸- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند; به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتّبعوا سبیلنا

بیهودگی تلاش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۴

۴ - تلاش های گسترده و به ظاهر چشمگیر کافران در طول زندگی ، امری عبث و نافرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

آمدن تعبیر <یلعبوا> در پی <یخوضوا>، می رساند که ژرف کاوی مشرکان در زندگی دنیایی، در حقیقت فرو رفتن در عمق پوچی و بیهودگی است و دستاوردهای آنان هرچند به ظاهر چشمگیر باشد در حقیقت جز بازی چیزی نیست.

پاسخ به شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون . .. قل إنّ الأوّلین و الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۵ – ۸

۸ مستضعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی

قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون . .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

پاسخ گویی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و یقولون متی هذا الفتح . .. قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

پاسخ مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۷

۷ - خداوند در مکر و کیفر ، آغاز گر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنّهم يكيدون كيدًا . و أكيد كيدًا

پايان حق ستيزى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۱

۱ - لحظه مرگ ، لحظه پايان يافتن شرارت ها و حق ستيزى هاى كافران و ستمگران

حتّى

إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

<حتی> برای بیان غایت شرارت ها و ستمگری های کافران است.

پرسش از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومکـ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل . .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبوب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملکـ - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه و من معی أو رحمنا

پرسش درباره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع

خواهند کرد .

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

پرسش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۵ – ۷

۷ – پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم . .. الغیب إلاّ اللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل. ..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند; زیرا ضمایر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۲ – ۱

۱ – سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

پرسش کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۸ – ۱

۱ – کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا . .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسشهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۵ – ۴

۴ – پرسش استهزاآمیز کافران حق ناپذیر ، از زمان تحقق وعده های الهی درباره خویش

أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

آیه شریفه درصدد پاسخ به پرسش کافران درباره تحقق وعده های الهی است که در آیه قبل مطرح شده بود. از این رو برخی از مفسران نوشته اند که این

آیه، درباره <نضربن حارث> است که او و همفکرانش پیوسته می گفتند: <متی هذا الوعد إن کنتم صادقین> (۱۰/۴۸).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۱

۱۱ – ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون ماذا أراد اللّه بهذا مثلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۶ – ۱

۱ – پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۰ – ۱

۱ – علاقه و دلبستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلّا بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

پشیمانی اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۲

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۶ – ۸

۸ – سختی

و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند; باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّك ليقولنّ يويلنا إنّا كنّا ظلمين

<نفحه> در لغت به معناى وزيـدنى و يـا يـك وزيـدن است كه نوعـاً در امور خير به كـار مى رود و گـاهى هم در امور شـرّ استعمال مى شود.

از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است; ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد; ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تكون

علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

پلکان خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لبیوتهم سقفًا من فضّه و معارج علیها یظهرون

پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاك .

لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

پناهگاه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۶

۶ – آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

پندار کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۳،۴

۳ – پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون

السيّئات أن يسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیّئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

پوچی آرزوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱

۱- آنان که کفر را وسیله و راهی برای رسیدن به مال و فرزند قرار داده اند ، هیچ تضمینی برای رسیدن به آرزوی خود ندارند .

کلاّ

<کلاّ> حرف ردع است و بر بی پایگی پندارهایی که قبل از آن مطرح بوده، دلالت دارد.

پوچی ادعاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۸ - ۲

۲ - ادعا های کافران ، بی اساس و فاقد دلیل متقن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین

<سلطان>، به معنای حجت و برهان است.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . .. و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینـده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

پوچی تعهد کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۸

۸ - تعهد کافران در هنگام مرگ ، بر تدارک بدی های گذشته با انجام نیکی ها ، تعهدی بی پشتوانه و غیر عملی

قال ربّ ارجعون . .. کلاَّ إنّها کلمه هو قائلها

در برداشت بالا، جمله <إنّها کلمه هو قائلها> تعلیل برای ردّ درخواست کافران گرفته شده است; یعنی، ردّ خواسته آنها، بدان جهت است که آنان بدان، عمل نخواهند کرد; چون اگر آنها اهل عمل بودند، در گذشته انجام می دادند.

پوچی زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیّت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ذلک

<ذلک> ممکن است که خبر مبتدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد; یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلک و لا غیر) و می تواند مبتدا باشد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۴

۴ - پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

پوچی زندگیکافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲ – زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم . .. أو کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه

موج من فوقه

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتارانـد و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

پوچی عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

پوچی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۷،۹

۷- کافران ، فریفته و مغرور اَعمال و ساخته های پوچ و بی فرجام خویش اند .

و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

<صنع> به معنای مصدری و به معنای <مصنوع> آمده است و در آیه، هر دو محتمل است. مفاد <یحسنون صنعاً> این است که آنان به پندار خود کردار خود را، خوب به سامان می رسانند.

۹- انجام

تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون . ..> بیانِ علّت <أخسرین> بودن کافران است; زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش برنیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲،۱۳

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و

۱۳ - قیامت ، روز ظهور و بروز حقایقی همانند حقانیت خداوند و پوچی اعمال کافران

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم . .. أو کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه

پیامبرشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۴

۴- مشرکان و کافران عصر بعثت دارای ملاک های غلط برای شناخت رسولان الهی

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

پیروزی بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۷

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۴،۸

۳ یـک گروه بیست نفری اهل ایمان بایـد بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صـد نفری مؤمنان بایـد بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله هـای <یغلبـوا مـائتین> و <یغلبوا ألفـا> خـبری هسـتند. ولی مراد از آن به دلیـل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد معنـایی دسـتوری است. زیرا تخفیف در محـدوده تکالیف و دسـتورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی بایـد مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یـاد شـده، یعنی بیست در مقابـل دویست و صـد در مقابـل هزار، بیـانگر این است که ضـرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر

تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۲

۲ – وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۱۰

۱۰ – شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون . .. إنّ الذین کفروا ... و إنّه لکتب عزیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۳ – ۳

۳ – سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

پیروزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۷

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره

کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

پیروی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ -

آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۶،۷

۶ واپسگرایی ، پیامد پیروی جامعه ایمانی از کفرپیشگان

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

۷ ارتداد و واپسگرایی جامعه ایمانی و پیروی آنان از کفرپیشگان ، حرکتی زیانبار و خسارت آفرین

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

پیروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا . .. و قال الشیطن لما قضی الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

پیشگامی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

پیشگویی شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۵ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۶ – ۲

۲ – پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفّت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۵ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشنهاد به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۹ - رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست; زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست; ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به

ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم; مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

تأثیرپذیری از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵،۶

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقلَّبَ فی الأُمور>; یعنی، <تصرّف کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

۶ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان ، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکنت کافران و تجدید نظرکردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

تأخیر در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ -

۶ تعجیل نشدن در عذاب مشرکان و کفار، مرتبط با آگاهی مطلق خداوند بر غیب و شهود جهان و اسرار آفرینش است.

قل لو أن عندی ما تستعجلون . .. و عنده مفاتح الغیب

تأخیر در مواخذه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، زندگانی دنیا را عرصه مؤاخذه فوری همه کافران قرار نداده است .

و لولا . .. أجل مسمًّی

سنت خداوند که <لولا کلمه. ..> بر آن دلالت دارد این نیست که خداوند هیچ مخالفی را هلاک نکند; بلکه سنّت او این است که تمامی آنان را نابود نسازد; زیرا اگر بنا بود هر کافری نابود گردد، نسل بشر در خطر انقراض قرار می گرفت و تا <أجل مسمّی> ادامه نمی یافت.

تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۳

۳ زمان تأخیر و تعویق عذاب کافران ، زمانی اندک است .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب إلی أُمّه معدوده

کلمه <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای وقت و زمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۶

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان تکذیب گر ، موجب اطمینان آنان بر دروغ بودن آن می شد .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

<کِذب> به معنای دروغ گفتن است و <کُذبوا> ; یعنی، به آنان دروغ گفته شد. جمله <فنجّی من نشاء> و <لاـیردّ بأسنا> می رساند که از مصادیق آنچه کافران دروغش می پنداشتند، نزول عذاب بوده است. قابل ذکر است

که حرف <قد> در <قد کذبوا> که برای تأکید و تحقیق است می رساند که <ظنّوا> به معنای اطمینان پیدا کردند، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲

۲ - کافران ، با مطرح ساختن تأخیر عذاب و نازل نشدن آن ، پیامبر (ص) را در فشار روحی و تبلیغاتی قرار می دادند .

فاصبر علی مایقولون

مراد از <مایقولون> به قرینه آیه قبل سخنانی است که کافران از سر استهزا در رابطه با عدم نزول عذاب و دیگر وعده های پیامبر(ص) ابراز می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۹

۹ - عذاب تعیین شده برای کافران ، به خاطر اجل معین ، تأخیر دارد و لکن تحقق اش قطعی است .

و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی فإذا جاء أجلهم فإنّ اللّه کان بعباده بصیرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فإنّ اللّه کان. ..> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لکن یؤخّرهم...) می باشد; یعنی، چون خداوند به احوال بندگانش آگاه است; از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

تأخیر کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۳ – ۳

۳ – مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلغ دین سست گرداند .

فإمّا نذهبنّ . .. فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

تباهی اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۲ – ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

<أخسَر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنّهم ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم . .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین

زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند; ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

تباهی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

<أخسَر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنّهم ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

تباهی عمر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۵ - ۳

۳ - مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت اهل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره

نجستن از آنان می باشد. گفتنی است برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

تباهی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۲

۲- کار و تلاش کافران ، هرچند گوناگون و دارای ظاهری زیبا و فریبنده باشد ، تباه گشته و در قیامت ، برای آنان سودی نخواهد داشت .

الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۶

۶- حبط اَعمال کافران ، همان ضایع شدن سعی و تلاش دنیوی آنان است .

الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا . .. فحبطت أعملهم

تبدیل کافران به خاشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالا به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

تبرّی از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۸ – ۱۱،۱۳

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان . .. قال إنی بریء منکم

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ،

دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

تبلیغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۲،۱۰

۲ - کافران ، با مطرح ساختن تأخیر عذاب و نازل نشدن آن ، پیامبر (ص) را در فشار روحی و تبلیغاتی قرار می دادند .

فاصبر علی مایقولون

مراد از <مایقولون> به قرینه آیه قبل سخنانی است که کافران از سر استهزا در رابطه با عدم نزول عذاب و دیگر وعده های پیامبر(ص) ابراز می داشتند.

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبّح

تبلیغ کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱ تلاش تبلیغاتی کفرپیشگان قوم ثمود برای ایجاد شک در رسالت صالح ، تلاشی بی ثمر بود .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

تبیین فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إنّا أرسلنک بالحقّ بشيرًا و نذيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۸

۸- ترسيم فرجام کافران و مؤمنان ، از سوی خداوند با بيانی روشن و برهانی

کذلک يضرب اللّه للناس أمثلهم

<کذلک> اشاره به فلسفه و بيانی است که

خداوند در این آیه، برای پوچی اعمال کافران و ثمربخشی اعمال مؤمنان، بیان فرموده است.

تجاوز کافران قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۷ – ۲

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

تجاوزگری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

و لاتطع المکذّبین . .. منّاع للخیر معتد أثیم

تجدید حیات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۱

۱ – اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۷ – ۱

۱ – کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضـمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سـیاق آیه شـریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم

می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

تجدید مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در قیامت ، به دو بار مردن و دو بار زنده شدن خود با قدرت الهی

قالوا ربّنا أمتّنا اثنتین و أحییتنا اثنتین

تجسم عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۲

۲ - تجسّم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

اضافه <سیّئات> به <ما عملوا> ممکن است اضافه بیانیه باشد. در آن صورت می توان گفت: آشکار گشتن اعمال به معنای تجسّم آن است.

تجمع اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۸

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

<جثیّ> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

تجمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۱،۲

۱ - تجمّع سریع و شتابزده کافران در اطراف پیامبر (ص) ، به هنگام تلاوت وحی برای مردم

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<اهطاع> (مصدر <مهطعین>) به معنای گردن کشیدن و به سرعت راه رفتن و نیز به معنای گردن کشیدن برای خبر گرفتن آمده است.

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ; به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالِ الذین کفروا

قبلک مهطعین

<ما> در <فمالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

تجمع کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۷ - ۱

۱ - اجتماع کافران در اطراف پیامبر (ص) ، از هر سو و در قالب دسته های پراکنده بود .

مهطعین . عن الیمین و عن الشمال عزین

<عزین> (جمع <عزه>) به معنای گروه های پراکنده است٠ و <یمین و شمال> در این آیه، کنایه از احاطه همه جانبه است.

تحجر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۸

۸ - دلبستگی عمیق جوامع کفرپیشه و شرکورز به اندیشه ها و سنت های دیرین خویش

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث . .. معرضین

واژه <محدث> (جدید) می تواند اشاره به این داشته باشد که جدید بودن پیام های الهی، در عدم پذیرش جوامع شرک تأثیر داشته است و این می تواند ناشی از دلبستگی آنان به سنت های کهن خویش باشد.

تحجر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۲

۲ - عدم تأثیر پیشرفت ها و تمدن بشری در رشد اندیشه کافران ، دست کم تا عصر بعثت پیامبر (ص)

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

تحریفگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۲

۲ - تحریف عینی ترین حقایق از سوی کافران ، دلیل عدم ضرورت ارشاد آنان

و إن یروا . .. یقولوا سحاب مرکوم . فذرهم

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود

که چون کافران مصمم بر کفراند، تکلیف تبلیغ پس از اتمام حجت بر آنان از پیامبر(ص) ساقط است.

تحقیر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۱

۱ - فرمان تحقیرآمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنّم . .. اصلوها الیوم

امر <اصلوها> برای تحقیر و اهانت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، شایسته قضاوت کردن و اظهار نظر درباره راه مؤمنان ، نیستند .

و ما أرسلوا علیهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است; زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است; وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

تحقیر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ مؤمنان ، شایسته ارج نهادن و کافران ، سزاوار استخفاف و تحقیر

اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۵ – ۳

۳ – ملائکه موکّل ،

با تهکّم تحقیرآمیز ، به کافران ، برای ورود به جهنم ، فرمان می دهند .

یغشیهم العذاب . .. و یقول ذوقوا ما کنتم تعملون

ضمیر فـاعلی <یقول> احتمـال دارد به خداونـد برگردد و احتمـال دارد، منظور ملائکه باشـد. برداشت بالاـ بنابر احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۸ – ۵

۵ – کافران حق ناپذیر مورد تمسخر و تحقیر

فبشّره

ذکر عذاب، تناسبی با کاربرد واژه بشارت ندارد. ازاین رو تعبیر به بشارت می تواند به عنوان سخریه و تحقیر باشد.

تحیر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۲،۴

۲- بهت و حیرت کافران ، به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

بل تأتیهم بغته فتبهتهم

۴- بهت زدگی کافران در برابر عذاب ناگهانی ، بازدارنده آنان از هر گونه اقدام دفاعی است .

بل تأتیهم بغته فتبهتهم فلایستطعیون ردها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۷ – ۵

۵ – سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّی إذا فتحنا . .. إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲،۳

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذین کفروا أعملهم . .. أو کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی

شدید بسر می برند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتارانـد و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۵ - ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج . .. أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سرگردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۶

۶ - آشفتگی و سردرگمی کافران ، در انکار دلایل روشن پیامبران الهی

إلّا قالوا ساحر أو مجنون

سحر و جنون فاصله بسیاری از یکدیگر دارد; زیرا سحر نوعی تبحر و جنون سراسر آشفتگی و اشمئزاز آور است و میان این دو سنخیتی نیست . از این رو سخن کافران، نشانگر اضطراب شدید آنان درموضع گیری علیه منطق روشن پیامبران است.

تختهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۲

۲ -

شکوه بخشیدن به زندگی کافران تا جایی که آنان در خانه های مجلل خویش بر تخت هاتکیه زنند در حیطه قدرت و توانایی خداوند

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. و لبیوتهم أبوبًا و سررًا علیها یتّکئون

تداوم استهزاهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۹

۹- به تمسخر گرفتن وعده عذاب از سوی کافران ، مستمر بوده است .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

تداوم توطئه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۴ – ۱

۱ – دشمنی و کارشکنی دائمی کافران ، نسبت به رسالت پیامبراسلام

حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<حتّی> یا متعلق به <یکونون علیه لبداً> است و یا به قرینه مقام، به جمله ای مانند <لایزالون یستضعفون و یستهزئون> تعلق دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۱ – ۲

۲ – مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود .

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر

تداوم توطئه های کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۵ – ۱

۱ – کافران همواره و به دقت ، در حال توطئه و چاره اندیشی برای رویارویی با آیین الهی اند .

إنّهم یکیدون کیدًا

فعل مضارع <یکیدون> به قرینه سیاق آیه بر استمرار دلالت دارد و <کیداً> مفعول مطلق و برای تأکید است. آیات بعد بیانگر آن است که مراد از ضمیر <إنّهم>، کافران و مراد از <کید>

چاره سازی برای مقابله با برنامه های خداوند است.

تداوم دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۲

۲ - عداوت جبهه کفر با مسلمانان ، همیشگی و پایان ناپذیر

إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

فعل مضارع <یکونوا> دلالت بر استمرار عداوت مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۱

۱ - دشمنی و کارشکنی دائمی کافران ، نسبت به رسالت پیامبراسلام

حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<حتّی> یا متعلق به <یکونون علیه لبداً> است و یا به قرینه مقام، به جمله ای مانند <لایزالون یستضعفون و یستهزئون> تعلق دارد.

تداوم سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، درپی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتّبعوا أهواءهم . .. یقول الکفرون هذا یوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

تداوم عذاب برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۵

۵ - وجود شکنجه های روحی ، به طور مستمر برای کافران در عالم برزخ

النار یعرضون علیها غدوًّا و عشیًّا

عرضه کافران برآتش در هر صبح و شام، نوعی شکنجه روحی برای آنان است.

تداوم عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۶

۶ عذاب الهی پس از نزول بر کفرپیشگان ، از آنان برداشته نخواهد شد .

ألا یوم یأتیهم لیس مصروفاً عنهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۵

۵- خداوند کسانی را که برای ازدیاد مال و فرزند به کفر روآورده اند ، به عذابی مداوم و بیوقفه گرفتار خواهد ساخت .

و نمدّ له من العذاب مدًّا

معنای اصلی <مدّ> کشاندن چیزی در ناحیه طول آن و متصل ساختن اشیا به یکدیگر برای طولانی ساختن آن است (تاج العروس). مصداق این معنا در آیه، استمرار عذاب است و مفاد آن چنین است: <بدون انقطاع، از عذاب برای او پیش می آوریم تا همواره در عذاب بماند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۴،۶

۴ - از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنّم . .. لایخفف عنهم من عذابها

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

تداوم مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۱ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه ای مستمر و حساب شده بود .

إنّه فکّر و قدّر . .. ثمّ نظر

تداوم مکرهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۱۲،۱۳

۱۲- مکر و حیله مداوم کافران ، در قبال دعوت و هدایت گری پیامبر (ص)

و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

۱۳- دلتنگی پیامبر

(ص) ، از مکر و حیله مستمر کافران

و لاتک فی ضیق ممّا یمکرون

تدبیر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

تذکر به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۲

۲ - کیفر جوامع کفرپیشه ، پس از انذار های متعدد و یادآوری مکرر ارزش ها است .

و ما أهلکنا من قریه إلاّ لها منذرون . ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲

۲ - یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محتضر) ، از سوی خداوند به کافران و منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

کلاّ إذا بلغت التراقی

تذکر شقاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۲ – ۲۰

۲۰– ذکر فرجام شقاوت بار کافران و عاقبت سعادت آمیز تقواپیشگان در کنار یکدیگر ، از روش های تبلیغی قرآن

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فادخلوا أبوب جهنّم ... فلبئس

ترحم بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۸ – ۱۰

۱۰– کافران و مشرکان حق ناپذیر ، شایسته

دلسوزی نیستند .

لاتمدّنّ عینیک . .. و لاتحزن علیهم

حزن و اندوه پیامبر(ص) درباره کافران و مشرکان همان گونه که مفسران گفته اند به خاطر حق ناپذیری آنان بود. نهی شدن پیامبر(ص) از اندوه برای آنان، ممکن است از این جهت باشد که آنان ارزش چنین اندوهی را ندارند.

ترس اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۶

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

ترس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱،۲،۴

۱ وعده الهی به القای رعب و هراس در دل های کفرپیشگان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

۲ ایجاد رعب و هراس در دل های کفرپیشگان ، نمونه ای از نصرت خداوند به پذیرندگان ولایت او

بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين. سنلقى فى قلوب الّذين كفروا الرّعب

جمله <سنلقى . .. >، پس از جمله <و اللّه خير النّاصرين>، بيانگر مصداقى از يارى خداوند است.

۴ خداوند با القاى وحشت و دلهره در دل هاى كفرپيشگان تقويت كننده روحيه جامعه ايمانى در رويارويى با آنان

سنلقى فى قلوب الّذين كفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۰

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

تسلیم شدن کافران به هنگام مرگ به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۳ - ۷

۷- کافران و عناصر سست ایمان ، دارای آینده ای پر بیم و هراس

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

از مفهوم آیه شریفه، استفاده می شود که دو گروه در معرض بیم و هراس اند: ۱ کافران، ۲ آنان که اظهار ایمان کرده ولی در طریق ایمان استقامت نورزند.

ترس کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳ - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

ترسناکی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران تکذیب گر ، بسیار هراس انگیز و شگفت آور بوده است .

ثمّ أخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر

استفهام در جمله <فکیف کان نکیر>، استفهام تعجبی و بیانگر شدت کیفر است.

ترشرویی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای گرفته و عبوس در قیامت

و

وجوه يومئذ باسره

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

ترک احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۲

۲ - لزوم ترک بحث و احتجاج با کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و ارائه برهان

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

ترک احتجاج با کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپـذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

ترک انفاق کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۱،۲

۱ - کافرانِ برخوردار از ثروت در صدراسلام ، از انفاق به مستمندان و گرسنگان خودداری می کردند .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ همزه در <أنطعم> برای استفهام انکاری است; ۲ آیه شریفه در مکه نازل شده و مربوط به کافران صدراسلام است.

۲ - روزی رسان بودن خداوند برای بشر ، بهانه و دستاویز کافرانِ صدراسلام برای خودداری از انفاق به مستمندان و گرسنگان

و إذا قيل لهم أنفقوا ممّا رزقكم اللّه قال الذين كفروا للذين ءامنوا أنطعم من لو ى

استفهام در <أنطعم> استفهام انكارى است; يعنى، <لانطعم من لو شاء اللّه لأطعمهم>.

ترك جهاد با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۹۲ - ۱،۶

۱ - نباید با کفرپیشگانی که از جنگ و فتنه انگیزی دست کشیده اند ، نبرد کرد و آنان را به قتل رساند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

متعلق <إنتهوا> به قرینه آیات قبل، جنگیدن و فتنه انگیزی است. جمله <فإن اللّه ...> جانشین جواب شرط می باشد و تقدیر کلام چنین است: فإن انتهوا عن القتال و الفتنه فلا تقاتلوهم و لاتقتلوهم إن اللّه غفور رحیم>.

۶ - فرمان خداوند ، مبنی بر ترک جنگ با کافرانی که دست از جنگ و فتنه برداشته اند ، پرتوی از مغفرت و رحمت اوست .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۵،۶

۵ - لزوم ترک جنگ با کافران ، در صورت دست برداشتن آنان از فتنه انگیزی و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

متعلق <إنتهوا . ..> - به قرینه فرازهای پیش - فتنه انگیزی و بازداری از حاکمیت یافتن دین الهی است. جواب شرط (فإن انتهوا) محذوف است وجمله <فلاعدوان...> جانشین آن می باشد; یعنی، پس اگر از فتنه انگیزی دست کشیدند و مانع گسترش و حاکمیت دین خدا نشدند، آنان را نکشید; زیرا تعدی تنها بر ستمکاران رواست.

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

ترک دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

- ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقاتلوهم> است ; یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوندبه اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

ترک دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۷

۷ ضرورت پرهیز از دوستی با کافران و مشرکان

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <النبی> پیامبر بنی اسرائیل باشد نه پیامبر اسلام(ص) و در نتیجه مراد از <ما انزل الیه> دستورات دینی بنی اسرائیل خواهد بود.

ترک مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۶

۶ لزوم ترک مبارزه با کافران در صورت دست برداشتن از فتنه انگیزی علیه اسلام و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

متعلق <انتهوا> به قرینه فرازهای پیشین، فتنه انگیزی و جلوگیری از حاکمیت یافتن دین الهی است.

ترک مناظره با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۱۳- پیامبر (ص) ، مأمور به ترک مناظره و محاجه با کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان *

قل إن افتریته فلا تملکون . .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

برداشت یاد شده براساس این احتمال است که تعبیر <کفی به شهیدًا> به معنای ترک محاجه باشد; یعنی، پس از اتمام حجت، کار داوری درباره کافران را به خدا واگذار.

تزلزل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شکّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . .. و ما أظنّ ... لکنّاْ هو اللّه ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

تزیین عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲،۵،۷

۲ شیطان رفتار های ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعملهم>، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در

جنگ بدر است.

۷ سرمستی ، ریاکاری و

بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق <أعملهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری . .. است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۹،۱۱

۹ زیبا جلوه کردن کردار های زشت کافران ، در نظر ایشان

زین لهم سوء أعملهم

۱۱ < نسیء > ، (جا به جا کردن ماه های حلال و حرام) ، از اعمال زشت عرب های جاهلی و کاری پسندیده و زیبا در دیدگاه آنان

إنما النسیء زیاده فی الکفر . .. زین لهم سوء أعملهم

تشابه به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۸

۸ سکوت و سازشکاری مؤمن در قبال اهانت به مقدسات و آیات الهی ، موجب همانندی وی با کافران و منافقان است .

فلاتقعدوا معهم . .. إنّکم إذاً مثلهم إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم

تشابه فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

جمع آمـدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است; اما در شکل متفاوت است.

تشبیه اسلام ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۵

۵ - تلاش های گسترده کافران علیه اسلام ،

به مثابه پفی ناچیز در مقابل نوری عظیم و درخشان

یریدون لیطفؤا نور اللّه بأفوههم

تشبیه به موضعگیری کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

تشبیه عمل صالح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱

۱- عمل نیک کافرانِ به ربوبیت خداوند ، چونان خاکستری است در معرض تندباد در روز طوفانی

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

مراد از <أعمالهم> می تواند اعمال خیر و صالحی باشد که کافران انجام می دهند. چه اینکه روشن است عمل زشت و گناه هیچ کس، کافر و مسلمان، ثمری ندارد تا اینکه حبط گردد و یا به خاکسترِ در معرض باد تشبیه شود.

تشبیه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱،۳

۱ - اعمال و رفتار کفرپیشگان ، همانند سرابی است در کویر که تشنه به پندار آب به سراغ آن می رود و چیزی به دست نمی آورد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

۳ – اعمال و رفتار کفرپیشگان ، چون سراب فریبنده است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- نور - ۲۴ - ۴۰ - ۱

۱ - اعمال کافران ، به مثابه تاریکی شدید در دریای ژرفناک با امواجی متلاطم و پوشیده از ابر است که کمترین روزنه ای در آن نیست .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحا

تشبیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۷،۸

۷ - کافران حق ناپذیر ، چونان مردگانی ناشنوا و غیرقابل تفهیم

إنّک لاتسمع الموتی

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنوایان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ – کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و

ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸ – ۱

۱ – مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که در گردنشان تا چانه ها ، غل و زنجیر قرار داشته و سرهایشان به طرف بالا مانده باشد .

إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللًا فهی إلی الأذقان فهم مقمحون

<ذقن> (مفرد <أذقان>) به معنای چانه و <قمح> (ریشه <مقمحون>) به معنای بلند کردن سر است. گفتنی است آیه شریفه در مقام تمثیل و تشبیهِ حالِ کافران و مشرکانِ لجوجی است که نمی خواستند هرگز ایمان بیاورند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۹ – ۱

۱ – مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگانشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین أیدیهم سدًّا

تنکیر <سدّاً> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم>، مقصود از آن، سدّی بلند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۰ – ۷

۷ – مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول

علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷

۷- لذّت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوًی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد; بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران لجوج و پندناپذیر ، همچون گورخران رمیده اند .

کأنّهم حمر مستنفره

<حمار> (مفرد <حمر>) به معنای خر اهلی یا وحشی است (الصحاح); ولی مفسران آن را در آیه شریفه، از نوع وحشی دانسته اند که در فارسی از آن به گورخر تعبیر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود .

فرّت من قسوره

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

تشجیع کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۸ – ۴،۹

شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إنی جار لکم

کلمه <جار> معانی متعددی دارد ; از جمله یاور، همسانه، هم قسم، شریك و . .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

تشخیص خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۴

۴ بررسی و تشخیص شواهد و نشانه های خیانتکاری کافران ، وظیفه ای بر عهده پیامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامی

و إما تخافن من قوم خیانه

تشویق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۵

۵ ایجاد انگیزه و امید از جانب خداوند در مؤمنان خطاکار و نیز کافران ، برای توبه و بازگشت به حق

ثم یتوب اللّه . .. و اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۶

۶ - خداوند ، کافران را به بازگشتن از کفر ، پیش از پایان یافتن مهلت شان ، تشویق کرده است .

قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم و لا هم ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱ – ۱

۱ – پیامبر (ص) مأمور توجه دادن کافران و مشرکان بر آفرینش انسان و جهان و

ترغیب آنان به تأمل و تفکر درباره آنها

فاستفتهم أهم أشدّ خلقًا أم من خلقنا

استفتا و پرسش در آیه شریفه، برای ترغیب به تفکر و تأمل است; نه برای پرسش و استفتای حقیقی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۴

۴ - خداوند ، تشویق کننده کافران و مشرکان به ر ها کردن شرک و بازگشت به توحید و یکتاپرستی

و هو الذی یقبل التوبه عن عباده

با توجه به آیات پیشین، می توان گفت که جمله <و هوالذی یقبل التوبه> دعوتی است از سوی خدا به عموم کافران و مشرکان مبنی بر دست برداشتن از عبادت غیرخدا و بازگشتن به یکتاپرستی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۷

۱۷- ترغیب کافران از سوی خداوند ، برای روی آوری به توبه و بازگشت به سوی او

أم یقولون افتریه . .. و هو الغفور الرحیم

تذکر خداوند به غفران و رحمت بی کران خویش، در حقیقت فراخوانی و دعوت مردم و حتی کافران، به توبه و استغفار است.

تشویق کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۲ - ۵

۵ - ترغیب کافران صدراسلام از سوی خداوند به توجه و تأمل در نشأه نخستین (جهان فعلی) ، برای هموار شدن راه پذیرش مسأله معاد

و لقد علمتم النشأه الأُولی فلولا تذکّرون

واژه <لولا> در <لولا تذکّرون>، برای تحضیض و ترغیب می باشد.

تضرع اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

- ۶

کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرّع می کنند .

و قالوا ربّنا

اقرار به ربوبیت خداونـد با واژه <ربّنا> برای اظهار تضـرّع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضـی آورده شدن <قالوا> در کنار <یقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشـد که کافران، هنوز وارد آتش نشـده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

تضعیف حاکمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۸

۱ خداوند پی در پی از حاکمیت کفرپیشگان بر زمین می کاست و بر سرزمین های اسلامی و حاکمیت آن می افزود .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

مفسّـِران در تفسیر آیه فوق چند نظر ابراز کرده اند. برخی گفته اند: مراد از <الأرض> مطلق زمین است و مقصود از کاسـتن از نـواحی آن، میرانــدن و هلاـک کردن اهـل زمیـن در اطراف و نـواحی گونـاگون آن می باشـد. و برخی گفتـه انـد: مراد از <الأرض> سـرزمینهای تحت نفوذ کفر است و منظور از کاسـتن نواحی آن، کوتاه کردن سـیطره کفرپیشـگان از آن است که طبعاً به حاکمیت اسلام بر آن جا می انجامد.

۸ از میـان رفتن کفرپیشـگان و کوتاه شـدن سـیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداونـد است که نقض نخواهـد شـد و تحقق خواهد یافت .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها والله یحکم لامعقّب لحکمه

تعاون کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته

حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذین کفروا بعضهم أولیاء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه . ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذین کفروا ... > به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند ; نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

تعجب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۴

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبر ها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

تعجب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۱

۱ - تبدیل ذرات خاک به بدن انسانی زنده ، امری شگفت و باور نکردنی در نظر کافران عصر پیامبر

و قال الذین کفروا أءذا کنّا تربًا . .. أئنّا لمخرجون

کافران می دیدند که پیکر مرده انسان در خاک پوسیده و پس از روزگاری تبدیل به ذرات خاک می شود. پذیرش این مطلب (تبدیل دوباره ذرات و عناصر خاکی به بدن انسانی زنده) برای آنان غیر قابل باور بود و از آن اظهار شگفتی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۳

۳ - اظهار تعجب کافران

از اظهارات پیامبر (ص) درباره تحقق قطعی معاد

ینبئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه

همزه <أفتری> برای استفهام تعجیبی است و حکایت از اظهار شگفتی کافران از اظهار نظر پیامبر(ص) درباره معاد می کند.

تعجیل در ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۷

۷- رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، برای شکیبا بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم

تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود ، پیامبر (ص) را آماده درخواست عذابی سریع برای آنان کرده بود .

فلاتعجل علیهم إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۷

۷- رهنمود الهی به پیامبر (ص) ، برای شکیبا بودن و عجله نورزیدن در گرایش کافران به ایمان یا مجازات ایشان از سوی خداوند

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم

تعصب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۶ – ۱۱

تعقل در فرجام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۱۵ – ۲

۲ پیامبر (ص) وظیفه دار فراخوانی مردمان به اندیشه و مقایسه میان فرجام کافران و تقواپیشگان

قل أذلك خير أم جنّه الخلد التى وعد المتّقون

تغنی کافران

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنّی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

تغییر فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۵

۵ - باز بودن راه توبه برای کافران و امکان تغییر سرنوشت آنان و رفع عذاب از آنها

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

واژه <عسی> که برای ترجی و به معنای شاید است می رساند که عذاب تقدیر شده، قضای حتمی الهی نیست و امکان دارد که در نتیجه تحول فکری و عملی (ایمان) کافران، این برنامه تغییر کند.

تفاخر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

مفسّران واژه <یتمطّی> را به معنای <تبختر> دانسته اند; زیرا این واژه یا از ماده <مط>(کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا>(پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

تفاوت جرم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر ، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی

در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند; می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

تفاوت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر ، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند; می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

جمع آمدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است; اما در شکل متفاوت است.

تفاوت مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف

می باشد. تقدیر کلام چنین

است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... كمن قسا قلبه>. بنابراين مى توان گفت: آيه شريفه درصدد مقايسه ميان شخصيت دو انسان مؤمن و كافر و سرنوشت آنان در آينده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسى ميان دو انسان مؤمن خداترس و كافر خداگريز ، از نظر شخصيت و سرنوشت

فويل للقسيه قلوبهم من ذكر اللّه . .. أفمن يتّقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمه

<من> در آيه شريفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله اى محذوف است و تقدير كلام چنين مى باشد: <أفمن يتّقى بوجهه سوء العذاب. .. كمن آمن منه>. بنابراين مى توان گفت آيه شريفه درصدد مقايسه ميان شخصيت دو انسان مؤمن و كافر وسرنوشت آنان در آينده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف هاى اساسى ، ميان دو انسان مؤمن و كافر از نظر سرنوشت

ضرب اللّه مثلاً رجلاً . .. و رجلاً سلمًا لرجل هل يستويان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - جاثيه - ۴۵ - ۲۲ - ۳

۳ - برابر انگاشتن مؤمن و كافر در پيشگاه خداوند ، پندارى مغاير با هدفمندى و حقانيت نظام جهان

أم حسب الذين اجترحوا . .. و خلق اللّه السموت و الأرض بالحقّ

خداوند، هدفمندى و حقانيت نظام جهان را به دنبال طرح عدم تساوى صالح و ناصالح در پيشگاه داورى حق، ياد كرده و از يك مقوله و معنا دانسته است. بر اين اساس آيه شريفه را

می توان تفسیر و تعلیلی برای آنچه که در آیه قبل بیان شده، دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۵ - ۶

۶ - توجه به فرجام بسیار متفاوت مؤمنان و کافران ، زمینه ساز گرایش انسان به ایمان

إنّ المجرمین فی ضلل و سعر . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر . فی مقعد صدق عند مل

تفاوت مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۵

۵ مؤمنان و کافران ، دارای روحیات و عملکرد متمایز و جدا از یکدیگر علی رغم زندگی مشترک آنان در یک جامعه

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أُجاج . .. و حجرًا محجورًا

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که تشبیه و تمثیل به کار رفته در آیه شریفه، ناظر به افراد یک جامعه باشد که برخی مؤمن اند و برخی دیگر کافر; ولی در عین حال این دو گروه، از نظر روحیات و رفتار، از هم جدا و متمایزاند.

تفهیم اتهام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اِعمال مجازات درباره آنان

فلنتبّئنّ الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنّهم من عذاب غلیظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

تقدیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷۰ - ۳ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران و بازداشتن آن به تقدیر و فرمان خداوند است .

بعذاب واقع . للکفرین ... من اللّه

تقلید کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کـافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بـدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

تکبر بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۲،۲۷،۳۰

۱۲ ضرورت تواضع و افتادگی در برابر مؤمنان و صلابت و سرافرازی در برابر کافران

اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

۲۷ تواضع در برابر اهل ایمان ، سرافرازی در قبال کافران ، جهاد در راه خدا و بی اعتنایی به ملامت دشمنان ، مایه جلب محبت الهی

یحبهم و یحبونه اذله علی المؤمنین . .. و لایخافون لومه لائم

به نظر می رسد صـفات یاد شده پس از <یحبهم و یحبونه> در ارتباط با <یحبهم> بیانگر علت است ; یعنی چون دارای این صفات هستند، خداوند آنها را دوست دارد.

۳۰ حالت فروتنی در برابر مؤمنان و سرفرازی در قبال کافران ، عطیه و فضلی خدادای است .

اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین . .. ذلک فضل اللّه

تکبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۷

۲۷ کافران ، مردمی مغرور و متکبر *

إنّ اللّه اعد للكفرين عذاباً مهيناً

توصیف <عذاب> به <مهین> (خوار

کننده)، اشاره به غرور و تکبر کافران دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و اللّه بمایعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۷

۷- کافران ، فریفته و مغرور اَعمال و ساخته های پوچ و بی فرجام خویش اند .

و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنعًا

<صنع> به معنای مصدری و به معنای <مصنوع> آمده است و در آیه، هر دو محتمل است. مفاد <یحسنون صنعاً> این است که آنان به پندار خود کردار خود را، خوب به سامان می رسانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۵

۵ - کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبراند .

حقّت کلمه العذاب علی الکفرین . .. فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از روی خودبزرگ بینی

و غرور به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۴

۴ - کافران در نهاد خویش ، گرفتار خودبینی و احساس امنیت دروغین *

أم لکم

براءه فی الزّبر

از پرسش انکار آمیز خداوند، چنین استفاده می شود که کافران دانسته یا ندانسته امتیازی برای خویش می پنداشتند تا خود را در گرایش به کفر، محق جلوه دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، غوطهور در غرور و فریب خوردگی

إن الکفرون إلّا فی غرور

تکبر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به اقتدار و تمکن خویش

ألم یروا کم أهلکنا . .. مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکنت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا . .. و کانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ – سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳

۶ - کـافران ، خود را در اقـدام به خـداپرستی در صورت سـازش پیـامبر (ص) با آنان پیش قـدم معرفی کرده و زمان پیوسـتن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشـرکان را منتفی دانست; ولی در این آیه، عبادت کنونی مشـرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشـرکان برای توافق بـا پیـامبر(ص)، پیشـنهاد کرده بودنـد. آنـان گفته بودنـد: یک سال ما بنـده خـدای تو می شویم; مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

تکبر کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۲

۱۲- کافران ظالم به نفس خویش ، متکبرند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... فلبئس مثوی المتکبّرین

تکبر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

تکذیبگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - پیامبر اسلام ، مورد تسلی و دلداری خداوند ، در برابر تکذیب

کافران و مشرکان

و لعذاب الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲ - ۱

۱ - انکار قیامت از سوی کافران ، تنها محدود به زندگی دنیا است و نه هنگام تحقق یافتن آن .

لیس لوقعتها کاذبه

<کاذبه> صفت برای موصوف محذوف است و تقدیر آن <نفس کاذبه> می باشد. <لام> در <لوقعتها> به معنای <عند> است; یعنی، وقتی قیامت واقع شود، هیچ کس نمی تواند به دروغ بگوید: <قیامت واقع شدنی نیست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا . .. أصحب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۴

۴ - اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا و قلنا ما نزّل اللّه من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه

لحسره على الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۲

۲ - دلدارى خداوند به پيامبر (ص) ، در برابر تكذيب ها و بدگويى هاى كافران

و ذرنى و المكذّبين

آيه شريفه ضمن آن كه براى تهديد كافران تكذيب گر است; دلدارى به پيامبر(ص) نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قيامه - ۷۵ - ۳ - ۱

۱ - انكار قيامت ، برخاسته از پندار كافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآورى استخوان هاى مردگان و احياى مجدد آنها

أيحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مقصود از انسان در اين آيه برابر نظر مفسران و به قرينه مقام انسان كافر است; نه همه انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - كافران ، به مجرد شنيدن آيات قرآن ، آن را تكذيب كرده و معارف آن را دروغ مى پنداشتند .

بل الذين كفروا يكذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تكذيب قرآن از سوى كافران ، ظاهرى بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و اللّه أعلم بما يوعون

تقابل اين آيه با آيه قبل، بيانگر آن است كه گرچه كافران به زبان قرآن را تكذيب مى كردند; ولى خداوند بهتر مى داند كه

در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - کفرپیشگان ، بر تکذیب وعده ها و

تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین کفروا فی تکذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن کافران در تکذیب است. متعلق تکذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است که وعده ها و تهدیدهایی که در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . .. بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقیقت قرآن آسیبی نمی رساند و از مجد و عظمت آن نمی کاهد .

بل الذین کفروا فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید . فی لوح محفوظ

تکذیبگری کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۳

۳ - اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج صدراسلام

و إن یکذّبوک فقد کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

از آهنگ آیه شریفه، به دست می آید که پیامبر(ص) به خاطر تکذیب شدنش اندهگین بود. از این رو برخی از مفسران جواب شرط (إن یکذّبوک) را محذوف دانسته اند; یعنی، <إن یکذّبوک فلاتحزن و اصبر إذ قد کذّب الذین من قبلهم>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۲

۲ - تکذیب پیامبران از سوی

امت های حق ستیز ، دارای دیرینه در تاریخ ; و نه پدیده ای نو و مخصوص کافران عصربعثت

کذّبت قبلهم قوم نوح

تکذیبگری کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم یکیدون کیدًا

تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۱،۵

۱ - کافران مکه ، رسالت پیامبر (ص) را تکذیب می کردند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا . .. و إن تکذّبوا فقد کذّب

بنابراین که مخاطَب آیه طبق سیاق کافران مکه باشند، نکته یاد شده، به دست می آید.

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تکذّبوا فقد کذّب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تکذّبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد; یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران مکه ، منکر تحقق معاد بودند .

أَوَلم يروا كيف يبدئ اللّه الخلق ثمّ يعيده

آیه بعـد، قرینه است بر این که این آیه، در صـدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از کافران برای ژرف نگری در قـدرت خـدا، نشان از انکار معاد

از سوی آنان دارد.

تکرار عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، عذاب کافران را در جهان آخرت ، آغاز کرده و آن را تکرار خواهد کرد . *

إنّه هو یبدیء و یعید

به قرینه آیه قبل، مصداق مورد نظر در این آیه، آغاز و تکرار عذاب کافران است; به این بیان که آنچه کافران به آن تهدید شده اند، گرچه از توان جسمی آنان فراتر است; ولی برای خداوند نه در آغاز و نه در تکرار مشکلی ایجاد نخواهد کرد.

تکلم خدا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۲

۲ گفتگوی مستقیم خداوند با کافران در قیامت

قال الیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا

تکلیف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۸

۸ کافران ، همچون مؤمنان ، مکلف به فروع و در قبال آن مسؤول و معاقبند . *

من یعمل سوءاً یجز به

از مصادیق مورد نظر برای <من یعمل . ..> اهل کتاب هستند. بنابراین اگر آنها مرتکب گناه شوند، همچون مسلمانان عقوبت خواهند شد و این معنا بیانگر مکلف بودن اهل کتاب بر احکام فرعی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۵

۵ مشرکان و کافران همچون مؤمنان ، مکلف به فروع دین اند .

یضعف له العذاب یوم القیمه

دو چندان شدن مجازات مشرکان و کافران در صورت ارتکاب بزه کاری،

می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۴

۴ - مشرکان و کافران ، مخاطبان شریعت و مکلف به فروع دین اند . *

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

تأکید خداوند بر مجازات کافران و مشرکان متناسب با رفتارشان، گویای این حقیقت است که آنان نیز همچون مؤمنان و معتقدان به اصول دین، مخاطبان شریعت و مکلف به فروع دین هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلی السجود و هم سلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۴ - ۳

۳ - کافران ، مکلّف به احکام و فروع دین اند .

و لایحضّ علی طعام المسکین

برداشت یاد شده، با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ مورد آیه شریفه درباره کافران است; ۲ طعام مسکین، از احکام فروع دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۴ - ۶

۶ - کافران ، به فروع دین و احکام شریعت همچون اصول دین مکلف اند .

قالوا لم نک من المصلّین . و لم نک نطعم المسکین

برداشت یاد شده، به این سبب است که اگر کافران به فروع دین مکلف نبودند، ترک نماز و اطعام مساکین را در ردیف تکذیب روز قیامت، از عوامل دوزخی شدن خود برنمی شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۹

قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۵

۵ - کافران ، نسبت به فروع دین همچون اصول دین مکلف اند .

فلاصدّق و لاصلّی

برداشت یاد شده، به این سبب است که اگر کافران به فروع دین مکلف نباشند، ترک نماز به عنوان نشانه آنان شمرده نمی شد و فردی مثل ابوجهل، به جهت آن ملامت نمی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۸

۸ - کافران ، بر ترک فروع دین نیز توبیخ می شوند .

فما لهم . .. لایسجدون

مراد از سجود در آیه ممکن است معنای اصطلاحی آن و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، ملزم به ترک کفرِ خویش ، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه ... فیها کتب قیّمه

تلاش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۲

۲ - تلاش مذبوحانه و بی ثمر کافران و مشرکان دوزخی ، در جهت دفع عذاب الهی از خود

أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

تلاش برای ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۲

۱۲ - جبهه ایمان ، وظیفه دار تلاش بی امان برای به ذلت کشاندن جبهه کفر

و من الناس من یجدل . .. له فی الدنیا خزی

برداشت یاد شده بر این اساس است

که جمله <له فی الدنیا خزی> می تواند انشا در قالب اِخبار باشد.

تلاش دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین کفروا . .. فحبطت أعملهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

تلاش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۱

۱ - اغواگران کافر ، برای مرتد ساختن مسلمانان ، در تلاش بودند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

برعهده گرفتن بار خطای مسلمانان، از سوی کافران، با بیان فعل امر (لنحمل خطایاکم) هنگام دعوت از آنان برای تبعیت از خط و راه کافران، حکایت از نوعی برخورد اغواگرانه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر و باطل ، برای محروم ساختن انسان ها از شنیدن کلام حق

و قال الذین کفروا لاتسمعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۲

۲ - تلاش کافران ، برای بشری جلوه دادن قرآن و نفی اعجاز از آن

أم يقولون تقوّله

تلاش كافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۴

۴- تمامی همّ و تلاش كافرانِ هدايت ناپذير صدراسلام ، خوردن و بهرهوری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذرهم يأكلوا و يتمتّعوا

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۶

۶ – کافران ، برای بازداشتن مردم از توحید ، تلاش می کردند .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

بنابراین که مراد از <سبقت از خدا>، پشت سرگذاشتن دین خدا باشد، منظور این خواهد بود که کافران، در صدد بوده اند که اجازه ندهند تا دین توحیدی، در میان مردم، رواج پیدا کند.

تلاش کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۵،۶

۵ کفرپیشگان مکه در عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و یصدون عن سبیل اللّه

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۲ – ۳

۳ – کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

امر <لنحمل> دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۳ – ۲

۲ – تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۶

۶ – کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

تلاوت قرآن بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۵ – ۱

۱– خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرءان . .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۵ – ۴

۴ – تلاوت آیات قرآن بر کافران تکذیب گر و انکار عمدی آن از سوی آنان

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

تلاوت قرآن بر کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۱ – ۱۱

۱۱ – تلاوت کنندگان قرآن در عصر بعثت ، غیر مؤمنان را نیز با آیات آن آشنا ساخته ، برای آنها قرآن می خواندند .

و إذا قریء علیهم القرءان لایسجدون

تناقض گویی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۸ – ۱

۱ – کافران ، در انکار پیامبر و قرآن ، گرفتار آشفته گویی و تناقض بودند .

إنّكم لفى قول مختلف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۸

۸

- تناقض آشکار ، در موضع گیری کافران علیه پیامبر (ص)

فما أنت بنعمت ربّك بكاهن و لامجنون

بـا توجه به این که <کهانت> خود شـیوه ای پیچیـده و در اختیار تعـدادی از افراد بوده و با جنون هرگز جمع نمی شود; متهم گشتن پیامبر(ص) به کهانت و جنون، نشانگر سردرگمی کافران و تناقض گویی آشکار آنان است.

تناقض گویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنّكم لفى قول مختلف

بـا تـوجه بـه ایـن کـه آیـات پیشـین در مـورد معـاد و جزای کردار و آیـات بعـد در زمینـه روز جزا اسـت، ممکن است <قـول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تنبه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آنِ پیامبران و پیروان ایشان است .

و سيعلم الكُفّر لمن عقبى الدار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۲

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذين كفروا أعملهم كسراب بقيعه يحسبه الظمأن ماء حتّى إذا جاءه لم يجده شيئًا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۸ – ۴

۴ – پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه

های رستاخیز

یقول الکفرون هذا یوم عسر

تنبه اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۴

۴- کافرانِ پیرو به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در قیامت پیشاپیش درمی یابند که گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغن

ذکر <فقال الضعفؤا للذین استکبروا> برای درخواست کمک ضعفا پس از آنکه حضور همه مردم را در قیامت اعلام کرد و هنوز سخنی از عذاب گفته نشده است حکایت از این می کند که آنان گرفتار شدن خود را به عذاب از قبل خواهند فهمید.

تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۴

۴ - روی آوری کافران به خدا ، در آستانه مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

تنفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

تنگدستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد

(و لو أن أهل القرى . ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا>

تنهای اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۰ – ۳،۴

۳- کافران در صحنه قیامت ، بدون سازوبرگ و تنها و بی کس ، حاضر خواهند شد .

نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما یقول و یأتینا فردًا

تواضع بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۴ – ۱۴،۱۵

۱۴ ایمان ، ناسازگار با فروتنی در برابر کافران

یأیها الذین ءامنوا من یرتد . .. اعزه علی الکفرین

۱۵ دوستی با کافران (یهود ، نصارا و . . .) ، موجب فروتنی در مقابل آنان و گردنفرازی در مقابل اهل ایمان

من یرتد منکم عن دینه . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

توبه اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۳

۳ – توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لاتعتذروا الیوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار

پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

توبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۳۸

۳ عدم پذیرش توبه (ایمان) کافر ، در آستانه مرگ

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار

در برداشت فوق <یموتون>، به قرینه <حتّی اذا حضر>، به معنای اشراف بر مرگ گرفته شده است.

۸ توبه گناهکاران و ایمان آوردن کافران تا قبل از یقین به مرگ ، پذیرفته است .

انّما التّوبه علی اللّه للّذین یعملون السّوء بجهاله ثم یتوبون من قریب . .. و لیس

مفهوم جمله <حتّی اذا حضر> در برداشت فوق، بیان و توضیح <من قریب> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۴ - ۶

۶ گستردگی رحمت و آمرزش خداوند ، زمینه پذیرش توبه و استغفار کافران و مشرکان

افلا یتوبون . .. و اللّه غفور رحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۷ - ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلک جزاء الکفرین. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۲ – ۵

۵ – باز بودن راه توبه برای کافران و امکان تغییر سرنوشت آنان و رفع عذاب از آنها

قل عسی أن یکون ردف

لکم بعض الذی تستعجلون

واژه <عسی> که برای ترجی و به معنای شاید است می رساند که عذاب تقدیر شده، قضای حتمی الهی نیست و امکان دارد که در نتیجه تحول فکری و عملی (ایمان) کافران، این برنامه تغییر کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۸ – ۹

۹- وقوع ناگهانی قیامت ، مجال هر گونه بازنگری و توبه را برای کافران لجوج از میان می برد .

فقد جاء أشراطها فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – نوید خداوند به باز بودن راه توبه و بازگشت برای انسان ها ، حتی کافران

فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا . .. و کان اللّه غفورًا رحیمًا

بیان غفران و رحمت الهی در پی تهدید شدن کافران به شعله های برافروخته می رساند که خداوند، راه توبه را به آنان نشان داده و ایشان را به بازگشت تشویق کرده است.

توصیه به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۵ – ۲

۲ – ایمان آوردن به معاد و دست برداشتن از انکار و تکذیب آن ، توصیه أکید الهی به همه کافران و تکذیب گران

و أمّا إن کان من المکذّبین . .. إنّ هذا لهو حقّ الیقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۸ – ۲

۲ – توصیه خداوند به کافران و منکران قیامت به ایمان به خدا ، پیامبر اسلام و قرآن

فامنوا باللّه و رسوله و النور

الذی أنزلنا

بیشتر مفسّران مقصود از <نور> در این آیه را قرآن کریم می دانند.

توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۴

۲۴ هشدار خداوند به مسلمانان ، با افشای نیّات و اهداف کفار نسبت به مسلمانان

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۳،۴

۳ مکر و مقابله خداوند با مکر و حیله کافران توطئه گر علیه عیسی (ع)

و مکروا و مکر اللّه

۴ توانایی و چیرگی خداوند در مکر با کافران

و مکروا و مکر اللّه و اللّه خیر الماکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۲

۲ بشارت خداوند به عیسی (ع) بر نجات آن حضرت از مکر کافران

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر . .. و مکروا و مکر اللّه ... اذ قال اللّه یا عیسی انّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۱۷،۱۸

۱۷ ضرورت بررسی گفتار و منویّات درونی بیگانگان (کافران) ، برای شناسایی توطئه های آنان علیه جامعه اسلامی

لا تتخدوا بطانه من دونكم لا يألونكم خبالا ودّوا ما عنتّم قد بدت البغضاء من افواه

۱۸ دشـمنی ، توطئه گری و بدخواهی بیگانگان (کافران) ، از دلایل ضرورت پرهیز جامعه اسلامی از ایجاد روابط صمیمانه با آنان

لا تتّخذوا . .. لا یألونکم خبالا ... و ما تخفی صدورهم اکبر

جمله <لا یألونکم

. .. >، بیان علت برای <لا تتخذوا ...> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الّذین امنوا . ..ها انتم اولاء تحبّونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الأَنا

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۹ – ۲،۳

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

۳ هشدار های خداوند به جامعه ایمانی نسبت به توطئه ها و دسیسه های کفرپیشگان

یا ایّها الّذین امنوا ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم فتنقلبوا خاسرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۹

۹ بی اعتنایی اهل ایمان به توطئه های تبلیغاتی کفرپیشگان ، ایجادکننده حسرت در دل های ایشان

لا تکونوا کالّذین کفروا . .. لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

بنابر اینکه <لیجعل> متعلق به <لا تکونوا> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۴

۴ نگرانی پیامبر (ص) از آسیب یافتن دین خدا به واسطه تلاش های کفرآمیز

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

از اینکه خداوند در مقام دلداری می فرماید: انّهم لن یضروا اللّه شیئاً (آنان با کفرشان به خدا ضرری نمی رسانند)، معلوم می شود که سبب ناراحتی پیامبر (ص)، احتمال آسیب

رسانی کافران به دین خدا بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۱ – ۶

۶ مسلمانان صدر اسلام ، در معرض فتنه و آسیب از سوی کافران به هنگام سفر

و إذا ضربتم فی الارض . .. ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۶،۱۹

۱۶ در کمین بودن کافران برای ضربه زدن به مسلمانان ، دلیل ضرورت آمادگی نظامی و تدارکاتی ، برای دفع هجوم آنان

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۰ – ۴،۷

۴ کافران همواره در حال برنامه ریزی و توطئه علیه اسلام و بنیاد های دین

إذ یمکر بک . .. و یمکرون

جمله <إذ یمکر . .. > گزارشی از مکرهای گذشته کافران دارد و جمله <یمکرون> خبر از توطئه گریهای آینده آنان می دهد. بیان این خبر با فعل مضارع حاکی از استمرار این توطئه گریهاست.

۷ خداوند برهم زننده برنامه ها و توطئه های کافران علیه دین

و یمکرون و یمکر اللّه و اللّه خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که

مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن اللّه بما يعملون بصير

جواب شرط <انتهوا> به قرينه <قتلوهم> جمله ای همانند <فلاتقاتلوهم> است ; يعنی اگر كافران دست از فتنه انگيزی برداشتند و راه مسالمت پيش گرفتند با آنان نبرد نكنيد. با توجه به اين معنا معلوم می شود هدف از بيان آگاهی خداوندبه اعمال اين گروه از كافران، اين است كه مسلمانان را از اين نگرانی برهاند كه شايد صلح جويی آنان دستاويزی برای توطئه و فتنه ای ديگر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۵

۵ موفقيت پيامبر (ص) در خروج از مكه و خلاصی از توطئه كافران ، مرهون نصرت خاص خداوند بود .

نصره اللّه إذ أخرجه الذين كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵،۹،۱۰

۵- كافران ، مخفيانه اقدام به استماع آيه های قرآن نموده و يكديگر را بر اين كار ملامت می كردند .

نحن أعلم بما يستمعون به . .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> - همان گونه كه در برخی شأن نزولها آمده است كافرانی باشد كه مخفيانه، اقدام به استماع سخنان پيامبر(ص) می كردند و با مشاهده يكديگر به صورت نجوا، به ملامت يكديگر می پرداختند.

۹- كافران از طريق اعلام سحرشدگی پيامبر (ص) در صدد ايجاد بدبينی در پيروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ يقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

برداشت فوق، مبتنی بر اين نكته است كه مخاطب <إن تتّبعون

إلاّ رجلًا مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران ، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن ، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند .

إذ یقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تتّبعون> کافران باشد که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <یقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۴ - ۵

۵- پیامبر (ص) ، در انجام رسالت خویش ، با شدیدترین و سنگین ترین ترفند ها و توطئه ها از سوی کافران و مشرکان رو به رو شد .

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم

از اینکه شخصیت بزرگی چون پیامبر(ص) نزدیک بود در برخی مواضع خویش، به سازش کشیده شود و نیز یادآوری این نکته که اگر خدا به کمك او نمی آمد، چنین حادثه ای رخ می نمود، حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقلَّبَ فی الأُمور>; یعنی، <تصرّف کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل

و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۱۰

۱۰ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر پناه بردن به او ، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. فاستعذ باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۲

۲ جامعه مؤمنان ، برخوردار از حمایت ویژه خداوند در برابر توطئه ها و ترفند های کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

از این که خداوند، تلاش های کافران و توطئه های آنان را نسبت به مؤمنان خنثی می کند; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲ - ۱۷

۱۷- دلجویی و حمایت خداوند از مؤمنان ، در برابر توطئه های کافران دین ستیز

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا ... کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بال

از مجموع آیه شریفه، استفاده می شود که خداوند، در کنار تهدید و توبیخ کافران دین ستیز، در این آیه به دلجویی و حمایت از مؤمنان راستین پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۴،۵

۴- حضور کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز *

و

منهم من يستمع . .. قالوا للذين أوتوا العلم ماذا قال ءانفًا

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفاً) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

۵- افشای حرکت های مرموز کافران و منافقان ، از سوی خداوند برای پیامبر (ص)

و منهم من يستمع إليك حتّى إذا خرجوا من عندك

خطاب آیه شریفه به پیامبر(ص) است و ضمیر <منهم> ممکن است به کافران بازگردد که در آیات پیشین یاد شده اند و نیز ممکن است باتوجه به محتوای آیه که نوعی حرکت نفاق آمیز را بیان داشته به منافقان بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۵

۵ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال هجوم کافران و تکذیب گران

إنّ عذاب ربّك لوقع

از این که پس از تأکیدهای فراوان، خداوند روی سخن را به پیامبر(ص) متوجه ساخته و به آن حضرت اطمینان می دهد که عذاب کافران قطعی است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه كان لأيتنا عنيدًا . .. إنّه فكّر و قدّر

توطئه کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند با

بیان نظارت خویش بر اعمال کافرانِ دست کشیده از مبارزه علیه اسـلام ، مسـلمانان صـدر اسـلامِ را از غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۵

۵- کافران لجوج و مشرکان حق ناپذیر ، دارای توطئه ها و نقشه های نهانی علیه پیامبر (ص)

فإن تولّوا . .. و یعلم ماتکتمون

ذکر <ماتکتمون> (آن چه را پوشیده می دارید) می تواند اشاره به توطئه های مخفیانه کافران و مشرکان داشته باشد.

توطئه کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۶ – ۴

۴ کافران قوم شعیب در تلاش مستمر برای بد جلوه دادن راه خدا

و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن به و تبغونها عوجاً

توطئه کافران مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۵ – ۲

۲ – خداونـد ، بـا بیـان پافشاری کافران عصـر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایـده خوانـد و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم یکیدون کیدًا

توطئه کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۰ – ۲،۳

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یمکر بک الذین کفروا . .. و اللّه خیر

المكرين

<إذ يمكر . .. > عطف بر <إذ أنتم قليل ... > در آيه ۲۶ است.

۳ محبوس ساختن يا كشتن و يا تبعيد پيامبر (ص) ، از جمله توطئه هاى كافران مكه عليه آن حضرت

ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك و يمكرون

جمله <و يمكرون> بيانگر اين است كه كافران علاوه بر تصميم داشتن به قتل پيامبر(ص) و . .. برنامه هاى ديگرى نيز عليه پيامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبير شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حيله هاى كافران مكه در مبارزه با قرآن و رسالت پيامبر (ص)

و يمكرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علينا حجاره من السماء

برخى در توجيه عذاب خواهى كافران (فامطر علينا . ..) چنين گفته اند كه آنان براى فريب ديگران و يا اقناع خويش اين نفرين را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خويشتن را در انكار قرآن و حقانيت رسالت پيامبر(ص) محق بشمارند. آيه قبل كه سخن از مكر كافران داشت، مى تواند تأييدى براى اين نظريه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۹

۱۹ رهايى پيامبر (ص) از توطئه كافران مكه و اعتلاى كلمه اللّه ، جلوه عزّت (شكست ناپذيرى) و حكمت خدا

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. كلمه اللّه هى العليا و اللّه عزيز

حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

توطئه های کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۱

۱– خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۳ – ۳،۵

۳ – آگاهی خداوند از تمامی توطئه های نهان و آشکار کافران

و أسرّوا قولکم أو اجهروا به إنّه علیم

۵ – آگاهی کامل خداوند به راز دل ها و ضمیر آدمیان ، دلیل احاطه کامل او بر تمامی گفته ها و توطئه های نهان و آشکار کافران است .

و أسرّوا قولکم أو اجهروا به إنّه علیم بذات الصدور

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <إنّه علیم. ..>، در مقام تعلیل برای عبارت <و أسرّوا قولکم أو اجهروا> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۵ – ۳،۴

۳ – بی تأثیر ساختن هشدار های قرآن درباره معاد ، محور نیرنگ های کافران

إنّه لقول فصل . .. إنّهم یکیدون کیدًا

به قرینه آیات پیشین، مصداق بارز کید و مکر کافران، توطئه برای جدی نگرفتن هشدارهای قرآن به معاد است.

۴ – جدی نگرفتن هشدار های قرآن به معاد و شوخی قلمداد کردن آن ، دسیسه

کافران در مقابله با آیین الهی

و ما هو بالهزل . إنّهم یکیدون کیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۱

۱ - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

و أکید کیدًا

<کید>; یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد; هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

توطئه های کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران ، در عصر بعثت

فمهّل الکفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

توقعات بیجای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۵

۵ نزول فرشته ای برای همراهی با پیامبر (ص) جهت انذار مردمان ، انتظار بی جای کافران

و قالوا . .. لولا أُنزل إلیه ملک فیکون معه نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۸

۸- درخواست های کافران از پیامبراکرم (ص) ، انتظارهایی فراتر از محدوده رسالت و مأموریت آن حضرت

قل ما کنت بدعًا من الرسل و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از لحن پاسخ موجود در

آیه شریفه، می توان نوع درخواست ها و انتظارهای کافران را شناخت. آنها برای پیامبر(ص) ویژگی هایی را یاد می کردند که رسولان پیشین واجد آن ویژگی نبودند. قرآن در پاسخ آنان می گوید: پیامبراکرم(ص) فردی است چون سایر رسولان و انتظارهایی که کافران از او دارند، از دایره رسالت بیرون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند ، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امرىء منهم أن یوتی صحفًا منشّره . .. کلاّ إنّه تذکره

کلمه <کلاّ>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون. ..) بیان شده است; یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

تهدید به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۵

۵ ابلاغ تهدید های خداوند به کفرپیشگان و رساندن بشارت های او به مؤمنان ، وظیفه پیامبر (ص) بود .

و قل . .. وانتظروا إنا منتظرون

تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵ - ۷

۷ علم فراگیر خداوند و شکست ناپذیری او ، پشتوانه تهدید کفار به عذاب شدید

انّ الّذین کفروا لهم عذاب شدید

و اللّه عزيز . .. انّ اللّه لا يخفى عليه شىء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ تهديد خداوند نسبت به كافران ، براى بازدارى آنان از كفر

و من يكفر بايات اللّه فانّ اللّه سريع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ تهديد كافران از جانب خداوند

و ان تولّوا . .. و اللّه بصير بالعباد

ذكر جمله <و اللّه بصير بالعباد>، كه بيانگر آگاهى همه جانبه خداوند نسبت به بندگان است، در پى جمله <و ان تولّوا . .. >، تهديدى است براى آنان كه از حق اعراض مى كنند. (كافران)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۴،۱۸

۴ تهديد كافران از سوى خداوند ، نسبت به قتل پيامبران و مردمان عدالتخواه

انّ الذين يكفرون . .. و يقتلون النّبيّن ... فبشّرهم بعذاب اليم

۱۸ رضايت كفار عصر پيامبر (ص) به كشتار انبيا توسط گذشتگان ، علّت تهديد آنان به عذاب الهى *

و يقتلون النّبيّن . .. فبشّرهم بعذاب اليم

تهديد بازماندگان قاتلان انبيا به عذاب در صورتى صحيح است كه آنان به اعمال گذشتگان خويش راضى باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۲

۱۲ تهدید کافران به عذابی خوارکننده از سوی خداوند

و لهم عذاب مهين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۳ – ۶

۶ تهدید بی تقوایان

کفرپیشه به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۶

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا . .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و إن یعودوا فانتقمنا منهم کما انتقمنا من الأولین ... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اندو به آن تهدید شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من

الظلمين ببعيد

واقع شـدن جمله <و ما هی . ..> پس از مخاطب قرار دادن پیـامبر(ص) (عنـد ربـک) می توانـد قرینـه بر ایـن باشـد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۴

۴ خداوند کفرپیشگان و منکران رسالت پیامبر (ص) را به هلاک ساختن آنان و از میان بردنشان تهدید کرد .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۴

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت وگوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران منکر آیات الهی را ، تهدید به عذاب کرده بود .

یستعجلونک بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان تکذیب گر ، مورد تهدید خداوند و در معرض عذاب الهی

ثمّ أخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - تهدید کافران به آتش دوزخ از سوی خداوند

فویل للذین کفروا من النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۸

۸ - دلداری خداوند به مؤمنان و تهدید کافران و مشرکان حق گریز به انتقام و شکست

أليس اللّه بعزيز ذى انتقام

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ذیل آیه شریفه که از عزت و انتقام خداوند سخن گفته دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری

کنند .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

۲ – هشدار و تهدید ، از وظایف پیامبراسلام (ص) در برخورد با کافران لجوج و حق ناپذیر

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسوف تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۰ – ۲،۴

۲ – پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیه عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

۴ – پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به عذاب فراگیر و دائمی دوزخ تهدید کرد .

و یحلّ علیه عذاب مقیم

<علی> برای استیلا و تمکن است و می رساند که عذاب الهی دشمنان رسول خدا، فراگیر و گسترده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۰ – ۴

۴ – تهدید کافران لجوج و ستیزه جو ، به عذاب الهی

الذین کذّبوا بالکتب . .. فسوف یعلمون

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <فسوف یعلمون> به قرینه آیه بعد (إذ الأغلال فی أعناقهم . ..) در مقام تهدید می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۴

۴ – خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع

<نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۱

۱ - تهدید کافران مجادله گر در آیات الهی از سوی خداوند

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا ، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۴

۴ - تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۸ – ۳

۳ – تهدید شدن کافران تکذیب گر ، به نزول عذاب الهی همچون اقوام و ملل پیشین

و لقد كذّب الذين من قبلهم فكيف كان نكير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۹ – ۸

۸ – تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب

گر ، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران ، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادتمندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۱

۱ - کافران تکذیب گر ، از سوی خداوند به عذاب خفت بار تهدید شدند .

سنسمه علی الخرطوم

<وَسْم> (از ریشه <نسمه>) به معنای داغ نهادن است و <خرطوم> در اصل به معنای بینی فیل می باشد. تعبیر <بر بینی او داغ خواهیم زد>، کنایه از این است که او را به شدت ذلیل خواهیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۲

۲ – تهدید خداوند ، به هلاکت کافران حق ناپذیر

علی أن نبدّل خیرًا منهم و ما نحن بمسبوقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۷

۷ – تهدید شدن کافران حق ناپذیر و باطل گرا ، به کیفر الهی در قیامت

فذرهم

. .. حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۳

۳ - خداوند ، تهدید کننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک . .. فرعون و ثمود . بل الذین کفروا فی تکذیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۷

۷ - خداوند ، تهدیدکننده کافران و تکذیب کنندگان قرآن ، به سرنوشتی همچون فرجام فرعونیان و قوم ثمود

هل أتیک حدیث الجنود . .. و اللّه من ورائهم محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

تهدید کافران بهانه جو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۶ - ۴

۴- مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق

ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید کافران حق ستیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۸ – ۷

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

تهدید کافران حق ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۶ – ۴

۴– مشرکان و کافران حق ناپذیر و بهانه جو ، مورد تهدید خداوند

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً. قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

تذکر خداوند به گواه و ناظر بودن میان پیامبر(ص) و مشرکان حق ناپذیر، می تواند به منظور تهدید آنان باشد.

تهدید کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳ – ۱۳

۱۳ تهدید مشرکان کفرپیشه صدر اسلام به عذاب دردناك جهنم

بشر الذین کفروا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۲ – ۵

۵ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان عصر بعثت را به عذاب های شدید دنیوی تهدید کرد .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه إن أخذه ألیم شدید

برداشت فوق، از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) در <کذلک أخذ ربک> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۷ – ۱

۱ – مشرکان و کافران صدراسلام ، به نزول عذاب فراگیر و غافل گیرانه تهدید شدند .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرين

<ساحت> به فضای باز اطراف محله می گویند و در آیه شریفه، کنایه از شمول و فراگیری عذاب الهی بر همه افراد است. نزول عذاب در بامداد (صباح) استعاره تمثیلیه است که عذاب الهی، به دشمنی تشبیه شده است که در شب حرکت می کند و صبح گاهان غافل گیرانه یورش می برد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۴

۴ – تهدید شدن کافران صدراسلام به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

و لقد أهلكنا أشياعكم فهل من مدّكر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۷ – ۲

۲ – تهدید خداوند به دچار کردن کافران تکذیب گر صدراسلام ، به سرنوشت شوم و هلاکت بار باغداران یمنی

إنّا بلونهم كما بلونا أصحب الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۳ – ۶

۶ – تهدید شدن کافران صدراسلام ، به نابودی اموال و دارایی های شان

كذلك العذاب . .. لو كانوا يعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۸ – ۳

۳ - تهدید شدن گنه پیشگان و کافران دنیاگرا در صدر اسلام ، به هلاکت و جایگزین شدن مردمی دیگر ، از سوی خداوند

وإذا شئنا بدّلنا أمثلهم تبديلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إنّ بطش ربّک لشدید

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

تهدید کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین مسکونی خویش

و قال الذین کفروا . .. لنخرجنّکم من أرضنا ... فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

تهدید کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا ، ربوبیت او را منکر شوند ، به عذاب شدید و مکری سخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، کافران و مشرکان لجوج را به عذابی خوارکننده در دنیا هشدار داد .

فسوف تعلمون . من یأتیه عذاب یخزیه

مفسـران بر این عقیـده انـد که مقصود از عـذاب خوارکننـده، به قرینه ذیـل آیه که از عـذاب دائمی (اخروی) سـخن می گوید عذاب دنیایی است.

تهدید کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۳

۱۳ شعیب ، کافران قوم خویش را به گرفتار آمدن به

فرجامی همانند سرنوشت فسادگران پیشین تهدید کرد .

و أنظروا کیف کان عقبه المفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۸

۸ شعیب (ع) ، کافران قوم خویش را به داوری خدا و گرفتارسازی آنان به عقوبت های الهی در دنیا تهدید کرد .

و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

با توجه به ذیل آیه ۸۹ (ربنا افتح . ..) معلوم می شود مقصود شعیب از داوری خداوند، تحقق امری است که نابودی کافران در دنیا و در نتیجه پیروزی اهل ایمان را در پی خواهد داشت. چنانچه مخاطب در <فاصبروا> خصوص کافران باشد، این معنا از وضوح بیشتری برخوردار خواهد بود.

تهدید کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۶

۶ - خداوند ، کافران عصر بعثت را به عذابی نزدیک تهدید کرد .

فمهّل . .. رویدًا

دادن مهلت کوتاه به منزله تهدید به عذاب، پس از انقضای مهلت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، تهدیدکننده کافران عصر بعثت به سرنوشتی نظیر فرجام قوم عاد

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۶

۶ - خداوند ، تهدیدکننده کافران عصر بعثت ، به فرجامی نظیر هلاکت قوم ثمود

ألم تر کیف فعل ربّک . .. و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹

۴ - ۱۰ -

۴ - خداوند ، تهدیدکننده کافران عصر بعثت ، به گرفتار ساختن آنان در عقوبتی نظیر فرجام قوم فرعون

ألم تر . .. و فرعون ذی الأوتاد

تهدید کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۷

۲۷- کافران مکه ، مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا ألیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکّه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تربّصوا فإنّی معکم من المتربّصین

تهدیدهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین مسکونی خویش

و قال الذین کفروا . .. لنخرجنّکم من أرضنا ... فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

تهدیدهای کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۲

۲ کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا بازمی داشتند .

و لا تقعدوا بكل صرط توعدون و تصدون عن سبيل اللّه من ءامن به

<ایعاد> مصدر <توعدون> به معنای تهدید کردن و به شکنجه و أمثال آن ترساندن است. <من ءامن> مربوط به فعل <توعدون> و <تصدون> است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی

است <متنازع فیه>. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <به> به <اللّه> برگردانده شده است.

تهمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۳

۳ فراگیری قرآن از دیگران، اتهام کافران به پیامبر(ص)

و لیقولوا درست

لام در <لیقولوا> به معنی عاقبت است. یعنی نهایت سخن منکران در برابر تصریف آیات آن است که می گفتند پیامبر(ص) قرآن را از دیگران آموخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۵

۵ بهانه جویی و اتهام کافران نباید سبب نگرانی و تزلزل مؤمنان گردد.

و لیقولوا درست . .. اتبع ما أوحی الیک

فرمان به اتباع از وحی، پس از اشاره به شبهات کافران، تأکیدی بر لزوم استقامت مؤمنان در برابر شبهات کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلّا سحر مبین

<هذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۲،۳

۲- کافران و مشرکان ، قرآن را در

میان مردم خود ، آموزه های فرد عجمی به پیامبر (ص) معرفی می کردند .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلّمه بشر . .. أعجمىّ

عجمی دانستن قرآن، از پاسخ خداوند که فرمود: <لسان الذى يلحدون إليه أعجمىّ . ..> به دست می آید.

۳- آموختن قرآن از بشر ، یکی از تهمت های کافران و مشرکان به پیامبراسلام (ص) بود .

و لقد نعلم أنهم يقولون إنما يعلّمه بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۹،۱۱

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ يقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۱- استفاده از تهمت و شخصیت شکنی ، از روش های مبارزه کافران با پیامبر (ص) و تعالیم او

إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۵

۵- کافران ، علی رغم به کار بردن شگرد ها و اتهام های مختلف برای جلوگیری از گسترش پیام پیامبر (ص) ، هرگز موفق به آن نشدند .

انظر كيف ضربوا لك الأمثال فضلّوا فلايستطيعون سبيلًا

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <ناتوانی کافران از

راه یابی> نیافتن چاره و راهی برای مسدود کردن پیام آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۱،۲،۳

۱ - جنون ، یکی از نسبت های ناروای کافران و رفاه زدگان به ساحت پیامبراکرم (ص)

أم یقولون به جنّه

<به جنّه>;یعنی، <او گرفتار نوعی جنون است و این اتهام دیگری بود که از سوی کافران و مترفان، به پیامبر(ص) زده می شد.

۲ - شخصیت ، منش و گویش خردمندانه پیامبر (ص) گواهی روشن بر مبرا بودن آن حضرت از اتهام کافران (جنون)

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

۳ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۰ - ۶

۶ - افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلاّ أسطیر الأوّلین . .. و إنّهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۱،۲،۳،۶

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه

۲ کافران ، مدعی مدد رسانی جمعی از مردم غیر مسلمان به پیامبر (ص) در ساختن و پرداختن قرآن

و قال الذين كفروا إن

هذا إلاّ إفکٌ افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

طبق نظر مفسران، مقصود از <قوم آخرون> مردم غیر مسلمان همچون یهود است.

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفکٌ افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبراسلام (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفکٌ افتریه . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبراسلام(ص) را متهم به دروغ گویی می کردند; در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۱،۲،۴،۵

۱ کافران ، مدعی بودند که قرآن ، افسانه های مکتوب پیشینیان است که پیامبر (ص) از روی آنها نسخه برداری کرده و به آنها سامان بخشیده است .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها

۲ کفرپیشگان بر این داعیه بودند که پیامبر (ص) برای ساختن قرآن ، از برخی از اشخاص درخواست استنساخ از اسطوره های پیشینیان را کرده است .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها

برداشت فوق، مبتنی بر این است که فعل <اکتتبها> در معنای حقیقی خود (نوشتن و نسخه برداری پیامبراسلام) استعمال نشده باشد; زیرا به گواه تاریخ پیامبر(ص) آشنا به نوشتن نبوده است. بنابراین مقصود از آن، درخواست نوشتن از دیگران

است; چنان که نوشته های بزرگان را دیگران می نویسند، ولی به آنان نسبت می دهند.

۴ کافران ، مدعی بودند که قرآن همان افسانه های پیشینیان است که گروهی در هر صبح و شام و به صورت مخفیانه ، بر پیامبر (ص) دیکته کرده و می خوانند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلًا

مراد از صبح و شام، می تواند وقت هایی باشد که مردم در منظر و مرای نیستند و به طور معمول، کسی که می خواهد متن مقدسی را بسارد، آن را به صورت پنهانی انجام می دهد تا کسی خبردار نشود.

۵ کافران مدعی بودند که گروهی با استنتاخ از افسانه های پیشینیان و املای آن بر پیامبر (ص) ، آن حضرت را در ساختن قرآن کمک می کنند .

و أعانه علیه قوم ءاخرون . .. و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۶،۱۰

۶ سحر زدگی ، اتهام ظالمانه مشرکان به پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا . .. إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۸ – ۷

۷ – کافران فرو رفته در خرافات و شرک ، متهم کننده پیام انبیا به خرافه و افسانه

و قال الذين كفروا . .. إن هذا إلاّ أسطير الأوّلين

با توجه به این که وعده معاد و رستاخیز همواره از سوی پیامبران الهی مطرح می شده است، می توان گفت که واژه <أوّلین> اشاره به آن بزرگواران دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۸ – ۱۱

۱۱ – اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۶ – ۱

۱ – اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص) ، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و يقولون أئنّا لتاركوا ءالهتنا لشاعر مجنون

آمدن فعل <یقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴ – ۶

۶ – کافران ، پیامبراسلام (ص) را ساحر و بسیار دروغگو می دانستند .

و قال الكفرون هذا سحر كذّاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن

وحی

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۸ – ۳

۳- نسبت افترا به پیامبر (ص) ، از شیوه های کافران در مبارزه با آن حضرت

قال الذین کفروا . .. هذا سحر مبین . أم یقولون افتریه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۲ – ۱،۳،۴،۵

۱ – تکذیب و اتهام ، شیوه همیشگی اقوام و جوامعِ کفرپیشه و شرک آلود در برابر فرستادگان الهی

کذلک ما أتی الذین من قبلهم من رسول إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

۳ – دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

۴ – اتهام سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتی الذین . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

۵ – اتهام سحر یا جنون ، از سوی کافران به پیامبراکرم (ص)

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

ضمیر <من قبلهم> به کافران عصر پیامبر(ص) بازمی گردد; یعنی، اگر اینان تو را به سحر و جنون متهم می کنند، مطلب تازه ای نیست ; زیرا پیشینیان نیز، همین شیوه را داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۱،۷

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن هشدار ها و تذکر های خویش ، بدون نگرانی از اتهام های کافران

فذکّر

از ذیل آیه شریفه استفاده می

شود که پیامبر(ص)، نبایست به اتهام های مشرکان بیندیشد; بلکه وظیفه آن حضرت ادامه دادن به تبلیغ خویش است.

۷ - اتهام کهانت و جنون به پیامبر (ص) ، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربّک بکاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۱

۱ - نسبت دادن پیامبر (ص) ، به شعر و شاعری از جمله اتهام های مکرر کافران

أم یقولون شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۱

۱ - اتهام کافران به پیامبر (ص) ، در ابداع قرآن از نزد خود و نسبت دادن آن به خداوند

أم یقولون تقوّله

<تقوّل>; یعنی، به دروغ چیزی را به کسی نسبت دادن (المصباح المنیر). مقصود کافران این است که قرآن، کلام خداوند نیست و پیامبر(ص) به دروغ آن را به او نسبت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۳

۳ - اتهام سحر و جادوگری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران با مشاهده هر معجزه

و إن یروا ءایه یعرضوا و یقولوا سحر مستمرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۹ - ۶

۶ - پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلّا فى ضلل كبير

برداشت یاد شـده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم. ..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صـفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدّت و نهایت گمراهی

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر تهمت ها و افترا های کافران مخالف

فستبصر و يبصرون . بأيّكم المفتون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - کافران تکذیب گر ، آیات قرآن و مطالب آن را بی اساس و از افسانه های کهن می پنداشتند .

إذا تتلى عليه ءايتنا قال أسطير الأوّلين

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلى عليه ءايتنا قال أسطير الأوّلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵،۸

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لمّا سمعوا الذكر و يقولون إنّه لمجنون

۸ - کافران ، قرآن را نشانه جنون پیامبر (ص) می دانستند .

لمّا سمعوا الذكر و يقولون إنّه لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۱ - ۴

۴ - اتهام شعر به قرآن و شاعری به پیامبر (ص) ، از سوی کافران و مشرکان در آغاز رسالت

و ما هو بقول شاعر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهانت به قرآن و کاهنی به پیامبراسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ -

مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

تهمتهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ - موضع گیری خصمانه کافران صدراسلام علیه پیامبر (ص) و موسی (ع) و متهم ساختن آنان به ساحری

قالوا سحران تظهرا

۱۱ - قرآن و تورات ، دو جادوی پشتیبان یکدیگر ، در ادعای کافران صدراسلام

قالوا سحران تظهرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۱،۷

۱ - کافران ، اظهارات پیامبر (ص) را درباره تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، افترای او بر خدا می دانستند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم . .. أفتری علی اللّه کذبًا

۷ - دفاع خداوند از پیامبر (ص) ، به خاطر اتهامی که کافران به آن حضرت نسبت داده بودند .

أفتری علی اللّه کذبًا أم به جنّه بل

<بل> برای اضراب و رد تردیدی است که کافران درباره حضرت رسول(ص) مطرح کردند; یعنی، آنچه کافران می گویند، هیچ کدام درست نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۵

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۷

تهمتهای کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۲

۲- کفار قریش ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، آیات قرآن را به چند دسته تقسیم کرده و هر دسته را با تهمت و افترا و ترفند های گوناگون ، به استهزا گرفته و منکر شدند .

المقتسمین. الذین جعلوا القرءان عضین

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از این آیه و آیه قبل چنان که در شأن نزولها آمده است کفار قریش باشد که همگی (حدود ۱۶ نفر) به شکلهای گوناگون به هلاکت رسیدند.

تهمتهای کافران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۲

۲ اشراف کفرپیشه قوم هود ، وی را به سفاهت و دروغگویی متهم کردند .

قال الملأ الذین کفروا . .. انا لنریک فی سفاهه و إنا لنظنک من الکذبین

تهمتهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۳

۳– کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی

گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۵

۵- کافران مکه ، پیامبر (ص) را متهم به سحر می کردند .

بل نحن قوم مسحورون

در آیه فوق، هر چند به <سحر کننده> تصریح نشده، ولی تناسب حکم و موضوع و نیز آیه های دیگری که به این موضوع تصریح کرده است، مقصود پیامبراسلام(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

ثبت عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۱۴

۱۴- ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثًا و رءيًا . .. فليمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<استدراج>; یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن به

قرینه <حتّی إذا. ..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقلَّبَ فی الأُمور>; یعنی، <تصرّف کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

ثروت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند .

أن کان ذا مال و بنین

ثروتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۰

۱۰ فقر مؤمنان صدر اسلام ، و تمرکز ثروت ها در جبهه کفر *

زین للذین کفروا . .. و یسخرون ... و اللّه یرزق

تزین دنیا نزد کافران، تمسخر مؤمنان توسّط آنان، وعده الهی به برتری مؤمنان در قیامت و برخورداری آنان از نعمتهای بی حساب، دلایل استناد این برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۸ – ۳

۳ – کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر ثروتمند و مرفّه جامعه اند .

ما أغنی عنّی مالیه

یادآوری این مطلب که ثروت و اموال، ما را

نجات نداد; می رساند که این گروه از قشر مرفه و ثروتمند جامعه اند. در آیه ۴۵ سوره <واقعه> از آنان به عنوان <مترفان> (نازپروردگان و برخورداران) یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۳

۳ - کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر قدرتمندان و توانگران جامعه اند .

هلك عنّی سلطنیه

ثروتمندی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۸ - ۴

۴- برخی از مردم کافر و مشرك در عصر ظهور اسلام ، از ثروت و امکانات چشمگیری برخوردار بودند .

لاتمدّنّ عینیك إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۱

۱ - کافرانِ برخوردار از ثروت در صدراسلام ، از انفاق به مستمندان و گرسنگان خودداری می کردند .

و إذا قیل لهم أنفقوا ممّا رزقکم اللّه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته به دست می آید: ۱ همزه در <أنطعم> برای استفهام انکاری است; ۲ آیه شریفه در مکه نازل شده و مربوط به کافران صدراسلام است.

جامعه اسلامی و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۲

۲ تلاش کفرپیشگان برای واداشتن جامعه ایمانی به پیروی از خویش

ان تطیعوا الّذین کفروا یردّوکم علی اعقابکم

جاودانگی عذاب اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۸

۸- خلود کافران در عذاب

اخروی

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <لا هم ینظرون> نفی تعلق رحمت و عنایت خداوند به کافران باشد. لازمه چنین نفی مطلقی، رهایی نیافتن کافران از عذاب و جاودانگی آنان در آتش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۲

۲ - عذاب کافران ، همیشگی و فناناپذیر است .

علیهم نار مؤصده

بسته بودنِ در، کنایه از استمرار عذاب است.

جاودانگی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۳

۳ - کفرپیشه گان مکذّبان آیات الهی ، همواره در عذاب خواهند ماند .

و أمّا الذین کفروا . .. فی العذاب محضرون

<محضرون> اسم مفعول <إحضار> به چیزی گفته می شود که همواره حاضر باشد. چنین نکته ای، مستلزم این است که افراد یاد شده، هیچ گاه از عذاب غایب نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

<باء> در <بما کانوا> برای مقابله است؛ یعنی، جاودانگی کافران در دوزخ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با

پیامبر(ص) و آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران تکذیب گر آیات الهی ، به صورت دائمی و جاودانه در دوزخ جای دارند .

و الذین کفروا . .. أصحب النار خلدین فیها

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۶ – ۶

۶ – عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنّم خلدین فیها

جاودانگی کافران در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۸

۸ – عذاب دوزخ جاودان است و کافران در آن مخلد خواهد بود .

لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۵ – ۵

۵ – محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جرم کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۸ – ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی ، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا. .. حتّی إذا جاءو قال أكذّبتم بایتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است; ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ -

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ جنگ با دوستان شیطان (کافران و طاغوت ها) مصداق بارز نبرد در راه خدا

الّذین امنوا یقاتلون فی سبیل اللّه . .. فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۲،۳،۱۱

۲ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواستار نبرد با کفّار ، قبل از تشریع جهاد و مبارزه مسلّحانه

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم . .. فلمّا کتب علیهم القتال

از جمله <فلمّا کتب> به دست می آید که مراد از <کفّوا>، خودداری از نبرد و جنگ مسلحانه است.

۳ برخی از مسلمانان صدر اسلام خواهان نبرد با کافران ، پیش از فراهم آمدن زمینه های آن

الم تر الی الّذین قیل لهم کفّوا ایدیکم

جمله <فلما کتب . .. >، چنانچه گذشت، می تواند به معنای تشریع جهاد باشد، و می تواند به معنی فراهم آمدن زمینه جهاد و پیش آمدن شرایط آن باشد ; یعنی آنگاه که پیامبر (ص) مسلمانان را به سوی جهاد فراخواند ... .

۱۱ لزوم خودسازی ، پیش از نبرد با کفّار

و اقیموا الصلوه و اتوا الزکوه فلمّا کتب علیهم القتال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ -

نساء - ۴ - ۹۰ - ۱۲

۱۲ هشدار و تهدید خداوند به مسلمانان ، در مورد تعرض به کافران و منافقانی که پیکار با آنان ممنوع شده است .

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۰

۱۰ رؤیای پیامبر (ص) (اندک دیدن نفرات سپاه کفر) عامل وحدت کلمه مسلمانان در ضرورت پیکار با سپاه کفر و حضور رشیدانه آنان در جنگ بدر

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۸ - ۱۰

۱۰ آمرزش گناه مجاهدانی از صدر اسلام که در ماه حرام با کفار جنگیدند . (عبداللّه بن جحش و همراهان او)

ان الذین امنوا و الذین هاجروا

به دلیل شأن نزول، از مصادیق اولی آیه، عبداللّه بن جحش و یاران او هستند که پس از هجرت از مدینه به سوی نخله، با دشمن درگیر شدند و آنان را کشتند و یا اسیر کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۸

۸ پیامبر (ص) و رهبران الهی نباید صلح طلبیهایی را که قرین نیرنگ است بپذیرند و به سبب آن از نبرد با کافران بازایستند .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <و ان یریدوا . .. > فرض دیگری در مقابل <إن جنحوا> باشد، نه توضیح و تکمیل آن. یعنی صلح به دو

منظور پیشنهاد می شود: گاهی به سبب صلح واقعی و زندگانی مسالمت آمیز با مسلمانان و گاهی به منظور حیله گری و تجدید قوا. آیه قبل (إن جنحوا ...) بیانگر احکام و دستورات فرض اول و آیه دوم (و إن یریدوا) بیانگر احکام و دستورات فرض دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۴

۴ جنگیدن با کفار محارب ، پس از گرویدن آنان به اسلام ، ممنوع است .

فإن تابوا . .. فإخونکم فی الدین

جمله <فإخونکم فی الدین> اشاره به این معنا دارد که: کفار محارب با گرویدن به اسلام، برادران دینی مسلمانان محسوب شده و از آن پس، جنگیدن با آنان حرام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جنگ با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم

جنگ با کافران معاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲ - ۶،۱۰

۶

لغو اعتبار پیمان عدم تعرض و اعلان جنگ به معاهدان کافر ، در صورت شکسته شدن پیمان از سوی آنان ، بلامانع است .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم . .. فقتلوا

۱۰ طعن و توهین به اسلام از سوی کفار معاهد ، لغو اعتبار پیمان صلح و اعلان نبرد با آن را ، مجاز می کند .

و إن نکثوا أیمنهم من بعد عهدهم و طعنوا فی دینکم فقتلوا

جنگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۳

۳ جنگ های کافران ، در راه طاغوت است .

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جنگهای قبیله ای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در نبرد های قومی و قبیله ای خود جنگاور و سخت کوش ; ولی در برابر جبهه حق ، ضعیف و ناتوان

بأسهم بینهم شدید . .. و قلوبهم شتّی

برداشت یاد شده در صورتی است که واژه <بأسهم> اشاره به جنگ هایی باشد که در میان قبایل خود کافران آن روزگار متداول بوده است.

جنون کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۲

۲ - کافران ، مستحق نام جنون هستند .

و يبصرون . بأيّكم المفتون

جوسازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۳

۳ شکست در پیکار احد ، زمینه ساز هجوم تبلیغاتی کافران و یا منافقان ، علیه اسلام ، پیامبر (ص)

و مسلمانان

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و م

کشته شدن عدّه ای از مسلمانان در جنگ احد باعث شده بود که کافران و یا منافقان، که با حضور در صحنه احد مخالف بودند، ماجرای احد و کشته های فراوان آن را حربه تبلیغاتی علیه پیامبر (ص) قرار دهند. آنان می گفتند اگر نظر ما را می پذیرفتند و همراه پیامبر (ص) خارج نمی شدند، این حوادث ناگوار پیش نمی آمد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۷ – ۳

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۹،۱۰

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ یقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تتّبعون إلاّـ رجلاًـ مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص) که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران ، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن ، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند .

إذ یقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تتّبعون> کافران باشد

که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <یقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جوسازی کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۷ – ۳

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان عصر بعثت و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جوسازی کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۷

۷ – امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

جهاد با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۶ – ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۹ – ۴

۴- پیامبر (ص) ، مشرکان و کافران لجوج و حق ناپذیر را به جنگ و جهاد تهدید کرد .

فإن تولّوا فقل ءاذنتکم علی سواء

برداشت یاد شده بر اساس یکی از احتمالاتی است که میان مفسران در باره این آیه مطرح است و آن این که جمله <آذنتکم علی سواء> تهدید به جنگ و هشدار به جهاد است. مانند آیه <فانبذ إلیهم علی سواء> (انفال (۸) آیه ۵۸).

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۱،۴،۲۲،۲۴،۳۰

۱- لزوم پیکاری بی امان با کافران ستیزه جوی در میدان های جنگ

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

۴- لزوم کشتن کافران و امان ندادن به آنان ، در میدان جنگ تا مرحله زمین گیرشدن دشمن

فضرب الرقاب حتّی إذا أثختنموهم

آیه شریفه در مجموع بیانگر یکی از قوانین کارآمد و حیاتی در میدان جنگ است. خداوند، به رزمندگان مسلمان رهنمود داده است تا قبل از غلبه یافتن بر دشمن و زمین گیر ساختن او، اقدام به گرفتن اسیر نکنند; بلکه بی درنگ هر دشمنی که در مقابلشان قرار گرفت، بکشند.

۲۲- فرمان خداوند به جهاد ، در عین قدرت او بر نابودسازی کافران ، به منظور آزمایش آدمیان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ بعضکم ببعض

۲۴- عدم تعلق مشیّت الهی بر نابودسازی کافران ، بدون تلاش و جهاد مؤمنان

و لو یشاء اللّه لانتصر منهم و لکن لیبلواْ

<لو> برای امتناع است; یعنی، اگر خداوند بخواهد که کافران بدون حضور در جبهه نبرد نابود شوند، می تواند آنان را نابود کند; اما او چنین نخواسته است.

۳۰- جنگ با کافران محارب ، حرکت در مسیر خداوند است .

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه

آنچه در صدر آیه شریفه مطرح شده است مبارزه بی امان با کافران در جبهه های نبرد است و خداوند، چنین مبارزه ای را <سبیل اللّه> نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۲

۲- جهاد و مبارزه با کافران محارب ، یاری خداوند است .

فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب . .. إن

تنصروا اللّه ینصرکم

باتوجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین، استفاده می شود که <یاری دادن به خدا> بر <جنگ علیه کافران محارب> منطبق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۰ - ۱

۱ - وجوب نبرد با کافران ، در صورتی که با مسلمانان سرجنگ داشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه الذین یقتلونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۹

۹ - فتنه انگیزی کافران ، مجوز نبرد با ایشان است ، هر چند که با مسلمانان سر جنگ نداشته باشند .

و قتلوا فی سبیل اللّه یقتلونکم . .. الفتنه أشد من القتل

جمله <والفتنه أشد من القتل>، به اصطلاح اصولیین حاکم بر <الذین یقاتلونکم> است و موجب توسعه در موضوع حکم مطرح شده در آیه قبل می شود; یعنی، آیه قبل بیان داشت که با کافران حربی نبرد کنید و جمله <الفتنه . ..> بیان می کند که فتنه انگیزی به منزله جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۱،۳

۱ - نبرد با کافران ، تا برطرف شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده مسلمانان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۳ - نبرد با کافران ، تا حاکمیت یافتن دین خدا در پهنه گیتی ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه و یکون الدین للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۷

۷ ضرورت بسیج تمامی نیرو های مؤمن

و غیر مؤمن از سوی رهبری جامعه دینی برای رویارویی با هجوم کافران

و قیل لهم تعالوا قاتلوا فی سبیل اللّه او ادفعوا

بنـابر اینکه دعوت مطرح شـده در آیه، یـک دعوت موردی و خاص باشـد، نه بیانگر اصل وجوب جهاد و دفاع، الزاماً مخاطبان در آیه دو گروه خواهنـد بود: گروهی که <للّه> و <فی سبیـل اللّه> در صـحنه پیکـار حاضـر می شونـد و گروهی که برای دفاع از کیان و ملیّت خود و . .. نبرد می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۱۱

۱۱ خداوند حامی و یاور مؤمنان در رویارویی آنان با کافران

و لن تغنی عنکم . .. و أن اللّه مع المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۴ – ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

یأیها الذین ءامنوا استجیبوا للّه و للرسول

از مصـادیق مورد نظر برای <مـا یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سـیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۹ – ۴

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . .. یکون الدین کله للّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۰ – ۱

۱ اهل ایمان باید با باور به یاری خداوند و سرپرستی او ، به جهاد با

کافران فتنه انگیز بپردازند .

و إن تولوا فاعلموا أن اللّه مولیکم نعم المولی و نعم النصیر

متعلق <تولوا> دست برداشتن از فتنه انگیزی است ; یعنی <إن تولوا عن الانتهاء فلم یترکوا الفتنه>. و جواب شرط، به قرینه آیه قبل، جمله ای همانند <فقاتلوهم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۴

۱ اهل ایمان موظف به پیکار با کفرپیشگان

یأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

از <من الذین کفروا> در ذیل آیه بدست می آید که مراد از <القتال> پیکار با کافران است.

۲ تشویق و تحریک اهل ایمان برای پیکار با کافران ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

یأیها النبی حرض المؤمنین علی القتال

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنین علی القتال إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر

این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنـان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینـداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قیـد <فی الدین> بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسـلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسـلمانان از آنان حمایت کننـد و اگر درگیری بـدین انگیزه نباشـد، حمایت از آنان ضـرورت نـدارد. قابل ذکر است که <ال> در <النصر> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی <فعلیکم نصرهـم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۳،۷

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الکفار . .. و اغلظ علیهم

۳ تصمیم به جهاد با کافران و منافقان ، در محدوده مسؤولیت های رهبر جامعه اسلامی

یأیها النبی جهد الکفار

به کارگیری خطاب <یا أیها النبی> به جای <یا أیها الـذین آمنوا> بیانگر این است که: تصـمیم گیری درباره جنگ با کفار و منافقان، از وظایف رهبر جامعه ایمانی است.

۷ < عن ابی جعفر (ع) قال : < جاهد

الکفار و المنفقین > بالزام الفرائض ;

از امام باقر (ع) [در توضـیح سـخن خدا که فرمود :]<با کفار و منافقان مجاهده کن> روایت شده: مقصود الزام آنان به انجام فرایض است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۱،۱۰

۱ فرمان الهی به مؤمنان در اسلام مبنی بر مبارزه و پیکار با جوامع کفرپیشه همجوار خویش

یأیها الذین ءامنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا . .. و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۱،۳

۱ - پیامبر (ص) ، به جهاد با کافران و منافقان فرمان یافت .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین

۳ - جهاد با کافران و منافقان و هرگونه برخورد شدید و سختگیرانه با آنان ، باید زیر نظر رهبر جامعه اسلامی انجام گیرد .

یأیّها النبیّ جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

مخاطب قرار گرفتن شـخص پیامبر(ص)، در جهاد سـختگیرانه با کافران و منافقان، می تواند اشاره به نکته یاد شده باشد. افراط و تفریطی که نوعاً در چنین موضوعی از سوی مردم سرمی زند، تأیید کننده همین مطلب است.

جهاد با کافران اشغالگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۶

۶ - ضرورت نبرد با کافرانی که سرزمین های اسلامی را به تصرف خویش در آورده اند .

و اقتلوهم . .. و أخرجوهم من حيث أخرجوكم

جهان بينى كافران

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۱۲

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۱۲

۱۲ برخی مشرکان و کافران عنود، با نقش مشیت الهی در تأثیر اسباب آشنا بودند.

ما کانوا لیؤمنوا إلا أن یشاء الله و لکن أکثرهم یجهلون

جهانبینی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۸،۱۰

۸ تحلیل سختی های بیدارکننده و هدفدار به حوادثی برخاسته از عوامل طبیعی و بدون هدف ، تحلیل نادرست منکران رسالت پس از رسیدن به رفاه و آسایش

قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلیگرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

جهل اکثریت کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۷ – ۶

۶ – بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و

معاد) بودند .

و لكنّ أكثر الناس لايعلمون

ممكن است مقصود از <الناس> در آيه شريفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مكه) باشد. برداشت يادشده بر اين احتمال مبتنى است.

جهل كافران

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۸ – ۱۰

۱۰ اهل کتاب و دیگر کافران به دلیل استهزای دین اسلام و احکام و شعایر آن ، @مردمی نادان و بی خرد

اتخذوا دینکم هزواً . .. ذلک بانهم قوم لایعقلون

برداشت فوق بر این مبناست که <لایعقلون> فعلی لازم باشد، یعنی اهل کتاب و کافران، فاقد عقل و اندیشه کافی هستند. اسناد <لایعقلون> به <قوم> که حاکی از بافت خاص اجتماعی آنهاست، این معنی را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸ – ۶

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۳ – ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

<جحد> به انکاری که بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمکار شمردن منکران در آیه به جهت مخالفت آگاهانه آنان با پیامبر(ص) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۴ – ۱۱

۱۱اکثر کافران عصر بعثت ، ناآگاه به

ضرورت تقوا برای متولیان مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون و لکن أکثرهم لایعلمون

مفعول <لایعلمون> حقایقی است که آیه مورد بحث بدان پرداخته است ; از جمله ضرورت تقوا برای والیان مسجدالحرام و نیز استحقاق عذاب برای سدکنندگان مسجدالحرام بر روی مؤمنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۰

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- خداوند ، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را ، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد .

و نمدّ له من العذاب مدًّا

محتمل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فلیمدد له الرحمان مدّاً> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یاوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را

که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۳

۳ – قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۱ – ۱۲

۱۲ – کافران حق ستیز ، فاقد بینش و درک لازم نسبت به مصالح و منافع خویش

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۶ – ۱

۱ – دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادّرک علمهم فی الأخره

<تدارُک> (مصدر <إدارک>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانده باشد. <ادّارک علمهم فی الأخره>; یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۲،۱۳

۱۲ – کافران ، از حقیقت روز قیامت و برانگیختگی مردگان در آن ، همواره ، در جهل و بی اطلاعی اند .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث و لکنّکم کنتم لاتعلمون

۱۳ - کافران ، از وقوع قیامت بی اطلاع اند و

برای حضور در آن ، آماده نیستند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. و لکنّکم کنتم لاتعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۶

۶ - کافران مجرم ، مردمانی جاهل و نادان به حقایق اند .

المجرمون. .. الذین کفروا... الذین لایعلمون

<لایعلمون> می تواند صفت دیگری علاوه بر <المجرمون> برای <الذین کفروا> باشد که درباره آنان و موضع گیری هایشان در این آیات، بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۶ - ۴

۴ - کافران ، افرادی فاقد علم و دانش اند .

قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه . .. و یری الذین أُوتوا العلم الذی أُنزل إلیك

به قرینه مقابله با آیه <الذین سَعَوْ> که کافران بودند ذکر <أُوتوا العلم> نشان می دهد که آنان فاقد چنین صفتی اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

جهل کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جهل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱

۱ - کافران و مشرکان

صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۲

۲ - گروهی از کافران در عصر پیامبر (ص) ، بی خبر از موضع قاطع آن حضرت در برابر کفر و امیدوار به تنزل او در برابر شرک

قل یأیّها الکفرون

ادامه سوره، قرینه است بر این که مراد از <الکافرون>، همه کافران نیستند; بلکه تنها آن گروه مخاطب اند که امیدی به ایمان آنان نمی رفت. سخن گفتن با آنان در این باره که پیامبر(ص) اهل سازش نیست بیانگر آن است که آنان تسامح و تساهل را برای آن حضرت، امکان پذیر می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصوری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون . .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش

می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث . .. بغیر علم

<بغیر علم> متعلق به فعل <یشتری> است.

چرخش صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

چشمهای کافران در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۱

۱ - کافران حق ناپذیر ، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند .

خشه أبصارهم

حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

چون پاداش الهی مشروط

به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۸

۸ کفر به خدا ، مایه حبط و بی ارزشی و فاسد شدن اعمال نیک کافران است .

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد اللّه شهدین علی أنفسهم بالکفر أولئک حبطت أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۱،۱۳

۱۱ حبط و سقوط ارزش و بی ثمر بودن اعمال کافران و منافقان ، در دنیا و آخرت

وعد اللّه المنقین . .. أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره

۱۳ بی تأثیر ماندن دسیسه های منافقان و کافران طول تاریخ ، در از بین بردن ارزش های الهی ، عبرتی است برای دنبال کنندگان راه آنان . *

کالذین من قبلکم . .. أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره

با توجه به اینکه منظور از اعمال در <أعمالهم> می تواند روشهای خائنانه آنان در قبال ادیان الهی باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۲،۸

۲- عمل نیک کافران ارزشی ندارد و حبط می شود .

مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف

۸- کافران ، در آخرت قادر به بهره برداری از اعمال نیک خویش نخواهند بود و از آن محروم خواهند شد .

أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۹ – ۱۳

۱۳– آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۵ – ۶،۹

۶– حبط اَعمال کافران ، همان ضایع شدن سعی و تلاش دنیوی آنان است .

الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا . .. فحبطت أعملهم

۹– کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذین کفروا . .. فحبطت أعملهم فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۶ – ۴

۴– استهزای آیات و پیامبران الهی ، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزاؤهم جهنّم بما کفروا واتخذوا ءایتی و رسلی هزوًا

<هزواً> و <هزءاً> به یک معنا است و مصدری است که حمل آن بر <آیات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشکار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۵

۵ – اعمال نیک کافران ، حبط شده و برای آنان ثمره اخروی نخواهد داشت .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

اگر سراب گونه بودن اعمال کافران، در رابطه با قیامت باشد، قهراً می تواند

اشاره به حبط اعمالشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲۵

۲۵ - حبط عمل صالح غیر مؤمنان ، بر خداوند ، آسان است .

فأحبط اللّه أعملهم و کان ذلک علی اللّه یسیرًا

در صورتی که مشارالیه <ذلک> اِحباط باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۲

۲- فرجام نهایی کافران ، به رو افتادن در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذین کفروا فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم

بنابراین که جمله <فتعساً لهم> خبریه باشد و با توجه به این که <تعس> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعملهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

حتمیت انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۴ - ۸

۸ - کافران تکذیب گر ، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است؛ قهراً رهایی از

آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

حتمیت اندوه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

حتمیت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۶

۶ - تأکید خداوند ، بر پیروزی پیامبر (ص) و ناکامی کافران تکذیب گر

و کذّبوا . .. و کلّ أمر مستقرّ

بیان کلی خداوند در تحقق و استقرار برنامه های از پیش تعیین شده، در حقیقت نویدی به مؤمنان و تهدیدی به کافران است که رسالت پیامبر(ص) سرانجام تثبیت خواهد شد و تکذیب گران کاری از پیش نخواهند برد.

حتمیت عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۲

۲ - ناتوانی کافران در به شکست کشاندن جبهه حق

و نیروی الهی ، جای هیچ گونه شک و تردیدی ندارد .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

تعبیر <لاتحسبنّ> (گمان مبر) با آن که گمان امری غیر اختیاری است و چیزی نیست که به پرهیز از آن توصیه شود می رساند که جای چنین گمانی نیست و نباید کسی به خود تردید راه دهد.

حتمیت عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۷

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و یستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب . .. یستعجلونک بالعذاب و إنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱۹

۱۹ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

<حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است و <کلمه> در آیه شریفه به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق>; یعنی، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربِّک> وعده فرمان عذاب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۱ – ۹،۱۰

۹ – در قیامت هیچ راه و روزنه نجات

از عذاب الهی ، برای کافران نخواهد بود .

فهل إلی خروج من سبیل

تنکیر <خروج> و <سبیل> برای نوعیت است; یعنی، کافران از تمامی راه های خروج و وسایل رهایی محروم اند.

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۲،۳

۲ - در قیامت هیچ عامل نجات دهنده ای برای کافران ، در برابر عذاب و قهر خداوند وجود ندارد .

یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

۳ - عذاب الهی کافران در قیامت ، قطعی و گریزناپذیر است .

ما لکم من اللّه من عاصم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۳

۲۳ - کافران ، در قیامت گرفتار عذابی حتمی و جانکاه

و لنذیقنّهم من عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۷

۷ - بی اعتنایی خداوند به بهانه تراشی ها و عذرخواهی های کافران ، برای رهایی از عذاب دوزخ

فالیوم لایخرجون منها و لا هم یستعتبون

چنانچه از <استعتاب> (طلب عذرخواهی)، لازمه آن (قبول عذر) اراده شده باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران مهلت یافته در دنیا ، ناگزیر از چشیدن عذاب آتش ، در آخرت

اند .

و لولا أن . .. لعذّبهم فی الدنیا و لهم فی الأخره عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۴

۴ - عذاب کافران در قیامت ، امری قطعی و غیرقابل دفع از سوی کسی

بعذاب واقع . للکفرین لیس له دافع

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که مراد از عذاب در آیه شریفه، عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند; می توان پی برد که آنان، گرفتاری به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

حتمیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیه و عوضی گرفته نمی شود و . ..، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۵

۵ هیچ چیز ، حتی برترین قدرت های نظامی ، اقتصادی

و نیروی انسانی ، مانع تحقق یافتن عذاب الهی برای کافران و منافقان نیست .

وعد اللّه المنفقین . .. و لهم عذاب مقیم. کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أکث

نیروی نظامی از <قوه>، اقتصادی از <أموالا> و انسانی از <أولاداً> برداشت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۵،۸

۵ کفرپیشگان ، در زمانی نه چندان دور به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

إلی أُمّه معدوده . .. ألا یوم یأتیهم لیس مصروفاً عنهم

ضمیر فاعلی در <یأتیهم> به عذاب برمی گردد و <یوم> ظرف برای <مصروفاً> است.

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جمله <لیس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم . ..> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۸

۸ کفرپیشگان نه می توانند از نزول عذاب الهی جلوگیری کنند و نه قادرند از گرفتارشدن به آن ، خود را رهایی بخشند .

إنما یأتیکم به الله . .. و ما أنتم بمعجزین

إعجاز (مصدر معجزین) به معنای فرار کردن و از دسترس خارج شدن است. بنابراین <ما أنتم بمعجزین>; یعنی ، [پس از نزول عذاب] نمی توانید فرار کنید و خود را از عذاب برهانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۴،۵

مشرکان و کافران ، نمی توانند از عذاب های الهی بگریزند و خویشتن را از آن مصون دارند .

أن تأتیهم غشیه من عذاب الله

توصیف عذاب الهی به فراگیرنده ، اشاره به این حقیقت دارد که نمی توان از آن فرار کرد و خویشتن را از رنج آن رهانید.

۵ احساس امنیت کافران و مشرکان از عذاب های الهی در دنیا و فرا رسیدن عذاب های اخروی ، امری شگفت و نابجاست .

أفأمنوا أن تأتیهم غشیه من عذاب الله أو تأتیهم الساعه

همزه استفهام در <أفأمنوا> می تواند انکار توبیخی باشد و محتمل است برای بیان تعجب ایراد شده باشد ; یعنی، جای شگفتی است که از ناحیه خداوند احساس امنیت می کنند و حال آن که علی رغم وجود برهان بر توحید و حقانیت رسالت، از پذیرش توحید و رسالت سرباز می زنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۵

۵- بی تردید کافران ، دارای فرجامی ناگوارند و به عذابی شدید و طاقت فرسا ، گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرماید: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شوند و یا دچار عذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران

و مشركان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۳ - ۵

۵- بى پناهى همه جانبه كافران دربرابر عذاب الهى و حتمى بودن هلاكت آنان

أم لهم ءالهه تمنعهم من دوننا . .. و لا هم منّا يصحبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۱

۱ - عذاب و كيفر كافران جرم پيشه ، وعده اى حتمى و تخلف ناپذير است ; هر چند پس از تأخير و مهلتى محدود باشد .

أفرءيت إن متّعنهم سنين . ثمّ جاءهم ما كانوا يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۹،۱۰

۹ - عذاب تعيين شده براى كافران ، به خاطر اجل معين ، تأخير دارد و لكن تحقق اش قطعى است .

و لولا أجل مسمّى لجاءهم العذاب

۱۰ - عذاب كافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانى ، آنان را فراخواهد گرفت .

و ليأتينّهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذابِ كافران منكر آيات خدا ، در جهنم قطعى است .

يستعجلونك بالعذاب و إنّ جهنّم لمحيطه بالكفرين

جمله اسميه "إنّ جهنّم" و تأكيد "إنّ" بر حتميت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۹

۹ - تحقق وعده خداوند مبنی بر عذاب کافران ، حتمی است .

و یحقّ القول علی الکفرین

مقصود از <قول> طبق نظر مفسران وعده خداوند به عذاب کافران است; مثل آیه شریفه <لکن حقّت

کلمه العذاب علی الکافرین>، (زمر، آیه ۷۱).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۴ – ۳

۳ – اشتراک عذاب و کیفر رهبران شرک و کفر و توده های مشرک و کافر ، وعده حتمی خداوند

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۸ – ۱

۱ – چشیدن عذاب دردناک ، وعده حتمی خداوند به کافران و مشرکان مستکبر

إذا قیل لهم لا إله إلاّ اللّه یستکبرون . .. إنّکم لذائقوا العذاب الألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۳ – ۶

۶ – فرار و نجات از عذاب الهی ، برای کافران ممکن نیست .

فنادوا و لات حین مناص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۵ – ۴

۴ – با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران ، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود .

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۲

۲ – تلاش مذبوحانه و بی ثمر کافران و مشرکان دوزخی ، در جهت دفع عذاب الهی از خود

أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ –

۲۰ – عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۲ – ۸

۸ – حکم خداوند به عذاب مشرکان و کافران حق ناپذیر ، قطعی و قابل نقض و تغییر نیست .

فالحکم للّه العلیّ الکبیر

آمدن دو صفت <علیّ> و <کبیر> برای خداوند (پس از ذکر حکم الهی درباره کافران و مشرکان) می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۹

۹ – راه نجات از عذاب جهنم ، به روی تمامی کافران ستیزه جو بسته است .

و ما دعؤا الکفرین إلاّ فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۶

۶ – مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۵ – ۳

۳ – کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱،۳

۱- کافران گستاخ در برابر خداوند و پدر و مادر ، محکوم به عذاب حتمی الهی

و الذی قال لولدیه أُفّ . .. ما

هذا إلاّ أسطير الأوّلين . أَولئک الذين حقّ علی

مشاراليه <اُولئک> کسی است که به پدر و مادر <اُفّ> گفته و وعده الهی را <أساطير> خوانده است.

۳- گروه های بسياری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاريخ

حقّ عليهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۶

۲۶- کافران ، مستحق عذاب حتمی الهی

لو تزيّلوا لعذّبنا الذين کفروا منهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۱

۱ - وجود نداشتن کمترين مانع ، برای کيفر کافران و عذاب کردن آنان از سوی خداوند

عذاب ربّک . .. ما له من دافع

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۱

۱ - هيچ انسان کافری ، از نزول عذاب الهی در امان نيست .

ءأمنتم من فی السماء أن يخسف بکم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۱

۱ - هيچ انسان کافری ، از نزول عذاب الهی در امان نيست .

أم أمنتم من فی السماء أن يرسل عليکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۶

۶ - هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی پناه دادن به کافران در برابر عذاب دردناک الهی را ندارد .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <فمن یجیر. ..> انکاری

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۸ – ۱

۱ – کارساز نبودن ثروت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

ما أغنی عنّی مالیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۹ – ۱

۱ – کارساز نبودن قدرت کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، در رهایی آنان از عذاب قیامت

هلك عنّی سلطنیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲۰ – ۴

۴ – کافران ، هیچ راه گریزی از عذاب خداوند ندارند .

و اللّه من ورائهم محیط

آیه شریفه، تهدید کافران به بسته بودن راه نجات است، به گونه ای که اگر تصمیم به فرار داشته باشند، خود را در احاطه خداوند خواهند دید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۲

۲ – خداوند ، در صورت درخواست پیامبر (ص) از او ، بی درنگ کافران را عذاب کرده و خواسته آن حضرت را اجابت می کرد .

فمهّل الکفرین

چنانچه بر خواسته پیامبر(ص) اثری مترتب نمی شد، فرمان به مهلت دادن لغو می نمود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۵ - ۲

۲ - گریز از عذاب ، برای اعراض کنندگان کافر ، امکان پذیر نیست .

فیعذّبه اللّه . .. إنّ إلینا إیابهم

حرف <إنّ> نشان می دهد که آیه شریفه در مقام تعلیل برای گریزناپذیر بودن عذاب کافران است.

حتمیت عذاب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۷ – ۴

۴ – خداوند ، نزول عذاب بر کفرپیشگان عصر بعثت را قطعی و تخلف ناپذیر خواند .

و یستعجلونک بالعذاب و لن یخلف اللّه وعده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲ – ۱

۱ – عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت ، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للکفرین لیس له دافع

<للکافرین> خبر مقدم برای <لیس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است; یعنی، <لیس للکافرین دافع یدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

حتمیت عذاب کافرانپیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۹،۲۲

۹– تبعیت کورکورانه از رهبران گمراه ، عذری برای رهایی از عذاب الهی در قیامت نیست .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا . .. من شیء

درخواست کمک از رهبران گمراه در قیامت برای کاستن از عذاب از سوی کسانی که تابع محض بوده اند، حکایت از آن دارد که تبعیت بی چون و چرا موجب نمی شود که عذاب برداشته شود، بلکه پیروان نیز عذاب خواهند شد.

۲۲– اعلام رهبران مستکبر در قیامت به پیروان خویش مبنی بر قطعی بودن عذاب آنها و نبودن هیچ راه گریزی از آن

قالوا . .. سواء علینا أجزعنا أم صبرنا ما لنا من محیص

حتمیت فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم

- ۱۴ - ۲ - ۵

۵- بی تردید کافران ، دارای فرجامی ناگوارند و به عذابی شدید و طاقت فرسا ، گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

حتمیت کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۹

۹ - عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

یعرض الذین کفروا علی النار . .. فاصبر کما صبر أولواالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۵

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم. ..> نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۴

۴ - حکم مجازات کافران در قیامت

، غیرقابل تغییر و تجدید نظر

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۵

۵ - کافرانی که برای مرتد ساختن مسلمانان ، تلاش کرده اند ، حتماً ، کیفر خواهند شد .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لیحملنّ أثقالهم

<لام قسم> و <نون تأکید> در <لیحملنّ> بر قطعیت، دلالت دارد. لازم به ذکر است که احتمال دارد حمل گناه، کنایه از کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

یغفروا . .. لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<لام> در <لیجزی> برای تعلیل است و فلسفه امر به خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر

الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۴

۴ - هیچ چیز نمی تواند در برابر خداوند ، به هنگام کیفر رساندن کافران ، مانع ایجاد کند .

إنّ بطش ربّک لشدید

واژه <بطش>، در خود معنای زور، قهر و غلبه را دارد و تأکید آن با کلمه <لشدید>، بر شدّت قهر و غلبه در آن دلالت می کند. مراد از قاهر و غالب بودن خداوند، بی تأثیر بودن موانع در برابر کیفررسانی است.

حتمیت مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۳

۳ کافران و مشرکان ، از بازگشت به سوی خداوند مفرّی ندارند .

متع فی الدنیا ثم إلینا مرجعهم

حتمیت هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۱۱

۱۱ – قدرت و امکانات مادی کافران و سلطه طلبان ، مایه نجات آنان از هلاکت

و قهر الهی نخواهد بود .

و كم أهلكنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا . .. هل من محيص

حتیمت عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۲

۲ – عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و كذلك حقّت كلمت ربّك على الذين كفروا

حجاب بین محمد(ص) و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۵ – ۱،۱۱

۱– خداوند ، به هنگام قراءت قرآن توسط پیامبر (ص) ، میان آن حضرت و کافران ، حجابی نامرئی قرار داد .

و إذا قرأت القرءان . .. حجابًا مستورًا

برداشت فوق، مبتنی بر معنای مستور به همان صیغه مفعولی یعنی پوشیده شده است و در آیه به تناسب موضوع، مراد پوشیده شدن از حواس بینندگان (کافران) است.

۱۱– < دخل . . . هشام بن السائب . . . على أبى عبدالله (ع) فقال : . . . أخبرنى عن قول الله < و إذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الـذين لا ـيؤمنون بالأ ـخره حجاباً مستوراً > . . . قال : آيه فى الكهف و آيه فى النحل و آيه فى الجاثيه و هى : < أفرأيت من اتّخذ إلهه هواه و أضلّه الله على علم و ختم على سمعه و قلبه . . . > و فى النحل : < أُولئك الـذين طبع الله على قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أُولئك هم الغافلون > و فى الكهف : < و من أظلم ممّن ذكّر بآيات ربّه فأعرض عن ها و نسى ما قدّمت

يداه . . . > ;

هشام بن سائب بر امام صادق(ع) وارد شد، پس به امام گفت: مرا از سخن خدا <و أذا قرأت القرآن جعلنا بينك و بين الذين لايؤمنون بالأخره حجاباً مستوراً> خبر ده؟ حضرت فرمود: مقصود از قرآنی که پیامبر با خواندن آن از چشم کافران مستور و ناپدید می شود، آیه ای در سوره جاثیه <أفرأیت . ..> و در سوره نحل <أُولئك الذين ...> و در سوره کهف <و من أظلم ممّن...> است>.

حجاب چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذين كانت أعينهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبّب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

حجاب قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۲

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا ، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذين كانت أعينهم فی غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۳

۳ - قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

حرمت اطاعت از کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۳

۳ اطاعت از کافران و تن دادن به خواسته های کفر آمیزشان ، حرام است .

فلاتطع الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۴

۴ - اطاعت از کافران تکذیب گر و اجابت خواسته های آنان ، ممنوع و حرام است .

فلاتطع المکذّبین

حرمت تقویت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذین اتخذوا مسجداً . .. لا تقم فیه أبداً

حرمت حکومت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل . ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

حرمت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۵

۵ حرمت برقرار ساختن پیوند های دوستانه با کافران

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

در برداشت فوق، <ولیّ>، به معنای دوستی و مودّت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱

۱ حرمت ایجاد روابط دوستی و مودّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین

أولياء من دون المؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۲۳ – ۱،۳

۱ حرمت ايجاد پيوند دوستى با كافران و دشمنان دين

يأيها الذين ءامنوا لا تتخذوا . .. أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمن

۳ ايجاد پيوند موالات و دوستى با خويشاوندان كافر هر چند پدر يا برادر باشند حرام است .

يأيها الذين ءامنوا لا تتخذوا ءاباءكم و إخونكم أولياء إن استحبوا الكفر على الإيمن

حرمت سلب امنيت از كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۶ – ۶

۶ تعرض به كفار و سلب امنيت از آنان در اماكن سكونتشان ، جايز نيست .

فأجره حتى يسمع كلم اللّه ثم أبلغه مأمنه

حرمت ولايت كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۲،۳

۲ حرمت و ممنوعيت پذيرش ولايت و سرپرستى كافران ، براى مؤمنان

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء

۳ حرمت برگزيدن كافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستى و ارتباط و ولايت

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون المؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۳

۱۳ حرمت پذیرش ولایت و حکومت کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل . ..>، در مقام انشاء باشد و نه اخبار. یعنی نباید مؤمنان سلطه کافران را پذیرا باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱

۱ حرمت ایجاد روابط

دوستی و مودّت با کافران و پذیرش سرپرستی آنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

حس گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملک و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۳

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری

محسـوس و مملوس است می توانـد به این خـاطر باشـد که کـافران، به دنبـال معجزه ای محسوس و قابـل رؤیت از پیـامبر(ص) بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۰ – ۳

۳ – در نظر کافران ، حقیقت انسان ، در جسم و اجزای مادی ، خلاصه شده است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض

حس گرایی کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷ – ۴

۴– کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصـدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشـر با خداوند را غیر ممکن می دانسـتند و برای قبول نبوت بشـر، خواسـتار آوردن شاهد آسـمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حسابرسی اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۳ – ۲

۲– تمامی رفتار و اعمال کافران و تجزیه کنندگان قرآن ، مورد بازپرسی خداوند در قیامت قرار خواهد گرفت .

المقتسمین . الذین جعلوا القرءان عضین . فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۷ – ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه

خداوند و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۱۱،۱۴

۱۱ – کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

۱۴ – اعمال کافران به روز رستاخیز ، مورد حسابرسی کامل خداوند قرار خواهد گرفت و کیفر آنان بی کم و کاست داده خواهد شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب . .. و وجد اللّه عنده فوفّیه حسابه

<توفیه> (مصدر <وفّی>) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۳ – ۲

۲ – وجود نقطه ای مشخص ، برای محاکمه و حساب رسی کافران در قیامت

کأنّهم إلی نصب یوفضون

حسابرسی از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۰ – ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیك البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیك البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد

خداوند به ربوبیت خویش بر بازپرسی تمامی کافران و تجزیه گران دین

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین

ضمیر جمع غایب <لنسئلنّهم> هم می تواند به کافرانی برگردد که در چند آیه قبل از آن سخن به میان آمد (. ..أزواجاً منهم) و هم می تواند به <المقتسمین> اشاره داشته باشد. برداشت فوق بنابر هر دو احتمال است.

حسابرسی دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

حسابرسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الکتب . .. و وفّیت کلّ نفس ما عملت ... و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال

گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

حسرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۵

۵- حسرت کافران و ستم گران در قیامت ، به خاطر از دست دادن فرصت ها در دنیا

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر

<إذ> در <إذ قضی الأمر> بیانگر <یوم الحسره> است و مراد این است که روز حسرت، هنگامی است که موضوع خاتمه یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۶،۱۱

۶ – کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین . .. یوم تقلّب وجوههم فی

النار يقولون يليتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسو

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران به وقت زنده شدن و حضور به پیشگاه پروردگار ، به شدت اظهار تأسف و حسرت می کنند .

إلی ربّهم ینسلون . قالوا یویلنا

<یاویلنا> (ای وای بر ما) در جایی به کار می رود که حادثه ای مصیبت بار و تأسف آور، پدید آمده باشد و از آن اظهار تأسف شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۳

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۶

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

حسرت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ – واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

حسرت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۸

۸ اندیشه های جاهلانه درباره مرگ و حیات (حاکمیّت

عوامل مادّی بر اراده خداوند) ، موجب حسرت کفرپیشگان ، به هنگام قیامت

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا لیجعل اللّه ذلک حسره فی قلوبهم

برخی از مفسّران برآنند که زمان حسرت مطرح شده در آیه، قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است; ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد; ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

حسرت کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که

جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

حسی گرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

حشر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و يوم نحشر

من كلّ أَمّه فوجًا ممّن يكذّب بايتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۴

۴ - تمامی کافران ، در روز رستاخیز برانگیخته خواهند شد .

و للکفرین عذاب مهین . یوم یبعثهم اللّه جمیعًا

حشر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱

۱ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن دسته ای از کافران هر امت به دنیا ، قبل از قیامت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا

دلالت آیه بالا بر رجعت از آن جهت است که مسأله نفخ صور، در آیات بعدی مطرح شده است و این قرینه ای است بر این که مراد از این حشر، حشر روز قیامت نیست؛ بلکه حشری است که در دنیا صورت می گیرد و با خروج <دابّه الأرض> ارتباط دارد. علاوه بر این، در قیامت همه کافران بدون استثنا، محشور می شوند؛ ولی حشر در این آیه، مربوط به دسته ای از کافران هر امت است، این نیز قرینه دیگری است بر این که مراد از حشر در این جا، <رجعت> پیش از قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱،۸

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

و يوم نحشر.

.. حتّی إذا جاءو

۸ – قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم

از ارتباط دو آیه و واژه <حتّی> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

حشر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۹

۹- گردآوردن خفّت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنّهم . .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۲ – ۲

۲ – گرد آمدن انسان های مشرک و کافر در قیامت ، به وسیله مأموران الهی (فرشتگان) انجام می گیرد .

احشروا الذین ظلموا

بنابر نظر مفسران، فرشتگان، ظالمان را در قیامت احضار و جمع خواهند کرد.

حق ستیزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۴ – ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من یستمعون إلیک . .. و منهم من ینظر إلیک ... و لکن الناس أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای <إبطال>

و <إزاله> است. <لیدحضوا به الحقّ> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۸

۸ - حق ستیزی ، انگیزه اصلی بیشتر کافران منکر قرآن و پیامبر (ص) بود ، نه ناشناخته بودن حقانیت آن دو برای آنها .

أم یقولون به جنّه . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربّ ارجعون . .. کلاّ إنّها کلمه هو قائلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۴

۴ - دلجویی خدا از پیامبر (ص) در قبال حق ستیزی های کافران

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

آیه فوق در عین این که تهدیدی برای کافران و حق ستیزان است، مایه دلداری پیامبر(ص) نیز هست، چه این که توجه به مقهوریت حق ستیزان در برابر عزت و اقتدار خداوند، خود آرامشی برای پیامبر(ص) و مؤمنان است که

همواره از آنان در رنج بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۷

۷ - ناباوری کافران به روز های تحقق وعده ها و وعید های خداوند ، عامل حق ستیزی آنان *

یغفروا للذین لایرجون أیّام اللّه

از این که خداوند از مشرکان و حالت روحی شان با عنوان <لا-یرجون أیّام اللّه> یاد فرموده; استفاده می شود که ایمان نداشتن آنان به وعده ها و وعیدهای خداوند، عامل ستیزه گری آنان با مؤمنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۵

۵ - محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و اتهام های ناروای کافران

کذلک ما أتی . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از

<خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است؛ یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند؛ احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

حق ستیزی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ – کافران و مشرکان صدراسلام ، آیات الهی را از

سر لجاج و ستیزه جویی ، انکار می کردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انکار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است که در آن، از انکار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۱۴

۱۴- حقّ گریزیِ کافران و منکرانِ الهی ، در حیطه قدرت خدا و وابسته به اراده او است .

إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه

تأکید خداوند به وسیله <إنّا جعلنا. ..> بر حاکمیّت و نقش خود، از آن جهت است که گمان

نرود کفرِ کافران و منکرانِ آیات الهی، از قلمروِ قدرتِ الهی بیرون است و آنان تبدیل به قدرتی در برابر خدا شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۲ – ۵

۵- اعراض کافران از شنیدن کلام الهی و درک مفاهیم و معارف قرآنی ، دلیل بی توجهی آنان به رحمت گسترده الهی و متأثر نشدن از مواعظ پیامبر (ص)

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن باشد; زیرا یکی از نام ها و اوصاف قرآن کریم ذکر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۰ – ۹

۹ – شالوده زندگی بیشتر کافران ، بر پایه باطل و منافع آنان ، ناسازگار با پذیرش حق

حتّی اذا أخذنا مترفیهم . .. و أکثرهم للحقّ کرهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواندبرای دلجویی از پیامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱،۳

۱ – پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران ، اندوهگین بود .

و من کفر فلایحزنک کفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص)

برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

۳ - دلداری خداوند ، پیامبر (ص) را در برابر حق ناپذیری کافران

و من کفر فلایحزنک کفره إلینا مرجعهم

جمله <إلینا مرجعهم. ..> به منزله تهدید است. چنین تهدید و هشداری، می تواند به منظور دلداری به پیامبر(ص) بیان شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مایجدل فیءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین

كفروا ينادون لمقت اللّه أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۰ - ۲

۲- دلداری خداوند ، به پیامبر (ص) در برابر حق ناپذیری کافران

فارتقب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أنّی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد; تعبیر <و قد جائهم. ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود; یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی ... و سیحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب ، حق ناپذیری و عناد کافران

كذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در

برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱،۵

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن یروا کسفًا . .. یقولوا سحاب مرکوم

۵ - دلایل حسّی نیز همانند برهان های عقلی ، بی تأثیر در روح حق ستیز کفرپیشگان

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

سقوط پاره های سنگ از آسمان، دلیلی حسی است و خداوند می فرماید: کافران نه تنها براهین عقلی را بی تأمل رد می کنند; که حتی دلایل حسی را نیز با توجیهی، وارونه جلوه می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لكم السمع و الأبصر و الأفئده قليلاً ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - كافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی كافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن كان ذا مال و بنین

تردیدی نیست كه اجابت خواسته های كافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست; بلكه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی كافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است; ولی چون این كار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با كافران است، جایز نمی باشد.

حق ناپذیری كافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشركان و كافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۸

۸ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر كفرپیشگان صدراسلام

و ما كان أكثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به فرعون و قوم وی (قبطیان) بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۵

۵ - رسوخ روحیه حق ناپذیری ، در بیشتر کفرپیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم ابراهیم بازمی گردد; اما در عین حال این آیه تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلاّ کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۲

۲ - کافران و مشرکان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

کذلک یؤفک الذین کانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشرکان و کافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤکد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط)

و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند; چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم>.

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۱

۱–اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱،۲،۴

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲– کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

۴– کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سکّرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۵

۵– بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

حق ناشنوایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۲

۲

حق ناشنوایی کافران و منافقان ، نشانه نبودن استعداد پذیرش معارف الهی در آنان است .

و لو علم اللّه فیهم خیرا لأسمعهم

مراد از خیر به قرینه آیه قبل، استعداد پذیرش معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

حقارت در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۶

۱۶ تهی بودن دل از محبت خدا ، بی مهری نسبت به اهل ایمان ، احساس کوچکی در برابر کافران ، از نشانه های بیماری دل و ضعف ایمان

فتری الذین فی قلوبهم مرض . .. اذله علی المؤمنین اعزه علی الکفرین

ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیش گویای این است که بیماردلان (الذین فی قلوبهم مرض) از مصادیق مرتدان می باشند و چون صفات شمرده شده برای مؤمنان واقعی نقطه مقابل مرتدان قرار گرفته ; است معلوم می شود نبود این صفات در مدعیان اسلام، نشانه بیماردلی آنان است.

حقانیت عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ – حکم خداوند به عذاب کافران در دنیا ، مطابق حق است .

فإذا

جاء أمر اللّه قضى بالحقّ

برداشت یاد شده بر این احتمال است که مقصود از <أمر اللّه> عذاب دنیوی (استیصال) باشد; چنان که موارد بسیاری در قرآن به همین معنا آمده است; مانند عذاب طوفان نوح که از آن چنین یاد شده است: <قال لاعاصم الیوم من أمر اللّه . ..>، (هود، آیه ۴۳).

حقانیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال ، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

حقوق کافر ذمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۸

۸ - کافران غیرحربی ، برخوردار از حقوق اجتماعی در جامعه اسلامی

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم

حقوق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۱۵،۲۴

۱۵ - حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارب است; چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از

مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

۲۴ - کافران ، دارای حق مطالبه مهریه همسر خود ، در صورت پیوستن همسر ایشان به جمع مؤمنان

و لیسئلوا ما أنفقوا

حمایت

از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷۳ – ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذین کفروا بعضهم أولیاء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه . ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذین کفروا ... > به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند ; نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۹ – ۴

۴ – پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إنّما ینهیکم اللّه . .. و ظهروا علی إخرجکم

حمد اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۲ – ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

حیات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۱۷

۱۷ مرگ برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

امام باقر (ع): الموت خیر [ل] . .. الکافر

... لانّ اللّه يقول ... <و لا يحسبنّ الّذين كفروا انّما نملى لهم خير لانفسهم انّما نملى لهم ليزدادوا اثماً>.

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

خانواده كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - كافران ، از خاطره هاى ديدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خويش به لطيفه گويى و خنداندن يكديگر مى پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِه> (صفت مشبّه) به معناى خوش دل و خندان يا به معناى كسى است كه با همراهان خود سخنى گويد كه آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت ياد شده، معناى دوم مورد نظر است.

۲ - كافرانى كه مؤمنان را مسخره كرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خويش ، از پوزخند ها و اشاره هاى طعنه آميز خود ، غرق شادمانى مى شوند .

يضحكون . .. يتغامزون . و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

در اين برداشت، <فَكِه> به معناى <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تكرار <انقلبوا> در آيه شريفه، براى مجسم ساختن حالت بازگشت كافران به خانه خويش است.

خباثت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۵

۱۵ پليدى بر كافران استيلا دارد.

يجعل الله الرجس على الذين لا يؤمنون

ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و

جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله . .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما کانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۶

۶ گنهکاران و کفرپیشگان ، در خطر از دست دادن نیروی فهم و درک معارف دینی

أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جمله <نطبع علی قلوبهم> عطف بر جمله <أصبنهم> است و فعل ماضی <اصبنا> به معنای مضارع می باشد. قابل ذکر است که حرف <لو> در این آیه بیانگر وقوع جزا برای شرط در آینده است، نه گذشته.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۱ – ۱۰

۱۰ خداوند قلب های کفرپیشگان و تکذیب کنندگان انبیا را از دریافت حقایق دین و معارف الهی محروم می سازد .

کذلک یطبع اللّه علی قلوب الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۱

۱– خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا

(مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپـذیر صدراسـلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شـده انـد که هیـچ راهی برای هـدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شـده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

خجلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۲،۳،۱۱

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (

ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

خدا و عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۶

۱۶- خداوند ، قطعاً به اعمال کافران آگاه است .

إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۲

۲- آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران ، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنّم

الکفرین . .. إن الله علیم بما کنتم تعملون. فادخلوا أبوب جهنّم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

خداشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنّم خلدون . .. قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

خداشناسی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان

عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۷

۷ - کافران ، از معبود پیامبر (ص) ، شناخت نادرست و تصوری در حد معبود های خویش داشتند .

ما تعبدون . .. ما أعبد

کلمه <ما> در معنایی اعم از عاقل و غیر عاقل به کار می رود، به کار نبردن کلمه <من> که تصریح به عاقل بودن است به جهت بیان این نکته است که مشرکان، معبود پیامبر(ص) را در سطح معبودان خویش می پنداشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۷

۷ - کافرانِ عصر بعثت ، از خداوند شناختی ناقص و در حد شناخت خدایان خویش داشتند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کلمه <ما>، بیانگر برداشت یاد شده است.

خداشناسی ناقص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۴

۴ - شناخت و درک ناقص کافران و مشرکان ، از گستره علم الهی

ظننتم أنّ اللّه لایعلم کثیرًا ممّا تعملون

خسارت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند;
و

آن، ضررِ محرومیّت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۶

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر . .. لن یضرّوا اللّه شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ; چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

خشونت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۸ - ۳

۳ - سرنوشت هلاکت بار فرعونیان و قوم ثمود ، نمونه ای بارز از برخورد تند و قهرآمیز خداوند با کافران است .

إنّ بطش ربّك . .. فرعون و ثمود

خطر عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۴

۴- کافران و

روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خطر عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۲ – ۱

۱– کافران ، در هر لحظه از شب و روز در معرض عذاب الهی اند .

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن

برداشت یاد شده بنابراین است که مراد از <من الرحمان> <من بأس الرحمان و عذابه> باشد. آیه قبل که در باره عذاب الهی است شاهد و مؤید همین نکته است.

خطر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۶ – ۴

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۴،۱۵

۱۴ خطر شبیخون کافران ، دلیل به همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز در میدان جنگ

و لیأخذوا حذرهم و اسلحتهم ودالذین کفروا لو تغفلون

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شبیخون به مسلمانان

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جمله <ودالذین . ..>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷

– خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

خطر هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۴

۴– کافران و روی گردانان از پذیرش آیات قرآن ، در خطر گرفتاری به سرنوشت هلاکت بار پیشینیان و ابتلا به عذاب های دنیوی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

خواسته کافران کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۱،۲،۵

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من

عندک فأمطر علینا حجاره

خواسته های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۱

۱ - درخواست کافرانِ پیرو در قیامت ، از خداوند برای دو برابر کردن عذاب رهبران گمراهگرشان .

یوم تقلّب وجوههم . .. و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... ربّنا ءاتهم ضعفین من ا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱،۸،۹

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّانا . .. نجعلهما تحت أقدامنا

۸ - کفرپیشگان ، در قیامت خواستار ذلت و خواری بیشتر و عذاب شدیدتر برای رهبران اغواگر خویش خواهندبود .

نجعلهما تحت أقدامنا لیکونا من الأسفلین

۹ - (فی المجمع) < و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین أضلّانا من الجن و الإنس > یعنون إبلیس الأبالسه و قابیل بن آدم أوّل من أبدع المعصیه . روی ذلک عن علی (ع) ؛

در مجمع البیان راجع به قول خداوند که می فرماید: <و قال الذین کفروا فی النار أرنا الذین . ..> آمده است که: مقصود آنان رئیس أبلیس ها و قابیل فرزند آدم است که گناه و نافرمانی را پایه گذاری نمود و این مطلب از علی(ع) روایت شده است.>.

خواسته های اخروی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۶

۶ - کافران پیرو ، از خداوند ، خواهانِ مورد لعن فراوان قرار دادن رهبران گمراه سازشان ، خواهند

بود .

و قالوا . .. ربّنا ... و العنهم لعنًا كبيرًا

<كبير> صفت مفعول مطلق <إلْعَن> است. در آیه، این واژه به معنای <شدت> و مراد از آن، کثرت و زیادت است.

خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۱،۴،۶

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملك و لو أنزلنا ملكا لقضی الأمر

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیك كتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

۶ ناآگاهی کافران از عواقب هلاکتبار درخواست نزول آشکار ملائکه

و لو أنزلنا ملكا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۲

۲ درخواست نزول فرشته به عنوان پیامبر، از بهانه های کفرپیشگان

و لو جعلنه ملكا

جمله <و لو جعلناه ملکا . .. >، می تواند منقطع از آیه قبل بوده و جواب از درخواست دیگر کفار، که فرستادن فرشته به عنوان پیامبر است، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیك کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلك

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی

پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۱

۱- پافشاری مشرکان بر شرک خود ، پیامبر (ص) را آماده درخواست عذابی سریع برای آنان کرده بود .

فلاتعجل علیهم إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱،۲،۳

۱ فرود آمدن گنجی از آسمان برای پیامبر (ص) جهت تأمین زندگی او ، انتظار بی جای مشرکان و کافران

و قالوا . .. أو یلقی إلیه کنز

انتظار کافران و مشرکان به فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) به قرینه سخن قبلی آنان که کار و داد و ستد در بازار را خلاف شأن پیامبری می دانستند به منظور تأمین معاش آن حضرت بوده است.

۲ داشتن باغی پوشیده از درختان با ثمر برای تأمین نیاز های غذایی و معیشتی خویش ، توقع بی جای مشرکان در باره پیامبر (ص)

و قالوا. .. أو تکون له جنّه یأکل منها

۳ ارائه معجزه ای محسوس و قابل رؤیت ، توقع مشرکان از پیامبر (ص) جهت اثبات درستی ادعای نبوت خویش *

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

درخواست و انتظار فرود آمدن گنجی برای پیامبر(ص) و یا داشتن باغ های پرثمر که امری محسوس و مملوس است می تواند به این خاطر باشد که کافران، به دنبال معجزه ای محسوس و قابل

رؤیت از پیامبر(ص) بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۰ - ۳

۳ خداوند ، تونا بر مهیّا ساختن باغ هایی با نهر های روان برای پیامبر (ص) به مراتب بهتر از آنچه که مشرکان توقع آن را برای پیامبر (ص) داشتند .

أو تکون له جنّه یأکل منها . .. تبارک الذی إن شاء جعل لک خیرًا من ذلک جنّت تجری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۲

۲ کافران ، متوقف کردن دعوت به اسلام و محدود ساختن آن را ، از پیامبر (ص) خواستار شدند .

و لو شئنا لبعثنا فی کلّ قریه نذیرًا . فلاتطع الکفرین

با توجه به معنای لغوی <طاعت> (عمل کردن به آنچه که از انسان خواسته شده است) می توان برداشت یاد شده را به دست آورد; زیرا آنچه که کافران از پیامبر(ص) خواسته بودند با توجه به آیه قبل که سخن از جهانی بودن رسالت پیامبراسلام(ص) بود و آیه شریفه متفرع بر آن شده (فلاتطع الکافرین) می تواند توقف و محدود شدن رسالت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۱،۳

۱ - کافرانِ منکرِ آیات الهی ، از پیامبر (ص) خواهانِ تعجیل در عذاب خود بودند .

و یستعجلونک بالعذاب

۳ - کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) ، مصرّ بودند و بر آن پافشاری می کردند .

و یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> دلالت بر

استمرار و پافشاری دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۴ – ۱،۳

۱ – کافران منکر آیات الهی ، از پیامبر (ص) خواستار تعجیل در عذاب خود بودند .

یستعجلونک بالعذاب

۳ – کافران منکر آیات الهی ، بر عذاب خواهی خود از پیامبر (ص) پافشاری می کردند .

یستعجلونک بالعذاب

فعل مضارع <یستعجلون> بر استمرار و اصرار، دلالت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۴ – ۳

۳ – کافران ، از روی ناباوری خواستار تعجیل در برپایی قیامت

یسئلون أیّان یوم الدین . .. هذا الذی کنتم به تستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۹ – ۸

۸ – تعجیل کافران در نزول عذاب ، ناشی از بی توجهی آنان به نابودی یاران گذشته خویش

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم فلایستعجلون

از <فلایستعجلون> استفاده می شود که کافران، ناباورانه تقاضای عذاب می کردند و آنها اگر آنان به راستی در سرنوشت یاران گذشته خویش تأمل می کردند، هرگز چنین ناباورانه مجازات الهی را به استهزا نمی گرفتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۴

۴ - کافران و منکران معاد ، خواستار تحقق سریع وعده برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

<تدّعون> می تواند از ماده <دعا> باشد. در این صورت به معنای <تطلبون> (درخواست می کردید) خواهد بود. برداشت یاد شده مبتنی بر این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۸ - ۳

۳ - سازش و دست برداشتن از مواضع عقیدتی ، درخواست کافران تکذیب گر از پیامبر (ص) بود .

فلاتطع المکذّبین

آیه بعد، قرینه است که مورد اطاعت، سازش بر سر مواضع عقیدتی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره > و ذلک أنّهم قالوا : یا محمد قد بلغنا أنّ الرجل من بنی اسرائیل کان یذنب الذنب فیصبح و ذنبه مکتوب عند رأسه و کفّارته ، فنزل جبرئیل علی النبیّ (ص) و قال : یسألک قومک سنّه بنی إسرائیل فی الذنوب فإن شاؤوا فعلنا ذلک بهم و أخذناهم بما کنّا نأخذ به بنی إسرائیل . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <بل یرید کلّ امریء منهم أن یؤتی صحفاً منشّره> روایت شده که آنان [به رسول خدا]گفتند: ای محمد! به ما خبر رسیده که مردی از بنی اسرائیل، گناهی مرتکب می شد و از خواب برمی خاست، در حالی که گناهش در بالای سرش همراه با کفّاره آن نوشته شده بود. سپس جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و فرمود: قومت از تو می خواهند، همان سنّت بنی اسرائیل در مورد گناهان درباره آنان جاری شود، اگر آنان بخواهند ما درباره آنان انجام می دهیم و آنان را گرفتار می کنیم; به همان عذابی که بنی اسرائیل را گرفتار می کردیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۳ – ۲

۲ – نازل شدن نامه ای سر گشاده از سوی خداوند ، برای یکایک انسان ها در اثبات رسالت پیامبر (ص) ، درخواستی نابجا و غیرمنطقی

بل یرید کلّ امریء منهم . .. کلاّ

خواسته های کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸ – ۱

۱ مشاهده نزول فرشتگان بر پیامبر(ص)، درخواست نابجا و بهانه جویانه کافران

و قالوا لو لا أنزل علیه ملك و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۷ – ۲،۷

۲ کافران هماره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

به کـار گیری فعل مضارع (یقول) به جای فعل ماضـی (قال) برای رسانـدن این معناست که کافران سـخن مـذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۷ ارائه معجزه درخواستی کفرپیشگان خارج از مسؤولیت پیامبر (ص) بود .

لولا أَنزل عليه ءايه من ربه إنما أنت منذر

جمله <إنما أنت منذر> حاكى از حصر است و حصر در آن اضافى و در قياس با ارائه معجزه

است. بنابراین آن جمله حاوی دو معناست: ۱ تو انذار دهنده ای ; ۲ ارائه معجزه کار تو نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یهدی . ..> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۳

۳- مشرکان و کفار ، معجزات متعددی را از پیامبراکرم (ص) درخواست کردند .

و ما منعنا . .. إلاّ أن کذّب بها الأوّلون

از اینکه خداوند با صراحت تمام به مشرکان می گوید: <ما هر چه معجزه برای پیشینیان فرستادیم، آنها را تکذیب کردند و این مانع ارسال معجزه شد> نشان می دهد که مشرکان صدراسلام، درخواستهای متعدد و مکرری برای معجزه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۱

۱ - مشرکان و کافران صدراسلام ، خواهان مشاهده عذاب الهی بودند .

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۷

۷ - کافران عصر بعثت ، درخواست کننده

عذاب الهی ، از سر استهزا و ناباوری

للذین ظلموا ذنوبًا . .. فلایستعجلون

نهی الهی (فلایستعجلون) می رساند که کافران، ناباورانه تقاضاکننده نزول عذاب بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از کافران عصر بعثت ، خواستار شتاب در نزول عذاب الهی در دنیا

سأل سائل بعذاب واقع

به گفته مفسران، سؤال در این آیه، به معنای طلب و دعا است; ازاین رو بهوسیله <با> متعدی شده است; یعنی، <دعا داع بعذاب واقع>.

خواسته های کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۵ - ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلایخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

خواسته های کافران قبل از اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصر های پیش از اسلام ، در انتظار آمدن فرشتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداوند جهت تأیید حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

خواسته های کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۴

۴ کفرپیشگان قوم ثمود پس از کشتن ناقه صالح ، از وی خواستند تا تهدیدش (

نزول عذاب دردناک) را به اجرا گذارد .

قالوا یصلح ائتنا بما تعدنا إن کنت من المرسلین

مراد از <ما تعدنا> عذابی است که در آیه ۷۳ (فیأخذکم عذاب ألیم) بیان شده است.

خواسته های کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۶

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

جمله <ما یکون لنا . .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریعی (ناشایست بودن و جایز نبودن) باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلا أن یشاء اللّه) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریعی است.

خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۱،۳

۱- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

۳- کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای

تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۳،۴

۳- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (ص) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

جمله <ما ننزل الملائکه إلاّ بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

قید <إلاّبالحق> می تواند احترازی باشد; یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود

بر آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

خودشناسی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۶ - ۶

۶ - خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنّم خلدون . .. قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

خوشرفتاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۳ - ۱۶

۱۶ - معاشرت نیکو با همگان حتی با کافران ، از وظایف اهل ایمان است .

و قولوا للناس حسناً

مراد از <الناس> می تواند افراد همان ملتی باشد که مخاطب جمله <قولوا> است و می تواند مراد از آن افراد ملتهای دیگر باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

خیال پردازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۵

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

خیانت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۹

۹ خیانت ،

حتی نسبت به کافران ، امری ناروا و در پی دارنده محرومیت از محبت خدا

فانبذ إلیهم علی سواء إن اللّه لایحب الخائنین

خیانت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۵

۵ رهبران جامعه اسلامی باید به احتمال وقوع خیانت از سوی جوامع کفرپیشه ترتیب اثر داده و نباید برای تصمیمات لازم در انتظار وقوع خیانت باشند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ إلیهم علی سواء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳،۵

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ کافران جنگ بدر به سبب خیانتهایشان به خدا و دین او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهی از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمکن منهم

امکان (مصدر امکن)، به معنای تسلط بخشیدن است. تفریع جمله <امکن منهم> بر <فقد خانوا> به وسیله حرف <فاء>

دلالت می کند بر اینکه خیانت کافران به دین خدا

موجب شد که خداوند آنان را در سیطره مسلمانان قرار دهد.

خیرگی چشم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخوص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

داود(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد ولعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

درب خانه های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۴ - ۱

۱ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. و لبیوتهم أبوبًا

درخواست عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۷

۷ توقع نزول عذاب بر کفرپیشگان بدون مهلت دادن به آنان ، توقعی نابجاست .

و لقد استهزیء برسل من قبلك فأملیت للذین کفروا

درخواست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۸

۸ - درخواست عاجزانه کافران و

مشرکان ، از خداوند برای رهایی خود از عذاب

فهل إلی خروج من سبیل

دروغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۸،۹،۱۰

۸- آگاهی یافتن کافران بر دروغ گویی خویش ، از جمله دلایل احیای مجدد انسان ها در قیامت

بلی وعدًا علیه حقًّا . .. و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

۹- دروغ پردازی دائمی کافران درباره معاد

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

۱۰- بی اطلاعی کافران در دنیا ، از دروغ گویی خویش درباره رستاخیز

و أقسموا بالله . .. لایبعث الله من یموت بلی وعدًا علیه ... و لیعلم الذین کفروا أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۰ – ۶

۶ – افسانه خواندن قرآن از سوی کافران ، دروغی ناروا به ساحت آن

إن هذا إلّا أسطير الأوّلين . .. و إنّهم لكذبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸

۹ - رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست; زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۹

۹ - تمسک کافران به دروغ ، برای مرتد ساختن مسلمانان ، شیوه ای متداول در بین آنان بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم . .. إنّهم لکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا . .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معناهای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۴

۴- اظهار ایمان کافران ، در تنگنای عذاب ادعایی دروغین و غیر قابل اعتماد

أنّی لهم الذکری

برداشت بالاـ بنابراین نکته است که تعبیر <أنّی لهم الذکری> درصدد نفی اثر نباشد; بلکه در مقام تحلیل و تفسیر ادعای ایمان کافران در شرایط عذاب باشد، به این که اینان هر چند مدعی ایمان می شوند; اما آنان کجا و ایمان کجا؟ آنان راهی به سوی ایمان باز نگذاشته اند.

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۵ – ۴

۴ – کافران به دروغ ، مدعی قابل درک نبودن حقایق وحی *

أفسحر هذه أم أنتم لاتبصرون

عبارت <أم أنتم لاتبصرون> در حقیقت تکرار همان سخن کافران است که در دنیا نسبت به حقایق دین می گفتند و مدعی بودند که ما در سخنان وحی حقیقتی نمی یابیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۵ – ۲

۲ – کافران ، خود می دانند که عذرتراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقی معاذیره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۵ – ۲

۲ – سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد; ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است; ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

دروغگویی کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳ – ۲

۲ – کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود

پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

دروغگویی کافران مکه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۸،۹،۱۱

۸ - کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم . .. إنّهم لکذبون

۹ - کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

و قال الذین کفروا . .. إنّهم لکذبون

۱۱ - برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم . ..إنّهم لکذبون

دشمنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۱۰

۱۰ - دشمنی با کفرپیشگان حق ستیز و پرهیز از تقویت آنان ، نشانه پیامبری و لازم جدایی ناپذیر آن

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب . ..فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <لاتکوننّ. ..> بر صدر آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۱ – ۶

۶ – اطمینان بخشی منافقان به کافران ، در پیروی نکردن از پیامبر و مسلمانان بر ضد آنان

الذین نافقوا یقولون . .. و لانطیع فیکم أحدًا أبدًا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۸

۸ - خداوند ، دشمن کافران است .

فإن اللّه عدو للكفرين

دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۳،۲۶

۲۳ کفّار ، در صورت توان ، همواره با مسلمانان خواهند جنگید .

و لا يزالون يقاتلونكم حتى يردّوكم عن دينكم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب <ان استطاعوا>، محذوف بوده و دلیل آن، <لا يزالون يقاتلونكم> باشد.

۲۶ آشتی ناپذیری کفار و عداوت عمیق آنان نسبت به مسلمانان

و لا يزالون يقاتلونكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۴

۲۴ مواجهه و درگیری دائمی مؤمنان با کافران

فانصرنا على القوم الكافرين

آیه مورد بحث گویای افکار و حالات دائمی مؤمنان در طول تاریخ است; در نتیجه آنان خود را همیشه به نحوی درگیر با کافران می بینند و از خداوند یاری می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۳،۵

۳ اندیشه در آیات الهی (افشای توطئه و دشمنی کافران) ، موجب رویگردانی اهل ایمان از محبّت بیگانگان

لا یألونکم خبالا ودّوا ما عنتّم . .. قد بیّنّا لکم الایات ان کنتم تعقلون. ها انت

۵ کینه و دشمنی کافران و بیگانگان نسبت به اهل ایمان ، علی رغم ابراز محبّت مؤمنان به آنان

ها انتم أولاء تحبونهم و لا یحبّونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ کافران ، دشمنانی آشکار و

همیشگی ، برای مسلمانان

ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

فعل <کانوا> دلالت بر دیرینه بودن دشمنی کافران دارد که از آن در برداشت فوق به دشمنان همیشگی تعبیر شد.

۱۱ اتحاد و همگونی کافران ، در دشمنی با مسلمانان

ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

خبر <کان> با اینکه طبق قواعد ادبی باید جمع آورده می شد، به صورت مفرد (عدواً) آورده شده و اشاره به این است که کافران در دشمنی با اسلام، یکپارچه و گویا فردی واحد هستند.

۱۲ بهره برداری کافران از هر فرصت ، برای ضربه زدن به مسلمانان

فلیس علیکم جناح ان تقصروا . .. ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۹

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۷ – ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین . .. أولیاء و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین> می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی بر قرار کرده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۲،۳،۴

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه

خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا

۴- کافران ، در پی یافتن عیب و نقص در تعالیم الهی و اثبات نادرستی آنها هستند .

للکفرین . .. و یبغونها عوجًا

عبارت <یبغونها عوجاً> (راه خدا را کج می خواهند) می تواند به این معنا باشد که کافران، در پی این بودند که در تعالیم آسمانی اعوجاج و نقصی بیابند وآن را برملا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۵ - ۶

۶- پیامبر (ص) نسبت به دشمنی ، آزار روحی و تمسخر مشرکان و کافران در صورت علنی و آشکارا نمودن دعوت خویش ، نگران بود .

فاصدع بما تؤمر . .. إنا کفینک المستهزءین

جمله <إنا کفیناک المستهزءین> احتمال دارد پاسخی باشد در برابر نگرانیهای پیامبر(ص) که ممکن بود پس از فرمان آشکار کردن دعوت خود و اعراض از مشرکان (فاصدع بما تؤمر . .. و أعرض عن المشرکین) بروز کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۹،۱۰

۹- کافران از طریق اعلام سحرشدگی پیامبر (ص) در صدد ایجاد بدبینی در پیروان ، نسبت به آن حضرت بودند .

إذ یقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مخاطب <إن تتّبعون إلاّـ رجلاًـ مسحوراً> مؤمنین باشد و کافران با تهمت <مسحور> به پیامبر(ص)

که بر شخص خارج شده از حد اعتدال بر اثر سحرزدگی اطلاق می شود می خواستند در آنان نسبت به آن حضرت، بدبینی ایجاد کنند.

۱۰- کافران ، همواره در صدد ایجاد بدبینی به پیامبر (ص) در بین خود بودند تا به وسیله آن ، کسی به آن حضرت تمایل پیدا نکند .

إذ یقول الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

نکته یاد شده بر این اساس که مخاطب فعل <تتّبعون> کافران باشد که به همدیگر می گفته اند و آوردن فعل مضارع <یقول> برای بیان تلاش همواره آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۵

۵ – کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید، لزوم عبادت و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۲ – ۳

۳- پیامبر (ص) مواجه با اوج عناد و روی گردانی مشرکان و کافران بود .

قل ربّ احکم بالحقّ

از این که رسول اکرم(ص) با آن که پیامبری بسیار مهربان و صبور بود متوسل به دعا علیه مشرکان و کافران شده است، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۰ – ۱۲

۱۲ – اگر خداوند حکم جهاد

را تشریع نمی کرد ، تمامی معابد و مراکز دینی توسط کافران و دین ستیزان تخریب و منهدم می شد .

و لولا دفع اللّه . .. لهدّمت صومع ... و مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۶

۶ - بی دادگران کفرپیشه تاریخ ، مردمانی حق ستیز و غیر قابل آشتی با آیات وحی و رسولان الهی

و إنّ الظلمین لفی شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۳،۴،۶،۷

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاءو ظلمًا و زورًا

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبراسلام (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبراسلام(ص) را متهم به دروغ گویی می کردند; در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

۷ خداوند ، مدافع حریم شخصیت پیامبر (ص) در مقابل برخورد های ظالمانه و مزوّرانه کافران

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک . .. فقد جاءو

ظلمًا و زورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۰ – ۶،۱۱

۶ خداوند ، مسلمانان صدراسلام را ، به وسیله کارشکنی و دشمنی مشرکان و کافران در بوته آزمایش قرار داد .

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون

از دیدگاه برخی از مفسران، چون آیه شریفه در مکّه نازل گردیده است و مؤمنان در آن شهر بسیار مورد شکنجه و آزار قرار داشتند و نیز این آیه در صدد دلداری به پیامبر(ص) و مؤمنان است، می توان گفت که مقصود از <بعضکم> مسلمانان اند.

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در برابر کارشکنی ها و حق ناپذیری کافران و مشرکان

و جعلنا بعضکم لبعض فتنه أتصبرون و کان ربّک بصیرًا

یادآوری خداوند به بصیرت و بینایی خود، به پیامبر(ص) پس از یاد کردن از مشرکان و آزمایش شدن آنان، می تواندبرای دلجویی از پیامبر(ص)ومؤمنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۳۳ – ۱،۲

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . .. و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحیط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دارکردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل

ها، از قرينه مقابله جمله <لايأتونك بمثل> و جمله <إلّا جئناك بالحقّ> استفاده شده است.

۲ خداوند در برابر هر يک از مثل هاى باطل و توصيف هاى غير واقعى كافران عليه پيامبر (ص) ، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت مى آموخت .

و لايأتونك بمثل إلّا جئنك بالحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۶ - ۴

۴ دلدارى خداوند به پيامبر (ص) در برابر مخالفت مشركان و كافران و پشتيبانى آنان از يكديگر

و ما أرسلنك إلّا مبشّرًا و نذيرًا

آيه شريفه با توجه به آيه قبل كه از مخالفت مشركان و كافران و پشتيبانى آنان از يكديگر عليه دين الهى سخن به ميان آورده است (و كان الكافر على ربّه ظهيراً) - مى توانـد به منظور دلدارى به پيامبر(ص) ادا شده باشد; يعنى، اى پيامبر! نگران مخالفت كافران مباش; زيرا تو تنها مسؤول بشارت و انذار به مردم مى باشى.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بناى كافران بر خصومت و موضع گيرى عليه هر پيام جديدالهى ، در طول تاريخ

و ما يأتيهم من ذكر من الرحمن محدث . .. معرضين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۴

۴ - دلدارى خداوند به پيامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و دشمنى هاى كافران و مشركان لجوج

و إن يكذّبوك فقد كذّبت رسل من قبلك

يادآورى تكذيب شدن پيامبران گذشته براى رسول اكرم(ص)، مى تواند به منظور

دلداری ایشان و توصیه به صبر و پایداری به آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۸

۱۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر دشمنی ها و کارشکنی های کافران گمراه

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إنّ اللّه علیم بما یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران و مشرکان معاند

فتولّ عنهم . .. و أبصرهم فسوف یبصرون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند در صدد دلداری دادن به پیامبراسلام(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران و مشرکان معاند

و تولّ عنهم . .. و أبصر فسوف یبصرون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که خداوند درصدد دلداری دادن به پیامبراسلام(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۱

۱ - رو به رو شدن قرآن و پیامبراسلام ، با مخالفت کافران سرکش ، متکبر ، ستیزه جو و حق ناپذیر

و القرءان ذی الذکر . بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

<عزت> در اصل به معنای رفعت و سرافرازی است; ولی هرگاه احساس عزت برخاسته از عوامل ناصواب (مانند غرور و

خودپسندی) باشد، این واژه در معنای غرور و تکبّر به کار می رود. در آیه شریفه نیز در همین معنا به

کـار رفته است. <شـقاق> به معنـای مخـالفت است و مقصود از آن در این آیه، مخـالفت با پیامبراسـلام و قرآن است. گفتنی است تنکیر <عزت> و <شقاق> دلالت بر شدت آن دو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۱

۱ - تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مایجدل فیءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۲،۳

۲ - بغض و دشمنی شدید کافران حق ناپذیر با خویشتن در قیامت

من مقتکم أنفسکم

۳ - بغض و دشمنی خداوند با کافران حق ناپذیر ، بیشتر و شدیدتر از بغض و دشمنی کافران نسبت به خویشتن است .

لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۷

۷ - دلـداری خداونـد به پیامبر (ص) و ایمان آورندگان به آن حضـرت در صدر اسـلام ، در برابر مخالفت ها و دشـمنی های کافران

إنّا لننصر رسلنا و الذین ءامنوا

یادآوری یاری شـدن پیامبران و مؤمنان طرفـدار آنان در تاریـخ، برای پیامبر(ص) و مؤمنانی که در مکه (وقت نزول این آیات) در اقلیت و تحت فشار و شـکنجه دشـمنان بودند; بیانگر حقیقت یاد شده است. گفتنی است توصـیه شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در چهار آیه بعد، تأییدکننده همین مطلب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۸

۸

- دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان اندك او ، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. إن فی صدورهم إلاّ کبر ما هم ببلغیه

از این آیه و آیات قبل و بعد آن، استفاده می شود که خداوند درصدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان اندك به آن حضرت در مکه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۶

۶- ستیز کافران با منطق روشن رسولان الهی ، گواه بی اساس بودن ایمان اضطراری آنان

أنّی لهم الذکری و قد جاءهم رسول مبین

در صورتی که <أنّی لهم الذکری> در صدد بیان پوچی ادعای ایمان کافران باشد; تعبیر <و قد جائهم. ..> بیانگر فلسفه پوچی ادعای آنان خواهد بود; یعنی، آنان که منطق روشن رسولان را نپذیرفتند، چگونه با مشاهده عذابی، می توانند به ایمان راستین رسیده باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۹

۹- پیامبر (ص) ، در معرض دشمنی عمیق کافران و نیازمند دل جویی و رهنمود به صبر از سوی خداوند

فاصبر . .. و لاتستعجل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، در قبال عداوتورزی کافران

إنّ الذین کفروا . .. و شاقّوا الرسول ... و سیحبط أعملهم

تعبیر <و سیحبط أعمالهم>، می تواند هم به معنای عقیم ساختن توطئه های کافران و هم به معنای پوچ ساختن اعمال به ظاهر نیک

آنان باشد. در هر دو صورت، از این موضع گیری شدید، حمایت خداوند از پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۱۲ - ۲

۲ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر تکذیب ، حق ناپذیری و عناد کافران

کذّبت قبلهم قوم نوح و أصحب الرسّ و ثمود

یادآوری روحیه حق ستیز بسیاری از امت ها در طول تاریخ در برابر پیام رسولان الهی، می تواند از آن جهت باشد که پیامبر(ص) در برابر تکذیب کافران، احساس نگرانی نداشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۳

۳ - کافران ، آرزومند مرگ پیامبر (ص) یا حادثه ای ناگوار که آن حضرت را زمین گیر کرده و از دعوت باز دارد .

أم یقولون . .. نتربّص به ریب المنون

<تربّص> (مصدر <نتربص>) به معنای انتظار کشیدن و <ریب> به معنای حادثه است. <منون> در معنای روزگار و مرگ بد، به کار می رود. بنابراین <ریب المنون> یا به معنای حوادث روزگار است و یا به معنای حادثه مرگ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۲ - ۴

۴ - طغیان و سرکشی ، عامل اصلی رویارویی کافران علیه پیامبر (ص) و آرزوی خاموشی پیام وحی

نتربّص به ریب المنون . .. أم هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱،۳،۷

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه

بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند; مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد; یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

۳ - کافران ، در آرزوی نابودی و شکست پیامبر (ص) به سر می بردند .

الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لمّا سمعوا الذکر

۷ - ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص)) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند; بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۳ - ۵

۵ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر تکذیب و مخالفت های کافران

إنّا نحن نزّلنا علیک القرءان تنزیلاً

بنا به گفته مفسران، این آیه، درصدد دلداری به

پیامبر(ص) است; ضمن آن که توصیه خداوند به صبر و استقامت در آیه بعد، می تواند در تأیید همین مطلب باشد.

دشمنی کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۳

۱۳ - رویارویی و دشمنی کافران بنی اسرائیل با پیروان حضرت عیسی (ع)

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم

دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ - موضع گیری خصمانه کافران صدراسلام علیه پیامبر (ص) و موسی (ع) و متهم ساختن آنان به ساحری

قالوا سحران تظهرا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۱

۱ - کفرپیشگان صدراسلام ، در صدد بازداشتن پیامبر (ص) از

انجام رسالت خویش بودند .

و لایصدّنّک عن ءایت اللّه بعد إذ أُنزلت إلیک

<صدّ> (مصدر <لایصدّنّک>) به معنای بازداشتن است و ضمیر فاعل در <لایصدّنّک> به کافران بازمی گردد; یعنی، مبادا کافران تو را از ابلاغ آیات خدا به مردم بازدارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و دشمنی های کافران و مشرکان لجوج

و إن یکذّبوک فقد کذّب الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم

یادآوری تکذیب پیامبران گذشته برای پیامبراسلام، می تواند به منظور دلداری به ایشان و نیز توصیه به صبر و پایداری به آن حضرت باشد.

دشمنی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۹

۹ – انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر

کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

دشمنی کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۶

۶ - برخورد و درگیری جبهه کفر و جبهه ایمان (خداپرستان و بت پرستان) جریانی ریشه دار در تاریخ بشر

فیما کنتم فیه تختلفون

به کارگیری ماضی استمراری (کنتم تختلفون) بیانگر برداشت فوق است.

دشنام به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

در صورتی که جمله <فیسبوا . ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنام به مقدسات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

در صورتی که جمله <فیسبوا . ..> علت نهی باشد، نه حکمت آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

دشنامهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۱ - ۲

۲ - دلداری خداوند به پیامبر (ص

) ، در برابر تکذیب ها و بدگویی های کافران

و ذرنی و المکذّبین

آیه شریفه ضمن آن که برای تهدید کافران تکذیب گر است; دلداری به پیامبر(ص) نیز می باشد.

دشنامهای مرفهان کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۷ - ۳

۳ - بدگویی و یاوه سرایی کافران مرفه ، علیه قرآن و پیامبر (ص) در محفل های شبانه شان

سمرًا تهجرون

سمر> (مصدر <سامر>); یعنی، گفت وگو و تشکیل محفل شبانه. <سامر> اسم جمع است مانند: <حاج>، <حاضر> و <حامل>. <سامراً> حال دیگر برای ضمیر فاعل <تنکصون> است. <تهجرون> به تقدیر تهجرون به مشتق از <هُجر> (بدگویی) و یا <هَجر> (هزیان و یاوه گویی) است. جمله <تهجرون> (فعل و فاعل) در محل نصب و نعت برای <سامراً> می باشد; یعنی، <در حالی که در محافل شبانه، درباره آن بدگویی می کردید>.

دعای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

دعای نجات از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۱

۱ درخواست مؤمنان قوم موسی از خداوند ، برای

نجات از گروه کفرپیشه

ربنا لا تجعلنا فتنه . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

دعوت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱

۱ فراخوانی خداوند کفرپیشگان را به پیروی از قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قیل لهم تعالوا إلی ما أنزل اللّه و إلی الرسول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۴

۴ خداوند ، فراخوان کفار و مشرکان به توبه (ترک آیین شرک و پذیرش اسلام)

ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم . .. و یتوب اللّه علی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۲

۲ - فراخوانده شدن کافران به تدبر و اندیشه در آیات قرآن و پرهیز از داوری های نسنجیده درباره آن

أفلم یدّبّروا القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۴

۴ - اتکای کافران به حس و تجربه عذاب ، علی رغم فرا خوانده شدن به تعقل و تدبر در فرجام شوم مجرمان تاریخ

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

علی رغم این که خداوند از کافران مکه می خواهد تا با مطالعه تاریخ و تدبر در فرجام مجرمان گذشته، درس عبرت بگیرند و

بینش خود را تصحیح کنند، آنان برای پی بردن به حقانیت وعده الهی، خواهان لمس و شهود عذاب می شوند و تعیین زمان آن را می طلبند.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۲

۲ - پیامبر (ص) کافران و مشرکان معاند را به مقابله فرا خواند و به شکست ذلت بار (چون شکست روز بدر) تهدید کرد .

من یأتیه عذاب یخزیه

بیشتر مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از عذاب خوارکننده در دنیا، شکست کافران و مشرکان معاند در جنگ ها (همچون جنگ بدر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أکبر . .. إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید; ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۱ - ۳

۳ - دعوت از کافران و منکران معاد به مطالعه در چوب آتش زنه ، برای پی بردن به قدرت خداوند و توانایی او بر احیای مردگان

أفرءیتم النار التی تورون

با توجه به این که روی سخن در این آیات با منکران معاد است، توجه دادن

به مسأله کیفیت افروختن آتش و روشن کردن آن با عمل ساییدن، گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۳

۳ - فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

دعوت از کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

دعوت از کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۳

۳ - کافران صدراسلام ، به بهره مند شدن از رحمت و لطف خدا در سایه پرهیز از گناهان فراخوانده شدند .

و إذا قیل لهم اتّقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم لعلّکم ترحمون

دفع تبلیغ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثی ساختن تبلیغات مکّارانه کافران در برابر قرآن ، وعده تسلّابخش خداوند به پیامبر (ص)

و أكيد كيدًا

روی سخن در این آیه به قرینه آیه بعد (فمهّل. ..) با پیامبر(ص) و به منظور اطمینان بخشیدن به آن حضرت است که در درخواست عقوبت

سریع برای کافران شتاب نورزد; زیرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

دفع توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۵

۵ جنگ های اسلام در صدد دفع شر کافران ، نه تحمیل عقیده بر آنان *

إن تنتهوا فهو خیر لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۸

۸ توکل بر خدا در پذیرش صلح ، موجب عقیم ماندن اهداف پنهانی کافران از پیشنهاد صلح

فاجنح لها و توکل علی اللّه

دفع طمع کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۷

۷ نرمش نشان ندادن به کافران و قطع طمع آنان از تعرض و سلطه بر مؤمنان ، امری لازم و ضروری است .

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

دفع مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۳

۳ خداوند با حمایت خویش از پیامبر (ص) و جامعه ایمانی ، نیرنگ کافران را بی اثر خواهد کرد .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

جواب شرط <إن يريدوا . .. > محذوف است و جمله <فان حسبك اللّه> جانشين آن شده است ; يعنى: إن يريدوا أن يخدعوك فاللّه يكفيك شرهم.

دفع مكرهاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۵

۵ - خنثى ساختن تبليغات مكّارانه كافران در برابر قرآن ، وعده تسلّابخش خداوند به پيامبر (

ص)

و أكيد كيدًا

روى سخن در اين آيه به قرينه آيه بعد (فمهّل. ..) با پيامبر(ص) و به منظور اطمينان بخشيدن به آن حضرت است كه در درخواست عقوبت سريع براى كافران شتاب نورزد; زيرا خداوند پاسخ مناسب توطئه آنان را خواهد داد.

دفع هجوم كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم كافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حديبيه و ناگزيرى از جنگ *

و لو قتلكم الذين كفروا لولّوا الأدبر

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه <لوقاتلكم> نظر به گذشته داشته باشد; يعنى، خداوند گرچه فتح مبين (صلح حديبيه) را براى شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زيادى را براى شما به بار آورد; اما اگر اين صلح هم صورت نمى گرفت و كافران به نبرد با شما برمى خاستند، شما با قدرت ايمانى و رهبرى پيامبر(ص) آنان را منهزم مى ساختيد.

دلايل بطلان ادعاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبيا ، دليلى روشن بر دروغ بودن ادعاى مشركان بر اينكه هدايت و گمراهى جبرى است .

قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شىء . .. و لقد بعثنا فى كلّ أُم

دلايل بى لياقتى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - كفر به حق و اصالت وحى ، دليل عدم شايستگى كافران براى دوستى

تلقون إليهم بالمودّه و قد كفروا بما جاءكم

من الحقّ

عبارت <و قد كفروا. ..> در حقيقت بيانگر علت نهى (لاتتّخذوا عدوّى) است.

دلايل حق ناپذيرى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۰ - ۱۰

۱۰ - شرارت و حق ستيزى كافران در دنيا ، گواه حق گريزى آنان پس از بازگشت دوباره به دنيا

قال ربّ ارجعون . .. كلّا إنّها كلمه هو قائلها

دلايل دروغگويى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۱

۱۱- بعثت انبيا ، دليلى روشن بر دروغ بودن ادعاى مشركان بر اينكه هدايت و گمراهى جبرى است .

قال الذين أشركوا لو شاء الله ما عبدنا من دونه من شىء . .. و لقد بعثنا فى كلّ أُم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۸

۸ - انكار پيشين تورات از سوى كافران ، نشانه بهانه جويى و عدم صداقت آنان در پيشنهاد خويش

أوَلم يكفروا بما أُوتى موسى من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵

۵ - ناتوانى كافران از هماوردى با قرآن ، نشانگر بى صداقتى آنان در اتهام هايشان

إن كانوا صدقين

دلایل رد دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۷

۷ - کفر به حق و اصالت وحی ، دلیل عدم شایستگی کافران برای دوستی

تلقون إلیهم بالمودّه و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

عبارت <و قد کفروا. ..> در حقیقت بیانگر علت نهی (لاتتّخذوا عدوّی) است.

دلایل سرزنش کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۹

۹- توبیخ مشرکان و کافران از سوی خدا ، به خاطر استکبارشان در برابر قرآن

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به . .. و استکبرتم

دنیاپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱،۲

۱ آراستگی زندگانی دنیا ، در دیدگاه کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

۲ زینت زندگانی دنیا در نظر کافران ، واقعیّت آن را پوشانده است .

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱،۲

۱ کافران به جای تکیه بر رحمت الهی ، بر مال و اولاد خویش متّکی هستند .

ربّنا . .. هب لنا من لدنک رحمه ... انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اول

۲ کافران ، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند ; در حالی که هرگز آن را نمی یابند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۲

۲ فرعونیان ، نمونه بارز کافرانی که امکانات مادی و انسانیشان ، آنها را از عذاب نرهانید و از خدا بی نیازشان نکرد .

انّ الذين كفروا . .. كدأب ال فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۷ – ۷

۷ انگيزه كافران در انفاق هاى خويش ،

رسیدن به زندگی پَست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

دنیاطلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۸

۸ غرق شدن منافقان و کافران در باتلاق بهرهوری های مادی ، گرایش مستمر آنان در طول تاریخ

فاستمتعوا بخلقهم . ... و خضتم کالذی خاضوا

برداشت فوق بدان احتمال است که <خوض> (فرو رفتن) به قرینه <استمتعوا> همان بهره وری از مادیات و فرورفتن در منجلاب آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱

۱- کافران ، زندگی دنیوی را محبوب خود دانسته و آن را به جای حیات اخروی برمی گزینند .

ویل للکفرین من عذاب شدید . الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره

برداشت فوق بنابراین اساس است که <الذین یستحبّون الحیاه . ..> جمله وصفی برای <للکافرین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ -

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۳

۳ - کافرانی که در مادیات و اموال دنیا غوطهوراند ، به پوچی در زندگی دچار گشته و در سردرگمی شدید بسر می برند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. و الذین کفروا أعملهم ... کظلمت ف

از مقایسه میان آیه ۳۷ که در باره کسانی است که مال و منال و مادیات آنان را از یاد خدا غافل نمی سازد و آیه شریفه که درباره وضعیت کافران است به دست می آید که کافران، بر خلاف مؤمنان، در مادیات و علاقه به مال و منال گرفتارانند و از این رو دچار سردرگمی و تاریکی شدید هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. لمّا متع الحیوه الدنیا و الأخره عند ربّک للمتّقین

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه

۵ – ۳۵ – ۴۵ –

۵ – محکومیت ابدی کافران مستکبر به عذاب همیشگی دوزخ ، نتیجه حق ستیزی ودنیا محوری آنان

اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا فالیوم لایخرجون منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۰ – ۳

۳– توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۱ – ۲

۲ – دلبستگی به دنیا و ر ها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بل تحبّون العاجله . و تذرون الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۱

۱ – محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومً

دنیاطلبی کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۴

۴– تمامی همّ و تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهرهوری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

افتخار به محفل، در حقیقت

افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه <من هو. .. أضعف جنداً> در آیات بعد هم فکران و یاوران کافران است.

دوستان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتری علینا غیره و إذًا لَاتّخذوک خلیلاً

دوستان کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۵

۵ - برقرارکنندگان روابط دوستانه و مسالمت آمیز ، با کسانی که به دین و سرزمین مسلمانان هجوم آورده اند ، ظالمان واقعی هستند .

و من یتولّهم فأُولئک هم الظلمون

دوستی با امدادگران کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۳

۳ - ممنوعیت دوستی و مسالمت با یاری دهندگان و پشتیبانان عناصر مهاجم به دین و سرزمین مسلمانان

إنّما ینهیکم اللّه عن الذین . .. و ظهروا علی إخرجکم

دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۳،۱۲،۱۴

۳ حرمت بر گزیدن کافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۱۲ پذیرش دوستی کافران ، گسستن رابطه با خداوند است .

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

بنابراینکه ولایت به معنای دوستی باشد.

۱۴ جواز برقراری ارتباط دوستانه با کافران ، در صورت تقیّه ، اضطرار و هراس

لا یتّخذ

المؤمنون الكافرين اولياء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقيه

بنابراينكه ولايت به معناى دوستى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستى و يارى خواستن از منافقان و كافران پناهنده ، به همپيمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم وليّاً و لا نصيرا. الّا الّذين يصلون الى قوم بينكم و بينهم ميثا

در برداشت فوق احتمال داده شده كه <الّا الّذين يصلون . .. > استثنا از حكمى است كه در جمله <و لا تتخذوا منهم وليّاً و لا نصيرا> بيان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱،۷

۱ مدعيان ايمان ، در صورت پذيرش سرپرستى و دوستى كافران ، در زمره اهل نفاقند .

بشّر المنفقين بأنّ لهم عذاباً أليماً. الذين يتّخذون الكفرين أولياء

<أولياء> جمع <ولى> مى تواند به معناى دوست و يا سرپرست باشد. گفتنى است كه در برداشت فوق، <الذين>، وصف براى منافقان گرفته شده است.

۷ دستيابى به عزت و شكوه ، هدف منافقان در پذيرش ولايت كافران و طرح دوستى با آنان

الذين يتّخذون الكفرين أولياء . .. أيبتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهى از مسلمانان صدر اسلام ، پذيراى دوستى و ولايت كفار ، در عين نهى خداوند حتى از همنشينى با آنها

الذين يتّخذون الكفرين أولياء . .. يكفر بها و يستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۳،۹،۱۰

۳

ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۱۱،۳۲

۱۱ دوستی با کافران (یهود و نصارا و . . .) ، ناسازگار با عشق به خداوند

و من یتولهم منکم . .. فسوف یأتی اللّه بقوم یحبهم و یحبونه

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات گذشته، معلوم می شود که توصیف مؤمنان واقعی به ویژگیهای یاد شده برای اشاره به این حقیقت است که مدعیان اسلام در صورت گرایش به کافران (من یتولهم منکم) نمی توانند آن ویژگیها و از جمله محبت و عشق به خدا را دارا باشند.

۳۲ بیماردلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه یقوم . .. ذلک فضل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲،۱۳

، پذیرای ولایت و دوستی با اهل کتاب و دیگر کافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین . .. أولیاء و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین> می رساند که گروهی از مسلمانان با کافران روابط دوستی بر قرار کرده بودند.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۸ - ۵

۵ تمسخر برخی اهل کتاب نسبت به نماز و اذان ، دلیل تحریم روابط دوستی با آنان

لاتتخذوا الذین . .. و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۵،۷،۸،۹،۱۰

۵ حرمت دوستی با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لایتناهون عن منکر . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذين كفروا

. .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضـمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشـرکان بیان مصداقی دیگر از عصـیان و تجاوزگری بنی اسـرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . .. کانوا لایتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۱ – ۲،۱۱

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۳ – ۲،۴

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا . .. أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

۴ ایجاد پیوند دوستی و موالات با کفار و دشمنان اسلام ، نشانه وجود روحیه ستم پیشگی است .

إن استحبوا الکفر علی الإیمن و من یتولهم منکم فأولئک هم الظلمون

دوستی با کافران محارب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۶،۲،۱

۱ - ممنوعیت رابطه دوستانه با کافران ، منحصر به کافران تهاجم کننده

بر ایمان و سرزمین مسلمانان

إنّما ینهیکم اللّه عن الذین قتلوکم فی الدین

۲ - ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جویانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است ; نه [جهاد] ابتدایی .

لاینهیکم . .. إنّما ینهیکم اللّه

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

۶ - نیکی و مسالمت با کافران معاند و همدستان آنان ، مصداق واقعی ظلم است .

أن تبرّوهم و تقسطوا إلیهم . .. إنّما ینهیکم ... و من یتولّهم فأُولئک هم الظلم

از مجموع دو آیه، استفاده می شود که نیکی و قسط، اصولاً در مورد کافران معاند، مفهوم واقعی ندارد و نباید تحت عنوان عدالت و انسان دوستی، به دشمنان حق روی خوش نشان داد.

دوستی کافران با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱

۱۱- کافران ، در صورت عقب نشینی پیامبر (ص) از مواضع اصولی خویش (تعالیم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صمیمانه ای می ریختند .

و إن کادوا لیفتنونک . .. و إذًا لاَتّخذوک خلیلًا

دین ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۵

۵ - کافران به آیین و برنامه های الهی ، درصدد بازداشتن مردم از گرایش به دین و عمل به آن هستند . *

فاعبدنی . .. فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

مرجع ضمیر <عنها> و <بها> ممکن است تمامی تعالیم و رهنمودهای آموخته شده به موسی(ع) در وادی طوی (توحید،

لزوم عبادت

و نماز، معاد و کیفر و پاداش الهی) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱ – ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۴

۴– اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. و شاقّوا ... من بعد ما تبیّن لهم الهدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۴ – ۴

۴ – انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۲ – ۲

۲ – کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از

ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست; بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

دیه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونب ها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد ; بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان کان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

ذکر سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۹

۹ توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان ، وادار کننده انسان به استقامت وپایداری بر توحید و پرستش خدا

فاستقم کما أُمرت

برداشت فوق ، بر این اساس است که جمله <فاستقم . ..> بر داستان اقوام گذشته که در آیات پیشین از آن سخن رفته است تفریع شده باشد.

ذکر فرجام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱

۱- لزوم توجه انسان ، به

سرنوشت شوم کافران در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

کلمه <یوم>، متعلق به کلمه مقدری نظیر <اُذکر> است و یا عامل آن از استفهام <ألیس هذا بالحقّ> که به تقدیر <یقال لهم> است، به دست می آید. برداشت یاد شده ناظر به احتمال اول است.

ذکر فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - توجه دادن مردم به سرنوشت شوم کفرپیشگان گذشته و بیان تاریخ عبرت آموز آنان ، از وظایف مبلغان الهی است .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

ذلت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۳

۱۳ مهلت یافتن کافران در دنیا (امهال) ، زمینه ساز خواری و ذلّت آنها در آخرت

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وفقوا علی النار

۳ وضعیت دهشتزا و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو تری إذ وفقوا علی النار

<وقفوا علی النار> می تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به

آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

<جثیا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاك و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۹- گردآوردن خفّت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنّهم . .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ - حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به

کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن فرازی گردنگشان دنیا

أکذّبتم بایتی . .. و کلّ أتوه دخرین

هرچند تعبیر <کلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود; اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمده، متوجه تکذیب کننده‌گان آیات الهی است. مبنی بر این که آنان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیده اند; اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۴

۱۴ - وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقّت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری . .. لرأیت أمراً عجباً باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۹

۹ - سرافکندگی کافران در صحنه قیامت ، پاسخی

به روحیه مستکبرانه آنان در دنیا

و تری کلّ أمّه جاثیه . .. أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸،۱۱

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلّت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۰

۱۰ - کافران ، دچار خذلان و رسوایی در عرصه قیامت

یوم لایخزی اللّه النبیّ و الذین ءامنوا معه

استثنا شدن پیامبر(ص) و مؤمنانِ همراه او از خذلان روز قیامت، بیانگر آن است که دیگران (کافران) دچار آن خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ - ذلّت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۴

۴ - خفّت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فغلّوه

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۴ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ناپذیر ، با چشمانی فروافتاده و فروتنانه در محکمه عدل الهی حاضر می شوند .

خشه أبصارهم

۲ - ذلّت و خواری ، تمام وجود کافران حق ناپذیر را در قیامت فرامی گیرد .

ترهقهم ذلّه

<رهق> (مصدر <ترهق>) به معنای پوشاندن به اجبار است (مفردات راغب) و <ترهقهم ذلّه> اشاره به فراگیر بودن ذلت دارد که تمام وجود کافران را می پوشاند.

۳ - زندگی خفّت بار و ذلّت آفرین در آخرت ، وعده همیشگی خداوند به کافران حق ناپذیر

ذلك الیوم الذی کانوا یوعدون

آمدن فعل <کانوا> با فعل مضارع <یوعدون>، بر استمرار وعده الهی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۵

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنایه از

عظمت و پستی جایگاه است؛ زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است؛ وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

ذلت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۲،۳،۴

۲ هلاکت و خواری بزرگان سپاه کفر در جنگ بدر *

و لقد نصركم اللّه ببدر . .. ليقطع طرفاً من الّذين كفروا

برخی از مفسّرین، <طرفاً> رابه معنای

اشراف و بزرگان گرفته اند، به استناد اساس اللغه که گفته است: <من اطراف العرب یعنی من اشرافهم>.

۳ خداوند ، هلاک کننده و خوارکننده کافران

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا او یکبتهم

فاعل <لیقطع>، ضمیری است که به <اللّه> ارجاع می شود.

۴ بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه باقیمانده کافران ، از اهداف نصرت الهی به رزمندگان بدر

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع ... فینقلبوا خائبین

جمله <فینقلبوا . .. >، عطف بر <لیقطع> است بنابراین بازگشت ذلیلانه و ناامیدانه کافران، از اهداف پیروزی بدر خواهد بود و به مقتضای <فاء> تفریع، این بازگشت، نتیجه هلاکت و اسارت بخشی از کافران بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۱۲

۱۲ تهدید کافران به عذابی خوارکننده از سوی خداوند

و لهم عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲ – ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن اللّه مخزی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۸

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا

كذلك < حتى يأتى وعد الله > الذى

وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امـام بـاقر(ع) دربـاره سـخن خداونـد: <و لایزال . ..> روایت شـده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آیـد و آنان می بیننـد و می شـنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شـده،ماننـد ایشان گناهکار و کافرنـد و [لیکن] برخی از برخی دیگر پنـد نمی گیرنـد و همواره چنین هسـتند تا وعـده خدا فرا رسـد و، حتی یـأتی وعـد الله، همـان وعـده ای که به مؤمنـان داده است که آنـان را پیروز کنـد و خداونـد کـافران را خوار می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در <أَفَهُمْ> برای استفهام انکاری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ – کافران و مشرکان ، به وقت نزول عذاب الهی بر آنان ، در

وضعیت بسیار بد و اسفباری قرار خواهند گرفت .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱،۲

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلّت و خواری

و الذین کفروا فتعسًا لهم

واژه <تعساً> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلّت و خواری است.

۲- فرجام نهایی کافران ، به رو افتادن در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذین کفروا فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم

بنابراین که جمله <فتعساً لهم> خبریه باشد و با توجه به این که <تعس> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

رابطه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۹

۹ لزوم پاسداری مؤمنان (جامعه ایمانی) ، از مرز های فرهنگی ، در روابط خویش با کافران

یا ایها الذین امنوا ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الکتاب یردّوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۵

۵ وابستگی به بیگانگان کافر ، خصیصه بیماردلان سست ایمان

اقسموا باللّه جهد ایمنهم انهم لمعکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۱ – ۲

۲ روابط ولایی و دوستانه بنی اسرائیل عصر پیامبر (ص) با کافران

ما اتخذوهم أولیاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۱ – ۳

۳ مسلمانان نباید در پذیرش

صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند . *

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

رابطه ولایی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا . .. إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در <لاتفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا ... > استفاده شده، برگردانده شده است.

رازهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۲

۲ - منافقان ، برادر کافران و دارای رمز و راز با ایشان

الذین نافقوا یقولون لإخونهم الذین کفروا

رجعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱،۴

۱ - تعلق اراده الهی بر بازگرداندن دسته ای از کافران هر امت به دنیا ، قبل از قیامت

و یوم نحشر من کلّ أَمّه فوجًا

دلالت آیه بالا بر رجعت از آن جهت است که مسأله نفـخ صور، در آیات بعـدی مطرح شـده است و این قرینه ای است بر این که

مراد از این حشر، حشر روز قیامت نیست; بلکه حشری است که در دنیا صورت می گیرد و با خروج <دابّه الأرض> ارتباط دارد. علاوه بر این، در قیامت همه کافران بدون استثنا، محشور می شوند; ولی حشر در این آیه، مربوط به دسته ای از کافران هر امت است، این نیز قرینه دیگری است بر این که مراد از حشر در این جا، <رجعت> پیش از قیامت است.

۴ - عدم وجود آزادی و اختیار برای کافران در صحنه < رجعت >

فهم یوزعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

و یوم نحشر. .. حتّی إذا جاءو

رحمت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۶

۶ رحمت خدا حتی کافران و گمراهان را نیز فرا می گیرد .

فلیمدد له الرحمن مدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱۰

۱۰- رحمت خداوند حتی کافران را نیز فرامی گیرد .

أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

ذکر نام <رحمان> در نفی مدعای کافران به جهت بیان این نکته است که تفضلی خداوند به کافران نیز پرتویی از رحمانیت او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۲ - ۴

۴- روی گردانی کافران از پروردگار خویش ، علی رغم برخورداری از رحمت مداوم او

قل من یکلؤکم . .. من الرحمن بل هم عن ذکر ربّهم معرضون

<بل> در آیه شریفه، برای

اضـراب انتقـالی است; یعنی، خداونـد پس از بیـان نیـاز بشـر به خـدای رحمـان و ذکر عـذاب او، به علت اصـلی کفر کافران (اعراض از یاد پروردگار و بی توجهی به ربوبیت الهی) پرداخته است.

رد آرزوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۰ – ۷

۷ – تمنای کافران بر بازگشت به دنیا ، تمنایی مردود و غیر قابل پذیرش

قال ربّ ارجعون . .. کلاّ

رد استمهال کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۵

۵– کافران ، در طول عذاب اخروی ، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت .

و لا هم ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۱

۱ – یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا ، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و ردّ آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا ... إنّه کان فریق من عبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۵ – ۴

۴ – با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران ، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود .

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ -

۶ - کافران حق ستیز ، فاقد هر گونه مجال و فرصت برای عذرخواهی و رضایت طلبی از خداوند ، در روز قیامت

و لا هم یستعتبون

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبون>) به معنای درخواست عذرخواهی است. و در این آیه می تواند کنایه از این باشد که به کافران، مجالی برای عذرخواهی و طلب رضایت خداوند، داده نمی شود.

رد استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳ - ۲

۲ - اختلاف نظر کافران درباره معاد ، دلیل نابه جا بودن موضع گیری استهزاآمیز آنان است .

عمّ یتساءلون . .. الذی هم فیه مختلفون

توصیف منکران معاد به کسانی که با هم اختلاف نظر دارند، اشاره به این است که نباید آنان درباره چیزی که خود درباره آن آرای گوناگون دارند، موضع انکارآمیز برگزینند; بلکه باید آن را محتمل دانسته و از استهزای معتقدان به آن دست بردارند.

رد بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۴

۴ - با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلّف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۹ – ۳

۳ – فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

رد

توبه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۵ – ۱

۱ – ایمان به خداوند یکتا و توبه و بازگشت از شرک ، از سوی مشرکان و کافران محکوم به عذاب استیصال به وقت نزول آن ، مورد پذیرش خداوند قرار نگرفت .

فلمّا رأوا بأسنا قالوا ءامنّا باللّه وحده . .. فلم یک ینفعهم إیمنهم لمّا رأوا ب

رد تهمتهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶ – ۱

۱ پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ وحی و پاسخ گویی به دروغ پردازی ها و اتهام های واهی کافران ، علیه رسالت خویش و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا . .. قل أنزله الذی یعلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶ – ۳

۳ – ردّ اتهام کافران از سوی خداوند نسبت به ساختگی بودن قرآن

و إنّک لتلقّی القرءان من لدن حکیم علیم

رد عذر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۶ – ۴

۴ – با ارائه شدن وحی و پیام های الهی ، هیچ عذر و بهانه ای برای کافران و انسان های متخلّف ، در پیشگاه خداوند قابل قبول نیست .

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

مطلب یاد شده، در واقع پیام اصلی آیه شریفه است.

رد عذر کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۹

۹- تبعیت کورکورانه از رهبران گمراه ، عذری برای رهایی از عذاب

الهی در قیامت نیست .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا . .. من شیء

درخواست کمک از رهبران گمراه در قیامت برای کاستن از عذاب از سوی کسانی که تابع محض بوده اند، حکایت از آن دارد که تبعیت بی چون و چرا موجب نمی شود که عذاب برداشته شود، بلکه پیروان نیز عذاب خواهند شد.

رد فدیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۲

۲ - در قیامت ، از منافقان و کافران فدیه پذیرفته نمی شود .

فالیوم لایؤخذ منکم فدیه و لا من الذین کفروا

رذالت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ - کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

رذایل اخلاقی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

رذایل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افترى على الله كذبًا . .. أُولئک لم یکونوا معجزین

ماضی بودن معنای جمله <أُولئک لم یکونوا . ..> (آنان هیچ گاه ازحاکمیت

خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

رسوایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۸ - ۱۰

۱۰ - کافران ، دچار خذلان و رسوایی در عرصه قیامت

یوم لایخزی اللّه النبیّ و الذین ءامنوا معه

استثنا شدن پیامبر(ص) و مؤمنانِ همراه او از خذلان روز قیامت، بیانگر آن است که دیگران (کافران) دچار آن خواهند بود.

رسوایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذلکم

<ذلکم> خبر برای مبتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ; یعنی <الأمر ذلکم> ; مطلب از این قرار است که بیان شد.

رفاه دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۲،۳،۶

۲ - رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندك و ناچیز است .

نمتّعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم إلى عذاب غليظ

۳ - نعمت های کافران در دنیا ، هر چند به ظاهر زیاد باشد ، ناچیز است .

و من كفر . ..

نمتّعهم قليلًا

<قليلاً> ممکن است نسبی بوده و در رابطه با مجموعه امکانات دنیا و نیز آخرت و همین طور زوال پذیر بودنش سنجیده شود. در این صورت، این معنا را می رساند که کافران، هر چند امکانات زیادی به دست آورند، ناچیز است.

۶ - امکانات رفاهیِ نسبیِ کافران ، در دنیا ، از جانب خداوند است .

نمتّعهم قليلًا

رفاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۵،۱۶

۱۵ - بهره مند ساختن کافران از متاع دنیا ، از سنت های خداوند است .

و من كفر فأمتعه

۱۶ - بهره مندی کافران از مواهب الهی ، موقت و گذراست .

و من كفر فأمتعه قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۲

۲ برخورداری مشرکان و کافران از رفاه و در اختیار داشتن امکانات دنیوی ، نشان رستگاری آنان نیست .

لا يفلحون. متع فى الدنيا

جمله <متاع فی الدنیا> پاسخ از پرسش مقدر است ; یعنی، بعد از اینکه خداوند درباره مشرکان افترازننده فرمود: <آنان رستگار نخواهند بود>، این سؤال پیدا می شود که: پس آن همه رفاه و برخورداری از امکانات دنیوی در زندگی آنان چه معنایی دارد؟ خداوند پاسخ داد: <متاع فی الدنیا . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ – خداونـد ، توانا بر مرفه ساختن زنـدگی کافران ، تا جایی که سـقف خانه های خود را از نقره بسازنـد و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا

بروند .

لجعلنا. .. لبیوتهم سقفًا من فضّه و معارج علیها یظهرون

رفاه کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۴

۴ - مسلمانان صدراسلام ، بر اثر مشاهده رفاه کافران ، در خطر توجه به زر و زیور دنیا بودند .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

این آیه گرچه خطاب به پیامبر(ص) است; ولی ممکن است مراد از آن، تربیت مسلمانان باشد و در صورتی که شخصِ آن حضرت مراد باشد، این خطر برای دیگر مسلمانان قوی تر خواهد بود.

رفتار ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و اللّه بمایعملون محیط

رفتار ناپسند کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲

۲ شیطان رفتار های ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

رفع شک کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۵ – ۷

۷ – عذاب استیصال ، برطرف کننده هرگونه شک و ریب از دل کفرپیشگان نسبت به آیات الهی

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

رفع مشکلات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۶

۶ – سوء استفاده کافران ، از لطف

و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

رنجهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۵ - ۵

۵ - رنج کافران و منکران هدایت های الهی در آخرت ، سرآمد تمام رنج های دیگران در دنیا است .

الأشقی

<أشقی>، اسم تفضیل است و در این که مراد برتری شقاوت در مقایسه با چه کسی است; گفته های چندی ابراز شده است; از جمله این که <أشقی> تعبیری دیگر از <کافر> است. چه آن که تمام سختی های مردم در دنیا (از قبیل فقر و مرض و...) در برابر سختی و شقاوت حاصل از کفر، اندک است.

روابط پنهانی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۵

۵- برخی از عناصر سست ایمان صدر اسلام ، دارای روابط پنهانی با کافران

قالوا للذین کرهوا ما نزّل اللّه سنطیعکم فی بعض الأمر

روز عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۱

۲۱- روز فرا رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

روسیاهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۱

۱ - کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئک هم الکفره الفجره

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می

شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالات پیش می رود; <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

روش احتجاج با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۴

۴ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه استدلال کردن بر رسالت خویش و چگونه احتجاج کردن با کافران

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۱،۲

۱ - ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان ، از سوی خداوند به پیامبر (ص)

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه

۲ - طرح پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه و من معی أو رحمنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۳۰ - ۱

۱ - ارائه شیوه احتجاج با کافران و مشرکان ، از سوی خداوند به پیامبر (ص)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا

روش برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۴

۴ دشنام به کافران و مقدسات آنها، در صورتی که موجب عکس العمل متقابل آنان گردد، حرام است. *

و لاتسبوا . .. فیسبوا الله عدوا بغیر علم

در صورتی که جمله <فیسبوا . ..> علت نهی باشد، نه حکمت

آن، حرمت دشنام به کافران و مقدسات آنها به مواردی محدود است که عکس العمل متقابل مشرکان را در پی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه برخورد کردن با کافران و پاسخ گویی به آنان

قل هو ربی . .. و إلیه متاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۳ - ۲

۲- مؤمنان ، موظف به انتخاب بهترین شیوه ها در گفتار و برخوردشان با مشرکان و کافران

و قل لعبادی یقولوا التی هی أحسن

برداشت فوق، مبتنی بر شأن نزولی است که در آن آمده است: مؤمنان در برابر اهانت و آزارهای مشرکان، تصمیم به برخورد شدید گرفتند (مجمع البیان ج،۶ ص ۵) و خداوند پیامبر(ص) را موظف فرمود که به آنان اعلام کند: بهترین گفتار را انتخاب کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۶

۱۶- انتخاب خوش رفتاری در مواجهه با کافران ، بهتر از به کارگیری شدّت و خشونت است .

و إمّا أن تتّخذ فیهم حسنًا

جمله <تتّخذ فیهم حسناً> در بیان طریقه مقابل عذاب، تلقین کننده اختیار این شیوه از بین دو نوع برخوردی است که ذوالقرنین بین آن ها مخیّر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۸

۸- شدّت و قاطعیت یاوران پیامبر (ص) در برابر کافران

محمّد . .. و الذين معه أشدّاء على الكفّار

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۸ – ۱

۱ – اجازه خداوند به مؤمنان ، برای رفتار نیک و عادلانه با کافران غیر معاند با دین

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۴

۴ – همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۲ – ۱

۱ – رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

روش برخورد با کافران لجوج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۵ – ۸

۸ – رهنمود خدا به پیامبر (ص) در چگونگی پاسخ به کافران و مشرکان لجوج

قل ربّی أعلم من جاء بالهدی و من هو فی ضلل مبین

روش برخورد کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۷

۷ تمسخر مؤمنان ، روش دنیاپرستان و کافران

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا و یسخرون من الذین امنوا

فعل مضارع <یسخرون>، دلالت بر استمرار دارد که از آن در برداشت فوق، به <روش> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۵

۳۵ بزرگ جلوه دادن اعمال خلاف مسلمین توسط کفار ،

و نادیده گرفتن اعمال زشت خود

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به .

برخی برآننـد که سائلین، مشـرکان مکه بودنـد تا به این وسـیله خلاف برخی از مسـلمین را به رُخ پیامبر (ص) کشـند و علیه او تبلیغات کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۱

۱ محبّت برخی از مؤمنان نسبت به بیگانگان و اهل کفر ، و دغلبازی اینان با مؤمنان

یا ایها الذین امنوا . ..ها انتم اولاء تحبونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الأَنام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۹،۱۲

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین. فقد کذّبوا بالحق ... ما کانوا به ی

۱۲ تکذیب آیات الهی با تمسخر و استهزا از شیوه های کافران

فقد کذبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۳

۳ تمسخر و استهزای پیامبران الهی، شیوه کافران در طول تاریخ بوده است.

و لقد استهزیء برسل من

قبلک . .. ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۳

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱،۲

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی ، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الکفره کدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ در برخورد با آیات الهی

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱،۲

۱- اقوام کافر پیشین پس از مواجهه با برهان های روشن و دلایل منطقی انبیا و پافشاری آنان بر مواضع خویش ، آنان را تهدید به تبعید و یا بازگرداندن اجباری به کفر (ارتداد) می کردند .

و ما لنا ألاّ نتوکّل . .. لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... و قال الذین کفروا لرسلهم

۲- تهدید و توسل به زور ، از ابزار کفار به هنگام درماندگی

از پاسخ گویی به براهین منطقی انبیا

جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. قالوا إنا كفرنا ... و لنصبرنّ ... و على الله فليتوكّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۷ - ۳

۳- تبليغات سوء و استهزای آزار دهنده ، حربه هميشگی مشركان و كافران عليه اسلام و پيامبر (ص)

المستهزءين . .. و لقد نعلم أنك يضيق صدرك بما يقولون

فعل مضارع <يقولون> بر استمرار و هميشگی بودن گفتار و تبليغات مشركان و دشمنان دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۱،۳

۱- آگاهی كامل خداوند ، به هدف ها و انگيزه های كافران در گوش فرا دادن به كلمات پيامبر (ص)

نحن أعلم بما يستمعون به

<با> در <بما> برای سببيت است. بنابراين معنای آيه چنين می شود: ما به غرض و انگيزه ای كه كافران به خاطر آن به سخنان پيامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داريم.

۳- كافران ، به منظور خنثی كردن سخنان پيامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سرّی می پرداختند .

نحن أعلم بما يستمعون به . .. و إذ هم نحوى إذ يقول

<إذ هم نجوى> و إذ يقول الظالمون> بدل <إذ يستمعون إليك> است. با توجه به اين نكته، معنای آيه چنين می شود: ما آگاهترين هستيم به غرض كافران در گوش فرا دادن به سخنان پيامبر(ص) كه تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستيم از نجوا و گفت وگوی آنان. چنين بيانی حكايت از آن دارد كه غرض آنها از گوش دادن، تمهيد و آماده شدن

برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۴

۴- استهزای آیات و پیامبران الهی ، شیوه کافران و عامل دوزخی شدن و حبط عمل آنان است .

جزاؤهم جهنّم بما کفروا واتخذوا ءایتی و رسلی هزوًا

<هزواً> و <هزءاً> به یک معنا است و مصدری است که حمل آن بر <آیات> و <رسل> برای مبالغه است. راغب، آن را <شوخی ناآشکار> و دیگران، آن را <تمسخر> معنا کرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزئَ برسل من قبلك

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند; به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۱

۱ – یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در دنیا ، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و ردّ آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا ... إنّه کان فریق من عبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۱۱

۱۱ تحقیر و سرزنش ، حربه مشرکان برای بازداشتن مردم از پیروی پیامبر (ص)

قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۱

۱۱ – استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا اللّه کثیرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا اللّه کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا اللّه کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ – تکذیب بی دلیل آیات الهی ، شیوه مستمر و عادت همیشگی کافران

أمّاذا کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۵

۵ – نزول دفعی قرآن همانند تورات

، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلمّا جاءهم الحقّ من عندنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۵

۵ - پیامبراکرم (ص) در انجام دادن رسالت خویش ، با رو در رویی کافران و منافقان مواجه بود .

یأیّها النبیّ إنّا أرسلنک . .. و دع أذیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۱

۱ - اتهام جنون و شاعر بودن به پیامبر (ص) ، شیوه مشرکان و کافران در برابر پیامبر (ص)

و یقولون أئنّا لتارکوا ءالهتنا لشاعر مجنون

آمدن فعل <یقولون> به صیغه مضارع، حکایت از استمرار این سخن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۴

۴ - توبیخ و سرزنش به جهت اعتقادات دینی ، از روش های کافران در مبارزه با اسلام

یقول أءنّک لمن المصدّقین

فعل مضارع <یقول> که بر استمرار دلالت دارد گویای این حقیقت است که توبیخ و سرزنش کردن، کار همیشگی کافران در برخورد با مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - باور و رفتار کافران ، براساس ظن و گمان است ; نه یقین و برهان .

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلى ربّى

برداشت یاد شده بر این اساس است که کافران از یک سو برپایی قیامت را مورد تردید قرار می دهند و از سوی دیگر فرض وجود قیامت را مطرح می نمایند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۶

۶ - شناخت تاریخ و آگاهی از موضع گیری های همگون کافران در برابر پیامبران ، مانع نگرانی و دلسردی رهبران دینی است .

و کم أرسلنا . .. إلاّ کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - موضع کافران در برابر پیامبران و وعده آنان به برپایی قیامت ، موضعی مستکبرانه و استهزاآمیز

وإذا قیل . .. و الساعه لاریب فیها قلتم ما ندری ... و ما نحن بمستیقنین

از سیاق آیه، استفاده می شود که سخن کافران در <ما ندری. ..> لحن استهزایی نیز داشته و آیه بعد مؤید این معنا است (کانوا به یستهزءون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۵

۵ - شیوه کافران در انکار معاد ، استهزاگرانه و نه منطقی

کانوا به یستهزءون

شیوه بودن استهزا از <کانوا به یستهزءون> که بر استمرار دلالت دارد استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۱

۱ - استهزای آیات الهی ، شیوه کافران مستکبر و دنیامحور

فاستکبرتم . .. اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا

از این که به جای <استهزأتم> و یا تعابیر مشابه دیگر، گفته شده <اتّخدتم آیات اللّه هزواً>، می توان به مطلب بالا راه برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۷ - ۷

۷- اتهام سحر ، سپر دفاعی کافران در برابر آیات روشن وحی

إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین

كفروا . .. هذا سحر مبين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۲،۱۷

۲– برخورد تحقيرآميز كافران ، با گرايش محرومان به دين ، نمودى از روحيه استكبارى آنان است .

و استكبرتم . .. و قال الذين كفروا للذين ءامنوا لو كان

۱۷– انكار حقايق دين از سوى كافران ، در قالب روشن فكرى و ارزش گرايى

و قال الذين كفروا . .. لو كان خيرًا ما سبقونا إليه ... فسيقولون هذا إفك قديم

كافران با دعوى <لو كان خيراً> خود را ارزش خواه و با اتهام <هذا إفك قديم> خود را روشن فكر و ضد ارتجاع معرفى مى كنند و با اين ادعاها، بدون تأمّل در حقايق قرآن (إذ لم يهتدوا به) به كفر و انكار مى پردازند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۷ – ۱۹

۱۹– پيشينه داشتن انديشه هاى دينى ، زمينه ارتجاعى شمرده شدن آن از سوى كافران *

فيقول ما هذا إلّا أسطير الأوّلين

تعبير <الأولين> نشانگر پرسابقه بودن عقيده به معاد در ميان جوامع است و تعبير <أساطير>، اشاره به ارتجاعى بودن انديشه معاد دارد. قرين آمدن اين دو تعبير، مى تواند بيانگر مطلب ياد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۶ – ۳،۴

۳– استهزاى كافران نسبت به وحى و سخنان پيامبر (ص) ، در پى خارج شدن از محضر آن حضرت

حتّى إذا خرجوا من عندك قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

پرسش <ماذا قال آنفاً> از روى توهين و استهزا بوده است.

۴– حضور كافران ،

در مجلس پیامبر (ص) ، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز *

و منهم من یستمع . .. قالوا للذین أوتوا العلم ماذا قال ءانفًا

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفاً) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۱،۴

۱ - تکذیب و اتهام ، شیوه همیشگی اقوام و جوامعِ کفرپیشه و شرک آلود در برابر فرستادگان الهی

کذلک ما أتی الذین من قبلهم من رسول إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

۴ - اتهام سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتی الذین . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن

اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست; بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۲

۲ - معرفی قرآن به عنوان افسانه کهن ، از ترفند های همیشگی کافران تکذیب گر

إذا تتلی علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱،۷

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند; مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد; یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

۷ - ترور شخصیت (همچون پیامبر (ص)) ، از ترفند های کافران برای مبارزه با تعالیم اسلام و قرآن

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

این که کافران، به جای مبارزه با تعالیم قرآن، پیامبر(ص) را متهم به جنون کردند; بیانگر این نکته است که آنان درصدد بودند با این کار، به هدف خود (نابودی دین) نائل شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

- ۸۳ - ۳۳ - ۴

۴ - گنه پیشگان کافر ، در برخورد با مؤمنان ، چنان خود را در مقام قیّم و نگهبان می نشانند که گویا هدایت آنان را مأموریت خود می دانند .

و ما أُرسلوا علیهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۱

۱ - کافران ، به مجرد شنیدن آیات قرآن ، آن را تکذیب کرده و معارف آن را دروغ می پنداشتند .

بل الذین کفروا یکذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲،۵

۲ - کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذّبون . و اللّه أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و اللّه أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند; ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . .. و لا أنتم عبدون ما أعبد

آيات

آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

روش برخورد کافران دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۴

۴ - همگونی برخورد های مشرکان عصر بعثت با کافران عصر موسی ، در مورد کتاب آسمانی

و لو جعلنه قرءانًا . .. و لقد ءاتینا ... فاختلف فیه

روش برخورد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۷ - ۴

۴ - رفتار کافران با شخصیت پیامبر (ص) ، برخوردی تحقیرآمیز و در حد شخصیتی فاقد شهرت و موقعیت

هل ندلّکم علی رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق

ذکر نکردن شخصیت حقوقی پیامبر(ص) به عنوان رسول خدا و یا نگفتن نام آن حضرت و آوردن عنوانی نکره، حکایت از موضوع یاد شده دارد.

روش برخورد کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۲

۲ اهل ایمان ، در دنیا مورد تحقیر کفرپیشگان مستکبر هستند .

أهؤلاء الذين أقسمتم لاينالهم اللّه برحمه

روش برخورد کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۴ – ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۱،۳

۱– خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳– کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲،۵

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلاّ> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

۵- پیامبر (ص) ، مورد تحقیر مداوم کافران مکه قرار می گرفت .

و إذا رءاک . .. أهذا الذی یذکر ءالهتکم

همزه استفهامیه در <أهذا. ..> برای تعجب است و اسم اشاره <هذا> به قرینه استهزا در تحقیر استعمال گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - کافران مکه ، درصدد

تحقیر و خوار ساختن پیامبر (ص) بودند .

و لایستخفّنّك الذین لایوقنون

دعوت از پیامبر(ص) به صبر در برابر كافران و نیز توصیه به مراقبت از خود كه مبادا كافران آن حضرت را خفیف و خوار كنند، می تواند بازگو كننده وضعیّت رفتاری كافران درباره پیامبر(ص) باشد.

۱۱ - كافران مكه ، درصدد بودند تا با تبلیغات خود ، در مواضع عقیدتی پیامبر (ص) سستی ایجاد كنند .

إن أنتم إلاّ مبطلون. .. و لایستخفّنّك الذین لایوقنون

برخی بر این عقیده اند كه معنای <لایستخفّنّك>، <لاینفز عن دینك> (بیرون نبرند تو را از دین ات) است (لسان العرب). <و لایستخفّنّك الذین لایوقنون> می تواند بیانِ نوعِ اثری باشد كه مشركان، با <إن أنتم إلاّ مبطلون> درصدد ایجاد آن بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انكار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص) ، شیوه مستمر كافران مكه

كانوا بأیتنا یجحدون

فعل <كان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می كند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱

۱- تلاش كافران مكه ، برای تحقیر مؤمنان و بی اهمیت جلوه دادن ایمان آنان

و قال الذین كفروا للذین ءامنوا لو كان خیرًا ما سبقونا إلیه

روش تبلیغ كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۶ - ۸

۸- خارج کردن حق از صحنه ، با باطل نشان دادن چهره آن ، از شیوه های تبلیغاتی کفرپیشگان است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

<إدحاض> به معنای

<إبطال> و <إزاله> است. <لیدحضوا به الحقّ> یعنی: <کفرپیشگان، با مجادله باطل، سعی در ابطال و ازاله حق دارند.>. روشن است که حق، قابل ابطال نیست، لذا تعبیر <خروج از صحنه> و <باطل نمایی> در برداشت به کار رفته است.

روش حق ستیزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به الحقّ

روش دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۷

۷ - توهین و تحقیر مسلمانان ، از ابزار کافران در اظهار دشمنی با آنان

یبسطوا إلیکم أیدیهم و ألسنتهم بالسوء

روش دعای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۱،۲

۱ سوت کشیدن و کف زدن ، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

۲ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون . .. مکاء و تصدیه

جمله <ما کان صلاتهم . .. > می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی

برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

روش زندگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف

- ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذّت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

روش کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۲۵

۲۵ - تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اِعمال مجازات درباره آنان

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنّهم من عذاب غلیظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

روش مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳- اتکا و توکل بر خداوند از رهنمود های انبیا برای تقویت جبهه مؤمنان در مقابل ستیزه جویی کافران

و علی الله فلیتوکّل المؤمنون

اینکه رسولان الهی پس از پاسخ گویی به شبهات مخالفان، اعلام می کنند که مؤمنان باید بر خداوند اتکا داشته باشند، در واقع رهنمودی است از سوی آنان که در برابر مخالفان و دشمنان باید به خدا متکی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۰ - ۱۰

۱۰ - تسبیح و حمد مداوم پروردگار ، از راه های مقابله مؤمنان با تبلیغات کافران علیه خدا و دین

فاصبر علی ما یقولون و سبّح

روش مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۳

۳ - ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد و تلاش برای تخریب آنها ، از روش های مبارزاتی کفرپیشگان علیه اسلام و مسلمین

و من أظلم ممن

منع مسجد اللّه أن يذكر فيها اسمه و سعی فی خرابها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۴

۴ اتهام سحر، وسيله ای برای مبارزه کافران با رسالت پيامبر(ص) و آيات الهی

لقال الذين کفروا إن هذا إلا سحر مبين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۴

۴ استهزای وعيدها و تهديدهای پيامبران الهی، از شيوه های مبارزه کافران با انبيا در طول تاريخ

و لقد استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذين سخروا منهم ما کانوا به

بنابراين که مقصود از <ما کانوا به يستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پيامهای انبيا(ع) ذکر می شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۱۰

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شيوه های مبارزه کافران و مشرکان با اسلام

حتی إذا جاءوک يجدلونک يقول الذين کفروا إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۱۱

۱۱– استفاده از تهمت و شخصيت شکنی ، از روش های مبارزه کافران با پيامبر (ص) و تعاليم او

إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴ – ۳،۶

۳ تهمت و افترا ، ابزار و شیوه های مبارزه کافران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه و أعانه علیه قوم ءاخرون

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها

خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبراسلام (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفک افتریه . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبراسلام(ص) را متهم به دروغ گویی می کردند; در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۲

۱۲ تهمت سحر زدگی ، آخرین توجیه و حربه سران کفر و شرک علیه پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

سران کفر و شرک، به ترتیب چند تهمت و افترا را علیه پیامبر(ص) مطرح کردند که اولین آن، تهمت دروغ گویی به آن حضرت و خدشه در اصالت وحی بود. آخرین آن نیز تهمت سحرزدگی به ایشان بود. در تاریخ آمده است که گویندگان این سخن عتبه بن ربیعه، ابوسفیان و ... بوده اند که از سران شرک و کفر به شمار می آمدند. بنابراین آنچه در تاریخ آمده، مؤید دیگری برای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۱

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . .. و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی)

آمده است (قاموس المحیط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دارکردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لایأتونک بمثل> و جمله <إلّا جئناك بالحقّ> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ - اتهام یاوه سرایی ، حربه کافران علیه پیامبر (ص) و مؤمنان بود .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلّا مبطلون

باطل، در اصل، به معنای <بی ثبات و بی ریشه> است. گاهی، درباره کسی به کار برده می شود که مطلبی عاری از حقیقت بگوید (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۰ - ۳

۳ - تمسخر و استهزا ، از روش های مبارزاتی و حربه های تبلیغی کافران علیه رسولان الهی بود .

یحسره علی العباد ما یأتیهم من رسول إلّا کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۸

۸ - ترسانیدن و به هراس افکندن پیامبر (ص) و مؤمنان از ضربات دشمنان ، از روش های مبارزاتی مشرکان و کافران

و یخوّفونک بالذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۸

۸ - تمسخر ، از شیوه های مبارزاتی کافران و مشرکان با تعالیم آسمانی (قرآن)

یحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت

لمن السخرين

آمدن کلمه <الساخرين> به صورت صفت (در قالب اسم فاعل) گویای این نکته است که به تمسخر گرفتن تعالیم قرآن، به صورت مقطعی و موردی نبود; بلکه دائمی و مکرر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۳

۳- نسبت افترا به پیامبر (ص) ، از شیوه های کافران در مبارزه با آن حضرت

قال الذين كفروا . .. هذا سحر مبين . أم يقولون افتريه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۶

۶ - استفاده جبهه کفر از تمامی روش های عملی و تبلیغی ، برای زیان رساندن به مسلمانان

إن يثقفوكم يكونوا لكم أعداء و يبسطوا إليكم أيديهم و ألسنتهم بالسوء

تعبیر <أيديهم و ألسنتهم. ..>، بیانگر به کارگیری تمامی امکانات از سوی کافران است.

رؤیای صادق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۵

۱۵ رؤیای کافران نیز می تواند بیانگر واقعیت ها بوده و حاوی دستورالعملهایی برای حفظ جامعه از گزند ها باشد .

قال الملك إني أرى . .. قال تزرعون سبع سنين دأبًا

رؤیت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ – قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست; بلکه به زمان قبل از

آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست; بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست ویا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

رؤیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۲

۲ - وعده نزول عذاب بر کافران ، در مرآی و منظر پیامبر (ص)

و إنّا علی أن نریکک ما نعدهم لقدرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۲

۲ - قابل درک و مشاهده بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصرهم

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست; بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست و یا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل رؤیت و درک بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۲

۲ – قابل درک و مشاهده

بودن نشانه های شکست و نابودی کافران و مشرکان معاند برای پیامبر (ص)

و أبصر

برداشت یاد شده از آن جا است که توصیه به دقت کردن در وضعیت کافران، مربوط به زمان بعد از شکست و عذاب نیست; بلکه به زمان قبل از آن ارتباط دارد. بنابراین پیش از شکست ویا نزول عذاب، آثار آن برای پیامبر(ص) قابل مشاهده و درک بود.

ریاکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۵

۵ همانندی انفاقِ توأم با منّت و آزار مؤمنان ، با انفاق همراه با ریایِ کافران

یا ایّها الّذین امنوا . .. کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه

انفاق مؤمنان آنگاه که با منّتِ و آزار توأم شود، همانند انفاق کافرانی است که با ریا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و اللّه بمایعملون محیط

زخم زبانهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

زشتی صورت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۱

۱ – زشت و کریه شدن چهره های کافران و منکران معاد ، در لحظه مشاهده عذاب قیامت

فلمّا

رأوه زلفه سيئت وجوه الذين كفروا

واژه <سوء> مرادف <قبيح> و <سيئه> مقابل <حسنه> است.

زمينه آمرزش كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۲

۲- امكان شمول عفو الهی ، نسبت به كافران حق ستيز ، به شرط توبه و پشيمانی قبل از مرگ

إنّ الذين كفروا و . .. ثمّ ماتوا و هم كفّار فلن يغفر اللّه لهم

از مفهوم آيه شريفه، استفاده می شود كه اگر كافر معاند در حال كفر نميرد و قبل از مرگ توبه كند، مشمول <لن يغفر اللّه> نخواهد بود.

زمينه اتمام حجت با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بينه - ۹۸ - ۳ - ۳

۳ - وجود معارف استوار و قوام بخش در قرآن ، نشانِ تمام بودن حجت بر كافران با ابلاغ آن از سوی پيامبر (ص) است .

حتّی تأتيهم البيّنه . رسول من اللّه ... فيها كتب قيّمه

زمينه احساس مصونيت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۳

۳ - چيزی جز دروغ پنداشتن كيفر های اخروی ، گنه كاران و كافران را به احساس امنيت از عذاب سوق نداده است .

بل تكذّبون بالدين

مراد از <دين> به قرينه آيات بعد كه در آنها قيامت با عنوان <يوم الدين> ياد شده جزای اعمال است. حرف <بل> كه برای اضراب است بيانگر آن است كه كافران و گناه كاران، گرچه توجيهاتی نزد خود دارند; ولی محرّك اصلی آنان، چيزی

جز دروغ دانستن کیفرهای آخرت نیست.

زمینه تجاوزگری کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۶ - ۳

۳- امکان تعدی کافران به مؤمنان ، در قبال فراخوانده شدن به دین

ادع إلی سبیل ربّک . .. و إن عاقبتم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به

زمینه تشخیص کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۸

۸ میدان جهاد ، صحنه تمایز مؤمنان راستین از منافقان بی ایمان

و قعد الذین کذبوا اللّه و رسوله

زمینه تقدیر عذاب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۳

۳ - تصمیم لجوجانه بیشتر کافران و مشرکان صدراسلام بر ایمان نیاوردن ، سبب مقرر شدن عذاب الهی بر آنان بود .

لقد حقّ القول علی أکثرهم فهم لایؤمنون

برداشت یاد شده مبتنی بر این مطلب است که <فاء> در <فهم لایؤمنون> تعلیلیه است و جمله برای بیان علتِ مضمونِ جمله <لقد حقّ القول علی أکثرهم> می باشد; یعنی، چون دانسته شد آنان ایمان نمی آورند، عذاب بر آنان مقرر شد.

زمینه تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۴

۴ - خداوند ، به همه اقوام کافر و تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

<إملاء> (مصـدر <أمليت>) از <مَلْو> و به معنای فرصت دادن است; یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند

و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۱

۱ - عذاب قهر الهی ، نقطه پایان غفلت زدگی و بی خبری کافران

بل قلوبهم فی غمره . .. حتّی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجئرون

<حتی > ابتدائیه بوده و برای بیان غایت غفلت زدگی کافران و پایان اشتغال آنها به کارهای ناپسند است. <مترفین > (جمع <مترف >) به معنای مرفهان، خوشگذرانان و ناز پروردگان است. <جوار > در اصل به زوزه وحوش (آوای سگ، شغال و گرگ وقتی که صدمه ببیند) گفته می شود و در این جا کنایه از فریاد استغاثه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۶ - ۲

۲ - یادآوری آخرین لحظات زندگی انسان (هنگام احتضار و حالات تکان دهنده محتضر) ، از سوی خداوند به کافران و منکران معاد ، برای بیدار کردن آنان از غفلت و مستی

کلاّ إذا بلغت التراقی

زمینه جهاد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۳

۳- پیروی کافران از باطل ، مستلزم امان ندادن به آنان ، آن گاه که به جنگ جبهه ایمان و نبردی رویاروی آمده اند .

الذین کفروا اتّبعوا البطل . .. فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

برداشت بالاـ بنا بر این نکته است که <فإذا لقیتم > تفریع بر <الذین کفروا اتّبعوا الباطل > باشد; یعنی، چون کافر بر باطل است، زمانی که به جنگ تو آمد در

کشتن او تردید نداشته باش.

زمینه حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۱

۱- ناکامی و پوجی اعمال کافران بازتاب طبیعی باطل گرایی آنان

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم ... ذلک بأنّ الذین کفروا اتّبعواالبطل

<ذالک> اشاره به فرجام پوچ و اعمال بی ثمر کافران است (أضلّ أعمالهم).

زمینه حمایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۴

۴ - کوتاهی در ابلاغ رسالت الهی و عقب نشینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین . و لایصدّنّک عن ءایت اللّه

توصیه خداوند به دست برنداشتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

زمینه دشمنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۶

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أکبر . .. إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید;

ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

زمینه دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۲

- ۲

تلاوت آيات قرآن از سوی پيامبر (ص) ، خشم و كينه كافران را به شدت برمی انگيخت .

و إن يكاد الذين كفروا ليزلقونك بأبصرهم لمّا سمعوا الذكر

زمينه دوستی با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

۱۱ - بی توجهی به عمق عداوت كافران با اسلام و مسلمانان ، زمينه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّكم أولياء . .. يخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّكم

بيان ابعاد مختلف عداوت كافران با مسلمانان، به عنوان دليل ممنوعيت ارتباط دوستانه با آنان، بيانگر مطلب بالا است.

زمينه دوستی كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۱،۱۲

۱۱- كافران ، در صورت عقب نشينی پيامبر (ص) از مواضع اصولی خويش (تعاليم وحی شده بر آن حضرت) قطعاً با او طرح دوستی صميمانه ای می ريختند .

و إن كادوا ليفتنونک . .. و إذًا لاَتّخذوک خليلاً

۱۲- كافران و دشمنان اسلام ، تنها در صورت عقب نشينی مسلمانان از برخی مواضع خويش ، راضی به تسالم و دوستی با آنان می شدند .

و إن كادوا ليفتنونک عن الذی أوحينا إليک . ..و إذًا لاَتّخذوک خليلاً

زمينه ذلت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - كافران و ناباوران به رستاخيز ، در زندگی فاقد تكيه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و

دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . ..

فظلتم تفكّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زمینه زنگار قلب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۴ – ۶

۶ – مداومت کافران بر تکذیب ، طغیان و گناه ، مایه چرکین شدن قلب و مسدود شدن راه های شناخت بر آنان است .

بل ران علی قلوبهم ما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون>، همان اموری است که آیات پیشین درباره کافران برشمرده است.

زمینه سازش با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۱۰

۱۰ – ضعف روح صبر و شکیبایی ، از موجبات عدول از مواضع دینی و تسلیم و سازش در برابر خواسته های گناه پیشگان و بیگانگان کافر

فاصبر لحکم ربّک و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

از توصیف شدن پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی در امر رسالت پیش از دریافت هشدار نسبت به اطاعت از گروه های گناه کار و ناسپاس مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه سازش کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۹ – ۲

۲ – اعلام آمادگی کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن با پیامبر (ص) ، در صورت سازش و نرمش نمودن آن حضرت با آنان

ودّوا لوتدهن فيدهنون

زمینه سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۷

۷ - خطا ها

و لغزش ها ، زمینه ابتلای مؤمنان به رنج ها و سلطه کافران است . *

ربّنا لاتجعلنا فتنه . .. و اغفرلنا

ارتباط <واغفر لنا> با <لاتجعلنا فتنه. ..>، ممکن است از این جهت باشد که یکی از عوامل <فتنه> (مفتون و معذّب شدن) گناهان است. از این رو در تکمیل دعای <لاتجعلنا...>، طلب آمرزش شده است.

زمینه شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص) ، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه اللّه

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلی

زمینه عجله کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۶

۶- خوی شتاب زدگی آدمی ، زمینه ساز درخواست کافران مکه برای تحقق وعده های الهی (عذاب ، برپایی قیامت و . . .)

خلق الإنسن من عجل . .. یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <و یقولون متی . ..> عطف بر جمله <سأُوریکم...> باشد و این دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> که بیان گر خصلت عمومی انسان ها است مرتبط باشند.

زمینه عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

کذّب الذین من

قبلهم جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. ثمّ أخذت الذين كفروا فكيف كان نكک

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۶

۶ – ربوبيت الهى ، مقتضى عذاب دادن و كيفر كردن كافران حق ستيز و تكذيب كننده

و كذلک حقّت كلمت ربّک على الذين كفروا أنّهم أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۳ – ۷

۷– نزول عذاب بر كافران ، پس از اتمام حجت بر ايشان با دلايل روشن

يغشى الناس هذا عذاب أليم . .. و قد جاءهم رسول مبين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۱۲

۱۲– عناد شديد كافران ، زمينه ساز گرايش پيامبر (ص) به درخواست عذاب ، براى آنان

و لاتستعجل لهم

از نهى <لاتستعجل> اگر استفاده نشود كه پيامبر(ص) درخواست عذاب كرده است; مى توان استفاده كرد كه عناد كافران تا بدان جا شديد بوده كه زمينه چنين درخواستى را فراهم مى كرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۳۷ – ۳

۳ – خطر نزول عذاب الهى بر جامعه كفرپيشه ، پس از تهى شدن آن از مؤمنان

فأخرجنا . .. من المؤمنين ... و تركنا فيها ءايه للذين يخافون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۳

۳ - ثروت و مکنت کافران تکذیب گر ، در معرض نابودی با عذاب الهی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه

زمینه عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد; عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

زمینه علم کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۴ – ۲

۲ – کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

زمینه عمل ناپسندکافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۵

۵ – غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

زمینه غضب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۳

۱۳ گام نهادن مؤمنان در هر میدان و زمینه ای که خشم کافران را به دنبال داشته باشد ، عمل صالح و دارای اجر است .

و لا يطئون موطئاً يغيظ الكفار . .. إلا كتب لهم به عمل صلح

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۵،۴۰

۳۵- سرعت گسترش اسلام ، از پیدایش تا استقرار و شکوفایی آن ، مایه شگفتی دین شناسان و خشم کافران

کزرع . .. یعجب الزرّاع لیغیظ بهم الکفّار

۴۰- جامعه مقتدر و اصیل اسلامی ، برانگیزاننده خشم کافران و نه دوستی ایشان

کزرع أخرج شطه . .. لیغیظ بهم الکفّار

از تعبیر <لیغیظ> استفاده می شود که کافران، ناگزیر در قبال رشد امت اسلامی موضع خصمانه می گیرند و انتظار دوستی از آنان بی جا و بی مورد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۲

۲ - تلاوت آیات قرآن از سوی پیامبر (ص) ، خشم و کینه کافران را به شدت برمی انگیخت .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم لمّا سمعوا الذکر

زمینه غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

زمینه فسق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۵ - ۱

۱ - انکار و زیر سؤال بردن برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انجام هرگونه فسق و فجور

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه . .. بل یرید الإنسن لیفجر أمامه

<فجور> (مصدر <یفجر>) به معنای فسق (صحاح اللغه) و لام در <لیفجر> برای تعلیل است. <أمام> اسم

مکان و در این آیه مجازاً در زمان مستقبل که مفید استمرار است استعمال شده است. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: <بلکه انسان می خواهد تا راه فسق و فجور، برای همیشه به روی او باز باشد و آن را ادامه دهد و همین سبب انکار معاد از جانب او است>.

زمینه کوردلی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۴ – ۱۴

۱۴ – هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیً أُولئک ینادون من مکان بعید

زمینه کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۶

۶ – ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۱۶

۱۶– کیفر الهی در مورد کافران ، پس از اتمام حجت و تبیین حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و . .. من بعد ما تبیّن لهم الهدی ... و سیحبط أعملهم

در صورتی که <سیحبط. ..> عنوان کیفر داشته باشد; تعبیر <من بعد ما تبیّن...> بیانگر اتمام حجّتی است که قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۷ – ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إنّ عذاب ربّک لوقع

از اضافه <عذاب> به <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ - تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذّبین . ..أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربّک

زمینه مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۲

۲- توجه به نافرجامی خط کفر ، مقتضی مصمم بودن مؤمنان در نبرد با کافران بدون هیچ سستی و سازش

فلن یغفر اللّه لهم . فلاتهنوا و تدعوا إلی السلم

<فا> در <فلاتهنوا> ترتّب و تفریع را می رساند و از ترتّب این آیه بر مفاد آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای برای هدایت آنان

ردف لكم بعض الذی تستعجلون . و إنّ ربّك لذو فضل على الناس

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذی تستعجلون> می تواند

تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لکم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است; برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۷

۷ - کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای ر ها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لمّا یقض ما أمره

ضمیر فاعلی <یقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أکفره> تنها بر کافران منطبق است.

زمینه هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۷ - ۴

۴- سنت خداوند بر هلاکت اقوام کافر ، پس از نمایاندن آیات گوناگون به آنان

و لقد أهلکنا . .. و صرّفنا الأیت لعلّهم یرجعون

تذکر به <صرّفنا آیات>، در حقیقت بیانگر این است که خداوند تا وقتی که اتمام حجت نکند و آیات متعدد به کافران ننمایاند; ایشان را هلاک نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۸

۱۸- مجازات و نابودی کافران ، پس از ابلاغ پیام حق و اتمام حجت بر آنان است .

بلغ فهل یهلک إلاّ القوم الفسقون

با توجه به فای <فهل> که می تواند بیانگر تفریع باشد

استفاده می شود که بلاغ و اتمام حجت، همواره قبل از مجازات و کیفر کافران صورت گرفته و می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۸ - ۵

۵ - جوامع کفرپیشه و گناه کار ، در معرض نابودی از سوی خداوند

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا . .. إنّ هؤلاء يحبّون العاجله و يذرون وراءهم ...

زمینه هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزّل الملئكه إلاّ بالحقّ و ما كانوا إذًا منظرين

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

زمینه یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفكّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

زندگی تلخ کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۳ - ۴

۴ جامعه اسلامی ، برخوردار از زندگی گوارا و شیرین و جامعه شرک و کفر ، گرفتار ناکامی ها و تلخی ها

و هو الذی مرج البحرین هذا عذب فرات و هذا ملح أُجاج

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه، متضمن تثمیل باشد; به این معنا که ایمان به آب گوارا و شیرین و کفر و شرک به آب شور و تلخ تشبیه شده باشد و مؤمنان و جامعه ایمانی و کافران و جامعه کفر و الحاد به دریا تشبیه شده باشند.

زنگار قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶ - قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از <ربّ> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

زورگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۲

۲- تهدید و توسل به زور ، از ابزار کفار به هنگام درماندگی از پاسخ گویی به براهین منطقی انبیا

جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. قالوا إنا کفرنا ... و لنصبرنّ ... و علی الله فلیتوکّ

زیان اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۲

۲ - واکنش کافران دنیاگرا در برابر فشار های ناگهانی اقتصادی ، واکنشی ذلیلانه و حسرت بار است .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

زیان دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۳

۳ آسیب ها و صدمات متقابل مجاهدان و کافران در نبرد احد

ان تکونوا تألمون فانهم یألمون

بنابر آنچه در شأن نزول آیه آمده، مراد از آسیبهای متقابل، مسائلی است که در جنگ احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۷

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

زیانکاری اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۲ – ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

<أخسَر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد.
می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران

در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنّهم ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

۳ کفرپیشگانی که بر خدا دروغ می بندند و مردم را از راه خدا باز می دارند و قیامت را انکار می کنند ، در سرای آخرت از دیگر کافران و گنهکاران ، تباه تر و زیانکارترند .

و من أظلم . .. الذین یصدون ... لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که مقیاس سنجش و تعیین زیانکار و زیانکارتر مراتب کفر باشد. براین مبنا آیه شریفه دلالت دارد براینکه: همه کافران در آخرت زیانکارند; ولی آنان که بر خدا دروغ بستند و ... از دیگر کافران و گنهکاران، زیانکارتر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۹ - ۱

۱- کافران دنیاگرای غافل (مرتدان) ، بی تردید در آخرت ورشکسته و زیانکارند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. القوم الکفرین ... هم الغفلون . لاجرم أنهم فی الأخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

زیانکاری دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان ، مردمی تباه شده و زیانکار ، در عرصه دنیا و صحنه آخرت

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

۲ تباهی و زیان کاری کفرپیشگان در سرای آخرت ، افزونتر

از خسارت و تباهی آنان در دنیاست .

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

<أخسَِر> (زیانکارتر) اسم تفضیل است و می طلبد که زیان کاری کافران در آخرت، با خسارت دیگری سنجیده شده باشد. می توان گفت: آن خسارت، خسارت کافران در دنیاست. براین اساس جمله <لاجرم أنّهم ...> دلالت می کند که کافران در دنیا و نیز در آخرت، زیانکارند و خسارت اخروی آنان در مقایسه با خسارت دنیوی، زیادتر و سنگین تر است.

زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل . .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجّه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ کافران حق ستیز ، زیانکاران واقعی هستند .

أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۴

۱۴ منافقان و کافران ، زیانکاران واقعی تاریخند .

وعد اللّه المنفقین . .. أولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۲

۲- واقعیّت زندگی کافران ، چیزی جز پوچی و بی فرجامی و زیانکاری نیست .

ذلک

<ذلك> ممکن است که خبر مبتـدای محذوف و تأکید بر محتوای آیات قبل باشد; یعنی، واقعیت این است و جز این نیست. (الأمر ذلك و لا غیر) و می توانـد مبتـدا باشـد و <جزاؤهم> خبر آن و <جهنم> عطف بیان برای مبتـدا یا خبر. برداشت یاد شده براساس احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۹،۱۰

۹ - باطل باوران و کافران به خدا ، قطعاً ، زیان کارند .

و الذین ءامنوا بالبطل و کفروا باللّه أُولئک هم الخسرون

۱۰ - ایمان به باطل و کفر به خدا ، خسارتبار است .

و الذین ءامنوا بالبطل . .. أُولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن ، برای خود کافر است .

من کفر فعلیه کفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آنِ کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

احتمـال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضـمیر مفرد آورده شـده و در جواب شـرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به

نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۳ – ۴

۴ – کافران و منکران آیات الهی ، مردمی زیانکار و خسارت دیده اند .

و الذین کفروا بأیت اللّه أُولئک هم الخسرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۵ – ۴

۴ – آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لمّا رأوا بأسنا . .. و خسر هنالک الکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۵۰ – ۳

۳ – احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنّه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

زیبایی زندگی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۵ – ۱۴

۱۴– ثروت ، مکنت ، خوش نمایی و آراستگی زندگی کافران ، استدراج است .

هم أحسن أثثًا و رءیًا . .. فلیمدد له الرحمن مدًّا حتّی إذا رأوا ما یوعدون

<استدراج>; یعنی، کسی را آهسته آهسته و به آرامی نزدیک چیزی بردن (لسان العرب) در این آیه <مدّاً> که مفعول مطلق است بیان نوعی خاصی از امهال است که مقصود از آن

به قرینه <حتّی إذا. ..>، نزدیک ساختن کافران به عذاب موعود الهی است.

سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ نکوهش اهل کتاب (علمای یهود) ، به جهت قضاوت ظالمانه درباره مؤمنان و سازش با کافران

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون

جمله <الم تر . .. > دارای لحن مذمت گونه و اعتراض آمیز است.

سازش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۴

۴- سرگرمی ها و خوشی های پوچ دنیا ، از مهم ترین عوامل سستی در جهاد و تمایل به سازش با کافران

فلاتهنوا . .. إنّما الحیوه الدنیا لعب و لهو

خداوند، پس از نهی مؤمنان نسبت به سستی در جهاد و گرایش به سازش، به آنان لعب و لهو بودن دنیا را یادآوری کرده است. از مطلب استفاده می شود که سرگرمی های این دنیا، عاملی مهم در سستی و سازش با کفر است.

سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱،۲،۴

۱ نبرد بی امان با کافران و منافقان ، و سخت گیری و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پیامبر (ص)

یأیها النبی جهد الکفار و المنفقین و اغلظ علیهم

۲ لزوم جهاد با کافران و منافقان و عدم مماشات با آنان

جهد الكفار . .. و اغلظ عليهم

۴ لزوم برخورد شديد و بدون ترحم ، با كافران و منافقان حق ستيز

و اغلظ عليهم

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲۶

۲۶ لزوم برخورد شدید با مرتد و گوینده کلمات کفرآمیز

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۳ – ۶،۱۰

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

۱۰ جهاد با کافران و نرمش نداشتن در برابر آنان از جلوه های تقوا

قتلوا . .. و لیجدوا فیکم غلظه و اعلموا أن اللّه مع المتقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، در نیمه دوم بعثت و به هنگام استقرار نظام اسلامی در مدینه ، مأمور سختگیری و برخورد بدون مسامحه و گذشت با کافران و منافقان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که نزول این دسته از آیات، در دورانی بوده است که نیمی از بعثت رسول خدا(ص) سپری شده و نظام اجتماعی اسلام در مدینه تشکیل یافته بود.

سختگیری بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۷

۷ – گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است

.

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق . .. إنّ بطش ربّک لشدید

حرف <إنّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می

کند.

سختی استهزای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۴

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

سختی حسابرسی عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است; هر چند هر دو هم زمان باشند.

سختی عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه <مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

سختی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۲

۲ - خداوند ، با سخت گیری و اقتدار ، کافران را گرفتار خواهد ساخت .

إنّ بطش ربّک لشدید

سختی فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۵

۱۵- بی ارزشی لذت ها و امکانات دنیویِ کافران ، در مقایسه با فرجام سخت اخروی آنان

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

خداوند، با تقبیح شیوه کافران و یادآوری فرجام شوم آنان، در حقیقت به مؤمنان یادآور شده است که چشم به زندگی دنیوی کافران ندوزند و لذّت جویی های آنان را ارزش نپندارند; زیرا زندگی کافران از نظر ماهیت، حیوانی و از نظر فرجام، دوزخی است.

سختی کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذين ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شـده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشـد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۲۶ – ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۸ – ۳،۴

۳ – قیامت ، روزی دشوار برای کافران

یقول الکفرون هذا یوم عسر

۴ – پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه های رستاخیز

یقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۷ – ۲

۲ – کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمّل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۰ – ۱،۲

۱ – کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ – لحظه ای آسودگی و راحتی برای کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۱۱ – ۱

۱ – در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ . کلاّ

سخن آشکار کافران

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۱

۱- خداوند ، به گفتار آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران حق ستیز آگاه است .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

سخن چینی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

سخن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و کم أرسلنا . .. و لئن سألتهم من خلق ... لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین نابـاوران سؤال شود که آفریـدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

سخن ناپسند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۵ - ۱

۱ - خداوند ، آگاه به گفتار ناروای مشرکان و کافران علیه دین

نحن أعلم بما يقولون

سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های

دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران حق ستیز در قیامت از سوی خداوند

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

استفهام در <أین ما کنتم. ..> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، مورد ملامت و سرزنش به خاطر استکبار در برابر آیات الهی

و أمّا الذین کفروا أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۲،۱۱

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار أذهبتم طیّبتکم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۸ – ۴

۴ – سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی

است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

سرزنش حمایت از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۲

۲ ایجاد رابطه ولایی با کافران و حمایت از ایشان و درخواست حمایت از آنان ، بارور سازنده فتنه و تباهی بزرگ در زمین

و الذین کفروا . .. إلا تفعلوه تکن فتنه

ضمیر مفعولی در <لاتفعلوه> به قانونهایی که در آیه قبل مطرح شد و نیز به دستوری که از صدر همین آیه به دست می آید برمی گردد. در برداشت فوق ضمیر به قطع ولایت با کافران، که از جمله <الذین کفروا ... > استفاده شده، برگردانده شده است.

سرزنش سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴

۴- هر گونه سازش با خط کفر ، بیگانه با خط و راه پیامبراسلام (ص)

محمّد . .. و الذین معه أشدّاء علی الکفّار

با استفاده از مفهوم آیه، برداشت بالا به دست می آید.

سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۳

۳ کافران مورد سرزنش خداوند به

خاطر باور نکردن حقانیت قرآن جز با آمدن قیامت

هل ینظرون إلا تأویله یوم یأتی تأویله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . .) سزاوار سرزنش هستند .

أو لم ینظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّه من شیء

استفهام در جمله <أو لم ینظروا . .. > انکار توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱،۵

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

۵ مؤمنان و موحدان ، هرگز همسان کافران و مشرکان نخواهند بود ، همان طور که بینایان و شنوایان هم طراز کران و کوران نمی باشند .

هل یستویان مثلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کافران به خاطر باطل گرایی ، علی رغم مشاهده آثار و نعمت های الهی در تمام ابعاد زندگی خود ، مورد سرزنش خدایند .

و الله جعل لکم . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> - همان

گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱

۱- کافران به جهت پذیرش ولایت غیر خدا ، مورد ملامت اویند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

استفهام در آیه، برای انکار و توبیخ است; یعنی، گزینش غیر خدا، به عنوان ولیّ، کاری نادرست و سزاوار توبیخ است. و مراد از <اتخاذ ولیّ> در آیه اطاعت معبودان و انتظار یاری از آن ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) . . . انّ قول اللّه عزّوجلّ < کانتا رتقاً > یقول : کانت السماء رتقاً لاتنزل المطر و کانت الأرض رتقاً لاتنبت الحبّ . . . فتق السماء بالمطر والأرض بنبات الحبّ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. سخن خدای عزّوجلّ <کانتا رتقاً> بیان می کند که آسمان بسته بود و باران نمی بارید و زمین بسته بود و گیاه نمی رویانید ... پس خداوند آسمان را با باریدن باران و زمین را با رویانیدن گیاه شکافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۰ - ۵

۵- کافران به خاطر انکار قرآن و حق ناشناسی آنان نسبت به آن ، مورد سرزنش خداوند قرار دارند .

أفأنتم له منکرون

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار رسالت پیامبر (ص) ، علی رغم آگاهی آنان از شخصیت ارزشی و اخلاقی (صداقت ، امانت و . . .) آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۰ - ۳

۳ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر نسبت دادن جنون به پیامبر (ص) ، علی رغم آشنایی کاملشان با شخصیت خردمند آن حضرت

أم لم یعرفوا رسولهم . .. أم یقولون به جنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۳

۳ - سرزنش کافران از سوی خداوند ، به خاطر انکار پیامبر (ص) بدون هیچ عذر قابل قبولی

أفلم یدّبّروا القول . .. أم تسئلهم خرجًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۵ - ۱

۱ - توبیخ کافران از سوی خدا ، به خاطر بی فرجام شمردن زندگی دنیوی و انکار حیات اخروی

أفحسبتم أنّما خلقنکم . .. لاترجعون

استفهام در آیه یاد شده، برای انکار توبیخی است و مراد از ضمیرهای خطاب، کافران و منکران معاد می باشد. <حِسبان> (مصدر <حسبتم>) به معنای پنداشتن و <عبث> به معنای بی هدف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در

آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كذّبوا . .. أَوَلم يرواإلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أَوَلم يروا. ..> براى توبيخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۲

۲ - توبيخ كافران از سوى خدا ، به خاطر تكذيب بى دليل نشانه ها و آيات او

حتّى إذا جاءو قال أكذّبتم بايتى و لم تحيطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۶ - ۱

۱ - سرزنش كافران از سوى خداوند ، به خاطر ناديده گرفتن حكمت هاى او در برقرارى نظام شب و روز

ألم يروا أنّا جعلنا الّيل . .. و النهار مبصرًا

استفهام در اين آيه، براى توبيخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - كافران ، در قيامت ، از سوى مؤمنان عالِم ، سرزنش مى شوند .

و قال الذين أوتوا العلم . .. فهذا يوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصيحه است و دلالت بر جمله اى مقدر مى كند كه مى تواند چنين باشد: <اگر شما، منكر قيامت بوديد، اين هم قيامت!>. <هذا> در اين بيان طبق گفته مفسران براى توبيخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۶ - ۷

۷ – کافران ، از سوی خدا به خاطر عبرت نگرفتن از هلاکت کافران پیشین ، توبیخ شدند .

أوَلم یهد لهم کم أهلکنا من قبلهم من القرون . .. أفلایسمعون

همزه <أفلایسمعون> تقریری و همراه با توبیخ است.

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۷ - ۹

۹ - کافران ، از سوی خداوند ، به خاطر بصیرت نیافتن از مشاهده آیات گسترده الهی در زمین ، سرزنش شده اند .

أوَلم یروا أنّا نسوق . .. فنخرج ... تأکل منه... أفلایبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۸ - ۲

۲ – نکوهش کافران ، بر تعقل نکردن در سرنوشت هلاکت بار قوم لوط

ثمّ دمّرنا الأخرین . و إنّكم لتمرّون علیهم ... أفلاتعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا یستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۸،۹

۸ - کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توبیخی می باشد.

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ینظرون إلّا الساعه أن تأتیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم . .. و ما لها من فروج

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۰ – ۲

۲ – توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۳ – ۳

۳ – سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس ، از سوی خداوند به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

استفهام در<فبأيّ> توبیخی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۶ – ۵

۵ – سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن آنان در اهمیت آفرینش خود از خاك و آتش

خلق الإنسن من صلصل . .. فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۱۸ – ۳

۳ – توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی ، متجلی در طلوع و غروب خورشید

فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

تثنیه آمدن <كما> و <تكذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۱ - ۴

۴ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۳ -

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت فراگیر الهی

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در<فبأیّ ءالآء> توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۵

۵ - سرزنش تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و<تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۵

۵ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان>، ممکن است به خاطر توجه خطاب به جن و انس باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۱

۱ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده گرفتن قدرت و لطف الهی در تأمین نیاز های خلق

یسله . .. کلّ یوم هو فی شأن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند در آیه قبل، فقر ذاتی و نیازمندی موجودات و فیاضیت و نیاز برآوری خویش را به آدمیان یادآور شده و در این آیه غافلان و کافران را مورد سرزنش قرار داده که چرا این حقیقت را در هستی نادیده می گیرند. تثنیه آمدن <کما> و

<تکذّبان>، ظاهراً به خاطر توجه خطاب به جن

و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۱

۱ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، بر بی توجهی آنان نسبت به قدرت مطلق الهی و عجز و ناتوانی خویش

إن استطعتم . .. لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، از استفهام توبیخی در <فبأیّ. ..> مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است که تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۴

۴ سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۲

۲ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس ، به خاطر بی اعتنایی به نعمت های الهی و

غفلت از قدرت قاهر او بر نظام جهان

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

عبارت <انشقّت السّماء. ..> نشانگر قدرت قاهر خداوند بر جهان است و از این که پس از تذكر قدرت، تكذیب گران را به محاكمه نشانده، مطلب بالا استفاده می شود. گفتنی است كه تثنیه آمدن <كما> و <تكذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۱

۱ - سرزنش شدن كافران جن و انس به خاطر تكذیب نعمت های خداوند و نادیده گرفتن فرجام گناه كاران

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

تثنیه آمدن <كما> و <تكذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۲ - ۲

۲ - توبیخ كافران و تكذیب گران جن و انس ، به خاطر نادیده انگاشتن فرجام فضاحت بار و ذلیلانه مجرمان

یعرف المجرمون . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۵ - ۲

۲ - توبیخ كافران و تكذیب گران جن و انس ، به خاطر بی توجهی و نادیده انگاشتن نعمت های خداوند

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۳

۳ - توبیخ كافران و تكذیب گران جن و انس به خاطر نیندیشیدن به نعمت بهشت ، بیم نداشتن از مقام پروردگار و تكذیب

نعمت های او

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأىّ

ءالآء ربّكما تكذّبان

لحن توبیخی آیه شریفه و تقابل تکذیب گران با بیم دارندگان از مقام پروردگار، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۹ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۱ - ۳

۳ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خدا ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت حق

فيهما عينان تجريان . فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۳ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۴

۴ - سرزنش کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

متّكين على . .. فبأیّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۷ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۹ - ۳

۳ -

سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۱ - ۳

۳ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۳ - ۳

۳ - توبیخ کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت های الهی و محروم ساختن خویش از آن

و من دونهما جنّتان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۵ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۷ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت الهی

فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۹ - ۴

۴ - سرزنش شدن کافران و تکذیبگران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۱ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۳ – ۴

۴ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۵ – ۳

۳ – توبیخ شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت پروردگار خویش

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و تکذیب گران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر نادیده انگاشتن نعمت ها و جلوه های ربوبیت او

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۰ – ۴

۴ – نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء . .. فلولا تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۷ – ۳

۳ – سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا الذی کنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته

است که عبارت <و قیل هذا الذی. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۲

۲ - سرزنش خداوند از کافران ، به سبب تجمّع شتاب آلودشان برای استماع قرآن ; به رغم کفرورزی آنان نسبت به آن

فمالِ الذین کفروا قبلک مهطعین

<ما> در <فمالِ>، اسم استفهام و برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است; زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۳

۳ - خداوند ، با پرخاش به کافران و گنه کاران ، آنان را به خاطر دلگرمی به دستاویز های پوچ و بی باکی شگفت آورشان در برابر کفر و گناه ، سرزنش کرده است .

یأیّها الإنسن ما غرّک

استفهام در <ما غرّک>، بر توبیخ همراه با تعجب دلالت دارد.

سرزنش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱

۱ - توبیخ و سرزنش کفرپیشگان و تکذیب کنندگان صدراسلام

، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت اقوام هلاك شده پيشين و پند نياموختن از آثار به جا مانده از شهر ها وسرزمين هاى متروك و ويران شده آنها

فكأيّن من قريه أهلكنها . .. أفلم يسيروا فى الأرض

استفهام در جمله <أ فلم يسيروا فى الأرض> استفهام توبيخى است و <سير> (مصدر <يسيرون>) به معناى سياحت و گردش مى باشد. <ال> در <الأرض> عهد حضورى و <أرض> به معناى سرزمين است و ضمير فاعل در <يسيرون> به مشركان حق ستيز و تكذيب گر صدراسلام باز مى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۱ - ۲

۲ - كافران و مشركانِ صدراسلام ، به دليل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاكت بار كافران پيش از خود ، مورد سرزنش خدا قرار گرفتند .

ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون

سرزنش كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - كافران مكه ، از سوى خداوند ، به خاطر ژرف نگرى نكردن درباره توانايى خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم يروا كيف يبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم يروا> استفهام توبيخى است.

سرزنش گرايش به كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۴

۴ گرايش به خصلت هاى كفرپيشگان ، امرى نكوهيده براى اهل ايمان

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم

سرزنش ولايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۹

۹ پذيرش ولايت كافران ، هرگز مايه عزت و

سربلندی نخواهد شد .

أیبتغون عندهم العزّه فإن العزّه للّه جمیعاً

سرزنشهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۵

۵- کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نجوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> - همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ پیروان پیامبر (ص) ، در پندار و بیان نکوهشگر و طعن آلود مشرکان ، مردمانی نادان و دنباله رو فردی سحر زده

و قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

از لحن آیه شریفه، استفاده می شود که کافران، این سخن را از سر نکوهش و طعن می گفتند و چون پیروی از فردی سحرزده، امری غیر منطقی است، در حقیقت پیروان آن حضرت را، مردمانی نادان می پنداشتند.

۱۱ تحقیر و سرزنش ، حربه مشرکان برای بازداشتن مردم از پیروی پیامبر (ص)

قالوا . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۴

۴ - توبیخ و سرزنش به جهت اعتقادات دینی ، از روش های کافران در مبارزه با اسلام

یقول أءنّک لمن المصدّقین

فعل مضارع <يقول> که بر استمرار دلالت دارد

گویای این حقیقت است که توبیخ و سرزنش کردن، کار همیشگی کافران در برخورد با مؤمنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران و گنه پیشگان ، حتی در غیاب مؤمنان نیز آنان را استهزا کرده و با طعنه و کنایه از ایشان یاد می کنند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۲ - ۱

۱ - گنه پیشگان کافر ، با مشاهده مؤمنان به نکوهش آشکار ایشان پرداخته ، آنان را ره گم کرده قلمداد می کنند .

و إذا رأوهم قالوا إنّ هؤلاء لضالّون

جمله <إذا رأوهم. ..>، بیانگر برخورد علنی کافران با مؤمنان است.

سرعت بعث کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران حق ستیز در قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

يوم يخرجون من الأجداث سراعًا كأنّهم إلى نصب يوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

سرعت در کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إنّ بطش ربّک لشديد

لسان العرب از ابن سيده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سريع است.

سرکوبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ -

۲ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذلک بأنهم شاقوا اللّه و رسوله

سرگردانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

سرگرمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عذاب بر کفرپیشگان بی تقوا به هنگام غفلت های شبانه و سرگرمی های روزانه ، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند با آنان

أن یأتیهم بأسنا بیتا . .. ضحی و هم یلعبون. أفأمنوا مکر اللّه

سرگرمی کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۹

۹- کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، سرگرم آرزو های واهی بودند .

ذرهم . .. و یلههم الأمل

سرمستی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۱ – ۱

۱ – کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر

از روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

سرنوشت شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۶

۶ - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الذین کفروا . .. مأویهم النار و لبئس المصیر

سرنوشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۲

۲ آیات روشنگرِ سرنوشت دو طایفه مؤمنان و کافران ، همراه حق و به دور از شائبه بطلان و انحراف

یوم تسودّ . .. تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

بنابراینکه <بالحق>، قید باشد برای آیات و <باء>، به معنای مصاحبت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۵،۱۰

۵ مالکیّت مطلق خداوند بر هستی ، دلیل نداشتن حقّ تصمیمگیری رسول خدا (ص) ، در مورد سرنوشت کفّار

لیس لک من الامر شیء او یتوب علیهم . .. و للّه ما فی السّموات و ما فی الارض

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. لیس لک من الامر شیء ... و للّه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر

و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمّن هو قنت ءاناء الّيل ساجدًا و قائمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أمّن هو قانت ءاناء الّیل... کمن هو عاص أو کافر; آیاکسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است>. بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو على نور من ربّه فويل للقسيه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ -

۳ – وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر وسرنوشت آنان در آینده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۹ – ۱۰

۱۰ – وجود اختلاف های اساسی ، میان دو انسان مؤمن و کافر از نظر سرنوشت

ضرب اللّه مثلًا رجلًا . .. و رجلًا سلمًا لرجل هل یستویان مثلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۹

۹ – اعتراف کافران و گنه کاران به نقش خود در تعیین سرنوشت خویش

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت . .. و إن کنت لمن السخرین ... لو أنّ لی کرّه ف

سرور کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۴ – ۹

۹– انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملًا . الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون . ..> بیانِ علّت <أخسرین> بودن کافران است; زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب

می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش برنیاید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

<فَکِه> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

سستی مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۴

۴ سنت الهی بر سست کردن حیله کافران است .

ذلکم و أن اللّه موهن کید الکفرین

<أن اللّه . .. > خبر برای مبتدایی محذوف است ; یعنی <و الأمر أن اللّه ... >.

سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و مسلمانان ، با کافران مکه ، تفاوت قابل ملاحظه ای داشت .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

سطحی نگری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۱ – ۳

۳ – سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷ – ۳

۳

- سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد كذّبوا . .. أَوَلم يرواإلى الأرض كم أنبتنا فيها

استفهام در <أَوَلم يروا. ..> برای توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذين كفروا . .. لو كان خيرًا ما سبقونا إليه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند; بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

سفاهت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۰ - ۲

۲ - کافران لجوج و پندناپذیر ، مردمی ابله و نابخرداند .

كأنّهم حمر مستنفره

مطلب یاد شده، از تشبیه کافران به <گورخران رمیده>، استفاده می شود.

سقف نقره ای خانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۳

۳ - خداوند ، توانا بر مرفه ساختن زندگی کافران ، تا جایی که سقف خانه های خود را از نقره بسازند و دارای پلکان هایی باشند که بر آن بالا بروند .

لجعلنا. .. لبيوتهم سقفًا من فضّه و معارج عليها يظهرون

سلطه طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۵

۵ - تلاش جبهه کفر برای سلطه بر مسلمانان ، از طریق روش های دقیق و آمیخته با مهارت *

إن يثقفوكم

برداشت یاد شده با

توجه به معنای <ثقف> که در آن، مهارت در انجام کار نهفته است (مفردات راغب).

سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۲،۱۴،۱۶،۱۸

۱۲ خداوند کمترین سلطه ای را برای کافران علیه مؤمنان ، تشریع نکرده و رضایت نداده است .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

کلمه <سبیل> چون نکره است و پس از نفی قرار گرفته است، دلالت بر عموم دارد. یعنی هیچ راه سلطه ای را خداوند برای کافرین قرار نداده است.

۱۴ انعقاد هرگونه پیمان (سیاسی ، نظامی ، اقتصادی و فرهنگی) ، که موجب سلطه کافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

۱۶ مؤمنان در صورت رعایت لوازم ایمان ، هرگز تحت سلطه کفار قرار نخواهند گرفت .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

التفات از خطابِ <بینکم>، به غیبت با آوردن عنوان <المؤمنین> برای اشاره به این معناست که اگر مسلمانان لوازم ایمان را رعایت کنند و مؤمن واقعی باشند، هرگز کافران بر آنان سلطه نخواهند یافت.

۱۸ خداوند ، هیچگونه غلبه فکری و منطقی برای کافران بر انبیا و مؤمنان قرار نداده است .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: لن یجعل اللّه لکافر علی مؤمن حجه . .. لن یجعل اللّه لهم علی انبیائه(ع) سبیلا من طریق الحجه.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۵، ب ۴۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۳۰.

سلطه کافران بر مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۷

توبه - ۹ - ۴۰ - ۸

۸ سلطه کافران بر سرزمین مکه و ضعف و قلّت مسلمانان ، به هنگام هجرت پیامبر (ص)

إذ أخرجه الذین کفروا ثانی اثنین

سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۵

۵ - مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنگینی گوش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۳

۳ خداوند افکننده حجابهایی متعدد بر دل، و سنگینی بر گوش گروهی از کافران است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

سوءاستفاده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۶

۶ - سوء استفاده کافران ، از لطف و رحمت الهی در برطرف کردن گرفتاری های ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲

۲ - شیوایی و جاذبه محسوس پیام وحی ، مورد سوء تعبیر کافران

أم یقولون شاعر

کـافران، به جـای آن که مـوزون بودن و شـیوایی سـخنان وحی را، طریق هـدایت خود قرار دهنـد، مورد سوء تعـبیر قرار داده و نوعی شعر قلمداد کرده اند که ناخودآگاه در این نقص گیری به تمجید نشسته اند.

سوختن کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۱

۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، اعلام می کنند که مطیع بزرگان و رؤسای گمراه سازشان بودند .

إنّ اللّه لعن الکفرین . .. یوم تقلّب ... و قالوا ربّنا إنّا أطعنا سادتنا ... فأ

سوزاندن کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۷

۷ - گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق . .. إنّ بطش ربّک لشدید

حرف <إنّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

سوگند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت

برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. قالوا بلی و ربنا

سوگند کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۰ – ۳

۳ اشراف کفرپیشه مدین با یاد کردن سوگند ، پذیرش رسالت شعیب و پیروی از دستورات او را ، امری زیان آور معرفی می کردند .

لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

سوگند کافران مستکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۹ – ۱

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمتهای اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ینال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

سهولت هلاکت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۷ – ۵

۵ – نابودی اقوام کفرپیشه تاریخ ، امری آسان برای بنیانگذار بنای شگفت و عظیم آسمان

فأخذتهم الصعقه . .. و السّماء بنینها بأییْد و إنّا لموسعون

در آیات پیشین سـخن از هلاکت اقوام کفرپیشه تاریـخ بود و در این آیه، سـخن از قدرت مطلق و بی بدیل او است. از ارتباط این آیات، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۰ - ۶

۶ - نابود ساختن امت های کفرپیشه و مجرم ، امری آسان و بی مؤونه برای خداوند

و ما أمرنا إلّا وحده کلمح بالبصر

با توجه به این که در آیات پیشین، سخن از هلاکت جوامع مجرم بود و در آیه بعد نیز همین امر، دنبال شده است; احتمال می رود که مراد از <أمرنا>، مجازات و هلاکت کفرپیشگان و یا از مصادیق بارز آن باشد.

سیره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۰

۱۰ بذله گویی منافقان و کافران و استهزای آنان به ارزش های الهی ، کار مستمرشان در طول تاریخ

کالذین من قبلکم . .. و خضتم کالذی خاضوا

در <آیه ۵۶> از قول منافقان نقل شده است: <إنما کنا نخوض و نلعب>; خداوند در این آیه می فرماید <خضتم کالذی خاضوا> ; یعنی، روش شما در پیشینیان شما نیز وجود داشته است.

سیمای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۹

۹ - چهره های کفرپیشگان در دوزخ ، بسیار گرفته و درهم کشیده خواهد بود .

قل أفأنبّئکم بشرّ من ذلکم النار

شبهه افکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۳

۳ - لزوم حراست از دین و آیین الهی در برابر شبهه افکنی ها و فشار های کافران

فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱

۵ - تلاش کافران برای ایجاد شبهه و تردید در مؤمنان نسبت به باورهایشان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع، نشان می دهد که روی سخن کافران با مؤمنان بوده است نه صرفاً پیامبر(ص). بنابراین بیان این سؤالات، می تواند به منظور به بن بست کشاندن اهل ایمان طرح شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کافران ، در اندیشه ایجاد وقفه در روند گسترش دین ، با طرح مسائل بی اساس علیه پیامبر (ص)

أم یریدون کیدًا

در آیات پیشین، سخن از اتهام های مشرکان علیه پیامبر(ص) و بررسی علل آن اتهام ها بود. در ادامه این بررسی، خداوند به اندیشه ناسالم و مکرآلود کافران اشاره می کند که آنچه آنان می گویند، ناشی از ابهام شخصیت پیامبر(ص) نیست; بلکه دقیقاً ترفندی خائنانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون . .. قل إنّ الأوّلین و الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۲۵ –

۵ - تلاش کافران ، برای ایجاد شبهه و تردید در باور های مؤمنان

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

تعبیر <إن کنتم صادقین> به صیغه جمع نشان می دهد که روی سخن کافران، با مؤمنان بوده است; نه صرفاً پیامبراسلام(ص). بنابراین طرح این پرسش ها، می تواند برای به بن بست کشاندن اهل ایمان و ایجاد تهدید در باورهای آنان صورت گرفته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، وعده معاد را ، به تمسخر گرفته و درباره حقایق آن پرسش ها و شبهه هایی بر سر زبان ها می انداختند .

عمّ یتساءلون

تهدید پرسشگران با جمله <سیعلمون> در آیات بعد این احتمال را تقویت می کند که هدف آنان از پرسش ها، کشف حقیقت نبود; بلکه آنان در پی ایجاد سؤال و شبهه در ذهن دیگران و طعنه و کنایه زدن به وعده معاد بودند.

شخصیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۲

۲ انسانهایی که بر اثر کفرورزی زمینه های ایمان را در خویش از میان برده اند ، در پیشگاه خداوند بدترین جنبدگان هستند .

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵

- ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۱

۱ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان کافر و مؤمن ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا و قائمًا

<من> در آیه شریفه اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن جمله ای محذوف است. تقدیر کلام چنین می شود: <أمّن هو قانت ءاناء الّیل... کمن هو عاص أو کافر; آیاکسی که شب زنده دار (مؤمن) است، مانند کسی است که عاصی و یا کافر است>. بر این اساس می توان گفت: آیه شریفه، درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ - وجود اختلاف اساسی انسان مؤمن حق پذیر و نرم دل با کافر حق ناپذیر و سنگدل ، از نظر شخصیت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ -

زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۳

۳ - وجود اختلاف اساسی میان دو انسان مؤمن خداترس و کافر خداگریز ، از نظر شخصیت و سرنوشت

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه . .. أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<من> در آیه شریفه، اسم موصول بوده و مبتدا و خبر آن، جمله ای محذوف است و تقدیر کلام چنین می باشد: <أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب. .. کمن آمن منه>. بنابراین می توان گفت آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر وسرنوشت آنان در آینده است.

شدت اعراض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۱ - ۱

۱ - روی گردانی کافران ، از شنودن کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، همچون فرار گورخران از شیر ژیان ، بسیار شدید بود .

فرّت من قسوره

<قسوره> اسم جامد و به معنای شیر است و گاهی اسم جمع و در معنای شکارچیان تیرانداز استعمال می شود. (الصحاح)

شدت اندوه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۵

۵ - ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت

اخروی

ما أغنی عنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و

حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

شدت بغض کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

شدت حسرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

شدت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۳

۳- کافران جبّار ، دچار چنان عذاب های مرگباری در جهنّمند که هر کدام از آنها به تنهایی برای مرگشان کافی است .

و یأتیه الموت من کلّ مکان

شدت عذاب کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۹

۹ - کافران ظالم ، دارای عذابی فزون تر از کافران دیگر *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت

بالاـ بنابراین نکته است که <ظالم> بر همه کافران اطلاق نشده باشد; بلکه کافران دو گروه باشد. گروهی که فقط کفر میورزند و گروهی که علاوه بر کفر اقدام های ظالمانه و توطئه گرانه علیه دین دارند. این گروه علاوه بر کیفر کفر، عذاب دیگری در قبال ظلمشان خواهند دید.

شدت غضب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۶

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

شدت قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱ - ۶

۶ - < فی المجمع بعد قوله تعالی < و النازعات غرقاً > قال : اختلف فی معناها علی وجوه أحدها : انه یعنی الملائکه الذین ینزعون أرواح الکفّار عن أبدانهم بالشدّه . . . روی ذلک عن علیّ (ع) و قیل هو الموت ینزع النفوس . . . و روی ذلک عن الصادق (ع) ;

در مجمع البیان بعد از نقل قول خدای تعالی <والنازعات غرقاً> گفته است: در معنای <النازعات غرقاً> اختلاف به وجود آمده و وجوهی بیان شده است; یکی از آنها این است که مقصود فرشتگانی اند

که ارواح کـافران را از بـدن هاشان بیرون می کشـند . .. این معنا از امام علی(ع) روایت شـده است. [و نیز] گفته شـده مقصود مرگ است که جان ها را بیرون می کشد و این معنا از امام صادق(ع) روایت شده است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲ – ۶

۶ – [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إنّ ها الملائکه تنشط أرواح الکفّار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرج ها من أجوافهم بالکرب و الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خـدای تعالی <الناشـطات نشـطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشـطات> فرشـتگانی اند که جـان هـای کـافران را (از سـایر اعضـا) در میـان پوست و ناخن هایشان جمع می کننـد تا همراه با سـختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند>.

شدت کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۶

۶ – وعـده رویـارویی قهرآمیز و سـریع خداونـد بـا کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قـدرت خود ، مایه آرامش و تسـلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۳ – ۳

۳ – توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إنّه هو یبدیء و یعید

حرف <إنّ>

برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

شدت کیفر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إنّ بطش ربّک لشدید

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

شدت گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۵

۵ - کافران ، چنان در ظلمت و گمراهی فرو رفته اند که حتی ملموس ترین حقایق الهی را درک نمی کنند .

والذین کفروا أعملهم . .. أو کظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه س

ندیدن دست خویش با آن که دست از ملموس ترین چیز برای انسان است (إذا أخرج یده لم یکد یرها) حکایت از حقیقت یاد شده دارد.

شدت ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار

زنده نمی شدم!

شرارت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۱۲

مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۰ – ۱۰

۱۰ – شرارت و حق ستیزی کافران در دنیا ، گواه حق گریزی آنان پس از بازگشت دوباره به دنیا

قال ربِّ ارجعون . .. کلَّا إنّها کلمه هو قائلها

شرایط ایمان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۸ – ۶

۶ کسانی که با وجود قرآن ایمان نمی آورند، جز با آمدن فرشتگان به سوی آنان و یا ظهور خداوند و یا تحقق آیات ملجئه، ایمان نخواهند آورد.

هل ینظرون إلا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی ربک أو یأتی بعض ءایت ربک

برداشت فوق بر این اساس است که امور بیان شده (آمدن فرشتگان و . ..) پیشنهاد مشرکان منکر قرآن نباشد، بلکه بیان حالتی باشد که انکار قرآن که آیتی بزرگ است آن را ایجاب می کند. یعنی اگر به قرآن ایمان نمی آورید، راهی برای ایمان شما جز تحقق این امور نیست که برخی از اینها ناشدنی و برخی از میان برنده فرصت ایمان کارساز است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷ – ۶

۶ نزول فرشته ای بر پیامبر (ص) برای همراهی با او در انذار مردمان ، شرط پذیرش رسالت پیامبر (ص) و درستی آن از نظر کافران بود .

لولا أُنزل إلیه ملک فیکون معه نذیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۸ – ۵

۵ – نزول دفعی قرآن همانند تورات ، شرط پیشنهادی کافران برای قبول رسالت پیامبر (ص)

فلمّا جاءهم الحقّ

من عندنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۳ – ۱

۱ – مشروط دانستن ایمان به رسالت پیامبر (ص) ، به نازل شدن نامه های سرگشاده از سوی خداوند در تأییدِ آن ، بهانه ای از سوی کافران بود .

بل یرید کلّ امریء منهم . .. کلاّ

شرایط خداپرستی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳ – ۱

۱ – برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۵ – ۲

۲ – سازش خواهان کافر ، به رغم اظهار آمادگی برای پذیرش مشروط توحید ، هرگز اهل عبادت خداوند نبودند و حال و آینده آنان ، فرقی نمی کرد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

این آیه گرچه با آیه سوم، عبارتی یکسان دارد; ولی در زمان با آن متفاوت است. در آیه سوم به قرینه آیه قبل از آن مراد زمان آینده است; ولی در این آیه به قرینه آیه قبل از این مراد زمان حال است.

شرایط خداپرستی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

شرایط صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۷

۷ توجه به خدا و اتکا به اوامری لازم به هنگام تصمیم گیری برای صلح و ترک مخاصمه با کافران

و إن جنحوا . .. و توکل علی اللّه

شرایط قبول اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۹

۹ اقامه نماز و پرداخت زکات ، شرط پذیرش اسلام مشرکان و کافران

فإن تابوا و أقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه فخلّوا سبیلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱ - ۶

۶ پذیرش اسلامِ کفار ، مشروط به اقامه نماز و پرداخت زکات است .

فإن تابوا و اقاموا الصلوه و ءاتوا الزکوه فإخونکم فی الدین

شرایط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران پندناپذیر ، ایمان به پیامبر (ص) را به آمدن نامه های سر گشاده برای یکایکشان ، مشروط دانستند .

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

شرک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، دعوت برخی کافران را به ترک شرک و بت پرستی ، بی ثمر دانست و آنها

را به حال خود ر ها ساخت .

لکم دینکم

شرک کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

أجعل الألهه إلهًا وحدًا

شعیب(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت ، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۸ - ۵

۵ برخورد حضرت شعیب (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

یقوم أرءیتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و مهربانی شعیب(ع) دارد.

شعیب(ع) و کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۶،۲۵

۶ شعیب (ع) در آخرین پاسخ خویش به خواسته کافران مدین ، بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک امری ناممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

جمله <ما یکون لنا . .. > که حکایت از عدم امکان بازگشت به آیین شرک دارد، هم می تواند به معنای عدم امکان تکوینی باشد و هم می تواند مراد از آن عدم امکان تشریعی (ناشایست بودن و جایز نبودن)

باشد. برداشت فوق براساس احتمال اول است. گفتنی است که بر مبنای اول، مشیت الهی (إلاـ أن یشاء اللّه) مشیت تکوینی است و بر اساس احتمال دوم، مشیت الهی، مشیت تشریعی است.

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

شقاوت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۱۱

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۸ – ۵

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً

شقاوتمندی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۷ – ۵

۵ – بشارت خداوند به پیروزی و سعادتمندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

شک کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۰

کهف - ۱۸ - ۳۸ - ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شکّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . .. و ما أظنّ ... لکنّاْ هو اللّه ربّی

سخنان سـمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سـمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۱

۱ - اظهار تردید کافران در زنده شدن دوباره انسان ، پس از مرگ

قالوا أءذا متنا . .. أءنّا لمبعوثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۴

۴ - کافران ، گرفتار شک و تردید درباره آخرت

بل هم فی شکّ منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران در حیات دوباره انسان ، پس از ناپدید شدن اجزای او در خاک ، تشکیک کردند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّا لفی خلق جدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۱

۱ - اظهار تردید کردن کافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إنّی کان لی قرین . .. أءذا متنا و کنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمدینون

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۹ – ۱

۱- کافران و منکران وحی ، گرفتار بازی در فضای شک و تردید

بل هم فی شکّ

این آیه در حقیقت پاسخی به این پرسش است که: چرا علی رغم دلایل روشن بر حقانیت وحی و رسالت پیامبران، گروهی به کفر و انکار وحی می گرایند؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۵ – ۵

۵ شک در امکان معاد ، در عین مشاهده آفرینش خداوند ، نمودی از گیجی و سردرگمی کافران

فهم فی أمر مریج . .. أفعیینا بالخلق الأوّل بل هم فی لبس من خلق جدید

بیان تناقض گویی کافران در این آیه، می تواند در مقام ارائه نمونه ای از سر گردانی کافران باشد که در آیات پیشین خداوند به آن اشاره فرموده است.

شک کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۸ – ۲

۲ – کافران ، در اظهار نظرشان درباره پیامبر (ص) و تبلیغ آن حضرت از معاد ، مردد بودند و نظری ثابت و قطعی نداشتند .

رجل ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه کذبًا أم ب

<أم> حرف عطف و برای تردید است؛ یعنی، طبق نظر کافران پیامبر(ص) یا می داند که معاد، شدنی نیست و در عین حال از آن خبر می دهد که افترا به خدا است و یا از آن خبر ندارد و سخنی جنون آمیز بر زبان جاری می سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۵

۵ - معاد ، مورد شک و تردید کافران عصر بعثت بود .

عمّ یتساءلون

شک کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - تردید و شک کافران مکه ، نسبت به برپایی قیامت

ألا إنّهم فی مریه من لقاء ربّهم

شکایت از کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱

۱ شکوه پیامبر (ص) به پیشگاه خداوند از مردم عصر خویش (کافران شهر مکّه) ، به خاطر متروک و مهجور ساختن قرآن کریم

و قال الرسول یربّ إنّ قومی اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

در این که شکوائیه پیامبر(ص) در این دنیا است و یا در آخرت؟ دو نظریه میان مفسران وجود دارد. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه اول است که مطابق نظر بیشتر مفسران می باشد. گفتنی است واژه <مهجور> به معنای متروک ورها شده است.

شکست توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۵

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای

همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و یمکرون و یمکر اللّه

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۳،۴،۶

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام ، بی اثر است .

ثم تکون علیهم حسره

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۴

۴- تلاش های کافران برای ترغیب پیامبر (ص) به عقب نشینی و یا عدول از مواضع اصولی خویش ، ناکام ماند و شکست خورد .

و إن کادوا لیفتنونک

تعبیر <نزدیک بود تو را به فتنه اندازند> حکایت می کند که آنان، موفق به این کار نشدند و شکست خوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۵،۱۷

۱۵ - نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه مؤمنان ، از سنت های الهی است .

و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

۱۷ – دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان

، در مورد نافرجام ماندن توطئه های کافران علیه جانشان

قالوا اقتلوا أبناء الذین ءامنوا معه . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

مفسـران بر این عقیده اند که آیه شـریفه با بیان تاریخ موسی(ع) و مؤمنان به او و نیز فرعونیان، در صدد دلداری به پیامبر اسلام و مؤمنان است که وضعیتی مشابه آنان در مکه داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱ – ۱

۱ تلاش های کافران ، در منحرف ساختن جامعه بشری از راه خدا ، محکوم به شکست حتمی و نهایی است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أعمالهم> نظر به تلاش های کفرآمیز و انحراف انگیز کافران دارد که از واژه <صدّوا> استفاده می شود. شکست حتمی و نهایی از آن جهت برداشت می شود که گوینده <أضلّ> خداوند است و اگر کافران در ظاهر پیشرفت هایی هم داشته باشند، در نهایت محکوم به شکست اند.

شکست توطئه های کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۲ – ۹

۹– ترفند ها و توطئه های کافران علیه راه خدا و پیامبر (ص) ، محکوم به شکست و بی فرجامی

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. و سیحبط أعملهم

به قرینه صـدر آیه، می توان گفت: مراد از <أعمالهم> همان حرکت های کفرآمیز، مانع تراشـی در طریق حق و ستیزه جویی با پیامبر(ص) است. در این صورت <حبط>، به معنای خنثی سازی و عقیم نمودن تلاش های آنان خواهد بود.

شکست دنیوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸

- قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۱

۱ - شکست دنیوی کافران ، پیش درآمد عذاب اخروی آنان

سیهزم الجمع . .. بل الساعه موعدهم

شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۱،۳،۴،۵

۱ شکست نهایی کافران ، از سنّت های الهی

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

۳ پیامبر اکرم (ص) ، مأمور اعلام کردن شکست نهایی کفار به آنها و حشرشان به سوی جهنّم

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

۵ اعلام شکست قریب الوقوع کافران ، از روش های قرآن برای تضعیف روحیه دشمن

قل للّذین کفروا ستغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱

۱ جنگ بدر ، شاهد روشن صدق وعده های الهی در مورد شکست کافران

قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا

بنا به گفته مفسّرین، آیه فوق مربوط به جنگ بدر است. گفتنی است که در شأن نزول آیه، اختلافی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳

۳ امداد

غیبی خداوند ، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خیر النّاصرین. سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب بما اشرکوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۸

۸ بشارت الهی در مورد ناکامی یهود و کافران در مبارزه مشترک علیه مسلمانان

الم تر الی الذین اوتوا الکتب . .. و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۵

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل اللّه> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود ; گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۴

۴ اصحاب اعراف با به رخ

کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۰

۱۰ شکست کافران عصر بعثت و حاکمیت دین اسلام بر سرزمین آنان ، نوید خداوند به پیامبر (ص)

و تمت کلمت ربک

هدف از مخاطب قرار دادن پیامبر (ربک) در بیان پیروزی مستضعفان بنی اسرائیل و نابودی مستکبران، مژده پیروزی اسلام و مسلمانان و نابودی کفر و کفرپیشگان مستکبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذلکم

<ذلکم> خبر برای مبتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ; یعنی <الأمر ذلکم> ; مطلب از این قرار است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۸

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۲،۱۹

۱۲ شیطان در آغاز جنگ بدر با دیدن امداد های الهی به شکست جبهه کفر مطمئن شد .

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن اللّه مخزی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذّب الذین کفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۰،۱۲

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأُوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون . .. إنّ الذین کفروا ... و إنّه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۲ - ۳

۳ - تلاش کافران ، برای خدشه دار ساختن قرآن ، کاری بازیگرانه و بی فرجام

الذین هم فی خوض یلعبون

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <خوض>، نقد و انتقادهایی باشد که کافران از سر تکذیب

نسبت به قرآن انجام می دهند و اطلاق لعب بر این عمل از آن جهت باشد که نتیجه ای، عاید آنان نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۳

۳ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به رشد دعوت آن حضرت و به خاموشی گراییدن ندای کفر

قل تربّصوا فإنّی معکم من المتربّصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۲ - ۴

۴ - مکر و توطئه کافران علیه دین و پیامبر (ص) ، شکست پذیر و گریبانگیر خود آنان

فالذین کفروا هم المکیدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - در جنگ کفر و ایمان ، کفر همواره بازنده است .

فأیّدنا الذین ءامنوا علی عدوّهم فأصبحوا ظهرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۲

۲ - تهدید خداوند به شکست کافران ، در جنگ با پیامبر (ص) و مسلمانان

و یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادتمندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۲

۲ - کافران ، هر چند شگرد های عمیق و

دشواری به کار گیرند ، در برابر مکر های علاج ناپذیر خداوند ، شکست خواهند خورد .

یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

بیان مکر خداوند در برابر کید کافران، در حقیقت بیان ناکامی آنان است.

شکست کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

شکست کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کـارزار حنین ، در پی فرود آمـدن نیرو هـای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداونـد ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

شکست کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۶،۷،۱۰

۶ خداوند بی ثمر ماندن تلاش های حق ستیزانه کافران قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

۷ خداوند با خبری غیبی ، شکست کفار قریش را به مسلمانان صدر اسلام بشارت داد .

ثم

يغلبون

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

شکست کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۴

۴ متلاشی ساختن جبهه کافران محارب و پراکنده ساختن آنان ، تکلیفی بر عهده اهل ایمان

فإما تثقفنهم فى الحرب فشردبهم

شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأُوريكم ءايتى

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه . .. حتى يأتى وعد الله

شکست مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (ص) را نافرجام ساخت .

إذ یمکر . .. و یمکر

اللّه و اللّه خير المكرين

شكمبارگى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۷

۷- لذّت جويى و شكمبارگى حيوان گونه كافران ، تنها بهره آنان از زندگى دنيايى

الذين كفروا يتمتّعون و يأكلون كما تأكل الأنعم و النار مثوًى لهم

از مقابله دو بخش آيه كه براى مؤمنان پايان خوش بهشت را يادآور شده استفاده مى شود كه كافران، هرگز از آن نعمت هاى اخروى بهره نخواهند برد; بلكه تنها شهوت رانى و استفاده حيوان گونه از امكانات دنيا، نصيب آنان است.

شكنجه هاى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۷ - ۹

۹- پيامبر (ص) ، به خاطر شكنجه و آزار مؤمنان توسط كافران ، سخت اندوهگين و متأثر مى شد . *

و لاتحزن عليهم

برداشت فوق، مبتنى بر اين نكته است كه مرجع ضمير <عليهم> مؤمنان باشد كه از سوى كافران و مشركان مكه به شدت شكنجه و آزار مى شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگى عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دليل پاينده تر بودن عذاب كافران از شكنجه و آزارى است كه آنان بر مؤمنان روا مى داشتند .

واللّه خير و أبقى . إنّه من يأت ... لايموت فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴ - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد

.

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

شکنجه های کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - برخی از مردان و زنان مؤمن در عصر بعثت ، به جهت ایمان خود ، گرفتار شکنجه کافران شدند .

إنّ الذين فتنوا المؤمنين و المؤمنت

قید <ثمّ لم يتوبوا> که ترغیب به توبه است با شأن نزول هایی که درباره ارتباط آیه به مؤمنان صدراسلام نقل شده، سازگارتر است; زیرا در مورد گذشتگان ترغیب به توبه وجهی ندارد; هر چند که اصل موضوع درباره آنان نیز صادق است.

شگفتی بینایی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

شگفتی تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکّه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است; زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را

دروغ شمردند.

شگفتی حالات کافران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۱۴

۱۴ – وضعیت کافران به قرآن در قیامت ، رقّت بار و شگفت آور است .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جواب <لو> محذوف است و عبارت می تواند چیزی همانند و لو تری . .. لرأیت أمراً عجباً باشد.

شگفتی شنوایی اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۸ – ۱

۱– کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر یوم یأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

شگفتی عبرت ناپذیری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلت

آیه شریفه در مقام تعجّب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت . ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

شگفتی عذاب دنیوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۱ – ۲۱

۲۱– روز فرا

رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

شگفتی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۵

۵ - عبادت و نماز پیامبر (ص) و یاران آن حضرت ، امری شگفت آور و جذاب برای کافران و مشرکان

کادوا یکونون علیه لبدًا

شگفتی لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أکفره

شیطان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۴،۵،۷،۹،۱۱،۱۳

۴ شیطان با توصیف کافران بدر به شکست ناپذیران ، آنان را علیه مسلمانان تشجیع کرد .

و قال لا غالب لکم الیوم من الناس

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصـادیق مـورد نظر برای کلمه <أعملهم>، به قرینه آیـات قبـل و فرازهـای بعـد، لشکرکشـی کـافران مکه برای حضـور در جنگ بدر است.

۷ سرمستی ، ریاکاری و بازداشتن مردم از راه خدا ، رفتاری نیکو در نظر شیطان زده کافران عصر بعثت *

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق <أعملهم> به قرینه آیه قبل، سرمستی و ریاکاری . .. است.

۹ شیطان با تأکید بر یاری بی دریغ خویش از لشکریان کافر بدر ، آنان را به رویارویی با مسلمانان ترغیب کرد .

إنی جار لکم

کلمه

<جار> معانی متعددی دارد ; از جمله یاور، همسانه، هم قسم، شریک و . .. (لسان العرب). به نظر می رسد یاور نسبت به دیگر معانی مناسبتر باشد.

۱۱ شیطان به هنگام شروع جنگ بدر با اعلان بیزاری از کافران ، عهد خویش (یاری سپاه کفر) را گسست .

فلما تراءت الفئتان . .. قال إنی بریء منکم

۱۳ مشاهده فرشتگان الهی برای امداد مسلمانان ، دلیل عقب نشینی شیطان از کارزار بدر و اعلان بیزاری وی از لشکر کفر

نکص علی عقبیه و قال إنی بریء منکم إنی أری ما لاترون

شیطان و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

شیطنت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۸ - ۲

۲ - مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فکّر و قدّر

شیوه برخورد با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۷

۷ لزوم طرد مرتدان و کافران آگاه از اهل کتاب ، و برخورد شدید با آنان *

اولئک جزاؤهم انّ علیهم لعنه اللّه و الملئکه و النّاس اجمعین

بنابراینکه <ان علیهم لعنه . .. و النّاس اجمعین>، جمله انشائی به صورت خبر باشد. یعنی مردم باید آنان را طرد کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۸ – ۴

۴ لزوم برخورد فکری با انحرافات اعتقادی ، پس از تبیین حقایق

قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات اللّه

با توجه به مجموع آیات قبل که نخست، خداوند حقایق مختلفی را درباره بنی اسرائیل تبیین و سپس به آنان اعتراض کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۰

۱۰ اهل ایمان ، موظّف به جلوگیری از توسعه و رشد اقتصادی اهل کتاب (یهود) ، تا مرحله به مسکنت و درماندگی کشانیدن آنان

و ضربت علیهم المسکنه

بنابر اینکه جمله <ضربت . .. >، تشریعی باشد نه اِخبار از امر خارجی.

صالح(ع) و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۵

۵ برخورد حضرت صالح (ع) با مشرکان و کافران ، برخوردی ترحم آمیز و مشفقانه بود .

یقوم أرءیتم

تعبیر <یا قوم> (ای مردم من) حکایت از شفقت و ترحم صالح(ع) دارد.

صبر بر اذیتهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۳

۳ – صبر در برابر گفته ها و فشار های تبليغاتی و روانی كافران ، فرمان و توصيه خداوند به پيامبر (ص)

فاصبر علی مايقولون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۴ – ۳

۳ – پيامبر (ص) و ياران ايشان ، مأمور به صبر و شكيبايی در برابر آزار ها و كارشكنی های مشركان و كافران معاند

فتولّ عنهم حتّی حين

توصيه به

اعراض و بی اعتنایی، در شرایطی که پیامبر(ص) و یاران آن حضرت، مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۳

۳ - پیامبراسلام (ص) و یاران ایشان ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های مشرکان و کافران معاند

و تولّ عنهم حتّی حین

توصیه به اعراض و بی اعتنایی در شرایطی که پیامبر(ص) و یارانش مورد آزار و شکنجه دشمنان کافر قرار داشتند، در حقیقت توصیه به صبر و شکیبایی بیشتر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۲

۱۲- توکل به خداوند و صبر پیشه کردن در برابر آزار و اذیت کافران ، زمینه ساز برخورداری از حمایت الهی

و علی الله فلیتوکل المؤمنون . .. و لنصبرنّ علی ما ءاذیتمونا ... فأوحی إلیهم ربّه

صبر بر اذیتهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۴

۴ - توصیه خداوند به مؤمنان و مهاجران صدراسلام ، مبنی بر اینکه در برابر فشار ها و آزار های کافران ، بردبار باشند و خویشتن داری را از دست ندهند .

و الذین هاجروا . .. ثمّ قتلوا ... و إنّ اللّه لعلیم حلیم

متعلق <علیم> در جمله <و إنّ اللّه لعلیم حلیم> محذوف است و تقدیر آن به قرینه مقام چنین می باشد: <إنّ اللّه لعلیم بما فعل المشرکون بالمؤمنین من إخراجهم من دیارهم و قتلهم المهاجرین حلیم یمهلهم

و لا ينتقم منهم إلى حين; خدا به آنچه که مشرکان علیه مؤمنان انجام دادند، آگاه است و چون حلیم و بردبار است، به آنان فرصت می دهد>. گفتنی است که جمله فوق، در واقع توصیه ای است از جانب خداوند به مؤمنان صدراسلام که فشارهای کافران آنان را بی حوصله نکنند; بلکه همان طور که خدا حلیم و بردبار است، بردباری کنند و خویشتن داری را از دست ندهند.

صبر بر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۴،۷

۴ - مقاومت روحی در برابر استهزا و مضحکه کافران و حق ستیزان و پایبندی بر ارزش های دینی و الهی ، از مصداق های بارز صبر و شکیبایی

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و كنتم منهم تضحكون . إنّي جزيتهم اليوم بما صبروا

۷ - صبر و شکیبایی در برابر آزار های روحی کافران ، توصیه خداوند به مؤمنان صدراسلام

فاتّخذتموهم سخريًّا . .. و كنتم منهم تضحكون . إنّي جزيتهم اليوم بما صبروا

ذکر فرجام خوش مؤمنان شکیبا در قیامت و اعلام رستگاری قطعی آنان، نشانگر تشویقی است از سوی خداوند به مؤمنان صدراسلام; که در برابر آزارهای کافران مقاومت کنند و بدانند که خداوند آنان را فراموش نخواهد کرد.

صبر بر دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۸ - ۸

۸ - وانهادن کافران و تحمل عداوت آنان ، تکلیفی الهی برای پیامبر (ص)

فذرهم . .. و اصبر لحكم ربّك

بنابراین که <و اصبر> عطف بر <فذرهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

صبر بر سخنان کافران

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۱

۱ - دعوت پیامبر (ص) از سوی خداوند ، به صبر در برابر گفتار ناروای کافران

فاصبر علی ما یقولون

صبر در برابر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۵۹ - ۲

۲ پیامبر (ص) ، مأمور به برگزیدن شیوه صبر و انتظار در برابر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان *

فإنّما یسّرنه . .. فارتقب

با توجه به شرایط دشوار پیامبر(ص) در مکه، چه بسا تعبیر <فارتقب> بیانگر لزوم صبر و انتظار تا لحظه تغییر شرایط است.

صفات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۴

۴ کفرپیشگان ، مردمانی فریفته به زندگانی دنیا

حرمهما علی الکفرین. الذین ... غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا یرون أنهم یفتنون فی کل عام ... ثم لا یتوبون و لا هم یذّکك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و

آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۸ – ۳

۳- مؤمن ، دارای ثبات و استقرار در عقیده ، ولی کافر ، اسیر در چنگال های شکّ و تردید و بی ثبات است .

ما أظنّ . .. و ما أظنّ ... لکنّاْ هو اللّه ربّی

سخنان سمبل کفر و دنیاپرستی، در آیه، همواره، تردید را با خود همراه دارد، لذا در نقل سخن او، دو بار واژه <ظنّ> و یک بار نیز <لئن> به کار گرفته شده، ولی مردِ سمبل ایمان، با قاطعیّت عقیده خود را بیان کرده و راه عملی خود را مطرح ساخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۶ – ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند ; نه از منطق و برهان .

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۴

۴ – کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمل من دون ذلک هم لها عملون

<ذلک> اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أُولئک یسارعون فی الخیرات); یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ –

مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۱

۱ - دلبستگی کافران و مستکبران به اسباب و عوامل ظاهری تا قبل از روبه رو شدن با عذاب دوزخ

حتّی إذا فتحنا علیهم . .. إذا هم فیه مبلسون

<حتّی> غایت برای <ما یتضرّعون> و <فتح> (مصدر <فتحنا>) به معنای گشودن است. <إبلاس> (مصدر <مبلسون>) نیز برای چند معنای نزدیک به هم و متلازم مانند: انکسار، حزن، تحیر، یأس و سکوت همراه با اندوه به کار رفته است; یعنی، ... و به درگاه خدا زاری نمی کنند تا وقتی که دری از عذاب سخت (بسیار دردناک) بر[روی] آنان بگشاییم. به ناگاه ایشان در آن[حال، از هر سبب نجات بخشی]نومید خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه . .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۲

۲ - دروغ بستن به خدا و تکذیب قرآن و دین حق ، از خصوصیات کافران است .

فمن أظلم ممّن کذب علی اللّه و کذّب

بالصدق

مخاطبان آیه شریفه به قرینه ذیل آیه (مثوًی للکافرین) کافران می باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۵

۵ – کافران ، گروهی خود بزرگ بین و متکبراند .

حقّت کلمه العذاب علی الکفرین . .. فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۲

۲ – کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلکنا أشیاعکم

<أشیاع> جمع <شیعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است; یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۵

۵ – عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پیرو قرآن و ظلم و انحراف از مسیر حق ، از اوصاف کافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نیز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۱ – ۲

۲ – دلبستگی به دنیا و ر ها کردن آخرت ، از نشانه های کافران است .

بل تحبّون العاجله . و تذرون الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق و لاصلّی

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ،

از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدّق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است; یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است; مانند: <ماسلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلّین . و لم نک نطعم المسکین>، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۲ - ۱

۱ - تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها ، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لکن کذّب و تولّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

مفسّران واژه <یتمطّی> را به معنای <تبختر> دانسته اند; زیرا این واژه یا از ماده <مط>(کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا>(پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۱

۱ - محبت و دلبستگی به دنیا و بی اعتنایی به قیامت و حیات اخروی ، از نشانه های کافران و گناه پیشگان است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می تواند برای ردع و باز داشتن از توهّمی باشد که آیات پیشین، زمینه ساز پیدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه های توجّه به خداوند در آفرینش انسان از نطفه تا زمان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسی در کفر بماند. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

صفات کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۷

۷ - کفرپیشگان و تکذیب گران صدراسلام ، مردمانی بودند خودبزرگ بین و استکبار پیشه .

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۲

۲ - سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۱ - ۳

۳ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستکبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استکبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۲

۲– کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و

لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

صلح با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ جامعه ایمانی باید در صورت اظهار تمایل کافران به صلح ، آن را بپذیرد و از آن استقبال کند .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

۲ لزوم پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران ، مشروط به احرازِ نبودن فریبکاری در سایه صلح طلبی است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

جنوح (مصدر جنحوا) به معنای تمایل داشتن است و با حرف <الی> متعدی می شود. بنابراین آوردن <لام> پس از آن بیانگر این است که در آن کلمه معنای <قصد> تضمین شده است. یعنی: ان جنحوا إلی المسالمه قاصدین لها. (اگر تمایل به صلح دارند و هدفشان دستیابی به زندگی مسالمت آمیز است، نه حیله گری ... .)

۴ جامعه ایمانی نباید به کافرانی که در پی صلح نیستند طرح صلح دهد .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق از مفهوم جمله شرطیه <إن جنحوا . .. > استفاده می شود.

۵ پذیرش صلح و متارکه جنگ در حیطه قدرت و مسؤولیت پیامبر (ص) و رهبری است .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به اینکه پیامبر(ص) مورد خطاب <فاجنح> قرار گرفته است، استفاده شده است.

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی اللّه

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران

در پیشنهاد صلح در صدد حیله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حیله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۲ - ۱

۱ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

و إن یریدوا أن یخدوعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس که <إن یریدوا . .. > توضیحی باشد برای <فاجنح لها>. یعنی ای پیامبر(ص) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه ۵۸ معلوم می شود اگر قرائن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

صلح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۸

۸ مسلمانان صدر اسلام نگران توطئه های پنهانی کافرانی که مخاصمات را ترک گفته و حاضر به صلح می شدند .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جواب شرط <انتهوا> به قرینه <قتلوهم>

جمله ای همانند <فلاتقاتلوهم> است ; یعنی اگر کافران دست از فتنه انگیزی برداشتند و راه مسالمت پیش گرفتند با آنان نبرد نکنید. با توجه به این معنا معلوم می شود هدف از بیان آگاهی خداوندبه اعمال این گروه از کافران، این است که مسلمانان را از این نگرانی برهاند که شاید صلح جویی آنان دستاویزی برای توطئه و فتنه ای دیگر باشد.

صورت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۱ - ۶

۶ - کافران و منکران معاد ، در رستاخیز تغییر شکل یافته و به صورت هایی غیر از صورت انسانی محشور خواهند شد . *

علی أن نبدّل أمثلکم

برخی از مفسران، احتمال داده اند که <أمثال> در آیه شریفه جمع <مَثَل> و به معنای اوصاف است. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <ما مرگ را در میان شما مقدر کردیم; برای این که در آینده، اوصاف شما را دگرگون کرده و در شکل و صورتی که نمی دانید ایجادتان کنیم>. گفتنی است که روی سخن در این آیات، با کافران و منکران رستاخیز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۰ - ۶

۶ - تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

ضربه به پشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۲ - ۵۰

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملئكه يضربون وجوههم و أدبرهم

ضربه به صورت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو ترى إذ يتوفى الذين كفروا الملئكه يضربون وجوههم و أدبرهم

ضعف علمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۷ - ۲

۲ کافران ، ناتوان از رد علمی و یقینی معاد و تنها بعید شمارنده آن

بل ادّرک علمهم فی الأخره. .. و قال الذین کفروا... أئنّا لمخرجون

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و بسنده کردن کافران به اظهار شگفتی و ناباوری (به جای اقامه دلیل و برهان) مطلب یاد شده به دست می آید.

ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۵

۱۵ کافران پیکارگر در جبهه طاغوت ، ضعیف و ناتوان

و الذين كفروا يقاتلون فى سبيل الطّاغوت . .. انّ كيد الشّيطان كان ضعيفاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۸،۹

۸ بازماندن منافقان و کافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان ، برخاسته از مشیّت خداوند

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

۹ توجّه به نقش اساسی مشیت الهی در تضعیف روحیّه

دشمنان (منافقان و کافران) ، زمینه پرهیز از غرور و خودبینی

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیکم فلقاتلوکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۳

۳ کافران ، ناتوان از مقابله با کیفر های الهی

أو أمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۵

۱۵- ضعف و زبونی کافران و خدایان آنان در برابر اراده خداوند

أفهم الغلبون

همزه در <أَفَهُمْ> برای استفهام انکاری است.

ضعف کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۴

۴ ضعف و ناتوانی سپاه کفر در جنگ بدر ، تأویل و تعبیر رؤیای پیامبر (ص) (کم دیدن نفرات دشمن)

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا

از منابع تاریخی مربوط به جنگ بدر و نیز اینکه هر فرماندهی پیش از اقدام به جنگ همواره در تلاش برای آگاهی به کم و کیف لشکر مقابل است، به دست می آید که پیامبر(ص) و دیگر مسلمانان از تعداد تقریبی نفرات دشمن آگاه بودند. بنابراین رؤیای پیامبر(ص) حاکی از سستی و ضعف نیروی دشمن بوده است، نه بیانگر تعداد آنان.

ضیق صدر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۳

۱۳ گرفتار شدن اباکنندگان از ایمان به ضیق صدر، سنت خداوندی است.

و من یرد أن یضله . .. کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یؤمنون

ضیق صدر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۶ – ۱۱

طعام اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۶ – ۱

۱ – < غسلین > (خونابه و چرک) ، تنها غذای کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) در قیامت

و لا طعام إلّا من غسلین

<غسلین> به گفته اهل لغت و مفسران به معنای آبی که از بدن های دوزخیان خارج می شود و ممکن است مقصود خونابه و چرک باشد.

طعن کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۴ – ۶

۶ پیامبر(ص) موظف به دلجویی از مؤمنان فقیر و ضعیف با ابلاغ سلام و رحمت الهی به آنان در برابر طعنه های کافران

أهؤلاء منّ اللّه علیهم من بیننا . .. و إذا جاءک الذین یؤمنون بأیتنا

در آیه قبل از طعنه های کافران به مؤمنان تهیدست اطراف پیامبر(ص) سخن به میان آمده، و در این آیه از آن مؤمنان با توصیف <الذین یؤمنون . .. > یاد شده است. محور ارتباط بین این دو آیه می تواند موضوع جبران تأثر مؤمنان باشد که در برداشت فوق به آن اشاره شده است.

طغیان کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۰ – ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

طغیان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر

مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

ظلم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۹

۹ خداوند به اهل کفر ستمی روا ندارد ، بلکه آنها ، خود بر خویشتن ستم روا می دارند .

و ما ظلمهم اللّه و لکن انفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۸

۸ گروهی از مسلمانان در صدر اسلام ، از مکّه هجرت نکردند و همچنان تحت ستم کافران باقی ماندند .

انّ الّذین توفّیهم الملئکه . .. قالوا کنّا مستضعفین فی الارض

ابن عباس گوید: گروهی از اهل مکّه ایمان آوردند، ولی به علت ترس، از هجرت سر باز زدند و این آیه درباره آنان نازل شد. (روح المعانی، ذیل آیه).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ انکار آیات الهی نشأت گرفته از روح سرکش و ستمگر کافران است، نه جهل و ناآگاهی آنان

فإنهم لا یکذبکونك و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

<جحد> به انکاری که بر خلاف اعتقاد قلبی باشد گفته می شود. محتمل است ستمکار شمردن منکران در آیه به جهت مخالفت آگاهانه آنان با پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ کفرپیشگان با تکذیب آیات الهی همواره بر خویش ستم می کنند .

و أنفسهم كانوا يظلمون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۹ – ۸

۸ کافران و مشرکان ، مردمانی ستم پیشه اند .

و اللّه لایهدی القوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۴ – ۸

۸ کفر ، ستمگری است و کفر پیشگان ستمگرند .

و قیل بعدًا للقوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۵ – ۸

۸- کافرانی که در برابر بینات و برهان های روشن انبیا لجاجت کرده و در مقابل آنان ایستادند ، مردمانی جبّار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. و خاب کلّ جبّار عنید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۷ – ۹

۹- کفر ، ظلم است و کافران ، ظالمند .

یثبّت الله الذین ءامنوا . .. و یضلّ الله الظلمین

از مقابله <الظالمین> با <الذین آمنوا> استفاده می شود که ظالمان همان کافران هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۱

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم

الله و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۵ – ۲

۲– كافران ، ظالمند .

لايؤذن للذين كفروا . .. و إذا رءا الذين ظلموا العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۱۱

۱۱– كافران حق ناپذير ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشى قرآن ، تنها خسارت و زيان به ارمغان مى برند .

شفاء و رحمه للمؤمنين و لايزيد الظلمين إلاّ خسارًا

برداشت فوق، مبتنى بر اين نكته است كه مراد از <ظالمين> به قرينه مقابله با <مؤمنين> كافران باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۲

۱۲– كافرانِ به حقايق نازل شده از سوى خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّكم . .. و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۶

۶ سحر زدگى ، اتهام ظالمانه مشركان به پيامبر (ص)

و قال الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۷ – ۴

۴ – کافران ، مردمانی ظالم و ستم پیشه اند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا . .. فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۱۹

۱۹ – مستضعفان و مستکبران کافر ، هر دو ظالم اند .

و لو تری

إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. يقول الذين استضعفوا للذين استكبروا

خداونـد، پس از آن که مشـركان را مردمـانی ظـالم معرفی كرد به بيان تفضـيلی مشاجره آنان پرداخت. اين نشان می دهـد كه مشركان ظالم به دو گروه مستضعف و مستكبر تقسيم می شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ذاريات – ۵۱ – ۵۹ – ۲

۲ – كافران و اعراض كنندگان از عبادت خداوند ، ستمكار و ظالم اند .

و ما خلقت . .. إلاّ ليعبدون ... فإنّ للذين ظلموا ذنوبًا

با توجه به ارتباط اين آيه با آيات پيش كه در زمينه هدف آفرينش و عبوديت بندگان به درگاه خداوند بود مطلب بالا استقاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۴ – ۵

۵ – عدالت خواهی و حق طلبی ، از اوصاف مسلمانان و پيرو قرآن و ظلم و انحراف از مسير حق ، از اوصاف كافران

و أنّا منّا المسلمون و منّا القسطون

با توجه به معنای<قَسْط> (جور) و نيز تقابل <قاسطون> با <مسلمون>، مطلب ياد شده به دست می آيد.

ظلم كافران حق ناپذير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۸

۸– كافران حق ناپذير ، مردمانی ظالم و ستم پيشه اند .

الذين لايؤمنون بالأخره . .. إذ يقول الظلمون

ظلم كافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۳۹ – ۴

۴ – مسلمانان صدراسلام ، مورد ستم و تهاجم مستمر و پی درپی دشمنان کافر

أُذن للذین یقتلون بأنّهم ظلموا

به کارگیری

فعل مضارع (یقاتلون) نشان می دهد که مسلمانان صدراسلام، به طور مستمر و پیاپی، مورد تهاجم و تجاوز قرار می گرفتند.

ظلم کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۳

۳ کفار قریش برخوردار از روحیه زورمداری و سلطه جویی

أنتم قلیل مستضعفون . .. تخافون أن یتخطفکم الناس

چون آیه ناظر به حالات مسلمانان تا پیش از هجرت است، مصداق مورد نظر از <الناس>، مشرکان مکه و کفار قریش است.

ظلم کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۷

۷ - کافران محارب ، فتنه انگیزان و بازدارندگان از گسترش و حاکمیت دین الهی ، ظالم هستند .

فلا عدون إلا علی الظلمین

ظلم کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۹،۱۵

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین . .. یقولون ربّنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکّه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکّه

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ فرعونیان ، امت های پیش از آنان و کفرپیشگان

مکه ، از زمره ظالمان

و کل کانوا ظلمین

ظن کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱۹

۱۹ – باور و رفتار کافران ، براساس ظن و گمان است ; نه یقین و برهان .

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

برداشت یاد شده بر این اساس است که کافران از یک سو برپایی قیامت را مورد تردید قرار می دهند و از سوی دیگر فرض وجود قیامت را مطرح می نمایند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲ – ۴

۴- دلیل کافران ، بر انکار رسالت پیامبر (ص) ، دلیلی از جنس گمان بود ; نه از مقوله برهان .

بل عجبوا أن جاءهم . .. فقال الکفرون هذا شیء عجیب

بنابراین که <هذا> اشاره به <منذر منهم> باشد; برداشت بالا به دست می آید; یعنی، تنها منطق کافران همین بود که می گفتند: انتخاب بشر برای رسالت بعید می نماید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۷ – ۱،۲

۱ – گمان کافران ، به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت

زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا

۲ – اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ; نه یقین و علم .

زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا

برداشت یـاد شـده، به این دلیـل است که مـاده <زعم>، بیشتر در معنـای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

ظن کافران قوم عاد

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۴

۴ تکذیب هود از سوی کافران قومش ، مبتنی بر حدس و گمان ، و نه علم و یقین *

إنا لنظنک من الکذبین

عبادت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۲،۳

۲ سوت کشیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون . .. مکاء و تصدیه

جمله <ما کان صلاتهم . .. > می تواند بیان مصداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

عبرت از فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

عبرت از فرجام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۲

۲

فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال و فرزند فزونتر هشداری است به منافقان هر عصر .

وعد اللّه المنفقین . .. کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۵

۵ - لزوم عبرت گرفتن از سرنوشت جوامع کفرپیشه تاریخ

ثمّ أخذت الذین کفروا فکیف کان نکیر

جمله <فکیف کان نکیر> به تقدیر <فانظروا کیف کان نکیر> است; یعنی، در سرگذشت آنان بنگرید و در عاقبت کارشان مطالعه کنید که عذاب خشم الهی چه بر سرشان آورد.

عبرت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱،۴

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

۴ کافران به تحلیل صحیح تاریخ نپرداخته و از آن پند نمی گیرند.

ألم یروا کم أهلکنا

استفهام توبیخی <ألم یروا> بیانگر این است که تاریخ گذشتگان قابلیت پندآموزی و عبرت گرفتن دارد، ولی کافران در پی آن نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۶ - ۸

۸ درس نگرفتن از آزمون ها و ابتلائات الهی ، از ویژگی های منافقان و کافران

ماتوا و هم کفرون. أو لا يرون أنهم يفتنون فی کل عام ... ثم لا يتوبون و لا هم يذّکّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

< عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لایزال الـذین کفروا تصـیبهم بما صـنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقـوم غیرهـم فیرون ذلـک و یسـمعون به و الـذین حلّت بهم عصـاه کفـار مثلهم و لایتعـظ بعضـهم ببعض و لن یزالـوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امـام بـاقر(ع) درباره سـخن خداونـد: <و لایزال . ..> روایت شـده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آیـد و آنان می بیننـد و می شـنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شـده،ماننـد ایشان گناهکار و کافرنـد و [لیکن] برخی از برخی دیگر پنـد نمی گیرنـد و همواره چنین هسـتند تا وعـده خدا فرا رسـد و، حتی یـأتی وعـد الله، همـان وعـده ای که به مؤمنـان داده است که آنـان را پیروز کنـد و خداونـد کـافران را خوار می سازد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۴ – ۱۳

۱۳– عبرت نگرفتن کافران از مشاهده مرگ و میر آدمیان و انقراض جوامع و تمدن ها

أفلایرون أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۶ – ۳،۷،۱۳

۳ – کافران ، از فرجام امت های پیشین (هلاکت شان) ، عبرت نگرفتند .

أوَلم یهد لهم کم أهلکنا من قبلهم من القرون

همزه در <أوَلم یهد. ..> انکاری است. بنابراین، معنا چنین می شود: <آنان، از

هلاكت امت های پیشین هدایت نگرفتند>.

۷ - كافران ، از سوی خدا به خاطر عبرت نگرفتن از هلاكت كافران پیشین ، توبیخ شدند .

أوَلم یهد لهم كم أهلكنا من قبلهم من القرون . .. أفلایسمعون

همزه <أفلایسمعون> تقریری و همراه با توبیخ است.

۱۳ - تاریخ عبرت آموز گذشتگان ، تأثیری در كفرپیشگان ندارد .

أوَلم یهد لهم . .. أفلایسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۶

۶ - هوشیاری و پندآموزی مردم ستیزه جو و كافر ، از مواعظ و آیات الهی ، بسیار اندك است .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. و ما یستوی الأعمی والبصیر ... قلیلاً ما تت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - كفرپیشگان ، بر تكذیب وعده ها و تهدید های الهی ، اصرار ورزیده و از فرجام پیشینیان عبرت نمی گیرند .

بل الذین كفروا فی تكذیب

حرف <فی>، ظرفیه و بیانگر غوطهور بودن كافران در تكذیب است. متعلق تكذیب به قرینه <بل هو قرآن مجید> در آیات بعد قرآن است كه وعده ها و تهدیدهایی كه در آیات قبل آمده بود، بخشی از آن است.

۴ - اصرار كافران بر تكذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاكت بار پیشینیان

هل أتیك . .. بل الذین كفروا فی تكذیب

عبرت ناپذیری كافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۱

۱ – توبیخ و سرزنش کفرپیشگان و تکذیب کنندگان صدراسلام ، به خاطر عبرت نگرفتن

از سرنوشت اقوام هلاک شده پیشین و پند نیاموختن از آثار به جا مانده از شهر ها وسرزمین های متروک و ویران شده آنها

فکأیّن من قریه أهلکنها . .. أفلم یسیروا فی الأرض

استفهام در جمله <أ فلم یسیروا فی الأرض> استفهام توبیخی است و <سیر> (مصدر <یسیرون>) به معنای سیاحت و گردش می باشد. <ال> در <الأرض> عهد حضوری و <أرض> به معنای سرزمین است و ضمیر فاعل در <یسیرون> به مشرکان حق ستیز و تکذیب گر صدراسلام باز می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۱ - ۲

۲ - کافران و مشرکانِ صدراسلام ، به دلیل عبرت نگرفتن از سرنوشت هلاکت بار کافران پیش از خود ، مورد سرزنش خدا قرار گرفتند .

ألم یروا کم أهلکنا قبلهم من القرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قیل لهم اتّقوا ما بین أیدیکم و ما خلفکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

عجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

کذلک زین للکفرین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۵

۵ - تکیه

غرورآمیز کافران دین ستیز ، بر مال و منال و نیروی انسانی خویش

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۳ - ۱

۱ - تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

مفسّران واژه <یتمطّی> را به معنای <تبختر> دانسته اند; زیرا این واژه یا از ماده <مط>(کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا>(پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

عجب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

افتخار به محفل، در حقیقت افتخار به حاضران در آن است و مراد از اهل محفل به قرینه <من هو.. أضعف جنداً> در آیات بعد هم فکران و یاوران کافران است.

عجز اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۴

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو

يعلم الذين كفروا حين لايكفّون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- كافران دوزخى ، از دفع و برگردانيدن عذاب الهى ، كاملاً ناتوان اند .

فلايستطيعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - در قيامت بر دهان كافران مهر زده شده و آنان از هرگونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

اليوم نختم على أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان كافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ - كافران در قيامت ، از هرگونه دفاع از خود در برابر محكوميتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنّم الّتى كنتم توعدون . .. اليوم نختم على أفوههم

مهر خوردن دهان كافران، به قرينه آيه قبل كه سخن از محكوميت آنان به دوزخى شدن بود مى تواند كنايه از ناتوانى آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخى شدن خويش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۲

۲ - تلاش مذبوحانه و بى ثمر كافران و مشركان دوزخى ، در جهت دفع عذاب الهى از خود

أفمن يتّقى بوجهه سوء العذاب يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ – کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ; ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

– ۲۰

مطففين - ۸۳ - ۱۵ - ۶

۶ - قلب های تیره کافران ، در قیامت نیز از درک حقیقت و شناخت خداوند و جلوه های ربوبیت او ، ناتوان خواهند بود . *

إنّهم عن ربّهم يومئذ لمحجوبون

محجوب بودن از <ربّ> چنانچه از ارتباط این آیه با آیه قبل برمی آید ممکن است به معنای محجوب ماندن قلب، از هرگونه ارتباط با خداوند باشد. در نتیجه کافران، در قیامت نیز خداوند را نخواهند شناخت و به او ایمان قلبی نمی آورند.

عجز از پناه به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۶

۶ - هیچ کس و هیچ نیرویی ، توانایی پناه دادن به کافران در برابر عذاب دردناک الهی را ندارد .

فمن يجير الكفرين من عذاب أليم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <فمن يجير. ..> انکاری است.

عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۹

۹ - ناتوانی کافران از آوردن همانند برای قرآن ، منشأ اعتراض ها و ایراد های آنان به مثل های قرآن

فان لم تفعلوا و لن تفعلوا . .. إن اللّه لايستحى أن يضرب مثلا ما ... و أما الذين

بیان اشکال تراشی کافران به برخی تمثیلهای قرآن - پس از دعوت آنان به تحدی (فأتوا بسوره) و بیان ناتوانی آنان از آوردن همانند برای قرآن (و لن تفعلوا) - اشاره به ریشه بهانه جوییهای کافران دارد; یعنی، چون نتوانستند برای قرآن همانند بیاورند به بهانه گیری و اشکال تراشی پرداختند (ماذا أراد اللّه

بهذا مثلا)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳،۴،۶

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم . .. فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند; یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۰ - ۹

۹ ناتوانی جبهه کفر در برابر جامعه ایمانی ، آنگاه که مؤمنان به دستور های الهی (امر به معروف و نهی از منکر) عمل کنند .

کنتم خیر امّه . .. لن یضرّوکم الّا اذًی و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار ... ضربت عل

در برداشت فوق، تقوا به معنای عمل به دستورات الهی

گرفته شده که خداوند در آیات پیش به برخی از آنها (امر به معروف، ایمان واقعی و . ..) اشاره کرده است. یعنی آنگاه کید دشمنان بی اثر است که تقوا داشته باشند و به دستورات الهی عمل کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۸،۹

۸ نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، توان شکست اهل ایمان را ندارند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۲،۳،۴

۲ کافران هرگز قادر نخواهند بود خداوند را ناتوان ساخته و مانع تحقق اراده وی شوند .

إنهم لایعجزون

برداشت فوق بر این اساس است که مفعول محذوف از <لا-یعجزون>، اللّه باشد. اعجاز (مصدر یعجزون) به معنای ناتوان ساختن است.

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی

گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۴ کافران همواره مقهور خداوند هستند .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ توان رزمی و نیروی مقاومت هر مسلمان ، حتی پس از گراییدن جامعه ایمانی به ضعف ، بیش از دو چندان هر کافر است .

و علم أن فیکم ضعفا فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۸

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جمله <لیس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم . ..> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱

۱ کفرپیشگان در هیچ کجای زمین ، نمی توانند خود را از سیطره و حاکمیت خداوند خارج سازند .

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض

اعجاز (مصدر معجزین) به معنای از دسترس خارج بودن است. بنابراین و با توجه به اینکه مفعول <معجزین> الله است ، جمله <أُولئک لم یکونوا ...> چنین معنا می شود: آنان هیچ گاه از دسترس خدا (حاکمیتو سلطه

او) خارج نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۸

۸ کفرپیشگان نه می توانند از نزول عذاب الهی جلوگیری کنند و نه قادرند از گرفتارشدن به آن ، خود را رهایی بخشند .

إنما یأتیکم به الله . .. و ما أنتم بمعجزین

إعجاز (مصدر معجزین) به معنای فرار کردن و از دسترس خارج شدن است. بنابراین <ما أنتم بمعجزین>; یعنی ، [پس از نزول عذاب] نمی توانید فرار کنید و خود را از عذاب برهانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا فی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا و . .. إذ یقول الظلمون إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۴

۴- بهت زدگی کافران در برابر عذاب ناگهانی ، بازدارنده آنان از هر گونه اقدام دفاعی است .

بل تأتیهم بغته فتبهتهم فلایستطعیون ردها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - کافران ، از شکست دادن و به سستی کشاندن نیروی الهی و جبهه حق در هر جای دنیا ناتوانند .

لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین فی الأرض

در آیه شریفه، متعلق <معجزین> (این که کافران چه چیز را به ناتوانی می کشانند ذکر نشده است; ولی با توجه به این که کافران، همواره درصدد تضعیف جبهه حق و

دین الهی انـد، مقصود از آن نیروی الهی و جیهه حق است. گفتنی است ظرف <فی الأرض> می رسانـد که این نـاتوانی در همه جای دنیا وجود دارد.

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعـده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم فی الأرض ... لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۰ - ۶

۶ - ذهن و اندیشه کافران ، ناتوان از درک مکر خدا و تدبیر الهی علیه آنان

و مکرنا مکرًا و هم لایشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادّرک علمهم فی الأخره

<تـدارُک> (مصـدر <إدارک>) عبـارت است از پیوسـتن اجزای شـیء به آن شـیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانـده باشـد. <ادّارک علمهم فی الأخره>; یعنی، آنها (کافران) دانشـشان مصـروف جای دیگری شـده و چیزی از آن باقی نمانـده است تـا بتواننـد آن را دربـاره آخرت به کار برنـد. بنابراین آنان نه مجال آن را دارنـد که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - ناتوانی کافران از زیان رساندن

به خدا و مقهور ساختن او با کفرورزی و حق ستیزی خویش

إنّ ربّک یقضی بینهم بحکمه و هو العزیز العلیم

طرح عزت و قاهریت شکست ناپذیر الهی، تعریضی است به آنان که با حق ستیزی به مبارزه با خدا برخاستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۸

۸ - کافران ، هیچ گریزی از حیطه قهر و قدرت خداوند ، ندارند .

نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۷

۷ - کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۶

۶ - کافران و مجرمان از انکار رفتار و کردار ناپسند خود ناتوان خواهند بود .

تکلّمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

گواهی دادن دست و پا، می تواند کنایه از این نکته باشد که کافران از هرگونه انکار رفتار زشت خویش ناتوان خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۱

۱ – توانایی خداوند بر مسخ کردن کافران ، به گونه ای که آنان آن چنان زمین گیر شوند که از برخاستن از جای خود و حرکت به

پیش و عقب ناتوان شوند .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیًّا و لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران و مشرکان دوزخی ، ناتوان از دفاع از خود در برابر عذاب الهی

أفمن یتّقی بوجهه سوء العذاب یوم القیمه

<إتّقاء> (مصدر <یتّقی>) به معنای سپر گرفتن جهت حفظ و دفاع از خود در برابر گزند است. دفاع از خود در برابر عذاب الهی به وسیله صورت در حالی که اصولاً انسان ها برای دفاع از خود از دست و پا استفاده می کنند تا گزندی به صورتشان نرسد بیانگر اوج ناتوانی دوزخیان از دفع عذاب از خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز کافران ، از درک معارف و مفاهیم بلند قرآن

و الذین لایؤمنون فی ءاذانهم وقر و هو علیهم عمیً

جمله <فی آذانهم وقر> (در گوش های کافران سنگینی است) و نیز جمله <هو علیهم عمیً> (کوری کافران نسبت به قرآن است) کنایه از ناتوانی کافران نسبت به درک مفاهیم قرآن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۵

۵- جوامع کفرپیشه ، با تمامی امکانات و قوا ، بی دفاع در برابر کیفر الهی

و کأیّن من قریه هی أشدّ قوّه من قریتک الّتی أخرجتک أهلکنهم فلاناصر لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با

پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان ، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم. ..> نظر به آینده داشته باشد; یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شدیدترین تهدید ها از جانب کافران و مشرکان ، ناتوان از خاموش ساختن نور ایمان در قلب های مستعد

و لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم

محیط مکه با آن که مسخّر مشرکان بود و مؤمنان ناگزیر به هجرت شده بودند; ولی خداوند از وجود مردان و زنان مؤمن در آن خبر داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران ، مأیوس و ناتوان از مقابله با پیامبر (ص) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نتربّص به ریب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دلبستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۴ - ۵

۵ – ناتوانی کافران از هماوردی با قرآن ، نشانگر بی صداقتی آنان در اتهام هایشان

إن

كانوا صدقين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۵ – ۲

۲ – ناتوانی جبهه کفر با تجهیز تمامی امکانات ، برای غلبه بر اراده خداوند و جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۴ – ۱،۱۰

۱ – اطمینان بخشی خدا به مؤمنان درباره ناتوانی منافقان و کافران از رویارویی مستقیم با آنان

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه

ضمایر فاعل <یقاتلون> به منافقان و کافران (یهود) که در آیات قبل مورد اشاره قرار گرفته اند باز می گردد و <جمیعاً> نظر به اجتماع این دو گروه دارد.

۱۰ – کافران ، در نبرد های قومی و قبیله ای خود جنگاور و سخت کوش ; ولی در برابر جبهه حق ، ضعیف و ناتوان

بأسهم بینهم شدید . .. و قلوبهم شتّی

برداشت یاد شده در صورتی است که واژه <بأسهم> اشاره به جنگ هایی باشد که در میان قبایل خود کافران آن روزگار متداول بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۴ – ۸

۸ – کافران تکذیب گر ، ناتوان از رهانیدن خود از سقوط و مبارزه با عوامل آن

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که چون عوامل و زمینه های سقوط، برای کافران ناشناخته و غافل گیرانه است; قهراً رهایی از آن نیز برای آنان ناممکن خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۵۱ – ۶

۶ – کافران ، ناتوان از رویارویی

با قرآن و مبارزه با تعالیم آن

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

کافران، به هنگام شنیدن آیات قرآن به جای مبارزه با آن و یا نقد و رد تعالیم آن، به متهم ساختن آورنده آن (پیامبراسلام) روی آوردند. از این نکته می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۲

۲ - کافران لجوج و حق ناپذیر ، تنها به هنگام مشاهده نشانه های نزول عذاب الهی ، به ناتوانی و بی پناهی خود پی می برند .

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۸

۸ - برخی کافران ناتوان از درک دین پیامبر (ص) و ارزش آن و نالایق برای استفاده از آن

و لی دین

عجز کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاك الذين كفروا إن يتّخذونک إلّاهزوًا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید

که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

عجله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۱

۱ - شتابورزی استهزاآمیز کافران برای مشاهده عذاب الهی

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

سیاق آیه نشان می دهد که درخواست کافران، از روی ناباوری و استهزا بوده است، و پاسخ خداوند به آنان در آیه بعد که نظر به عذاب دنیوی دارد می رساند که مراد از <وعد> وعده الهی به مجازات آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۲

۲ - سرزنش شدن مشرکان و کافران معاند از سوی خداوند ، به جهت شتاب آنان در نزول عذاب و شکست

أفبعذابنا یستعجلون

عدالت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۱،۵

۱ - اجازه خداوند به مؤمنان ، برای رفتار نیک و عادلانه با کافران غیر معاند با دین

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

۵ - رفتار نیک و عادلانه ، امری شایسته در بینش الهی ، حتی نسبت به کافران

لاینهیکم اللّه . .. أن تبرّوهم و تقسطوا إلیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۱۵

۱۵ – حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل

است، مربوط به کافران غیر محارب است; چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...> که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

عدم تعقل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- < قال أبوجعفر (ع) . . . انّ قول اللّه عزّوجلّ < کانتا رتقاً > یقول : کانت السماء رتقاً لاتنزل المطر و کانت الأرض رتقاً لاتنبت الحبّ . . . فتق السماء بالمطر والأرض بنبات الحبّ ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: . .. سخن خدای عزّوجلّ <کانتا رتقاً> بیان می کند که آسمان بسته بود و باران نمی بارید و زمین بسته بود و گیاه نمی رویانید ... پس خداوند آسمان را با باریدن باران و زمین را با رویانیدن گیاه شکافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۱ - ۳

۳ - خداوند ، کافران را به جهت اندیشه نکردن در جلوه های قدرت الهی در طبیعت سرزنش کرده است .

أوَلم یروا أنّا خلقنا لهم ممّا عملت أیدینا أنعمًا

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه درباره کافران و درصدد سرزنش آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۱

۱ - خداوند انسان کافر را به دلیل اندیشه نکردن در چگونگی مبدأ پیدایش خود سرزنش کرده است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه

برداشت

یاد شده از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۱

۱ - اعتراف کافران دوزخی ، به گوش نسپردن و اندیشه نکردن درباره تعالیم دین و پیامبران الهی

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل

عدم تفکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۶ - ۱

۱ نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر نیندیشیدن در عظمت ، زیبایی و اتقان نظام آسمان

أفلم ینظروا إلی السماء فوقهم . .. و ما لها من فروج

عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۱۱

۱۱ - کفرپیشگان در قیامت با آتشی که خود برافروخته اند ، عذاب خواهند شد .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره أعدّت للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۸

۸ - در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافرانِ به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئک یؤمنون به و من یکفر به . .. و اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیه ای گرفته نمی شود و . ..; مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی -

جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳،۵،۸

۳ - کفرپیشگانی

که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

۵ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق ، عذابی تخفیف ناپذیر است .

لایخفف عنهم العذاب

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ینظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد; یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۲

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۶ - ۱

۱ کفرپیشگان ، گرفتار عذابی دردناک در قیامت

إنّ الذین کفروا . .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۷

۷ کافران ، گرفتار عذابی پایدار در دوزخ

و لهم عذاب مقیم

<مقیم> به معنای دایم و ثابت است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۰ – ۱۰

۱۰ عذاب منکران معاد (کافران) به فرمان مستقیم خداوند در قیامت صورت می گیرد.

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴ – ۱۳

۱۳ عذاب دردناك و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۶ – ۶

۶ تأخیر افتادن عذاب کافران نه به سود آنان بلکه باعث تشدید عذاب اخروی آنان خواهد شد .

ثم اللّه شهید علی ما یفعلون

همان گونه که تأخیر عذاب باعث نگرانی پیامبر اکرم (ص) بود، برای کافران نیز به قرینه آیه بعد (یقولون متی هذا الوعد) دستاویز قرار گرفته بود تا به استهزای مؤمنان بپردازند، از این رو جمله <ثم اللّه شهید علی ما یفعلون> (خداوند پس از ستاندن جان تو، به دقت تمام اعمال آنان را زیر نظر دارد)، چنان که در برداشت فوق آمده، می تواند بیانگر حکمت تأخیر عذاب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۰ – ۵

۵ کافران و مشرکان ، در جهان آخرت عذاب شدیدی را خواهند چشید .

الذین یفترون علی اللّه الکذب . .. ثم نذیقهم العذاب الشدید بما کانوا یکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۹ – ۳

۳ عذاب های اخروی کفرپیشگان ، عذابی دایمی و همیشگی است .

و

يحلّ عليه عذاب مقيم

حلول (مصدر يحلّ) به معناى فرود آمدن است و <مقيم> از <أقام بالمكان> (درنگ كرد و ماندگار شد) مى باشد. بنابراين <عذاب مقيم>; يعنى ، عذاب ماندگار و زوال ناپذير.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۷

۷ گرفتار شدن كفرپيشگان و ستمكاران به عذاب دنيوى ، موجب رهايى آنان از عذاب اخروى نيست .

فكان من المغرقين . .. و قيل بعدًا للقوم الظلمين

بيان عذاب اخروى كفرپيشگان ، پس از بيان گرفتارى آنان به عذاب دنيوى ، اشاره به اين نكته دارد كه: نبايد گمان شود اگر كافران به كيفر دنيوى و عذاب استيصال گرفتار شدند ، از عذابهاى اخروى رهايى خواهند يافت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۲۴

۲۴ عذاب روز قيامت ، عذابى است فراگير همه كافران و گنه كاران .

إنى أخاف عليكم عذاب يوم محيط

كلمه <محيط> (احاطه كننده و فراگير) در ظاهر صفت براى <يوم> است و در حقيقت ، بيانگر وصفى براى عذاب مى باشد; يعنى ، محيط عذابه.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۳۸ - ۴

۴- روبه رو شدن با حقايق و درك و لمس آن ، از جمله عذاب هاى كافران در روز قيامت است .

فويل للذين كفروا من مشهد يوم عظيم . أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

در آيه قبل، دشوارى و سنگينى روز قيامت براى كافران مطرح گرديد. دراين آيه يكى از عوامل آن دشوارى ها مطرح گرديده كه همان درك و فهم حقايق است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۵

۵- کافران ، در طول عذاب اخروی ، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت .

و لا هم ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۲ – ۳

۳ – تقدیر کیفر اخروی برای کافران ، علاوه بر کیفر دنیوی آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

همان طور که گفته شد، قید <بعض الذی. ..> می رساند که عذاب دنیوی تنها بخشی از مجازات های الهی است که در حق کافران اعمال می شود و آنان باید در انتظار کیفرهای اخروی نیز باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۴ – ۷

۷ – کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲۱

۲۱ – خداوند ، در قیامت بر گردن کافران غل هایی خواهد زد .

و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۹ – ۱

۱ – عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الألیم . و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران و مشرکان در قیامت ، پس از اتمام حجت و دعوت شدن آنان به ایمان از سوی خداوند

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است؛ یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم> است؛ یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱،۲

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده

خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۹

۹ - عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۵ - ۲

۲ - عذاب اخروی کافران ، معلول استهزای ایشان نسبت به آیات الهی و فریفتگی آنان به زندگانی دنیا

ذلکم بأنّکم اتّخذتم ءایت اللّه هزوًا و غرّتکم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۱

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتکم فی الحیاتکم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفر های دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

و الذین کفروا . ..

و النار مثوًى لهم . و كأيّن من قريه ... أهلكنهم

از ارتبـاط این آیه بـا آیه قبل، اسـتفاده می شود که خداونـد تمامی کیفر کافران را به آخرت واننهاده و آنان را در دنیا به کلی رها نساخته است; بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، درکمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الـذی فیه یصـعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهنـد افتاد)، نشان دهنـده سـختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۱

۱ - شکست دنیوی کافران ، پیش درآمد عذاب اخروی آنان

سیهزم الجمع . .. بل الساعه موعدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۱

۱۱ - کافران ، مستوجب عذاب اخروی اند .

و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

سرزنش نگهبانـان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزنـد و شـکنجه می شونـد، می توانـد شـکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۱ – ۲

۲ – کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیرکاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۷

۷ – گرفتار ساختن کافران به عذاب جهنم و عذاب های سوزان تر از آن ، جلوه سخت گرفتن خداوند و هجوم ضربتی او است .

فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق . .. إنّ بطش ربّک لشدید

حرف <إنّ>، برای بیان علت است و دلیل دچار کردن کافران به عذاب را بیان می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۲۰ – ۱

۱ – کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلّط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصیدَه>; یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب>; یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

عذاب اخروی کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۲

۱۲– عذاب کافرانِ پیرو در قیامت به قدری شدید است که آنان را به دریوزگی می کشاند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب

الل

عذاب استیصال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۳ - ۱

۱ خداوند ، به هنگام نزول عذاب استیصال بر کافران ، رسولان خود و مؤمنان را از مهلکه دور کرده و از آسیب پذیری نجات می داد .

فهل ينتظرون إلا مثل أيام الذين خلوا من قبلهم . .. ثم ننجى رسلنا و الذين ءامنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۵

۵ - خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفر پیشه تاریخ را پس از این که از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و انکار خود پای فشردند ، با عذاب استیصال نابود کرد .

فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

<نکیر> به معنای انکار (تغییر) است. و مقصود از آن به قرینه آیه بعد، تغییر نعمت به محنت، حیات به مرگ و نابودی و آبادانی به ویرانی است. گفتنی است که استفهام در جمله <فکیف کان نکیر>، استفهام تعجیبی و بیانگر شدت کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۶

۶ - روز وقوع عذاب استیصال ، آخرین روز حیات کافران بوده و رهایی آنان از آن ناممکن است .

أو يأتيهم عذاب يوم عقيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۴

۴ - عذاب استیصال ، کیفری بر اساس حق و به دور از کمترین بی عدالتی نسبت به کافران و تکذیب گران

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

- قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۵

۵ - کفرپیشگان حق ناپذیر ، در معرض عذاب استیصال

و لولا أن تصیبهم مصیبه

واژه <مصیبه> در آیه، هم شامل عذاب استیصال می شود و هم شامل عذاب اخروی، برداشت یاد شده بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۴

۴ - با قطعی شدن عذاب استیصال بر کافران ، هیچ مهلتی برای گریز آنان نخواهد بود .

ما لها من فواق

در زبان عرب به مدت زمانی که دوشنده شیر در فاصله میان دو بار دوشیدن به بچه شتر مهلت می دهد تا شیر بنوشد، <فواق> گفته می شود و مقصود از آن، مدت کوتاه و زودگذر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۴

۴ - خداوند ، مشرکان و کافران حق ستیز را کراراً به عذاب استیصال تهدید کرده است .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم

فعل مضارع <نعد> دلالت بر استمرار می کند. این کلمه مشتق از <وعد> است و <وعد> هم در خیر استعمال می شود و هم در شر. چون در این جا ضمیر به مشرکان و کافران بر می گردد، برای شر و تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۹

۹ - مشرکان و کفرپیشگان ، پس از اتمام حجت بر آنان ، در معرض گرفتار آمدن به عذاب استیصال اند .

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۲۰

بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۱

۱ - کافران در آخرت ، گرفتار آتشی مسلّط و فراگیرند ، که تمام راه های گریز از آن بسته خواهد بود .

علیهم نار مؤصده

<وَصیدَه>; یعنی، غرفه ای که در کوهستان برای حفاظت از اموال ساخته شود و جمله <اوصدت الباب>; یعنی، درب را بسته و محکم کردم (مفردات راغب). بنابراین <مؤصده>، به معنای بسته شده و محکم است مانند محفظه ای که در دل کوه پدید آورند. حرف <علی> در <علیهم>، بر سلطه کامل آتش و فراگیر بودن آن دلالت دارد.

عذاب برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۸

۸ - عذاب اخروی کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، پس از مرگ آغاز شده و به تأخیر نخواهد افتاد .

و لاهم ینظرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مجهول از باب افعال باشد; یعنی، از مصدر انظار (مهلت دادن) گرفته شده باشد. مراد از مهلت ندادن به قرینه <ماتوا و هم کفار> شروع عذاب پس از مرگ است.

عذاب جسمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

یسحبون . .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

عذاب حتمی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۶

امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

عذاب دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۳،۴،۷

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فاصبحوا ... > می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی درشب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۴ کفرپیشگان قوم شعیب بر اثر عذاب الهی ، همگان به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فرو افتادن شخص است بر سینه خود.

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۴

۴ کافران به قیامت و آنان که برای منحرف نشان دادن راه خدا تلاش می کنند ، در خطر گرفتارشدن به عذاب های دنیوی اند .

الذین . .. یبغونها عوجًا و هم بالأخره هم کفرون. أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأ

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، در خطر گرفتار شدن به عذابهایی دردناک در دنیا

أن لاتعبدوا إلّا الله إنی أخاف علیکم عذاب یوم ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۷

۷ گرفتار شدن کفرپیشگان و ستمکاران به عذاب دنیوی ، موجب رهایی آنان از عذاب اخروی نیست .

فکان من المغرقین . .. و قیل بعدًا للقوم الظلمین

بیان عذاب اخروی کفرپیشگان ، پس از بیان گرفتاری آنان به عذاب دنیوی ، اشاره به این نکته دارد که: نباید گمان شود اگر کافران به کیفر دنیوی و عذاب استیصال گرفتار شدند ، از عذابهای اخروی رهایی خواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۷ - ۶

۶ ستمگران ، مشرکان و کفرپیشگان ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) هستند .

و أخذ الذین ظلموا الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۵

۵ کفرپیشگان امت های گذشته به عذاب های دنیوی گرفتار شدند .

و قد خلت من قبلهم المثلت

<مثلات> (جمع مَثُله) به معنای عقوبتها و عذابهاست. عذابها و عقوبتها بدان اعتبار <مثلات> که از ماده مِثل (مانند) است گفته می شود که آن را مثال قرار می دهند برای اینکه دیگران از آن عبرت گرفته و از عوامل آن بپرهیزند. از معانی <خلوّ> (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۳

۳ نزول عذاب های دنیوی بر کفرپیشگان و متخلّفان از آیین الهی حتی پس از وفات پیامبر (ص) نیز امری محتمل و ممکن است .

و إن مَّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفینّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۱،۲،۳،۶

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ تهدید خداوند به کافران ، مبنی بر نزدیک بودن عذاب دنیایی آنان

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

تعبیر <ردف لکم> (در پی شما است) کنایه از قریب الوقوع بودن مجازات کافران می باشد. گفتنی است که <الذی تستعجلون> هم شامل عذاب دنیوی می شود و هم عذاب اخروی. بنابراین عبارت <بعض الذی> نشانگر عذاب دنیایی خواهد بود.

۲ - عذاب دنیوی ، تنها بخشی از مجازات های الهی برای کافران است ، نه همه آن .

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

قید <بعض> می رساند که همه وعیدهای الهی در حق کافران، در این دنیا اعمال نمی شود; بلکه آنچه در این جا اعمال می شود، تنها جزئی از مجازات ها است و بقیه برای جهان آخرت می ماند.

۳ - تقدیر کیفر اخروی برای کافران ، علاوه بر کیفر دنیوی آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

همان طور که گفته شد، قید <بعض الذی. ..> می رساند که عذاب دنیوی تنها بخشی از مجازات های الهی است که در حق کافران اعمال می شود و آنان باید در انتظار کیفرهای اخروی نیز باشند.

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

مراد

از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی تستعجلون>; یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۳

۳ - عذاب شدن برخی از کافران و عذاب نشدن برخی دیگر در دنیا ، به مشیت خدا بستگی دارد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . .. فأنّی یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۵ - ۴

۴ - آشکار شدن خسارت و زیان کاری مشرکان و کافران قدرتمند و حق ناپذیر ، به وقت نزول عذاب الهی بر ایشان در دنیا

لمّا رأوا بأسنا . .. و خسر هنالك الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۵

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم. ..> نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، درکمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الذی فیه یصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب

است.

گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

عذاب دنیوی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأُوريكم ءايتى

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

عذاب ذلت بار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۹

۹ جامعه های کفرپیشه و تکذیب گر ، در معرض عذاب ذلتبار الهی اند .

فلولا كانت قريه ءامنت . .. لها ءامنوا كشفنا عنهم عذاب الخزى

عذاب روحی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

يسحبون . .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی

باشد.

عذاب قبر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴۱ – ۹

۹ عن رسول الله(ص): یکسی الکافر لوحین من نار و فی قبره فذلک قوله: <لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش>.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: دو لوح (زیر انداز و روانداز) از آتش بر کافر در قبرش پوشانده می شود و این است سخن خداوند: <برای کافران بستری از آتش جهنم و روی آنان پوششهایی از آن است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۴ – ۱۲

۱۲ – < عن أمیرالمؤمن ین (ع) : و إنّ المعشیه الضنک التی حذر اللّه منها عدوّه عذاب القبر انّه یسلّط علی الکافر فی قبره تسعه و تسعین تنّیناً فینهشن لحمه و یکسرن عظمه و یترددن علیه کذلک إلی یوم یبعث ;

از امیرالمؤمن ین(ع) روایت شده: همانا <معیشت ضنک> که خداوند دشمنان خود را از آن برحذر داشته عذاب قبر است. خدا بر کافر در قبرش ۹۹ مار بزرگ مسلط می کند که گوشت او را می گزند و استخوان وی را می شکنند و همین طور بر روی او رفت و آمد می کنند تا روزی که برانگیخته شود>.

عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۷

۷ – کفر پیشگان به عذابی گرفتار خواهند شد .

و لهم عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۴ – ۱۱

۱۱ - کفر پیشگان به عذابی دردناک

گرفتار خواهند شد .

و للكفرين عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۲۶

۲۶ خداوند ، عذابی خوارکننده برای کافران فراهم کرده است .

إنّ اللّه اعد للكفرين عذاباً مهيناً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۳۶ – ۲،۳

۲ کفرپیشگان ، راهی برای نجات از عذاب دوزخ ندارند .

إنّ الذين كفروا . .. و لهم عذاب اليم

جمله <لو ان . ..> كنايه از نبود راه نجات از عذاب دوزخ است.

۳ ثروت های دنیا ، هر چند دو برابر شود ، و کافران آن را در قبال رهایی از دوزخ بپردازند ، پذیرفتنی نیست .

إنّ الذين كفروا لو أنَّ لهم ما فى الارض جميعاً . .. ما تقبل منهم و لهم عذاب اليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۷۳ – ۱۰

۱۰ ایمنی از عذاب دردناک در گرو یکتاپرستی و پرهیز از گفتار کفرآمیز

و ما من اله الا اله وحد و إن لم ينتهوا عما يقولون . .. عذاب اليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۷،۸

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذين سخروا منهم ما كانوا به يستهزءون

بنابراين كه <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهى باشد كه در ضـمن سـخنان پيامبران مطرح مى شده و مورد استهزاى كافران قرار مى گرفته است.

۸ كافرانى كه به استهزاى انبياى

گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۶

۶ خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۹

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۲

۲ فراگیری عـذاب بر کفرپیشـگان بی تقوا به هنگام غفلت های شـبانه و سـر گرمی های روزانه ، از مکر ها و برنامه های پنهانی خداوند

با آنان

أن يأتيهم بأسنا بيتا . .. ضحى و هم يلعبون. أفأمنوا مكر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۵

۵ گنهکاران و کفرپیشگان در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی

أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵،۸

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملئكه يضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بدر، کافرانی هستند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحريق

امر به چشیدن عذاب حریق (ذوقوا عذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عذاب گرفتار خواهند شد و این همان عذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <یقولون لهم> سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحريق. ذلک بما قدمت أيديكم و

أن اللّه ليس بظلّم

<ذلك> مى تواند اشاره به خصوص <عذاب الحريق> باشد و مى تواند اشاره به مجموع عذابى باشد كه در آيه قبل بيان شد. قابل ذكر است كه در برداشت فوق <أن اللّه ... > ناظر به اين حقيقت گرفته شده كه عذاب كافران بيش از استحقاق آنان نيست، نه تعليلى براى ضرورت گرفتارسازى ايشان به عذابهاى الهى.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۳ - ۶

۶ عذاب استيصال الهى در كمين جوامع كفرپيشه و بيدادگران مجرم

و لقد أهلكنا . .. لما ظلموا و جاءتهم رسلهم ... كذلك نجزى القوم المجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰،۲۱

۲۰ عذاب دردناك جهنم ، كيفر كافران است .

فلايؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

ممكن است الف و لام <العذاب> كه براى عهد ذهنى است اشاره به عذاب دنيوى (استيصال) باشد و ممكن است اشاره به عذاب برزخى و يا عذاب اخروى باشد. برداشت فوق مبتنى بر احتمال دوم است.

۲۱ كافران در آستانه مرگ ، عذاب دردناك الهى را مشاهده خواهند كرد .

فلايؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه الف و لام <العذاب> كه براى عهد ذهنى است اشاره به عذاب برزخى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۷

۷ عذاب الهى ، كفرپيشگان را احاطه خواهد كرد .

ألا يوم يأتيهم . .. و حاق بهم ما كانوا به يستهزءون

جمله <حاق بهم> عطف بر <لیس مصروفاً> است و به

قرینه <یأتیهم> فعل ماضی <حاق> به معنای مضارع <یحیق> (احاطه خواهد کرد) می باشد. مراد از <ما کانوا ...> عذابهای الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۳ - ۱،۲

۱ نزول عذاب بر کفرپیشگان ، به دست خدا و به مشیت اوست .

إنما یأتیکم به الله

۲ نازل کردن عذاب بر کفرپیشگان ، در اختیار پیامبران نیست .

فأتنا بما تعدنا . .. قال إنما یأتیکم به الله إن شاء

کفرپیشگان با مخاطب قراردادن نوح(ع) از او خواستند تا تهدیدهای اعلام شده را تحقق بخشد. حضرت نوح(ع) با آوردن کلمه <انما> که دلالت بر حصر دارد به این معنا اشاره می کند که: آوردن عذاب از شؤون خداوند است و در اختیار بشر نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۹

۹ عذاب دردناك ، فرجام و عاقبت کفرپیشگان است .

ثم یمسّهم منا عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ هلاکت کفرپیشگان به عذاب های الهی ، هرگز مایه زیان و ضرری برای خداوند نیست .

و یستخلف ربی قومًا غیرکم و لاتضرونه شیئًا

در برداشت فوق ، جمله <لاتضرونه> در ارتباط با <یستخلف ربی . ..> معنا شده است; یعنی ، در صورت نابودی شما ، ضرری متوجه خداوند نمی شود.

۱۱ نزول عذاب الهی بر کفرپیشگان ، برخاسته از استحقاق آنان است نه آنکه وجودشان موجب ضرر و زیان بر خدا باشد .

و یستخلف ربی قومًا غیرکم و لاتضرونه شیئًا

برداشت فوق مبتنی براین است که جمله <لاتضرونه>

حال باشد. براین اساس جمله <یستخلف ... و لاتضرونه> چنین معنا می شود. در حالی که ضرر و زیانی را متوجه خدا نمی کنید شما را عذاب می کند و این معنا می رساند که موجب عذاب، استحقاق کفرپیشگان است نه این که وجودشان مایه ضرری بر خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجّینا صلحًا . .. و من خزی یومئذ إن ربک هو القویُّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲،۴

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

۴ نزول عذاب بر ستم پیشگان (کافران و مشرکان) پرتوی از ربوبیت خدا در جهت تدبیر امور انسانهاست .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۱

۱ عذاب های نازل شده بر امت های کفرپیشه و مشرک ، نشانه ای بزرگ بر وجود قیامت و عذاب های اخروی است .

إن فی ذلک لأیه

<آیه> به معنای نشانه است و متعلق آن به قرینه <لمن خاف عذاب الأخره> - حقانیت قیامت و عذابهای آن است. نکره آوردن <آیه> برای رساندن بزرگی و عظمت آن می باشد. بنابراین <إن فی ذلک

لأيه>; یعنی، همانا در آن عذابهای دنیوی، نشانه بزرگی است بر حقانیت قیامت و عذابهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۷ - ۸

۸ وجود دلایل روشن بر توحید و حقانیت قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، مانع هر گونه بهانه ای برای انکار آنها و موجب استحقاق کافران و مشرکان به عذاب های الهی است .

و ما أکثر الناس . .. بمؤمنین ... و ما یؤمن أکثرهم بالله إلاّ و هم مشرکون. أفأمنو

حرف <فاء> در <أفأمنوا> استحقاق عذاب را بر آیه <ذلک من أنباء الغیب . ..> که حاوی برهان بر حقانیّت قرآن و رسالت پیامبر(ص) است و آیه <و کأیّن من آیه ...> که دربردارنده دلیل بر توحید می باشد مترتّب کرده است ; یعنی، چون اتمام حجت شده، عذر و بهانه ای در کار نیست و کفرپیشگان مستحق عذابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۴

۴ پیامبران ، کفرپیشگان امت خویش را به نزول عذاب های الهی هشدار می دادند .

و ظنوا أنهم قد کذبوا

ضمیرهای جمع در جمله <ظنوا . ..> به <الذین> در آیه قبل برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۹

۹ نازل کردن عذاب بر استهزاگران انبیا و کافران به رسالت ایشان ، از سنت های خداوند است .

ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۴ - ۱

۱ کافران ، مشرکان ،

گمراهان و آنان که پیامبران را به مسخره می گیرند ، به عذاب های سخت دنیوی و اخروی گرفتار خواهند شد .

لهم عذاب فی الحیوه الدنیا و لعذاب الأخره أشق

مراد از ضمیر در <لهم> به قرینه آیه ۳۱ و ۳۲ کافران، مشرکان ، استهزاگران و گمراهان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۰ – ۴

۴ تحقّق و عدم تحقّق تهدید های ابلاغ شده به کفرپیشگان ، در اختیار پیامبر (ص) نبود .

و إن مَّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفینّک فإنما علیک البلغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۸ – ۱

۱– کافران سد کننده راه خدا ، دارای عذابی بس فزون تر از دیگر کافران

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدنهم عذابًا فوق العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲ – ۳

۳– کفرپیشگان ، و گنه کاران ، به عذاب شدید الهی گرفتار خواهند شد .

لینذر بأسًا شدیدًا من لدنه

<بأس>، به معنای عذاب و سختی است و به قرینه <یبشّر المؤمنین. ..> در فراز بعد مراد، عذابی است که کافران و گنه کاران به آن تهدید شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۱۹

۱۹– نزول عذاب بر کفر پیشگان ، پس از اتمام حجت است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا إذ جاءهم الهدى . .. أو يأتيهم العذاب قبلًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۲

۱۲- اولیای پنداری کافران (معبودان باطل) از دفع عذاب الهی از آنان ناتوانند .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

همزه استفهام در <أفحسب> گویای آن است که گمان ولا-یت برای معبودان، گمانی خطا است; زیرا، عذاب جهنم مهیا است (إنّا أعتدنا. ..) و از معبودان برای دفع آن کاری ساخته نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- خداوند ، مدعیان دستیابی به مال و فرزند با کفرورزی را ، در عذاب کفر و جهل خودشان نگاه می دارد .

و نمدّ له من العذاب مدًّا

محتمل است مراد از <العذاب> عذاب گمراهی و کفری باشد که کافر در آن گرفتار است. جمله <فلیمدد له الرحمان مدّاً> در آیات پیشین نیز که تداوم ضلالت گمراهان را بیان کرده از همین مقوله است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۱۷

۱۷ - ثروت انبوه برای کافران ، عذاب آور و سختی آفرین است .

لنفتنهم فیه

از معانی <فتنه> عذاب و مشقت است (قاموس). لام در <لنفتنهم> لام عاقبه و بیانگر بازتاب پیش بینی نشده ثروت مندی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۵

۵- عذاب کافران ، از شؤون ربوبیت الهی است .

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و

کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۷ – ۱۵

۱۵ – نزول عذاب بر کافران ، طبق برنامه و گزینش دقیق قبلی خداوند

إلاّ من سبق علیه القول منهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۷

۷ – اقدام خداوند به اتمام حجت بر کافران ، پیش از فرستادن عذاب بر آنان

أخرجنا لهم دابّه من الأرض تکلّمهم

ارائه معجزه به کافران، پیش از هلاک ساختن آنان با <عذاب استیصال>، می تواند برای این باشد که حجت خدا بر آنان تمام شود و آنان هیچ عذری نداشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۵ – ۱

۱ – نزول عذاب بر کافران تکذیب گر ، پس از پایان یافتن محاکمه آنان

قال أکذّبتم بایتی . .. و وقع القول علیهم

در تفسیر <وقع القول علیهم> چند نظر ابراز شده است که از جمله آنها <حلول عذاب> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۳ – ۱۱

۱۱ – عذاب کافران چنان غافل گیرانه خواهد بود که آنان ، هیچ خبردار نخواهند شد .

و لجاءهم العذاب و ليأتينّهم بغته و هم لايشعرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۶ –

۱ - کافران دروغ انگارِ آیات الهی و آخرت ، گرفتار عذابند .

و أمّا الذین کفروا و کذّبوا بأیتنا و لقایِ الأخره فأولئک فی العذاب محضرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۵

۵ - خداوند ، فراهم آورنده عذابی دردناک برای کفرپیشگان است .

و أعدّ للکفرین عذابًا ألیمًا

<أعدّ> می تواند عطف بر چیزی مثل <فأثاب> باشد که <لیسئل> بر آن دلالت می کند. بنابراین، معنا، چنین می شود: <ما از انبیا پیمان گرفتیم ... تا برای کافران عذابی دردناک مهیّا شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۲

۲ - خداوند ، برای کافران ، آتشی شعلهور فراهم کرده است .

إنّ اللّه . .. و أعدّ لهم سعیرًا

<سعیر> از <سعر> و به معنای <شعلهوری آتش> است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۴

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - توانایی خداونـد بر عـذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیـدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم

خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصرط فأنّى يبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا على أعينهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصرط فأنّى يبصرون

از به کار رفتن <لو> که برای امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۲

۲ - عذاب کافران با مسخ و زمین گیر شدن شان ، جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لمسخنهم على مكانتهم فما استطعوا مضيًّا و لايرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۶

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی ، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا على أعينهم . .. و من نعمّره ننكّسه فى الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمّره . ..> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد; یعنی، آیه

شریفه درصدد ارئه شاهدی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳ - ۵

۵ - فریاد استغاثه و کمک خواهی کافران گذشته به هنگام عذاب ، بی نتیجه بود و آنان نجات نیافتند .

فنادوا و لات حین مناص

<مناص> به معنای ملجأ و راه گریز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸۸ - ۳

۳ - کافران و مشرکان ، به عذاب و شکست تهدید شدند .

و لتعلمنّ نبأه بعد حین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۱

۱ - آرزوی کافران و گنه کاران ، هنگام مشاهده عذاب الهی ، به بازگشت دوباره به دنیا

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه

<لو> در آیه شریفه، برای تمنّی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ - عذاب کافران ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان خواهد بود .

ألم يأتكم رسل منكم يتلون عليكم ءايت ربّكم . .. قالوا بلى و لكن حقّت كلمه العذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و ناامیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۶ - ۷،۹

۷ - عذاب سخت و شدید خداوند ، در انتظار کافران است .

و الکفرون لهم عذاب شدید

۹ - محرومیت از فضل الهی ، نمودی از عذاب خداوند برای کافران

و یستجیب الذین ءامنوا . .. و یزیدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب شدید

از ارتباط صدر و ذیل آیه، برداشت بالا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۸

۸ - عذاب های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه آیات به ایشان

و ما نریهم من ءایه . .. و أخذنهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰- منافقان ، در زمره کافران و گرفتار عذابی همانند آنان

و منهم من یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال

چنانچه ضمیر <منهم> به <من هو خالد . ..> بازگردد و مراد از آن در <من یستمع ...> به قرینه محتوای آیه منافقان باشد،

می توان گفت: منافقان فرجامی همانند کافران خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۷

۲۷- کافران مکه ،

مورد تهدید خداوند به عذابی دردناک

لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا ألیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۱

۱ - کافران و ستمکاران ، دارای بهره ای عظیم از عذاب الهی ، همانند کافران و ستم پیشگان گذشته تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

<ذنوب> در معانی <دلو بزرگ چاه هنگامی که از آب پر شده باشد> و نیز <نصیب و بهره> به کار می رود. در آیه شریفه مراد معنای دوم است. گفتنی است که تعبیر <نصیبی عظیم> در برداشت بالا، از نکره آمدن <ذنوباً> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۹

۹ - کافران ظالم ، دارای عذابی فزون تر از کافران دیگر *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت بالا بنابراین نکته است که <ظالم> بر همه کافران اطلاق نشده باشد; بلکه کافران دو گروه باشد. گروهی که فقط کفر میورزند و گروهی که علاوه بر کفر اقدام های ظالمانه و توطئه گرانه علیه دین دارند. این گروه علاوه بر کیفر کفر، عذاب دیگری در قبال ظلمشان خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۱

۱ - کافران هر عصر ، در معرض عذاب الهی بدون هیچ امتیاز بر پیشینیان خود

أکفّارکم خیر من أُولئکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است

.

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۶ - ۲

۲ - امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن یخسف بکم الأرض فإذا هی تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرک سریع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۸ - ۳

۳ - تهدید شدن کافران تکذیب گر ، به نزول عذاب الهی همچون اقوام و ملل پیشین

و لقد کذّب الذین من قبلهم فکیف کان نکیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۵

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمین ، دلیل و نشانه توانایی خداوند بر عذاب و هلاکت کافران

فکیف کان نکیر . أولم یروا إلی الطیر ... ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

ذکر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خدای رحمان پس از یادآوری کیفر و عذاب کافران پیشین می تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه ای از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۷

۷ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن يجير الكفرين من عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – ملك – ۶۷ – ۳۰ – ۴

۴ – كافران لجوج و تكذيب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشكسالی)

قل أرءيتم إن أصبح ماؤكم غورًا فمن يأتيكم بماء معين

جلد – نام سوره – سوره – آيه

– فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۰ – ۲

۲ – فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فغلّوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۱ – ۱

۱ – کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۲ – ۱

۱ – کافران صاحب زر و زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد زراع به بند کشیده خواهند شد .

ثمّ فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۲

۲ – کافران حق ناپذیز و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۴ – ۱

۱ – مهیا بودن زنجیر ها ، غلّ ها و آتش برافروخته برای کافران و ناسپاسان نعمت هدایت از جانب خداوند

إنّا أعتدنا للكفرين سلسلاَ وأغللاً و سعيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - غاشيه - ۸۸ - ۲۴ - ۳

۳ - جهان آخرت ، عرصه گرفتاری کافران حق گريز به بزرگ ترين عذاب های الهی است .

العذاب الأكبر

به قرينه آيه بعد، مراد از <العذاب الأكبر> عذابی است که کافران در آخرت، به آن گرفتار خواهند شد.

عذاب کافران اقوام

پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۳

۳- گروه های بسیاری از کافران جن و انس ، محکوم به عذاب حتمی الهی در گذشته تاریخ

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

عذاب کافران به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲ – ۷

۷- کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

عذاب کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۴

۴- کافرانِ پیرو به هنگام حضور در پیشگاه خداوند در قیامت پیشاپیش درمی یابند که گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

و برزوا لله جميعًا فقال الضعفؤا للذين استكبروا إنّا كنّا لكم تبعًا فهل أنتم مغن

ذکر <فقال الضعفؤا للذين استكبروا> برای درخواست کمک ضعفا پس از آنکه حضور همه مردم را در قیامت اعلام کرد و هنوز سخنی از عذاب گفته نشده است حکایت از این می کند که آنان گرفتار شدن خود را

به عذاب از قبل خواهند فهمید.

عذاب کافران در غزوه حنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۹

۹ جبهه کفر در کـارزار حنین ، در پی فرود آمـدن نیرو هـای غیبی و نزول آرامش روحی بر مؤمنان از سوی خداونـد ، گرفتار شکستی سخت و عذاب آور گردید .

ثم أنزل اللّه سکینته . .. و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کفروا

عذاب کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳ - ۱۳

۱۳ تهدید مشرکان کفرپیشه صدر اسلام به عذاب دردناک جهنم

بشر الذین کفروا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۴

۱۴- گرفتارآمدن مشرکان و کافران حق ناپذیر صدراسلام به عذاب ، وعده پیشین الهی به آنان

ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۶ - ۳

۳ - خداوند ، به مشرکان و کافران صدراسلام وعده عذاب داد .

أفبعذابنا یستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱ – ۲

۲ – وعده خداوند ، به عذاب شدن کافرانِ حق ناپذیر در عصر بعثت

سأل سائل بعذاب واقع

عذاب کافران ظالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۷

۷- برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب

غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

عذاب کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۳،۴

۳ کافران قوم ثمود بر اثر عذاب الهی به رو بر زمین افتادند و هلاك شدند .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فروافتادن شخص به سینه خود است.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد نه به معنای <صاروا> بر این مبنا <فأصبحوا . .. > می رساند که هلاکت در اولین لحظه صبح اتفاق افتاده و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح یعنی در شب، بر کافران قوم ثمود عارض شده است.

عذاب کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ خداوند کفرپیشگانی که علی رغم مشاهده آیات خدا ، ربوبیت او را منکر شوند ، به عذاب شدید و مکری سخت تهدید کرده است .

و هم یجدلون فی الله و هو شدید المحال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و كيفر

کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله . .. لهم عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۵ – ۳

۳ – کافران متعصب و لجاجت پیشه ، هیچ گونه راه فرار و گریزی از عذاب الهی ندارند .

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

عذاب کافران محارب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۴ – ۴

۴– کافرانی که تا آخرین لحظه زندگی در حال عناد و ستیز با دین باشند ، محکوم به عذاب ابدی خواهند بود .

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. فلن یغفر اللّه لهم

لازمه قطعی <لن یغفر اللّه> باقی ماندن همیشگی در عذاب الهی است.

عذاب کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۱ – ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۲ – ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار

شد .

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در <فیها> به <دار> در آیه قبل برمی گردد و <غنی> مصدر <لم یغنوا> به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین <کأن لم یغنوا> یعنی گویا

قوم شعیب در دیارشان اقامت نکرده بودند. و این کنایه از نابودی دیار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۲

۲ شعیب (ع) با دلسوزی بر کافران مشرف به هلاکت ، از آنان اعراض کرد و شهر مدین را ترک گفت .

فتولی عنهم و قال یقوم

لحن آیه و نیز اضافه کلمه <قوم> به یاء متکلم نشان از تحسّر و دلسوزی شعیب به مردم خویش دارد.

عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (. ..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

عذاب کافران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۱

۱۱ خداوند برای کافران یهود عذاب دردناک آماده کرده است .

و أعتدنا للكفرين منهم عذاباً أليماً

عذاب مضاعف كافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که مردم را از پیوستن به راه خدا باز می دارند ، به عذابی دو چندان گرفتار خواهند شد .

الذین یصدون .

.. يضعف لهم العذاب

عذر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

یأیّها الذین کفروا لاتعتذروا الیوم

عذر غیرمقبول کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۲

۲ - کافران ، خود می دانند که عذرتراشی هایشان دورغ است .

و لو ألقی معاذیره

عذرخواهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۸

۸- رخصت نیافتن کافران برای سخن گفتن و معذرت خواهی به هنگام حضور شاهدان و گواهان امت ها ، در قیامت

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۷ - ۶

۶ - در روز قیامت ، حتی برای کافران ، امکان عذرخواهی هست .

فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

این که فرموده است: <عذرخواهی، سودی ندارد> حکایت می کند که عذرخواهی، ممکن است، اگرچه پذیرفته نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقی معاذیره

عذرخواهی کافران

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، با رو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع . ..> بدل برای <یوم یقوم الأشهاد> می باشد.

عصیان از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۴،۵،۱۱

۴ - پیامبر (ص) به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، موظف بود .

یأیّها النبیّ . .. و لاتطع الکفرین و المنفقین

۵ - تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، نمودی از تقوای الهی است .

اتّق اللّه و لاتطع الکفرین و المنفقین

بنابراین احتمال که عبارت <و لاتطع. ..> ذکر خاص بعد از عام (اتّق اللّه) باشد. نکته یاد شده به دست می آید.

۱۱ - فرمان به تبعیت نکردن از کافران و منافقان ، برخاسته از علم گسترده و حکمت خداوندی است .

یأیّها النبیّ . .. و لاتطع الکفرین و المنفقین إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۲

۲ - تبعیت نکردن پیامبر (ص) از خواسته کافران و منافقان ، درپی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود .

و لاتطع الکفرین و المنفقین . .. و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلًا

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که

در

پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷ - ۱۰

۱۰ - رعایت تقوای الهی و اطاعت نکردن از کافران و منافقان ، از جمله پیمان هایی است که خداوند از انبیای خویش گرفته است .

یأیّها النبیّ اتّق اللّه و لاتطع . .. و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم

احتمال دارد که <و إذ أخذنا. ..> عطف جمله به جمله باشد. در این صورت، معنای آیه چنین است: <آنچه به تو ای پیامبراسلام! فرمان داده شده، پیمانی است که از سَلَف تو نیز گرفته شده است و آن، همانا تقوا و اطاعت نکردن از کافران و منافقان است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به خودداری از اطاعت از کافران و منافقان بود .

و لاتطع الکفرین و المنفقین

عصیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۳

۳ رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۱

۱۱ دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر مخالفت ها و نافرمانی های کافران

و کفی به بذنوب عباده خبیرًا

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند بر گناهان بندگان، می تواند برای دلداری به پیامبر(ص) باشد; چنان که می تواند تهدیدی برای کافران ستیزه جو نیز باشد.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۳ – ۳

۳ – فراخوانده شدن کافران و مشرکان به سجده و خضوع در برابر خداوند در دنیا و امتناع آنان از این کار

و قد کانوا یدعون إلی السجود و هم سلمون

عصیان کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲ – ۲

۲ – سرکشی ، تکبر ، ستیزه جویی و حق ناپذیری ، از اوصاف کافران صدراسلام

بل الذین کفروا فی عزّه و شقاق

عصیان کافران قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۷ – ۲

۲ کافران قوم ثمود با پی کردن ناقه صالح ، فرمان خداوند را سرپیچی کردند و مردمی متجاوز شناخته شدند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

مراد از <أمر ربهم> همان است که در آیه ۷۳ مطرح شده بود یعنی: زیان نرساندن به ناقه و آزادگذاری آن برای چریدن.

عظمت عذاب دنیوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۱ – ۲۱

۲۱– روز فرا رسی عذاب دنیوی مشرکان و کافران ، روزی بس شگفت و عظیم

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

مراد از <عذاب یوم عظیم> ممکن است عذاب دنیوی باشد.

عفو از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۳۱

۳۱ عفو و گذشت ، حتی نسبت به کافران ، احسان و نیکی است .

فاعف عنهم و اصفح إنّ اللّه یحب المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹

- حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۱،۱۵

۱۱- پیامبر (ص) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود .

فاصفح الصفح الجمیل

<صفح> به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگوارانه برداشت کرد.

۱۵- برخورد کریمانه و عفو و اغماض از آزار و اذیت دیگران حتی کافران و دشمنان امری شایسته و پسندیده است .

فاصفح الصفح الجمیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۶ - ۶

۶- گذشت و اغماض پیامبر (ص) از دشمنان و کافران ، به خیر و صلاح آن حضرت و در راستای تربیت و کمال اوست .

فاصفح الصفح الجمیل . إن ربّک هو الخلّق العلیم

جمله <إن ربک . ..> به منزله تعلیل برای <فاصفح ...> است; یعنی، ای پیامبر! گذشت کن; زیرا پروردگار و مربی تو می داند که چه کاری به مصلحت و در جهت تربیت و رشد توست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۵

۵ - عفو و گذشت از کافران به هنگام ضرورت ، امری شایسته و عمل صالح است .

یغفروا للذین لا یرجون . .. من عمل صلحًا

عقاید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۲

۲ کافران ، بی نیازی را در مال و اولاد می جویند ; در حالی که هرگز آن را نمی یابند .

انّ الذين كفروا لن تغنی

عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۲

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دیدگاه اهل کفر

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۷

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب) ، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء . .. و تؤمنون بالکتب کلّه

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

عقلانیت حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۳

۳- گم شدن اعمال کافران در سراب < کفر > و شکوفایی اعمال مؤمنان در وادی < ایمان > ، دارای فلسفه ای معقول و برهانی

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا... و أصلح بالهم . ذلک بأنّ الذین

<ذالک> در مقام بیان علّت و فلسفه مطلبی است که در آیات پیشین بیان شده است; یعنی، پوچی اعمال کافران و ثمربخشی اعمال مؤمنان، امری برهانی است; زیرا کافر ره باطل پیموده و باطل فرجامی ندارد و مؤمن ره حق رفته و ثمربخشی عین حقانیت است.

عقیده باطل کافران

- فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کـافران به خـاطر باطـل گرایی ، علی رغم مشاهـده آثـار و نعمت هـای الهی در تمـام ابعاد زنـدگی خود ، مورد سـرزنش خدایند .

و الله جعل لکم . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۱

۱ - کافران ، محروم از پشتوانه غیبی و گرفتار وهم در اندیشه های باطل خویش

أم یقولون شاعر نتربص به ریب المنون . .. أم عندهم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۱ - ۱

۱ - پندار دروغ بودن قرآن ، پنداری موهوم و از اندیشه های باطل کافران است .

فی تکذیب . .. بل هو قرءان مجید

حرف <بل>، اضراب از قبل است و اندیشه تکذیب گرانه کافران را تخطئه می کند.

عقیده باطل کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۴

۴ - اعتقاد کافران عصر بعثت به معبود های بی شمار

أجعل الألهه إلهًا وحدًا

عقیده پوچ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی

است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

عقیده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۶ - ۲،۴،۵،۱۲

۲ پندار کفرپیشگان بر این که خانه نشینی و یا پرهیز از حضور در کارزار ، مانع مرگ و کشته شدن است .

یا ایّها الّذین امنوا لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا

۴ گمانِ حاکمیّت عوامل مادّی بر مقدّرات الهی ، پنداری کفرآمیز

لاتکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و ما قتلوا

خداوند با کفرآمیز خواندن این اندیشه که جنگ و مسافرت (عوامل مادّی) تعیین کننده مرگ آدمی است، به مؤمنان تعلیم می دهد که آن عوامل، تعیین کننده مرگ آدمی، که از مقدّرات الهی است، نخواهد بود.

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگانِ به ظاهر مسلمان

لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الّذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

۱۲ تضادّ و دوگانگی بینش اهل ایمان و کفرپیشگان ، در تفسیر عوامل حیات و مرگ

و قالوا . .. ما ماتوا و ما قتلوا ... و اللّه یحیی و یمیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۷ - ۹،۱۰

ارزش والاتر ماندگای در دنیا و ثروت اندوزی ، بر شهادت و رحمت و آمرزش الهی ، در پندار غلط کفرپیشگان

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا . .. لمغفره من اللّه و رحمه خیر ممّا یجمعون

جمله <لو کانوا . .. > شیفتگی کفرپیشگان را نسبت به ماندگاری در دنیا بیان می کند، و جمله <خیر ممّا یجمعون> هدف و یا عاقبت از ماندگاری را توضیح می دهد. یعنی هدف کفرپیشگان از ماندگاری در دنیا به چنگ آوردن منافع دنیوی و ثروت اندوزی است و آنان این منافع گذرا را بالاتر از رحمت و آمرزش الهی می پندارند و لذا بر کشته های در راه خدا تأسف می خورند.

۱۰ بیان مقام والای آنانکه در راه خدا می میرند و یا کشته می شوند ، نشان دهنده بطلان ارزیابی کفرپیشگان درباره حیات و مرگ

لو کانوا عندنا ما ماتوا و ما قتلوا . .. و لئن قتلتم او متّم لمغفره من اللّه و رح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۲

۲ کافران ، مهلت یافتن در دنیا را ، خیر و نیک و به سود خویش می پندارند .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید . .. فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . .. ان

اتقوا اللّه)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبی ابراهیم قال: . .. <ثم الذین کفروا بربهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الذین . .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳

۳ کافران، معترف به مالکیت مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بداهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۲

۲ کافران به پنداری نابجا ، خود را از گرفتار شدن به عذاب الهی مصون می شمارند .

أو أمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل

، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان ، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل . .. اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- کافران معتقد بودند که آدمیان توان نیل به مقام رسالت را ندارند .

إن أنتم إلّا بشر مثلنا

کافران، در پاسخ دعوت انبیا به ایمان، می گفتند: <إن أنتم إلّا بشر مثلنا>، و این جواب، حاکی از آن است که آنان به این معتقد بودند که بشر، نمی تواند پیامبر شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۳ - ۶

۶-عقیده کافران ، در اعتبار و آبرومندی خدایان دروغینشان در نزد خداوند ، پوچ و بی اساس است .

لایستطیعون نصر أنفسهم و لا هم منّا یصحبون

با توجه به این که مخاطبان آیه شریفه مشرکان هستند و آنان معبودها و خدایان خود را شفیع برای خود می پنداشتند; به دست می آید که مقصود این آیه، بیان بطلان چنین پنداری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۹

۹ - محاکمه شدن کافران به خاطر کردارشان علاوه بر محاکمه آنان به خاطر عقایدشان

أکذّبتم بایتی . .. أمّاذا کنتم تعملون

عبارت <أکذّبتم بآیاتی> دلالت بر محاکمه عقیدتی و تعبیر <أمّاذا کنتم تعملون> دلالت بر محاکمه آنان به خاطر کردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۱

۱ - خالق آسمان ها و زمین ، در بینش کافران نیز خداوند است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۲ - ۱

۱ - کافران ، منکر قیامت و زنده شدن انسان ها هستند .

یقول أءنّک لمن المصدّقین

برداشت یاد شده از آن جا است که گوینده، فرد کافر بوده و استفهام او از باب انکار می باشد. گفتنی است که مقصود از تصدیق به قرینه آیه بعد که مربوط به قیامت است تصدیق به قیامت و رستاخیز انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۲

۲ - اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ; نه یقین و علم .

زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا

برداشت یاد شده، به این دلیل است که ماده <زعم>، بیشتر در معنای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۶ - ۱

۱ - کافران ،

برپایی قیامت و عذاب آن را ، امری بعید و به دور از حقیقت می دانند .

إنّهم یرونه بعیدًا

بـا توجّه به این که کـافران، منکر معـاد بودنـد، مقصود آنـان از <بعیـد>، بعیـد زمـانی نیست; بلکه مقصود دور بودن از دایره امکان است.

عقیده کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۴ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت نیز به حرمت و قداست ماه های حرام و ممنوعیت جنگ در آنها معتقد بودند .

الشهر الحرام بالشهر الحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۷

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷ - ۷

۷ مشرکان صدراسلام ، معتقد بودند که تنها فرشتگان می توانند واسطه میان خدا و بشر باشند و نه انسان .

قالوا . .. لولا أُنزل إلیه ملك فیکون معه نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۲،۵

۲ - کافران صدراسلام ، منکر برپایی قیامت بوده و عقیده به آن را مورد استهزا قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> برابر نظر بیشتر مفسران برای تهکم و استهزا است.

۵ - کافران صدراسلام ، مؤمنان را دروغگو دانسته و عقیده آنان به برپایی قیامت را بی اساس می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۸۱ - ۷

۷ - مشرکان و کافران در عصر بعثت علی رغم انکار قیامت و تجدید حیات انسان ها به آفرینش آسمان ها و زمین به وسیله خدا و نیز به عظمت این آفرینش اعتقاد داشتند .

أوَلیس الذی خلق السموت و الأرض بقدر علی أن یخلق مثلهم

برداشت یاد شده با توجه به این حقیقت است که استدلال خداوند بر اثبات معاد، از راه آفرینش نخستین جهان طبیعت، مبتنی بر این حقیقت است که کافران، جهان طبیعت را جلوه ای از خالقیت و قدرت خدا بدانند.

عقیده کافران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۶ - ۳

۳ اندیشه توحیدی و مبرا از شرک ، سفیهانه و نامعقول در نظر کافران قوم هود

قال الملأ الذین کفروا من قومه إنا لنریک فی سفاهه

عقیده کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ کافران قوم شعیب ، به خدا و داوری او و یاری رسانیش به حقپویان معتقد بودند .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا و هو خیر الحکمین

چنانچه خطاب در <فاصبروا> متوجه کافران نیز باشد، دعوت شعیب از آنان به صبر تا داوری خدا، بیانگر این نکته است که منکران رسالت او معتقد به خداوند بوده اند. تصریح به <بالذی ارسلت به> پس از <ءامنوا> این معنا را تأیید می کند.

عقیده کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۵،۶

۵ کافران

مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء

علاقه به هدایت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۶ – ۶

۶ – علاقه شدید برخی از مسلمانان عصر بعثت ، به ارشاد کافران سرشناس مکه و مسلمان ساختن آنان

فأنت له تصدّی

براساس شأن نزول این آیات، افراد معروفی از قریش (نظیر ابوجهل) در مجلسی که ابن ام مکتوم وارد شد، حضور داشتند و تعبیر <من استغنی> در مورد آنان نازل شده است.

علایق کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۶ – ۵

۵ زنده ماندن ، ولو با توجیه کوتاهی ها و تقصیر ها در دفاع از دین ، خواسته کفرپیشگانِ به ظاهر مسلمان

لا تکونوا کالّذین کفروا و قالوا لاخوانهم . .. ما ماتوا و ما قتلوا

۲ در برداشت بالا <الّذین کفروا> به قرینه <لاخوانهم> به مسلمانان ضعیف الایمانی که اندیشه کفرآمیز دارند، تفسیر شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۱

۱– آرزو و علاقه فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

مراد از <یودّ> به قرینه فعل ماضی <کانوا> مطلق دوست داشتن نیست،

بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۱

۱ - علاقه شدید کافران تکذیب گر ، به سازش کردن و نرمش نشان دادن پیامبر (ص) با آنان و تلاش آنان در این راستا

ودّوا لو تدهن فیدهنون

<إدهان> (مصدر <تدهن و یدهنون>) به معنای مدارا و نرمش نشان دادن است. مقصود از آن در این آیه، سازش کردن پیامبر(ص) در مواضع عقیدتی خویش و سستی کردن آن حضرت در برخورد با کافران است. گفتنی است سازش کردن و سستی نمودن پیامبر(ص) در امر رسالت، تنها یک علاقه و تمایل برای کافران نبود; بلکه همراه با تلاش و اقدامات گسترده بوده است.

علم اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

۱۳ - کافران ، از تمامی اَعمال دنیوی خویش ، در قیامت ، از سوی خداوند آگاه می شوند .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۳

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق

به <يعلمون> مى باشد. <يسحبون> نيز حال از ضمير <هم> در <فى أعناقهم> است; يعنى، به زودى مى دانند آن گاه كه غل در گردن هايشان باشد و با زنجير كشان كشان برده مى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهى قطعى كافران به وسيله خداوند ، از مجموعه عملكرد ناشايست خويش در قيامت

فلننبّئنّ الذين كفروا بما عملوا

علم به توطئه كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۶ - ۷

۷ - عقيده به آگاهى خداوند از تمامى رفتار ها و حركت هاى توطئه آميز كافران ، موجب دل گرمى و تسلى خاطر مبلغان اسلام و مدافعان عقيده توحيدى است .

فلايحزنك قولهم إنّا نعلم ما يسرّون و ما يعلنون

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه جمله <إنّا نعلم. ..> تعليل براى نهى در <فلايحزنك> است; يعنى، چون خداوند بر تمامى رفتارهاى آدميان از جمله كافران آگاه است، پس نبايد در برابر توطئه هاى آنان محزون بود; بلكه بايد با دل گرمى و پشتكار به تبليغ دين پرداخت.

علم خدا به كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۱

۱ - آگاهى همه جانبه و برتر خداوند ، از انسان هاى گمراه و كافر

إنّ ربّك هو أعلم بمن ضلّ عن سبيله

علم كافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ،

از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

علم کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۸ - ۵

۵ - کافران عصر پیامبر (ص) ، از هلاکت بسیاری از امت های گذشته آگاه بوده و با آثار باستانی به جای مانده از آنان آشنا بودند .

أفلم یهد لهم کم أهلکنا . .. یمشون فی مسکنهم

جمله <یمشون. ..> حال برای <هم> است که به قرینه سیاق آیه، مراد مشرکان صدراسلام می باشد. عبور آنان به دیار عاد، ثمود، لوط و ... که مفاد جمله <یمشون...> است زمینه ساز آگاهی آنان به حوادث مرگ بار پیشینیان بوده است. توبیخ مستفاد از همزه استفهام نیز، فرع بر آگاهی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۹

۹ - کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۸ - ۲

۲ - کافران عصر بعثت ، مطلع از وجود مسأله ای به عنوان قیامت و معاد در میان نسل های پیشین

لقد وعدنا هذا نحن و ءاباؤنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۵ - ۳

۳ – آگاهی کافران صدراسلام ، از وجود ادیان الهی در گذشته تاریخ

إذا تتلى علیه ءایتنا قال أسطیر الأوّلین

از این که کافران، قرآن را اسطوره ای از اساطیر پیشینیان دانسته اند،

می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۷ – ۶

۶ – آشنایی کافران صدراسلام ، با داستان باغداران یمنی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه إذ أقسموا

تهدید شدن کافران، به دچار شدن به سرنوشت اصحاب الجنّه> به عنوان نمونه عینی از عملی شدن تهدید خداوند بیانگر این حقیقت است که آنان، از این داستان کم و بیش با خبر بودند; و گرنه این تهدید فایده نمی بخشید.

علما و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۰

۱۰– برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

علمای یهود و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱،۷

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

۷ همسویی اهل کتاب (علمای یهود) با کافران و مشرکان ، تلاشی برای فراهم آوردن نیرو و یاور علیه مسلمانان *

الم تر الی الّذین . .. و یقولون للّذین کفروا ... فلن تجد له نصیراً

جمله <فلن تجد له نصیراً> پس از بیان همسویی یهود با مشرکان، می تواند بیانگر این معنا باشد که یهودیان به منظور یاری طلبی علیه مسلمانان، با مشرکان همسو شدند.

عمر کافران

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۱۶

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزّت و قرب آنان در نزد خدا نیست .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

عمل صالح کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۷ – ۱،۲،۵،۷،۱۰

۱ آنچه اهل کفر در این دنیا انفاق می کنند ، همچون باد سرد سُوزانی است که بر زراعت قوم ستمکارِ بر خویش بوزد و آن را نابود سازد .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا . .. فاهلکته

۲ کفر ، موجب محرومیّت آدمی از ثمره انفاقات (اعمال خیر) خویش

انّ الّذین کفروا . .. مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا ... فاهلکته

۵ بی ثمر بودن انفاق های اهل کفر ، نمونه ای از کارا نبودن امکانات مادّی ، در بی نیاز ساختن آنان از خدا

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم . .. من اللّه ... مثل ما ینفقون ... کمثل ری

۷ انگیزه کافران در انفاق های خویش ، رسیدن به زندگی پَست دنیاست . *

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا

تقیید انفاق به حیات دنیا، می تواند گویای انگیزه کافران به انفاق در محدوده حیات دنیا باشد.

۱۰ بی ثمری انفاق (اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم . .. و ما ظلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۷

۷ کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

قید <و هو مؤمن> می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است; بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱،۴،۸

۱ حَبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره

۴ اعمال کافران ، قاتلان انبیا و قاتلان عدالتخواهان ، فاقد اعتبار و ارزش اجتماعی *

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم

به نظر می رسد حبط عمل در دنیا، به معنای عدم اعتبار آن اعمال و نتایجش باشد.

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۱

۱ بیان

آثار و نتایج رفتار انسان ها مؤمن و کافر در قیامت ، از آیات حق الهی

یوم تسودّ . .. تلک ایات اللّه نتلوها علیک بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۵

۵ قدرت مطلق خداوند و آسیب ناپذیری وی از عملکرد کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان لن یضرّوا اللّه شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

کذلک زین للکفرین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۷

۷ خداوند با بیان نظارت خویش بر اعمال کافرانِ دست کشیده از مبارزه علیه اسلام ، مسلمانان صدر اسلام را از غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۸

۸ خداوند به تمامی جوانب و زوایای اعمال کفرپیشگان آگاه است .

و اللّه بمایعملون محیط

احاطه خداوند به اعمال بندگان به معنای تسلط کامل او بر اعمال ایشان است و از مصادیق این سلطه و حاکمیت، علم و آگاهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۲۲ – ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان ، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل . .. اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل

۲۷ - ۸۴ - ۹

۹ - محاكمه شدن كافران به خاطر كردارشان علاوه بر محاكمه آنان به خاطر عقايدشان

أكذّبتم بايتی . .. أمّاذا كنتم تعملون

عبارت <أكذّبتم بآياتی> دلالت بر محاكمه عقيدتی و تعبير <أمّاذا كنتم تعملون> دلالت بر محاكمه آنان به خاطر كردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگير دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود كافران است .

ذوقوا ما كنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدير <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۹

۱۹ - باور و رفتار كافران ، براساس ظن و گمان است ; نه يقين و برهان .

و ما أظنّ الساعه قائمه و لئن رجعت إلی ربّی

برداشت ياد شده بر اين اساس است كه كافران از يک سو برپايی قيامت را مورد ترديد قرار می دهند و از سوی ديگر فرض وجود قيامت را مطرح می نمايند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش كافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نيست .

و كم أرسلنا . .. و لئن سألتهم من خلق ... ليقولنّ خلقهنّ العزيز العليم

خداوند در اين آيه می فرمايد: اگر از مشركان و دين ناباوران سؤال شود كه آفريدگار هستی كيست؟ آنان به دليل عقل يا

اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی

را مورد خدشه قرار دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۵

۵ – خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۲۰ – ۲

۲ – کردار و حالت های کافران ، در احاطه علمی خداوند است .

و اللّه من ورائهم محیط

عمل ناپسند کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۲

۲ کفرورزی کافران و اعمال ایشان (افترا بر خداوند ، بازداری از راه خدا و . . .) خارج از حاکمیت خداوند نیست .

و من أظلم ممن افتری علی الله کذبًا . .. أُولئک لم یکونوا معجزین

ماضی بودن معنای جمله <أُولئک لم یکونوا . ..> (آنان هیچ گاه ازحاکمیت خدا خارج نبوده اند) می رساند که: گرایش کافران به کفر نیز تحت حاکمیت خدا صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۱،۲۱

-۱۱

کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... ما کنّا نعمل من سوء

۲۱- کافرانی که با حالت کفر از دنیا می روند ، همواره در دنیا در مسیر نادرست بوده و مرتکب اعمال زشت می شوند .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

دو عبارت <ما کنّا نعمل> و <ما کنتم تعملون> دلالت بر ماضی استمراری دارد. عبارت اول سخن کافران است که با آن به کلی منکر ارتکاب عمل زشت هستند و عبارت دوم جواب به آنهاست که بر استمرار عمل زشت آنها دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۵

۱۵- به استهزا گرفتن وعده عذاب خداوند ، از زشت ترین اعمال کافران

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

بی شک استهزای وعده عذاب خداوند، از جمله کارهای بد (سیئات) کافران بود; اما ذکر خاص آن پس از عام (سیئات) نشان دهنده اهمیت ویژه آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله تعالی : < الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعاً > قال : < . . . لم یعبهم بما صنع فی قلوبهم و لکن عابهم بما صنعوا > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند <الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری . ..> روایت شده که فرمود: ... خداوند، (کافران را) به آنچه که ذات

اقدس او درباره دل ها و قلب هاشان انجام داده، نکوهش نکرده، بلکه به خاطر اَعمال خودشان نکوهش کرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۴

۴ - کافران ، بیگانه با اعمال خیر و آلوده به کار های ناشایست

و لهم أعمل من دون ذلک هم لها عملون

<ذلک> اشاره دارد به کارهای نیک مؤمنان (أُولئک یسارعون فی الخیرات)؛ یعنی، برای کافران، اعمال دیگری غیر از آن اعمال (اعمال نیک) وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زیّن له سوء عمله . .. فإنّ اللّه یضلّ من یشاء و یهدی من یشاء

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فإنّ اللّه یضلّ. ..> در مقام تعلیل برای <أفمن زیّن...> است؛ یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند؛ خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذه و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزینّهم علی أسوء الذی کانوا یعملون> باشد؛ یعنی، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۲ - ۱

۱ - از بین نرفتن کردار کافران ، در طول زمان

و کلّ شیء فعلوه فی الزّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقی معاذیره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذرتراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقی معاذیره

عوامل آوارگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۱

۱ – اراده خداوند ، عامل شکست و آوارگی کافران اهل کتاب (یهود بنی نضیر)

هو الذی أخرج الذین کفروا من أهل الکتب

به اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

عوامل اعراض از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۵ – ۲

۲ – تحریف عینی ترین حقایق از سوی کافران ، دلیل عدم ضرورت ارشاد آنان

و إن یروا . .. یقولوا سحاب مرکوم

. فذرهم

از ارتباط دو آیه، استفاده می شود که چون کافران مصمم بر کفرانـد، تکلیف تبلیغ پس از اتمام حجت بر آنان از پیامبر(ص) ساقط است.

عوامل انحطاط کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۸

۸ منافقان و کافران ، بناکننده اعمال خویش بر لب پرتگاهی سست و بی بنیاد

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. أم من أسّس بنینه علی شفا جرف هار

عوامل بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آیات گوناگون قرآن مایه تقویت بینش آگاهان و منجر به بهانه جویی کافران خواهد شد.

و لیقولوا درست و لنبینه لقوم یعلمون

عوامل بی یاوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر ثمّ لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد; برداشت بالا استفاده می شود.

عوامل پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه لحسره علی الکفرین

عوامل تأخیر در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۳

۳ - حاکمیت سنت های الهی بر کفرپیشگان ، مانع از

نابودی سریع آنان با عذاب الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لکان لزامًا

عوامل ترک انفاق کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۳

۳ - کفر کافران ثروتمند ، موجب خودداری آنان از انفاق به مستمندان مؤمن

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّه أطعمه

آمدن اسم ظاهر (قال الذین کفروا) به جای ضمیر (قالوا) در حالی که مقام، اقتضای آمدن ضمیر دارد می تواند بیانگر این نکته باشد که آنچه سبب خودداری کافران از انفاق شد، کفر آنان بود.

عوامل تعجب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۱،۲

۱ - برخاستن فردی از توده های مردم به پیامبری ، امری شگفت انگیز در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که مقصود از <منهم> این است که پیامبر از میان توده های مردم و با ویژگی مردمی باشد. گفتنی است تعبیر <من بیننا> در آیه ۸ مؤید همین مطلب است.

۲ - انتخاب شدن انسان به پیامبری ، امری شگفت آور در نظر کافران

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم

برداشت یاد شده براساس این دیدگاه است که مقصود از <منهم> از جنس انسان بودن پیامبر باشد; زیرا کافران و مشرکان صدراسلام، انسان را شایسته رسیدن به مقام پیامبری و ارتباط با خداوند نمی دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵ – ۱

۱ – اثبات معبود یگانه در برابر معبود های متعدد ، امری شگفت

آور در نظر کافران

أجعل الألهه إلهًا وحدًا

همزه <أجعل> از نوع استفهام تعجبی است و <إله> (مفرد <آلهه>) به معنای معبود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۱

۱ شگفتی بیجای کافران ، از آمدن فردی از جنس خودشان ، برای انذار ایشان

بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم

عوامل تقویت روحیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۱ - ۵

۵ - منافقان ، مایه امید و تقویت روحیه کافران در نبرد با اسلام

الذین نافقوا یقولون لإخونهم . .. لئن أُخرجتم

اظهار همکاری منافقان با کافران، خود نوعی تقویت روحیه کافران است.

عوامل تنبه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۷

۷- کافران و انسان های لجوج ، از قدرت و عذاب الهی تأثیر پذیرفته و متنبّه می شوند ; نه از منطق و برهان .

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۷

۷ – کافران و حق ستیزان ، تنها به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی متنبه شده و به ارزش تعالیم پیامبران پی می برند .

أن تصیبهم مصیبه . .. فیقولوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۸ – ۳

۳ – برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار

گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲،۱۱

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتّبعوا أهواءهم . .. فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

۱۱- وقوع رستاخیز ، مایه به خود آمدن کافران ; اما بی ثمر به حال آنان

فأنّی لهم إذا جاءتهم ذکریهم

تعبیر <ذکری> می رساند که قیامت، مایه هشدار و بیدار شدن کافران است; اما این بیداری پس از پایان مهلت است و سودی به حال آنان ندارد (فأنّی لهم).

عوامل ثروتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۵

۱۵ - < [عن] أبی عبدالله (ع) قال : ما کان ولد آدم مؤمن إلاّ فقیراً و لا کافر إلاّ غنیّاً ، حتّی جاء إبراهیم (ع) فقال : < ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا > فصیّرالله فی هؤلاء أموالاً و حاجه و فی هؤلاء أموالاً و حاجه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: هیچ مؤمنی از فرزندان آدم نبود، مگر این که فقیر بود،

و هیچ کافر نبود مگر این که غنی بود; تا این که زمان ابراهیم(ع) فرا رسید. آن حضرت به خداوند عرض کرد: <پروردگارا ما را مایه فتنه کافران قرار مده>. پس خداوند در کافران هم مال و هم نیاز و در مؤمنان نیز هم مال و هم نیاز قرار داد>.

عوامل حق ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن کافران از رویکرد به حق ، دروغ پردازی آنان است .

کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به دروغ پردازی و افترا زدن کافران مجرم است; یعنی، همان طور که در قیامت دروغ می گویند در دنیا نیز عمل می کردند. لازم به ذکر است که ریشه <یؤفکون> <إفک> است و به معنای <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعیتی است که شایسته بوده در آن موقعیت باشد> (مفردات راغب). بنابراین، مراد از <یؤفکون>، منصرف شدن از عقیده حق و گرایش یافتن به باطل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۸ - ۳

۳ - ناباوری کافران نسبت به تحقق مجازات های الهی ، عاملی مهم در حق ناپذیری آنان *

و الطّور . .. إنّ عذاب ... ما له من دافع

تأکید، معمولاً در مواردی صورت می گیرد که مسأله تأکید شده، مورد انکار یا غفلت باشد.

عوامل دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار

نسبی خویش بود .

أوَلم یسیروا فی الأرض فینظروا . .. و کانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

عوامل ذلت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۲

۱۲- ذلّت کافران در قیامت ، نتیجه استکبار و عصیان گری مداوم آنان در زمین

تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۴

۴ - کافران مغرور و خودخواه دنیا ، محکوم به ذلت و خواری در آخرت

أم یقولون نحن جمیع منتصر . .. یوم یسحبون فی النار علی وجوههم ذوقوا مسّ سقر

عوامل رنج کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

عوامل زیان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۲ – ۱۱

۱۱– کافران حق ناپذیر ، ظالمند و از موهبت رحمت و شفابخشی قرآن ، تنها خسارت و زیان به ارمغان می برند .

شفاء و رحمه للمؤمنین و لایزید الظلمین إلّا خسارًا

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <ظالمین> به قرینه مقابله با <مؤمنین>

کافران باشند.

عوامل سختیهای اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۶

۶ - سرخوشی و هواپرستی کافران در دنیا ، درپی دارنده دشواری های دیرپای قیامت

و اتّبعوا أهواءهم . .. یقول الکفرون هذا یوم عسر

<عسر> (صفت مشبهه) دال بر ثبات و دوام وصف است.

عوامل سرزنش اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

عوامل سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱۱

۱۱- < عن أبی عبداللّه (ع) فی قوله تعالی : < الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعاً > قال : < . . . لم یعبهم بما صنع فی قلوبهم و لکن عابهم بما صنعوا > ;

از امام صادق(ع) درباره این سخن خداوند <الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری . ..> روایت شده که فرمود: ... خداوند، (کافران را) به آنچه که ذات اقدس او درباره دل ها و قلب هاشان انجام داده، نکوهش نکرده، بلکه به خاطر اَعمال خودشان نکوهش کرده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۰ – ۱

۱ – نکوهش کافران ، به خاطر باورنداشتن به قیامت و جدی نگرفتن تهدید های الهی

و تضحکون و لاتبکون

عوامل سرور کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۱ – ۲

۲ – کافرانی که مؤمنان را مسخره کرده اند ، هنگام مراجعت نزد خانواده خویش ، از پوزخند ها و اشاره های طعنه آمیز خود ، غرق شادمانی می شوند .

یضحکون . .. یتغامزون . و إذا انقلبوا إلی أهلهم انقلبوا فکهین

در این برداشت، <فَکِه> به معنای <مرد خوش دل و خندان> دانسته شده است. تکرار <انقلبوا> در آیه شریفه، برای مجسم ساختن حالت بازگشت کافران به خانه خویش است.

عوامل شقاوت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۴ – ۳

۳ – رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون . .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتّی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

عوامل شک کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۶ – ۶

۶ – کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر ندارد; بلکه عدم بینش و بصیرت کافران را می رساند که در نتیجه آن، آنها گرفتار شک و تردید و حیرت و سرگردانی اند.

عوامل شکست کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۲۵

۲۵ شکست زبونانه کافران ، در گرو کوشش مجاهدان برای فراهم سازی تجهیزات و هوشیاری آنان در برابر هجوم غافلگیرانه دشمن

و ليأخذوا حذرهم . .. و خذوا حذركم إنّ اللّه اعد

للكفرين عذاباً مهيناً

جمله <ان اللّه . ..> مى تواند تعليل براى فرمان خداوند به گرفتن اسلحه و حفظ هوشيارى باشد، بر اين مبنا مراد از عذاب مهين، شكست زبوبانه دشمنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۶

۶ رعب و وحشت كافران در جنگ بدر ، از عوامل شكست آنان در آن جنگ

سألقى فى قلوب الذين كفروا الرعب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۱ - ۶

۶ كافران جنگ بدر به سبب خيانتهايشان به خدا و دين او ، مغلوب مجاهدان شده و گروهى از آنان به اسارت درآمدند .

فقد خانوا اللّه من قبل فأمكن منهم

امكان (مصدر امكن)، به معناى تسلط بخشيدن است. تفريع جمله <امكن منهم> بر <فقد خانوا> به وسيله حرف <فاء> دلالت مى كند بر اينكه خيانت كافران به دين خدا موجب شد كه خداوند آنان را در سيطره مسلمانان قرار دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ نصرت هاى خاص الهى به پيامبر (ص) ، عامل فرو شكستن شعار و صولت كافران و اعتلا يافتن كلمه اللّه (شعار توحيد)

فقد نصره اللّه . .. و جعل كلمه الذين كفروا السفلى و كلمه اللّه هى العليا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱

۱ - اراده خداوند ، عامل شكست و آوارگى كافران اهل كتاب (يهود بنى نضير)

هو الذى أخرج الذين كفروا من أهل الكتب

به

اتفاق مفسران، آیات این بخش، مربوط به یهود بنی نضیر و جریان شکست و آواره شدن آنان از مدینه است.

عوامل ضعف کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر ثمّ لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد; برداشت بالا استفاده می شود.

عوامل عجز کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ کافران بر اثر فقدان درک معارف الهی و ایمان نداشتن به حقایق دینی ، مردمی ناتوان در پیکار با اهل ایمان

بأنهم قوم لایفقهون

عوامل عجله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۳

۳- جهل کفار به سختی و شدت عذاب الهی ، عامل تعجیل آنان برای تحقق عذاب است .

و یقولون متی هذا الوعد . .. لویعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار ...

برداشت یاد شده بر این اساس است که جواب مقدر <لو> جمله <لمّا استعجلوا العذاب أو قیام الساعه> (در نزول عذاب و یا در برپایی قیامت عجله نمی کردند) باشد.

عوامل عذاب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۱

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ثواب>; یعنی، جزا و

<تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <کانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

عوامل عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۴

۴ گرفتاری کافران ، مشرکان و گنه کاران به عذاب های الهی ، ستم و کیفری است که آنان خود برای خویشتن فراهم می کنند .

و لکن ظلموا أنفسهم

چنان چه گذشت، مقصود از <ظلم به نفس> گناهان و نیز آثار و تبعات گناهان می باشد؛ برداشت فوق ناظر به دومین لحاظ است. بنابراین <ظلموا أنفسهم...>؛ یعنی، نزول عذاب بر کافران که از آثار و تبعات گناهانشان است ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاك و عذاب کافران ، نتیجه عملکرد خود ایشان

و ما أهلکنا من قریه . .. و ما کنّا ظلمین

عوامل غفلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۵

۵ - احاطه تکذیب گری بر اندیشه کافران ، موجب احاطه غافلگیرانه عذاب الهی بر آنان است .

فی تکذیب . و اللّه من ورائهم محیط

تعبیر <فی تکذیب>، بر احاطه تکذیب گری بر کافران دلالت دارد و جمله <و اللّه . .. محیط>، کافران را به احاطه خداوند تهدید کرده است؛ که حاصل آن بسته بودن راه فرار از عذاب فراگیر است.

عوامل فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

-۴

ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. ذلک ... و أنّ الکفرین لا مولی لهم

عوامل فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱۵

۱۵ - < [عن] أبی عبـداللّه (ع) قال : ما کان ولد آدم مؤمن إلاّ فقیراً و لا کافر إلاّ غنیّاً ، حتّی جاء إبراهیم (ع) فقال : < ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا > فصیّراللّه فی هؤلاء أموالاً و حاجه و فی هؤلاء أموالاً و حاجه ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: هیچ مؤمنی از فرزندان آدم نبود، مگر این که فقیر بود، و هیچ کافر نبود مگر این که غنی بود; تا این که زمان ابراهیم(ع) فرا رسید. آن حضـرت به خداونـد عرض کرد: <پروردگارا ما را مایه فتنه کافران قرار مده>. پس خداوند در کافران هم مال و هم نیاز و در مؤمنان نیز هم مال و هم نیاز قرار داد>.

عوامل گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۱

۱۱ زندگی دنیا عامل فریب خوردن کافران در نپذیرفتن آیات و پند نگرفتن از انذار انبیا

و غرتهم الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۵

۵ جا به جایی ماه های حرام ، عاملی در جهت گمراهی کافران

إنما النسیء . .. یضل به الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لک الأمثال فضلّوا فلایستطیعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۴ - ۱

۱ - بی اعتقادی به جهان آخرت ، مهم ترین عامل انحراف و کجروی کافران

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره عن الصرط لنکبون

<نکوب> (مصدر <ناکبون>) به معنای منحرف شدن است; یعنی، کسانی که به آخرت ایمان ندارند، قطعاً از راه راست، سخت منحرف اند. گفتنی است که بیان ایمان به آخرت و اختصاص به ذکر یافتن آن، از میان مسائل گوناگون اعتقادی، بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۱

۱ - کافران در قیامت ، خواهان شناسایی عاملان گمراهی خویش به منظور انتقام جویی از آنان

و قال الذین کفروا ربّنا أرنا الذین أضلّانا . .. نجعلهما تحت أقدامنا

عوامل گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا ... و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او

درصدد پاسخ گویی برمی آید.

عوامل مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۴

۴ ایمان ، مستلزم عمل و مبارزه با کفرپیشگان

یأیها الذین ءامنوا قتلوا الذین یلونکم من الکفار

عوامل محرومیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۳

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إنّ الذين كفروا و . .. فلن يغفر اللّه لهم

مرگ كافران مخالف راه خدا در حال كفر، مايه محروميت ابدى از عفو و رحمت الهى

عوامل مخالفت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۲ - ۴

۴

- غرور و خودخواهی کافران ، عامل مخالفت آنان با قرآن و پیامبر (ص)

بل یرید کلّ امرىء منهم أن یوتی صحفًا منشّره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۳ - ۳

۳ - بی ایمانی و بی پروایی نسبت به روز جزا ، عامل مخالفت کافران با رسالت پیامبر (ص) و نپذیرفتن تعالیم قرآن

بل لایخافون الأخره

عوامل مصونیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۲

۲ - کافران و مکذبان ، در صورت ایمان آوردن و انجام دادن عمل صالح ، گرفتار عذاب نخواهند شد .

فبشّرهم . .. إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

این احتمال که فعل های <آمنوا> و <عملوا>، شامل ایمان و عمل در زمان آینده نیز باشد، چندان بعید نیست; زیرا از طرفی برای آینده قطعی ماضی آورده می شود و از طرف دیگر در قضیه حقیقی، زمان خاصی مورد نظر نیست.

عوامل مصونیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۴

۲۴- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ، باعث نجات موقت کفّار از عذاب الهی

لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم

عوامل مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۳

۳ – وعـده خداونـد بر مقـابله به مثـل با مکر کافران ، کافی برای شـتاب نورزیـدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أکید کیدًا . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده

شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

عوامل ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۹،۱۰

۹ - کافران بنی اسرائیل ، ناخرسند از گسترش اسلام و در تلاش برای نابودی آن

یریدون لیطفؤا نور اللّه . .. و لو کره الکفرون

با توجه به آیات پیشین، به دست می آید که از مصادیق مورد نظر در <و لو کره الکافرون>، بنی اسرائیل می باشد.

۱۰ - رشد و شکوفایی اسلام ، امری گران و ناگوار برای کافران

و اللّه متمّ نوره و لو کره الکفرون

عوامل هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثمّ أرسلنا . .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۳

۳ - رفاه و برخورداری کافران ، سبب ساز هلاکت و نگون بختی آنان است ، نه نشان سعادت و نیکبختی .

أیحسبون . .. نسارع لهم فی الخیرت ... حتّی اذا أخذنا مترفیهم بالعذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۶

۶ - هلاك و عذاب كافران ، نتيجه عملكرد خود ايشان

و ما أهلكنا

من قریه . .. و ما کنّا ظلمین

عوامل یأس کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۲ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، مأیوس سازنده کافران از پیوستن به آنان در شرک

لا أعبد ما تعبدون

حرف <لا> گرچه برای نفی مستقبل است; ولی مفهوم سخن، شامل زمان حال نیز می شود.

عومل ذلت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۱ – ۴

۴– ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. ذلک ... و أنّ الکفرین لا مولی لهم

عهد باکافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۶ – ۸،۹

۸ رهبران جامعه اسلامی مجاز در پیمان بستن با جوامع کفرپیشه

الذین عهدت منهم ثم ینقضون

۹ نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه ، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

عهدشکنی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اظهار ایمان و خداترسی منافقان ، ابزاری در دست آنان برای توجیه پیمان شکنی خود با کافران

کمثل الشیطن . .. قال إنّی برىء منک إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

از تشبیه منافقان به شیطان با توجه به ادعای خداترسی وی مطلب بالا استفاده می شود.

عهدشکنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۲ - ۷

۷ کفرپیشگان ، مردمی

فاسق و بی اعتنا به عهد های الهی

و ما وجدنا لأکثرهم من عهد و إن وجدنا أکثرهم لفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۲،۹

۲ کفرپیشگانی که بر پیمانشان با پیامبر (ص) وفادار نماندند از پست ترین جنبندگان هستند .

إن شر الدواب . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون

<الذین عهدت منهم> می تواند بدل و یا عطف بیان برای <الذین کفروا> در آیه قبل باشد، و نیز می تواند مبتدا و خبر آن <فاما تثقفنهم . .. > در آیه بعد باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

۹ نقض پیمان های گذشته از سوی جوامع کفرپیشه ، مانع جواز معاهده جدید نخواهد شد .

الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۱

۱ مسلمانان موظفند در صورت ظهور نشانه ای حاکی از تصمیم کافران بر پیمان شکنی ، معاهدات فیمابین را الغا کنند و آن را بی اعتبار بشمارند .

و إما تخافن من قوم خیانه فانبذ إلیهم

مراد از <خیانه> به قرینه سیاق پیمان شکنی است و ترس از پیمان شکنی به معنای آشکار شدن شواهد و اماراتی است بر اینکه طرف مقابل نقض پیمان را در سر می پروراند. <نبذ> به معنای انداختن و مفعول <فانبذ> <عهدهم> است که به خاطر وضوحش در کلام نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱،۳،۵

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و

پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

جمله <لایحسبن . .. > در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیات قبل می توان گفت آن پندار برخاسته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیامبر(ص) و شکستن پیمانهای او بوده است. آنان بر این پندار بودند که اگر دستورات پیامبر(ص) از جانب خدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خدای محمد(ص) چیره شده اند. جمله <لایحسبن ... > بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفاد این جمله با توجه به آنچه گذشت این است که هیچ حرکت و رفتاری بیرون از اراده و خواست خداوند نیست.

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۸

۱۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) در برابر دشمنی ها و کارشکنی های کافران گمراه

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إنّ اللّه علیم بما یصنعون

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۲ - ۴

۴ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت در برابر دشمنان و کارشکنی های مشرکان و کافران

فانظر کیف کان عقبه المنذرین . .. و لقد نادینا نوح ... ثمّ أغرقنا الأخرین

برداشت یاد شده از آن جا است که ذکر داستان نوح(ع) و قومش، پس از توصیه خداوند به پیامبر(ص) مبنی بر تأمل و درس آموزی از سرنوشت مردمی است که اخطارهای پیامبران را دریافت کردند; ولی به مخالفت با آنها پرداختند. این توصیه می تواند برای دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت باشد که در شرایط دشوار مکه به سر می بردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۸

۸ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان اندک او ، در برابر کارشکنی ها و دشمنی های کافران و مشرکان

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. إن فی صدورهم إلاّ کبر ما هم ببلغیه

از این آیه و آیات قبل و بعد آن، استفاده می شود که خداوند درصدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان اندک به آن حضرت در مکه می باشد.

عیب جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ - عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. همّاز مشّاء بنمیم

عیسی(ع) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۴

۴ داود و عیسی (ع) ، مأیوس از ایمان کفرپیشگان قوم خویش *

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی ابن مریم

طرد ولعن کافران بنی اسرائیل از سوی داود و عیسی(ع) حکایت از یأس و نومیدیشان از هدایت یافتن آن گروه دارد.

غافلگیری اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لایکفّون عن وجوههم النار . .. بل تأتیهم بغته

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

غافلگیری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۶ – ۱۰

۱۰ – مواجه شدن کافران با برپایی قیامت ، ناگهانی و غافل گیرانه است .

یقسم المجرمون . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و حکایت از شرط مقدر می کند و مفید معنای مفاجات و ناگهانی بودن است.

غزوه بدر و کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۷

۷ کافران در جنگ بدر ، نیرو های رزمنده مسلمان را دو برابر نیرو های خودشان می دیدند .

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

بنابراینکه ضمیر فاعلی در <یرون> به مشرکین برگردد و ضمیر مفعولی <هم> به مسلمین و ضمیر مجرور <هم> در <مثلیهم> به مشرکین برگردانده شود.

غضب بر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹

- ۱۲۳ - ۶

۶ لزوم به کارگیری شدت و خشم ، در جنگ با دشمنان کفرپیشه

قتلوا الذین یلونکم من الکفار و لیجدوا فیکم غلظه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۱

۱ - کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است؛ زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند؛ مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد؛ یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

غفلت از دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۱۱

- بی توجهی به عمق عداوت کافران با اسلام و مسلمانان ، زمینه ساز برقراری روابط دوستانه با آنان

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون ... أن تؤمنوا باللّه ربّکم

بیان ابعاد مختلف عداوت کافران با مسلمانان، به عنوان دلیل ممنوعیت ارتباط دوستانه با آنان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۳

۳ - جامعه اسلامی ، در معرض خطر از یاد بردن عداوت جبهه کفر با ایشان

إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

تذکر و هشدار الهی در این آیه، بیانگر مطلب بالا است.

غفلت اکثریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

للذین ظلموا عذابًا . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلك> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أکثرهم لایعلمون> به این معنا باشد که کافران به رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

غفلت اکثریت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۷ - ۶

۶ - بیشتر کافران و مشرکان ستیزه جو و مجادله گر در صدر اسلام ، مردمی غافل و بی خبر از معارف الهی (چون توحید و معاد) بودند .

و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

ممکن است مقصود از <الناس> در آیه شریفه، مردم عصر نزول قرآن (چون اهل مکه) باشد. برداشت یادشده بر این احتمال

مبتنی است.

غفلت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷ – ۷

۷ دلخوش بودن به دنیا و آرامش یافتن به آن و غفلت از آیات الهی ، از اوصاف کافران و امری مذموم و ناپسند

إن الذین . .. و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها ... غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۷

۷- کافران دنیاگرا ، غافلان واقعی اند .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین ... و أُولئک هم الغفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۸

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۳ – ۳

۳ – قلب های کافران ، پوشیده در حجاب غفلت و ناآگاهی

بل قلوبهم فی غمره من هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷ - ۳

۳ - سطحی نگری کافران در مظاهر شگفت انگیز طبیعت و نادیده گرفتن قدرت الهی در آن ، مورد سرزنش خداوند

فقد کذّبوا . .. أَوَلم یرواإلی الأرض کم أنبتنا فیها

استفهام در <أَوَلم یروا. ..> برای توبیخ است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۶ – ۸

۸ – هلاکت امت های کافر پیشین ، در حال غفلت و سرگرمی آنان به دنیا ، بوده است .

أهلکنا . .. یمشون فی مسکنهم

احتمال دارد که جمله <یمشون. ..> حال برای مفعول <أهلکنا> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۹ – ۸

۸ – مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند ; بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۰ – ۳

۳ – غفلت شدید کافران و مشرکان ، از مرگ و حیات پس از آن (قیامت)

إنّک میّت و إنّهم میّتون

ضمیر <إنّهم> به مشرکان و کافران باز می گردد. طرح مسأله رحلت آنان که با تأکید همراه است (إنّك و إنّهم) و غیر قابل انکاربودن این حقیقت، می تواند گویای غفلت شدید مشرکان و کافران از مسأله مرگ باشد; گو این که آنان منکر حقیقت یاد شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۵

۵ – مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما يستوى الأعمى و البصير

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۲ - ۱

۱ - کفرپیشگان و گنه کاران ، غافل از آگاهی و نظارت اعضا و جوارح بر اعمالشان

و ما کنتم تستترون أن یشهد علیکم سمعکم و لا أبصرکم و لا جلودکم

<أن یشهد> به تقدیر <مخافه> (برای ترس) است. بنابراین مفاد <ما کنتم...> این است که شما برای ترس از شهادت گوش، چشم و پوستتان خود را مخفی نمی کردید; زیرا غافل بودید و نمی دانستید که آنها شاهد بر اعمال شما هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲ - ۵

۵- چشم پوشی کافران ، از عظمت خدشه ناپذیر قرآن و تمسک آنان به بشر بودن پیامبر (ص) ، برای انکار رسالت آن حضرت

و القرءان المجید . بل عجبوا أن جاءهم منذر منهم فقال الکفرون هذا شیء عجیب

از ارتباط این آیه با آیه قبل که سوگند به ارجمندی قرآن بود می توان استفاده کرد که خداوند قبل از هر چیز، عظمت خدشه ناپذیر آیات قرآن را به کافران یادآور شده و ایشان را به سبب تمسک به مسائل بی ارزش، ملامت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۱

۱ - کافران ، گرفتار غفلت ، تکبر و سرمستی

و أنتم سمدون

<سُمود> در معانی <سهو> (غافل سازنده انسان از کارهای مهم و سرنوشت ساز) و بالا گرفتن سر از

روی خودبزرگ بینی و غرور به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۲

۲ - کافران ، بی اعتنا به مرگ ، قبر و قیامت خود و بی توجّه به نشانه های خدا در خلقت خویش

کلّا

<کلّا> می توانـد برای ردع و باز داشـتن از توهّمی باشـد که آیات پیشـین، زمینه ساز پیـدایش آن بود و آن این که با وجود زمینه هـای توجّه به خداونـد در آفرینش انسـان از نطفه تـا زمـان مرگ و دفن او، ممکن نیست کسـی در کفر بمانـد. <کلّا> دلالت دارد که نباید چنین پنداشت، زیرا افرادی با وجود تمام این نشانه ها، بر کفر خود اصرار ورزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۳

۳ - کافران ، از سیطره خداوند بر آنها غافل اند .

و اللّه من ورائهم محیط

<من وراء> (از پشت سر)، کنـایه از غافلگیرانه بودن است; همان گونه که دشـمن برای هجوم غافلگیرانه، از پشت سـر حمله می کند.

فرار اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۱

۱ - فرار بی نتیجه کافران ، از کیفر و عذاب قیامت

یوم تولّون مدبرین

فرجام اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۷ - ۹

۹- کافران جبّار ، مردمی بدفرجام در دنیا و آخرتند .

و خاب کلّ جبّار عنید . من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید ... من ورائه عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۹ – ۱

۱ – کافران و مشرکان ، دارای فرجامی شوم در جهان آخرت

قل یأیّها الناس إنّما أنا لکم نذیر

مراد از <الناس> مردم مشرک و بت پرست است. <نذیر> به معنای <منذر> می باشد. و <انذار> (مصدر <منذر>) به معنای اخطار کردن و ترسانیدن از عواقب امری، پیش از فرا رسیدن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۵ – ۲۶

۲۶– تفاوت فرجام اخروی مؤمنان و کافران ، بازتاب تمایز عملکرد دنیوی آن دو

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون ... الجنّه ال

در این جا خداوند نخست به تمایزهای دنیوی اهل ایمان با کافران پرداخته و سپس تفاوت فرجام اخروی آنان را بیان داشته است. از این ارتباط موجود در آیات، پیوند تنگاتنگ میان عملکرد دنیوی هر گروه با فرجامشان استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۶۰ – ۴

۴ – آخرت پر شرر کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا . .. فویل للذین کفروا من یومهم

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۱،۷

۱ – منافقان و کافران ، دارای فرجامی یکسان در قیامت

فالیوم لایؤخذ منکم . .. و لا من الذین کفروا

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم فدیه و لا من الذین کفروا. .. و بئس المصیر

<مصیر> (معادل

<مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۲ – ۵

۵ – نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکـدیگر، اقتضا می کنـد که دو دسـته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسـته قبل باشند که با عنوان <من اُوتی کتابه بیمینه> و <من اُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

فرجام افساد کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۱۶

۱۶– بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذّت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. و الذین کفروا... النارمثوًی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهنـد شـد. اما کافران اهل رفاه و لـذت جویی انـد و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

فرجام دوستی با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۲ – ۸

۸ – اظهار محبت با جبهه کفر ، به امید جلب عطوفت آنان ، تلاشی بی فرجام و محکوم به شکست

تسرّون إلیهم بالمودّه. .. إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

فرجام سخت کافران

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۰ – ۱

۱- تهدید شدن کافران سست اندیش و بیهوده گرا ، به فرجامی سخت و جانکاه

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

تعبیر <بدخان مبین>، می تواند حکایت از عذاب دنیوی و نیز سختی های صحنه قیامت داشته باشد.

فرجام شوم کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۵ – ۱

۱ هشدار دادن به کافران به پایان ناخوشایندشان از وظایف پیامبر(ص)

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۸ – ۹

۹ عذاب دردناك ، فرجام و عاقبت کفرپیشگان است .

ثم یمسّهم منا عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲ – ۷

۷- کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۹

۹- کافران جبّار ، مردمی بدفرجام در دنیا و آخرتند .

و خاب کلّ جبّار عنید . من ورائه جهنّم و یسقی من ماء صدید ... من ورائه عذاب غلیظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ –

۱۲،۱۴

۱۲- گرفتار شدن به سرنوشت شوم ، تهدید خداوند به کافرانِ هدایت ناپذیر

ذرهم . .. فسوف یعلمون

براشت فوق، بنابراین احتمال است که مفعولٌ به و متعلق علم در <یعلمون> عاقبت امر و سرنوشت آنان باشد.

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافرانِ دنیاطلب ، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیاطلبی

ربما یودّ الذین کفروا . .. ذرهم یأکلوا و ... فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶ – ۴

۴- پیامبر (ص) به جهت سرنوشت و پایان بد کافران ، در رنج و تأسّفی عمیق بود .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوابهذا الحدیث أسفًا

مراد از <آثار> می توانـد عاقبت و نتیجه ای باشـد که بر ایمان نیاوردن به قرآن (إن لم یؤمنوا بهذا الحدیث) مترتّب می شود. بر این اساس <باخع نفسک عن اثرهم> یعنی: ای[پیامبر!] خود را به خاطر آثار ناشایستی که کفر آنان در پی دارد، در رنج و مشقّتی کشنده، قرار می دهی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۹ – ۱

۱ – کافران و مشرکان ، دارای فرجامی شوم در جهان آخرت

قل یأیّها الناس إنّما أنا لکم نذیر

مراد از <الناس> مردم مشـرک و بت پرست است. <نـذیر> به معنای <منذر> می باشد. و <انذار> (مصدر <منذر>) به معنای اخطار کردن و ترسانیدن از عواقب امری، پیش از فرا رسیدن آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۱۰

۱۰ – آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام شوم آنان

النار

وعدها اللّه الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۶

۶ - فرجام و سرنوشت کافران ، فرجام و سرنوشتی بد و ناخوشایند

الذین کفروا . .. مأویهم النار و لبئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود .

الذین . .. أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۲

۲ - فرجام ناگوار کافران و عاقبت نیکوی مؤمنان ، علامت برابر نبودن آنان با یکدیگر است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم ... أفمن کان مؤمنًا کم

<فاء> در <أفمن> تفریع بر آیات سابق است که در آنها از کافران و مؤمنان و فرجام و عاقبتشان سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۴ - ۴

۴ - مسؤولیت پیامبر (ص) ، تبیین سر انجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إنّا أرسلنک بالحقّ بشیرًا و نذیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۳ - ۲،۳

۲ – کافران لجوج انذار شده از سوی رسولان الهی ، به سرنوشت شومی دچار شدند .

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

توصیه خداوند به نگریستن در سرنوشت کافرانِ لجوجِ انذار شده از سوی پیامبران، گویای این حقیقت است

که سرنوشت آنان، چنان شوم بوده که می تواند مایه درس آموزی و شایسته دقت و مطالعه باشد.

۳ - لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۴

۴ - تهدید مستکبران کفرپیشه از سوی خداوند ، به عذابی سخت و بدفرجام

فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۶

۶ - فرجام شوم کافران و ستمگران هلاک شده تاریخ ، هشداری به کفرپیشگان و ظالمان هر عصر

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

آیات پایانی این سوره، در مقام نتیجه گیری از آیات گذشته است که به تفصیل سرنوشت هلاکت بار کافران گذشته تاریخ را بیان داشته است. از این نکته استفاده می شود که تعبیر <مثل ذنوب أصحابهم>، در واقع تذکر و هشداری نهایی به کافران هر عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۱

۱ - کفرپیشگان ، دارای سرنوشتی تأسف بار هنگام فرا رسیدن وعده های خداوند

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام نیک تقواپیشگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها . .. إنّ المتّقين فی جنّت و نعيم

از اين كه خداوند در هدايت خلق، به ترسيم هر دو فرجام پرداخته است;

مطلب بالا برداشت می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۵ – ۵

۵ – فرجام شوم و هلاکت بار ، درکمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الذی فیه یصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۶۱ – ۳

۳ – ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنّی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۶ – ۴

۴ – قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۸ – ۴

۴ – پی بردن کافران به دشواری شرایط و فرجام خویش ، از نخستین لحظه های رستاخیز

یقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۶ – ۳

۳ – دوزخ ، جایگاهی نامیمون و سرانجامی شوم برای کافران

و بئس المصیر

<مصیر>، جایگاهی است که

حرکت بدان جا منتهی می شود.

فرجام شوم کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۱۰

۱۰– تبعیت بی چون و چرا از رهبران مستکبر ، در پی دارنده بدفرجامی پیروان

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

فرجام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۴ – ۱۱

۱۱ – کفرپیشگان در قیامت با آتشی که خود برافروخته اند ، عذاب خواهند شد .

فاتقوا النار وقودها الناس و الحجاره أعدّت للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۹ – ۵

۵ – مسؤولیت پیامبر (ص) ، راهنمایی انسان ها و تبیین سرانجام نیک مؤمنان و عاقبت شوم کفرپیشگان است .

إنا أرسلنک بالحق بشیراً و نذیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰ – ۹

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا . .. و اولئک هم وقود النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۹

۹ سرنوشت فرعونیان ، عبرتی برای کافران در سراسر تاریخ

انّ الذین کفروا . .. کدأب ال فرعون ... فاخذهم اللّه

ذکر فرعونیان به عنوان مثال می رساند که آنان، عبرت آیندگانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۷

۷ همسانی سرنوشت شوم کافران ، با قاتلان پیامبران و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون

. .. فبشّرهم بعذاب اليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۸ – ۱۱

۱۱ عذاب خداوند سرنوشت کافران محارب ، در صورت عدم بازگشت و توبه

لیقطع طرفاً . .. فینقلبوا خائبین ... او یعذّبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۱ – ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقواپیشگان و کافران

و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۱ – ۱۹،۲۱

۱۹ آتشِ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب . .. و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

۲۱ کافران ، ستم پیشگانی شوم فرجام

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب . .. و بئس مثوی الظّالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۳

۳ ناتوانی کافران از درک سود و زیان و سرنوشت شوم خویش

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنّم ، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادّی

ثمّ ماویهم جهنّم

<مأوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۶

۱۶ یکسانی سرنوشت شوم کافران و منافقان و شرکت کنندگان در مجالس

کفر و گناه و استهزا به آیات الهی

انکم اذاً مثلهم إنّ اللّه جامع المنفقین . .. جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۳

۲۳ پرهیز از اندوه و تأسف بر کفرپیشگی کافران و سرنوشت شوم آنان ، توصیه خداوند به پیامبر خویش

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ ایمنی از عذاب دردناک در گرو یکتاپرستی و پرهیز از گفتار کفرآمیز

و ما من اله الا اله وحد و إن لم ینتهوا عما یقولون . .. عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۳

۱۳ بازگشت همه آدمیان چه هدایت یافتگان و چه اهل کفر تنها به سوی خداست .

إلی اللّه مرجعکم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۶

۶ بیان فرجام شوم کفرپیشگان و تکذیب کنندگان رسولان الهی ، روشی برای مبلغان دین برای شناساندن زیانکاران واقعی

الذین کذبوا شعیباً کانوا هم لخسرین

خداوند با بیان فرجام شوم کفرپیشگان، زیانکاران واقعی را به مردم معرفی کرد. بنابراین از راههای معرفی کردن زیانکاران واقعی بیان فرجام شوم آنان است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۸ - ۴

۴ بیان فرجام کفرپیشگان بی تقوا ، از روش های قرآن در هدایت مردم به ایمان و تقواست .

و لکن کذبوا فأخذنهم . .. أو أمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۳

۳ فرجام شوم کفرپیشگان گنهکار تاریخ ، زمینه ای مناسب برای پندگیری و عبرت آموزی است .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای <ذنوب>، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، کفر و انکار آیات الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۱ - ۲

۲ خداوند ، تسلی دهنده پیامبر (ص) با بیان سرگذشت شوم کفرپیشگان تکذیب کننده انبیا (ع)

نقص علیك

مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) <علیك> در بیان سرگذشت امتهای تکذیب کننده گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۸ - ۱۶

۱۶ انذار مردم و آگاه ساختن آنان از عاقبت شوم کفرپیشگان ، از وظایف اساسی پیامبر (ص)

إن أنا إلا نذیر

لام در <لقوم> هم می تواند <لام> تقویت باشد و هم می تواند <لام> انتفاع گرفته شود. بر اساس احتمال اول <قوم> مفعول برای <نذیر و بشیر> خواهد بود و مفاد آیه این است که پیامبر(ص) مؤمنان را انذار خواهد کرد و به آنان بشارت

خواهد داد. و بر اساس دومین احتمال مفعول

<نذیر و بشیر> همه مردم هستند و <لقوم یؤمنون> بیان می دارد که تنها مؤمنان از انذارها و بشارتها بهره مند می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۱،۲

۱ شکست و رسوایی ، فرجام کافران ستیزه گر با خدا و رسول او

ذلکم

<ذلکم> خبر برای مبتدایی محذوف و اشاره به شکست خفتبار مشرکان در جنگ بدر دارد ; یعنی <الأمر ذلکم> ; مطلب از این قرار است که بیان شد.

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلکم

حرف <کم> در <ذلکم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۸

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم یغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذّب الذین کفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۲

۱۲ منافقان و کافران پیشین با همه اتکایی که بر دستاورد های مادی خویش داشتند ، سرانجام همه آنها را فرو نهاده و بی توشه در گذشتند .

كالذين من قبلكم كانوا أشد منكم . .. أولئك حبطت أعملهم فی الدنیا و

الأخره

آیه در مقام تحذیر منافقان، سرنوشت پیشینیان را بر آنان می نمایاند که چگونه با همه قدرت در گذشتند و تلاشهای دنیویشان بی نتیجه ماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱

۱ نکوهش خداوند از منافقان ، به جهت عبرت نگرفتن از سرنوشت شوم کافران گذشته تاریخ

وعداللّه المنفقین . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۳ – ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۹ – ۱۰

۱۰ سقوط در آتش دوزخ ، فرجام منافقان کفرپیشه

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. فانهار به فی نار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۹ – ۶

۶ انسانهایی که به خدا و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر

این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۹

۹ آتش دوزخ فرجام کافران است .

و عقبی الکفرین النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۸ - ۳

۳- گرفتاری به عذاب استیصال پیش از فرا رسیدن قیامت ، سرنوشت محتوم همه اقوام و جوامع کافر و مشرک حق ستیز است .

و إن من قریه إلاّ نحن مهلکوها قبل یوم القیمه

اینکه آیه می فرمایـد: همه جوامع بشری قبل از قیامت یا هلاک می شونـد و یا دچار عـذاب می شوند احتمال دارد که مراد از <مهلکوها> هلاکت انسانهای معمولی و مراد از <معذّبوها> عذاب کافران و مشرکان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۹

۹ تأسف خوردن بر حال کافران و سرنوشت بد آنان ، حالت قابل تحسین است .

فلعلّك بخع نفسك علی ءاثرهم . .. أسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- برخورداری انسان از حق انتخاب ایمان و کفر ، به معنای بی تفاوتی ایمان و کفر در فرجام اخروی او ، نیست .

فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

امر در <فلیکفر> برای تهدیـد است و جمله <إنّا أعتـدنا. ..> گویای این معنا است که اختیار انسان در انتخاب ایمان یا کفر، بدان معنا نیست که او، بر انتخاب خویش، مؤاخذه و یا تشویق نخواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات

الهی را ندارند .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین . .. و کانوا لایستطیعون سمعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۶

۶ - روز وقوع عذاب استیصال ، آخرین روز حیات کافران بوده و رهایی آنان از آن ناممکن است .

أو یأتیهم عذاب یوم عقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۱۱

۱۱ - دوزخ ، بازگشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل بازگشت می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۵،۶

۵ - سرگردانی و رسیدن به بن بست کامل ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّی إذا فتحنا . .. إذا هم فیه مبلسون

۶ - شکستگی و حزن و اندوه بی پایان ، فرجام نهایی کافران و مستکبران

حتّی إذا فتحنا . .. إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۲

۲ - زندگی (رفتار و اعمال) کافران ، دارای فرجامی پوچ و در هاله ای از سردرگمی

و الذين كفروا أعملهم . .. أو كظلمت فی بحر لجّیّ یغشیه موج من فوقه موج من فوقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا . .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۳ - ۶

۶ - خداوند

، توانا بر جدا ساختن سرنوشت مؤمنان واقعی از فرجام کافران محکوم به هلاکت

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین . .. و أنجینا الذین ءامنوا و کانوا یتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول علیهم . .. أنّ الناس کانوا بایتنا لایوقنون

تعبیر <أنّ الناس. ..> دربرگیرنده همه کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ - قیامت روز ذلت کافران و پایان بخشیدن به گردن فرازی گردنگشان دنیا

أکذّبتم بایتی . .. و کلّ أتوه دخرین

هرچند تعبیر <کلّ أتوه> شامل همه مؤمنان و کافران می شود; اما با توجه به اصل تناسب و ارتباط آیات، می توان گفت که نظر عمده، متوجه تکذیب کنندگان آیات الهی است. مبنی بر این که آنان گرچه در دنیا ظالمانه کفر ورزیده اند; اما باید بدانند که در آخرت، مجال گستاخی برای هیچ یک از آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - توجه به بازگشت حتمی کافران به سوی خداوند ، زداینده اندوه پیامبر (ص) است .

و من کفر فلایحزنک کفره إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم كفرون . .. و لو ترى إذ المجرمون ناكسوا رءوسهم عند ربّهم

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۲۰

۲۰ – عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۲

۲ – عذاب الهی ، سرنوشت محتوم کافران

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۵ – ۹

۹ – هلاکت و نابودی ، فرجام ملت های ذلت پذیر و پیرو کفر و ستم

فاستخفّ قومه . .. فأغرقنهم أجمعین

از این که فرعونیان با ضعف و زبونی در برابر دستگاه جبار فرعونی سرانجام به هلاکت رسیدند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۳ – ۷

۷ – قیامت ، پایان بازیگری و بیهوده گرایی های کافران حق ستیز

یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بنابراین که مراد از <یومهم. ..> روز قیامت باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۱،۹

۱ – دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاك أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

۹ – عذاب سخت و جانکاه روز قیامت ، فرجام کافران حق ناپذیر

و لهم عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۸ – ۲

۲– فرجام نهایی کافران ، به رو افتادن

در خاکِ مذلت و از دست دادن تلاش ها است .

و الذين كفروا فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم

بنابراین که جمله <فتعساً لهم> خبریه باشد و با توجه به این که <تعس> به معنای به رو در افتادن است که حاکی از نهایت ذلت است مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم . .. دمّر اللّه عليهم

بدان احتمال که <دمّر اللّه عليهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعساً لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقيا فى جهنّم كلّ كفّار عنيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۲

۲ - یاوران خط کفر ، دارای سرنوشتی مشترک با پیشوایان کافر خویش

فأخذنه و جنوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشياع> جمع <شيعه> است و در اين جا معادل امثال و اشباه به كار رفته است; يعنى، امثال شما در كفر و الحاد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۳

۳ - كافران و منافقان همراز ايشان ، داراى فرجامى همگون

در آتش دوزخ

فكان عقبتهما أنّهما فى النار خلدَين فيها

از تشبيه كافران و منافقان به شيطان و پيراون او در آيه قبل، برداشت ياد شده از اين آيه استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۹

۹ - تشويق و ترغيب مردم از سوى خداوند ، به مطالعه و تأمل در سرنوشت هلاكت بار جوامع كفرپيشه گذشته

ألم يأتكم نبؤا الذين كفروا من قبل . .. لهم عذاب أليم

استفهام در <ألم يأتكم. ..>، ضمن آن كه براى تقرير مسأله است، براى تشويق و ترغيب نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - تحريم - ۶۶ - ۹ - ۹

۹ - جايگاه و سرنوشت منافقان و كافران ، در قيامت يكسان است .

و مأويهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۲ - ۴

۴ - زندگى و سرنوشت كافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نيست .

أفمن يمشى مكبًّا على وجهه أهدى أمّن يمشى سويًّا على صرط مستقيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - كشته شدن و مرگ ، سزاوارترين فرجام براى كفرپيشگان

قتل الإنسن ما أكفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرك به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم

فرجام کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

فرجام لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پایان رنج و تلاش مؤمنان و دوزخ فرجام لذّت جویی و فساد کافران

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت . .. و الذین کفروا... النارمثوًی لهم

در این آیات، میان زندگی، اهداف و فرجام مؤمنان و کافران، مقایسه صورت گرفته است. مؤمنان اهل جهاد و عمل صالح اند و در پی دشواری های آن، از بهشت برخوردار خواهند شد. اما کافران اهل رفاه و لذت جویی اند و در پی آن گرفتار آتش خواهند بود.

فرزندان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۲،۴

۲ فرجام سوء منافقان و کفرپیشگان گذشته تاریخ علی رغم برخورداری آنان از قدرت ، مال

و فرزند فزونتر هشداری است به منافقان هر عصر .

وعد اللّه المنفقین . .. کالذین من قبلکم کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

فرصت طلبی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۱ – ۱۲

۱۲ بهره برداری کافران از هر فرصت ، برای ضربه زدن به مسلمانان

فلیس علیکم جناح ان تقصروا . .. ان الکفرین کانوا لکم عدواً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۲ – ۱۵

۱۵ کافران ، در کمین و مترصد فرصت برای حمله و شبیخون به مسلمانان

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

جمله <ودالذین . ..>، بیان یک اصل کلی است و همراه داشتن اسلحه به هنگام نماز برای پیشگیری، تنها یک مصداق از آن است.

فروروی کافران در زمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۶ – ۲

۲ – امکان نزول عذاب الهی ، با لرزش زمین و فرو رفتن کافران در درون آن

أن یخسف بکم الأرض فإذا هی تمور

<مور> (مصدر <تمور>) به معنای تحرک سریع است.

فرومایگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. حلّاف مهین

صفت <حلّاف مهین>

و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبراسلام(ص) را تکذیب می کردند.

فریبکاری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۲

۲ غفلت اهل ایمان نسبت به توطئه های کافران ، موجب فریب خوردنشان و در نهایت محبت به آنان

یا ایها الذین امنوا . ..ها انتم اولاء تحبّونهم ... و اذا خلوا عضّوا علیکم الأَنا

مستفاد از ارتباط آیه مورد بحث و آیه سابق.

فریبندگی عمل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۳

۳ – اعمال و رفتار کفرپیشگان ، چون سراب فریبنده است .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیًا

فسق کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۲ – ۷

۷ کفرپیشگان ، مردمی فاسق و بی اعتنا به عهد های الهی

و ما وجدنا لأکثرهم من عهد و إن وجدنا أکثرهم لفسقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۰ – ۸

۸ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله و اللّه لایهدی القوم الفسقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۸ – ۵

۵ – کافران ، مردمانی فاسق و تبه کارند .

أفمن کان مؤمنًا کمن کان فاسقًا

به قرینه مقابله <مؤمناً> و <فاسقاً> و به قرینه آیات پیش که در آنها،

مردم به دو دسته کافر و مؤمن تقسیم شده اند، مراد از <فاسقاً> می تواند کافران باشد. بنابراین، اطلاق <فاسق> بر کافر به خاطر فسق و تبه کاری او است.

فطرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۹ - ۶

۶ - گفتار و روش کافران ، با ادراک های عقلی و فطری آنان همساز نیست .

و کم أرسلنا . .. و لئن سألتهم من خلق ... لیقولنّ خلقهنّ العزیز العلیم

خداوند در این آیه می فرماید: اگر از مشرکان و دین ناباوران سؤال شود که آفریدگار هستی کیست؟ آنان به دلیل عقل یا اعتقاد خود می گویند: <آفریدگاری عزیز و دانا>. در حالی که اگر آنان به راستی لوازم این باور را می فهمیدند، جا نداشت که وحی قرآنی را مورد خدشه قرار دهند.

فعالیت اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۵

۵ - هشدار خداوند درباره فریب خوردن از تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران و ثروت و مکنت آنان در جامعه

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

برخی از اهل لغت نوشته اند: <تَقَلَّبَ فی الأُمور>; یعنی، <تصرّف کیف یشاء> (در هر کاری مطابق خواسته خود دخل و تصرف کرد). مقصود از <تقلّبهم فی البلاد> تحرکات سیاسی و اقتصادی کافران در شهرها از راه سفرهای تجارتی (مانند سفرهای کافران قریش از مکه به شام، یمن و ...) است.

فعلیت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۹

۹- آتش سهم گین و فراگیر ، عذاب حاضر و آماده برای

کافران ، از جانب خداوند است .

إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

نکره آوردن <ناراً> برای دلالت بر شدّت و عظمت است.

فلسفه تأخیر عذاب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۱۲

۱۲ تعجیل نکردن خداوند در نزول عذاب بر کفرپیشگان ، برخاسته از شمول مغفرت او بر آنان است .

یستعجلونک بالسیئه . .. إن ربک لذو مغفره للناس علی ظلمهم

جمله <یستعجلونك . ..> اشاره به این معنا دارد که خداوند در عذاب کردن کفرپیشگان تعجیل نمی کند و به آنان مهلت می دهد و جمله <إن ربك ...> به منزله دلیل و علت این معناست ; یعنی ، بخشاینده بودن خدا موجب تعجیل نکردن و مهلت دادن اوست.

فلسفه آسایش کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۳

۳ سختی ها و آسایش ها در زندگانی جوامع کفرپیشه دارای هدف و پیامی ویژه و برخاسته از اراده خداوند است .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا . .. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

فلسفه ابتلائات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۴ – ۳،۶

۳ روی آوردن به درگاه خدا و تسلیم خاضعانه در برابر او از اهداف گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه به بلا ها و سختیها

أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون

۶ گرفتار ساختن جوامع کفرپیشه و بی تقوا به سختی ها و محنت ها برای روی آوردن آنان به خداوند از سنت های الهی است .

و ما أرسلنا . .. أخذنا أهلها بالبأساء

و الضراء لعلهم يضرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۳

۳ سختی ها و آسایش ها در زندگانی جوامع کفرپیشه دارای هدف و پیامی ویژه و برخاسته از اراده خداوند است .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا . .. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

فلسفه اسارت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه اعراض از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – دنیاگرایی و آخرت گریزی گنه پیشگان و کافران ، فلسفه منع شدن پیامبر (ص) از پیروی از آنان

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله و یذرون وراءهم یومً

برداشت یاد شده، با توجّه به این نکته است که آیه شریفه، در مقام تعلیل برای منع از اطاعت از گنه پیشگان و کافران (و لاتطع منهم آثماً أو کفوراً) است.

فلسفه اعراض کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۶ – ۴

۴ – بشر بودن پیامبران ، بهانه و دستاویز کافران برای کفر و روی گردانی از تعالیم دین

فقالوا أبشر یهدوننا فکفروا و تولّوا

فلسفه تأخیر عذاب کافران

جلد – نام سوره

- سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۲،۳

۲- تأخير مجازات مشركان و كافران ، وسيله فتنه و آزمايش آنان است .

إن أدرى أقريب . .. إن أدرى لعلّه فتنه لكم

۳- تأخير عذاب و كيفر مشركان و كافران حق ناپذير ، به خاطر بهره بردن ناچيز و موقتى آنان از متاع هاى دنيوى است .

إن أدرى لعلّه . .. متع إلى حين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۳

۳ - تأخير عذاب كافران ، بر طبق مصلحت خدا است ; نه به علت ناتوانى او

و إنّا على أن نريك ما نعدهم لقدرون

فلسفه تأخير هلاكت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۹ - ۸

۸ - مصالح بشر و تدبير امور امت ها از سوى خداوند ، دليل نابود نكردن فورى مخالفان در دنيا است .

كلمه سبقت من ربّك

كلمه <ربّ> گوياى مطلب ياد شده است.

فلسفه تاخير عذاب كافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمايش كافران و مشركان حق ناپذير صدراسلام ، فلسفه به تأخير افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شكست آنها

است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

فلسفه تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن -

۳ - ۲۴ - ۷۲

۳ - تهدید شدن کافران حق ناپذیر به عذاب الهی ، به سبب دشمنی ها و کارشکنی های آنان نسبت به رسالت پیامبراسلام

فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

فلسفه تهمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۲

۲ - هدف کافران از اتهام سحر به پیامبر (ص) ، مبارزه با اسلام و خاموش کردن نور خدا بود .

فلمّا جاءهم . .. قالوا هذا سحر ... یریدون لیطفؤا نور اللّه

فلسفه جنگ با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۹

۹ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، آوردن ایشان به دامن اسلام است و نه نابودی آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. و إن أحد من المشرکین استجارک ... حتی یسمع کلم اللّه ثم أبل

فلسفه حبط عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳ - ۳

۳- گم شدن اعمال کافران در سراب < کفر > و شکوفایی اعمال مؤمنان در وادی < ایمان > ، دارای فلسفه ای معقول و برهانی

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم . و الذین ءامنوا... و أصلح بالهم . ذلک بأنّ الذین

<ذالک> در مقام بیان علّت و فلسفه مطلبی است که در آیات پیشین بیان شده است؛ یعنی، پوچی اعمال کافران و ثمربخشی اعمال مؤمنان، امری برهانی است؛ زیرا کافر ره باطل پیموده و باطل فرجامی ندارد و مؤمن ره حق رفته و ثمربخشی عین

حقانیت است.

فلسفه

دشمنی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۰ – ۶

۶ – عقیده به ربوبیت خدا ، علت اصلی تهاجم و خصومت مشرکان و کافران علیه مسلمانان در عصر بعثت

إلّا ان یقولوا ربّنا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۸ – ۲

۲ – مبارزه کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، با اندیشه شیطانی و سنجیده کاری همراه بود .

إنّه کان لأیتنا عنیدًا . .. إنّه فکّر و قدّر

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۶

۶– فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

فلسفه زندگی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۶ – ۲

۲ – خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف

دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

فلسفه سختگیری بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۵

۵ - سخت گیری بر کافران ، مقتضای ربوبیت

خداوند و در جهت پیشبرد اهداف رسالت پیامبر (ص) است .

ربّک

فلسفه سرزنش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۳

۱۳ - سرزنش کافران ، به خاطر روی گردانی آنان از قرآن

بل أتینهم بذکرهم فهم عن ذکرهم معرضون

فلسفه فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - < قال [اسحاق بن غالب] : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : فی هذه الآیه : < و لولا أن یکون الناس اُمّه واحده جعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون > قال : لو فعل لکفر الناس جمیعاً ;

اسحاق بن غالب می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که درباره آیه <و لولاـ أن یکون الناس اُمّه واحده لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون> فرمود: اگر چنین می کرد (یعنی اگر خدا به کافران آن قدر ثروت می داد که آنان حتی سقف خانه هایشان را از نقره بسازند)، در آن صورت همه مردم به کفر روی می آوردند>.

فلسفه قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و

کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه کمین به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵ - ۱۰

۱۰ هدف و فلسفه اصلی جنگ و مبارزه با کفار و مشرکان ، گرایش دادن آنان به سوی اسلام است نه نابود کردن آنان .

فاقتلوا المشرکین . .. فإن تابوا ... فخلّوا سبیلهم

فلسفه مثالهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۳

۳- مخالفت و عنادورزی کافران با پیامبر (ص) ، با تمثیل و توصیف های ناروا ، در پی دارنده گمراهی علاج ناپذیر برای آنان

کیف ضربوا لک الأمثال فضلّوا فلایستطیعون سبیلاً

برداشت فوق بنابراین است که مراد از <سبیلاً> راه هدایت باشد.

فلسفه محاصره کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸ – ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و

کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

فلسفه مهلت به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۸ – ۲

۲- تعجیل نکردن ذوالقرنین در کیفر ظالمان کافر ، مهلتی برای گرایش آنان به ایمان بود . *

أمّا من ظلم فسوف نعذّبه . .. و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

مراد از <من ءامن و. ..> (هرکس ایمان بیاورد و...) کسانی انـد که از ظلم و کفر، دست برداشـته و ایمان آورنـد، نه آنان که هنگام ورود ذوالقرنین مؤمن بودنـد; زیرا، معنا نـدارد که او، بین عـذاب و یا رفتار نیك با مؤمنان مخیّر باشـد! بنابراین، درنگ ذوالقرنین در عذاب ظالمان (سوف نعذّبه) ایجاد فرصتی برای تغییر رویه آنان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۰ – ۴

۴ – نزول آیـات در بـاره فلسـفه مهلت دهی به کـافران ، موجب تسـلّی خـاطر و صبر پیـامبر (ص) در برابر فشـار های تبلیغاتی کافران

و لولا کلمه سبقت . .. فاصبر علی مایقولون

<فاصبر> عطف و تفریع بر آیه قبل است; یعنی، حال که تأخیر عذاب از سر اهمال نیست بلکه امری قانون مند است، بنابراین تحمل کن. دراین مجموعه، خداوند با بیان فلسفه امهال و سنت های حاکم بر تاریخ، زمینه تسلّی خاطر پیامبر(ص) و مؤمنان را فراهم کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۴ – ۴

۴ – خداوند ، به همه اقوام کافر و

تکذیب گر ، فرصت می داد تا شاید متنبه شوند و دست از مخالفت بردارند .

فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

<إملاء> (مصدر <أمليت>) از <مَلْو> و به معنای فرصت دادن است؛ یعنی، آن اقوام تکذیب گر و کافر را فرصت دادم تا به خود بیایند و دست از مخالفت بردارند. آن گاه چون آنان از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و تکذیب خود اصرار ورزیدند، آنان را از میان برداشتم و نابودشان ساختم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۶،۱۱

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو يؤاخذ اللّه الناس بما كسبوا ما ترک على ظهرها من دابّه و لكن يؤخّرهم إلى أج

۱۱ - مهلت دادن به کافران و گنه کاران و به تأخیر انداختن مجازات آنان ، کاری عالمانه و برخاسته از آگاهی دقیق خداوند به احوال و مصالح بندگان

و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمًّى فإذا جاء أجلهم فإنّ اللّه كان بعباده بصيرًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <فإنّ اللّه کان. ..> در مقام تعلیل برای جمله پیش (و لكن يؤخّرهم...) می باشد؛ یعنی، چون خداوند به احوال بندگانش آگاه است؛ از این رو مجازات آنان را تا زمان معین به تأخیر انداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۵

۵ - مهلت الهی به کافران و مشرکان ، برای اتمام حجت بر آنان

بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم حتّى جاءهم

الحقّ

فلسفه مهلت به کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۹ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول لطف و رحمت او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادآوری سرگذشت ثمودیان، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشداری به اکثریت مشرکان لجوج و مصمم بر کفر است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ; بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم ... فسوف یعلمون. و ما أهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف یعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یأکلوا . ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

قاطعیت با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۲،۴۷

۴۲- صلابت و استقلال امت اسلامی ، در پرتو نفوذناپذیری در برابر کافران و انعطاف پذیری در برابر

اهل ایمان و برخورداری از روح عبودیت *

أشدّاء . .. رحماء ... تریهم ركّعًا سجّدًا ... كزرع أخرج شطه

چنانچه <كزرع أخرج. ..> بیان دیگری از <أشدّاء على الكفّار رحماء بینهم تراهم ركّعاً سجّداً> باشد; یعنی، همان کفرستیزی، رحمت بر مؤمنان و روحیه بندگی است که زمینه صلابت و استقلال جامعه اسلامی را فراهم می کند.

۴۷- قاطعیت با کافران و رأفت با مؤمنان و رکوع و سجود در برابر خداوند ، نمود های آشکار عمل صالح

أشدّاء على الكفّار رحماء بینهم تریهم ركّعًا سجّدًا . .. وعد اللّه الذین ءامنوا و

قانونمندی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما كانوا یوعدون

<كانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲،۳،۵

۲ فرشتگان به هنگام فرارسیدن مرگ کافران ، با کوبیدن بر صورت و پشت آنان ، جانشان را خواهند گرفت .

و لو تری إذ یتوفی الذین كفروا الملئكه یضربون وجوههم و أدبرهم

۳ تسلی و دلجویی خداوند از پیامبر (ص) و مؤمنان با بیان چگونگی جان کندن کفرپیشگان

و لو تری إذ یتوفی الذین كفروا الملئكه

با توجه به اینکه خطاب در آیه متوجه پیامبر(ص) و یا هر انسان مؤمنی است، می توان گفت از اهداف بیان جان کندن

کفرپیشگان تسلی خاطر

اهل ایمان است. چنانچه <لو> در <لوتری ... > به معنای تمنی باشد، این معنا وضوح بیشتری خواهد داشت.

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ یتوفی الذین کفروا الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

از مصادیق مورد نظر برای <الـذین کفروا>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در پی آیات مربوط به جنگ بـدر، کافرانی هسـتند که در آن نبرد به قتل رسیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم

<ذلک> می توانـد اشاره به خصوص <عـذاب الحریق> باشـد و می توانـد اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شـد. قابـل ذکر است که در برداشت فوق <أن اللّه ... > نـاظر به این حقیقت گرفته شـده که عـذاب کافران بیش از اسـتحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

قبول اسلام کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۵ - ۶

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

قبول پناهندگی کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۲

۲ لزوم

پذیرش پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام ، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

قبول توبه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۵ – ۶

۶ پذیرش توبه مشرکان و کفار و قبول اسلام آنان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت اوست .

و یتوب اللّه علی من یشاء و اللّه علیم حکیم

قبول سلطه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۱۱

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. ان تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

قبول ولایت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۱۰

۱۰ پذیرش سرپرستی و دوستی کافران ، جبهه گیری در مقابل خداوند است .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۵ – ۲

۲ مؤمنان ، در صورت پذیرش ولایت کافران ، محکوم به نفاق خواهند بود .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل من النار

ظاهراً جمله <إنّ المنفقین . ..>، بیان علت برای جمله <لاتتخذوا ...> است. بنابراین مراد از <المنفقین>، همان کسانی خواهند بود که ولایت کافران را پذیرا شده اند.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۷

۱۷ ناکامی و زیانکاری ، فرجام شوم و پذیرش محبت و ولایت کافران

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۳۲

۳۲ بیماردلان سست ایمان و پذیرای ولایت و دوستی کافران ، محروم از فضل خاص خداوند

من یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی اللّه یقوم . .. ذلک فضل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۳،۱۳

۳ ضرورت پرهیز از پذیرش ولایت کافران و روابط دوستانه با آنان

لاتتخذوا . .. الکفار أولیاء

<هزواً> به معنای ریشخند زدن و مسخره کردن است.

۱۳ پذیرش ولایت و دوستی کافران و تمسخر کنندگان اسلام ، ناسازگار با ایمان و تقوا

و اتقوا اللّه ان کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۷،۸،۹،۱۰،۱۶،۱۷

۷ بنی اسرائیل همکیشان خود را از پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان نهی نمی کردند .

لایتناهون عن منکره فعلوه . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

آیه مورد بحث بیان مصداقی است از <منکر> که در آیه قبل مطرح شده بود.

۸ لزوم نظارت عمومی جامعه ایمانی بر صحنه روابط خارجی و بازداشتن مؤمنان از پذیرش ولایت کافران و پیوند های مودت آمیز با آنان

کانوا لایتناهون عن منکر . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا .

.. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضـمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشـرکان بیان مصداقی دیگر از عصـیان و تجاوزگری بنی اسـرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . .. کانوا لایتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

۱۷ غضب الهی و عذاب همیشگی ، دستاور پذیرش ولایت کافران و دوستی با آنان

یتولون الذین کفروا لبئس . .. ان سخط اللّه علیهم و فی العذاب هم خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۱

۱۱ پذیرش ولایت و دوستی با کافران نشانه فسق و خروج از حدود الهی است .

ما اتخذوهم أولیاء و لکن کثیراً منهم فسقون

قتل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۱،۶

۱ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که با همپیمانان مسلمین رابطه ای ویژه (همانند پیمان نظامی) دارند .

فان تولوا فخذوهم و اقتلوهم . .. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از

رابطه ویژه ای که از <یصلون الی . .. > استفاده می شود، رابطه ای است که اگر هر یک از آن دو طایفه مورد تعرض قرار گیرند، طایفه دیگر موظّف به حمایت از آنان شوند ; همانند پیمان نظامی.

۶ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الّا الّذین . .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أکفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

قتل کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱،۲،۱۷

۱ - مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الذین یقاتلوکم> بر می گردد و لذا از آنان به کافران محارب تعبیر شده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم> به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان

را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

قدرت بر تهدید کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند را مطرح کرده است.

قدرت بر هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۸

۸ - سوگند خداوند به سپیده دم ، شب های ده گانه ، جفت ، تاق و گذشت شب ، برای تأکید بر دارا بودن توان اجرای تهدیدات خویش و نابود ساختن کافران

و الفجر . .. ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

ممکن است مراد از سوگندها، تأکید بر قدرت خداوند بر نابود ساختن مخالفان پیامبر(ص) باشد; در این صورت جواب قسم محذوف خواهد بود. گفتنی است که جواب قسم در احتمال دیگر، آیه چهاردهم این سوره است که مراقبت شدید خداوند

را مطرح کرده است.

قدرت دنیوی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۷ – ۲

۲ بهره مندی کافران از قدرت و امکانات مادی ، محدود و کوتاه است .

متاع قلیل ثمّ ماویهم جهنّم

قدرت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۶ – ۳،۴،۵،۶

۳ قدرت و شکوه ظاهری کافران و برخورداری آنان از بهره های مادی ، امری فریبنده برای مسلمانان

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۴ رهبران الهی ، حتّی پیامبران ، در معرض خطر تأثیر منفی شکوه ظاهری و قدرت اقتصادی کافران

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۵ خطر تأثیر منفی قدرت اقتصادی و شکوه ظاهری کافران ، در روحیه مسلمانان صدر اسلام

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا

۶ شوکت ظاهری و تلاش و جولان کافران در سرزمین ها ، نباید موجب فریب و خام شدن مسلمانان گردد .

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۸ – ۵

۵ فریفته نشدن در برابر شوکت ظاهری و قدرت اقتصادی کافران ، از مصادیق تقواپیشگی است . *

لا يغرّنك تقلّب الّذين كفروا . .. لكن الّذين اتّقوا ربّهم

نهی از فریفته شدن و آنگاه بشارت بهشت به تقواپیشگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ اعتقاد به عزت و قدرت مطلقه الهی ، مانع گرایش به عزت و اقتدار موهوم کافران

أیبتغون

عندهم العزّه فإن العزّه للّه جميعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۸ – ۶

۶ امکانات مادی و داشتن نیرو های انسانی و هوادار ، هرگز موجب نجات کفرپیشگان از گرفتار شدن به عذاب دوزخ نخواهد شد .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۹

۹ توان نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، در برابر خدا پوچ و بی اثرند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۹ – ۴

۴ اعتماد و اتکای منافقان و کافران به قدرت ، ثروت و فرزندان بسیار خویش

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴ – ۶

۶ – هشدار خداوند به پیامبر (ص) و مسلمانان ، درباره تأثیرپذیری از قدرت و مکنت کافران و تجدید نظرکردن در برنامه های تبلیغی و الهی خویش

فلایغررک تقلّبهم فی البلد

پیامبر(ص) و مسلمانان، در حالی به تبلیغ دین اسلام می پرداختند که کافران در اوج قدرت اقتصادی و سیاسی قرار داشتند. بنابر این هشدار خداوند در آیه شریفه می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

قدرت کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۰

۱۰ غرور و اعتماد نابجای کافران عصر پیامبر(ص) به

اقتدار و تمکن خویش

ألم يروا كم أهلكنا . .. مكنهم فى الأرض ما لم نمكن لكم

از اینکه می فرماید اقوام قدرتمندتر از شما را هلاک کردیم، معلوم می شود که اینان به قدرت و مکنت خویش مغرور بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۲

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و كم أهلكنا قبلهم من قرن هم أحسن أثًثا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۴ - ۸

۸ - مخالفت مشرکان و کافران با پیامبر (ص) ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

أوَلم يسيروا فى الأرض فينظروا . .. و كانوا أشدّ منهم قوّه

یادآوری این نکته که اقوام نابود شده پیشین، نیرومندتر از قوم عرب بودند، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

قدرت کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۵

۵ کافران قوم مدین برخوردار از نیرویی افزون بر مؤمنان آن سامان

لنجرجنك يشعيب و الذين ءامنوا معك من قريتنا

تصمیم کافران قوم مدین به اخراج شعیب و همگامانش و ابراز آن با سوگند و تأکید بسیار، حکایت از برداشت فوق دارد.

قدرتمندی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۳

۳ - کافران دوزخی (اصحاب الشمال) ، از قشر قدرتمندان و توانگران

جامعه اند .

هلك عنّى سلطنيه

قرآن و كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۶

۶ بى تأثيرى آيات الهى در قلب توطئه گران عليه پيامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلى عليهم ءايتنا قالوا . .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شكست ناپذيرى قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گيرى هاى خصمانه كافران

إنّ الذين يلحدون . .. إنّ الذين كفروا ... و إنّه لكتب عزيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۲ - ۱

۱ - آموزه هاى قرآن ، بى تأثير در بيماردلان و كافران

و ليقول الذين فى قلوبهم مرض و الكفرون . .. و ما هى إلاّ ذكرى للبشر . كلاّ

<كلاّ> در اين آيه براى انكار است; انكار تذكار بودن قرآن براى بيماردلان و كافران حق ناپذير.

قساوت قلب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۳ - ۳

۳ - جبهه كفر و شرك در طول تاريخ ، متشكل از انسان هايى بيمار دل و قسى القلب

و ما أرسلنا من قبلك من رسول . .. للذين فى قلوبهم مرض و القاسيه قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۲ – ۱۰،۱۵

۱۰ – وجود اختلاف اساسى انسان مؤمن حق پذير و نرم دل با كافر حق ناپذير و سنگدل ، از نظر شخصيت و سرنوشت

أفمن شرح اللّه صدره للإسلم

فهو علی نور من ربّه فویل للقسیه قلوبهم

<من> در آیه شریفه، اسم موصول و مبتدا است و خبر آن به قرینه جمله بعدی (فویل للقاسیه قلوبهم. ..) جمله ای محذوف می باشد. تقدیر کلام چنین است: <أفمن شرح اللّه صدره للإسلام ... کمن قسا قلبه>. بنابراین می توان گفت: آیه شریفه درصدد مقایسه میان شخصیت دو انسان مؤمن و کافر و سرنوشت آنان در آینده است.

۱۵ - کافران اسلام گریز ، دچار سنگدلی و قساوت قلب اند .

فویل للقسیه قلوبهم من ذکر اللّه

قساوت قلب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - کافران صدراسلام ، مردمی سنگدل بودند که حتی بر زنان مؤمن نیز رحم نکردند .

فتنوا المؤمنین و المؤمنت

قضاوت بین کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۲،۶

۲ - قیامت ، روز داوری میان جبهه کفر و ایمان

یحکم بینهم

۶ - ورود اهل ایمان به بهشت پس از پایان داوری خدا میان آنان و کافران

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. فی جنّت النعیم

قضاوت بین محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۲ - ۱

۱- درخواست پیامبر (ص) از پروردگار در باره داوری به حق ، بین خود و مشرکان و کافران حق ناپذیر

قل ربّ احکم بالحقّ

قضاوت بین مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳۰

۳۰ داوری نهایی میان مؤمنان و

کافران ، شایسته خداوند آگاه بر تمامی هستی است .

وسع ربنا کل شیء علماً . .. ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۷

۷ نزول عذاب بر کفرپیشگان قوم شعیب ، پاسخ خداوند به درخواست او (داوری میان مؤمنان و کافران)

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۸

۸ مصالح جوامع بشری و تدبیر امور انسان ها ، مایه تقدیر خداوند بر داوری نکردن او میان حق گرایان و باطل اندیشان ، در عرصه حیات دنیاست .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

برداشت فوق ، از کلمه <رب> که به معنای مدبر و مربی است استفاده می شود; یعنی ، تقدیر یاد شده (لولا کلمه سبقت . ..) در راستای تدبیر امور انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . .. و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <کلاًّ> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . .. لقضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۸ - ۲

۲ - داوری میان مؤمنان و کافران به قرآن ، وعده حتمی خدا به پیامبر (ص)

و إنّه لهدًی و رحمه للمؤمنین . إنّ ربّک یقضی بینهم

در صورتی که آیه یاد شده مرتبط با آیه قبل که درباره قرآن است باشد عبارت <یقضی بینهم> به معنای <یقضی بین من آمن بالقرآن و بین من کفر به> خواهد بود. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

قطع رابطه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا . .. أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۷

۷ نگرانی برخی از مسلمانان صدر اسلام ، از قطع روابط خویشاوندی ، کسادی تجارت و از دست دادن خانه های دلپسندشان بر اثر ممنوع شدن از برقراری روابط با کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا . .. قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم

قطع نسل کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

واژه <دیّار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

قلب کافران

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۱۳

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۲ – ۵

۵ ایجاد رعب و وحشت در دل های کافران ، وعده خداوند به فرشتگان حاضر در کارزار بدر

سألقی فی قلوب الذین کفروا الرعب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۱ – ۶

۶ بی تأثیری آیات الهی در قلب توطئه گران علیه پیامبر (ص) و قرآن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

قیاس کافران با مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۲ – ۴،۵

۴ – زندگی و سرنوشت کافران و مسلمانان ، هرگز برابر و همسان نیست .

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی أمّن یمشی سویًّا علی صرط مستقیم

۵ – قابل مقایسه نبودن کافران و مسلمانان ، امری روشن ، بدیهی و به دور از ابهام

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی أمّن یمشی سویًّا علی صرط مستقیم

برداشت یاد شده، از استفهام تقریری در (أفمن . .. أمّن) استفاده می شود.

قیاس کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۴

۴ - برابر و هم سنگ نبودن کافران با مؤمنان

و ما یستوی الأعمی و البصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۳

۳ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان و کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت

و لا الظلمت و لا النور

قیاس متقین با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مقایسه فرجام نیک تقواپیشگان با سرنوشت شوم کافران ، شیوه بهینه هدایت خلق

اصلوها . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نعیم

از این که خداوند در هدایت خلق، به ترسیم هر دو فرجام پرداخته است؛ مطلب بالا برداشت می شود.

قیاس مؤمنان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۲

۲ - برابر و یکسان نبودن مؤمنان با کافران ، از نظر شخصیت و سرنوشت .

و لا الظلّ و لا الحرور

کافران اطراف جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷،۸،۹

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثیًّا

<جثیا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاک و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر

فرقه و گروه به صورت متراکم است.

۸- کافران و شیاطین ، در اطراف جهنم و در گروه هایی فشرده و متراکم ، احضار خواهند شد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

<جثیّ> ممکن است از <جثوه> به معنای سنگ و خاک متراکم و مجتمع باشد.

۹- گردآوردن خفّت بار کافران و شیاطین در اطراف جهنم ، مرحله ای پس از حشر است .

لنحشرنّهم . .. ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

کافران اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۳

۱۳ کفرورزی امت های هلاک شده پیشین ، با وجود ارائه دلایل روشن به آنان توسط رسولان الهی

أتتهم رسلهم بالبيّنت

کافران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۴

۴ گروهی از امت های گذشته پس از آگاهی به احکام و معارف ابراز شده دینی ، آنها را نپذیرفتند و بدان کافر شدند .

قد سألها قوم من قبلكم ثم اصبحوا بها كفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۳

۳ وجود منافقان و کافرانی نیرومندتر از منافقان و کافران عصر پیامبر (ص) در میان امت های پیشین

كانوا أشد منكم قوه و أكثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۵

۵ کفرپیشگان امت های گذشته به عذاب های دنیوی گرفتار شدند .

و قد خلت من قبلهم المثلت

<مثلات> (جمع مَثُله) به معنای عقوبتها و عذابهاست. عذابها و عقوبتها بدان اعتبار <مثلات> که از

ماده مِثل (مانند) است گفته می شود که آن را مثال قرار می دهند برای اینکه دیگران از آن عبرت گرفته و از عوامل آن بپرهیزند. از معانی <خلوّ> (مصدر خلت) گذشتن و سپری شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۲

۲ گروههایی از امت های گذشته به رسالت پیامبران خویش کافر شدند .

فأملیت للذین کفروا

کافران انعطاف ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۷

۷ برخی از کفار انعطاف ناپذیر و غیر قابل هدایتند.

فإن استطعت أن تبتغی . .. فتأتیهم بأیه

جواب <إن استطعت> محذوف است. یعنی اگر توانستی در زمین و آسمان هر معجزه ای برای آنان بیاوری، بیاور، ولی آنان ایمان نمی آورند.

کافران اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱۳

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگانِ اهل کتاب

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۶

۶ گروهی از اهل کتاب علی رغم ادعای ایمان ، نه به خداوند ایمان دارند و نه به کتب آسمانی خویش

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه و ما انزل الیکم و ما انزل الیهم

مفهوم جمله <انّ من اهل الکتاب . .. >، دلالت می کند که گروهی از اهل کتاب، علی رغم ادعای ایمان به

کتب آسمانی خویش، نه به خدا ایمان دارند و نه به تورات و انجیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۲

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و کان امر اللّه م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم . .. و منهم من صدّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۶،۷

۶ کفرپیشگی و ستمگری گروهی از اهل کتاب مایه محرومیت آنان از مغفرت و هدایت الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

مصداق مورد نظر از <الذین کفروا و ظلموا> به دلیل آیات گذشته گروهی از اهل کتاب هستند.

۷ گروهی از اهل کتاب ، مردمی کفرپیشه و ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

کافران بادیه نشین

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۹ – ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من الأعراب من یؤمن باللّه و الیوم الأخر

کافران بدعتگذار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۵

۵ کفرپیشگان بدعت گذار ، گرفتار تقلید های کورکورانه از سنت های جاهلی نیاکان خویش اند

قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

کافران بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۵ – ۸

۸ آلودگی کافران بنی اسرائیل و منکران عیسی و جامعه آنان

و مطهّرک من الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۸ – ۱،۲،۱۱،۱۴

۱ کافران بنی اسرائیل با نفرین داود (ع) و عیسی (ع) به لعنت و دوری از رحمت خداوند گرفتار شدند .

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل علی لسان داود و عیسی

فاعل محذوف از <لعن> داود(ع) و عیسی(ع) می باشد. بنابراین جمله <لعن ... علی لسان داود و عیسی> به این معناست که کافران بنی اسرائیل مورد لعنت داود(ع) و عیسی(ع) قرار گرفتند گفتنی است، آنگاه که لعنت بر زبان انسان جاری شود به معنای درخواست انقطاع از رحمت الهی از لعنت شونده است.

۲ داود و عیسی (ع) ، پیام آوران لعن و نفرین الهی بر کافران بنی اسرائیل *

لعن الذین

كفروا من بنى اسرءيل على لسان داود و عيسى ابن مريم

بدان احتمال كه فاعل محذوف <لعن>، اللّه باشد. گفتنى است كه لعنت خداوند نسبت به كافران بنى اسرائيل بر لسان داود(ع) و عيسى(ع) به معناى ابلاغ لعنت خداوند به واسطه آن پيامبران است.

۱۱ گرفتارى كافران بنى اسرائيل به لعنت داود و عيسى (ع) ، برخاسته از عصيان پيشگى و تجاوزگرى آنان

لعن الذين كفروا . .. ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون

در برداشت فوق <ذلك> اشاره به <لعنت> گرفته شده است.

۱۴ مورد لعن قرار گرفتن گروهى از بنى اسرائيل از سوى حضرت عيسى (ع) ، به دليل كفر آنان پس از نزول مائده آسمانى

لعن الذين كفروا من بنى اسرءيل . .. عيسى ابن مريم

از امام باقر(ع) در توضيح آيه فوق روايت شده: . .. و اما عيسى فلعن الذين انزلت عليهم المائده ثم كفروا بعد ذلك.

تفسير تبيان، ج ۳، ص ۶۰۹; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۱، ح ۳۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۹،۴۰

۳۹ كافران بنى اسرائيل معجزات حضرت مسيح (ع) را سحر و جادويى روشن قلمداد كردند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

۴۰ كافران بنى اسرائيل پس از مشاهده معجزات عيسى (ع) ، وى را ساحرى زبردست معرفى كردند .

فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين

در برداشت فوق <هذا> اشاره به مسيح(ع) گرفته شده است، بر اين مبنا اطلاق سحر به آن حضرت از باب مبالغه و حاكى از اين است كه كافران وى را ساحرى زبردست

می پنداشتند به گونه ای که گویا خود آن حضرت، سحر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۶ – ۱۶

۱۶ گروهی از مردم عصر موسی آیات خدا را دروغ پنداشتند و به آنها بی اعتنا بودند .

ذلك بأنهم كذبوا بايتنا و كانوا عنها غفلين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – بنی اسرائیل ، در پذیرش رسالت عیسی (ع) و پیروی از آن حضرت ، دو دسته شدند : دسته ای مؤمن و گروهی کافر .

فامنت طائفه من بنی إسرءیل و کفرت طائفه

کافران به آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۴

۴– اقوام هدایت ناپذیر پیشین ، علی رغم دریافت آیات الهی به آنان ، ایمان نیاوردند .

لايؤمنون به و قد خلت سنه الأولين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۴ – ۴

۴– عذاب دردناك ، فرجام و کیفر کافرانی است که از سر لجاج و عناد به آیات الهی ایمان نمی آورند .

إن الذين لايؤمنون بأيت الله . .. لهم عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۵ – ۲

۲- تنها کسانی که به آیات الهی ایمان ندارند ، به قرآن کریم دروغ و افترا می بندند .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

کافران به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹

- ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳- اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا ، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبيّنت فردّوا أيديهم فى أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أُرسلتم به

مرجع ضمیر در <أیدیهم فی أفواههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

۱۴- اقوام کافر در برخورد با دلایل روشن انبیا ، بشدت ناراحت و غضبناک می شدند و به صراحت موضع کفرآلود خود را اعلام می کردند .

جاءتهم رسلهم بالبيّنت فردّوا أيديهم فى أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أُرسلتم به

مراد از <ردّوا أیدیهم فی أفواههم> کنایه از غضب و خشم آنهاست که در آیات دیگر نیز آمده است (غضوا علیکم الأنامل من الغیظ).

۱۶- اقوام کافر ، نه تنها در جواب دعوت انبیا سکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادند بلکه به صراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبيّنت فردّوا أيديهم فى أفوههم و قالوا إنا كفرنا بما أُرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابوعبیده و اخفش، عبارت <فردّوا أیدیهم فی أفواههم> ضرب المثل برای کسی است که جواب مثبت به درخواست نمی دهد و سکوت اختیار می کند.

کافران به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۶

۶ امتی که پیامبر (ص) به سوی آنان مبعوث شد ، به خداوند رحمان کفر ورزیدند .

و هم

یکفرون بالرحمن

کافران به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۹

۹ - در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیه و عوضی گرفته نمی شود و . ..، مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند ، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأیّ> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۰ - ۵،۱۰

۵ مردم روزی زمین همواره نسبت به قرآن دو دسته هستند : مؤمن و کافر .

و منهم من یؤمن به و منهم من لا یؤمن به

۱۰ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله < و منهم من لا یؤمن به > فهم اعداء محمد (ص) و آل محمد (ع) من بعده ;

از امام باقر (ع) روایت شده [از جمله]کسانی که به قرآن ایمان نمی آورند> دشمنان محمد و آل محمد هستند

که پس از او می آیند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اندو به آن تهدید شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳،۲۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت ، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، براین اساس است که <ال> در <الناس> عهد حضوری و اشاره به مردمی باشد که در زمان نزول آیات سوره هود ، زندگی می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین

است که جمله <لايؤمنون به> جمله تفسيريه براى <المجرمين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - كافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پيشگويى هاى قرآن

سيصلى نارًا . .. و امرأته حمّاله الحطب

كافران به قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ كافران به قرآن و پيامبر (ص) و قيامت ، مستحق عذاب دنيوى اندو به آن تهديد شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما يحبسه> (چه چيز مانع نزول آن عـذاب است؟) مى رساند كه مراد از <العذاب> عذاب دنيوى است و نيز حكايت از اين دارد كه كفرپيشگان ، به آن عذاب تهديد شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گيرى ناباورانه مشركان صدراسلام ، درباره وعده قيامت

إنّما توعدون لصادق

كافران به لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۴

۴ همسر لوط ، از زمره كافران به وى بود .

فانجینه و أهله إلا امرأته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ایمان نیاورد و به گناهی هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلاّ امرأتک إنه مصيبها ما أصابهم

همانندی کیفر همسر لوط با کیفر قوم لوط که جمله <إنه مصيبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاکی است که گناه

وی نیز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گویا وی به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

کافران به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۱

۱ کافران به قرآن و پیامبر (ص) و قیامت ، مستحق عذاب دنیوی اندو به آن تهدید شده اند .

و لئن أخّرنا عنهم العذاب

جمله <ما یحبسه> (چه چیز مانع نزول آن عذاب است؟) می رساند که مراد از <العذاب> عذاب دنیوی است و نیز حکایت از این دارد که کفرپیشگان ، به آن عذاب تهدید شده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < و من الناس من یعبد اللّه علی حرف فإن أصابه خیر إطمأنّ به و إن أصابته فتنه إنقلب علی وجهه خسر الدنیا و الآخره > قال زراره : سألت عنها أبا جعفر (ع) فقال : هولاء قوم عبدوا اللّه و خلعوا عباده من یعبد من دون اللّه و شکّوا فی محمد (ص) و ما جاء به فتکلّموا بالإسلام و شهدوا أن لا إله إلاّ اللّه و أنّ محمد رسول اللّه و أقرّوا بالقرآن و هم فی ذلک شاکّون فی محمد (ص) و ماجاء به ولیسوا شکّاکاً فی اللّه قال اللّه عزّوجلّ : < و من الناس من یعبد اللّه علی حرف > یعنی علی شکّ فی

محمـد (ص) و مـا جـاء به < فإن أصابه خير > يعنى عافيه فى نفسه و ماله و ولـده < إطمأنّ به > و رضـى به < و إن أصابه فتنه > يعنى بلاء فى جسده أو ماله تطير و كره المقام على الإقرار بالنبى (ص) فرجع إلى الوقوف و الشكّ فنصب العداوه للّه و لرسوله و الجحود بالنبى و ما جاء به ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در پاسخ سؤال زراره از سخن خداوند: <و من الناس من یعبد اللّه علی حرف. ..> فرمود: آنان قومی خـداپرست بودند که غیر از خدا، معبودی را پرسـتش نکردند; ولی در باره حضـرت محمد(ص) و آنچه او آورده، شک کردنـد. پس با زبان، اقرار به اسـلام کردنـد و شـهادت به وحـدانیت خـدا و رسالت پیامبر(ص) دادنـد و به قرآن اعتراف کرنـد; ولی در عین حال آنان درباره محمـد(ص) و آنچه او آورده بود، در حال شک بودند; با آن که در باره خداوند شـکی نداشـتند. خداونـد عزّوجـلّ فرمود: <و من الناس من یعبـد اللّه علی حرف>; یعنی، در باره محمـد(ص) و آنچه او آورده بود، شک داشـتند: <فإن أصابه خیر>; یعنی، عافیت در جان و مال و فرزند و <إطمأنّ به>[یعنی] به آن راضی می شدند. <و إن أصـابته فتنـه>; یعنی، بلاـیی در جـان یـا مـال آنـان[می رسـید، آن بلاـ را]بـه فـال بـد می گرفتنـد و اقرار بـه نبـوت حضـرت محمـد(ص) را ناخوشاینـد می داشـتند. پس حـالت توقف و شک پیـدا کردنـد و راه دشـمنی با خـدا و رسول او و انکار نبوت حضرت پیامبر(ص) و آنچه را بر

او نازل شده بود، در پیش گرفتند>.

کافران بی طرف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۶

۶ ممنوعیّت تعقیب و کشـتن منافقان و کافرانی که از نبرد با مسلمانان و اقوام کافر خویش بیزارند و بیطرفی خویش را ابراز می دارند .

الّا الّذین . .. او جاءوکم حصرت صدورهم ان یقتلوکم او یقاتلوا قومهم

<حصر صدور>، به معنای دلتنگی است که از آن به بیزاری تعبیر شده است.

کافران پس از مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... ما کنّا نعمل من سوء

کافران پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۴

۴ جواز دوستی و یاری خواستن از منافقان و کافران پناهنده ، به همپیمانان مسلمانان *

و لا تتخذوا منهم ولیّاً و لا نصیرا. الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثا

در برداشت فوق احتمال داده شـده که <الّا الّذین یصـلون . .. > اسـتثنا از حکمی است که در جمله <و لا تتخذوا منهم ولیّاً و لا نصیرا> بیان شده است.

کافران پیرو با رهبران مستکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۱ – ۶

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

کافران پیرو در جهنم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

کافران پیرو در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۶،۷،۸،۱۲

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

۷- کـافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بـدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

۸- کافرانِ پیرو از رهبران مسـتکبر خویش ، در قیامت درخواست می کننـد که در صورت امکان ، انـدکی از عذاب خدا را از آنان بکاهند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

تنوین <شیء> تنوین تنکیر و برای کم بودن است.

۱۲- عذاب کافرانِ پیرو در قیامت به قدری شدید است که آنان را به دریوزگی می کشاند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱،۲

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفؤا للذين استكبروا . .. قالوا ... و قال الشيطن لمّا قضى الأمر

ذكر قصه شيطان و سخنان وى در قيامت با جهنّميان، پس از گفت

و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

۲- رهبران مستکبر و پیروانشان ، سرانجام در قیامت شیطان را مسبب اصلی گمراهی خویش قلمداد می کنند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. قالوا ... و قال الشیطن لمّا قضی الأمر إنّ الل

ذکر سخنان شیطان در قیامت خطاب به گمراهان، پس از ذکر جریان مستکبران و پیروانشان، احتمال دارد از این جهت باشد که آنان گمراهی خویش را به شیطان نسبت می دهند و او درصدد پاسخ گویی برمی آید.

کافران پیرو و رهبران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۶

۶- درگیری لفظی عوام کفار با رهبران مستکبر خود در قیامت

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۴،۵

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۵ خداوند ، کافران حق ستیز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خویش فرامی خواند .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

کافران ثروتمند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

کافران ثروتمند صدراسلام

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۱ – ۱

۱ – برخی از زنان و مردان کافر عصر بعثت (در مکه) از امکانات و ثروت چشمگیری برخوردار بودند .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین مورد بحث قرار گرفته بودند و از آنجایی که سوره <طه> در مکه نازل شده است، مراد کفار مکه است. <ازواج> یا به معنای مردان و زنانی است که تشکیل خانواده داده اند و یا به معنای <اصناف> است. <من> در <منهم> برای تبعیض است.

کافران جاهل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

کافران جاهلیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۳ – ۲،۴،۶،۷

۲ کافران عصر جاهلی جعل احکامی را درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی به خداوند نسبت می دادند .

ما جعل اللّه . .. و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

۴ احکام ویژه بحیره (ماده شتری که پنجمین حمل مادر خویش باشد) از بدعت ها و افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. و لکن الذین کفروا یفترون

لسان العرب معنای مذکور برای بحیره را از برخی لغویین نقل کرده است. در جاهلیت گوش چنین شتری را می شکافتند

تا علامت آن باشد که نبایستی بر آن سوار شوند و از آب و چراگاهها او را منع کنند و نیز هرگز نباید به کشتن آن اقدام کنند.

۶ احکام ویژه وصیله (گوسفند ماده ای که همزاد با بره نر باشد) بدعت و از افترا های کافران عصر جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه من . .. و لاوصیله و لکن الذین کفروا یفترون

در دوره جاهلیت اگر گوسفندی دو قلو می زائید که یکی از آن دو نر بود، ذبح آن را تحریم می کردند و همزاد آن را <وصیله> می نامیدند یعنی ماده گوسفندی که سرنوشت همزادش را به سرنوشت خود گره زد و سبب شد که بر آستان بتها ذبح نشود. امام صادق(ع) در توضیح معنای <وصیله> در آیه فوق فرمود: <ان اهل الجاهلیه کانوا اذا ولدت الناقه ولدین فی بطن قالوا: وصلت، فلایستحلون ذبحها و لااکلها ... .

معانی الاخبار، ص ۱۴۸، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۳، ح ۴۱۰.

۷ احکام ویژه حامی (شتر نری که از صلبش ده شتر به وجود آید) از بدعت ها و افترا های مردم جاهلی بر خداوند

ما جعل اللّه . .. و لاحام و لکن الذین کفروا یفترون

اعراب جاهلی از سوار شدن بر شتر مذکور امتناع میورزیدند و آن را از هیچ آب و چراگاهی منع نمی کردند.

کافران حربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ عذاب خداوند سرنوشت کافران محارب ، در صورت عدم بازگشت و توبه

لیقطع طرفاً . .. فینقلبوا خائبین ... او یعذّبهم

۱۲ سرنوشت کافران

محارب بدر ، تنها به دست خداوند بود ، و نه حتّی رسول او

و لقد نصركم اللّه ببدر . .. ليقطع طرفاً ... ليس لك من الامر شىء او يتوب عليهم او

كافران حق ستيز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۷

۷ كافران حق ستيز ، زيانكاران واقعى هستند .

أولئك هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱،۲،۵،۸

۱ خداوند ، كافران ستيزه گر عصر بعثت را به ترك مبارزه عليه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم

انتهاء به معناى پذيرش نهى است ; يعنى انجام ندادن كارى بر اثر نهى شدن از آن. بنابراين با توجه به اينكه متعلق <ينتهوا> شرارتهاى كافران عليه مسلمانان است، جمله <ان ينتهوا> دلالت مى كند كه خداوند كافران را از تعرض به مسلمانان نهى كرده است.

۲ به كافران ستيزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترك مخاصمه عليه اسلام ، از خطا هاى گذشته آنها چشمپوشى خواهد شد .

قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <إن ينتهوا> دو نظر ابراز شده است: يكى كفر و ديگرى اعمالى كه در آيه ۳۶ مطرح شد ; يعنى سرمايه گذاريها و شرارتهاى عليه اسلام. جمله <إن يعودوا> نظر دوم را تقويت مى كند. گفتنى است بر اين مبنا مراد از <يغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهاى گذشته كافران است.

۵ خداوند ، كافران حق ستيز را به عبرت گرفتن از سرنوشت شوم همسانان گذشته خويش فرامى خواند

.

و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولين

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذين كفروا . .. و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

كيف و إن يظهروا عليكم لايرقبوا فيكم إلّاً و لاذمه

کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا . .. ما كانوا ليؤمنوا ... و كذلك جعلنا لكل نبى عدوا شيطين الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۴ - ۷

۷ جهاد و مبارزه با کافران حق ناپذیر ، مایه حیات واقعی جامعه ایمانی

يأيها الذين ءامنوا استجيبوا للّه و للرسول

از مصادیق مورد نظر برای <ما یحییکم>، به دلیل وقوع آیه مورد بحث در سیاق آیات جنگ و مبارزه، فراخوانی اهل ایمان به نبرد با دشمنان دین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۲ – ۳

۳ – کافرانِ رویگردان از حق ، با لجاجت و تعصّب خویش در برابر حق ، ظرفیت و صلاحیت حق پذیری را از دست می دهند .

یکفرون . .. فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا

مدبرین

کافران خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۲

۱۲ - وجود فرد یا افراد کافر ، در میان خاندان نوح (ع)

فاسلک فیها . .. إلاّ من سبق علیه القول منهم

کافران در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۷

۷- کافران در جهان آخرت ، تهی دست از پاکیزگی ها و ارزش ها

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

واژه <طیّبات> شامل ارزش های پاک و انسانی است که کافران با لذّت جویی، آنها را فانی کرده و از کف داده اند.

کافران در احاطه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۵

۵ - کافران از هر سو در حیطه قدرت و سلطنت خداوند هستند .

واللّه محیط بالكفرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۹

۹ – کافرانِ حق ناپذیر ، از حیطه قدرت خدا گریزی ندارند .

و من كفر فلايحزنك كفره إلينا مرجعهم

کافران در برزخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۰ – ۷،۸

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر ، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند .

و ذوقوا عذاب

الحریق

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عـذاب حریق (ذوقوا عـذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جـان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عـذاب گرفتار خواهنـد شـد و این همان عـذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <یقولون لهم> سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

کافران در تاریخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۱۳

۱۳– تاریخ گذشتگان ، شاهد مردمانی روگردان از ایمان و سرتافته از استغفار بوده است .

إلّا أن تأتیهم سنّه الأوّلین

<سـنه الأولین> که عذاب را سـنتی الهی برای گذشـتگان قلمداد کرده است اشاره به ظهور افراد فراوانی در امت های پیشـین دارد که مانند کافران و مشرکان عصر بعثت عمل کردند و مجازات شدند.

کافران در جامعه اسلامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۷

۷ – خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

کافران در جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۷ – ۴

۴ شرکت بی ایمان ها و سست باوران در جنگ و جهاد ، جز فساد و فتنه انگیزی و تأثیر منفی بر دیگران ، نتیجه ای ندارد .

لو خرجوا

فیکم ما زادوکم إلا خبالا و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

جمله <یبغونکم الفتنه> حال برای ضمیر فاعل <أوضعوا> است; یعنی، اگر منافقان برای جنگ بیرون می آمدند، مطمئناً در حق شما فتنه جویی می کردند.

کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للکفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلنک بالحق . .. و لاتسئل عن أصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۷ - ۴

۴ جهنّم ، جایگاه کافران قدرتمند و بهره مند از مواهب مادّی

ثمّ ماویهم جهنّم

<مأوی> به معنای منزل است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱۳

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از

عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تـذکر به شـکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبادا توهّم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۱۴،۱۵

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

۱۵ جهنم ، جایگاه و مجمع تمامی منافقان و کافران

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱،۷

۱ خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هـدایت در جمله <و لالیهـدیهم . ..> روز قیامت گرفته شـده است ; یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۷ - ۴،۵

۴ نافرجامی تلاش کافران برای رهانیدن خویش از آتش دوزخ

و ما هم بخرجين منها

۵ احاطه آتش دوزخ بر تار و پود کافران ، دلیل بی ثمر ماندن تلاش آنان برای رهایی از آن

یریدون ان یخرجوا من النار و ما هم بخرجین

منها

جمله <و ما هم بخرجين منها> به این معناست که کافران با آتش عجین شده اند و هیچگاه از آتش خارج نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۱

۱ دوزخ جایگاه کفرپیشگان و تکذیب کنندگان آیات خداوند

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ وضعیت هول انگیز و ذلتبار کافران به هنگام روبرو شدن با آتش جهنم و مشاهده آن

و لو تری إذ وفقوا علی النار

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

۳ وضعیت دهشتزا و غیر قابل توصیف کافران به هنگام ورود به دوزخ و چشیدن آتش

و لو تری إذ وفقوا علی النار

<وقفوا علی النار> می تواند به معنای ورود به آتش و چشیدن عذاب آن باشد. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ عن النبی(ص) إنه تلا هذه الآیه ثم قال: هی طبقات من فوقه و طبقات من تحته لایدری ما فوقه اکثر او ما تحته، غیر أنه ترفعه الطبقات السفلی و تضعه الطبقات العلیا و یضیق فیما بینهما . .. .

از رسول خدا(ص) روایت شده است که پس از تلاوت آیه <لهم من جهنم . ..> فرمود: جهنم کافران، دارای طبقاتی از بالا و

طبقاتی از پایین است که

معلوم نیست آیا طبقات بالا- بیشتر است یا طبقات زیرین، ولی طبقات پایین، کافر را بالا می برد و طبقات بالا او را پایین می آورد و او بین طبقات بالا و پایین در فشار قرار دارد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹،۱۲

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز اللّه> متعلق به <یحشرون> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۹،۱۰

۹ احاطه همه جانبه آتش دوزخ بر کافران

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

۱۰ کافران در همین دنیا ، به گونه ای در احاطه آتش دوزخند .

و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <احاطه> در <محیطه>، احاطه فعلی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱

۱ خلود در آتش دوزخ ، وعده خداوند به زنان و مردان منافق و عموم كفرپيشگان

وعد اللّه المنفقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ -

توبه - ۹ - ۷۳ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه کافران و منافقان و فرجامی سخت و دردناک برای آنان

و مأویهم جهنم و بئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دلبسته به جلوه های آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها . .. أُولئک الذین لیس لهم فی الأخره إلّا ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۶

و پیامبرانش کافر شوند و نیز جنیان کفرپیشه ، به آتش دوزخ درخواهند افتاد .

لأملأنّ جهنم من الجنه والناس أجمعین

چون بحث در آیات گذشته درباره فساد و صلاح امتها بود و مصداق بارز و مورد نظر برای صلاح و فساد به قرینه آیات پیشین و نیز آیه ۱۲۱ توحید، شرک، ایمان و کفر است، مقصود از <الجنه> و <الناس> کافران و مشرکان جنی و انسی است. بر این اساس کلمه <أجمعین> تأکید بر عمومی است که از کلمه <الجنه> و <الناس> فهمیده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۷ – ۵،۷

۵- کافران جبّار گرفتار در جهنّم ، با وجود ابتلا به انواع عذاب های مرگبار ، هیچ گاه نمی میرند و از عذاب رهایی نمی یابند .

یأتیه الموت من کلّ مکان و ما هو بمیت

۷- برای کافران جبّار ، در جهنّم ، فراتر از نوشیدن اجباری آب چرکین و عذاب های مختلف مرگبار ، عذابی خشن و غیرقابل تصور نیز وجود دارد .

و من ورائه عذاب غلیظ

مرجع ضمیر <ورائه> احتمال دارد <عذاب> باشد که از عبارت قبلی به دست می آید. در این صورت، با توجه به مفهوم بودن و سخت بودن عذابهای یاد شده، <عذاب غلیظ> باید عذابی بسیار سخت و غیر قابل تصور باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۶

۶- کافران ، همواره در جهنّم خواهند ماند .

فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۰

۱۰- جهنّم

، زندانی برای کافران است و هیچ راه گریزی از آن وجود ندارد .

و جعلنا جهنّم للكفرين حصيرًا

<الحصر> در اصل به معنای تنگ گرفتن و حبس کردن آمده و در این آیه کنایه از زندانی کردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۸،۱۷،۱۵،۱۴،۱۲

۱۲- کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّكم . .. و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

۱۴- آتش قیامت ، همانند سراپرده ای فراگیر ، راه گریز را بر کافران خواهد بست .

نارًا أحاط بهم سرادقها

<سرادق> معرب <سراطاق> و به معنای خیمه و پرده سرا است.

۱۵- کافران در خیمه آتشین دوزخ ، با استغاثه و اظهار تشنگی ، از مأموران عذاب ، یاری می طلبند .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء

<غوث> یعنی: <یاری کردن> و <غیث> یعنی: <باران>. مراد از <استغاثه> می تواند طلب یاری و یا طلب باران (آب) باشد. پاسخی که به استغاثه دوزخیان داده می شود، گویای آن است که یاری خواستن دوزخیان، همان آب خواهی آنان است.

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

۱۸- آب های دوزخی ، چهره کافران را سوزانده و بریان می سازد .

يغاثوا بماء كالمهل يشوى

الوجوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۳

۳- دوزخ ، فرجام کافرانی است که طاقت شنیدن آیات الهی را ندارند .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین . .. و کانوا لایستطیعون سمعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۸،۹

۸- دوزخ ، منزل گاهی مهیّا شده ، برای کافران است .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

<أعتدنا> از ماده <عتد> با <أعددنا> از ماده <عدد> به یک معنا است و در این که <آیا یکی اصل دیگری است یا هر کدام لغت مستقلی است؟>، اختلاف است. کلمه <نزل> در معانی <منزل>، <وسائل پذیرایی> و <مأوی دادن> استعمال شده است. در برداشت یاد شده معنای نخست لحاظ شده است.

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۱۰

۱۰ – جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی

فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۳

۳- کافران دوزخی ، از دفع و برگردانیدن عذاب الهی ، کاملاً ناتوان اند .

فلایستطیعون ردّها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱- کافران و معبود های دروغینشان ، آتش گیره جهنم اند .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

<حصب>; یعنی، هر آنچه در آتش افکنند و معنای غالبی آن هیزم است (لسان العرب).

۳- آتش جهنم ، فراگیر تمامی وجود کافران دوزخی بوده و بدنشان یک جا به آتش تبدیل خواهد شد .

إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

برداشت یاد شده از هیزم شدن کافران برای دوزخ استفاده می شود; زیرا هر وقت آتش به هیزمی برسد، تمامی هیزم به آتش تبدیل می شود. بنابراین بدن کافران هم یک جا به آتش تبدیل شده و تمامی وجودشان خواهد سوخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۲ – ۱۱،۱۰

۱۰ – آتش دوزخ ، وعده الهی به کافران و سرانجام

شوم آنان

النار وعدها اللّه الذین کفروا

۱۱ – دوزخ ، باز گشتگاه و سرانجام کافران

و بئس المصیر

<مصیر> به معنای عاقبت کار و نیز به معنای مرجع و محل باز گشت می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۵ – ۵

۵ – عذاب ابدی دوزخ دامنگیر کافران ، پس از اتمام حجت های الهی بر آنان

ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

آیه یاد شده، بیانگر این حقیقت است که خداوند، کافران را بی دلیل محکوم به عذاب ابدی دوزخ نکرده; بلکه ابتدا با بیان آیات خود، حجت را بر آنان تمام نموده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۶ – ۶

۶ – خودشناسی و خداشناسی کافران در تنگنای عذاب جهنم

فی جهنّم خلدون . .. قالوا ربّنا غلبت علینا شقوتنا... ضالّین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۸ – ۲

۲ – حقارت و ذلت شدید کافران در دوزخ

قال اخسئوا فیها

<إخسأ> کلمه ای است که برای دور کردن سگ به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۵

۵ - جایگاه کافران ، آتش است .

الذین کفروا . .. مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۱

۱ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت به روافتان به سوی جهنم برده شده و به آن افکنده خواهند شد .

الذین کفروا . .. الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۶

۶ - عذابِ کافران منکر آیات خدا ، در جهنم قطعی است .

یستعجلونک بالعذاب و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

جمله اسمیه "إنّ جهنّم" و تأکید "إنّ" بر حتمیت عذاب، دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۸

۸ - کافران ، جایگاه خاصی در جهنم دارند .

ألیس فی جهنّم مثوًی للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۶ - ۲

۲ - ورود و ماندگاری کافران و تکذیب گران آیات خدا و لقاء اللّه ، به عذاب ، به صورت جبری است .

و أمّا الذین کفروا . .. فی العذاب محضرون

به صورت مفعولی آورده شدن احضار افراد یاد شده به جهنم و یا حاضر بودن شان در آن، می تواند اشاره به نکته فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۵ - ۱،۲

۱ - کفرپیشگان ، همواره در آتش جهنم باقی خواهند ماند .

الکفرین و أعدّ لهم سعیرًا . خلدین فیها

۲ - کافران ، در آتش جهنم ، هیچ یار و یاوری نخواهند داشت .

الکفرین . .. خلدین فیها أبدًا لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۶ – ۱،۲،۴،۶،۸،۱۱

۱ – در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . ..

یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای < تحوّل و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و . .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

۴ - لازم است که روزی را که در آن ، کافران با آتش جهنم ، به سختی عذاب و سوزانده می شوند ، به خاطر داشت .

یوم تقلّب وجوههم فی النار

برداشت بنابراین احتمال است که نصب <یوم> به جهت مفعولٌ به بودن اش باشد. که باید فعل <اُذکر> در تقدیر باشد.

۶ - کافران ، در جهنم بر نیندوختن توشه ای برای آخرت خود ، حسرت می خورند .

الکفرین . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه و أطعنا الرسو

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

۱۱ - کافران ، در حال سوختن در آتش جهنم ، بر عملکرد گذشته خود در دنیا ، حسرت می خورند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۳،۴،۵

۳ - کافران دوزخی ، برای همیشه زنده مانده و نمی میرند .

لهم

نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا

۴ - از عذاب کافران دوزخی ، هرگز کاسته نشده و به آنان تخفیف داده نمی شود .

لهم نار جهنّم . .. لایخفف عنهم من عذابها

۵ - محرومیت کافران از هرگونه راحتی و آسودگی در دوزخ

لهم نار جهنّم لایقضی علیهم فیموتوا و لایخفف عنهم من عذابها

از این که کافران دوزخی، هرگز نمی میرند تا درد و رنج عذاب را درک نکنند و نیز از عذاب آنان کاسته نمی شود، می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۸،۹

۸ - سرزنش شدید کافران از سوی خداوند در دوزخ ، به خاطر استفاده نکردن از فرصت مناسب عمر برای ایمان و دین داری

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

۹ - استغاثه و فریادخواهی کافران ، در دوزخ بی نتیجه است .

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا . .. أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۱،۳

۱ - مشرکان و کافران در دوزخ ، از هر سو در محاصره آتش قرار خواهند داشت .

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از سایبان هایی از آتش بر فراز کافران و زیر آنان، آتش فراگیر است که از هر سو

آنها را محاصره کرده است; چنان که در سوره دیگری از این حقیقت به صراحت یاد شده است: <یوم یخشاهم العذاب من فوقهم و من تحت أرجلهم. ..>، (سوره عنکبوت (۲۹) آیه ۵۵).

۳ - شدت و فراوانی آتش جهنم ، در اطراف مشرکان و کافران

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

مقصود از آیه شریفه هر چه باشد، این نکته را نیز می رساند که آتش دوزخ بسیار شدید و زیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۲ - ۹

۹ - جهنم ، جایگاه همیشگی کافران

أليس فى جهنّم مثوًى للكفرين

<مثوًى> اسم مکان از ماده <ثواء> به معنای اقامت توأم با استمرار است; یعنی، جایگاه همیشگی و دائمی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران پس از حسابرسی اعمالشان ، دسته دسته و گروه گروه به دوزخ رانده خواهند شد .

و وضع الكتب . .. و وفّيت كلّ نفس ما عملت ... و سيق الذين كفروا إلى جهنّم زمرًا

<زمره> (مفرد <زمر>) به معنای گروه و دسته است که به دنبال گروه و دسته ای دیگر باشند. بنابراین پیام آیه شریفه این می شود که کافران به چند دسته تقسیم شده; آن گاه دسته دسته به دنبال هم وارد دوزخ خواهند شد.

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سيق الذين كفروا إلى جهنّم زمرًا حتّى إذا جاءوها فتحت أبوبها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از

درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

۳ – وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصدر <سیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۴

۴ – کافران ، در دوزخ جاودانه خواهند بود .

خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۲ – ۱،۲،۳

۱ – کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

۲ – کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در انبوهی از آتش دوزخ سوزانده خواهند شد .

ثمّ فی النار یسجرون

<سجر> در اصل به معنای پر کردن تنور از آتش گیره برای بر افروختن و تقویت آتش آن است. اسناد فعل <یُسجرون> به اشخاص، اسناد مجازی است. مقصود از آن فراگرفتن آتش زیاد بر تمامی وجود دوزخیان می باشد.

۳ – عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۶ -

۱ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، از درب های گوناگون وارد جهنم خواهند شد .

ادخلوا أبوب جهنّم

۴ - کافران حق ناپذیر و لجوج ، برای همیشه در جهنم خواهند ماند .

ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۶

۶ - آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱

۱- قرار گرفتن کافران ، در معرض آتش دوزخ در قیامت

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۲،۳

۲- روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳- آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۸

۸– آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذّت طلب و شکمباره

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۳ – ۵

۵ – نقش عوامل الهی ، در مهیّا شدن دوزخ برای کافران *

فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

ضمیر متکلم مع الغیر، در <إنّا> و <أعتدنا> را می توان بیانگر نقش عوامل و کارگزاران الهی در تحقّق اراده او دانست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷

- ق - ۵۰ - ۲۴ - ۳

۳ دوزخ ، فرجام هر کفرپیشه معاند حق ستیز

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۸ - ۳

۳ - شکنجه روحی کافران در دوزخ ، علاوه بر شکنجه جسمی آنان

یسحبون . .. ذوقوا مسّ سقر

امر در <ذوقوا> برای تهکم و استهزا است. به استهزا گرفته شدن دوزخیان از سوی مأموران الهی در مقایسه با عذاب جسمی آنان شکنجه روحی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۵ - ۳،۶،۷

۳ - آتش دوزخ ، اقامتگاه دائمی کافران و منافقان

مأویکم النار

<مأوی> به معنای مسکن می باشد. جمله اسمیه بیانگر دوام و ثبات است.

۶ - آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و منافقان

هی مولیکم

۷ - دوزخ ، جایگاه نهایی کافران و منافقان

فالیوم لایؤخذ منکم

فدیه و لا من الذین کفروا. .. و بئس المصیر

<مصیر> (معادل <مرجع>) و به جایگاهی گفته می شود که حرکت به آن جا منتهی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۱،۱۲

۱۱ - کافران و تکذیب گران آیات الهی ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب الجحیم

۱۲ - دوزخ ، جایگاه ابدی کافران و تکذیب گران بوده و آنان هرگز از آن رهایی نخواهند یافت .

أُولئک أصحب الجحیم

<صاحب> (مفرد <أصحاب>) به معنای یار و ملازم است. بنابراین <أصحاب الجحیم>; یعنی، کسانی که با دوزخ یار و ملازم بوده و هرگز از آن جدا نخواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱،۳

۱ - شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

۳ - کافران و منافقان همراز ایشان ، دارای فرجامی همگون در آتش دوزخ

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

از تشبیه کافران و منافقان به شیطان و پیراون او در آیه قبل، برداشت یاد شده از این آیه استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۱،۴

۱ - اعلام پذیرفته نشدن هیچ عذری از کافران دوزخی در قیامت

يأيّها الذين كفروا لاتعتذروا اليوم

۴ – دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إنّما تجزون ما كنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۹ – ۸،۹

۸ –

دوزخ ، جایگاه و مأوای کافران و منافقان است .

و مأويهم جهنّم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأويهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - همسران نوح و لوط ، همانند کافران از دوزخیان اند .

و قيل ادخلا النار مع الدخلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - کافران ، از هنگام افکنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشایندترین صدا ها روبه رو خواهد شد .

إذا أُلقوا فيها سمعوا لها شهيقًا

<شهيق>، به معنای زشت ترین و ناخوشایندترین صداها است(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۴

۴ - سرزنشِ نگهبانان دوزخ ، شکنجه و عذاب روحی برای کافران دوزخی است .

سألهم خزنتها ألم يأتكم نذير

سرزنش نگهبانان دوزخ از کسانی که خود در آتش دوزخ می سوزند و شکنجه می شوند، می تواند شکنجه دیگری برای آنان از جهت روحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۹ – ۱،۴،۶

۱ – اعتراف کافران در دوزخ ، به آمدن پیامبران انذار کننده برای آنان

ألم یأتکم نذیر . قالوا بلی قد جاءنا نذیر

۴ – اعتراف کافران در دوزخ ، به تکذیب عمدی و آگاهانه خویش ، نسبت به پیامبران و ادیان الهی

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا و قلنا ما نزّل اللّه من شیء

۶ – پیامبران ، متهم به گمراهی شدید از سوی کافران محکوم به دوزخ

إن أنتم إلّا

فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم. ..> دنباله اعتراف های کافران باشد. گفتنی است که صفت <کبیر> (برای <ضلال>) اشاره به شدّت و نهایت گمراهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۲

۲ - گوش دل نسپردن به سخنان پیامبران و تعقّل نکردن درباره آنها ، عامل دوزخی شدن کافران

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۱

۱ - اعتراف کافران در دوزخ به گناه و تقصیر خویش درباره دین

فاعترفوا بذنبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۵ - ۱

۱ - ظالمان و منحرفان از حق ، هیزم جهنم اند .

و أمّا القسطون فکانوا لجهنّم حطبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۳ - ۴

۴ - < عن عقیل الخُزاعیّ ، أنّ أمیرالمؤمنین (ع) . . . یقول : تعاهَدوا الصّلاةَ و حافظوا علیها و استکثروا منها و تقرَّبوا بها فإنّها کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً و قد علم ذلک الکفّارُ حین سُئِلوا ما سلککم فی سقر ؟ قالوا : لم نک من المصلّین ;

از عقیل خزاعی روایت شده که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: . ..مواظب نماز باشید و بر آن محافظت نمایید و انجام آن را افزون کنید و با نماز به [خدا] تقرّب جویید. چون نماز، وظیفه ثابت و معینی برای مؤمنان است; این را کافران نیز می دانند;

آن زمان که از آنان سؤال شود: <چه چیز شما را به دوزخ وارد ساخت>؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - کافران ، از هر گونه راحتی و آسایش در دوزخ محروم اند .

إنّا أعتدنا للکفرین سلسلاْ و أغللًا و سعیرًا

از کیفیت عذاب شدن کافران ناسپاس (غل و زنجیر شدن آنان در دوزخ)، مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من اُوتی کتابه بیمینه> و <من اُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۶ – ۱،۶

۱ – کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم

۶ – عذاب جهنم برای کافران ، جاودانه و پایان ناپذیر است .

فی نار جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۶ – ۱۰

۱۰ کافران ، مُلازمان آتش دوزخ و جاودان در آن

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

کافران در حضور محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۶ – ۱،۲،۴

۱– حضور برخی از کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی و سخنان آن حضرت

و منهم من یستمع إلیک

ضمیر <منهم> به کافران بازمی گردد که در آیات پیشین نامشان به میان آمده است (والذین کفروا یتمتّعون).

۲– فراهم بودن زمینه های حضور آزادانه کافران در مجلس پیامبر (ص) ، برای استماع وحی

و منهم من یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک

۴– حضور کافران ، در مجلس پیامبر (ص) ، حضوری صوری با اهدافی توطئه آمیز *

و منهم من یستمع . .. قالوا للذین أوتوا العلم ماذا قال ءانفًا

خداوند در این آیه، حالت پرسشگری کافران (ماذا قال آنفاً) را مورد سرزنش و توبیخ قرار داده است. این توبیخ، از آن جهت بوده است که در پرسش آنان، نوعی توطئه و سعی در سست کردن ایمان دیگران، نهفته بود.

کافران

در حکومت اسلامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

کافران در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۴

۴- کافران ، در دنیا هرگز به سختی و شدت آتش دوزخ و به بی یاوری خود در قیامت پی نخواهند برد .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حین> مفعولٌ به برای <یعلم> باشد. در این صورت پیام آیه چنین می شود: کاش آنان که کافر شدند، می دانستند و نمی دانند زمانی را که نمی توانند آتش را از چهره ها و... باز بدارند.

کافران در ظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۴،۱۱

۴ کافران گمراهگر، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست.

کمن مثله فی الظلمت لیس بخارج منها

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . .. کذلک زین للکفرین

کافران در عالم برزخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۲

۲ – ادعای کافران در مورد زمان کوتاهی زمان توقف شان در برزخ ، ادعایی نادرست است .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا

غیر ساعه کذلک کانوا یؤفکون

<کذلک> اشاره به خلافِ واقع گویی کافران درباره مدت حضورشان در عالَم برزخ دارد. لازم به ذکر است که پاسخ صاحبان علم و ایمان به کافران، درباره مدت حضور آنان در برزخ، قرینه صحت برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱

۱ - برخورداران از علم و ایمان ، در قیامت ، در مقابل اِعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعه . .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۳

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران

مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۱،۶

۱ استهزای کافران حاضر در پیکار بدر از سوی خداوند

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح و إن تنتهوا فهو خیر لکم

جمله <إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح> با توجه به شکست خفتبار مشرکان در پیکار بدر، بیانگر نوعی استهزا به مشرکان است.

۶ کافران شکست خورده در جنگ بدر ، مورد تهدید خداوند به چشیدن دوباره طعم شکست در صورت بازگشت به جنگ

و إن تعودوا نعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۳،۸

۳ مسلمانان در جنگ بدر در دامنه پست و کافران در دامنه بلند مستقر شدند .

إذ أنتم بالعدوه الدنیا و هم بالعدوه القصوی

۸ انتخاب محل استقرار سپاه کفر و ایمان در آستانه جنگ بدر ، حتی با توافق طرفین ممکن نبود .

و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۱

۱ خداوند به هنگام رویارویی و شروع جنگ بدر ، هر یک از دو سپاه ایمان و کفر را در نظر دیگری اندک نمایان ساخت .

و إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۲،۳

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۵

۵ نیروی نظامی مؤمنان در جنگ بدر ، نیرویی بس ضعیف و ناتوان در مقایسه با جبهه کفر

یقول المنفقون . .. غر هؤلاء دینهم و من یتوکل علی اللّه

بیان حمایت خداوند از مؤمنان در کارزار بدر با جمله <و من یتوکل . .. > پس از بیان نظریه منافقان و بیماردلان (ضعف قوای نظامی مسلمانان) اندیشه آنان را تأیید می کند. یعنی اظهار نظر منافقان به حسب دید ظاهری صحیح است، ولی آنچه مورد غفلت واقع شده، تأثیر بسزای حمایت الهی از مؤمنان متوکل است. یعنی اگر حمایت الهی نباشد، همان است که منافقان اظهار می دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۰ – ۷

۷ کافران کشته شده در جنگ بدر ، به عذاب سوزان برزخی گرفتار هستند .

و ذوقوا عذاب الحریق

کافران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۸ – ۹

۹ – در قیامت ، راه نجاتی برای کافران به قرآن وجود نخواهد داشت .

ءامنوا بما أنزلت . .. واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس

هدف از توصیف قیامت به اینکه: فدیه و عوضی گرفته نمی شود و . ..، مأیوس

کردن مستحقان عذاب است از اینکه مبادا راه نجاتی برای خود - جز ایمان و ... - توهم کرده و به اعتبار آن دلخوش باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ینظرون> از (نظر) به معنای رؤیت گرفته شده است. بر این مبنا <ولاهم ینظرون>; یعنی، نظر رحمتی به آنان نخواهد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۱،۲،۳،۸،۱۱

۱ نیستی و نابودی ، آرزوی کافران و عصیانگران بر پیامبر (ص) ، در قیامت

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول لو تسوّی بهم الارض

<لو> در <لو تسوّى> به معناى ليت (اى كاش) است، و جمله <لو تسوّى . .. > كنايه

از هیچ و پوچ شدن است.

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۷

۱۷ کافران ، در قیامت هیچ سلطه و یا حجتی علیه مؤمنان نخواهند داشت .

فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

برخی از مفسران به قرینه <فاللّه یحکم بینکم یوم القیمه>، معتقدند که نفی هرگونه سلطه از سوی کافران بر مؤمنان، مربوط به روز قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۱

۱

خداوند در قیامت کافران ظالم را جز به راه جهنم هدایت نخواهد کرد .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

در برداشت فوق ظرف و زمان هـدایت در جمله <و لالیهـدیهم . ..> روز قیامت گرفته شـده است ; یعنی خداوند در آن روز کافران را تنها به سوی جهنم رهنمون خواهد ساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۸

۸ کافران با مشاهده مقام و جایگاه مؤمنان در قیامت به آن حسرت می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱ کافران در قیامت برای اثبات گفته های خویش مکرر سوگند می خورند.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. قالوا بلی و ربنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۴

۴ کافران در روز قیامت در خواهند یافت که فرجام نیک از آن مؤمنان است.

فسوف تعلمون من تکون له عقبه الدار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ –

اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان . ..> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۴

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۴ اصحاب اعراف با به رخ کشیدن بی ثمری امکانات مادی و قدرت های دنیوی کافران ، آنان را ناکام خوانده و شماتت می کنند .

قالوا ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۱۳،۱۱

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر

باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما كانوا يفترون

۱۳ كافران در قيامت هيچ اثرى از معبودان دروغين خويش نخواهند يافت .

و ضل عنهم ما كانوا يفترون

با توجه به زمان نزول قرآن كه مخالفان اسلام مشركان و بت پرستان بودند و آنان معبودان دروغين خويش را منشأ اثر در سرنوشت انسانها مى پنداشتند، مى توان گفت از مصاديق مورد نظر براى <ما كانوا يفترون> معبودان ساختگى و دروغين كفرپيشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۸ - ۷

۷ مشركان و كافران ، در روز قيامت حاضرند در صورت دارا بودن حتى دو برابر ثروت زمين ، آن را براى رهيدن از عذاب فديه دهند .

والذين لم يستجيبوا له لو أن لهم ما فى الأرض جميعًا و مثله معه لافتدوا به

<إفتداء> (مصدر افتدوا) به معناى بخشيدن چيزى است براى رها شدن و خلاصى يافتن از اسارت.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه كافران به صورت دسته جمعى در پيشگاه خداوند حضور خواهند يافت .

و برزوا لله جميعًا

برداشت فوق، مبتنى بر اين احتمال است كه مرجع ضمير <برزوا> كافرانى باشد كه در آيات قبل از آنان بحث شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبى جعفر (ع) فى قوله : < ليحملوا اوزارهم كامله يوم القيامه > يعنى ليستكملوا الكفر يوم القيامه < و من اوزار

الذين يضلّونهم بغير علم > يعنى كفر الذين يتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روايت شده

است که در باره قول خدا <لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیامه> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۰

۱۰- برخورداران از علم در روز قیامت ، ذلت کافران را در آن روز ، به آنان اعلام خواهند نمود .

قال الذین أُوتوا العلم إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۹

۱۹- کافران در قیامت ، در دفاع از خود به دروغ گویی خواهند پرداخت .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثمّ لایؤذن للذین کفروا و لا هم یستعتبون

<إستیعاب> (مصدر یستعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم یستعتبون> چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۹

۹- آخرت ، زمان بازگردانده شدن ستم گران و کافران و افراد ناصالح به پیش گاه خداوند

و حساب رسی کردار آنها است .

ثمّ يردّ إلی ربّه فيعذّبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۱،۲

۱- خداوند ، جهنم را در صحنه قیامت بر کافران عرضه خواهد کرد .

و عرضنا جهنّم يومئذ للكفرين عرضًا

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنّم يومئذ للكفرين عرضًا

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۵ - ۹

۹- کافران ، به رغم کار و تلاش در دنیا ، در روز قیامت و ملاقات پروردگار ، تهیدست و بی توشه اند .

الذين كفروا . .. فحبطت أعملهم فلانقيم لهم يوم القيمه وزنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۱

۱- کافران در قیامت و به هنگام حضور در پیشگاه خداوند ، شنوایی و بینایی اعجاب برانگیزی برخوردار خواهند بود .

أسمع بهم و أبصر يوم يأتوننا

<أسمع بهم> و <أبصر> صیغه های تعجب هستند، یعنی چقدر شنوا و بینا هستند!؟.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز در احاطه آتشی فراگیر بوده و از دفع آن از چهره و قفای خود ناتوان خواهند بود .

لو یعلم الذین کفروا حین لایکفّون عن وجوههم النار و لا عن ظهورهم

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۱

۱- کافران ، در روز رستاخیز به طور ناگهانی با آتش فراگیر روبه رو خواهند شد .

لایکفّون عن وجوههم النار . .. بل تأتیهم بغته

<بغت> به معنای امر ناگهانی و به دور از محاسبه و پیش بینی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۷ - ۴،۶،۸،۱۱

۴- خیرگی و بهت زدگی کافران هنگام برپایی قیامت

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

<شخوص> به معنای دوختن چشم به یک شیء، بدون تحرک است غالباً چنین حالتی برای افراد مبهوت پیش می آید.

۶- قیامت ، حادثه ای وحشت زا و دهشت آفرین برای کافران

و اقترب الوعد الحقّ فإذا هی شخصه أبصر الذین کفروا

خیره شدن دیدگان کافران و بهت زدگی آنان، ناشی از حوادث هولناک و دهشت آفرین قیامت است.

۸- اظهار حسرت کافران در قیامت ، به خاطر غفلت عمیق و پیوسته خویش از روز قیامت

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا

برداشت یاد شده از آمدن <فی> که برای ظرفیت است استفاده می شود. بدین صورت که غفلت، ظرف و انسانِ غافل، مظروف قرار گرفته است و این حکایت از غوطهور شدن و فرورفتن در عمق غفلت دارد.

۱۱- اعتراف کافران در قیامت ، به ظلم و ستم پیشگی خویش در دنیا

بل کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۱۲،۱۱

۱۱ – کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و

الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیًا و وجد اللّه ع

۱۲ - کافران ، به هنگام اطلاع از پوچی اعمالشان در قیامت ، به حقانیت خداوند پی خواهند برد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیًا و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۵

۵ قیامت ، روزی سخت و ناگوار بر کافران

و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۱،۷،۸

۱ - کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

۷ - بازخواست کافران ، در قیامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

۸ - بازخواست کافران ، در قیامت ، بازخواستی ناخواسته و همراه با بی اعتنایی است .

و لیسئلنّ یوم القیمه عمّا کانوا یفترون

مجهول آورده شدن فعل <یُسئلنّ> که ضمیر نایب فاعلی آن، به <کافران> باز می گردد حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۴ - ۳

۳ - صفوف مؤمنان ، در روز قیامت ، از صف کافران جدا می شود .

و يوم تقوم الساعه يومئذ يتفرّقون

در صورتی که مرجع ضمير <يتفرّقون> واژه <الخلق>

در آیه یازده باشد و به قرینه دو آیه بعد که درباره وضعیت مؤمنان و کافران است نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۳ - ۱۲

۱۲ - روز قیامت ، روز تفکیک شدن کامل انسان های مؤمن از انسان های کافر است .

یومئذ یصّدّعون

احتمال دارد مراد از تفکیک شدن و جدایی در روز قیامت، تفکیک صفوف اهل بهشت از صفوف کسانی که اهل جهنم اند باشد. آیه بعد، مؤید این برداشت است

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۲،۸

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجّه خود آنان است .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره

۸ - در قیامت ، صفوف کافران و مؤمنان ، از هم جدا می شود .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا ... یمهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۵،۸،۱۱

۵ - کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تاروز قیامت می دانند . *

و یوم . .. یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی، در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

۸ - کافران ،

در قیامت بهانه می آورند که در دنیا ، فرصت لازم را برای ایمان آوردن نداشته اند . *

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مکانی که کافران مجرم، از آن سخن می گویند، دنیا باشد و مرادشان از بیان چنین نکته ای، با ذکر قسم، به قرینه آیه پنجاه و هفت <فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم> عذرخواهی و یا بهانه تراشی باشد.

۱۱ - کافران ، در قیامت ، دروغ پردازی می کنند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا . .. کذلک کانوا یؤفکون

از جمله معناهای <إفک>، انصراف از راستی در گفتار به دروغ گویی است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۱،۹

۱ - برخورداران از علم و ایمـان ، در قیـامت ، در مقابل اِعلام نظر کافران درباره درنگ کوتاه مـدت شان در برزخ ، اظهار می دارند که درنگ شان ، از روز مرگ تا برپایی قیامت بوده است .

و یوم تقوم الساعه . .. ما لبثوا غیر ساعه ... و قال الذین أوتوا العلم ... لقد لبث

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهـذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقـدر می کنـد که می توانـد چنین باشـد: <اگر شـما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ -

لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

۱۳ - کافران ، از تمامی اَعمال دنیوی خویش ، در قیامت ، از سوی خداوند آگاه می شوند .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۷

۷ - کافران در قیامت ، وادار می شوند که در عذابی سخت ، وارد شوند .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۳،۷

۳ - ایمان کافران ، در قیامت ، ایمانی بی حاصل و غیر سودمند به حال آنان است .

یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که مراد از <یوم الفتح> روز قیامت است.

۷ - کافران در قیامت ، برای انجام دادن هیچ کاری ، فرصت نخواهند داشت .

یوم الفتح . .. و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - در روز بی یار و یاوری کافران ، صورت های آنان ، در آتش از این رو به آن رو ، چرخانده می شود ، تا خوب بسوزد .

لایجدون ولیًّا . .. یوم تقلّب وجوههم فی النار

بنابراین که <یوم> ظرف برای <لایجدون>باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

۲ - در روز قیامت ، صورت های کافران ، در آتش ، بر اثر شدت حرارت ، منقلب شده ، به رنگ های گوناگون

در می آید .

یوم تقلّب وجوههم

احتمال دارد که <تقلّب> به معنای <از این رو به آن رو شدن> باشد و احتمال دارد که به معنای < تحوّل و تغییر حالت کیفی> باشد که گاهی سیاه و گاهی زرد و . .. می شود. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۷ - ۶

۶ - کافران ، با مشاهده عذاب الهی ، در قیامت ، به درگاه خداوند ، اظهار تضرّع می کنند .

و قالوا ربّنا

اقرار به ربوبیت خداوند با واژه <ربّنا> برای اظهار تضرّع است. لازم به ذکر است که این گفته، به قرینه ماضی آورده شدن <قالوا> در کنار <یقولون> احتمال دارد مربوط به زمانی باشد که کافران، هنوز وارد آتش نشده اند و تنها، آن را مشاهده می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۸ - ۲،۳

۲ - کافرانِ پیرو در قیامت ، به ربوبیت خداوند اعتراف می کنند .

و قالوا . .. ربّنا

۳ - کافران در قیامت ، در می یابند که منشأ عذاب ، خداوند است .

ربّنا ءاتهم ضعفین من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - کافران به قرآن ، در قیامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران

و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۲ - ۲،۳،۴

۲ - وضعیت کافران در روز رستاخیز ، بسیار تأسف بار و حسرت آور خواهد بود .

قالوا یویلنا

۳ - وضعیت کافران در قیامت ، آن چنان وخیم و تأسف بار خواهد بود که عالم قبر و برزخ را برای خود استراحت گاه خواهند دانست .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

<مرقد> اسم مکان از <رقاد> (خواب) به معنای خواب گاه است. تعبیر کافران از قبرها به خوابگاه، می تواند به این جهت باشد که آنان، وضعیت خود را در قیامت آن چنان سخت می بینند که عالم برزخ و قبر را در مقایسه با آن، خوابگاه و محل استراحت خویش می خوانند.

۴ - کافران در قیامت ، از زنده شدن و بیرون آمدن شان از قبر ها ، بسیار شگفت زده خواهند شد .

قالوا یویلنا من بعثنا من مرقدنا

برداشت یاد شده از آن جا است که استفهام (من) در آیه شریفه، برای تعجب استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۳ - ۱

۱ - جهنم ، در روز رستاخیز از نزدیک به کافران و مجرمان نشان داده خواهد شد .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

<هذه> که به شیء نزدیک اشاره دارد می رساند که جهنم در نزدیکی کافران

و مجرمان قرار داشته و به آنان نشان داده خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۵ – ۱،۲

۱ – در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هرگونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

الیوم نختم علی أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

۲ – کافران در قیامت ، از هرگونه دفاع از خود در برابر محکومیتشان به دوزخ ، ناتوان خواهند بود .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون . .. الیوم نختم علی أفوههم

مهر خوردن دهان کافران، به قرینه آیه قبل که سخن از محکومیت آنان به دوزخی شدن بود می تواند کنایه از ناتوانی آنان در دفاع از خود، در برابر دوزخی شدن خویش باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – کافران ، در ناگوارترین وضعیت و محکوم به آتش دوزخ در روز رستاخیز

فویل للذین کفروا من النار

کلمه <ویل> دلالت بر شدت بدی احوال می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۵ – ۳

۳ – مشرکان و کافران در عرصه قیامت ، سرمایه عمر خود را تباه شده می بینند و خویش را از حمایت خانواده شان ، محروم می یابند .

قل إنّ الخسرین الذین خسروا أنفسهم و أهلیهم یوم القیمه

مقصود از <أنفس> سرمایه های عمر و مراد از <أهل> خانواده می باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن

و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر است. خسارت

اهـل نیز به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجسـتن از آنان می باشـد. گفتنی است برداشت یاد شـده با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه شریفه کافران و مشرکان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۷ - ۱،۳

۱ - ظهور ارزش تقوا و نقش هدایت الهی (قرآن) ، هنگام عذاب و در قیامت برای کافران و گنه کاران

أو تقول لو أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

۳ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران ، به حال تقواپیشگان در قیامت

أنّ اللّه هدینی لکنت من المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۵،۶

۵ - ظهور ارزش احسان ، برای کافران و گنه کاران در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

۶ - غبطه و حسرت کافران و گنه کاران به حال محسنان در قیامت

لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۳،۱۹

۳ - وجود فاصله میان موقف کافران ، در محشر و دوزخ

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا

<سوق> (مصـدر <سـیق>) به معنای راندن و تحریک کردن به رفتن است. آمدن این واژه با حرف <إلی>، نشانگر وجود مسیری برای سوق دادن و راندن دوزخیان به سوی مقصدی است.

۱۹ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی است .

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

<حَقَّ> به معنای <ثَبَتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است و <کلمه> در آیه شریفه

به معنای وعده و یا فرمان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق>; یعنی، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربِّک> وعده فرمان عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۳

۳ - عذرخواهی کافران و مشرکان ستیزه جو در قیامت ، پذیرفته نشده و سودی به حال آنان نخواهد داشت .

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۱ - ۱،۲،۳

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در روز قیامت غل به گردن خواهند داشت .

الذین یجدلون . .. إذ الأغلل فی أعنقهم

۲ - کافران حق ستیز و ستیزه جو در قیامت ، با زنجیر بر روی زمین کشان کشان برده می شوند .

و السلسل یسحبون

<سلسله> (مفرد <سلاسل>) به معنای حلقه ای منظم از نظر طول است; یعنی، زنجیر. <سحب> (مصدر <یسحبون>) به معنای کشاندن چیزی بر سطح زمین است.

۳ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی ، به عمق بطلان راه خود و پیامد رفتارشان آگاه خواهند شد .

فسوف یعلمون . إذ الأغلل فی أعنقهم و السلسل یسحبون

برداشت یاد شده، از آن جا است که ظرف <إذ الأغلال . ..> متعلق به <یعلمون> می باشد. <یسحبون> نیز حال از ضمیر <هم> در <فی أعناقهم>

است; یعنی، به زودی می دانند آن گاه که غل در گردن هایشان باشد و با زنجیر کشان کشان برده می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و ستیزه جو ، در قیامت به آب داغ و پر حرارت افکنده خواهند شد .

یسحبون . فی الحمیم

یکی از معانی <حمیم>، آب داغ و پر حرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۲

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ - آگاهی قطعی کافران به وسیله خداوند ، از مجموعه عملکرد ناشایست خویش در قیامت

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۴

۴ - امکانات مادی کافران مستکبر ، فاقد کمترین کارایی و گره گشایی برای ایشان در روز جزا

و لایغنی عنهم ما کسبوا شیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۱،۲

۱ - آشکار گشتن زشتی های اعمال کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

۲ - تجسّم اعمال زشت کافران ، برای آنان در قیامت

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

اضافه <سیّئات> به <ما عملوا> ممکن است اضافه بیانیه باشد. در آن صورت می توان گفت:

آشکار گشتن اعمال به معنای تجسّم آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۴ – ۲،۳،۶

۲ – کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم ننسیکم

۳ – محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسیتم> برای تعلیل باشد.

۶ – آتش ، تنها پناهگاه و گریزگاه کافران در قیامت

و مأویکم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۴ – ۲،۳،۸

۲– روز قیامت ، روز عرضه شدن کافران بر آتش دوزخ

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

۳– آتش جهنم ، مهیای پذیرش کافران در رستاخیز *

و یوم یعرض الذین کفروا علی النار

از واژه <یعرض>، نوعی تقاضا و آمادگی، از طرف مقابل استفاده می شود.

۸– کافران ، چشنده عذاب الهی در قیامت ، پس از اقرارشان به مجرمیت خویش

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۳

۱۳- مجال زندگی دنیا و عالم برزخ ، درنگی کوتاه در نظر کافران حضور یافته در صحنه قیامت

کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا إلاّ ساعه من نهار

با توجه به این که آنچه کافران در قیامت پشت سر خود می بینند زندگی دنیا و عالم برزخ است; <لم یلبثوا> می تواند ناظر به هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱ – ۵

۵ اعمال به ظاهر نیک کافران دین ستیز ، محکوم به پوچی و بطلان در آخرت *

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

<أضلّ> ممکن است مربوط به جهان آخرت باشد و مراد از <أعمالهم>، کردار به ظاهر نیک کافران در حیات دنیا باشد که در آخرت حبط خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۰ – ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۳ – ۵

۵ شیطان مسلّط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلّط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۷ – ۶

۶ تلاش کافران در قیامت ، برای افکندن جرم خود برعهده دیگران (شیطان)

قال قرینه ربّنا ما أطغیته

از این که قرین مشرکان و کافران (شیطان) در مقام نفی مسؤولیت از خویش بر آمده، استفاده می شود که قبلاً این اتّهام، از

سوی مشرکان بر وی وارد شده است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۱

۱ - قیامت ، روز گداخته شدن کافران در آتش دوزخ

یوم هم علی النار یفتنون

<فتنه> در اصل به عمل گداختن طلا و نقره در آتش برای خالص شدن خوب از بد گفته می شود. در این جا مقصود بیان شدت عذاب کافران است و این که آنان چونان طلا و نقره در آتش دوزخ گداخته خواهند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یغنی. ..> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <و لا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۶ - ۴

۴ - قیامت ، روز فراخوانی کافران هواپرست به فرجامی بس ناخوشایند برای ایشان

یوم یدع الداع إلی شیء نکر

<نکر> به امر سخت ناخوشایند و مشقت بار گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۸ - ۳

۳ - قیامت ، روزی دشوار برای کافران

یقول الکفرون هذا یوم عسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ -

قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سیهزم الجمع . .. و الساعه أدهی و أمرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳ - ۲

۲ - کافران و مستکبران ، مردمی زبون و دون پایه و مؤمنان و مستضعفان انسان هایی شریف و صاحب منزلت در روز رستاخیز

إذا وقعت الواقعه . .. خافضه رافعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۵

۵ - خداوند ، در روز قیامت تمامی اعمال کافران را به آنان خبر خواهد داد .

فینبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۹ - ۵

۵ - قیامت ، روز ظهور و بروز غبن و خسارت کافران

ذلک یوم التغابن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۳

۳ - توبه کافران در قیامت پذیرفته نمی شود .

لاتعتذروا الیوم

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که اعتذار کافران، در حقیقت برای اظهار پشیمانی و توبه است که پذیرفتنی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۷ - ۲،۳

۲ - ناراحتی و اضطراب شدید کافران و منکران معاد ، در لحظه دیدن عذاب قیامت

فلمّا رأوه زلفه سیئت وجوه الذین کفروا

زشت و کریه شدن کافران، به هنگام مشاهده قیامت، بیانگر ناراحتی و اضطراب شدید آنان در آن هنگام است.

۳ - سرزنش شدن کافران و منکران معاد ، به هنگام برپایی قیامت

و قیل هذا

الذی کنتم به تدّعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <و قیل هذا الذی. ..> به انگیزه توبیخ به کافران گفته شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۲ - ۳

۳ - کافران و مشرکان در عرصه قیامت به سجده فرا خوانده می شوند ; ولی آنان از این کار ناتوان اند .

و یدعون إلی السجود فلایستطیعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۱،۲

۱ - ظهور و بروز ذلّت و ترس ، در دیدگان کافران و مشرکان در عرصه قیامت

خشعه أبصرهم

۲ - ذلّت و خواری ، تمامی وجود کافران و مشرکان را در قیامت فرا می گیرد .

ترهقهم ذلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخورسندی می کنند .

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

۵ – ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۶ – ۱،۲،۳

۱ – کافران دوزخی ،

از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . .. و لم أدر ما حسابیه

۲ - کافران دوزخی ، پس از دریافت نامه اعمال خود ، از محتوا و حکم نهایی آن درباره خویش آگاه خواهند شد .

و لم أدر ما حسابیه

۳ - حساب و نتیجه اعمال کافران دوزخی ، در نامه اعمالشان درج شده و روشن است .

و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - کافران دوزخی در قیامت ، از زنده شدن مجدد خود به شدت ناخرسند بوده و آرزوی مرگ می کنند .

یلیتها کانت القاضیه

مرجع ضمیر <یالیتها> امری مقدر است که از سیاق آیه شریفه به دست می آید(مانند <الموته>). <قاضیه> نیز به معنای <قاطعه> است. بر این اساس معنا و پیام آیه چنین می شود: ای کاش مرگ نخستین پایان بخش حیاتم می بود و دیگر بار زنده نمی شدم!

۲ - کافران دوزخی در قیامت ، دارای وضعیت و شرایطی بسیار سخت و غیر قابل تحمّل

یلیتها کانت القاضیه

تقاضای مرگ ابدی از سوی کسانی که در دنیا به شدت از آن گریزان بودند، حکایت از این حقیقت دارد که وضعیت و شرایط قیامت، آن قدر بر کافران دوزخی سخت و غیر قابل تحمل خواهد بود که مرگ ابدی را بر آن ترجیح می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۸ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش

و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنی عنّی مالیه

لحن و سیاق این آیه، می رساند که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۰ - ۱،۲،۴

۱ - فرمان دستگیری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

ما أغنی عنّی مالیه . .. خذوه

۲ - فرمان به غل و زنجیر کشیدن کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

فغلّوه

۴ - خفّت و خواری کافران دوزخی (صاحبان زر و زور) در قیامت

خذوه فغلّوه

دستگیری و به غل و زنجیر کشیدن کافران با آن که هیچ راه گریزی از عذاب الهی ندارد می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در قیامت ، به وسیله آتش پرحرارت و شعلهور سوازنده خواهند شد .

ثمّ الجحیم صلّوه

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای آتش شعلهور و پرحرارت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۲ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور در دوزخ ، در زنجیری بلند به طول هفتاد زراع به بند کشیده خواهند شد .

ثمّ

فی سلسله ذرعها سبعون ذراعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ - کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه لحسره علی الکفرین

۳ - احساس خسارت و زیانباری کافران در قیامت ، به سبب بهره نگرفتن از تعالیم قرآن در زندگی

و إنّه لحسره علی الکفرین

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که <حسرت> به معنای اندوه برای آنچه از دست رفته است، می باشد (لسان العرب). این در جایی است که انسان از آن چیز، بهره لازم نبرده و نسبت به آن احساس خسارت کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۵

۵ - هیچ پناهگاه و راه گریزی از سختی ها و اندوه های روز محشر برای کافران نیست .

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران ، به روز رستاخیز در شرایطی بسیار سخت و ناگوار بسر خواهند برد .

یوم عسیر . علی الکفرین

۲ - لحظه ای آسودگی و راحتی برای

کافران ، در قیامت نخواهد بود .

علی الکفرین غیر یسیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۰ - ۱،۲

۱ - کافران در روز قیامت ، در آرزوی گریختن از صحنه محشر خواهند بود .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

<مفرّ> (مصدر میمی از <فرّ>) به معنای گریختن و استفهام در <أین المفرّ> برای <تمنّی> است. مقصود از <الإنسان> به قرینه <أیحسب الإنسان...> کافران اند.

۲ - قیامت ، روزی بس ناگوار و هولناک برای کافران

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ

فرار کافران، نشانه وجود صحنه های هولناک و شرایط دشوار در عرصه قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱،۲

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ . کلاّ

۲ - در عرصه قیامت ، هیچ ملجأ و پناهگاهی برای کافران نخواهد داشت .

لاوزر

<وزر> به معنای ملجأ و پناهنگاه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۵ - ۱،۳

۱ - کافران در روز قیامت ، برای اعمال ناپسند خود عذر خواهند آورد .

و لو ألقی معاذیره

۳ - بی نتیجه بودن توجیه و عذرتراشی انسان ها ، نسبت به رفتار خویش در قیامت

و لو ألقی معاذیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۴ - ۱

۱ - کافران ، دارای چهره ای گرفته و عبوس در قیامت

و وجوه یومئذ باسره

<بسر> (مصدر <باسره>) به معنای گرفتگی چهره است.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۵ - ۳

۳ - با وقوع معاد در آینده ای نزدیک ، حقایق برای کافران کشف شده و اختلاف آنان درباره حوادث پس از مرگ ، برطرف خواهد شد .

الذی هم فیه مختلون . .. ثمّ کلاّ سیعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۳،۱۶،۱۷

۱۳ - کافران در قیامت با مشاهده کردار خویش ، عذاب خود را حتمی خواهند دانست .

عذابًا قریبًا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

از آن جایی که کافران با نگاه به اعمال خویش، آرزوی خاک بودن می کنند; می توان پی برد که آنان، گرفتاری

به عذاب را بر خود قطعی دیده اند.

۱۶ – کافران در قیامت ، به پستی خود و شرافت خاک بر آنان ، پی خواهند برد .

و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

۱۷ – کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تربًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۰ – ۶

۶ – تفاوت چهره مؤمن و کافر در قیامت

وجوه . .. و وجوه

مراد از <وجوه> در این آیه به قرینه آخرین آیه سوره (أولئک هم الکفره الفجره) چهره کافران است. در نتیجه مراد از <وجوه> در آیات پیشین، چهره مؤمنان خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۲ – ۱

۱ – کسانی در قیامت روسیاه و تیره رخسارند که کفرپیشه و منحرف بوده و بی باکانه در گناه پیش رفته اند .

أولئک هم الکفره الفجره

فعل <فجر>، در مورد کسی گفته می شود که سر خود را پایین انداخته و بی مبالات پیش می رود; <فجور> در اصل به معنای انحراف از حق است و در معنای تاختن به سوی کارهای غیرمجاز نیز استعمال می شود. (لسان العرب)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۲،۴،۹

۲ – مؤمنان در قیامت ، همسان برخوردی که

در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

۴ - استهزا شدن از سوی مؤمنان در قیامت ، برای کافران دشوار و رنج آور خواهد بود .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

۹ - در قیامت ، مؤمنان و کافران از حال هم آگاه شده ، رفتار یکدیگر را مشاهده خواهند کرد .

فالیوم الذین ءامنوا من الکفّار یضحکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۱،۲،۳

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ثواب>; یعنی، جزا و <تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <کانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار

خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

۳ - کافران در قیامت ، مورد تمسخر خداوند قرار خواهند گرفت . *

هل ثوّب

<ثواب> در مورد خیر و شرّ هر دو کاربرد دارد; ولی به خیر و خوبی اختصاص بیشتری دارد و در آن فراوان تر استعمال می شود (نهایه ابن اثیر). بنابراین ممکن است گفته شود: تعبیر <ثوّب> که در قرآن تنها در مورد امر ناخوشایند استعمال شده (مفردات) بیانگر آن است که خداوند، کیفر کافران را از روی تمسخر پاداش نامیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۶ - ۲

۲ - حسابرسی اعمال در قیامت برای کافران ، از حضور در پیشگاه خداوند دشوارتر است .

ثمّ إنّ علینا حسابهم

حرف <ثمّ>، بر تراخی رتبی دلالت دارد و بیانگر آن است که مرحله حسابرسی، سخت تر از مرحله رجوع به خداوند است; هر چند هر دو هم زمان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴،۵

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است; بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل

خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند; در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب المیمنه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه>نام گرفته اند.

۵ - جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنایه از عظمت و پستی جایگاه است; زیرا در جوامع انسانی، مرسوم است که سمت راست، نشانه کرامت و سمت چپ رمز شوم بودن است; وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی به میان نیامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۷،۱۵،۱۳،۱۲

۱۲ جایگاه بلند مؤمنان تقوا پیشه نسبت به کافران ، در روز قیامت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۳ قیامت ، روز ظهور برتری تقواپیشگان بر کافران و روز ظهور ارزش های حقیقی

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

چون برتری مؤمنان تقواپیشه در دنیا نیز حتمی است ; بنابراین <یوم القیمه>، ظرف ظهور این برتری خواهد بود.

۱۵ جایگاه پست دنیاپرستان و کافران در آخرت

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

۱۷ وعده الهی به مؤمنان نسبت به برتری آنان در قیامت ، عامل تسلّی و مقاومت آنان در برابر استهزای کافران

و الذین اتقوا فوقهم یوم القیمه

به نظر می رسد جمله <و الذین اتّقوا . ..>، پس از عنوان کردن تمسخر تقواپیشگان از سوی کافران، به منظور تسلّی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۱،۵،۶

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیه دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

۵ ایمان ، ارزشی فراتر از سنجش و مقایسه با تمامی مادیات

انّ الذین کفروا . .. فلن یقبل من احدهم مِلءُ الارض ذهباً

۶ کافران ، محروم از هر گونه یار و یاور در قیامت

و ما لهم من ناصرین

کافران در محضر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۲

۲- همه کافران به صورت دسته جمعی در پیشگاه خداوند حضور خواهند یافت .

و برزوا لله جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مرجع ضمیر <برزوا> کافرانی باشد که در آیات قبل از آنان بحث شده است.

کافران در مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۸

۸ - شهر مکه ، حتی برای کافران نیز باید جایگاهی امن باشد .

رب اجعل هذا بلداً ءامناً و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

از اینکه ابراهیم(ع) دومین دعای خویش; یعنی، اعطای ثمرات را به مؤمنان اختصاص داد، ولی امنیت شهر مکه را به طور

مطلق آورد، می توان به این نتیجه رسید که: آن حضرت امنیت مکه را برای همگان حتی برای کافران خواسته بود.

کافران دنیاطلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۶ - ۱

۱ کافران دنیاطلب و دلبسته به جلوه های

آن ، در آخرت بهره ای جز آتش دوزخ نخواهند داشت .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها . .. أُولئک الذین لیس لهم فی الأخره إلّا ال

کافران دوران آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ - وجود کافرانی غیر از ابلیس ، در زمان تمردش از فرمان خدا *

و کان من الکفرین

کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذار های پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

برخی برآنند که مراد از <الذین کفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است; یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجیه است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام ، برخوردار از شوکت ظاهری و بهره های دنیوی

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

۲ کافران عصر بعثت ، بهره مند از سود های فراوان تجاری و نفوذ سیاسی ، بر اثر گشت و گذار در شهر ها و سرزمین های مختلف

لا یغرّنک تقلّب الّذین کفروا فی البلاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ بیشتر کفرپیشگان عصر بعثت احکام رایج درباره بحیره ، سائبه ، وصیله و حام

، را احکامی الهی می پنداشتند .

ما جعل اللّه من بحیره . .. یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

۱۳ تنها انـدکی از کفرپیشـگان عصـر بعثت علی رغم طرفـداری از احکام رایـج درباره بحیره ، سائبه ، وصـیله و حامی آگاه به بدعت بودن آن احکام و نبود آنها در ادیان الهی

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب و اکثرهم لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۹

۱۹ کافران عصر بعثت ، وارثان مردمی نادان و گمراه

قالوا حسبنا . .. او لو کان ءاباؤهم لایعلمون شیئاً و لایهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۱

۱ رویگردانی از هر آیت خداوند، شیوه کافران عصر بعثت

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۱

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مراد از <یأتیهم أنباؤا ما کانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسـلام باشد که کفار آن را به مسـخره گرفته و تکذیب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۲،۴

۲ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

حرف <لو> غالباً در مواردی به کار گرفته می شود

که شرط، امری غیر عملی باشد.

۴ کفرپیشگان حتی با نزول کتابی ملموس بر پیامبر(ص)، ایمان نمی آورند و خواهان نزول فرشتگان می شوند.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال . .. و قالوا لو لا أنزل علیه م

بر اساس این احتمال که <قالوا> بر جواب <لو> در آیه قبل عطف شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹ – ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۴ – ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱،۲،۷،۸

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

انتهاء به معنای پذیرش نهی است ; یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

۲ به کافران ستیزه گر عصر بعثت ابلاغ شد در صورت ترک مخاصمه علیه اسلام ، از خطا های گذشته آنها چشمپوشی خواهد شد .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم ما قد سلف

درباره متعلق <إن ینتهوا> دو نظر ابراز شده است: یکی کفر و دیگری اعمالی که در آیه ۳۶ مطرح شد ; یعنی سرمایه گذاریها و شرارتهای علیه اسلام. جمله <إن یعودوا> نظر دوم را تقویت می کند. گفتنی است بر این مبنا مراد از <یغفر لهم ... > انتقام نگرفتن از شرارتهای گذشته کافران است.

۷ خداوند ، کافران عصر بعثت را در صورت از سرگیری شرارت ها به سرکوبی و نابودی تهدید کرد .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا . .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۵

۵ کفرپیشگان مکه در

عصر بعثت ، همواره در تلاش برای بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا

و یصدون عن سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۳

۳ وجود منافقان و کافرانی نیرومندتر از منافقان و کافران عصر پیامبر (ص) در میان امت های پیشین

کانوا أشد منکم قوه و أکثر أمولا و أولداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۱

۱ - تحریم گوش فرادادن به قرآن ، از سوی کافران عصر پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۷

۷ - وجود عناصری غیرمعاند با مسلمانان ، در میان کافران عصر پیامبر

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین

کافران صدر اسلام و توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یهـدی . ..> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و

پـذیرش رسالت پیامبر(ص) که سـرلوحه آن توحید است می خواسـتند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

کافران صدر اسلام و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ کافران صدر اسلام، مردم را از گوش فرادادن به قرآن نهی می کردند.

و هم ینهون عنه

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَیَ> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۴

۴ مشرکان و کافران عصر بعثت، به والایی آیات قرآنی و محتوای بلند آن اعتراف داشتند.

و لیقولوا درست

زیرا اگر آیات در نظر مشرکان کم اهمیت بود، برای رد آیات به کم اهمیتی آن اشاره می کردند و نه به فراگیری آن از دیگران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵ - ۶

۶ کافران ، در عصر بعثت منکر هر گونه نوآوری در قرآن بودند .

و قالوا أسطیرالأوّلین اکتتبها فهی تملی علیه بکره و أصیلاً

این که کافران، قرآن را افسانه های پیشینیان می شمردند، حاکی از آن است که آنان نه تنها منکر اصالت قرآن بودند; بلکه آن را فاقد هر گونه نوآوری نیز می دانستند.

کافران صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۹

۹ – کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

کافران صدر اسلام و گواهی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳

۷ کفرپیشگان عصر بعثت به خداوند اعتقاد داشته و شهادت او را پذیرا بودند .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

کافران صدر اسلام و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعیِ نبود معجزه و آیتی بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

۲ کافران هماره خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

به کارگیری فعل مضارع (یقول) به جای فعل ماضی (قال) برای رساندن این معناست که کافران سخن مذکور را نه تنها در گذشته مدعی شده اند که در آینده نیز خواهند گفت و بر آن اصرار خواهند ورزید.

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۱،۲،۳

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعی نبود معجزه و آیتی بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جمله <إن الله يضل من يشاء و یهـدی . ..> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می

خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

۳ تبلیغات سوء کفرپیشگان عصر بعثت و جوسازی های آنان علیه پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۲

۲ کفرپیشگان عصر بعثت ، رسالت الهی پیامبر (ص) را انکار می کردند .

و یقول الذین کفروا لست مرسلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۱

۱ - انکار رسالت پیامبر (ص) از سوی کافران و رفاه زدگان

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

همان طوری که در ذیل آیه قبل آمده، این بخش از آیات، در ردّ اتهاماتی است از سوی کافران نسبت به قرآن و پیامبر(ص) وارد می شد. خداوند با ارائه دلایل گوناگون، همه آنها را بی اساس خوانده و تهمت زنندگان را سخت مورد سرزنش قرار داده است. آیه فوق نیز، ظاهراً مربوط به تکذیب پیامبر(ص) و نسبت دروغ گویی به ساحت آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۳

۳ - اظهار تعجب کافران از اظهارات پیامبر (ص) درباره تحقق قطعی معاد

ینبّئکم إذا مزّقتم کلّ ممزّق إنّکم لفی خلق جدید . أفتری علی اللّه

همزه <أفتری> برای استفهام تعجیبی است و حکایت از اظهار شگفتی کافران از اظهار نظر پیامبر(ص) درباره معاد می کند.

کافران صدر اسلام و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱

۱ - کفر پیشگان عصر بعثت ، مسلمانان را از حضور در مساجد باز می داشتند و در صدد تخریب آنها بودند .

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه . .. و سعی فی خرابها

فعل <منع> نیازمند دو مفعول است: یک مفعول آن <مساجد اللّه> است و مفعول دیگر <المسلمین> می باشد که به خاطر وضوحش بیان نشده است; یعنی: <منع المسلمین مساجد اللّه> ماضی آوردن فعل <منع> حکایت از آن دارد که: ممانعت از ورود مسلمانان به مساجد تحقق یافته بوده; یعنی، آیه شریفه ضمن بیان ناروا بودن ممانعت از ورود به مساجد، اشاره دارد به قضایای بازداری از ورود مسلمانان صدر اسلام، به مسجد الحرام و . ..

کافران صدر اسلام و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۷ - ۱

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، مدعیِ نبود معجزه و آیتی بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص)

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۲

۲ کافران خواستار معجزه ای جز قرآن برای باور به حقانیّت رسالت پیامبر (ص) و پذیرش توحید

و یقول الذین کفروا لولا أُنزل علیه ءایه من ربه

جمله <إن الله یضل من یشاء و یهدی . ..> قرینه بر این است که کافران مشاهده معجزه از پیامبر(ص) را برای هدایت شدن و پذیرش رسالت پیامبر(ص) که سرلوحه آن توحید است می خواستند ; یعنی، می گفتند: اگر معجزه ای

ارائه کنی، رسالت تو را می پذیریم و به توحید می گرویم.

کافران صدر اسلام هنگام تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۲ - ۵،۶

۵ - خشمگین شدن کافران صدراسلام و ظهور آثار کینه و نفرت در چهره آنان ، به هنگام شنیدن آیات قرآن و معارف توحیدی آن

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت تعرف فی وجوه الذین کفروا المنکر

۶ - بر افروختگی مشرکان با شنیدن آیات قرآن و خشم حاصل از آن ، به حدی بود که آنان را در آستانه حمله و تهاجم به کسانی قرار می داد که آیات قرآن را بر آنها تلاوت می کردند .

یکادون یسطون بالذین یتلون علیهم ءایتنا

<سَطْو> (مصدر <یسطون>) به معنای تهاجم و حمله است; یعنی، چیزی نمانده که مشرکان با کسانی که آیات ما را بر آنان می خوانند گلاویز شوند.

کافران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۱،۵

۱ کفرپیشگان ستمگر ، محروم از آمرزش و هدایت الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

تکرار نشدن <الذین> در جمله <و ظلموا> دلالت می کند که مجموع دو صفت <کفر> و <ظلم> موجب محرومیت از آمرزش و هدایت الهی است.

۵ تمامی راه های سعادت به روی کافران ظالم بسته است .

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۳،۴،۷

۳ خداوند ، راهنمای کافران ستم پیشه به کفرپیشگی و انجام اعمال

ناروا

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

۴ کافران ستم پیشه ، مورد استهزای خداوند *

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

به کارگیری واژه هدایت در مورد کشانیدن کافران به سوی جهنم، می تواند به منظور استهزای کافران ایراد شده باشد.

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

کافران غاصب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۴ – ۴

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما کانوا أولیاؤه

کافران غزوه حنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۷ – ۳

۳ اعلام خداوند به باز بودن راه توبه برای کافران باقی مانده از جنگ حنین

و ذلک جزاء الکفرین. ثم یتوب اللّه من بعد ذلک علی من یشاء

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <علی من یشاء> نظر به کافران مذکور در آیه قبل نیز داشته باشد.

کافران قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١٥ - صافات - ٣٧ - ١٧٠ - ٥

٥ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و إن کانوا لیقولون . لو أنّ عندنا ذکراً من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین > فهم کفّار قریش کانوا یقولون : قاتل اللّه الیهود و النصاری کیف کذبوا أنبیاءهم ! أما و اللّه لو کان عندنا ذکراً من الأوّلین لکنّا عباد اللّه المخلصین یقول اللّه : <

فکفروا به > حین جاءهم محمّد (ص) . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و إن کانوا لیقولون لو أنّ عندنا ذکراً من الأوّلین لکنّا عباد اللّه المخلصین> روایت شده که فرمود: آنان کفار قریش بودند که می گفتند: نفرین بر یهود و نصارا! چگونه پیامبران خود را تکذیب کردند. به خدا قسم! اگر یکی از کتاب های آسمانی پیشینیان نزد ما بود، به آنها ایمان می آوردیم و از بندگان خالص خدا می شدیم; اما هنگامی که حضرت محمد(ص) بر آنان مبعوث شد به آن حضرت کفر ورزیدند>.

کافران قریش و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۲،۵

۲ خداوند مسلمانان را از سرمایه گذاری های کلان کافران قریش برای هجوم به مسلمانان و جلوگیری از گسترش اسلام آگاه ساخت .

فسینفقونها ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

جمع مضاف <اموالهم> دلالت بر عموم دارد ; یعنی تمامی داراییهایشان و این اشاره به پرداخت هزینه های فراوان است. گفتنی است توجه به سیاق آیه مورد بحث و آیات قبل این سخن مفسران را تأیید می کند که آیه شریفه درباره کفار قریش نازل شده است.

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند

که زمان ندامت آنان در دنیاست.

کافران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۹

۹ مستعضعفان مؤمن قوم ثمود ، در پاسخ مستکبران ، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم <بما ارسل> بر <مؤمنون> به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالتهای وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۱

۱ کافران قوم ثمود ناقه صالح را پی کردند و آن را هلاك ساختند .

فعقروا الناقه و عتوا عن أمر ربهم

<عقر> به معنای مجروح ساختن است و آنگاه که گفته شود <عقر الفرس و البعیر>، یعنی پای آن را قطع کرد. (برگرفته از لسان العرب) و در مجمع البیان آمده <عَقْر> به جراحتی گفته می شود که مایه هلاکت گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۹ - ۷

۷ اشراف کفرپیشه قوم ثمود ، بیزار از خیرخواهان و نصیحت گران

نصحت لکم و لکن لاتحبون النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۵ - ۹

۹ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < . . .فإذا هم فریقان یختصمون > یقول : مصدّق و مکذّب . . . ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <. ..فإذا هم فريقان يختصمون> روايت شده که آن

دو گروه یکی تصدیق کننده رسالت صالح بود و دیگری تکذیب کننده آن>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۳ – ۴

۴ – وجود مؤمنانی با تقوا در میان ثمودیان ، علی رغم وجود فساد و کفر فراگیر در جامعه

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه . .. دمّرنهم و قومهم أجمعین ... و أنجینا الذین ءامنوا

کافران قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۶ – ۱

۱ گروهی از اشراف قوم هود به وی ایمان آوردند و گروهی دیگر با انکار رسالت او در برابرش جبهه گیری کردند .

قال الملأ الذین کفروا من قومه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۷ – ۵

۵ نابودی کفرپیشگان قوم عاد و جایگزینی اقوامی دیگر به جای آنها ، هشدار هود (ع) به آنان

فإن تولّوا . .. و یستخلف ربی قومًا غیرکم

<إستخلاف> به معنای جانشین ساختن و جایگزین کردن است و این معنا در آیه شریفه ، مستلزم نابود کردن قوم عاد می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۸ – ۹

۹ کفر پیشگان قوم عاد ، علاوه بر عذاب دنیوی به عذاب آخرت نیز گرفتار خواهند شد .

و نجّینهم من عذاب غلیظ

برداشت فوق ، براساس این احتمال است که مراد از <عذاب> در جمله <و نجّیناهم من عذاب>، عذاب اخروی باشد.

کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و

سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۱۸

۱۸ اشراف و سران کفرپیشه قوم نوح ، ناآگاه به مقام بلند مؤمنان و پیروان آن حضرت

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

به قرینه <إنهم ملاقوا ربهم> می توان گفت که: مفعول <تجهلون> مقام والا و ارجمند مؤمنان به نوح(ع) است. براین اساس <أراکم ...>; یعنی ، می دانم که شما به مقام والای مؤمنان (لقای آنان با خدا) آگاهی ندارید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۱

۱ گروهی از قوم نوح ، به او ایمان آوردند و گروهی همچنان بر کفر و انکار رسالتش اصرار میورزیدند .

أنه لن یؤمن من قومک إلّا من قد ءامن

کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ کافران لجاجت پیشه و حق ناپذیر از شیطانهای انسی هستند.

و لو أننا . .. ما کانوا لیؤمنوا ... و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیطین الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ اندوهناك شدن بر هلاكت كفرپيشگان لجوج ، حتى در صورت خويش و هموطنى با آنان ، امرى نكوهيده و ناروا

فكيف ءاسى على قوم كفرين

كافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۹ - ۴

۴ - پشتیبانان جبهه مهاجم کفر ، چونان کافران محارب و شریک جرم آنان

إنّما ینهیکم اللّه . .. و ظهروا علی إخرجکم

کافران محارب پناهنده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشرکین استجارک . .. ثم أبلغه مأمنه

کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۱

۱ گروهی از مردم مدین به رسالت شعیب (ع) ایمان آوردند و گروهی دیگر از پذیرش آن سر باز زدند .

و إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به و طائفه لم یؤمنوا فاصبروا

<إن کان طائفه . .. > به دلیل آیه قبل از مواردی است که در آن <إن> شرطیه در مورد تحقق شرط به کار رفته است ; مانند <ان کنت ابنی فلا تفعل کذا>. بنابراین <إن کان طائفه منکم ... فاصبروا> یعنی چنانچه گروهی از شما ایمان آوردید پس صبر پیشه سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱

۱ گروهی از اشراف قوم شعیب (ع) از سر تکبر و خودبرتربینی به وی و رسالتهایش کافر شدند .

قال الملأ الذين استکبروا من قومه

برداشت فوق بر این اساس است که <الذین استکبروا> قیدی احترازی باشد. بر این مبنا

اشراف به دو طایفه مستکبران و غیر مستکبران تقسیم می شوند. قابل ذکر است که مراد از استکبار، کفرورزی است که برای تبیین علت کفر به جای <کفروا>، <استکبروا> استعمال شده است.

کافران مدین و شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۹

۹ اشراف کفرپیشه مدین در تلاشی پیگیر برای تحمیل آیین خویش بر شعیب و مؤمنان به وی

او لتعودن فی ملتنا

جمله <او لتعودن> می رساند که هدف از تصمیم قوم مدین بر تبعید شعیب و همگامانش بازگرداندن آنان به آیین شرک است. بنابراین همه تهدیدات به سبب تحمیل این عقیده باطل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

کافران مدین و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۲

۲ کافران قوم شعیب بر سر هر کوی و برزن مؤمنان به خدا را مورد تهدید قرار می دادند و آنان را از سلوک راه خدا بازمی داشتند .

و لا تقعدوا بکل صرط توعدون و تصدون عن سبیل اللّه من ءامن

به

<ایعاد> مصدر <توعدون> به معنای تهدید کردن و به شکنجه و أمثال آن ترساندن است. <من ءامن> مربوط به فعل <توعدون> و <تصدون> است و به اصطلاح اهل ادب مفعولی است <متنازع فیه>. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <به> به <اللّه> برگردانده شده است.

کافران مستکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۷

۷ کفرپیشگان مستکبر و زراندوز ، ثروت ها و قدرت خویش را موجب مصون ماندن از عذاب های الهی می پندارند .

ما أغنی عنکم جمعکم و ما کنتم تستکبرون

کافران مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳

۳ امداد غیبی خداوند ، در شکست کافران شرک پیشه

و هو خیر النّاصرین. سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب بما اشرکوا

کافران معاهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۱۸

۱۸ لزوم پرداخت خونب ها و نیز آزادسازی یک برده مؤمن در صورت کشتن کافری از کافران همپیمان *

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

بنابر اینکه مراد از ضمیر در <کان>، مقتول باشد ; بدون وصف ایمان. به قرینه فرض سابق که در آنجا به قید ایمان تصریح کرد و فرمود: <فان کان ... و هو مؤمن>، ولی در این فرض <و هو مؤمن> را نیاورد.

کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۱۶

۱۶ اقدام برخی از مسلمین

(عبداللّه بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفارِ مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّه بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند، حمله بردند و آنان را کشته و یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۲۷

۲۷ حاکمیّت و تسلّط کافران بر سرزمین مکّه و مسلمانان آن دیار ، در صدر اسلام

فالّذین . .. اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی ... و قتلوا

کافران مکه در غزوه بدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۶

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

کافران مکه در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران مکه و آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر

نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی ، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الکفره کدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

کافران مکه و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران مکه و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۶

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء

کافران مکه و دعا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ –

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

کافران مکه و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱،۸

۱ کافران مکه در پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم

جمله ظرفیه <لمّا جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطير الأولين

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه

است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۳ – ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون>

حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۲

۲- < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۲

۲- خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵،۹

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که

آنان، به جای برخورد

منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لمّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

کافران مکه و گناه ارتداد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۶

۶ - کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا . .. و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در <و ما هم بحاملین. ..> دو احتمال وجود دارد: یکی، به قرینه اعلام دروغ بودن ادعای برعهده گیری گناه ارتداد، این است که آنان، حاضر به قبول گناه نیستند. دیگر این که چنین امری، شدنی نیست. برداشت بالا، بنابراحتمال نخست است.

کافران مکه و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳،۵

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و . .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

۵ شکست کافران مکه در توطئه علیه پیامبر (ص) ، عبرتی برای همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و یمکرون و یمکر اللّه

یادآوری شکست توطئه های کافران مکه پس از اشاره به خیانت برخی از مسلمانان برای تفهیم این حقیقت است که خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام کنند، همان گونه که کافران موفق نشدند، آنان نیز موفق نمی شوند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۳،۵

۳ خروج پیامبر (ص) از مکه و اقدام آن حضرت به هجرت ، امری ناخواسته و تحت فشار کافران بود .

إذ أخرجه الذین کفروا

بـدیهی است که خروج پیـامبر (ص) از مکه، به اراده خـود آن حضـرت صورت گرفت ولی از آن جهت که تحت فشـار و جوّ ارعاب بود، خداوند اخراج را به کافران نسبت داده است.

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران ، مرهون نصرت خاص خداوند بود .

نصره اللّه إذ أخرجه الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مسـتقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضـرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند

.

و قالوا يأيها الذى نزّل عليه الذّكر إنك لمجنون

شواهد تاريخى گواهند كه قبل از ادعاى نبوت پيامبر(ص) آنان چنين تهمتى را به آن حضرت نسبت نمى دادند، پس اين تهمت به خاطر نكته ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۳

۳- كافران مكه ، از پيامبر (ص) خواستار آوردن ملائكه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتينا بالملئكه إن كنت من الصدقين

آوردن ملائكه توسط پيامبر(ص) كه مورد درخواست كفار بود احتمال دارد براى تصديق نبوت پيامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستى باشد. برداشت فوق مبتنى بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائكه ، جهت اثبات حقانيت ادعاى پيامبر (ص) از سوى كافران مكه ، بهانه اى بيش نبود .

لو ما تأتينا بالملئكه . .. ما ننزّل الملئكه إلاّ بالحقّ

قيد <إلاّبالحق> مى تواند احترازى باشد; يعنى، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حكمت تحقق پذير است، در حالى كه در تقاضاى كفار چنين مصلحتى نيست. مضافاً به اينكه <إذاً منظرين> نيز دلالت مى كند بر اينكه آنان، حتى پس از آمدن ملائكه هم حقانيت پيامبر(ص) را نمى پذيرفتند.

كافران مكه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذيرى و عناد و لجاجت شديد كافران مكه در عصر بعثت، در برابر وحى و معجزات الهى

و لو نزلنا عليك كتبا . .. إن هذا إلا سحر

مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۵،۶

۵- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینابالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

کافران مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

کافران مکه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴- کافران مکه ، نزول

وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

کافران منسی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۷۸

۷ خداوند در روز قیامت کافران منکر قیامت را به فراموشی خواهد سپرد و اعتنایی به آنان نخواهد کرد .

فالیوم ننسیهم

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ; یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

کافران ناقض معاهده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۶

۶ دشمنان اسلام و کافران حق ستیز در صورت تسلط بر مسلمانان هرگز بر پیمان و پیوند دوستی و خویشاوندی پایبند نخواهند بود .

کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلاّ و لاذمه

کافران نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۷

۷ خداوند ، نوح (ع) را به پدیدآمدن جامعه ها و امتهایی کفرپیشه از نسل او و همراهانش آگاه ساخت .

و أمم سنمتعهم ثم یمسّهم منا عذاب ألیم

کلمه <أمم> مبتدا و خبر آن محذوف می

باشد; یعنی: ممن معک أمم سنمتعهم. جمله <یمسهم ...> حکایت از آن دارد که مقصود از <أمم> در این بخش از آیه ، امتهای کافر هستند.

کافران و آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۱،۴

۱ - دانش و معرفت درباره آخرت ، خارج از محدوده توان کافران

بل ادّرک علمهم فی الأخره

<تدارُک> (مصدر <إدارک>) عبارت است از پیوستن اجزای شیء به آن شیء به گونه ای که از آن اجزا، چیزی باقی نمانده باشد. <ادّارک علمهم فی الأخره>; یعنی، آنها (کافران) دانششان مصروف جای دیگری شده و چیزی از آن باقی نمانده است تا بتوانند آن را درباره آخرت به کار برند. بنابراین آنان نه مجال آن را دارند که با دلایل علمی، آخرت را رد کنند و نه مجال آن را دارند که با برهان های یقینی آن را اثبات کنند.

۴ - کافران ، گرفتار شک و تردید درباره آخرت

بل هم فی شکّ منها

کافران و آسایش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

کافران و آیات آفاقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۲ - ۵

۵- کافران ، از آیات آسمانی خداوند اعراض کرده و روی گردان

اند .

و هم عن ءايتها معرضون

کافران و آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۱،۴

۱ رويگردانى از هر آيت خداوند، شيوه کافران عصر بعثت

و ما تأتيهم من ءايه من ءايت ربهم إلا كانوا عنها معرضين

۴ برخى از کافران در برابر آيات و معجزات، در عين اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختى نشان داده و لجاجت ميورزند.

و ما تأتيهم من ءايه . .. إلا كانوا عنها معرضين

آمدن آيات و معجزات متعدد، گوياى قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رويگردانى، تکذيب و تمسخر، مراحل مبارزه و رويارويى کافران با آيات الهى و قرآن*

ما تأتيهم من ءايه . .. إلا كانوا عنها معرضين. فقد كذّبوا بالحق ... ما كانوا به ى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۴

۴ اتهام سحر، وسيله اى براى مبارزه کافران با رسالت پيامبر(ص) و آيات الهى

لقال الذين كفروا إن هذا إلا سحر مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما کانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۳۳ - ۵،۱۲

۵ انکار آیات الهی هدف اصلی کافران از تکذیب پیامبر اکرم(ص)

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

۱۲ خداوند تسلّی دهنده پیامبر(ص) با بیان اینکه هدف تکذیب کفار آیات الهی است، نه شخص پیامبر(ص)

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۲

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ در برخورد با آیات الهی

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچنین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

کافران و ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ -

۲۷- < قال رسول الله (ص) : إذا جمع الله الأولين و الأخرين و قضى بينهم و فرغ من القضاء . . . الكافرون . . . يأتون إبليس فيقولون : . . . قم أنت فاشفع لنا فإنك أنت أضللتنا فيقوم إبليس . . . و يقول عند ذلک : < إن الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فاخلفتكم . . . > ;

از رسول خدا(ص) روايت شده است كه فرمود: آن گاه كه خداوند اولين و آخرين انسانها را جمع كرد و ميان آنان حكم نمود و از حكم كردن فارغ شد . .. كافران ... نزد ابليس آيند و گويند:... تو برخيز و براى ما شفاعت كن; پس همانا تنها تو ما را گمراه كردى. پس ابليس مى ايستد ... و در اين هنگام مى گويد: <إن الله وعدكم وعد الحق و وعدتكم فاخلفتكم...>.

كافران و احسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۲

۲ - احسان (نيک كردارى و نيكى كردن به ديگران) ، هدف و فلسفه درخواست كافران از بازگشت دوباره به زندگى دنيايى

لو أنّ لى كرّه فأكون من المحسنين

<إحسان> هم شامل نيكى به خود مى باشد و هم نيكى به ديگران (لسان العرب). اين واژه در آيه شريفه ممكن است به هر دو معنا باشد.

كافران و احياى مردگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۲ - ۲

۲ - تبديل دوباره استخوان هاى پوسيده مردگان به انسانى كامل ، امرى ناممكن در نظر كافران

قالوا أءذا

متنا . .. أءنّا لمبعوثون

کافران و ارزشها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۱

۱۱ – استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا اللّه کثیرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا اللّه کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا اللّه کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

کافران و استماع قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۵

۵– کافران ، مخفیانه اقدام به استماع آیه های قرآن نموده و یکدیگر را بر این کار ملامت می کردند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی

احتمال دارد مراد از <إذ هم نجوی> – همان گونه که در برخی شأن نزولها آمده است کافرانی باشد که مخفیانه، اقدام به استماع سخنان پیامبر(ص) می کردند و با مشاهده یکدیگر به صورت نجوا، به ملامت یکدیگر می پرداختند.

کافران و اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳ – ۱۶،۱۷

۱۶ کافران تا آخرین سال های حیات پیامبر (ص) ، از شکست دادن اسلام ناامید شده بودند .

الیوم یئس الذین کفروا من دینکم

چون تمام وقایعی که آیه شریفه، می تواند ناظر به آنها

باشد با توجه به شأن نزولها در آخرین سالهای عمر شریف پیامبر(ص) اتفاق افتاده است.

۱۷ امید کفار و دشمنان اسلام به شکست اسلام ، تا پیش از نزول آیه < الیوم یئس الذین کفروا >

الیوم یئس الذین کفروا من دینکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۷ – ۵

۵ برخی از اهل کتاب همسو با کافران ، در رویارویی با اسلام

لاتتخذوا الذین . .. من الذین اوتوا الکتب من قبلکم و الکفار أولیاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۸ – ۳

۳ مبارزه تبلیغاتی کافران و اهل کتاب علیه اسلام ، با استهزای نماز و اذان و بازیچه خواندن آن

و إذا نادیتم إلی الصّلوه اتخذوها هزواً و لعباً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۰ – ۴

۴ کافران همواره در حال برنامه ریزی و توطئه علیه اسلام و بنیاد های دین

إذ یمکر بک . .. و یمکرون

جمله <إذ یمکر . .. > گزارشی از مکرهای گذشته کافران دارد و جمله <یمکرون> خبر از توطئه گریهای آینده آنان می دهد. بیان این خبر با فعل مضارع حاکی از استمرار این توطئه گریهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۱،۳،۸،۱۱

۱ جوامع کفرپیشه همواره مهیای صرف دارایی های خویش برای جلوگیری از گسترش اسلام

إن الذين كفروا ينفقون اموالهم ليصدوا

انفاق مال به معنای مصرف كردن دارایی و هزينه كردن آن است و مراد از <ينفقون>، به قرينه <سينفقونها>،

که اخبار از تحقق سرمایه گذاری است، بیان حالت کافران می باشد. یعنی کافران برای جلوگیری از انتشار اسلام آماده سرمایه گذاری هستند و از انفاق مال دریغی ندارند.

۳ تلاش کافران و صرف هزینه های کلان برای جلوگیری از گسترش اسلام ، بی اثر است .

ثم تکون علیهم حسره

۸ شکست نهایی ، سرنوشت محتوم کفرپیشگان ستیزه گر علیه اسلام و راه خدا

ثم یغلبون

۱۱ مبارزات گذشته کافران علیه اسلام ، مانع پذیرش آنان در زمره مسلمانان نخواهد شد .

ثم یغلبون و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

انتهاء به معنای پذیرش نهی است ; یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۶،۷

۶ لزوم ترک مبارزه با کافران در صورت دست برداشتن از فتنه انگیزی علیه اسلام و ایجاد مزاحمت برای گسترش دین خدا

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

متعلق <انتهوا> به قرینه فرازهای پیشین، فتنه انگیزی و جلوگیری از حاکمیت یافتن دین الهی است.

۷ خداوند با بیان نظارت خویش بر اعمال کافرانِ دست کشیده از مبارزه علیه اسلام ، مسلمانان صدر اسلام را از

غافلگیر شدن در توطئه های آنان ایمنی بخشید .

فإن انتهوا فإن اللّه بما یعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرایش پیدا کردن کافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم یأْیئس الذین ءامنوا أن لو یشاء الله لهدی الناس جمیعًا

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم یأْیئس الذین ءامنوا> و بیان این حقیقت که امر هدایت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند که مؤمنان خواهان آن بودند که معجزات درخواستی کافران تحقق یابد، شاید که آنان هدایت شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۱،۳

۱– آرزو و علاقه فراوان کافران به مسلمان بودن ، آن گاه که فرصتِ اسلام آوردن را از دست بدهند .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

مراد از <یودّ> به قرینه فعل ماضی <کانوا> مطلق دوست داشتن نیست، بلکه به معنای تمنا و آرزوست. و <ربما> در آیه به معنای تکثیر استعمال شده است.

۳– آرزوی کافران برای پذیرش اسلام ، بسیار کم است . *

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <ربما> همان گونه که رایج است در قلّت و <یودّ> در همان معنای خودش (یحبّ) استعمال شود. آیه بعد (ذرهم یأکلوا و یتمتعوا ...) قرینه و تأییدی است بر برداشت فوق.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۳ – ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در

برابر آيات روشن و دلايل كافى توحيد و اسلام ، بيان وضعيت بهتر اقتصادى و اجتماعى خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذين كفروا للذين ءامنوا . .. أىّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

لام در <للذين آمنوا> ممكن است براى تبليغ باشد. در اين صورت مؤمنان مخاطب كافران خواهند بود. همچين مى تواند براى تعليل بوده و مراد اين باشد كه كافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش يادشده را مطرح كرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۶ - ۲

۲ - قضاوت كافران درباره اسلام و مسلمانان ، قضاوتى بى اساس و بدون پايه عقلانى و منطقى است .

ما لكم كيف تحكمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - كافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۲

۲ - كافرانى كه در ادعا ، آماده سازش بودند ، زمينه پذيرش دين پيامبر (ص) را نداشتند .

و لى دين

كافران و انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ بسيارى از رسولان الهى قبل از پيامبر(ص)، مورد تمسخر و استهزاى كافران قرار گرفتند.

و لقد استهزىء برسل من قبلك

۲ درگيرى و مبارزه كافران با پيامبران الهى در طول تاريخ جريان داشته است.

و لقد استهزىء برسل من قبلك

۳ تمسخر و استهزاى پيامبران الهى، شيوه كافران در طول تاريخ بوده است.

و لقد استهزیء برسل من قبلك . .. ما كانوا به يستهزءون

۴ استهزای وعیدها و تهدیدهای پیامبران الهی، از شیوه های مبارزه کافران با انبیا در طول تاریخ

و لقد

استهزیء برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به

بنابراین که مقصود از <ما کانوا به یستهزءون>، عذاب موعود الهی باشد که در محتوای پیامهای انبیا(ع) ذکر می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱ - ۴

۴ گستردگی دعوت انبیا و مخالفت کافران با آنها، در پهنه زمین

قل سیروا فی الأرض ثم انظروا

<الأرض>، به معنای تمامی زمین است که به عنوان عرصه سیر و مطالعه آثار گذشتگان معرفی شده است لذا چنین برمی آید که پیامبران در تمامی زمین حضور داشته و مکذّبان نیز بهمین صورت در زمین پراکنده بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزئَ برسل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند; به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

کافران و اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۶

۶ کافران زشتکردار عصر جاهلی از سر جهل، انجام کارهای زشت و ناپسند را اجرای فرمان خدا می پنداشتند.

و إذا فعلوا فحشه قالوا . .. الله أمرنا بها

کافران و ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۴ – ۱

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل

کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید . .. فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . .. ان اتقوا اللّه)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

کافران و ایمان به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۲

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءانًا . .. کلّم به الموتی

هر یک از جمله های <سیّرت به الجبال> و <قطّعت به الأرض> و <کلّم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلّم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

کافران و بازگشت به دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷۸

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . .. و لو ردوا

لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۹ - ۳

۳ برخی کافران، حتی در صورت بازگشت به دنیا، زندگی را منحصر به دنیا دانسته و قیامت را انکار می کنند.

و لو ردوا لعادوا . .. و قالوا إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا

جمله <و قالوا> می تواند عطف بر جمله <لعادوا> باشد. یعنی اگر به دنیا بازگردند، به همان روش باطل خودروی آورده و باز هم معاد را انکار می کنند.

کافران و بدعتگذاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۵

۱۵- کافران ، بدعت گذاران در دین را صمیمانه دوست دارند .

لتفتری علینا غیره و إذًا لاَتّخذوک خلیلاً

کافران و تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۰

۱۰- تاریخ ، پیامدار درس های عبرت برای جوامع کفرپیشه

و کأیّن من قریه . .. أهلکنهم فلاناصر لهم

کافران و تحلیل تاریخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۴

۴ کافران به تحلیل صحیح تاریخ نپرداخته و از آن پند نمی گیرند.

ألم یروا کم أهلکنا

استفهام توبیخی <ألم یروا> بیانگر این است که تاریخ گذشتگان قابلیت پندآموزی و عبرت گرفتن دارد، ولی کافران در پی آن نیستند.

کافران و ترویج غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۵،۸

۵ - کافران مکه برای بازداشتن مردم از گوش فرا دادن به آیات قرآن و سخنان پیامبر (ص) کنیزان

آوازه خوان را می خریدند و مردم را به آواز مشغول می کردند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

منظور از <لهوالحدیث> طبق برخی از شأن نزول ها، غنا است که به وسیله کنیزانی خوانده می شد. لازم به گفتن است که طبق این معنا <اشتراء> حقیقی است.

۸ - غنا و نغمه های مفسده انگیز ، ابزار کافران برای گمراه کردن مردم از راه خدا است .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

کافران و ترویج لهو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۲

۲ - برخی از کافران عصر پیامبر ، به منظور دور ساختن مردم از هدایت قرآنی ، داستان های بیهوده را فرامی گرفتند و ترویج می دادند .

و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه

درباره این که <مراد از <من الناس> در این آیه و نیز <خرید حدیث لهو> چیست؟>، مفسران گفته اند، بعضی از کافرانِ مکه، به کشورهایی مانند ایران مسافرت می کردند و کتاب های افسانه می خریدند و یا می آموختند و آنها را به مکه منتقل می کردند و به منظور مبارزه با قرآن، رواج می دادند. لازم به ذکر است که مراد از <سبیل اللّه> در این آیه، به قرینه آیات آغاز سوره، می تواند قرآن باشد.

کافران و تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱

۱ نیل به سعادت دنیا با ترک ایمان و تقوا ، پندار باطل کفرپیشگان بی تقوا

من کان یرید .

.. فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره

خداوند پس از سفارش به تقوا و ترک کفر (وصینا . .. ان اتقوا اللّه)، پاره ای از زیانهای کفرپیشگی و بی تقوایی را برشمرد و با این آیه به علتی از علل گرایش به کفر و بی تقوایی، یعنی توهم رسیدن به سعادت دنیا، اشاره می کند.

کافران و تکذیب عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۱۱

۱۱– کافران پس از مرگ ، به کلی منکر اعمال زشت دنیوی خویش می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... ما کنّا نعمل من سوء

کافران و توحید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۳ – ۷

۷– پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

کافران و ثروت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۸ – ۴

۴ – تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از اموال و ثروت خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

ما أغنى عنّى ماليه

لحن و سياق اين آيه، مى رساند

که کافران این سخن را، از روی تأسف و حسرت به زبان می آورند.

کافران و جلب رضایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۲

۱۲- کافران در روز قیامت ، هیچ راهی برای جلب رضایت خداوند نمی یابند .

ثمّ لایؤذن للذین کفروا و لا هم یستعتبون

<إستیعاب> (مصدر یستعتبون) به معنای درخواست از بدی کننده برای بازگشت از بدکاری و جلب رضایت کسی که به او بدی شده است، می باشد. بنابراین معنای جمله <و لا هم یستعتبون> چنین خواهد بود: از آنان نخواهند که عذرخواهی کنند و یا کاری کنند که خدا از ایشان راضی شود.

کافران و حشر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۷ - ۱،۲

۱ - گمان کافران ، به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت

زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا

۲ - اعتقاد کافران به برانگیخته نشدن انسان ها در قیامت ، مبتنی بر گمان است ; نه یقین و علم .

زعم الذین کفروا أن لن یبعثوا

برداشت یاد شده، به این دلیل است که ماده <زعم>، بیشتر در معنای <ظن> (گمان) و نیز درباره چیزی که مورد تردید بوده و اثبات نشده است، به کار می رود.

کافران و حق بینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۳

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر)

و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و حق شنوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۱ – ۳

۳ – کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و حق گویی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۱ – ۳

۳ – کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

کافران و حقانیت اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۱۱

۱۱– اِخبار خداوند به آشکار شدن حقانیت اسلام ، برای کافران صدراسلام در آینده

ربما یودّ الذین کفروا . .. فسوف یعلمون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مفعول و متعلق علم در <یعلمون> حقانیت اسلام باشد که مورد انکار آنان

بود.

کافران و حوادث طبیعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۷ - ۲

۲ - کافران و ناباوران به رستاخیز ، در زندگی فاقد تکیه گاه مطمئن بوده و در مواجهه با حوادث ، زود خود را می بازند و دچار یأس و احساس حرمان می شوند .

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون . بل نحن محرومون

روی سخن در این آیات، با کافران و کسانی است که در برابر مسأله معاد، موضع گیری ناباورانه دارند.

کافران و درخواست معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۳

۳ کفرپیشگان عصر بعثت علی رغم نزول پی در پی آیات و سوره های قرآن خواستار نزول معجزه ای دیگر بودند .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه

کافران و دعوت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۲

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع إلا دعاءً و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا . .. إلا دعاءً و نداءً> چنین می شود: مَثَل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مَثَل گوسفندان و چوپان آنهاست; همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

کافران و دعوت به خدا

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - کافران مجرم ، تنها ، منکر رسالت پیامبراسلام (ص) نبودند ، بلکه هر دعوت کننده به خدا را ، یاوه سرا می دانستند .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

با این که خداوند، آورنده معجزه را، تنها پیامبر(ص) معرفی فرموده است (لئن جئتهم) اما آنان در جواب، جمعی را مخاطب قرار می دهند (إن أنتم. ..) این حقیقت را حکایت می کند که آنان، هر دعوت کننده ای را دارای چنان وصفی می پندارند.

کافران و دعوت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۹

۹ - از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده : < مثل الذین کفروا فی دعائک إیاهم أی مثل الداعی لهم إلی الإیمان کمثل الناعق فی دعائه المنعوق به من البهائم التی لاتفهم و إنما تسمع الصوت فکما ان الأنعام لایحصل ل ها من دعاء الراعی إلا السماع دون تفهم المعنی فکذلک الکفار لایحصل لهم من دعائک إیاهم إلی الإیمان إلا السماع دون تفهم المعنی ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند>.

کافران و دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضافه آن به مردم اشاره به این حقیقت دارد که منفعت برنامه های دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسد. ب: <اتخذوا> از افعال تصییر است. یعنی: بدلوا دین اللّه لهوا و لعبا. و تبدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

کافران و ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۸

۸ کافران و مشرکان ، منکر ربوبیت مطلق خدا هستند و همواره در برابر آن ایستاده و در این راه پشتیبان یکدیگراند .

و یعبدون من دون اللّه . .. و کان الکافر علی ربّه ظهیرًا

<الف و لام> در کلمه <الکافر> برای استغراق است و این کلمه شامل تمامی کافران می شود. <ظهیر> (فعیل به معنای فاعل) نیز به معنای معین و پشتیبان است. گفتنی است آمدن فعل <کان> در آغاز مبتدا و خبر، بیانگر استمرار خبر برای مبتدا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت

۲ - ۲۹ - ۴۱ -

۲ - کشف و ظهور ربوبیت بی همتای الهی در قیامت ، برای کافران

و قال الذین کفروا ربّنا

از اقرار کافران به ربوبیت الهی (ربّنا)، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ - کافران مجرم ، تنها ، منکر رسالت پیامبراسلام (ص) نبودند ، بلکه هر دعوت کننده به خدا را ، یاوه سرا می دانستند .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

با این که خداوند، آورنده معجزه را، تنها پیامبر(ص) معرفی فرموده است (لئن جئتهم) اما آنان در جواب، جمعی را مخاطب قرار می دهند (إن أنتم. ..) این حقیقت را حکایت می کند که آنان، هر دعوت کننده ای را دارای چنان وصفی می پندارند.

کافران و رؤیت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ < عن أبی جعفر (ع) إذا أراد اللّه قبض روح الکافر ، قال : یا ملک الموت انطلق أنت و أعوانک إلی عدوّی . . . فاقبض روحه حتّی تکبه فی النار . . . فإذا بلغت الحلقوم ضربت الملائکه وجهه و دبره . . . و ذلک قوله < یوم یرون الملائکه لابشری یومئذ للمجرمین و یقولون حجراً محجوراً > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: زمانی که خداوند اراده قبض روح کافر را کند، به ملک الموت امر می نماید که همراه یارانت به سوی دشمن من بروید. .. پس بگیر روحش را تا

آنکه او را به روی در آتش افکنی ... آن هنگام که جان او به گلو می رسد، ملائکه بر صورت و پشت او می زنند ... و این سخن خداوند است: <یوم یرون الملائکه لابشری یومئذ للمجرمین...>.

کافران و زینتها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۲ – ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغیر هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

کافران و سختی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۷

۷ منکران رسالت انبیا با استناد به وجود سختی ها و آسایش ها در تاریخ نیاکان خویش ، دشواری های بیدارکننده زندگی خود را پدیده ای عادی و خالی از هر گونه هدف و پیام می پنداشتند .

ثم بدلنا . .. قالوا قد مس ءاباءنا الضراء و السراء

کافران و سخنان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۷ – ۱،۳،۴

۱– آگاهی کامل خداوند ، به هدف ها و انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به کلمات پیامبر (ص)

نحن أعلم بما یستمعون به

<با> در <بما> برای سببیت است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: ما به غرض

و انگیزه ای که کافران به خاطر آن به سخنان پیامبر(ص) گوش فرامی دهند علم داریم.

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سرّی می پرداختند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی إذ یقول

<إذ هم نجوی> و إذ یقول الظالمون> بدل <إذ یستمعون إلیك> است. با توجه به این نکته، معنای آیه چنین می شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت وگوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

۴- خداوند ، با افشای انگیزه های کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر (ص) ، آنان را مورد تهدید قرار داد .

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

اعلام اطلاع خداوند از گوش دادن کافران به سخنان پیامبر(ص) و آگاهی از گفت وگوی آنها، برای تهدید و هشدار به آنان است.

کافران و سنّت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قیل لهم تعالوا . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

کافران و شعر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۱

۱۱ – استفاده کافران از شعر ، در هجو

ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا اللّه کثیرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا اللّه کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا> می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا اللّه کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

کافران و شکست مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۵

۵ - کافران ، همواره در کمین شکست و اضمحلال جامعه مؤمنان اند .

إنّهم منتظرون

متعلق انتظارِ کافران، به قرینه دشمنی آنان با مؤمنان، می تواند انتظار شکست مؤمنان باشد.

کافران و شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۷ - ۱۶

۱۶ کافران و منکران آیات الهی تحت نفوذ و ولایت شیاطین هستند.

ذلک من ءایت الله . .. إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون

جمله <ذلک من آیات الله> در آیه قبل می تواند بیانگر متعلق <لا یؤمنون> باشد.

کافران و صحابه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۲ - ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

سبب نزول نقل شـده در ذیل این آیه و نیز لحن آن، گواه چگونگی ترکیب یاران پیامبر(ص) و فقر آنان و نیز نداشـتن موقعیت اقتصادی و شؤون اجتماعی است. و همین امر موجب اعتراض و

واکنشهایی از سوی کافران ثروتمند و قدرتمند می گشته است.

کافران و طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۹

۹ طاغوت ها ، شیطانند و کافران ، یاوران آنها

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

بدان احتمال که مراد از شیطان همان طاغوت باشد ; در این صورت مقصود از اولیاء شیطان به دلیل فای تفریع کافران خواهد بود.

کافران و طیبات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۹

۹ جواز استفاده مؤمن و کافر از زیباییها و روزیهای پاکیزه خدا در دنیا

قل هی للذین ءامنوا فی الحیوه الدنیا خالصه یوم القیمه

کلمه <خالصه> حال است برای <هی> و <یوم القیامه> متعلق به آن می باشد. ذکر نشدن این کلمه در مورد <الحیاه الدنیا> حاکی از انحصاری نبودن مواهب دنیا برای مؤمنان است. یعنی: قل هی للذین آمنوا و لغیر هم فی الحیاه الدنیا و لهم خالصه یوم القیامه.

کافران و ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبی ابراهیم قال: . .. <ثم الذین کفروا بربهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الذین . .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر

قرار می دهند.

کافران و ظلمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱ – ۱۴

۱۴

عن أبی ابراهیم قال: . .. <ثم الذین کفروا بربهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الـذین . .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و عبادت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا یکونون علیه لبدًا

مفسـران و اهل لغت، <لِبَِد> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضـمیر فاعلی <کادوا> و <یکونون> دو نظر ارائه داده انـد. برخی آن را مشـرکان و کـافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسـته انـد که برای اسـتماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

کافران و عدالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبی ابراهیم قال: . .. <ثم الذین کفروا بربهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الـذین . .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و عذاب دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۴

۱۴ کفرپیشگان و ستمگران ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی اند

.

و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون

کافران و عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۵

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

کافران و فروع دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۳ - ۶

۶ - مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلی السجود و هم سلمون

کافران و فصاحت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۳ - ۹

۹- فصاحت عالی قرآن و بیان روشن آن ، مورد قبول همگان حتی کافران و مشرکان

و هذا لسان عربیّ مبین

استدلال خداوند در ردّ ادعای کافران، مبتنی است بر آنکه فصاحت قرآن مورد قبول آنها باشد.

کافران و فهم دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴،۶

۴ - نـاتوانی کفرپیشـگان از دیـدن و شـنیدن حقـایق دینی و بـازگویی آنهـا ، ایشـان را از درک معـارف دین و حقـایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم . .. فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن

با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند; یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۹

۹ جوامع کفرپیشه ، جوامعی به دور از درک حقایق دین و معارف الهی

بأنهم قوم لایفقهون

با توجه به اینکه ایمان و کفر تعیین کننده توانایی و ناتوانی دانسته شده، معلوم می شود مفعول حذف شده از <لایفقهون> همان حقایق و معارف است که اهل ایمان بدان باور دارند.

کافران و قدرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۹ - ۴

۴ - تأسف و حسرت شدید کافران دوزخی ، از بهره مناسب نبردن از قدرت و توانمندی خویش و ذخیره نکردن آن برای سعادت اخروی

هلك عنّی سلطنیه

کافران و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۶

۶ پایبندی کفرپیشگان به افکار و آراء گذشتگان خویش مانع پذیرش تعالیم قرآن و رسول خدا (ص)

و إذا قیل لهم تعالوا . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۹

۹ رویگردانی، تکذیب و تمسخر، مراحل مبارزه و رویارویی کافران با آیات الهی و قرآن*

ما تأتیهم من ءایه . .. إلا كانوا عنها معرضین. فقد كذّبوا بالحق ... ما كانوا به ی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ افسانه خواندن قرآن، از شیوه های مبارزه كافران و مشركان

با اسلام

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۶ – ۳،۴،۷

۳ افسانه خواندن قرآن و کهنه دانستن مطالب آن، از ترفندهای کافران برای جلوگیری از گوش فرادادن مردم به آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین. و هم ینهون عنه

<اول> به معنای آغاز است، و مراد کافران از این اتهام کهنه بودن مطالب قرآن می تواند باشد.

۴ کافران با پرهیز از گوش فرا دادن به قرآن و جلوگیری مردم از آن، ناخودآگاه خود را به هلاکت می افکنند.

و إن یهلکون إلا أنفسهم و ما یشعرون

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن یهلکون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۸ – ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل

بدالهم ما كانوا يخفون

چون در آيات قبل سخن از تكذيب قرآن و آيات الهى بود، مراد از <ما كانوا يخفون> مى تواند موارد مذكور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۵ - ۵

۵ آيات گوناگون قرآن مايه تقويت بينش آگاهان و منجر به بهانه جويى كافران خواهد شد.

و ليقولوا درست و لنبينه لقوم يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۴،۵

۴ خداوند كافران را به گوش فرادادن به آواى قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربكم . .. إذا قرى القرءان فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه خطاب در <فاستمعوا . .. > شامل كافران نيز باشد.

۵ گوش سپارى كافران به آواى قرآن ، زمينه ساز دستيابى آنان به هدايت و رحمت الهى خواهد شد .

و إذا قرى القرءان فاستمعوا له و أنصتوا لعلكم ترحمون

چنانچه خطاب در آيه شامل كافران باشد، مصداق مورد نظر از رحمت در <ترحمون> هدايت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳،۵

۳ اظهار آگاهى كافران از محتواى قرآن و غير مهم جلوه دادن آن ، از حيله هاى آنان عليه پيامبر (ص)

و يمكرون . .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطير

جمله <ان هذا . .. > دلالت مى كند بر اينكه مقصود از <مثل هذا> همانندى در محتواى قرآن بوده است.

۵ معرفى قرآن به عنوان افسانه هاى كهن و دروغين از ترفند هاى كافران براى مقابله

با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطير الأولين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۸

۸ مؤمنان عصر بعثت ، خواهان ظهور معجزه ای برای گرايش پيدا كردن كافران به اسلام و قرآن بودند .

أفلم يأْيئس الذين ءامنوا أن لو يشاء الله لهدى الناس جميعًا

اعتراض خداوند به مؤمنان با جمله <أفلم يأْيئس الذين ءامنوا> و بيان اين حقيقت كه امر هدايت و ضلالت به دست خداوند است نه وابسته به ارائه معجزه، می رساند كه مؤمنان خواهان آن بودند كه معجزات درخواستی كافران تحقق يابد، شايد كه آنان هدايت شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۲

۲- آرزوی عميق كافران به تسليم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی يا مرگ

تلك ءايت الكتب و قرءان مبين . ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين

محتمل است كه متعلق <كفروا> قرآن باشد كه در آيه قبل آمده است و آرزوی كفار به تسليم بودن، بنابر قاعده، بايد پس از مواجهه با حادثه ای باشد كه رهايی از آن ممكن نيست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴ – ۱

۱ كافران ، منكر نزول وحی بر پيامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذين كفروا إن هذا إلّا إفك افتريه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۱۸

قرآن کریم در نگاه کافران ، فراتر از کلام عادی است و تأثیری در حد سحر دارد .

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلاّ سحر مبین

از سحر دانستن قرآن، استفاده می شود که مشرکان، قرآن را کلامی فراتر از کلام معمولی و دارای تأثیری فوق العاده می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۴

۴ - کفرپیشگان حق ستیز ، ناتوان از برخورد منطقی با پیامبر (ص) و قرآن

و قال الذین کفروا لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد . .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۶

۶ - اعتراف ضمنی کافران ، به تأثیر شگرف و خارق العاده قرآن و معجزات پیامبر (ص)

و إن یروا ءایه . .. و یقولوا سحر مستمرّ

وصف <سحر مستمرّ> گرچه در مقام تنقیص بیان شده; اما به طور غیر مستقیم به تأثیر خارق العاده کارها و گفته های اعجازی پیامبر(ص) اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۶ - ۳

۳ - قرآن و کلام الهی ، دارای جاذبه بسیار ; حتی برای کافران لجوج و حق ناپذیر

فمالِ الذین

کفروا قبلک مهطعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۴ - ۳

۳ - روی گردانی کافران از قرآن ، به دلیل ناتوانی آنان از درک مفاهیم آن است و افسانه دانستن آن ، بهانه ای بیش نیست .

قال أسطیر الأوّلین . کلاّ بل ران علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۵

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و اللّه أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکـذیب می کردند; ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

کافران و قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان ، قیامت را امری گزاف و طرح آن را از سوی پیامبر (ص) چون سحر ، نیرنگی روشن قلمداد می کردند .

إن هذا إلاّ سحر مبین

<هـذا> به گفتار پیامبر(ص) مبنی بر زنده شدن مردگان و برپایی قیامت اشاره دارد. اطلاق <سـحر> بر این گفتار و ادعا، از باب تشبیه است و وجه شـبه آن بطلان و نیرنگ می باشد; یعنی، این سخن ظاهری فریبنده و باطنی پوچ و بی اساس دارد و در بطلان و نیرنگ بازی، همانند سحر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۷

۷ – کافران ، در پی تحقق قابل مشاهده قیامت بودند .

و

يقولون متى هذا الفتح

<فتح> می توانـد به معنای <فصل> باشـد. در این صورت، به قرینه آیه بیست و پنـج و آیه بعـد، مراد از <هذا الفتح> می تواند قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۴

۴ - کافران مستکبر ، مدعی نامفهوم بودن قیامت برای ایشان

قلتم ما ندری ما الساعه

کافران و کتاب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

کافران و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۴

۴- کافران دوران های قبل از اسلام در برخورد با کتاب آسمانی خویش ، مثل کافران صدراسلام عمل می کردند .

هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم

کافران و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان

حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما کانوا یخفون> می تواند موارد مذکور باشد.

کافران و گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، با رو به رو شدن با گواهی شاهدان علیه خود ، به عذرخواهی خواهند پرداخت .

و یوم یقوم الأشهد . یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که عبارت <یوم لاینفع . ..> بدل برای <یوم یقوم الأشهاد> می باشد.

کافران و مالکیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۳،۵

۳ کافران، معترف به مالکیت

مطلق خداوند بر جهان هستی

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جواب خداوند به سؤال مطرح شده و منتظر جواب کافران نماندن، بداهت و مورد اعتراف بودن جواب را می رساند.

۵ خودداری کافران از اعتراف به مالکیت مطلق خداوند، علی رغم آگاهی بدان

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

کافران و ماههای حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱۲

۱۲ < عن رسول اللّه فی قوله تعالی < یحلونه عاماً و یحرمونه عاماً > کانوا یحرّمون المحرم عاماً و یستحلون صفر و یحرّمون صفر عاماً و یستحلّون المحرّم . . . ;

از رسول خدا (ص) درباره آیه فوق روایت شده است: [کافران] یک سال، محرم را ماه حرام و صفر را حلال و یک سال، صفر را ماه حرام و محرم را حلال می شمردند>.

کافران و مثالهای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۶ - ۸

۸ - کافران ، تمثیل به پشه و مانند آن را امری ناروا ، نامعقول و به دور از شأن خداوند می پنداشتند .

و أما الذین کفروا فیقولون ماذا أراد اللّه بهذا مثلا

با توجه به اینکه کفرپیشگان قرآن را نپذیرفته بودند معلوم می شود: جمله <ماذا أراد اللّه . ..; خداوند چه هدفی را از این مثلها تعقیب می کند> بدین معنا نیست که آنان باور داشتند که این مثلها از جانب خداوند است و در توجیه آنها درمانده بودند; بلکه مقصود آنان این بود که چون آن گونه مثلها ناپسند، بی هدف و نامعقول

است، نمی تواند نازل شده از جانب خداوند باشد.

کافران و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۴

۴ اتهام سحر، وسیله ای برای مبارزه کافران با رسالت پیامبر(ص) و آیات الهی

لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰ - ۵

۵ استهزای کفار نسبت به پیامبر اکرم(ص)، با درخواست نزول کتاب ملموس و مشاهده فرشتگان

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه . .. و لقد استهزیء برسل من قبلک

یادآوری استهزا شدن انبیای گذشته برای تسلی پیامبر(ص)، پس از بیان بهانه جوییها و توقّعات بیجای کافران چنین می نماید که همین بهانه جوییها، از مصادیق استهزاگری کافران در مورد رسولان الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۲

۱۲ ناتوانی کافران از مقابله با قرآن و پیامبر اکرم(ص)

حتی إذا جاءوک یجدلونک یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

پناه بردن مشرکان به جدل و اتهام، گویای این است که هیچ راه منطقی و صحیحی برای مقابله با قرآن و پیامبر(ص) وجود نداشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۲،۷

۲ پرهیز کافران مکه در صدر اسلام از گوش فرادادن به قرآن

و سخنان آسمانی پیامبر(ص)

و ینئون عنه

<نَأَیَ> به معنی دور شدن است و <ینئون عنه> یعنی مشرکان از قرآن و وحی دوری می گزینند.

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن یهلکون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۳،۵،۹

۳ پیامبر اکرم(ص) مورد تکذیب و زخم زبان و آزار کافران بود.

قد نعلم إنه لیحزنک الذی یقولون

۵ انکار آیات الهی هدف اصلی کافران از تکذیب پیامبر اکرم(ص)

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان عصر بعثت ، پیامبر (ص) را به سبب دعوت به توحید و معاد ، فردی مجنون می پنداشتند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

<جنه> به معنای دیوانگی است. به دلیل آیات بعد که مسأله قیامت و توحید مطرح شده است، می توان گفت این دو مسأله در بین معارف الهی بیشترین نقش را در متهم کردن پیامبر(ص) به جنون داشته است.

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای

ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر) فراخواند .

أو لم یتفکروا ما بصاحبهم من جنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۱،۲

۱ خداوند با برنامه های خویش ، مکر کافران علیه پیامبر (ص) را نافرجام ساخت .

إذ یمکر . .. و یمکر اللّه و اللّه خیر المکرین

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یمکر بک الذین کفروا . .. و اللّه خیر المکرین

<إذ یمکر . .. > عطف بر <إذ أنتم قلیل ... > در آیه ۲۶ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۳

۳ کافران هرگز با نقض پیمان و خیانت به رسول اکرم (ص) نخواهند توانست بر پیامبر (ص) پیشی گیرند و وی را از ادامه رسالت ناتوان سازند .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <سبقوا> و <لایعجزون> پیامبر(ص) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۴

۴ کفر پیشگان ، تأخیر عذاب

را نشانه بی پایه بودن تهدید های پیامبر دانسته و آنها را به استهزا می گیرند .

لئن أخّرنا . .. لیقولنّ ما یحبسه

استفهام در جمله <ما یحبسه> به قرینه <ماکانوا به یستهزءون> به داعی استهزا و تمسخر ایراد شده است. بنابراین <لیقولنّ ...;>; یعنی ، از سر استهزا و تمسخر می پرسند: چه چیز مانع نزول آن عذاب و تحقق تهدیدها شده است؟

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴ – ۱

۱ کافران ، منکر نزول وحی بر پیامبر (ص) بودند و قرآن را دروغ و ساخته و پرداخته او می دانستند .

و قال الذین کفروا إن هذا إلاّ إفکٌ افتریه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۱

۱۱ – استفاده کافران از شعر ، در هجو ارزش های الهی و پیامبر (ص)

و ذکروا اللّه کثیرًا و انتصروا من بعد ما ظلموا

قیدهای <ذکروا اللّه کثیراً> و <انتصروا من بعد ما ظلموا>

می تواند نشانگر این باشد که شاعران جاهلی، ارزش های الهی و شخص پیامبر(ص) و مسلمانان را هجو می کردند و خداوند ضمن تشویق شاعران مسلمان به تبلیغ ارزش های الهی (و ذکروا اللّه کثیراً)، مقابله به مثل را نیز برای آنان تجویز کرده است (وانتصروا من بعد ما ظلموا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱،۷،۱۲

۱ - پیامبر (ص) به صبر در برابر تبلیغات سوء کافران ، موظف بود .

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

متعلق صبر، محذوف است که به قرینه <و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا. ..> می تواند بر خوردهای ایذایی و تبلیغاتی سوء کافران باشد.

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را برای حفظ اقتدار روحی خویش و راه ندادن هیچ گونه اضطرابی به خود ، در برابر تبلیغات کافران ، فرمان داده است .

إن أنتم إلّا مبطلون. .. فاصبر... و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

۱۲ - امکان آسیب پذیری روحی پیامبر (ص) در برابر تبلیغات و اذیت های کافران

و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱ - ۶

۶ - کافران و منافقان ، در صدد بودند تا پیامبر (ص) را از اهداف خود باز دارند و کاری کنند تا آن حضرت ، خواسته هایشان را قبول کند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین

دستور صریح به پیامبر(ص) مبنی بر اطاعت نکردن از کافران و منافقان و تأکید بر آن در آیه بعد، این نکته را می رساند که گروه های یاد شده، در صدد بودند تا

نظر آن حضرت را به سوی خود جلب کنند. لازم به ذکر است که قضیه ای که درباره سبب نزول آیه وارد شده، برداشت بالا را تقویت می کند. سبب نزول آیه، این است که سران مشرکان از پیامبر(ص) خواستند تا او شفیع بودن بت ها را بپذیرد و اعلام کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴ - ۲

۲ - دفاع خداوند ، از شخصیت پیامبر (ص) در مقابل نارواگویی های کافران

ما جعل اللّه لرجل من قلبین فی جوفه

این آیه در سیاق آیات مربوط به پیامبر(ص) قرار دارد و می تواند با آن آیات، ربط معنوی داشته باشد. در شأن نزول آیه آورده شده است که کسی مدّعِیِ داشتن دو قلب بود و با آن، خود را از پیامبر(ص) برتر می دانست. خداوند، با نفی سخن او برتری دیگران را از پیامبر(ص) نفی و از آن حضرت دفاع کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۷ - ۱

۱ - اجتماع کافران در اطراف پیامبر (ص) ، از هر سو و در قالب دسته های پراکنده بود .

مهطعین . عن الیمین و عن الشمال عزین

<عزین> (جمع <عزه>) به معنای گروه های پراکنده است٠ و <یمین و شمال> در این آیه، کنایه از احاطه همه جانبه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۸

۸ - تلاش گناه پیشگان و ناسپاسان کافر ، برای نفوذ و تأثیرگذاری در پیامبر (ص)

فاصبر . .. و لاتطع

منهم ءاثمًا أو كفورًا

هشـدار خداوند به پیامبر(ص)، مبنی بر اطاعت نکردن از گناه پیشـگان و ناسـپاسان و فرمان به صبر و شـکیبایی در امر رسالت، می رساند که این گروه ها، درصدد تأثیرگذاری بر اراده پیامبر(ص) بودند.

کافران و مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۵

۵- مرگ در دیدگاه کافران ، پایان زندگی انسان است .

و قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنًّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۱ - ۸

۸ - مرگ ، بر خلاف تصور کافران نابودی نیست ، بلکه رخدادی هدف دار و به منظور حضور انسان ها در پیشـگاه پروردگار است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض . .. قل یتوفّیکم ملك ... ثمّ إلی ربّکم ترجعون

کافران و مسجدالحرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۵

۱۵ تنها پیامبر (ص) و مؤمنان ، دارای صلاحیّت و اهلیّت برای مسجدالحرام هستند ; نه مشرکان و کفار *

و اخراج اهله منه اکبر عنداللّه

با توجّه به اینکه پیامبر (ص) و مسـلمانان را اهل مسـجدالحرام شـمرده است; شایـد کنایه از اهلیّت آنان برای مسـجدالحرام و نا اهلی کفار برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۴

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما کانوا أولیاؤه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۱

۱ سوت کشیدن و کف زدن ، شیوه نیایش کافران مکه در مسجدالحرام و اطراف کعبه

و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

کافران و مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشرکان کمترین خیری را برای مسلمانان نمی پسندیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۵

۵ اظهار ایمان دروغین و داخل شدن در صفوف مسلمانان برای متزلزل ساختن آنان ، از حیله های دشمنان دین

و قالت طائفه . .. لعلّهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ ایمان حُییی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت و یقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حییی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۵ – ۹

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین . .. یقولون

ربّنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآنند که آیه مورد بحث درباره مسلمانانی است که تا قبل از فتح مکّه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۱ - ۶

۶ مسلمانان صدر اسلام ، در معرض فتنه و آسیب از سوی کافران به هنگام سفر

و إذا ضربتم فی الارض . .. ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۹

۱۹ کافران در اندیشه تهاجمی یکباره به مسلمین در شرایط مناسب

ودالذین کفروا لو تغفلون عن اسلحتکم و امتعتکم فیمیلون علیکم میله واحده

کلمه <میل> هنگامی که به <علی> متعدی شود، به معنای هجوم بردن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند ، کافران ستیزه گر عصر بعثت را به ترک مبارزه علیه اسلام و مسلمانان فراخواند .

قل للذین کفروا إن ینتهوا یغفر لهم

انتهاء به معنای پذیرش نهی است ; یعنی انجام ندادن کاری بر اثر نهی شدن از آن. بنابراین با توجه به اینکه متعلق <ینتهوا> شرارتهای کافران علیه مسلمانان است، جمله <ان ینتهوا> دلالت می کند که خداوند کافران را از تعرض به مسلمانان نهی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۳ - ۱۳

۱۳- هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی

أوحينا إليك . .. و إذًا لاَتّخذوك خليلًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۶ – ۲

۲ – قضاوت كافران درباره اسلام و مسلمانان ، قضاوتی بی اساس و بدون پايه عقلانی و منطقی است .

ما لكم كيف تحكمون

كافران و مشيّت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۱ – ۱۲

۱۲ برخی مشركان و كافران عنود، با نقش مشيت الهی در تأثير اسباب آشنا بودند.

ما كانوا ليؤمنوا إلا أن يشاء الله و لكن أكثرهم يجهلون

كافران و معاد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۹ – ۹،۱۰

۹– دروغ پردازی دائمی كافران درباره معاد

و أقسموا بالله . .. لايبعث الله من يموت بلی وعدًا عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

۱۰– بی اطلاعی كافران در دنيا ، از دروغ گويی خويش درباره رستاخيز

و أقسموا بالله . .. لايبعث الله من يموت بلی وعدًا عليه ... و ليعلم الذين كفروا أ

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۰ – ۱،۵،۶،۷،۹

۱ – كافران در حيات دوباره انسان ، پس از ناپديد شدن اجزای او در خاك ، تشكيك كردند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّا لفی خلق جدید

۵ - از نظر کافران ، پیوستن اجزای پراکنده بدن مردگان ، در قیامت ، امری مستبعد است .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّا لفی خلق جدید

<ضللنا> دو معنا دارد: یکی دفن شدن در قبر و دیگری، تبدیل به خاک شدن به گونه ای که

از دیگر اجزای خاک نتوان تمیز داد. طبق معنای دوم، اجزای بـدن انسان از هم جـدا شـده و در میان خاک ها پراکنـده خواهد شد. بازآفرینی چنین حالتی، برای کافران، مستبعد بوده است.

۶ - کافران ، در انکار معاد ، تنها متکی بر استبعادند .

أءنّا لفی خلق جدید

۷ - انکار لقای پروردگار و نفی هرگونه مسؤولیت از انسان ، انگیزه اصلی کافران در محال شمردن معاد است .

و قالوا أءذا . .. بل هم بلقاء ربّهم کفرون

۹ - کافران ، نه تنها در معاد تردید دارند بلکه منکر صریح آن اند .

و قالوا أءذا ضللنا فی الأرض أءنّا لفی خلق جدید بل هم بلقاء ربّهم کفرون

احتمال دارد که <بل هم بلقاء ربّهم کافرون> ترقی از <أءذا ضللنا. ..> به جزم در نفی معاد باشد. لازم به ذکر است که مراد از <لقاء ربّ> در صورتی که معادل با معاد باشد، نکته یاد شده را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۲ - ۷

۷ - کافران ، مدعی کافی نبودن دلایل وحی برای اثبات معاد و اعتقاد به آن

و إذا قیل . .. و الساعه لاریب فیها قلتم ما ندری ما الساعه إن نظنّ إلاّ ظنًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۷ - ۶

۶- پندار و تصویر نادرست کافران ، از مسأله معاد و چگونگی آن

أن أُخرج و قد خلت القرون من قبلی

تعبیر <و قد خلت القرون من قبلی> که به عنوان علت برای انکار معاد از سوی کافر مطرح شده نشانگر آن است که

معاد در پندار آنان، بازگشت به دنیا در زمانی است که هنوز نسل های بعد در زمین زندگی می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۴ - ۴

۴ - انکار معاد ، عمده ترین محور مخالفت کافران با پیام دین

هذه النار الّتی کنتم بها تکذّبون

از سرزنش شدن کافران، به خاطر تکذیب دوزخ و حقیقت قیامت، مطلب بالا استفاده می شود.

کافران و معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۲

۲- کافران ، اولیای برگزیده خود (معبود های باطل) را به حال خویش سودمند می پندارند .

أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء

درباره معنای این آیه، توجیهات ادبی مختلفی ابراز شده است. از جمله این که <أن یتّخذوا> مفعول یکم برای <حسب> و مفعول دوم آن <نافعاً> محذوف باشد. برداشت بالا بر این وجه ادبی مبتنی است.

کافران و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۳،۴

۳ رویگردانی و تأثیرناپذیری کافران از هر گونه معجزه الهی

و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

کافران و معجزه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۸

- در صورت اقامه معجزه ای هر چند عظیم ، از سوی پیامبر (ص) کافران ، آن را باطل تلقّی می کردند .

و لئن جئتهم بأیه لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلّا مبطلون

از این که در ابتدا فرموده است: <در قرآن از هرگونه مثلی زده ایم> و سپس می فرماید: <اگر آیه ای بیاوری> می تواند قرینه باشد بر این که مراد از از <آیه> معجزه است و نه آیه قرآن.

کافران و مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۸

۱۸ خداوند ، هیچگونه غلبه فکری و منطقی برای کافران بر انبیا و مؤمنان قرار نداده است .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: لن یجعل اللّه لکافر علی مؤمن حجه . .. لن یجعل اللّه لهم علی انبیائه(ع) سبیلا من طریق الحجه.

عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۲، ح ۵، ب ۴۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۴، ح ۶۳۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۱،۲

۱ کفرپیشگان مستکبر در دنیا سوگند یاد می کنند که خداوند مؤمنان را در آخرت مشمول هیچ رحمتی نخواهد کرد .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

کلمه <رحمه> نکره است و چون پس از نفی واقع شده، معنای عموم از آن استفاده می شود. قابل ذکر است که مراد کافران از <رحمت>، رحمتهای اخروی است. یعنی بر فرض اینکه آخرتی باشد، خداوند رحمتش را شامل حال مؤمنان نخواهد کرد. فعل مضارع <لا ینال> و نیز معقول نبودن نفی تمامی

رحمتها در دنیا این معنا را تأیید می کند.

۲ اهل ایمان ، در دنیا مورد تحقیر کفرپیشگان مستکبر هستند .

أهؤلاء الذین أقسمتم لاینالهم اللّه برحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۵

۵ لشکرکشی برای رویارویی با اهل ایمان ، عملی پسندیده در نظر شیطان زده کفرپیشگان مکه

إذ زین لهم الشیطن أعملهم

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <أعملهم>، به قرینه آیات قبل و فرازهای بعد، لشکرکشی کافران مکه برای حضور در جنگ بدر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۳ - ۱

۱ کافران سزاوار حمایت از یکدیگر ، نه شایسته حمایت کردن از مؤمنان و یا برخوردار شدن از حمایت ایشان

و الذین کفروا بعضهم أولیاء بعض

مقصود از ولایت کافران نسبت به یکدیگر و پشتیبانی آنان از همدیگر، به قرینه فراز بعد (إلا تفعلوه . ..) نفی ولایت بین مؤمنان و کافران است. بنابراین جمله <إن الذین کفروا ... > به این معنی است که مسلمانان نباید عقد ولایی با کافران داشته باشند ; نه آنان را حمایت کنند و نه از ایشان حمایت جویند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۰۹ – ۱

۱ – یادآوری برخورد های مستکبرانه کافران با مؤمنان در

دنیا ، در پی نجات خواهی آنان از دوزخ و ردّ آن از سوی خداوند

ربّنا أخرجنا منها . .. قال اخسئوا ... إنّه كان فريق من عبادى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۳

۳ - کافران ، به صداقت و راستگویی مؤمنان ، باور نداشتند .

و يقولون متى هذا الفتح إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۱

۱ - اظهار تردید کردن کافران در زنده شدن انسان ها پس از مرگ ، هنگام رو به رو شدن با مؤمنان

إنّى كان لى قرين . .. أءذا متنا و كنّا ترابًا و عظمًا أءنّا لمدينون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱،۳

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان ، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلكم الذين كفروا لولّوا الأدبر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم. ..> نظر به آینده داشته باشد; یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

۳ - کافران منهزم شده در جنگ با مؤمنان ، فاقد کم ترین حامی و پشتیبان

لولّوا الأدبر ثمّ لايجدون وليًّا و لانصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران ، از خاطره های دیـدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خندانـدن یکـدیگر می پردازند

.

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَكِه> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

کافران و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۴

۴ داشتن ثروتی بی نیاز کننده از هرگونه داد و ستد با مردم ، و تأمین شدن نیاز های مادی از سوی خداوند و یا داشتن بوستانی پر ثمر ، نشانه درستی ادعا پیامبری در دیدگاه کافران

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

کافران و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

کافران و نبوت محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

کافران و نبوت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۴

۴ کافران، مدعی عدم شایستگی بشر برای احراز مقام رسالت و اختصاص آن به فرشتگان

و لو جعلنه ملکا

کافران و نزول وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از

سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

کافران و نعمتهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۳ – ۶

۶ فرعونیان و کفرپیشگان قبل از آنان در ابتدای تشکلشان امتهایی شایسته برای بهره مند شدن از نعمت های الهی بودند .

فأخذهم اللّه بذنوبهم . .. ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

از نکاتی که می توان از ارتباط این آیه و آیه قبل به دست آورد این است که فرعونیان و امتهای پیش از آنها در ابتدای تشکلشان امتهای کافر و منکر آیات الهی نبودند و این حالت پس از گذشت زمان بر آنان عارض شد.

کافران و نعمتهای دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۸ – ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا

کافران و نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۴۳ – ۶

۶ – مکلف بودن کافران به فروع دین و انجام فرائض (همچون نماز)

یدعون إلی السجود و هم سلمون

کافران و نماز محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۹ - ۴

۴ - ازدحام کافران و مشرکان در اطراف پیامبر (ص) ، برای مشاهده عبادت و نماز آن حضرت

کادوا

یکونون علیه لبدًا

مفسران و اهل لغت، <لِبَد> را به ازدحام معنا کرده و درباره مرجع ضمیر فاعلی <کادوا> و <یکونون> دو نظر ارائه داده اند. برخی آن را مشرکان و کافران مکه و برخی دیگر آن را مؤمنان جن دانسته اند که برای استماع قرآن کریم در اطراف پیامبر(ص) ازدحام می کردند. برداشت یاد شده، مبتنی بر نظر نخست است.

کافران و نور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۴

۱۴ عن أبی ابراهیم قال: . .. <ثم الذین کفروا بربهم یعدلون> قال: یعدلون بین الظلمات و النور و بین الجور و العدل.

امام کاظم(ع) درباره آیه <ثم الذین . .. > فرمود: (کافرانی که برای خدا انباز می گیرند)، ظلمت و نور و ظلم و عدل را برابر قرار می دهند.

کافران و وعده اصلاح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

کافران و وعده های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی

به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

کافران هدایت پذیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵،۶

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذار های پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

برخی برآنند که مراد از <الذین کفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است; یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجیه است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

۶ - برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

کافران هدایت ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۷

۷ برخی از کفار انعطاف ناپذیر و غیر قابل هدایتند.

فإن استطعت أن تبتغی . .. فتأتیهم بأیه

جواب <إن استطعت> محذوف است. یعنی اگر توانستی در زمین و آسمان هر معجزه ای برای آنان بیاوری، بیاور، ولی آنان ایمان نمی آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۵

۵ اگر تمامی موجودات دسته دسته برانگیخته شوند و بر حقانیت پیامبر(ص) شهادت دهند، برخی کافران ایمان نمی آورند.

و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا

<قبلاـ> در این برداشت جمع <قبیـل>، به معنی دسـته و صـنف گرفته شـده است. <و القبیـل الجمـاعه ... من اقوام شتی>. (قاموس اللغه).

کافران هنگام استماع قرآن

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۵

۵ - اتهام جنون به پیامبر (ص) ، به هنگام شنیدن قرآن از سوی کافران

لمّا سمعوا الذکر و یقولون إنّه لمجنون

کافران هنگام تلاوت آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا

بنابراین که <ثمّ> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

کافران هنگام سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۹ - ۸

۸ - مؤمنان ، برخلاف کافران ، تنها در گرفتاری به یاد خدا نیستند ; بلکه در همه حال (خوشی و ناخوشی) رو به خدا می آورند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. أمّن هو قنت ءاناء الّیل ساجدًا ... و یرجوا

برداشت بالا از ارتباط میان آیه شریفه با آیه پیش به دست می آید.

کافران هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۸

۸ کفرپیشگان ، در صورت مواجه شدن با عذاب های الهی ، از نجات دادن خویش ناتوان خواهند بود .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جمله <لیس مصروفاً عنهم> بیان می دارد که عذاب از کفرپیشگان بازگردانده نمی شود و جمله <حاق بهم . ..> به این نکته اشاره می کند که آنان نیز نمی توانند از عذاب بگریزند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلك ءایت الکتب و قرءان مبین . ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشد که در آیه قبل آمده است و آرزوی کفار به تسلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۵ – ۴

۴- کافران ظالم ، پس از مشاهده عذاب الهی و قطعیت کیفر ، خواهان تخفیف و تأخیر مجازات خویشند .

فلایخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

تذکر الهی به عدم تخفیف عذاب و دادن مهلت به ظالمان، اشاره ای به تخفیف و مهلت خواهی آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۲

۲- کافران ، از یاری و نصرت دیگران به هنگام وقوع عذاب محروم خواهند بود .

و لا هم ینصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۲،۵

۲- بهت و حیرت کافران ، به هنگام گرفتار شدن به عذاب الهی

بل تأتیهم بغته فتبهتهم

۵- کافران ، در طول عذاب اخروی ، کمترین مهلت و آسایشی نخواهند داشت .

و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱،۲

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به

هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است; ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد; ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

۲- اعتراف و اقرار کافران به ستم کاری خویش پس از گرفتاری به اندک عذاب الهی

و لئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۱

۱ - مهلت خواهی مجرمان کفرپیشه ، پس از مشاهده عذاب الهی

فیأتیهم بغته . .. فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۱

۱ - امکانات مادی کافران ، بی ثمر به حال آنان ، به هنگام فرا رسیدن عذاب موعود

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون . ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جمله <ما أغنی عنهم. ..> را می توان دو گونه معنا کرد: الف) آن چیزهایی که از آن برخوردار می شدند، به کارشان نمی آید و عذاب را از آنان دفع نمی کند. ب) برخورداری ها، لذت ها و خاطرات شیرین

گذشته، در قبال عذاب الهی هیچ ارزشی نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۸

۸ - کافران ، در لحظه نزول حتمی عذاب استیصال ، اندک مهلتی نخواهند یافت .

یوم الفتح . .. و لا هم ینظرون

بنابراین احتمال که مراد از <یوم الفتح>، روز نزول عذاب استیصال بر کافران باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۷ - ۲

۲ - کافران و مشرکان ، به وقت نزول عذاب الهی بر آنان ، در وضعیت بسیار بد و اسفباری قرار خواهند گرفت .

فإذا نزل بساحتهم فساء صباح المنذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۸ - ۳

۳ - برخی از کافران لجوج و گنه کاران سرمست ، تنها به وقت مشاهده عذاب الهی و یقین به نزول آن ، بیدار گشته و در برابر سخن حق (قرآن) تسلیم شده و از آن پیروی می کنند .

أو تقول حین تری العذاب لو أنّ لی کرّه فأکون من المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - روی آوری کافران به درگاه خداوند ، به هنگام گرفتار آمدن در عذاب

ربّنا اکشف عنّا العذاب

۲- اظهار ایمان و اقرار به ربوبیت خداوند از سوی کافران ، در تنگنا های ابتلا و عذاب

ربّنا اکشف عنّا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۳ - ۱

۱- اظهار ایمان و

التجا به خداوند ، پس از مشاهده عذاب ، اقدامی دیر هنگام و بی ثمر برای کافران

أنّی لهم الذکری

برداشت بالا بنابراین نکته است که تعبیر <أنّی لکم الذکری>، درصدد بی ثمر خواندن ایمان کافران باشد.

کافران هنگام عذاب استیصال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۲

۲ کفرپیشگان و حق ستیزان ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، دست از کفر کشیده ، ایمان خواهند آورد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

کافران هنگام مرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۱

۲۱ کافران در آستانه مرگ ، عذاب دردناك الهی را مشاهده خواهند کرد .

فلايؤمنوا حتی یروا العذاب الأليم

برداشت فوق مبتنی بر این است که الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب برزخی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بیته شیّعته الملائکه إلی قبره . . . و إن کان کافراً خرجت الملائکه تشیّعه إلی قبره تلعنونه . . . ثمّ یدخل علیه ملکا القبر . . . فیقولان له : من ربّك ؟ فیتلجلج و یقول : قد سمعت الناس یقولون فیقولان له : لادریت و یقولان له : ما دینک ؟ فیتلجلج فیقولان له : لادریت و یقولان له : من نبّیک ؟ فیقول : قد سمعت الناس یقولون فیقولان له لادریت و یسأل عن إمام زمانه .

. . و هو قول الله عزّوجلّ : < . . . و یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: آن گـاه که [جنـازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برنـد، ملائکه او را تا قبرش تشـییع می کنند . .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گوینـد: پروردگـارت کیست؟ پس او [در پاسـخ] مردد می شـود و می گویـد: شـنیده ام مردم [این گـونه] می گوینـد. پس به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ به او می گوینـد دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گوینـد: [آیا] نـدانستی؟ پس به او می گوینـد: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شـنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا]ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سـخن خداوند عزّوحلّ است: ... یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۲

۲- آرزوی عمیق کافران به تسلیم شدن در برابر قرآن ، به هنگام مواجهه با عذاب الهی یا مرگ

تلک ءایت الکتب و قرءان مبین . ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

محتمل است که متعلق <کفروا> قرآن باشـد که در آیه قبل آمـده است و آرزوی کفار به تسـلیم بودن، بنابر قاعده، باید پس از مواجهه با حادثه ای باشد که رهایی

از آن ممکن نیست و آن همانا عذاب می باشد.

کافران هنگام ورود به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۱ – ۴،۵،۸،۲۳

۴ – باز شدن درب های دوزخ ، هنگام نزدیک شدن کافران به آن

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

۵ – درب های دوزخ ، پیش از آمدن کافران بسته است .

حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

۸ – کافران به هنگام رسیدن به درب های دوزخ ، مورد سرزنش نگهبانان و دربانان قرار خواهند گرفت .

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که همزه در <ألم یأتکم> برای استفهام توبیخی می باشد.

۲۳ – اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۱،۲

۱ – کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل . . قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبوب جهنّم

۲ – ورود کافران به دوزخ ، از درب های گوناگون خواهد بود .

قیل ادخلوا أبوب جهنّم

کافران هنگام ورود در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۴

۴- اقرار گرفتن خداوند از کافران ، هنگام

مواجهه آنان با آتش دوزخ ، درباره حقانیت تهدید های وحی

و یوم یعرض . .. أليس هذا بالحقّ

به قرینه صدر آیه <هذا> اشاره به آتشی است که کافران در معرض آن قرار گرفته اند.

کافران یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۵ – ۳،۴

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلالگری آنان در راه تحقق اسلام

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم . .. و منهم من صدّ عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۲

۱۲ تحریم طیبات بر تمامی یهود کافر و مؤمن و عذاب قیامت تنها از آن کافران ایشان

حرّمنا علیهم الطیبت . .. و أعتدنا للكفرين منهم عذاباً أليماً

با توجه به جمله <اعتدنا للکفرین منهم> و جمله <حرمنا علیهم الطیبت> که در یکی کلمه <منهم> آمده و در دیگری نیامده، معلوم می شود برای همه یهودیان چه کافر و چه مؤمن طیبات تحریم شده ولی عذاب قیامت، تنها از آن کافران ایشان است.

کثرت اموال کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۵ – ۲

۲ – مشرکان کافر به قرآن ، مدعی برتر بودن

در اموال و فرزند

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذین کفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

کثرت جمعیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۱

۱ - جبهه کفر ، متکی به جمعیت و اتحاد نیرو های خود برای مقابله با حق

أم یقولون نحن جمیع منتصر

<جمیع> خبر <نحن> است; یعنی، ما جماعتی هستیم که با حیثیت جمعی خویش پیروزمندیم.

کثرت فرزند کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۵ - ۲

۲ - مشرکان کافر به قرآن ، مدعی برتر بودن در اموال و فرزند

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و قالوا نحن أکثر أمولاً و أولدًا

احتمال دارد مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>، مترفان (در آیه قبل) باشد و احتمال دارد به قرینه سیاق، <الذین کفروا> (در آیه ۳۱) باشد. برداشت یاد شده، بنابر احتمال دوم است.

کثرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۸

۸ نیرو های شرک و کفر هر چند فراوان باشند ، توان شکست اهل ایمان را ندارند .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت

کثرت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۳

۳ - کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند

و پرفرزند و نفرات بودند .

أن كان ذا مال و بنين

کج اندیشی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۹

۹ - کافران ، گرفتار کجروی و کج اندیشی مداوم اند .

كذلك كانوا يؤفكون

کری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بكم عمى فهم لايعقلون

مفعول <لايعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى . .. أُولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۳

۱۳ کفرورزی کافران ، بیرون از اراده الهی نیست .

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا ی

جمله <یرید اللّه . .. >، بیان دلیلی است برای <لن یضـرّوا اللّه>; یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زنـد و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست; زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیّت از بهره های آخرت

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۴

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان للّه . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع اللّه> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۸

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

جمله <لایحسبن . .. > در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن

را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیات قبل می توان گفت آن پندار برخاسته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیامبر(ص) و شکستن پیمانهای او بوده است. آنان بر این پندار بودند که اگر دستورات پیامبر(ص) از جانب خدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خدای محمد(ص) چیره شده اند. جمله <لایحسبن ... > بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفاد این جمله با توجه به آنچه گذشت این است که هیچ حرکت و رفتاری بیرون از اراده و خواست خداوند نیست.

کفر کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۳ – ۵

۵ – ربوبیت خداوند بر انسان ها مورد انکار کافران عصر بعثت قرار داشت .

من ربّه

چنانچه کافران به ربوبیت خداوند معترف بودند، می گفتند: <ربّنا>.

کفر کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۱

۱– کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۱

۱– اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کفران کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۵

۵ – ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۶ – ۸

۸ – کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم . .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۰ – ۴

۴ – نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء . .. فلولا تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۳ – ۷

۷ – استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

برداشت یاد شده با

توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

کوبیدن انگشت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۲ - ۸،۹

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

کوبیدن سر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال

۸ ملائکه مأمور در هم کوبیدن سر های کافران بدر و از کار انداختن پنجه های آنان بودند .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

<ال> در <الأعناق> جانشین مضاف إلیه (الکافرین) است و مراد از <فوق الأعناق> سرهای کافران است. بنابراین جمله <فاضربوا ... > یعنی سرهای کافران را مورد ضربات خویش قرار دهید. قابل ذکر است که مخاطب در این جمله، همان گونه که سیاق آیه بر آن دلالت دارد، فرشتگان هستند.

۹ خداوند ، مجاهدان بدر را به در هم کوبیدن سر های کافران و از کار انداختن پنجه های آنان ، تهییج کرد .

فاضربوا فوق الأعناق و اضربوا منهم کل بنان

برداشت فوق بر این اساس است که خطاب در جمله <فاضربوا . .. > متوجه مجاهدان باشد. جمله <و ما جعله اللّه إلا بشری> در آیه دهم، که مسؤولیت فرشتگان را تنها بشارت دهی اعلام کرد، می تواند مؤید این احتمال باشد.

کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله . .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما کانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیـدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هسـتند (گفتن مسبّب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهـده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششـی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران ، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم یسیروا فی الأرض . .. و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یستوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان

انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۸ – ۵

۵ – مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۳ – ۲

۲ – کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا . .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۱ – ۱،۲،۴

۱ – مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده انـد. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی ... .

۲ – کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذين كفروا كمثل الذى ينعق بما لايسمع إلا دعاءً و نداءً

بر

اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا . .. إلا دعاءً و نداءً> چنین می شود: مَثَل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مَثَل گوسفندان و چوپان آنهاست; همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای

<الکافرین> می توانـد به این معنا باشـد که جعل حجاب از سوی خـدا، به خاطر این خصـلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

برداشت یـاد شـده براسـاس این احتمال است که آیه شـریفه تصویر کننـده چهره مؤمنان و کافران باشـد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - توانایی خداونـد بر عـذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیـدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

<طمس> (مصـدر <طمسـنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهـد چیزی است و مقصود از <لطمسـنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشـد. مراد از <الصـراط> نیز راه معمول و متـداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

از به کار رفتن <لو> که برای

امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیـدیهم سـدّاً و من خلفهم سـدّاً فأغشـیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خـدا <. ..فأغشـیناهم> روایت شـده: که خـدا می فرمایـد: آنان را کور کردیم، پس نور هـدایت را نمی بینند...>.

کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱،۱۲،۱۳،۱۴

۱ آتش سوزانِ جهنّم ، کیفر کافرانِ به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکّر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تـذکر به شـکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که مبادا توهّم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذين كفروا . .. انّ اللّه كان عزيزاً

حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ اللّه . .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۳

۱۳ عذاب دردناك و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن

، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلينا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فيش

- ۱۴

لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۲

۲ - رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندک و ناچیز است .

نمتّعهم قليلاً ثمّ نضطرّهم إلى عذاب غليظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذين ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم يومئذ فى العذاب مشتركون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سيّئه فلايجزى إلّا مثلها و من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... يرزقون فيها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است; ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۲ – ۳

۳ – عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه

جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلّت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۱ – ۱

۱ – رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر . .. و استمع یوم یناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستاخیز باش; کنایه

از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۷ – ۷

۷ – کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۶ – ۳

۳ – قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سیهزم الجمع . .. و الساعه أدهی و أمرّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۱ – ۲

۲ – کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیرکاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

کیفر استهزاهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۱

۱ – دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاک أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را

گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

کیفر برزخی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۶ - ۳

۳ - وجود کیفر برای کافران ، پیش از برپایی قیامت و در عالم برزخ

النار یعرضون علیها غدوًّا و عشیًّا

کیفر دروغگویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاك أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۲

۲ مخالفت و دشمنی مشرکان مکه با خدا و رسول او مایه فرمان الهی به سرکوبی و نابودی آنان

ذلك بأنهم شاقوا اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۹

۱۹ شکست کافران جنگ بدر نمودی از عقوبت شدید خداوند برای آنان

و اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷،۹

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفکت

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای برای هدایت آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون . و إنّ ربّک لذو فضل علی الناس

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لکم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است; برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفر های دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

و الذین کفروا . .. و النار مثوًی لهم . و کأیّن من قریه ... أهلکنهم

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند تمامی کیفر کافران را به آخرت وانهاده و آنان را

در دنیا به کلی رها نساخته است; بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶،۷

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

للذین ظلموا عذابًا . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أکثرهم لا-یعلمون> به این معنا باشد که کافران به رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

کیفر دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. ان تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

کیفر سخت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر تمام هستی است .

هو الغفور الودود . ذوالعرش

کیفر عمل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۱ – ۱

۱ شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم

<ذلک> می تواند اشاره به خصوص <عذاب الحریق> باشد و می تواند اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شد. قابل ذکر است که در برداشت فوق <أن اللّه ... > ناظر به این حقیقت گرفته شده که عذاب کافران بیش از استحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴ – ۱۰،۱۶

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتب آسمانی

نزّل علیک الکتاب . .. انّ الّذین کفروا بایات اللّه لهم عذاب شدید

۱۶ ابتلای کافران به عذاب شدید ، انتقام الهی از آنان

و نمایانگر شکست ناپذیری خداوند است .

انّ الّذین کفروا . .. لهم عذاب شدید و اللّه عزیز ذوانتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، از سنّت های خداوند است .

کدأب ال فرعون و الذین من قبلهم کذّبوا بایاتنا فاخذهم اللّه بذنوبهم

خداوند همه کافران را در همه عصرها، تهدید به عذاب کرده و از این، عمومیّت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متّقین و کیفر کافران

قل للّذین کفروا . .. للّذین اتقوا عند ربّهم ... و اللّه بصیر بالعباد

اگر آگاهی همه جانبه خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکّر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ کفر و انکار آگاهانه آیات الهی ، کیفر سریع خداوند را در پی دارد .

و من یکفر بایات اللّه فانّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر اللّه

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ اللّه تبارک و تعالی . .. لا یمکر ... و لکنّه عزّ و

جل یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱ ; معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۵

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ یار و یاوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فأّما الذین کفروا . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۴

۴ کسانی که در حال کفر بمیرند ، مستحقّ عذابی دردناک هستند .

اولئک لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵،۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون . .. ففی رحمه اللّه ... تلك ايات اللّه

بنابراينكه مشاراليه <تلك>، مطالب مذكور در دو آيه قبل باشد.

۸ عذاب سيه رويان (كافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراكندگی و كفر) خود آنان است و نه از ناحيه خداوند

فاما

الذین اسودّت وجوههم . .. و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۱۳

۱ اموال و فرزندان اهل کفر ، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهاند. (روح المعانی).

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگانِ اهل کتاب

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغیظکم انّ اللّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳،۵،۶،۸

۳ آتش دوزخ ، در انتظار کافران و رباخواران ، و آماده برای آنان

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

۵ آتش دوزخ ، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ ، در اصل برای کافران مهیّا شده است .

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

بنابر اینکه <الّتی>، وصفِ توضیحی باشد نه احترازی.

۸ همگونی عذاب رباخواران با عذاب کافران

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۱ – ۱۹

۱۹ آتشِ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب . .. و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۱۶

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الّذین یسارعون فی الکفر . .. و لهم عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۸ – ۵،۶

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذابا

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند ، عذابی دردناک آماده کرده است .

و لیست التّوبه . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۵ – ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کیفر آتش افروزان و اخلالگران علیه پیامبران

و کفی بجهنّم سعیراً

<سعیر>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳،۴

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهیناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۷

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

و الذین کفروا و کذبوا . .. أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی

خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم يهد للذين يرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

فاعل <يهد> ضميری است كه به داستان و سرنوشت اقوام پيشين برمی گردد و <أن لو نشاء . .. > مفعول آن می باشد. قابل ذكر است كه <الذين يرثون> نيز مفعول به واسطه <يهد> است. و چون <يهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبيين در آن تضمين شده است. بنابراين جمله <او لم يهد ... > يعنی آيا سرگذشت پيشينيان برای وارثانشان اين حقيقت را روشن نكرده است كه اگر مشيت ما اقتضا كند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می كنيم.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال كفرپيشگانِ تكذيب كننده و تأخير در هلاكت و عذاب ايشان است .

و أملی لهم إن كيدی متين

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخير انداختن است. به مناسبت اينكه حقيقت بيان شده (مهلت دادن و تأخير انداختن) درباره تكذيب كنندگان آيات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخير، تأخير در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲

۲ آتش دوزخ كيفر تمامی كافران

و أن للكفرين عذاب النار

<ال> در <الكافرين> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه تركيبی <أن للكفرين ... > نظرهای مختلفی ايراد شده است. بهترين وجه آن تقدير گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. يعنی <و اعلموا أن للكفرين عذاب النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و اللّه بمایعملون محیط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۱۱،۱۰،۶،۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

کدأب ءال فرعون . .. إن اللّه قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشداری است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۴

۱۴ کیفر خداوند برای کافران ، متکی بر شنوایی و علم گسترده اوست .

و أن اللّه سمیع

علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذّب الذین کفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۷،۸،۱۲

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا . .. و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۳،۶

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم

أجلهم

۶ کفرمداران و شرک پیشگان ، مستحق عذاب و کیفر الهی در دنیا

و لو یعجل اللّه للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناک جهنم ، کیفر کافران است .

فلایؤمنوا حتی یروا العذاب الألیم

ممکن است الف و لام <العذاب> که برای عهد ذهنی است اشاره به عذاب دنیوی (استیصال) باشد و ممکن است اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لایزال . ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان

می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۵

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت . .. ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۰ – ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما علیك البلغ و علینا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیك البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار

می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۱۳

۱۳ – آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۰ – ۴

۴ – سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال ربّ انصرنی . .. إنّ فی ذلک لأیت

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح(ع) و همراهان او، عبارت <إنّ فی ذلک لآیات>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۷ – ۷

۷ – ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فإنّما حسابه عند ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۰۷ – ۲

۲ – بی ارزشی بهرهوری

هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إن متّعنهم سنین . .. ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۳

۳ - تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم بایتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۸

۸ - کافران ، به کیفر الهی ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان،

مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱،۶،۱۰

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل الصدقین عن صدقهم ... و

أعدّ للكفرين

<لام> در <ليسئل. ..> لامِ تعليل يا لام غايت است. مراد از <الصادقين> به قرينه مقابله با <الكافرين> مؤمنان اند. لازم به ذكر است كه برداشت بالا، علاوه بر نكته ياد شده مبتنى بر اين است كه مرجع ضـمير در <صدقهم> واژه <الصادقين> باشد و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن به آنها است.

۶ - عذاب شدن كافران ، پس از اتمام حجت با آنان است .

و إذا أخذنا من النبيّن ميثقهم . .. ليسئل ... و أعدّ للكفرين

۱۰ - عذاب كافران ، بدون پرسش و پاسخ و مؤاخذه خواهد بود .

ليسئل الصدقين . .. و أعدّ للكفرين عذابًا أليمًا

تغيير اسلوب كلام از <ليسئل. ..> به <أعدّ...> مى تواند به منظور افاده اين نكته باشد كه عذاب كافران، آماده شده است و جاى چون و چرا ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، جز كافران را مجازات نمى كند .

و هل نجزى إلّا الكفور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۱

۱ - كافران ، سزاوار عذابى سخت و طاقت فرسا

الذين كفروا لهم عذاب شديد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۲،۶

۲ - كافران ، محكوم به دوزخ اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم

۶ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۷

۷ – مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۹ – ۱۰

۱۰ – کیفر کافران ، از شؤون مقام ربوبی است .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربّهم إلاّ مقتًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۲

۲ – گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیّضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیّضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۷ – ۷

۷ – مجازات و عقوبت کفرپیشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی. ..> خود جزا و کیفر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ – حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن

پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، دردآفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب أليم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۸ – ۳

۳ – کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۱ – ۴

۴ – کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن،

عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون . .. تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون ... و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

أليس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

ماضی آمدن فعل <أعتدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشته) باشد; نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا . و للّه ملك السموت و الأرض

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۹ – ۹

۹ – مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان

و برنامه ای خاص

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا . .. فلایستعجلون

تعبیر <فلایستعجلون> می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد; بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۴ – ۱۱

۱۱ – عذاب دردناك الهی ، کیفر کافران است .

و للکفرین عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ - عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۴

۴ - دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶،۷

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون ... و أکید کیدًا

<حیله>; یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

۷ - خداوند در مکر و کیفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنّهم یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - < روى عن على (ع) انّه قال : معناه [أى قوله تعالى : إنّ ربّك لبالمرصاد] إنّ ربّك قادر على أن يجزى أهل المعاصى جزاءهم ;

از علی(ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گنه کاران را

کیفر بدهد>.

کیفر کافران امت های پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لایخلف المیعاد. و لقد استهزیء برسل من قبلك ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم . ..> دلیلی است برای <حتی یأتی وعد الله إن الله لایخلف المیعاد>.

کیفر کافران به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظلمین ببعید

واقع شدن جمله <و ما هی . ..> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربك) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

کیفر کافران حق ستیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۸ – ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا . .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و

إن يعودوا فانتقمنا منهم كما انتقمنا من الأولين ... .>

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را

به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- نظام کیفری خداوند برای مجازات کافرانِ عصر بعثت ، نظامی مشخّص و دارای مَوعِد و زمانی تخلّف ناپذیر بود .

بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلاً

به قرینه آیه بعد، مراد مؤاخذه در <لو یؤاخذهم> مؤاخذه در دنیا است. و جمله <بل لهم موعد> ظهور در فعلیّت آن وعده دارد که در مورد کافران عصر بعثت صادق است.

کیفر کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

کیفر کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و كيفر كافرانى است كه از سر لجاج و عناد به آيات الهى ايمان نمى آورند .

إن الذين لايؤمنون بأيت الله . .. لهم عذاب أليم

كيفر كافران متكبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۶

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبی ، از جمله کیفر های الهی برای کافرانی است که به خود بنازند و بر دیگران تفاخر کنند .

أو يصبح ماؤها غورًا فلن تستطيع له طلبًا

<يصبح> عطف بر <فتصبح> و تفریع دیگری بر <يرسل عليها حسباناً> است. قید <من السماء> در مورد عذابی که آب ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم كذلك جزاء الكفرين

<ال> در <الكافرين> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

کیفر گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ويل لكلّ أفّاك أثيم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهين . من ورائهم جهنّم

کیفیت القای کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۴ - ۱

۱ دو فرشته موکّل بر کافران معاند ، مأمور افکندن آنان به دوزخ

ألقیا فی جهنّم کلّ کفّار عنید

دو فرشته ای که مخاطب <ألقیا> قرار می گیرند; یا <رقیب> و <عتید>ند که در دنیا همراه انسان بودند و یا <سائق> و <شهید>اند که در صحنه قیامت آدمی را همراهی

خواهند کرد.

کیفیت حشر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۸ - ۷

۷- خداوند ، شیاطین و منکران معاد را در قیامت ، خوار و ذلیل ، بر زانونشسته و به صورت نیم خیز در اطراف جهنم احضار خواهد کرد .

ثمّ لنحضرنّهم حول جهنّم جثيًّا

<جثیا> (جمع <جاثی>) حال است و <جاثی> به کسی گفته می شود که برای مخاصمه و محاکمه بر زانو نشسته است (لسان العرب). احضار منکران معاد و شیاطین، در حالی که بر زانوان خود راه می روند و یا بر زانو گرداگرد جهنم نشسته اند، برای اهانت و تحقیر آنان است. برخی <جثیّ> را جمع <جثوه> دانسته اند که به معنای انبوه خاك و سنگ است. بر حسب این معنا مراد احضار هر فرقه و گروه به صورت متراکم است.

کیفیت ورود کافران به جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۸ - ۲

۲ - کافران ، فوج فوج و دسته دسته به دوزخ افکنده خواهند شد .

كلّما أُلقى فيها فوج سألهم خزنتها

کیفیت ورود کافران در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۲،۱۱

۲- سوق داده شدن کافران به سوی دوزخ ، به تدریج و همراه با سرزنش و توبیخ

و يوم يعرض الذين كفروا على النار أذهبتم طيّبتكم

از این که کافران نخست بر آتش عرضه می شوند و همراه با آن زشت کاری گذشته شان به رخ آنان کشیده می شود، مطلب بالا استفاده می شود.

۱۱- عرضه کافران بر آتش ، همراه با

سرزنش و توبیخ ، گوشه ای از عذاب ذلّت بار آنان *

یوم یعرض . .. أذهبتم طیّبتكم فی الحیاتكم الدنیا و استمتعتم بها فالیوم تجزون عذا

برداشت بالا بدان احتمال است که نفس عرضه کافران بر آتش و توبیخ آنان، خود جزئی از عذاب خفّت بار آنان باشد.

کینه توزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغیظكم انّ اللّه علیم بذات الصدور

گرایش به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۴ – ۱۰

۱۰– < قال الرضا (ع) : ممّا نزل بإیاك أعنی و اسمعی یا جاره خاطب الله عزّوجلّ بذلك نبیه و أراد به أُمّته قوله : . . . < و لولا أن ثبتناك لقد كدتّ تركن إلیهم شیئاً قلیلًا > . . . ;

امام رضا(ع) فرمود: از جمله آیاتی که بر سبک و روش [مثال معروف عرب]<إیّاك أعنی و اسمعی یا جاره> نازل گردید و آن هم بدین معنا که خداوند عزّوجلّ به پیامبر(ص) خطاب می کند ولی مقصود و مراد امت اوست; این آیه شریفه است: <و لولا أن ثبّتناك لقد كدتّ تركن إلیهم شیئاًقلیلًا>. ..>.

گرفتاری کافران در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۳ – ۸

۸ – در قیامت ، هیچ راه نجاتی برای کافرانِ به قرآن و پیامبر (ص) وجود نخواهد داشت .

أولئك یؤمنون به و من یكفر به . .. و

اتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

هدف از توصیف قیامت، به اینکه فدیه ای گرفته نمی شود و . ..; مأیوس کردن مستحقان عذاب است از اینکه راه نجاتی - جز ایمان به قرآن و پیامبر(ص) - برای خویش توهم کرده و به اعتبار آن دل خوش کنند.

گریه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۶۱ - ۳

۳ - ترنم کافران به ترانه ها ، به جای گریستن بر فرجام شوم خویش *

و تضحکون و لاتبکون . و أنتم سمدون

بنا به گفته برخی از مفسران در معنای <سامد>، تغنّی و آوازه خوانی نیز نهفته است.

گفتگوی کافران با همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۵ - ۳

۳ - همسران پیامبر ، مجاز نیستند که با زن های کافر ، بدون پوشش و حجاب به گفتوگو بپردازند .

و إذا سألتموهنّ متعًا فسئلوهنّ من وراء حجاب . .. لاجناح علیهنّ فی ءابائهنّ ...

گمراهی آشکار کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۹ - ۷

۷ - کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

گمراهی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱

۱ - توانایی خداوند بر عذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو

نشاء لطمسنا على أعينهم فاستبقوا الصرط فأنّى يبصرون

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهد چیزی است و مقصود از <لطمسنا على أعينهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشد. مراد از <الصراط> نیز راه معمول و متداولی است که افراد آن را طی می کنند.

گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۱۲

۱۲ کافران ، بی بهره از هدایت الهی

و اللّه لا یهدی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۳

۳ لزوم اعتراض ، در برابر کجروی های کافران و اهل کتاب

قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۱

۱ کافران بازدارنده از راه خدا ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

عطف جمله <صدوا ...> بر جمله <کفروا> بدون تکرار <الذین> دلالت بر این دارد که مجموع دو صفت کفر و بازداری از راه خدا، ضلالت بعید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵

۱۴ کافران همواره محروم از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۴،۱۱

۴ کافران گمراهگر، در چنان ظلماتی اسیرند که امیدی به رهایی آنان نیست.

کمن مثله فی الظلمت لیس بخارج منها

۱۱ کافران، از آن رو که در ظلمت و گمراهی هستند، کردار زشت خویش را زیبا می پندارند.

کمن مثله فی الظلمت . .. کذلک زین للکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲ - ۷

۷- کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ویل للکفرین من عذاب شدید

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۵

۵- کافران ، در نهایت گمراهی هستند .

للکفرین . .. أُولئک فی ضلل بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۹

۹- محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- مریم - ۱۹ - ۳۸ - ۵

۵- کسانی که با فرزند خواندن عیسی (ع) برای خدا ، به تعالیم توحیدی او کفر ورزیدند ، در گمراهی آشکاری قرار دارند .

لکن الظلمون الیوم فی ضلل مبین

الف و لام در <الیوم> می تواند برای عهد حضوری باشد ; یعنی <امروز> در این صورت، مراد از آن، ایام زندگی در دنیا است. مراد از ظالمان به قرینه آیه قبل کسانی هستند که به سخن عیسی(ع) کفر ورزیده و در باره او، راه افراط و یا تفریط پیمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۹

۹- تحریک کافران از سوی شیاطین و گمراهی فزون تر آنان ، نشانه ای روشن از سودمند نبودن معبود ها و ضدیتشان با پرستشگران خویش

و یکونون علیهم ضدًّا . ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

استفهام در <ألم تر> برای استشهاد و تأیید محتوای آیه قبل است و دلالت بر واضح بودن شاهد دارد به گونه ای که ندیدن و توجه نکردن به آن تعجب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۳

۳ کافران معاند با پیامبر (ص) ، در قیامت ، دارای شوم ترین جایگاه و بی راهه ترین مسیر خواهند بود .

الذین . .. أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۴

۴ - کافران حق ناپذیر ، در گمراهی و ضلالت ، غوطهورند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۷

۱۷- کافران ، گرفتار انحراف در عقیده و عمل

تستکبرون فی الأرض . .. تفسقون

بنابراین که مراد از <تستکبرون> حق ناپذیری و انکار پیام وحی باشد; تعبیر <تستکبرون> دلالت بر انحراف فکری دارد. و انحراف عملی کافران از <ممّا کنتم تفسقون> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۷۸

۷- انسان کافر ، گرفتار انحراف در ارزش گذاری اعمال

کمن زیّن له سوء عمله

۸- بعضی از افعال ، دارای حسن و قبح ذاتی و کافران گرفتار انحراف در تشخیص آن *

زیّن له سوء عمله

در آیه شریفه میان بینش فرد کافر و ارزش واقعی اعمال، تفکیک شده است; یعنی، در متن واقع عمل او حقیقتاً بد است; ولی کافر آن را زیبا می بیند و این می نمایاند که واقعیت هر عمل، بدون داوری انسان ها، دارای ارزشی مستقل و اصیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۷

۷ - کافران تکذیب کننده دین ، در گمراهی عمیق بسر می برند .

إن أنتم إلاّ فی ضلل کبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که جمله <إن أنتم. ..> از سخنان نگهبانان دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۰ - ۵

۵ – کافران و مشرکان ، غوطهور در غرور و فریب خوردگی

إن الکفرون إلّا فی غرور

گمراهی کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶

- ۵۱ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، مردمی گمراه و ره نیافته

ثمّ إنّکم أيّها الضالّون المکذّبون

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران صدراسلام است.

گمراهی نیاکان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۱ - ۱

۱ - بیشتر پدران و اجداد کافران و مشرکانِ صدر اسلام ، همچون خودشان در گمراهی به سر می بردند .

و لقد ضلّ قبلهم أکثر الأوّلین

گناه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۵

۵ مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵،۷

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

۷ انکار آیات الهی ، بارزترین گناه فرعونیان و کافران قبل از آنها

کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

مراد از <ذنـوبهم> گناهـانی اسـت کـه کفر به آیـات، بخشـی از آن گناهـان است، و گرنه به جـای <بـذنوبهم> می فرمـود <بکفرهم>. بنابراین ذکر بخصوص انکار آیات دلالت بر این دارد که انکار آیات از بارزترین گناهان آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۶

۶ تهمت و افترا زدن کافران به گناهی که تنها خود مرتکب آن بودند ، از شیوه های آنان در مبارزه ، علیه پیامبراسلام (ص)

و قال

الذین کفروا إن هذا إلّا إفک افتریه . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

برداشت یاد شده از آن جا استفاده می شود که کافران، پیامبراسلام(ص) را متهم به دروغ گویی می کردند; در حالی که خود، دروغ پرداز بودند و به دروغ و به ناحق، قرآن را ساخته و پرداخته آن حضرت می شمردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۳ – ۱

۱ – کافرانی که در اغوای مسلمانان فعال بودند ، علاوه بر گناه خود ، گناهان فریب خوردگان شان را نیز در قیامت ، بر دوش خواهند کشید .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم و أثقالاً مع أثقالهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ – مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

و لاتطع المکذّبین . .. منّاع للخیر معتد أثیم

گناه کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان . ..> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ...>

معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۷

۱۷- < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < لیحملوا اوزارهم کامله یوم القیامه > یعنی لیستکملوا الکفر یوم القیامه < و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم > یعنی کفر الذین یتولّونهم ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که در باره قول خدا <لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیامه> فرمود: مقصود این است که کفر خود را در قیامت کامل کنند و درباره <و من اوزار الذین یضلّونهم بغیر علم> فرمود: مقصود این است که کفر پیروان خویش را [بر دوش بگیرند]. ..>.

گناه کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۲

۲ انکار و تکذیب معاد ، بزرگ ترین جرم و گناه کافران و مشرکان صدراسلام

قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک افتریه . .. قالوا مالِ هذا الرسول ... بل کذّبو

برداشت یاد شده، به خاطر دو نکته است: ۱ <بل> برای اضراب انتقالی است. ۲ وعده عذاب دوزخ به کافران و مشرکان به خاطر تکذیب قیامت بود; نه دروغ پردازی و بهانه جویی های آنان.

گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم

گناهکاری کافران

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۱ – ۷

۷ – روحیه استکباری کافران در برابر آیات الهی ، معلول عملکرد و جرایم گذشته خود آنان *

فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

براساس این احتمال که تعبیر <و کنتم. ..> در مقام تعلیل گرایش کافران به استکبار باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۹ – ۳

۳ – کفرورزی ، جرم (گناه) است و کافران به گناه آلوده اند . *

إنّ الذین أجرموا

مجرم خواندن کافران، یا به لحاظ گناه بودن کفر است و یا این که گناهان دیگری نیز در بین کافران رواج دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۰ – ۱۹

۱۹ – گناه کافران ، بر عذاب آنان می افزاید .

إنّ الذین فتنوا . .. فلهم عذاب جهنّم و لهم عذاب الحریق

مصداق <الذین فتنوا> به قرینه مقابله با آیه بعد کافران اند. حرف <فاء> در <فلهم> دلالت می کند که این عقوبت، کیفر شکنجه گری آنان است. بنابراین کافران، علاوه بر این که بر کفر خویش مؤاخذه می شوند، بر کردار خویش نیز کیفر خواهند شد.

گواه آسمانی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۳ – ۳

۳ – هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لكم براءه فی الزّبر

گواهان اغواپذيری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹

- ۸۳ - ۲

۲- فرستاده شدن شیاطین برای تحریک و وسوسه کافران از دید پیامبر (ص) مخفی نسیت .

ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

گواهی اخروی علیه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۷

۷- صحنه های شهادت علیه کافران در قیامت ، منظره هایی دشوار و هلاکت آفرین خواهد بود .

فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

<مشهد> ممکن است اسم مکان به معنای محل شهادت باشد. حرف <مِنْ> دلالت دارد که همان مکان شهادت منشأ <ویل> برای کافران است، بنابراین باید گفت صحنه های شهادت علیه آنها، مرگ آفرین و عذاب ساز است، به گونه ای که اگر در قیامت مرگ کسی امکان پذیر بود، آنان جز هلاکت و ویل سرنوشتی نداشتند.

لالی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۵ - ۱

۱ - در قیامت بر دهان کافران مهر زده شده و آنان از هرگونه سخن گفتن ناتوان خواهند شد .

الیوم نختم علی أفوههم

مقصود از مهر خوردن دهان کافران، ناتوان شدن آنان از هر گونه سخن گفتن است.

لالی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ،

محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

لجاجت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند و بر این اساس خود را معذور می پنداشتند، جمله <بل طبع اللّه> بیانگر این نکته است که ناتوانی یهود از درک سخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۴

۴ برخی از کافران در برابر آیات و معجزات، در عین اتمام حجت خداوند بر آنان، سرسختی نشان داده و لجاجت میورزند.

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلا کانوا عنها معرضین

آمدن آیات و معجزات متعدد، گویای قطع عذر و اتمام حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان

و قـدرت و نیز به معنـای مکـان و جهت آمـده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا ...>; یعنی، هر انـدازه توان داریـد عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا; یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان ، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند .

هو الذی یریکم البرق . .. و هم یجدلون فی الله

جمله حـالیه <و هم یجـادلون فی الله> قیـد برای همه جمله هـایی است که در آیـات پیشـین آمـده است ; یعنی، با آنکه آثار وجودی خـدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعـد، ابر و صاعقه را پدیـد می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّوبحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۸

۸- کـافرانی که در برابر بینـات و برهـان هـای روشن انبیـا لجـاجت کرده و در مقابـل آنان ایسـتادند ، مردمانی جبّار و منحرف بودند .

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. و خاب کلّ جبّار عنید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۰

۱۰- کـافران به خـاطر باطـل گرایی ، علی رغم مشاهـده آثـار و نعمت هـای الهی در تمـام ابعاد زنـدگی خود ، مورد سـرزنش خدایند .

و الله جعل لکم . .. أفبالبطل

يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶ – ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلّك بخع نفسك على ءاثرهم إن لم يؤمنوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۵

۵ – ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمنهم . .. للجّوا فى طغينهم يعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳ – ۵

۵ – دلداری خدا به پیامبر (ص) در مورد سرسختی کافران

لعلّك بخع نفسك ألاّيكونوا مؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۳ – ۳

۳ – لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فيهم منذرين . فانظر كيف كان عقبه المنذرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۰ – ۱

۱ – اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذين كفروا ينادون لمقت اللّه أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمن فتكف

<مقت> به معناى بغض شديد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴،۱۵

۱۴ - هدايت و شفاى قرآن ، مايه فزونى كوردلى كافران لجوج

و هو عليهم عمىً أُولئك ينادون من مكان بعيد

۱۵

- پیام روشن قرآن ، دور از شنود و فهم کافران لجوج

أُولئک ینادون من مکان بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۶

۶ - استکبار کافران و اصرارشان بر کفر ، هنگام تلاوت آیات الهی بر آنان

تتلی علیه ثمّ یصرّ مستکبرًا

بنابراین که <ثمّ> برای تراخی رتبی باشد نه زمانی برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتّبعوا أهواءهم . .. فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۴

۴- اِخبار خداوند از ستیز برخی کافران با دین و پیامبر (ص) ، به رغم وضوح حق برای آنان

إنّ الذین کفروا و صدّوا . .. و شاقّوا ... من بعد ما تبیّن لهم الهدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۱

۱ - ناباوری کفرپیشگان به حقانیت وعده های الهی ، حتی با مشاهده نمود های عینی عذاب و سقوط سنگی از آسمان بر آنان

و إن يروا كسفًا . .. يقولوا سحاب مركوم

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفهوم <أکثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲ - ۲

۲ - روی گردانی کافران ، از پذیرش رسالت پیامبر (ص) به رغم مشاهده معجزه < شق القمر >

و انشقّ القمر . .. و إن یروا ءایه یعرضوا

از اطلاق <آیه> بر <شق القمر>، استفاده می شود که <شق القمر> از معجزات پیامبر(ص) بوده که بر حقانیت رسالت خویش اقامه کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۰ - ۴

۴ - کافران دوزخی ، مردمی لجوج و حق گریزاند .

و قالوا لو کنّا نسمع أو نعقل ما کنّا فی أصحب السعیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۷ - ۵

۵ - تهدید شدن کافران لجوج و حق گریز ، به نزول عذاب الهی

فستعلمون کیف نذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۳ – ۹

۹ – کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۸ – ۷

۷ – کافران حق ناپذیر و لجوج ، در معرض عذاب الهی قرار دارند .

فمن یجیر الکفرین من عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۹ – ۷،۸

۷ – کافران لجوج و تکذیب گر ، در گمراهی آشکار قرار دارند .

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

۸ – تهدید شدن کافران لجوج و تکذیب گر ، به عذاب از سوی خداوند

فستعلمون من هو فی ضلل مبین

برداشت بالا، به سبب این نکته است که تعبیر <فستعلمون> (پس به زودی خواهید دانست)، دارای لحن تهدیدآمیز است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۳۰ – ۴

۴ – کافران لجوج و تکذیب گر ، در معرض عذاب الهی (همچون خشکسالی)

قل أرءیتم إن أصبح ماؤکم غورًا فمن یأتیکم بماء معین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۷

۷ – کافران ، با وجود فراهم بودن شرایط برای ر ها ساختن کفر و پرداختن به تکالیف الهی ، از آن سر باز زدند .

لمّا یقض ما أمره

ضمیر فاعلی <یقض> به <الإنسان> برمی گردد که به قرینه <ما أکفره> تنها بر کافران منطبق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۳

۳ - گروهی از مردم با وجود هشدار های قرآن ، همچنان بر بی ایمانی خود باقی اند و ربوبیت و بصیرت الهی را انکار کرده و معاد و حسابرسی اعمال را نمی پذیرند .

إنّ ربّه

كان به بصيرًا . .. فما لهم لايؤمنون

متعلق <لايؤمنون>، ممكن است معارفى باشد كه در آيات پيشين بيان شد; از قبيل: ربوبيت و بصيرت الهى، نامه هاى اعمال، محاسبه و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۲

۲ - كفرپيشگان ، بر تكذيب وعده ها و تهديد هاى الهى ، اصرار ورزيده و از فرجام پيشينيان عبرت نمى گيرند .

بل الذين كفروا فى تكذيب

حرف <فى>، ظرفيه و بيانگر غوطهور بودن كافران در تكذيب است. متعلق تكذيب به قرينه <بل هو قرآن مجيد> در آيات بعد قرآن است كه وعده ها و تهديدهايى كه در آيات قبل آمده بود، بخشى از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۳

۳ - تكذيب قرآن از سوى كافران ، هر چند بر آن اصرار ورزند ، به حقيقت قرآن آسيبى نمى رساند و از مجد و عظمت آن نمى كاهد .

بل الذين كفروا فى تكذيب . .. بل هو قرءان مجيد . فى لوح محفوظ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - كافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۸

۸ - سرسختى مخالفان توحيد در مواضع خويش ، نبايد پايدارى اهل توحيد را متزلزل سازد .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پايدارى اهل توحيد، از مضارع بودن <أعبد> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - كافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ – بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان

عمر ، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجت کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۹

۹- مشرکان و کافران عصر بعثت ، در برابر حق و دعوت های پیامبر (ص) ، مردمی لجوج و سرسخت بودند .

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۳

۳- کافران عصر بعثت ، علی رغم روشن بودن اعجاز قرآن و هماهنگی آن با دیگر کتاب های آسمانی ، آن را نادیده گرفتند و معجزه بودن آن را انکار می کردند .

لولا یأتینا بَایه من ربّه أوَلم تأتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴ - ۳

۳ - اندوه پیامبر (ص) ، به خاطر تکذیب شدنش از سوی کافران و مشرکان لجوج در صدراسلام

و إن یکذّبوک فقد کذّبت رسل من قبلک

از آهنگ آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، به خاطر تکذیب شدنش اندوهگین بود. ازاین رو برخی از مفسران جواب شرط <إن یکذّبوک> را محذوف و چنین دانسته اند: <إن یکذّبوک فلاتحزن و اصبر اذ قد کذّب رسل من قبلک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۵ - ۲

۲ - کافران صدراسلام ، مردمی لجوج و پندناپذیر بودند .

و إذا قيل لهم اتّقوا ما بين أيديكم و ما خلفكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۶ - ۲

۲ - کافران صدراسلام

، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

و ما تأتیهم من ءایه . .. إلاّ كانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۳ - ۱،۲

۱ - كافران و مشركان صدراسلام ، آیات الهی را از سر لجاج و ستیزه جویی ، انكار می كردند ; نه از روی جهل و ناآشنایی به آن .

كذلك یؤفك الذین كانوا بأیت اللّه یجحدون

<جحد> (مصدر <یجحدون>) به معنای انكار چیز معلوم و روشن است. آیه شریفه به منزله تعلیل برای مضمون آیه قبل است كه در آن، از انكار آیات الهی و دور شدن از عبادت خداوند، اظهار شگفتی شده بود.

۲ - كافران و مشركان صدراسلام ، مردمی لجوج ، ستیزه جو و حق ناپذیر

كذلك یؤفك الذین كانوا بأیت اللّه یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۶ - ۵

۵ - مشركان و كافران صدراسلام ، مردمی بس لجوج و حق ناپذیر

و إنّه لقسم لو تعلمون عظیم

سوگند مؤكد خداوند، پس از استدلال بسیار بر اثبات توحید و معاد، نشانگر روح لجاجت و حق ناپذیری كافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۱ - ۳،۴

۳ - كافران صدراسلام ، مردمی لجوج ، مستكبر و حق گریز

بل لجّوا فی عتوّ و نفور

<عتوٌّ> به معنای استكبار و تجاوز از حد است (قاموس المحیط) و مقصود از <نفور>(رمیدن) گریز از سخن حق می باشد.

۴ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین

من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱ - ۳

۳ - کافران مخالف رسالت پیامبر (ص) ، گروهی لجوج و حق ناپذیر

سأل سائل بعذاب واقع

مفسران بر این عقیده اند که کافران، این سخن را از سر لجاجت بر زبان می آوردند; چنان که در آیه ۳۲ از سوره <انفال> از آنان چنین یاد شده است: <و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحقّ من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲ - ۱

۱ - عذاب شدن کافران لجوج عصر بعثت ، امری قطعی از سوی خداوند و غیر قابل دفع از سوی کسی

للکفرین لیس له دافع

<للکافرین> خبر مقدم برای <لیس> و <دافع> اسم آن است. <لام> در <له> برای تقویت و ضمیر <له> مفعول مقدم برای <دافع> است; یعنی، <لیس للکافرین دافع یدفع العذاب عنهم>، (برای کافران کسی وجود ندارد که عذاب موعود را از آنان دفع کند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۵ - ۲

۲ - اصرار و تأکید فراوان کافران حق ناپذیر و مستکبر صدراسلام ، بر الهی نبودن قرآن و منشأ بشری داشتن آن

و استکبر . فقال إن هذا إلاّ سحر یؤثر . إن هذا إلاّ قول البشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۹ - ۱

۱ - کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ،

مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۲

۲ - کافرانی که خود را در صورت مماشات پیامبر (ص) ، آماده عبادت خداوند می خواندند ، هرگز به آن تن نداده و معبود پیامبر (ص) را نمی پرستیدند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

لجاجت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

كذلك نسلكه فى قلوب المجرمين . لايؤمنون به

برداشت فوق، بنابراين است كه جمله <لايؤمنون به> جمله تفسيريه براى <المجرمين> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱-اگر درى از آسمان به قدرت خداوند

گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشینِ آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکّه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است; زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

لذاید دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۳

۳- توبیخ کافران در قیامت ، به خاطر هدر دادن امکانات ارزنده خویش و صرف آن در لذت های زودگذر مادی

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا

لذاید مادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۵

۵- خوردن ، لذت بردن و برخوردار شدن از متاع ها و لذت های دنیوی و غوطهور شدن در آرزو های واهی ، هدف و مقصد اعلای کافران است .

ذرهم یأكلوا و یتمتّعوا و یلههم الأمل

لذاید مادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۴

۴- تمامی همّ و تلاش کافرانِ هدایت ناپذیر صدراسلام ، خوردن و بهرهوری از تمتعات و لذت های مادی بود .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

لذت طلبی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۴

۴- لذّت جویی گسترده از امکانات حیات ، شیوه کافران

أذهبتم طیّبتکم

فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۲ – ۷۸

۷- لذّت جویی و شکمبارگی حیوان گونه کافران ، تنها بهره آنان از زندگی دنیایی

الذین کفروا یتمتّعون و یأکلون کما تأکل الأنعم و النار مثوًی لهم

از مقابله دو بخش آیه که برای مؤمنان پایان خوش بهشت را یادآور شده استفاده می شود که کافران، هرگز از آن نعمت های اخروی بهره نخواهند برد; بلکه تنها شهوت رانی و استفاده حیوان گونه از امکانات دنیا، نصیب آنان است.

۸- آتش دوزخ ، جایگاه کافران لذّت طلب و شکمباره

یتمتّعون و یأکلون . .. و النار مثوًی لهم

لذت گرایی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۶ – ۲

۲ – خورد و خوراک و بهره ناچیز از لذت های مادی ، هدف زندگی کافران و منکران قیامت

کلوا و تمتّعوا قلیلاً

از این که به کافران گفته می شود: بخورید و بهره گیرید، می توان به این حقیقت دست یافت که آنان جز همین کار، هدف دیگری در زندگی ندارند و گرنه به آن فراخوانده می شدند.

لطیفه گویی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۱ – ۱

۱ – کافران ، از خاطره های دیدار خود با مؤمنان ، طنز ساخته و در جمع خانواده خویش به لطیفه گویی و خنداندن یکدیگر می پردازند .

و إذا انقلبوا إلى أهلهم انقلبوا فكهين

<فَکِه> (صفت مشبّه) به معنای خوش دل و خندان یا به معنای کسی است که با همراهان خود سخنی

گوید که آنان را بخنداند (قاموس). در برداشت یاد شده، معنای دوم مورد نظر است.

لعن اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

لعن بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۳

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه اللّه . ..> (در آیه قبل) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ مسخ کافرانِ به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و کان امر اللّه مفعولا

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری

حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و کان امر اللّه م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۵

۵ کافران مستحق لعن و نفرین و دوری از رحمت خداوند

لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰،۱۱

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

۱۱ جواز لعن و نفرین بر منافقان و کافران

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ < عن رسول الله (ص) : . . . وأما الکافر فیقرأ ذنوبه علی رؤوس الأشهاد ، < هؤلاء الذین کذبوا علی ربّهم ألا لعنه الله علی الظالمین > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: . .. اما کافر پس گناهان او در ملأ عام و در حضور گواهان خوانده می شود: ایناننند کسانی که به پروردگار خود دروغ بستند. آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۹

۹ - جوامع کفرپیشه و بی ایمان ، مورد لعن و نفرین خداوند

فبعدًا لقوم لایؤمنون

کلمه <بُعـداً> منصـوب است به عنوان مفعول مطلق برا فعـل محـذوف; یعنی، <بعـدوا بُعـداً>. گفتنی است که <بُعـداً> از مصادرهایی است که همواره بجای فعل

می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۵

۵ - منافقان و کافران آزاردهنده رسول خدا (ص) ، مورد لعن خدایند .

و لاتطع الکفرین و المنفقین و دَعْ أذیهم . .. إنّ الذین یؤذون ... و رسوله لعنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۴ - ۱،۴

۱ - همه کافران ، قطعاً مورد لعن خداوندند .

إنّ اللّه لعن الکفرین

<ال> در <الکافرین> می تواند برای استغراق باشد. بنابراین، همه کافران را شامل می شود.

۴ - لعن بر کافر ، جایز و روا است .

إنّ اللّه لعن الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۹ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

فقتل کیف قدّر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۰ - ۴

۴ - جواز نفرین و دعا ، علیه کافران حق ناپذیر و دین ستیز

ثمّ قتل کیف قدّر

لعن بر کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۳،۱۴

۱۳ - کافران عنود و حق ناپذیر ، مورد لعنت خداوند هستند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

لغزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۹

-۹

محرومان از هدایت الهی ، مردمی گمراه و گرفتار گناه اند .

إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم

این که می فرماید: <چرا مردمان، با آمدن هدایت، استغفار نمی کنند؟>، نشان می دهد که قبل از آمدن هدایت، خواه ناخواه، گرفتار انحراف و گناه بوده اند.

مادیگرایی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۵ - ۷

۷ - افق دید کافران ، محدود به زندگی کوتاه دنیا است .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. لمّا متع الحیوه الدنیا و الأخره عند ربّک للمتّقین

خداوند در این آیه، توانایی خویش را بر ایجاد یک زندگی آکنده از تجمل برای کافران، بیان کرده و سپس حضور در جوار ربوبی را مطرح نموده است. از این مطلب استفاده می شود که کافران تنها در محدوده تنگ زندگی دنیا می اندیشند.

مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ مال و اولاد کافران ، آنان را هرگز از آتش دوزخ و عذاب الهی دور نخواهد ساخت .

لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<من اللّه>، یعنی از عذاب الهی، به قرینه <اولئک هم وقود النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۲

۱ اموال و فرزندان اهل کفر ، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن تُغنی>، یعنی نمی رهاند. (روح

المعانی).

۲ اموال و اولاد ، تنها تکیه گاه به هنگام ذلت و ابتلای به غضب الهی ، از دید گاه اهل کفر

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه ... انّ الذین کفروا لن تغنی

ظاهراً منظور از <الذین کفروا>، همان جناح اهل کتاب هستند که در آیات سابق وضعیت آنان بیان شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۸ – ۱۱

۱۱– مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

مالکیت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۸

۸ – کافران ستیزکننده با خدا و پیامبر (ص) ، فاقد حق مالکیت نسبت به اموال و دارایی خویش *

و ما أفاء اللّه علی رسوله منهم

واژه <أفاء> که از <فیء> به معنای رجوع گرفته شده نشانگر آن است که یهودیان محارب، حق مالکیتی نسبت به اموال و دارایی شان ندارند و در حقیقت به مالک اصلی آن، باز گردانیده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۰ – ۱۵

۱۵ – حق مالکیت کافران غیر محارب ، محترم و رعایت عدل درباره ایشان ضروری است .

و ءاتوهم ما أنفقوا

از شأن نزول آیه، استفاده می شود که حکم پرداخت مهریه و نیز احترامی که اسلام برای مالکیت کافران قائل است، مربوط به کافران غیر محارّب است; چنان که آیه شریفه مسائل پس از صلح حدیبیه را بیان می کند. بنابراین رعایت این عدل با آنچه از

مفهوم <أن تبرّوهم و تقسطوا...>

که نهی از قسط درباره کافران حربی بود منافات ندارد.

مبارزه با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۶ – ۲۵،۲۶

۲۵ اظهار نیازمندی مؤمنان به نصرت الهی در نبرد با کافران ، از ویژگی های آنان

فانصرنا علی القوم الکافرین

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولینا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۶

۶ وجوب نبرد با یاوران شیطان (کافران و طاغوت ها)

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت فقاتلوا اولیاء الشّیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۱۱

۱۱ لزوم مبارزه منفی با استهزاگران آیات الهی و کفرورزان به آن

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم حتّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۲۲

۲۲ پیامبر(ص) موظف به مقابله مناسب با تهاجم تبلیغاتی کافران است.

قل أندعوا . .. قل إن هدى الله هو الهدى

<قل> خطاب به پيامبر(ص) است. تكرار آن در آيه بيان اهميت اين مفاهيم در برابر القائات و انديشه هايى است كه كافران آن را مطرح مى ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۲

۲ شعيب (ع) ، دعوتگر مؤمنان قوم

خویش به صبر در برابر کفرپیشگان

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

در اینکه مخاطب <فاصبروا> چه کسانی هستند سه احتمال وجود دارد: خصوص مؤمنان، خصوص کافران، هر دو طایفه. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است. در این صورت متعلق صبر، آزارها و اذیتهای کافران است. یعنی: فاصبروا علی ما یصیبکم من الکفار. (ای اهل ایمان در برابر آزار کافران صبر کنید و بر دینداری خویش استقامت ورزید.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۶

۶ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

و اللّه خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۸

۸ پیامبر (ص) از جانب خداوند مأموریت یافت تا سنت الهی را در سرکوبی حق ستیزان به کافران عصر خویش ابلاغ کند .

قل للذین کفروا . .. و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۹ - ۱،۴

۱ نبرد با کافران تا برکنده شدن فتنه های آنان ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

و قتلوهم حتی لاتکون فتنه

۴ نبرد با کافران تا حاکمیت یافتن دین خدا در جهان ، فرمان خداوند به اهل ایمان

و قتلوهم حتی . .. یکون الدین کله للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۶

۶ - برخورد و مبارزه پیامبر (ص) و قرآن با مخالفان دعوت الهی (کافران و مشرکان

) ، متکی بر منطق و استدلال بود .

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجّه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در مقابله علیه تبلیغات کافران

أم یقولون . .. قل تربّصوا

مبارزه با کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۸

۸ - تنها باید با ظالمان (کافران محارب و فتنه انگیزان و مانعان از گسترش و حاکمیت دین) مبارزه کرد .

فلا عدون إلا علی الظلمین

مبارزه با هواپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۲

۲ - لزوم پایداری حق و حق طلبان ، در برابر هوس ها و تمایلات فساد انگیز کافران

و لو اتبع الحقّ أهواءهم لفسدت السموت و الأرض و من فيهنّ

مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹،۱۱

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم

لا يكذبكونک و لكن الظلمين بأيت اللّه يجحدون

۱۱ ستيز کافران با پيامبر(ص)، مقابله با مقام الوهيت خداوند است.

قد نعلم إنه ليحزنک . .. و لكن الظلمين بأيت اللّه يجحدون

مبارزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پيامبر (ص)

و إذا رءاک الذين كفروا إن يتّخذونک إلّاهزوًا

از اين که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پيامبر(ص) می پرداختند، برمی آيد که آنان در توسل به منطق و دليل و برهان ناتوان بودند و هيچ راهی جز اين نداشتند.

مبانی عقيده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۶ - ۱۴

۱۴ عقايد مشرکان و کافران متکی بر گمان بی اساس است.

يضلوک عن سبيل الله . .. و إن هم إلا يخرصون

مبانی قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱۱

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دين خدا ، مبتنی بر وهم و خيال وقضاوت ناشايست بود .

أم حسب الذين يعملون السيّئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

مبدأ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۶

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

در صورتی که <یومهم. ..> به معنای لحظه مرگ باشد; معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و

مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

مبغوضیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۱،۶

۱ - اعلام بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران لجوج و حق ناپذیر در قیامت

إنّ الذین کفروا ینادون لمقت اللّه أکبر من مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکف

<مقت> به معنای بغض شدید است.

۶ - بغض و دشمنی شدید خداوند نسبت به کافران حق ناپذیر ، پس از اتمام حجت و دعوت مکرر آنان به ایمان است .

لمقت اللّه أکبر . .. إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

آمدن فعل های مضارع <تدعون> و <تکفرون> بر استمرار دلالت دارد; یعنی، شما همواره به ایمان فراخوانده می شدید; ولی به جای ایمان آوردن، به طور مستمرّ کفر میورزیدید.

مثالهای باطل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۳ - ۱،۲،۳،۴

۱ کافران ، با استفاده از مثل های باطل و ترسیم غیر واقعی چهره پیامبر (ص) به مبارزه علیه اسلام برخاسته بودند .

الذین کفروا . .. و لایأتونک بمثل

<مَثَل> هم به معنای <حجت> و <حدیث> (سخنانی در باره اثبات چیزی) و هم به معنای <صفت> (توصیف چیزی) آمده است (قاموس المحیط). مقصود از آن در آیه شریفه، مجموعه سخنانی است که کافران در توصیف پیامبر(ص) و به منظور خدشه دارکردن چهره منور آن حضرت می گفتند که در آیات فوق از آنها یاد شده است. گفتنی است قید باطل بودن مثل ها، از قرینه مقابله جمله <لایأتونک بمثل> و جمله <إلّا جئناک بالحقّ> استفاده شده است.

۲ خداوند در برابر هر

یک از مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، سخن حق و موضع درست را به آن حضرت می آموخت .

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ

۳ خداوند ، در برابر مثل های باطل و توصیف های غیر واقعی کافران علیه پیامبر (ص) ، بهترین راه کشف حقیقت و تفسیر جریان حق و باطل را به آن حضرت ارائه می کرد .

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

۴ سخنان کافران علیه پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، متکی بر تمثیل و تشبیه بود و نه برهان و دلیل .

و لایأتونک بمثل إلّا جئنک بالحقّ و أحسن تفسیرًا

مثل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

مجادله اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۳

۳ - نزاع و مجادله دو گروه حق و باطل و مؤمن و کافر ، به پیشگاه پروردگار در قیامت

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

مجادله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۲۵ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، مأمور به مجادله و مناظره با کافران و مشرکان با بهترین نوع و روش

و جدلهم بالتی هی أحسن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر

(ص) با مشرکان و کافران به پیشگاه خداوند در قیامت ، به جدال و نزاع و دفاع از مواضع خویش خواهند پرداخت .

ثمّ إنّكم يوم القيمه عند ربّكم تختصمون

<اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و نزاع دو فرد یا دو گروه است که هر یک می کوشد، سخن دیگری را ابطال کند. گفتنی است در این که مقصود از دو گروه متخاصم کیانند، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد که بهترین آنها دو نظریه است: ۱ پیامبر(ص) با کافران و مشرکان; ۲ دو گروه حق و باطل از هر ملت و امتی.

مجادله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۳ - ۱۵

۱۵ کفرپیشگان علی رغم مشاهده نشانه های ربوبیت خدا بر سراسر جهان ، با موحدان درباره خداوند و ربوبیت او به جدال و جرّ و بحث می پردازند .

هو الذی یریکم البرق . .. و هم یجدلون فی الله

جمله حالیه <و هم یجادلون فی الله> قید برای همه جمله هایی است که در آیات پیشین آمده است ; یعنی، با آنکه آثار وجودی خدا و ربوبیت او نمایان است و اوست که برق، رعد، ابر و صاعقه را پدید می آورد و همه امور را تحقق می بخشد، آنان درباره وی به جرّوبحث می پردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۶

۶- جدال و اشکال تراشی ، با به کارگیری روش های باطل و دستاویز های دروغین ، از شیوه های مبارزه کافران با حق است .

و یجدل الذین کفروا بالبطل لیدحضوا به

الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴ – ۱

۱ – تنها کافران حق ناپذیر به مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی می پردازند و از پذیرش آن سر باز می زنند .

مایجدل فیءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

مجادله کافران قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۶ – ۱

۱ مجادله کفرپیشگان مستکبر قوم ثمود با مستضعفان مؤمن به صالح

استضعفوا لمن . .. مؤمنون. قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

مجازات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۶

۶ کفرمداران و شرک پیشگان ، مستحق عذاب و کیفر الهی در دنیا

و لو یعجل اللّه للناس الشر

مجازات کافران محارب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۱ – ۱،۲،۱۷

۱ – مسلمانان باید کافران محارب را هر کجا یافتند ، بکشند .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

ضمیر <هم> در جمله فوق به <الـذین یقـاتلوکم> بر می گردد و لـذا از آنان به کافران محارب تعبیر شـده است. <ثقف> (مصدر ثقفتم> به معنای یافتن و دسترسی پیدا کردن است.

۲ - ضرورت کشتن کافران محارب ، محدود به میدان جنگ نیست .

و اقتلوهم حیث ثقفتموهم

عبارت <حیث ثقفتموهم> (هر کجا آنان را یافتید و بر آنان دسترسی داشتید) گویای برداشت فوق است.

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند

و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

مجاهدان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۴

۴ رویارویی مجاهدان در راه خدا و کافران ، در بدر

فئه تقاتل فی سبیل اللّه و اخری کافره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۸،۲۸

۸ خداوند نوید بخش ظهور مجاهدانی نستوه ، محبوب خدا و دوستدار وی ، متواضع در برابر مؤمنان و سرافراز بر کافران

فسوف یأتی اللّه بقوم . .. و لایخافون لومه لائم

۲۸ دلباختگان خداوند ، فروتن در برابر مؤمنان ، سرفراز در قبال کافران و مجاهدانی بی پروا از ملامت دشمنان دین

یحبونه اذله علی المؤمنین . .. یجهدون فی سبیل اللّه و لایخافون لومه لائم

مجرمیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۳

۳ - کافران ، مردمانی مجرم اند .

و یوم تقوم الساعه یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

<ال> در <المجرمون> ممکن است عهد باشد و به قرینه آیه بعد که در آن، از جواب مؤمنان سخن گفته شده است و نیز آیات سابق که درباره کافران بود مراد از آن، کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۵

۵ - کافران و مشرکان ، از مجرمان اند .

یودّ المجرم

محاکمه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت

و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعیاً . .. و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق

<أين شركاؤكم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتكذب بآيات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <أليس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من كلّ أُمّه فوجًا ممّن یكذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من كلّ أُمّه فوجًا ممّن یكذّب بایتنا

محاکمه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۱،۳،۴،۸،۹

۱ - قرار گرفتن کافران در جایگاه محاکمه پس از برانگیختن آنان در روز رجعت

و یوم نحشر. .. حتّى إذا جاءو

۳ - تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حتّى إذا جاءو قال أكذّبتم بايتى

۴ - خدا ، حاکم و داور دادگاه کیفری کافران

قال أكذّبتم بايتى

۸ - قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم

از ارتباط دو آیه و واژه <حتّی> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

۹ -

محاکمه شدن کافران به خاطر کردارشان علاوه بر محاکمه آنان به خاطر عقایدشان

أکذّبتم بایتی . .. أمّاذا کنتم تعملون

عبارت <أکذّبتم بآیاتی> دلالت بر محاکمه عقیدتی و تعبیر <أمّاذا کنتم تعملون> دلالت بر محاکمه آنان به خاطر کردارشان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران تکذیب گر ، پس از پایان یافتن محاکمه آنان

قال أکذّبتم بایتی . .. و وقع القول علیهم

در تفسیر <وقع القول علیهم> چند نظر ابراز شده است که از جمله آنها <حلول عذاب> است.

محدوده مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۰

۱۰- مهلت الهی به کافران ستیزه جوی ، مهلتی محدود و زودگذر

إنّ الذین کفروا و . .. سیحبط أعملهم

در صورتی که حبط عمل به معنای خنثی سازی توطئه ها باشد; سین در <سیحبط> زودرسی این وعده را افاده می کند.

محرومیت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۹

۹ - خداوند در قیامت نظر رحمتی بر کفرپیشگان و کتمان کنندگان حقایق دینی ، نخواهد داشت .

و لاهم ینظرون

در برداشت فوق فعل مجهول <ينظرون> از (نظر) به معناى رؤيت گرفته شده است. بر اين مبنا <ولاهم ينظرون>; يعنى، نظر رحمتى به آنان نخواهد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ كافران در قيامت از زينتهاى خدادادى و روزيهاى پاكيزه محروم خواهند بود.

قل هى للذين ءامنوا . .. خالصه يوم القيمه

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۳

۳ کسانی که دین و معارف الهی را نپذیرند و مردم را از پذیرش آن بازدارند ، در آخرت از رحمت خدا محروم و به لعنت او گرفتار خواهند شد .

ألا لعنه الله علی الظلمین. الذین یصدون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۸

۸- کافران ، در آخرت قادر به بهره برداری از اعمال نیک خویش نخواهند بود و از آن محروم خواهند شد .

أعملهم کرماد اشتدّت به الریح فی یوم عاصف لایقدرون ممّا کسبوا علی شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۱ - ۱۲

۱۲ - در قیامت ، تنها مجرمانی ناکام و محروم خواهند بود که بهره ای از ایمان و عمل صالح ندارند .

من حمل ظلمًا

جمله <و من یعمل من الصالحات. ..> در آیه بعد، می تواند قرینه براین باشد که <من حمل ظلماً> مطلق نیست; بلکه تنها کسانی مورد نظر هستند که نه مؤمنان د و نه نیکوکار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۶

۶- کافران دوزخی ، از هر گونه لطف و رحمت خداوند محروم اند .

و لا هم ینظرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <ینظرون> فعل مضارع مجهول از ثلاثی مجرد و از ماده <نظره> باشد که به معنای رحمت است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۷

کافران در قیامت ، محروم از رحمت خداوند

الملک . .. للرحمن و کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

یـادآوری سـختی قیـامت برای کافران، با آن که پیش از آن رحمانیت خداونـد مطرح گردیـده است، گویای حقیقت یاد شـده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۷

۷ - مشرکان و کافران ، محروم از بهشت و موهبت های آن

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف

لاـم اختصـاص در <لهم> بیـانگر این حقیقت است: کـافران و مشـرکان که در قطب مقابـل مؤمنان قرار دارنـد از نعمت های بهشتی محروم اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۲

۲ - کافران ، محروم از کمترین لطف و عنایت خداوند در قیامت

و قیل الیوم ننسیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۷

۷- کافران در جهان آخرت ، تهی دست از پاکیزگی ها و ارزش ها

أذهبتم طیّبتکم فی حیاتکم الدنیا و استمتعتم بها

واژه <طیّبات> شامل ارزش های پاک و انسانی است که کافران با لذّت جویی، آنها را فانی کرده و از کف داده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۴

۴ - نبودن کمترین یاور و شفیع ، برای کافران در قیامت

و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <یوم لا-یغنی. ..> نظر به قیامت داشته باشد. در این صورت تعبیر <و لا هم ینصرون> حکایت از نفی شفیع می کند.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۴

۴ - کافران ، از هر گونه راحتی و آسایش در دوزخ محروم اند .

إنّا أعتدنا للکفرین سلسلاْ و أغللاً و سعیرًا

از کیفیت عذاب شدن کافران ناسپاس (غل و زنجیر شدن آنان در دوزخ)، مطلب یاد شده به دست می آید.

محرومیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۶،۷

۶ رویگردانان از اطاعت خدا و رسول ، کافر و محروم از محبّت خدایند .

قل اطیعوا اللّه و الرسول فان تولّوا فانّ اللّه لا یحب الکافرین

۷ کافران ، محروم از محبّت خداوند

فان تولّوا فان اللّه لا یحب الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۴،۱۵

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیّت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

مفهوم کلمه <فی الآخره>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنّت استدراج) .

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید اللّه . .. >، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۷

۷ کافران ، محروم از ورود به بهشت ، هر چند دارای اعمال صالح باشند .

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

قید <و هو مؤمن> می رساند که ایمان، شرط ثمربخشی اعمال نیک است; بنابراین اعمال نیک، بدون ایمان و در حال کفر، پاداش بهشت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۱

۱ کفرپیشگان ستمگر ، محروم از آمرزش و هدایت الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

تکرار نشدن <الذین> در جمله <و ظلموا> دلالت می کند که مجموع دو صفت <کفر> و <ظلم> موجب محرومیت از آمرزش و هدایت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. صرطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . ..> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل . .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجّه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت

محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ کافران ، محروم از هدایت الهی

و اللّه لایهدی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۱۰،۱۲

۱۰ منافقان و کافران ، مورد لعن و نفرین خداوند و محروم ابدی از رحمت او

المنفقین . .. و الکفار ... لعنهم اللّه

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن

به زبـان روشن و فصـیح نازل گردیـده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده انـد، می توانـد لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۷

۷- کافران دنیاپرست ، محروم از هدایت الهی اند .

استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره و أن الله لایهدی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۱ - ۱۱

۱۱ - حق ناپذیری کافران ، تنها مایه محرومیت آنان از رهنمود های بیدار کننده قرآن

بل أتینهم بذکرهم . .. معرضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۲

۱۲ - کافران و منکران وحدانیت خدا ، محروم از فلاح و رستگاری

إنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۷،۹

۷ - کافران ، به دلیل بی بهره بودن از نور الهی ، محروم از هر گونه هدایت اند .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ ... إذا أخرج یده لم یکد یرها و من

۹ - فرو رفتن کفرپیشگان در ظلالت و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ ... من فوقه سحاب ظلمت بعضها فوق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۳ – ۴

۴ – کافرانِ به آیات خدا و معاد ، حظّی از رحمت خداوند ، نخواهند داشت

.

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه أولئک یئسوا من رحمتی

<یئسوا من رحمتی> می توانـد جمله خبری باشـد و می توانـد کنایه از قضای الهی مبنی بر مشـمول رحمت قرار نگرفتن افراد یاد شده باشد. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۵ – ۶

۶ – کافران ، از مهر و محبت خداوند ، محروم اند .

إنّه لایحبّ الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۳ – ۱

۱ – کافران حق ناپذیر ، از حیات معنوی و امتیازات بشری ، محروم اند .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

در آیه، کسانی که پیامبر(ص) نیز توان خارج کردن آنها را، از گمراهی نـدارد، به کوران تشبیه شـده اند و مراد از آنها کافران اند. تشبیه کافران به کوران، استعاره مصرحه است و <هادی>، استعاره کنایی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۸ – ۲

۲ – کافران و مشرکان لجوج و حق ناپذیر ، محروم از فهم صحیح حقایق الهی

إنّا جعلنا فی أعنقهم أغللاً .. فهم مقمحون

از تشبیه کـافران لجوج و حق ناپـذیر به انسان هایی که چون اسـیران، غل و زنجیر بر گردن دارنـد و سـرهایشان بالا مانـده و از دیدن اطراف خویش محروم اند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۲

۲ - مشرکان و کافرانِ لجوج و حق ناپذیر ، محروم از شناخت صحیح حقایق الهی و فاقد

بصیرت و بینایی

فأغشینهم فهم لایبصرون

<إغشاء> (مصدر <أغشینا>) به معنای قرار دادن پرده بر چیزی است که آن را بپوشاند. در جمله <فأغشیناهم> نیز مضافی در تقدیر است; یعنی، <فأغشینا أبصارهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - کفر و شرک ، ظلم است و کافران و مشرکان ، از هرگونه یاری دوست و نزدیکان دلسوز خود و شفاعت شفیعان محروم اند .

ما للظلمین من حمیم و لا شفیع یطاع

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیات، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره کافران و مشرکان سخن می گوید و مقصود از <ظالمین> آنان می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کافران ، محروم از رحمت خداوند و رستگاری در قیامت

فیدخلهم ربّهم فی رحمته . .. وأمّا الذین کفروا أفلم تکن ءایتی تتلی علیکم

از تقابل وضع کافران با مؤمنان در این آیه و آیه پیشین، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵

- ۳۴ - ۳

۳ - محرومیت کافران در قیامت از لطف و توجه حق ، نتیجه بی توجهی آنان به معاد است .

و قیل الیوم ننسیکم کما نسیتم لقاء یومکم هذا

برداشت بالا، بر این مبنا است که <کما> در <کما نسیتم> برای تعلیل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۴

۴- ذلّت و بدفرجامی کافران ، معلول برخوردار نبودن از ولایت و حمایت خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. ذلک ... و أنّ الکفرین لا مولی لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۱ - ۱

۱ - کافران ، محروم از پشتوانه غیبی و گرفتار وهم در اندیشه های باطل خویش

أم یقولون شاعر نتربص به ریب المنون . .. أم عندهم الغیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۳

۳ - کافران دوزخی ، مورد نفرین خدا و محروم از رحمت و لطف او هستند .

فسحقًا لأصحب السعیر

<سحق> به معنای <بُعد> است و در این آیه، به جای لعن و نفرین به کار رفته است و مراد از آن، دوری از رحمت و لطف الهی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۱

۱ – کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) ، محروم از حمایت نزدیکان و دوستانِ دلسوز در قیامت

فلیس له الیوم ههنا حمیم

<حمیم> به فردی می گویند که به انسان نزدیک و دلسوز باشد. از مصادیق بارز آن خویشاوندان و دوستان صمیمی و دلسوز

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۷ – ۵

۵ – کافران ، از حالت شکیبایی ، مهرورزی و عطوفت ، محروم بوده و از توصیه یکدیگر به آن خصلت ها خاموش اند .

الذین ءامنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمرحمه

این آیه تعریض به کافرانی دارد که در آیات آغاز و پایان سوره، از آنان سخن به میان آمده است.

محرومیت کافران از نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۴

۴ – ابراهیم (ع) ، کفرپیشگان مکه را شایسته بهره مند شدن از روزی های الهی نمی دانست .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

محرومیت کافران از هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۵ – ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلیگرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

محرومیت کافران دنیاطلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۳

۳- محرومیت کافران دنیاگرا (مرتدان) از درک حقایق معنوی ، همان محرومیت از هدایت الهی است .

لایهدی القوم الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

جمله <أُولئک الـذین طبع الله . ..> بیانگر جمله <و أن الله لایهـدی القوم الکافرین> است; یعنی، چگونگی و راه محرومیت کافران از هدایت الهی را تفسیر و معنا می کند.

محرومیت کافران ظالم

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۳۸

۳ کافران ستم پیشه و مانعان راه خدا ، موفق به ایمان و توبه نخواهند شد .

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم

بدیهی است که کفرپیشگان در هر مرتبه ای از کفر باشند چنانچه اهل ایمان گردند سزاوار آمرزش و هدایت الهی هستند ; بنابراین مراد از جمله <لم یکن . ..> این است که آنان موفق به ایمان نخواهند شد و در نتیجه آنان را نخواهد آمرزید.

۸ محرومیت کافران ستمگر از مغفرت و هدایت ، از سنت های الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

محرومیت کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب ندارند; می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محرومیت کافران معاند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۵ - ۶

۶ - کافران معاند و لجوج ، محروم از عفو و رحمت الهی

و یعف عن کثیر . و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

این که پس از مسأله عفو گناهان، این نکته مطرح شده که کافران معاند راه فراری از عذاب

ندارند; می تواند اشاره به این نکته داشته باشد که آنان مورد عفو و مغفرت الهی قرار نمی گیرند.

محرومیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۵

۵ - ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

محکومیت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۴ - ۱۰

۱۰- محکومیت کافران در محکمه قیامت ، با شهادت شاهدان همراه است .

و یوم نبعث من کلّ أُمّه شهیدًا ثمّ لایؤذن للذین کفروا

محمد(ص) و اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۲۸

۲ - پیامبر (ص) ، موظف بود که به آزار و اذیت های کافران و منافقان ، اعتنایی نکند .

و دَعْ أذیهم

۸ - پیامبر (ص) در برابر آزار و اذیت منافقان و کافران ، باید به خدا توکل کند .

و دَعْ أذیهم و توکّل علی اللّه

محمد(ص) و امکانات مادی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۸ – ۱

۱– خداوند ، پیامبر (ص) را از هرگونه چشم دوختن و مجذوب شدن به امکانات دنیوی کافران برحذر داشت

.

لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

<مدّ> به معنای زیاده و طولانی کردن است و هر گاه در رابطه با چشم و نظر به کار رود، به معنای چشم دوختن، خیره شدن و مجذوب شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۲

۲ - خداوند ، پیامبر (ص) را از توجه به سرمایه های چشمگیر کافران و اشتیاق بهره گیری از آن ، برحذر داشت .

و لاتمدّنّ عینیک إلی ما متّعنا به أزوجًا منهم

<مدّالعین> (چشم کشیدن)، برداشتن نگاه از چیزی و متوجه ساختن و کشاندن آن به سوی چیز دیگر است و به قرینه آیاتی دیگر (نظیر <لاتعد عیناك عنهم> کهف/ ۲۸) مرادِ آیه، معطوف ساختن توجه از تهیدستان به سوی ثروتمندان است. برخی احتمال داده اند که مراد از کشاندن، ادامه دادن است و آیه ناظر به نگاهِ سیر و عمیق می باشد.

محمد(ص) و عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۵ - ۲

۲ - وعده نزول عذاب بر کافران ، در مرآی و منظر پیامبر (ص)

و إنّا علی أن نریکک ما نعدهم لقدرون

محمد(ص) و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۰ - ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) ، نگران رویگردانی کافران ، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود

را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۳

۳ صحنه شهادت پیامبر (ص) در قیامت ، موجب شرم و تأسف بی اندازه کافران

و جئنا بک علی هؤلاء شهیداً. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

<یومئذ> متعلق به <شهیداً> است. یعنی آن روز که پیامبر (ص) بر اعمال گواهی دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۰ - ۷

۷ پیامبر (ص) مسؤولیّتی در برابر کفرورزی کافران و رویگردانی انسان ها از وی ندارد .

و من تولّی فما ارسلناک علیهم حفیظاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۳

۲۳ پرهیز از اندوه و تأسف بر کفرپیشگی کافران و سرنوشت شوم آنان ، توصیه خداوند به پیامبر خویش

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۳

۳ پیامبر(ص)، مأمور احتجاج با کافران درباره توحید ربوبی

قل أغیر اللّه أتّخذ ولیا فاطر السموت و الأرض و هو یطعم و لا یطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۳ - ۹،۱۱

۹ لجاجت کفار و مقابله آنها به پیامبر اکرم(ص) در عین آگاهی از حقانیت آن حضرت

فإنهم لا یکذبکونک و لکن الظلمین بأیت اللّه یجحدون

۱۱ ستیز کافران با پیامبر(ص)، مقابله با مقام الوهیت خداوند است.

قد نعلم إنه لیحزنک . .. و لکن الظلمین بأیت

اللّه يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ پيامبر(ص) وظيفه دار شناخت دقيق روحيات و ويژگيهاى كافران و چگونگى موضعگيريهاى آنها در برابر هدايت است.

و إن كان كبر . .. فلا تكونن من الجهلين

بيان ويژگى هـدايت ناپـذيرى برخى كافران و لحن توبيخ گونه آيه نسبت به پيامبر(ص)، بيانگر اين است كه پيامبر(ص)، على رغم ميل به هـدايت كردن همه مردم، بايـد واقعيت هـدايت ناپـذيرى برخى از كفار را پـذيرفته و آن را در برنامه هاى خود در نظر گيرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۴ - ۷

۷ پيامبر (ص) به گونه اى صريح و آشكار خطر تكذيب آيات را براى كفرپيشگان بيان مى كرد .

إن هو إلا نذير مبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۸

۸ پيامبر (ص) از جانب خداوند مأموريت يافت تا سنت الهى را در سركوبى حق ستيزان به كافران عصر خويش ابلاغ كند .

قل للذين كفروا . .. و إن يعودوا فقد مضت سنت الأولين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۱

۱ نبرد بى امان با كافران و منافقان ، و سخت گيرى و عدم ترحم به آنان ، فرمان خدا به پيامبر (ص)

يأيها النبى جهد الكفار و المنفقين و اغلظ عليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۸

۸ خداوند

، حاکم و داور اختلافات و نزاع های میان پیامبر (ص) و مردم کفرپیشه بود .

و اصبر حتی یحکم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۱،۲،۴

۱ پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع ناصوابشان پافشاری کنند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

<اعملوا> امری است که به داعی تهدید و هشدار ایراد شده است و <مکانه> به معنای توان و قدرت و نیز به معنای مکان و جهت آمده است. بر اساس معنای نخست <اعملوا ...>; یعنی، هر اندازه توان دارید عمل کنید و کوتاهی نکنید و بر اساس دومین معنا; یعنی، بر همان جهت و موضعی که اتخاذ کرده اید عمل کنید.

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

۴ پیامبر (ص) از ناحیه خداوند مأمور بود تا پایداری خود و مؤمنان و ایستادگی بر مواضعشان را به کافران تأکید کند .

و قل للذین لا یؤمنون . .. إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۵

۵ ابلاغ تهدید های خداوند به کفرپیشگان و رساندن بشارت های او به مؤمنان ، وظیفه پیامبر (ص) بود .

و قل . .. وانتظروا إنا منتظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (

ص) در چگونه برخورد کردن با کافران و پاسخ گویی به آنان

قل هو ربی . .. و إلیه متاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۷ – ۴

۴ دلسوزی بسیار پیامبر (ص) نسبت به کافران و مشرکان و اهتمام آن حضرت برای هدایت و تربیت آنان

قل ما أسئلکم علیه من أجر إلاّ من شاء أن یتّخذ إلی ربّه سبیلاً

قرار گرفتن هدایت مردم به عنوان اجر پیامبر(ص) در حالی که هدایت شدن مردم از سنخ اجر نیست، علاوه بر این که مستثنی باید از سنخ مستثنی منه باشد می تواند گویای دو نکته باشد: ۱دلسوزی و اهتمام بسیار پیامبر(ص) نسبت به هدایت مردم. ۲- خلوص و نداشتن هیچ چشمداشت مادی در رسالت خود. در حقیقت چنین جمله ای، مانند سخن آن پدری است که برای حفظ جان فرزندش، تلاش بسیار دارد و به فرزندش می گوید: <من در قبال تلاشم، هیچ مزدی از تو نمی خواهم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱

۱ – پیامبر (ص) از حق ناپذیری کافران ، اندوهگین بود .

و من کفر فلایحزنک کفره

توصیه خداوند به پیامبر(ص) برای پرهیز از اندوه درباره کفر کافران، این نکته را می رساند که آن حضرت، در قبال کفر آنان، اندوهناک بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳ – ۲

۲ – تبعیت نکردن پیامبر (ص) از خواسته کافران و منافقان ، درپی دارنده مشکلاتی برای آن حضرت بود

.

و لاتطع الکفرین و المنفقین . .. و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلاً

فرمان به توکل، پس از فرمان به تبعیت نکردن از خواسته کافران و منافقان، احتمال دارد به خاطر پیامدها و مشکلاتی باشد که در پی آن فرمان، به وجود می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر حسرت و اندوه نداشتن بر گمراهی کافران

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۱

۱- حمایت خداوند از پیامبر (ص) ، با ارائه رهنمود به آن حضرت در قبال تشکیک کافران

أم یقولون افتریه . .. قل ما کنت بدعًا من الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۲ - ۶

۶ - اجبار مردمانِ کافر به پذیرش دین و ایمان ، بر عهده پیامبر (ص) نبود .

فإن تولّیتم فإنّما علی رسولنا البلغ المبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هیچ اجر و پاداشی از کافران در قبال رسالت خویش درخواست نکرد .

أم تسئلهم أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أکید کیدًا . فمهّل

برداشت یاد شده،

از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پیامبر (ص) ، پس از عمل به وظیفه ارشاد همگان ، در خصوص تداوم بخشیدن به ارشاد اعراض کنندگان کافر ، تکلیفی ندارد .

فذکّر . .. إلاّ من تولّی و کفر

فعل <تولّی>، بیانگر این نکته است که تذکّرات پیامبر(ص) به روی گردانان رسیده است و آنان پندها را نپذیرفته، از آن اعراض کرده اند. بنابراین تذکّر دادن در مرحله اول، عمومی است و به همه مردم باید ابلاغ گردد; ولی پس از تولّی و اعراض گروهی از آنان، پیامبر(ص) درباره تکرار تذکّر و ارشاد آن گروه، تکلیفی ندارد.

۴ - پیامبر (ص) ، به الزام مخالفان بر ایمان در صورت بی اعتنایی و کفر ورزیدن آنان مجاز است .

لست علیهم بمصیطر . إلاّ من تولّی و کفر

حرف <إلاّ>، ممکن است برای استثنای حقیقی از ضمیر <علیهم> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۲ - ۱

۱ - رد معبود های کافران و امتناع از عبادت آنها در تمام عمر خویش ، خط مشی ارائه شده از سوی پیامبر (ص) ، در گفتوگو با کافران

لا أعبد ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون -

۶ - ۶ - ۱۰۹

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

محمد(ص) و کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

محمد(ص) و کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۷

۷ - وجود شرایط مساعد برای اقدام سریع پیامبر (ص) به رویارویی با توطئه های کافران ، در عصر بعثت

فمهّل الکفرین

فرمان مهلت دادن، در صورتی به پیامبر(ص) داده می شود که شرایط برای انجام عملی شتابزده علیه کافران فراهم باشد.

محمد(ص) و لعن کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویدًا

<مَهِّل> و <أمهِل> به یک معنا است; گرچه برخی گفته اند: <مَهِّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت

به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْد> (مهلت دادن) باشد; یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

محمد(ص) و مقابله با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، وظیفه داشت که از مقابله به مثل و درگیری با منافقان و کافران بپرهیزد .

و دَعْ أذیهم

احتمال دارد که <دَعْ> به معنای <بی اعتنایی> باشد و احتمال دارد که به معنای <درگیر نشدن و مقابله نکردن> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

محمد(ص) و هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۲

۲- پیامبر (ص) برای هدایت کافران ، تلاش وسیعی داشت .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

اینکه خداوند، به پیامبر(ص) دستور می دهد که <آنان را به حال خود رها کن> حکایت از آن دارد که آن حضرت، تلاش گسترده و وسیعی برای نجات آنان از کفر انجام داده بود.

مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۸

۸ - تسلّی و دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های مشرکان و کافران

إنّهم ميّتون . ثمّ إنّكم يوم القيمه عند ربّكم تختصمون

يادآوری مردن کافران و مشرکان و احضار شدن آنان به پیشگاه خداوند و نزاع و مجادله پیامبر(ص) با آنان، در واقع

نوعی دلداری و تسلّی به پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱،۳

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به صبر در برابر مخالفت های کافران حق ناپذیر و تداوم رسالت خویش فرا خواند .

فاصبر

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت های کافران حق ستیز و لجوج

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- روحیه استکباری ، عامل اصلی مخالفت کافران با قرآن و نه شبهات اصولی و تردید در ارزش آن

و شهد شهد . .. فامن و استکبرتم

تصریح خداوند بر استکبار کافران، علی رغم ایمان حق گرایان به قرآن، اشاره به مطلب بالا دارد.

مدارا با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۶

۶ - اظهار رفق و مدارات با کفران ستیزه جو ، توصیه خدا به پیامبر (ص)

و إن جدلوك فقل اللّه أعلم بما تعملون

جمله <اللّه أعلم بما تعملون>، تهدیدی است همراه با اظهار نرمی و مدارات.

مدبر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۰

۱۰ تدبیر امور انسان های مؤمن و کافر ، تحولات جوامع بشری و سرنوشت آنها ، به دست خدا و در اختیار اوست .

اهبط بسلم منا . .. و أمم سنمتعهم ثم یمسّهم منا عذاب أليم

مراتب اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ -

۱۹ - ۲

۲-وجود تفاوت درجات ، در بهشت برای مؤمنان و در دوزخ برای کافران *

و لکلّ درجت ممّا عملوا

برداشت بالاـ بنابراین است که <لکلّ> به معنای هر یک از مؤمنان و هر یک از کافران باشد که در آیات پیشین به عنوان <مسلم> و <منکر معاد> از آنان یاد شد.

مراتب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱

۱- هر یک از مؤمنان و کافران ، دارای درجات و مراتب مختلف ، متناسب با عملکرد خود

و لکلّ درجت ممّا عملوا

<لکلّ> ممکن است نظر به دو دسته داشته باشد: ۱ مؤمنان نیک کردار، ۲ کافران منکر معاد و ممکن است ناظر به هر مؤمن در مقایسه با دیگر مؤمنان و هر کافر در مقایسه با دیگر کافران باشد. براشت یاد شده بر اساس احتمال نخست است.

مربی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - کافران نیز تحت تدبیر ربوبیت خداوندند .

بل هم بلقاء ربّهم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۳ - ۶

۶ کافر ، دست پرورده شیطان *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت یاد شده در صورتی است که <قرین> به معنای شیطان باشد; چه این که در آیات بعد <قرین> اشاره به <شیطان> دارد. واژه <عتید> می رساند که منکران معاد، دست آموز و دست پرورده شیطان اند.

مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱۷

۱۷ مرگ

برای کافران بهتر از زندگی است .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

امـام باقر (ع): الموت خیر [ل] . .. الکافر ... لانّ اللّه یقول ... <و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۱۳، ح ۴۴۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۸

۸ کافران پس از جان کندن پر مشقت به عذاب و آتشی سوزان (عذاب برزخ) گرفتار خواهند شد .

و ذوقوا عذاب الحریق

امر به چشیدن عـذاب حریق (ذوقوا عـذاب الحریق)، دلالت بر وجود بالفعل آن عذاب دارد. و چون این جمله به هنگام گرفتن جـان کافران گفته می شود، معلوم می شود که کافران پس از مردن به عـذاب گرفتار خواهنـد شـد و این همان عـذاب برزخی است. گفتنی است <ذوقوا ... > به تقدیر <یقولون لهم> سخن ملائکه با کافران به هنگام گرفتن جان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۹،۱۰

۹- کافران به هنگام مرگ ، تسلیم و منقاد می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

۱۰- کافران ، به هنگام مرگ دچار وحشت و ترس می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فألقوا السلم

تسلیم شـدن کافران به هنگام مرگ به قرینه <ما کنا نعمل من سوء> که در مقام دفاع بیان شده است می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۸

۸ - < عن الصادق (ع) . . . إذا مات الکافر شیّعه سبعون ألفاً من الزبانیه إلی قبره و انّه لیناشد حاملیه بصوت یسمعه کلّ شیء إلاّ الثقلان . . . و یقول : < رّب ارجعون لعلّی أعمل صالحاً فیما ترکت < فتجیبه الزبانیه کلاَّ إنّها کلمه أنت قائلها ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هنگامی که کافری می میرد، هفتاد هزار فرشته عذاب او را به سوی قبرش می برند و آن کافر با صدای بلند که تمام موجودات غیر از انس و جن می شنوند تشییع کنندگان را قسم می دهد . ..و می گوید: <ربّ ارجعون لعلّی أعمل صالحاً فیما ترکت>. پس فرشتگان عذاب به او جواب می دهند: هرگز! این کلامی است که تو گوینده آنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إنّ الذین کفروا و . .. فلن یغفر اللّه لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۵،۶

۵ - فرجام شوم و هلاکت بار ، درکمین کافران [در دنیا ، هنگام مرگ و یا در آخرت]

یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

تعبیر <الذی فیه یصعقون> (روزی که در آن بیهوش خواهند افتاد)، نشان دهنده سختی حال کافران به هنگام واقعه عذاب است. گفتنی

است که مراد از روز عذاب، می تواند روز عذاب استیصال، یا روز عذاب قیامت و یا هنگام مرگ باشد.

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

در صورتی که <یومهم. ..> به معنای لحظه مرگ باشد; معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۲

۲ - کشته شدن و مرگ ، سزاوارترین فرجام برای کفرپیشگان

قتل الإنسن ما أکفره

کفر در <ما أکفره> مطلق است و هر کفری، حتی ترک عبادت را نیز شامل است. البته به قرینه آیات بعد که به بیان تدبیر خداوند پرداخته و در مقابل منکران این حقیقت موضع گیری کرده است بارزترین مصداق مورد نظر از آن، انکار ربوبیت خداوند است.

مرگ کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۵

۵ مرگ کافران کشته شده در جنگ بدر با شکنجه و عذابی سخت از سوی فرشتگان مرگ

إذ يتوفى الذين كفروا الملئكه يضربون وجوههم و أدبرهم

از مصاديق مورد نظر براى <الذين

كفروا>، به دليل وقوع آيه مورد بحث در پى آيات مربوط به جنگ بدر، كافرانى هستند كه در آن نبرد به قتل رسيدند.

مستكبران و كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۹ - ۷

۷ زندگانى مؤمنان نيك كردار در دنيا ، همراه با ايجاد ناامنى از سوى مستكبران و اندوهبار از سرزنش آنان *

أهؤلاء الذين أقسمتم لاينالهم اللّه برحمه ادخلوا الجنه لا خوف عليكم

مطرح ساختن تحقير مؤمنان از سوى كافران و سپس بيان دو موهبت از ميان تمامى مواهب بهشتى اشاره به اين دارد كه اولاً زندگانى مؤمنان در دنيا آميخته به ناامنى و حزن است و ثانياً اين حزن عمدتاً از سوى كافران مستكبر ايجاد مى شده است.

مسخ قلب كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراك كافران مايه ايمان نياوردن ايشان، حتى با ديدن روشنترين معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

مسخ كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۱،۲۲

۲۱ مسخ كافرانِ به قرآن و يا گرفتارى آنان به لعنت ، سنت الهى

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و كان امر اللّه مفعولا

۲۲ مسخ و يا لعنت كافرانِ به قرآن از اهل كتاب ، امرى حتمى و قضايى تخلف ناپذير

يا ايها الذين اوتوا الكتب امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً ... و كان امر اللّه م

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۷ - ۲

۲ - عذاب کافران با مسخ و زمین گیر شدن شان ، جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لمسخنهم علی مکانتهم فما استطعوا مضیًّا و لایرجعون

مسلمانان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۸ - ۱،۲،۳،۸،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۲ حرمت و ممنوعیت پذیرش ولایت و سرپرستی کافران ، برای مؤمنان

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

۳ حرمت برگزیدن کافران و مقدّم داشتن آنان بر مؤمنان ، در دوستی و ارتباط و ولایت

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۱۱ حاکمیّت و سرپرستی کافران بر امور مؤمنان ، زمینه انحطاط و بی ارزشی مؤمنان در پیشگاه خدا

لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیا ء . .. و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

خروج از ولایت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۲ پذیرش دوستی کافران ، گسستن رابطه با خداوند است .

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء . .. و من يفعل ذلك فليس من اللّه فى شىء

بنابراينكه ولايت به معناى دوستى باشد.

۱۳ پذيرش سرپرستى كافران ، جز در اضطرار و تقيّه ، جايز نيست

.

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقيه

بنابراينكه ولايت به معناى سرپرستى باشد.

۱۴ جواز برقرارى ارتباط دوستانه با كافران ، در صورت تقيّه ، اضطرار و هراس

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقيه

بنابراينكه ولايت به معناى دوستى باشد.

۱۵ تحذير و هشدار مؤكد خداوند ، نسبت به مؤمنانى كه پذيراى ولايت و سرپرستى كافران شده اند .

لا يتّخذ المؤمنون الكافرين اولياء . .. و يحذّركم اللّه نفسه و الى اللّه المصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۸ - ۲

۲ ضرورت حفاظت اطلاعات و اسرار جامعه اسلامى ، از بيگانگان (كافران ، منافقان و . . .)

يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا بطانه من دونكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۲

۲ مجاهدان جنگ بدر ، نمونه اى از مسلمانان صبور و تقواپيشه كه خداوند با يارى خويش ، مانع زيان رسانى كافران به آنان گرديد .

ان تصبروا و تتقوا لا يضرّكم كيدهم . .. و لقد نصركم اللّه ببدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۲۰،۲۱،۲۳،۲۴،۲۵،۳۵

۲۰ نبرد هميشگى كفار با مسلمانان ، براى اينكه اگر بتوانند آنان را از اسلام برگردانند .

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب شرط <ان استطاعوا>، محذوف و <حتی یردّوکم>، دلیل جواب باشد.

۲۱ لزوم هُشیاری مسلمانان در برابر کفار

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا

۲۳

کفّار ، در صورت توان ، همواره با مسلمانان خواهند جنگید .

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا

بنابراینکه جواب <ان استطاعوا>، محذوف بوده و دلیل آن، <لا یزالون یقاتلونکم> باشد.

۲۴ هشدار خداوند به مسلمانان ، با افشای نیّات و اهداف کفار نسبت به مسلمانان

و لا یزالون یقاتلونکم حتی یردّوکم عن دینکم ان استطاعوا

۲۵ کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عنداللّه و الف

۳۵ بزرگ جلوه دادن اعمال خلاف مسلمین توسط کفار ، و نادیده گرفتن اعمال زشت خود

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به .

برخی برآنند که سائلین، مشرکان مکه بودند تا به این وسیله خلاف برخی از مسلمین را به رُخ پیامبر (ص) کشند و علیه او تبلیغات کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۱۲

۱۲ – غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . .. یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسور نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۱

۱ پیامبر (ص) در مکّه ، مسلمانان را از درگیری مسلّحانه با کافران بازمی داشت .

الم تر الی الّذین قیل لهم

كفّوا ايديكم

بنابر آنچه در شأن نزول آمده، نهی از مبارزه مسلّحانه در مكّه و قبل از هجرت رسول خدا (ص) بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۸

۸ بازماندن منافقان و كافران از رویارویی و نبرد با مسلمانان ، برخاسته از مشیّت خداوند

و لو شاء اللّه لسلّطهم علیكم فلقاتلوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۱۶

۱۶ در كمین بودن كافران برای ضربه زدن به مسلمانان ، دلیل ضرورت آمادگی نظامی و تداركاتی ، برای دفع هجوم آنان

ودالذین كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم و امتعتكم فیمیلون علیكم میله واحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای دوستی و ولایت كفار ، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتّخذون الكفرین أولیاء . .. یكفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای ولایت و دوستی با اهل كتاب و دیگر كافران ، علی رغم دشمنی آنان با دین

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الذین . .. أولیاء و اتقوا اللّه ان كنتم مؤمنین

لحن مذمت گونه جمله < و اتقوا اللّه ان كنتم مؤمنین> می رساند كه گروهی از مسلمانان با كافران روابط دوستی بر قرار كرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱

۳ مسلمانان نباید در پذیرش صلح مطرح شده از سوی کافران هدفی جز دستیابی بهزندگی مسالمت آمیز با کافران داشته باشند . *

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید. مقصود این است که مسلمانان نباید صلح را به خاطر تجدید قوا و مانند آن بپذیرند.

مسؤول گمراهی کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۱۷

۱۷- رهبران مستکبر ، در قیامت ، در پی معرفی شدن به عنوان مسؤول گمراهی پیروان ، گمراهی خود و آنان را به خداوند نسبت خواهند داد .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا . .. قالوا لو هدینا الله لهدین

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از هدایت در آیه هدایت در برابر گمراهی است و نه احتمال دیگر که به معنای راهنمایی برای نجات از عذاب باشد.

مسؤولیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۸

۸ کافران ، همچون مؤمنان ، مکلف به فروع و در قبال آن مسؤول و معاقبند . *

من یعمل سوءاً یجز به

از مصادیق مورد نظر برای <من یعمل . ..> اهل کتاب هستند. بنابراین اگر آنها مرتکب گناه شوند، همچون مسلمانان عقوبت خواهند شد و این معنا بیانگر مکلف بودن اهل کتاب بر احکام فرعی اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۴ – ۲

۲ خداوند کفرپیشگان را به تفکر در ادعای ناصوابشان (مجنون پنداشتن پیامبر

) فراخواند .

أو لم يتفكروا ما بصاحبهم من جنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۴ - ۴

۴ خداوند کافران را به گوش فرادادن به آوای قرآن فراخواند .

هذا بصائر من ربکم . .. إذا قرى القرءان فاستمعوا له

برداشت فوق مبتنی بر این است که خطاب در <فاستمعوا . .. > شامل کافران نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فى الزّبر

مشاجره کافران پیرو و شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۱

۱- پس از درگیری لفظی رهبران مستکبر با پیروان خود در قیامت ، آنان با شیطان به منازعه می پردازند .

فقال الضعفؤا للذين استکبروا . .. قالوا ... و قال الشيطن لمّا قضى الأمر

ذکر قصه شیطان و سخنان وی در قیامت با جهنّمیان، پس از گفت و گوهای رهبران مستکبر و پیروانشان، نشان دهنده ادامه ماجرای مستکبران و پیروان آنها با شیطان است.

مشاوره کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۳ – ۵

۵- کاران در عصر بعثت ، برای تصمیم در باره امور خود ، مجلس مشورتی داشتند .

و أحسن ندیًّا

برای <ندی> (ریشه اشتقاقی <ندی>) چندین معنا ذکر شده است، از قبیل: جود و بخشش، باران، گیاه، برآوردن آواز، مجالست و. .. (لسان العرب). آنچه از این معانی متناسب با آیه

و قرائن دیگر است، آن است که <ندیّ> به معنای مجلس و مکان گفت وگو و از <ندی> به معنای مجالست مشتق شده باشد; زیرا افتخار به موارد دیگر در برابر مسلمانان که نوعاً تهیدست و بدون قدرت بودند چندان مناسب به نظر نمی رسد.

مشکلات اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۲

۲- عرضه جهنم بر کافران در قیامت ، برای آنان صحنه ای دشوار و دهشت زا است .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا

<عرضاً> علاوه بر تأکید سخن به دلیل نکره بودن بر عظمت کار نیز دلالت دارد و عظمت عرضه جهنم، به هول انگیز بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۶

۶ - گناه پیشگان و کافران ، در قیامت با سختی ها و مشکلات سنگین و طاقت فرسا روبه رو خواهند شد .

و یذرون وراءهم یومًا ثقیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۷

۱۷ - کافران در قیامت ، حیات اخروی را سرآغاز سختی ها دیده و باقی ماندن به صورت خاک را آرزو خواهند کرد .

یلیتنی کنت تربًا

آرزوی خاک بودن، ممکن است به این معنا باشد که کاش دوباره زنده نشده بودم و به همان حالت پس از مرگ که خاک شده بودم باقی می ماندم.

مشکلات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر

یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری . ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۵

۵ - بی دینان و ناامیدان از نصرت الهی ، گرفتار بن بستی گریزناپذیر در زندگی

من کان یظنّ أن لن ینصره اللّه. .. فلیمدد بسبب الی السماء... هل یذهبنّ کیده ما یغ

مشکلات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۴

۴ - عذاب اخروی برای کافران و حق ستیزان ، کیفری گران و سخت مصیبت بار

و لولا أن تصیبهم مصیبه

<مصیبه> به بلیه و هر امر مکروه، و ناخوشایند گفته می شود و تنکیر آن برای تفخیم است. بنابراین واژه

<مصیبه> در این آیه به معنای بلای بزرگ می باشد و مقصود از آن می تواند عذاب استیصال باشد و می تواند عذاب اخروی باشد.

مصایب کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبتهایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال ...> حکایت از قضیه خارجیه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکّه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکّه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مصایب کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبتهایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال ...> حکایت از قضیه خارجیه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر

گفته مفسران، مقصود کافران مکّه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکّه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مصایب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبتهایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال ...> حکایت از قضیه خارجیه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکّه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکّه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مصونیت از اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱

۱ - التجای ابراهیم (ع) و همراهانش به خدا ، برای قرار نگرفتن تحت سلطه و شکنجه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا

<فتنه> در اصل به معنای آزمایش است. از آن جا که تسلط کافران بر مؤمنان نوعی آزمایش آنان به شمار می آید، <فتنه> در آیه بالا کنایه از تحت سلطه و شکنجه قرار گرفتن خواهد بود.

مصونیت از سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۱

۱ - التجای ابراهیم (ع)

و همراهانش به خدا ، برای قرار نگرفتن تحت سلطه و شکنجه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا

<فتنه> در اصل به معنای آزمایش است. از آن جا که تسلط کافران بر مؤمنان نوعی آزمایش آنان به شمار می آید، <فتنه> در آیه بالا کنایه از تحت سلطه و شکنجه قرار گرفتن خواهد بود.

مصونیت از سوءاستفاده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۵ - ۴

۴ - التجای ابراهیم (ع) و همراهانش به خداوند ، از این که وسیله ای برای سوءاستفاده کافران قرار گیرند . *

ربّنا لاتجعلنا فتنه للذین کفروا

در صورتی که <فتنه> به معنای <آزمون و بلا> باشد، می تواند بیانگر این معنا باشد که ابراهیم(ع)، از خداوند خواست تا مورد سوء استفاده کافران و در راستای منافع آنان قرار نگیرد.

مصیبت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱،۲

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

۲ - کافران در قیامت ، دچار مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

مطالعه فرجام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۳ – ۱،۳

۱ – نگریستن به فرجام کافرانِ

انذار شده از سوی رسولان پیشین ، توصیه خداوند به پیامبر اسلام (ص)

فانظر کیف کان عقبه المنذرین

۳ – لزوم تأمل و اندیشه در سرنوشت شوم کافران متعصب و لجوجی که از سوی پیامبران پیشین انذار شده اند .

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۵ – ۱

۱ – پیامبر (ص) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۱

۱ – پیامبراسلام (ص) مأمور به نظاره و دقت در سرانجام شوم و احوال مشرکان و کافران معاند

و أبصر

مفعول فعل <أبصر> به قرینه آیه مشابه (۱۷۵) ضمیر <هم> است.

معاد کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۵ – ۵

۵ – کافران ، زنده شدن خود را در قیامت ، معلول فاصله زیاد نداشتن مرگ شان تاروز قیامت می دانند . *

و یوم . .. یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه

احتمال دارد قسم خوردن کافران بر طولانی نبودن حضورشان در برزخ و نیز جواب صاحبان علم و ایمان به آنان، برای طولانی بودن آن مدت، به خاطر ذکر این نکته باشد که کافران، با چنین ادعایی، در پی اثبات این امر باشند که بدن شان، هنوز آمادگی حیات داشته است.

معاشرت با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۱۰

جواز معاشرت و مجالست با كافران ، آنگاه كه آيات الهى را استهزا نكنند و سخنانشان كفر به آيات الهى نباشد .

فلاتقعدوا معهم حتّى يخوضوا فى حديث غيره

مفهوم جمله <حتى يخوضوا . ..>، جواز معاشرت با شرط ذكر شده است.

معاهدات با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۵

۵ جواز معاهده و پيمان همكارى و ترك مخاصمه با غير مسلمانان

الّا الّذين يصلون الى قوم بينكم و بينهم ميثاق

معاهده با كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۴

۱۴ انعقاد هرگونه پيمان (سياسى ، نظامى ، اقتصادى و فرهنگى) ، كه موجب سلطه كافران گردد ، نامشروع و باطل است .

و لن يجعل اللّه للكفرين على المؤمنين سبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۵۸ - ۳

۳ تصميم بر الغا و اعلان بى اعتبارى معاهدات امضا شده با كافران ، در اختيار پيامبر (ص) و رهبران جامعه اسلامى است .

فانبذ إليهم على سواء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸

۱۴ كافرانى كه با مسلمانان پيمان عدم تعرض دارند ، هر چند به انگيزه مبارزه با اسلام به غير مهاجران هجوم برند ، مهاجران و

انصار موظف به یاری آنان نیستند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مراد از میثاق به قرینه مقام، پیمان عدم تعرض و متارکه جنگ است.

۱۵ مسلمانان نباید حتی به خاطر دفاع

از مؤمنانی که مورد هجوم کافران قرار گرفتند پیمان خویش را با آن کافران نادیده انگارند و آن را نقض کنند .

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

۱۶ مسلمانان عصر بعثت با گروههایی از کافران پیمان عدم تعرض داشته و به آن وفادار بودند .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

۱۷ اهمیت ویژه پایبندی به پیمان ، حتی در صورت کافر بودن طرف مقابل

فعلیکم النصر إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

هر چند مراد از <میثق> در آیه شریفه پیمان متارکه جنگ است، ولی روشن است که پیمان متارکه جنگ خصوصیتی ندارد. بنابراین می توان آیه شریفه را در همه پیمانهای مجاز، ساری و جاری دانست.

۱۸ پیمان بستن با کافران (پیمان عدم تعرض و . . .) امری جایز و پایبندی به آن واجب است .

إلا علی قوم بینکم و بینهم میثق

مغالطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ بقای مغالطه کاری و بهانه جوییهای کافران، حتی در صورت انتخاب پیامبر از میان فرشتگان

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا و للبسنا علیهم

۱۱ کافران به رسالت پیامبر(ص)، حق پوش و مغالطه کارند.

و للبسنا علیهم ما یلبسون

<یلبسون>، فعل مضارع و بیانگر استمرار تلبیس کافران است.

مغضوبیت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۸

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳ – ۸

۸ – کافران ، مردمانی ناخوشایند خداوند

قال الذین کفروا . .. قل

از این که خداونـد، خود به جواب مستقیم به کـافران اقـدام نکرده و به پیـامبر(ص) دسـتور داده است تـا آن حضـرت جواب بگوید، به دست می آید که خداوند خوش ندارد با آنان سخن بگوید.

مقابله به مثل با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۲

۱۲ – تشویق شاعران مسلمان از سوی خداوند به مقابله به مثل کردن با شاعران کفرپیشه هجوگو

و انتصروا من بعد ما ظلموا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۹ – ۲

۲ – ممنوعیت رفتار دوستانه و مسالمت جویانه ، با کافران معاند ، صرفاً مقابله به مثل است ; نه [جهاد] ابتدایی .

لاینهیکم . .. إنّما ینهیکم اللّه

تأکید خداوند در نهی از رابطه دوستی با کافران، بر اقدامات عملی آنان علیه مسلمانان، بیانگر مطلب بالا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۴ – ۲

۲ – مؤمنان در قیامت ، همسان برخوردی که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

مقام کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۱۶

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزّت و قرب آنان در نزد

خدا نیست .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

مقایسه کافران با مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۲۵

۲۵- مقایسه راه و فرجام مؤمنان با کافران ، زمینه ساز گرایش انسان ها به ایمان

مثل الجنّه الّتی وعد المتّقون فیها أنهر . .. کمن هو خلد فی النار و سقوا ماء حم

خداوند، مقایسه فرجام مؤمنان و کافران را در استخدام هدایت بشر قرار داده است.

مقهوریت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۸

۸- کافران ، با تمامی امکانات خویش ، در نهایت مغلوب قدرت قاهر خداوند

دمّر اللّه علیهم

واژه <دمّر> در صورت تعدّی با <علی>، بیانگر شدت ویرانی و تخریب و نمایانگر نهایت قدرت و غلبه خداوند است.

مکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۰ - ۴

۴ - مکر و توطئه گسترده و مستمر کافران علیه پیامبر (ص)

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

به کارگیری فعل مضارع (یمکرون)، بیانگر استمرار مکر و حیله کافران علیه پیامبر(ص) می باشد.

مکر با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۷ – ۵

۵ – مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

و أکید کیدًا . فمهّل الکفرین

مکر خدا با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۶ – ۱

۱ – خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند

ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

و أکید کیدًا

<کید>; یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد; هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر اللّه

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ اللّه تبارک و تعالی . .. لا یمکر ... و لکنّه عزّ و جل یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱ ; معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱،۱۵

۱ توفّی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر اللّه . .. اذ قال اللّه یا عیسی انّی متوفّیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلّق به <مکر اللّه> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و . .. .

۱۵ دلجویی خداوند از حضرت عیسی (ع) ، در برابر نگرانی آن حضرت از مکر کافران

فلمّا احسّ عیسی . .. قال ... انی متوفّیک و رافعک ... و جاعل الّذین اتبعوک فوق ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- انفال - ۸ - ۳۰ - ۶

۶ خداوند ، برترین برنامه ریز در مقابله با مکر کافران

و اللّه خیر المکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۳،۵

۳ اظهار آگاهی کافران از محتوای قرآن و غیر مهم جلوه دادن آن ، از حیله های آنان علیه پیامبر (ص)

و یمکرون . .. قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا إن هذا إلا أسطیر

جمله <ان هذا . .. > دلالت می کند بر اینکه مقصود از <مثل هذا> همانندی در محتوای قرآن بوده است.

۵ معرفی قرآن به عنوان افسانه های کهن و دروغین از ترفند های کافران برای مقابله با قرآن

قالوا . .. إن هذا إلا أسطیر الأولین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۱ - ۶

۶ احتمال نیرنگ زدن کافران در سایه پیشنهاد صلح بدون شواهد و قرائن نباید مانع پذیرش صلح شود .

و إن جنحوا للسلم فاجنح لها و توکل علی اللّه

حرف لام در <للسلم> گویای این است که باید احراز شود که کافران در پیشنهاد صلح در صدد حیله گری نیستند. و هدف از لزوم توکل بر خدا پس از فرمان به پذیرش صلح این است که مسلمانان را از ترتیب اثر دادن به احتمال حیله گری باز دارد. مجموع این دو فرمان، یعنی از یک سو باید احراز شود که کافران در صدد فریبکاری نیستند و از سوی دیگر نباید به احتمال نیرنگ زدن آنان ترتیب اثر داد، بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۲ – ۱،۲،۷

۱ احتمال تصمیم کافران بر خدعه و نیرنگ در سایه صلح طلبی ، نباید مانعی جهت پذیرش صلح با آنان شود .

و إن یریدوا أن یخدعوک فإن حسبک اللّه

برداشت فوق بر این اساس که <إن یریدوا . .. > توضیحی باشد برای <فاجنح لها>. یعنی ای پیامبر(ص) وظیفه تو این است که صلح پیشنهادی را بپذیری و اگر کافران قصد نیرنگ داشتند، خداوند تو را از شر آنان حفظ می کند. بنابراین مبادا بر اثر این احتمال که شاید آنان در صدد اغفال مسلمین هستند پیشنهاد صلح را نپذیری. گفتنی است با توجه به آیه ۵۸ معلوم می شود اگر قرائن و شواهدی برای این احتمال (خدعه و نیرنگ) وجود دارد، باید از پذیرش صلح امتناع کرد.

۲ خداوند ، پشتیبانی کافی برای یاری پیامبر (ص) از نیرنگ کافران

فإن حسبک اللّه

۷ خداوند با بیان پیشینه امدادهایش از پیامبر (ص) ، وی را به حمایت خویش در برابر کافران نیرنگباز مطمئن ساخت .

فإن حسبک اللّه هو الذی أیدک بنصره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۰ – ۱

۱ – حزن و اندوه پیامبر (ص) بر حال کافران ، علی رغم مکر و توطئه آنان علیه آن حضرت

و لاتحزن علیهم و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۶ – ۱

۱ – کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ،

هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

مکرهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۱،۴

۱ - خداوند ، در برابر نیرنگ ها و توطئه های کافران ، ترفند ها و نقشه هایی پیچیده به کار می گیرد .

و أکید کیدًا

<کید>; یعنی، احتیال (چاره جستن) که دو نوع مذموم و ممدوح دارد; هر چند که استعمال آن در مورد مذموم بیشتر است (مفردات راغب). <کیداً> مفعول مطلق است و بر پیچیدگی نقشه های خداوند دلالت دارد.

۴ - خداوند خود ، مدافع قرآن در برابر تبلیغات مکّارانه کافران است .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

ملاک قضاوت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۸

۸- داوری کافران درباره دین ، براساس ملاک های سطحی و نه متکی بر اندیشه و دانش

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

کافران، گرایش و عدم گرایش طبقات خاصی را به ایمان، ملاک اصلی داوری خود قرار دادند; بی آن که در متن قرآن و پیام دین خردمندانه بیندیشند.

ملاک قطع رابطه با کافران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۸ - ۲

۲ - ملاک ممنوعیت رابطه نیک با کافران ، ستیز و جنگ آنان با دین و دینداران است ; نه صرف کافر بودن ایشان .

لاینهیکم اللّه عن الذین لم یقتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیرکم

ملاک کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ - کیفر های کافران در آخرت ، بر پایه کردار آنان در دنیا است .

ما قدّمت یداه و یقول الکافر یلیتنی کنت تربًا

ملاک کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذه و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزینّهم علی أسوء الذی کانوا یعملون> باشد; یعنی، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

ملاکهای غلط کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۴ - ۴

۴- مشرکان و کافران عصر بعثت دارای ملاک های غلط برای شناخت رسولان الهی

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

ملائکه و مرگ کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۶

۶ فرشتگان مرگ انسان های مؤمن و کافر را از یکدیگر تمییز می دهند و به کفر و ایمانشان آگاهند . ❊

و لو تری إذ یتوفی الذین کفروا

الملئکه یضربون وجوههم و أدبرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۰ - ۲

ممانعت از اذیتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۵

۱۵ - وعده خداوند ، به پیامبر (ص) برای جلوگیری از آزار و اذیت کافران و منافقان به آن حضرت

و دَعْ أذیهم و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلاً

ممانعت از سلطه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۴

۴ جلوگیری از تسلط مشرکان و کافران حق ستیز بر مسلمانان ، فلسفه فرمان الهی مبنی بر کشتن ، اسارت ، محاصره و کمین زدن به آنان

فإذا انسلخ . .. فاقتلوا المشرکین ... کیف و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً

ممانعت از مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۲

۲ - باید کافران را از طمع در ایمان مردم مأیوس کرد و زمینه های موفقیت کافران در فریب مؤمنان را از بین برد .

فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

چنان که مفسران گفته اند: نهی <لایصدّنک> گرچه ظاهراً متوجه کافران است، ولی در حقیقت نهی از ایجاد سبب است; یعنی تو ای موسی و دیگر مؤمنان نباید به گونه ای عمل کنید که کافران بتوانند شما را از ایمان بازدارند.

ممنوعیت اطاعت از کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۷

۷ – ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و

ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

ممنوعیت دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۵،۹

۵ - ممنوعیت پیوند دوستانه اهل ایمان ، با کافران و منکران دین و پیامبر

تلقون إلیهم بالموّده و قد کفروا بما جاءکم من الحقّ

۹ - ممنوعیت دوستی و ارتباط با کافران ، منوط به وجود درگیری و عداوت میان ایشان و مسلمانان *

لاتتّخذوا عدوّی و عدوّکم أولیاء . .. یخرجون الرسول و إیّاکم

برداشت بالا، بـدان احتمال است که تعبیر <قد کفروا . .. یخرجون الرسول...> که فلسـفه نهی در <لاتتّخذوا عدوّی> را بیان می کند در عین حال قلمرو نهی را نیز مشخص سازد.

ممنوعیت سازش با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳،۴

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

۴ - سازش و نرمش نشان دادن با کافران ، بر سر مسائل عقیدتی و مواضع اصولی ، ممنوع است .

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

ممنوعیت گرایش به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۴ – ۹

۹- کمترین تمایل و کوچک ترین اتکا به کافران ، ممنوع است .

و لولا أن ثبّتنک لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً

از اینکه خداوند می فرماید: <اگر ما ثبات قدم به تو نداده بودیم، نزدیک بود که تو اندکی به آنان تمایل و اتکا بکنی> استفاده می شود که

تمایل به کافران ممنوع است.

منازعه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۳

۳ - نزاع و مجادله دو گروه حق و باطل و مؤمن و کافر ، به پیشگاه پروردگار در قیامت

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

منازعه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۱ - ۲

۲ - پیامبر (ص) با مشرکان و کافران به پیشگاه خداوند در قیامت ، به جدال و نزاع و دفاع از مواضع خویش خواهند پرداخت .

ثمّ إنّکم یوم القیمه عند ربّکم تختصمون

<اختصام> (مصدر <یختصمون>) به معنای جدال و نزاع دو فرد یا دو گروه است که هر یک می کوشد، سخن دیگری را ابطال کند. گفتنی است در این که مقصود از دو گروه متخاصم کیانند، میان مفسران چند دیدگاه وجود دارد که بهترین آنها دو نظریه است: ۱ پیامبر(ص) با کافران و مشرکان؛ ۲ دو گروه حق و باطل از هر ملت و امتی.

منازعه کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخریهم لأولیهم . .. و قالت ألیهم لأخریهم فما کان

منافقان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۷

۷ دستیابی به عزت و شکوه ، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء

. .. أیبتغون عندهم العزّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۸

۱ منافقان به هنگام پیروزی مسلمانان ، خود را یاور آنان و به گاه غلبه کافران ، خود را طرفدار و عامل پیروزی ایشان جلوه می دهند .

الذین یتربّصون بکم . .. قالوا ألم نستحوذ علیکم

<الذین یتربّصون>، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

۸ منافقان ، خائنِ به جبهه اسلام و مؤمنان و خوش خدمت به کافرانند .

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<استحوذ> به معنای غلبه و استیلا است و مراد از جمله <و ان کان للکافرین . .. الم نستحوذ> با توجه به سیاق آیه این است که منافقان پس از پیروزی کافران به آنان می گویند: در هنگامه جنگ ما بر شما استیلا داشتیم ولی شما را نکشتیم، بر این اساس جمله <نمنعکم من المؤمنین> به این معنا خواهد بود که بین شما و اهل ایمان حائل شدیم و نگذاشتیم آنان نیز به شما دسترسی پیدا کنند، تا پیروزی برای شما حاصل شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - اظهار ایمان و خداترسی منافقان ، ابزاری در دست آنان برای توجیه پیمان شکنی خود با کافران

کمثل الشیطن . .. قال إنّی بریء منک إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

از تشبیه منافقان به شیطان با توجه به ادعای خداترسی وی مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ آمرزش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸

۵ – ۱۴ –

۵ –اراده و مشیت خداوند ، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی ، تحقق می پذیرد .

و للّه ملک السموت و الأرض یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

از ارتباط <للّه ملک. ..> با <یغفر لمن...> استفاده می شود که مشیّت الهی معارض ندارد.

منشأ استهزاهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۸ – ۱۱

۱۱ ترک اندیشه در احکام و شعایر دین اسلام ، ریشه استهزای کافران نسبت به آن

اتخذوها هزواً و لعباً ذلک بانهم قوم لایعقلون

در برداشت فوق <لایعقلون>، فعلی متعدی گرفته شده و مفعول آن محذوف فرض شده است. یعنی لایعقلون الدین و الصلوه و ... .

منشأ استهزای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۲ – ۶

۶– رسوخ باطل در روح کافران ، مایه به تمسخر گرفتن جدی ترین هشدارها

قالوا . .. فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

تعبیر <لتأفکنا عن آلهتنا>، نشانگر رسوخ بت پرستی و شرک در روح قوم عاد و درخواست عذاب، در حقیقت سخنی از روی استهزا و ناباوری است.

منشأ اعراض کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۰ – ۴

۴ – روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

منشأ امکانات مادی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۴ – ۱،۲

۱ – خداوند ، توانا

بر مرفه ساختن کافران تا جایی که خانه های خود را مجلل و دارای درب ها و ورودی های متعدد بسازند .

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. و لبیوتهم أبوبًا

۲ - شکوه بخشیدن به زندگی کافران تا جایی که آنان در خانه های مجلل خویش بر تخت هاتکیه زنند در حیطه قدرت و توانایی خداوند

لجعلنا لمن یکفر بالرحمن . .. و لبیوتهم أبوبًا و سررًا علیها یتّکئون

منشأ بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۲

۲ - آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

منشأ بی نیازی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ; بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

منشأ تأخیر عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۲

۲ - تأخیر عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی

و یقولون متی هذا الوعد . .. و إنّ ربّک لذو فضل علی الناس

این آیه در ادامه آیات قبل و بیانگر حکمت تأخیر انداخته شدن عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان است.

منشأ ترس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۲ – ۱۶

۱۶ – ایجاد وحشت در قلب کافران ، از ابزار الهی در حمایت از جهادگران مسلمان

هو الذی أخرج . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

از این که خداونـد، پس از بیـان شـکست یهود به رغم برخورداری آنـان از تجهیزات و اسـتحکامات موضوع ایجـاد وحشت را مطرح کرده است; مطلب یاد شده استفاده می شود.

منشأ تکذیبگری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۶ – ۲

۲ – آگاه نبودن از زمان برپایی قیامت ، بهانه کافران برای انکار آن

یسئل أیّان یوم القیمه

منشأ تهمتهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۷ – ۶

۶– سحر خواندن قرآن ، نتیجه تضاد و بحران درونی کافران ، در انکار حق و مشاهده نفوذ آیات وحی *

قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم هذا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۲ – ۱

۱ – اتهام های کافران ، علیه دین و پیامبر (ص) ناشی از مکر و حیله آنان

أم تریدون کیدًا

منشأ تهمتهای کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۳

۳ - اتهام بی دلیل سحر به قرآن و تورات از سوی کافران صدراسلام ، برخاسته از هواپرستی آنان بود .

قالوا سحران تظهرا . .. فاعلم أنّما يتّبعون أهواءهم

منشأ دشمنی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۲

۲ -

روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۳ - ۳

۳ - لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

منشأ دشمنی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ - مخالفت کافران و مشرکان صدر اسلام با پیامبراسلام ، برخاسته از فریفتگی آنان به اقتدار نسبی خویش بود .

کانوا أکثر منهم و أشدّ قوّه و ءاثارًا فی الأرض

نکوهش مخالفان پیامبراسلام، بر عبرت نگرفتن آنان از زوال قدرت ها و تمدن های گذشته، می رساند که سرپیچی آنان از پذیرش اسلام، برخاسته از دلخوشی آنان به امکانات و اقتدار نسبی خود بوده است.

منشأ رنجهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم

منشأ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۵ - ۱

۱ شبهات کافران درباره معاد ، ناشی از روحیه حق ستیزی آنان است ; نه نامعقول بودن آن .

بل کذّبوا بالحقّ لمّا جاءهم

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مراد از <الحقّ>، حقانیت قرآن و رسالت پیامبر(ص) باشد; یعنی، اینان در همان آغاز نشانه های حق را دیدند و به تکذیب آن پرداختند. این حق ستیزی، بسیاری از حقایق معقول را برای

آنان، ناممکن جلوه داده است.

منشأ شک کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۲ – ۴

۴ – سطحی نگری و غفلت از قدرت بی انت های خداوند ، منشأ تردید و استبعاد کافران نسبت به مسأله رستاخیز

و هو الذی ذرأکم فی الأرض و إلیه تحشرون. و هو الذی یحی و یمیت... أفلاتعقلون ...قا

منشأ شکست کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۷

۷ – خداونـد ، کافران حاکم پیش از اسـلام را ، شـکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. کما استخلف الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۴ – ۸

۸ – علم خداوند به توطئه های کافران ، مایه ناکامی آنان در دستیابی به اهدافشان

و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون . .. و إنّ ربّک لیعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

طرح علم خدا به اسرار نهانی و کارهای آشکار توطئه گران علیه دین و رسالت پیامبر(ص)، اشاره به این نکته دارد که آنان در هر حال در منظر خدا هسـتند و نمی توانند چیزی را از او مخفی کرده و به اهداف شان برسـند. این بیان، می تواند تعلیلی باشد بر آنچه که قبلاً در ضمن <و لاتکن فی ضیق ممّا یمکرون> آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۶ – ۱۰

۱۰ - پیروزی رسولان الهی

بر کافران ، به اراده و مشیت خداوند است .

و لکنّ اللّه یسلّط رسله علی من یشاء

منشأ شکست کافران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیّدنا الذین ءامنوا . .. فأصبحوا ظهرین

منشأ شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۶

۶ - خداوند ، کافران و مشرکان ستیزه جوی صدر اسلام را از دست یافتن به هدف خود (ریاست و سروری بر مردم) مأیوس ساخت .

إنّ الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. إن فی صدورهم إلاّ کبر ما هم ببلغیه

این فرموده خداوند که: <در دل کافران کبر و خودبرتر بینی وجود دارد; ولی به آن نمی رسند>; کنایه از این است که آنان نمی توانند با ریاست و سروری بر مردم، که آرزوی آنها است کبر و خودبرتر بینی خود را تحقق بخشند.

منشأ ظلم به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۰

۱۰- ظلمی که به کافران از ناحیه ایستادگی در برابر کتاب های آسمانی شده است ، از ناحیه خداوند نبوده و از سوی خود آنان بوده است .

و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

منشأ عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۲

۲ یادآور شدن قدرت اختصاصی

خداوند بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، از وظایف تبلیغی پیامبر(ص)

قل هو القادر على أن يبعث عليكم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۴

۴ - عذاب کافران در دوزخ ، به اراده خدا و تحت فرمان او است .

حتّى إذا فتحنا عليهم بابًا ذا عذاب شديد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۲

۲ - تقدیر عذاب برای کافران و نیز نجات مؤمنان ، متکی به اراده الهی است .

فأنجينه و أهله إلّا امرأته قدّرنها من الغبرين

برداشت یاد شده با توجه به انتساب فعل <أنجينا> و <قدّرنا> به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳ - ۱

۱ - نزول عذاب بر کافران و بازداشتن آن به تقدیر و فرمان خداوند است .

بعذاب واقع . للكفرين ... من اللّه

منشأ عذاب کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱

۱ - انکار معجزات و دلایل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشین به سرنوشت شوم و عذاب دردناکِ الهی

الذین کفروا . .. لهم عذاب ألیم . ذلک بأنّه کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت ... فکفرو

<بیّنه> (مفرد <بیّنات>) به معنای دلیل و حجت است; ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

منشأ فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۴

۴ - آخرت پر شرر

کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا . .. فویل للذین کفروا من یومهم

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ فرجام شوم کافران پیرو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۱ - ۷

۷- کـافرانِ پیرو ، در قیامت با اعتراف به پیروی کورکورانه از رهبران خویش ، آنان را مسؤول بـدفرجامی خود معرفی خواهند کرد .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب الل

منشأ فرجام شوم کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۱

۱ - انکـار معجزات و دلایـل روشن پیامبران و روی گردانی از تعالیم آنان ، عامل گرفتاری کافران پیشـین به سـرنوشت شوم و عذاب دردناکِ الهی

الذین کفروا . .. لهم عذاب ألیم . ذلک بأنّه کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت ... فکفرو

<بیّنه> (مفرد <بیّنات>) به معنای دلیل و حجت است; ولی در قرآن بر معجزه پیامبران الهی نیز اطلاق شده است.

منشأ فقر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲

۲ - خداونـد ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسـان ها به کفر ، زنـدگی تمامی کافران را سـرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ; بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

منشأ قبول خواسته های کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۵

۵ - اجابت درخواست های کافران از سوی پیامبران ، منوط به اذن الهی

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما تعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که شعیب(ع)، پاسخ گویی به درخواست مردم <ایکه> را، به خدا و علم او محول کرد.

منشأ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خویش و کیفر کافران را بر پایه عدل می دهد .

رجال . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله ... و الذین کفروا ... فوف

برداشت یاد شده، از مقایسه میان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و کافران به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۳

۳ - کیفر کافران و نوع ، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است ; نه به اقتراح کافران .

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما تعملون

تعبیر <ربّی أعلم. ..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنده این معنااست که چون خداوند از هر کس به اعمال بندگان داناتر است; پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشّره بعذاب ألیم . .. لهم جنّت النعیم ... و هو العزیز الحکیم

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۴ – ۵

۵ –اراده و مشیت خداوند ، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی ، تحقق می پذیرد .

و للّه ملك السموت و الأرض یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

از ارتباط <للّه ملك. ..> با <یغفر لمن...> استفاده می شود که مشیّت الهی معارض ندارد.

منشأ گمراهی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۰ – ۹

۹ – فرو رفتن کفرپیشگان در ظلالت و سردرگمی گریز ناپذیر ، برخاسته از محرومیت آنان از نور هدایت الهی است .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ ... من فوقه سحاب ظلمت بعضها فوق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۱ – ۷

۷ – منکران آیات خدا و کافران به خدا ، تحت تأثیر عوامل بیرونی و منفعلانه ، از خدا و آیات او ، روی گردانند و نه با منطق و برهان

و لئن سألتهم من خلق . .. و سخّر ... لیقولنّ اللّه فأنّی یؤفکون

مجهول آورده شدن فعل <یؤفکون> دلالت بر این می کند که مشرکان و منکران آیات خدا و مؤمنان به باطل، تحت تأثیر القائات بیرونی، چنین روی کردی را پیدا کرده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ – ازدیاد شک و تردید نسبت به حقانیت قرآن ، بر اثر یادآوری بعضی از حقایق الهی ، جلوه ای از گمراه شدن کافران و بیماردلان از سوی خداوند

كذلك

يضلّ اللّه من يشاء و يهدى من يشاء

منشأ مبارزه کافران مدین

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۴

۴ کبرورزی و خودبرتربینی اشراف کفرپیشه مدین ، ریشه مبارزه آنان با شعیب و رسالت های او

قال الملأ الذين استکبروا من قومه لنخرجنک

منشأ مجادله کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۳

۳ - اساسِ جدالِ کافران درباره خدا ، برخاسته از تقلید و تعصّب خویشاوندی آنان بود .

يجدل فى اللّه . .. قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۶ - ۵

۵ - کبر و خودبرتربینی ، عامل جدال و ستیزه جویی کافران و مشرکان با آیات الهی و پیامبر اسلام (ص)

إنّ الذين يجدلون فى ءايت اللّه . .. إن فى صدورهم إلاّ كبر

منشأ مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۳

۱۳ - مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و ليقول الذين فى قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

منشأ مصایب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۶

۶ - مصیبت ها و رنج های کافران ، پی آمد عملکرد خود آنان

و لولا أن تصیبهم مصیبه بما قدّمت أیدیهم

منشأ مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹ - ۶

۶ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، ناشی از رحمت خدا است و نه معلول عجز او از مکافات .

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون . .. و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

تأکید بر شکست ناپذیری و رحمت خدا، پس از تهدید کافران به عذاب اخروی (فسیأتیهم أنباؤا ما کانوا به یستهزءون) می تواند بیانگر این حقیقت باشد که تأخیر عذاب کافران در دنیا، به خاطر ناتوانی خدا نیست; بلکه رحمت و مهر او سبب شده است تا آنان را مهلت دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۰ - ۵

۵ - مهلت دادن خدا به کافران و حق ستیزان ، معلول رحمت و لطف او است ; نه از روی ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت قوم عاد از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری است به مشرکان مکه که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، از باب ناتوانی حق تعالی نیست; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۱ - ۴

۴ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او است ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت شعیب(ع)

و مردم ایکه، از یکسو تسلی بخش خاطر پیامبر(ص) می باشد و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان حق ستیز مکه است که اگر بر آنان عذاب نازل نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۲

۲ - تأخیر عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی

و یقولون متی هذا الوعد . .. و إنّ ربّک لذو فضل علی الناس

این آیه در ادامه آیات قبل و بیانگر حکمت تأخیر انداخته شدن عذاب کافران و اعطای مهلت به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۷

۷ - مهلت یافتن کافران در دنیا ، معلول حکمت و مصلحت سنجی خداوند است ; نه عجز و ناتوانی او .

و هو العزیز الحکیم . .. و لولا أن کتب اللّه علیهم الجلاء لعذّبهم فی الدنیا

منشأ مهلت به کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۸ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، به خاطر رحمت و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سرگذشت موسی و فرعون تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) و نیز هشداری است به کافران مکه که نازل نشدن عذاب بر آنان،

نه از بـاب نـاتوانی حق تعـالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسـد، عزّت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۴ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، ناشی از رحمت و لطف او بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی وی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سـرگذشت حضـرت ابراهیم(ع) و فرجام اخروی مشـرکان، هشداری است به شرک پیشگان صدراسلام که اگر بر آنان عـذاب نـازل نمی شود، نه از نـاتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمت او بر مردمان است و چون زمینه آن به پایان برسـد، عزّت و قهر الهی گریز ناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۲ - ۵

۵ - مهلت خداوند به کافران حق ستیز صدراسلام ، معلول رحمت و لطف وی بود ; نه برخاسته از ضعف و ناتوانی او .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یادکرد سـرگذشت قوم نوح، از یکسو تسـلی خاطر پیامبر(ص) و از سوی دیگر هشداری بود به مشرکان که اگر بر آنان عذاب نـازل نشـده; نه از بـاب ناتوانی حق تعالی است; بلکه از باب رحمتی است که بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان رسـد، عزت و قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۵ - ۴

- مهلت خدا به کافران و حق ستیزان صدراسلام و تأخیر در مجازات آنان ، معلول رحمت او بود ; نه برخاسته از ناتوانی .

و ما کان أکثرهم مؤمنین . و إنّ ربّک لهو العزیز الرحیم

یاد آوری سرگذشت قوم لوط، از یک سو تسلّی بخش خاطر پیامبر(ص) است و از سوی دیگر هشداری به شرک پیشگان صدر اسلام است که اگر بر آنان عذاب نشده، نه از باب ناتوانی خداوند است; بلکه از باب رحمتی است که او بر مردمان دارد و چون زمینه آن به پایان برسد، قهر الهی گریزناپذیر خواهد بود.

منشأ یأس کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۷ - ۵

۵ - خداوند ، مشرکان و کافران صدر اسلام را از گمراه کردن مؤمنان هدایت یافته ، مأیوس ساخت .

و من یهد اللّه فما له من مضلّ

یادآوری گمراه نشدن هدایت یافتگان (مؤمنان)، می تواند به منظور مأیوس ساختن کافران و مشرکان در تبلیغات و تلاش هایشان علیه اسلام و مسلمین باشد.

موانع اسلام پذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۲

۲ - کافرانی که در ادعا ، آماده سازش بودند ، زمینه پذیرش دین پیامبر (ص) را نداشتند .

و لی دین

موانع اسلام کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲ - ۳

۳ - خوی سرکشی و حق ناپذیری کافران در آغاز بعثت ، مانع پذیرش اسلام از سوی آنان گردید .

و القرءان ذی الذکر . بل الذين كفروا فی

عزّه و شقاق

<بل> در <بل الذین. ..> برای اضراب انتقالی است; بدین معنا که خداوند پس از آن که خاصیت بیدارگری و ذکر بودن قرآن را مطرح فرمود، به پاسخ این سؤال پرداخت که: چرا کافران چنین کتاب آگاهی بخش را نپذیرفتند؟ در جواب می فرماید: نپذیرفتن آنان به دلیل وجود روح سرکشی و حق ناپذیری در آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴ - ۳

۳ - انسان بودن پیامبر (ص) و برخاستن ایشان از میان توده های مردم ، مانع ایمان آوردن کافران صدراسلام بود .

و عجبوا أن جاءهم منذر منهم و قال الکفرون هذا سحر کذّاب

موانع اندوه بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۷

۱۷ - توجه و ایمان به آگاهی همه جانبه خداوند بر احوال و رفتار کافران و گمراهان ، بازدارنده آدمی از حسرت و اندوه شدید نسبت به آنان

فلاتذهب نفسک علیهم حسرت إنّ اللّه علیم بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه علیم. ..> تعلیل برای جمله <فلاتذهب نفسک علیهم حسرات> است; یعنی، از آن جایی که خداوند بر احوال کافران آگاه است، پس به حال آنان حسرت مخور. این معنا گویای دو مطلب است: ۱ چون خدا بر احوال کافران آگاه است و آنان تحت نظر او قرار دارند، پس باید آنهارا به خدا واگذاشت و بیش از این بر آنان اندوه نخورد. ۲ این سخن نوعی دلداری به پیامبر(ص) است.

موانع ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ -

۱۱ - پیروی از سنت های جاهلی ، عامل اصلی ایمان نیاوردن کافران و موضع گیری در برابر پیامبران

إنّا وجدنا ءاباءنا علی أمّه . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

موانع ایمان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۴

۴ - ثروت و جمعیت بسیار کافران در صدر اسلام ، عامل تکذیب دین و مانع آنان از پذیرش ایمان

أن کان ذا مال و بنین

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <أن کان ذا. ..> متعلق به فعل محذوفی (مانند <کذّب>) باشد که جمله شرطیه <إذا تتلی...> در آیه بعد بر آن دلالت دارد. تقدیر آن چنین است: <لکونه ذا مال و بنین کذّب بآیاتنا...>.

موانع تعجیل در عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۴

۴- غفران و رحمت گسترده الهی ، مانع مؤاخذه و مجازات سریع کافران هدایت ناپذیر است .

و ربّک الغفور ذوالرحمه لو یؤاخذهم بما کسبوا لعجّل لهم العذاب

مرجع ضمیر <هم> در <یؤاخذهم> واژه <مَن ذُکِّرَ. ..> در آیه قبل است; یعنی، آنان که از آیات الهی، اِعراض کرده و به مهلکه هدایت ناپذیری درافتادند.

موانع تعجیل در مبارزه با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

يغفروا . .. ليجزى قومًا بما كانوا يكسبون

<لام> در <ليجزى> براى تعليل است و فلسفه امر به

خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

موانع توطئه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۴ - ۶

۶ - ابّهت و هیمنه مسلمانان (پس از غزوه بنی نضیر) ، مانع از اقدام جبهه کفر و نفاق به نبردی رویاروی با آنان

لأنتم أشدّ رهبه فی صدورهم . .. لایقتلونکم جمیعًا إلّافی قرًی محصّنه

موانع دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۳

۳ بنی اسرائیل در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و قرآن خود را به ولایت و دوستی کافران آلوده نمی ساختند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه ما اتخذوهم أولیاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۲ - ۴

۴ - توجه مسلمانان به عمق دشمنی ها و تعارض های جبهه کفر با اسلام ، مانع برقراری روابط دوستانه با آنان

تسرّون إلیهم بالمودّه . .. إن یثقفوکم یکونوا لکم أعداء

از بیان دشمنی کافران با مؤمنان در پی خبر دادن از رابطه دوستی باکافران استفاده می شود که توجه به این امر بازدارنده مسلمانان از ارتباط با آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۲

۲ - ایمان راستین ، ناسازگار با دوستی نسبت به کافران و خداستیزان

يأيّها الذين ءامنوا لاتتولّوا

از آن جا كه خطاب متوجه مؤمنان است; استفاده مى شود كه وصف ايمان، در حكم (دوستى نكردن) نقش دارد.

موانع

دوستی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۳ – ۱۳

۱۳– هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک . .. و إذًا لَاتّخذوک خلیلًا

موانع رابطه با کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱ – ۱۹

۱۹ – توجه به آگاهی خدا از آشکار و نهان ، بازدارنده مؤمنان از ارتباط سرّی با کافران

تسرّون . .. و أنا أعلم بما أخفیتم

موانع سلطه کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۵ – ۱۰

۱۰ – اقتدار الهی ، پشتوانه استجابت دعای مؤمنان در مصون ماندن از سلطه کافران

ربّنا لاتجعلنا فتنه . .. إنّک أنت العزیز الحکیم

موانع عبرت پذیری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۶ – ۴

۴ – لجاجت و عناد ، مانع درس آموزی کافران از آفرینش هستی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

عبارت <بل لا-یوقنون> بیانگر این نکته است که موضع گیری ناباورانه کافران درباره قرآن و پیامبر(ص) برخاسته از یقین علمی آنان نیست; بلکه صرفاً از روی ستیزه جویی و لجبازی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۴ - ۲

۲ - سطحی نگری و توجیه گری کافران ، نسبت به آیات هشداردهنده الهی ، مانع عبرت آموزی آنان است .

و إن یروا کسفًا من السّماء ساقطًا یقولوا سحاب مرکوم

از

این که کافران، با وجود مشاهـده نشانه های عینی عـذاب، آن را پدیده ای طبیعی و بی خطر می انگارند; اسـتفاده می شود که حتی نمایاندن نمودهای اعجازی، مایه عبرت آنان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۴

۴ - اصرار کافران بر تکذیب تهدید های الهی ، مانع عبرت گیری آنان از فرجام هلاکت بار پیشینیان

هل أتیک . .. بل الذین کفروا فی تکذیب

موانع عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم ... لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا

برداشت یـاد شـده بـدان احتمـال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شـریفه، فرزنـدانی باشـند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیّلوا> می باشد; زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

موانع قبول عذر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱

۱ - کفر و گرایش به شـرک ، سـبب پـذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشـرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد; یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیه من العذاب>. گفتنی است که

<باء> در <بأنّه> براى سببيت مى باشد.

موانع كيفر دنيوى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸

۸ - سنت امهال ، مانع از كيفر دنيوى كافران است .

و لولا كلمه سبقت من ربّك لقضى بينهم

موانع هدايت كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - عامل بازداشتن كافران از رويكرد به حق ، دروغ پردازى آنان است .

كذلك كانوا يؤفكون

<كذلك> اشاره به دروغ پردازى و افترا زدن كافران مجرم است؛ يعنى، همان طور كه در قيامت دروغ مى گويند در دنيا نيز عمل مى كردند. لازم به ذكر است كه ريشه <يؤفكون> <إفك> است و به معناى <هر نوع باز داشته شدن از جهت و موقعيتى است كه شايسته بوده در آن موقعيت باشد> (مفردات راغب). بنابراين، مراد از <يؤفكون>، منصرف شدن از عقيده حق و گرايش يافتن به باطل است.

موجبات عذاب اخروى كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۸

۸- عذاب اخروى كافران ، بازتاب فسادگرى مستمر خود آنان است .

زدنهم عذابًا . .. بما كانوا يفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۵ - ۱

۱ - شادمانی ناحق و سر مستی گسترده در جامعه از سوی کافران و مشرکان ، سبب گرفتار شدن آنان به انواع عذاب ها در قیامت

ذلکم بما کنتم تفرحون فی الأرض بغیر الحقّ و بما کنتم تمرحون

<با> در <بما کنتم> برای سببیت است. <فرح> (مصدر <تفرحون>) به معنای

سرور و شادمانی است و <مرح> (مصدر <تمرحون>) به معنای سرور و شادمانی افراطی و بیش از حد است آن گونه که سبب غرور و سر مستی می گردد. گفتنی است در این برداشت ، مشار الیه <ذلکم> عذاب های یاد شده در آیات پیشین، دانسته شده است.

موجبات عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگانی که با بی هدف خواندن سختی های بیدارکننده از تمامی عوامل هدایت بی بهره ماندند ، با عذابی غافلیگرانه از جانب خدا نابود شدند .

فأخذنهم بغته و هم لا یشعرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ جوامع کفرپیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون> گناهانی است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکذبون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۰ - ۱۴

۱۴ - مکر ها و توطئه های سوء کافران ، موجب عذاب شدید آنان است .

و الذین یمکرون السیئات لهم عذاب شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۸

۲۸- نبرد پیروزمندانه مؤمنان علیه کفر ، عذاب دردناک الهی برای کافران

و لولا رجال مؤمنون . ..

لو تزيّلوا لعذّبنا الذين كفروا منهم

در این آیه <لعذّبنا>، مقابل صلح حدیبیه قرار گرفته است. از تقابل صلح و عذاب، دانسته می شود که مصداق بارز عذاب الهی برای کافران، دردی است که از شمشیر مؤمنان در میدان نبرد خواهند چشید.

موجبات غضب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۴

۱۴ حرکت مؤمنان به سوی جنگ تبوک ، برانگیزنده خشم کافران بود .

و لا یطئون موطئاً یغیظ الکفار

با توجه به اینکه این بخش از آیات در مورد جنگ تبوک است، برداشت فوق استفاده می شود.

موجبات هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۳

۳ هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

موحدان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۴

۴ خداوند خواهان استقلال و سلطه ناپذیری پیروان ادیان الهی در برابر کافران

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

موضعگیری ظالمانه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴ - ۴

۴ واکنش کافران در برابر قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، رفتاری بس ظالمانه و مزورانه بود .

فقد جاءو ظلمًا و زورًا

موضعگیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۰

۱۰ جامعه ایمانی وظیفه دار هشیاری در برابر موضعگیری های گمراه کننده

کافران

یایها الذین ءامنوا علیکم انفسکم لایضرکم من ضل إذا اهتدیتم

<لا> در لایضرکم می تواند نافیه باشد بر این مبنا مراد از جمله <لایضرکم . ..> این است که چنانچه از ایمان خود مراقبت کنید از دام گمراهان می رهید و می توانـد <لا> ناهیه باشد، یعنی ای مؤمنان مبادا گمراهان شما را از راه بدر برده و ایمان شما را بربایند برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. گفتنی است که مراد از <من ضل> به قرینه <ءامنوا> کفرپیشگان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۷

۷ موضعگیری خصمانه کافران و مشرکان در قبال پیامبر ، علی رغم اعتقادشان به خدا

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۱

۱ - موضع گیری همگون کافران علیه پیامبران در طول تاریخ ، تداعی گر تبانی آنان بر مواضع یکسان و از شگفتی های تاریخ است .

أتواصوا به

<تواصی> (مصدر <تواصوا>) به معنای سفارش کردن برخی به بعضی دیگر است و استفهام در <أتواصوا به> برای تعجب است. در آیه شریفه، از موضع گیری یکسان کافران تاریخ در برابر رسولان الهی از آن جهت که گویا آنان همدیگر را بر این امر توصیه و سفارش کرده بودند اظهار تعجب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۸

۸ - تناقض آشکار ، در موضع گیری کافران علیه پیامبر (ص)

فما أنت بنعمت

ربّکَ بکاهن و لامجنون

بـا توجه به این که <کهانت> خود شـیوه ای پیچیـده و در اختیار تعـدادی از افراد بوده و با جنون هرگز جمع نمی شود; متهم گشتن پیامبر(ص) به کهانت و جنون، نشانگر سردرگمی کافران و تناقض گویی آشکار آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۶ - ۵

۵ - موضع گیری های کافران در قبال قرآن و پیامبر (ص) ، متکی به پندار و نه دلیل یقینی

أم خلقوا السموت و الأرض بل لایوقنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۰ - ۲

۲ - توبیخ کافران از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری علیه دعوت حق و بی چشمداشت پیامبر (ص)

أم تسئلهم أجرًا

موضعگیریهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵ - ۶

۶ - بنای کافران بر خصومت و موضع گیری علیه هر پیام جدیدالهی ، در طول تاریخ

و ما یأتیهم من ذکر من الرحمن محدث . .. معرضین

موعظه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۹ - ۹

۹ قـال أبو جعفر(ع): لما نزلت <فلاتقعـد بعـد الـذکری مع القوم الظالمین> قال المسـلمون: کیف نصـنع إن کان کلما اسـتهزء المشـرکون بـالقرآن قمنـا و ترکنـاهم فلانـدخل إذا المسـجد الحرام و لانطوف بالبیت الحرام فأنزل الله تعالی <و ما علی الـذین

یتقون من حسابهم من شیء> و أمرهم بتذکیرهم و تبصیرهم ما استطاعوا.

امام باقر(ع) فرمود: چون آیه <فلاتقعد بعد الذکری مع القوم الظالمین>

نـازل شـد، مسـلمانان گفتنـد: حـال که هرگاه مشـرکان، قرآن را مسـخره کننـد، بایـد برخیزیم و از آنان دوری کنیم، در نتیجه هیچگاه نبایـد وارد مسـجدالحرام شـده و طواف خانه خـدا را بجا آوریم، پس چه کنیم؟ در این هنگام خداوند آیه <و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری> را نازل کرد و در آن به مسلمانان دستور داد که، کافران را متذکر نموده و در حد توان، آنان را با موعظه بیدار کنند.

موقعیت اجتماعی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

لام در <للـذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشـد. در این صورت مؤمنـان مخاطب کافران خواهنـد بود. همچین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۵

۵ - جایگاه اجتماعی منافقان در نظام اسلامی و جامعه ایمانی ، همانند جایگاه کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

موقعیت اجتماعی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸

۸- کفرورزان عصر بعثت ، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش

می دانستند .

أيّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱

۱- وجود جامعه هایی چند در تاریخ که از نظر امکانات زندگی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی ، از کافران عصر بعثت برتر بوده اند .

و كم . .. من قرن هم أحسن أثثًا ورءيًا

<قرن> به معنای جامعه و مردمی است که اهل یک زمان و نزدیک به یکدیگر باشند و با هم زیست کنند (مفردات راغب). <أثاثاً> به معنای لوازم زندگی است و وصف <أحسن أثاثاً> نشانه پیشرفت اقتصادی و بهبود آن است. <رءْیا> اسمی است که مرادف <منظر> و <مرأی> (نما و منظره) می باشد (لسان العرب). بنابراین <أحسن رءیاً> ;یعنی، خوش نماتر. این نیز کنایه از بهینه بودن وضعیت اجتماعی و جذاب بودن آن است.

موقعیت اجتماعی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أيّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران

به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتربودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

موقعیت اقتصادی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۷

۷- پاسخ کافران عصر بعثت ، در برابر آیات روشن و دلایل کافی توحید و اسلام ، بیان وضعیت بهتر اقتصادی و اجتماعی خود نسبت به مؤمنان بود .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا . .. أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

لام در <للذین آمنوا> ممکن است برای تبلیغ باشد. در این صورت مؤمنان مخاطب کافران خواهند بود. همچین می تواند برای تعلیل بوده و مراد این باشد که کافران، به خاطر مؤمنان و در باره آنان، پرسش یادشده را مطرح کرده بودند.

موقعیت اقتصادی کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۸

۸- کفرورزان عصر بعثت ، برتری وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود را نشانه حقانیت عقاید خویش می دانستند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

پاسخ کافران به دلایل روشن و آیات الهی، صرفاً تکیه بر مظاهر مادی و نظام اجتماعی خود بوده است و این نشان دهنده تفکر آنان و ارزش هایی است که در نظر آنها، معیار ارجحیت یک مکتب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۴ - ۱،۲

۱- وجود جامعه هایی چند در تاریخ که از نظر امکانات زندگی و موقعیت اقتصادی و اجتماعی ، از کافران عصر بعثت برتر بوده اند .

و کم . .. من قرن هم أحسن أثثًا ورءیًا

<قرن> به معنای

جامعه و مردمی است که اهل یک زمان و نزدیک به یکدیگر باشند و با هم زیست کنند (مفردات راغب). <أثاثاً> به معنای لوازم زندگی است و وصف <أحسن أثاثاً> نشانه پیشرفت اقتصادی و بهبود آن است. <رءیا> اسمی است که مرادف <منظر> و <مرأی> (نما و منظره) می باشد (لسان العرب). بنابراین <أحسن رءیاً> ;یعنی، خوش نماتر. این نیز کنایه از بهینه بودن وضعیت اجتماعی و جذاب بودن آن است.

۲- جوامع و تمدن های بسیاری در طول تاریخ ، با وجود قدرت و امکانات بسیار و موقعیت برتر نسبت به کافران عصر بعثت ، به هلاکت رسیده و نابود شدند .

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أحسن أثًثا

موقعیت اقتصادی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتربودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

مؤاخذه اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۶،۷،۸

۶ - کافران کوشا برای اغوای مسلمانان ، در قیامت ، مؤاخذه خواهند شد .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ...

و ليسئلنّ يوم القيمه

۷ - بازخواست کافران ، در قيامت ، به خاطر تلاش همواره آنان در افترا زدن است .

و ليسئلنّ يوم القيمه عمّا كانوا يفترون

۸ - بازخواست کافران ، در قيامت ، بازخواستى ناخواسته و همراه با بى اعتنايى است .

و ليسئلنّ يوم القيمه عمّا كانوا يفترون

مجهول آورده شدن فعل <يُسئلنّ> كه ضمير نايب فاعلى آن، به <كافران> باز مى گردد حكايت از حقيقت ياد شده مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ - کافران به قرآن ، در قيامت مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّ

۱۵ - ربوبيت الهى ، مقتضى مؤاخذه كافرانِ به قرآن

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان . .. و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند رب

مؤاخذه كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه كفار به جرم مبارزه با اسلام ، پيش از ارائه معارف الهى قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ايشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشركين استجارك فأجره حتى يسمع كلم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۱

۱ – مؤاخذه هلاکت بار ملت های کفرپیشه و مقتدر پیشین از سوی خداوند

فأهلكنا أشدّ منهم بطشًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فی الزّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۱ - ۸

۸ - کافران ، بر ترک فروع دین نیز توبیخ می شوند .

فما لهم . .. لایسجدون

مراد از سجود در آیه ممکن است معنای اصطلاحی آن و به خاک افتادن هنگام شنیدن آیات قرآن باشد.

مؤاخذه کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۲ - ۵

۵ - در صورتی که کافران محارب ایمان آورند ، نباید بر خطا های پیشینشان (کشتن مسلمانان ، فتنه انگیزی و . . .) مورد مؤاخذه قرار گیرند .

فإن انتهوا فإن اللّه غفور رحیم

مؤمنان و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۲۴،۲۵،۲۶

۲۴ مواجهه و درگیری دائمی مؤمنان با کافران

فانصرنا علی القوم الکافرین

آیه مورد بحث گویای افکار و حالات دائمی مؤمنان در طول تاریخ است؛ در نتیجه آنان خود را همیشه به نحوی درگیر با کافران می بینند و از خداوند یاری می طلبند.

۲۵ اظهار نیازمندی مؤمنان به نصرت الهی در نبرد با کافران ، از ویژگی های آنان

فانصرنا علی القوم الکافرین

۲۶ نصرت و یاری مؤمنان در رویارویی با کافران ، از شؤون ولایت الهی بر مؤمنان

انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

تفریع جمله <فانصرنا> بر <انت مولینا> بیانگر آن است که ولایت الهی بر مؤمنان، مقتضی یاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۴

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل اللّه> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود ; گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

۱۶ مؤمنان در صورت رعایت لوازم ایمان ، هرگز تحت سلطه کفار قرار نخواهند گرفت .

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

التفات از خطابِ <بینکم>، به غیبت با آوردن عنوان <المؤمنین> برای اشاره به این معناست که اگر مسلمانان لوازم ایمان را رعایت کنند و مؤمن واقعی باشند، هرگز کافران بر آنان سلطه نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۸

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران ، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند .

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۳ - ۱۳

۱۳ برقراری پیوند های دوستی با کافران از سوی اهل ایمان ، تباه کننده اعمال نیک آنان

حبطت اعملهم فاصبحوا خسرین

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۴ - ۲۴

۲۴ مؤمنان واقعی هرگز به خاطر ملامت دشمنان ، از عشق به خدا دست بردار نیستند و از فروتنی در قبال مؤمنان و سرافرازی در برابر کافران ، باز نمی مانند .

یحبهم و یحبونه . .. و لایخافون لومه لائم

بنابر اینکه جمله <و لایخافون . ..> در ارتباط با تمامی صفاتی باشد که در فرازهای پیشین بر شمرده شده نه خصوص <یجهدون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۳

۳ لزوم پایداری هر مؤمن در میدان نبرد با دو کافر ، نسخ کننده حکم پیشین (لزوم پایداری هر مؤمن در برابر ده کافر)

ان یکن منکم عشرون . .. الئن خفف اللّه عنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷۲ - ۱۲

۱۲ وجود درگیری بین مؤمنان غیر مهاجر با کافران ، به خاطر دین و دینداری ، تنها موردی است که مهاجران و انصار موظف به یاری غیر مهاجران هستند .

و إن استنصروکم فی الدین فعلیکم النصر

قید <فی الدین> بیانگر این است که اگر کافران به انگیزه مبارزه با اسلام و دینداری غیر مهاجران به آنان هجوم بردند، باید سایر مسلمانان از آنان حمایت کنند و اگر درگیری بدین انگیزه نباشد، حمایت از آنان ضرورت ندارد. قابل ذکر است که <ال> در <النصر> جانشین مضاف إلیه است ; یعنی <فعلیکم نصرهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۳ - ۸

۸ مؤمنان

پرهیزکار ، مورد حمایت و امداد الهی در جهاد با کافران

قتلوا الذین یلونکم من الکفار . .. أن اللّه مع المتقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۹

۹ - کافران ، در قیامت ، از سوی مؤمنان عالِم ، سرزنش می شوند .

و قال الذین أوتوا العلم . .. فهذا یوم البعث

<فاء> در <فهذا> فصیحه است و دلالت بر جمله ای مقدر می کند که می تواند چنین باشد: <اگر شما، منکر قیامت بودید، این هم قیامت!>. <هذا> در این بیان طبق گفته مفسران برای توبیخ و سرزنش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۴،۵

۴ - مؤمنان ، پیروزی نهایی بر کافران را ، به آنان گفته بودند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

۵ - وعده وقوع حتمی قیامت ، از سوی مؤمنان به کافران داده شده بود .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۲

۲ - مسلمانان ، قادر به دفع هجوم کافران ، در صورت عدم انعقاد صلح حدیبیه و ناگزیری از جنگ *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <لوقاتلکم> نظر به گذشته داشته باشد; یعنی، خداوند گرچه فتح مبین (صلح حدیبیه) را برای شما رقم زد و در پرتو آن ثمرات زیادی را برای شما به بار آورد; اما اگر این صلح هم صورت نمی گرفت و کافران به نبرد با شما برمی

خاستند، شما با قدرت ایمانی و رهبری پیامبر(ص) آنان را منهزم می ساختید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۳ - ۳

۳ - مؤمنان نباید درباره ایمان و اعتقادات خود ، برای نقطه نظر های کافران ، ارزشی قائل شوند .

و ما أُرسلوا علیهم حفظین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۲

۲ - مؤمنان در قیامت ، همسان برخوردی که در دنیا از کافران دیده اند ، با آنان رفتار خواهند کرد .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

مهلت به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱،۲،۵،۱۱،۱۳،۱۶

۱ هشدار خداوند به کافران ، بر اینکه مهلت یافتن آنان به سودشان نیست .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

<املاء> از ماده <ملو>، به معنای مهلت دادن است و مراد از آن، تأخیر در عذاب کافران با طولانی شدن مدت عمر و بهره گیریشان از مواهب دنیاست.

۲ کافران ، مهلت یافتن در دنیا را ، خیر و نیک و به سود خویش می پندارند .

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

۵ مهلت دادن خداوند به کافران ، تنها به جهت افزایش یافتن گناه آنان است .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً

۱۱ مهلت خداوند به کافران ، زمینه ساز دوری آنان از خیر و سعادت با ارتکاب اعمال ناروا

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم

لیزدادوا اثما

<اثم>، در لغت به اعمالی گفته می شود که آدمی را از خیر و سعادت بازمی دارد. (مفردات راغب).

۱۳ مهلت یافتن کافران در دنیا (امهال) ، زمینه ساز خواری و ذلّت آنها در آخرت

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

۱۶ مهلت یافتن و عمر طولانی کافران ، گویای عزّت و قرب آنان در نزد خدا نیست .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۳

۳ مهلت دهی خداوند به کافران ، ناشی از مشیت وی و نه ناتوانی و عجز او

ان یشأ یذهبکم . .. و کان اللّه علی ذلک قدیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸ - ۳،۵

۳ هلاکت فوری کافران و پایان مهلت آنان، در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

۵ پایان یافتن مهلت کافران در صورت نزول محسوس فرشتگان به عنوان معجزه بر پیامبر(ص)

و لو أنزلنا ملکا لقضی الأمر ثم لا ینظرون

قطع مهلت کافران با نزول محسوس فرشته که مفاد جمله <لقضی الأمر> و <ثم لاینظرون> است، بر این نکته دلالت دارد که تا قبل از نزول چنین آیاتی، کفار از مهلت الهی برخوردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۵ - ۶

۶ خداوند در عین قدرت بر فرستادن انواع عذاب بر مشرکان و کافران، به آنان مهلت می دهد.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم

چون

در آیات گذشته سخن از نزول عذاب و درخواست مشرکان در این زمینه بود، این آیه با بیان قدرت خداوند بر عذاب به طور ضمنی دلالت بر مهلت دادن به مشرکان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ بی نیازی و رحمت خداوند موجب امهال به جوامع کفر و ستم پیشه و نابود ساختن آنان است.

و ربک الغنی ذو الرحمه إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱،۵

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

۵ امهال خداوند به کفرپیشگان تکذیب کننده ، زمینه ساز افزایش عذاب آنان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

چون امهال به عنوان <کید> مطرح شده است، معلوم می شود مهلت دادن در اینجا برای افزون شدن عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱

۱ امهال کفرمداران و منکران قیامت (تأخیر انداختن مجازات آنان به جهان آخرت) سنتی الهی است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. فنذر الذین لایرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

- ۱۰ - ۴۶ - ۳

۳ مشرکان ، کافران و دین ستیزان ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم مفرّی ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نباید نگران کننده باشد .

و إما نرینک بعض الذی نعدهم أو نتوفینک فإلینا مرجعهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۴،۵،۶

۴ خداوند کفرپیشگان و استهزا کنندگان پیامبران را مهلت می داد و فوراً آنان را عذاب نمی کرد .

فأملیت للذین کفروا

املاء (مصدر أملیت) به معنای مهلت دادن ، به تأخیر انداختن و طولانی کردن عمر است.

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت . .. ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

۶ تأخیر عذاب کفرپیشگان از سنت های خداوند است .

و لقد استهزیء برسل من قبلک فأملیت للذین کفروا

چون تأخیر عذاب برای همه کفرپیشگان بوده ، از آن <سنّت الهی بودن> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۵ - ۲،۴

۲- مهلت به گمراهان و کافران ، سنت خداوند است .

من کان فی الضلله فلیمدد له الرحمن مدًّا

به کارگیری فعل امر (فلیمدد) در مورد مهلت دهی به کافران، از حتمی بودن این امهال و سنت بودن آن حکایت می کند; چرا که خداوند آن را به صورت الزام بر خود بیان فرموده است.

۴- مهلت خداوند به کافران و گمراهان ، جلوه ای از رحمت گسترده او است .

فلیمدد له الرحمن مدًّا

<رحمان>; یعنی، دارای رحمت گسترده و فراگیر.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۳ – ۸

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا . .. ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

این آیه با آیه <من کان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدّاً> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد. .. مدّاً> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۹ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، زندگانی دنیا را عرصه مؤاخذه فوری همه کافران قرار نداده است .

و لولا . .. أجل مسمًّی

سنت خداوند که <لولا کلمه. ..> بر آن دلالت دارد این نیست که خداوند هیچ مخالفی را هلاك نکند; بلکه سنّت او این است که تمامی آنان را نابود نسازد; زیرا اگر بنا بود هر کافری نابود گردد، نسل بشر در خطر انقراض قرار می گرفت و تا <أجل مسمّی> ادامه نمی یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۴ – ۸

۸ – مهلت دادن به کافران حق ستیز و سپس هلاك ساختن آنها ، سنت الهی در طول تاریخ

فقد کذّبت قبلهم . .. فأملیت للکفرین ثمّ أخذتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۲ – ۹

۹ – ارائه معجزه ای سترگ ، اعطای فرصتی از سوی خداوند به کافران برای گرایش به

ایمان

و إذا وقع القول علیهم أخرجنا لهم دابّه من الأرض تکلّمهم

ارائه معجزه به یک معنا اعطای فرصت به کافران است تا آن دسته ای که زمینه ایمان آوردن دارند، از این فرصت استفاده کرده و ایمان آورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۹

۹ - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۷،۸

۷ - مهلت دادن به کافران در دنیا ، از سنت های الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّك لقضی بینهم

۸ - سنت امهال ، مانع

از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ - سنت امهال به کافران ، جلوه ای از ربوبیت الهی است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۵

۱۵- مهلت خداوند به کافران ، ناشی از غفران و رحمت او است ; نه جهل و ناتوانی او .

فلا تملکون . .. هو أعلم ... و هو الغفور الرحیم

تعبیر <و هو الغفور الرحیم> در پی تهدید کافران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد. بدین معنا که خداوند، قادر است کافران را کیفر دهد; اما آن را به تأخیر انداخته، تا مگر بنده ای استغفار نموده و رو به سوی حق آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۹

۹ - مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان و برنامه ای خاص

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا . .. فلایستعجلون

تعبیر <فلایستعجلون> می رساند که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد; بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۶

۶ - کافران مهلت یافته در دنیا ، ناگزیر از چشیدن عذاب آتش ، در آخرت اند .

و لولا أن . .. لعذّبهم فی الدنیا و لهم فی الأخره عذاب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملی لهم . .. فاصبر لحکم ربّک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۴،۵

۴ - خداوند در کیفر کافران ، شتاب نمیورزد و به آنان مهلت می دهد .

و أکید کیدًا . فمهّل الکفرین

۵ - مهلت دادن به کافران ، نمونه ای از مکر خداوند با آنان است .

و أکید کیدًا . فمهّل الکفرین

مهلت به کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۹ – ۷

۷ – مهلت خداوند به کافران و گمراهان عصر بعثت ، مرتبط با عنایت ویژه او نسبت به پیامبر (ص) بود .

ربّک

اضافه شدن نام مقدس <ربّ> به ضمیری که خطاب به پیامبر(ص) است، می تواند به نقش عنایت خداوند به پیامبر(ص) در تأخیر عذاب

و مهلت به کافران اشاره داشته باشد; چنان که در سوره ای دیگر فرموده است: <و ما کان اللّه لیعذّبهم و أنت فیهم>.

مهلت به کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور فرصت دادن به کافران عصر بعثت و پرهیز از نفرین و درخواست عذاب سریع برای آنان

فمهّل الکفرین أمهلهم رویدًا

<مَهِّل> و <أمهِل> به یک معنا است; گرچه برخی گفته اند: <مَهِّل> فرمان به مهلت لحظه به لحظه و تدریجی است و <أمهل> فرمان به یک مهلت. تکرار فرمان با دو لفظ متفاوت به گونه ای که دو فرمان مستقل به نظر آید تأکید بیشتری به همراه دارد. کلمه <رویداً> ممکن است، تصغیر <رَوْد> (مهلت دادن) باشد; یعنی، مهلت کوتاه و نیز می تواند اسم فعل و به معنای <أمهل> باشد که برای سومین بار فرمان مهلت را تکرار کرده است.

مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

مهلت دنیوی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۰ - ۷

۷- کافران ، برخوردار از مهلت الهی در دنیا و نه در آخرت

و لا هم ینظرون

تذکر خداوند به کافران نسبت به نداشتن مهلت

در آخرت، اشعار به وجود مهلت برای آنان در دنیا دارد و در واقع آنان را تشویق به بهره گیری از این مهلت دنیوی می کند.

نابودی ثروت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۷ - ۳

۳ - ثروت و مکنت کافران تکذیب گر ، در معرض نابودی با عذاب الهی

إنّا بلونهم کما بلونا أصحب الجنّه

نابودی مال کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۴،۵

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

ناپاکی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

ناپایداری امکانات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن

بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

ناپایداری سرور دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۳ - ۳

۳ - شادی های دنیایی کافران ، شایسته دل بستگی نبوده و پایدار نخواهد ماند .

إنّه کان فی أهله مسرورًا

ناپسندی زندگی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۵

۵ زندگی در جوار کافران ، امری نامطلوب و هجرت از بلاد کفر ، امری پسندیده است .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

ناپسندی نگرانی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳ - ۴

۴ - نگرانی برای کافران ، پس از ابلاغ آیات روشن الهی به آنان موردی ندارد .

تلک ءایت الکتب المبین . لعلّک بخع نفسک ألاّیکونوا مؤمنین

ناخشنودی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۲۸

۲ - کفرپیشگان (یهود ، نصارا و مشرکان) ناخشنود از نزول کمترین خیر ، بر مسلمانان

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر

نکره آوردن <خیر> به همراه <من> زایـده در آیه، حکایت از آن دارد که: مشـرکان کمترین خیری را برای مسـلمانان نمی پسندیدند.

۸ - ناخشنودی کفرپیشگان از نایل شدن مؤمنان به خیر و برکت ، بازدارنده رحمت الهی بر اهل ایمان نخواهد شد .

ما یودّ الذین کفروا . .. أن ینزل علیکم من خیر و اللّه یختص برحمته من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۴ – ۷،۸،۹

۷ – لزوم یکتاپرستی و دوری از شرک در عبادت و نیایش ، در عین ناخوشایندی کافران و مشرکان از این عمل

فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

۸ – کافران و مشرکان از عبادت خالصانه خداوند و یکتاپرستی ، ناخوشنود بوده و آن را بر نمی تابند .

فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

۹ – ناخوشایندی کافران و دگراندیشان ، نباید مانع اظهار حق در اصول دین و موجب دست برداشتن از مواضع اصولی در نهضت توحیدی شود .

فادعوا اللّه مخلصین له الدین و لو کره الکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۹ – ۱،۲

۱– ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعملهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۲– کافران ، هواپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الذین کفروا . .. بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

تعبیر <کرهوا>، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۵ – ۴

۴ – کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخورسندی می کنند .

فيقول يليتنى لم أَوت كتبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه

– فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۲۶ – ۱

۱ – کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . .. و لم أدر ما حسابیه

ناخشنودی کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۲ – ۲

۲ حضور طیف خاصی از مؤمنان نزد پیامبر(ص)، برای برخی کافران ناخوشایند بود.

و لا تطرد الذین یدعون ربهم

سبب نزول نقل شـده در ذیل این آیه و نیز لحن آن، گواه چگونگی ترکیب یاران پیامبر(ص) و فقر آنان و نیز نداشـتن موقعیت اقتصـادی و شؤون اجتمـاعی است. و همین امر موجب اعـتراض و واکنشـهایی از سوی کـافران ثروتمنـد و قدرتمنـد می گشـته است.

نافرجامی تلاش کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۳ – ۴

۴ – تلاش های گسترده و به ظاهر چشمگیر کافران در طول زندگی ، امری عبث و نافرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

آمـدن تعبیر <یلعبوا> در پی <یخوضوا>، می رسانـد که ژرف کاوی مشـرکان در زنـدگی دنیایی، در حقیقت فرو رفتن در عمق پوچی و بیهودگی است و دستاوردهای آنان هرچند به ظاهر چشمگیر باشد در حقیقت جز بازی چیزی نیست.

نافهمی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۹

۹ - از امام باقر (ع) درباره آیه فوق روایت شده : < مثل الذین کفروا فی دعائک إیاهم أی مثل الداعی لهم إلی الإیمان کمثل الناعق فی دعائه

المنعوق به من البهائم التى لا ـتفهم و إنما تسمع الصوت فكما ان الأنعام لايحصل ل ها من دعاء الراعى إلا السماع دون تفهم المعنى فكذلك الكفار لايحصل لهم من دعائك إياهم إلى الإيمان إلا السماع دون تفهم المعنى ;

مثل تو ای رسول ما در دعوت این کافران، به سان چوپانی است که گوسفندان را فرا می خواند و آن گوسفندان نمی فهمند او چه می گوید و تنها صدایی می شنوند. پس همان طور که گوسفندان از فریاد چوپان غیر از صدا، معنایی نمی فهمند، کافران نیز از دعوت تو آنها را به ایمان غیر از شنیدن صدا هیچ معنایی نمی فهمند>.

ناکامی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۸ - ۵

۵- کافران ، علی رغم به کار بردن شگرد ها و اتهام های مختلف برای جلوگیری از گسترش پیام پیامبر (ص) ، هرگز موفق به آن نشدند .

انظر کیف ضربوا لک الأمثال فضلّوا فلایستطیعون سبیلاً

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <ناتوانی کافران از راه یابی> نیافتن چاره و راهی برای مسدود کردن پیام آن حضرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۷

۷ - یأس و نا امیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یحسبه الظمأن. ..لم یجده شیئاً> مربوط به دنیا باشد; یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه

اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند; ولی به آن دست نخواهند یافت.

ناکامی مبارزه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۶ - ۷

۷ ترفندهای کافران برای مبارزه با قرآن و پیامبر(ص)، بی ثمر و موجب هلاکت خود آن ها می شود.

و هم ینهون عنه و ینئون عنه و إن یهلکون إلا أنفسهم

صدر آیه بیان مبارزه کافران با اسلام و قرآن است. لذا جمله <إن یهلکون> می تواند ناظر به این نکته باشد که سرانجام این مبارزه شکست و هلاکت خود آنان است، نه قرآن و اسلام.

نامه عمل کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۴ - ۸

۸- خداوند ، پرونده کردار کافران و مشرکان را مورد حسابرسی دقیق قرار خواهد داد .

إنّما نعدّ لهم عدًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۵ - ۲،۴،۵

۲ - نامه اعمال کافران دوزخی در قیامت ، به دست چپ آنان داده می شود .

و أمّا من أُوتی کتبه بشماله

از اوصاف یاد شده برای این گروه در آیات بعدی، استفاده می شود که آنان کافران دوزخی و از همان گروهی اند که در آیه ۴۱ سوره <واقعه> از آنان به <أصحاب الشمال> یاد شده است.

۴ - کافران دوزخی ، از عرضه شدن نامه اعمالشان اظهار ناخورسندی می کنند .

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

۵ – ناراحتی و اندوه شدید کافران دوزخی ، از نامه اعمال و کارنامه خویش در عرصه قیامت

فیقول یلیتنی لم أُوت کتبیه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۶ - ۱

۱ - کافران دوزخی ، از آگاه شدنشان نسبت به حساب و محتوای پرونده اعمال خود اظهار ناخرسندی می کنند .

فیقول یلیتنی . .. و لم أدر ما حسابیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۵

۵ - نامه عمل کافر ، از پشت سر به او داده شده و آتش دوزخ فرجام او خواهد بود .

و أمّا من أوتی کتبه وراء ظهره . .. و یصلی سعیرًا ... بل الذین کفروا

ارتباط مجموع آیات سوره با یکدیگر، اقتضا می کند که دو دسته آخر سوره (الذین کفروا) و (الذین آمنوا)، همان دو دسته قبل باشند که با عنوان <من اُوتی کتابه بیمینه> و <من اُوتی کتابه وراء ظهره> از آنان یاد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۹ - ۴

۴ - کافران در آخرت ، نامه عمل خویش را با دست چپ ، دریافت خواهند کرد .

هم أصحب المشئمه

<سمت چپ و راست> در قیامت، ممکن است به معنای حقیقی آن نباشد تا از وجود جایگاهی حکایت کند که دارای سمت چپ و راست است; بلکه کنایه از مطلبی باشد که در آیات دیگر قرآن، با صراحت آمده است. بدین صورت که برخی نامه عمل خود را با دست راست و برخی با دست چپ دریافت می کنند; در نتیجه دسته اول به <اصحاب الیمین> و <اصحاب المیمنه> نام گذاری شده و دسته دوم <اصحاب الشمال> و <اصحاب المشأمه>نام گرفته اند.

نجات از توطئه کافران مکه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لاتحزن إن اللّه معنا

نجات از مکر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۴

۴ – رهایی پیامبران از فریب ها و وسوسه های کافران ، در پرتو تذکرات و رهنمود های خداوند است .

فلایصدّنک عنها من لایؤمن بها

نجات کافران از عذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۱ – ۳

۳ گرفتار نشدن کفرپیشگان به عذاب الهی ، ستمی است از جانب خدا بر بندگان مؤمن

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

برداشت فوق مبتنی بر این است که <أن اللّه . .. > عطف بر <ما قدمت> و بیانگر علتی دیگر برای گرفتار سازی کافران به عذاب حریق باشد. بر این اساس مفهوم آیه چنین می شود: اگر خدا کفرپیشگان را عذاب نکند ستم کرده است. و چون عذاب نکردن آنان ستمی به خود آنان محسوب نمی شود، باید گفت این ستم نسبت به بندگان مؤمن است.

نجات کافران پیرو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما كان لكم علينا من فضل

نجوای كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء

- ۱۷ - ۴۷ - ۲،۳

۲- خداوند ، از نجوا ها و سخنان سرّی کافران علیه پیامبر (ص) آگاه است$.

نحن أعلم . .. و إذ هم نحوی

.

۳- کافران ، به منظور خنثی کردن سخنان پیامبر (ص) به نجوا و گفت و گوی سرّی می پرداختند .

نحن أعلم بما یستمعون به . .. و إذ هم نحوی إذ یقول

<إذ هم نجوی> و إذ یقول الظالمون> بدل <إذ یستمعون إلیك> است. با توجه به این نکته، معنای آیه چنین می شود: ما آگاهترین هستیم به غرض کافران در گوش فرا دادن به سخنان پیامبر(ص) که تهمت زدن [سحرزدگی] به اوست و آگاه هستیم از نجوا و گفت وگوی آنان. چنین بیانی حکایت از آن دارد که غرض آنها از گوش دادن، تمهید و آماده شدن برای خنثی سازی سخنان پیامبر(ص) بوده است.

نزدیکی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۲ - ۱،۶

۱ - مأموریت پیامبر (ص) برای ابلاغ تهدید خداوند به کافران ، مبنی بر نزدیک بودن عذاب دنیایی آنان

قل عسی أن یکون ردف لکم بعض الذی تستعجلون

تعبیر <ردف لکم> (در پی شما است) کنایه از قریب الوقوع بودن مجازات کافران می باشد. گفتنی است که <الذی تستعجلون> هم شامل عذاب دنیوی می شود و هم عذاب اخروی. بنابراین عبارت <بعض الذی> نشانگر عذاب دنیایی خواهد بود.

۶ - تهدید کافران به نزدیک بودن بخشی از عذاب دنیوی وعده داده شده به آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون

مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیایی باشد. بنابراین <بعض الذی

تستعجلون>; یعنی، بخشی از آن عذاب که خواستار شتاب آن هستید، در پی شما است.

نزدیکی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب ألیم

به کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزول عذاب بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۸ - ۲

۲ نزول عذاب بر کافران و مشرکان در اختیار پیامبر(ص) نیست.

قل لو أن عندی ما تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۸

۸ - کافران ، در لحظه نزول حتمی عذاب استیصال ، اندک مهلتی نخواهند یافت .

یوم الفتح . .. و لا هم ینظرون

بنابراین احتمال که مراد از <یوم الفتح>، روز نزول عذاب استیصال بر کافران باشد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

نشانه های اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۸ - ۱،۲

۱ احزاب کفرپیشه و مستکبر دارای علامت و نشانهایی مخصوص به خود در قیامت

و نادی اصحب الاعراف رجالا یعرفونهم بسیمهم

۲ اصحاب اعراف در صحنه قیامت ، احزاب کفرپیشه و مستکبر را به وسیله علامتهایشان خواهند شناخت .

یعرفونهم بسیمهم

نشانه های بهانه جویی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵۴ - ۱

۱ - درخواست نزول نامه سرگشاده از سوی خداوند

، در تأیید رسالت پیامبر (ص) و بر درستی قرآن ، درخواستی نابجا و نشانه بهانه جویی کافران

بل یرید کلّ امریء منهم أن یوتی صحفًا منشّره . .. کلاّ إنّه تذکره

کلمه <کلاّ>، تأکید مطلبی است که در آیه پیش (کلاّ بل لایخافون. ..) بیان شده است; یعنی، قرآن کریم تذکره است و اگر بنا بود که کافران به سبب آن متذکر شوند، نزول قرآن به همین صورت برای پندآموزی آنان کافی بود. پس درخواست کافران مبنی بر نامه اختصاصی از جانبِ خداوند، بهانه ای بیش از سوی آنان نیست.

نشانه های بی تأثیری مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۵

۵ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها . .. و قد مکر الذین من قبلهم فلله المکر جمیعًا

نشانه های بی عقلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۶

۶ اطلاع کافران از عاقبت شوم کفرپیشگان گذشته و عبرت نگرفتن از آنان ، مایه تعجب و شگفتی و نشانه بی خردی آنان است .

و یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه و قد خلت من قبلهم المثلت

آیه شریفه در مقام تعجّب و بیان سخافت رأی و خرد کفرپیشگان است و جمله حالیه (و قد خلت . ..) به منزله دلیل برای اثبات آن می باشد. از این رو باید آنان از گرفتار شدن امتهای کفرپیشه گذشته به عقوبتهای الهی مطلع باشند.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۰ – ۴

۴ – روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

نشانه های بی منطقی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۴ – ۱۴

۱۴ – اعتماد کافران به استحکامات مادی و همبستگی های صوری و ناپایدار ، نشانه بی خردی آنان است .

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه . .. ذلک بأنّهم قوم لایعقلون

نشانه های بی یاوری کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۱ – ۶

۶- هلاکت جوامع کفرپیشه در گذشته تاریخ ، نشانی آشکار از بی یاوری کافران در قبال کیفر خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. و أنّ الکفرین لا مولی لهم

از ارتباط <دمّر اللّه علیهم. ..> با <مولی لهم>، مطلب بالا استفاده می شود.

نشانه های بیماری قلب کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۳

۱۳ – مخالفت برخی از کافران با قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، ناشی از بیماردلی و غرضورزی آنان بود .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض . .. ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

نشانه های جهل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۴ – ۴

۴ – چشمداشت خیر و برکت از نمود های کیفر و عذاب الهی ، نشان جهل عمیق کافران *

و إن یروا کسفًا . ..

یقولوا سحاب مرکوم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <سحاب مرکوم>، اشاره به بُعد خیر آفرینی ابرها داشته باشد; یعنی، کورباطنی کافر به حدی است که پاره های عذاب را ابرهای رحمت می پندارد.

نشانه های ختم قلب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۷ - ۶

۶- متهم کردن پیامبر (ص) به سحرشدگی ، نمودی از مستوری قلب کافران و ناتوانی آنان از درک حقایق است .

و جعلنا فی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرًا و . .. إذ یقول الظلمون إن

نشانه های ذلت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم . .. دمّر اللّه علیهم

بدان احتمال که <دمّر اللّه علیهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعساً لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

نشانه های زیانکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۴ - ۹

۹- انجام تلاش های بی فرجام و دل خوش بودن به آنها ، نشانی از زیانکاری عمیق کافران است .

الأخسرین أعملاً . الذین ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا و هم یحسبون أنّهم یحسنون صنع

جمله حالیه <و هم یحسبون . ..> بیانِ علّت <أخسرین> بودن کافران است; زیرا، این گمان که انسان، آنچه را انجام داده، از نوع بهترین ها است، سبب می شود که هرگز به فکر جبران خسارت خویش برنیاید.

نشانه های سفاهت کافران

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۵۰ – ۴

۴ – روی گردانی کافران از کلام بیداربخش و پندآموز قرآن ، ناشی از نابخردی و کوته فکری آنان بود .

فما لهم عن التذکره معرضین . کأنّهم حمر مستنفره

نشانه های شکست کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقواپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

نشانه های عجز کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۸ – ۴

۴ – فرجام فرعونیان و قوم ثمود ، نشانگر حاکمیت اراده خداوند و ناتوانی سپاه کفر از رویارویی با او است .

فعّال لما یرید . .. فرعون و ثمود

نشانه های کوردلی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۷

۷– روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء . .. أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی

کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

نشانه های کوردلی کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۷ – ۶

۶ – ناباوری کافران عصر بعثت

به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور . و یستعجلونک بالعذاب

نشانه های گمراهی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۱

۱۱ - خودپسندی و زیبا دیدن رفتار زشت خویش ، جلوه گمراهی کافران

أفمن زیّن له سوء عمله . .. فإنّ اللّه یضلّ من یشاء و یهدی من یشاء

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که جمله <فإنّ اللّه یضلّ. ..> در مقام تعلیل برای <أفمن زیّن...> است; یعنی، از آن جایی که آنان رفتار زشت خود را زیبا می دیدند و به خود پسندی گرفتار آمدند; خداوند هر کسی را که بخواهد مانند این دسته گمراه خواهد ساخت.

نظارت بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۸

۸ - قرار داشتن کافران ، تحت نظارت و کنترل شدید از لحظه برانگیخته شدن تا هنگام محاکمه

فهم یوزعون . حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم

از ارتباط دو آیه و واژه <حتّی> که نمایانگر غایت است استفاده می شود که کنترل آنان، تا لحظه قرار گرفتن آنها در جایگاه محاکمه ادامه خواهد داشت.

نظارت بر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۵ - ۱

۱ - مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر

کافران اند .

على الأرائک ينظرون

<أريکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزيين

یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن و لمیدن اعم از تخت، یا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

نعمت هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۵ - ۴

۴ - نابودی ملت های کافر و ستم پیشه ، خود نعمتی الهی بر سایر انسان ها *

و أنّه أهلك . .. فبأیّ ءالاء ربّک تتماری

در صورتی که <آلاء> نظر به هلاکت قوم عاد، ثمود و. .. داشته و بر این امور عنوان <آلاء> منطبق شده باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

نعمتهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۴

۱۴ - دعای حضرت ابراهیم (ع) (محرومیت کافران مکه از نعمت های الهی) ، مستجاب نشد .

قال و من کفر فأمتعه قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۳

۳ - نعمت های کافران در دنیا ، هر چند به ظاهر زیاد باشد ، ناچیز است .

و من کفر . .. نمتّعهم قلیلاً

<قلیلاًـ> ممکن است نسبی بوده و در رابطه با مجموعه امکانات دنیا و نیز آخرت و همین طور زوال پذیر بودنش سنجیده شود. در این صورت، این معنا را می رساند که کافران، هر چند امکانات زیادی به دست آورند، ناچیز است.

نعمتهای کافران صدراسلام

آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۸ - ۵

۵ - کافران ، پیامبر (ص) را به خاطر اظهار امکان بازآفرینی انسان ها در قیامت ، متهم به جنون می کردند .

و قال الذین کفروا هل ندلّکم علی رجل . .. أم به جنّه

نفاق کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۳ - ۲،۵

۲ - کافران ، تکذیب قرآن را ابزار رسیدن به اهدافی ساخته بودند که آن را اظهار نمی کردند .

بل الذین کفروا یکذّبون . و اللّه أعلم بما یوعون

از مصادیق <مایوعون>، نیت ها و مقاصدی است که کافران، تکذیب قرآن را وسیله رسیدن به آن مقاصد کرده بودند.

۵ - تکذیب قرآن از سوی کافران ، ظاهری بوده و به دروغ بودن آن باور نداشتند .

و اللّه أعلم بما یوعون

تقابل این آیه با آیه قبل، بیانگر آن است که گرچه کافران به زبان قرآن را تکذیب می کردند; ولی خداوند بهتر می داند که در درون آنان از تکذیب قرآن خبری نبود.

نفرت اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۹ - ۶

۶ - اظهار تنفر و انزجار شدید کافران ، از عاملان گمراهی خویش در قیامت

قال الذین کفروا . .. نجعلهما تحت أقدامنا

نفرین بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۱

۱- کافران ، مورد نفرین خداوند و گرفتار ذلّت و خواری

و الذین کفروا فتعسًا لهم

واژه <تعساً> (به معنای لغزیدن و به رو در افتادن) نشانگر ذلّت و خواری است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۱

۱- ناخشنودی کافران از پیام وحی ، باعث حبط اعمال آنان و گرفتار آمدنشان به نفرین الهی

فتعساً لهم و أضلّ أعملهم . ذلک بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

بنابراین که <ذالک> اشاره به <فتعساً لهم و أضلّ أعمالهم> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۰ - ۱

۱ - کافران حق ستیز و یاوه سرا ، مورد نفرین خداوند

قتل الخرّصون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۱،۳،۴

۱ - درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

واژه <دیّار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۳ - کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۱۷

۱۷ – مؤمنان نمی توانند در برابر جامعه خویش بی تفاوت باشند ; بلکه باید برای دوستان و همکیشان خود ، خیرخواه و نسبت به کافران و دشمنانِ اصلاح ناپذیر ، آرزوی

نابودی کنند .

ربِّ اغفر لی . .. و للمؤمنین و المؤمنت و لاتزد الظلمین إلاّ تبارًا

برداشت یاد شده، از دعای خیر نوح(ع) برای مؤمنان و نفرین علیه کافران و دشمنان دعوتش، استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۷ – ۱

۱ – کافران ، مورد غضب و نفرین خداوند و مشمول شدیدترین توبیخ های او هستند .

قتل الإنسن ما أکفره

فعل ماضی (قتل الإنسان) برای نفرین بکار رفته است. مفاد نفرین های خداوند توبیخ و تهدید است; زیرا معنای حقیقی نفرین، درباره او قابل تصور نیست. <ال> در <الإنسان> به قرینه <فلینظر الإنسان...> در آیات بعد برای ماهیت است و جمله <ما أکفره> نشان می دهد که در نفرین <قتل الإنسان>، تنها کافران مد نظر می باشند.

نقش استحکامات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۴ – ۵

۵ – اهل کفر و نفاق ، تنها متکی بر موانع و استحکامات فیزیکی و مادی در جنگ و نبرد

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه أو من وراء جدر

در صورتی که فاعل در <لایقاتلونکم. ..> کافران و منافقان باشند، به دست می آید که اهل کفر و نفاق، هیچ انگیزه معنوی برای حرکت های خود ندارند و تنها اطمینان از استحکامات مادی است که به آنان جرئت مبارزه می دهد.

نقش ثروت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۴ – ۲

۲ – در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و

رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن كان ذا مال و بنين

تردیدی نیست که اجابت خواسته های کافران و یا سازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسلامی، به جهت طمع شخصی نیست; بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است; ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

نقش فرزندان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- مال و اولاد کافران نیز ، عطای الهی است .

أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۰ - ۴

۴- امکانات مادی و مال و فرزند کافران ، آنان را از فقر و تنهایی در قیامت نجات نمی دهد .

و نرثه ما يقول و يأتينا فردًا

نقش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۳

۳ - کیفر کافران و نوع ، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است ; نه به اقتراح کافران .

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما تعملون

تعبیر <ربّی أعلم. ..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنده این معناست که چون خداوند از هر کس به اعمال بندگان داناتر است; پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵

- فاطر - ۳۵ - ۶ - ۹

۹ - کافران و دنیاطلبان ، از حزب شیطان اند .

فلاتغرنّکم الحیوه الدنیا . .. إنّ الشیطن لکم عدوّ ... إنّما یدعوا حزبه

برداشت یاد شده به این خاطر است که آیه پیش، از فریفته شدن به دنیا برحذر داشته و آیه مورد بحث فریفته شدگان به دنیا را حزب شیطان خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۴

۴ - آخرت پر شرر کافران ، دستاورد خود ایشان است .

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا . .. فویل للذین کفروا من یومهم

از انتساب <یوم> به ضمیری که به کافران بازمی گردد، مطلب بالا استفاده می شود.

نقش کافران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۸

۸ - نگرانی و احساس خطر نوح (ع) ، درباره به خطر افتادن ایمان مؤمنان و نسل های آینده جامعه ، از سوی کافران حق ناپذیر و گمراه گر قوم خود

إنّک إن تذرهم یضلّوا عبادک و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

نقش کثرت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۴ - ۲

۲ - در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران حق ناپذیر ، نمی تواند مجوز عدول مبلغان و رهبران جامعه اسلامی از مواضع عقیدتی خویش و سازش و مسامحه با آنان باشد .

و لاتطع . ..أن كان ذا مال و بنين

تردیـدی نیست که اجـابت خواسـته هـای کـافران و یـا سـازش با آنان از سوی رهبران جامعه اسـلامی، به جهت طمع شخصـی نیست;

بلکه برای در اختیار گرفتن ثروت و نیروی انسانی کافران و صرف آنها در جهت مصالح و منافع مسلمین است; ولی چون این کار به قیمت عدول از مواضع اعتقادی و یا سازش با کافران است، جایز نمی باشد.

نقش مخالفت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلغ دین سست گرداند .

فإمّا نذهبنّ . .. فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

از تفریع این آیه بر آیات پیشین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شده استفاده می شود.

نگاه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵۱ - ۱

۱ - نگاه کافران به پیامبر (ص) ، نگاهی خشم آلود و کینه توزانه بود .

و إن یکاد الذین کفروا لیزلقونک بأبصرهم

<زَلَق> (مرادف <ذلل>) به معنای لغزیدن و سقوط کردن است و عبارت <لیزلقونک بأبصارهم> کنایه از این است که کافران، با نگاه خشم گینانه و کینه توزانه، به پیامبر(ص) می نگریستند; مانند آن که گفته می شود: فلان کس آن چنان به من نگاه می کند، که گویا می خواهد مرا با نگاهش بخورد و یا بکشد; یعنی، اگر برای او ممکن باشد که با نگاهش مرا بخورد و یا بکشد، چنین خواهد کرد.

نگرانی اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۳

کافران پس از مرگ ، به حقایقی دست می یابند و از اعمال گذشته خود نگران می شوند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم ... ما کنّا نعمل من سوء

از اینکه کافران پس از مرگ، بی آنکه حرفی زده شود، به دفاع از خود می پردازند و منکر کارهای زشت خود می شوند، به دست می آید که آنان به چیزهایی از جمله به وضعیت بد خود و اینکه کردارشان باعث گرفتار شدن آنان به عذاب می شود، دست می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۷ - ۱

۱ - آثار ذلت و نگرانی ، نمایان در چشم کافران ، به هنگام خروج از قبر ها در رستاخیز

خشّعًا أبصرهم یخرجون من الأجداث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۱۱ - ۱

۱ - در عرصه قیامت ، هیچ راه فرار از نگرانی ها و سختی ها ، برای کافران وجود ندارد .

یقول الإنسن یومئذ أین المفرّ . کلاّ

نگرانی از فرجام شوم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ نوح (ع) ، پیامبری دلسوز برای مردم و نگران آینده ای ناگوار برای مشرکان و کافران قوم خویش بود .

إنی أخاف علیکم

نگرانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۹

۳۹-کافران ، آرزومند ضعف و وابستگی امت اسلامی و نگران از قدرت و استقلال آنان

کزرع أخرج . .. لیغیظ بهم الکفّار

نوح(ع) و نجات کافران

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، نوح (ع) را از سوار کردن کفرپیشگان خانواده اش بر کشتی نجات ، منع کرد .

احمل فیها . .. أهلك إلاّ من سبق علیه القول

نهی از دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱ - ۸

۸ - نهی خداوند از دوستی اهل ایمان با کافران که باعث خروج ناخواسته پیامبر (ص) و مؤمنان از سرزمینشان (مکه) شده بودند .

لاتتّخذوا . .. یخرجون الرسول و إیّاکم أن تؤمنوا باللّه

نهی از شفاعت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند ، نوح (ع) را از شفاعت درباره کفرپیشگان و درخواست رهایی آنان از عذاب ، برحذر داشت .

و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون

مراد از <لاتخاطبنی . ..> (درباره ستمگران با من سخن مگو) به دلیل جمله بعد (زیرا غرق شدن برای آنان حتمی است) درخواست برطرف شدن عذاب و نجات از طوفان آب است.

نیات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیات ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قالوا بل نتّبع ما وجدنا عليه ءاباءنا . .. إنّ اللّه عليم بذات الصدور

<علیم بـذات الصـدور> در حقیقت، می تواند هشداری باشد به آنان که حقایقی را در درون دل خود مخفی می دارند، ولی در ظاهر، با تعابیری

مانند <نتّبع ما وجدنا. ..> آن را توجیه می کنند.

ورود کافران به جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱

۱ خداوند در روز قیامت کافران را فرمان می دهد تا در آتش درآیند و به جمع دوزخیان بپیوندند.

قال ادخلوا فی أمم . .. فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۱،۲،۳

۱– فرمان خداوند به کافران ، برای وارد شدن به جهنّم پس از مرگ آنان

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ... فادخلوا أبوب جهنّم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (توفی) عطف داده است.

۲– آگاهی خداوند از اعمال زشت کافران ، عامل فرمان او به آنها برای ورود به جهنّم

الکفرین . .. إن الله علیم بما کنتم تعملون. فادخلوا أبوب جهنّم

<فا> در <فادخلوا> عاطفه است و مسبب را بر سبب (علم خدا) عطف کرده است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: حال که خداوند چنین آگاهی از کردار شما دارد، پس وارد جهنم شوید.

۳– کافران ، از در های مختلفی وارد جهنّم می شوند .

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۴ – ۱

۱ – فرمان تحقیرآمیز خداوند در قیامت به مجرمان و کافران برای رفتن به دوزخ

هذه جهنّم . .. اصلوها اليوم

امر <اصلوها> برای تحقير و اهانت است.

ورود کافران به مسجد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ - کفرپيشگان ، حق حضور در مساجد

را ندارند .

أولئک ما کان لهم أن يدخلوها

۱۵ - کفرپيشگان ، در صورت حضور در مساجد ، مجرم اند و بايد به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئک ما کان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، مبتنی بر اين است که <إلا خائفين> استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر اين مبنا، جمله <ما کان لهم ...> بيانگر اين معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، بايد عقوبت شوند؛ زيرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

۱۶ - کفرپيشگانی که در سيطره حکومت اسلامی به سر می برند ، حق ورود به مساجد دارند .

أولئک ما کان لهم أن يدخلوها إلا خائفين

برداشت فوق، بر اين اساس است که <إلا خائفين> استثنا از عدم جواز ورود باشد؛ يعنی، کافران نبايد داخل مسجد شوند، مگر آن گاه که از مسلمانان هراسان باشند و در آن صورت ورودشان به مساجد جايز است. اين معنا شامل کفرپيشگانی می شود که در سيطره حکومت اسلامی به سر می برند.

وسوسه کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۸۳ - ۱

۱- کافران ، گرفتار در دام تحريکات و وسوسه های شياطين

أرسلنا الشيطين على الكفرين تؤزّهم

<أزّ> به معنای تهييج و برانگيختن است و <تؤزّهم>؛ يعنی، شياطين، کافران را به سوی گمراهی و انحراف بيشتر سوق داده و تحريک می کنند.

وعده به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۶۳ - ۲،۳

٢ - جهنم ،

وعده الهی به مجرمان و کافران است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

۳ - به دوزخ رفتن کافران و مجرمان ، وعده ای که پیوسته به آنان در دنیا ابلاغ شده است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون

آمدن فعل مضارع به ویژه با فعل <کنتم> نشانگر استمرار و پیوستگی این وعده الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۴ - ۴

۴ - عذاب اخروی و شکست دنیوی ، وعده الهی به کافران حق ناپذیر

حتّی إذا رأوا ما یوعدون فسیعلمون من أضعف ناصرًا و أقلّ عددًا

وعده خدا به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۵ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، نسبت به دور و نزدیک بودن تحقق وعده های الهی به کافران آگاه نبود .

قل إن أدری أقریب ما توعدون أم یجعل له ربّی أمدًا

<أمَد> در اصل به معنای غایب و منتهای شیء است و در این آیه مقصود از آن به قرینه <قریب> مدت طولانی است.

وعده شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض

وعده شكست كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاكت و شكست كافران

مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده عذاب به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- آفرینش آسمان ها و زمین (عالم آفرینش) ، دلیل قدرتمندی خداوند بر تحقق وعده عذاب کافران و حبط عمل نیکشان

من ورائه جهنّم . .. مثل الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح ... ألم

وعده عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۵

۵ - آینده بشر ، شاهد نزول عذاب قهر الهی بر کافران

و إذا وقع القول علیهم

مفسران، کلمه <القول> را کنایه از عذاب گرفته اند.

وعده کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۷

۷ وعده دروغین برخی کفار مبنی بر اصلاح خویش و تکذیب نکردن آیات الهی در صورت بازگشت به دنیا

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب . .. و إنهم لکذبون

وعده کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وعده مقابله به

مثل به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۳

۳ - وعده خداوند بر مقابله به مثل با مکر کافران ، کافی برای شتاب نورزیدن پیامبر (ص) در مورد درخواست کیفر برای آنان

و أکید کیدًا . فمهّل

برداشت یاد شده، از حرف <فاء> در <فمهّل> استفاده شده است; یعنی، حال که از مکر خداوند درباره کافران آگاه شدی، با خاطری آسوده به کافران فرصت ده; زیرا آنان هر چند در هر فرصت به مکر خود ادامه دهند، ولی مکر آنان مقهور مکر خداوند است.

وعده هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۳

۳ - خداوند ، شکست و هلاکت کافران و مشرکان حاکم و جایگزین آنان شدن را ، به مؤمنان نیکوکار صدراسلام ، وعده کرده است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعید به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۰ – ۱۲

۱۲ عذاب های وعده داده شده به کفرپیشگان ، قانونمند و دارای حساب و کتاب تعیین شده و مشخص

و عنده أمّ الکتب . .. و علینا الحساب

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۲ - ۱

۱ - وعده بهشت به متقین ، همپای تهدید کافران به جهنم

یوم نقول لجهنّم . .. و أُزلفت الجنّه للمتّقین ... هذا ما توعدون

وقت انتقام از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۶ - ۲

۲- انتقام اصلی خداوند از کفر پیشگان ، موکول به روز قیامت

یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

وقت ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۱

۱- توبیخ کافران از سوی خداوند به خاطر عدم گرایش به ایمان ، مگر با فرارسیدن قیامت

فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم

وقت شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۶ - ۲

۲ - زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو)

است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد؛ یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

وقت شکست کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۱ - ۱

۱- آزمایش کافران و مشرکان حق ناپذیر صدراسلام ،

فلسفه به تأخیر افتادن عذاب آنان و نامعلوم بودن زمان شکست آنها است .

و إن أدری لعلّه فتنه لکم

ضمیر <لعلّه> به نکته ای برمی گردد که از دو آیه قبل استفاده می شود. آن نکته، مسأله تأخیر عذاب کافران و مشرکان و یا نامعلوم بودن زمان شکست آنان و پیروزی مسلمین است.

وقت عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۲،۱۳

۱۲- پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۵،۱۰

۵ - عذاب های تعیین شده از سوی خداوند برای کافران ، دارای اجل و وقت معینی است .

و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

۱۰ - عذاب کافران در موعد مقرر ، به صورت ناگهانی ، آنان را فراخواهد گرفت .

و لیأتینّهم بغته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۷

۷ - کافران ، اگر به خاطر اجل تعیین شده در دنیا ، گرفتار عذاب نشوند ، عذاب اخروی شان قطعی است .

و یستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب . .. یستعجلونک بالعذاب و إنّ

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۶ – ۲

۲ – زمان نزول عذاب ، شکست کافران و برپایی قیامت ، از امور غیبی و تنها در اختیار خداوند است .

حتّی اذا اوا ما یوعدون. ..اقریب ما توعدون... علم الغیب

تعریف <الغیب> برای استغراق است; یعنی، تمامی امور و حقایق غیبی و <عالم الغیب> خبر برای مبتدای محذوف (هو) است. تعریف مسند و مسندالیه، مفید قصر می باشد; یعنی، تنها خداوند عالم به امور غیبی است. گفتنی است از مصادیق مورد نظر در امور غیبی به قرینه آیات پیشین مسأله برپایی قیامت، شکست کافران و نزول عذاب بر آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۷ – ۳

۳ – امکان آگاهی رسولان الهی از زمان برپایی قیامت و نزول عذاب بر کافران ، به وسیله وحی و الهام خداوند

قل إن أدری أقریب ما توعدون . .. إلّا من ارتضی من رسول

ولایت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۸ – ۱۹،۱۶،۱۵،۱۳،۱۱،۹،۸،۱

۱ با اعتقاد به قدرت مطلقه الهی ، مجالی برای پذیرش ولایت کافران از سوی مؤمنان نمی باشد .

قل اللّهم مالک الملک . .. لا یتّخذ المؤمنون الکافرین اولیاء

گویا آیه مورد بحث، نتیجه اعتقاد به مضمون آیه <قل اللّهم . .. > است.

۸ کسی که ولایت کافران را بپذیرد ، خداوند او را به خود وامی گذارد .

و من یفعل ذلک فلیس من اللّه فی شیء

۹ متضاد بودن پذیرش ولایت خداوند با پذیرش ولایت کفار

و

من يفعل ذلک فليس من اللّه فى شىء

۱۱ حاکميّت و سرپرستى کافران بر امور مؤمنان ، زمينه انحطاط و بى ارزشى مؤمنان در پيشگاه خدا

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اوليا ء . .. و من يفعل ذلک فليس من اللّه فى شىء

خروج از ولايت خدا، مستلزم انحطاط است.

۱۳ پذيرش سرپرستى کافران ، جز در اضطرار و تقيّه ، جايز نيست .

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اولياء . .. الاّ ان تتقوا منهم تقيه

بنابراينکه ولايت به معناى سرپرستى باشد.

۱۵ تحذير و هشدار مؤکد خداوند ، نسبت به مؤمنانى که پذيراى ولايت و سرپرستى کافران شده اند .

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اولياء . .. و يحذّرکم اللّه نفسه و الى اللّه المصير

۱۶ ترس از خداوند ، موجب پرهيز از پذيرش ولايت کافران

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اولياء . .. و يحذّرکم الله نفسه

۱۹ توجه انسان به بازگشت به خدا و اعتقاد به آن ، عامل مقاومت در برابر ولايت کافران

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين اولياء . .. و الى اللّه المصير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۹ – ۶،۱۳

۶ روابط پنهانى با کافران و برگزيدن ولايت آنان ، از حيطه علم الهى خارج نيست .

لا يتّخذ المؤمنون الکافرين . .. قل ان تخفوا ما فى صدورکم ... يعلمه اللّه

۱۳ تهديد خداوند نسبت به کسانى که ولايت کافران را بدون تقيه بپذيرند .

لا يتّخذ . .. قل ان تخفوا ... يعلمه اللّه ... و اللّه على کل شىء قدير

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

- ۲،۳،۴،۷

۲ اطاعت از كفرپيشگان ، نشانه پذيرش ولايت و سرپرستى آنان

ان تطيعوا الّذين كفروا . .. بل اللّه موليكم

كلمه <بـل> براى اضـراب و نفى ولاـيت غير خداونـد است و چون در آيه قبـل سـخن از ولاـيت و پـذيرش آن نيامـده كه با <بل> آن را نفى كند، معلوم مى شود كه همان اطاعت از كافران، در حقيقت پذيرش ولايت آنان است.

۳ ناشايستگى كافران براى ولايت و سرپرستى و يارى جامعه ايمانى

ان تطيعوا الّذين كفروا . .. بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

۴ ضرورت پرهيز جامعه ايمانى از پذيرش ولايت كفرپيشگان و يارى جويى از آنان

ان تطيعوا الّذين كفروا . .. بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

از جمله <بل اللّه موليكم>، انحصار ولايت به خداوند اسـتفاده مى شود و مفهوم آن برحذرداشتن مسلمانان از پذيرش ولايت غير خداوند است كه از مصاديق مورد نظر به قرينه آيه قبل، ولايت و سرپرستى كافران است.

۷ پذيرش ولايت الهى و عقيده به خدا به عنوان بهترين ياور ، مانع اطاعت از كافران و پذيرش ولايت آنان

ان تطيعوا الّذين . .. بل اللّه موليكم و هو خير النّاصرين

چون معمولاـ اطاعت آدمى از كسـى براى جلب يارى اوست، قرآن با بيان اينكه خداونـد تنها سـرپرست و بهترين ياور است به مؤمنان مى فهماند كه با يارى خداوند هيچ نيازى به يارى كافران نخواهيد داشت تا مجبور شويد از آنان تبعيّت كنيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۹ - ۴،۷

۴ عدم جواز پذيرش ولايت و سرپرستى كفار

الذين يتّخذون الكفرين أولياء من دون المؤمنين

در برداشت فوق،

<ولیّ>، به معنای سرپرست گرفته شده است.

۷ دستیابی به عزت و شکوه ، هدف منافقان در پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء . .. أیبتغون عندهم العزّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۳

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای دوستی و ولایت کفار ، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء . .. یکفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۴ – ۲،۳،۸،۹

۲ کافران ، فاقد صلاحیت سرپرستی و حق ولایت بر مؤمنان

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء

۳ ایمان به خداوند ، ناسازگار با پذیرش دوستی و سرپرستی کافران

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا الکفرین أولیاء من دون المؤمنین

۸ مؤمنان با پذیرش ولایت کافران ، حجت روشن خداوند را علیه خویش فراهم می کنند .

یأیها الذین ءامنوا لاتتخذوا . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

۹ هشدار و تهدید خداوند به پذیرندگان ولایت کافران و دوستی آنان

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. أتریدون أن تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۵ – ۱۰

۱۰ ناسازگاری پذیرش ولایت خدا با پذیرش ولایت یهودیان ، نصارا و دیگر کافران

و من يتولهم منكم فانه منهم . .. انما وليكم اللّه و رسوله و الذين ءامنوا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۵

۵ حرمت دوستی

با کافران و پذیرش ولایت آنان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا لبئس ما قدمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۵

۵ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو کانوا یؤمنون . .. ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

ویژگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۵

۵ تقویت طاغوت ، از ویژگی های کافران

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۱۳

۱۳ رضایت از عملکرد خویش، از ویژگیهای کافران است.

کذلك زین للکفرین ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱

۱ تبدیل دین خدا به مجموعه ای از امور واهی و بازدارنده از سعادت و کمال ، ویژگی کفرپیشگان

حرمهما علی الکفرین. الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً

الـف: مراد از <دینهم> دین الهی است و اضـافه آن به مردم اشـاره به این حقیقت دارد که منفعت برنـامه هـای دینی و قوانین شریعتهای الهی به خود انسانها می رسـد. ب: <اتخـذوا> از افعال تصـییر است. یعنی: بـدلوا دین اللّه لهوا و لعبا. و تبـدیل دین خدا به لهو و لعب به این است که پیرایه هایی را بر دین ببندند تا دین مجموعه ای از لهو و لعب جلوه کند.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۵ – ۶

۶ کفرپیشگان به خاطر تفکر نکردن در جنبه ملکوتی موجودات برای پی بردن به معارف الهی (توحید ، قیامت و . . .) سزاوار سرزنش هستند .

أو لم ینظروا فی ملکوت السموت و الأرض و ما خلق اللّه من شیء

استفهام در جمله <أو لم ینظروا . .. > انکار توبیخی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳ – ۲،۳

۲- کافران ، همواره درصدد جلوگیری از راه خدا و در پی ممانعت از گسترش تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله

۳- کافران ، همواره در پی کج جلوه دادن راه و تعالیم الهی هستند .

للکفرین . .. الذین ... و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجًا

ویژگیهای استهزاهای کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۰ – ۱

۱ – گناه پیشگان کافر ، با چشمک زدن و اشاره به یکدیگر ، هنگام عبور بر مؤمنان نیکوکار ، به عیب جویی از آنان می پردازند .

و إذا مرّوا بهم یتغامزون

<غمز>; یعنی، عیب جویی از دیگران با پلک زدن و اشاره دست (مفردات راغب). ضمیر <مرّوا> به مجرمان برمی گردد. برخی احتمال داده اند که ضمیر به مؤمنان برگردد و مراد این باشد که هنگام عبور مؤمنان بر کافران، آنان با چشمک زدن و علامت دادن به یکدیگر به عیب جویی از مؤمنان می پردازند.

ویژگیهای بعث کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج –

۱ - ۴۳ - ۷۰

۱ - کافران حق ستیز در قیامت ، از گور های خود با سرعت بیرون آمده ، به نقطه ای مشخص خواهند رفت .

یوم یخرجون من الأجداث سراعًا کأنّهم إلی نصب یوفضون

<أجداث> (جمع <جدث>) به معنای قبرها است.

ویژگیهای حشر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۲

۲ کافران مخالف قرآن و پیامبر (ص) در قیامت ، در اوج ذلت و خواری محشور خواهند شد .

الذین یحشرون علی وجوههم إلی جهنّم

محشور شدن کافران، در حالی که به رو افتاده و به سوی جهنم سوق داده می شوند، حاکی از برخورد تحقیرآمیز با آنان است.

ویژگیهای قبض روح کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲ - ۶

۶ - [فی المجمع] فی قوله تعالی < و الناشطات نشطاً > إنّ ها الملائکه تنشط أرواح الکفّار بین الجلد و الأظفار حتّی تخرج ها من أجوافهم بالکرب و الغمّ عن علی (علیه السلام) ;

در مجمع البیان درباره قول خدای تعالی <الناشطات نشطاً> از امام علی(ع) نقل شده است: <ناشطات> فرشتگانی اند که جان های کافران را (از سایر اعضا) در میان پوست و ناخن هایشان جمع می کنند تا همراه با سختی و غصّه از درون شان بیرون آوردند>.

ویژگیهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱،۲،۳،۴،۶

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق

بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی ... .

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع إلا دعاءً و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا . .. إلا دعاءً و نداءً> چنین می شود: مَثَل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مَثَل گوسفندان و چوپان آنهاست; همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۳ - کافران به قرآن از حق شنوی ، حق گویی و حق بینی ، ناتوانند .

و مثل الذین کفروا . .. صم بکم عمی

<صم> و <بکم> و <عمی> به ترتیب: جمع أصم (کر) و أبکم (لال) و أعمی (کور) می باشند. به نظر می رسد متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل <ما أنزل اللّه> باشد، یعنی: مثل الذین کفروا بما أنزل اللّه.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف

الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

۶ - کفرپیشگان بر اثر ترک پرسش و جستجو از حقایق و معارف دین ، از درک آنها ناتوان و محرومند .

بکم . .. فهم لایعقلون

تفریع جمله <فهم لایعقلون> بر لال بودن کفرپیشگان می تواند اشاره به این باشد که: از ابزار شناخت حقیقت، جستجوی آن با پرسش و تحقیق است و کفرپیشگان از این ابزار محرومند; یعنی، در پی یافتن حقیقت نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸ - ۹

۹ کفرپیشگان ، عذاب های موعود از ناحیه پیامبران را همواره به استهزا و تمسخر می گیرند .

و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لایاْیئس من روح الله إلاّ القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۵ - ۳

۳ کفرپیشگان ، در آیات و نشانه های توحید تأمل نمی کنند و دلالت آنها را بر توحید درنمی یابند .

یمرون علیها و هم عنها معرضون

<اعراض> (مصدر معرضون) به معنای روی گرداندن است و روی گرداندن از نشانه های توحید به معنای تأمل نکردن در آنها و درک نکردن دلالتشان بر یکتایی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱

۱- کافران ، کسانی

اند که با کفر خود ، به خویش ستم می کنند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۱ - ۱،۲

۱- بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

مراد از دیدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هستند (گفتن مسبّب و اراده سبب) و مفاد آیه، این است که مشاهده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

۲- محجوب بودن دل از یاد خدا ، از بارزترین خصلت های کافران است .

الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۰ - ۷

۷ - بی مبالاتی در سوگند یاد کردن و فرومایگی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین . .. حلّاف مهین

صفت <حلّاف مهین> و دیگر اوصافی که در آیات بعد ذکر می شود، مربوط به کافرانی است که رسالت پیامبراسلام(ص) را تکذیب می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۱ - ۷

۷ – عیب جویی و سخن چینی ، از ویژگی های کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

فلاتطع المکذّبین

. .. همّاز مشّاء بنميم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – تجاوزگری ، گناه پیشگی و مانع خیر شدن ، از خصوصیات کافران تکذیب کننده رسالت پیامبراسلام (ص)

و لاتطع المکذّبین . .. منّاع للخیر معتد أثیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۲ – ۴

۴ – پوچی و بی هدفی در زندگی ، از ویژگی های کافران

فذرهم یخوضوا و یلعبوا

ویژگیهای کافران صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۴ – ۳

۳ – کافران تکذیب گر ، در صدراسلام از قشر ثروتمند و پرفرزند و نفرات بودند .

أن کان ذا مال و بنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۹ – ۱

۱ – کافرانِ مخالف پیامبر (ص) در صدراسلام ، مردمی پندناپذیر و لجوج بودند .

فما لهم عن التذکره معرضین

هدایت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ پیامبر (ص) ، نگران رویگردانی کافران ، از تسلیم در برابر خدا (هدایت)

و ان تولّوا فانّما علیک البلاغ

از منحصر کردن وظیفه پیامبر (ص) به تبلیغ پیام الهی چنین برمی آید که گویا پیامبر (ص) علاوه بر ابلاغ پیام، خود را موظف می دانست که مردم را در برابر خداوند، تسلیم کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۸ – ۱۱

۱۱– دلسوزی شدید

و خودخوری پیامبر (ص) برای هدایت کافران و مشرکان

لاتمدّنّ عینیک . .. و لاتحزن علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۵

۵- هم نشینی و مصاحبت با کافران به منظور بحث ارشادی و هدایت آنان ، بلامانع است .

قال له صاحبه وهو یحاوره أکفرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۹ - ۶

۶- محبت پروردگار به هدایت آدمیان ، حتی کافران

لو یعلم الذین کفروا . .. و لا هم ینصرون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لو> برای تمنّی باشد و جواب <لو> به قرینه آیه قبل (و یقولون متی هذا الوعد) <فلایقولون متی هذا الوعد> خواهد بود ;یعنی، ای کاش می دانستند که زمان عذاب و کیفیت آن چگونه است که در این صورت هرگز نمی گفتند چرا عذاب الهی نمی آید. گفتنی است که در هر آرزویی، علاقه مندی نهفته است و آرزوی خداوند به دانستن کافران، برای هدایت آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در هدایت کافران ، بسیار جدی بود .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جمله اسمی <ما أنت بهاد العمی> (کار تو، هدایت کافران حق ناپذیر نیست) حاکی از این است که پیامبر(ص) برای هدایت کافران، تلاش فراوانی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱۴

۱۴ – پیامبر (ص) به هدایت کافران ، علاقه مند بود

.

و من كفر فلايحزنك كفره إلينا مرجعهم

فراز <إلينا مرجعهم> پس از توصيه پيامبر(ص) به اجتناب از اندوه به خاطر كفر كافران، براى تسلى دادن به آن حضرت است. چنين فرمانى، گوياى آن است كه پيامبر(ص) علاقه شديدى به هدايت آنان داشته و به خاطر آن اندوهگين هم مى شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۵۴ - ۱

۱ - سلب مسؤوليت از پيامبر (ص) ، در مورد تبليغ و هدايت كافران طغيانگر

بل هم قوم طاغون . فتولّ عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۰ - ۵

۵ - تقويت ايمان مؤمنان ، داراى اهميتى افزون تر از پافشارى بر هدايت معاندان و كافران پندناپذير

فأنت له تصدّى . .. فأنت عنه تلهّى

از مجموع اين بخش از آيات، استفاده مى شود كه اصرار بر ارشاد كافران، گرچه كارى پسنديده است; ولى هرگاه در تعارض با تقويت ايمان مسلمانى قرار گيرد، بايد آن را رها كرد.

هدايت كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۵

۵ - عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پيامبر (ص) در ماجراى ابن ام مكتوم و ارشاد كننده كافران مكه در عصر بعثت *

أمّا من استغنى . فأنت له تصدّى

در شأن نزول آيه شريفه از تفسير قمى نقل شده كه فرد مورد نظر از ضمير خطاب در <أنت له تصدّى>، عثمان بوده است. او

در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس که از چهره های برجسته قریش بودند برآمده بود.

هدایت ناپذیری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۱ - ۶

۶ مسخ شدن قلب و ادراک کافران مایه ایمان نیاوردن ایشان، حتی با دیدن روشنترین معجزات است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم . .. و لو أننا نزّلنا ... ما كانوا ليؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۳

۳ حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران ، پیامد ظلمی است که آنان بر خودشان کرده اند .

و منهم من يستمعون إليك . .. و منهم من ينظر إليك ... و لكن الناس أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱،۲،۳

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءانًا سيّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو كلّم به الموتى

<تسییر> (مصدر سیّرت) به معنای حرکت دادن است و <تقطیع> (مصدر قطّعت) به معنای شکافتن عمیق یا قطعه قطعه کردن می باشد و حرف باء در جمله های سه گانه فوق به معنای استعانت است. عبارت <بل لله الأمر> و نیز <أن لو يشاء الله لهدى الناس> گویای این است که جواب شرط <لو أنّ ...> جمله ای نظیر <لم يهتدوا إن لم يشأ الله> است.

۲ آنان که با تلاوت قرآن هدایت نشوند و به سرای آخرت ایمان نیاورند ، حتی اگر مردگانی زنده شوند و حقایق آخرت

را برای آنان بیان کنند ، هدایت نخواهند یافت .

و لو أن قرءانًا . .. کلّم به الموتی

هر یک از جمله های <سیّرت به الجبال> و <قطّعت به الأرض> و <کلّم به الموتی> حکایت از معجزات درخواستی کفرپیشگان دارد که به مناسبت می توان گفت: جمله <کلّم به الموتی> حاکی است که آنان برای باور به آخرت، از پیامبر(ص) می خواستند تا مردگانی را زنده کند تا از آخرت و دنیای پس از مرگ برای آنان سخن بگویند.

۳ آنان که با مشاهده و تلاوت قرآن نازل شده بر پیامبر (ص) هدایت نشوند ، با مشاهده هیچ آیت و معجزه ای هدایت نخواهند شد .

و لو أن قرءانًا سیّرت به الجبال . .. بل لله الأمر جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۵

۵ - ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۰ - ۷

۷ - کافران ، به دلیل بی بهره بودن از نور الهی ، محروم از هر گونه هدایت اند .

و الذین کفروا أعملهم . .. کظلمت فی بحر لجّیّ ... إذا أخرج یده لم یکد یرها و من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۰ - ۸

۸ - کفرپیشگان روی گردان از دلایل آشکار ، همچون ناشنوایان روی برتافته از راهنمای خویش

و لاتسمع الصمّ الدعا إذا ولّوا مدبرین

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۲ – ۸

۸ – عامل هدایت ناپذیری کافران ، خود آنان اند .

یکفرون . فإنّک لاتسمع الموتی ... إذا ولّوا مدبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۳ – ۵

۵ – بیرون آوردن کافران حق گریز به هر نحو ممکن از گمراهی ، نه کار پیامبر است و نه در توان او است .

و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۷

۷ – پیامبر (ص) ، مسؤول هدایت ناپذیری کافران نیست .

و من کفر فلایحزنک کفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۲ – ۷

۷ – کافران لجوج ، مانند مردگان در قبر ها ، از شنیدن سخن حق ناتوان بوده و هیچ راهی برای هدایتشان نیست .

و ما أنت بمسمع من فی القبور

در این آیه کافران لجوج و حق ناپذیر صدراسلام درمکه، به مردگان در قبرها تشبیه شده اند که هیچ راهی برای هدایتشان نیست و آنان نیز هیچ زمینه ای برای پذیرش ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۱ – ۱۹

۱۹ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) ، در برابر حق ستیزی و هدایت ناپذیری کافران و مشرکان

و ما أنت علیهم بوکیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - یأس پیامبر (ص) از هدایت

مشرکان و کافران ، در نیمه نخست رسالت (دوره مکه)

أنت تحکم بین عبادک فی ما کانوا فیه یختلفون

درخواست داوری خداونـد که به معنای دخالت خداوند با شـکست مشـرکان در دنیا و یا کیفر دادن در آخرت است می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

هدایت ناپذیری کافران صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۷ – ۹

۹ بی تأثیری معجزات خاص و پیشنهادی کفرپیشگان در هدایت آنان ، دلیل اهدا نشدن آنها به پیامبر (ص)

لولا أُنزل علیه ءایه من ربه قل إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۳

۳- پیامبر (ص) ، از هدایت یافتن گروهی از کفرپیشگان عصر بعثت مأیوس بود .

قل کلّ متربّص فتربّصوا فستعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۲ – ۸

۸ – کارساز نبودن تبلیغ و هدایت گری های پیامبر (ص) ، در برخی از کافران و مشرکان صدراسلام

و ما أنت بمسمع من فی القبور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷ – ۴

۴ – لجاجت در برابر ایمان و حق گریزی ، زمینه ساز آمدن عذاب الهی است .

لقد حقّ القول على أكثرهم فهم لايؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱۴

۱۴ - هدایت کردن مشرکان و کافران در صدر اسلام (نیمه نخست رسالت

) ، عملی مشکل و ناامیدانه بود .

و من يضلل اللّه فما له من هاد

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه در مکه نازل گردیده بود و در آن زمان مشرکان دست از مواضع شرک آلود خود برنمی داشتند. ازاین رو آیه شریفه درصدد بیان این حقیقت است که ایمان آوردن آنان، بسیار مشکل و مأیوسانه است و پیامبر(ص) نباید بیش از این، غم آنها را بخورد و خود را به زحمت بیاندازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۱

۱ - وعده ها و تهدید های الهی برای کافران عصر بعثت ، ثمربخش و کارساز نبود .

بل الذين كفروا

حرف <بل> اضراب از ما قبل است; یعنی، تهدیدهای پیش برای کافران بی تأثیر است. عنوان <الذین کفروا>، ممکن است عنوان مشیر و ناظر به مصادیق خارجی آن باشد که کافران مکه بودند و نیز می تواند به تمام کافران در طول تاریخ نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

هدایت ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استكانوا لربّهم و ما يتضرّعون

هشدار به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۱

۱ هشدار خداوند به کافران ، بر اینکه مهلت یافتن آنان به سودشان نیست .

و لا يحسبنّ الّذين كفروا انّما

نملی لهم خیر لانفسهم

<املاء> از ماده <ملو>، به معنای مهلت دادن است و مراد از آن، تأخیر در عـذاب کافران با طولانی شدن مدت عمر و بهره گیریشان از مواهب دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ کافران به رسالت پیامبر (ص) مورد تهدید خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

جمله <فان للّه . ..> که بیانگر سـلطنت خداوند بر هستی است می تواند به منظور تهدید منکران رسالت پیامبر(ص) ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۱۲

۱۲ خطر انقراض و نابودی نسل یک جامعه، هشدار خداوند به جوامع کافر ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ هشدار دادن به کافران به پایان ناخوشایندشان از وظایف پیامبر(ص)

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءکم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر

الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۶

۶ - انتقام الهی از فرعونیان ، هشداری جدّی به همه کفرپیشگان حق ستیز است .

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدید آمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از فرعونیان، این بود که بیشتر آنان از پذیرفتن ایمان امتناع ورزیدند، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۶

۶ - انتقام الهی از مردم < ایکه > ، هشداری جدی به همه کفرپیشگان و حق ستیزان است .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

با توجه به لحن تهدیدآمیز این آیه و بیان این که علت انتقام گرفتن خداوند از مردم ایکه، این بود که بیشتر آنان از پذیرش حق سرباز زدند؛ برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیات ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا . .. إنّ اللّه علیم بذات الصدور

<علیم بذات الصدور> در حقیقت، می تواند هشداری باشد به آنان که حقایقی را در درون دل خود مخفی می دارند،

ولی در ظاهر، با تعابیری مانند <نتّبع ما وجدنا. ..> آن را توجیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - معاد ، نویدی به مؤمنان صالح و هشداری به کافران بدکردار

من عمل صلحًا فلنفسه و من أساء فعليها ثمّ إلى ربّكم ترجعون

پیام آیه شریفه، نوید به نیکوکاران و هشدار به بدکاران است. تعبیر <ثمّ إلى ربّكم...> نیز که اشاره به معاد دارد در راستای همین معنا آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۱۳

۱۳- عدل الهی ، در محاسبه اعمال ، بشارتی به مؤمنان و هشداری به کافران

و لكلّ درجت ممّا عملوا . .. و هم لايظلمون

<لكلّ> می تواند اشاره به هر گروه از مؤمن و کافر داشته باشد. براین اساس تعبیر <هم لا يظلمون> برای مؤمنان نیک کردار، نویدی است که اعمالشان ضایع نخواهد شد و برای منکران معاد، هشداری است که ستمهایشان بی پاسخ نخواهد ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۹

۹- هشدار خداوند به کافران ، نسبت به استمرار اراده او بر نابودی ملت های کفرپیشه

دمّر اللّه عليهم و للكفرين أمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۸

۸- هشدار خداوند به کافران دین ستیز ، نسبت به از دست دادن فرصت توبه

إنّ الذين كفروا و صدّوا عن سبيل اللّه ثمّ ماتوا و هم كفّار فلن يغفر اللّه لهم

لحن آیه شریفه از یک سو تهدید و از

سوی دیگر دربردارنده هشدار به کافران است که کار خویش را به جایی نرسانند که راه توبه بر رویشان بسته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۰ - ۴

۴ قیامت ، روز تحقّق هشدار ها و انذار های الهی برای کافران و حق ستیزان

و نفخ فی الصور ذلک یوم الوعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۰ - ۳

۳ - گنجایش و سیری ناپذیری دوزخ ، تهدیدی برای کافران با همه انبوهی و کثرت آنان

یوم نقول لجهنّم هل امتلأت و تقول هل من مزید

از این که خداوند، اشتهای سیری ناپذیر دوزخ را تذکر داده است; استفاده می شود که نباید کافران، کثرت وانبوهی خویش را مانعی در راه اجرای احکام و کیفرهای الهی بدانند; بلکه جهنم بیش از آنچه آنان تصور کنند، گنجایش و پذیرش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۶

۶ - فرجام شوم کافران و ستمگران هلاک شده تاریخ ، هشداری به کفرپیشگان و ظالمان هر عصر

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

آیات پایانی این سوره، در مقام نتیجه گیری از آیات گذشته است که به تفصیل سرنوشت هلاکت بار کافران گذشته تاریخ را بیان داشته است. از این نکته استفاده می شود که تعبیر <مثل ذنوب أصحابهم>، در واقع تذکر و هشداری نهایی به کافران هر عصر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۶

۶ - کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر

ایشان با هشدار های مکرر

فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف به ادامه دادن هشدار ها و تذکر های خویش ، بدون نگرانی از اتهام های کافران

فذکّر

از ذیل آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، نبایست به اتهام های مشرکان بیندیشد; بلکه وظیفه آن حضرت ادامه دادن به تبلیغ خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۳

۳ - هشدار خداوند به کافران ، نسبت به نداشتن گواه آسمانی بر آزادی مطلق از مسؤولیت و مؤاخذه

أم لکم براءه فی الزّبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۱

۱ - نابودی کافران گذشته تاریخ ، هشداری جدّی به هم اندیشان و همگنان آنها در هر عصر

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱۱

۱۱ - هشدار الهی به کافران ، در دل نبستن به وعده منافقان

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

آیه شریفه از یک سو نویدی است به مؤمنان که منافقان به همکاری با کافران وفا نخواهند کرد. و از سوی دیگر تشبیه منافقان به شیطان در بی وفایی به تعهدات خویش، هشداری است به کافران که با ریسمان منافقان به

چاه نروند.

هشدار به کافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۱

۱ پیامبر (ص) به کافران لجوج هشدار داد که آینده ای ناخوشایند (هلاکت در دنیا و عذاب در آخرت) در پیش خواهند داشت .

وانتظروا

با توجه به آیات گذشته که سخن از عذاب دنیوی و اخروی اقوام کفرپیشه داشت ، می توان گفت: مراد از <انتظروا> هشدار کافران به عذابهای دنیوی و اخروی است.

هشدار به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأُوريكم ءايتى فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (. ..بل تأتيهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین كفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلى قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۵

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تكذّبوا فقد كذّب أمم من قبلكم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تكذّبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد; یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب

باشید!

هلاکت دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵،۶

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

هلاکت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۷ - ۲،۳

۲ هلاکت و خواری بزرگان سپاه کفر در جنگ بدر *

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً من الّذین کفروا

برخی از مفسّرین، <طرفاً> رابه معنای اشراف و بزرگان گرفته اند، به استناد اساس اللغه که گفته است: <من اطراف العرب یعنی من اشرافهم>.

۳ خداوند ، هلاک کننده و خوارکننده کافران

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا او یکبتهم

فاعل <لیقطع>، ضمیری است که به <اللّه> ارجاع می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۳ - ۲،۶

۲ قدرت خداوند بر نابودی کافران و گنهکاران و جایگزینی مؤمنانی تقواپیشه به جای ایشان

ان اتقوا اللّه . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس و یأت باخرین

۶ تهدید بی تقوایان کفرپیشه به هلاکت و نابودی ، از سوی خداوند

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۸

۱۸اگر خداوند بخواهد مردم ستمگر و کافر را

نابود می کند و نسلهای دیگری را جانشین آنان می سازد.

إن يشأ يذهبكم و يستخلف من بعدكم ما يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۸

۸ خداوند علاوه بر تكذيب كنندگان آيات الهی از قوم عاد ، غير مؤمنان ايشان را نيز به هلاكت رساند .

قطعنا دابر الذين كذبوا بايتنا و ما كانوا مؤمنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۷،۸

۷ تعلق اراده الهی به تحقق يافتن حق و ريشه كن شدن كافران

و يريد اللّه أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكفرين

<دابر> به معنای آخرت است و از بين بردن آخر هر چيز به معنای نابودسازی كامل آن چيز است.

۸ پياده شدن حق و ريشه كن شدن بنيان كافران ، هدف از فرمان خداوند به نبرد با مشركان مكه در بدر

و يريد اللّه أن يحق الحق بكلمته و يقطع دابر الكفرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۳

۳ تضمين تحقق حق و محو باطل در پرتو ريشه كن شدن كافران است .

و يقطع دابر الكفرين. ليحق الحق و يبطل البطل

برداشت فوق بر اين اساس است كه <ليحق الحق> متعلق به <يقطع . .. > در آيه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ هلاکت کفرپیشگان به عذاب های الهی ، هرگز مایه زیان و ضرری برای خداوند نیست .

و یستخلف ربی قومًا غیرکم و لاتضرونه شیئًا

در برداشت فوق

، جمله <لاتضرونه> در ارتباط با <یستخلف ربی . ..> معنا شده است; یعنی ، در صورت نابودی شما ، ضرری متوجه خداوند نمی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۸

۸ از میان رفتن کفرپیشگان و کوتاه شدن سیطره آنان از زمین ، از فرمان های خداوند است که نقض نخواهد شد و تحقق خواهد یافت .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها والله یحکم لامعقّب لحکمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۵،۶

۵ نابودی کفرپیشگان توطئه گر در طول تاریخ ، نشانه بی اثر بودن مکر آنان در برابر برنامه های الهی است .

أولم یروا أنّا نأتی الأرض ننقصها . .. و قد مکر الذین من قبلهم فلله المکر جمیعًا

۶ نابودی کفرپیشگان توطئه گر ، دلیل اقتدار خدا بر طرح نقشه ها و برنامه های پنهانی

أولم یروا . .. و قد مکر الذین من قبلهم فلله المکر جمیعًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۴ - ۳

۳- تهدید شدن کافران ظالم به مرگ از سوی خداوند ، در پی تهدید شدن انبیای الهی از سوی آنان به اخراج از سرزمین مسکونی خویش

و قال الذین کفروا . .. لنخرجنّکم من أرضنا ... فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۴

۱۴- خداوند براساس سنت خویش ، کافران دوران های پیشین را که از ایمان و استغفار روگردان بودند ، به هلاکت رساند

.

إلّا أن تأتيهم سنّه الأوّلين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۷ - ۶،۷

۶- نابودی کافرانِ دين ستيز و پيروزی مسلمانان ، قانونمند و دارای وقتِ مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سأُوريكم ءايتی فلاتستعجلون

برداشت ياد شده از ارتباط ميان اين آيه و آيه قبل استفاده شده است; بدين ترتيب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پيامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پيروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس اين است که مخاطبان جمله <سأوريکم... فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

۷- هلاکت و شکست کافران و دين ستيزان و پيروزی مؤمنان ، از آيات الهی است .

سأُوريكم ءايتی

برداشت ياد شده به خاطر اين است که از هلاکت کافران و پيروزی مسلمانان به <آيات> تعبير شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۵،۸

۵ - خداوند ، اقوام تکذيب گر و کفر پيشه تاريخ را پس از اين که از فرصت داده شده استفاده نکردند و هم چنان بر کفر و انکار خود پای فشردند ، با عذاب استيصال نابود کرد .

فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

<نکير> به معنای انکار (تغيير) است. و مقصود از آن به قرينه آيه بعد، تغيير نعمت به محنت، حيات به مرگ و نابودی و آبادانی به ويرانی است. گفتنی است که استفهام در جمله <فکيف کان نکير>، استفهام تعجيبی و بيانگر شدت کيفر است.

۸ - مهلت دادن به کافران حق ستيز و سپس هلاک ساختن آنها

، سنت الهی در طول تاریخ

فقد کذّبت قبلهم . .. فأملیت للکفرین ثمّ أخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۱ - ۵

۵ - تبدیل شدن کافران حق ستیز به موجوداتی بی جان همچون خس و خاشاک در پی نزول عذاب

فجعلنهم غثاءً

<جعل> (مصدر <جعلنا>) در جمله بالاـ به معنای گردانیدن و تغییر دادن از صورتی یا حالتی، به صورت یا حالت دیگر است. <غثاء> نیز به خس و خاشاک روی آب گفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ - افول تمدن ها و هلاکت جوامع کفرپیشه ، نمودی است از خشم و نفرین الهی در حق آنان

فأتبعنا بعضهم بعضًا. .. فبعدًا لقوم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۲ - ۴

۴ - پاکسازی نهایی زمین از وجود کافران ، وعده ای حتمی و تخلف ناپذیر

و إذا وقع القول علیهم . .. أنّ الناس کانوا بایتنا لایوقنون

تعبیر <أنّ الناس. ..> دربرگیرنده همه کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸ - ۱

۱ - مؤاخذه هلاکت بار ملت های کفرپیشه و مقتدر پیشین از سوی خداوند

فأهلكنا أشدّ منهم بطشًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۵۵ – ۹

۹ – هلاکت و نابودی ، فرجام ملت های ذلت پذیر و پیرو کفر و ستم

فاستخفّ قومه . .. فأغرقنهم أجمعین

از این که فرعونیان با ضعف و زبونی در برابر دستگاه

جبار فرعونی سرانجام به هلاکت رسیدند، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۹،۶

۶- نابودی دیار کافران و هلاکت ایشان ، نمودی از ذلت آنان و پوچی فرجامشان *

فتعسًا لهم و أضلّ أعملهم . .. دمّر اللّه علیهم

بدان احتمال که <دمّر اللّه علیهم> تفسیر و بیان نمودی از <تعساً لهم> باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

۹- هشدار خداوند به کافران ، نسبت به استمرار اراده او بر نابودی ملت های کفرپیشه

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۱ - ۶

۶- هلاکت جوامع کفرپیشه در گذشته تاریخ ، نشانی آشکار از بی یاوری کافران در قبال کیفر خداوند

دمّر اللّه علیهم . .. و أنّ الکفرین لا مولی لهم

از ارتباط <دمّر اللّه علیهم. ..> با <مولی لهم>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۸ - ۴

۴ - آفریدگار جهان ، قادر بر نابود ساختن کافران و منکران معاد *

و کم أهلکنا . .. و لقد خلقنا السموت و الأرض

بنابراین که تذکر به خالقیت خداوند، در ادامه آیات تهدیدی (کم أهلکنا قبلهم من قرن) باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۹

۹ – تشویق و ترغیب مردم از سوی خداوند ، به مطالعه و تأمل در سرنوشت هلاکت بار جوامع کفرپیشه گذشته

ألم يأتكم نبؤا الذين كفروا من قبل . .. لهم عذاب أليم

استفهام

در <ألم يأتكم. ..>، ضمن آن كه براى تقرير مسأله است، براى تشويق و ترغيب نيز مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۷ - ۱

۱ - كافران ، از هنگام افكنده شدنشان در دوزخ ، با ناخوشايندترين صدا ها روبه رو خواهد شد .

إذا أُلقوا فيها سمعوا لها شهيقًا

<شهيق>، به معناى زشت ترين و ناخوشايندترين صداها است(لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۵

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمين ، دليل و نشانه توانايى خداوند بر عذاب و هلاكت كافران

فكيف كان نكير . أولم يروا إلى الطير ... ما يمسكهنّ إلاّ الرحمن

ذكر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خداى رحمان پس از يادآورى كيفر و عذاب كافران پيشين مى تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه اى از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۱ - ۱

۱ - توانايى خداوند بر نابودى امت ها (همچون كافران) و جايگزين كردن امت هاى برتر و بهتر از آنها (همچون مؤمنان)

فلاأُقسم . .. إنّا لقدرون . على أن نبدّل خيرًا منهم

درباره زمان تبديل و مقصود از آن در اين آيه، دو احتمال وجود دارد: ۱ نابودى كافران و جايگزين كردن مردم خوب و مؤمن به جاى آنان در دنيا; ۲ تبديل كافران و ديگر انسان ها به انسان هاى برتر و مناسب حيات اخروى در قيامت. برداشت ياد شده، مبتنى بر احتمال نخست است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۶ – ۱،۳

۱ – درخواست نوح (ع) از درگاه پروردگار مبنی بر نابودی تمامی کافران و مشرکان حق ناپذیر عصر خود و قطع نسل آنان

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

واژه <دیّار>، همواره پس از نفی قرار می گیرد و شامل همه انسان ها می شود.

۳ – کافران و بت پرستان حق ناپذیر ، مستحق نفرین و نابودی اند .

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۱۹ – ۲

۲ – کافران حق ناپذیر و اندیشه گر علیه دین ، مستحق هلاکت و نابودی اند .

إنّه فکّر و قدّر . فقتل کیف قدّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۲۰ – ۲

۲ – کافران حق ناپذیز و اندیشه گر علیه دین ، مستحق شدیدترین عقوبت و نابودی اند .

ثمّ قتل کیف قدّر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۸ – ۴

۴ – توانایی خداوند بر آفرینش انسان ، نشانه توانایی او بر نابود کردن امت های گنه پیشه و کافر و جایگزین کردن دیگران

نحن خلقنهم . .. وإذا شئنا بدّلنا أمثلهم تبدیلاً

برداشت یاد شده، از یاد آوری آفرینش انسان از سوی خداوند پیش از تذکر به هلاکت امت های کافر و جایگزین کردن

دیگران استفاده می شود.

هلاکت کافران اطراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

هلاکت کافران پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۱

۱۱ هلاکت فرعونیان و امت های کافر پیشین ، نمودی از زوال نعمت ها در نتیجه ظلم و گناه

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا . .. و کل کانوا ظلمین

هلاکت کافران در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

هلاکت کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۷ - ۲

۲ – هشـدار خداوند به مشـرکان و کافران لجوج صدراسـلام ، مبنی بر به نابودی کامل آنان و جایگزین کردن مردمی دیگر به جای آنها

إن يشاء يذهبكم . .. ما ذلك على اللّه بعزيز

هلاكت كافران قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۸ – ۱،۳،۴،۵

۱ کفرپیشگان

قوم ثمود با گرفتار شدن به لرزشی شدید به هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

<رجفه> به معنای اضطراب و لرزش است و به قرینه <فأصبحوا . .. > معلوم می شود آن لرزش بسیار شدید بوده است. قابل ذکر است که <فأخذتهم الرجفه> (لرزش آنان را فراگرفت) می تواند به این معنی باشد که لرزشی شدید بر اندام آنان مستولی شد و نیز می تواند به این معنی باشد که زمین لرزه و زلزله ای شدید آنان را فراگرفت.

۳ کافران قوم ثمود بر اثر عذاب الهی به رو بر زمین افتادند و هلاك شدند .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فروافتادن شخص به سینه خود است.

۴ کفرپیشگان قوم ثمود شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و در صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <دخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد نه به معنای <صاروا> بر این مبنا <فأصبحوا . .. > می رساند که هلاکت در اولین لحظه صبح اتفاق افتاده و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح یعنی در شب، بر کافران قوم ثمود عارض شده است.

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن

ناقه و . .. .

هلاکت کافران مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۱ – ۱،۲،۳،۴،۶

۱ کفرپیشگان قوم شعیب با گرفتار شدن به لرزشی شدید به هلاکت رسیدند .

فأخذتهم الرجفه فأصبحوا فی دارهم جثمین

<رجفه> به معنای اضطراب و لرزش است و به قرینه <فاصبحوا . .. > معلوم می شود که آن لرزش بسیار شدید بوده است. قابل ذکر است که <فأخذتهم الرجفه>، (لرزش آنان را فراگرفت) هم می تواند به این معنی باشد که لرزشی شدید به اندام آنان مستولی شد و هم می تواند به این معنی باشد که زمین لرزه شدید آنان را فراگرفت.

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

۳ کافران قوم شعیب شب هنگام به عذاب گرفتار شدند و صبحگاهش به هلاکت رسیدند . *

فأصبحوا فی دارهم جثمین

برداشت فوق مبتنی بر این است که <اصبحوا> به معنای <ادخلوا فی الصباح> (داخل در صبح شدند) باشد، نه به معنای <صاروا>. بر این مبنا <فاصبحوا ... > می رساند که هلاکت به هنگام صبح اتفاق افتاد و در نتیجه عذاب لرزش پیش از صبح، یعنی درشب، بر کافران قوم شعیب عارض شده است.

۴ کفرپیشگان قوم شعیب

بر اثر عذاب الهی ، همگان به رو بر زمین افتادند و هلاک شدند .

فأصبحوا فی دارهم جثمین

<جثوم> به معنای به زمین چسبیدن و حرکت نکردن است و برخی گفته اند به معنای فرو افتادن شخص است بر سینه خود.

۶ هلاکت کافران قوم شعیب و نجات مؤمنان آن قوم ، داوری به حق خداوند در میان آنان

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق . .. فأخذتهم الرجفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۱

۱ عذاب فرود آمده بر تکذیب کنندگان شعیب و کفرپیشگان مدین موجب نابودی آنان و تخریب آثار زندگانی در آن دیار شد .

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

ضمیر در <فیها> به <دار> در آیه قبل برمی گردد و <غنی> مصدر <لم یغنوا> به معنای اقامت کردن و سکونت گزیدن است. بنابراین <کأن لم یغنوا> یعنی گویا قوم شعیب در دیارشان اقامت نکرده بودند. و این کنایه از نابودی دیار آنان است.

هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (. ..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهدید کافران مکّه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تربّصوا فإنّی معکم من المتربّصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

همانندی منافقان با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۹ - ۴،۵،۷،۹

۴ - همانندی منافقان با کافران ، از نظر چگونگی برخورد حکومت اسلامی و جامعه ایمانی با آنان

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

۵ - جایگاه اجتماعی منافقان در نظام اسلامی و جامعه ایمانی ، همانند جایگاه کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

۷ - خطر و زیان منافقان برای جامعه اسلامی ، همانند خطر و زیان کافران است .

جهد الکفّار و المنفقین و اغلظ علیهم

۹ - جایگاه و سرنوشت منافقان و کافران ، در قیامت یکسان است .

و مأویهم جهنّم

هماهنگی برخورد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

هماهنگی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۲

۲ همگونی روش کافران در طول تاریخ

در برخورد با آیات الهی

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۹ - ۹

۹- مشرکان و کافران طول تاریخ ، دارای جبهه ای واحد و انگیزه و عملکردی همگون در برخورد با آیات الهی و معجزه های انبیا

و ما منعنا أن نرسل بالأیت إلاّ أن کذّب بها الأوّلون

تعبیر <الأوّلون> نشان می دهد که مشرکان دوره های بعد، دنباله رو اسلاف خویشند و سرایت دادن حکم پیشینیان به نسلهای بعدی، بیانگر انگیزه و عملکرد واحد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۳

۳- همسانی کافران در طول تاریخ ، در برخورد غیر منطقی با رسولان الهی

و لقد استهزئَ برسل من قبلک

برخورد استهزاآمیز، بیانگر نداشتن منطق در موضع گیری ها است و چون پیامبران پیشین و پیامبراسلام(ص) مورد تمسخر کافران قرار گرفته اند; به دست می آید که برخورد کافران همسان بوده و مواضع مشابهی داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۱ - ۱،۳

۱ - موضع گیری کافران رفاه زده عصر بعثت ، در برابر رهنمود های پیامبر (ص) ، همانند موضع گیری کافران پیشین در برابر رهنمود های پیامبرانشان

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

۳ - سطحی نگری و عدم به کارگیری عقل و اندیشه ، وجه مشترک همه کافران و مستکبران تاریخ

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰ - ۲

۲ - همگونی خط رسولان و

نیز موضع گیری کافران علیه ایشان

لعلّک بخع نفسک ألّایکونوا مؤمنین . .. وإذ نادی ربّک موسی أن ائت القوم الظلمین

پرداختن قرآن به سرگذشت موسی و فرعونیان پس از بیان موضع گیری انکارآمیز کافران علیه پیامبر(ص)، رساننده این حقیقت است که در موضوع یاد شده حادثه ای تازه نیست; بلکه دارای پیشینه تاریخی است و یک نمونه آن رویارویی موسی و فرعونیان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۵

۵ - تکذیب آیات الهی ، جرم مشترک همه کافران در طول تاریخ

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا. .. حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم بایتی

با این که گروه های حاضر در دادگاه، هر کدام از امتی خاص و متفاوت است; ولی همه آنها به خاطر یک جرم (تکذیب آیات الهی) محاکمه می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۴

۴ - جبهه کفر ، در طول تاریخ جبهه ای همسو و متحد در برابر ادیان و پیامبران الهی

کذّبت قبلهم قوم نوح و الأحزاب من بعدهم

به کار رفتن عنوان <احزاب> درباره اقوام کافر، می تواند گویای مطلب یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷ - ۶

۶ - شناخت تاریخ و آگاهی از موضع گیری های همگون کافران در برابر پیامبران ، مانع نگرانی و دلسردی رهبران دینی است .

و کم أرسلنا . .. إلّا کانوا به یستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۲ - ۴

۴ - اتهام

سحر و جنون ، موضع همیشگی کافران در برابر رسولان الهی

ما أتی الذین . .. إلاّ قالوا ساحر أو مجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۳ - ۱،۲

۱ - موضع گیری همگون کافران علیه پیامبران در طول تاریخ ، تداعی گر تبانی آنان بر مواضع یکسان و از شگفتی های تاریخ است .

أتواصوا به

<تواصی> (مصدر <تواصوا>) به معنای سفارش کردن برخی به بعضی دیگر است و استفهام در <أتواصوا به> برای تعجب است. در آیه شریفه، از موضع گیری یکسان کافران تاریخ در برابر رسولان الهی از آن جهت که گویا آنان همدیگر را بر این امر توصیه و سفارش کرده بودند اظهار تعجب شده است.

۲ - روحیه طغیان و سرکشی ، ریشه اصلی مواضع همگون کافران علیه پیامبران

أتواصوا به بل هم قوم طاغون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۲

۲ - مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أكفّاركم خير من أُولئكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۲

۲ - کافران ، در طول تاریخ دارای فرجامی مشابه و خصلت ها و مواضعی همگون

و لقد أهلكنا أشياعكم

<أشیاع> جمع <شیعه> است و در این جا معادل امثال و اشباه به کار رفته است; یعنی، امثال شما در کفر و الحاد.

همدم اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰

- ۲۳ - ۵

۵ شیطان مسلّط بر فرد کافر ، همراه با او تا لحظه حضور در دادگاه قیامت *

و قال قرینه هذا ما لدیّ عتید

برداشت بالا بنابر این نکته است که مراد از <قرین> در این آیه <شیطان> باشد که بر منکران معاد تسلّط دارد و آنان را آن گونه که می خواهد منحرف ساخته و تا دادگاه قیامت وی را همراهی می کند و در آن جا به مخاصمه با او برمی خیزد.

همدم کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۷ - ۱

۱ هر کافر و مشرک ، دارای قرین و همراهی از شیاطین

قال قرینه

<قرین> در این آیه، به قرینه محتوای <ما أطغیته> و نیز <قدّمت إلیکم بالوعید> در آیه بعد، قرینی است شیطانی و گمراه گر.

همکاری با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۰ - ۵

۵ جواز معاهده و پیمان همکاری و ترک مخاصمه با غیر مسلمانان

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

همنشینان کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۶

۶- کافران عصر بعثت ، فریفته وضعیت بهتر اقتصادی و هم نشینان به ظاهر آراسته خویش بودند .

أىّ الفريقين خير مقامًا و أحسن نديًّا

افتخار به محفل، در حقيقت افتخار به حاضـران در آن است و مراد از اهل محفل به قرينه <من هو. .. أضعف جنداً> در آيات بعد هم فكران و ياوران كافران است.

همنشينى با كافران

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۳،۱۰،۱۲

۳ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، پذیرای دوستی و ولایت کفار ، در عین نهی خداوند حتی از همنشینی با آنها

الذین یتّخذون الکفرین أولیاء . .. یکفر بها و یستهزأ بها فلاتقعدوا معهم

۱۰ جواز معاشرت و مجالست با کافران ، آنگاه که آیات الهی را استهزا نکنند و سخنانشان کفر به آیات الهی نباشد .

فلاتقعدوا معهم حتّی یخوضوا فی حدیث غیره

مفهوم جمله <حتی یخوضوا . ..>، جواز معاشرت با شرط ذکر شده است.

۱۲ شرکت کنندگان در مجالس کفر و استهزای به آیات الهی ، همسانِ با کافرانِ استهزاگر

یکفر بها . .. فلاتقعدوا معهم حتّی یخوضوا فی حدیث غیره إنّکم إذاً مثلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۷ – ۵

۵- هم نشینی و مصاحبت با کافران به منظور بحث ارشادی و هدایت آنان ، بلامانع است .

قال له صاحبه وهو یحاوره أکفرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۵۳ – ۶

۶ – جواز ملازمت و همنشینی با کافران ، با حفظ معتقدات دینی خود *

إنّی کان لی قرین . یقول ... أءذا متنا ... لمدینون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۹ – ۶،۷

۶ همنشینی با کافران و مشرکانی که به استهزا و مغالطه در قرآن و اسلام نپردازند، حرام نیست. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء

در این آیه فاعل <یتقون> کافران، و مرجع ضمیر <حسابهم> خوض کنندگان فرض شده است; یعنی حساب

کافرانی که از خوض پرهیز می کنند، از حساب خوض کنندگان جدا و همنشینی با آنان بی اشکال است.

۷ مسلمانان در همنشینی با کافران و مشرکان بی طرف باید با تذکر آنان را از مغلطه و استهزای در اسلام و قرآن بر حذر دارند. *

و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء و لکن ذکری لعلهم یتقون

هواپرستی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۷ - ۹

۹ - هواپرستی ، انکار روز قیامت ، باطل و بی هدف شمردن جهان آفرینش ، از اوصاف کافران است .

و لاتتّبع الهوی فیضلّک عن سبیل اللّه . .. بما نسوا یوم الحساب . و ما خلقنا السما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۲

۲- کافران ، هواپرستانی ، ناخشنود از پیام های خداوند

و الذین کفروا . .. بأنّهم کرهوا ما أنزل اللّه

تعبیر <کرهوا>، می رساند که کافران نه این که حقیقت دین را نفهمیده و انکار می کنند بلکه پس از فهم پیام دین، براساس تمایلات و گرایش های درونی، پذیرش پیام وحی بر آنان دشوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۱

۱- مؤمنان ، متکی به برهان و عقل و کافران ، دلخوش به پندار و هوای نفس

أفمن کان علی بیّنه من ربّه . .. و اتّبعوا أهواءهم

در واژه <بیّنه> شناخت عقلی نهفته است. از مقابله آن با <أهواء>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۴۷ - ۱۶ - ۸

۸- عدم درک کافران نسبت به وحی و سخنان پیامبر (ص) ، ناشی از هواپرستی و تیرگی قلب آنان

قالوا . .. ماذا قال ... أولئک الذین طبع اللّه علی قلوبهم و اتّبعوا أهواءهم

بنابر این که تعبیر <طبع اللّه علی قلوبهم> به عنوان علت <یستمع إلیک . .. قالوا ... ماذا قال آنفاً> یاد شده باشد و نه معلول آن برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۸ - ۲

۲- تنها برپایی ناگهانی قیامت ، به هوش آورنده کافران لجوج هواپرست

اتّبعوا أهواءهم . .. فهل ینظرون إلاّ الساعه أن تأتیهم بغته

از مضمون آیه شریفه استفاده می شود که خداوند، همه دلایل لازم را به کافران نمایانده و حتی نشانه های قیامت را نیز برای آنان محقق ساخته است. تنها چیزی که باقی مانده برپایی خود قیامت است. اما آنان با مشاهده همه دلایل، ایمان نیاورده و منتظراند تا آخرین مهلت نیز سپری شود.

هواپرستی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرءان وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

یأس از ایمان کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۱ - ۲

۲ پیامبران ، در صورت ناامیدی از ایمان آوردن کفرپیشگان ، وظیفه ای از جهت تبلیغ رسالت ، برعهده نداشتند .

و قل للذین لایؤمنون اعملوا علی مکانتکم إنا عملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۹

۹ ناامیدی پیامبران از هدایت یافتن مردم ، شرط نزول عذاب الهی بر امت های آنان بود .

حتّی إذا استیئس الرسل . .. جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۵ - ۲

۲ - توصیه خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر این که از کفرپیشگان حق ستیز قطع امید کند و به ایمان آوردن آنان دل نبندد .

حتّی تأتیهم الساعه بغته

اخبار خداوند به این که مخالفان پیامبر(ص)، هرگز به قرآن ایمان نخواهند آورد، می تواند متضمن توصیه ای باشد به پیامبر(ص) مبنی بر این که آنان را در کفر بی ایمانی شان رها کند و امیدی به گرویدن آنان به اسلام و قرآن نداشته باشد.

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۳

۳ - ناامیدی و یأس پیامبراسلام (ص) از ایمان آوردن کفرپیشگان در نیمه نخست رسالت

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم إنّی عمل فسوف تعلمون

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که پیامبر(ص)، از ایمان آوردن مردم مکه ناامید بود. ازاین رو آنان را به خودشان وانهاده و به آنان فرمود: هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید و بر مواضع نادرست خود باقی بمانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳،۶

۳ - پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

۶ - پیامبر (ص) پس از ناامیدی از ایمان کافران ، از آنان خواست برای پایبندی او به دین خود ، مشکل آفرین نباشند .

و لی دین

یأس از هدایت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۳ - ۱۱

۱۱- هجرت از سرزمین کفر ، پس از ناامیدی از هدایت کافران و ناتوانی از ایفای وظایف ، امری ضروری و بایسته

و إن لم تؤمنوا لی فاعتزلون . .. فأسر بعبادی

تکلیف هجرت، پس از شکوه موسی(ع) از فراگیری جرم و نفوذناپذیری فرعونیان در برابر حق و ادامه تعرض های آنان نسبت به بنی اسرائیل، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٩ - نوح - ٧١ -

۴ - نفرین علیه کافران و بت پرستان حق ناپذیر پس از ناامیدی از هدایت آنان امری پسندیده و روا

و قال نوح ربّ لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

یأس کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ تنها کفرپیشگان به یاری خدا امید ندارند و از رحمت او مأیوسند .

لایأْئس من روح الله إلّا القوم الکفرون

مراد از <کافرون> در آیه شریفه ، منکران قدرت خدا و رحمت آفرینی او و آگاهیش به نیاز بندگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۷ - ۲

۲ - یأس کافران از نجات و رهایی ، پس از قرار گرفتن در تنگنای عذاب جهنم

عذاب شدید إذا هم فیه مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۵

۵ - قطع امید کافران از همه عوامل مادی و احساس بی پناهی کامل در هنگام مرگ

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۷

۷ - یأس و نا امیدی کافران از دستیابی به اهداف و آرمان های خود

و الذين كفروا أعملهم كسراب بقيعه يحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم يجده شيئًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که جمله <یحسبه الظمأن. ..لم یجده شیئاً> مربوط به دنیا باشد; یعنی، در همین دنیا است که کافران همچون تشنگان، به نتیجه اعمال خود و در پی نیل به اهداف خویش اند; ولی به آن دست

نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ - یأس و ناامیدی شدید کافران حق ناپذیر ، از نجات خویش از عذاب الهی

فهل إلی خروج من سبیل

مفسران بر این باوراند که چنین سخنی، از زبان کسانی صادر می شود که یأس و نا امیدی بر وجود آنان چیره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۰ - ۴

۴ - کافران ، مأیوس و ناتوان از مقابله با پیامبر (ص) و پیشگیری از دعوت آن حضرت

نتربّص به ریب المنون

پناه بردن کافران به آرزو و دلبستن به حادثه، نشانه یأس آنان از مقابله کارساز با پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۲

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) در گفتوگو با کافران ، ناامیدی خود را از ایمان آنان ابراز کرد و آنها را از مشرک شدن خویش ، مأیوس ساخت .

لکم دینکم و لی دین

یاور اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۵ – ۶

۶ – آتش دوزخ ، تنها یاور کافران و

منافقان

هی مولیکم

یقین کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۵ - ۱

۱ - علم و باور کافران به هنگام زنده شدنشان در قیامت ، به روبه رو شدن با مصیبتی بزرگ و کمرشکن

تظنّ أن یفعل بها فاقره

<فاقره> به معنای مصیبت بزرگ و کمرشکن است (العین). <ظنّ> به معنای گمان راجح است و گاهی نیز به جای علم و یقین به کار می رود. در این آیه مطابق نظر بیشتر مفسران معنای اخیر مراد است.

یهود و کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۴ - ۲

۲ همسویی اهل کتاب (یهود) با کافران و تصدیق عقاید آنان ، برخاسته از حسادتشان به پیامبر (ص) و مسلمانان

یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا . .. یحسدون النّاس

جمله <ام یحسدون . .. > بیان علتی برای مسائل عنوان شده در آیه ۵۱ است. و از جمله آنها، قضاوت ظالمانه و همسویی با کافران است. یعنی این قضاوت و همسویی، ناشی از حسادت یهود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۴

۴ ایجاد پیوند دوستانه یهود با کافران برای تشکیل جبهه ای متحد و نیرومند علیه مسلمانان

تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا . .. لتجدن اشد الناس عدوه للذین ءامنوا

بیان عداوت یهودیان و مشرکان با اهل ایمان پس از بیان برقراری دوستی یهود و اهل شرک می رساند که این رابطه دوستی

در جهت دشمنی با مسلمانان است.

کافران مکه

{کافران مکه}

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱،۳،۴

۱ کفرپیشگان مکه ، مؤمنان را از ورود به مسجدالحرام بازمی داشتند .

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه و هم یصدون عن المسجدالحرام

در برداشت فوق مفعول <یصدون>، به مناسبت حکم و موضوع، المؤمنین گرفته شده است.

۳ کافران مکه به دلیل بازداشتن اهل ایمان از ورود به مسجدالحرام ، مستوجب عذاب (کشته شدن ، اسیر گشتن و . . .) بودند .

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه و هم یصدون عن المسجدالحرام

با توجه به آیه قبل که عذاب استیصال را برای مردم مکه با شرایط ذکر شده منتفی دانست، معلوم می شود مراد از عذاب در این آیه به دلیل وقوع آن در بین آیات نبرد، شکست کافران و کشته و اسیر شدن آنان است.

۴ کفرپیشگان مکه به ناحق خویشتن را سرپرست مسجدالحرام می پنداشته و غاصبانه بر آن تسلط داشتند .

و هم یصدون عن المسجدالحرام و ما کانوا أولیاؤه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲ - ۱۵

۱۵ مردم مکه در واکنش به دعوت پیامبر (ص) دو دسته بودند : مؤمن و کافر .

أن أنذر الناس و بشّر الذین ءامنوا . .. قال الکفرون

آثار اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما

كانوا إذًا منظرين

انظار مصـدر <منظر> به معناى تأخير انـداختن است و حصـر در آيه، نشان مى دهـد كه با آمـدن ملائكه، اجل هيـچ كـدام از كفار به تأخير نخواهد افتاد و به هلاكت خواهند رسيد.

آثار شبهه افكنى كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۹ - ۳

۳ - تأثيرپذيرى مردمان كم عقل و ضعيف الرأى ، از سخنان انكارآميز كافران مكه عليه موضوع رستاخيز و روز جزا

إنّكم لفى قول مختلف . يؤفك عنه من أُفك

ضمير در <عنه> مى توانـد به <قـول مختلف> بـاز گردد. در اين صورت <عن> تعليليه بوده و جمله <يؤفـك...> صـفت براى <قول> مى باشد; يعنى، <يؤفك بسببه...>.

ابتلاى كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۴

۴ - ابتلاى كافران مكه به گرفتارى و سختى ، از رخداد هاى دوران پيش از هجرت

و لو رحمنهم و كشفنا ما بهم من ضرّ

ابراهيم(ع) و كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۴،۲۰

۴ - ابراهيم (ع) ، كفرپيشگان مكه را شايسته بهره مند شدن از روزى هاى الهى نمى دانست .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و اليوم الأخر

۲۰ - دلجويى خداوند از ابراهيم (ع) به خاطر اجابت نكردن دعاى او عليه كافران مكه

و ارزق . .. من ءامن منهم ... قال و من كفر فأمتعه قليلا ثم أضطره إلى عذاب النار

از هدفهاى بيان اندك بودن متاع دنيا و زمان بهره گيرى از آن و نيز بيان

فرجام شوم کفرپیشگان پس از رد کردن تقاضای ابراهیم علیه آنان، دلجویی از ابراهیم است.

اتمام حجت بر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ - ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

اجابت خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند، برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد; عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

اختلاف کافران مکه با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۹

۹ - کافران مکه ، در انتظار وقوع روزی برای حل و فصل شدن اختلاف شان با پیامبر (ص) بودند . *

و یقولون متی هذا الفتح

احتمال دارد مراد از <الفتح> فصل و قضا میان کافران و پیامبر(ص) باشد. در این صورت، <یوم الفتح>، روزی خواهد بود که چنین ایده ای، جامه عمل بپوشد.

اخلاق کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۲

۲ کفرپیشگان مکه با

سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

ادعاهای کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۱ – ۲

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

اذیتهای کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۶ – ۳

۳– مسلمانان صدراسلام (در مکه) از سوی کافران و مشرکان گرفتار فشار های روحی و تنگنا های روانی بودند .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سیجعل

با توجه به نزول این آیات در مکّه، جمله <سیجعل . ..> باید وعده ای نزدیک به مسلمانان صدراسلام باشد. این نوید حکایت از آن دارد که مسلمانان در زمان نزول آیات، در شرایط سختی از نظر روحی و روانی و مقبولیت اجتماعی قرار داشتند.

استقلال فکری کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۲ – ۴

۴ – کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتّبعوا سبیلنا

استهزاهای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می

زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۱ - ۳

۳- خداوند ، تسلی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون . .. و ما یأتیهم من رسول إلاّ کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۸

۸- خداوند ، تسلّی بخش پیامبر (ص) در برابر برخورد های تمسخرآمیز کافران مکه

و ما یأتیهم من رسول إلاّ کانوا به یستهزءون. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمن

آیات قبل، درباره برخورد عنادآلود کفار مکه با نبوت پیامبراکرم(ص) بود. اینکه در این آیه ها، برخورد مردمان پیشین با انبیای الهی را توضیح می دهد، احتمالاً به جهت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلاّ> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت

در کار استهزا و تمسخر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۴

۴- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفراخروی و . . .) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

جمله استفهامیه <و یقولون متی هذا الوعد> برای تهکّم و استهزا است.

اطمینان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۳

۳ اطمینان کفار مکه به پیروزی خویش هنگام خروج برای جنگ بدر

و لاتکونوا کالذین خرجوا

اغواگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

افساد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۲ - ۵

۵- کافران مکه ، مردمانی مجرم و تبهکار بودند .

ربما یودّ الذین کفروا . .. کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

اکثریت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ اکثر کافران مکه ناآگاه به مستحق بودن عذاب الهی به سبب بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه و هم یصدون عن المسجدالحرام . ..

و لكن أكثرهم لايعلمون

امیدواری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذين كفروا لاتسمعوا . .. و الغوا فيه لعلّكم تغلبون

انذار کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ; بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم ... فسوف يعلمون. و ما أهلكنا من قريه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف یعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یأکلوا . ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳- هشدار خداوند به کافران استهزاگر مکه

هل ينظرون إلّا أن تأتيهم الملئكه . .. كذلك فعل الذين من قبلهم ... فأصابهم سيئات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه ، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنریهم ءایتنا فی الأفاق و فی أنفسهم

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثمّ کفرتم) کفار مکه بوده و

مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابر این جمله <سنريهم آياتنا في الآفاق و في أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

انگیزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذكرت ربّك في القرءان وحده ولّوا على أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

ایمان نسل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم ... لو تزيّلوا لعذّبنا الذين كفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندانی باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزيّلوا> می باشد; زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

بهانه جویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه

ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

قیـد <إلاّبالحق> می تواند احترازی باشد; یعنی، نزول فرشـتگان تنها در صورت وجود مصـلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حـالی که در تقاضـای کفـار چنین مصـلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کنـد بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

بی ادبی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مسـتقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضـرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

بی تأثیری جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - کـافران مکه ، شاهـد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تـدابیر خود ، در جلوگیری از این تأثیرگذاری

قال الذین کفروا . .. لعلّکم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

بی منطقی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی

نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلکه انگیزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذکرت ربّک فی القرءان وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراین موضع نفرت آلود مشرکان با قرآن، برخاسته از انگیزه های نفسانی - روانی آنان بود.

بینش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴،۵

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۲،۴،۶

۲- کافران مکه ، دلیل صداقت پیامبر (ص)

را در ادعای نزول وحی ، آمدن ملائکه برای تصدیق او می دانستند .

لو ما تأتينا بالملئكه إن كنت من الصدقين

۴- کافران مکه ، بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتينا بالملئكه إن كنت من الصدقين

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا . .. لو ما تأتينا بالملئكه

از تعبیر <لو ما تأتينابالملئكه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۷،۸،۹

۷- کافران و مشرکان مکه ، نسبت به نام < رحمان > برای خداوند ، بسیار حساس و منکر رحمانیت او بودند .

و هم بذكر الرحمن هم كفرون

اختصاص به ذکر یافتن نام <رحمان> از میان دیگر نام های مقدس پروردگار و نیز تکرار <هم>، بیانگر برداشت یاد شده است.

۸- کافران مکه ، منکر خدای رحمان بودند .

و هم بذكر الرحمن هم كفرون

گفتنی است که کافران منکر نام رحمان بودند; به اولویت استفاده می شود که منکر ذات خدای رحمان نیز بوده اند.

۹- آسمانی بودن قرآن ، مورد انکار

کافران و مشرکان مکه بود .

و هم بذکر الرحمن هم کفرون

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مقصود از <ذکر> قرآن کریم باشد، چنان که در موارد متعدد در قرآن از جمله آیه دوم همین سوره از قرآن به <ذکر> یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۴

۴ - کافران مکه ، برای عقیده خود ، هویتی مستقل ، قائل بودند .

اتّبعوا سبیلنا

ترس کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۳

۳ - وحشت کافران مکه ، از تأثیر شگفت قرآن و پیام وحی در شنوندگان

لاتسمعوا لهذا القرءان و الغوا فیه

ترک احتجاج با کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

تعصب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۶ – ۱۱

تکبر کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۷ – ۲

۲ کفرپیشگان مکه با سرمستی و خودنمایی ، از دیار مکه رهسپار منطقه بدر شدند .

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم بطرا

تکذیبگری کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۸ – ۱،۵

۱ - کافران

مكه ، رسالت پيامبر (ص) را تكذيب مى كردند .

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا اتّبعوا سبيلنا . .. و إن تكذّبوا فقد كذّب

بنابراين كه مخاطَب آيه طبق سياق كافران مكه باشند، نكته ياد شده، به دست مى آيد.

۵ - هشدار خداوند ، به كافران مكه ، به جهت تكذيب كردن پيامبر (ص)

و إن تكذّبوا فقد كذّب أمم من قبلكم

برداشت بالا، بنابراين احتمال است كه جواب شرط <إن تكذّبوا> محذوف بوده و چيزى از قبيل <فاستعدوا للعذاب> باشد; يعنى، اگر تكذيب مى كنيد، آماده عذاب باشيد!

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۳

۳ - كافران مكه ، منكر تحقق معاد بودند .

أَوَلم يروا كيف يبدئ اللّه الخلق ثمّ يعيده

آيه بعد، قرينه است بر اين كه اين آيه، در صدد اثبات تحقق معاد است. دعوت از كافران براى ژرف نگرى در قدرت خدا، نشان از انكار معاد از سوى آنان دارد.

تلاش كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۵،۶

۵ كفرپيشگان مكه در عصر بعثت ، همواره در تلاش براى بازداشتن مردم از پيوستن به راه خدا

و يصدون عن سبيل اللّه

۶ خروج كافران مكه به سوى بدر ، در راستاى تلاششان براى بازدارى مردم از راه خدا

و لاتكونوا كالذين خرجوا من ديرهم . .. و يصدون عن سبيل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران مکه ، به هنگام دعوت از مسلمانان به بازگشت

از اسلام ، به آنان اعلام کردند که در صورت مرتد شدن ، گناهان شان را برعهده خواهند گرفت .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم

امر <لنحمل> دلالت بر تعهد کافران در قبول گناه ارتداد مسلمانان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

تناقض گویی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنّکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است <قول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تنفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلّا نفورًا

توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ -

۲ توطئه گری های کافران مکه علیه پیامبر (ص) و نجات وی از آن توطئه ها با برنامه های الهی ، امری شایسته و بایسته به یاد داشتن

إذ یمکر بک الذین کفروا . .. و اللّه خیر المکرین

<إذ یمکر . .. > عطف بر <إذ أنتم قلیل ... > در آیه ۲۶ است.

۳ محبوس ساختن یا کشتن و یا تبعید پیامبر (ص) ، از جمله توطئه های کافران مکه علیه آن حضرت

لیثبتوک او یقتلوک او یخرجوک و یمکرون

جمله <و یمکرون> بیانگر این است که کافران علاوه بر تصمیم داشتن به قتل پیامبر(ص) و . .. برنامه های دیگری نیز علیه پیامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۲

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه اللّه ، جلوه عزّت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. کلمه اللّه هی العلیا و اللّه عزیز حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

تهدید کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۵ – ۲۷

۲۷– کافران مکه ، مورد تهدید خداوند به عذابی دردناك

لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا ألیمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۱ – ۲

۲ – تهدید کافران مکّه از سوی خداوند ، به وقوع حوادثی ناگوار و مرگ آفرین برای ایشان در آینده

قل تربّصوا فإنّی معکم من المتربّصین

تهمتهای کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲ – ۱۶

۱۶ اتهام سحر و افسونگری ، از حربه های تبلیغاتی کفرپیشگان مکه علیه قرآن و پیامبر (ص)

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۳

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل

از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۵

۵- کافران مکه ، پیامبر (ص) را متهم به سحر می کردند .

بل نحن قوم مسحورون

در آیه فوق، هر چند به <سحر کننده> تصریح نشده، ولی تناسب حکم و موضوع و نیز آیه های دیگری که به این موضوع تصریح کرده است، مقصود پیامبراسلام(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۵

۵- کافران دین ستیز مکه ، پیامبراسلام و مؤمنان را در باره وعده های الهی دروغگو می پنداشتند .

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جوسازی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۷

۷ - امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

جهل کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۶

۶ - جهل ، عامل رویکرد کافران مکه به خرید داستان های بی اساس بود .

و من الناس من يشترى لهو الحديث . .. بغير علم

<بغير علم> متعلق به فعل <يشترى> است.

حس گرایی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۴

۴- کافران مکه ،

بر این باور بودند که نزول هر نوع پیام آسمانی بر بشر ، باید همراه با شاهد آسمانی محسوسی باشد . *

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

درخواست کافران از پیامبر(ص) برای آوردن ملائکه جهت تصدیق نبوتش، ممکن است از این رو باشد که: آنان ارتباط بشر با خداوند را غیر ممکن می دانستند و برای قبول نبوت بشر، خواستار آوردن شاهد آسمانی بودند و ذکر نام ملائکه شاید به عنوان نمونه و یا شناخته شده بودن آنان باشد.

حق ستیزی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

حق ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، به هنگام مواجهه با حق ناپـذیری کافران مکه ، مأمور به ر ها کردن آنان به حال خود و ترک محاجه با آنها شد .

ذرهم یأکلوا و یتمتّعوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹

- حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱،۲،۴

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

۴- کافران مکه برای گریز از پذیرفتن حقایق الهی ، آنها را اموری موهوم جلوه می دادند .

لقالوا إنما سکّرت أبصرنا بل نحن قوم مسحورون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۵

۵- بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکروا و ما یزیدهم إلّا نفورًا

خواسته کافران کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۱،۲،۵

۱

کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

خواسته های کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷ – ۱،۳

۱– کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن فرشتگان برای تصدیق نبوت آن حضرت بودند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

<لو ما> مانند <هلا> و <لولا> برای تحضیض است.

۳– کافران مکه ، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق

نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۳،۴

۳- درخواست کافران مکه ، برای آوردن ملائکه توسط پیامبر (ص) ، درخواستی نابه جا و باطل بود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

جمله <ما ننزل الملائکه إلاّ بالحق> حصری و احترازی است و کنایه از این است که درخواست کفار نابه جاست.

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ

قید <إلاّبالحق> می تواند احترازی باشد; یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۲

۲- کافران حق ناپذیر مکه ، در انتظار معجزه آمدن فرشتگان و یا امر ویژه ای از جانب خداوند برای تأیید حقانیت قرآن بودند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. هل ینظرون إلاّ أن تأتیهم

برداشت فوق، مبتنی بر این احتمال است که عبارت <تأتیهم الملائکه أو یأتی أمر ربک> (ملائکه برای آنان بیاید و یا امر پروردگارت بیاید) به قرینه آیات سابق که درباره قرآن کریم بود بر

آمدن ملائکه یا امر خداوند جهت تأیید قرآن دلالت داشته باشد.

دروغگویی کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۲ – ۸،۹،۱۱

۸ – کافران مکه ، برای باز داشتن مسلمانان ، از ایمان شان به دروغ متوسل شدند .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم . .. إنّهم لکذبون

۹ – کافران مکه ، مردمی دروغگو بودند .

و قال الذین کفروا . .. إنّهم لکذبون

۱۱ – برعهده گرفتن خطا و گناه ارتداد مسلمانان ، از سوی کافران مکه ، ادعایی دروغ و خالی از واقعیت بود .

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا و لنحمل خطیکم . ..إنّهم لکذبون

دشمنی کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۹

۹ - انکار و برخورد عنادآمیز با قرآن و پیامبر (ص)

، شیوه مستمر کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

فعل <کان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار می کند.

دعای کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

رفتار ناپسند کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۲

۲ شیطان رفتار های ناشایست کافران مکه را در نظرشان زیبا جلوه داد .

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

روش برخورد کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی همسان با روش فرعونیان و کافران پیش از آنها

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

-۱

خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۱،۲،۵

۱- کافران و مشرکان مکه ، به هنگام رو به رو شدن با پیامبر (ص) ، آن حضرت را مورد تمسخر

و استهزا قرار می دادند .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلّاهزوًا

۲- تمسخر و استهزا ، تنها شیوه برخورد مشرکان و کافران مکه با شخص پیامبر (ص) بود .

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلّاهزوًا

حرف نفی <إن> و حرف استثنا <إلاّ> پس از آن که بر قصر دلالت می کند و نیز آمدن <هزواً> به صورت مصدر، همگی بیانگر استمرار و شدت در کار استهزا و تمسخر است.

۵- پیامبر (ص) ، مورد تحقیر مداوم کافران مکه قرار می گرفت .

و إذا رءاک . .. أهذا الذی یذکر ءالهتکم

همزه استفهامیه در <أهذا. ..> برای تعجب است و اسم اشاره <هذا> به قرینه استهزا در تحقیر استعمال گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶۰ - ۱۰،۱۱

۱۰ - کافران مکه ، درصدد تحقیر و خوار ساختن پیامبر (ص) بودند .

و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

دعوت از پیامبر(ص) به صبر در برابر کافران و نیز توصیه به مراقبت از خود که مبادا کافران آن حضرت را خفیف و خوار کنند، می تواند بازگو کننده وضعیّت رفتاری کافران درباره پیامبر(ص) باشد.

۱۱ - کافران مکه ، درصدد بودند تا با تبلیغات خود ، در مواضع عقیدتی پیامبر (ص) سستی ایجاد کنند .

إن أنتم إلّا مبطلون. .. و لایستخفّنّک الذین لایوقنون

برخی بر این عقیده اند که معنای <لایستخفّنّک>، <لاینفز عن دینک> (بیرون نبرند تو را از دین ات) است (لسان العرب). <و لایستخفّنّک الذین لایوقنون> می تواند بیانِ نوعِ اثری باشد که مشرکان، با <إن أنتم إلّا مبطلون> درصدد ایجاد

آن بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۹

۹ – انكار و برخورد عنادآميز با قرآن و پيامبر (ص) ، شيوه مستمر كافران مكه

كانوا بأيتنا يجحدون

فعل <كان> هرگاه بر مضارع داخل شود افاده استمرار مى كند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۱ – ۱

۱– تلاش كافران مكه ، براى تحقير مؤمنان و بى اهميت جلوه دادن ايمان آنان

و قال الذين كفروا للذين ءامنوا لو كان خيرًا ما سبقونا إليه

زمينه عجله كافران مكه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۳۸ – ۶

۶– خوى شتاب زدگى آدمى ، زمينه ساز درخواست كافران مكه براى تحقق وعده هاى الهى (عذاب ، برپايى قيامت و . . .)

خلق الإنسن من عجل . .. يقولون متى هذا الوعد إن كنتم صدقين

برداشت ياد شده مبتنى براين است كه جمله <و يقولون متى . ..> عطف بر جمله <سأُوريكم...> باشد و اين دو جمله، با جمله <خلق الإنسان من عجل> كه بيان گر خصلت عمومى انسان ها است مرتبط باشند.

زمينه عذاب كافران مكه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸ – ۸

۸- در صورت تحقق خواسته کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، آنان گرفتار عذابی مرگبار می شدند .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

یکی از احتمالاتی که برای آیه داده شده، این است که ملائکه، در صورتی که بخواهند برای کافران نازل شوند،

برایشان عذاب به ارمغان خواهند آورد; عذابی که هیچ کدام از آنان را زنده نخواهد گذاشت.

زمینه هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۵

۵- در صورت تحقق درخواست کافران برای نزول ملائکه ، تمامی آنان هلاک می شوند و مهلتی برای ایمان نخواهند داشت .

ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

انظار مصدر <منظر> به معنای تأخیر انداختن است و حصر در آیه، نشان می دهد که با آمدن ملائکه، اجل هیچ کدام از کفار به تأخیر نخواهد افتاد و به هلاکت خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۸

سرزنش کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۹ - ۱

۱ - کافران مکه ، از سوی خداوند ، به خاطر ژرف نگری نکردن درباره توانایی خدا بر خلق موجودات ، سرزنش شده اند .

أَوَلم یروا کیف یبدئ اللّه الخلق

همزه <أَوَلم یروا> استفهام توبیخی است.

سرگردانی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

سطح زندگی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۱ - ۳

۳ - سطح زندگی پیامبر (ص) و

مسلمانان ، با كافران مكه ، تفاوت قابل ملاحظه اى داشت .

و لاتمدّنّ عينيك إلى ما متّعنا به أزوجًا منهم

شك كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۸

۸ - كافران مكه ، شاهد تأثير ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از كارآيى جنجال آفرينى و تدابير خود ، در جلوگيرى از اين تأثيرگذارى

قال الذين كفروا . .. لعلّكم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردى به كار مى رود كه نتيجه آن قطعى نيست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۴ - ۱

۱ - ترديد و شك كافران مكه ، نسبت به برپايى قيامت

ألا إنّهم فى مريه من لقاء ربّهم

شكايت از كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۰ - ۱

۱ شكوه پيامبر (ص) به پيشگاه خداوند از مردم عصر خويش (كافران شهر مكّه) ، به خاطر متروك و مهجور ساختن قرآن كريم

و قال الرسول يربّ إنّ قومى اتّخذوا هذا القرءان مهجورًا

در اين كه شكوائيه پيامبر(ص) در اين دنيا است و يا در آخرت؟ دو نظريه ميان مفسران وجود دارد. برداشت ياد شده مبتنى بر ديدگاه اول است كه مطابق نظر بيشتر مفسران مى باشد. گفتنى است واژه <مهجور> به معناى متروك ورها شده است.

شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأُوريكم ءايتى

برداشت یاد شده مبتنی

براین است که مراد از <آیات> شکست کفار مکه و عذاب دنیوی آنان باشد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

شگفتی تکذیبگری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۶

۶ - اصرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکّه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است; زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

شیطان و کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۸

۸ تجسم شیطان برای کافران مکه ، قبل از جنگ بدر

و إذ زین لهم الشیطن أعملهم

صفات کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۲

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

ضیق صدر کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء

- ۲۱ - ۳۶ - ۱۱

طغیان کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۷

۷ - لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

ظلم کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ فرعونیان ، امت های پیش از آنان و کفرپیشگان مکه ، از زمره ظالمان

و کل کانوا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۹،۱۵

۹ گروهی از مسلمانان صدر اسلام ، تحت سیطره ستم کافران مکه

و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل اللّه و المستضعفین . .. یقولون ربّنا اخرجنا من هذه ا

بسیاری از مفسران برآننـد که آیه مورد بحث درباره مسـلمانانی است که تا قبل از فتح مکّه در آنجا بودند و از مهاجرت آنان جلوگیری می شد.

۱۵ مسلمانان مستضعف صدر اسلام ، خواستار فرمانده و نیروی انسانی از جانب خداوند برای رهایی از ستم کفرپیشگان مکّه

و اجعل لنا من لدنک ولیّاً و اجعل لنا من لدنک نصیراً

عبادت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۲،۳

۲ سوت کشـیدن و کف زدن در اطراف کعبه به عنوان عبادت و نیایش از سوی کافران مکه ، دلیل عـدم شایسـتگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام

إن أولیاؤه إلا المتقون . ..

مکاء و تصدیه

جمله <ما کان صلاتهم . .. > می توانـد بیان مصـداقی برای بی تقوایی متولیان کفرپیشه مسـجدالحرام باشد و در نتیجه دلیلی برای عدم شایستگی آنان برای ولایت بر مسجدالحرام.

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

عجز کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

از این که کافران و مشـرکان، به گونه ای مسـتمر به اسـتهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

عذاب دنیوی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۴

۴- کافران مکه ، در آستانه شکست و عذاب دنیوی قرار گرفته بودند .

سأُوریکم ءایتی

برداشت یـاد شـده مبتنی براین است که مراد از <آیـات> شـکست کفـار مکه و عـذاب دنیوی آنان باشـد. گفتنی است مکی بودن این آیات، مؤید برداشت یاد شده است.

عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۵ -

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السویّ و من اهتدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۷ – ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (. ..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

عقیده کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۵،۶

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء

علاقه به هدایت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۶ – ۶

۶ – علاقه شدید برخی از مسلمانان عصر بعثت ، به ارشاد کافران سرشناس مکه و مسلمان ساختن آنان

فأنت له تصدّی

براساس شأن نزول این آیات، افراد معروفی از قریش (نظیر ابوجهل) در مجلسی که ابن ام مکتوم وارد شد، حضور داشتند و تعبیر <من استغنی> در مورد آنان نازل شده است.

عوامل مصونیت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۴

۲۴- حضور مؤمنان در محیط زندگی کافران مکه ،

باعث نجات موقت کفّار از عذاب الهی

لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم

فلسفه ردّ خواسته های کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

فلسفه مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴ - ۳

۳- هشدار خداوند به کافران هدایت ناپذیر مکه ، مبنی بر اینکه مهلت دادن به آنان به معنای تداوم بخشیدن به زندگیشان نیست ; بلکه همواره در معرض هلاکتند .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم ... فسوف یعلمون. و ما أهلکنا من قریه

ذکر این آیه، پس از تهدید <فسوف یعلمون> احتمالاً برای دفع اشکال مقدر می باشد و آن اشکال این است که: کفار پس از مهلت یافتن با امر <ذرهم یأکلوا . ..> چنین نپندارند که زندگیشان ادامه دارد.

کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۶

۱۶ اقدام برخی از مسلمین (عبداللّه بن جحش و همراهان او) به جنگ با کفارِ مکه در ماه حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

در شأن نزول آیه آمده که عبداللّه بن جحش و همراهان او در ماه رجب به گروهی از کفار که دارای مال التجاره بودند،

حمله بردند و آنان را کشته و

یا اسیر کردند. (مجمع البیان و دیگر تفاسیر.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۷

۲۷ حاکمیّت و تسلّط کافران بر سرزمین مکّه و مسلمانان آن دیار ، در صدر اسلام

فالّذین . .. اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی ... و قتلوا

کافران مکه در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۶

۶ خروج کافران مکه به سوی بدر ، در راستای تلاششان برای بازداری مردم از راه خدا

و لاتکونوا کالذین خرجوا من دیرهم . .. و یصدون عن سبیل اللّه

کافران مکه در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگان مکه در قیامت گردآوری و به سوی جهنم رانده خواهند شد .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کافران مکه و آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۱

۱ روش کافران مکه در برخورد با آیات الهی ، همانند روش فرعونیان و کافران پیش از آنان

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم

<دأب> به معنای عادت و روش است. و چون آیه به

دنبال قضایای جنگ بدر آمده، معلوم می شود مشبه کافران مکه هستند و تقدیر جمله چنین است: داب هؤلاء الکفره کدأب ءال فرعون. قابل ذکر است مراد از ضمیر در <قبلهم> آل فرعون هستند.

کافران مکه و اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۷

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

کافران مکه و حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۸

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

کافران مکه و خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۶

۶ کافران مکه معتقد به خدا و معتقد به تأثیر او در جهان هستی

و إذ قالوا اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندک فأمطر علینا حجاره من السماء

کافران مکه و دعا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۵

۵ کافران مکه معتقد به تأثیر دعا به درگاه خدا برای تحقق بخشی به درخواست های آنان

اللّهم إن کان هذا هو الحق من عندك فأمطر علینا حجاره

کافران مکه و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۱۸

۱ کافران مکه در

پی نزول قرآن به عنوان معجزه، بدون درنگ به تکذیب آن پرداختند.

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم

جمله ظرفیه <لمّا جاءهم> به این نکته اشاره دارد که تکذیب کافران به مجرد آمدن حق صورت گرفته است.

۸ تمسخر حق (قرآن) و آیات الهی، شیوه کافران مکه بوده است.

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مفاد جمله <کانوا به یستهزءون> ماضی استمراری است و بیانگر تداوم استهزا از سوی کافران عصر نزول این سوره است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱،۲،۴

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

۲ کافران مکه مدعی توان خویش در آوردن آیات و معارفی چون قرآن

قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا مثل هذا

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می توانـد به این معنا باشـد که این اسـطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می توانـد به این معنا باشد که اینها اسـطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۱،۲،۴

۱ کافران مکه از خداوند خواستند چنانچه قرآن حقیقتی از جانب اوست ، آنان را سنگباران کند و یا عذاب

دردناک دیگری بر آنان فروفرستد .

و إذ قالوا . .. فأمطر علینا حجاره

۲ نابحق جلوه دادن قرآن با درخواست عذاب از درگاه خدا ، از حیله های کافران مکه در مبارزه با قرآن و رسالت پیامبر (ص)

و یمکرون . .. و إذ قالوا اللّهم ... فأمطر علینا حجاره من السماء

برخی در توجیه عذاب خواهی کافران (فامطر علینا . ..) چنین گفته اند که آنان برای فریب دیگران و یا اقناع خویش این نفرین را در حق خود روا داشتند تا با اجابت نشدن آن، خویشتن را در انکار قرآن و حقانیت رسالت پیامبر(ص) محق بشمارند. آیه قبل که سخن از مکر کافران داشت، می تواند تأییدی برای این نظریه باشد.

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶ – ۲

۲– < ذکر بودن قرآن > ، وصفی که کافران مکه با آن آشنا بودند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۲

۲– خداوند آیات قرآن را ، علی رغم تصمیم کافران مکه بر ایمان نیاوردن ، در قلب آنان رسوخ داد .

کذلك نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <لایؤمنون به> جمله حالیه برای <المجرمین> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۱ – ۵،۹

۵– بهره کفرپیشگان مکه از آیه های بیدارگر قرآن ، تنها تنفر و فرار از آنها بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

۹– برخورد کافران و مشرکان مکه با قرآن ، اساس علمی و عقلانی نداشت ; بلکه برخاسته از انگیزه های نفسانی روانی آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداوند، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشرکان، نفرت آنان معرفی می کند و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۸

۸ – کافران مکه ، شاهد تأثیر ژرف قرآن بر قلب ها و نامطمئن از کارآیی جنجال آفرینی و تدابیر خود ، در جلوگیری از این

تأثیرگذاری

قال الذین کفروا .

.. لعلّكم تغلبون

واژه <لعلّ> در موردی به کار می رود که نتیجه آن قطعی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۶

۶ - آشکار بودن حقانیت قرآن ، برای کافران مکه

کانوا بأیتنا یجحدون

واژه <جحد> در مواردی به کار می رود که حقانیت چیزی معلوم باشد و در عین حال مورد انکار قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۷

۷ - مخالفت مستمر کافران مکه ، نسبت به آیات قرآن

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

برداشت یاد شده با توجه به معنای <لمّا> است که در مورد استمرار زمان به کار می رود.

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

کافران مکه و گناه ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۲ – ۶

۶ – کافران مکه ، به رغم اعلام صریح ، هرگز اندکی از گناه ارتداد مسلمانان را ، برعهده نمی گرفتند .

و قال الذین کفروا . .. و لنحمل خطیکم و ما هم بحملین من خطیهم من شیء

در <و

مـا هم بحـاملين. ..> دو احتمـال وجود دارد: يكى، به قرينه اعلام دروغ بودن ادعاى برعهـده گيرى گناه ارتـداد، اين است كه آنان، حاضر به قبول گناه نيستند. ديگر اين كه چنين امرى، شدنى نيست. برداشت بالا، بنابراحتمال نخست است.

كافران مكه و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۰ - ۳،۵

۳ محبوس ساختن يا كشتن و يا تبعيد پيامبر (ص) ، از جمله توطئه هاى كافران مكه عليه آن حضرت

ليثبتوك او يقتلوك او يخرجوك و يمكرون

جمله <و يمكرون> بيـانگر اين است كه كـافران علاوه بر تصـميم داشـتن به قتل پيامبر(ص) و . .. برنامه هاى ديگرى نيز عليه پيامبر(ص) در نظر داشته اند. لذا در برداشت فوق از آن به <از جمله> تعبير شده است.

۵ شكست كافران مكه در توطئه عليه پيامبر (ص) ، عبرتى براى همه خائنان به خدا و رسول

لاتخونوا اللّه و الرسول . .. و يمكرون و يمكر اللّه

يادآورى شكست توطئه هاى كافران مكه پس از اشاره به خيانت برخى از مسلمانان براى تفهيم اين حقيقت است كه خائنان به خدا و رسول، هر چند اظهار اسلام كنند، همان گونه كه كافران موفق نشدند، آنان نيز موفق نمى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۲ - ۴

۴ كافران مكه مردمانى لجوج و داراى عنادى خاص در برابر رسالت پيامبر (ص) و حقانيت قرآن

فأمطر علينا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹

- ۴۰ - ۳،۵

۳ خروج پیامبر (ص) از مکه و اقدام آن حضرت به هجرت ، امری ناخواسته و تحت فشار کافران بود .

إذ أخرجه الذین کفروا

بدیهی است که خروج پیامبر (ص) از مکه، به اراده خود آن حضرت صورت گرفت ولی از آن جهت که تحت فشار و جوّ ارعاب بود، خداوند اخراج را به کافران نسبت داده است.

۵ موفقیت پیامبر (ص) در خروج از مکه و خلاصی از توطئه کافران ، مرهون نصرت خاص خداوند بود .

نصره اللّه إذ أخرجه الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۱،۳

۱- خطاب استهزاگرانه و بی ادبانه کافران مکه به پیامبر (ص) به هنگام سخن گفتن با آن حضرت

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

از اینکه کفار، در مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) به جای خطاب مستقیم با اسم و عنوان، با عنوان موصول و غایب آن حضرت را صدا می زدند و نیز از اینکه به او نسبتی می دادند که خود آن را قبول نداشتند، حاکی از نکته فوق است.

۳- کافران مکه ، پیامبر (ص) را به خاطر ادعای نزول وحی بر خود ، فردی مجنون و دیوانه می دانستند .

و قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

شواهد تاریخی گواهند که قبل از ادعای نبوت پیامبر(ص) آنان چنین تهمتی را به آن حضرت نسبت نمی دادند، پس این تهمت به خاطر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۳

۳- کافران مکه

، از پیامبر (ص) خواستار آوردن ملائکه به عنوان معجزه بودند .

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

آوردن ملائکه توسط پیامبر(ص) که مورد درخواست کفار بود احتمال دارد برای تصدیق نبوت پیامبر(ص) باشد و احتمال دارد معجزه درخواستی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۴

۴- درخواست نزول ملائکه ، جهت اثبات حقانیت ادعای پیامبر (ص) از سوی کافران مکه ، بهانه ای بیش نبود .

لو ما تأتینا بالملئکه . .. ما ننزّل الملئکه إلّا بالحقّ

قید <إلّابالحق> می تواند احترازی باشد؛ یعنی، نزول فرشتگان تنها در صورت وجود مصلحت و حکمت تحقق پذیر است، در حالی که در تقاضای کفار چنین مصلحتی نیست. مضافاً به اینکه <إذاً منظرین> نیز دلالت می کند بر اینکه آنان، حتی پس از آمدن ملائکه هم حقانیت پیامبر(ص) را نمی پذیرفتند.

کافران مکه و معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

کافران مکه و ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷ - ۵،۶

۵- ملائکه ، به عنوان موجودات آسمانی شناخته شده برای کافران مکه

قالوا . ..

لو ما تأتینا بالملئکه إن کنت من الصدقین

۶- کافران و مشرکان مکه ، ملائکه را موجوداتی قابل احساس برای همگان می دانستند .

قالوا . .. لو ما تأتینا بالملئکه

از تعبیر <لو ما تأتینابالملئکه> (چرا فرشته ای نمی آوری؟) استفاده می شود که آنان، فرشتگان را موجوداتی محسوس و قابل رؤیت می دانستند.

کافران مکه و نبوت بشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۵

۵- نزول وحی از جانب خداوند بر بشر ، امری غیر قابل قبول و به دور از عقل و خرد و در حد دیوانگی در بینش کافران مکه

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر إنک لمجنون

کافران مکه و وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶ - ۴

۴- کافران مکه ، نزول وحی بر پیامبر (ص) را ، ادعایی بیش نمی دانستند .

قالوا یأیها الذی نزّل علیه الذّکر

ذکر نکردن منشأ نزول ذکر و مجهول آوردن فعل <نُزِّل> و نیز با استهزا بیان کردن آن، می تواند به منظور یاد شده باشد.

کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

- ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

گناه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۲

۲ - تلاش کافران مکه برای مرتد ساختن مسلمانان ، گناه سنگینی است .

و قال الذین کفروا . .. اتّبعوا سبیلنا ... و لیحملنّ أثقالهم

لجاجت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۲

۲ حق ناپذیری و

عناد و لجاجت شدید کافران مکه در عصر بعثت، در برابر وحی و معجزات الهی

و لو نزلنا علیک کتبا . .. إن هذا إلا سحر مبین

سوره انعام در مکه نازل شده است و بنابراین طبیعی است که ناظر به مردم آن سامان، خصوصاً مشرکان مکه، باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۲ – ۴

۴ کافران مکه مردمانی لجوج و دارای عنادی خاص در برابر رسالت پیامبر (ص) و حقانیت قرآن

فأمطر علینا حجاره من السماء أو ائتنا بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۱

۱– کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۱

۱– اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱،۲

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا عليهم بابًا من السّماء فظلّوا فيه يعرجون . لقالوا

إنما سكّرت أبصرنا

<سكر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

۲- کافران مکه ، مردمی حق ناپذیر و لجاجت پیشه در برابر آیات الهی

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سكّرت أبصرنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۷

۷ – لجاجت و تعصب کورکورانه اشراف کافر مکه و تحیر و سرگردانی آنها در طغیان و سرکشی ، علی رغم مشاهده لطف و رحمت الهی در حق ایشان

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۱

۱ – کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشینِ آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۹ – ۶

۶ – اصرار کافران مکّه بر تکذیب تهدید های الهی ، با وجود آگاهی آنان از هلاکت فرعونیان و ثمودیان ، شگفت آورتر از کفرورزی پیشینیان است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

اضراب که از حرف <بل> استفاده می شود ممکن است نظر به این داشته باشد که تکذیب گری مردم مکّه در قیاس با کفر پیشینیان اعجاب آورتر است؛ زیرا به رغم دیدن سرنوشت آنها، تهدید را دروغ شمردند.

مبارزه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۶ – ۳

۳- ناتوانی و درماندگی کافران و مشرکان مکه ، در مبارزه با اسلام و منطق پیامبر (ص)

و إذا رءاک الذین کفروا إن یتّخذونک إلاّهزوًا

از این که کافران و مشرکان، به گونه ای مستمر به استهزای پیامبر(ص) می پرداختند، برمی آید که آنان در توسل به منطق و دلیل و برهان ناتوان بودند و هیچ راهی جز این نداشتند.

محرومیت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۵

۵ – ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا کافران مکه را از روزی های خویش بهره مند نسازد .

و ارزق . .. من ءامن منهم باللّه و الیوم الأخر

<من ءامن> به عنوان بدل برای <أهله> بیانگر مقصود ابراهیم(ع) از کلمه <أهله> است. آن حضرت با آوردن <من ءامن> اشاره به این معنا دارد که: خواهان اعطای ثمرات به کافران مکه نیست.

مشکلات کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۴

۴ – ابتلای کافران مکه به گرفتاری و سختی ، از رخداد های دوران پیش از هجرت

و لو رحمنهم و کشفنا ما بهم من ضرّ

مصایب کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۱

۱۱ کفرپیشگان مکه و حوالی آن در عصر بعثت به مصیبتهایی سخت و کوبنده گرفتار بودند .

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

<قرع> به معنای زدن و کوبیدن چیزی به چیزی دیگر است

و <قارعه> به معنای کوبنده می باشد. این کلمه صفت برای موصوفی محذوف مانند <مصیبه> است. ضمیر در <تحلّ> نیز به <قارعه> باز می گردد و سیاق جمله <لایزال ...> حکایت از قضیه خارجیه دارد. بنابراین <الذین کفروا> اشاره به کافرانی خاص دارد که بنابر گفته مفسران، مقصود کافران مکّه هستند و بر این اساس مراد از <دار> مکّه و مقصود از <قریبًا من دارهم> حوالی آن است.

مکر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۱ - ۱

۱ تمسک کافران مکه به حیله برای مقابله با آنان

و یمکرون . .. و إذا تتلی علیهم ءایتنا قالوا قد سمعنا لو نشاء لقلنا

جمله <إذا تتلی . .. > می تواند بیان مصداقی از <یمکرون> در آیه قبل باشد.

موانع عذاب کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳۰

۳۰- وجود مؤمنانی در نسل و صلب کافران مکه ، مانع نزول عذاب الهی بر آنان *

لولا رجال مؤمنون . .. لم تعلموهم ... لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم عذابًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از مردان و زنان مؤمن در آیه شریفه، فرزندانی باشند که از کافران مکه تولد خواهند یافت و به ایمان خواهند گروید. آنچه مؤید این احتمال است، تعبیر <لم تعلموهم> و نیز <لو تزیّلوا> می باشد; زیرا <لو>ی امتناعیه، تفکیک ناپذیری نسل مؤمن از کافران عصر بعثت را می رساند.

موقعیت اجتماعی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ -

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتربودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

موقعیت اقتصادی کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۳ - ۴

۴- در آغاز بعثت ، کافران مکه از وضعیت اقتصادی و اجتماعی بهتری نسبت به مسلمانان برخوردار بودند .

أیّ الفریقین خیر مقامًا و أحسن ندیًّا

<مقام> اسم مکان و مشتق شده از قیام است که در معنای مجازی موقعیت اجتماعی به کار رفته است و <خیر مقاماً> کنایه از بهتر بودن وضعیت اقتصادی می باشد. <ندی> به معنای جلیس و مجلس است (مفردات راغب). افتخار کافران به بهتر بودن مجلس و هم نشینان خویش، کنایه از بهتربودن وضعیت سیاسی و نظام اجتماعی آنان است.

مهلت به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸ - ۶

۶- فلسفه عدم تحقق درخواست کافران مکه ، مبنی بر نزول ملائکه ، مهلت دادن به آنان و جلو نینداختن اجلشان است .

ما تسبق من أمه أجلها . .. ما ننزّل الملئکه إلاّ بالحقّ و ما کانوا إذًا منظرین

نجات از توطئه کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ اعتماد و اطمینان پیامبر (ص) به نصرت الهی نسبت به او و فرد همراهش (ابوبکر) در خلاصی از توطئه کافران مکه

لاتحزن إن اللّه معنا

وعده شکست کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده هلاکت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

هدایت کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۶ - ۵

۵ - عثمان بن عفان ، از حاضران مجلس پیامبر (ص) در ماجرای ابن ام مکتوم و ارشاد کننده کافران مکه در عصر بعثت *

أمّا من استغنی . فأنت له تصدّی

در شأن نزول آیه شریفه از تفسیر قمی نقل شده که فرد مورد نظر از ضمیر خطاب در <أنت له تصدّی>، عثمان بوده است. او در صدد مسلمان ساختن حاضران مجلس که از چهره های برجسته قریش بودند برآمده بود.

هدایت ناپذیری کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۶ - ۶

۶ - عدم تنبه کافران مکه ، از بلا های هشدار دهنده الهی (مثل قحطی و خشکسالی)

و لقد أخذنهم بالعذاب فما استکانوا لربّهم و ما یتضرّعون

هشدار به کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- کافران مکه به عذاب و نابودی قریب الوقوع تهدید شدند .

سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

مقصود از <آیاتی> به قرینه آیات بعد (. ..بل تأتیهم بغته...) عذاب و هلاکت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، درباره تلاش شان برای اغوای مسلمانان

و قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لقد أرسلنا نوحًا إلی قومه ...

بیان قصه طوفان نوح(ع) پس از ذکر برخوردهای کافران مکه با مسلمانان، احتمال دارد برای هشدار به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۸ - ۵

۵ - هشدار خداوند ، به کافران مکه ، به جهت تکذیب کردن پیامبر (ص)

و إن تکذّبوا فقد کذّب أمم من قبلکم

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که جواب شرط <إن تکذّبوا> محذوف بوده و چیزی از قبیل <فاستعدوا للعذاب> باشد;

یعنی، اگر تکذیب می کنید، آماده عذاب باشید!

هلاکت کافران مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۵ – ۱

۱- کافران مکه با انکار آیات الهی پس از اتمام حجت بر ایشان مستحق نابودی و عذاب بودند

.

و لو أنّا أهلكنهم . .. فستعلمون من أصحب الصرط السوىّ و من اهتدى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۳۷ - ۵

۵- كافران مكه به عذاب و نابودی قريب الوقوع تهديد شدند .

سأُوريكم ءايتى فلاتستعجلون

مقصود از <آياتى> به قرينه آيات بعد (. ..بل تأتيهم بغته...) عذاب و هلاكت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۲

۲ - تهديد كافران مكّه از سوى خداوند ، به وقوع حوادثى ناگوار و مرگ آفرين براى ايشان در آينده

قل تربّصوا فإنّى معكم من المتربّصين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۶

۱۶ شكست و نابودى كفرپيشگان مكه و حوالى آن ، از پيشگويى هاى قرآن

لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه . .. حتى يأتى وعد الله

هواپرستى كافران مكه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۱ - ۹

۹- برخورد كافران و مشركان مكه با قرآن ، اساس علمى و عقلانى نداشت ; بلكه برخاسته از انگيزه هاى نفسانى روانى آنان بود .

و لقد صرّفنا فی هذا القرءان لیذّکّروا و ما یزیدهم إلاّ نفورًا

خداونـد، حاصل تبیین تنوع و گوناگونی آیات خویش را برای مشـرکان، نفرت آنان معرفی می کنـد و این، نشان می دهد که آنان، به جای برخورد منطقی با آیات الهی، برخورد روانی نفسانی داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۶ - ۱۰

۱۰- برخورد منکرانه کافران و مشرکان مکه با

قرآن ، برخاسته از منطق و عقل نبود ; بلكه انگيزه نفسانی روانی داشت .

و إذا ذكرت ربّك فی القرءان وحده ولّوا علی أدبرهم نفورًا

<نفرت> از مقولات نفسانی - روانی است. بنابراين موضع نفرت آلود مشركان با قرآن، برخاسته از انگيزه های نفسانی - روانی آنان بود.

كتابت از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

كتابت

ابزار كتابت در دوران سليمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۸ - ۹

۹ - ظرافت ابزار مورد استفاده برای كتابت (كاغذ ، پوست و . . .) در عهد سليمان (ع)

اذهب بكتبی هذا فألقه إليهم

از آن جا كه پيكی چون هدهد تنها می تواند حامل اشيايی سبک و كوچك باشد، مطلب ياد شده را می توان استفاده كرد.

احكام كتابت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۷،۵۰

۴۷ لزوم جبران خسارتهايی كه بر كاتب و شاهد ، از ناحيه كتابت و شهادت به وجود می آيد .

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد

بنابراينكه <لا يضار> مجهول باشد، مقصود از ضرر، خسارتهای ناشی از شهادت و كتابت است يعنی نبايد كاتب و شاهد در اين ميان متحمّل ضرر و زيانی شوند كه لازمه آن جبران خسارتهای ايشان است. مثل بيكاری، كرايه رفت و آمد و ... .

۵۰ جبران نكردن خسارتهايی كه بر كاتب و شاهد از ناحيه كتابت و شهادت وارد می شود ، موجب فسق و انحراف از حق

و لا يضارّ كاتب و لا شهيد و ان تفعلوا فانّه فسوق بكم

بر مبنای مجهول بودن <لا یضارّ>، مقصود از <ضرر>، ضررهای ناشی از

<کتابت> است. یعنی اگر ضرری متوجه کاتب و شاهد گردید و خسارتهای ایشان را جبران ننمودید، از حق منحرف شده اید و فاسق گشته اید.

انسان ها و نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۱

۱ - واکنش بیشتر انسان ها در برابر نعمت دانش و هنر نویسندگی ، واکنشی نامناسب و به دور از انتظار است .

کلّا

حرف <کلّا>، برای باز داشتن از رویه ای است که یا در جملات پیش از آن، تشریح یا اشاره شده باشد و یا از سیاق آیات به دست آید و در آیه به قرینه <لیطغی> ناظر به حالتی است که نوع انسان ها در برابر نعمت علم و قلم به خود می گیرند. تعبیر <الإنسان که برای جنس به کار رفته ناظر به غالب افراد آن است که از آن به عموم عرفی تعبیر می شود.

اهتمام اسلام به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - نویسندگی هنری مطلوب و مورد ترغیب از آغاز ظهور اسلام

الذی علّم بالقلم

نزول این آیات در نخستین ساعات بعثت، گویای برداشت یاد شده است.

اهمیت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۴۶

۴۶ لزوم حفظ و مصونیّت نویسنده و گواهان بر مبادلات از زیان

و لا یضارّ کاتب و لا شهید

بنابراینکه <لا یضار> مجهول باشد و <کاتب> و <شهید> نایب فاعل.

تاریخ کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء -

۴ - ۱۰۵ - ۵

۵ قرآن به صورت کتاب در عصر پیامبر (ص)

إنّا انزلنا إلیك الكتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن، حاکی از این است که قرآن به صورت کتاب و نوشته بر پیامبر(ص) نازل می شد و یا در آن عصر آن را می نوشتند و به صورت کتاب در می آوردند; و گرنه اطلاق کتاب بر آن صحیح نبود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۹ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

کتب أنزلنه إلیك

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. در هر دو فرض، می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

تشویق به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۴۸

۴ - تشویق خداوند ، به نویسندگی و نوشتن مطالب

و القلم و ما یسطرون

مطلب یاد شده، از سوگند خداوند به دست می آید.

۸ - مبارزه با بی سوادی و ترغیب به دانش آموزی و نوشتن و خواندن ، دارای اولویت نخست در برنامه هدایتی و تربیتی جامعه اسلامی

و القلم و ما یسطرون

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که این آیه، در دوره نخستین بعثت در مکه نازل شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۴ – ۱۰

۱۰

- نویسندگی هنری مطلوب و مورد ترغیب از آغاز ظهور اسلام

الذی علّم بالقلم

نزول این آیات در نخستین ساعات بعثت، گویای برداشت یاد شده است.

دانش کتابت در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۸ - ۲

۲ - خواندن و نوشتن ، در صدراسلام ، وجود داشته است .

و ما کنت تتلوا من قبله من کتب و لاتخطّه بیمینک

سوگند به کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱ - ۲

۲ - سوگند خداوند ، به قلم زدن و نویسندگی

و ما یسطرون

<ما> در <ما یسطرون> یا مصدریه (یعنی <و سطرهم>) و یا موصوله (یعنی <الذی یسطرونه>) است. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

عدالت در کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۵

۵ عدالت در نویسندگی ، شرط گزینش نویسنده برای ثبت اسناد دین و مطالبات

و لیکتب بینکم کاتب بالعدل

بنابراینکه کلمه <بالعدل> قیدی برای نویسنده سند باشد.

کتابت با دست راست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۸ – ۳

۳ – کتابت و نگارش با دست راست ، طبیعت اولی انسان ها است .

و لاتخطّه بیمینک

قید <بیمینك>، تأکیدی است و حاکی از شکل رایج نوشتن در میان مردم است.

کتابت بدهی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۲ – ۳۵

۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین

اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده

کتابت حقوق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۳۵

۳۵ ثبت دیون و مدّت آن و ثبت حقوق کم باشد و یا زیاد ، از عادلانه ترین اعمال نزد خداوند و استوارترین و مددکارترین چیز برای اقامه شهادت

ذلکم اقسط عند اللّه و اقوم للشّهاده

کتابت در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ - وجود کتاب و صنعت کتابت در عصر بعثت

یکتبون الکتب بأیدیهم

کتابت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۲

۲ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

ذلک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید و یا به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) نازل می شده است. احتمال اول و دوم گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۴،۷

۴ نزول قرآن به صورت مکتوب بر پیامبر (ص) *

نزّل علیک الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا بایـد به این اعتبار باشـد که نزولش به صورت نوشـته بوده و یا در آن عصـر به صورت کتاب و نوشته

درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال اوّل استفاده شده است.

۷ کتابت قرآن در عصر نزول توسّط کُتّاب وحی *

نزّل علیك الکتاب

اطلاق <الکتاب> بر قرآن، یا بایـد به این اعتبار باشـد که نزولش به صورت نوشـته بوده و یا در آن عصـر به صورت کتاب و نوشته درمی آمده است، برداشت فوق بر اساس احتمال دوم استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر نزول *

هو الّذی انزل علیك الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۷

۷ قرآن پس از نزول و در عصر پیامبر (ص) ، به نگارش یافته بر اوراق و تدوین شده به شکل کتاب

و ما یتلی علیکم فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۵

۵ قرآن در عصر پیامبر (ص) نوشته شده بر سطوح و تدوین یافته به صورت کتاب

یأیها الذین ءامنوا باللّه و رسوله و الکتب الذی نزل علی رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۴

۴ قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر (ص)

و انزلنا إليك الكتب

اطلاق <کتاب> (نوشته) بر قرآن حاکی از آن است که در زمان رسول خدا(ص) به صورت مکتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۶

۶ کتابت

قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

کتب أُحکمت ءایته

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یا بدان جهت است که آیه های آن ، پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید ، به صورت کتاب درآید. در هر دو صورت ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱ - ۴

۴ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب

اطلاق <کتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن یا بدان جهت است که آیات آن پس از نزول نوشته می شد و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب و نوشته درآید. به هر تقدیر ، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱ - ۵

۵ - نوشته شدن قرآن توسط کاتبان وحی در پی نزول هر آیه یا هر سوره آن

تلک ءایت القرءان و کتاب مبین

<کتاب>، مصدر به معنای مفعول (مکتوب) است. <کتاب مبین>; یعنی، نوشته ای روشن. بنابراین اطلاق <کتاب> بر قرآن می تواند از آن جهت باشد که پس از نزول، نوشته می شد و یا توصیه ای است بر این که باید نوشته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۴

۴ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و ما کنت ترجوا أن یلقی إلیک الکتب

اطلاق کتاب (نوشته

و نگارش یافته) بر قرآن، یا بـدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشـته می شـده است و یا توصـیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۳

۳ - کتابت و تدوین آیات قرآن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

اطلاق کتابت (نوشته و نگارش) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است. و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبر اسلام (ص)

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشـته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشـته می شده و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هردو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۴

۴ - کتابت آیات قرآن و تدوین آن ، پس از نزول آن بر پیامبر (ص)

اللّه نزّل أحسن الحدیث کتبًا

اطلاـق کتاب (نوشـته و نگارش یافته) بر قرآن یا بـدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشـته می شـد و یا توصـیه ای است از جانب خداوند که

باید به صورت نوشته در آید. هر دو احتمال گویای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۲

۲ - کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص)

إنّا أنزلنا علیك الکتب

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته درآید. هر دو فرض می تواند گویای برداشت بالا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۲

۲ -کتابت و تدوین قرآن ، پس از نزول آن در حیات پیامبراسلام (ص) انجام گرفت .

تنزیل الکتب من اللّه

اطلاق کتاب (نوشته و نگارش یافته) به قرآن، یا بدان جهت بوده که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده است و یا توصیه ای است از جانب خداوند که باید به صورت نوشته در آید. هر دو فرض، می تواند گویای برداشت یادشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲ - ۸

۸ انجام کتابت و جمع آوری قرآن ، در عهد پیامبراکرم (ص) *

و الکتب المبین

آن باشد که قرآن در زمان رسول خدا(ص)، به صورت مکتوب و مدوّن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲ - ۳

۳ - قرآن ، به صورت مکتوب و جمع آوری شده در عهد پیامبر

(ص)

تنزيل الكتب

اطلاق كتاب (نوشته) بر قرآن، مى تواند حاكى از آن باشد كه قرآن در زمان رسول خدا(ص) به صورت مكتوب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲ - ۳

۳- قرآن ، داراى عنوان < كتاب > و به صورت تدوين شده در عصر بعثت

تنزيل الكتب من اللّه

قرآن، خود عنوان كتاب را بر آيات نازل شده منطبق ساخته است. از اين نكته و با توجه به مكّى بودن آيات، استفاده مى شود كه آيات قرآن، از آغاز نزول داراى عنوان كتاب بوده و مدوّن و مكتوب مى شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۳ - ۱،۳،۴

۱ - معارف قرآن ، نوشته هايى ثبت شده در ورقه هايى متعدد

فى صحف

عبارت <فى صحف> با <إنّها تذكره> ارتباط دارد; يعنى، آن تذكره در صحيفه هايى متعدد است. <صحيفه> (مفرد <صحف>); يعنى، هر چه در آن چيزى نوشته شود.(مفردات راغب)

۳ - لزوم گرامى داشتن و ارج نهادن به ورق قرآن و آيات مكتوب آن

فى صحف مكرّمه

توصيف صفحات قرآن به <مكرّمه>، گرچه خبر از حقيقتى خارجى مى دهد; ولى متضمن توصيه شدن مسلمانان به حفظ احترام قرآن نيز هست.

۴ - قرآن ، پيش از نزول در صفحه هايى متعدد مكتوب بوده است .

فى صحف مكرّمه

توصیف قرآن به <فی صحف> با توجه به نزول سوره <عبس> در مکه یا پیشگویی از نوشته شدن آن در آینده است و یا از نوشته بودن آن پیش از نزول کامل خبر می دهد. در صورت دوّم، مراد این

است که ملائکه قرآن را از لوح محفوظ برگرفته و به صورت نوشته هایی در صفحات متعدد، آن را به مراحل بعدی نازل می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۵ - ۲

۲ - نوشتن قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، رسالت الهی بر عهده سفیران متعدد

بأیدی سفره

<سفره> یا به معنای نویسندگان است و یا رسولان. در کتب لغت درباره این کلمه چنین آمده است: <سفر> [در تمام مشتقاتش] بر مکشوف و آشکار شدن دلالت دارد و <سَفْر>; یعنی، کتابت و <سفره>; یعنی، نویسندگان; آنها را از آن جهت به این نام نامیدند که کتابت، آشکار سازنده چیزی است که مورد نیاز از نوشته است (مقاییس اللغه). کلمه <سفیر> بر رسول نیز اطلاق می شود; زیرا او مأموریت خود را آشکار می سازد (تاج العروس). جمع <سفیر>، گرچه <سفراء> است; ولی از آنجا که در لسان العرب، کلمه <سفره> بر فرشتگانی که بین خدا و پیامبران او سفارت (رسالت) دارند، اطلاق شده است، می توان گفت: <سفره>، به معنای <سفراء> نیز استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۲ - ۱

۱ - قرآن ، بر صفحه لوحی نوشته شده که حقیقت آن ناشناخته است .

فی لوح

<لوح>، به تخته یا چیز دیگری گفته می شود که بر روی آن بنویسند (مفردات راغب). نکره آمدن <لوح>، ممکن است به منظور بیان ناشناخته ماندن آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۱۱

۱۱ - نزول قرآن

به صورت قابل نوشتن ، وعده خداوند به پیامبر (ص) در لحظات آغازین بعثت

اقرأ . .. الذی علّم بالقلم

طرح اموری که مربوط به قلم است، به دنبال فرمان قرائت قرآن در نخستین لحظات آغاز وحی، بیانگر نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۹

۹ - ثبت آیات قرآن ، در صحیفه ها و ورق ها ، برنامه ای پیش بینی شده از جانب خداوند و القا شده به رسول اکرم (ص)

یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <صحف> (جمع <صحیفه>; یعنی، چیزی که در آن می نویسند)، اشاره به آینده قرآن و مکتوب شدن آن دارد. اسناد <یتلوا> به <صحفاً> با آن که پیامبر(ص) آیات الهی را از روی صحیفه های موجود تلاوت نمی کرد به اعتبار مکتوب شدن پیام ها، پس از تلاوت آن است.

کتابت قرآن در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱ - ۶

۶ کتابت قرآن در عصر پیامبر (ص)

تلک ءایت الکتب المبین

اطلاق <الکتاب> (نوشته و نگارش یافته) بر قرآن ، یابدان جهت است که آیه های آن پس از نزول نوشته می شده و یا توصیه ای است از جانب خدا که باید به صورت کتاب درآید.

منشأ کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۶،۷

۶ - توجّه به آموزگار بودن خداوند و وابستگی قرائت و کتابت به قدرت او ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

- ربوبیت خداوند بر انسان ها ، جلوه گر در توانا ساختن آنان بر خواندن و نوشتن

و ربّک الاکرم . الذی علّم بالقلم

منشأ کتابت قلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۴

۴ - تراوشات قلم نویسندگان و تأثیر آن در انتقال اطلاعات به دیگران ، وابسته به خداوند است .

الذی علّم بالقلم

نعمت کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۹

۹ توان نویسندگی ، موهبتی است الهی

ان یکتب کما علّمه اللّه

نقش کتابت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۵

۵ - دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

علّم بالقلم . علّم الإنسن ما لم یعلم . کلاّ إنّ الإنسن لیطغی

نقش کتابت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۳،۵

۳ – خلقت ویژه انسان و برخورداری او از دانش و هنر نویسندگی ، دور ماندن او را از هر گونه انحراف تضمین نمی کند .

خلق الإنسن . .. علّم بالقلم ... کلاّ

حرف <کلاّ> مانع پیدایش پنداری است که ممکن است با شـنیدن آیات پیشین که درباره آفرینش انسان و علم او بود، برای مخاطب به وجود آید و انسان را از خطر هر انحرافی دور بداند.

۵ – دانستن و توانایی بر خواندن و نوشتن ، برای باز داشتن انسان از طغیان گری کافی نیست .

علّم بالقلم . علّم الإنسن ما لم یعلم

. كلاّ إنّ الإنسن ليطغى

کتب آسمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کتب آسمانی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۳،۴،۷،۱۰،۱۱

۳ نقش تعیین کننده کتب آسمانی ، در تحقق رسالت و اهداف انبیا

نزّل علیک الکتاب . .. و انزل التّوریه و الانجیل. من قبل هدی للنّاس

۴ نیاز مردم به هدایت الهی و کتب آسمانی

نزّل علیک الکتاب . .. من قبل هدی للنّاس

بهره مندی مردم از هدایت الهی و کتب آسمانی، حاکی است از نیاز مردم به آن.

۷ نزول فرقان از جانب خداوند ، برای پیگیری اهداف کتب آسمانی پیشین

و انزل التّوریه و الانجیل. من قبل ... و انزل الفرقان

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتب آسمانی

نزّل علیک الکتاب . .. انّ الّذین کفروا بایات اللّه لهم عذاب شدید

۱۱ کتب آسمانی (قرآن ، تورات و انجیل) ، از آیات الهی

انزل التوریه و الانجیل . .. و انزل الفرقان اِنّ الّذین کفروا بایات اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۴،۵،۷،۱۰،۱۲،۱۴

۱ تمرّد اهل کتاب در برابر دعوت به کتاب خداوند برای داوری ، بسی شگفت آفرین است .

الم تر الی الذین . .. و هم معرضون

۲ تمرّد اهل کتاب از حاکميّت کتاب خدا ، شاهد و دليل کفر آنان

الم تر الى الذين اوتوا نصيباً . .. و هم معرضون

به نظر مى رسد اين آيه، عهده دار بيان کفر اهل کتاب باشد که در آيه قبل، به آن تصريح شده است.

۳ اطلاعات ناقص برخى اهل

کتاب (یهود) ، از کتاب آسمانی خویش

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصیباً من الکتاب

۵ هدایت پذیری از کتاب آسمانی ، مبتنی بر آگاهی همه جانبه نسبت به آن است .

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب

۷ کتاب آسمانی ، کتاب قانون و حکم

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

۱۰ برخی از عالمان اهل کتاب ، حَکَمیّت و حاکمیّت کتاب خدا را پذیرفتند .

ثمّ یتولی فریق منهم

نپذیرفتن گروهی با دلالت مفهومی، اشاره به پذیرش گروهی دیگر دارد.

۱۲ وجود موضعگیری های متضاد در میان عالمان اهل کتاب در برابر دعوت به حکمیت کتاب آسمانی

ثمّ یتولی فریق منهم

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

یدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند; به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۵

۵ عالمان اهل کتاب که از داوری کتاب خدا رویگردان بودند ، به گناهکاری خود اذعان داشتند .

لن تمسّنا النار الاّ ایاماً معدودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۸ – ۳،۵

۳ تعلیم و تعلّم کتاب الهی و حکمت ، ارزشی والا

و

يعلّمه الكتاب و الحكمه

۵ تورات و انجيل (كتب الهى) ، دربردارنده قوانين و معارف الهى *

و يعلّمه الكتاب و الحكمه و التوريه و الانجيل

عطف تورات و انجيل بر كتاب و حكمت، از باب عطف فرد بر جنس است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۳ - ۹،۶،۵

۵ تصريح حواريون به ايمان به چيزهايى كه خداوند فرءوف رستاده (كتب آسمانى) و پيروى از رسولش (عيسى)

ربّنا امنا بما انزلت و اتّبعنا الرسول

۶ حُسن اظهار ايمان به كتاب الهى و پيروى از رسولان الهى ، در پيشگاه ربوبى

ربّنا امنا بما انزلت و اتّبعنا الرسول

۹ ايمان به كتاب آسمانى و پيروى از پيامبر ، زمينه راهيابى به منزلت انبيا

و اشهد بانّا مسلمون. ربّنا امنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين

به قرينه <و اشهد . .. >، منظور از <الشاهدين>، همان عيسى (ع) و ديگر پيامبرانند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ كفر آگاهانه عالمان اهل كتاب به آيات خداوند (قرآن و پيامبر (ص)) و توبيخ آنان از سوى خداوند

يا اهل الكتاب لم تكفرون بايات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آيات قبل و بعد كه درباره محاجّه، كتمان و درآميختن حق به باطل است، استفاده مى شود كه مقصود از اهل كتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۸ – ۳،۵،۶،۷

۳ کتب الهی ، عهد خداوند در میان

مردم

انّ الذین یشترون بعهد اللّه . .. و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب

۵ کتب آسمانی ، دارای قالب و آهنگی مشخص و ممتاز از سایر نوشته ها و گفته ها *

یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

از اینکه یهودیان نوشته های خویش را به آهنگ تورات می خواندند معلوم می شود تورات دارای آهنگ و قالبی خاص بوده است.

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

۷ تلاش برخی اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای انحراف مسلمانان ، با قلمداد کردن نوشته های خود به عنوان تورات و انجیل

و انّ منهم لفریقاً . .. لتحسبوه من الکتاب

از ظاهر <لتحسبوه> که باید خطاب به مؤمنان و مسلمانان باشد استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۵،۹،۱۳،۱۹

۵ کتاب و حکمت ، عطیّه الهی به انبیا

ان یؤتیه اللّه الکتاب و الحکم

بنابراینکه <الحکم>، به معنی حکمت باشد.

۹ ناسازگاری مقام نبوّت و دارا بودن کتاب و حکمت ، با دعوت مردم به پرستش خویش

ما کان لبشر . .. ثم یقول للناس کونوا عباداً لی من دون اللّه

۱۳ تعلیم و تعلم کتب آسمانی ، زمینه ربّانی شدن انسان

کونوا ربّانیّن بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

۱۹ کتب آسمانی ، قابل فهم برای مردم

بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران -

۳ - ۸۱ - ۳،۸،۱۱،۱۲،۲۳،۲۴

۳ کتاب و حکمت ، عطیّه الهی به انبیا

لما اتیتکم من کتاب و حکمه

۸ میثاق الهی از انبیا ، قبل از دادن کتاب و حکمت به آنها

و اذ اخذ اللّه میثاق النّبیّن لما اتیتکم من کتاب و حکمه

بنابراینکه <لما>، شرطیه باشد.

۱۱ پیامبر اکرم (ص) ، تصدیق کننده انبیا و کتب الهی گذشته

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۱۲ - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشته ، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

۲۳ پیامبر اسلام (ص) ، تصدیق کننده انبیا و کتب آسمانی پیش از خود

ثمّ جاءکم رسول مصدّق لما معکم

امام صادق (ع): . .. <ثمّ جاءکم رسول مصدّق لما معکم>، یعنی رسول اللّه (ص).

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷، ذیل آیه ۱۷۲ اعراف ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۲۱۱.

۲۴ پیامبران الهی متعهد به معرفی پیامبر اسلام (ص) و بعثت و اوصاف او و فرمان به تصدیق آن حضرت

و اذ اخذ اللّه میثاق النّبیّن

امیرالمؤمنین (ع): انّ اللّه تعالی أخذ المیثاق علی الانبیاء قبل نبیّنا ان یخبروا اممهم بمبعثه و نعمته و یبشروهم به و یأمروهم بتصدیقه.

مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۸۴ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۳۵۹، ح ۲۱۵.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۴،۵،۷،۹،۱۰

۴ لزوم توأم بودن ايمان به خدا و ايمان به همه انبياى الهى و كتب آسمانى

قل امنا باللّه . .. و النّبيّون من ربّهم

۵ ايمان به همه پيامبران و كتب آسمانى

، عمل به میثاق الهی است .

و اذ اخذ اللّه میثاق النّبیّن . .. قل امنا باللّه و ما انزل ... و النّبیّون من ر

۷ ایمان به خدا و کلیه انبیا و کتب آسمانی ، از ارکان مهمّ اعتقادی

قل امنا باللّه . .. و النّبیّون من ربّهم

<قل امنا>، عهده دار تبیین <دین> در آیه سابق است. بنابراین ارکان مهم دین، مطالبی است که در این آیه مطرح شده است.

۹ نبوّت پیامبران و نزول کتب آسمانی بر آنان ، پرتویی از ربوبیّت الهی

و ما اُوتی . .. و النّبیّون من ربّهم

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا . .. لا نفرّق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۸

۸ بطلان نظریات منتسب به هر یک از ادیان الهی ، در صورت مخالفت با کتاب آسمانی آن دین

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها ان کنتم صادقین

آیه فوق، برای ردّ نظریه یهود، آنان را به تورات ارجاع می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۴،۶،۷،۸

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها انتم اولاء تحبّونهم و لا یحبّونکم و تؤمنون بالکتب کلّه

بنابر اینکه <تؤمنون>، علّت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالکتب کلّه

اگر چه <کتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است; چون الف و لام آن برای

جنس است.

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب) ، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء . .. و تؤمنون بالکتب کلّه

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و . . .)

و اذا لقوکم قالوا امنا و اذا خلوا عضّوا علیکم الأنامل

به قرینه <و تؤمنون بالکتاب کلّه>، متعلّق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۲

۱۲ تکذیب رسالت بسیاری از انبیا ، علی رغم برخورداری ایشان از دلایل روشن و کتب آسمانی و احکام حلال و حرام

فان کذّبوک . .. جاءو بالبیّنات و الزّبر و الکتب المنیر

امـام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: <فان کـذّبوک فقـد . .. جاؤ بالبیّنات>، هی الآیات <و الزّبر> و هی کتب الانبیاء بالنبوه <و الکتاب المنیر>، الحلال و الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۸، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۳،۴،۶،۱۰،۱۲،۱۴،۱۶

۳ مسؤولیّت سنگین عالمانِ به کتاب های آسمانی در بیان حقایق آن برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس

۴ کتمان حقایق کتب آسمانی گذشته (تورات و انجیل) از سوی علمای اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّنّه للنّاس و لا تکتمونه

۶ وجود حقایقی درباره اسلام

و پیامبر (ص) در کتب آسمانی گذشته *

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

از موارد مهمّی که می توانست سودی را برای عالمان اهل کتاب تضمین کند (و اشتروا به ثمناً . ..)، کتمان حقانیّت پیامبر (ص) و اسلام است، چرا که هستی خویش را در کتمان آن می دیدند.

۱۰ ر ها ساختن و پشت سر انداختن کتاب های آسمانی و میثاق الهی از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب . .. فنبذوه ورآء ظهورهم

ضمیر مفعولی در <فنبذوه> به کتاب برمی گردد و چون بیان کتاب، میثاق و پیمان الهی است، مراد از آن ضمیر، پیمان الهی نیز می باشد ; یعنی کتاب و بیان آن را ترک کردند.

۱۲ مبارزه و کارشکنی عالمان اهل کتاب با اسلام به وسیله کتمان حقایق کتب آسمانی

و اذ اخذ اللّه . .. و لا تکتمونه فنبذوه ورآء ظهورهم

برداشت فوق، بر این مبناست که آنچه کتمان می کردند، بشارت تورات و انجیل به بعثت پیامبر، حقانیت اسلام و قرآن باشد.

۱۴ سوداگری عالمان اهل کتاب با کتب آسمانی و میثاق الهی در برابر بهره های ناچیز

و اشتروا به ثمناً قلیلاً

۱۶ عالمان اهل کتاب ، بیان محتوای کتب آسمانی را به زیان دنیای خود می انگاشتند .

و اذ اخذ اللّه میثاق . .. لتبیّننّه ... و اشتروا به ثمناً قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۴،۵

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق

. .. و لا تكتمونه ... لا تحسبنّ الّذين يفرحون بمآ اتوا

برخی برآنند که مراد از <الّذین>، اهل کتاب هستند ; چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۴ شادمانی عالمان اهل کتاب از بیان برخی حقایق کتاب های آسمانی (آنچه با دنیاخواهی آنان منافات نداشته)

لا تحسبنّ الّذين يفرحون بمآ اتوا

مراد از <مآ اتوا>، می تواند بیان حقایقی از کتاب باشد که به قرینه <و اشتروا به ثمناً>، با دنیاطلبی آنان برخوردی نداشته است.

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الّذين . .. يحبّون ان يحمدوا بما لم يفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادند)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصریح شد. و انتظار ستایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۱،۳،۱۰،۲۰،۲۸

۱ ایمان واقعی گروهی از عالمان اهل کتاب به خداوند ، قرآن و کتب آسمانی خویش

وَ اِنّ من اهل الكتب لمن يؤمن باللّه و ما انزل اليكم . .. خاشعين للّه

سوداگری با آیات الهی از اموری است که اغلب با عالمان و دانشمندان دینی سنخیّت دارد ; جمله <لتبیّننّه للناس>، در آیه

۱۸۷ این معنا را تأیید می کند.

۳ خشوع و فروتنی گروهی از عالمان اهل کتاب ، زمینه ساز ایمان واقعی آنان به خدا و کتب آسمانی

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

توصیف اهل کتاب به خشوع و فروتنی، می تواند اشاره به علّت ایمان و اقرار آنان به حقانیّت قرآن و ایمان واقعی به تورات و انجیل باشد.

۱۰ سوداگری نکردن با آیات الهی ، ویژگی اهل کتابِ مؤمنِ به خدا و قرآن و دیگر کتب آسمانی

لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلاً

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۸ نجاشی (پادشاه حبشه) ، مؤمن به خدا ، قرآن و کتب آسمانی و خاضع در برابر خداوند

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن باللّه

رسول خدا (ص) پس از مرگ نجاشی، به یاران خود فرمود: انّ اخاکم النّجاشی قد مات، قوموا فصلّوا علیه; فقال رجل یا رسول اللّه کیف نصلی علیه و قد مات فی کفره؟ قال (ص) الا تسمعون قول اللّه <و انّ من اهل الکتاب . .. >

الدّرالمنثور، ج ۲، ص ۴۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۲

۲ کتب آسمانی ، نبوّت و حکومت پیامبران ، از آیات خداوند

فقد اتینا ال ابرهیم الکتب و الحکمه و اتیناهم ملکاً عظیماً. .. انّ الذین کفروا با

با توجه به

آیه ۵۴ می توان گفت: کتاب، حکمت و ملک عظیم از مصادیق <بآیاتنا> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۱

۱ قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند نازل شده است .

مما أنزلنا إلیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱ - ۷

۷ قرآن ، کتابی است از ناحیهء خداوند .

کتب . . . من لدن حکیم خبیر

((من لدن . . .)) می تواند هم قید برای ((فصلت)) و ((اُحکمت)) باشد و هم می تواند قید برای کتاب گرفته شود. بنابراین آیه شریفه دلالت می کند که قرآن از ناحیهء خداوند حکیم و خبیر است و اتقان و تبیین آیاتش نیز از جانب اوست .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۸

۸ تورات ، کتابی نازل شده بر موسی (ع)

و من قبله کتب موسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲ - ۲

۲ قرآن ، نام کتاب نازل شده بر پیامبر (ص)

إنا أنزلنه قرء نًا عربیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۷

۷ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحينا إليک هذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲

۲- قرآن ، کتابی است که از جانب خداوند بر پیامبر (ص) نازل شده است .

کتب

أنزلنه إليک

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۷ – ۳

۳- قرآن کتابی وحی شده به پيامبر (ص) از جانب خداوند است .

واتل ما أُحی إليکَ من کتاب ربّک

حرف <من> در <من کتاب ربک> برای تبيين است و گويای اين که آنچه وحی شده است، همان کتاب خدا است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – انبياء – ۲۱ – ۱۰ – ۱

۱- قرآن ، کتاب آسمانی فرستاده شده از سوی خداوند

لقد أنزلنا إليکم کتبًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۴

۴ – قرآن و تورات ، دو کتاب آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

ضمير <هما> در <منهما> به تورات و قرآن بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۰ – ۳

۳ – فرستادگان الهی ، علاوه بر داشتن کتاب آسمانی ، دارای رهنمود ها و دريافت کننده الهام های خاصی از جانب خداوند بودند .

بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

در صورتی که مقصود از <کتاب> جنس کتاب و مجموعه کتاب های آسمانی باشد; مراد از <بما أرسلنا به رسلنا> رهنمودهای پیامبران و یا الهام های الهی به آنان جدا از کتاب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۵

۱۵- < عن أبی عبیده قال : سألت أباجعفر (ع) عن قوله تعالی < ائتونی بکتاب من قبل هذا أو

أثـاره من علم إن كنتم صـادقين > قـال : عنى بالكتـاب التوراه و الإنجيـل < و أثاره من علم > فإنّما عنى بـذلك علم اوصـياء الأنبياء عليهم السلام ;

ابوعبیـده گویـد: از امام باقر(ع) درباره سـخن خداونـد تعالی <ائتونی بکتاب من قبل هـذا أو اثاره من علم إن کنتم صادقین> سؤال کردم، حضـرت فرمـود: مراد از <کتـاب>، تـورات و انجیـل است و مراد از <أثـاره من علم> علم جانشـینان پیـامبران است>.

آثار اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمـان دینی در صورت بی توجهی به تعـالیم کتـاب هـای آسـمانی ، سـزاوار توبیـخ و ملامـت بوده و در قیـامت بسـزای کردارشان خواهند رسید .

قالت اليهود . .. و هم يتلون الكتب ... فاللّه يحكم بينهم يوم القيمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۵

۵ گرفتاری اهل کتاب در تنگنا های اقتصادی ، پیامد بی اعتنایی آنان به کتب آسمانی و فرامین الهی

و لو انهم اقاموا التوريه و الانجيل . .. لاكلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۹

۹ - اعراض از معارف و احکام کتاب های آسمانی ، مایه خسارت و تباه کردن هستی خویش

خذوا ما أتينكم بقوه . .. ثم توليتم من بعد ذلك فلولا ... لكنتم من الخسرين

آثار ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۳

۱۳ ایمان

به قرآن و التزام به حقایق دیگر کتاب های آسمانی ، مایه مصون ماندن از عذاب های الهی است .

و إیّی فاتّقون

<اتقاء> (مصدر اتقوا)؛ یعنی: در اختیار گرفتن وسیله ای برای مصون ماندن از حادثه ها و مشکلاتی که آدمی از پیشامدن آنها در هراس است. بنابراین <فاتقون>؛ یعنی، برای مصون ماندن از عذابهای الهی باید وسیله ای در اختیار داشته باشید. فرازهای پیشین بیان می دارد که آن وسیله: ایمان به قرآن و التزام به حقایق کتابهای آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۱

۱ - رسیدن به هدایت ، در گرو ایمان به خدا و ایمان به همه پیامبران و کتاب های آسمانی ، و تسلیم بودن در برابر خداوند است .

فإن ءامنوا بمثل ما ءامنتم به فقد اهتدوا

آثار تدبر در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- تدبر و تأمل در کتاب های آسمانی ، زمینه و شرطی لازم برای برخورداری از حکمت و علم

ییحیی خذ الکتب بقوّه و ءاتینه الحکم صبیًّا

جمله و <آتیناه> نمی تواند بدون ارتباط معنایی با <خذ الکتاب بقوّه> باشد. بعید به نظر نمی رسد که مفاد <خذ الکتاب> زمینه ای برای <آتیناه الحکم> باشد.

آثار تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۸

۸- کافران ، با انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، به خود ستم کردند .

و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

آثار جهل به کتب آسمانی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۷ – ۴

۴ نازل نشدن قرآن موجب اعتراض گمراهان و مشرکان در قیامت به سبب نداشتن کتاب آسمانی و دور ماندن از هدایتهای الهی

أو تقولوا لو أنا أنزل علینا الکتب لکنا أهدی منهم

آثار کتمان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۹ – ۹

۹ – ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئک . .. یلعنهم اللعنون

تکرار فعل <یلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۵

۵ – عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

آثار نزول کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳ – ۴

۴ – نزول کتاب آسمانی ، لازمه حقانیت آفرینش و عبث نبودن آن *

تنزیل الکتب . .. ما خلقنا السموت و الأرض و ما بینهما إلاّ بالحقّ

از ارتباط <تنزيل الكتاب . ..> با <و ما خلقنا السماوات ...إلاّ بالحقّ>، مطلب ياد شده قابل برداشت است.

آيات خدا در كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس

۲ - ۹۴ - ۱۰ -

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

اتمام حجت با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۳

۳ - اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

اختلاف در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

ادعای همانندسازی برای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۶

۶ ادعای آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی

از بالاترین ظلمهاست.

و من أظلم . .. و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله

ارزش تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۲

۱۲ - حقایق و معارف کتاب های آسمانی ارزشمندتر از همه منافع دنیوی

و یشترون به ثمناً قلیلا

استفاده از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۷

۷ بهره عالمان اهل کتاب از کتاب آسمانی خویش ، برای راهیابی به هدایت کافی است .

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یشترون الضلاله

می توان گفت توصیف اهل کتاب به <اوتوا نصیباً . .. > اشاره به زشتی گمراهی آنان دارد. یعنی با اینکه از کتاب آسمانی بهره مند بودند، راه ضلالت را برگزیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۳

۳ بهره مندی ناقص و غیر جامع از کتب آسمانی ، زمینه انحراف و کج اندیشی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

<نصیباً من الکتاب>، که به معنای بهره اندک است، در مقام تعلیل برای جمله <یؤمنون بالجبت و الطّاغوت> می باشد.

استقلال کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تابع تمایلات و خواهش های نفسانی بشر نیست .

إنّ لکم فیه لما تخیّرون

اسلام در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۶

۶ وجود حقایقی

درباره اسلام و پیامبر (ص) در کتب آسمانی گذشته *

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

از موارد مهمّی که می توانست سودی را برای عالمان اهل کتاب تضمین کند (و اشتروا به ثمناً . ..)، کتمان حقانیّت پیامبر (ص) و اسلام است، چرا که هستی خویش را در کتمان آن می دیدند.

اظهار ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - پیامبر (ص) ، مکلف به اعلام ایمان خویش به تمامی کتاب های آسمانی

و قل ءامنت بما أنزل اللّه من کتب

برداشت یاد شده بر این اساس است که منظور از <کتاب> در جمله <ءامنت بما أنزل اللّه من کتاب> همه کتاب های نازل شده از سوی خداوند (تورات، انجیل و قرآن) باشد. گفتنی است که تنوین <کتاب> که برای تنویع است مطلب بالا را تأیید می کند.

اعتدال کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۰

۲۰ فرامین و رهنمود های کتب آسمانی ، متعادل و بدور از هرگونه افراط و تفریط

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده

اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ - بی اعتنایی به برخی از دستورات و یا معارف کتاب های آسمانی ، به منزله بی اعتنایی به همه آنهاست .

نبذ فريق من الذين أوتوا الكتب كتب اللّه وراء ظهورهم

روشن است که عالمان يهود،

پس از بعثت همه احکام و معارف تورات را نادیـده نگرفتند; بلکه بخشـهایی از آن را، که درباره شخصـیت پیامبر اسـلام بود، مورد بی اعتنایی قرار دادنـد ولی خداونـد می فرمایـد: <آنان کتاب خـدا را به دور افکندنـد> و این تعبیر بیانگر آن است که نادیده گرفتن برخی از معارف کتابهای آسمانی، به منزله نادیده گرفتن همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۲۳

۲۳ بی اعتنایی اهل کتاب به کتب آسمانی خویش ، کرداری نکوهیده و ناپسند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. و کثیر منهم ساء ما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۶

۲۶ برپا نداشتن کتب آسمانی در جامعه ، کفر به آنهاست . *

حتّی تقیموا التوریه و الانجیل . .. فلاتأس علی القوم الکفرین

جمله <فلاتأس . ..> علاوه بر ارتباط آن با جمله <و لیزیـدن ...> می توانـد تفریع بر ترک اقامه تورات، انجیل و دیگر کتب آسمانی نیز باشد. بنابراین کسانی که به کتب آسمانی پایبند نیستند از مصادیق کافران خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۷

۷ بی توجهی به کتاب های آسمانی ، منشأ غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق

مخـاطب قرار دادن مسـیحیان بـا عنوان اهـل کتـاب، برای اشاره به این حقیقت است که غلو در دین با پیروی از کتب آسـمانی ناسازگار است. بنابراین غلو پیروان ادیان الهی ریشه در بی توجهی آنان به

کتب آسمانی خویش دارد.

اعطای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۷

۷ - اعطای کتاب های آسمانی به پیامبران و نازل کردن احکام و معارف دین بر آنان ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

و ما أوتی النبیّون من ربهم

برداشت فوق با توجه به کلمه <رب> استفاده شده است.

التزام به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ - ضرورت پایبند بودن به همه معارف و احکام بیان شده در کتاب های آسمانی

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

الگوگیری از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۵

۵- کتاب آسمانی ، راهنما و سرمشق زندگی جوامع بشری (انسان) در تمامی ابعاد

کتب موسی إمامًا و رحمه

از این که عنوان <امام> به صورت مطلق بر کتاب موسی اطلاق شده است، استفاده می شود که کتاب آسمانی، پیشوای انسان ها است و آنان باید در تمامی ابعاد پیرو و عامل به آن باشند.

انبیا در کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۲

۲ سر گذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن كنت فی شک مما أنزلنا إليك

فسئل الذين يقرءون الكتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

انتظار کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۷

۷ - اهل کتاب و مشرکان در عصر جاهلیت ، خود را در انتظار پیام های مکتوب و پیراسته از باطل قلمداد می کردند که آن را از رسولی الهی دریافت کنند .

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

انجیل از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۰

۱۰ انجیل ، کتاب آسمانی عیسی (ع) و عطایی از جانب خداوند به وی

و ءاتینه الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱

۱ یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) برخوردار بودند .

والذین ءاتینهم الکتب

در اینکه مراد از <الذین . ..> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ یهود و نصارا ، ۲ آنها و مجوس ، ۳ مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تورات و انجیل ، دو کتاب آسمانی

الذین ءاتینهم الکتب

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است; زیرا اهل کتاب در قرآن به یهود و نصارا اطلاق می شود.

انذارهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲

۱۹- < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < علی من یشاء من عباده أن انـذروا أنه لا إله إلاّ إنا فاتقون > : یقول : بالکتاب و النبوه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا <علی من یشاء من عباده أن انذروا أنه لا إله إلاّ أنا فاتقون> روایت شده است که فرمود: به وسیله کتاب و نبوت [انذار کنید]>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۵۶ – ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذار ها و هدایت خلق

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... هذا نذیر من النذر الأُولی

اولین کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۹ – ۵

۵ – صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، از نخستین کتاب های آسمانی بوده است .

لفی الصحف الأُولی . صحف إبرهیم و موسی

وصف <الأُولی> (در آیه قبل)، ممکن است در مقایسه با زمان نزول قرآن بوده و تنها ناظر به تقدم <صحف> بر قرآن باشد همچنین می توانـد به معنای حقیقی آن بوده و به دوران آغازین نزول کتاب های آسـمانی، نظر داشـته باشد. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

اهداف کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۳ – ۴۲، ۱۳،۱۶،۳۳،۴۰

۱۳ حکومت ، داوری و حل اختلافات مردم ، از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتاب های آسمانی

و اَنزل مَعهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۱۶ کتاب های آسمانی ، معیار

شناخت حق از باطل و قضاوت صحیح

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس

۳۳ کتاب های آسمانی ، دلایل روشن الهی است .

و انزل معهم الکتاب . .. من بعد ما جاءتهم البیّنات

ظاهراً مراد از <بیّنات> (دلایل روشن) همان کتابهای آسمانی است.

۴۰ کتاب های الهی ، ارائه دهنده راه حل صحیح اختلافات جوامع انسانی

و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه

۴۲ هدف از بعثت انبیا و ارسال کتاب های آسمانی ، راهنمایی انسان ها به صراط مستقیم است .

فبعث اللّه . .. و اللّه یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۲

۱۲ نزول تورات و انجیل ، به صورت دفعی نه تدریجی و برای هدایت انسانها *

و انزل التوریه و الانجیل. من قبل هدی للنّاس

نزول دفعی، از <انزل> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۲

۲ هدایت انسان ها ، فلسفه اصلی نزول کتب آسمانی و ویژگی مهمّ آنها

نزّل علیك الکتاب . .. و انزل التّوریه و الانجیل. من قبل هدی للنّاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ کتب آسمانی ، برای یاد دادن و یاد گرفتن است .

بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۱ - ۸

۸ هدف و انگیزه از تلاوت آیات الهی (انزال قرآن

) و ارسال پیامبران ، هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله و من یعتصم باللّه فقد هُدی الی صراط مس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۹ - ۴

۴ - بنده خالص و برگزیده خدا شدن ، روح ادیان الهی و ثمره اصلی کتاب های آسمانی

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا عباد اللّه المخلصین

از این که مشرکان گفته اند: اگر کتاب آسمانی برای ما نازل می شد، ما هم بنده خالص و برگزیده خدا می بودیم; می توان استفاده کرد که این بندگی بر اثر تعالیم کتاب های آسمانی به وجود می آید.

اهل عذاب در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

اهل کتاب و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۱،۲،۳،۴،۱۰،۱۲،۱۴

۱ تمرّد اهل کتاب در برابر دعوت به کتاب خداوند برای داوری

، بسی شگفت آفرین است .

الم تر الی الذین . .. و هم معرضون

۲ تمرّد اهل کتاب از حاکمیّت کتاب خدا ، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً . .. و هم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

۳ اطلاعات ناقص برخی اهل کتاب (یهود) ، از کتاب آسمانی خویش

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصیباً من الکتاب

۱۰ برخی از عالمان اهل کتاب ، حَکَمیّت و حاکمیّت کتاب خدا را پذیرفتند .

ثمّ یتولی فریق منهم

نپذیرفتن گروهی با دلالت مفهومی، اشاره به پذیرش گروهی دیگر دارد.

۱۲ وجود موضعگیری های متضاد در میان عالمان اهل کتاب در برابر دعوت به حکمیت کتاب آسمانی

ثمّ یتولی فریق منهم

۱۴ داوری پیامبر (ص) در میان یهودیان بر اساس تورات ، و عدم پذیرش حکم تورات توسط برخی از آنان

یدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم ثم یتولی فریق منهم

در شأن نزول آیه آمده است، پیامبر (ص) درباره زن و مردی از یهود که مرتکب زنا شده بودند; به استناد تورات، حکم به رجم آنان نمود که سبب خشم یهودیان گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۵

۵ عالمان اهل کتاب که از داوری کتاب خدا رویگردان بودند ، به گناهکاری خود اذعان داشتند .

لن تمسّنا النار الاّ ایاماً معدودات

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۶۸

۶ برخی از اهل کتاب (عالمان آنان) ، برای فریب مردم ، دست نوشته خود را همانند کتاب خدا تلاوت می کردند .

و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب

۸ برخی اهل کتاب (عالمان آنان) نوشته های خود را به عنوان کتاب خدا به مردم ارائه می دادند .

و یقولون هو من عند اللّه و ما هو من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۷۸

۷ بی اعتقادی کافران (اهل کتاب) ، به برخی از کتاب های آسمانی

ها انتم اولاء . .. و تؤمنون بالکتب کلّه

ایمان مسلمانان به تمامی کتب، به قرینه مقابله، بیانگر این است که اهل کتاب، به تمامی کتب ایمان ندارند.

۸ برخورد منافقانه برخی از اهل کتاب با مسلمانان ، در اظهار ایمان به تمامی کتب آسمانی (قرآن و . . .)

و اذا لقوکم قالوا امنا و اذا خلوا عضّوا علیکم الأنامل

به قرینه <و

تؤمنون بالکتاب کلّه>، متعلّق <امنا>، تمامی کتب آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۴

۴ شرک برخی از اهل کتاب (علمای یهود) ، علی رغم بهره مندی آنان از کتاب های آسمانی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

جمله <اوتوا نصیباً . .. > می تواند اشاره به علّت سرزنش و اعتراضی باشد که از جمله <الم تر ... > به دست می آید. یعنی چگونه است که از کتاب خداوند بهره مند هستند، ولی کافر و مشرک می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۴،۱۶،۱۷،۲۳

۴ اهل کتاب فاقد انگیزه کافی برای برپا داشتن تورات و انجیل و دیگر کتب آسمانی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل

بیان شرط با کلمه <لو> حکایت از آن دارد که اقامه تورات و انجیل از سوی اهل کتاب، امری بعید و به دور از انتظار است.

۱۶ جمعی از اهل کتاب ، مردمی متعادل و متعهد به کتب آسمانی خویش

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده

<مقتصده> از مصدر اقتصاد به معنای اعتدال در اعمال و رفتار است و مراد از آن به دلیل <لو انهم اقاموا التوریه . ..> تعهد به تورات و انجیل و عمل به احکام آنهاست.

۱۷ متعهدان به کتب آسمانی از قبایل اهل کتاب ، گروهی هماهنگ و دارای هدفی مشترک

منهم امه مقتصده

<امه> به معنای گروهی است که دارای مقصد و هدفی مشترک باشند.

۲۳ بی اعتنایی اهل کتاب به کتب

آسمانی خویش ، کرداری نکوهیده و ناپسند

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. و کثیر منهم ساء ما یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲،۵

۲ اهل کتاب مردمی بی اعتنا به کتب آسمانی خویش و رویگردان از اقامه احکام و معارف آن *

لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل

۵ اهل کتاب به خاطر بی توجهی به کتاب آسمانی ، فاقد هرگونه پایگاه برای دفاع از عقاید و آرای دینی خویش

لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل

در برداشت فوق کلمه <حتی> به معنای <کی> تعلیلیه و کلمه <شیء> با توجه به حرف <علی> به معنای پایگاه گرفته شده است و مراد از آن به قرینه حتی تقیموا التوریه و الانجیل زیر بناهای فکری قابل اعتمادی است که بتوان به وسیله آن از عقاید و آرای دینی دفاع کرد.

اهمیت احیای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - ضرورت زنده نگه داشتن محتوا و معارف کتاب های آسمانی

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

اهمیت ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۶

۶ - ضرورت ایمان به کتاب های آسمانی همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان

ءامنا باللّه . .. و ما أوتی النبیّون من ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۵

۵ - مؤمنان ، باید به

کتاب های آسمانی پیشین ، همچون قرآن ، ایمان بیاورند .

لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

از این که کافران به صراحت و قاطعیت اعلام کرده اند که به قرآن، تورات و انجیل ایمان نمی آورند، استفاده می شود که ایمان به کتاب های پیشین نیز لازم است.

اهمیت تبعیت از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۶

۶ - ضرورت تبعیت از کتاب های آسمانی

یتلونه حق تلاوته

اهمیت تعقل در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲ - ۷

۷- لزوم نگرش عقلانی و جدی در وحی الهی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم من ذکر . .. هم یلعبون

اهمیت تفکر در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۶

۶- لزوم ژرف اندیشی عالمان و رهبران دینی در کتاب های آسمانی و استوارسازی کردار خویش برپایه آن

ییحیی خذ الکتب بقوّه

اهمیت تلاوت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۸

۸ - خواندن و تلاوت کتاب های آسمانی وظیفه ای بر عهده همگان

یتلونه حق تلاوته

اهمیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۹

۹ - ضرورت صلابت و جدیت در دینداری و اهتمام به کتاب های آسمانی

خذوا ما ءاتینکم بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۱

۱۱ - امت ها

، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۹

۹ - ضرورت نفرین و لعنت بر کسانی که حقایق کتاب های آسمانی را از مردم پنهان می کنند .

أولئک . .. یلعنهم اللعنون

تکرار فعل <یلعن> به تفاوت لعنت خدا و لعنت دیگران اشاره دارد. لعنت خدا به معنای مطرود ساختن از رحمت است و لعنت مردم به معنای نفرین و درخواست از خدا بر قطع رحمت از لعنت شونده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۰

۱۰ انسانها ، باید کتاب های آسمانی را پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند .

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

آیه بالا تفریع بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریع در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند; زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲ - ۴

- نقش مهم کتاب های آسمانی و قوانین الهی ، در تعالی فرهنگ بشر *

و کتب مسطور

خداوند با سوگند خوردن به تورات و یا کتاب های آسمانی در صورتی که مراد مطلق کتاب باشد در حقیقت بشر را به اهمیت این کتاب ها در فکر و فرهنگ بشر توجه داده است.

ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴ - ۲

۲ - تقوا پیشگان ، مؤمن به کتاب های آسمانیِ ادیان گذشته و معارف و احکام آنها

و الذین یؤمنون بما انزل إلیک و ما انزل من قبلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۲۳

۲۳ - ناسازگاری ایمان به کتاب های آسمانی و قتل پیامبران

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲۰

۲۰ - ادعای ایمان به کتاب های آسمانی و پیامبران الهی ، ناسازگار با گرایش به اعمال نارواست .

بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۷

۷ - پیروی از دستورات کتاب های آسمانی ، نشانه ایمان داشتن به آنهاست .

الذين ءاتينهم الكتب يتلونه حق تلاوته أولئك يؤمنون به

<الـذين> مبتـدا و <أولئـك يؤمنون به> خبر برای آن است و جمله <يتلونه . ..> حال برای <الـذين> می باشـد. بنابراين معنای جمله فوق با توجه به ارجاع ضمير <به> به <الكتاب> چنين است: كسانی از اهل كتاب

- که از کتاب خویش پیروی می کنند - به آن ایمان دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۶،۱۰،۱۶،۱۷

۶ - ضرورت ایمان به کتاب های آسمانی همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان

ءامنا باللّه . .. و ما أوتی النبیّون من ربهم

۱۰ - مسلمانان ، باید به یهود و نصارا ابلاغ کنند که به قرآن و همه پیامبران و احکام و معارف نازل شده بر آنان و به تمامی کتاب های آسمانی ، ایمان دارند .

قولوا ءامنا باللّه و ما أنزل إلینا و ما أنزل إلی إبرهیم . .. و ما أوتی النبیّون

برداشت فوق از کلمه <قولوا> (بگویید) استفاده می شود. آیه قبل گویای این است که <مقول له> (کسی که باید به او ابلاغ شود) یهود و نصاراست.

۱۶ - تسلیم بودن در برابر خدا ، مستلزم ایمان به همه پیامبران و کتاب های آسمانی است .

ءامنا باللّه و ما أنزل إلینا . .. و نحن له مسلمون

جمله <و نحن له مسلمون> می تواند به منزله دلیل و علت برای حقایق بیان شده در آیه مورد بحث باشد.

۱۷ - ایمان به خدا ، پیامبران ، و کتاب های آسمانی و تسلیم بودن در برابر خدا ، از ارکان دین اسلام است .

قولوا ءامنا باللّه . .. و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۷ - ۵،۷،۱۷

۵ - ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران و پرداخت مال (انفاق) برای رفع نیاز مستمندان

و آزادی بردگان از مسائل اساسی دین است .

لیس البر أن تولوا وجوهکم . .. و لکن البر من ءامن باللّه ... و ءاتی المال علی حبه

۷ – ضرورت ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و تمامی پیامبران

و لکن البر من ءامن باللّه و الیوم الأخر و الملئکه و الکتب و النبیین

۱۷ – ایمان به خدا ، قیامت ، فرشتگان ، کتاب های آسمانی و پیامبران مشخصه نیکان

و لکن البر من ءامن باللّه . .. و النبیین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۵ – ۷،۱۱،۱۲

۷ ایمان پیامبر (ص) و مؤمنان ، به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی و پیامبران الهی

امن الرّسول . .. و المؤمنون کلّ امن باللّه و ملئکته و کتبه و رسله

کلمه <کلّ> علاوه بر مؤمنان، شامل پیامبر (ص) نیز می شود. یعنی پیامبر (ص) و مؤمنان، همگی ایمان به خدا و ... دارند.

۱۱ لزوم ایمان به فرد فرد انبیا و کتب آسمانی

کلّ امن . .. و کتبه و رسله لا نفرّق بین احد من رسله

۱۲ ایمان پیامبر (ص) به همه انبیای گذشته و کتب آسمانی

کلّ امن . .. لا نفرّق بین احد من رسله

بنابراینکه کلمه <کل> علاوه بر اینکه شامل همه مؤمنان است، شامل پیامبر (ص) نیز باشد. در نتیجه جمله <لا نفرّق ... > مقول قول پیامبر (ص) نیز هست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۳ – ۵،۶،۹

۵ تصریح حواریون به ایمان به چیزهایی که خداوند فرءوف رستاده

(کتب آسمانی) و پیروی از رسولش (عیسی)

ربّنا امنا بما انزلت و اتّبعنا الرسول

۶ حُسن اظهار ایمان به کتاب الهی و پیروی از رسولان الهی ، در پیشگاه ربوبی

ربّنا امنا بما انزلت و اتّبعنا الرسول

۹ ایمان به کتاب آسمانی و پیروی از پیامبر ، زمینه راهیابی به منزلت انبیا

و اشهد بانّا مسلمون. ربّنا امنا بما انزلت و اتبعنا الرسول فاکتبنا مع الشاهدین

به قرینه <و اشهد . .. >، منظور از <الشاهدین>، همان عیسی (ع) و دیگر پیامبرانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۱ - ۱۲

۱۲ - تصدیق کتب آسمانی و انبیای گذشته ، شرطی برای صحت ادعای پیامبری

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۴ - ۴،۵،۷

۴ لزوم توأم بودن ایمان به خدا و ایمان به همه انبیای الهی و کتب آسمانی

قل امنا باللّه . .. و النّبیّون من ربّهم

۵ ایمان به همه پیامبران و کتب آسمانی ، عمل به میثاق الهی است .

و اذ اخذ اللّه میثاق النّبیّن . .. قل امنا باللّه و ما انزل ... و النّبیّون من ر

۷ ایمان به خدا و کلیه انبیا و کتب آسمانی ، از ارکان مهمّ اعتقادی

قل امنا باللّه . .. و النّبیّون من ربّهم

<قل امنا>، عهده دار تبیین <دین> در آیه سابق است. بنابراین ارکان مهم دین، مطالبی است که در این آیه مطرح شده

است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ -

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها انتم اولاء تحبّونهم و لا یحبّونکم و تؤمنون بالکتب کلّه

بنابر اینکه <تؤمنون>، علّت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالکتب کلّه

اگر چه <کتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است; چون الف و لام آن برای جنس است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۱،۲

۱ تصمیم بر ارجاع داوری به طاغوت ، ناسازگار با ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی است .

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

۱ جمله <یریدون . .. > دلالت می کند که حتّی تصمیم بر چنین کاری نیز خطاست ; چه رسد به انجام آن. ۲ کلمه <طاغوت>، مصدر و به معنای اسم فاعل است ; یعنی: هر انسان متجاوز، ظالم و جبّار.

۲ ناسازگاری ایمان به قرآن و کتب آسمانی ، با ارجاع داوری به طاغوتها

الم تر الی الذین یزعمون . .. یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱،۹

۱ ضرورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یأیها الذین ءامنوا باللّه و رسوله . .. و الکتب الذی أنزل من قبل

۹ اعتقاد به خدا ، پیامبران ، روز قیامت ، فرشتگان و کتب آسمانی ، ارکان هدایت و شرط تحقق ایمان

يأيها الذين ءامنوا ءامنوا باللّه و رسوله . .. فقد ضل ضللا بعيداً

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۲،۳،۴،۵،۱۰،۱۱،۱۶

۲ عالمان ژرفنگر یهود و مؤمنان واقعی آنها ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۳ لزوم ایمان به کتب آسمانی پیشین در کنار ایمان به قرآن

لکن الرسخون . .. و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۴ نقش ایمان واقعی به ادیان گذشته در پذیرش قرآن و دیگر کتب آسمانی

و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۵ نقش مثبت و سازنده علم در ایمان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم . .. یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

۱۰ یهودیان بپادارنده نماز و پرداخت کننده زکات ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون . .. و المقیمین الصلوه و المؤتون الزکوه

گفتنی است که <المقیمین> به وسیله فعلی همانند <امدح> و یا <اخص> منصوب شده و در اصل چنین بوده <و المقیمون الصلوه اخصهم و امدحهم> که بنابر قواعد ادبی المقیمون و فعل اخص و امدح حذف شده است و ضمیر در <امدحهم> به صورت اسم ظاهر در آمده است.

۱۱ یهودیان مؤمن به خدا و قیامت ، به قرآن و دیگر کتب آسمانی ایمان می آورند .

و لکن الرسخون فی العلم منهم . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

بنابر اینکه <المؤمنون باللّه . ..> عطف باشد بر <الرسخون>.

۱۶ ایمان به خدا و قیامت ، مستلزم ایمان

به پیامبر (ص) ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر

کلمه <المؤمنون بـاللّه> عطف بر <الراسـخون> است و در نـتیجه <یؤمنون بمـا انزل . ..> خبر برای <المؤمنون بـاللّه> نیز می باشـد. گفتنی است که لازمه ایمان به قرآن، ایمان به پیامبر(ص) است و لذا در برداشت فوق ایمان به پیامبر(ص) نیز آورده شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۲،۳،۶

۲ نکوهش خداوند از اهل کتاب به خاطر انتقاد آنان از ایمان مؤمنان به خدا ، قرآن و کتب آسمانی

قل یأهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و ما أنزل من قبل

۳ ایمان مسلمانان به خدا ، قرآن و تمامی کتب آسمانی ، برانگیزنده اهل کتاب بر تمسخر نماز و دیگر شعایر اسلام

قل یأهل الکتب هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه . .. و ما أنزل من قبل

برداشت فوق بر این مبنـاست که <ان ءامنـا> به تقـدیر <لاـم>، بیـانگر کراهت و ناخرسـندی اهل کتاب نسبت به مسـلمانان باشد، یعنی <ما تنقمون منا دیننا و صلاتنا لشیء الا ایماننا باللّه . .. >.

۶ مؤمنان به خدا و قرآن ، وظیفه دار ایمان به تمامی کتب آسمانی

هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ فرمانبری از طغیانگران ، ناسازگار با ایمان به خدا و کتب آسمانی

هل تنقمون

منا الا ان ءامنا باللّه . .. و عبد الطغوت

توصیف پیشینیان یهود و نصارا به بندگی و اطاعت طاغوت در پاسخ استهزای اهل کتاب نسبت به مؤمنان، حاکی از ناسازگاری ایمان به خدا با اطاعت طاغوت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۱

۱ گروهی از اهل کتاب در حضور پیامبر (ص) و مؤمنان ، به دروغ مدعی ایمان به خدا ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و إذا جاءوکم قالوا ءامنا . .. و اللّه اعلم بما کانوا یکتمون

با توجه به آیه ۵۷، ۵۸ که اهل کتاب را استهزا کننده اسلام و نماز معرفی کرده بود، معلوم می شود تنها گروهی از آنان نزد مسلمانان، خود را اهل ایمان قلمداد می کردند. گفتنی است که مراد از <ءامنا> به قرینه آیه ۵۹ ایمان به خدا، قرآن و دیگر کتب آسمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۵ - ۱،۲،۳،۷

۱ وعده حتمی خداوند به آمرزش تمامی گناهان گذشته اهل کتاب در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) ، همه کتب آسمانی و پرهیز از گناهان

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

با توجه به آیه ۵۹ (هل تنقمون منا الا ان ءامنا باللّه و ما انزل الینا و ما انزل من قبل) و نیز آیه ۶۱ (و اذا جاءوکم قالوا ءامنا)، معلوم می شود مراد از ایمان در <ءامنوا> ایمان به خدا، قرآن، همه کتب آسمانی و ایمان به پیامبر اکرم(ص) است.

۲ دعوت خداوند از اهل

کتاب به رعایت تقوا و ایمان به خدا ، قرآن و دیگر کتب آسمانی

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

۳ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و کتب آسمانی و دامن گرفتن از گناه ، موجب آمرزش گناهان گذشته آدمی

و لو ان أهل الکتب ءامنوا و اتقوا لکفرنا عنهم سیئاتهم

متعلق <واتقوا> به قرینه <سیئاتهم> گناهان است، و مراد از <سیئاتهم> در <لکفرنا عنهم سیئاتهم> گناهان پیش از ایمان است.

۷ تأکید خداوند بر وارد ساختن اهل کتاب به بهشت پر نعمت در صورت ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و تمامی کتب آسمانی و رعایت تقوا

و لو ان أهل الکتب . .. لادخلنهم جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۵

۵ ایمان به خدا ، پیامبر (ص) و کتب آسمانی راه رسیدن به استقلال و رهایی از یوغ بندگی کافران

و لو کانوا یؤمنون . .. ما اتخذوهم أولیاء

برداشت فوق بر این مبناست که ولی به معنای سرپرست باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۶ - ۹

۹ - مسلمان ، باید به قرآن و کتاب های آسمانی ، ایمان داشته باشد .

ءامنّا بالذی أُنزل إلینا و أُنزل إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱

۱ - کافران مکه اعلام کردند که به هیچ رو به قرآن و کتاب های پیشینِ آسمانی ایمان نمی آورند .

و قال الذين كفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا

بالذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ - ایمان به پیامبران پیشین و کتاب های آسمانی آنان ، بخشی از باور های دین اسلام

و قل ءامنت بما أنزل اللّه من کتب

از این که پیامبر(ص) مأمور بود به کتاب های آسمانی پیشین ایمان آورد و با توجه به اسوه بودن آن حضرت، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۲

۱۲ - مریم (س) ، مؤمن به وحی و کتاب های آسمانی و تصدیق کننده آنها بود .

و صدّقت بکلمت ربّها و کتبه

بشارتهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی پیشین ، دربردارنده بشارت نزول قرآن

و إنّه لفی زبر الأوّلین

<زبور> (مفرد <زُبُر>) به معنای کتاب است; یعنی، <و إنّ خبرالقرآن، أو خبر نزول القرآن علیک مذکور فی کتب الماضین من الأنبیاء; بشارت قرآن یا بشارت نزول آن بر تو، در کتاب های پیامبران پیشین مذکور بوده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸ - وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا كنّا من قبله مسلمين

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

بنی اسرائیل و

کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، همسان با اسلاف گذشتگان خویش در برخورد با کتاب های آسمانی و احکام دین

ثم تولیتم

نسبت دادن رفتار پیشینیان بنی اسرائیل به موجودین عصر بعثت و عصرهای پس از آن (ثم تولیتم)، بیانگر اتحاد و اشتراک آنان در خصلتها و ویژگیهاست.

بهترین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷ - لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۳ - ۳

۳ - قرآن ، بهترین کتاب آسمانی در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی

اللّه نزّل أحسن الحدیث

بهترین بودن قرآن، ممکن است در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی سنجیده شده باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۵

۵ - قرآن ، کامل ترین کتاب آسمانی و اسلام جامع ترین دین الهی

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل إلیکم من ربّکم

در برداشت یاد شده، برتر بودن قرآن در مقایسه با دیگر کتاب های آسمانی و به لحاظ کمال و جامعیت سنجیده شد.

بی نظیری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۶،۷

۶ ادعای آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی از بالاترین ظلمهاست.

و من أظلم . .. و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله

۷ کسی را قدرت آوردن همانندی برای وحی و کتب آسمانی نیست.

و من قال سأنزل مثل ما أنزل الله

بیان حقایق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۸

۸ - بیان حقایق کتاب های آسمانی ، موجب دستیابی به هدایت و مغفرت الهی است .

إن الذین یکتمون . .. أولئك الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

برداشت فوق از مفهوم آیه به دست می آید.

پاداش عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۰ – ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

پاسداری از کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۳ – ۱۱

۱۱ – ضرورت زنده نگه داشتن محتوا و معارف

کتاب های آسمانی

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۱۴،۱۵،۲۰،۳۸

۱۴ احیای کتب آسمانی و حراست آنها از تبدیل و تحریف ، در گرو حکم و قضاوت بر اساس آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

<باء> در <بما استحفظوا> سببیه است و بیانگر این است که چون مسؤولیت حراست از کتب آسمانی بر عهده آنهاست، باید بر اساس آن حکم کنند. یعنی حراست از کتب آسمانی در گرو این است که احکام آن در جامعه پیاده شود.

۱۵ ضرورت حضور عالمان ربانی و دانشمندان دینی در هر عصر ، برای حفاظت کامل از کتب الهی

و الربنیون و الاحبار بما استحفظوا من کتب اللّه

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

۳۸ عالمان بیمناک از دشمنی مردم ، در خطر ترجیح رفاه و آسایش بر دینداری و نگهبانی از کتاب خدا

فلاتخشوا الناس . .. و لاتشتروا بایتی ثمناً قلیلا

پاکی کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۶

۶ – رسولان الهی در طول تاریخ ، کتاب هایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نموده ، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه ... إلاّ من

بعد ما ج

مراد از <البیّنه> (در این آیه) جنس آن است; نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود; ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بیّنه> است. بنابراین بیّنه گذشتگان نیز مانند بیّنه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

پیروزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷ - لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشگویی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أی شیء أکبر شهده . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۷

۷ - توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و

کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

تاریخ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۸

۸ - قبل از نزول قرآن ، چندین کتاب آسمانی دیگر نازل شده بود .

الصحف الأُولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۷

۷ - نزول کتاب از سوی خدا ، دارای سابقه دیرین در تاریخ بشر

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

برداشت فوق، بر این اساس است که <ما> در <ما لم یأت> کنایه از کتاب باشد; یعنی <أم جاءهم من الکتاب ما لم یأت. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۷ - ۲

۲ - نزول کتاب ، از سوی خداوند ، بر برگزیدگان خود ، دارای پیشینه است .

و کذلک أنزلنا إلیک الکتب

احتمال دارد که <کذلک> اشاره به نزول کتاب های پیشین باشد. بنابراین، تقدیر جمله، چنین است: <کما أنزلنا الکتاب من قبلک، أنزلنا إلیک الکتاب...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۴ - ۴

۴ – مشرکان مکه ، پیش از قرآن ، از هیچ کتاب آسمانی برخوردار نبودند .

و ما ءاتینهم من کتب یدرسونها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵ – ۵

۵- نزول کتاب و فرستادن رسولان از سوی خداوند برای بشر ، دیرینه و دارای سابقه طولانی

إنّا کنّا مرسلین

دیرینگی نزول کتاب

و فرستادن رسولان از عبارت <کنّا. ..> استفاده می شود. در این صورت پیام آیه شریفه، نفی استبعاد نسبت به نزول قرآن است; یعنی، این تنها قرآن نیست که از سوی ما فرود آمده است; بلکه از دیر زمان نظیر آن را فرو فرستاده ایم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۳

۳ - نزول قرآن ، در ادامه نزول کتاب های آسمانی بر امت های پیشین

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل

این آیه از نظر سیاق و محتوا، با نخستین آیات سوره که درباره نزول قرآن بود ارتباط دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۵

۵ - صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، از نخستین کتاب های آسمانی بوده است .

لفی الصحف الأُولی . صحف إبرهیم و موسی

وصف <الأُولی> (در آیه قبل)، ممکن است در مقایسه با زمان نزول قرآن بوده و تنها ناظر به تقدم <صحف> بر قرآن باشد همچنین می تواند به معنای حقیقی آن بوده و به دوران آغازین نزول کتاب های آسمانی، نظر داشته باشد. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

تبعیت از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵،۷

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی وشایستگی پیروی می کنند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و

انجیل است - برگردانده شده است.

۷ - پیروی از دستورات کتاب های آسمانی ، نشانه ایمان داشتن به آنهاست .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

<الذین> مبتدا و <أولئک یؤمنون به> خبر برای آن است و جمله <یتلونه . ..> حال برای <الذین> می باشد. بنابراین معنای جمله فوق با توجه به ارجاع ضمیر <به> به <الکتاب> چنین است: کسانی از اهل کتاب - که از کتاب خویش پیروی می کنند - به آن ایمان دارند.

تبعیض در تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

تبلیغ تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ کلیه حقایق و معارف کتب آسمانی به دور از مصلحت اندیشیهای شخصی باید برای مردم تبیین شود.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

مذمت عالمان یهود بر گزینشی عمل کردن در میان حقایق تورات، گوشزد به همه حاملان کتب آسمانی است که در تبیین و تفسیر آنها نباید منافع خویش را در نظر گرفت،

بلکه باید همه آنها را برای مردم تبیین کرد.

تبلیغ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس

تبیین کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۲،۷،۹

۲ تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن ، میثاق سنگین خداوند از علمای اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

ضمیر مفعولی در <لتبیّننّه>، به کتاب برمی گردد.

۷ ضرورت وجود مبلغان و تبیین کنندگان کتب آسمانی در جامعه

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس

گرفتن میثاق از عالمان و تأکید خداوند بر لزوم تبیین آن برای مردم، مبیّن مطلب فوق است.

۹ شکستن پیمان الهی (تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن) ، از سوی عالمان اهل کتاب

فنبذوه ورآء ظهورهم

تجزی در قبول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ - بی اعتنایی به برخی از دستورات و یا معارف کتاب های آسمانی ، به منزله بی اعتنایی به همه آنهاست .

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

روشن است که عالمان یهود، پس از بعثت همه احکام و معارف تورات را نادیده نگرفتند; بلکه بخشهایی از آن

را، که درباره شخصیت پیامبر اسلام بود، مورد بی اعتنایی قرار دادند ولی خداوند می فرماید: <آنان کتاب خدا را به دور افکندند> و این تعبیر بیانگر آن است که نادیده گرفتن برخی از معارف کتابهای آسمانی، به منزله نادیده گرفتن همه آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

۸ - ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا فی الکتاب> بیان شده است.

۹ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، موجب پدید آمدن مذاهب مختلف دینی و مایه دشمنی و ستیز است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <شقاق> دشمنی برخی با برخی دیگر باشد؛ یعنی: شقاق بعضهم بعضاً.

۱۰ - اهل کتاب به خاطر اختلاف در کتب آسمانی (پذیرش برخی و انکار و کتمان برخی

دیگر) از حق فاصله گرفته و با یکدیگر به دشمنی و ستیز پرداختند .

مفسران برآنند که مصداق مورد نظر برای <الذین> اهل کتاب می باشد.

تحریف کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۸

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۷

۱۷ سلامت کتاب های آسمانی در سیر نزول ، از نفوذ تحریف و باطل

و انزل معهم الکتاب بالحق

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به <انزل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۴

۴ تحریف حقایق کتب آسمانی پیشین و عدم دستیابی اهل کتاب ، جز به برخی از حقایق آن *

اوتوا نصیباً من الکتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۰ - ۲

۲ عدم تحریف تورات تا عصر حضرت عیسی (ع) *

و مصدقاً لما بین یدیّ من التوریه

به نظر می رسد جمله <لما بین یـدیّ من التوریه>، اشاره باشد به تورات متداولی که در دسترس مردم بوده است. لذا تصدیق آن، دلالت بر عدم تحریف تورات موجود

در آن عصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۸ - ۴،۱۰

۴ فریبکاری گروهی از اهل کتاب با سعی در تحریف کتب آسمانی

و انّ منهم لفریقاً . .. لتحسبوه من الکتاب

۱۰ نقش تحریف کتب آسمانی و عالمان تحریفگر در انحراف جوامع

و انّ منهم لفریقاً . .. و یقولون علی اللّه الکذب و هم یعلمون

از ذکر تحریف و بیان کیفیّت آن و لحن تند آیه نسبت به علمای اهل کتاب برمی آید که این عمل در گمراه کردن مردم سهم بسزایی داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۲

۲ نسبت ادعای معبودیّت پیامبران برای خود ، از بافته های تحریفگران کتب الهی

و انّ منهم لفریقاً یلون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من الکتاب . .. ما کان لبشر ان یؤ

از ارتباط این آیه با آیه قبل استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۹

۹ وجود آیاتی تحریف نشده در کتاب های آسمانی اهل کتاب ، تا عصر بعثت

من اهل الکتب امّه قائمه یتلون ءایت اللّه

چون آیه درباره اهل کتاب است، منظور از <ایات اللّه>، می تواند تورات و انجیل باشد و ارزش تلاوت آنها، بیانگر عدم تحریف آنهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۰

۱۰ تفسیر غلط کتب آسمانی ، توسط بنی اسرائیل

یحرفون الکلم عن مواضعه

تحریف به معنی تغییر است و همان گونه که شامل جابجایی کلمات، کاستن

و افزودن می شود، تأویل و تفسیر ناروا را نیز فرا می گیرد.

تداوم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۵ - ۵

۵ - بشریت ، هرگز از کتاب آسمانی محروم نبوده است . *

لقد أرسلنا رسلنا . .. و أنزلنا معهم الکتب

تذکرات کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است; با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

تشابه برخورد دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۷

۷- دشمنان کتاب های آسمانی ، در برخورد با آن کتاب ها شیوه واحدی داشتند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

تصدیق کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸

۸قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی

بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۶

۶ - قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف لأُولی

عنوان <ما فی الصحف الأُولی> قرینه است براین که مراد از <بیّنه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحتِ معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۸

۸- قرآن ، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیشین

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه

تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۴،۶

۴ – عالمـان به کتـاب هـای آسـمانی و تلاوت کننـدگان آن ، دارای مسؤولیت بیشـتر در عمـل کردن به کردار هـای نیـک (دستورات کتاب های آسمانی)

و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بدانها عمل نکند، سزاوار سرزنش است; چه از عالمان باشد یا

از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> تأکیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

۶ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، توبیخ کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس . .. و أنتم تتلون الکتب

چون جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> (در حالی که شما کتاب]تورات یا انجیل [را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ - محتوای کتاب های آسمانی و معارف آن ، عاری از خیالات خام و واهی است .

لایعلمون الکتب إلا امانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۹

۱۹ - کتاب های آسمانی و ادیان الهی ، هرگز آدمیان را به کار های ناروا فرا نمی خوانند .

بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ - ضرورت پایبند بودن به همه معارف و احکام بیان شده در کتاب های آسمانی

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱،۲

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۲ -

خداوند ، احکام و معارف دینی و دلایل حقانیت آنها را نازل کرده و در کتاب های آسمانی بیان داشته است .

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

<هدی> به معنای هدایت کننده است و مقصود از آن در آیه شریفه احکام و معارف دین می باشد. <بینات> به معنای دلایل روشن است و مراد از آن در آیه، دلایل و براهینی است که برای معارف و احکام دینی ایراد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۳

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۹ - ۱۴

۱۴ لزوم عمل به آموخته های برگرفته از کتب آسمانی

کونوا ربّانیّن بما کنتم تعلّمون الکتاب و بما کنتم تدرسون

چون فرمان ربانی شدن را به کسانی می دهد که کتب آسمانی را آموخته اند، معلوم می شود علم به آن کافی نبوده و عمل نیز لازم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۹،۱۰

۹ رسولان الهی برخوردار از دلایل روشن (برهان و معجزه) و دارای < زُبُر > (کتاب های مشتمل بر حکمت و موعظه) و نیز آورنده کتابِ روشن و روشنگر

رسل من قبلک جاءو بالبیّنات و الزّبر و الکتب المنیر

<منیر>، به معنای روشنگر و نیز به معنای روشن آمده

است.

۱۰ روشنگری کتب آسمانی در همه ابعاد مورد نیاز

جاءو . .. و الکتب المنیر

بر این مبنا که <منیر>، به معنای روشنگر باشد، متعلق آن حذف شده است تا دلالت بر عموم و شمول کند. یعنی هر آنچه مردم از آن کتاب توقع داشته و بدان نیازمند باشند، در آن بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۷ - ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّنّه للنّاس و لا تکتمونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۳

۳ آگاهی بر مجموعه محتوای کتاب آسمانی ، شرط هدایت

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یشترون الضلاله

به نظر می رسد توصیف اهل کتاب به اینکه تنها بهره ای اندک از کتاب دارند، به منزله دلیلی برای جمله <یشترون الضلاله . .. > است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۸،۲۰

۸ کتب آسمانی ، مشتمل بر رهنمود های اقتصادی و راهگشای تأمین نیاز های جامعه *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم لاکلوا

ترتب رفاه اقتصادی بر عمل به تورات و انجیل می تواند به این معنا باشد که خداوند به عنوان پاداش، برکتهای زمین و آسمان را به روی عمل کنندگان بگشاید و می تواند به این معنا باشد که در خود تورات و انجیل رهنمودهایی است ه عمل به آنها

رونق اقتصادی را برای جامعه

در پی دارد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۲۰ فرامین و رهنمود های کتب آسمانی ، متعادل و بدور از هرگونه افراط و تفریط

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۰ – ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أی شیء أکبر شهده . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۸

۸ – کتاب های آسمانی ، روشنگر حقایق و آموزنده معرفت های درست است .

من یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۲

۲ – وجود اطلاعاتی در کتاب های آسمانی پیشین درباره پیامبراسلام

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

احتمال دارد غرض کافران از اعلام عدم ایمان به کتاب های پیشین، به خاطر وجود اطلاعاتی درباره پیامبراسلام باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۷ – ۸

۸ – خالی بودن کتاب های آسمانی تحریف نشده از انتساب فرزند به خدا

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

فرمان تعجیزی خداونـد به آوردن کتاب آسـمانی، بر درستی نسـبت فرزنـددار بودن خداونـد; گویای این حقیقت است که در هیـچ یک از کتاب های آسـمانی اصـیل و تحریف نشـده چنین نسـبتی وجود نـدارد; بلکه این نسـبت، دروغ محض و ساخته و پرداخته خود مشرکان

است. از این رو خداوند در شش آیه قبل، آنان را دروغگو خوانده است (و إنّهم لکاذبون).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۱

۱۱- هماهنگی کامل کتاب های آسمانی ، در تبلیغ توحید

ائتونی بکتب من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۱

۱ - در هیچ کتاب آسمانی ، مسلمانان و اطاعت کنندگان از خدا ، با مجرمان و تبهکاران یکسان تلقی نشده اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین . .. أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۱،۲

۱ - هیچ کتاب آسمانی ، آدمیان را در انتخاب راه درست و نادرست ، آزاد ندانسته ; بلکه همگان را به گزینش راه درست مکلف ساخته است .

إنّ لکم فیه لما تخیّرون

۲ - انسان در دیدگاه کتاب های آسمانی ، موجودی مکلف و مسؤول است ; نه آزاد مطلق و عنان گسیخته .

إنّ لکم فیه لما تخیّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۹ - ۶

۶ - داوری مشرکان درباره مسائل دینی ، مخالف داوری خداوند و تعالیم کتاب های آسمانی است .

أم لکم أیمن . .. إنّ لکم لما تحکمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۸ – ۱،۴

۱ – جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الأخره خیر و أبقی . إنّ هذا

لفی الصحف الأولی

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

۴ - تعالیم کتاب های آسمانی ، همسو و هماهنگ با هم است .

إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

تعالیم کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی امت های گذشته ، رستگاری را در گرو تزکیه ، یادِ نام خدا و ادای نماز دانسته ، از ترجیح زندگانی دنیا بر آخرت نکوهش کرده اند .

قد أفلح . .. إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

مشارالیه <هذا> می تواند آیه قبل (و الآخره خیر و أبقی) باشد و ممکن است آن را اشاره به مفاد آیات <قد أفلح. ..> به بعد بدانیم. برداشت یاد شده، ناظر به احتمال دوم است.

تعالیم کتب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۰

۱۰ - تلاش برای آزاد سازی اسیران بنی اسرائیل ، از فرمان های کتب آسمانی آنان

و إن یأتوکم أسری تفدوهم . .. فتؤمنون ببعض الکتب

جمله <أفتؤمنون ببعض الکتاب> دلالت بر این معنا دارد که: انگیزه یهودیان در آزاد سازی اسیران یهودی، عمل کردن به تورات بوده است.

تعدد کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۸ - ۲

۲ - پیشینیان ، دارای کتاب های آسمانی متعدد

الصحف الأُولی

صحیفه (مفرد <صحف>)؛ یعنی، چیزی که در آن کتابت شود (مفردات راغب)

و مراد از آن به قرینه استشهاد قرآن به محتوای آن کتاب های آسمانی است.

تعلم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۳

۳ - همه مردم ، مخاطبان کتب آسمانی و موظف به فراگیری معارف و احکام آن هستند .

من بعد ما بینه للناس

تعلیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اعمال بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۴

۴ - ابلاغ و تعلیم حقایق کتاب های آسمانی (احکام و معارف دین و براهین آنها) به مردم ، وظیفه ای بر عهده عالمان دینی

إن الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۱۷

۱۷ خداوند آموزگار مسیح در فراگیری علوم ، معارف دین و کتب آسمانی

و اذ علمتک الکتب و الحکمه و التوریه و الانجیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱۱

۱۱ فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اصول بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

تغییر قبله در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۸

۱۸ - تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

تفسیر کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۱۱

۱۱ - ضرورت پرهیز از تفسیر کتاب های آسمانی با حدس و گمان

لایعلمون الکتب إلا امانی و إن هم إلا یظنون

تقوا در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۹

۹ رسیدن انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی بر ایشان است .

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

تکذیب بخشی از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۷،۸،۹،۱۰

۷ - پذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

مفسران درباره اختلاف در کتابهای آسمانی - که مفاد جمله <اختلفوا فی الکتاب> است - چند وجه گفته اند و برداشت فوق بیان یکی از آن وجوه می باشد. <شقاق> به معنای

عداوت و دشمنی است و مفعول آن به قرینه جمله قبل کلمه ای همانند <الحق> می تواند باشد.

۸ – ایمان به برخی از کتب آسمانی و انکار برخی دیگر ، مخالفت با حق و دور شدن از آن است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق از جمله وجوهی است که در تفسیر <اختلفوا فی الکتاب> بیان شده است.

۹ – پـذیرش برخی از احکام و معارف کتاب های آسـمانی و انکار برخی دیگر ، موجب پدیـد آمـدن مذاهب مختلف دینی و مایه دشمنی و ستیز است .

إن الذین اختلفوا فی الکتب لفی شقاق بعید

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <شقاق> دشمنی برخی با برخی دیگر باشد; یعنی: شقاق بعضهم بعضاً.

۱۰ – اهـل کتـاب به خاطر اختلاف در کتب آسـمانی (پـذیرش برخی و انکار و کتمان برخی دیگر) از حق فاصـله گرفته و با یکدیگر به دشمنی و ستیز پرداختند .

مفسران برآنند که مصداق مورد نظر برای <الذین> اهل کتاب می باشد.

تکذیب کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۶ – ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا ، پیامبران ، فرشتگان ، کتب آسمانی و روز قیامت) ، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست .

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای

برای مجموع آنها.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۳ – ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ینظرون إلّا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما

تلاوت کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۴ – ۴

۴ – عالمان به کتاب های آسمانی و تلاوت کنندگان آن ، دارای مسؤولیت بیشتر در عمل کردن به کردار های نیک (دستورات کتاب های آسمانی)

و تنسون أنفسکم و أنتم تتلون الکتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بدانها عمل نکند، سزاوار سرزنش است; چه از عالمان باشد یا از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> تأکیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

تنزیه کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۸ – ۱۰

۱۰ – محتوای کتاب های آسمانی و معارف آن ، عاری از خیالات خام و واهی است .

لایعلمون الکتب إلا امانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۱ – ۵

۵ – کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده

است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۱۰

۱۰– کتاب های آسمانی ، مبرّا از کمترین آثار و نشانه های شرک

ائتونی بکتب من قبل هذا

بارزترین مصداق برای <کتاب من قبل هذا> کتاب های آسمانی پیش از قرآن است. قرآن با قاطعیت در برابر تمامی اهل کتاب عصر نزول، اعلام کرده است که هیچ کتاب آسمانی، نظریه <شرک> را تأیید نکرده است.

توحید در کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۱ – ۵

۵ – کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

تورات از کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۳ – ۴

۴ – تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۶

۱۶ - قرآن ، تأیید کننده محتوای تورات و تصدیق کننده آسمانی بودن آن

و هو الحق مصدقاً لما معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ -

۴ - تورات ، کتابی از جانب خدا و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما اتیناکم> (آنچه را به شما دادیم) تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱

۱ تورات ، کتابی آسمانی و خداوند ، نازل کننده آن

إنّا انزلنا التوریه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۳

۳ تورات ، کتابی از جانب خدا برای بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما ءاتینکم> تورات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۶ - ۱

۱ یهود و نصارا ، از کتاب آسمانی (تورات و انجیل) برخوردار بودند .

والذین ءاتینهم الکتب

در اینکه مراد از <الذین . ..> چه کسانی اند چند نظر ابراز شده است: ۱ یهود و نصارا ، ۲ آنها و مجوس ، ۳ مسلمانان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲ - ۱

۱- خداوند به > موسی (ع) < کتاب آسمانی (تورات) اعطا کرد تا بنی اسرائیل به وسیله آن هدایت شوند .

و ءاتینا موسی الکتب و جعلنه هدًی لبنی إسرءیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴ - ۲

۲- تورات ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب

برداشت فوق مبتنی بر این است که مقصود از <الکتاب> به قرینه <ال> که عهد ذکری است <تورات> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۹ - ۲

۲ - کتاب آسمانی موسی (ع) (تورات) ، کتاب هدایت

لعلّهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۵ - ۱

۱ موسی (ع) ، از پیامبران دارای کتاب (تورات) و شریعت مستقل از جانب خداوند

و لقد ءاتینا موسی الکتب

دریافت کتاب آسمانی، حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۲ - ۳

۳ - تورات و انجیل ، دو کتاب آسمانی

الذین ءاتینهم الکتب

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است; زیرا اهل کتاب در قرآن به یهود و نصارا اطلاق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۷ - ۱

۱ - موسی و هارون (علیهماالسلام) ، برخوردار از کتاب آسمانی (تورات) و شریعت مستقل و جدا از شریعت الهی پیشین

و ءاتینهما الکتب

دریافت کتاب آسمانی، می تواند حاکی از دریافت شریعت مستقل و جدا از شریعت سابق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۶ - ۵

۵ - تورات ، کتاب آسمانی پیش از عیسی (ع)

لما بین یدیّ من التوریه

<ما بین یدیّ>; یعنی، کتابی که پیش از من نازل شده است.

حاکمیّت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۹

۹ پیامبران و عدالتخواهانی که به دست

کافران کشته شدند ، خواهان حاکمیت کتب آسمانی بودند . *

یُدعون الی کتاب اللّه لیحکم بینهم

بنابراینکه فاعل محذوف <یدعون>، همان کشته شدگان مذکور در آیه قبل باشند; یعنی: یدعوهم المقتولون الی کتاب اللّه

حجیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۱

۱۱ قابل فهم بودن کتب آسمانی و حجیّت ظواهر آن

جاءو بالبیّنات و الزّبر و الکتب المنیر

اگر کتب آسمانی قابل فهم نباشد، نه روشن خواهد بود و نه روشنگر، و آنگاه که قابل فهم باشد، ظاهر آن برای مکلّفین حجت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۴

۴ - حجیت کتاب های آسمانی در مسائل دینی

فأتوا بکتبکم إن کنتم صدقین

جمله <فأتوا. ..> جواب برای شرط مقدر است و مقدر با توجه به آیه قبل (أم لکم سلطان مبین) می تواند چنین باشد: <إن کان لکم حجه فأتوا...>. بر این اساس پیام آیه چنین است: اگر بر درستی عقایدتان حجت دارید پس کتابی بیاورید; زیرا کتاب الهی حجت خوبی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۵

۵ - حجیت کتاب های آسمانی در مسائل دینی

أم لکم کتب فیه تدرسون

آیه شریفه، در مقام مطالبه دلیلی از کتاب آسمانی برای اثبات درستی عقاید و مسائل دینی خویش از مشرکان است. این مطالبه آن گاه درست و بجا است که کتاب های آسمانی حجّت باشد; و گرنه رجوع به آن برای اثبات هیچ حقیقتی، مفید و منطقی نخواهد بود.

حدوث کتب آسمانی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲ – ۱۱

۱۱– < عن الرضا (ع) قال : التوراه و الإنجیل والزبور والفرقان و کلّ کتاب انزل کان کلام اللّه تعالی أنزله للعالمین نوراً و هدًی و هی کلّها محدثه و هی غیر اللّه . . . قال : < ما یأتیهم من ذکر من ربّهم محدث إلاّ استمعوه و هم یلعبون > و اللّه أحدث الکتب کلّها الذی أنزلها ;

از امام رضا(ع) روایت شده است که فرمود: تورات و انجیل و زبور و قرآن و هر کتابی که نازل شده، کلام خدای تعالی است که آن را برای روشن گری و هدایتِ جهانیان نازل کرده است و تمامی این کتاب ها حادث و غیر خدا هستند . .. خداوند فرمود: <مایأتیهم من ذکر من ربّهم محدث إلاّ استمعوه و هم یلعبون>. و خدا همه کتاب هایی را که نازل فرموده ایجاد کرده است>.

حقانیت کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۱ – ۴

۴ – قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۳

۳ - محتوای کتاب های آسمانی سراسر حق و پیراسته از هر گونه باطل است .

نزل الکتب بالحق

<بالحق> متعلق به کلمه ای همانند <متلبساً> و حال برای <الکتاب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۵

۱۵ حقانیّت محتوای کتاب های آسمانی

و انزل معهم الکتاب بالحقّ

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به عامل مقدر و حال از <الکتاب> باشد ; یعنی کتابی که مصاحب حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۸،۲۰

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ، شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۲۰ حراست و نگهبانی از کتب آسمانی و شهادت بر حقانیت آن ، مسؤولیت انبیای الهی *

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

بنابر اینکه ضمیر در <استحفظوا> به <النبیون> نیز برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۵،۶

۵ گواهی قرآن بر راستی و درستی کتب آسمانی پیشین (تورات و انجیل)

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

به دليل آيات گذشته مراد از <ما بين يديه من الكتب>، تورات و انجيل است.

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إليك الكتب بالحق مصدقاً لما بين يديه من الكتب

با در نظر گرفتن اينکه کتابهای آسمانی به

آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم . .. بالکتب المنیر

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می توانـد برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

دلایل حقانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۶

۶- کافران عصـر های پیش از اسـلام ، در انتظار آمـدن فرشـتگان و یا نزول امر ویژه ای از سوی خداونـد جهت تأییـد حقانیت کتاب آسمانی خود بودند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

دلایل صداقت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب

شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

رحمت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۸ - ۲۱

۲۱- آیات الهی در قرآن و دیگر کتب آسمانی ، جلوه رحمت واسعه او است .

إذا تتلی علیهم ءایت الرحمن

استناد <آیات> به <رحمن> گویای برداشت یاد شده است. مضارع بودن <تتلی> دلالت دارد که وصف <النبیّن> و <من هدینا واجتبینا> در هر زمان، چنین اقتضایی دارد; بنابراین <آیات الرحمن> شامل قرآن نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۲ - ۶

۶- کتاب های آسمانی ، پیامدار رحمت برای خلق و دربردارنده منافع حقیقی آنان

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که قرآن نیز مانند تورات، امام و رحمت است و این دو بعد، مخصوص به کتاب موسی نیست; بلکه ویژگی تمامی کتاب های آسمانی است.

رسالت مبلغان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۸

۸ - ابلاغ گرانِ پیام های مکتوب خداوند ، رسولانی با عظمت و دارای رسالتی بزرگ

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

تعبیر <رسول من اللّه> بـا آن که <رسول اللّه> نیز مفـادی شبیه آن داشت ممکن است برای ابقای کلمه <رسول> بر نکره بودن باشد تا عظمت رسول و رسالت را برجسته سازد.

روش فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۸ – ۹

۹ – حدس و گمان در شناخت محتوای کتاب های آسمانی ، طریقی است نادرست و بی اعتبار .

لایعلمون الکتب إلا امانی و إن هم إلا یظنون

روشنگری کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۸ – ۸

۸ – کتاب های آسمانی ، روشنگر حقایق و آموزنده معرفت های درست است .

من یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

رهبری کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ انسانها ، باید کتاب های آسمانی را پیشوا و مقتدای خویش قرار دهند .

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

زبور از کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۳ – ۱۴

۱۴ حضرت داود (ع) از پیامبران پس از نوح (ع) و دارای کتابی از جانب خدا به نام زبور

و ءاتینا داود زبوراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۵ – ۹

۹- خداوند ، به داوود (ع) کتاب آسمانی < زبور > را اعطا کرد .

و ءاتینا داود زبورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۳

۳- زبور ، کتاب آسمانی نازل شده بعد از تورات

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

زمینه استفاده از کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۴ – ۳

۳ – داشتن خردناب و عقل سلیم ، شرط بهره جستن و تأثیر پذیرفتن از تعالیم پیامبران و کتاب های آسمانی (تورات و . . .)

هدًی و ذکری لأُولی الألبب

زمینه ایمان به کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۵ – ۲۵

۲۵ – باور به ربوبیت خدای یگانه ، مقتضی ایمان به همه کتاب های آسمانی است .

و قل ءامنت بما أنزل اللّه من کتب . .. اللّه ربّنا و ربّکم

زمینه فراموشی کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۵ – ۴

۴ – گذشت زمان و انقراض نسل های پیشین ، باعث از میان رفتن خاطرات پیامبران ، کتاب های آسمانی ، شرایع الهی و محروم شدن مردم عصر بعثت از آنها شد .

و لکنّا أنشأنا قرونًا فتطاول علیهم العمر

زمینه فهم کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳ – ۲

۲– بیداردلی و هوشمندی ، زمینه لازم برای فهم صحیح حقایق الهی و اثرپذیری از وحی و کتاب های آسمانی

ما یأتیهم . .. لاهیه قلوبهم

زمینه نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارك الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملك السموت و الأرض

سهولت فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم . .. بالکتب المنیر

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

شرایط نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۷

۷- دارا شدن مقام نبوت و کتاب آسمانی ، به سن و سال خاصی مقید نیست .

کیف نکلّم من کان فی المهد . .. قال إنّی عبداللّه ءاتینی الکتب و جعلنی نبیًّا

شرک ستیزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

شرک و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ – آیین شرک ، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصـدد بیان آخرین توجیهی است که مشـرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند; یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسـرار غیبی و اسـرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان

آن است.

شک در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - اهل کتاب زمان پیامبر (ص) ، نسبت به محتوای متون دینی خویش گرفتار تردید و بدبینی بودند .

و إنّ الذین أورثوا الکتب من بعدهم لفی شک منه مریب

<مریب> به شکی گفته می شود که آمیخته با بد گمانی و سوء ظن باشد.

ظلم دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷ - دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی ، عناصری هواپرست و ظالم

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه . .. إنّ اللّه لایهدی القوم الظلمین

عذاب کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۴

۴ - کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا . .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

عصیان از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۸

۸ پیروی نکردن از کتب آسمانی در صورت دسترسی نداشتن به محتوای آنها، عذری قابل پذیرش در پیشگاه خدا

و إن کنا عن دراستهم لغفلین

عظمت مبلغان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۸

۸ - ابلاغ گرانِ پیام های مکتوب خداوند ، رسولانی با عظمت و دارای رسالتی بزرگ

رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

رسول من

اللّه يتلوا صحفًا مطهّره

تعبير <رسول من اللّه> بـا آن كه <رسول اللّه> نيز مفـادى شبيه آن داشت ممكن است براى ابقاى كلمه <رسول> بر نكره بودن باشد تا عظمت رسول و رسالت را برجسته سازد.

عقيده به كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۵

۵ اقامه نماز ، زمينه ساز توانايى انسان بر تمسک به كتاب هاى آسمانى و پايبندى به محتواى آنهاست .

و الذين يمسكون بالكتب و أقاموا الصلوه

در بيان تمسک به كتاب از فعل مضارع اسـتفاده شده و در بيان اقامه نماز فعل ماضى به كار رفته است كه اين تفاوت تعبير مى تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

علماى دين و كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۴ - ۵

۵ نسخه هاى كتاب هاى آسمانى پيشين در عصر نزول قرآن ، محدود و تنها در اختيار علماى اديان بود .

فإن كنت فى شک مما أنزلنا إليک فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلک

عمل به كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۴

۴ - عالمـان به كتـاب هـاى آسـمانى و تلاوت كننـدگان آن ، داراى مسـؤوليت بيشـتر در عمـل كردن به كردار هـاى نيـک (دستورات كتاب هاى آسمانى)

و تنسون أنفسكم و أنتم تتلون الكتب

روشن است که هر کس دیگران را به نیکیها فرمان دهد و خود بدانها عمل نکند، سزاوار سرزنش است; چه از عالمان باشد یا از غیر آنان، بنابراین جمله حالیه <و

أنتم تتلون الکتاب> تأکیدی است در مورد عالمان کتابهای آسمانی و تلاوت کنندگان آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ - پایبندی به همه دستورات کتاب آسمانی ، وظیفه مؤمنان به آن کتاب است .

أفتؤمنون ببعض الکتب و تکفرون ببعض

۱۷ - نشانه ایمان به کتاب آسمانی ، عمل کردن به دستورات آن است .

أفتؤمنون ببعض الکتب

تفریع جمله <أفتؤمنون . ..> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <و إن یأتوکم ...> بیانگر برداشت فوق است; یعنی، از آن جا که شما به حکم تورات در صدد آزادسازی اسیران هستید، بر می آید که به این قسمت از تورات ایمان دارید; و از آن جا که همکیشان خود را بیرون می رانید، معلوم می شود به حرمت این کار - که در تورات آمده - کافرید. بنابراین عمل کردن به دستورات دین، نشانه ایمان و وانهادن آنها، به منزله کفر و نشانه آن است.

۱۸ - عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی ، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر شدن به آن است .

أفتؤمنون . .. و تکفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۸

۸ - پذیرش تعالیم و برنامه های کتاب های آسمانی و عمل به آنها ، از پیمان های خداوند با بندگان است .

و إذ أخذنا میثقکم . .. خذوا ما ءاتینکم بقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۶،۷،۱۸

۶ بپاداشتن کتب آسمانی و فرامین الهی در جامعه ،

موجب رفاه اقتصادی و بهره مند شدن از نعمت های الهی

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

۷ نقش برپایی کتب آسمانی در نزول باران و دیگر مواهب آسمانی و رویش گیاهان و دستیابی به دیگر نعمت های زمین

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل . .. لاکلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم

۱۸ تشکیل امت (جامعه هماهنگ) شرط لازم برای برپایی کتب آسمانی و احکام الهی

و لو انهم اقاموا التوریه . .. منهم امه مقتصده

یاد کردن از متعهدان به کتب آسمانی با کلمه <امه> می تواند اشاره به این باشد که موفقیت آنان رهین هماهنگیشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲،۴،۶

۲ اهل کتاب مردمی بی اعتنا به کتب آسمانی خویش و رویگردان از اقامه احکام و معارف آن *

لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل

۴ پایبندی به کتاب های آسمانی و ادیان الهی نه مجرد انتساب به آن ، تعیین کننده ارزشمندی جوامع

یاهل الکتب لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل

مخاطب قرار دادن یهود و نصارا با عنوان اهل کتاب و سپس تعیین ملاک ارجمندی یعنی پایبندی به کتب آسمانی، اشاره به این است که صرف انتساب به دین و آیین الهی کارساز نیست، بلکه پایبندی به آن موجب ارجمندی خواهد شد.

۶ لزوم برپاداشتن همه جانبه کتب آسمانی و دیگر فرامین الهی و محور قرار دادن آنها در جوامع

لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیکم من ربکم

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۴ – ۵

۵ خداترسان با به کار بستن پیام های آسمانی ، مشمول رحمت خدا خواهند شد .

و فی نسختها هدی و رحمه للذین هم لربهم یرهبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۰ – ۵

۵ اقامه نماز ، زمینه ساز توانایی انسان بر تمسک به کتاب های آسمانی و پایبندی به محتوای آنهاست .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه

در بیان تمسک به کتاب از فعل مضارع استفاده شده و در بیان اقامه نماز فعل ماضی به کار رفته است که این تفاوت تعبیر می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

عمل ناپسند مکذبان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۶

۶– کافران منکر حقانیت کتاب های آسمانی و استهزا کننده پیامبران ، دارای اعمال زشت متعددی بودند .

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

عمومیت کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۲

۲ – خداوند ، برای تمامی انسان ها ، کتاب آسمانی فرستاده است .

الذین أُوتوا الکتب

تفاوتی که تعبیر <الـذین اُوتوا الکتاب> با تعبیر <أهل الکتاب> دارد، ناظر به اختلاف مصادیق آنها است. <أهل الکتاب> که اصـطلاح خاصـی است تنهـا بر یهـود و نصـارا و یـا به ضـمیمه صابئـان و مجوسـیان اطلاـق می گردد; ولی <الـذین اُوتـوا الکتاب> که عنوان گروه مشخصی نیست بر همه کسانی صادق است

که رسولان الهی، پیام خداوند را به آنان رسانده اند; گرچه مشرک یا بی دین باشند.

عوام یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۴

۴ - عوام یهود ، خیالات واهی و نسبت داده شده به تورات را به عنوان کتاب آسمانی و دستورات الهی پذیرفته بودند .

لایعلمون الکتب إلا امانی

<امانی> (جمع امنیه) به معنای خیالات واهی و دروغهای بافته شده است. استثنا در جمله فوق، استثنای منقطع است. بنابراین <لا یعلمون ...>; یعنی، عوام یهود به محتوای تورات آگاهی ندارند، بلکه خیالات واهی و مطالب دروغین را به عنوان کتاب می شناسند.

عوامل کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۶

۶ - گرایش انسان ها به شرک و پرستش غیر خدا ، از عوامل وادار کننده آنان به کتمان حقایق دینی و معارف کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. و إلهکم إله وحد لا إله إلا هو

عوامل نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۵

۵ ربوبیت الهی ، مقتضی فرستادن کتاب و راهنمایی مردم به وسیله آن است .

قد جاءکم الحق من ربکم فمن اهتدی

فاقدان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۰ - ۶

۶ - مذاهب شرك ، فاقد كتاب آسمانى و دلیل نقلى معتبر از ناحیه خداوند بر اثبات درستى خویش

قل أرءیتم . .. أم ءاتینهم كتبًا

فهم علی بیّنت منه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۷ - ۲

۲ - مشرکان ، فاقد دلیل و کتاب آسمانی بر درستی عقاید خویش اند .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۷ - ۱

۱ - آیین شرک ، فاقد کتاب آسمانی و بی ارتباط با عالم غیب

أم عندهم الغیب فهم یکتبون

این آیه، درصدد بیان آخرین توجیهی است که مشرکان، می توانند برای درستی آیین خود ارائه دهند; یعنی، آنان ادعا کنند که با عالم غیب ارتباط برقرار کردند و حقایق و اسرار غیبی و اسرار غیبی را مکتوب داشتند. بر این اساس ارتباط با عالم غیب نشانه درستی هر آئینی است و ناتوانی از آن، علامت بطلان آن است.

فضایل متقین در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۹

۹- تقوا ، از ارزش های برتر است و تقواپیشگان از فضیلت و شرافت ویژه در تمامی کتاب های آسمانی و ادیان توحیدی برخوردارند .

ضیاءً و ذکرًا للمتّقین

از این که متّقین غایت و هدف نزول کتاب آسمانی موسی و هارون و دریافت نور و هدایت الهی قرار گرفته اند و قرآن نیز که مسأله تقوا را از محورهای آموزه های خود قرار داده است، به دست می آید که تقوا در همه ادیان توحیدی دارای جایگاه ویژه و برتر بوده است.

فلسفه تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۱۰

دستیابی به متاع دنیا ، از هدف های یهود و نصارا در کفر به قرآن و انکار حقایق تورات و انجیل

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

کلمه <آیـاتی> علاوه بر قرآن، شامل حقایق بیان شده در تورات و انجیل نیز هست. گویا آوردن اسم ظاهر (آیاتی) به جای ضمیر <به>، برای تأمین این هـدف باشـد. قابل ذکر است که چون سـخن درباره ایمان به قرآن بود، مصـداق مورد نظر برای <آیاتی> حقایقی از تورات و انجیل است که دلیل بر حقانیت قرآن می باشد.

فلسفه نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۸

۸ - دستیابی انسان ها به هدایت ، هدف از نزول کتاب های آسمانی است .

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۰

۱۰ - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است .

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۹

۹ رسیدن انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی بر ایشان است .

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۸ - ۸

۸ – دستیابی به محتوای کتاب های آسمانی وظیفه ای

بر عهده همگان

منهم أميون لايعلمون الكتب

لحن آيه، گوياى سرزنش كسانى است كه از محتواى كتاب آسمانى خويش اطلاعى ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۴ - ۱۱

۱۱ قابل فهم بودن كتب آسمانى و حجيّت ظواهر آن

جاءو بالبيّنات و الزّبر و الكتب المنير

اگر كتب آسمانى قابل فهم نباشد، نه روشن خواهد بود و نه روشنگر، و آنگاه كه قابل فهم باشد، ظاهر آن براى مكلّفين حجت است.

قاريان كتب آسمانى در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۴ - ۴

۴ وجود عالمان دين و قاريان كتاب هاى آسمانى در عهد نزول قرآن

فإن كنت فى شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرءون الكتب من قبلك

قبول كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۸

۸ - پذيرش تعاليم و برنامه هاى كتاب هاى آسمانى و عمل به آنها ، از پيمان هاى خداوند با بندگان است .

و إذ أخذنا ميثقكم . .. خذوا ما ءاتينكم بقوه

قرآن از كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۳ - ۱۴

۱۴ - آسمانی بودن قرآن حتی در نظر مخالفان رسالت ، امری روشن بود .

إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۱

۱ قرآن ، کتابی فرو فرستاده شده از جانب خداوند بر پیامبر (ص)

و انزلنا إلیک الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲ - ۱

۱ قرآن، کتابی است آسمانی، باعظمت و نازل شده بر پیامبر(ص)

کتب أنزل إلیک

کلمه <کتاب> نکره است و اشاره به عظمت قرآن دارد و توصیف آن به <أنزل> بیانگر آسمانی بودن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۳،۱۱

۳ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر اسلام (ص) است .

و ما کان هذا القرءان أن یفتری من دون اللّه

۱۱ قرآن ، کتابی است الهی .

من رب العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳ - ۷

۷ قرآن ، نام کتاب آسمانی پیامبر (ص)

بما أوحینا إلیک هذا القرءان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۶ - ۴

۴ - قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از جانب خداوند

قد کانت ءایتی تتلی علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۰ – ۳

۳ – قرآن ، کتابی آسمانی و نازل شده از سوی خداوند

بل أتینهم بالحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۱ – ۲

۲ – قرآن ، کتاب آسمانی و وحی الهی به پیامبر (ص)

و الذی أوحینا إلیک من الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱ – ۱

۱ – قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

تنزیل الکتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن

قرآن با آن که ادعای آورنده آن (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری .

إنّا أنزلنا إليك الكتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۱ - ۱

۱ - قرآن ، کتابی الهی و آسمانی است ; نه بشری

إنّا أنزلنا عليك الكتب

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بود می تواند به این خاطر باشد که تمامی مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲ - ۱

۱ -قرآن ، کتابی نازل شده از جانب خداوند است ; نه دستاورد بشر .

تنزيل الكتب من اللّه

تصریح و تأکید خداوند بر الهی بودن قرآن با آن که ادعای آورنده اش (پیامبراسلام) نیز همین بوده است می تواند به این خاطر باشد که مخالفان اسلام، این کتاب را بشری و ساخته و پرداخته پیامبر(ص) می دانستند.

قرآن در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷۸

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل

و تکتموا الحق

۸ - بنی اسرائیل عصر بعثت ، با تحریف در کتاب های آسمانی خویش ، در صدد کتمان بشارت ها و نشانه های حقانیت قرآن بودند .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

برخی برآنند که مراد از <الباطل> تحریفهای لفظی و معنوی است که عالمان بنی اسرائیل در کتابهای آسمانی خویش ایجاد می کردند تا نشانه های حقانیت قرآن و اسلام از آن آشکار نشود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲ - نزول قرآن بر شخص پیامبراکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنّه لفی زبر الأوّلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۳ - ۸

۸ - وجود

وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من قبله مسلمین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را، تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۷

۷- وجود قرینه هایی در متن تورات ، بر حقانیت قرآن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

مترتب شدن ایمان به قرآن، بر ایمان به تورات و آیین موسی، ممکن است از آن جهت باشد که در تورات، قرینه هایی بر حقانیت قرآن وجود داشته است.

قرآن و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۴

۴ - قرآن تصدیق کننده حقانیت کتاب های آسمانی بنی اسرائیل (تورات ، انجیل و . . .)

ءامنوا بما أنزلت مصدقاً لما معکم

مراد از <ما>ی موصوله در <لما معکم>: کتابهای آسمانی بنی اسرائیل است که تورات و انجیل از مصداقهای بارز و مورد نظر آن می باشد. تصدیق (مصدر مصدّقاً) نسبت دادن صدق و درستی به کسی یا چیزی است. بنابراین <مصدقاً لما معکم>; یعنی: قرآن کتابهای آسمانی شما را، راست و درست می داند و حقانیت آنها را تصدیق می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۰،۱۵

۱۰ قرآن ، تأییدکننده سایر کتاب های آسمانی (همانند تورات و انجیل)

مصدقاً لما بين يديه

و انزل التوریه و الانجیل

۱۵ قرآن ، دلیلی برای حقانیّت کتب آسمانی گذشته (همانند تورات و انجیل) است . *

مصدقاً لما بین یدیه و انزل التّوریه و الانجیل

چون در تورات و انجیل، بشارت به نزول قرآن داده شده، طبعاً نزول آن، گواه راستی و صحت آن کتب خواهد بود ; و این احتمالی است برای مصدّق بودن قرآن نسبت به دیگر کتب آسمانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۶،۹

۶ وجود قرآن ، گواه راستی و درستی کتب آسمانی پیشین

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

با در نظر گرفتن اینکه کتابهای آسمانی به آمدن قرآن نوید داده بودند، لذا نزول قرآن دلیل حقانیت آنها خواهد بود.

۹ عظمت و ارزش برتر قرآن نسبت به دیگر کتاب های آسمانی

و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً . .. و مهیمناً علیه

حفاظت و نگهبانی از کتابهای آسمانی که به عهده قرآن گذارده شده است، نشانه برتری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۹ - ۷

۷ شرافت و برتری قرآن ، بر دیگر کتب آسمانی *

ءامنا باللّه و ما أنزل الینا و ما أنزل من قبل

تقدیم <ما انزل الینا> بر <ما انزل من قبل> علی رغم تقدم زمانی کتب آسمانی گذشته می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۶،۸

۶ قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ،

انجیل و . . .)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

۸ قرآن ، شرح و تفصیل کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) است .

و تفصیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۸،۱۰

۸ قرآن تصدیق کننده و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

<تصدیق> مصدر است و به معنای اسم فاعل تصدیق کننده می باشد. این کلمه به وسیله <لکن> بر <حدیثاً> عطف شده است.

۱۰ قرآن ، دلیل راستی و درستی کتاب های آسمانی پیشین است .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

تصدیق کتابهای آسمانی پیشین از سوی قرآن می تواند به این معنا باشد که: نزول قرآن موجب شد ، اخبار و پیشگوییهای آن کتابها مبنی بر آمدن قرآن تحقق یابد. از این رو نزول قرآن خود دلیلی برای اثبات راستی و درستی آن کتابهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۵

۵ - قرآن ، تصدیق و تأیید کننده کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

مصدّقًا لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳ - هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

كذلك يوحى إليك و إلى الذين من قبلك

برداشت ياد شده، بر اين اساس است كه <كذلك> اشاره به محتواى وحى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بينه - ۹۸ - ۳ - ۴

۴ - قرآن

، حاوی معارف کتاب های آسمانی گذشته است . *

یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه

کافران صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۹

۹ - کافران عصر بعثت ، از محتوای کتاب های آسمانی پیشین آگاه بودند .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

کافران و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۴

۴- کافران دوران های قبل از اسلام در برخورد با کتاب آسمانی خویش ، مثل کافران صدراسلام عمل می کردند .

هل ینظرون إلّا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم

کتب آسمانی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷ - نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوّه و الکتب

کتب آسمانی امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵ - بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش ; حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن . .. منفکّین ... حتّی تأتیهم البیّنه ... و ما تفرّق... إلاّ من بعد ما جاء

کتب آسمانی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر -

۸ - ۲۵ - ۳۵

۸ - برخی از رسولان الهی ، دارای کتاب آسمانی بودند .

جاءتهم رسلهم . .. بالکتب المنیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱،۵

۱ - خداوند ، با فرستادن رسولی که مکتوباتی منزّه و به دور از انحراف را بر مردم بخواند ، بر آنان اتمام حجت می کند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

۵ - اتمام حجت بر تمام مردم ، با ارسال پیامبری همراه با کتاب آسمانی ، سنّت تخلّف ناپذیر خداوند است .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

کتب آسمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، حاوی بشارت به نزول قرآن و نشانه های حقانیت آن است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۴ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی بنی اسرائیل ، توبیخ کننده مبلغان و ارشادگران بی عمل

أتأمرون الناس . .. و أنتم تتلون الکتب

چون جمله حالیه <و أنتم تتلون الکتاب> (در حالی که شما کتاب]تورات یا انجیل [را تلاوت می کنید) به عنوان دلیل نکوهش و مذمت ارشاد کنندگان بی عمل مطرح شده، معلوم می شود: در کتابهای آسمانی بنی اسرائیل بر ناروایی چنین کرداری تأکید شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۶۳ - ۴

۴ - تورات کتابی است از جانب خداوند و عطا شده به بنی اسرائیل

خذوا ما ءاتینکم

مراد از <ما>ی موصوله در <ما آتیناکم> تورات است.

کتب آسمانی پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۶

۶ اعطای کتاب آسمانی به امت های پیش از اسلام

و لقد وصینا الذین اوتوا الکتب من قبلکم

کتب آسمانی در اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۴ - ۱

۱ آگاهی ناقص دانشمندان اهل کتاب به کتب آسمانی خویش

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب

ظاهراً <من> برای تبعیض است و <من الکتاب>، وصف برای <نصیباً> است. یعنی بهره آنان تنها نسبت به بخشی از کتاب است.

کتب آسمانی در دوران مریم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - آمدن کتاب های آسمانی متعدد تا عصر حضرت مریم (س)

و صدّقت بکلمت ربّها و کتبه

کتب آسمانی قبل از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ نزول کتاب آسمانی بر دو طایفه غیر عرب (یهود و نصارا) قبل از نزول قرآن

إنما أنزل الکتب علی طائفتین من قبلنا

کتب آسمانی نسل ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷ - نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوّه و

الکتب

کتب آسمانی نسل نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۶ - ۷

۷ - نسل های پس از نوح و ابراهیم (ع) ، هیچ گاه از کتاب آسمانی محروم نبوده اند .

و جعلنا فی ذرّیّتهما النبوّه و الکتب

کتب آسمانی و خرافات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

کتب آسمانی و عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۸ - ۶

۶ - معارف متکی بر برهان های عقلی ، الهامات ربانی و کتاب های آسمانی ، تنها معارف شایسته اعتقاد و ارزشمند در بینش قرآنی

و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر

در آیه یاد شده معرفت های قابل اعتماد و شایسته دفاع معارفی است که از یکی از سه راه ذیل به دست بیاید: <علم> <هدایت> و <کتاب>. به نظر می رسد که مراد از <علم> معرفت هایی است که از راه براهین عقلی و مقصود از

<هدایت> دریافت هایی است که از طریق رؤیت قلبی و الهامات درونی و منظور از <کتاب منیر> حقایقی است

که به وسیله شنیدن از رسولان الهی و مراجعه به کتاب های آسمانی به دست می آید.

کتب آسمانی و قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۳

۳ کتاب های آسمانی پیشین ، سند زنده ای برای اثبات حقانیت و الهی بودن آیات قرآن کریم

فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلک

تذکر این نکته لازم است که مراد از کتابهای آسمانی پیشین، کتابهایی است که دست تحریف، آنها را دگرگون نکرده است.

کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۷

۷ - کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، از گناهان بزرگ است .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۴

۴ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۲

۲ - کتمان معارف و احکام دین و حقایق کتاب های آسمانی ، کفرپیشگی است .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار

آوردن جمله <إن الذين كفروا . ..> پس از <إن الذين يكتمون> - بدون حرف فاصله ای همانند واو - گویای این است که: <الذین کفروا> همان کتمان کنندگان هستند و یا کتمان کنندگان از مصادیق کفرپیشگان می باشند. به هر تقدیر این معنا که کتمان حقایق دینی

کفر است، از ارتباط دو آیه به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۲ – ۴

۴ – کتمان کنندگان احکام و معارف دین و حقایق کتب آسمانی ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا . .. خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۴

۴ – تناول از منافع به دست آمده از دین فروشی و کتمان معارف کتاب های آسمانی ، در حقیقت خوردن آتش و پرکردن شکم از آن است .

و یشترون به ثمناً قلیلا أولئک ما یأکلون فی بطونهم إلا النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۶ – ۲،۴

۲ – ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتمون . .. و یشترون ... ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> – که از جمله <یکتمون . ..> به دست می آید – داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک]الکتمان[بأن اللّه نزل الکتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قلیلا در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری

مایه کتمان آن حقایق می شود.

۴ – کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۲

۲ – دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۶ – ۴

۴ – کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

کفر به کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۱ – ۹

۹ – بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۱۸

۱۸ – عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی ، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر

شدن به آن است .

أفتؤمنون . .. و تکفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرك و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۶ – ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی

، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراك از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

کیفر اخروی مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ -

۳ - ۱۱۱

۳ انکار کنندگان کتاب های آسمانی ، به کیفر و مجازات اخروی گرفتار خواهند شد .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

قابل ذکر است که مفسران درباره کلمه <لما> و معنا و جایگاه آن در آیه شریفه، سخنان بسیاری دارند. علاقه مندان را به کتابهای مفصل تفسیری و ادبی ارجاع می دهیم. آنچه به نظر تکلفی ندارد این است که <لمّا> شرطیه است و فعل آن محذوف می باشد کلام با تقدیر آن چنین می شود: إنّ کلاًّ لما أتتهم الساعه لیوفینّهم.

کیفر اعراض از کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب ... فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

کیفر تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

کیفر کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۲

۲ - کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند

، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب . .. لهم عذاب أليم

کیفر مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۳

۳- منکران حقانیت کتاب های آسمانی ، گرفتار عذاب شدند .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئ

گمراهی کتمان کنندگان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۱

۱ - دین فروشان و کتمان کنندگان احکام و معارف کتاب های آسمانی ، ضلالت پیشه و به دور از هدایتند .

أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی

گناه کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۱۰۸

۱ - کتمان معارف و احکامی که خدا نازل کرده و در کتاب های آسمانی ثبت شده ، از گناهان بزرگ است .

إن الذين يكتمون ما أنزل اللّه من الكتب . .. لهم عذاب أليم

۸ - عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذين يكتمون ما أنزل اللّه من الكتب

گناه کتمان

کنندگان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه . .. لایزکیهم

گواهان حقّانیت کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۲ – ۵

۵ قرآن، گواه صدق کتب آسمانی گذشته است.

مصدق الذی بین یدیه

گواهی کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۰ – ۳

۳ کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(ص)

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاًـ منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهدی بر حقانیت پیامبر(ص) هستند.

محمد(ص) در کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۶ – ۳

۳ - اهل کتاب در انطباق ویژگی های پیامبر موعود بر پیامبر اسلام ، هیچ تردیدی نداشتند .

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲،۳،۴

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أی شیء أکبر شهده . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

كما يعرفون أبناءهم

۳ کتب آسمانی پیشین مشتمل بر گواهی خداوند بر حقانیت پیامبر(ص)

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

چون در آیه قبل شهادت خداوند مطرح شده و قرآن نیز به عنوان شاهد ذکر گردیده و در پی آن از آشنایی اهل کتاب با پیامبر(ص) سخن رفته است، می توان دریافت که اولاً ـ منبع آگاهی آنان کتب آسمانی بوده و ثانیاً آن کتب نیز شاهدی بر حقانیت پیامبر(ص) هستند.

۴ خداوند حجت را بر اهل کتاب در مورد رسالت پیامبر(ص) به وسیله کتب آسمانی آنان تمام کرده است.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

با توجه به اینکه منبع و منشأ شناخت اهل کتاب به پیامبر(ص) تورات و انجیل بوده و آنها منکر رسالت آن حضرتند، پس تورات و انجیل وسیله اتمام حجت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۲

۲ - نزول قرآن بر شخص پیامبراکرم (ص) یاد شده در کتاب های آسمانی پیشین

و إنّه لفی زبر الأوّلین

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۲

۲ – وجود اطلاعاتی در کتاب های آسمانی پیشین درباره پیامبراسلام

و قال الذین کفروا لن نؤمن بهذا القرءان و لا بالذی بین یدیه

احتمال دارد غرض کافران از اعلام عدم ایمان به کتاب های پیشین، به خاطر وجود اطلاعاتی درباره پیامبراسلام باشد.

محمد(ص) و کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۳ – ۱۳

۱۳ وجود نشانه های صدق پیامبر (ص) در تورات *

اگر چنین نشانه هایی در تورات نبود، دعوت به حکمیت تورات برای رفع اختلاف در مورد دعوت پیامبر اسلام (ص)، صحیح نبود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۱ – ۱۱،۲۳

۱۱ پیامبر اکرم (ص) ، تصدیق کننده انبیا و کتب الهی گذشته

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم

بنابراینکه مراد از <رسول>، پیامبر اکرم (ص) باشد.

۲۳ پیامبر اسلام (ص) ، تصدیق کننده انبیا و کتب آسمانی پیش از خود

ثمّ جاءکم رسول مصدّق لما معکم

امام صادق (ع): . .. <ثمّ جاءکم رسول مصدّق لما معکم>، یعنی رسول اللّه (ص).

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۴۷، ذیل آیه ۱۷۲ اعراف ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۸، ح ۲۱۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۵

۵ اطلاع پیامبر (ص) از حقایق کتب آسمانی گذشته

رسولنا یبین لکم کثیراً مما کنتم تخفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱

۳ -

۳ - پیامبر (ص) ، به تعالیم کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل) آگاهی داشته است .

و لا بالذی بین یدیه

تعبیر از کتاب های پیشین آسمانی به <الذی بین یدیه> حکایت از آگاهی پیامبراسلام(ص) از آنها داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۵۲ - ۷

۷ - پیامبراکرم (ص) ، پیش از نزول وحی با کتاب های آسمانی و مفاهیم قرآن هیچ آشنا نبود .

ما کنت تدری ما الکتب و لا الإیمن

مخاطبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۳

۳ - همه مردم ، مخاطبان کتب آسمانی و موظف به فراگیری معارف و احکام آن هستند .

من بعد ما بینه للناس

مردم صدر اسلام و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ - آگاهی مردم عصر بعثت ، به سابقه داشتن بعثت و نزول کتاب از سوی خداوند

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

مسلمان در کتب آسمانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۷۸ – ۱۶

۱۶ – < مسلمان > ، نام امت پیامبر در کتاب های آسمانی پیشین و قرآن

هو سمّیکم المسلمین من قبل و فی هذا

مسلمانان و کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۴،۶

۴ مسلمانان به خاطر ایمانشان به کتب آسمانی ، دوستدار همه پیروان ادیان الهی

ها

انتم اولاء تحبّونهم و لا یحبّونکم و تؤمنون بالکتب کلّه

بنابر اینکه <تؤمنون>، علّت برای <تحبونهم> باشد.

۶ مسلمانان ، مؤمن به تمامی کتب آسمانی

و تؤمنون بالکتب کلّه

اگر چه <کتاب> به لفظ مفرد آمده، ولی به معنای جمع است; چون الف و لام آن برای جنس است.

مصونیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۲۸ - ۴

۴ - وحی و کتاب های آسمانی در ایام بعثت پیامبران ، مصون از تحریف و دستبرد بود .

لیعلم أن قد أبلغوا رسلت ربّهم

مکذبان انبیا در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶

۶ خداوند ، حیات دنیا را عرصه داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای

انسانهـا و سپری کردن حیـات دنیوی است. آیـاتی نظیر <و لکم فی الأرض مسـتقر و متاع إلی حین; شـما انسانها تا مـدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مسـتقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶.> گویای آن تقدیر و کلمه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۱ – ۱

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . .. و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <کلاًّ> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسـمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . .. لقضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

ملاک بهترین کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۸

۸ – هدایت بخش تر بودن ، از معیار های الهی برای گزینش برترین کتاب آسمانی

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

ملاک کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۱۲

۱۲– وجود نشانه های شرک در هر متن ، دلیل آسمانی نبودن آن

ائتونی بکتب من قبل هذا

از اظهار قاطع قرآن، به این که کتاب های آسـمانی به دور از تبلیغ شـرک است; این نتیجه به دست می آید که هرگاه اثری از شرک در کتابی دیده شد، باید اذعان داشت که دست

تحریف گران در آن راه یافته است.

ممانعت از ایمان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۵

۵ - بازداری مردم از درک معارف و حقایق کتاب های آسمانی و ایمان به آنها ، فسادانگیزی است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا

ممانعت از فهم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۵

۵ - بازداری مردم از درک معارف و حقایق کتاب های آسمانی و ایمان به آنها ، فسادانگیزی است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا

منشأ تعالیم کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۸

۸ - معارف والای کتاب های آسمانی ، برخاسته از حکمت گسترده و عزت خداوندی است .

یوحی إلیک . .. العزیز الحکیم

ذکر صفت عزت و حکمت برای خداوند و ارتباط صدر و ذیل آیه، بیانگر برداشت یاد شده است.

منشأ تکذیب کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۰ - ۱

۱ - تکذیب کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، برخاسته از روح ستیزه جویی و حق ناپذیری است .

ألم تر إلی الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب و بما أرسلنا به رسلنا

جمله <الـذین کـذّبوا بالکتاب . ..> بـدل برای <الذین یجادلون...> می باشد. در واقع تکذیب کنندگان همان مجادله گران اند که از سر لجاجت به تکذیب آیات الهی می پردازند.

منشأ عذاب مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۹

نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۴

۴- گرفتار شدن به عذاب ، در پی انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، دستاورد خود منکران است .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئ

منشأ کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۲

۲ خداوند ، اعطا کننده کتاب آسمانی به پیامبران خویش

و لقد ءاتینا موسی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۰ - ۶

۶- اعطای کتاب آسمانی و مقام نبوت ، به دست خداوند است .

ءاتینی الکتب و جعلنی نبیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴ - ۳

۳ - لوح محفوظ ، < اُمّ الکتاب > (ریشه و اصل کتاب های آسمانی) است .

و إنّه فی أُمّ الکتب لدینا

<ال> در <اُمّ الکتاب>، <ال> جنس و مفید استغراق است; یعنی، مادرِ همه کتاب ها.

منشأ نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۵ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی نزول وحی و کتاب آسمانی

أُنزل إلیکم من ربّکم

موانع عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۴

۲۴ هراس از مردم ، مانعی در عمل به احکام و مقررات کتب آسمانی

یحکم بها . .. فلاتخشوا الناس

موانع کتمان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳

۵ - باور به یگانگی خدا ونبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. و إلهکم إله وحد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

موسی(ع) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

مؤمنان به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۵

۵ - کسانی از یهود و نصارا به کتاب آسمانی خویش ایمان دارند که از آن به خوبی وشایستگی پیروی می کنند .

الذین ءاتینهم الکتب یتلونه حق تلاوته أولئک یؤمنون به

در برداشت فوق، ضمیر <به> به <الکتاب> - که مقصود از آن تورات و انجیل است - برگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۶

۶ خداوند ، حیات دنیا را عرصه

داوری خویش میان گروندگان به کتاب های آسمانی و منکران آنها ، قرار نداده است .

لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

مراد از <کلمه> امری است که خداوند مقدر کرده و آن بقای انسانها و سپری کردن حیات دنیوی است. آیاتی نظیر <و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین; شما انسانها تا مدتی (تا سپری شدن حیات دنیا) در زمین مستقر خواهید بود و از اسباب معیشت بهره خواهید برد. بقره/۳۶.> گویای آن تقدیر و کلمه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۱،۲

۱ خداوند در قیامت ، میان مؤمنان به کتاب های آسمانی و انکار کنندگان آن قضاوت خواهد کرد .

و لولا کلمه سبقت . .. و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <کلاًّ> به قرینه <فاختلف فیه> در آیه قبل مؤمنان به کتابهای آسمانی و انکار کنندگان آن است و به قرینه <لولا . .. لقضی بینهم> معلوم می شود که خداوند در صحنه قیامت، پیش از پاداش دهی و به کیفررسانی، میان انسانها داوری خواهد کرد.

۲ مؤمنان به کتاب های آسمانی ، در قیامت به پاداش کامل کردار خویش دست خواهند یافت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <أعمالهم> کیفر و پاداش اعمال می باشد. بنابراین <إنّ کلاًّ ...>; یعنی ، همانا پروردگارت پاداش و کیفر اعمال همگان را به طور کامل پرداخت خواهد کرد.

نامهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۴

۴ - ذکر ، از نام های قرآن و دیگر کتاب

های آسمانی

فالملقیت ذکرًا

نزول کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۳ - ۱۷

۱۷ سلامت کتاب های آسمانی در سیر نزول ، از نفوذ تحریف و باطل

و انزل معهم الکتاب بالحق

بنابراینکه <بالحق>، متعلّق به <انزل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۶

۶ نزول قرآن ، تدریجی و نزول دیگر کتب آسمانی ، دفعی و یکباره بوده است .

و الکتب الذی نزل علی رسوله و الکتب الذی أنزل من قبل

برخی از مفسران همانند زمخشری برآنند که <نزل> در مورد نزول تدریجی و <انزل> در مورد نزول دفعی به کار گرفته می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ نزول کتب آسمانی و تعالیم الهی ، نمودی از ربوبیت خداوند نسبت به بندگان

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

گزینش کلمه <رب>، مبین ارتباط نازل کردن کتب آسمانی با ربوبیت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۶ - ۵

۵ - نزول کتاب از سوی خدا برای مردم ، نمود رحمت الهی بر آنان است .

و ما کنت ترجوا

أن يلقى إليك الكتب إلّا رحمه من ربّك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵ – ۵

۵- نزول كتاب و فرستادن رسولان از سوى خداوند براى بشر ، ديرينه و داراى سابقه طولانى

إنّا كنّا مرسلين

ديرينگى نزول كتاب و فرستادن رسولان از عبارت <كنّا. ..> استفاده مى شود. در اين صورت پيام آيه شريفه، نفى استبعاد نسبت به نزول قرآن است; يعنى، اين تنها قرآن نيست كه از سوى ما فرود آمده است; بلكه از دير زمان نظير آن را فرو فرستاده ايم.

نزول كتب آسمانى بر انبيا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵ – ۲

۲ – فرشتگان ، ابلاغ كننده وحى و كتاب هاى آسمانى به رسولان

فالملقيت ذكرًا

مقصود از <ذكر>، وحى و كتاب هاى آسمانى است و اطلاق ذكر بر اين معنا، در قرآن بسيار است.

نزول كتب آسمانى در شب قدر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۵ – ۶

۶- شب قدر ، شب نزول كتاب هاى آسمانى پيشين بر پيامبران *

إنّا أنزلنه فى ليله مبركه . .. إنّا كنّا مرسلين

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه عبارت <إنّا كنّا. ..> به مجموع <إنّا أنزلناه فى ليله مباركه> نظر داشته باشد; يعنى، ما قرآن را در شب قدر، نازل كرديم و اين امر در مورد كتاب هاى آسمانى پيشين نيز تحقق يافته است.

نسخه های کتب آسمانی در صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۹۴ – ۵

۵ نسخه

های کتاب های آسمانی پیشین در عصر نزول قرآن ، محدود و تنها در اختیار علمای ادیان بود .

فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب من قبلک

نعمت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی و اسباب هدایت انسان ها ، از نعمت های بزرگ خداوند برای بنی اسرائیل

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۶ - ۶

۶ - برخورداری از حکومت الهی ، موهبتی والا همچون برخورداری از کتاب آسمانی و نبوت

و لقد ءاتینا بنی إسرءیل الکتب و الحکم و النبوّه

در صورتی که <الحکم> نظر به حکومت داشته باشد; از این که در زمره کتاب و نبوت به عنوان موهبتی الهی برای بنی اسرائیل معرفی شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

نقش اخروی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۱،۱۲

۱۱ - داوری خداوند در قیامت ، درباره هر امت ، براساس کتاب آسمانی آنان است . *

کلّ أمّه تدعی إلی کتبها

در صورتی که مراد از <کتاب> در <کتابها> کتاب آسمانی ویژه هر امت باشد; از دعوت شدن آنان به سوی کتاب آسمانی شان برداشت بالا استفاده می شود.

۱۲ - گروه بندی امت ها در قیامت ، براساس کتاب آسمانی ویژه آنان خواهد بود . *

و ترى كلّ أمّه جاثيه كلّ أمّه تدعى إلى كتبها

در صورتى كه مراد از <كتاب> كتاب آسمانى باشد; از فراخوانده شدن

هر امت به کتاب خویش، استفاده می شود که انسان ها براساس کتاب آسمانی خویش، در قیامت گروه گروه خواهند شد.

نقش کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۳ - ۸

۸ - دستیابی انسان ها به هدایت ، هدف از نزول کتاب های آسمانی است .

و إذ ءاتینا موسی الکتب و الفرقان لعلکم تهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۰،۱۳

۱۰ - نیل انسان ها به تقوا و پرهیزشان از عقاید ناصواب و اعمال ناروا ، از اهداف نزول کتاب های آسمانی است .

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه لعلکم تتقون

۱۳ - فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اعمال بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۷،۱۱

۷ - کتاب آسمانی هر امت ، باید مرجع عقاید و باور های دینی آنان باشد .

و هم یتلون الکتب

۱۱ - امت ها ، بدون داشتن کتاب آسمانی و تدین به ادیان الهی ، مردمی جاهلند .

کذلک قال الذین لایعلمون مثل قولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۱

۱ - کتاب های آسمانی ، حاوی احکام و معارف دینی و در بردارنده دلایلی روشن بر حقانیت آنها

ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ -

بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذین یکتمون . .. أولئك الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۱ - ۱۶

۱۶ خداوند به وسیله < کتاب > و < حکمت > ، مردم را موعظه می کند .

و ما انزل علیکم من الکتاب و الحکمه یعظکم به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۷

۷ پیام های الهی ، بیانگر راه ایجاد وحدت

من بعد ما جاءهم البیّنات

به مناسبتِ بحث اختلاف و تفرقه، مراد از <بیّنات>، پیامهای وحدت آفرین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۶

۶ هدایت و تربیت تمامی انسان ها ، هدف از بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی

یأیها الناس قد جاءکم الرسول بالحق من ربکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۱۱،۱۸،۲۳،۲۸

۱۱ قضاوت و حکومت بر مبنای کتب آسمانی ، جاری ساختن نور و هدایت در جامعه است .

فیها هدی و نور یحکم بها النبیون . .. و الربنیون و الاحبار

یـادآوری قضـاوت پیـامبران بر اسـاس تورات، پس از توصـیف آنـان به هـدایتگری و نورانیت، بیانگر آن است که پیاده کردن احکام آن در جامعه، موجب هدایت و نورانیت مردمان خواهد شد.

۱۸ محور قرار دادن کتب آسمانی در قضاوت ها ،

شهادت بر حقانیت آنهاست .

یحکم بها النبیون . .. بما استحفظوا من کتب اللّه و کانوا علیه شهداء

۲۳ ترس از مردم در قضاوت بر اساس کتاب های آسمانی ، ناروا و مورد نهی خداوند

یحکم بها . .. فلاتخشوا الناس

۲۸ خشیت از خداوند (ترس برخاسته از عظمت او) ، وادار کننده عالمان به داوری بر اساس کتاب های آسمانی و خودداری از کتمان احکام الهی

یحکم بها . .. و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۶ - ۱۶،۱۷،۱۹

۱۶ انجیل ، هدایتگر تقواپیشگان و پندآموز آنان

و ءاتینه الانجیل . .. هدی و موعظه لمتقین

۱۷ انجیل ، در بردارنده هدایت های ویژه برای تقواپیشگان

فیه هدی و نور . .. هدی و موعظه للمتقین

تکرار <هدی> می رساند که هدایت دوم (هدی . .. للمتقین) هدایتی ویژه است.

۱۹ تنها تقواپیشگان بهره مند از هدایت ها و اندرز های انجیل هستند . *

فیه هدی و نور . .. هدی و موعظه للمتقین

مقتضای جمله <فیه هدی> این است که راه هدایت برای همه انسانها تبیین شده است. بنابراین <هدی للمتقین> می تواند به این معنا باشد که تنها اهل تقوا می توانند از آن هدایتها بهره مند شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۷ - ۱

۱ مسیحیان وظیفه دار حکم و داوری بر اساس انجیل

و لیحکم أهل الانجیل بما أنزل اللّه فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ لزوم تلاش برای محور قرار دادن

کتب آسمانی در کلیه شؤون جامعه

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل و ما أنزل الیهم من ربهم

اقامه کتب آسمانی به معنای ادای کامل حق آنها و کنایه از حضور تعالیم آنها در تمامی شؤون زندگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ هدایت پیامبران و کتب آسمانی، یادآوری و بیدار ساختن فطرت آدمی است.

إن هو إلا ذکری للعلمین

<ذکر> به معنای یادآوری است و معمولاـ در مواردی به کار می رود که موضوع مورد نظر قبلا فراگرفته شده، ولی از یاد رفته باشد. بنابراین هدایتهای انبیا یادآوری آموخته های فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۲۲

۲۲ کتب آسمانی دارای نقشی برجسته در رشد دانش بشر و آموخته های اوست.

و علمتم ما لم تعلموا أنتم و لا ءاباؤکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۸

۸ محور قرار گرفتن کتاب های آسمانی در جامعه و گرایش به نماز ، زمینه ساز صلاح پیشگی ملتهاست .

و الذین یمسکون بالکتب و أقاموا الصلوه إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱۱

۱۱ فراگیری کتاب آسمانی و تنظیم عقاید و اصول بر محور آن ، وظیفه ای ضروری بر عهده اهل ایمان

خذوا ما ءاتینکم بقوه و اذکروا ما فیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۱

۱۱ کتاب های آسمانی ،

مایه علم و آگاهی انسان است .

حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> تورات باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۶

۶- لزوم ژرف اندیشی عالمان و رهبران دینی در کتاب های آسمانی و استوارسازی کردار خویش برپایه آن

ییحیی خذ الکتب بقوّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰- قرآن و کتاب های آسمانی (تورات ، زبور و انجیل) ، مایه احیای فطرت خفته و یادآور دانستنی های فراموش شده انسان ها

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

<ذکر> از نظر معنا، مانند <حفظ> است; با این تفاوت که حفظ شیء به اعتبار احراز و به دست آوردن آن و ذکر شیء به اعتبار استحضار و یادآوردن آن است (مفردات راغب). بنابراین توصیف قرآن و دیگر کتاب های آسمانی به <ذکر>، ممکن است به این اعتبار باشد. که یادآور دانستنی های فراموش شده آدمی و بیدارگر فطرت انسان غافل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲ - ۳

۳ فرمان روایی و حکومت خداوند بر آسمان ها و زمین ، خاستگاه نزول کتابی که تبیین کننده حق از باطل برای انسان ها است .

تبارک الذی نزّل الفرقان علی عبده . .. الذی له ملک السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۳

۳ – کتاب های آسمانی ، متکفل هدایت و راهنمایی بشر

فأتوا بکتب من عند اللّه هو

أهدى منهما

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۲۲

۲۲ - آگاهی عقلانی و وحی و کتاب آسمانی ، سه منبع معتبر در جهان بینی است .

يجدل فى اللّه بغير علم و لا هدًى و لا كتب منير

ذکر <علم> در کنار <هـدًى> و. .. می توانـد به آن دسـته از آگاهی هایی اشاره داشـته باشد که از طریق عقل به دست می آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۶ - ۲

۲ - عذاب شدن کافران تکذیب گر پس از اتمام حجت و ارائه معجزات و دلایل آشکار و کتاب های روشنگر بوده است .

كذّب الذين من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبيّنت . .. ثمّ أخذت الذين كفروا فكيف كان نك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید دینی و معارف الهی

فأتوا بكتبكم إن كنتم صدقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۸ - ۴

۴ - کتاب های آسمانی ، مایه یادآوری و بیداری انسان ها است .

ذكرًا من الأوّلين

از توصیف و نام گذاری کتاب های آسمانی به <ذکر>، برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۶۹ – ۱

۱ – مشرکان ، مدعی پذیرش آیین توحیدی و بندگی خالصانه خدای یکتا ، در صورت برخوردار بودن از کتاب آسمانی

لو أنّ عندنا ذکرًا من الأوّلین . لکنّا

عباد اللّه المخلصين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۳ – ۶

۶ – کتاب های آسمانی ، وسیله تداوم هدایت و رسالت پیامبران در طول تاریخ

و لقد ءاتینا موسی الهدی و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۱ – ۱،۳،۵

۱ – اعتقاد به دختر بودن و الوهیت فرشتگان ، سخنی گزاف و غیر مستند به کتاب های آسمانی

و جعلوا له من عباده جزءًا . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله فهم به مستمسکون

۳ – کتاب های آسمانی ، معیاری برای سنجش باور ها و تفکیک عقاید درست از نادرست

أم ءاتینهم کتبًا من قبله فهم به مستمسکون

خداوند برای تخطئه اعتقاد مشرکان به الوهیت فرشتگان، این نکته را متذکر می شود که این سخن در هیچ یک از کتاب های آسمانی نیامده است. از این نکته برداشت می شود که کتاب های آسمانی، محور و معیار تشخیص اعتقادات حق از باورهای باطل و نادرست است.

۵ – کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۲ – ۵،۶

۵– کتاب آسمانی ، راهنما و سرمشق زندگی جوامع بشری (انسان) در تمامی

ابعاد

کتب موسی إمامًا و رحمه

از این که عنوان <امام> به صورت مطلق بر کتاب موسی اطلاق شده است، استفاده می شود که کتاب آسمانی، پیشوای انسان ها است و آنان باید در تمامی ابعاد پیرو و عامل به آن باشند.

۶- کتاب های آسمانی ، پیامدار رحمت برای خلق و دربردارنده منافع حقیقی آنان

و من قبله کتب موسی إمامًا و رحمه

از لحن آیه شریفه استفاده می شود که قرآن نیز مانند تورات، امام و رحمت است و این دو بعد، مخصوص به کتاب موسی نیست; بلکه ویژگی تمامی کتاب های آسمانی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲ – ۴

۴ – نقش مهم کتاب های آسمانی و قوانین الهی ، در تعالی فرهنگ بشر *

و کتب مسطور

خداوند با سوگند خوردن به تورات و یا کتاب های آسمانی در صورتی که مراد مطلق کتاب باشد در حقیقت بشر را به اهمیت این کتاب ها در فکر و فرهنگ بشر توجه داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۷ – ۳

۳ – اتمام حجت خداوند از طریق کتاب های آسمانی ، هموارکننده راه مجازات کافران *

و کتب مسطور . .. إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین سخن از <کتاب مسطور> (تورات یا کتاب های آسمانی) به میان آمده است. ارتباط <إنّ عذاب...> با <کتاب مسطور>، می تواند بیانگر مطلب بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۷ – ۳،۴

۳ – داوری درباره دین ، باید بر مبنای وحی و

کتاب آسمانی باشد .

أم لکم کتب فیه تدرسون

۴ - وحی و کتاب های آسمانی ، مبنای داوری درباره درستی و نادرستی عقاید و مسائل دینی است .

أم لکم کتب فیه تدرسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴ - ۳

۳ - وحی و کتاب های آسمانی ، جداکننده حق از باطل اند .

فالفرقت فرقًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۵ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی و قرآن ، مایه یاد و یادآوری انسان ها

فالملقیت ذکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۶ - ۲،۳

۲ - وحی و کتاب های آسمانی ، وسیله اتمام حجت خداوند بر خلق و انذار و اخطار بدان ها است .

ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

۳ - ارائه وحی و کتاب های آسمانی از سوی فرشتگان ، مایه عذرخواهی و اثبات بی گناهی مؤمنان در پیشگاه خداوند

فالملقیت ذکرًا . عذرًا أو نذرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از <عذراً>، اعذار (عذر خواستن) مؤمنان در پیشگاه خداوند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی و برهان های روشن الهی ، فاقد هر گونه زمینه تفرقه ، و محوری شایسته برای وحدت

و ما تفرّق الذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم البیّنه

نقش مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۱۳

۱۳- انکار حقانیت کتاب های آسمانی ،

چیزی بود که خود منکران آن را برگزیدند و خداوند آنان را بر آن وادار نکرد .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

این برداشت، مبتنی بر این احتمال است که مراد از ظلم به نفس، انحراف از مسیر حق باشد که خداوند آن را به منحرفان اسناد می دهد و نقش خود را نفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۴

۴- گرفتار شدن به عذاب ، در پی انکار حقانیت کتاب های آسمانی ، دستاورد خود منکران است .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئ

نگهبانان جهنم در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۸

۸ - تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ ، از حقایق بازگو شده در کتاب های آسمانی پیشین

لیستیقن الذین أُوتوا الکتب

مفسّران درباره چگونگی یقین پیدا کردن اهل کتاب از تعداد ذکر شده در قرآن برای نگهبانان دوزخ، گفته اند: چون این عدد در کتاب های آسمانی اهل کتاب نیز ذکر شده است، آنان به حقانیت و درستی قرآن پی برده اند و بر ایمانشان افزوده شده است.

نوح(ع) در کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۴ - ۲

۲ سرگذشت حضرت نوح و موسی (ع) و پیامبران مبعوث شده در فاصله میان آنان و تکذیب شدن آنان و هلاکت مکذبان به عذاب استیصال ، آیاتی است که در کتاب های

آسمانی پیشین نیز آمده بود .

و اتل علیهم نبأ نوح . .. فإن کنت فی شک مما أنزلنا إلیک فسئل الذین یقرءون الکتب م

برداشت فوق از ارتباط میان این آیه شریفه و مجموعه آیات ۷۱ تا ۹۳ که با هم یک بند را تشکیل می دهند استفاده می شود.

نیاز به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۱

۱ - ضرورت وجود داشتن کتابی آسمانی در اختیار مردم ، بر فرض آسمانی نبودن قرآن و تورات

قل فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

آیه بالا تفریع بر <قالوا سحران تظاهرا> است و این تفریع در صورتی درست است که لازم باشد همواره در میان مردم کتابی آسمانی باشد و مردم از آن پیروی کنند; زیرا در این صورت است که اگر فرضاً تورات و قرآن آسمانی نبودند، قطعاً باید کتاب دیگری می بود و در نتیجه از کافران خواسته می شد که آن را معرفی کنند.

وارثان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۹ - ۵

۵ وارثان کتاب های آسمانی باید از دلبستگی به مظاهر ناپایدار دنیا پیراسته باشند و از چنگ اندازی به مال و منال دنیا از راه های ناصواب بپرهیزند .

ورثوا الکتب یأخذون عرض هذا الأدنی

وحیانیت کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۱

۱ - خداوند ، نازل کننده کتاب های آسمانی (تورات ، انجیل ، قرآن و . . .)

ذلك بأن اللّه نزل

الکتب

<ال> در <الکتاب> برای جنس است و <الکتاب> شامل همه کتابهای آسمانی می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می توانـد برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

وضوح کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۵ - ۹

۹ - کتاب های آسمانی و تعالیم الهی ، دارای حقایقی روشن و قابل فهم برای انسان ها

جاءتهم رسلهم . .. بالکتب المنیر

از توصیف کتاب به <منیر> (روشن و روشنگر)، برداشت یاد شده به دست می آید.

وعده های کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۸ - ۴

۴- عالمان اهل کتاب ، مطلع از وعده های خداوند در کتاب های آسمانی پیشین به نزول کتاب آسمانی قرآن

الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون . .. یقولون سبحن ربّنا إن کان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۳ – ۸

۸ – وجود وعده و بشارت آمدن کتاب آسمانی به نام < قرآن > ، پیش از نزول آن در مدارک دینی اهل کتاب

إنّا کنّا من قبله مسلمین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته روشن است که اهل کتاب آگاهی خود از آمدن قرآن را،

تنها از راه مدارک دینی خود به دست آورده بودند.

ویژگی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ کتب الهی (تورات ، انجیل و . . .) ، عاری از هر گونه اختلاف

و لو کان من عند غیر اللّه لوجدوا فیه اختلافاً کثیراً

چون ملاک عدم اختلافات، از جانب خدا بودن دانسته شده است، بنابراین همه کتابهای آسمانی دارای این ویژگی (پیراسته بودن از اختلاف) هستند.

ویژگیهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۷ - ۱

۱ - خداوند ، قرآن و سایر کتاب های آسمانی را به حق و پیراسته از هر گونه باطل فرو فرستاد .

اللّه الذی أنزل الکتب بالحقّ

الف و لام در <الکتاب> می تواند برای عهد باشد و نیز می تواند برای جنس باشد که در این صورت شامل همه کتاب های آسمانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۱

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم

، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۸ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تابع تمایلات و خواهش های نفسانی بشر نیست .

إنّ لکم فیه لما تخیّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۶

۶ - رسولان الهی در طول تاریخ ، کتاب هایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نموده ، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره . فیها کتب قیّمه ... إلاّ من بعد ما ج

مراد از <البیّنه> (در این آیه) جنس آن است; نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود; ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بیّنه> است. بنابراین بیّنه گذشتگان نیز مانند بیّنه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

هدایتگری کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۵ - ۷

۷ - کتاب های آسمانی و احکام نازل شده از ناحیه خدا ، هدایت آفرین و زمینه ساز جلب مغفرت الهی اند .

إن الذین یکتمون . .. أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ هدایت پیامبران و کتب آسمانی، یادآوری و بیدار ساختن فطرت آدمی است.

إن هو إلا ذکری للعلمین

<ذکر> به معنای یادآوری است و معمولاـ در مواردی به کار می رود که موضوع مورد نظر قبلا فراگرفته شده، ولی از یاد رفته باشد. بنابراین هدایتهای انبیا یادآوری آموخته های فطری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۷ - ۲

۲ - هدایت خلق به وسیله کتاب آسمانی ، بارزترین نمود لطف و رحمت الهی بر آنان

و إنّه لهدًی و رحمه

از این که خداوند پس از مطرح ساختن بُعد هدایتی قرآن، تنها به یک صفت دیگر (رحمت بودن آن) بسنده کرده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۳،۶،۸

۳ - کتاب های آسمانی ، متکفل هدایت و راهنمایی بشر

فأتوا بکتب من عند اللّه هو أهدی منهما

۶ - کتاب های آسمانی ، راهنمای عمل انسان در زندگی

هو أهدی منهما

از تصریح و تأکید آیه شریفه بر پیروی کردن از کتابی که در هدایت مردم نیرومندتر باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

۸ - هدایت بخش تر بودن ، از معیار های الهی برای گزینش برترین کتاب آسمانی

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۳ - ۶

۶ - کتاب های آسمانی ، وسیله تداوم هدایت و رسالت پیامبران در طول تاریخ

و لقد

ءاتینا موسی الهدی و أورثنا بنی إسرءیل الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۹،۱۱

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتبًا . .. مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

واژه <مصدّقاً> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

۱۱- هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم ، اصیل ترین ویژگی قرآن و هر کتاب آسمانی

کتبًا أُنزل من بعد موسی مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

ابتدا قرآن با کتاب های آسمانی هماهنگ معرفی شده و سپس به عنوان اصیل ترین بُعد هماهنگی آن دو، هدایت گری به سوی حق و راه مستقیم مورد تصریح واقع شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذار ها و هدایت خلق

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... هذا نذیر من النذر الأُولی

هدایتهای کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۸ - ۷

۷- تقوا ، شرط بهره مندی از هدایت الهی و کتاب های آسمانی

ذکرًا للمتّقین

هماهنگی قرآن با کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۱۰

۱۰- هماهنگی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین ، دلیل آسمانی بودن آن

يقومنا إنّا سمعنا كتبًا

أَنزل . .. مصدّقًا لما بين يديه

جنيـان بـا استناد به همـاهنگى قرآن با كتاب آسـمانى ديگر (تورات) درصـدد بودنـد تا آسـمانى بودن قرآن را به همنوعانشان اثبات كنند.

هماهنگى كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳ - ۱۱

۱۱ هماهنگى و همگونى كتاب هاى آسمانى

مصدقاً لما بين يديه و انزل التوريه و الانجيل

بنابر اينكه مصـدق بودن، به معناى تصـديق محتواى ديگر كتابهاى آسـمانى باشـد كه طبعاً دلالت بر هماهنگى و همگونى آنها دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۷

۷ سازگارى محتواى كتب آسمانى و متناقض نبودن آنها با يكديگر

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن باللّه و ما انزل اليكم و ما انزل اليهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۸۲ - ۱۳

۱۳ كتب الهى (تورات ، انجيل و . . .) ، عارى از هر گونه اختلاف

و لو كان من عند غير اللّه لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً

چون ملاك عـدم اختلافات، از جانب خدا بودن دانسـته شده است، بنابراين همه كتابهاى آسـمانى داراى اين ويژگى (پيراسـته بودن از اختلاف) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ – مائده – ۵ – ۴۶ – ۱۲،۱۳،۱۴،۱۵

۱۲ گواهی و تأیید انجیل بر راستی و درستی تورات موجود در عصر عیسی (ع)

و ءاتینه الانجیل . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

۱۳ وجود انجیل ، گواه بر راستی و درستی تورات

و ءاتینه الانجیل . .. و مصدقاً لما

بین یدیه من التوریه

۱۴ همسویی تورات و انجیل در تعالیم نظری و رفتاری (اصول ، آرمان و احکام)

إنّا انزلناه التوریه فیها هدی و نور . .. و ءاتینه الانجیل فیه هدی و نور

توصیف هر دو کتاب به نور و هدایت در آیاتی مرتبط به یکدیگر، می رساند که آنها دارای اصول و اهدافی مشترک هستند.

۱۵ آیین یهودیان و مسیحیان ، دارای احکام و قوانین یکسان در قصاص *

و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس . .. مصدقاً لما بین یدیه من التوریه

توصیف تورات به نور و هدایت و سپس بیان احکام قصاص می رساند که آن احکام از مصادیق نور و هدایت است و چون انجیل بلافاصله به نور و هدایت توصیف شده، معلوم می شود آن احکام بر اهل انجیل نیز نوشته شده است. جمله <و قفینا علی ءاثرهم> و نیز کلمه <مصدقاً> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۸ - ۷

۷ کتاب های آسمانی و ادیان الهی ، همسو و هماهنگ با یکدیگر

و ءاتینه الانجیل . .. و انزلنا إلیک الکتب بالحق مصدقاً لما بین یدیه من الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۶ - ۹

۹ تورات و انجیل ، هماهنگ و مکمل یکدیگر *

و لو انهم اقاموا التوریه و الانجیل

عطف انجیل بر تورات با حرف <واو> می رساند که اقامه هر یک به تنهایی نمی تواند سعادت دنیوی اهل کتاب را در پی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۸

۸ تورات و انجیل ، هماهنگ و تکمیل کننده یکدیگر *

حتّی تقیموا التوریه و الانجیل

عطف انجیل بر تورات با <واو> جمع ممکن است برای رساندن این معنا باشد که اقامه هر یک به تنهایی، نمی تواند برای اهل کتاب پایگاه مستحکمی ایجاد کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۶

۶ کتب آسمانی دارای اصول و آرمان و اهداف مشترک هستند.

مصدق الذی بین یدیه

از لوازم تصدیق کتب آسمانی گذشته آن است که در اصول و اهداف با یکدیگر مباین نباشند ; زیرا در غیر این صورت مصدق یکدیگر نبوده، بلکه نافی هم هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۰

۲۰ هماهنگی ادیان الهی و کتاب های آسمانی در بیان اصول عقیدتی و ارزشی

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم . .. وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۷ - ۵،۷

۵ وحدت و یگانگی معارف قرآن با معارف کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .)

و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل الکتب

۷ شباهت و همگونی قرآن با کتاب های آسمانی پیشین (تورات ، انجیل و . . .) دستاویز مشرکان صدر اسلام برای زدن

برچسب < ساختگی بودن > به آن

و ما كان هذا القرءان أن يفترى من دون اللّه و لكن تصديق الذى بين يديه و تفصيل الكك

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۱ - ۹

۹ کتاب های آسمانی هماهنگ و هم خوان با یکدیگرند .

و لکن تصدیق الذی بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۳ - ۶،۷

۶ - قرآن ، دلیلی روشن بر راستی و درستی دیگر کتاب های آسمانی است .

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف لأُولی

عنوان <ما فی الصحف الأُولی> قرینه است براین که مراد از <بیّنه>، کتاب آسمانی پیامبر(ص) (قرآن) است که معارفی نظیر معارف دیگر کتاب های آسمانی دارد و به دلیل نزول مستقیم آن از جانب خداوند، برهان صحتِ معارف آن کتاب ها نیز می باشد.

۷ - قرآن ، حاوی معارف کتاب های آسمانی پیشین

أوَلم تأتهم بیّنه ما فی الصحف الأُولی

توصیف قرآن به این که <بیّنه دیگر کتاب های آسمانی است>، دو نکته را روشن می سازد: اول این که مطالب قرآن و آن کتاب ها شبیه یکدیگر است؛ دوم این که این کتاب، شاهد صدقی بر آن کتاب ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۹

۹- توحید و نفی شرک ، پیام تمامی پیامبران ، موحدان و کتاب های آسمانی

هذا ذکر من معی و ذکر من قبلی

مشارالیه <هذا> به قرینه آیات قبل، توحید و نفی شرک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۸ – ۸

۸ – پیام های قرآن ، هماهنگ با پیام های آسمانی پیشین

أم جاءهم ما لم یأت ءاباءهم الأوّلین

برداشت فوق، بر این اساس

است که مراد از <ما> در <ما لم یأت> محتوا و پیام های قرآن باشد، یعنی <أم جاءهم من الوحی ما لم یأت. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۶ - ۳

۳ - کتاب های آسمانی ، تأییدکننده یکدیگر

و إنّه لفی زبر الأوّلین

برداشت یاد شده از آن جا است که بشارت نزول قرآن، در کتاب های آسمانی پیشین ذکر شده است; زیرا معنا ندارد که کتابی خبر از کتاب دیگری بدهد و با آن در تضاد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۱ - ۶

۶ - وحدت و هم سویی تعالیم قرآن ، با تعالیم کتاب های آسمانی پیشین

مصدّقًا لما بین یدیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳ - ۳

۳ - هماهنگی معارف قرآنی ، با کتاب های آسمانی پیشین

کذلک یوحی إلیک و إلی الذین من قبلک

برداشت یاد شده، بر این اساس است که <کذلک> اشاره به محتوای وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۱ - ۵

۵ - کتاب های آسمانی ، منادی توحید و پیراسته از عقاید و باور های خرافی و شرک آلود

و قالوا لو شاء الرحمن . .. أم ءاتینهم کتبًا من قبله

آیه شریفه پس از طرح عقاید شرک آلود و خرافی مشرکان می گوید: این اندیشه ها در هیچ یک از کتاب های پیشین نیامده است. از این نکته مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

احقاف - ۴۶ - ۴ - ۱۱

۱۱- هماهنگی کامل کتاب های آسمانی ، در تبلیغ توحید

ائتونی بکتب من قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۵

۵- تورات [اصلی] ، کتابی همانند قرآن از نظر پیام های اصولی

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن

واژه <علی مثله>، وجود هماهنگی و مشابهت بین تورات اصلی و قرآن را می رساند; زیرا مراد از <مثله>، کتاب آسمانی موسی(ع) است که همانند قرآن، معرفی شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۰ - ۹

۹- وحدت و هماهنگی کتاب های آسمانی در هدایت گری به سوی حق

سمعنا کتبًا . .. مصدّقًا لما بین یدیه یهدی إلی الحقّ و إلی طریق مستقیم

واژه <مصدّقاً> هماهنگی و عدم تناقض را می رساند و این هماهنگی، در پیام های اصولی است که همان هدایت به حق و راه مستقیم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۷ - ۴

۴ - بیان توحید و ضرورت معاد ، از تعالیم مشترک کتاب های آسمانی

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... و أنّ إلی ربّک المنتهی ... و أنّ علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۵۶ - ۳

۳ هماهنگی کتاب های آسمانی ، در بیان انذار ها و هدایت خلق

أم لم ينبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهيم ... هذا نذير من النذر الأُولی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۶ – ۱۴

۱۴ – انجیل عیسی (ع) ، مکمل تورات موسی (ع) بوده و این دو کتاب از نظر اهداف و اصول تعالیم ، یکسان و در یک راستا قرار داشتند .

و لایکونوا کالذین أُوتوا الکتب من قبل

مراد از <الکتاب> تورات و انجیل است. بنابراین کاربرد تعبیر <الکتاب> به صورت مفرد به جای <الکتابین>، می تواند ناظر به مطلب بالا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۸ – ۱،۴

۱ – جاودانگی جهان آخرت و برتری آن بر زندگانی دنیا ، در تمام کتاب های آسمانی مطرح شده است .

و الأخره خیر و أبقی . إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

<الصحف>، جمع محلی به <ال> و مفید عموم است. تصریح به بعضی از صحف در آیه بعد، تنها بر اهمیت آنها دلالت دارد و عموم را از بین نمی برد.

۴ – تعالیم کتاب های آسمانی ، همسو و هماهنگ با هم است .

إنّ هذا لفی الصحف الأُولی

هماهنگی مخالفان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۵ – ۴

۴ – همگونی برخورد های مشرکان عصر بعثت با کافران عصر موسی ، در مورد کتاب آسمانی

و لو جعلنه قرءانًا . .. و لقد ءاتینا ... فاختلف فیه

هواپرستی دشمنان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۷

۷ - دشمنان دین خدا و کتاب های آسمانی ، عناصری هواپرست و ظالم

و من أضلّ ممّن اتّبع هویه

. .. إنّ اللّه لايهدی القوم الظلمین

یهود و کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۲

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمـال نـاروای یهود در طول تاریـخ (کشـتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشـتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسـما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شـما را به کارهای ناروایی واداشـته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شـما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

کتمان حق از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کتمان حق}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. لم تکفرون بایات اللّه

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحیط.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۳ – ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی

کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۲،۱۳

۱۲ شهادت بسیاری از انبیای الهی به دست یهود ، علی رغم مشاهده معجزات و علم به حقّانیّت آنان

قل قد جآءکم رسل من قبلی بالبیّنات و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

هنگامی به یک دلیل، <بیّنه> گفته می شود که حقّ را برای طرف مقابل روشن کند و او را به حقانیّت آن آگاه کند. بنابراین یهودیان می دانستند و برای

آنان روشن بود که پیامبران واقعی را می کشند.

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهـده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشـی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۷ – ۱۲،۱۰،۹،۵،۴،۲

۲ تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن ، میثاق سنگین خداوند از علمای اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

ضمیر مفعولی در <لتبیّننّه>، به کتاب برمی گردد.

۴ کتمان حقایق کتب آسمانی گذشته (تورات و انجیل) از سوی علمای اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

۵ گمراهی و ایمان نیاوردن گروهی از مردم عصر پیامبر (ص) ، ناشی از کتمان حقایق از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه . .. و لا تکتمونه

۹ شکستن پیمان الهی (تبیین محتوای کتب آسمانی و کتمان نکردن آن) ، از سوی عالمان اهل کتاب

فنبذوه ورآء ظهورهم

۱۰ ر ها ساختن و پشت سر انداختن کتاب های آسمانی و میثاق الهی از سوی عالمان اهل کتاب

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب . .. فنبذوه ورآء ظهورهم

ضمیر مفعولی در <فنبذوه> به کتاب برمی گردد و چون بیان کتاب، میثاق و پیمان الهی است، مراد از آن ضـمیر، پیمان الهی نیز می باشد ; یعنی کتاب و بیان آن را ترک کردند.

مبارزه و کارشکنی عالمان اهل کتاب با اسلام به وسیله کتمان حقایق کتب آسمانی

و اذ اخذ اللّه . .. و لا تکتمونه فنبذوه ورآء ظهورهم

برداشت فوق، بر این مبناست که آنچه کتمان می کردند، بشارت تورات و انجیل به بعثت پیامبر، حقانیت اسلام و قرآن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۲،۵،۱۲

۲ شادمانی عالمان اهل کتاب از کتمان حقایق کتب آسمانی برای مردم

و اذ اخذ اللّه میثاق . .. و لا تکتمونه ... لا تحسبنّ الّذین یفرحون بمآ اتوا

برخی برآنند که مراد از <الّذین>، اهل کتاب هستند ; چنانچه در آیه قبل از آنان سخن رفت. و مراد از <ما اتوا> (آنچه را انجام دادند)، همان کتمان حقایق و پشت سر انداختن کتابهای آسمانی و میثاق الهی است.

۵ انتظار ستایش عالمان یهود و نصارا از پیروانشان به جهت بیان نکردن حقایقی از تورات و انجیل

لا تحسبنّ الّذین . .. یحبّون ان یحمدوا بما لم یفعلوا

بنابر اینکه مراد از <ما لم یفعلوا> (آنچه را انجام ندادند)، وفادار نبودنشان به پیمان الهی و کتمان حقایق باشد که در آیه قبل به آن تصریح شد. و انتظار ستایش شاید بدان جهت بوده که آنان با کتمان حقایق، دین اجدادی مردم خویش را محفوظ می داشتند و لذا فاعل محذوف در <یُحمدوا> به پیروان آنان تفسیر شد.

۱۲ کتمان حقایق و دیگر ترفند های عالمان اهل کتاب ، آنان را از عذاب دنیا (ذلّت ، شکست و . . .) نجات نخواهد داد .

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

در برداشت فوق،

عذاب اوّل، به قرینه تکرار آن، عذاب دنیوی گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۹ – ۱۵

۱۵ نادیده گرفتن آیات بیانگر حقّانیّت قرآن و پیامبر (ص) در تورات از سوی علمای یهود ، به خاطر متاع اندک دنیا

انّ من اهل الکتب لمن . .. لا یشترون بایات اللّه ثمناً قلیلا

تمجید خداوند از عالمان مؤمن اهل کتاب، به خاطر ایمان به قرآن و سوداگری نکردن بر سر آیات الهی

آثار کتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۶ – ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقانیّت پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی اللّه قوماً . .. و اللّه لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهل کتاب نازل شده و آنان با وجود شهادت قبلی بر حقّانیّت آن حضرت، منکر حقّانیت وی شدند. (روح المعانی).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۲ – ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۹ – ۸،۱۰

۸ – کتمان کنندگان حقایق دینی ، به لعنت خدا و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

إن الذين يكتمون . .. أولئك يلعنهم اللّه

۱۰ – علمای يهود و نصارا به خاطر كتمان حقايق

و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۰ – ۴

۴ – کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی ، فسادانگیز است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۵

۵ – عالمان اهل کتاب با کتمان حقایق کتاب های آسمانی ، گمراه شدند و عذاب الهی را برای خویش کسب کردند .

أولئک الذین اشتروا الضلله بالهدی و العذاب بالمغفره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۶۱ – ۱۶

۱۶ لجاجت در برابر حق و تکذیب آن ، موجب استحقاق لعن و نفرین خدا

فمن حاجّک . .. فنجعل لعنت اللّه علی الکاذبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹ – ۱۳

۱۳ محرومیت از هدایت الهی، نتیجه حق پوشی و مغالطه کاری خود انسان

و للبسنا علیهم ما یلبسون

تلبیس خداوند (للبسنا)، از نظر رتبه، پس از تلبیس خود آدمی (ما یلبسون) قرار دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۴ – ۵

۵ سرپوش گذاشتن بر حق و مداومت بر آن ، پدید آورنده روحیه عناد و دشمنی عمیق با ارزش ها *

كلّ كفّار عنيد

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم <کفّار> بر <عنید>، اشاره به تقدم رتبی و علّی داشته باشد.

اجتناب

از کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۲

۲ - کتمان نکردن حقایق ، توصیه و سفارش خداوند به بنی اسرائیل

و لاتلبسوا . .. و تکتموا الحق

کتمان (مصدر تکتموا) به معنای مخفی کردن است. فعل <تکتموا> عطف بر <تلبسوا> می باشد; یعنی: <و لاتکتموا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۰

۱۰ - ضرورت پرهیز از کتمان حقایق دینی

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

اصلاح مفاسد کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۰ - ۳

۳ - اصلاح مفاسدی که بر اثر کتمان حقایق دین پدیدار شده و نیز بیان آن حقایق ، از شرایط پذیرش توبه کتمان کنندگان است .

إلا الذین تابوا و أصلحوا و بینوا فأولئک أتوب علیهم

اهل کتاب و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۴۸

۴ - گروهی از اهل کتاب علی رغم شناخت حقیقت (پیامبری رسول اکرم) آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

۸ - گروهی از عالمان اهل کتاب

علی رغم اطمینانشان به حقانیت قبله مسلمانان ، آن را کتمان می کردند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جمله <و هم یعلمون> اشاره به این معنا دارد که کتمان کنندگان از عالمان دینی اهل کتاب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۲

۲ انکار و پوشاندن آیات الهی توسط اهل کتاب ، وسیله ای برای گمراه کردن دیگران

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. لم تکفرون بایات اللّه

کفر، در لغت چه همراه باء باشد و یا نباشد به معنای انکار و پوشاندن است (القاموس المحیط.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۹ - ۹

۹ مبارزه عالمان اهل کتاب با اسلام ، با علم و آگاهی به حقّانیّت آن

قل یا اهل الکتاب لم تصدّون عن سبیل اللّه . .. و انتم شهداء

مقصود از <سبیل اللّه>، اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳،۷

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

۷ چشمپوشی پیامبر (ص) ، از افشا و بیان حقایق مخفی شده توسط اهل کتاب

یبین لکم . .. و یعفوا عن کثیر

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <کثیر>، به قرینه فراز پیشین، حقایق مخفی شده باشد. بنابراین عفو به معنای فاش نساختن و مسکوت گذاشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۶،۷،۱۲

۶ عناد و لجاجت اهل کتاب در مخالفت با پیامبر(ص)، در عین

آگاهی کامل از حقانیت آن حضرت

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم . .. فهم لا یؤمنون

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. فهم لا یؤمنون

بنی اسرائیل و کتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۸ – ۱۶

۱۶ وجود افراد غیر مؤمن (لجوج و ناباور) ، در میان بنی اسرائیل ، علی رغم وجود نشانه روشن الهی بر زمامداری طالوت

انّ فی ذلک لایه لکم ان کنتم مؤمنین

تعبیر <ان کنتم مؤمنین> اشاره است به اینکه افرادی غیرمؤمن (ناباوران) در میان بنی اسرائیل وجود داشته اند.

حرمت کتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۷ – ۸

۸ حرمت کتمان حقایق کتب آسمانی و وجوب اظهار معارف دینی

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه للنّاس و لا تکتمونه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۲ – ۴

۴ – کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

سرزنش کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۴،۵

۴ - کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی ، امر نکوهیده و

حرام است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۱ - ۱۵

۱۵ کتمان معارف و حقایق کتب آسمانی امری نکوهیده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

ظلم کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۷

۷ - ظالمترین مردم کسی است که حقایق دینی و معارف الهی را کتمان کرده و از ارائه آنها به دیگران خودداری کند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

<من اللّه> همانند <عنده> صفت برای <شهاده> است. بنابراین <شهاده عنده من اللّه>; یعنی، شهادتی که در نزد اوست از ناحیه خدا دریافت کرده است. مقصود از شهادت که از ناحیه خدا در اختیار انسان می باشد، حقایق دینی و معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۱ - ۵

۵ کتمان حقانیت پیامبر اکرم(ص)، مصداق بارز تکذیب آیات الهی و از بزرگترین ظلمهاست.

الذین ءاتینهم الکتب

. .. و من أظلم ممن افترى على اللّه كذبا أو كذب بايته

در آيه قبل سخن از تكذيب پيامبر(ص) بود و اين آيه در مقام هشدار به تكذيب كنندگان آن حضرت است. چرا كه وى مصداقى روشن براى آيات الهى است.

علماى اهل كتاب و كتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۱۴

۱۴ - عالمان اهل كتاب ، مورد تهديد خداوند به خاطر كتمان حقايق آسمانى

و من أظلم ممن كتم شهده عنده من اللّه و ما اللّه بغفل عما تعملون

هدف از بيان آگاهى خدا و غفلت نداشتن از رفتار عالمان اهل كتاب، تهديد كردن آنان به كيفر و مجازات مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۴ - ۱۹

۱۹ - عالمان اهل كتاب ، حقانيت تغيير قبله را كتمان مى كردند .

إن الذين أوتوا الكتب ليعلمون أنه الحق من ربهم و ما اللّه بغفل عما يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۸

۸ - گروهى از عالمان اهل كتاب على رغم اطمينانشان به حقانيت قبله مسلمانان ، آن را كتمان مى كردند .

و إن فريقاً منهم ليكتمون الحق و هم يعلمون

جمله <و هم يعلمون> اشاره به اين معنا دارد كه كتمان كنندگان از عالمان دينى اهل كتاب بودند.

علماى دنيا طلب و كتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان

به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتمون . .. و یشترون ... ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلك> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون . ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک]الکتمان[بأن اللّه نزل الکتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قلیلا در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

علمای دین و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۵

۵ - کتمان حقایق دینی از سوی عالمان دین ، بسی نکوهیده تر و ناپسندیده تر است .

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق و أنتم تعلمون

فعل <تعلمون> می تواند به منزله فعل لازم لحاظ شده و مفعولی برای آن در نظر نباشد. بر این مبنا <و أنتم تعلمون>; یعنی، در حالی که شما اهل علم و دانش هستید - و از آنجایی که حق پوشی از سوی همگان ناپسند است - جمله حالیه، دلالت بر این معنا دارد که: کتمان حقایق دینی از سوی عالمان ناپسندیده تر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۱ - ۱۲

۱۲ - معتقدان به مکاتب الهی ، حتی عالمان دینی و دانایان به کتاب

های آسمانی ، در خطر انحراف و حق پوشی هستند .

نبذ فریق من الذین أوتوا الکتب کتب اللّه وراء ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۹،۱۱

۹ - کتمان کنندگان مسایل دینی بویژه اگر از عالمان دین باشند ، سزاوار سرزنش و ملامتند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

لحن جمله <إن فریقاً . ..> گویای ملامت و سرزنش کسانی است که حقیقت را فهمیده و آن را انکار می کنند.

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

علمای مسیحیت و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۹ - ۶،۱۰

۶ - عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ - علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۵

۵ - حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذين يكتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

علمای یهود و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۲

۱۲ – پیشوایان و عالمان یهود ، اعتراف به حقایق دینی و معارف الهی را ، در صورتی که مخدوش کننده منافع قومی آنان گردد ، ناروا و برخاسته از بی خردی می دانستند .

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم . .. أفلا تعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۹ – ۶،۱۰

۶ – عالمان یهود و نصارا در عصر بعثت ، شواهد و نشانه های حقانیت پیامبر (ص) و احکام اسلام را کتمان می کردند .

الذین یکتمون ما أنزلنا من البینت و الهدی من بعد ما بینه للناس فی الکتب

۱۰ – علمای یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایق و معارف کتب آسمانی از رحمت خدا محروم شده و مورد لعن و نفرین لعنت کنندگان هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. أولئک یلعنهم اللّه و یلعنهم اللعنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۶ – ۵

۵ – حق ستیزی و حق پوشی علمای یهود و نصارا

إن الذین یکتمون . .. ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶

۱۱ عالمان یهود برخی از حقایق تورات را برای مردم بیان می کردند و بسیاری از حقایق آن را از مردم پنهان می ساختند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۲ عالمان یهود مانع دسترسی مردم به حقایق کتاب آسمانی خود (تورات) بودند.

هدی للناس تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۳ تورات مشتمل بر

حقایقی بوده، که بیان آن به نفع و مصلحت عالمان یهود نبوده است.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

۱۶ عالمان یهود با پنهان کردن بسیاری از معارف تورات آن را تحریف کردند.

تجعلونه قراطیس تبدونها و تخفون کثیرا

کتمان بسیاری از نوشته های تورات از دید و اطلاع مردم طبیعتاً منجر به فراموش شدن آن قسمتها می شود و در نتیجه کتاب آسمانی به شکل ناقص در اختیار مردم قرار می گیرد که این خود نوعی تحریف است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۱

۱ اهل کتاب (علمای یهود) مشمول لعن خداوند به جهت حقپوشی و همسویی با کفار علیه مسلمانان

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۵

۲۵ خداوند ، بر حذر دارنده عالمان یهود از کتمان حقایق تورات

و کانوا علیه شهداء فلاتخشوا الناس

برداشت فوق بر این مبناست که متعلق <فلاتخشوا . ..> مضمونی باشد که از <کانوا علیه شهداء> به دست می آید. یعنی در اظهار آنچه در تورات است، از مردم نترسید.

عوامل کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۲ - ۳

۳ - کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن <لاـ>ی ناهیه در <تکتموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۲

۲ - ناسازگاری حقایق کتاب های آسمانی با منافع عالمان دنیاطلب ، وادار کننده آنان به کتمان آن حقایق

إن الذین یکتمون . .. و یشترون ... ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

برداشت فوق بر این اساس است که <ذلک> اشاره به <کتمان> - که از جمله <یکتمون . ..> به دست می آید - داشته باشد. بر این مبنا از یک سو حق ستیزی دلیل کتمان معارف و احکام کتب آسمانی دانسته شده است (ذلک]الکتمان[بأن اللّه نزل الکتاب بالحق) و از سوی دیگر جمله <یشترون به ثمناً قلیلا در آیه ۱۷۴> رسیدن به منافع دنیوی را دلیل و انگیزه کتمان معارف می شمرد. نتیجه این دو دلیل این است که: حقایق کتابهای آسمانی با منافع گروهی دنیاطلب ناسازگار است و این ناسازگاری مایه کتمان آن حقایق می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل کفرپیشگی و کتمان حقایق آسمانی

فلاتخشوا الناس . .. و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۸ - ۹

۹ اختلاف انسان ها در دین ، مایه پوشیده شدن حقیقت بر عموم آنان می شود .

و لایزالون مختلفین

چون <إلاّ من رحم> در آیه بعد استثنا از <لایزالون مختلفین> است معلوم می شود همه اختلاف کنندگان در دین جز کسی که مورد رحمت الهی قرار گیرد بر طریق ناصوابند بنابراین اختلاف در دین باعث

می شود كه حق بر همه گروهها پوشيده بماند و همگان بيراهه بروند.

كافران و كتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشيمانى و تأسف شديد كافران در قيامت از كتمان كردن حقايق در دنيا

يومئذ يودّ الذين كفروا و عصوا الرسول . .. و لا يكتمون اللّه حديثاً

بنابر اينكه <لا يكتمون> عطف بر جمله <تسوّى> باشد.

۱۱ شرمسارى و پشيمانى كافران در قيامت ، از كتمان حقانيت رسالت پيامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا يكتمون اللّه حديثاً

مصداق مورد نظر از كتمان حديث در آيه شريفه، به دليل <كفروا و عصوا الرسول>، كتمان حقّانيّت پيامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۱۱

۱۱ كافران به رسالت پيامبر(ص)، حق پوش و مغالطه كارند.

و للبسنا عليهم ما يلبسون

<يلبسون>، فعل مضارع و بيانگر استمرار تلبيس كافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۵

۵ خوددارى كافران از اعتراف به مالكيت مطلق خداوند، على رغم آگاهى بدان

قل لمن ما فى السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۵

۵ تکذیب قرآن و آیات الهی از سوی برخی کفار، با وجود علم و آگاهی بر حقانیت آن

إن هذا إلا أسطیر الأولین . .. بل بدالهم ما کانوا یخفون

چون در آیات قبل سخن از تکذیب قرآن و آیات الهی بود، مراد از <ما کانوا یخفون> می تواند موارد

مذکور باشد.

کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۶ - ۴

۴ - کتمان محتوای کتاب های آسمانی ، کتمان حق است و کتمان کنندگان مردمی حق ستیزند .

ذلک بأن اللّه نزل الکتب بالحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۱ - ۱،۲

۱ آمیختن آگاهانه حق به باطل و کتمان آن توسط علمای یهود و نصارا ، و نکوهش آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل و تکتمون الحق و انتم تعلمون

۲ علمای اهل کتاب با درآمیختن حق به باطل و کتمان حق ، مردم را گمراه می ساختند .

ودّت طائفه من اهل الکتاب لو یضلّونکم . .. یا اهل الکتاب لم تلبسون الحق بالباطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۱

۱ انسان های حق ناشنوا و خاموش از بیان معارف حق و فاقدان فهم حقایق دینی ، بدترین جنبندگان در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کلمات <الصم> و <البکم> به ترتیب جمع <الاصم = کر> و <الابکم = لال> است. <الذین لایعقلون> خبر سوم برای <إن> می باشد. قابل ذکر است که صفت بودن آن برای <الصم> و <البکم> نیز محتمل است.

کتمان حق مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۴۰

۴۰- کشف ماجرای اصحاب کهف ، عامل تقویت موضع موحّدان و معتقدان به معاد بود .

إذ یتنزعون . .. قال الذین غلبوا علی أمرهم

در بیان

آنچه مورد نزاع و اختلاف مردم بود، دو احتمال بیان شد: اگر <إذ یتنازعون. ..> نظر به اختلاف آنان در باره معاد داشته باشد، <الذین غلبوا...> آن دسته از مردم خواهند بود که معاد را پذیرا بودند و با بیداری اصحاب کهف، به دلیلی محکم و ملموس، در برابر خصم خود، دست یافته بودند.

کتمان حق مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۲

۲- حق پوشی ، کارشکنی در طریق دین و پیامبرستیزی ، ویژگی مشرکان عصر نزول

إنّ الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه و شاقّوا الرسول

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۰،۱۳

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و . . .)

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۶

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند ، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

گناه کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۶ - ۱۱

۱۱ - عالمان ادیان ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق هستند .

و إن فریقاً منهم لیکتمون الحق و هم یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۷

۷ - کتمان حقایق دینی و معارف کتب آسمانی از گناهان بزرگ است .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

دوری همیشگی کتمان کنندگان حقایق از رحمت خدا و نیز ابتلای آنان به عذابی تخفیف ناپذیر، حکایت از بزرگی گناه آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۴ - ۸

۸ – عالمان دینی ، در خطر آلوده شدن به گناه کتمان حقایق کتاب های آسمانی و احکام الهی هستند .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب

مسیحیان و کتمان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۲ – ۳

۳ – کتمان حقیقت ، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل

و لاتلبسوا الحق بالبطل و تکتموا الحق

تکرار نکردن

<لا>ی ناهیه در <تکتموا> به این معنا اشاره دارد که: هدف یهود و نصارا در آمیختن حق به باطل، مخفی نگاه داشتن حق بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۰ - ۹،۱۰

۹ - یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ - یهود و نصارا ، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد

که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

مشرکان و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۳

۳ مشرکان، علی رغم گواهی ضمیرشان بر حقانیت توحید و معاد، آن را پنهان می کنند.

بل بدالهم ما کانوا یخفون من قبل

مراد از <ما یخفون>، به قرینه آیات پیشین، حقایق ایمانی، از قبیل توحید و معاد، است که مشرکان آن را در ضمیر خویش پنهان می ساختند.

موانع کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۹ - ۳

۳ توجّه به مالکیت و فرمانروایی مطلق خداوند ، زمینه پرهیز از شکستن میثاق ، کتمان حقایق ، دین فروشی و خودپسندی

و اذ اخذ اللّه میثاق الّذین اوتوا الکتب لتبیّننّه . .. و لا تکتمونه ... و اشتروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۳ - ۵

۵ - باور به یگانگی خدا ونبود معبودی جز او ، بازدارنده آدمی از کتمان معارف الهی و حقایق کتاب های آسمانی است . *

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. و إلهکم إله وحد لا إله إلا هو

برداشت فوق و نیز برداشتهای بعدی، بیانگر وجه ارتباط میان آیه مورد بحث و آیات پیشین است.

یهود صدر اسلام و کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۶ - ۷

۷ - یهودیان عصر بعثت در تلاش برای کتمان حقانیت اسلام و رسالت پیامبر (ص)

أتحدثونهم بما فتح اللّه علیکم

یهود و کتمان حق

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۶ – ۱۷

۱۷ – از امام باقر (ع) روایت شده که : < انه قال کان قوم من الیهود لیسوا من المعاندین المتواطئین إذا لقوا المسلمین حدثوهم بما فی التوراه من صفه محمد (ص) فنهاهم کبرائهم عن ذلک ، و قالوا : لا تخبروهم بما فی التوراه ، من صفه محمد (ص) فیحاجوکم به عند ربکم فنزلت هذه الآیه ;

گروهی از یهود – که کینه ای به مسلمانان نداشتند – هنگامی که با مسلمانان روبرو می شدند از اوصاف رسول خدا(ص) که در تورات آمده بود سخن می گفتند; بزرگان یهود با خبر شده و آنها را نهی کردند و گفتند: از صفات محمد]ص[– که در تورات آمده – مسلمانان را مطلع نسازید که به وسیله آن با شما در نزد پروردگارتان استدلال و احتجاج خواهند نمود، پس آیه فوق نازل گشت. >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۰ – ۹،۱۰

۹ – یهود و نصارا به خاطر کتمان حقایقی درباره ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) و نوادگان یعقوب ، از ظالمترین مردم هستند .

أم تقولون إن إبراهیم . .. و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

از مصداقهای مورد نظر برای <شهاده من اللّه> به قرینه صدر آیه، حقایقی است درباره ابراهیم(ع) و سایر پیامبران یاد شده در آیه.

۱۰ – یهود و نصارا ، حقیقتی را که باید به آن شهادت می دادند ، کتمان کرده و از ارائه

آن خودداری نمودند .

و من أظلم ممن کتم شهده عنده من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۳ - ۹

۹ توصیه علمای یهود به یکدیگر ، بر مخفی کردن ادلّه رسالت پیامبر اسلام *

و لا تؤمنوا . .. ان یؤتی احد مثل ما اوتیتم

احتمالا مراد از <ما اوتیتم>، دلایل رسالت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۴

۴ عالمان یهود ، دارای اهداف دنیوی در کتمان و تحریف عهد خدا (حقایق مربوط به پیامبر (ص))

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم

با توجّه به شأن نزول، مقصود از <عهد اللّه>، حقایق مربوط به پیامبر اکرم (ص) در تورات است که به دست عالمان یهود تحریف گشته.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۳ - ۹

۹ پنهان کردن تورات ، توسط یهودیان *

قل فأتوا بالتوریه فاتلوها

دعوت به آوردن تورات و تلاوت آن، این را گوشزد می کند که آنها تورات را از دسترس مردم خارج کرده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۵ - ۳

۳ اهل کتاب (یهود و نصارا) ، همواره بسیاری از حقایق تورات و انجیل را مخفی می کردند .

مما کنتم تخفون من الکتب

با توجه به آیات پیشین، مراد از اهل کتاب هم یهودیان هستند و هم نصارا. بنابراین مقصود از <الکتب> تورات و انجیل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۹ - ۷

۷ تبیین حقایق و معارف کتمان شده به دست یهود و نصارا ، از اهداف رسالت پیامبر (ص)

قد جاءکم رسولنا یبین

بنابر اینکه مفعول حذف شده از <یبین>، به قرینه آیه پانزدهم، حقایقی باشد که علمای اهل کتاب آنها را مخفی می داشتند.

کرامت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کرامت

آثار ذکر کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و کرامت الهی خویش ، مستلزم پرهیز از ناسپاسی خداوند است .

فیغرقکم بما کفرتم . .. و لقد کرّمنا بنی ءادم

یادآوری کرامت انسانها پس از ذکر ماجرای کسانی که پس از رهایی از خطر مرگ به کفران نعمتهای الهی روی آوردند؛ می تواند مذمتی باشد برای آنان و نیز به انسانها توجه بدهد که کرامت انسانی مستلزم اجتناب از کفران است.

آثار ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ و ربّک الأکرم

آثار کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۸

۸ - خداوند ، به دلیل رفتار مدبرانه و کریمانه با انسان ، سزاوار اطاعت و ترک گستاخی و بی پروایی در برابر او است .

ما غرّک بربّک الکریم

ادعای کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۵ - ۶

۶ - انسان ها ، هنگام

برخورداری از نعمت و رفاه ، خود را نزد خداوند ، عزّت مند و با کرامت می پندارند .

فأمّا الإنسن إذا . .. نعّمه فیقول ربّی أکرمن

اکرام در فعل های <أکرمه> و <أکرمن>، به یک معنا نیست; زیرا لحن آیه شریفه گوینده <ربّی أکرمن> را نکوهش کرده; با آن که اکرام را در <أکرمه> پذیرفته است. بنابراین در <أکرمه> مراد <رساندن نفع بدون خواری و ذلت> است که در <مفردات راغب> از معانی اکرام شمرده شده و در <أکرمن> مقصود <با عظمت شمردن و بی عیب دانستن> است که در <قاموس> آمده است.

اهمیت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلایق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلل و الإکرام . .. یسله من فی السموت و الأرض

ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه،

در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

زمینه کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۷ - ۱۱

۱۱- دستیابی به مقام عبودیت و کرامت ، در پرتو تسلیم محض در برابر خداوند است .

مکرمون . لایسبقونه بالقول و هم بأمره یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۷ - ۶

۶ - ایمان و دفاع از دین تا مرز شهادت و ایثار ، موجب غفران الهی و رسیدن به عزت و کرامت در پیشگاه خدا است .

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم فاسمعون . قیل ادخل الجنّه ... ب

عوامل کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۶ - ۹

۹- عبودیت ، عامل دستیابی به مقام کرامت و قرب الهی است .

بل عباد مکرمون

عوامل کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۳ - ۱۸

۱۸ - ملاک قرار گرفتن تقوا ، به عنوان یگانه عامل کرامت انسان ها ، متکی بر علم و کاردانی خداوند است .

إنّ أكرمكم عند اللّه أتقيكم إنّ اللّه عليم خبير

فاقدان كرامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۴ - ۷

۷- پيروان ابليس ، فاقد كرامت و امتياز انسانى و قرار گرفته در جرگه حيوانات *

و استفزز من استطعت منهم بصوتک

<صوت> به معناى صدا و نغمه

بی معناست و معمولاً آن را در تحریک حیوانات استفاده می کننـد. بنابراین تحریک شیطان با صوت، در واقع به منزله حیوان تلقی کردن پیروان خویش است.

کرامت اخروی موحدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ – مؤمنان موحد ، در صحنه قیامت دارای کرامت و برخوردار از اختیار

أفمن یلقی . .. أم من یأتی

تقابل فعل معلوم <یأتی> با فعل مجهول <یلقی>، افاده می کند که حرکت مؤمنان یکتاپرست در قیامت، جبری و ناخواسته نیست. برخلاف منحرفان از آیات الهی که آنان حقیر و مجبوراند.

کرامت اخروی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ – مؤمنان موحد ، در صحنه قیامت دارای کرامت و برخوردار از اختیار

أفمن یلقی . .. أم من یأتی

تقابل فعل معلوم <یأتی> با فعل مجهول <یلقی>، افاده می کند که حرکت مؤمنان یکتاپرست در قیامت، جبری و ناخواسته نیست. برخلاف منحرفان از آیات الهی که آنان حقیر و مجبوراند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۱۹ – ۵

۵ – جایگاه مؤمنان در آخرت ، نشانه عزّت و کرامت آنان و جایگاه کافران ، پست و ذلّت آفرین است .

هم أصحب المشئمه

راست و چپ، کنـایه از عظمت و پستی جایگـاه است; زیرا در جوامع انسـانی، مرسوم است که سـمت راست، نشـانه کرامت و

سمت چپ رمز شوم بودن است; وگرنه راست و چپ حقیقی، وابسته به اعتبارات و با در نظر گرفتن مرکزیتی خاص است که در این آیات، از آن سخنی

به میان نیامده است.

کرامت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۲ – ۵

۵ خردمندان ، خواستار کرامت انسانی و گریزان از خذلان و خواری

لاولی الالباب . .. ربّنا انّک من تدخل النّار فقد اخزیته

خردمندان از آن جهت خواهان دوری از آتشند که ورود در آتش را حاکی از خواری و خفّت خویش در پیشگاه خداوند می دانند و این معنا کاشف از کرامتخواهی آنان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۲ – ۳

۳ حق شنوایی و بیان حقایق و معارف دین و درک آنها ، از ملاک های ارزش و کرامت آدمی در پیشگاه خداوند

إن شر الدواب عند اللّه الصم البكم الذین لایعقلون

کلمه <دواب>، به معنای بهائم و یا جنبندگان، برای اشاره به این است که توصیف شدگان به منزله حیوانات هستند و ارزش نام انسان را ندارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۱ – ۱۵

۱۵– انسان ، بهره مند از لطف خاص خداوند و برخوردار از کرامت و مقام ویژه در جهان

و الله جعل لکم من بیوتکم . .. و جعل لکم من الجبال ... لعلّکم تسلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۳ – ۱۶

۱۶ – آگاهی خداوند ، به میزان تقوا و کرامت انسان ها

إنّ أكرمكم عند اللّه أتقيكم إنّ اللّه عليم خبير

با توجّه به ارتباط <إنّ اللّه. ..> با <إنّ أكرمكم...>، برداشت بالا به دست مى آيد.

كرامت بندگان خدا

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۲ – ۵،۷

۵ بندگان خالص خدا ، به وقت روبه رو شدن با رفتار و گفتار لغو و بیهوده ، با بزرگواری و متانت از آن می گذرند .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

۷ بندگان خالص خدا ، مردمی بزرگوار و متین

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

کرامت جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۱۹ – ۴

۴ – جبرئیل ، دارای ویژگی ها و رفتاری پسندیده و فرستاده ای بزرگوار برای ابلاغ قرآن

رسول کریم

<کرم> واژه ای است که در مورد زیبایی های والا و کارهای پسندیده کاربرد دارد. (مفردات راغب)

کرامت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۷ – ۲،۵

۲ – فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است; اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

۵ – جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم و بزرگواری او

ذو الجلل و الإکرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۸ – ۱۰

۱۰ – جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم و بزرگواری او است .

تبرک اسم ربّک ذی الجلل و الإکرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ –

۷ - ۶

۷ - خداوند ، بخشنده و بخشایشگر و جامع هرگونه شرافت و فضیلت است .

بربّک الکریم

کریم (در اوصاف خداوند)؛ یعنی، دارای جود و عطای بی پایان و جامع انواع خیر و شرف و فضل (نهایه ابن اثیر). برخی آن را به معنای <صفوح> (کسی که از خطای دیگران بسیار چشم پوشی می کند) می دانند. (مقاییس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، شریف ترین و احسان کننده ترین موجودات است .

و ربّک الأکرم

هر چیزی که در باب خود شریف باشد، به او <کریم> گفته می شود و زمانی که <کَرَم>، وصف خداوند قرار گیرد، نام احسان و انعام فراوان او خواهد بود. برخی از دانشمندان گفته اند: کرم تنها در مورد نیکویی های بزرگ به کار می رود. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۸

۸ - توانا ساختن انسان بر خواندن و نوشتن و آموختن علوم به او ، برخاسته از کرم والای خداوند است .

و ربّک الأکرم . الذی علّم بالقلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ - افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

کلاّ إنّ الإنسن لیطغی

می توان گفت: حرف <کلاّ> ناظر به جمله های بعد است؛ نه آیه های قبل، زیرا زمان نزول آنها با زمان نزول این آیه و

آیات پس از آن،

فاصله زیادی داشته است. در این صورت مفاد <کلاّ>، باز داشتن انسان از طغیان و سایر کارهایی است که تا <کلاّ لئن لم تنته ...> آمده است. در نتیجه حرف <کلاّ> در آن آیه نیز، تأکید این کلمه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلاّ إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

کرامت کاتبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۶ - ۱

۱ - نویسندگان قرآن در صفحه های پاکیزه و با عظمت ، شخصیت هایی بزرگوار و دارای ارزش و احترام در پیشگاه خداوند

بأیدی سفره . کرام

کرامت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۵ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) وظیفه دار عفو کریمانه و گذشت شایسته از کافران و مشرکان و نادیده گرفتن اذیت و آزار آنان بود .

فاصفح الصفح الجمیل

<صفح> به معنای عفو بدون ملامت کردن و به رخ کشیدن است که از آن می توان گذشت کریمانه و بزرگوارانه برداشت کرد.

کرامت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۴

۲۴ کرامت مریم (س) ، و ظهور امور خارق العاده برای

وی

وجد عندها رزقاً . .. قالت هو من عنداللّه

کرامت ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۶ – ۷

۷– فرشتگان ، بندگان مقرب و مکرم خداوند هستند .

بل عباد مکرمون

کرامت موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۷ – ۵

۵– موسی (ع) ، پیامبری با کرامت و ارجمند در پیشگاه خداوند

و جاءهم رسول کریم

کرامت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۲ – ۴

۴ کسانی که به تمامی پیامبران الهی ایمان دارند ، از مقام و کرامتی والا ، برخوردارند .

و الذین ءامنوا باللّه و رسله و لم یفرقوا بین أحد منهم أولئک

اشاره به مؤمنان با کلمه <أولئک>، حکایت از مقام رفیع آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۵ – ۳

۳ کرامت و مقام والای مؤمنان در پیشگاه خداوند

یأیها الذین ءامنوا

خطاب مستقیم خداوند، نشانه کرامت مخاطبان است.

کرامت یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۱ - ۲۵

۲۵ سیمای یوسف (ع) ، نمایانگر بزرگواری و کرامت والای او بود .

إن هذا إلّا ملك كريم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) شخصیتی با عظمت ، بزرگوار و در اوج کرامت و آزادگی

قال الملك ائتونی به . .. فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

مشمولان کرامت خدا

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القای وحی بر پیامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و کرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربّک الأکرم

منشأ کرامت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۹ - ۹

۹- شرافت و کرامت انسان ، به روح الهی اوست .

إنی خلق بشرًا من صلصل . .. فإذا ... نفخت فیه من روحی

خداوند، در توصیف مایه جسمانی انسان، آن را گِلی بد بو و متغیر ذکر کرد و در القای روح به او، روح را به خود نسبت داد و چنین نسبتی، حاکی از نکته فوق است.

نشانه های کرامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۲ - ۸

۸ گذر از گفتار و کردار لغو و بیهوده و پرهیز از حضور در این گونه مجالس ، نشان کرامت و بزرگواری انسان است .

و إذا مرّوا باللغو مرّوا کرامًا

نشانه های کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۵

۵ - آفرینش انسان و هماهنگ ساختن اجزای او ، جلوه کرم خداوند است .

بربّك الكريم . الذى خلقك فسوّيك فعدلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۵

۵ - هيئت و سيماى هر انسان ، جلوه گاه كرم و ربوبيت الهى است .

بربّك الكريم . .. فى أىّ صوره ما شاء ركّبك

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۵ - ۴

۴ - ر ها ساختن انسان از جهل ، جلوه کرم والای خداوند است .

و ربّک الأکرم. الّذی ... علّم الإنسن ما لم یعلم

نعمت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابـدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمنـد و وابسـته به فیض خداونـد می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

کرامت خدا

آثار ذکر کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۳

۳ - توجّه به بزرگواری و شرافت برتر خداوند ، برانگیزاننده انسان به تلاوت کلام او است .

اقرأ و ربّک الأکرم

آثار کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۸

۸ - خداوند ، به دلیل رفتار مدبرانه و کریمانه با انسان ، سزاوار اطاعت و ترک گستاخی و بی پروایی در برابر او است .

ما غرّک بربّک الکریم

اهمیت کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۹ - ۱

۱ - نیاز خواهی پیوسته خلایق ، از پروردگار مقتدر و کرامت مند جهان هستی

ذو الجلل و الإکرام . .. یسله من فی السموت و الأرض

ذکر کرامت خدا

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۲،۳

۲ - اقتدار و کرامت زوال ناپذیر خداوند ، نعمتی شایان توجه برای خلق

و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

با توجه به این که فنای زمینیان، فنای مطلق و ابدی نیست و آنان پس از مرگ همچنان نیازمند و وابسته به فیض خداوند می باشند، اقتدار و کرامت جاودان خدا نوید و نعمتی برای آنان است.

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به ناپایداری زندگی دنیایی و اقتدار و کرامت جاودان پروردگار هستی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

پرسش سرزنش آمیز آیه شریفه، در مورد نعمت های انکارناپذیر، درصدد توجه دادن انسان به نعمت هایی است که در آیات پیشین مطرح شده است (از جمله ناپایداری دنیا و بقای اقتدار خداوند).

کرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۷ - ۲،۵

۲ - فنای زمینیان ، بی تأثیر در ساحت اقتدار ، شکوه ، کرامت و بزرگواری جاودان پروردگار

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ذو الجلل و الإکرام

گفتنی است که قدرت، اقتدار و شکوه فرمانروایان، به وجود رعیت و فرمانبران ایشان وابسته است; اما این آیه چنین وابستگی را از ذات پروردگار نفی می کند.

۵ - جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم و بزرگواری او

ذو الجلل و الإکرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۸ - ۱۰

۱۰ – جلال و شکوه خداوند ، آمیخته با کرم

و بزرگواری او است .

تبرک اسم ربّک ذی الجلل و الإکرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۷

۷ - خداوند ، بخشنده و بخشایشگر و جامع هرگونه شرافت و فضیلت است .

بربّک الکریم

کریم (در اوصاف خداوند)؛ یعنی، دارای جود و عطای بی پایان و جامع انواع خیر و شرف و فضل (نهایه ابن اثیر). برخی آن را به معنای <صفوح> (کسی که از خطای دیگران بسیار چشم پوشی می کند) می دانند. (مقاییس اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۲

۲ - خداوند ، شریف ترین و احسان کننده ترین موجودات است .

و ربّک الأکرم

هر چیزی که در باب خود شریف باشد، به او <کریم> گفته می شود و زمانی که <کَرَم>، وصف خداوند قرار گیرد، نام احسان و انعام فراوان او خواهد بود. برخی از دانشمندان گفته اند: کرم تنها در مورد نیکویی های بزرگ به کار می رود. (مفردات)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۴ - ۸

۸ - توانا ساختن انسان بر خواندن و نوشتن و آموختن علوم به او ، برخاسته از کرم والای خداوند است .

و ربّک الأکرم . الذی علّم بالقلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۶ - ۴

۴ – افراط در گناه و طغیان گری ، در کنار بهره بردن از نعمت ها و کرم الهی ، دور از انتظار و امری ناشایسته است .

كلّا إنّ الإنسن ليطغى

می توان گفت: حرف

<كلاّـ> نـاظر به جمله هاى بعـد است; نه آيه هاى قبل، زيرا زمان نزول آنها با زمان نزول اين آيه و آيات پس از آن، فاصـله زيـادى داشـته است. در اين صورت مفـاد <كلاّـ>، بـاز داشـتن انسان از طغيان و ساير كارهايى است كه تا <كلاّ لئن لم تنته ...> آمده است. در نتيجه حرف <كلاّ> در آن آيه نيز، تأكيد اين كلمه خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتارى به طغيان ، براى كسانى كه در سايه كرم خداونـد و به كمك علوم خدادادى ، به ثروت رسـيده و خود را بى نياز مى بينند ، خلاف انتظار و واكنشى ناشايست در برابر نعمت هاى الهى است .

الأكرم . الذى علّم ... كلاّ إنّ الإنسن ليطغى . أن رءاه استغنى

مشمولان كرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۵

۵ - القاى وحى بر پيامبر (ص) و توانمند ساختن او بر قرائت قرآن ، احسان و كرم خداوند به آن حضرت است .

اقرأ و ربّك الأكرم

نشانه هاى كرامت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۵

۵ - آفرينش انسان و هماهنگ ساختن اجزاى او ، جلوه كرم خداوند است .

بربّك الكريم . الذى خلقك فسوّيك فعدلك

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۸ - ۵

۵ - هيئت و سيماى هر انسان ، جلوه گاه كرم و ربوبيت الهى است

.

بربّك الكريم . .. فى أىّ صوره ما شاء ركّبك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۵ – ۴

۴ – ر ها ساختن انسان از جهل ، جلوه كرم والاى خداوند است .

و ربّك الأكرم. الّذى ... علّم الإنسن ما لم يعلم

نعمت كرامت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۸ – ۲

۲ – اقتدار و كرامت زوال ناپذير خداوند ، نعمتى شايان توجه براى خلق

و يبقى وجه ربّك ذو الجلل و الإكرام . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

با توجه به اين كه فناى زمينيان، فناى مطلق و ابـدى نيست و آنان پس از مرگ همچنان نيازمنـد و وابسـته به فيض خداونـد مى باشند، اقتدار و كرامت جاودان خدا نويد و نعمتى براى آنان است.

كرامات

كرامات غير انبيا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – مريم – ۱۹ – ۲۱ – ۷

۷– تحقق كرامات و امور خارق العاده ، اختصاص به پيامبران ندارد .

قال ربّك هو علىَّ هيّن

كرامات مريم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۵ - ۶،۷

۶- حضرت مریم (س) مورد عنایت ویژه خداوند و دارای کرامت بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

۷ - به بار نشستن فوری درخت خرما و نیرومندی مریم (س) برای تکان دادن آن ، از کرامات او بود .

و هزّی إلیک . .. تسقط

کرامات یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳،۴

۳ یعقوب (ع

) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

۴ شامّه معجزه آسای یعقوب (ع) و کرامت او در شنیدن بوی یوسف (ع) از راه بسیار دور

و لما فصلت العیر قال أبوهم إنی لأجد ریح یوسف

کرامات یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۷

۷ بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهن یوسف (ع) ، کرامتی از یوسف

فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا

فعل <یأت> جواب امر <فألقوه> است و لذا با حرف شرطی مقدر مجزوم شده است. تقدیر کلام چنین می باشد: <إن تلقوه علی وجه أبی یأت بصیراً>. این معنا گویای تأثیر پیراهن یوسف(ع) در بینا شدن چشم یعقوب(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۴۸

۴ چشمان یعقوب (ع) بلافاصله پس از قرار گرفتن پیراهن یوسف (ع) بر آن ، فروغ گرفت و بیناییش بازگشت .

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

<ارتداد> (مصدر ارتد) به معنای بازگشتن چیزی و یا حالتی به صورت و حالت سابق خود است. حرف <فاء> در جمله <فارتد ...> حاکی از دو معناست:$۱ ترتّب و سببیّت میان افکندن پیراهن و بینا شدن یعقوب(ع)، ۲ نبود فاصله و تراخی میان آن دو.

۸ ظهور کرامت و معجزه یوسف (ع) با شفا یافتن چشمان بی فروغ یعقوب (ع) به وسیله پیراهن او

ألقیه علی وجهه فارتد بصیرًا

کری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کری

کری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل . .. و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

کری بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۲

۲ - یادآوری ابراهیم (ع) به قوم خویش مبنی بر ناتوانی بت ها حتی از شنیدن دعای آنان

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

استفهام در <هل یسمعونکم> انکاری است. بنابراین مفاد سؤال ابراهیم(ع) چنین می شود: با این که بت ها درخواست های شما را نمی شنوند، چگونه به درگاه آنها نیایش می کنید؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۵ - ۳

۳- ناتوانی بت ها از شنیدن و اجابت نیایشِ مشرکان ، دلیلی واضح بر بیهودگی عبادت آنها

و من أضلّ ممّن یدعوا . .. من لا یستجیب ... و هم عن دعائهم غفلون

کری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کری بیماردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین .

.. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کری حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۲ - ۲

۲ - حق گریزان ، انسان هایی هستند همانند مردگان کَر

فإنّک لاتسمع الموتى و لاتسمع الصمّ الدعاء إذا ولّوا مدبرین

<فاء> در <فإنّک> فصیحه است و بر کلام مقدری دلالت می کند که می تواند چنین باشد: <حال که آنان، کفر را بر ایمان برگزیده اند، مانند مردگان اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۲ - ۲

۲ آنان که حقایق دینی را ناشنیده گیرند ، کرند و آنان که حقایق دینی را بازگو نکنند ، لالند و آنان که معارف الهی را درک نکنند ، فاقد عقلند .

إن شر الدواب عند اللّه الصم البکم الذین لایعقلون

کری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱،۴

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا

الحیوه الدنیا . .. أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

کری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۴

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ، محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

کری مرتدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۱

۱- خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

کری مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افترى . .. أُولئك ... ما كانوا يستطيعون السمع و ما كانوا يبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۰ – ۳

۳- محرومیت

مشرکان از شنوایی در جهنم

و هم فیها لایسمعون

کری معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۴ – ۱

۱ – ناتوانی معبود های ادعایی مشرکان ، از شنیدن دعا و درخواست انسان ها و استجابت آن

إن تدعوهم لایسمعوا دعاءکم و لو سمعوا ما استجابوا لکم

کری مفتریان بر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۱۱،۱۳

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون > . . . قال : لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لکن یعاتبهم بما صنعوا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون> فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده; بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . ..>.

کری مفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۳ – ۶

۶– بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کری مکذّبان آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ –

۳۹ - ۱،۱۳

۱ تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت

۱۳ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <الذین کذبوا بایاتنا صم و بکم> یقول: <صم> عن الهدی و <بکم> لایتکلمون بخیر <فی الظلمات> یعنی ظلمات الکفر . .. .

از امام باقر(ع) درباره آیه <الذین کذبوا بایاتنا . ..> روایت شده است: تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از (شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر ... .

کری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۱،۲

۱ - خداوند قلب منکران قرآن را از فهمیدن معارف دین و گوش آنان را از شنیدن حقایق دینی ، بازداشته است .

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم

<ختم> به معنای بستن درب چیزی با گل و مانند آن و به اصطلاح لاک و مهر کردن، است. بسته شدن قلب، کنایه از درک نکردن و نفهمیدن است. و <علی سمعهم> می تواند عطف بر <علی قلوبهم> باشد و نیز می تواند خبر برای <غشاوه> باشد. در برداشت فوق، احتمال اول لحاظ شده است.

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱

تکذیب کنندگان آیات الهی (قرآن)، کرها و لالهایی فرو رفته در ظلمتها هستند.

و الذین کذبوا بأیتنا صم و بکم فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵ - ۲

۲ - تصریح منکران قرآن ، به نفوذناپذیری قلب و گوش آنان در برابر وحی

و قالوا قلوبنا فی أکنّه . .. و فی ءاذاننا وقر

کری منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق ر ها شده در ظلمت و گمراهی بسان شخص کر و لال و نابیناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع أصم (کر)، أبکم (لال) و أعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۴ - ۱۶

۱۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < کأنّهم خشب مسنّده > یقول : لایسمعون و لایعقلون ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <کأنّهم خشب مسنّده> روایت شده مقصود خداوند [از این تشبیه]این است که آنان نه گوش شنوا دارند و نه تعقل می کنند>.

کری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی

علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

نشانه های کری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۴ – ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ – شرکورزی ، نشانه کری و حق ناشنوایی است .

قل أرءیتم . .. أفلاتسمعون

نشانه های کری دهریون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۴ – ۲

۲ – محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه . .. و قالوا ما هی إلّا حیاتنا الدنیا

کشاورزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشاورزی

آثار تولید محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱۵ – ۴

۴ – پیدایش محصولات کشاورزی و روییدن گیاه در زمین ، دلیل امکان معاد و حیات دوباره انسان است .

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... لنخرج به حبًّا و نباتًا

ابزار کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۱ – ۴

۴ – قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزار ها استفاده می کردند .

لاذلول تثیر الأرض و لاتسقی الحرث

استفاده از محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۹

۹

جواز استفاده از انواع میوه ها و محصولات کشاورزی برای انسان

کلوا من ثمره إذا أثمر

انفاق از محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه یوم حصاده

اهمیت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۵،۶،۱۱،۱۳

۵ ارزش و اهمیّت کشاورزی و نیروی انسانی و نقش آن در قوام جامعه

و اذا تولی . .. و یهلک الحرث و النسل

از اینکه نابود ساختن این دو، فساد در زمین معرّفی شده، اهمیّت و ارزش آن به دست می آید.

۶ اصلاح جامعه و حفظ کشاورزی و نسل ، از ویژگی های حکومت صالح

و اذا تولی . .. لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

از اینکه خداوند، فساد و . .. را از کارهای حکومتی منافقان می داند; معلوم می شود که در حکومت صالحان، چنین اعمالی نباید باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبغوض خداوند

و اذا تولی . .. و یهلک الحرث و النسل و اللّه لا یحب الفساد

۱۳ از وظایف حکومت ، حفظ کشاورزی و نیروی انسانی و اصلاح آنهاست .

و اذا تولی سعی فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۵

۵ لزوم جدیت و تلاش

بسیار برای زراعت در هفت سال نخست ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان . .. قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<دأب> مصـدر و به معنـای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شـریفه در موضع اسم فاعل (دائبین) قرار گرفته و حال برای فاعـل <تزرعون> می باشـد ; از این رو دلالـت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسـد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

اهمیت کشاورزی در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۶ – ۳

۳- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع

از این که خداونـد تنهـا <جنات>، <عیون> و <زروع> را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمیـد که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی، بیش از سایر منابع بوده است.

اهمیت کشاورزی در مصر باستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۶ – ۳

۳- نقش مهم باغداری و کشاورزی در اقتصاد مصریان ، در عصر موسی (ع) *

کم ترکوا من جنّت و عیون . و زروع

از این که خداونـد تنهـا <جنات>، <عیون> و <زروع> را به خصوص از میان نعمت ها نام برده است، می توان فهمیـد که نقش این امور در شکوفایی و اقتدار اقتصادی مصریان در عصر موسی،

بیش از سایر منابع بوده است.

اهمیت محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۱

۱ - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

پیدایش محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۲،۵

۲ خداوند پدید آورنده باغستانها، درختان خرما و کشتزارهاست.

و هو الذی أنشأ جنت . .. و النخل و الزرع

۵ گوناگونی میوه ها و محصولات کشاورزی از آثار قدرت الهی

و الزرع مختلفا أکله

<اکل> به معنای میوه و ثمرهای خوراکی است.

تخریب کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۵ - ۴،۱۱

۴ نابود ساختن کشاورزی و نسل کشی ، از بارزترین نوع فساد در زمین است .

لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل

بنابراینکه جمله <و یُهلک الحرث و . ..>، تفسیر جمله <لیفسد فیها> باشد.

۱۱ نابود کردن کشاورزی و نسل کشی ، مبغوض خداوند

و اذا تولی . .. و یهلک الحرث و النسل و اللّه لا یحب الفساد

توسعه کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۶

۶ - برخورداری از توان رزمیِ فراوان و توسعه کشاورزی و آبادانی سرزمین ها ، برترین جلوه های تمدن در جوامع پیشین بوده است .

کانوا أشدّ منهم قوّه و أثاروا الأرض و عمروها أکثر ممّا عمروها

<إثاره> (مصدر <أثاروا>) به معنای <زیر و رو کردن> است و در این جا، منظور، زیر

و رو کردن خاک برای زراعت یا ساختمان سازی و غیر آن است.

حق الله در محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۱۰

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

حقوق محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۲۱، ۱۷،۱۹،۲۰

۱۷ عن أبی عبدالله(ع): لاتصرم باللیل و لاتحصد باللیل . .. و إن حصدت باللیل لم یأتک السؤال و هو قول الله تعالی: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> ... یعنی القبضه بعد القبضه إذا حصدته و إذا خرج فالحفنه بعد الحفنه ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: میوه را در شب نچین و شبانه درو نکن . .. زیرا اگر در شب، درو کنی فقیران نزد تو نمی آیند و این سخن خداوند متعال است که می فرماید: <حق محصول را روز درو بپردازید> ... یعنی هنگام درو، دسته دسته و هنگام جدا شدن دانه، مشت مشت بپردازید ... .

۱۹ عبدالله بن سنان عن أبی عبدالله(ع) قال: سألته عن قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: اعط من حضرک من المسلمین و إن لم یحضرک إلا مشرک فاعطه.

عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق(ع) درباره <و ءاتوا حقه یوم حصاده> سؤال کردم، فرمود: اگر کسی از مسلمانان هنگام برداشت محصول حضور داشت، حق الحصاد را به او بده و اگر کسی غیر از مشرک نبود، به او بپرداز.

۲۰ عن أبی عبدالله(ع) فی

قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: حقه یوم حصاده علیك واجب و لیس من الزكاه . .. .

از امام صادق(ع) درباره آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: پرداخت حق الحصاد در روز درو، بر تو واجب است و این حق، غیر از زكات است . .. .

۲۱ عن النبی(ص) فی قوله: <و ءاتوا حقه یوم حصاده> قال: ما سقط من السنبل.

از رسول خدا(ص) در توضیح آیه <و ءاتوا حقه یوم حصاده> روایت شده است: خوشه های بر زمین ریخته شده در هنگام درو، حق الحصاد است.

دانش كشاورزی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۵،۶

۵ یوسف (ع) بر نحوه كشت و برداشت و ذخیره سازی آذوقه ها و چگونگی تقسیم و توزیع آنها ، آگاهی كامل داشت .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض إنی . .. علیم

۶ یوسف (ع) بر به كارگیری توان و دانش خویش در امركشت و برداشت و ذخیره سازی غلات و توزیع آنها تأكید كرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم> علاوه بر اینكه حاكی از توان و دانش یوسف(ع) بر امور یاد شده است ، دلالت بر این نیز دارد كه وی دانش و توانایی اش را در اموری كه به او سپرده شود ، به كار می گیرد و بدان متعهد می شود.

درو محصولات كشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات كشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و

درو کردن غلات

و ءاتوا حقه یوم حصاده

روش مبارزه با آفات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۹

۹ غلات با نگهداری در خوشه ها و غلاف های آن ، مصونیت بیشتری را در مقابل آفات خواهند یافت .

فما حصدتم فذروه فی سنبله

رویاننده محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱ – ۱

۱– خداوند ، رویاننده کشتزار ها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کلّ الثمرت

زکات محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۱ – ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

۱۰ خداوند حقی برای خود در محصولات کشاورزی قرار داده است.

و ءاتوا حقه یوم حصاده

مرجع ضمیر <حقه>، به قرینه صدر آیه، ممکن است <الله> باشد.

۱۱ لزوم پرداخت بخشی از محصولات کشاورزی به هنگام چیدن میوه ها و درو کردن غلات

و ءاتوا حقه یوم حصاده

۱۲ حکم زکات در مکه شامل همه محصولات کشاورزی می شده است. *

جنت . .. و النخل و الزرع ... و الزیتون و الرمان ... و ءاتوا حقه یوم حصاده

فرمان به ادای حق محصولات کشاورزی در روز چیدن اختصاص به محصولات خاصـی، مانند غلات، ندارد. و چون در آیات مکی دیگر نیز فرمان زکات یاد شده، محتمل است فرمان به <ایتاء حق الحصاد> اشاره به همان حکم زکات باشد.

۱۳ حکم پرداخت حقوق مالی (زکات یا حق الحصاد) از محصولات کشاورزی در مکه نازل شده است.

و

ءاتوا حقه یوم حصاده

زمین کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۵ – ۸

۸ زمین مرتفع ، دارای استعداد بیشتر برای ثمردهی است .

کمثل جنّه بربوه اصابها وابل فاتت اُکُلها ضعفین

زیان به محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶۷ – ۱

۱ – آسیب دیدن محصولات کشاورزی ، یأس آور برای انسان ها و باعث احساس حرمان برای آنان

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون ... بل نحن محرومون

فواید کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۱۲

۱۲ آب فراوان و رونق کشاورزی از شاخصه های توانمندی و قدرت اقوام و تمدنها

و أرسلنا السماء علیهم مدرارا و جعلنا الأنهر تجری من تحتهم

کشاورزی بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۱ – ۴

۴ – قوم موسی ، از گاو برای شخم زنی و آبیاری کشتزار ها استفاده می کردند .

لاذلول تثير الأرض و لاتسقی الحرث

کشاورزی در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۶ - ۴

۴ کشاورزی و دامداری از منابع درآمد مردم در عصر جاهلیت بوده است.

مما ذراً من الحرث و الأنعم

کشاورزی در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ سرزمین مصر در زمان یوسف (ع) زمینه دار تولید غلات و محصولاتی بیش از مصرف سرانه آن سامان

قال تزرعون سبع سنین

دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۴

۴ طرح کاشت مداوم غلات و ذخیره سازی آنها برای سال های قحطی ، تنها در قلمرو حکومتی مصر انجام گرفت .

و جاء إخوه یوسف

کشاورزی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۸ - ۲

۲ - کشاورزی ، یکی دیگر از محور های فعالیت اقتصادی ثمودیان

و زروع

کشاورزی مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

ماءها و مرعیها . .. متعًا لکم و لأنعمکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۲ - ۴

۴ - کشاورزی و دامداری ، از منابع درآمد مردم در عصر بعثت

متعًا لکم و لأنعمکم

محصولات کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – محصولات طبیعی ، روزی خدادادی است .

جنّتان عن یمین و شمال کلوا من رزق ربّکم

منابع آب کشاورزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۹ – ۳

۳ آب باران ، مناسب ترین آب برای کشاورزی و احیای زمین های مرده

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا لنحیی به بلده میتًا

از این که خداوند از میان انواع آب ها، آب باران را عامل احیای زمین برشمرده و قید <طهور> (پاک و پاک کننده) را بر آن

افزوده است، می توان برداشت فوق را به دست آورد.

منشأ توسعه کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۴

۴ - رونق کشاورزی ، نشانه لطف و رحمت الهی به انسان ها است .

لو نشاء لجعلنه حطمًا . فظلتم تفکّهون

نابودی محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۶ - ۱

۱ - از بین رفتن محصولات کشاورزی ، خسارتی سنگین و تکان دهنده برای انسان ها

لو نشاء . .. فظلتم تفکّهون . إنّا لمغرمون

نیاز به محصولات کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶۵ - ۳

۳ - وابستگی شدید مردم ، به محصولات کشاورزی

لو نشاء لجعلنه حطمًا فظلتم تفکّهون

طرح موضوع کشاورزی و این که اگر خداوند مانع محصول دادن آن شود، کافران به وضع رقّت باری گرفتار خواهند شد، نشانگر مطلب یاد شده است.

یوسف(ع) و وزارت کشاورزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت

کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

کشاورزان

عوامل سرور کشاورزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - بارش باران و سرسبز شدن مزارع ، برانگیزاننده شگفتی کشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

کمثل غیث أعجب الکفّار نباته

<اعجاب> (مصدر <أعجب>) به معنای به شگفتی واداشتن است و <کافر> (مفرد <کفّار>) در این جا به معنای کشاورز می باشد.

کشتزار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشتزار

آثار سرسبزی کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - بارش باران و سرسبز شدن مزارع ، برانگیزاننده شگفتی کشاورزان و مایه سرور و شادمانی آنان

کمثل غیث أعجب الکفّار نباته

<اعجاب> (مصدر <أعجب>) به معنای به شگفتی واداشتن است و <کافر> (مفرد <کفّار>) در این جا به معنای کشاورز می باشد.

اهمیت کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۷

۷ درخت ها و کشتزار ها ، دو نمود برکت باران و بقای رحمت آن

ماء مبرکًا فأنبتنا به جنّت و حبّ الحصید

تشبیه به کشتزار پرمحصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۳۳

۳۳- تشبیه پیامبراسلام و یاران آن

حضرت در انجیل ، به زراعتی شکوفا ، پرحاصل و شگفت انگیز

و مثلهم فی الإنجیل کزرع أخرج شطه فازره

<کزرع. ..> خبر برای <مثلهم فی الإنجیل> است.

تمثیل به کشتزار سرسبز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۴ – ۱،۲

۱ زندگی دنیوی مانند کشتزار سرسبزی است که در معرض انواع رخداد ها و آفت های بنیان کن می باشد .

إنما مثل الحیوه الدنیا کماء . .. حتی إذا أخذت الأرض زخرفها و ازینت ... أتیها أمر

۲ دنیامداران ، به دهقانی می مانند که مزرعه خرم و به خوشه نشسته اش وی را مست و بی خود سازد و با خاطری آسوده و غافل از تمامی حوادث و آفت های در کمین نشسته به خوابی خوش فرو رود .

إنما مثل الحیوه الدنیا . .. و ظن أهلها أنهم قدرون علیها أتیها أمرنا لیلا أو نهار

رویاننده کشتزار ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱ – ۱

۱– خداوند ، رویاننده کشتزار ها و درختان زیتون ، خرما و انگور و تمامی محصولات کشاورزی است .

ینبت لکم به الزرع و الزیتون و النخیل و الأعنب و من کلّ الثمرت

زیان کشتزار قصه داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۸ – ۵

۵– داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سليمن إذ يحكمان فى الحرث إذ نفشت

فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

زیان کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۵

۵- داوود و سلیمان (ع) ، در تطبیق و چگونگی پیاده کردن حکم خدا در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، اختلاف نظر داشتند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم و کنّا لحکمهم شهدین

نوع مفسران برآنند که <ففهّمناها> می رساند که خداوند نظر سلیمان را تأیید کرد. از سوی دیگر، جمله های <کنّا لحکمهم شاهدین> و <و کلاًّ آتینا حکماً و علماً> می فهماند که نظر هر دو براساس نظارت، حکم و علم الهی بوده است. جمع میان این دو سخن، به این است که بگوییم: اختلاف آن دو در حکم الهی نبود; بلکه در تطبیق و چگونگی پیاده کردن آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۱

۱- حکم و داوری سلیمان (ع) در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، با الهام خداوند بود .

ففهّمنها سلیمن

<فا> در <ففهّمنا> برای تعقیب است و

ضمیر <ها> به حکومت (قضاوت) بازمی گردد; یعنی، در مشاوره و داوری داوود و سلیمان(ع) حکم واقعی را به سلیمان فهماندیم.

زیبایی کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۳ - ۲

۲- جریان نهر آب از میان باغ و کشتزار ها ، صحنه ای دل انگیز و تماشایی است .

کلتا الجنّتین ءاتت أکلها ولم تظلم منه شیئًا و فجّرنا خللهما نهرًا

کشتزار قصه داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳،۹،۱۰،۱۱

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

۹- < أحمدبن عمرالحلبی قال : سألت أباالحسن (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > قال : کان حکم داوود (ع) رقاب الغنم ، و الذی فهّم اللّه عزّوجلّ سلیمان (ع) أن احکم لصاحب الحرث باللبن و الصوف

ذلك العام كلّه ;

احمـدبن عمر حلبی گوید: از امام ابی الحسن(ع) در باره سـخن خداوند عزّوجلّ <و داود و سـليمان إذ يحكمان فی الحرث> سؤال كردم، فرمود: حكم داوود(ع) دادن گوسـفندان به صاحب زراعت بود و چيزی را كه خداوند به سـليمان فهماند، اين بود كه برای صاحب زراعت حكم كن تا شير و پشم گوسفندان در كلّ آن سال برای او باشد>.

۱۰- < عن أبی عبـداللّه (ع) قـال : كـان فی بنی اسـرائيل رجـل له كرم و نفشت فيه غنم رجل آخر بالليل و قضـمته و أفسـدته فجـاء صـاحب الكرم إلی داود فاسـتعدی علی صاحب الغنم فقال داود (ع) : إذهبا إلی سـليمان (ع) ليحكم بينكما فـذهبا إليه فقـال : سـليمان إن كانت الغنم أكلت الأصل و الفرع فعلی صاحب الغنم أن يـدفع إلی صاحب الكرم الغنم و ما فی بطن ها و إن كانت ذهبت بالفرع و لم تذهب بالأصل فإنّه يدفع ولد ها إلی صاحب الكرم و كان هذا حكم داود . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده: مردی از بنی اسـرائيل دارای تاكسـتانی بود، گوسـفندان فردی شبان گاه وارد آن شدند و آن را خوردنـد و تباه كردند . .. صاحب تاكسـتان از صاحب گوسـفندان نزد داوود شـكايت برد، او گفت: نزد سـليمان برويد تا ميان شما داوری كند. پس نزد سليمان رفتند، وی گفت: اگر گوسفند اصل و فرع تاك را خورده، پس بر صاحب گوسفند است كه بايد گوسفند و بچه در شكم او را به صاحب تاك بدهد و اگر فرع درخت را خورده و اصل درخت باقی است، بچه گوسفند

را به صاحب تاکستان بدهد و نظر داوود هم همین بود...>.

۱۱- < عن أبی عبداللّه (ع) (فی) قول اللّه عزّوجلّ : < و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث > . . . قال : إنّه کان أوحی اللّه عزّوجلّ إلی النبیین قبل داود إلی أن بعث اللّه داود (ع) أی غنم نفشت فی الحرث فلصاحب الحرث رقاب الغنم . . . فحکم داود (ع) بما حکمت به الأنبیاء (ع) من قبله و أوحی اللّه عزّوجلّ إلی سلیمان (ع) أی غنم نفشت فی الزرع فلیس لصاحب الزرع إلاّ ما خرج من بطون ها و کذلک جرت السنّه بعد سلیمان > ;

از امام صادق(ع) [در باره] قول خدای عزّوجلّ <و داود و سلیمان إذ یحکمان فی الحرث> روایت شده . .. که فرمود: همانا خدای عزّوجلّ به پیامبران قبل از داوود تا زمانی که او را برانگیخت وحی نموده بود که هر گوسفندی شبانه وارد زراعتی شود، برای صاحب زراعت است که آن گوسفند را به تملک خود درآورد ... پس داوود به همان حکم پیامبران پیش از خودحکم داد و خدای عزّوجلّ به سلیمان وحی نمود: هر گوسفندی که شبانه وارد زراعتی شود، صاحب زراعت حقی ندارد; مگر به چیزی (بچه ای) که از شکم آن بیرون می آید و بعد از سلیمان همین سنت جریان داشت...>.

کشتزار قصه سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۸ - ۲،۳

۲- داوری داوود و سلیمان (ع) ، در باره کشتزار چراشده در

شبان گاه به وسیله گوسفندان مردم

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

<نفش> به معنای چریدن حیوان در شب، بدون چوپان و یا بی اطلاع وی است.

۳- داوود و سلیمان (ع) ، در باره خسارت مزرعه تلف شده به وسیله گوسفندان ، به مشورت پرداختند .

و داود و سلیمن إذ یحکمان فی الحرث إذ نفشت فیه غنم القوم

برداشت یاد شده بدین احتمال است که <یحکمان> با صیغه تثنیه، اشاره به مشورت داوود و سلیمان داشته باشد، چه این که حکم هر یک به صورت استقلالی در یک واقعه، بعید به نظر می رسد.

منشأ پیدایش کشتزار ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۹ - ۴

۴ پیدایش بوستان ها و کشتزار ها در پی نزول باران ، درسی برای خداجویان

و نزّلنا من السماء ماء مبرکًا فأنبتنا به جنّت و حبّ الحصید

کشتی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشتی

آثار حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۶ - ۱

۱- حرکت پیوسته کشتی ها و قوانین حاکم بر آن ، در جهت منافع انسان و جلوه ای از ربوبیت خداوند است .

ربّکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله

آثار سوراخ کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹ – ۱۰

۱۰– معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم ملك یأخذ کلّ سفینه غصبًا

آسیب

پذیری کشتی بادبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۷

۷ کشتی های بادبانی مورد استفاده در عصر بعثت برای سفر های دریایی ، آسیب پذیر در برابر طوفان و امواج دریا

حتی إذا کنتم فی الفلک . .. جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموج من کل مکان و ظنوا أنهم

استحکام کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجینه و من معه فی الفلک المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

استفاده از کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۳ - ۱

۱ - بهرهوری انسان از موهبت های طبیعی (کشتی و حیوانات) ، زمینه ساز توجه وی به نعمت دهنده بودن خداوند

جعل لكم من الفلك و الأنعم . .. لتستوا على ظهوره ثمّ تذكروا نعمه ربّكم إذا استوى

استفاده از کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- مسخّر و رام بودن کشتی ها از سوی خداوند ، به منظور بهره‌وری و سود بردن انسان است .

و سخّر

لكم الفلك

امكانات كشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۵

۵ - كشتی نوح ، انباشته از امكانات ضروری و مورد نیاز سرنشینان آن

فی الفلك المشحون

<شَحْن> (مصدر مجهول <مشحون>) به معنای پُر گردانیده شدن است. بنابراین <فلك مشحون>; یعنی، كشتی پر شده. گفتنی است كه متعلق <مشحون> حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فی الفلك المشحون بما یفتقر إلیه.

اهمیت صنعت كشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت كشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلك المشحون

قرار گرفتن نعمت كشتی رانی در كنار نعمت بزرگ خورشید و ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت كشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

اهمیت كشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۸

۸ نجات نوح (ع) و مؤمنان به او ، در گرو ساخت كشتی بود .

واصنع الفلك . .. إنهم مغرقون

بقای كشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۷۸

۷ - کشتی نوح (ع) ، اثری باقیمانده از طوفان نوح ، و آیه بزرگ الهی برای همه جهانیان است .

فأنجینه و أصحب السفینه و جعلنها ءایه للعلمین

۸ - نجات نوح (ع) و اصحاب کشتی وی و باقی ماندن کشتی ، به عنوان آیه الهی برای

مردم ، به دست خداوند بود .

فأنجینه و أصحب السفینه و جعلنها ءایه للعلمین

بقایای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد ترکنها ءایه فهل من مدّکر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

۲ - برجای ماندن بقایای کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد ترکنها ءایه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدّکر> مطلب بالا استفاده می شود.

پسر نوح(ع) و کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۵،۶

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

متعلق <معزل> أبیه و یا الفلک می باشد. بنابراین <و کان ...>; یعنی ، فرزند نوح در کناری و به دور از پدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت

.

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع

جمله <و نادی نوح> پس از <هی تجری بهم . ..> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادی نوح ...> را عطف بر <قال ارکبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

پیروان نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱

۱ پیروان نوح ، پس از شروع طوفان و درپی فرمان او ، به کشتی سوار شدند .

و قال ارکبوا فیها . .. و هی تجری بهم

جمله <هی تجری . ..> عطف بر جمله ای مقدر است که به خاطر وضوح و اختصار در کلام ذکر نشده است; یعنی: فرکبوا فیها و هی تجری بهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۵ - ۲

۲ - نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

پیشگویی کشتی های غول پیکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن ، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته

نشده بود، آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

تاریخ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلی الفلک المشحون

تخته های کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد

تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود

نه در پرتو استحکام کشتی او; زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

تسخیر کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۳

۳ - رام بودن شتر برای بشر و مکانیسم طبیعی قرار گرفتن و حرکت کشتی بر سطح آب تدبیری الهی است .

و علیها و علی الفلک تحملون

تسخیر کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۸

۱۸- مسخّر و رام کردن کشتی ها ، نهر ها و رود ها برای انسان ، دلیل و نشانه توحید خداوند

الله الذی خلق . .. و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره و سخّر لکم الأنهر

توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۹

۹ < عن أبی عبدالله (ع) . . . أمر الله الأرض أن تبلع مائها و هو قوله < و قیل یا أرض ابلعی مائک . . . > . . . فبلعت الأرض ماءها فأراد ماء السماء أن یدخل فی الأرض فامتنعت الأرض من قبولها و قالت : إنما أمرنی الله عز و جل أن أبلع مائی فبقی ماء السماء علی وجه الأرض و استوت السفینه علی جبل الجودی و هو بالموصل جبل عظیم ، فبعث الله جبرئیل فساق الماء إلی البحار حول الدنیا . . . ;

[در مورد طوفان نوح] از امام صادق(ع) روایت شده است که: خداوند به زمین فرمان داد تا آب خود را فرو برد و این سخن خداست که

فرمود: <. .. یا أرض ابلعی مائك ...>... پس زمین آب خود را فرو برد. آبی که از آسمان آمده بود خواست در زمین فرو رود، زمین از قبول آن امتناع کرد و گفت: خدای عزوجل مرا فرمان داده فقط آب خود را فرو ببرم، پس آب آسمان روی زمین باقی ماند و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و آن کوه بزرگی است در موصل. پس خداوند جبرئیل را برانگیخت و او آبها را به دریاهای اطراف دنیا سوق داد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی . .. قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است; یعنی: أنزل من الفلك و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداونداست.

جایگاه حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۸

۸ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) قال (فی) الفلك المشحون > : اتخذ نوح (ع) فیه تسعین بیتاً للبهائم ;

أمیرالمؤمنین(ع) درباره <الفلك المشحون> فرمود: نوح در آن کشتی نود جایگاه برای چهارپایان قرار داده بود>.

حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ -

۲ حرکت کشتی ها بر سطح دریا ، در سایه وزش باد های ملایم و موافق ، از جلوه های ربوبیت و پروردگاری خدا

هو الذی یسیرکم فی البر و البحر حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۵ – ۴،۱۳

۴ – توجه به تسخیر طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد با کرات و سنگ های آسمانی ، زمینه روشنی برای ره یابی به توحید ربوبی خداوند

ألم تر أنّ اللّه سخّر. .. أن تقع علی الأرض

۱۳ – رام بودن طبیعت برای انسان ، حرکت کشتی در دریا و امنیت زمین از برخورد کرات آسمانی با آن ، جلوه های رأفت و رحمت گسترده خدا به انسان

ألم تر أنّ اللّه سخّر . .. إنّ اللّه بالناس لرءوف رحیم

حرکت کشتی در دریا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۴ – ۶

۶ – حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی . .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التی تجری...>; یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت

<باء> به معنای سبب است; یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی حضرت نوح بر امواج طوفان ، در پرتو حمایت و نظارت الهی

تجری بأعیننا

حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلك تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

۶ - فلسفه فراهم آوردن امکانات حرکت کشتی در آب ، ارائه برخی از آیات خدا به بندگان است .

ألم تر أنّ الفلك تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، آیه ای

الهی و نشانی از تدبیر ، علم و قدرت خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر

<جوار> (جمع <جاریه>) وصف <سفن> (جمع <سفینه>) است که به دلیل اختصار حذف گشته، و وصف جریان و حرکت کشتی ها جایگزین آن شده است.

حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۶،۷،۲۲

۶ بردن انواع حیوانات به کشتی و نجات دادن آنها از غرق شدن ، از وظایف نوح (ع) پس از پیدایش نشانه طوفان (فوران آب از تنور)

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

۷ نوح (ع) ، موظف بود از هر نوع حیوان تنها یک جفت (نر و ماده) را به کشتی سوار کند .

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

مضاف الیه <کل> کلمه ای همانند <حیوان> است؛ یعنی: من کل حیوان . ... کلمه <اثنین> تأکید برای زوجین است و اشاره به این معنا دارد که از هر حیوان ، بیشتر از یک جفت نباید به کشتی برده شود.

۲۲ < عن أبی عبدالله (ع) قال : حمل نوح (ع) فی السفینه الأزواج الثمانیه التی قال الله عزوجل : < ثمانیه أزواج من الضأن اثنین و من المعز اثنین و من الإبل اثنین و من البقر اثنین > فکان من الضأن اثنین زوج داجنه یربّیها الناس و الزوج الأخر الضأن التی تکون فی الجبال الوحشیّه . . . و من المعز اثنین زوج داجنه . . . والزوج الأخر الظبی التی تکون فی المفاوز و من الإبل اثنین البخاتی والعراب و من البقر

اثنین زوج داجنه للناس و الزوج الآخر البقر الوحشیه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح هشت زوجی را که خدا فرموده <ثمانیه أزواج من الضأن اثنین . ..> در کشتی قرار داد: از میش دو جفت یک جفت اهلی که مردم تربیت می کنند و جفت دیگر وحشی که در کوهها‌ست ... و از بز دو جفت: یکی اهلی ... و دیگری آهو که در بیابانها‌ست و از شتر دو جفت: یکی بخاتی (شتر خراسانی که از شتر عربی و شتر فالج به وجود آید) و دیگری عربی و از گاو دو جفت: یکی اهلی و دیگری وحشی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۸

۸ - نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . .. فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین و أهلک إلّا من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۲

۲ - استقرار نوح (ع) و مؤمنان همراه او در کشتی ، پس از جای دادن حیوانات و خاندانش در آن

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین و أهلک . .. فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک

از تفریع عبارت <فإذا استویت> بر آیه قبل، استفاده می شود که حضرت نوح(ع) نخست حیوانات و خاندانش را در کشتی جای داد و آن گاه خود و یارانش بر آن سوار شدند.

خانواده نوح(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ نوح (ع) از ناحیه خداوند به نجات خانواده خویش و سوار کردن آنان به کشتی موظف شد .

قلنا احمل فیها . .. أهلك

کلمه <أهل> در <أهلك> عطف بر <زوجین> و در حقیقت مفعول برای <احمل> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۷ – ۸

۸ – نوح (ع) ، مأمور جای دادن حیوانات و مؤمنان خاندانش در کشتی ، با ظهور اولین نشانه های طوفان

فإذا جاء أمرنا . .. فاسلك فیها من كلٍّ زوجین اثنین و أهلك إلاّ من سبق علیه القول

خضر(ع) در کشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۱ – ۲،۴،۶

۲– موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا ركبا فی السفینه

۴– خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشنیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا ركبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۶– اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او

می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

خطر در کشتی قصه یونس(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۱ - ۲

۲ - وجود خطر برای کشتی حامل یونس (ع) و رفع آن ، با افکنده شدن یک نفر به دریا

إذ أبق إلی الفلک المشحون . فساهم فکان من المدحضین

خلقت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۱ - ۲

۲ - آفرینش دام ها و کشتی ها ، از نشانه ها و دلایل قدرت و ربوبیت بی همتای خداوند

اللّه الذی جعل لکم الأنعم . .. و علیها و علی الفلک تحملون . و یریکم ءایته

از مصادیق مورد نظر آیه شریفه برای آیات الهی، دام ها و کشتی ها (موضوع بحث آیه قبل) می باشد.

درخواست فرود کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۱

۱ - روی آوردن به دعا پس از استقرار یافتن در کشتی و درخواست فرود آمدن در جایی پر برکت ، رهنمود دیگر خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت . .. فقل الحمد للّه ... و قل ربّ أنزلنی ... و أنت خیر المنزلین

واژه <ربّ> مشترک لفظی میان مصدر (تربیت کردن) و وصف (مربی و تربیت کننده) است که در این جا معنای وصفی دارد. <منزل> می تواند مصدر میمی به معنای إنزال باشد و نیز می تواند اسم مکان به معنای منزلگاه و مهمان سرا باشد.

زمان بارگیری کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۳

۳ خداوند ، زمان بارگیری کشتی نوح

و سوار شدن بر آن را تعیین کرد .

حتّی إذا جاء أمرنا و فار التّنّور قلنا احمل فیها

زمان حرکت کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۱ – ۹

۹ < عن أبی عبدالله (ع) : إن نوحاً (ع) رکب السفینه أوّل یوم من رجب . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: حضرت نوح اول ماه رجب بر کشتی سوار شد. ..>.

زوجیت حیوانات کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۷ – ۹،۱۱

۹ – نوح (ع) ، طبق دستور الهی می بایست از هر حیوان ، تنها یک نر و یک ماده را وارد کشتی کند .

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین

۱۱ – کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کلٍّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

سفر با کشتی بادبانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۸

۸ دریانوردی با کشتی های بادبانی ، سفری آمیخته با بیم و امید

حتى إذا كنتم فى الفلك . .. و فرحوا بها ... و ظنوا أنهم أحيط بهم

سوراخ كشتى قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸

- ۷۱ - ۴،۵،۶،۸

۴- خضر (ع) پس از سوار شدن بر کشتی ، در بدنه آن شکافی ایجاد کرد که سرنشنیان آن در خطر غرق شدن قرار گرفتند .

حتّی إذا رکبا فی السفینه خرقها

<خرق> به معنای <شکافتن و دریدن> است.

۵- موسی (ع) از عملکرد خضر (ع) در شکافتن بدنه کشتی ، شگفت زده شد و به او اعتراض کرد .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۶- اقدام خضر به سوراخ کردن کشتی ، دور از چشم سرنشینان کشتی بوده است .

خرقها قال أخرقتها لتغرق أهلها

روشن است که اگر سوراخ کردن کشتی، در دید مردم قرار داشت، خضر(ع)، مورد اعتراض آن ها قرار می گرفت و مانع او می شدند. از این که تنها، موسی(ع)اعتراض کرده، چنین بر می آید که این کار، از چشم دیگران به دور بوده است .

۸- آسیب رساندن خضر (ع) به کشتی ، امری بس ناروا و غیرقابل توجیه در نظر موسی (ع) بود .

لقد جئت شیئًا إمرًا

<إمر> به معنای <منکَر عظیم> و نیز <منکَر عجیب> آمده است. (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۳

۳- خضر (ع) با بیان آگاه نبودن موسی (ع) به راز معیوب ساختن کشتی ، پندار وی را در مورد انگیزه آن کار ، تخطئه کرد .

أخرقتها لتغرق أهلها . .. ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

شگفتی حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۷

۷- حرکت کشتی در دریا با

شکافتن آب آن ، منظره ای دیدنی و شگفت آور

و تری الفلک مواخر فیه

عبارت <و تری الفلک مواخر فیه> معترضه است و بین چند جمله ای واقع شده که به همدیگر عطف شده اند. آوردن جمله معترضه در صورتی که امکان عطف وجود دارد به خاطر مخالفت با اسلوب جمله و بیان تعجب آور بودن آن است. لازم به ذکر است که <مواخر> جمع <مأخره> (از ماده مخر) بوده و به معنای شکافتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ظرفیت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۱

۱۱ - کشتی نوح ، ظرفیت بیش از یک جفت (یک نر و یک ماده) از هر حیوان مورد نیاز را نداشت .

فاسلک فیها من کلٍّ زوجین اثنین

تأکید خداوند بر این که از هر حیوان تنها یک نر و یک ماده و نه بیشتر را در کشتی جای دهند (من کلٍّ زوجین اثنین)، بیانگر مطلب فوق است.

عبرت از حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۱

۱ - حرکت کشتی ها بر پهنه دریا ، در پرتوِ مواهب الهی ، شایسته تأمل و درس آموزی است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۲۵ – ۳

۳ – خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

عبرت از کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۵ – ۱

۱ – برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد ترکنها ءایه فهل من مدّکر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

عظمت کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

عوامل توقف کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۱ – ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای

<مجریها ...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها ...> چنین معنا می شود: [نوح گفت:]حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل توقف کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۱

۱ - رکود و سکون کشتی ها با جلوگیری از وزش باد ، امری سهل و آسان برای خداوند است .

إن یشأ یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره

عوامل حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۲

۲ کشتی نوح ، با نام خدا حرکت می کرد و با نام خدا از حرکت باز می ایستاد .

بسم الله مجریها و مرسیها

<مجری> و <مرسی> مصدرهای میمی هستند و در کلام مبتدا واقع شده اند و به ترتیب به معنای <جری> (حرکت کردن) و <إرساء> (از حرکت بازداشتن) می باشد. حرف <باء> برای استعانت و <بسم الله> خبر برای <مجریها ...> است. بنابراین جمله <بسم الله مجریها ...> چنین معنا می شود: [نوح گفت:]حرکت این کشتی و نیز بازداشتن آن از حرکت، با نام خدا تحقق می یابد.

عوامل حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۹

۹ - از جمله فواید باد ها ، به حرکت در آوردن کشتی ها در دریا ها است .

أن یرسل الریاح . .. و لتجری الفلک بأمره

<لام> در <لتجری> تعلیل برای فعل <یرسل> است.

عوامل غرق کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۱

۱ - غرق شدن کشتی ها در اثر عملکرد ناشایست انسان ها ، ناشی از اراده و مشیت خداوند است .

إن یشأ یسکن الریح . .. أو یوبقهنّ بما کسبوا

<إیباق> (مصدر <یوبق>) به معنای اهلاک و کنایه از غرق کردن است.

غرق کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۶

۶ - فرو نرفتن کشتی های کوه پیکر در اعماق دریا ها ، از شگفتی های جهان طبیعت و نشانه قدرت بی مانند خداوند است .

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

اشاره به کوه پیکر بودن کشتی ها، می تواند ناظر به این نکته باشد که فرونرفتن چنین اجسامی در دل دریاها، امری بس شگفت بوده و نشان از قدرتی بی مانند دارد.

غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۱

۱ - خداوند بر غرق ساختن تمامی سرنشینان کشتی ها در اعماق دریا ها توانا است .

و إن نشأ نغرقهم فلاصریخ لهم و لا هم ینقذون

فقر مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

فلسفه تسخیر کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۱

۱۱- مسخّر و رام بودن کشتی ها از سوی

خداوند ، به منظور بهرهوری و سود بردن انسان است .

و سخّر لكم الفلك

فلسفه سوراخ كشتى قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱،۱۳

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معيوب ساختن كشتى ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفينه . .. فأردت أن أعيبها ... يأخذ كلّ سفينه غصبًا

۱۳- عملكرد خضر (ع) در مورد كشتى ، مصداقى از تقديم اهم ، به هنگام مزاحمت آن با امرى مهم است .

و أمّا السفينه فكانت لمسكين . .. يأخذ كلّ سفينه غصبًا

فوايد كشتى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۲ - ۱

۱ - امكان بهرهورى بشر از شتران و كشتى ها در جهت سوارى و حمل و نقل ، نمونه اى ديگر از تدبير الهى

و عليها و على الفلك تحملون

ضمير در <عليها> به أنعام بازمى گردد و مراد از آن به قرينه <تحملون> تنها شتران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۵ - ۳

۳ - سفر دريايى و استفاده از كشتى ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا ركبوا فى الفلك دعوا اللّه مخلصين له الدّين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و ءایه لهم

أنّا حملنا ذرّيّتهم فى الفلك المشحون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – يس – ۳۶ – ۴۲ – ۳

۳ – آفرينش مركب هايى مانند كشتى (چهارپايان و . . .) از سوى خداوند ، به سود بشر و از نعمت هاى او است .

و ءايه لهم . .. و خلقنا لهم من مثله ما يركبون

گفتنى است كه لام در <لهم> براى انتفاع است؛ يعنى، مركب هاى مانند كشتى را به نفع انسان ها آفريديم.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۰ – ۵

۵ – شتران و كشتى ها ، از وسايل فراهم شده از سوى خداوند ، براى حمل و نقل انسان ها در دريا و خشكى

و عليها و على الفلك تحملون

فوايد كشتى ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۶ – ۳

۳– دريا ها و كشتى ها ، در دستيابى انسان به موهبت هاى طبيعت و نعمت هاى خداوندى ، نقش بس مهم و مؤثر دارند .

ربّكم الذى يزجى لكم الفلك فى البحر لتبتغوا من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۲ – ۴

۴ – مركب قرار گرفتن كشتى ها و دام ها ، از نعمت هاى الهى براى انسان است .

و جعل لكم من الفلك و الأنعم ما تركبون

فوايد كشتيرانى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه

های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی . .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التی تجری...>; یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است; یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

قوم نوح و کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۴

۴ کفرپیشگان ، ساختن کشتی را آزار و عذابی بی جا و تحمیل شده بر نوح (ع) و پیروانش قلمداد کرده و آن را مایه شرمساری ایشان می شمردند .

یصنع الفلک . .. فسوف تعلمون من یأتیه عذاب یخزیه

کشتی از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۱

۱ - سوار شدن انسان ها بر کشتی های پربار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلک مشحون>; یعنی، کشتی پربار و مجهز به تجهیزات لازم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۲

۲ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و .

. .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون . و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <و خلقنا لهم. ..> عطف بر جمله <حملنا ذرّیّتهم> می باشد و درصدد بیان نشانه های تدبیر و قدرت خداوند است.

کشتی بادبانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۷

۷ کشتی های بادبانی مورد استفاده در عصر بعثت برای سفر های دریایی ، آسیب پذیر در برابر طوفان و امواج دریا

حتی إذا کنتم فی الفلک . .. جاءتها ریح عاصف و جاءهم الموج من کل مکان و ظنوا أنهم

کشتی سازی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإنا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلی الفلک المشحون

کشتی سازی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۷ – ۱،۳،۴

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به

ساختن کشتی فرمان داد .

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک . .. واصنع الفلک

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلک بأعیننا

<عین> به معنای چشم و در آیه شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعیننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلک بأعیننا>; یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلک بأعیننا و وحینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱،۳،۴،۵،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلک . .. و یصنع الفلک

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <یصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ،

او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

کلما مرّ علیه ملأ من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملأ> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

بـدیهی است که تمسـخر کفرپیشگان، مخصوص زمـانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهـده کننـد. بنابراین مقیـد کردن زمـان اسـتهزا به وقتی که در جایگـاه کشتی سـازی بـا او مواجه می شدنـد، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإنا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ < عن أبی عبدالله (ع) . . . فلما أتی علیهم تسعمأه سنه همّ أن یدعو علیهم . . . فأمره الله عزوجل أن یغرس النخل . . . فلما أتی لـذلک خمسون سـنه و بلغ النخـل و اسـتحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ینحت السـفینه و أمر جبرئیل (ع) أن ینزل علیه و یعلمه کیف یتخذ ها فقدر طول ها فی الأرض ألفاً و مأتی ذراع و عرض ها ثمانمأه ذراع و طول ها فی السماء ثمانون ذراعاً . . .

;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند]خواست که بر آنان نفرین کند; پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . .. پس چون پنجاه سال گذشت و درخت کامل و محکمی شـد، آن حضـرت را به بریدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیل را مأمور کرد که بر نوح نازل شود و به او یاد دهد که کشتی را چگونه بسازد. پس جبرئیل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصـد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...>.

۱۵ < عن أبی عبـدالله (ع) [فی حـدیث قـال بعـد مـا قرأ قوله تعالی] : < کلما مرّ علیه ملأ من قومه سـخروا منه . . . > : . . . کانوا یسخرون منه و یقولون : ینحت سفینه فی البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است که [ضـمن حدیثی بعد از قراءت آیه مزبور] فرمود: . .. قوم نوح او را مسـخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!>.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : بقی نوح فی قومه ثلاثمأه سـنه یدعوهم إلی الله فلم یجیبوه . . . فأمره الله أن ینحت السفینه . . . فقال : یا رب من یعیننی علی اتخاذها ؟ فأوحی الله إلیه ناد فی قومک من أعاننی علیها و نجر منها شیئاً صار ما ینجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فیهم بذلک فأعانوه

علیها . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند . .. پس خداوند وی را امر کرد تا کشتی بسازد ... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک

کشتی سواری یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۱

۱ - یونس پیامبر ، با سوار شدن بر کشتی مملو از بار و مسافر ، از میان قوم خود گریخت .

إذ أبق إلی الفلک المشحون

<أبُق> (مصدر <أبَقَ>) به معنای فرار عبد از مالک است و <مشحون> به معنای مملو است.

کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۳،۴،۱۰

۳ خداوند ، نوح (ع) و همراهانش را به وسیله کشتی از غرق شدن رهایی بخشید .

فکذبوه فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا

۴ مؤمنان به رسالت نوح (ع) ، همراه و همسفر

او در کشتی

فانجینه و الذین معه فی الفلک

۱۰ گروهی از همسفران نوح (ع) در کشتی نجات ، نه از مؤمنان بودند و نه از تکذیب کنندگان آیات الهی

فانجینه و الذین معه فی الفلک و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

از اینکه خداوند نجات یافتگان را توصیف نکرد که اهل ایمان بودند، مثلا نفرمود <و الذین آمنوا>، می توان گفت گروهی از همراهان نوح(ع) در کشتی به وی ایمان نداشتند. و از جمله <و أغرقنا ... > می توان فهمی آن گروه وی را تکذیب نیز نکردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۲

۲ نوح (ع) پیش از مأموریتش برای ساختن کشتی ، به چگونگی (اندازه ، شکل و . . .) آن آگاه بود .

واصنع الفلک

ظاهر این است که <ال> در <الفلک> عهد ذهنی است و اشاره به سفینه ای خاص دارد که نوح(ع) به آن آشنایی داشت. براین اساس خداوند، پیش از فرمان به ساختن کشتی، طرح و دورنمایی از آن را به او نشان داده بود. گفته شده که آن حضرت کشتی مورد نظر را در رؤیا دیده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - < عن أبی جعفر (ع) قال : کانت شریعه نوح أن یعبد اللّه بالتوحید . . . فلبث فیهم ألف سنه إلّا خمسین عاماً یدعوهم سراً و علانیه . . . فأوحی اللّه عزّوجلّ إلیه : أنّه لن یؤمن من قومک إلّا من قد آمن فلاتبتأس بماکانوا یفعلون >

فلذلک قال نوح : < و لایلدوا إلّافاجراً کفاراً > و أوحی اللّه إلیه < أن اصنع الفلک > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: <أنّه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد آمن فلاتبتئس بما کانوا یفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <و لایلدوا إلاّ فاجراً کفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد:<أن اصنع الفلک>.

کشتی نوح(ع) از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۱

۱ - برجای ماندن کشتی نوح برای چندی در زمین ، به عنوان نشانه الهی و به منظور عبرت آموزی خلق

و لقد ترکنها ءایه فهل من مدّکر

واژه <آیه> در معانی <علامت>، <معجزه> و <عبرت> به کار می رود. گفتنی است برداشت یاد شده بر این احتمال است که ضمیر <ترکناها> به <ذات ألواح> بازگردد.

کشتی نوح(ع) در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۳

۳ کشتی نوح ، او و همراهانش را در میان موج های عظیمی بسان کوهها ، به پیش می برد .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

<موج> اسم جنس است و بر یک موج و نیز موجهای متعدد و کثیر اطلاق می شود از آن جا که در آیه شریفه ، کلمه <موج> به <جبال> (کوهها) تشبیه

شده ، معلوم می شود مراد از آن ، امواج متعدد و کثیر است.

کشتی نوح(ع) در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۵ - ۲

۲ - برجای ماندن بقایای کشتی نوح ، تا عصر نزول قرآن *

و لقد ترکنها ءایه

در صورتی که <ترکنا> به معنای برجای نهادن آثار و بقایا باشد و نه صرفاً به معنای باقی گذاشتن خاطره و یاد کشتی نوح از قید <هل من مدّکر> مطلب بالا استفاده می شود.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کشتی های بادبانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۵

۵ - آشنایی مردم عصر بعثت ، با کشتی های بزرگ بادی

و من ءایته . .. إن یشأ یسکن الریح فیظللن رواکد

طرح کشتی های غول پیکر به عنوان آیات الهی، نشانگر این مطلب است که مردم عصر بعثت با این پدیده آشنا بودند.

مبدأ حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ < عن أبی عبدالله (ع) قال : جاء رجل إلی أمیرالمؤمنین (ع) و هو فی مسجد الکوفه فقال (

ع) : . . . صلّ فی هذا المسجد . . . منه سارت سفینه نوح . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: امیرالمؤمنین(ع) در مسجد کوفه بود. مردی نزد وی آمد،آن حضرت فرمود:...در این مسجد نماز بخوان... از همین مسجد کشتی نوح سیر خود را آغاز کرد ...>.

محرومیت مالکان کشتی قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۲

۲- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) ، در مالکیت گروهی از محرومان بود و تنها وسیله ارتزاق آنان به شمار می آمد .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

مدت حرکت کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۰

۱۰ < عن المفضل قال : قلت لأبی عبدالله (ع) . . . کم لبث نوح و من معه فی السفینه حتی نضب الماء و خرجوا منها ؟ فقال : لبثوا فیها سبعه أیام و لیالیها و طافت بالبیت ثم استوت علی الجودی . . . ;

مفضل گوید: به امام صادق(ع) گفتم: .. چه مدتی نوح و همراهان در کشتی ماندند تا آب فرو نشست و از کشتی خارج شدند؟ فرمود: هفت شبانه روز در کشتی ماندند و کشتی بر خانه خدا طواف کرد، سپس بر کوه جودی استقرار یافت ...>.

مدت کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ < عن المفضل بن عمر قال : قلت (لأبی عبدالله (ع)

) : جعلت فداك فی کم عمل نوح سفینته حتی فرغ منها ؟ قال : فی دورین ؟ قلت : و کم الدورین ؟ قال : ثمانین سنه . . . ;

مفضل بن عمر گویـد: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم! نوح در چه مدتی کشتی خود را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، گفتم: دو دور چقدر است؟ فرمود: هشتادسال . ..>.

مسافران کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۱ – ۷،۱۰

۷- قرار گرفتن سرنشینان کشتی در معرض غرق ، علّت اعتراض موسی (ع) به عمل خضر (ع) بود .

قال أخرقتها لتغرق أهلها

۱۰- کشتی سوراخ شده به دست خضر (ع) حامل مسافر بوده است .

أخرقتها لتغرق أهلها

مسافرت با کشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۵ – ۲،۳

۲ – سفر دریایی با کشتی ، خطرآفرین است و کشتی نشین ، احساس خطر می کند .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

۳ – سفر دریایی و استفاده از کشتی ، در عصر ظهور اسلام ، رواج داشته است .

فإذا رکبوا فی الفلک دعوا اللّه مخلصین له الدّین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۱ – ۱

۱ – سوار شدن انسان ها بر کشتی های پربار و مجهز ، از آیات و نشانه های قدرت و تدبیر خداوند است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

<مشحون> به معنای <مملو> است و <فلک مشحون>;

یعنی، کشتی پربار و مجهز به تجهیزات لازم.

مکان توقف کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱۱

۱۱ < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . فنزل نوح بالموصل من السفینه مع الثمانین . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: . .. نوح با هشتاد نفر همراه در موصل از کشتی پیاده شد ...>.

مکان حیوانات در کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۸ - ۳

۳ - داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها . .. و أهلک فإذا استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت. .. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان فرود کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۵

۵ – فرود آمدن کشتی نوح ، در محلی غیر از محل زندگی نخستین او

و قل ربّ انزلنی منزلاً مبارکًا

همان طور که در برداشت

پیشین گفته شد، <منزل> می تواند اسم مکان باشد. بنابراین درخواست فرود آمدن در یک جای پربرکت، بیانگر تغییر مکان و مفید برداشت فوق است.

مکان کشتی سازی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۸ – ۲،۱۷

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه

۱۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی حدیث] : . . . فعمل نوح سفینه فی مسجد الکوفه بیده . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی]فرمود:. .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...>.

مکان نوح(ع) در کشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۸ – ۳

۳ – داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها . .. و أهلک فإذا استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با توجه به عبارت های <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا استویت. .. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی استقرار یافتی)، به دست آمده است.

مکان همسفران نوح(ع) در کشتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۸ – ۳

۳ – داخل کشتی نوح ، محل استقرار حیوانات و خاندان وی و عرشه آن محل استقرار او و پیروانش بود .

فاسلک فیها . .. و أهلک فإذا استویت أنت ... علی الفلک

برداشت یاد شده، با

توجه به عبـارت هـای <اسلک فیها> (در کشتی وارد کن) و <إذا اسـتویت. .. علی الفلک> (هرگاه تو... بر کشتی اسـتقرار یافتی)، به دست آمده است.

منشأ پیدایش کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۱

۱ - خداوند ، مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و . . .) در سیر و سفر و حمل و نقل برای بشر آفریده است .

و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

منشأ تسخیر کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۲

۱۲- حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره

منشأ توقف کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۳ - ۶

۶ - انسان های صبور و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که لام در <لکلّ صبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۵ – ۶

۶ – حرکت کشتی ها در دریا ، به اذن خدا و تحت فرمان او است .

و الفلک تجری فی البحر بأمره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۳ – ۶

۶ – انسان های صبور

و شاکر ، بهره مند از فهم و درک نشانه های قدرت الهی در حرکت و سکون کشتی ها

و من ءایته . .. إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

با توجه به این که لام در <لکلّ صبّار شکور> لام انتفاع است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ حرکت کشتی بادبانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۲ – ۵

۵ سفر های دریایی با کشتی های بادبانی ، در گرو وزش باد های ملایم و موافق

حتی إذا کنتم فی الفلک و جرین بهم بریح طیبه

منشأ حرکت کشتی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۲ – ۱۲

۱۲– حرکت کشتی ها و رام بودن آنها برای انسان ها به فرمان خداوند است .

و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۶ – ۸

۸ – حرکت کشتی ها در دریا ها ، به امر خداوند است .

یرسل الریاح . .. و لتجری الفلک بأمره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۱ – ۳

۳ – خداوند ، فراهم آورنده اسباب و وسایل حرکت کشتی ها در دریا است .

ألم تر أنّ الفلك تجری فی البحر بنعمت اللّه

<با> در <بنعمت> می توانـد برای مصاحبه و یا برای تعدیه و یا برای سـبب باشد. برداشت بالا، بر اساس احتمال سوم است. لازم به ذکر است که <بنعمت اللّه> براساس یاد شده، احسانِ خداوند در تهیه اسباب حرکت کشتی ها است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۳

۳ - حرکت کشتی ها بر پهنه آب های دریا ، به امر و فرمان الهی

لتجری الفلک فیه بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>)به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

منشأ غرق کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۱

۱ - غرق شدن کشتی ها در اثر عملکرد ناشایست انسان ها ، ناشی از اراده و مشیت خداوند است .

إن یشأ یسکن الریح . .. أو یوبقهنّ بما کسبوا

<إیباق> (مصدر <یوبق>) به معنای اهلاک و کنایه از غرق کردن است.

منشأ غرق مسافران کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۳ - ۶

۶ - هیچ یک از سرنشینان کشتی ها در دریا ها ، امنیت کامل نداشته و امکان غرق شدن آنان به اراده الهی وجود دارد .

و إن نشأ نغرقهم فلاصریخ لهم و لا هم ینقذون

این آیه شریفه با آیه قبل، درصدد بیان نعمت و آیت الهی می باشد; ولی در عین حال لحن هشدار دهنده نیز دارند که مبادا این نعمت ها موجب غرور بشر شود و آنان از آنها سوء استفاده کنند; که در این صورت ممکن است با قهر الهی دچار غرق و نابودی شوند.

منشأ

کشتی سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۲ – ۵

۵ – توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خلقهنّ العزیز العلیم . .. و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

منشأ کشتی سازی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۱۱ – ۳

۳ – ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا...). (مؤمنون (۲۳) آیه ۲۷).

مواد کشتی سازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۱ – ۴

۴ – آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

موانع غصب کشتی قصه خضر(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱۰

۱۰- معیوب بودن کشتی حامل خضر و موسی (ع) ، عامل صرف نظر پادشاه غاصب از تصرّف و مصادره آن شد .

فأردت أن أعیبها و کان وراءهم

ملكٌ يأخذ كلّ سفينه غصبًا

موسی(ع) در کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۱ - ۲

۲- موسی و خضر (ع) در نخستین مراحل همراهی ، سوار کشتی شدند .

فانطلقا حتّی إذا رکبا فی السفینه

میخهای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳،۴

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او از بحرانی ترین شرایط می شود.

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او؛ زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

ناخدای کشتی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ – مريم – ١٩ – ٥٨ – ١٠

-١٠

خداوند ، ناخدای کشتی نوح و هدایت کننده آن به مقصد بود .

و ممّن حملنا مع نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۹ - ۷

۷ - خدا ، ناخدای حقیقی کشتی نوح

و قل ربّ أنزلنی منزلاً مبارکًا و أنت خیر المنزلین

این که نوح(ع) می خواند: <خدایا! مرا در جایی پر خیر و برکت فرود آور>، می رساند که در واقع سکاندار آن کشتی خدا بوده است.

ناظر کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۳

۳ - نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

نعمت حرکت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۴

۴ - حرکت کشتی ها در دریا ، نعمتی مهم و اساسی برای انسان ها

سخّر لکم البحر لتجری الفلک فیه بأمره

از این که در میان منافع دریا، جریان کشتی ها (کشتی رانی) اختصاص به ذکر یافته است، اهمیت استفاده می شود.

نعمت کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۳

۳ - امکان بهره برداری انسان ها از دریا به وسیله کشتی در سیر و سفر و حمل و نقل ، از نعمت های الهی است .

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۲ - ۳

۳ - آفرینش مرکب هایی مانند کشتی (چهارپایان و

. . .) از سوی خداوند ، به سود بشر و از نعمت های او است .

و ءایه لهم . .. و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون

گفتنی است که لام در <لهم> برای انتفاع است; یعنی، مرکب های مانند کشتی را به نفع انسان ها آفریدیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۱

۱ - امکان ساخت کشتی های عظیم و دریانوردی ، از نعمت های انکارناپذیر الهی برای زمینیان و غیرقابل تکذیب

و له الجوار المنشات . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

نعمت کشتی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۴

۴ - مرکب قرار گرفتن کشتی ها و دام ها ، از نعمت های الهی برای انسان است .

و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

نقش کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۵

۵ - < جمیل عن أبی عبداللّه فی قوله . . . < فالجاریات یسراً > قال هی السفن . . . ;

جمیل از امام صادق(ع) درباره <فالجاریات یسراً> سؤال کرد، آن حضرت فرمود: مراد کشتی ها است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۵

۵ - < عن علی (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < و له الجوار المنشئات فی البحر کالأعلام > قال : السفن ;

از امام علی(ع) درباره قول خدای عزّوجلّ: <. ..الجوار المنشئات> روایت شده که مراد کشتی ها هستند>.

نقش کشتی نوح(ع)

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) از طوفان سهمگین عذاب ، به وسیله مشتی تخته و میخ ، نمودی از قدرت خداوند *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

<لوح> (مفرد <ألواح>) به معنای تخته و <دسار> (مفرد <دسر>) به معنای میخ است. از این که خداوند، از کشتی نوح با عنوان <ذات ألواح و دسر> یاد کرده است (به جای <سفینه>)، استفاده می شود که مشتی تخته و میخ که به شکل ابتدایی کنار هم قرار گرفته اند در صورتی که خداوند بخواهد، وسیله نجات بندگان او و از بحرانی ترین شرایط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۲

۲ - حمایت و لطف الهی ، عامل اصلی نجات نوح (ع) و مؤمنان به آن حضرت از مهلکه طوفان ; و نه صرفاً ابزار مادی (کشتی) *

تجری بأعیننا

در صورتی که <بأعیننا> کنایه از نظارت، حمایت و لطف الهی باشد، ذکر <تجری بأعیننا> پس از <حملناه علی ذات. ..> بیانگر این معنا است که هر چند کشتی نوح از ابزار بایسته ای ساخته شده بود; اما این حمایت و نظارت لحظه به لحظه ما بود که در نهایت کارساز و نجات آفرین بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۲

۲ - نجات یافتن عده ای از قوم نوح بهوسیله کشتی از هلاکت و غرق شدن

حملنکم فی الجاریه

نوح(ع) در کشتی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۸ – ۱

۱ – روی آوردن به حمد و ستایش الهی ، پس از استقرار در کشتی ، رهنمود خداوند به نوح (ع)

فإذا استویت . .. فقل الحمد للّه

<إستواء> (مصدر <استویت>) به معنای قرار گرفتن و استقرار یافتن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۱۵ – ۲

۲ – نوح (ع) و جمعی از مردم مؤمن به وی ، در واقعه طوفان ، بر کشتی سوار شدند .

فأخذهم الطوفان . .. فأنجینه و أصحب السفینه

ویژگیهای کشتی نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۷ – ۶

۶ کشتی نوح ، دارای ویژگیهایی خاص و برخوردار از صنعتی شگرف و بی سابقه

واصنع الفلك بأعیننا و وحینا

تصریح به اینکه برنامه ساخت کشتی نوح از ناحیه خداوند بود و انجام امور آن ، تحت نظارت همه جانبه او انجام گرفت ، گویای برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۹

۹ کشتی نوح ، سفینه ای فوق العاده بزرگ و عظیم

قلنا احمل فیها من کل زوجین اثنین

ظرفیت کشتی برای حمل یک جفت از هر حیوان ، حکایت از بزرگی و عظمت فوق العاده آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۴

۴ کشتی نوح ، سفینه ای بسیار مقاوم و برخوردار از بهترین اصول فنی و تکنیکی

و هی تجری بهم فی موج کالجبال

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۹ - ۶،۷

۶ - کشتی نوح ، برخوردار از استحکام بالا و کیفیتی پیشرفته

فأنجینه و من معه فی الفلک المشحون

انباشته بودن و نیز نجات یافتن نوح(ع) و پیروانش از طوفان بزرگ، نمایان گر استحکام و کیفیت بسیار بالای ساختمان کشتی است.

۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < الفلک المشحون > المجهز الذی قد فرغ منه و لم یبق إلاّ رفعه ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خدا: <الفلک المشحون> روایت شده است: (مراد) کشتی مجهزی است که از ساخت آن فارغ شده اند و کاری نمانده مگر بلند شدن آن>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۳ - ۴

۴ - کشتی نوح ، دارای شکلی ابتدایی و تشکیل شده از مشتی تخته و میخ *

و حملنه علی ذات ألوح و دسر

از تعبیر <ذات ألواح و دسر> نوعی کوچک نمایی و ناچیزشماری کشتی حضرت نوح استفاده می شود. این گفتار درصدد تبیین این جهت است که اگر نوح(ع) نجات یافت، با حمایت و لطف خداوند بود نه در پرتو استحکام کشتی او; زیرا این کشتی تاب مقاومت در برابر آن طوفان سهمگین را نداشت.

کشتی سازی

اهمیت صنعت کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۱ - ۴

۴ - اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای بشر

و ءایه لهم أنّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون

قرار گرفتن نعمت کشتی رانی در کنار نعمت بزرگ خورشید و

ماه برای بشر، گویای اهمیت و نقش سازنده صنعت کشتی سازی و حمل و نقل دریایی برای انسان ها است.

تاریخ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۵

۵ کشتی سازی ، دارای سابقه طولانی در تاریخ بشر

واصنع الفلك بأعيننا و وحينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

کشتی سازی پیروان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإنا نسخر منكم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

کشتی سازی در دوران یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۰ - ۳

۳ - وجود صنعت کشتی سازی و سفر دریایی در زمان یونس (ع)

إذ أبق إلى الفلك المشحون

کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک . .. واصنع الفلک

۳ نوح (ع) ، در ساخت کشتی مؤید به مراقبت و محافظت همه جانبه خداوند بود .

واصنع الفلک بأعیننا

<عین> به معنای چشم و در آیه

شریفه کنایه از مراقبت و محافظت می باشد. جمع آوردن آن (أعین) برای مبالغه و رساندن کمال مراقبت است و <بأعيننا> حال برای فاعل <اصنع> می باشد. بنابراین <اصنع الفلك بأعيننا>; یعنی، آن کشتی را بساز در حالی که قرین محافظت و مراقبت کامل ما (خداوند) هستی.

۴ نوح (ع) ، در ساخت کشتی با دریافت وحی ، از تعالیم و راهنمایی های خداوند بهره می برد .

واصنع الفلك بأعيننا و وحينا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۱،۳،۴،۵،۱۲،۱۴،۱۵،۱۶

۱ نوح (ع) در پی فرمان خداوند ، به ساختن کشتی پرداخت .

واصنع الفلك . .. و يصنع الفلك

در کلام عرب ، گاهی فعل مضارع به جای فعل ماضی به کار می رود و منظور از آن ترسیم حادثه های گذشته است به گونه ای که گویا پیش روی مخاطبان قرار دارد. در آیه شریفه نیز ، فعل <يصنع> به همین منظور به جای <صنع> استعمال شده است.

۳ کفرپیشگان ، به هنگام مواجه شدن با نوح (ع) او را به خاطر کشتی سازی به استهزا و مسخره می گرفتند .

و يصنع الفلك و كلما مرّ عليه ملأ من قومه سخروا منه

۴ کفرپیشگان ، آن گاه که دسته جمعی و گروه گروه با نوح (ع) مواجه می شدند ، او را به خاطر کشتی سازی به تمسخر می گرفتند .

كلما مرّ عليه ملأ من قومه

برداشت فوق ، از کلمه <ملأ> که در این جا به معنای گروه و جماعت است استفاده شده است.

۵ نوح (ع) پس از

دریافت فرمان الهی مبنی بر ساختن کشتی ، همه وقت و همّت خویش را مصروف اجرای آن فرمان کرد .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

بـدیهی است که تمسـخر کفرپیشـگان، مخصوص زمـانی نبوده که نوح(ع) را در کارگاه کشتی سازی مشاهـده کننـد. بنابراین مقیـد کردن زمـان اسـتهزا به وقتی که در جایگـاه کشتی سـازی بـا او مواجه می شدنـد، به این نکته اشاره دارد که: کافران آن حضرت را در غیر آن مکان نمی یافتند و این حاکی است که او، تمام وقت را در کارگاه مشغول به کار بوده است.

۱۲ پیروان نوح ، همراه و همگام با او برای ساختن کشتی

إن تسخروا منا فإنا نسخر منکم

برداشت فوق ، مقتضای آوردن ضمیر جمع در <منا> و <إنا> و <نسخر> است.

۱۴ < عن أبی عبدالله (ع) . . . فلما أتی علیهم تسـعمأه سـنه همّ أن یدعو علیهم . . . فأمره الله عزوجل أن یغرس النخل . . . فلما أتی لـذلک خمسون سـنه و بلغ النخـل و اسـتحکم أمر بقطعه . . . فأمره الله أن ینحت السـفینه و أمر جبرئیل (ع) أن ینزل علیه و یعلمه کیف یتخذ ها فقدر طول ها فی الأرض ألفاً و مأتی ذراع و عرض ها ثمانمأه ذراع و طول ها فی السـماء ثمانون ذراعاً . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است: هنگامی که نهصد سال بر قوم نوح گذشت [و دعوت او را اجابت نکردند]خواست که بر آنان نفرین کند; پس خداوند عزوجل به او امر فرمود که درخت خرما بکارد . .. پس چون پنجاه

سـال گـذشت و درخت کامـل و محکمی شـد، آن حضـرت را به بریـدن آن فرمان داد ... آن گاه امر فرمود کشتی را بسازد و جبرئیـل را مـأمور کرد که بر نوح نـازل شود و به او یـاد دهـد که کشـتی را چگونه بسـازد. پس جبرئیـل طول کشتی را هزار و دویست ذراع و عرض آن را هشتصد ذراع و ارتفاع آن را هشتاد ذراع تعیین کرد ...>.

۱۵ < عن أبی عبـدالله (ع) [فی حـدیث قـال بعـد مـا قرأ قوله تعالی] : < کلما مرّ علیه ملأ من قومه سـخروا منه . . . > : . . . کانوا یسخرون منه و یقولون : ینحت سفینه فی البرّ ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است که [ضـمن حدیثی بعد از قراءت آیه مزبور] فرمود: . .. قوم نوح او را مسـخره می کردند و می گفتند: او در خشکی کشتی می سازد!>.

۱۶ < عن أبی عبدالله (ع) قال : بقی نوح فی قومه ثلاثمأه سـنه یدعوهم إلی الله فلم یجیبوه . . . فأمره الله أن ینحت السفینه . . . فقال : یا رب من یعیننی علی اتخاذها ؟ فأوحی الله إلیه ناد فی قومک من أعاننی علیها و نجر منها شیئاً صار ما ینجره ذهباً و فضه فنادی نوح (ع) فیهم بذلک فأعانوه علیها . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: نوح سیصد سال در بین قوم خود باقی ماند و آنها را به خدا دعوت کرد، ولی او را اجابت نکردند . .. پس خداوند وی را امر کرد تا

کشتی بسازد ... نوح گفت: پروردگارا! چه کسی مرا در ساختن کشتی کمک می کند؟ به او وحی شد در بین قوم خود ندا کن: هر کس مرا در ساختن کشتی کمک کند، تراشه های چوبی که می تراشد برای او طلا و نقره می شود. نوح این ندا را داد، پس قوم او در ساختن کشتی به او کمک کردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۲

۲ - وحی الهی به نوح (ع) در ساختن کشتی

فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک

مدت کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ < عن المفضل بن عمر قال : قلت (لأبی عبدالله (ع)) : جعلت فداک فی کم عمل نوح سفینته حتی فرغ منها ؟ قال : فی دورین ؟ قلت : و کم الدورین ؟ قال : ثمانین سنه . . . ;

مفضل بن عمر گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: فدایت شوم! نوح در چه مدتی کشتی خود را ساخت تا از آن فارغ شد؟ فرمود: در دو دور، گفتم: دو دور چقدر است؟ فرمود: هشتادسال . ..>.

مکان کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۲،۱۷

۲ کارگاه کشتی سازی نوح ، مجاور گذرگاه عمومی و در دید و منظر همگان بود .

و یصنع الفلک و کلما مرّ علیه ملأ من قومه

۱۷ < عن أبی عبدالله (ع) [فی حدیث] : .

. . فعمل نوح سفینه فی مسجد الکوفه بیده . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [ضمن حدیثی]فرمود:. .. نوح به دست خود در مسجد کوفه کشتی ساخت...>.

منشأ کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۲ - ۵

۵ - توان انسان در ساختن کشتی و دریانوردی و به خدمت گرفتن حیوانات ، پرتوی از علم و عزت آفریدگار هستی است .

خلقهنّ العزیز العلیم . .. و جعل لکم من الفلک و الأنعم ما ترکبون

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که خداوند درصدد بیان جلوه های عزت و دانایی خود در نظام هستی است.

منشأ کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۱ - ۳

۳ - ساختن کشتی و نجات یافتن عده ای از قوم نوح به وسیله آن ، با هدایت و تدبیر الهی بود .

حملنکم فی الجاریه

نسبت داده شدن فعل <حملناکم> به خداوند، گویای مطلب یاد شده است. تصریح به این مطلب در آیات دیگر مؤید آن است (فأوحینا إلیه أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا...). (مؤمنون (۲۳) آیه ۲۷).

مواد کشتی سازی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۴

۴ - آمادگی شرایط طبیعی و خصوصیات اجسام ، برای ساختن کشتی و حرکت بر آب ، از نشانه های خدا است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

ناظر کشتی سازی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳

- ۲۷ - ۳

۳ - نوح (ع) ، مأمور ساختن کشتی تحت نظارت و هدایت خداوند

أن اصنع الفلک بأعیننا و وحینا

کشتیرانی

اهمیت کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۳

۱۳- اهمیت و نقش حیاتی دریا و کشتی رانی برای انسان

و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۱ - ۵

۵ - کشتیرانی ، دارای اهمیتی اساسی در حمل و نقل نیازمندی های بشر و مواهب الهی به نقاط مختلف است .

ألم تر أنّ الفلک تجری فی البحر بنعمت اللّه لیریکم من ءایته

بنابراین که <با> در <بنعمت> برای تعدی و یا مصاحبه باشد، نکته بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۲ - ۵

۵ - اهمیت کشتی رانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

اللّه الذی سخّر لکم البحر لتجری الفلک فیه بأمره

تاریخ کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۴

۴ استفاده از کشتی های بادبانی برای سفر های دریایی در عصر بعثت

حتی إذا کنتم فی الفلك و جرین بهم بریح طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۴

۴ - وجود کشتی های کوه پیکر و استفاده از آنها در عصر نزول قرآن

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ -

۴ - استفاده از کشتی های عظیم ، امری آشنا برای عرب عصر نزول

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

تعلم کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۲ - ۱۵

۱۵- خداوند ، مشوّق آدمی به فراگیری کشتی رانی و دریانوردی و استفاده بهینه از دریا ها و رودها

و سخّر لکم الفلک لتجری فی البحر بأمره و سخّر لکم الأنهر

معنا و مفهوم تسخیر دریا و کشتی برای انسان، فراهم بودن استعدادها و زمینه های لازم برای بهره گیری است که انسان باید از این استعدادها و زمینه ها با تلاش و کوشش علمی و . .. خود استفاده کند.

فواید کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۴ - ۶

۶ - حرکت کشتی ها در دریا در جهت منافع انسان ، از نشانه های توحید و رحمت گستری خداوند است .

إن فی . .. الفلک تجری فی البحر بما ینفع الناس ... لأیت

کلمه <ما> در <بما ینفع> می تواند موصوله باشد که در این صورت <باء> به معنای مصاحبت است. بر این مبنا <التی تجری...>; یعنی، آن کشتیهایی که در دریا حرکت می کنند و چیزهایی (از قبیل مال التجاره ها و ...) به همراه دارند که برای مردم سودبخش است ... و نیز <ما> می تواند مصدریه باشد که در این صورت <باء> به معنای سبب است; یعنی، کشتیهایی که در دریا به خاطر نفع رسانی به مردم در حرکت هستند.

کشتیرانی در دریا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳- تغذیه با گوشت های تازه ، استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریاست .

سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها و تری الفلک

<طری> به معنای جدید و تازه و <حلیه> به معنای زیور است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۲ – ۸،۱۰،۱۵

۸ – دریا ها ، بستر تحرک کشتی ها برای تجارت و سفر

و تری الفلک فیه مواخر لتبتغوا من فضله

<ماخره> (مفرد <مواخر>) از ماده <مخر> و به معنای شکافنده آب ها است.

۱۰ – تغذیه با گوشت های تازه و استفاده از زیور های دریایی و کشتیرانی ، از فواید دریا ها است .

و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا . .. و تری الفلک فیه مواخر

۱۵ – آثار متفاوت و مشترک آب های دریا ها و استفاده چند منظوره انسان ها از آن ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند است .

و ما یستوی البحران هذا عذب فرات . .. و من کلٍّ تأکلون لحمًا طریًّا ... لتبتغوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، در سلسله آیاتی قرار دارد که درباره قدرت مطلق و یکتایی خداوند متعال سخن می گوید.

کشتیرانی در دوران مقارن بعثت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۲ – ۵

۵ – اهمیت کشتی رانی ، در زندگی اقتصادی جامعه عصر بعثت *

اللّه الذی سخّر لکم البحر لتجری الفلک فیه بأمره

کشتیرانی در دوران موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۷۹

۳ -

۳- کشتی و حمل و نقل دریایی ، در زمان حضرت موسی (ع) از منابع درامد بود .

فکانت لمسکین یعملون فی البحر

کشتیرانی در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۴

۴ استفاده از کشتی های بادبانی برای سفر های دریایی در عصر بعثت

حتی إذا کنتم فی الفلك و جرین بهم بریح طیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۴

۴ - وجود کشتی های کوه پیکر و استفاده از آنها در عصر نزول قرآن

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۴

۴ - استفاده از کشتی های عظیم ، امری آشنا برای عرب عصر نزول

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

نعمت کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۴ - ۸

۸- گوشت های تازه دریایی و اشیای تزیینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های خداوند است .

و هو الذی سخّر البحر لتأکلوا منه لحمًا طريًّا و تستخرجوا منه حليه تلبسونها و تر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۲ - ۱۱

۱۱ - گوشت های تازه دریایی و اشیای تزیینی آن و سهولت کشتیرانی ، از نعمت های الهی برای بشر

من كلٍّ تأكلون لحمًا طريًّا و تستخرجون حليه تلبسونها و ترى الفلك فيه مواخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵

۴ - ۲۵ -

۴ - تکذیب نعمت های تجلی یافته الهی در حرکت کشتی ها بر دریا ، مورد نکوهش خداوند

و له الجوار المنشات . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

نقش کشتیرانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۵

۱۵ - به حرکت درآمدن کشتی ها در دریا ، وسیله ای مناسب برای کسب روزی است . *

و لتجری الفلك بأمره و لتبتغوا من فضله

ممکن است تعلیل در <لتبتغوا> برای جمله قبل (ولتجری الفلك . ..) باشد. در این صورت، استفاده می شود که حرکت کشتی ها بر روی آب، وسیله مناسبی برای تحصیل فضل خداوند است.

کشتیها

اهمیت ذکر حرکت کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۵ - ۳

۳ - خداوند ، خواهان توجه انسان به شگفتی حرکت کشتی های عظیم بر دریا و درس آموزی از آن

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

تشبیه کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فی البحر کالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>)به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

سوگند به کشتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳ - ۱

۱ - سوگند خداوند ، به کشتی های روان بر آب های دریا به آسانی و نرمی

فالجریت یسرًا

<یسر> نقطه مقابل <عسر> و به معنای سهولت

و آسانی است. مراد از <جاریات> کشتی هایی است که در دریا، به آرامی و نرمی حرکت می کنند.

غصب کشتیها در دوران خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

غصب کشتیها در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۹ - ۸

۸- مقارن با وقوع داستان موسی و خضر (ع) ، پادشاهی ، کلّیه کشتی های سالم را در آن منطقه ، مصادره می کرد .

و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه غصبًا

مراد از <کلّ سفینه> به قرینه <أن أعیبها> <کلّ سفینه صالحه> بوده است.

کشیشان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کشیشان

کشیشان پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۲ - ۱۱

۱۱ تمجید خدا از کشیشان و راهبان وارسته و مسیحیان حق پذیر و فروتن

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایستکبرون

کشیشان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۳ - ۱۰

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول . .. یقولون ربنا ءامنا

کشیشان و قرآن

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۳،۱۰

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً . .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

۱۰ گروهی از مسیحیان ، کشیشان و راهبان عصر بعثت ، پذیرای اسلام در پی شنیدن قرآن .

و إذا سمعوا ما أنزل إلی الرسول . .. یقولون ربنا ءامنا

گریه کشیشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۳ – ۳

۳ گریه گروهی از کشیشان و راهبان عصر پیامبر بر اثر شنیدن قرآن

منهم قسیسین و رهباناً . .. ما أنزل إلی الرسول تری اعینهم تفیض من الدمع

بنابر اینکه ضمیر در <سمعوا> به <قسیسین> و <رهبان> برگردانده شود.

نقش کشیشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۲ – ۶،۸،۱۸

۶ حضور کشیشان و راهبان خداترس در بین مسیحیان موجب دوستی و نزدیکی آنان با مسلمانان

اقربهم موده للذین ءامنوا الذین . .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً

۸ نقش مؤثرتر کشیشان از راهبان در هدایتگری مردم

ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً

تقدیم ذکری <قسیسین> بر <رهباناً> می تواند اشاره به نقش مؤثرتر قسیسین داشته باشد.

۱۸ وجود کشیشان و راهبان منتظر بعثت حضرت محمد (ص) در میان مسیحیان ، موجب محبت آنان ، به مسلمانان

و لتجدن اقربهم موده للذین ءامنوا . .. ذلک بان منهم قسیسین و رهباناً و انهم لایست

از امام صادق(ع) روایت شده که پس از خواندن آیه فوق

فرمود: أولئك كانوا قوماً بين عيسى(ع) و محمد(ص) ينتظرون مجيىء محمد(ص).

تفسير عياشى، ج ۱، ص ۳۳۵، ح ۱۶۲; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۲، ح ۳۱۷.

كعبه از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

{كعبه}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱۱،۱۰،۷

۷ يهود ، آنچه را در اوّل روز بر پيامبر (ص) نازل شده بود (قبله بودن بيت المقدّس) ، پذيرفتند و به آنچه در انت هاى روز نازل شده بود (قبله بودن كعبه) ، كفر ورزيدند تا مؤمنان را گمراه سازند .

و قالت طائفه . .. لعلّهم يرجعون

برخى از مفسران برآنند كه <وجه النهار> و <آخره> متعلق به <انزل> است ; و سياق آيه مى رساند كه مراد از <الذى>، حكمى خاص است ; برخى روايات دلالت دارد كه آن حكم خاص، تغيير قبله بوده است كه پيامبر (ص) در عصرگاهى مأمور شد نماز را به سوى كعبه بخواند و قبله مسلمانان را كه تا صبحگاه آن روز، بيت المقدس بوده است تغيير دهد.

۱۰ دستور علماى يهود به پيروان خود مبنى بر پذيرش بيت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با كعبه

و قالت طائفه من اهل الكتاب امنوا بالّذى انزل . .. و اكفروا اخره

امام باقر (ع): . .. فقالوا صلى محمد الغداه فاستقبل قبلتنا فامنوا بالّذى انزل على محمد وجه النهار و اكفروا اخره يعنون القبله حين استقبل رسول اللّه (ص) المسجد الحرام.

تفسير قمى، ج ۱، ص ۱۰۵ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۱.

۱۱ اميدوارى يهود به قبله قرار داده شدن مجدد بيت المقدس ، به جاى

کعبه برای مسلمانان

لعلّهم یرجعون

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. لعلّهم یرجعون الی قبلتنا.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵ ; بحار الانوار، ج ۸۳، ص ۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۴،۵

۴ کعبه ، عبادتگاه حضرت ابراهیم (ع) *

فیه ایات بیّنات مقام ابرهیم

بنابراینکه مراد از <مقام ابراهیم>، مقام عبادت آن حضرت باشد ; چنانچه علامه طباطبائی احتمال داده اند.

۵ اهمیّت و ارزشمندی مقام ابراهیم (ع) در کعبه

فیه ایات بیّنات مقام ابرهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۵

۵ اهل کتاب ، منکر نشانه های روشن الهی در خانه خدا

اللّه

آبادانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۳

۳ - آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

و البیت المعمور

در صورتی که <بیت المعمور> کعبه باشد; آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

آثار امنیت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۳،۱۰

۳ - امنیت کعبه و کوچ زمستانی و تابستانی قریش ، زمینه دست یابی آنان به مواد خوراکی بود .

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف . فلیعبدوا ... الذی أطعمهم من جوع

۱۰ - امنیت قریش ، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود .

ربّ هذا البیت . .. و ءامنهم من خوف

تعبیر <ربّ هذا البیت> به جای

<اللّه> پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

آثار قبله شدن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۲ - ۱۲

۱۲ - قبله شدن کعبه ، زمینه ساز هدایت انسان ها به صراط مستقیم است .

ما ولیهم عن قبلتهم . .. یهدی من یشاء إلی صرط مستقیم

جمله <للّه المشرق . ..> بیانگر این است که: کعبه و بیت المقدس هر دو ملك خداست و از این جهت تفاوتی ندارند و جمله <یهدی ...> اشاره به این دارد که انتخاب کعبه به عنوان قبله، زمینه ساز هدایت انسانهاست و لذا آن را قبله همگان قرار داد.

آثار قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أوَلم نمكّن لهم حرمًا ءامنًا

ابراهیم(ع) و بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۱۶،۱۸

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد

از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ – ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل – چنانچه در آیه شریفه این گونه است – می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶ – از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . فلما أمرالّله عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ایّ مکان یبنیه فبعث الّله جبرئیل فخطّ له موضع البیت فانزل الّله علیه القواعد من الجنه . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

. .. چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع)]دیوارهای[خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...>.

۱۸ – از امام صادق (ع) روایت شده که : < .

. . كان البيت دره بيضاء فرفعه اللّه إلى السماء و بقى أساسه . . . فأمر اللّه ابراهيم و اسماعيل أن يبنيا البيت على القواعد ;

. .. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالاـ برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۵

۱۵ - از حضرت علی بن ابی طالب (ع) روایت شده است که : < لما فرغ ابراهيم من بناء البيت قال : فعلت أى رب فأرنا مناسكنا ، ابرز ها لنا ، علّمنا ها ، فبعث اللّه جبرئيل فحجّ به ;

چون ابراهیم(ع) از ساختن خانه کعبه فارغ گشت، عرض کرد: پروردگارا! من مأموریت خود را انجام دادم، پس شیوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشکار کن و به ما بیاموز. پس خداوند جبرئیل را فرستاد تا به همراهی ابراهیم حج نماید]و به صورت عملی به ابراهیم(ع) نشان دهد[>.

ابراهیم(ع) و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۴،۵

۴ کعبه ، عبادتگاه حضرت ابراهیم (ع) *

فيه ايات بيّنات مقام ابرهيم

بنابراینکه مراد از <مقام ابراهیم>، مقام عبادت آن حضرت باشد ; چنانچه علامه طباطبائی احتمال داده اند.

۵ اهمیّت و ارزشمندی مقام ابراهیم (ع) در کعبه

فيه ايات بيّنات مقام ابرهيم

احترام به کعبه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۹

۹ کعبه ، خانه و جایگاهی مقدس و سزاوار احترام خاص

لاتحلوا . .. و لا ءآمین البیت الحرام

احترام کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۶ – ۹

۹ – کعبه ، خانه ای بسیار مقدس و دارای حرمتی بس والا در پیشگاه خداوند

و طهّر بیتی

اضافه <بیت> به <یای> متکلم، اضافه تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۲ – ۶

۶ – احترام کعبه و ساکنان مکه ، نزد مردم در مسیر کاروان های قریش ، مرهون ظهور حمایت خداوند از کعبه در < عام الفیل >

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

تأمین امنیت برای کاروان های قریش به وسیله نابود ساختن اصحاب فیل، می تواند از آن جهت باشد که قبیله های بین راه، پس از حادثه فیل برای کعبه و قریش که اهل حرم بودند احترام ویژه ای قائل شدند.

ارزش کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۶ – ۲،۵،۶،۱۱

۲ مردمی بودن ، ارزشی برای بنای کعبه *

انّ اوّل بیت وضع للناس

۵ شرافت کعبه بر بیت المقدس ، علی رغم پندار یهودیان

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول که یهودیان می گفتند بیت المقدّس، برتر و باارزشتر از کعبه است.

۶ قدمت کعبه ، ملاک شرافت آن بر بیت المقدس

انّ اوّل بیت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذکر شده در

مجمع البیان.

۱۱ کعبه ، وسیله هدایت جهانیان

انّ اوّل بیت . .. و هدیً للعالمین

اسماعیل(ع) و بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۱۶،۱۸

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . فلما أمراللّه عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ایّ مکان یبنیه فبعث اللّه جبرئیل فخطّ له موضع البیت فانزل اللّه علیه القواعد من الجنه . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

. .. چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای

کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع)]دیوارهای[خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...>.

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < . . . کان البیت دره بیضاء فرفعه اللّه إلی السماء و بقی أساسه . . . فأمر اللّه ابراهیم و اسماعیل أن یبنیا البیت علی القواعد ;

. .. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالاـ برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند>.

اعتکاف در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۸،۲۱

۱۸ - خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و . .. است - می باشد.

۲۱ - طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام

شریعت ابراهیم

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین

امنیت در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ - خداوند ، کعبه را ملجأ و جایگاهی برای حضور مردم و مکانی بسیار امن قرار داد .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<مثابه>; یعنی، مکانی که مردم پی در پی بدان جا روی می آورند (لسان العرب). <أمن> مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعل (آمناً = دارای امنیت) می باشد. آوردن مصدر به جای اسم فاعل، دلالت بر تأکید دارد. بنابراین <أمناً>; یعنی، آکنده از امنیت.

۲ - باید همگان حتی حیوانات در خانه خدا ، امنیت کامل داشته و از هرگونه آزاری مصون باشند .

و إذ جعلنا البیت . .. أمناً

تقیید کلمه <مثابه> به وسیله <الناس> و مقید نساختن <أمناً> به آن قید، گویای این نکته است که: امنیت مکه باید برای هر ذی روحی - چه انسان و چه غیر انسان - تأمین شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۷،۸

۷ امنیّت کامل برای کسانی که وارد کعبه می شوند .

و من دخله کان امناً

۸ لزوم حفظ و برقراری امنیّت در کعبه

و من دخله کان امناً

بنابراینکه جمله خبریّه در مقام انشاء باشد.

اهمیت آبادانی کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴ – ۴

۴ – لزوم اقبال خلق به کعبه و آباد نگه داشتن آن

و البیت المعمور

توصیف کعبه به <بیت معمور>، می تواند دستوری از جانب خداوند به مردم باشد که

باید کعبه را همواره آباد نگه دارند و از آن روی نگردانند.

اهمیت توجه به کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۴

۴ - لزوم اقبال خلق به کعبه و آباد نگه داشتن آن

و البیت المعمور

توصیف کعبه به <بیت معمور>، می تواند دستوری از جانب خداوند به مردم باشد که باید کعبه را همواره آباد نگه دارند و از آن روی نگردانند.

اهمیت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۱

۱ وجود نشانه های روشن برای هدایت جهانیان ، در کعبه

و هدی للعالمین. فیه ایات بیّنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا یعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

بانیان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا بردن پایه های دیوار

(یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱

۱ - تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <اُذکر> محذوف است; یعنی، <به یاد بسپار آن زمانی را که ما. ..>.

برکت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۰

۱۰ کعبه ، خانه ای مبارک (دارای خیر و برکت فراوان)

وضع للناس للذی ببکّه مبارکاً

بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱،۳،۴،۵،۸،۱۶،۱۸

۱ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، برپا کنندگان دیوار های کعبه و سازنده آنها

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

قواعد (جمع قاعده) به معنای پایه هاست و در آیه به مناسبت <البیت> مراد از آن پایه های دیوار می باشد. بالا

بردن پایه های دیوار (یرفع ابراهیم القواعد) به معنای ساختن دیوار بر پایه هاست.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۴ - ابراهیم و اسماعیل (ع) ، با دعا به درگاه خدا خواستار پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه) شدند .

ربنا تقبل منا

۵ - ساختن کعبه ، فرمانی از جانب خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع) و مایه تقرب آنان به درگاه خدا

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل ربنا تقبل منا

تقاضای ابراهیم و اسماعیل (ع) از خداوند مبنی بر پذیرفته شدن عملشان (ساختن کعبه)، مستلزم آن است که خداوند فرمان به ساختن کعبه داده باشد.

۸ - توجه و خلوص کامل ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند ، هنگام ساختن کعبه

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل ربنا تقبل منا

سیاق جمله فوق مقتضی این است که <ربنا تقبل منا> با کلمه ای همانند <قالا> آورده شود. حذف این کلمه اشاره به این نکته دارد که: توجه ابراهیم و اسماعیل (ع) به خداوند هنگام بنای کعبه، چنان بود که گویا از مرحله سخن گذشته و به یک حالت

و صفت برای آنان تبدیل شده بود.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . فلما أمراللّه عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ایّ مکان یبنیه فبعث اللّه جبرئیل فخطّ له موضع البیت فانزل اللّه علیه القواعد من الجنه . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

. .. چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع)]دیوارهای[خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...>.

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < . . . کان البیت دره بیضاء فرفعه اللّه إلی السماء و بقی أساسه . . . فأمر اللّه ابراهیم و اسماعیل أن یبنیا البیت علی القواعد ;

. .. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا کنند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۸ - ۱۵،۱۸

۱ - تسلیم خدا شدن ، از دعا های ابراهیم و اسماعیل (ع)

به هنگام ساختن كعبه

و إذ يرفع إبرهيم القواعد . .. ربنا واجعلنا مسلمين لك

۸ - ابراهيم و اسماعيل (ع) به هنگام ساختن كعبه ، از خداوند خواستند تا چگونگى اعمال حج را به آنان بياموزد .

ربنا . .. أرنا مناسكنا

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه مناسك - چنانچه برخى از اهل لغت و نيز برخى از مفسران گفته اند - به معناى اعمال حج باشد.

۱۵ - از حضرت على بن ابى طالب (ع) روايت شده است كه : < لما فرغ ابراهيم من بناء البيت قال : فعلت أى رب فأرنا مناسكنا ، ابرز ها لنا ، علّمنا ها ، فبعث اللّه جبرئيل فحجّ به ;

چون ابراهيم(ع) از ساختن خانه كعبه فارغ گشت، عرض كرد: پروردگارا! من مأموريت خود را انجام دادم، پس شيوه انجام اعمال حج را به ما نشان بده و آن را بر ما آشكار كن و به ما بياموز. پس خداوند جبرئيل را فرستاد تا به همراهى ابراهيم حج نمايد]و به صورت عملى به ابراهيم(ع) نشان دهد[>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۹ - ۱

۱ - بعثت پيامبرى از نسل اسماعيل ، از دعا ها و درخواست هاى ابراهيم و اسماعيل (ع) به هنگام بناى كعبه

و من ذريتنا أمه مسلمه لك . .. ربنا وابعث فيهم رسولا منهم

ضمير در <فيهم> و <منهم> محتمل است به <أمه مسلمه> در آيه قبل برگردد و نيز محتمل است به <أهله> در آيه ۱۲۶ بازگردانده شود. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است; يعنى، <ربنا وابعث فى

ذريتنا المسلمه رسولا منهم>. دعای مشترک ابراهيم و اسماعيل گويای اين است كه: پيامبر مورد نظر ابراهيم نيز فردی از نسل اسماعيل است نه از نسل ديگر فرزندانش.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۸ – ۲

۲ كفر اهل كتاب به آيات الهی (انكار حليّت خوردنی ها قبل از نزول تورات در آيين ابراهيم و انكار تقدّم تاريخی بنای كعبه)

كل الطعام . .. قل يا اهل الكتب لم تكفرون بايات اللّه

مراد از <ايات اللّه>، مضامينی است كه در آيه های قبل بيان شد.

بنيانگذار كعبه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۶ – ۴

۴ – حضرت ابراهيم (ع) ، بنيان گذار كعبه و معمار آن

و إذ بوّأنا لإبرهيم مكان البيت

بی حرمتی به كعبه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۹۸ – ۲،۱۲

۲ شكستن حرمت كعبه و ماه های حرام ، موجب عقاب شديد از سوی خداوند

جعل اللّه الكعبه البيت الحرام . .. اعلموا إنّ اللّه شديد العقاب

با توجه به آيه قبل معلوم می شود، از جمله كسانی كه به عقاب شديد تهديد شده اند كسانی هستند كه با مضامين و احكام مطرح شده در آيه قبل مخالفت كنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی ديگر موارد منعكس خواهد شد.

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام و اعراض کنندگان از حکم قربانی نباید از رحمت و مغفرت الهی مأیوس باشند .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام .

.. إنّ اللّه شديد العقاب و إنّ اللّه غفور رحيم

بينش اهالی جزيره العرب و كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۷ - ۱۳

۱۳ - حرمت و قداست كعبه در نزد مردم جزيره العرب مانع از تجاوز ديگران به مكه و برهم زدن امنيت و آرامش ساكنان آن

أوَلم نمكّن لهم حرمًا ءامنًا

پاسداری از قداست كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۸

۸ پاسداری از حرمت كعبه و ماه های حرام عامل بهره مندی از مغفرت و رحمت الهی

جعل اللّه الكعبه البيت الحرام قيماً للناس . .. و إنّ اللّه غفور رحيم

آيه قبل نشان دهنـده مصاديقی است كه از مغفرت و رحمت الهی بهره مند می شوند و ازجمله آنان كسانی هستند كه حرمت كعبه و ماههای حرام را پاس می دارند. در برداشتهای بعدی ديگر مصاديق آن منعكس خواهد شد.

تاريخ كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۳

۲۳ - خانه خدا (كعبه) دارای قدمت تاريخی

و إذ جعلنا البيت . .. و اتخذوا من مقام إبرهيم مصلًّى و عهدنا إلی إبرهيم و إسمعيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۲،۳،۱۶

۲ - پایه ها و اساس کعبه پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل (ع) ، دیوار های آن را بنا کنند ، وجود داشته است .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

از اینکه بالا بردن و ساختن دیوارهای کعبه

به ابراهیم و اسماعیل (ع) نسبت داده شده، ولی بنای پایه و اساس آن به ایشان نسبت داده نشده، چنین بر می آید که: پایه ها و اساس کعبه از دیرباز وجود داشته است.

۳ - ابراهیم (ع) ، بناکننده اصلی کعبه و اسماعیل (ع) یاور او بود .

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل

عطف کردن فاعلی بر فاعل دیگر، پس از آوردن فاعل نخست و متعلقات فعل - چنانچه در آیه شریفه این گونه است - می تواند اشاره به تفاوت آن دو فاعل در انجام کار باشد. بنابراین و به مناسبت مورد سخن از ساختن و بنا کردن است، می توان گفت: ابراهیم سازنده اصلی و اسماعیل یاور او بوده است.

۱۶ - از امام صادق (ع) روایت شده است : < . . . فلما أمرالّله عز و جل ابراهیم ان یبنی البیت و لم یدر فی ایّ مکان یبنیه فبعث الّله جبرئیل فخطّ له موضع البیت فانزل الّله علیه القواعد من الجنه . . . فبنی ابراهیم البیت و نقل اسماعیل الحجر من ذی طوی فرفعه الی السماء تسعه اذرع . . . ;

. .. چون خداوند عز و جل ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست که کعبه را در کجا بنا کند. خداوند جبرئیل را فرستاد و او در مکان کعبه، خطی روی زمین کشید. سپس خداوند، پایه های کعبه را از بهشت فرو فرستاد ... و ابراهیم(ع) خانه را بنا کرد و اسماعیل(ع) از <ذی طوی> سنگ آورد و ابراهیم(ع)]دیوارهای[خانه را تا نه ذراع بالا آورد ...>.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱،۴

۱ - تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <اُذکر> محذوف است; یعنی، <به یاد بسپار آن زمانی را که ما. ..>.

۴ - حضرت ابراهیم (ع) ، بنیان گذار کعبه و معمار آن

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۶،۱۰

۶ - کعبه ، دارای قدمت و پیشینه تاریخی

بالبیت العتیق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی، مکانی و یا رتبه ای باشد. و بدین جهت است که به <قدیم>، <عتیق> نیز می گویند. بنابراین <بیت عتیق>; یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

۱۰ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال : إنّ اللّه عزّوجلّ أغرق الأرض کلّها یوم نوح إلاّ البیت فیومئذ سمّی العتیق لأنّه اُعتق یومئذ من الغرق . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[اللّه]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد; زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۵

۵ - کعبه ، دارای قدمت و سابقه تاریخی در میان سایر اماکن مقدس

إلی البیت العتیق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی یا

مکانی و یا رتبه ای باشد. بدین جهت به قدیم، عتیق نیز گفته می شود. بنابراین <بیت عتیق>; یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۷ – ۱۳

۱۳ – حرمت و قداست کعبه در نزد مردم جزیره العرب مانع از تجاوز دیگران به مکه و برهم زدن امنیت و آرامش ساکنان آن

أوَلم نمكّن لهم حرمًا ءامنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴ – ۳

۳ – آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

و البيت المعمور

در صورتی که <بیت المعمور> کعبه باشد; آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۵ – ۶

۶ – کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر كيف فعل ربّك . .. فجعلهم كعصف مأكول

تطهیر کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۱۱،۱۲،۲۹

۱۱ – تطهیر خانه خدا و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی ، توصیه و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و عهدنا إلى إبرهيم و إسمعيل أن طهرا بيتى

۱۲ – خانه خدا ، باید همواره پاک و از آلودگی ها پیراسته شود .

أن طهرا بیتی

۲۹ – از امام صادق (ع) روایت شده که درباره قول خدا

< طهرا بیتی للطائفین . . . فرمود : یعنی نحّیا عنه المشرکین . . . ;

مشرکان را از خانه من دور کنید . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - تولیت کعبه ، پاکیزه و آماده سازی آن برای زائران ، از وظایف الهی حضرت ابراهیم (ع)

و طهّر بیتی للطّائفین

جایگاه کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱۳

۱۳ جایگاه بنای کعبه ، اولین نقطه آفریده شده از زمین

انّ اوّل بیت وضع للناس

امام صادق(ع) : ... لما اراد الله تعالی ان یخلق الارض ... فجمعه فی موضع البیت ثم جعل جبلاَ من زبد ثم دحی الارض من تحته وهو قول الله عزّ وجل :(ان اول بیت . .. >.

کافی، ج ۴، ص ۱۸۹، ح ۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۶۵، ح ۲۴۴ و ۲۴۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۶

۶ کعبه از آن تمامی مردم نه قشر و طایفه ای خاص

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

حمایت از کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۲ - ۶

۶ - احترام کعبه و ساکنـان مکه ، نزد مردم در مسـیر کـاروان هـای قریش ، مرهون ظهور حمـایت خداونـد از کعبه در < عـام الفیل >

إیلفهم رحله الشتاء و الصیف

تأمین امنیت برای کاروان های قریش به وسیله نابود ساختن اصحاب فیل، می تواند از آن جهت

باشد که قبیله های بین راه، پس از حادثه فیل برای کعبه و قریش که اهل حرم بودند احترام ویژه ای قائل شدند.

خدمتگزاران کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱۷

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

ذکر بنای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۵

۱۵ - خاطره بنای کعبه از سوی ابراهیم و اسماعیل (ع) و دعا های آنان در آن هنگام ، خاطره ای شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ یرفع إبرهیم القواعد من البیت و إسمعیل ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱

۱ - تأسیس کعبه به دست ابراهیم (ع) ، واقعه ای بس مهم و شایان یادآوری

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعول برای <اُذکر> محذوف است; یعنی، <به یاد بسپار آن زمانی را که ما. ..>.

زیارت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳،۵

۳ – مردم ، باید پیاپی برای زیارت خانه خدا (حج و عمره) به سوی آن جایگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً و اتخذوا

جمله <إتخذوا . ..> که جمله ای

انشایی و دستوری است می تواند قرینه بر این باشد که مقصود از <جعلنا البیت ...> نیز معنایی انشایی و دستوری است; یعنی، مراد از <جعل>، تشریع قانون است. بنابراین مفاد جمله چنین می شود: باید مردم به سوی خانه خدا بیایند و امنیت آن را به شایستگی پاس بدارند.

۵ - حضور در خانه خدا (کعبه) حقی برای عموم مردم است .

إذ جعلنا البیت مثابه للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۳۴

۳۴ انجام عمره و زیارت خانه خدا ، امری مرسوم در نزد مشرکان عصر بعثت

و لاءآمین البیت الحرام . .. و لایجرمنکم شنئان قوم ان صدوکم

در شأن نزول آیه آمده است که مشرکان برای عمره و زیارت خانه خدا راهی مکه بودند و مسلمانان خواهان هجوم به آنان شدند، در آن هنگام این آیه نازل شد. (مجمع البیان) جمله <و لایجرمنکم> این معنا را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۳

۳- مسلمانان در جریان سفر حدیبیه ، مصمّم به زیارت خانه خدا و قربانی کردن هدی

و صدّوکم عن المسجد الحرام و الهدیَ معکوفًا أن یبلغ محلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۳

۳ - آبادانی کعبه و روی آوردن خلق به آن ، در تاریخ پیش از اسلام

و البیت المعمور

در صورتی که <بیت المعمور> کعبه باشد; آوردن وصف <المعمور> می تواند اشاره به آوازه بلند و آبادانی کعبه در گذشته تاریخ داشته باشد.

سوگند به کعبه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴ – ۱

۱ – سوگند خداوند ، به کعبه

و البیت المعمور

<واو> در <و البیت. ..> برای قسم و مقصود از <بیت معمور> (خانه آباد) کعبه است.

شرافت کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۵ – ۶

۶ – کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک . .. فجعلهم کعصف مأکول

طواف کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۲۱،۲۰،۱۸،۱۴

۱۴ – مهیّا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق <تطهیر> – چنانچه بعضی از مفسران گفته اند – کنایه از مهیّا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

۱۸ – خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن در آیه شریفه – به قرینه طواف، رکوع و سجود – یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف – که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و . .. است – می باشد.

۲۰ – طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی

ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل(ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و . .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

۲۱ – طواف خانه خدا و اعتکاف در آن جایگاه ، از احکام شریعت ابراهیم

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین

عبادت در کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۶ – ۲،۳

۲ – کعبه ، محل عبادت حضرت ابراهیم (ع)

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

<تبوِئه> (مصدر <بوّأنا>) به معنای <مَبائه و مرجع قراردادن است; یعنی، <به خاطر بسپار آن زمانی را که ما محل کعبه را برای ابراهیم(ع) محل مراجعه قراردادیم>. مراجعه مکرر حضرت ابراهیم (ع) به محل کعبه یا به منظور عبادت خدا بوده است و یا برای ساختن بنای آن، برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

۳ – محل کعبه ، محلی تعیین شده از جانب خدا برای عبادت

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۱۴،۱۸،۲۰

۱۴ – مهیّا کردن و آماده ساختن خانه خدا برای طواف ، عبادت ، رکوع و سجود ، فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

در برداشت فوق <تطهیر> – چنانچه بعضی از مفسران گفته اند – کنایه از مهیّا ساختن و اختصاص دادن، گرفته شده است.

۱۸ – خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز

) است .

أن طهرا بيتى للطائفين و العكفين و الركع السجود

عكوف مصدر (عاكفين) به معناى ماندن و اقامت كردن در مكانى است و مراد از آن در آيه شريفه - به قرينه طواف، ركوع و سجود - يا مطلق عبادت و پرستش خداست و يا مقصود از آن، اعتكاف - كه عبادتى خاص با شرايطى ويژه از قبيل روزه گرفتن و . .. است - مى باشد.

۲۰ - طواف كنندگان ، عبادت كنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، داراى مقامى ارجمند در پيشگاه خداوند

أن طهرا بيتى للطائفين و العكفين و الركع السجود

از اينكه پيامبرانى بزرگ، همچون ابراهيم و اسماعيل(ع) مأمور به تطهير خانه خدا براى طواف كنندگان و . .. بودند، ارجمندى طواف كنندگان و ... در پيشگاه خدا به دست مى آيد.

عظمت كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۳،۴،۱۱،۱۲،۱۷،۱۹

۳ - مردم ، بايد پياپى براى زيارت خانه خدا (حج و عمره) به سوى آن جايگاه روانه شوند .

و إذ جعلنا البيت مثابه للناس و أمناً و اتخذوا

جمله <إتخذوا . ..> كه جمله اى انشايى و دستورى است مى تواند قرينه بر اين باشد كه مقصود از <جعلنا البيت ...> نيز معنايى انشايى و دستورى است; يعنى، مراد از <جعل>، تشريع قانون است. بنابراين مفاد جمله چنين مى شود: بايد مردم به سوى خانه خدا بيايند و امنيت آن را به شايستگى پاس بدارند.

۴ - ضرورت ايجاد امنيت براى حاضران در محيط خانه خدا و حراست آنان در برابر هرگونه آسيب و گزند .

و إذ جعلنا البيت مثابه للناس و

أمناً

۱۱ - تطهیر خانه خدا و مصون داشتن آن از هر ناپاکی و آلودگی ، توصیه و فرمان خدا به ابراهیم و اسماعیل (ع)

و عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

۱۲ - خانه خدا ، باید همواره پاک و از آلودگی ها پیراسته شود .

أن طهرا بیتی

۱۷ - ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) ، از خدمتگزاران خانه خدا (کعبه) بودند .

عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل أن طهرا بیتی

۱۹ - کعبه ، دارای شرافت و قداستی خاص در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی

نسبت دادن کعبه به خداوند، با اضافه تشریفی <بیت> به <یا> متکلم، برای رساندن عظمت و قداست خاص کعبه در پیشگاه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک . .. فجعلهم کعصف مأکول

فضایل کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۷ - ۱۸

۱۸ - از امام صادق (ع) روایت شده که : < . . . کان البیت دره بیضاء فرفعه اللّه إلی السماء و بقی أساسه . . . فأمر اللّه ابراهیم و اسماعیل أن یبنیا البیت علی القواعد ;

. .. خانه کعبه چون درّ سفیدی بود، پس خداوند آن را به آسمان بالا برد و اساس آن باقی ماند ... پس خداوند ابراهیم و

اسماعیل (ع) را مأمور کرد که خانه کعبه را بر همان پایه های قبلی بنا

کنند>.

فضیلت عبادت کنار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۹

۹- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

ربّنا إنی أسکنت من ذرّیتی . .. عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصلوه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم(ع) ممکن بود; ولی حضرت ابراهیم(ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزندانش برگزید.

فضیلت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۶ - ۱۸

۱۸ از امام باقر (ع) روایت شده است : < . . . ما خلق اللّه بقعه فی الأرض أحب إلیه من ها ثم أومیء بیده نحو الکعبه . . . ل ها حرّم اللّه الاشهر الحرم فی کتابه . . . ثلاثه متوالیه للحج : شوال و ذوالقعده و ذوالحجه و شهر مفرد للعمره و هو رجب ;

. .. خداوند هیچ بقعه ای را خلق نفرموده که برای او محبوب تر از این باشد و با دست خویش به کعبه اشاره فرمود [و افزود]به احترام این کعبه، خداوند در قرآن ماههای حرام را محترم شمرد. سه ماه متوالی برای حج: شوال، ذی قعده و ذی حجه و یک ماه رجب، جدا برای عمره [مفرده]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۴

۴ - کعبه ، دارای حرمت و قداستی والا در پیشگاه

خداوند

و یصدّون عن سبیل اللّه و المسجد الحرام

تهدید شدن کافران به عذاب دوزخ، به خاطر ممانعت کردن مردم از زیارت مسجدالحرام، بیانگر مطلب فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۵،۹

۵ - کعبه ، جلوه گاه توحید و یکتاپرستی

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت أن لاتشرک بی شیًا

۹ - کعبه ، خانه ای بسیار مقدس و دارای حرمتی بس والا در پیشگاه خداوند

و طهّر بیتی

اضافه <بیت> به <یای> متکلم، اضافه تشریفیه و بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۸

۸ - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البیت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۵

۱۵ - رفع گرسنگی و ناامنی از ساکنان مکه ، در راستای اعتلا و شکوفایی کعبه و از جلوه های ربوبیت خداوند است .

ربّ هذا البیت . الذی أطعمهم من جوع و ءامنهم من خوف

<الذی>، وصف <ربّ> و بیانگر جلوه های آن است.

فضیلت نماز کنار کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۷ - ۹

۹- عبادت و نماز در کنار خانه خدا ، برخوردار از فضیلت و ارزش بیشتری در مقایسه با سایر سرزمینها

ربّنا إنی أسکنت من ذرّیتی . .. عند بیتک المحرّم ربّنا لیقیموا الصلوه

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که اقامه نماز در غیر مکه برای فرزندان حضرت ابراهیم(ع) ممکن بود;

ولی حضرت ابراهیم(ع) برای فضیلت عبادت در جوار خانه خدا آن مکان را برای فرزندانش برگزید.

فلسفه نامگذاری کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال : إنّ اللّه عزّوجلّ أغرق الأرض کلّها یوم نوح إلاّ البیت فیومئذ سمّی العتیق لأنّه اُعتق یومئذ من الغرق . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[اللّه]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد; زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد>.

۱۱ - < عن أبی حمزه الثمالی قال : قلت لأبی جعفر (ع) فی المسجد الحرام : لأیّ شیء سمّاه اللّه العتیق ؟ فقال : إنّه لیس من بیت وضعه اللّه علی وجه الأرض إلاّ له ربّ و سکان یسکنونه غیر هذا البیت فإنّه لاربّ له إلاّ اللّه عزّوجلّ و هو الحرّ . . . ;

ابوحمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا[بیت اللّه] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند; غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزّوجلّ ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است. ..>.

قبله بودن کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۵ - ۵

۵ - یهود و نصارا از سر عناد و لجاجت ، قبله بودن کعبه را

پذیرا نیستند .

و لئن أتیت الذین أوتوا الکتب بکل ءایه ما تبعوا قبلتک

قبله شدن کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۲

۲ – قبله نخستین مسلمانان (بیت المقدس) ، به فرمان خداوند به جانب کعبه تغییر یافت .

ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها . .. یهدی من یشاء

جمله <یهدی من یشاء> قرینه بر این است که: تغییر قبله به فرمان خداوند بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۴ – ۱۸

۱۸ – تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه ، حقیقتی عنوان شده در کتاب های آسمانی پیشین (تورات و انجیل و . . .)

إن الذین أوتوا الکتب لیعلمون أنه الحق

بیان آگاهی یهود و نصارا به حقانیت تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه، با عنوان <اهل کتاب> می رساند که منشأ و منبع آگاهی آنان، کتاب آسمانی شان (تورات و انجیل) بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۶ – ۶

۶ – تغییر قبله از بیت المقدس به کعبه و حقانیت آن ، موضوعی مطرح شده در تورات و انجیل *

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر <یعرفونه> به تغییر قبله بازگردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۷ - ۳

۳ - تغيير قبله از بيت المقدس به كعبه ، حق و پيراسته و از هر گونه بطلان و ناروايى

الحق من ربك

به دليل آيات قبل مصداق مورد

نظر برای <الحق>، تغییر قبله می باشد.

قداست کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۱۹

۱۹ – کعبه ، دارای شرافت و قداستی خاص در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی

نسبت دادن کعبه به خداوند، با اضافه تشریفی <بیت> به <یا> متکلم، برای رساندن عظمت و قداست خاص کعبه در پیشگاه خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۹

۹ کعبه ، خانه و جایگاهی مقدس و سزاوار احترام خاص

لاتحلوا . .. و لا ءآمین البیت الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۷ – ۲،۳،۵،۱۲،۱۴،۱۵

۲ کعبه دارای حرمتی خاص و منزلتی بلند در پیشگاه خداوند .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام

۳ لزوم حفظ حرمت کعبه و ماه های حرام

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام

۵ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن

به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

۱۴ گزینش کعبه از میان تمامی نقاط زمین برای انجام مناسک حج ، نشان آگاهی خداوند به نظام آسمان ها و زمین *

جعل اللّه الکعبه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

ارتباط عمیق بین جعل کعبه و خصوصیات آن با آگاهی خداوند بر آسمانها و زمین این احتمال را در ذهن ترسیم می کند که آیه ناظر به ویژگیهای منطقه ای و جغرافیایی کعبه باشد.

۱۵ فرمان به انجام مناسک حج و محترم شمردن کعبه برای رسیدن به جامعه ای با قوام ، فرمانی برخاسته از علم گسترده خداوند

جعل اللّه الکعبه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

چون توجه به نقش کعبه و ماههای حرام و قربانی در قوام جامعه آدمی را به علم خداوند رهنمون می سازد،الزاماً باید جعل آنها برای تأمین این هدف، عالمانه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۸ - ۲،۱۲

۲ شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام ، موجب عقاب شدید از سوی خداوند

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام . .. اعلموا إنّ اللّه شدید العقاب

با توجه به آیه قبل معلوم می شود، از جمله کسانی که به عقاب شدید تهدید شده اند کسانی هستند که با مضامین و احکام مطرح شده در آیه قبل مخالفت کنند. برداشت فوق به گروهی از آنان اشاره دارد و در برداشتهای بعدی دیگر موارد منعکس خواهد شد.

۱۲ شکنندگان حرمت کعبه و ماه های حرام

و اعراض كنندگان از حكم قربانى نبايد از رحمت و مغفرت الهى مأيوس باشند .

جعل اللّه الكعبه البيت الحرام . .. إنّ اللّه شديد العقاب و إنّ اللّه غفور رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۴

۴ - كعبه ، داراى حرمت و قداستى والا در پيشگاه خداوند

و يصدّون عن سبيل اللّه و المسجد الحرام

تهديد شدن كافران به عذاب دوزخ، به خاطر ممانعت كردن مردم از زيارت مسجدالحرام، بيانگر مطلب فوق مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۹

۹ - كعبه ، خانه اى بسيار مقدس و داراى حرمتى بس والا در پيشگاه خداوند

و طهّر بيتى

اضافه <بيت> به <ياى> متكلم، اضافه تشريفيه و بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۲

۲ - كعبه ، مكانى مقدس و والا

و البيت المعمور

برداشت ياد شده به اين دليل است كه كعبه، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است.

قدمت كعبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۳

۲۳ – خانه خدا (کعبه) دارای قدمت تاریخی

و إذ جعلنا البیت . .. و اتخذوا من مقام إبرهیم مصلًّی و عهدنا إلی إبرهیم و إسمعیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۷ – ۲

۲ – پایه ها و اساس کعبه پیش از آنکه ابراهیم و اسماعیل (ع) ، دیوار های آن را بنا کنند ، وجود

داشته است .

و إذ يرفع إبرهيم القواعد من البيت و إسمعيل

از اينكه بالاـ بردن و ساختن ديوارهاى كعبه به ابراهيم و اسماعيل (ع) نسبت داده شده، ولى بناى پايه و اساس آن به ايشان نسبت داده نشده، چنين بر مى آيد كه: پايه ها و اساس كعبه از ديرباز وجود داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۶

۶ قدمت كعبه ، ملاك شرافت آن بر بيت المقدس

انّ اوّل بيت وضع للناس

با توجه به شأن نزول ذكر شده در مجمع البيان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۷ - ۲

۲ كعبه داراى نشانه هايى روشن بر قدمت تاريخى آن و گوياى نخستين بنا مردمى *

انّ اوّل بيت . .. فيه ايات بيّنات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۶

۶ - كعبه ، داراى قدمت و پيشينه تاريخى

بالبيت العتيق

<عتيق> به هر چيزى گفته مى شود كه داراى تقدم زمانى، مكانى و يا رتبه اى باشد. و بدين جهت است كه به <قديم>، <عتيق> نيز مى گويند. بنابراين <بيت عتيق>; يعنى، خانه اى كه داراى قدمت و پيشينه تاريخى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۵

۵ – کعبه ، دارای قدمت و سابقه تاریخی در میان سایر اماکن مقدس

إلی البیت العتیق

<عتیق> به هر چیزی گفته می شود که دارای تقدم زمانی یا مکانی و یا رتبه ای باشد. بدین جهت به قدیم، عتیق نیز

گفته می شود. بنابراین <بیت عتیق>; یعنی، خانه ای که دارای قدمت و پیشینه تاریخی است.

قربانی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

کافران مکه و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۳

۳ کافران مکه به سبب انجام اموری لغو و بیهوده در پیرامون کعبه به عنوان عبادت و نیایش ، مستحق عذاب الهی بودند .

و ما لهم ألا لیعذبهم اللّه . .. و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما کان صلاتهم . .. > عطف بر <و هم یصدون ... > باشد.

کعبه در جاهلیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۶

۶ - کعبه ، حتی در عصر جاهلیت و سلطه شرک ، دارای شرافت و عظمت در پیشگاه خداوند

ألم تر کیف فعل ربّک . .. فجعلهم کعصف مأکول

کعبه در طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ < قال أبوعبدالله (ع) : . . . غرق جميع الدنيا إلاّ موضع البيت . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: . .. [در طوفان نوح] همه دنيا غرق شد مگر جايگاه

خانه خدا ...>.

کعبه و اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱۰

۱۰ دستور علمای یهود به پیروان خود مبنی بر پذیرش بیت المقدس به عنوان قبله و مخالفت با کعبه

و قالت طائفه من اهل الکتاب امنوا بالّذی انزل . .. و اکفروا اخره

امام باقر (ع): . .. فقالوا صلی محمد الغداه فاستقبل قبلتنا فامنوا بالّذی انزل علی محمد وجه النهار و اکفروا اخره یعنون القبله حین استقبل رسول اللّه (ص) المسجد الحرام.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۵ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۲، ح ۱۱.

کعبه هنگام طوفان نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - < عن أبی عبد اللّه (ع) قال : إنّ اللّه عزّوجلّ أغرق الأرض کلّها یوم نوح إلاّ البیت فیومئذ سمّی العتیق لأنّه أُعتق یومئذ من الغرق . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: خدای عزّوجلّ در روز طوفان نوح، همه زمین را غرق کرد، مگر <بیت[اللّه]>. پس در آن روز عتیق نامیده شد; زیرا در آن روز از غرق شدن آزاد شد>.

کیفر حرمت شکنی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۷

۷ - هجوم آورندگان به کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم كعصف مأكول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر هجوم به

کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فیل – ۱۰۵ – ۵ – ۷

۷ – هجوم آورندگان به کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم کعصف مأکول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

مالك کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قریش – ۱۰۶ – ۳ – ۲،۳،۸

۲ – خداوند ، مالك کعبه و مدبّر امور آن است .

ربّ هذا البیت

<ربّ>، در اصل به معنای <تربیت> است (مفردات) و به معنای مالك و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

۳ – مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

۸ – کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البیت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

مالکیت کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۹ – ۱۱

١١ - < عن أبی حمزه الثمالی قال : قلت لأبی جعفر (ع) فی المسـجد الحرام : لأیّ شیء سمّاه اللّه العتیق ؟ فقال : إنّه لیس من بیت وضعه اللّه علی وجه الأرض إلاّ له ربّ و سکان یسکنونه غیر هذا البیت فإنّه لاربّ له إلاّ اللّه عزّوجلّ و هو الحرّ . . . ;

ابوحمزه ثمالی گوید: به امام باقر(ع) در مسجدالحرام گفتم: چرا خدا[بیت اللّه] را عتیق نامیده است؟ فرمود: خداوند هیچ خانه ای را بر روی زمین

ننهاده است مگر این که صاحب و ساکنانی دارد که در آن سکنی گزیده اند; غیر از این بیت که صاحبی به جز خدای عزّوجلّ ندارد و آن [از مالکیت اشخاص] آزاد است. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۸

۸ - کعبه ، بیتی شرافت مند و وابسته به خداوند

ربّ هذا البیت

اسم اشاره (هذا)، به قرینه سیاق برای تعظیم است.

متولیان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - تولیت کعبه ، پاکیزه و آماده سازی آن برای زائران ، از وظایف الهی حضرت ابراهیم (ع)

و طهّر بیتی للطّائفین

مدبر کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۲،۳

۲ - خداوند ، مالک کعبه و مدبّر امور آن است .

ربّ هذا البیت

<ربّ>، در اصل به معنای <تربیت> است (مفردات) و به معنای مالک و مدبر نیز آمده است (لسان العرب).

۳ - مالکیت خداوند بر کعبه و سیطره ربوبیت و تدبیر او بر آن ، برهان الزام قریش به عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

مشرکان و کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۲۱

۲۱ ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا ، سبب نامگذاری آن به بیت اللّه الحرام

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت اللّه الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین ان یدخلوه.

علل الشرایع، ص ۳۹۸، ح

۱، ب ۱۳۹; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

ممانعت از ورود مشرکان به کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۲۹

۲۹ – از امام صادق (ع) روایت شده که درباره قول خدا < طهرا بیتی للطائفین . . . فرمود : یعنی نحّیا عنه المشرکین . . . ;

مشرکان را از خانه من دور کنید . .. >.

منشأ تعیین کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۶ – ۳،۱۸

۳ – محل کعبه ، محلی تعیین شده از جانب خدا برای عبادت

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت

۱۸ – < عن أبی عبد اللّه (ع) : . . . فلمّا أمر اللّه عزّوجلّ إبراهیم أن یبنی البیت و لم یدر فی أیّ مکان یبنیه فبعث اللّه جبرئیل فخط له موضع البیت . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است: . ..چون خداوند عزّوجلّ حضرت ابراهیم(ع) را مأمور بنای کعبه کرد، او نمی دانست کعبه را در کجا بنا کند; خداوند جبرئیل را فرستاد و او در جای کعبه، برای وی خط کشید...>.

نامگذاری کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۷ – ۲۱

۲۱ ممنوعیت ورود مشرکان به خانه خدا ، سبب نامگذاری آن به بیت اللّه الحرام

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام

از امام صادق(ع) نقل شده که در پاسخ سؤال از سبب نامگذاری خانه خدا به بیت اللّه الحرام فرمود: لانه حرم علی المشرکین

ان یدخلوه.

علل الشرایع، ص ۳۹۸، ح ۱، ب ۱۳۹;

نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۸۰، ح ۴۰۱.

نامهای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴ - ۵

۵ - < بیت المعمور > نام دیگر کعبه

و البیت المعمور

تعبیر <و البیت المعمور> به جای <و الکعبه> می تواند بدان جهت باشد که در آن زمان، کعبه به این نام نیز خوانده می شده است.

نشانه های توحید عبادی در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۵

۵ - کعبه ، جلوه گاه توحید و یکتاپرستی

و إذ بوّأنا لإبرهیم مکان البیت أن لاتشرک بی شیئًا

نعمت کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۶

۶ - تعیین خانه خدا برای حضور مردم و تأکید بر حفظ امنیت حاضران در آن محیط ، از نعمت های الهی و شایسته و بایسته به یادداشتن

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<إذ> مفعول برای <اذکروا> (به یاد داشته باشید) است و لام در <للناس> حکایت از آن دارد که قرار دادن کعبه برای حضور پیاپی مردم در جهت منافع آنان است، که از آن در برداشت، به نعمت تعبیر شده است.

نقش کعبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۱۸

۱۸ – خانه خدا جایگاه طواف ، اعتکاف ، عبادت ، رکوع و سجود (نماز) است .

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عکوف مصدر (عاکفین) به معنای ماندن و اقامت کردن در مکانی است و مراد از آن

در آیه شریفه - به قرینه طواف، رکوع و سجود - یا مطلق عبادت و پرستش خداست و یا مقصود از آن، اعتکاف - که عبادتی خاص با شرایطی ویژه از قبیل روزه گرفتن و . .. است - می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۷ - ۱۲،۱۱،۱۰،۵،۴،۱

۱ کعبه دارای نقشی مهم در قیام و قوام زندگی انسانها

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

برداشت فوق را فرمایش امام صادق(ع) تأیید می کند که درمورد آیه فوق فرمودند: جعلها اللّه لدینهم و معیشهم.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۴۶، ح ۲۱۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۵، ح ۱.

۴ مرکزیت کعبه برای قوام مردمان ، لطف الهی به ایشان

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

لحن آیه حکایت از امتنان خداوند بر بندگان دارد.

۵ نقش کعبه و ماه های حرام در قوام و ثبات جوامع منوط به حفظ حرمت آنها از سوی انسان ها است .

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس

۱۰ نقش اساسی تر کعبه در قوام جامعه نسبت به ماه های حرام و قربانی حج

جعل اللّه الکعبه البیت الحرام قیماً للناس و الشهر الحرام و الهدی و القلئد

تقدیم ذکری کعبه و نیز حذف <قیماً للناس> نسبت به <الشهر الحرام . ..> اشاره به این دارد که نقش ماههای حرام و قربانی حج و ... در قوام جوامع بواسطه کعبه می باشد.

۱۱ آگاهی انسان ها به علم گسترده خداوند ، از اهداف بیان نقش کعبه و ماه های حرام و قربانی در قوام جامعه

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم

ما فی السموت و ما فی الارض

<ذلک> می تواند اشاره به بیان مطالب یاد شده باشد، یعنی خداوند فلسفه ایجاد کعبه و نیز احکام مربوط به آن را بیان کرد تا انسانها بدانند افعال خداوند و احکام او عالمانه و دارای اهدافی والاست و این را نشان و علامتی از علم گسترده خداوند بشمارند.

۱۲ دستیابی اهل ایمان به جامعه ای با قوام در پرتو حراست از حرمت کعبه و انجام مناسک حج ، موجب آگاهی آنان به علم گسترده و همه جانبه خداوند .

جعل اللّه . .. ذلک لتعلموا إنّ اللّه یعلم ما فی السموت و ما فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که <ذلک> اشاره به خود حقایق بیان شده باشد نه بیان آن حقایق، یعنی آنگاه که انسانها در پرتو احترام به کعبه و ماههای حرام و انجام مناسک آن به جامعه ای با قوام رسیدند، در می یابند که خداوند دارای علمی گسترده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۳ - ۶

۶ - محوریت کعبه در مراسم حج

و لیطّوّفوا بالبیت العتیق . .. ثمّ محلّها الی البیت العتیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۸

۸ - کعبه وسیله اتحاد ، امنیت ، اعتبار و تحصیل مال قریش

لإیلف قریش

اگر <ایلاف> در این آیه، عام و در آیه بعد خاص باشد؛ می توان گفت که در این آیه، ائتلاف قریش با یکدیگر نیز مورد نظر بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۳ - ۷

- < کعبه > ، مظهر ربوبیت خداوند و نشانی گویا بر لزوم عبادت او است .

فلیعبدوا ربّ هذا البیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۴ - ۱۰

۱۰ - امنیت قریش ، مرهون وجود کعبه و امنیت آن بود .

ربّ هذا البیت . .. و ءامنهم من خوف

تعبیر <ربّ هـذا البیت> به جای <اللّه> پیش از توصیف خداوند به پدید آورنده امنیت نشانگر نقش کعبه در امنیت قریش است که قبایل عرب، آنها را اهل حرم دانسته و به آنان تعرض نمی کردند. ارتباط این سوره با سوره قبل، بیانگر نقش هلاکت اصحاب فیل، در پیدایش امنیت برای کعبه و در نتیجه برای قریش است.

نماز در کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۲۰

۲۰ - طواف کنندگان ، عبادت کنندگان و نمازگزاران در خانه خدا ، دارای مقامی ارجمند در پیشگاه خداوند

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

از اینکه پیامبرانی بزرگ، همچون ابراهیم و اسماعیل(ع) مأمور به تطهیر خانه خدا برای طواف کنندگان و . .. بودند، ارجمندی طواف کنندگان و ... در پیشگاه خدا به دست می آید.

ویژگی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۶ - ۱،۲،۴

۱ کعبه ، نخستین خانه و مأوای مردمی

انّ اوّل بیت وضع للناس

<بیت> در لغت به معنای مأوای شبانه است.

۲ مردمی بودن ، ارزشی برای بنای کعبه *

انّ اوّل بیت وضع للناس

۴ کعبه ، برای تمامی انسانهاست ; و نه برای

جمعیت و یا نژادی خاص

وضع للناس

ویژگیهای کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۵ - ۱

۱ - خداوند ، کعبه را ملجأ و جایگاهی برای حضور مردم و مکانی بسیار امن قرار داد .

و إذ جعلنا البیت مثابه للناس و أمناً

<مثابه>; یعنی، مکانی که مردم پی در پی بـدان جا روی می آورنـد (لسان العرب). <أمن> مصدر است و در آیه به معنای اسم فاعـل (آمنـاً = دارای امنیت) می باشـد. آوردن مصـدر به جـای اسم فاعل، دلالت بر تأکیـد دارد. بنابراین <أمناً>; یعنی، آکنده از امنیت.

هتک قداست کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۵

۵ بی اعتنـایی به احکـام صـید و کفـاره آن در نهـان و شکسـتن حرمت کعبه و مـاه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیـدار و آشکار در محضر خداوند

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

از مصادیق مورد نظر برای <ماتکتمون> با توجه به آیات قبل افعال و رفتاری است که در برداشت به آنها اشاره شد.

هشدار به دشمنان کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۹

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر كيف فعل ربّك بأصحب الفيل

کفاره از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفّاره

احکام کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۹،۱۰،۱۷،۲۹،۳۱،۳۲،۳۳

۹ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا

در كفاره قسم

فكفّرته اطعام عشره مسكين من اوسط ما تطعمون اهليكم

برداشت فوق را فرمايش امام باقر(ع) تأييد مى كند كه در پاسخ سؤال از <اوسط ما تطعمون> در آيه فوق فرمود: ما تقوتون به عيالكم من اوسط ذلك . .. .

كافى، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; تفسير برهان، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۴.

۱۰ پوشاك متعارف در خانواده شكننده سوگند ، پوشاكى است كه وى مى تواند براى كفاره قسم خويش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهليكم او كسوتهم

بيان نوع خوراك در مورد اطعام مى تواند قرينه اى براى نوع پوشاك نيز باشد.

۱۷ لزوم كسب و بدست آوردن امكانات مادى جهت پرداخت كفاره قسم *

فمن لم يجد فصيام ثلثه ايام

جمله <فمن لم يجد> حكايت از آن دارد كه شكننده سوگند بايد براى بدست آوردن امكاناتى جهت پرداخت كفاره تلاش كند زيرا فعل <لم يجد> (نيافت) در مواردى استعمال مى شود كه شخص پس از تلاش و پى گيرى امرى به آن دست نيابد.

۲۹ اطعام ده مسكين ، هر نفر به مقدار يك مُدّ (ده سير) ، كفاره شكستن قسم

فكفّرته اطعام عشره مسكين من اوسط ما تطعمون اهليكم

امام صادق(ع) در توضيح <اوسط ما تطعمون> در آيه فوق فرمود: هو كما يكون انه يكون فى البيت من يأكل اكثر من المد و منهم من يأكل اقل من المد فبين ذلك . .. .

كافى، ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۷; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۳.

۳۱ بالاپوش و پايين پوش براى مرد و مقدار پوشش لازم (پيراهن ، روسرى و پايين پوش) براى زن ، پوشاكى كه در

کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: . .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

۳۳ سه روز روزه ، کفاره قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۵،۹،۱۱،۱۲،۱۳،۱۹،۲۵،۲۶،۲۷

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <بـه> به <مثـل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذو است مرد بـودن و دو نفر بـودن به دست می آیـد و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

۹

اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان اللّه یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۱ تهیه غذا برای مساکین ، بایستی در حد قیمت شکار صید شده باشد

او کفره طعام مسکین

برداشت فوق بر این اساس است که <کفّره> خبر برای مبتدای محذوف (هی) باشد بر این مبنا جمله <هی کفاره> عطف بر محل <من النعم> می شود و در حقیقت وصف و توضیحی دیگر است برای <جزاء مثل ما قتل> یعنی بر عهده شکار کننده سزایی است همسان با شکار، که باید به عنوان کفاره و بصورت طعام به مساکین داده شود.

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک صیاماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

۱۹ تکرار شکار در حال احرام موجب تکرار کفّاره نخواهد شد .

و من عاد فینتقم اللّه منه

بیان انتقام الهی در جزای تکرار صید پس از بیان حکم کفّاره شکار حاکی از این است که هیچ جزائی جز خشم و انتقام خداوند در خور گناه تکرار صید نیست.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. <ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت

، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۳،۴،۵

۳ - دو ماه روزه ای که به عنوان کفّاره ظهار گرفته می شود ، باید پی درپی باشد .

فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین

۴ - ظهارکننده ، روزه ظهار را باید پیش از تماس و آمیزش با زنش بگیرد .

فصیام شهرین متتابعین من قبل أن یتماسّا

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم یستطع فإطعام ستّین مسکینًا

ارزش روزه کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

ارزش قربانی کفّاره

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ ارزش والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

اطعام در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۷،۸،۱۴،۳۲

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفّرته اطعام عشره مسکین

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: . .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۵،۱۴

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم یستطع فإطعام ستّین مسکینًا

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله عزّوجلّ . . . < و من لم یستطع فإطعام ستّین مسکیناً > قال : من مرض أو عطاش ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ . ..<و من لم یستطع فإطعام ستّین مسکیناً> روایت شده که فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض یا بیماری تشنگی است>.

پوشاک در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۷،۸،۱۰،۱۴،۳۰،۳۱،۳۲

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او

صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

بیان نوع خوراک در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر

عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: . .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

روزه کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۱۴،۳۳

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۳ سه روز روزه ، کفاره قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۰،۱۲،۲۴،۲۵،۲۷

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او كفره طعام مسكين او عدل ذلك صياماً

مؤيد برداشت فوق فرمايش منقول از امام صادق(ع) است كه فرمود: . .. و

کـل شـیء من القرآن <او> فصـاحبه بالخیـار مـا یشاء ... دو روایت مـدرک برداشت شـماره ۱۰ و ۲۷ بـا هم معـارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شـد که قیمت شـکار، به صورت غـذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک صیاماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفّاره شـکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او

عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. <ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

شتر در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴۸،۲۶

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی

در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

صدقه کفّاره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۱۰،۲۹،۴۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی

ستّه مساكين لكل مسكين مدّين و النّسك شاه ...

كافى، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۴۰ در صورت مشكل بودن روزه ، كفاره تراشيدن اضطرارى سر در حج ، صدقه است .

ففديه من صيام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آيه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصيام اذا عسر عليه

عيون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱ ; علل الشرايع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

فلسفه كفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ چشيدن آزار و اذيت ، هدف از تشريع كفّارات صيد از سوى خداوند

كفره طعام مسكين . .. ليذوق و بال امره

قربانى كفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۹،۲۷

۹ اطراف كعبه ، تنها مكان مجاز براى قربانى كردن كفاره صيد

هدياً بلغ الكعبه

برداشت فوق را فرمايش منقول از امام صادق(ع) تأييد مى كند كه فرمود: من وجب عليه هدى فى احرامه فله ان ينحره حيث شاء الا فداء الصيد فان اللّه يقول <هدياً بالغ الكعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب

صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۱۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

کفّاره تخییری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۱۰

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . .. و کل شیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

کفّاره حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۶،۷،۸،۹،۱۰،۱۴،۱۷،۱۹،۲۳،۲۹،۳۱،۳۲،۳۳

۶ شکستن سوگند گناه و پرداخت کفاره

موجب بخشایش آن است .

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن فکفّرته . .. ذلک کفّره ایمنکم

مؤاخذه سوگندشکنان دلیل عصیانگری آنان است و کلمه کفاره که به معنای پوشاننده است اشاره به بخشودگی گناه در پی پرداخت کفاره دارد.

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن یک برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۹ نوع متعارف غذای خانوادگی کفاره دهنده ، کمترین حد برای نوع غذا در کفاره قسم

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

برداشت فوق را فرمایش امام باقر(ع) تأیید می کند که در پاسخ سؤال از <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: ما تقوتون به عیالکم من اوسط ذلک . .. .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۵، ح ۴.

۱۰ پوشاک متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

بیان نوع خوراک در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاک نیز باشد.

کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاک برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۱۷ لزوم کسب و بدست آوردن امکانات مادی جهت پرداخت کفاره قسم *

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

جمله <فمن لم یجد> حکایت از آن دارد که شکننده سوگند باید برای بدست آوردن امکاناتی جهت پرداخت کفاره تلاش کند زیرا فعل <لم یجد> (نیافت) در مواردی استعمال می شود که شخص پس از تلاش و پی گیری امری به آن دست نیابد.

۱۹ تعیین کفاره برای قسم نبایستی دستاویزی برای شکستن سوگند قرار گیرد .

ذلک کفّره ایمنکم إذا حلفتم و احفظوا ایمنکم

فرمان وفاداری به سوگند (واحفظوا أیمنکم) پس از بیان کفارات قسم اشاره به این دارد که اگر چه پرداخت کفاره موجب بخشایش گناه آن می شود ولی مکلف نباید آن را مجوز شکستن سوگند خویش بپندارد.

۲۳ احکام سوگند و کفارات آن از نعمت های الهی و مستلزم سپاسگزاری در برابر آن

ذلک کفّره ایمنکم . .. کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

۲۹ اطعام ده مسکین ، هر نفر به مقدار یک مُدّ (ده سیر) ، کفاره شکستن قسم

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم

امام صادق(ع) در توضیح <اوسط ما تطعمون> در آیه فوق فرمود: هو کما یکون انه یکون فی البیت من یأکل اکثر من المد و منهم من یأکل اقل من المد فبین ذلک . .. .

کافی، ج ۷، ص ۴۵۳، ح ۷; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۳.

۳۱ بالاپوش

و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: . .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

۳۳ سه روز روزه ، کفاره قسم کسی که بیش از مخارج لازم خانواده خویش را ندارد .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

امام کاظم(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: اذا لم یکن عند فضل عن قوت عیاله فهو ممن لایجد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۲، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۶.

کفّاره صید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۹ – ۵

۵ بی اعتنایی به احکام صید و کفاره آن در نهان و شکستن حرمت کعبه و ماه های حرام به دور از چشم مردم ، پدیدار و

خداوند

و اللّه يعلم ما تبدون و ما تكتمون

از مصاديق مورد نظر براى <ماتكتمون> با توجه به آيات قبل افعال و رفتارى است كه در برداشت به آنها اشاره شد.

كفّاره صيد آهو

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، كفّاره شكار شتر مرغ ، گاو ، كفاره شكار الاغ وحشى گوسفند ، كفاره شكار آهو و گاو كفاره گاو وحشى در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضيح آيه فوق فرمود: فى النعامه بدنه و فى حمار وحش بقره و فى الظبى شاه و فى البقره بقره.

تهذيب شيخ طوسى، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

كفّاره صيد الاغ وحشى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، كفّاره شكار شتر مرغ ، گاو ، كفاره شكار الاغ وحشى گوسفند ، كفاره شكار آهو و گاو كفاره گاو وحشى در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضيح آيه فوق فرمود: فى النعامه بدنه و فى حمار وحش بقره و فى الظبى شاه و فى البقره بقره.

تهذيب شيخ طوسى، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید در احرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۲۷،۲۶،۲۵،۲۴،۱۰،۸

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند

) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . .. و کل شیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۲۴ ارزش حیوانی که در کفّاره شکار در حال احرام باید ادا شود ، تعیین کننده تعداد روزه های معادل آن با احتساب هر یک چارک طعام مقابل یک روز روزه

کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: یثمن قیمه الهدی طعاماً ثم یصوم لکل مد یوماً . .. .

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۵ روزه کفاره شکار در حال احرام ، بیش از شصت روز نیست ، اگر چه معادل خوراکی آن ، از شصت تجاوز کند .

او عدل ذلک صیاماً

از امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. <ثم یصوم لکل مد یوماً فاذا زادت الامداد علی شهرین فلیس علیه اکثر منه.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۶، ح ۳; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۷، ح ۳۸۱.

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار

الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

۲۷ کفّاره صید در حال احرام ، قربانی و در صورت ناتوانی از آن ، انفاق قیمت آن و در حال عدم تمکن از قیمت ، روزه می باشد .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

از امام صادع(ع) در توضیح آیه فوق روایت شده: من اصاب صیداً وهو محرم فاصاب جزاء مثله من النعم اهداه و ان لم یجد هدیاً کان علیه ان یتصدق بثمنه واما قوله < اوعدل ذلک صیاماً > یعنی عدل الکفاره اذا لم یجد الفدیه ولم یجد الثمن.

دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حلّ تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۷; بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۶۱، ح ۶۵.

کفّاره صید در حرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴،۵،۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲،۱۳،۱۴

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن

حذف شده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذو است مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

۹ اطراف کعبه ، تنها مکان مجاز برای قربانی کردن کفاره صید

هدیاً بلغ الکعبه

برداشت فوق را فرمایش منقول از امام صادق(ع) تأیید می کند که فرمود: من وجب علیه هدی فی احرامه فله ان ینحره حیث شاء الا فداء الصید فان اللّه یقول <هدیاً بالغ الکعبه>.

کافی، ج ۴، ص ۳۸۴، ح ۲; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۰ قربانی ، اطعام مساکین و روزه ، کفارات تخییری در کشتن صید در حرم و نیز در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل

ذلک صیاماً

مؤید برداشت فوق فرمایش منقول از امام صادق(ع) است که فرمود: . .. و کل شـیء من القرآن <او> فصاحبه بالخیار ما یشاء ... دو روایت مدرک برداشت شماره ۱۰ و ۲۷ با هم معارض و حل تعارض بین آن دو موکول به اجتهاد است.

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۰۴، ح ۱۴.

۱۱ تهیه غذا برای مساکین ، بایستی در حد قیمت شکار صید شده باشد

او کفره طعام مسکین

برداشت فوق بر این اساس است که <کفّره> خبر برای مبتدای محذوف (هی) باشد بر این مبنا جمله <هی کفاره> عطف بر محل <من النعم> می شود و در حقیقت وصف و توضیحی دیگر است برای <جزاء مثل ما قتل> یعنی بر عهده شکار کننده سزایی است همسان با شکار، که باید به عنوان کفاره و بصورت طعام به مساکین داده شود.

۱۲ تعداد روزه در کفاره صید ، بایستی به تعداد مساکین در آن کفاره باشد .

او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

در برداشت قبل روشن شد که قیمت شکار، به صورت غذا به مساکین پرداخت می شود بر این اساس معنای <او عدل ذلک صیاماً> این است که اگر مکلف روزه، را به عنوان کفاره برگزید باید حساب کند که به طور معمول چند مسکین را می توان با قیمت شکار اطعام کرد، به همان تعداد باید روزه بگیرد. امام باقر(ع) درباره آیه فوق فرمود: ... فان لم یکن عنده فلیصم بقدر ما بلغ لکل مسکین یوماً.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۲، ح ۹۷، ب ۲۵; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۵۰۳، ح ۳.

۱۳ ارزش

والاتر قربانی بر اطعام مساکین ، و اطعام مساکین بر روزه ، در کفاره صید .

فجزاء مثل ما قتل من النعم . .. او کفره طعام مسکین او عدل ذلک صیاماً

برداشت فوق از تقدیم ذکری قربانی بر اطعام و تقدیم اطعام بر روزه استفاده شده است.

۱۴ چشیدن آزار و اذیت ، هدف از تشریع کفّارات صید از سوی خداوند

کفره طعام مسکین . .. لیذوق و بال امره

کفّاره صید شتر مرغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره صید گاو وحشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۲۶

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

کفّاره گناه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۲۴

۲۴ باز بودن راه جبران کوتاهی ها و پوشانیدن گناه ، نعمتی الهی و مستلزم سپاسگزاری

ذلک کفّره ایمنکم . .. کذلک یبین اللّه لکم ءایته لعلکم تشکرون

از مصادیق مورد نظر برای کلمه <آیات> لزوم کفاره برای زدودن گناه حنث سوگند است.

کفّاره مرتبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱،۵،۱۴

۱ - ظهارکننده ، در صورتی که آزاد کردن بنده برایش مقدور نباشد ، باید دو ماه روزه بگیرد .

فمن لم یجد فصیام شهرین

۵ - در صورتی که گرفتن روزه برای ظهارکننده مقدور نباشد ، باید شصت مسکین را اطعام کند .

فمن لم یستطع فإطعام ستّین مسکینًا

۱۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله عزّوجلّ . . . < و من لم یستطع فإطعام ستّین مسکیناً > قال : من مرض أو عطاش ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ . ..<و من لم یستطع فإطعام ستّین مسکیناً> روایت شده که فرمود: [مراد، عدم استطاعت بر صوم]، ناشی از مرض یا بیماری تشنگی است>.

گاو در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴،۸،۲۶

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف

شـده است یعنی علیه جزاء و کلمه <مثـل> صـفت <جزاء> می باشـد و مراد از آن می توانـد همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

گوسفند در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۴،۸،۲۶

۴ جریمه و سزای کشتن شکار ، قربانی کردن دام اهلی (شتر ، گاو و گوسفند) همانند آن شکار است .

و من قتله . . فجزاء مثل ما قتل من النعم

<نعم> مفرد کلمه انعام است و به شتر و گاو گوسفند گفته می شود. <جزاء> مبتدائی است که خبر آن حذف شده است یعنی علیه جزاء

و کلمه <مثل> صفت <جزاء> می باشد و مراد از آن می تواند همگونی در جنس و وزن و یا همانندی در قیمت باشد. <من النعم> صفت و یا حال برای <جزاء> است. امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵.

۸ جریمه و سزای شکار در حال احرام و یا در حرم مکه (شتر ، گاو و یا گوسفند) باید به آستان کعبه تقدیم شود .

فجزاء مثل ما قتل . .. هدیاً بلغ الکعبه

۲۶ شتر ، کفّاره شکار شتر مرغ ، گاو ، کفاره شکار الاغ وحشی گوسفند ، کفاره شکار آهو و گاو کفاره گاو وحشی در حال احرام

فجزاء مثل ما قتل من النعم

امام صادق(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: فی النعامه بدنه و فی حمار وحش بقره و فی الظبی شاه و فی البقره بقره.

تهذیب شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۴۱، ح ۹۴، ب ۲۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۷۳، ح ۳۶۷.

مرجع تشخیص کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۵ - ۵

۵ نظر و گواهی دو مرد مسلمان عادل ، مرجع تشخیص همسانی صید با جریمه و کفاره آن

یحکم به ذوا عدل منکم

ضمیر در <به> به <مثل> بر می گردد از کلمه <ذوا> که تثنیه ذو است مرد بودن و دو نفر بودن به دست می آید و از <منکم> مسلمان بودن آنها معلوم می شود.

کفارات

{کفارات}

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۱۹۶ – ۱۰،۱۴،۲۹،۴۰

۱۰ روزه یا صدقه و یا قربانی ، فدیه (کفاره) تراشیدن سر قبل از قربانی ، برای مُحرِم معذور

فمن کان منکم . .. ففدیه من صیام او صدقه او نُسُک

۱۴ وجوب روزه به مدّت سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت (ده روز کامل) ، برای فاقد قربانی

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام فی الحج و سبعه . .. تلک عشره کامله

۲۹ کفاره تراشیدن سر قبل از قربانی ، سه روز روزه و یا صدقه به شش مسکین و یا قربانی کردن یک گوسفند است .

فمن کان منکم مریضاً . .. او صدقه او نسک

امام صادق (ع): . .. و جعل الصیام ثلاثه ایام و الصدقه علی ستّه مساکین لکل مسکین مدّین و النّسک شاه ...

کافی، ج ۴، ص ۳۵۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۱۸۷، ح ۶۶۴ و ۶۶۶.

۴۰ در صورت مشکل بودن روزه ، کفاره تراشیدن اضطراری سر در حج ، صدقه است .

ففدیه من صیام او صدقه او نسک

امام رضا (ع) درباره آیه فوق فرمود: فاقام الصّدقه مقام الصیام اذا عسر علیه

عیون اخبار الرضا(ع)، ج ۲، ص ۱۱۸، ح ۱ ; علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۷۱، ح ۹، باب ۱۸۲.

احکام کفارات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۲ – ۶،۱۲،۱۵

۶ کفّاره کشتن مؤمن از روی خطا ، آزاد کردن یک برده با ایمان است .

و من قتل مؤمنا خطاً فتحریر رقبه مؤمنه

۱۲ در قتل خطائی ، اگر

مقتول ، مؤمن باشد ، ولی خانواده اش از دشمنان مسلمانان ، کفّاره اش تنها آزادسازی برده ای با ایمان است .

فان کان من قوم عدوّلکم و هو مؤمن فتحریر رقبه مؤمنه

۱۵ در قتل خطائی ، اگر مقتول ، مؤمن و خانواده اش از کافران همپیمان با مسلمانان باشند ، کفّاره آن آزادسازی یک برده با ایمان است .

و ان کان من قوم بینکم و بینهم میثاق فدیه مسلّمه الی اهله و تحریر رقبه مؤمنه

ظاهراً مراد از ضمیر در <کان>، مقتول است، شرط ایمان در برده ای که باید آزاد شود، این معنا را تقویت می کند.

فلسفه کفارات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۲ - ۳۰

۳۰ تشریع قانون دیه و کفّاره در مورد قتل خطائی ، بر اساس علم و حکمت گسترده خداوند است .

و من قتل مؤمناً خطأً . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

کفالت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

احکام کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱

۱ هیچکس حتی خویشاوندان و اولیا ، حق جلوگیری از ازدواج زن با شوهر سابق یا دیگری را پس ازانقضای عِدّه ندارد .

و اذا طلّقتم النساء فبلغن اجلهنّ فلا تعضلوهنّ ان ینکحن ازواجهنّ

<فبلغن اجلهنّ> در این آیه به معنای پایان مدّت عدّه است; به قرینه <ان ینکحن>. چون پس از انقضای عدّه، زن می تواند ازدواج کند; نه قبل از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۹

۱۹ لزوم رعایت عدالت از سوی اولیا

و سرپرستان ، در شؤون افراد تحت ولایت خود

فلیملل ولیّه بالعدل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ; بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <أنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء ...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

تاریخ کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

عدالت در کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۹،۲۰

۱۹ لزوم رعایت عدالت از سوی اولیا و سرپرستان ، در شؤون افراد تحت ولایت خود

فلیملل ولیّه بالعدل

۲۰ نفوذ املا و اعمالِ ولایتِ ولیّ ، در صورت رعایت عدالت از سوی وی

فلیملل ولیّه بالعدل

عقد کفالت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۱۴

۱۴

ضمان و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ; بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <أنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء ...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

کفالت بر سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولیّ و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً . .. فلیملل ولیّه بالعدل

کفالت بر ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۸

۱۸ سفیهان و ناتوانان ، نیازمند ولیّ و سرپرست در مناسبات اجتماعی خویش هستند .

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً . .. فلیملل ولیّه بالعدل

کفالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۱ - ۷

۷- عهد بستن با خدا و سوگند خوردن به او ، در حقیقت ضامن و کفیل گرفتن خداوند بر خویش است .

و أوفوا بعهد الله . .. و قد جعلتم الله عليكم

کفیلًا

کفالت در دوران یوسف (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۹

۱۹ جعاله ، ضمان و کفالت ، قراردادهایی مرسوم در عصر یوسف (ع)

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

کفالت سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵ - ۵

۵ اموال سفیه ، باید در اختیار ولیّ او باشد .

و لا تؤتوا السّفهاء اموالکم

جمله <لا تؤتوا . .. > (اموال را به سفیهان نپردازید)، فرض را بر این قرار داده که اموال آنان باید در اختیار دیگری باشد، و چون مخاطبان آیه در مورد یکایک سفیهان نمی تواند همه مسلمانان باشد، به نظر می رسد خطاب متوجّه ولیّ سفیه است.

کفالت مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۱۱،۱۳،۱۵،۱۹

۱۱ زکریا ، عهده دار سرپرستی مریم (س) ، از جانب خدا

و کفّلها زکریا

<کفّل>، دو مفولی است; بنابراین معنای <کفّلها زکریّا>، چنین می شود: جعل اللّه زکریا کفیلا لمریم.

۱۳ نقش سرپرستی حضرت زکریا ، در رشد و تعالی معنوی مریم (س)

و انبتها نباتاً حسناً و كفّلها زكريا

تصـريح خداونـد به سپردن كفـالت مريم به زكريا پس از <انبتها . .. >، بيانگر ارتباط ميان رشـد معنوى مريم و كفالت زكريا است.

۱۵ خداوند ، مريم را به رشد جسمى شايسته اى رسانيد و سپس زكريا را كفيل او قرار داد .

و انبتها نباتاً حسناً و كفّلها زكريا

بنابراينكه مراد از <انبات> (رشد دادن) رشد و پرورش

جسمی نیز باشد، گفتنی است که تقدیم <انبتها> بر <کفّلها>، می تواند بیانگر این نکته باشد که سپردن کفالت مریم به زکریا پس از رشد جسمانی او بوده است.

۱۹ نظارت همه جانبه و دقیق حضرت زکریا بر زندگی مریم (س)

کلما دخل علیها . .. قال یا مریم انّی لک هذا

زیرا حضرت زکریا حتی نسبت به غذای او که از کجا آمده است، توجه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۴ - ۷،۸،۹،۱۲،۱۳

۷ نزاع میان سران کنیسه در سرپرستی مریم ، و روی آوردن آنان به قرعه برای تعیین سرپرست

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم . .. اذ یختصمون

۸ شگفتی سرگذشت نزاع میان سران کنیسه ، در مورد سرپرستی مریم و توسل آنان به قرعه *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم و ما کنت لدیهم اذ یختصمون

به نظر می رسد تکرار <ما کنت لدیهم>، اشاره به شگفتی جریان نزاع باشد.

۹ شخصیّت والای معنوی مریم ، مایه رقابت سران کنیسه در سرپرستی او *

و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم . .. اذ یختصمون

ظاهراً نزاع افراد برای به دست آوردن سرپرستی حضرت مریم بوده است و نه به عهده دیگری گذاشتن

۱۲ انجام قرعه کشی بین شش نفر ، برای تعیین سرپرست مریم (س)

وما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

امام باقر (ع): اول من سوهم علیه مریم بنت عمران و هو قول اللّه عزّ و جل <و ما کنت لدیهم اذ یلقون اقلامهم ایهم یکفل مریم> و السهام سته.

من لا

یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۱، ح ۱، ب ۳۸ ; خصال صدوق، ص ۱۵۶، ح ۱۹۸، باب الثلاثه.

۱۳ قرعه کشی برای تعیین سرپرست مریم ، به هنگام درگذشت پدر وی

اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم

امام باقر (ع): . .. <اذ یلقون اقلامهم ایّهم یکفل مریم> حین أیتمت من ابیها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۷۳، ح ۴۷ ; بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۹۲، ح ۲.

کفالت یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۷،۲۰،۲۱

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

۲۰ جواز بهره گیری سرپرست یتیم از دارایی وی ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام صادق (ع) در مورد آیه فوق فرمود: المعروف هو القوت و انما عنی الوصّی او القیّم فی اموالهم و ما یصلحهم.

کافی، ج ۵، ص ۱۳۰، ح ۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۴۶، ح ۶۷.

۲۱ جواز برداشت سرپرست یتیم از دارایی وی به عنوان قرض ، در صورت نیاز ضروری به آن

فلیاکل بالمعروف

امام باقر (ع) در مورد آیه فوق فرمود: معناه من کان فقیراً فلیأخذ من مال الیتیم قدر الحاجه و الکفایه علی جهه القرض ثم یردّ

عليه ما أخذ اذا وجد.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۱۷ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۴۵، ح ۲۰.

مشروعیت کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱۴

۱۴ ضمان

و کفالت ، از قرارداد های مشروع و دارای اعتبار قانونی است .

و أنا به زعیم

<ضمان> در اصطلاح به معنای تعهد پرداخت مال به طلبکار از جانب بدهکار است. تعهد کننده را <ضامن> ; بدهکار را <مضمون عنه> و طلبکار را <مضمون له> می نامند و <کفالت> در اصطلاح تعهد به احضار شخصی است برای کسی که حقی بر گردن آن شخص دارد و تعهد کننده را کفیل می نامند. چنان چه ضمیر غائب در <أنا به زعیم> به <حمل بعیر> باز گردد، مراد از <زعیم> (متعهد) ضامن می باشد و اگر ضمیر در <به> به گوینده <لمن جاء ...> (یعنی جاعل) باز گردد، مقصود از <زعیم> کفیل خواهد بود.

نظارت در کفالت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۷ - ۲۰

۲۰ مطلوبیت نظارت همه جانبه بر شخص تحت تکفل ، پس از پذیرش سرپرستی و کفالت وی

و کفّلها زکریّا کلما دخل علیها زکریا . .. قال یا مریم انّی لک هذا

از چگونگی برخورد زکریا با مریم (س)، مطلب فوق استفاده شده است.

کفیل

اختیارات کفیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۷ - ۵

۵ اختیار ازدواج زن در صورتی که شرعاً دارای ولیّ باشد با ولیّ اوست .

الّذی بیده عقده النکاح

بنابراینکه مراد از کلمه <الذی>، ولیّ زن باشد و این ولیّ، توصیف شده به اینکه نکاح به دست اوست.

کفیل سفیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۶

۱۶ وجوب املای اسناد دین و

مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

کفیل ضعفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۲ - ۱۶

۱۶ وجوب املای اسناد دین و مبادلات نسیه ای با رعایت عدالت ، از سوی ولیّ مدیونِ سفیه یا ضعیف و یا ناتوان از املای اسناد

فان کان الّذی علیه الحقّ سفیهاً او ضعیفاً او لا یستطیع ان یملّ هو فلیملل ولیّه ب

کفیل مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۸ - ۱۳

۱۳ خداوند ، پیامبر (ص) را کفیل و قیّم ایمان و کفر مردم قرار نداده است .

فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها و ما أنا علیکم بوکیل

<وکیل> به معنای قیّم و کفیل است (لسان العرب).

کفایت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفایت حمایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۵ - ۷

۷- خداوند ، برای همگان کارساز و حامی کافی است و جز او به کسی نیازی نیست .

و کفی بربّک وکیلًا

کفایت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۶ - ۱

۱ - خداوند ، کفایت کننده امور بندگان و بی نیازکننده آنان از دیگران است .

ألیس اللّه بکاف عبده

<کافی> به کسی گفته می شود که با وجود او، از دیگران بی نیازی حاصل می شود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۸ - ۱۵،۱۶

۱۵ - خداوند ، کفایت کننده امور پیامبر (ص) و مواضع او در برابر دشمنان

قل حسبی اللّه

<حَسْبُ> به معنای <کفایت> است. مقصود از کفایت خداوند که به فرمان اعلام به مردم (قل) همراه شده اعلام حمایت خداوند از پیامبر(ص) و دفع شرّ و توطئه دشمنان از آن حضرت است.

۱۶ - خداوند ، شایسته ترین کفایت کننده تمامی امور بندگان و دفع کننده هر نوع شر دشمنان از آنان است .

قل حسبی اللّه

حذف متعلق <حسبی>; یعنی، ذکر نشدن موارد کفایت، دلالت بر عموم و توسعه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۳ - ۴

۴ - خداوند ، کفایت کننده امور متوکلان و بی نیازکننده آنان است .

و من یتوکّل علی اللّه فهو حسبه

کفایت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۱

۱- معارف قرآن ، برای هدایت و سعادت قوم عبادتگر خدا ، کافی و بسنده است .

إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به قرآن و مجموعه مطالب این سوره باشد. و <بلاغ> به معنای کفایت باشد (لسان العرب).

کفایت گواهی خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۳ – ۶

۶ گواهی خداوند بر هر امری در اثبات آن کافی و تمام است .

قل کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷

۲- خداوند ، گواه و ناظری کافی میان پیامبر (ص) و مشرکان

کفی بالله شهیدًا بینی و بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، موظف بود که کفایت گواهی خداوند را میان او و معجزه خواهان کافر ابلاغ کند .

قل کفی باللّه بینی و بینکم شهیدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۱۰

۱۰- خداوند ، شاهدی کافی برای داوری میان حق و باطل

قل . .. کفی به شهیدًا بینی و بینکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر الغای خصوصیت از مورد آیه است.

کفایت گواهی عالمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ شهادت و گواهی عالمان به قرآن ، بر حقانیّت رسالت پیامبر (ص) در اثبات آن کافی و تمام است .

کفی بالله . .. و من عنده علم الکتب

<من عنده . ..> عطف بر <الله> است و در حقیقت فاعل برای <کفی> می باشد ; یعنی: <کفی بمن عنده علم الکتاب شهیدًا>.

کفایت نصرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یاوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

کفایت وکالت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳ - ۵

۵ - خداوند ، وکیل

و کارسازی کفایت کننده ، برای توکل کنندگان است .

و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۸ - ۱۳،۱۴

۱۳ - خداوند ، کارساز و وکیلی کفایت کننده است .

و کفی باللّه وکیلًا

۱۴ - کفایت کنندگی و کارسازی خداوند ، دلیل وجوب توکل بر او در همه امور است .

و توکّل علی اللّه و کفی باللّه وکیلًا

کفایت هدایتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۱ - ۳

۳ خداوند بی مدد دیگران ، یاوری کافی برای انسان در زندگی و تأمین کننده نیاز های هدایتی او

و کفی بربّک هادیًا و نصیرًا

کفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶ - ۱۲

۱۲ اختیار کافران در انتخاب کفر خارج از مشیّت الهی نیست .

انّ الّذین کفروا . .. و اللّه عزیز ... هو الّذی یصوّرکم فی الارحام کیف یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۹ – ۱۲

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درک حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف . .. و من یکفر بایات اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۰ – ۶

۶ ناسازگاری تسلیم در برابر خدا ، با کفر (اعتقاد به ربوبیّت غیر خدا)

ایأمرکم بالکفر بعد اذ انتم مسلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل

عمران - ۳ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ ترک حج ، با وجود استطاعت (توان رفتن به خانه خدا) ، کفر است .

و للّه علی الناس . .. و من کفر فانّ اللّه غنیّ عن العالمین

برداشت فوق را روایت امام صادق (ع) تأیید می کند که فرمود: و من ترک فقد کفر، و نیز فرمود: و لم لا-یکفر و قد ترک شریعه من شرایع الاسلام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۹۰، ح ۱۰۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۰۳، ح ۱۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۸

۸ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، کفر و ارتداد است . *

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا . .. اکفرتم بعد ایمانکم

ارتداد (اکفرتم . ..)، به قرینه آیه قبل، می تواند همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتحاد آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱،۱۶،۱۸،۲۰

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدّی و تجاوز مداوم ،

موجب کفر به آیات الهی

بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ ذلک بما عصوا و کانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

۲۰ هشدار خداوند به پرهیز از گناه ، تجاوز و کفر به آیات الهی

ذلک بانّهم کانوا یکفرون . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بیان علت ذلّتها و گرفتاریهای یهود، هشداری است به تمام مرتکبین گناه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا ، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلک بانّهم کانوا یکفرون . .. لیسوا سوآءً من اهل الکتب ... و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۴

۴ رباخواران ، هر چند مدّعی ایمان باشند ، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند .

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

مقتضای جمع میان خطاب <یا ایّها الّذین آمنوا لا تاکلوا الرّبوآ . .. > و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای کافران، قرار دادن رباخواران مدّعی ایمان است به منزله کافران.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱،۲،۱۳

۱ علاقه وافر پیامبر (ص) به هدایت یافتن مردم و اندوه و تأسف عمیق وی از شتاب برخی از مردم در کفر

و

لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

۲ توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اندوهگین نشدن از شتاب برخی مردم در کفر

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

۱۳ کفرورزی کافران ، بیرون از اراده الهی نیست .

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا ی

جمله <یرید اللّه . .. >، بیان دلیلی است برای <لن یضرّوا اللّه>; یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زند و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست; زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیّت از بهره های آخرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۱۳

۱۳ ایمان و کفر (پاکی و ناپاکی) انسان ها از امور غیبی

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

چنانچه مراد از <الغیب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البتّه این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغیب>، عهد باشد; یعنی خصوص کفر و ایمان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۱۳،۲۱

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص

)

الّذين قالوا . .. فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جمله <فلم قتلتموهم . .. >، می رساند كه پيشنهاد آنان برای ايمان آوردن، بهانه ای بيش نبوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت كنندگان از شرك و كفر *

فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم . .. لاكفّرنّ عنهم سيّاتهم و لادخلنّهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرينه ادامه آيه (اخرجوا من ديارهم)، هجرتی است كه رانده شدن از خانه و كاشانه را در پی داشته باشد. و اين هجرت همان ترك شرك و كفر است.

آثار اجتناب از كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۳ - ۳

۳ - ايمان به قرآن و پيامبر (ص) و پرهيز از كفر ورزی به آنها ، وسيله محافظت در برابر مخاطرات و عذاب های روز قيامت است .

أولئك يؤمنون به و من يكفر به . .. و اتقوا يوماً

فرمان به گرفتن وقايه (وسيله محافظت)، پس از ترغيب به ايمان (أولئك يؤمنون به) و هشدار از كفرورزی (و من يكفر . ..) می رساند كه: وقايه انسان در روز قيامت، ايمان به قرآن و پيامبر(ص) و پرهيز از كفرورزی به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۲۲

۲۲ ايمان به خدا و آخرت و اعراض از كفر حاكم بر جامعه ، زمينه ساز پديد آمدن علم و بصيرتی ويژه در آدمی

ذلكما مما علمنی

ربی إنی ترکت ملّه قوم . .. هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۶ – ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۵ – ۲

۲ آنان که از شرک بپرهیزند و از استهزای پیامبران و از کفر به ایشان حذر کنند ، به بهشت خواهند رفت .

مثل الجنه التی وعد المتقون . .. تلک عقبی الذین اتقوا

مقصود اولی از <متقون> و <الذین اتقوا> به قرینه آیات گذشته کسانی اند که از شرک ، استهزای پیامبران و کفر به آنان حذر کنند.

آثار اخروی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۱

۱ – آنان که با کفر به پروردگار خویش ، در قیامت حاضر شوند ، بی تردید اهل دوزخ خواهند بود .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

<جرم> در این آیه به قرینه آیه بعد به معنای کفر است; زیرا در آیه بعد آمده است: <و من یأته مؤمن اً> . ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۴

۲ - پیامد های ناگوار کفر کافران ، در قیامت تنها ، متوجّه خود آنان است .

یومئذ یصّدّعون . من کفر فعلیه کفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۷ - ۴

۴ - کفر و تکذیب ، موجب ابتلا به سختی و اندوه توان سوز و طاقت فرسا در روز محشر

فکیف تتّقون إن کفرتم یومًا یجعل الولدن شیبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۴۲ - ۲،۳

۲ - کفرپیشگی و ارتکاب گناه ، مایه تغییراتی ناخوشایند در چهره انسان ، هنگام حضور در صحنه قیامت

علیها غبره . ترهقها قتره . أولئک هم الکفره الفجره

تعبیر <علیها> و <ترهقها>، حاکی از عارض شدن تیرگی بر چهره کافران است; به گونه ای که اگر کفر و گناه نبود، چهره اصلی انسان نمایان می شد. این چهره در آیات پیشین، به درخشان و خندان بودن توصیف شده بود.

۳ - گرفتاری به آثار کفر و گناه در قیامت ، فرصت هرگونه یاری رسانی به دیگران حتی نزدیک ترین خویشاوندان را از کافران و گنه کاران سلب خواهد کرد .

یوم یفرّ المرء . .. لکلّ امریء منهم یومئذ شأن یغنیه ... أولئک هم الکفره الفجره

آثار استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۳

۳ - استهزا و تبلیغات سوء و مغرضانه سران کفر و شرک علیه اسلام ، بسیار شدید و موجب دل آزردگی پیامبر (ص) بود .

اصبر علی ما یقولون

از این که پیامبر(ص) به صبر و شکیبایی

توصیه شده است با آن که آن حضرت شخصیتی بزرگ و دارای سعه صدر بود می توان برداشت یاد شده را به دست آورد.

آثار اصرار بر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۵ – ۲

۲ اصرار بر کفر و شرک از سر حق ستیزی، موجب افکنده شدن حجاب بر دل و سنگینی بر گوش آدمی است.

و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرا

<اصرار> و <حق ستیزی> از جملات دیگر آیه، مانند <کل ءایه . .. > و <یجادلونک ... >، استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۲ – ۷

۷ اصرار قوم عاد بر کفر و امید نرفتن به ایمانشان ، عامل نزول عذاب و هلاکت آنان

و قطعنا دابر الذین کذبوا بایتنا و ما کانوا مؤمنین

چون تکذیب آیات الهی ملازم با عدم ایمان، بلکه برخاسته از بی ایمانی است، می توان گفت جمله <ما کانوا مؤمنین> یا اشاره به این معنا دارد که تکذیب کنندگانِ هلاک شده اهل ایمان نبودند و توفیق گرایش به توحید به طور کلی از آنان سلب شده بود، و یا اشاره به طایفه ای دیگر غیر از تکذیب کنندگان دارد. یعنی کسانی که تکذیب نکردند، ایمان نیز نیاوردند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۵ – ۱

۱ حق ناپذیری و پافشاری بر کفر ، موجب از میان رفتن توفیق آدمی برای ایمان به آیات الهی است .

الذین

کفروا فهم لایؤمنون

با توجه به فعل مضارع <لا یؤمنون> که دلالت بر استمرار دارد، جلمه <هم لا یؤمنون> به این معناست که آنان ایمان نخواهند آورد. و چون این جمله به وسیله <فاء> بر جمله <کفروا> عطف شده، دلالت می کند که سلب توفیق ایمان از آنها بر اثر کفرورزی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۶ - ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۴

۱۴ استمرار و پافشاری بر کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناك دوزخ است .

و الذین کفروا لهم . .. عذاب ألیم بما کانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۶

۶ استمرار و پافشاری بر شرك و کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب شدید در قیامت است .

ثم نذیقهم العذاب الشدید بما کانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ -

۳ اصرار بر کفر و انکار پیامبران و معارف الهی ، موجب از دست دادن شایستگی برای ایمان و هدایت است .

ینوح قد جدلتنا فأكثرت جدلنا فأتنا بما تعدنا . .. لن يؤمن من قومك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۸ – ۲

۲ خداوند ، در پی اصرار قوم عاد بر کفر و شرک ، عذابی سخت و سهمگین بر آنان نازل کرد .

و لما جاء أمرنا . .. و نجّينهم من عذاب غليظ

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم عاد است. <عذاب غلیظ> در ذیل آیه بنابر یک احتمال، یعنی دنیوی بودن عذاب دلالت بر سهمگینی عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۱۰ – ۳

۳ اصرار کفرپیشگان بر تکذیب پیامبران و عناد و لجاجت آنان ، موجب یأس پیامبران از موفقیّت خویش و ایمان آوردن قومشان

حتّى إذا استيئس الرسل

متعلق <استیئس> ایمان آوردن مردم و موفقیت پیامبران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲ – ۷

۷– کافرانِ به قرآن و کافرانی که تصمیم به ماندن در ظلمت ها گرفته اند ، فرجامی بس ناگوار دارند و در عذابی سخت گرفتار خواهند شد .

و ويل للكفرين من عذاب شديد

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که مراد از کافران در این آیه، به قرینهء آیه قبل، کسانی هستند که کتاب خدا را

نپذیرفتند و از ظلمتها خارج نشدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱۶ - ۱۰۴ - ۱

۱- کسانی که بر کفر اصرار ورزیده و از سر لجاجت حق را نمی پذیرند ، محروم از هدایت الهی اند .

إن الذین لایؤمنون بأیت الله لایهدیهم الله

فعل مضارع <لایؤمنون> دلالت بر استمرار دارد و با توجه به اینکه قرآن به زبان روشن و فصیح نازل گردیده است، ولی در عین حال کافران به آن ایمان نیاورده اند، می تواند لجاجت و روح حق ناپذیری آنان را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۵ - ۴

۴ - اصرار بر کفر و تکذیب آیات الهی ، در پی دارنده عذاب ابدی دوزخ

فی جهنّم خلدون . .. ألم تکن ءایتی تتلی علیکم فکنتم بها تکذّبون

جمله <کنتم بها تکذّبون> ماضی استمراری و بیانگر پافشاری کافران بر کفر و تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و

ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۷۴ – ۶

۶ – اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۰ – ۷

۷ – اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و فساد ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأخذهم عذاب يوم الظلّه . .. و ما كان أكثرهم مؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۳ – ۴

۴ – کافرانِ منکرِ آیات الهی ، وعده پیامبر (ص) را بر عذاب ، در صورت تداوم کفر ، باور نداشتند .

و يستعجلونك بالعذاب

شتاب کافران در گرفتار شدن به عذاب، با وجود این که هیچ کسی، حتی کافر، علاقه و تمایل به عذاب ندارد، نشان می دهد که آنان، تعجیل در عذاب را، از ناباوری و یا استهزا می خواسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۴ – ۴

۴ – کافران منکر آیات الهی ، وعده پیامبر (ص) را بر عذاب ، در صورت تداوم کفر ، باور نداشتند .

يستعجلونك بالعذاب

شتاب کافران برای گرفتار شدن به عذاب، با توجّه به این که هیچ کسی، حتی کافر، علاقه و تمایل به عذاب ندارد، نشان می دهد که تعجیل آنان در عذاب، از ناباوری یا تمسخر بوده است.

آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۳

۳ - کفر مستمر ، سبب دوزخی شدن است .

اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

<باء> در <بما> برای سببیت و فعل مضارع <تکفرون> به ویژه با آمدن فعل <کنتم> بیانگر استمرار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۱

۱ - اصرار مستکبرانه بر کفر ، به رغم شنیدن آیات الهی ، در پی دارنده عذابی بس دردناک

یسمع ءایت اللّه . .. فبشّره بعذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۹

۹- کفر مستمر ، در پی دارنده عذاب حتمی

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

تعبیر <کنتم تکفرون> استمرار را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۸

۸ - اصرار و مداومت بر کفر و حق ناپذیری ، درپی دارنده عذاب آتش دوزخ

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

فعل <کنتم تعملون>، ماضی استمراری و بیانگر اصرار و مداومت شخص، بر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۳۳ – ۳

۳ – لجاجت و پافشاری بر کفر ، ریشه مبارزه کافران علیه قرآن

أم یقولون تقوّله بل لایؤمنون

آثار اقرار به کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۳

۳ رسمیت یافتن کفر فرد در جامعه اسلامی ، با سخنان و اقرار های زبانی وی

یحلفون باللّه ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا بعد إسلمهم

برداشت فوق بر

این اساس است که منافقان با نفی سخنان کفرآمیز از خویش، می خواهند خود را مسلمان نشان دهند و خداوند، برای بی اساس نشان دادن اقرار آنان، بر صدور سخنان کفرآمیز از ناحیه آنان، تأکید کرده است.

آثار برتری طلبی رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۳

۳– ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنّک أنت العزیز الکریم

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان بهوسیله وصف <العزیز الکریم>، می نمایاند که مجازات آنان، پیامد روحیه تکبرمنشانه و برتری جویانه ایشان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

آثار بهانه جویی رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۹ – ۴

۴ گمراهیِ گریز ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلّا إفک. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببیت و در <فلایستطیعون> تفسیریه است; یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

آثار تبری از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۷ – ۲۴

۲۴ – رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه إلیکم الکفر ... أولئک هم

الرشدون

آثار تداوم بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۴

۲۴ مداومت بر کفر موجب گرفتاری به عذاب دردناک قيامت می شود.

عذاب أليم بما كانوا يكفرون

آثار دشمنی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گريز ناپذير سران کفر و شرک ، پيامد برخورد های عناد آلود و بهانه جويانه آنان با قرآن و پيامبر (ص)

إن هذا إلاّ إفک. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببيت و در <فلايستطيعون> تفسيريه است; يعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پيامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و اين گمراهی، موجب نيافتن راهی برای گريز از آن گرديد.

آثار دعوت به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۴،۶

۴ - کفرورزی و نيز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإنسن اكفر فلمّا كفر . .. فكان عقبتهما أنّهما فى النار خلدَين فيها

۶ - کفرورزی و دعوت به آن ، از مصاديق ظلم

قال للإنسن اكفر فلمّا كفر . .. فكان عقبتهما أنّهما فى النار خلدَين فيها و ذلک

آثار شک رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبراسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ; نه در شایستگی پیامبر (ص) برای

رسالت .

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شکّ من ذکری

<بل> در جمله <بل هم فی شکّ من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

آثار شومی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۷

۷ - بیم دادن خداوند به بندگانش ، درباره پیامد شوم کفر و شرک و گرفتار شدن به آتش دوزخ

لهم من فوقهم ظلل من النار . .. ذلک یخوّف اللّه به عباده

آثار عدم تعقل در فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- ناخشنودی از دین و پیام های الهی ، معلول نیندیشیدن به عاقبت کفر و کافران *

کرهوا ما أنزل اللّه . .. أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا

از ارتباط <أفلم یسیروا> با <کرهوا ماأنزل اللّه>، می توان استفاده کرد که اگر کافران عصر بعثت به فرجام شوم پیشینیان کافر می اندیشیدند، این چنین از پیام های دین، گریزان و ناخشنود نبودند.

آثار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۶

۶ - برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱

- بقره - ۲ - ۲۴ - ۸

۸ - آتش دوزخ ، مهیّا شده برای کفرپیشگان

أعدّت للکفرین

اعداد (مصدر اعدت) به معنای حاضر کردن و مهیّا ساختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۸ - ۵،۶

۵ - کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله <لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۹

۹ - فقدان ایمان ، از علل پایبند نبودن آدمی به عهد ها و پیمان های الهی است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۴ – ۱۴

۱۴ – یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین

عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۱ – ۱

۱ – کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۲ – ۳

۳ کفر ، زمینه اصیل پنداشتن زندگی دنیا و ارزش های مادی

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۳ – ۱۷

۱۷ ایمان و کفر ، محورِ طبقه بندیِ افرادِ جامعه

فمنهم من امن و منهم من کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۹،۱۴

۹ کفر ، زمینه ساز سرپرستی و حاکمیّت طاغوت و انحراف از نور به ظلمتها

و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت یخرجونهم من النّور الی الظّلمات

۱۴ اتحاد اهل ایمان به علّت ولایت واحد الهی و تشتت صفوف اهل کفر ، به لحاظ حاکمیّت اولیای متعدد طاغوتی بر آنان

اللّه ولیّ الّذین امنوا . .. و الّذین کفروا اولیاؤهم الطّاغوت

چون مؤمنان از یک <ولی> برخوردارنـد، پس به وحـدت می رسـند، و در مقابل، کافران دارای اولیایی متعددنـد و در نتیجه

متشتت خواهند شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۸ – ۲۶،۲۷

۲۶ کفر همراه با عناد و ایستادگی در برابر حق ، ستمگری است .

فبهت الّذی کفر و اللّه لا

یهدی القوم الظّالمین

۲۷ کفر و ستمگری ، مانع پذیرش حقّ و خضوع در برابر دلایل روشن آن

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۷ – ۱۲

۱۲ کفر ، اعمال ناشایست ، ترک نماز و نداشتن ارتباط با خدا ، امتناع از پرداخت زکات و حقوق مالی ، موجب اضطراب و سلب آرامش درونی

انّ الّذین امنوا . .. و لا هم یحزنون

از مفهوم آیه برداشت شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوُقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردنِ آتش.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۲ – ۲،۴

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

۴ کافران در دنیا ، مغلوب مؤمنان و در آخرت ، مقهور خدا هستند . *

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۳

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱۰

۱۰ کفر ، و

نیز قتل انبیا و عدالتخواهان ، عامل محرومیّت از یاری شفاعت کنندگان

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

به نظر می رسد جمله <و ما لهم من ناصرین>، وجود یاری دهندگانی (شافعین) را برای جبران برخی اعمال فرض کرده است; و لیکن شامل اشخاص مذکور در آیه نمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۲ - ۹

۹ کفر ، عامل محرومیّت از محبّت الهی

فان تولّوا فانّ اللّه لا یحب الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۲

۲ کفر ، موجب عذاب دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم . .. فی الدنیا و الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۳،۱۰

۳ در قیامت ، کافران از اعمال صالح خویش ، بهره ای نمی برند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

چون پاداش الهی مشروط به توأم بودن ایمان و عمل صالح است، بنابراین عمل صالح بدون ایمان، پاداش الهی را در پی نخواهد داشت.

۱۰ کافران به عیسی (ع) (یهودیان) ، ظالم و محروم از محبّت خداوند هستند .

فاما الذین کفروا . .. و اللّه لا یحبّ الظالمین

از مصادیق مورد نظر از کلمه <الظالمین>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب

نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا . .. لا نفرّق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۶ - ۳

۳ یهود و نصارا ، محروم از هدایت ، به جهت انکار آگاهانه حقائیّت پیامبر (ص) با وجود دلایل روشن بر آن

کیف یهدی اللّه قوماً . .. و اللّه لا یهدی القوم الظالمین

آیه در مورد اهـل کتـاب نـازل شـده و آنـان بـا وجود شـهادت قبلی بر حقّـانیّت آن حضـرت، منکر حقّانیت وی شدنـد. (روح المعانی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۱،۲،۳،۴

۱ ازدیاد کفر مرتدّ (اصرار بر کفر) ، موجب محرومیّت او از پذیرش توبه

انّ الذین کفروا من بعد ایمانهم ثمّ ازدادوا کفراً لن تقبل توبتهم

۲ ارتداد و اصرار بر کفر ، موجب محرومیّت از هدایت خداوند

انّ الذین کفروا . .. لن تقبل توبتهم

۳ مرتدانی که پس از توبه به کفر بازگردند ، توبه مجدّدشان پذیرفته نخواهد شد . *

الا الذین تابوا . .. ان الذین کفروا ... لن تقبل توبتهم

به نظر می رسـد منظور از <ان الـذین> پس از <الاـ الـذین تابوا>، آن گروه مرتـدانی باشـند که توبه کردنـد و مجـدّداً کافر شدند.

۴ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، هرگز موفق به توبه نخواهند شد . *

انّ الذین کفروا . .. لن تقبل توبتهم

بنابراینکه جمله <لن تقبل>، کنایه از عدم توبه آنها باشد; یعنی توبه نخواهند کرد تا پذیرفته شود.

سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۱ – ۱

۱ کسی که در حال کفر بمیرد ، اگر به اندازه تمامی زمین برای رهایی خود طلا فدیه دهد ، پذیرفته نخواهد شد .

انّ الذین کفروا . .. و لو افتدی به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۰ – ۸

۸ بازگشت به کینه ها ، عداوت ها و دیگر ویژگی های جاهلیت پس از گرایش به اسلام ، نمودی از کفر

یردّوکم بعد ایمانکم کافرین

اوس و خزرج پس از تحریک یهود، کینه های گذشته را اظهار کردند و آماده جنگ شدند. این کینهورزی را آیه شریفه، گرایش به کفر قلمداد کرده است. (المیزان ج ۳).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۶

۶ کفر و ارتداد ، عامل روسیاهی و عذاب در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۸ – ۸

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم . .. و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۱

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به

غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۴،۱۱

۴ مال و اولاد (امکانات مادّی و انسانی) نمی تواند خلأ ناشی از بی ایمانی به خدا را در جبهه کفر ، جبران کند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

۱۱ کفر ، موجب جاودانگی در آتش دوزخ

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۷ - ۲،۶،۱۰

۲ کفر ، موجب محرومیّت آدمی از ثمره انفاقات (اعمال خیر) خویش

انّ الّذین کفروا . .. مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا ... فاهلکته

۶ کفر آدمی ، ظلم به خویشتن

انّ الذین کفروا حرث قوم ظلموا انفسهم . .. و ما ظلمهم اللّه و لکن انفسهم یظلمون

۱۰ بی ثمری انفاق (اعمال خیر) و دستاورد های اهل کفر ، ناشی از عملکرد آنان است و نه از جانب خداوند .

مثل ما ینفقون فی هذه الحیوه الدنیا کمثل ریح فیها صرّ اصابت حرث قوم . .. و ما ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۲،۱۴

۱۲ کفر و ارتداد و پشت کردن به خط رسالت انبیا ، حرکتی ارتجاعی و واپسگرایانه است .

و ما محمّد الّا رسول . .. افاین مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم

ارتداد و کفر افراد ، زیانی به خداوند نمی رساند .

و من ینقلب علی عقبیه فلن یضرّ اللّه شیئا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۹ - ۵،۸

۵ کفر ، ارتداد و عصیان بر خداوند ، حرکتی واپسگرایانه

ان تطیعوا . .. یردّوکم علی اعقابکم

۸ از دست دادن ارزش های اصیل ایمانی ، از پیامد های تبعیّت از کفرپیشگان

ان تطیعوا . ... فتنقلبوا خاسرین

از مصادیق روشن خسارت جامعه ایمانی، از دست دادن ارزشهای اسلامی و ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۱

۱۱ بازگشت ضرر کفرورزی کافران ، به خود ایشان

انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

جمله <یرید اللّه . .. >، دلالت بر جمله ای محذوف دارد: یعنی آنان به خدا ضرر نمی رسانند، بلکه به خود ضرر می رسانند; و آن، ضررِ محرومیّت از بهره اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۶،۱۰

۶ بازگشت ضرر انتخاب کفر ، به خود کافران

انّ الّذین اشتروا الکفر . .. لن یضرّوا اللّه شیئاً و لهم عذاب الیم

جمله <و لهم عذاب الیم>، دلالت دارد بر این که کافران با کفر خویش به خودشان ضرر می زنند ; چرا که به <عذاب الیم> گرفتار می شوند.

۱۰ کفر ، موجب گرفتاری به عذاب دردناک الهی

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران

- ۳ - ۱۷۸ - ۴،۸،۱۰

۴ کفر ، مانع انسان از شناخت نفع و ضرر حقیقی خود

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم

<الّذین کفروا>، اشاره به علیّت چنین پنداری است ; یعنی چون کافرند، این گونه می پندارند.

۸ بقای بر کفر ، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است ; بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

۱۰ کافران با کفر خویش ، حیات و عمر خود را تباه می سازند .

انّما نملی لهم لیزدادوا اثماً و لهم عذاب مهین

عمر طولانی اگر ثمری جز افزایش گناه و گرفتار شدن به عذاب الهی نداشته باشد، عمری تباه و سرمایه ای نابود شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۴،۶

۴ خداوند ، کسانی را که کافر از دنیا بروند ، نخواهد بخشید .

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند ، عذابی دردناک آماده کرده است .

و لیست التّوبه . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذين

يبخلون . .. و ماذا عليهم لو امنوا باللّه و اليوم الاخر و انفقوا

ضمير در <عليهم> به <الذين يبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۲۱

۲۱ كفر يهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرين الهی

من الذين هادوا . .. لعنهم اللّه بكفرهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳،۱۹،۱۷،۱۲،۱۰

۱۰ هشدار خداوند به اهل كتاب ، در مورد مسخ انسانيّت آنان در صورت ايمان نياوردن به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها او نلعنهم

<طمس> به معنای نابود كردن اثر چيزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نيز به دليل برگشت ضمير <هم> به آن، افراد انسان است ; البته به لحاظ شخصيّت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ايشان.

۱۲ انحراف فكر و انديشه و مسخ شخصيّت ، پيامد كفر به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اينكه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند كنايه از درك و فهم باشد.

۱۷ كافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی كه اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۹ سرگذشت اصحاب سَبت (مسخ شدن به ميمون) عبرت و اندرزی برای كافران به قرآن از اهل كتاب

او نلعنهم كما لعنّا اصحاب السَّبت

۲۳ ايمان نياوردن اهل كتاب به قرآن ، زمينه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً

فنردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فنردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۲

۲ ایمان به جبت و طاغوت (کفر و شرک) موجب لعن خداوند

الم تر . .. اولئک الّذین لعنهم اللّه و من یلعن اللّه فلن تجد له نصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ ارجاع ننمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۵

۵ ماندن در سیطره مشرکان و کافران و ترک هجرت ، ظلم به نفس است .

انّ الّذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنّا مستضعفین فی ال

بنابر اینکه توبیخ ملائکه بر اصل هجرت نکردن باشد، نه اینکه ترک هجرت باعث عمل نکردن به تکالیف الهی می شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۲ - ۲۸

۲۸ کفر ، زمینه ساز خواری و ذلت انسان

إنّ اللّه اعد للکفرین عذاباً مهیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۱ – ۱۳،۱۵،۲۰

۱۳

بی تقوایی و کافر شدن مردم ، هیچ ضرری را متوجه خداوند نخواهد کرد .

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض و کان اللّه غنیاً حمیداً

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

۲۰ خداوند ، حمید و در خور ستایش است ، چه مردم ایمان آورند و یا کافر شوند .

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۳ – ۵

۵ کفر و بی تقوایی ، زمینه هلاکت و انقراض ملتها

و إن تکفروا . .. ان یشأ یذهبکم ایها الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۶ – ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۷ – ۵

۵ ارتداد های مکرر و اصرار بر کفر ، در پی دارنده شقاوت ابدی و محرومیت از هدایت الهی است .

إنّ الذین ءامنوا ثم کفروا . .. لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم سبیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۸ – ۵

۵ ارتداد و ازدیاد کفر ، موجب گرفتار شدن

به عذاب دردناک

ءامنوا ثم کفروا . .. بشر المنفقین بانّ لهم عذاباً ألیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۷ – ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۱۱،۱۹

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۶ – ۷

۷ کفرورزی یهود با انکار رسالت حضرت مسیح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <بکفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آیه قبل باشد. بر این مبنا <بکفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۷

۱۷ کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناك قیامت

و أعتدنا للكفرين منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام

، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

از مصادیق مورد نظر برای <الـذین کفروا . ..> به قرینه آیات پیشـین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هسـتند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند ; و مراد از <سبیل اللّه> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۶

۶ کفرپیشگی و ستمگری گروهی از اهل کتاب مایه محرومیت آنان از مغفرت و هدایت الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

مصداق مورد نظر از <الذین کفروا و ظلموا> به دلیل آیات گذشته گروهی از اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۲،۵،۶

۲ کفر ، گرایش به ادیان باطل و انجام کردار های ناروا ، راهی است به سوی دوزخ .

و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم

برداشت فوق بر این اسـاس است که مراد از ظرف و زمان هـدایت در جمله <و لالیهـدیهم . ..> حیات دنیا باشـد ; بر این مبنا مقصود از هـدایت کـافران به راه جهنم، فراهم سـازی زمینه هـای کفرپیشـگی و اعمـال نـاروا برای آنـان است که سـرانجام آن دوزخ خواهد بود.

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

۶

کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵ – ۳۰

۳۰ کفر به احکام الهی ، موجب حبط عمل و زیان اخروی است .

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الأخره من الخسرین

منظور از <ایمان> می توانـد به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم است، مراد از آن معارف، به قرینه فرازهای پیشین آیه، احکام دینی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۹،۳۰

۲۹ کفر ، پس از میثاق خداوند و بیان احکام از جانب او ، انحراف از راه میانه است .

و لقد اخذ اللّه میثق . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به جمله <لقد اخذ اللّه> و <قال اللّه . .. لئن اقمتم الصلوه ...>، گرفته شده است.

۳۰ کفر (شکستن پیمان خدا ، ترک نماز و . . .) پس از دریافت وعده بهشت و آمرزش گناهان ، ضلالت و انحراف است .

لاکفرن عنکم سیاتکم . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک>، جمله <لاکفرن . .. و لادخلنکم> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۳ – ۲

۲ کفر و

گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل . .. فبما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ اللّه . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۳،۳۸،۴۲،۴۳

۳۳ تعلق اراده الهی به عذاب و ضلالت آدمی ، پیامد کفرورزی ، تحریفگری ، دروغپردازی علیه پیامبر (ص) و پیروی از تحریفگران دین

الذین یسرعون فی الکفر . .. و من یرد اللّه فتنته فلن تملک له من اللّه شیئاً

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۴۳ پیشتازی در کفر ، دروغپردازی ، جاسوسی و تحریفگری ، مایه خواری در دنیا و عذاب بزرگ در آخرت

الذین یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ بی اعتنایی به حکم خداوند ، پیامد بی ایمانی است .

ثم یتولون . .. و ما أولئک بالمؤمنین

جمله <و

ما أولئك بالمؤمنين> می توانـد بیان ریشه اعراض از احکام الهی باشـد و می توانـد بیان پیامـد اعراض باشـد. برداشت فوق بر مبنای احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۳۶

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۲

۱۲ تأثیر منفی قرآن در برخی مردمان ، برخاسته از کفرورزی و طغیانگری آنان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۵

۵ استکبار از ریشه های کفر و عامل تکذیب آیات الهی

و انهم لایستکبرون . .. و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۱،۱۲

۱۱ کفر به یگانگی خداوند در آفرینش، زمینه پندار شرک در ربوبیت و تدبیر عالم هستی

الحمد للّه الذی خلق السموت و الأرض . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

بنابراینکه <بربهم> متعلق به <یعدلون> باشد. در این صورت <یعدلون> از ماده <عدل> به معنای همسان دانستن است و <کفروا>، با توجه به صدر آیه، به معنی کفر به توحید در خلق است.

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد للّه الذى خلق . .. ثم الذين كفروا بربهم يعدلون

اگر جمله <الذين . .. > عطف بر <الحمدللّه> و

<یعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۹،۲۰

۹ کفر موجب هلاکت بسیاری از جوامع گذشته، در عین قدرتمندتر بودن آنها از کافران عصر پیامبر(ص)

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض ما لم نمکن لکم

۲۰ هلاکت امتها و نابودی تمدنها بر اثر کفر و گناه، از سنتهای الهی است.

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن . .. فأهلکنهم بذنوبهم

جمله <فأهلکناهم>، بیان قاعده و قانونی است که جمله <ألم یروا کم أهلکنا . .. > جریان آن را در طول تاریخ نشان می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷ - ۵،۶

۵ کفر و سرسختی در برابر حق، زمینه ساز انحراف در بینش و تفسیر غلط و نابجا از پدیده هاست.

و لو نزلنا . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

عنوان ساختن کفر در <الذین کفروا . .. > بیان تأثیر کفر کافران در بینش غلط و منحرف آنان است. یعنی <کفر> موجب می گردد که پدیده ها بر خلاف حق و واقع تفسیر شوند.

۶ کفرورزی، موجب انکار هر گونه معجزه و آیه (گواه حقانیت پیامبر) هر چند ملموس و قابل حس باشد.

و لو نزلنا علیک . .. لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۹

۹ عذاب قیامت،

پیامد مداومت در کفر و انکار معاد در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ پیامدهای کفر و انکار معاد، باری سنگین و طاقتفرسا بر دوش انسان است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۲،۴،۷

۲ قلب و ادراک انسان در نتیجه کفر و لجاجت مسخ می گردد.

لئن جاءتهم ءایه . .. لایؤمنون. و نقلب أفئدتهم و أبصرهم

<فؤاد> به معنی قلب است و وارونه ساختن معنی فیزیکی ندارد، بلکه منقلب شدن خصوصیات و واژگون شدن آن است. لذا می توان از آن به مسخ تعبیر کرد.

۴ کفر و عنادورزی در برابر حق دارای رابطه متقابل با عدم درک صحیح حقایق است.

و نقلب أفئدتهم . .. کما لم یؤمنوا به أول مره

رابطه متقابل از آن جهت که میان <عناد> و وارونگی دل و دیده پیوندی برقرار شده که هرکدام از آن دو قابلیت تأثیر در دیگری دارد. از یکسو کفر موجب وارونگی دل می شود و از سوی دیگر این حالت نیز آدمی رابه کفر و طغیان بیشتر سوق می دهد.

۷ محرومیت از هدایت پذیری، پیامد کفر و لجاجت در برابر حق است.

و نقلب أفئدتهم و أبصرهم کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من كان ميتا فأحيينه . .. كمن مثله فى الظلمت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۵ - ۱۹

۱۹ عن أبی الحسن الرضا(ع) فی قوله تعالی: <فمن یرد الله أن یهدیه یشرح صدره للاسلام> قال: من یرد الله أن یهدیه بایمانه . .. یشرح صدره للتسلیم لله و الثقه به و السکون إلی ما وعده من ثوابه ... و من یرد ان یضله ... لکفره به و عصیانه له فی الدنیا یجعل صدره ضیقا حرجا حتی یشک فی کفره و یضطرب من اعتقاد قلبه ... .

امام رضا(ع) درباره آیه <فمن یرد الله . .. > فرمود: کسی که خدا بخواهد او را بخاطر ایمان اش هدایت کند ... سینه اش را برای تسلیم شدن در برابر خداوند و اعتماد به او و آرامش یافتن به وعده های پاداش الهی، باز و گشوده می سازد ... و کسی که خدا بخواهد او را به خاطر کفر و نافرمانیش در دنیا گمراه کند، سینه اش را تنگ و در فشار قرار می دهد، بدان گونه که در کفر خود شک کند و در اعتقادات قلبی خویش مضطرب و نگران باشد ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۵ - ۱۱،۱۲

۱۱ کفر و مخالفت با راه انبیا، ظلم و مانع رستگاری است.

اعملوا علی مکانتکم . .. إنه لایفلح الظلمون

۱۲ خداوند کسانی را که با کفرورزی، خویش را در زمره ستمکاران قرار داده اند، رستگار نمی سازد.

إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۳

۳ کفر و

شرک مانع راهیابی به عالم برتر برای کسب رحمتهای ویژه الهی است.

إن الذین کذبوا بأیتنا و استکبروا عنها لاتفتح لهم أبوب السماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۴ - ۲

۲ خداوند در پی ارسال هر یک از پیامبران در شهر ها و آبادانی ها ، کفرپیشگان را به سختی تنگدستی و رنج و اندوه گرفتار ساخت .

و ما أرسلنا فی قریه من نبی إلا أخذنا أهلها بالبأساء و الضراء

با توجه به دو آیه بعد (و لو أن أهل القری . ..) معلوم می شود گرفتار ساختن امتهای گذشته به بلاها و سختیها در صورتی بوده که آنان با تبلیغ و ارشاد پیامبران خویش ایمان نمی آوردند و همچنان بر کفرورزی پافشاری داشتند. در این مرحله آنها را گرفتار می ساخت تا شاید متنبّه شوند. بنابراین جمله <أخذنا أهلها ... > مقید می شود به <إذا لم یؤمنوا و لم یتقوا>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۷،۹،۱۲

۷ محرومیت جوامع بشری از نعمت های الهی ، پیامد گرفتار شدن آنان به کفر و گناه است .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی

یغیروا

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نقمت و عذاب تبدیل کرد .

کدأب ءال فرعون . .. ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۵ - ۲،۳

۲ انسانهایی که بر اثر کفرورزی زمینه های ایمان را در خویش از میان برده اند ، در پیشگاه خداوند بدترین جنبدگان هستند .

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا فهم لایؤمنون

۳ کفرورزی تا مرز از دست دادن زمینه های ایمان ، عامل سقوط آدمی از مرتبه انسانیت به مرحله پست ترین حیوانات

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۹

۹ تهدید خداوند به مشرکان پیمان شکن صدر اسلام ، به شکست خفت بار و خوارکننده در صورت تسلیم نشدن و پای فشردن بر شرک و کفر

و اعلموا أنکم غیر معجزی اللّه و أن اللّه مخزی الکفرین

<اخزاء> (مصدر مخزی) به معنای خوار و خفیف کردن است. به کارگیری اسم فاعل به جای فعل در جمله <و أن اللّه

مخزی الکافرین> بیانگر سنت قطعی خداوند درباره شکست کفر و کفرپیشگان بوده و تهدیدی برای مشرکان پیمان شکن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۳ - ۲

۲ کفر ، مایه قطع پیوند دوستی میان مسلمانان و کافران

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا . .. أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۵

۵ کفر منافقان ، پس از ایمان ظاهریشان ، مانع پذیرفته شدن عذر آنان است .

لا تعتذروا قد کفرتم بعد إیمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۸

۱۸ کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۳ - ۶

۶ کفر و نفاق ، عامل دوزخی شدن انسان

جهد الکفار و المنفقین . .. و مأویهم جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۳

۱۳ نفاق و کفر و مرگ در حال فسق ، مایه محرومیت از فیض نماز و دعای اهل ایمان

و لاتصل . .. إنهم كفروا باللّه و رسوله و ماتوا و هم فسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی

باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض . .. رجسهم ... و هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۸ – ۴

۴ کفر ، مانع برخورداری کافران از نعمت های فراوان الهی ، در دنیا نیست .

ربنا إنک ءاتیت فرعون و ملأه زینه و أمولا فی الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۲۱

۲۱ شرک و کفر ، نشانه نادانی و بی خردی است .

و لکنی أریکم قومًا تجهلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۶ – ۱۰

۱۰ رسوخ کفر در انسان و بسته شدن روزنه های ایمان ، شرط استحقاق عذاب استیصال است .

لن یؤمن من قومک إلّا من قد ءامن فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

خداوند با تفریع <اصنع الفلک . ..> که گویای فرارسیدن عذاب استیصال بر کافران قوم نوح است بر ایمان نیاوردن آنان ، اشاره به این معنا دارد که چون شایستگی ایمان در آنان منتفی است عذاب ایشان را فرا می گیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۰ – ۵

۵ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعدًا لعاد قوم هود

<بُعداً> (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مرادْ عذاب در

آخرت و دوری از رحمت او در آن سراست و نیز محتمل است <ألاـ بُعدًا ...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاـکت باشد; یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند]بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۶ - ۱۰

۱۰ کفرپیشگان و مخالفان معارف دین ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های الهی اند .

فلما جاء أمرنا نجّینا صلحًا . .. و من خزی یومئذ إن ربک هو القویُّ العزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۳

۳ عذاب های الهی آن گاه بر شهر ها و آبادی ها فرو می ریزد که عموم افرادش ستم پیشه بوده و آثار کفر و شرک در همه جا مشهود باشد .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

نسبت دادن ظلم به آبادیها (و هی ظالمه) نسبتی مجازی است و هدف از آن رساندن این معناست که: همه و یا اکثر قریب به اتفاق اهل آن آبادیها ، ستمکار بودند; به گونه ای که گویا ستم کاری در هر کوی و برزن نمایان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۲ - ۲

۲ اعمال و عقاید کفرپیشگان ، موجب گرفتار شدن آنان به عذاب های الهی است .

و قل . .. اعملوا علی مکانتکم ... وانتظروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ -

۱۵ شرک و کفر ، از موانع دستیابی به علوم موهبتی و خدادادی است .

ذلکما مما علمنی ربی إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله . .. ما کان لنا أن نشرک بال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن، مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۱

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تکفروا> شرطیه است و جواب آن <لم یتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۸

۸- کفر و تکذیب رسولان الهی ، ظلم به نفس می باشد و پیامد آن متوجه خود انسان است .

نجب دعوتک و نتّبع الرسل . .. و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا

أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۸

۸- کفر ، عامل گرفتار شدن به عذاب ابدی جهنّم

الکفرین . .. فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۵ – ۳

۳- کفر و حق ناپذیری ، منشأ دروغ پردازی و افترا بستن به حقایق دین است .

إنما یفتری الکذب الذین لایؤمنون بأیت الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۲

۲- عملکرد خود آدمیان (کفر و دنیاگرایی) ، عامل محرومیت آنان از درک حقایق معنوی است .

من کفر بالله . .. بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا ... أولئک الذین طبع الله علی قل

الـذین طبع الله . ..> در مقام بیان مجازات کسانی است که با اختیار خود به کفر گرویدند و دنیا را بر آخرت ترجیح دادند که در آیه قبل از آن سخن به میان آمده است. بنابراین همین گزینش و انتخاب که عملی است اختیاری موجب

مجازات <طبع قلب> می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۶ – ۳

۳- محرومیت از درک صحیح حقایق قرآن ، پیامد حق ناپذیری و کفرپیشگی کافران

الذین لایؤمنون بالأخره . .. و جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه و فی ءاذانهم وقرً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۰ – ۶

۶- تبدیل شدن بوستان های زیبا و حاصل خیز ، به کویری خشک و بی حاصل ، با عذاب الهی ، در نتیجه کفر و فخر و مباهات به دیگران ، امری ممکن است .

فعسی ربّی . .. یرسل علیها حسبانًا من السماء فتصبح صعیدًا زلقًا

<صعید> یعنی، روی زمین و <زلق> یعنی، بدون گیاه.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۹ – ۲،۳

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لمّا ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اِعراض از آیات خدا است.

۳- کفر و ستم ، باعث سقوط و هلاک ملتّ ها است .

و تلک القری أهلکنهم لمّا ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۰ - ۴

۴- کفر ، زمینه ساز گرفتاری به دوزخ است .

و عرضنا جهنّم یومئذ

للکفرین عرضًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۴،۵

۴- کفر و حق ناپذیری ، عامل عجز انسان از گوش فرا دادن به آیات الهی است .

عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعًا

مفاد <کانوا لایستطیعون. ..> ماضی استمراری است; یعنی، کافران، پیوسته ناتوان از شنوایی بوده اند. روشن است که نفی شنوایی، به معنای حسّی آن مراد نیست، بلکه بیانِ این است که حال کافران در برابر استماع تذکرات، همانند حال کسی است که هیچ گاه قدرت شنوایی نداشته است.

۵- کفر ، در نیروی برداشت و ادراک انسان ، تأثیر دارد .

کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری و کانوا لایستطیعون سمعًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۳ – ۴

۴- کفرپیشگی ، عامل زیان آدمی به رغم کار و تلاش بسیار است .

للکفرین نزلاً . قل هل ننبّئکم بالأخسرین أعملًا

<أعمالاً> تمیز برای <أخسرین> است. به گفته اهل ادب، اصل در تمیز، مفرد بودن است، ولی در این آیه، جمع آمده است. جمع آمدن <أعمالاً> می تواند برای اشاره به تنوع اَعمال کافران باشد; یعنی، کافران، اگر چه عمل های متنوع و بسیار داشته باشند، ولی برخلاف تصوّرشان سودی نخواهند برد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۴ – ۳

۳- دنیا ، ظرفی مناسب برای تلاش های سودمند و کفر ، مایه بهره نبردن از فرصت های موجود در آن است .

ضلّ سعیهم فی الحیوه الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ -

۲ - ۷۳

۲- کفر ، منشأ نپذیرفتن دلایل و آیات روشن الهی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا بیّنت قال الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۲

۲- گمان دستیابی به مال و فرزند به مجرد کفرورزی ، پنداری بس ناروا و شگفت انگیز است .

أفرءیت الذی کفر بأیتنا و قال

همزه استفهام در <أفرأیت> مفید تعجب و متضمن معنای امر است؛ یعنی، به قدری شگفت آور است که جا دارد حتماً چنین کسی را ببینی. حرف <فاء> در این برای ترتیب معنوی است؛ یعنی، کافرانی که گفته آنان در آیات پیشین آمد، در حال رفاه و تنعّم، چنان سخنانی را گفتند؛ ولی تعجب از کسی است که ایمان را به هوای پیداکردن مال و فرزند رها می کند و به کافران می پیوندد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۸ - ۲،۳

۲- کسی که کفرورزی را مایه فراوانی مال و اولاد می داند ، مانند کسی سخن گفته است که یا به غیب آگاه شده و یا از خداوند پیمان گرفته است .

کفر بأیتنا و قال . .. أطّلع الغیب أم اتّخذ عندالرحمن عهدًا

۳- کفر را موجب دستیابی به مال و فرزند دانستن ، سخنی بی مبنا و ادعایی پوچ است .

کفر بأیتنا . .. أطّلع الغیب أم اتّخذ عندالرحمن عهدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۶،۸

۶- کفرورزی ، زمینه ساز و هموارکننده راه نفوذ شیطان و وسوسه های او در آدمی

أرسلنا الشيطين على الكفرين تؤزّهم

تعبير <على

الکافرین> دلالت دارد که خداوند پس از تحقق کفر کافران، شیاطین را مأمور گمراه ساختن آنان می کند و در حقیقت ارسال شیاطین پی آمد کفر است.

۸- گرفتاری کافران به وسوسه ها و تحریکات شیطانی ، نمودی از < استدراج > و رهاشدن آنان در کفر و گمراهی است .

الرحمن مدًّا . .. ألم تر أنّا أرسلنا الشیطین

این آیه با آیه <من کان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدّاً> که بیانگر سنت <امهال> بود در ارتباط است و بیانگر نمونه و گواه دیگری بر جریان سنت <فلیمدد. .. مدّاً> است که همان <امهال> و <استدراج> می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۹ – ۷

۷- کفر ، مایه محرومیت انسان از شفاعت شفیعان در قیامت است .

لو یعلم الذین کفروا . .. و لا هم ینصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۰ – ۹

۹- کفر ، موجب دخول ناگهانی در آتش فراگیر و مستمر دوزخ

الذین کفروا . .. وجوههم النار ... تأتیهم بغته ... و لا هم ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۱۲

۱۲- کفر و سرپیچی از عبودیت حق ، مصداق بارز ظلم است .

أبصر الذین کفروا . .. بل کنّا ظلمین

توصیف کردن کافران به ظالم بودن خود به جای کافر بودن، بیانگر یکی بودن این دو وصف است و هر کافری در حقیقت ظالم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

١١ – حج – ٢٢ – ٣١ – ٧

٧

- کفر ورزی و پرستش غیر خدا ، سقوط از اوج هدایت ، نور و روشنایی ، به حضیض ضلالت ، ظلمت و تاریکی است .

و من یشرک باللّه . .. أو تهوی به الریح فی مکان سحیق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۱

۱ - کفر و ایمان ، مبنای داوری خدا میان انسان ها در قیامت

یحکم بینهم فالذین ءامنوا . .. و الذین کفروا ... عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۴

۴ - هلاکت جوامع کفرپیشه و تکذیب گر تاریخ ، نتیجه عملکرد خود آنها و پس از اتمام حجت الهی بر آنان

ثمّ أرسلنا . .. بأیتنا و سلطن مبین ... فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۵

۲۵ - کفر و ارتداد ، پس از دیدن حاکمیت دین و دین داران و امنیت و آرامش زیر سایه آن ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم . .. لیستخلفنّهم ... و لیمکّننّ لهم دینهم ... یعبدون

در این که مقصود از <کفر> در آیه شریفه چیست؟ میان مفسران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود ارتداد است; یعنی، چنانچه هر کس پس از دیدن حاکمیت و امنیت زیر سایه دین و نیز اتمام حجت الهی، مجدداً راه کفر را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. ۲- مراد کفران نعمت است; یعنی، آن کس که نعمت حاکمیت

و امنیت تحت لوای دین را مشاهده کند و در عین حال به جای شکرگزاری، راه ناسپاسی را بپیماید، او حقیقتاً فاسق و تبه کار است. برداشت یاد شده، بنابر دیدگاه نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۷

۷ - کفر ، عامل بد فرجامی و سرنوشتی ناگوار

الذین کفروا . .. و مأویهم النار و لبئس المصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۳ - ۲

۲ کفر و انکار معاد ، موجب حبط و بی ثمر شدن عمل آدمی

و قال الذین لایرجون لقاءنا و قدمنا إلی ما عملوا من عمل فجعلنه هباء منثورًا

<هباء> به معنای ذرات بسیار ریزی است که در حال عادی دیده نمی شود و تنها به وقت تابش نور آفتاب، از روزنه ای به داخل مکان تاریک مشاهده می گردد و <منثوراً> اسم مفعول از ماده <نثر> و به معنای پراکنده شده است. این تعبیر، حاکی از بی ارزش بودن اعمال مجرمان است که چون گرد و غبار پراکنده، هیچ ارزش و خاصیتی نداشته و حبط خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۶ - ۶

۶ کفر ، عامل سختی و تنگنایی در جهان آخرت

کان یومًا علی الکفرین عسیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۴

۴ - ایمان نیاوردن به آیات الهی ، درپی دارنده عذابی دردناک

لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۳

شعراء - ۲۶ - ۲۱۶ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، عامل بی اعتباری مسؤولیت خویشاوندی

و أنذر عشیرتک . .. فإن عصوک فقل إنّی بریءٌ ممّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ - شکرگزاری و یا کفران انسان ، نمود پیروزی و یا شکست او در آزمون الهی

لیبلونی ءأشکر أم أکفر

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که سلیمان فرجام و نتیجه آزمون الهی را در دو بعد کلی <شکرگزاری یا کفران> مطرح ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر و عصیان ، در پی دارنده لعنت خدا و عامل دور شدن انسان از رحمت الهی

و أتبعنهم فی هذه الدنیا لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۳ - ۷

۷ - کفر و انکارِ آیات الهی ، موجب نزول عذاب است .

و الذین . .. کفروا باللّه ... و یستعجلونک بالعذاب و لولا أجل مسمّی لجاءهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۴ - ۸

۸ - کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب جهنم است .

و إنّ جهنّم لمحیطه بالکفرین

آوردن اسم ظاهر <الکافرین> به جای ضمیر، با این که جای آوردن ضمیر است، اشعار به تأثیر کفر در دخول در جهنم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۴ - ۱،۴،۶

۱ - کفر ، امری خسارت بار است و بازتاب خسارت آن

، برای خود کافر است .

من کفر فعلیه کفره

<علیه> جار و مجرور و متعلق به <کفره> است. مقدم شدن آن، برای بیان این نکته است که پیامدهای ناگوار کفر، به خود کافران اختصاص دارد.

۴ - بازتاب خسارت کفر ، از آنِ کافر ، و پیامد فواید ایمان و عمل صالح ، فراگیر است . *

من کفر فعلیه کفره و من عمل صلحًا فلأنفسهم یمهدون

احتمال دارد این که در جواب شرط جمله نخست، ضمیر مفرد آورده شده و در جواب شرط جمله دوم، به رغم مفرد بودن اسم شرط، ضمیر جمع آورده شده است، اشاره به نکته یاد شده باشد.

۶ - کفر ، به تنهایی و بدون عمل کفرآلود ، برای شقاوت اخروی کافی است .

من کفر فعلیه کفره

این که درباره کفر و آثار آن، تنها، به باور کفرآلود در مقابل عمل صالح اکتفا شده و عمل، ذکر نگردیده است، حکایت از حقیقت یاد شده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۷

۷ - کفر ، موجب محرومیت از تفضل الهی ، در آخرت است .

لیجزی الذین . .. من فضله إنّه لایحبّ الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر ، عامل گرفتار شدنِ انسان به عذابی سخت است .

و من کفر فلایحزنک کفره . .. ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲۳،۲۴

۲۳ - بی ایمانی ، باعث حبط عمل صالح می شود .

أُولئک لم یؤمنوا فأحبط

اللّه أعملهم

۲۴ - رفتار های بیمارگونه منافقان مدینه ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

أشحّه علیکم فإذا جاء الخوف . .. تدور أعینهم ... فإذا ذهب الخوف سلقوکم بألسنه حدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۲

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که <کفروا> به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۹

۹ - شرک و کفر به خدا ، مؤاخذه و کیفر اخروی در پی دارد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۳ - ۱۶

۱۶ - دل بستگی به کفر ، عامل ایستادن در مقابل تعالیم قرآن کریم

و قال الذین کفروا للحقّ لمّا جاءهم إن هذا إلّا سحر مبین

آوردن فاعل ظاهر (الذین کفروا) برای <قال> به جای <قالوا> می تواند به خاطر اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵۳ - ۴

۴ - کفر در دنیا ، فزع و نگرانی را در قیامت به دنبال دارد .

و لو ترى إذ فزعوا . .. و قد كفروا به من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر -

۵ - ۷ - ۳۵

۵ - کفر و انکار دین الهی ، هر چند توأم با عمل کفرآمیز نباشد ، موجب عذاب شدید و بدبختی است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، سعادت مندی مؤمنان را در گرو دو چیز (ایمان و عمل صالح) دانسته است؛ ولی بدبختی و عذاب شدید کافران را صرفاً به کفر آنان مربوط کرده و عمل کفرآمیز آنان سخن نگفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۲ - ۳

۳ - ایمان ، حیات آفرین و مایه برخورداری از زندگی حقیقی است و کفر ، مرگ آفرین و سبب نابودی حیات حقیقی آدمی .

و ما یستوی الأحیاء و لا الأموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۳۹ - ۷۸

۷ - کفر ، ناسازگار با خلافت الهی انسان ها و به دور از شأن آنان

هو الذی جعلکم خلئف فی الأرض فمن کفر فعلیه کفره

از این که خداونـد در آغـاز، مسأله خلافت انسان ها را مطرح ساخته و آن گاه پی آمـد کفر را به آنان یادآور شـده است، می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

۸ - کفر ، موجب خشم شدید خداوند شده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربّهم إلاّ مقتًا

<مقت> (در مقابل <حبّ>) به معنای بغض و خشم شدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۵

۵ - کفر ، موجب بخل و مانع از انفاق به مستمندان و دستگیری از آنان است .

أنفقوا ممّا رزقکم اللّه قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّه أطعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۷ - ۷

۷ - کفر و انکار قیامت ، خصومت و ستیزه جویی آشکار و روشن با خداوند است .

أوَلم یر الإنسن أنّا خلقنه من نطفه فإذا هو خصیم مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۶ - ۴

۴ - کفر و انکار معاد ، موجب نابودی و سقوط انسان

قال تاللّه إن کدتّ لتردین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۵

۵ - کفر و شرک ، ظلم به خویشتن است .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

تعبیر <ظالم به نفس> درباره کافران و

مشرکان، رساننده مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمد های سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳،۱۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إن تکفروا> به قرینه مقابله با <إن تشکروا. ..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالا۔ به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است; زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰،۲۳

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بكفرك قليلًا إنّك من أصحب النار

جمله <إنّك من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی

شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۰ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی ، موجب عذاب ذلت بار دنیایی و عذاب فراگیر و دائمی دوزخ

من یأتیه عذاب یخزیه و یحلّ علیه عذاب مقیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۳ - ۵

۵ - کفر و انکار آیات الهی ، بی تردید به زیان انسان ها است .

و الذین کفروا بأیت اللّه أُولئک هم الخسرون

<خسارت> ضد ربح (سود) به معنای ضرر و زیان است و آمدن ضمیر فصل (هم)، دلالت بر حصر و تأکید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۱

۲۱ - کفر به خدا و انکار روز رستاخیز ، موجب دوزخی شدن انسان ها است .

و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۷

۷ - کفر و انکار مغرورانه آیات الهی ، عامل جاودانگی در دوزخ

قیل ادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها فبئس مثوًی المتکبّرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴ - ۲

۲ - کفر و روح حق ناپذیری ، عامل مجادله و ستیزه جویی با آیات الهی

ما یجدل فی ءایت اللّه إلاّ الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به

ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۱

۱ - کفر و گرایش به شرک ، سبب پذیرفته نشدن عذرخواهی و درخواست کافران و مشرکان برای رهایی خویش از عذاب الهی

ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

<ذلکم> اشاره به مطلب گذشته (عذاب شدن) دارد; یعنی، <ذلکم الذی أنتم فیه من العذاب>. گفتنی است که <باء> در <بأنّه> برای سببیت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۳،۴

۳ - بسیاری از اقوام و ملل متمدن و نیرومند گذشته ، به خاطر کفرشان و انکار رسالت پیامبران ، به هلاکت رسیدند .

ذلک بأنّهم کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت فکفروا فأخذهم اللّه

۴ - کفر و انکار رسالت پیامبران ، زمینه ساز فروپاشی تمدن ها و نابودی قدرت ها و آثار ملی

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا فی الأرض . .. فکفروا فأخذهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۲

۲ - کفر به خدا و شریک قرار دادن برای او ، عامل دوزخی شدن انسان

تدعوننی إلی النار . تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به

جمله <تدعوننی لأکفر باللّه. ..> بیان برای جمله <تدعوننی إلی النار> در آیه پیش است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۲ – ۹،۱۰

۹ – نابودی بسیاری از اقوام نیرومند و دارای تمدن و آثار ملی ، در گذشته تاریخ به خاطر کفر و شرکشان

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جمله <فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون> (ولی آنچه به دست می آورند، به حالشان سودی نبخشید)، به نزول عذاب گریز ناپذیر و سود نبخشیدن تلاش های کافران محکوم به عذاب اشاره دارد. گفتنی است چون این آیه درباره کافران و مشرکان می باشد، می توان استفاده کرد که سبب محکومیت آنان به عذاب، همان کفر و شرک آنان بود.

۱۰ – شرک و کفر ، زمینه ساز عذاب الهی و نابود شدن تمدن ها ، قدرت ها و آثار ملی

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۵ – ۵

۵ – کفر و شرک به خدا ، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه ها ، توانمندی ها و تمدن ها است .

کانوا أکثر منهم و أشدّ قوّه و ءاثارًا فی الأرض . .. کنّا به مشرکین ... و خسر هنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۶ – ۸

۸ – کفر ، مانع بهره مندی از نتایج دعا و موجب محرومیت از تفضل الهی است .

الذین ءامنوا . .. و یزیدهم من فضله و الکفرون لهم عذاب شدید

به قرینه مقابله بین دو فراز آیه، می توان استفاده کرد که کافران از تفضل خداوند بی بهره اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف –

۴۳ - ۳۳ - ۹

۹ - ایمان و کفر ، نقشی در ایجاد رفاه و ثروت برای آدمی ندارد . *

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا لمن یکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۵ - ۳

۳ - کفر و گناه پیشگی ، موجب عذاب پیوسته و اندوه پایان ناپذیر در قیامت

إنّ المجرمین . .. و هم فیها مبلسون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۶ - ۶

۶ - گام نهادن آدمی در وادی کفر ، شرک و گناه ، در حقیقت ظلم آدمی به خویشتن است .

إنّ المجرمین . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا هم الظلمین

به کار رفتن واژه <ظالم> به جای <مجرم>، حاکی از آن است که جرم و گناه بیان شده در آیات پیشین، همان ظلم و ستم آدمی به خویش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

یعرض الذین کفروا . .. و استمتعتم بها... تستکبرون فی الأرض بغیرالحقّ و بما کنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۶

۶ کفر و روی گردانی از راه خدا ، مایه گرفتار آمدن به پوچی و سرگردانی

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه أضلّ أعملهم

برداشت یاد شده بنابر این نکته است که <صدّ> به معنای اعراض و روی گردانی باشد نه ایجاد مانع بر سر راه دیگران و سد

کردن راه خدا و نیز با توجه به این که پوچی و سرگردانی نتیجه گم گشتن و بی اثر شدن اعمال است که از <أضلّ أعمالهم> استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۸ - ۴

۴- کفر ، موجب سقوط انسان و از بین رفتن اعمال نیک وی *

و الذین کفروا فتعساً لهم و أضلّ أعملهم

برداشت بالا بدان احتمال است که <أضلّ أعمالهم> نظر به حبط عمل داشته باشد; یعنی، اگر کافران عمل نیکی هم داشته باشند، پس از مرگ به کار آنان نخواهد آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۰

۱۰- کفرپیشگی ، از عوامل عمده نابودی ملت ها

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

وصف کفر در <للکافرین>، بیانگر این نکته است که کفر، عامل اصلی نابودی ملت ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۶

۶- هلاکت برخی از جوامع نیرومند در گذشته تاریخ ، به خاطر کفرورزی

و کأیّن من قریه . .. أهلکنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۶

۶- کفر ، مانع درک و پذیرش حق ، حتی از زبان پیامبر (ص)

یستمع إلیک حتّی إذا خرجوا من عندک قالوا . .. ماذا قال ءانفًا

<ماذا قال. ..> ممکن است پرسش حقیقی باشد و ناتوانی کافران از فهم کلام وحی را برساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۶ - ۱۱

۱۱- کراهت و

بیزاری از رهنمود های خداوند ، درون مایه اصلی کفر *

قالوا للذین کرهوا ما نزّل اللّه سنطیعکم

برداشت بالاـ بنـابراین نکته است که مراد از <الـذین کرهوا. ..> کـافران بوده و وصف <کرهوا> به جـای <کفروا> آمـده باشـد تـا این واقعیت آشـکار شود که آنچه کافران را به کفر کشانـده، هواپرستی و بیزاری از دسـتورات دین است; نه نارسایی بیان دین و شبهات فکری و فلسفی آنان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱،۷،۸

۱- کافران ، با کفر و حق ستیزی و مخالفتشان با پیامبر (ص) ، ناتوان از رسانیدن کمترین زیان به خداوند

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

۷- ایمان و کفر و طاعت و معصیتِ خلق ، بی تأثیر در ساحت خداوندی *

إنّ الذین کفروا و . .. لن یضرّوا اللّه شیئًا

جمله <لن یضـرّوا اللّه شیئاً> می رساند که کفر و عصیان خلق در برابر خدا و رسول او، زیانی به خداوند نمی رساند. به قرینه مقابله می توان استفاده کرد که ایمان و طاعت آنان نیز، نفعی برای خداوند ندارد.

۸- کفر و ستیزه جویی با دین و پیامبر (ص) ، از عوامل حبط عمل و نابودی اعمال نیک انسان

إنّ الذین کفروا و . .. و سیحبط أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إنّ الذین کفروا و . .. فلن یغفر اللّه لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال

کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۴

۴ - بی پناهی کافران و ضعف ایشان در برابر مؤمنان برخاسته از کفر آنها است . *

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر ثمّ لایجدون ولیًّا و لانصیرًا

بنابراین که تعبیر <کفروا> و وصف کفر، مشعر به علیت باشد; برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۶ - ۲

۲ - کفر ، زادگاه تعصب های جاهلی و استکبار

إذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیّه حمیّه الجهلیّه

تعبیر <کفروا> می رساند که <کفر> در شکل گیری و شعلهوری تعصب های جاهلی، نقش اساسی دارد و به تعبیر دیگر، وصف کفر مشعر به علیت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۲،۲۵

۲۲ - کفر ، زمینه ساز ابتلای انسان به شکستن حریم ارزش ها و ارتکاب گناهان *

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

برداشت بالا بدان احتمال است که تقدم لفظی کفر بر فسوق و عصیان، دال بر تقدم معنوی نیز باشد.

۲۵ - کفر ، فسق و عصیان ، مانع رشد اجتماعی بشر

حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان أولئک هم الرشدون

اختصاص و تأکیدی که از تعبیر <أولئک. ..> استفاده می شود; نشانگر این معنا است که دیگران (آنان که از ایمان محروم و در کفر و فسق گرفتاراند) به رشد نخواهند رسید. جمع آمدن ضمیر و فعل، حیثیت اجتماعی را می رساند.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۵ – ۳

۳ کفر و حق ستیزی ، زمینه فروافتادن انسان به ورطه شر و تجاوز و تردید در تمامی ارزش ها *

کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

برداشت بالا بدان احتمال است که ترتیب میان صفات کفّار، عنید و. ..، اشاره به ترتب و تأثیر هر وصف در پیدایش وصف متأخر آن، داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۳۶ – ۱

۱ – تاریخ ، شاهد نابودی بسیاری از ملت های توان مند ، به خاطر کفر و شرک آنان

و کم أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

<قرن> به معنای امت و گروهی از مردم است که در یک زمان قرار دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۱ – ۲

۲ – انسان اسیر شده در گرداب کفر و لجاجت ، گرفتار پندارگرایی و غافل از وعده های حق الهی

الخرّصون. الذین هم فی غمره ساهون

از ارتباط <خرّاصون> با <غمره> و <ساهون> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۴ – ۲

۲ – عذاب آتش دوزخ ، دستاورد خود کافران و منکران معاد

ذوقوا فتنتکم

اضافه <فتنه> به <کم>، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۱ - ۳

۳ - عوامل حیات آفرین طبیعت ، مایه نابودی ملت ها در نتیجه کفر و گناه

أرسلنا علیهم الریح العقیم

تعبیر <الریح العقیم> (باد

نازا) می رسانـد که باد، آثار مختلفی دارد و اصولاً در نظام طبیعت، یکی از عوامل گسترش حیات به شـمار می آیـد. اما همین نیروی طبیعی به اراده الهی و در نتیجه کفر مردم، نه تنها زاینده حیات نخواهد بود; بلکه زداینده آن خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۴ – ۳

۳ – کفر و لجاجت ، مانع درک حقیقت نشانه های الهی

و إن یروا. .. یقولوا سحاب

آنچه حقیقتاً پاره های عذاب را در چشم کافران تکه های متراکم ابر جلوه می دهد، لجاجت و حق ستیزی آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۱ – ۵

۵ – مظاهر رحمت ، مایه نقمت و نابودی خلق در نتیجه کفر و تکذیب

فکذّبوا عبدنا . .. ففتحنا أبوب السّماء بماء منهمر

با این که باران در نظام طبیعت، مایه حیات و رحمت است; ولی به گاه خشم الهی به عذابی بنیان برافکن تبدیل می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۳۰

۳۰ – ایمان و کفر و راستی و نفاق در نگاه وحی ، از معیار های دوستی و دشمنی و از مرز های خودی و غیر خودی

لاتجد قومًا . .. ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۴،۶

۴ – کفرورزی و نیز دعوت به آن ، موجب خلود در آتش

قال للإنسن اکفر فلمّا کفر . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

- کفرورزی و دعوت به آن ، از مصادیق ظلم

قال للإنسن اکفر فلمّا کفر . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها و ذلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۰ - ۲۰

۲۰ - مرد مؤمن ، موظف به ر ها ساختن همسر کافر خویش و جدا شدن از او

و لاتمسکوا بعصم الکوافر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۳ - ۵

۵ - کفر و ارتداد ، زمینه ساز مُهر شدن دل است .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۶

۶ - کفر ، از موجبات عذاب و دارای پیامدی تلخ در دنیا و آخرت

الذین کفروا من قبل فذاقوا و بال أمرهم و لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۰ - ۱

۱ - کسانی که به کفر و تکذیب آیات الهی بپردازند ، اهل دوزخ اند .

و الذین کفروا و کذّبوا بایتنا أُولئک أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام ، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت ، نشانه خردورزی است .

بأییّکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۲

۲ - ایمان نیاوردن

و ترغیب نکردن دیگران به تغذیه گرسنگان و بینوایان ، سبب محرومیت از حمایت نزدیکان و دوستان صمیمی در قیامت

إنّه کان لایؤمن . .. فلیس له الیوم ههنا حمیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲ – ۲

۲ – کفر و حق ناپذیری ، موجب عذاب الهی است .

بعذاب واقع . للکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۴۴ – ۴

۴ – کفر و باطل گرایی و پوچی در زندگی ، موجب ذلّت و خواری شدید در روز قیامت

فذرهم یخوضوا و یلعبوا . .. ترهقهم ذلّه ذلک الیوم الذی کانوا یوعدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۱ – ۳

۳ – کفر و گناه ، از عوامل خشک سالی و سلب نعمت ها است .

استغفروا ربّکم . .. یرسل السماء علیکم مدرارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۱۲ – ۴

۴ – کفر و گناه ، از عوامل کم شدن اموال و تعداد فرزندان و خرابی شهر ها و روستا ها (نابودی باغ ها ، نهر ها و . . .)

استغفروا ربّکم . .. و یمددکم بأمول و بنین ... و یجعل لکم أنهرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۴۲ – ۴

۴ - کفر ، زمینه ساز کردار ناشایست

الکفره الفجره

تقدیم <الکفره> ممکن است به منظور رساندن تأثیر کفر در فجور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

- ۸۳ - ۳۶ - ۵

۵ - کفر ، زمینه ساز گرفتاری به کیفر های الهی در قیامت است .

هل ثوّب الکفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۶

۶ - اظهار کفر ، فراهم سازنده زمینه پافشاری بر تکذیب قرآن

بل الذین کفروا یکذّبون

مراد از <الذین کفروا>، همان کسانی اند که در <فما لهم لایؤمنون> به نداشتن ایمان توصیف شدند. ایجاد تفاوت در تعبیر، نشانگر آن است که آنان علاوه بر این که بی ایمان بودند، کفر را نیز از خود بروز می دادند. فعل مضارع <یکذّبون> بر استمرار و اصرار دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۳

۳ - حق گریزی و کفر ، از میان برنده زمینه های تأثیرپذیری از تعالیم دین و پند های آن است .

فذکّر . .. إلاّ من تولّی و کفر

استثنای اعراض کنندگان کافر از مجموعه کسانی که پیامبر(ص) به تذکر دادن آنان مکلف شده است، نشانگر بی اثر بودن تذکرات آن حضرت، در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۲،۵

۲ - فرجام اهل کتاب ، در صورت کفر به اسلام ، هم تراز با مشرکان است .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از

بركات نماز و زكات دور ساخته اند .

و ما أُمروا إلّا ليعبدوا اللّه مخلصين له الدين

حنفاء و يقيموا الصلوه و يؤتوا الز

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بينه – ۹۸ – ۸ – ۱۰

۱۰ – اهل كتاب و مشركان ، در صورت كفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمين آب خيز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الكتب و المشركين فى نار جهنّم . .. الذين ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – عصر – ۱۰۳ – ۳ – ۴

۴ – كفرورزى ، ترك عمل صالح و بى اعتنايى به ترويج حق و صبر ، زيان كارى است .

لفى خسر . إلاّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و تواصوا بالحقّ و تواصوا بالصبر

آثار كفر اصحاب شمال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۳ – ۱

۱ – ايمان نياوردن كافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خداى بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قيامت

إنّه كان لايؤمن باللّه العظيم

آيه شريفه، در مقام تعليل عذاب كافران داراى زروزور است كه در آيات پيشين از آنان ياد شده است.

آثار كفر اقوام پيشين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – يس – ۳۶ – ۳۱ – ۱

۱ – خداوند ، بسيارى از اقوام پيشين را به سبب كفر و استهزاى پيامبران الهى نابود كرد .

كانوا به يستهزءون . ألم يروا كم أهلكنا قبلهم من القرون

آثار کفر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر

کفر و حق ستیزی ، زمینه نزول عذاب الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۱

۱۱ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و حق ستیزی ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأهلکنهم . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۹

۹ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن آنان به خشم و قهر الهی

فأخذهم العذاب . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۶

۶ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفرورزی و حق ناپذیری ، زمینه ساز نزول عذاب و گرفتار شدن به خشم و قهر الهی

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۷

۷ - اصرار اکثریت افراد جامعه بر کفر و فساد ، زمینه ساز نزول عذاب الهی

فأخذهم عذاب یوم الظّله . .. و ما کان أکثرهم مؤمنین

آثار کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۹ - ۲

۲- ستم گری و کفر برخی از جوامع پیشین ، مایه هلاکت آنان با عذاب ویران کننده الهی است .

أهلکنهم لمّا ظلموا

مراد از ظلم در <ظلموا> به قرینه آیات قبل اِعراض از آیات خدا است.

آثار کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - وجود ریشه های کفر در قوم موسی ، منشأ عشق ورزی آنان به پرستش گوساله شد .

و أشربوا فی قلوبهم العجل

آثار کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۱،۶

۱- ایمان نداشتن به عالم آخرت ، زمینه ساز دخترکشی مشرکان عصر جاهلی

و إذا بشّر أحدهم بالأُنثی . .. یتوری من القوم ... أم یدسّه فی التراب ... للذین ل

۶- مشرکان ، به خاطر عدم ایمان به عالم آخرت ، زشت خصلتند .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

قرار دادن موصول <الذین> به جای اسم ظاهر، مشعر به این مطلب است که متصف شدن آنان به زشت صفتی، به خاطر کفرشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از

سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴ – ۲

۲ – بی اعتقادی به جهان آخرت ، منشأ انحراف ها و موجب حیرت و سرگردانی

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. فهم یعمهون

<عَمَه> (مصـدر <یعمهون>) به معنـای تحیر و سـرگردانی است. عبارت <فهم یعمهون> متفرع بر مطلب قبل است; یعنی، این دسته از مردمان در نتیجه بی اعتقادی به جهان آخرت و مغرور شدن به اعمال خود، بی هدف و سرگردان اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۹ – ۵

۵ – بی ایمانی به جهان آخرت ، ریشه سرکشی و بی عدالتی انسان ها است .

و استکبر هو . .. و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۸ – ۱۰

۱۰ – ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جـای اسم ظـاهر (الکـافرون) دلالـت می کنـد که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عـذاب و واقع شـدن در گمراهی دور و دراز است.

آثار کفر به آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۰،۳۳،۳۴

۳۰ – بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

۳۳ - انکار آیات

الهی و کفر به آنها ، موجب ذلت و درماندگی آدمی خواهد شد .

و ضربت علیهم الذله . .. ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه

۳۴ – انکار آیات الهی و کفر به آنها ، در پی دارنده خشم و غضب خداوند است .

و باءو بغضب من اللّه ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۶

۶ کفرورزی و نفاق در برابر آیات عالمانه و حکیمانه خدا ، دلیل بی فرهنگی و جهل انسان ، هر چند در ظاهر متمدن باشد .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً و أجدر ألّا یعلموا حدود ما أنزل اللّه علی رسوله و الل

گرچه آیه ظاهراً بادیه نشینان را دارای خصلت کفر و نفاق شدید معرفی کرده، ولی با این بیان، نوعی تلازم میان کفر و نفاق و بی فرهنگی را اثبات کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۱

۱– عذاب های اخروی گمراهان ، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من یضلل . .. و نحشرهم یوم القیمه ... ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بأیتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۴ – ۷

۷– کفر به آیات خداوند ، زمینه ساز زوال نعمت ها و موهبت های الهی

و إذا تتلی علیهم ءایتنا . .. و کم أهلکنا قبلهم من قرن

آثار کفر به انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود

و نصارا ، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن ، ایمان به همه پیامبران و . . .) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان ، تلقی خواهند شد .

فإن ءامنوا . .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۸

۸ - کفر و انکار رسالت پیامبران ، از روی عمد و آگاهانه ، نگون بختی و عذاب دردناک اخروی را در پی دارد .

فذاقوا وبال أمرهم . .. ذلک بأنّه کانت تأتیهم رسلهم بالبیّنت ... فکفروا و تولّوا

آثار کفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۷

۱۷ - یهودیان به خاطر کفرشان به تورات ، مورد غضب و خشم خدا قرار گرفتند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

تفریع جمله <باءوا . ..> بر جمله های سابق، بیانگر آن است که: منشأ خشم خدا بر یهود، کافر شدن به قرآن و تورات از یکسو و حسدورزی و اعتراض آنان به خداوند از سوی دیگر است و لذا می توان گفت: <غضب> اول به خاطر کفر آنان و <غضب> دوم به خاطر حسادت و اعتراضشان می باشد.

آثار کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲

- ۶۲ - ۱۲

۱۲ - کفر به خدا ، انکار قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی است .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

مفهوم جمله <من آمن . ..> گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۸

۸ کفر به خدا ، مایه حبط و بی ارزشی و فاسد شدن اعمال نیک کافران است .

ما کان للمشرکین أن یعمروا مسجد اللّه شهدین علی أنفسهم بالکفر أولئک حبطت أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵،۷،۸

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

۸ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله و اللّه لایهدی القوم الفسقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - کفر به خدا و سرپیچی از عبادت او ، گناهی نابخشودنی و در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

إنّ الذین کفروا و یصدّون عن سبیل اللّه

مراد از <الطیب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صـراط حمید> عبادت خدای یگانه است.

بنابراین

با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إنّ الذین کفروا>به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل اللّه> در <یصدون عن سبیل اللّه>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إنّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إنّ الذین کفروا... نذیقهم من عذاب ألیم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴ – ۵

۵ ستمگری ، باطل گرایی و دروغ پردازی ، از نتایج و اثرات کفر به خدا و انکار رسالت پیامبر (ص)

و قال الذین کفروا إن هذا إلّا إفک . .. فقد جاءو ظلمًا و زورًا

<زور> به معنای سخن باطل و دروغ است (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۳ – ۲

۲ – ایمان نیاوردن به خدای بزرگ ، از موجبات عذاب سخت الهی

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۶ – ۲

۲ – ایمان نیاوردن به خدا و تغذیه نکردن بینوایان ، موجب عذاب شدن انسان به وسیله غذا های بسیار ناگوار و نفرت آور در قیامت

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم . .. و لا طعام إلّا من غسلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۳۷ – ۲

۲ – ایمان نیاوردن به خدای بزرگ و بی تفاوتی در برابر گرسنگی بینوایان ، خطایی بزرگ و نابخشودنی

إنّه كان

لايؤمن باللّه العظيم . و لايحضّ على طعام المسكين ... لايأكله إلّا الخط

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه خداوند، از كسانى كه ايمان نمى آوردند و. ..، تعبير به <خاطئون> كرده است.

آثار كفر به دين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۱۱

۱۱ كافران بر اثر فقدان درك معارف الهى و ايمان نداشتن به حقايق دينى ، مردمى ناتوان در پيكار با اهل ايمان

بأنهم قوم لايفقهون

آثار كفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۸

۸ - بنى اسرائيل در صورت كفر به قرآن ، نكوهيده ترين و ناشايسته ترين كافران در پيشگاه خداوند خواهند بود .

و لاتكونوا أول كافر به

برداشت فوق مبتنى بر دو مقدمه روشن است: ۱ <أول> بودن در جمله <و لاتكونوا . ..> به اعتبار رتبه و منزلت است، نه به لحاظ زمان; ۲ <أول> بودن قيد توضيحى است، نه احترازى. بر اين اساس جمله <و لاتكونوا ...>; يعنى، و به قرآن كافر نشويد كه در اين صورت اولين رتبه كفر از آن شما خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶۵ - ۵

۵ - بنى اسرائيل در خطر گرفتار آمدن به عذاب هاى دنيوى (ذليل گشتن ، مطرود شدن و . . .) در صورت ايمان نياوردن به قرآن و انجام ندادن اعمال صالح

و لقد علمتم الذين اعتدوا منكم فى السبت فقلنا لهم كونوا قرده خسئين

در آیات گذشته (از ۴۱ تا

۴۵ و نیز آیـه ۶۲) خداونـد بنی اسـرائیل را به ایمـان و تصـدیق قرآن و انجـام اعمـال صالـح دعـوت کرد و در آیه مـورد بحث سرگـذشت شوم اسـحاب سـبت را یادآور شـد تا هشـداری باشـد به آنها که مبادا با سـرپیچی از دعوت خـدا و فرمانهای او، به سرنوشتی همانند اصحاب سبت گرفتار آیند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۲،۱۴

۱۲ - خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۶،۱۸

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

<بـاءوا> به معنای <بازگشـتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشـد; یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

۱۸ - آنان که علی رغم اطمینان به حقانیت قرآن بدان کافر شوند ، به خشم و غضب خدا گرفتار خواهند شد .

أن یکفروا بما أنزل اللّه . .. فباء و بغضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۴

۴ - یهود و نصارا ، در صورت نپذیرفتن معارف ابلاغ شده به آنان (ایمان به قرآن ، ایمان به همه پیامبران و . . .) از دشمنان و ستیزه جویان با اسلام و مسلمانان ، تلقی خواهند شد .

فإن ءامنوا . .. فقد اهتدوا و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

<شقاق> به معنای دشمنی و مخالفت کردن است. حرف <فی> می رساند که دشمنی و مخالفت یهود و نصارا با اسلام، سراسر وجود آنان را فرا گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ آنان که به قرآن و پیام های آن ایمان نیاورند ، به هیچ سخن هدایت بخش دیگری ایمان نخواهند آورد .

فبأی حدیث بعده یؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر دو امر است: ضمیر در <بعده> به قرآن برگردد. حرف <با> در <بأیّ> برای الصاق باشد. یعنی اگر به قرآن ایمان نیاورند، به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۱

۱- ایمان یا بی ایمانی مردم به قرآن ، تأثیری در حقانیت مفاهیم و معارف آن نخواهد داشت .

و بالحقّ أنزلنه . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۶ – ۱

۱– ایمان نیاوردن و موضع گیری های نابخردانه کافران در برابر قرآن ، موجب رنجی کشنده و تأسفی عمیق برای پیامبر (ص) بود .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوابهذا الحدیث أسفًا

<باخع نفسه> به کسی گفته می شود که از شدت هیجان و ناراحتی، خود را به هلاکت بیندازد در <مقاییس اللغه> آمده: آنگاه گفته می شود: که <بخع الرجل نفسه> که او، خویشتن را، به خاطر خشم شدید و شدت هیجان، هلاک سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۳

۳ – کفر به قرآن و وحی ، پس از مواجهه با آن [و درک حقانیت آن] مستلزم دوزخی شدن انسان است .

إنّ الذین کفروا بالذّکر لمّا جاءهم

تعبیر <لمّا جائهم> بیانگر این است که که اساساً کفر و انکار زمانی تحقق می یابد که انسان با کلام وحی روبه رو شده و آن را فهم کرده باشد. سپس به انکار آن پرداخته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۵۰ – ۲

۲ – کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إنّه لحسره علی الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۵۰ – ۱

۱ – آنان که به قرآن ایمان نمی آورند ، به هیچ گفتار هدایت بخش دیگری ، ایمان نخواهند آورد .

فبأیّ حدیث بعده یؤمنون

استفهام <فبأىّ> انکاری و تعجیبی است. بر این اساس مفاد آیه چنین است: <وقتی آنان

قرآن را که با دلایل روشن همراه است تصدیق نمی کنند، پس مسلم به هیچ سخن حقی ایمان نخواهند آورد>.

آثار کفر به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۳ – ۳

۳ باور نداشتن قیامت زمینه پذیرش القائات و تبلیغات شیطانی است.

و لتصغی إلیه أفئده الذین لایؤمنون بالأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۷ – ۷

۷ – ناباوری به قیامت ، در دنیا ، عاملِ بی حاصل شدنِ معذرت خواهی در روز قیامت است .

و لکنّکم کنتم لاتعلمون . فیومئذ لاینفع الذین ظلموا معذرتهم

<فاء> در <فیومئذ> عاطفه است و می تواند برای سببیت باشد. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <کسانی که به روز قیامت علم نداشتند، در آن روز معذرت خواهی شان سودی ندارد>. علم نداشتن، ملازم با ناباوری و بی ایمانی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۴۵ – ۱۳

۱۳ – ناباوری به قیامت ، عامل حق ناپذیری و تأثیر نداشتن عالی ترین پیام های ارزشی در روح انسان

فذکّر بالقرءان من یخاف وعید

با توجه به این که آیات پیشین درباره معاد و رستاخیز بود; <من یخاف وعید> می تواند بیانگر مسأله قیامت و نظام کیفر و پاداش باشد. در این صورت مفهوم آیه چنین خواهد بود: <قرآن در ناباوران به قیامت بی تأثیر است>.

آثار کفر به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۹ – ۱۲،۱۴

۱۲ – خداوند ، یهودیان کافر به پیامبر (

ص) و قرآن را از رحمت خویش به دور و آنان را مورد لعنت قرار داده است .

فلعنه اللّه علی الکفرین

۱۴ - جواز لعنت و نفرین بر آنانی که از سر عناد و لجاجت ، به پیامبر (ص) و قرآن کافر می شوند .

فلعنه اللّه علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۶

۱۶ - یهودیان ، بر اثر انکار رسالت پیامبر و کفر به قرآن ، خشم خداوند را بر خویش هموار ساختند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه . .. فباء و بغضب علی غضب

<باءوا> به معنای <بازگشتند> است. حرف <باء> در <بغضب> بای مصاحبت یا ملابست می باشد; یعنی، یهودیان از آن مبادله (فروختن خویش به کفر) باز آمدند، در حالی که غضب الهی را به همراه داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۱ - ۱۰

۱۰ - کافران به قرآن و پیامبر (ص) خسارت دیدگان واقعی و تباه کنندگان خویش هستند .

و من یکفر به فأولئک هم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۵،۷،۸

۵ کافران به خدا و پیامبر (ص) ، محروم از آمرزش الهی .

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن یغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

٨ کفر به خدا و رسول او ، فسق و کافران ، مردمانی فاسقند .

ذلک

بأنهم کفروا باللّه و رسوله و اللّه لایهدی القوم الفسقین

آثار کفر به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلاّ أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علیهم القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۴

۴ - ناباوری به معاد ، زمینه ساز پیدایش و رشد عقاید خرافی و انحرافی در دین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسمّون الملئکه تسمیه الأُنثی

از این که عدم ایمان به آخرت، موضوع برای عقاید انحرافی و خرافی مشرکان قرار داده شده است، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار کفر ثروتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۴ - ۱

۱ - صاحبان زر و زور با نیرنگ های بزرگ خود ، تعداد بسیاری از مردم را گمراه کردند .

و قد أضلّوا کثیرًا

آثار کفر ثروتمندان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۷ - ۳

۳ - کفر کافران ثروتمند ، موجب خودداری آنان از انفاق به مستمندان مؤمن

قال الذین کفروا للذین ءامنوا أنطعم من لو یشاء اللّه أطعمه

آمدن اسم ظاهر (قال الذین کفروا) به جای ضمیر (قالوا) در حالی که مقام، اقتضای آمدن ضمیر دارد می تواند بیانگر این نکته باشد که آنچه سبب خودداری کافران از انفاق شد، کفر آنان بود.

آثار کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۸ - ۵۳ - ۵

۵ کفرورزی جوامع و ستیزه جویی با پیامبران ، از عوامل از میان رفتن شایستگی آنان برای دستیابی به نعمت های الهی

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

آثار کفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

آثار کفر فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۵

۵- کفر شدید فرزند ، مانع از استجابت دعای والدین در حق وی *

و هما یستغیثان اللّه . .. أُولئک الذین حقّ علیهم القول

برداشت بالا بدان احتمال است که <یستغیثان>، استغاثه پدر و مادر برای هدایت فرزند و ایمن گشتن وی از عذاب الهی باشد. تعبیر <حقّ علیهم القول> نشان می دهد که این استغاثه، در مورد فرزند حق ستیز به اجابت نمی رسد.

آثار کفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۳ - ۲،۷

۲ - تعلق بلقیس به جامعه شرک و کفر ، مانع پیوستن رسمی وی به آیین توحیدی سلیمان (ع) با وجود اذعان قلبی

و أُوتینا العلم من قبلها و کنّا مسلمین . و صدّها... إنّها کانت من قوم کفرین

برداشت یاد شـده بدان احتمال است که آیه مذکور در مقام توضـیح این نکته باشد که چرا بلقیس علی رغم علم و اذعان قلبی خود، پیش از این رسماً تسلیم سلیمان(ع) نشده و به یکتاپرستی

نگرویده بود.

۷ - قوم سبا ، دارای پیشینه شرک و کفر

إنّها کانت من قوم کفرین

آثار کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۳

۳ - نزول عذاب بر قوم عاد ، نتیجه عملکرد و اصرار آنان بر کفر پس از اتمام حجت بر ایشان بوده است .

إنّی أخاف علیکم عذاب . .. فکذّبوه فأهلکنهم

آثار کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناک از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

إبتئاس (مصدر تبتئس) به معنای محزون و ناراحت شدن است و مراد از <ما کانوا یفعلون> شرک ورزی و اصرار آنان بر انکار رسالت و دیگر کارهای نارواست.

آثار کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زروزور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

آثار کفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۱

۱- عذاب های اخروی گمراهان ، نتیجه عملکرد کفرآمیز خود آنان در قبال آیات الهی است .

و من یضلل . .. و نحشرهم یوم القیمه ... ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بأیتنا

آثار

کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۸

۸ ناباوری و ناامیدی مشرکان به حیات اخروی ، عامل عبرت نگرفتن آنان از سرگذشت شوم اقوام پیشین چون قوم لوط

أفلم یکونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورًا

برداشت فوق، با توجه به این نکته است که <بل> برای اضراب انتقالی است; یعنی، این طور نیست که آنان به خاطر ندیدن آثار به جا مانده از قوم هلاک شده قوم لوط، از آن عبرت نگرفته اند بلکه چون آنان اعتقاد و امیدی به روز رستاخیز ندارند از چنین حادثه ای عبرت نیاموخته اند.

آثار کفر مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۹

۹- ایمان نیاوردن و حق ناپذیری مشرکان ستم پیشه ، فلسفه و دلیل ردّ شدن پیشنهاد آنان مبنی بر ارائه معجزه از سوی پیامبر (ص)

فلیأتنا بایه . .. أفهم یؤمنون

آثار کفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۱

۱ کفر منافقان به خدا و انکار رسالت پیامبر (ص) ، عامل بی ارزش گشتن انفاق های آنان و پذیرفته نشدن آن در پیشگاه خداوند

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۷

۷ کفر منافقان به خدا و رسول او ، مانع آمرزش آنان

فلن يغفر اللّه لهم ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۳ – ۱،۲،۶

۱ – عملکرد بد منافقان ، ناشی از کفر و بی ایمانی آنان است .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا

<ذالک> به جمله <إنّهم ساء ما کانوا یعملون> در آیه قبل اشاره دارد.

۲ – دروغ گویی ، استفاده ابزاری از سوگند ها ، انحراف و بازداشتن مردم از راه خدا ، زاییده کفر و بی ایمانی منافقان

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا

<ذلک> می تواند به تمامی آنچه در دو آیه پیش در رابطه با منافقان، مطرح شده اشاره داشته باشد.

۶ – دل های منافقان ، بر اثر کفر و ارتداد مُهر شد .

ذلک بأنّهم ءامنوا ثمّ کفروا فطبع علی قلوبهم

آثار کفر منافقان صدر اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۷ – ۵

۵ کفر درونی منافقان انگیزه ساختن مسجد ضرار

مسجداً ضراراً و کفراً

<کفراً> می تواند به معنای ترویج کفر نباشد ; بلکه به این معنا باشد که عمل منافقان و سازندگان مسجد ضرار، نشأت یافته از کفرشان بوده است.

آثار کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۶

۶ - قرار گرفتن حجاب بر قلب و اندیشه یهودیان ریشه در فطرت و خلقت آنان ندارد بلکه کفرورزی و دور شدنشان از رحمت الهی موجب آن شده است .

قالوا قلوبنا غلف بل لعنهم اللّه بکفر هم فقلیلا

چنانچه گذشت <بل> نفی معنایی است که از <قلوبنا غلف> استفاده می شود و آن معذور بودن یهود به خاطر نفهمیدن است. کلمه <بل> معذور بودن یهود را نفی می کند و جمله

<لعنهم اللّه ...> بیان می دارد حجابِ قلب یهود از کفرورزی آنان به وجود آمده نه اینکه فطرتاً این گونه باشند و این چنین نفهمیدنی - که خود آدمی زمینه ساز آن باشد - نمی تواند عذری قابل قبول تلقی شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۲

۲۲ کفر و طغیان یهود ، زمینه دشمنی و کینه توزی آنان با یکدیگر

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً و القینا بینهم العدوه و البغضاء

آثار مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۱،۳

۱ - کفرپیشگانی که با کفر بمیرند ، به لعنت خدا گرفتار شده و مورد نفرین و لعنت فرشتگان خواهند بود .

إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

۳ - فرشتگان و تمامی مردم در قیامت ، کفرپیشگانی را که در حال کفر مرده اند ، لعنت کرده و خواستار دوری رحمت الهی از آنان خواهند شد .

أولئک علیهم لعنه اللّه و الملئکه و الناس أجمعین

لعنت مردم به معنای: نفرین و درخواست دوری لعنت شونده از رحمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۱

۱ - کسانی که کافر بمیرند ، برای همیشه به لعنت خدا گرفتار خواهند بود .

أولئک علیهم لعنه اللّه . .. خلدین فیها

ظاهر این است که ضمیر <فیها> به <لعنه اللّه . ..> (در آیه قبل) بازگردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۸

۸- مرگ همراه با غفلت و بی ایمانی ، موجب حسرت در قیامت است .

و أنذرهم یوم الحسره إذ قضی الأمر و هم فی غفله و هم لایؤمنون

ضمیر <هم> به <الظالمون> در آیه قبل بازمی گردد و جمله <هم فی. ..> حالیه است و مفاد آیه این است که در حالی فرصت دنیایی ظالمان پایان یافت که آنان غافل بودند و به معاد ایمان نمی آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۴ - ۱

۱- مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر ، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

إنّ الذین کفروا و . .. فلن یغفر اللّه لهم

مرگ کافران مخالف راه خدا در حال کفر، مایه محرومیت ابدی از عفو و رحمت الهی

آثار نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۴

۲۴ - رشد واقعی انسان ، در پرتو محبت دین و بیزاری از کفر و گناه

حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه إلیکم الکفر ... أولئک هم الرشدون

آرزوی کفر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۸ - ۹

۹ - قدرتمندان کافر ، به چیزی جز کافر شدن مؤمنان ، رضایت نمی دهند .

أصحب الأخدود . .. و ما نقموا منهم إلاّ أن يؤمنوا باللّه

آگاهى از آثار كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۸ - ۱

۱- آگاهى از غيب و يا صدور

پیمانی از جانب خداوند ، از راه های وقوف بر پی امد های کفر و ایمان و آثار آنها است .

لأُتینّ . .. أطّلع الغیب أم اتّخذ عند الرحمن عهدًا

همزه در <أطّلع> که در اصل أإطّلع بوده برای استفهام انکاری است و فاعل فعل ضمیری است که به <الذی> در آیه قبل بازمی گردد. از این رو مضمون آیه چنین می شود: آیا آن کافری که مدعی شد کفر، موجب دستیابی به مال و فرزند است، بر غیب آگاهی یافته و یا عهدی از جانب خداوند دریافت کرده است؟! مراد از عهد، نوشته و یا بیانی است که از ناحیه خداوند صادر گردیده باشد.

آمرزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۵ - ۵

۵ - تمامی گناهان ، حتی گناه کفر ، تکذیب پیامبر و تهمت و افترا بر او ، قابل بخشایش خداوند است .

أم یقولون افتری . .. یقبل التوبه عن عباده و یعفواْ عن السیّئات

از واژه <السیئات> که جمع محلی به الف و لام است و نیز از ارتباط این آیه با آیه قبل که سخن از تهمت افترای پیامبر(ص) بر خدا از سوی مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

آمرزش گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۳ - ۶

۶ ارتداد (مشرک شدن پس از توحید و کفرورزی پس از ایمان) گناهی قابل بخشش است .

و الذین عملوا السیئات . .. إن ربک من بعدها لغفور رحیم

ابزار مبارزه با کفر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۴

۴ پیامبر (ص) ، وظیفه دار مبارزه گسترده فرهنگی و تبلیغی با جریان کفر و شرک ، با محور قرار دادن قرآن

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

مرجع ضـمیر <به> به قرینه مقـام (یعنی، آیه قبـل که از انـذار رسول به مردمـان سـخن گفته است) قرآن کریم است و آمـدن مفعول مطق (جهاداً) و توصیف آن به <کبیراً>، بیانگر گستردگی و بزرگی این جهاد می باشد.

اتحاد رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، گروهی متشکل ، همسو و متحد در برابر پیامبراسلام (ص)

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

برداشت یاد شده، از تعبیر <جند> و <أحزاب> به دست می آید.

اجتناب از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۷ - ۱

۱ - پرهیز از عبادت و اطاعت طاغوت ها و سردمداران کفر و شرک ، از اوصاف مؤمنان و بندگان خالص خدا

و الذین اجتنبوا الطغوت أن یعبدوها

<طـاغوت> در اصل به هر متجاوز و رئیس گمراه گر گفته می شود. این کلمه در قرآن، هم به این معنا آمـده و هم در بت و صنم به کـار رفته است. چنـانچه این واژه در آیه شـریفه در معنـای نخست به کـار رفته باشـد، مقصود از عبادت (أن یعبـدوها) اطاعت خواهد بود. گفتنی است آیه شـریفه درصدد توصـیف مؤمنان و بندگان خالص خداوند است (که از آیات بعد نیز قابل استفاده است).

اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إنّ المنفقين فى الدرک . .. و سوف يؤت اللّه المؤمنين أجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ سوق دادن بیمناکان از حشر و قیامت برای اجتناب از کفر و شرک از اهداف انذار است.

و أنذر به الذين يخافون أن يحشروا إلى ربهم . .. لعلهم يتقون

<یتقون> در این آیه به معنای تقوای اصطلاحی نیست، بلکه با توجه به آیات این سوره که بحث از کفر و تکذیب بود مراد، اجتناب از کفر و تکذیب و گناهانی از این قبیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۴ - ۶

۶ - توصیه شدن مشرکان صدراسلام به این که به خود بیایند و دست از کفر و تکذیب بردارند و خود را چونان جوامع پیشین ، گرفتار خشم و عذاب خدا نسازند .

و إن يكذّبوک فقد كذّبت . .. فأمليت للكفرين ثمّ أخذتهم

بیان سرگذشت اقوام تکذیب گر پیشین برای مردم شرک پیشه صدراسلام که با پیامبر(ص) مبارزه می کردند در واقع نصیحتی بود به آنان مبنی بر این که از سرگذشت پیشنیان عبرت بگیرند و دست از مخالفت بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۴

- ۴

خوف از مقام پرودگار و پرهیز از تکذیب و کفر ، از نمود های بارز احسان و نیک کرداری

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. هل جزاء الإحسن إلاّالإحسن

در آیات پیشین مسأله خوف از مقام پرودگار و پرهیز از تکذیب و کفر به عنوان محور برخورداری از نعمت ها مطرح شده است. احسان اول در آیه شریفه می تواند نظر به آن دو داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۳ - ۵

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، ملزم به ترک کفرِ خویش ، پس از ابلاغ معارف استوار و قوام بخش قرآن به آنان

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه ... فیها کتب قیّمه

اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۷

۷ - خداوند ، بنی اسرائیل (یهودیان و نصرانیان) را از انکار قرآن و کافر شدن به آن ، بر حذر داشت .

و لاتکونوا أول کافر به

ضمیر در <به> می تواند به <ما أنزلت> و یا به <ما معکم> برگردد. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

احساس خطر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۳

۳ - احساس خطر سران کفر و شرک ، از دعوت پیامبراسلام به توحید و نفی شرک و نفوذ آن حضرت در میان توده ها

و اصبروا علی ءالهتکم

فراخواندن مردم به پراکنده شدن از اطراف رسول خدا(ص) و پایداری بر آیین شرک، گویای برداشت یاد شده است.

اختفای کفر

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۱۳

۱۳ تظاهر به دینداری (ایمان) و پنهان کردن کفر و تکذیب دین ، از اوصاف منافقان

مذبذبین بین ذلک

امام رضا(ع) در توضیح آیه فوق فرمود: . .. یظهرون الایمان و یسرون الکفر و التکذیب لعنهم اللّه.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۲۹۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۱.

اختیار در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۳ - ۱۳،۱۸

۱۳ آزادی انسان ها در انتخاب کفر و ایمان به رسالت انبیا ، سُنّت الهی

و لو شاء اللّه ما اقتتل . .. و لکن اختلفوا فمنهم من امن و منهم من کفر

۱۸ ایمان یا کفر ، انتخاب آدمی در برابر روشنگری انبیای الهی

من بعد ما جاءتهم البیّنات . .. و لکن اختلفوا فهمنهم من امن و منهم من کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۲،۱۷

۱۲ کفرورزی مردمان و اختیار کفر از سوی آنان ، خارج از خواست خداوند و سیطره او نیست .

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

بدیهی است که فرمانروایی خداوند بر هستی مترتب بر کفرورزی مردمان نیست ; بنابراین جواب شرط (ان تکفروا) محذوف است و جمله <فان للّه . ..> جانشین و بیانگر آن می باشد ; بر این اساس معنای <و ان تکفروا ...> چنین می شود: تمام هستی و از جمله کفرورزی کافران مملوک خداوند است و خارج از خواست و اراده او نیست.

اختیار انسان ها در انتخاب ایمان و کفر ، برخاسته از علم و حکمت خداوند

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا . .. و کان اللّه علیماً حکیماً

یادآوری علم و حکمت خداوند در ذیل آیه اشاره به این است که تمامی معارف یاد شده در آیه و از جمله آنها اختیار آدمی، عالمانه و حکیمانه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۲ - ۲

۲- ایمان و کفر جن ، به اختیار و انتخاب خود آنان و نه معلول جبر

و من لایجب داعی اللّه

از سیاق این آیات که در آن جنیان تشویق و تهدید شده اند و اجابت و عدم اجابت به خود آنان نسبت داده شده است مطلب بالا استفاده می شود.

ادعای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۲

۲ - سران شرک و کفر ، مدعی نبودن اثری از توحید و یکتاپرستی در آخرین دین الهی (مسیحیت)

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره

<ملّه> در آیه شریفه، به معنای <دین> است و مقصود از قید <الأخره> (پسین) در برابر <اولین> (پیشینیان) که در آیات دیگر آمده دین مسیحیت است. گفتنی است که مسیحیت آخرین دین پیش از اسلام در جزیره العرب بود و کافران نیز از آن آگاهی داشتند.

ارتجاع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۶

۶ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی مرتجع و مخالف نوگرایی و پویایی

فکری و عقیدتی در جامعه

ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره إن هذا إلاّ اختلق

ارزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۹

۹ ایمان و کفر ، ملاک تقسیم بندی جوامع انسانی از نظر قرآن

فاما الذین کفروا . .. و اما الذین امنوا

ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۸ - ۵

۵ ارتداد و ازدیاد کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک

ءامنوا ثم کفروا . .. بشر المنفقین بانّ لهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۵

۵ کفر ، دارای مراحل و مراتب و قابل فزونی و کاهش

الذین یسرعون فی الکفر

استغاثه پیروان رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۵

۵ - فریاد استغاثه پیروان کفرپیشه ، به هنگام مشاهده گرفتاری جلوداران خود به عذاب قهر الهی

حتّی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجئرون

استغفار از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ - کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

لیغفر لنا خطینا

مصداق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر به خداوند و انکار رسالت موسی(ع) است.

استغفار از کفر اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل -

۱۶ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز ، حتی از روی تقیه و ناگزیری ، نیازمند مغفرت الهی است .

إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن . .. إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق، بنابراین نکته است که <إن ربّک . ..> در بیان حال کسانی باشد که به اکراه، اظهار کفر کرده اند; که در این صورت وعده غفران توسط خدا، نشان دهنده نیاز آنان به مغفرت است.

استقامت در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۲،۵

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند .

و اصبروا علی ءالهتکم

<صبر بر آلهه> کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

۵ - سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالهتکم إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۶ - ۱

۱ - سران کفر و شرک از روی استهزا ، از خداوند خواستار شتاب در نزول عذاب ویژه اخروی خود بودند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب

<قطّ> به معنای نصیب و بهره معین و جدا شده است و مقصود از آن در

این آیه، بهره و نصیب کافران از عذاب قیامت می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۷ – ۲

۲ – استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص) ، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

اصرار بر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۹۰ – ۴،۵

۴ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، هرگز موفق به توبه نخواهند شد . *

انّ الذین کفروا . .. لن تقبل توبتهم

بنابراینکه جمله <لن تقبل>، کنایه از عدم توبه آنها باشد; یعنی توبه نخواهند کرد تا پذیرفته شود.

۵ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، گمراهان واقعی هستند .

اولئک هم الضّالّون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۷ – ۵

۵ ارتداد های مکرر و اصرار بر کفر ، در پی دارنده شقاوت ابدی و محرومیت از هدایت الهی است .

إنّ الذین ءامنوا ثم کفروا . .. لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم سبیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۱ – ۳

۳ پافشاری و اصرار اهل کتاب ، بر کفر خویش

و قد دخلوا بالکفر و هم قد خرجوا به

جمله <قد دخلوا بالکفر و هم قد خرجوا به> به این معناست که هیچ نقصانی در کفر آنان حاصل نشد و با همان کفر خارج شدند که با

آن به پیشگاه پیامبر(ص) آمده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۱ - ۲

۲ کـافران قوم شـعیب پس از تمام شـدن حجت الهی بر آنان و اصـرارشان به کفرورزی و مبارزه با شـعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۵ - ۱

۱ برخی از امت های گذشـته حتی پس از پیدایش سـختی های بیدارکننده همچنان بر کفرپیشـگی و بی تقوایی خویش اصـرار ورزیدند .

لعلهم یضرعون. ثم بدلنا مکان السیئه الحسنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۷

۷ کافرانی که بر کفر خویش اصرار ورزند ، مستحق عذاب الهی هستند .

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۶

۱۶- اقوام کـافر ، نه تنهـا در جواب دعوت انبیا سـکوت اختیار کرده و جواب مثبت ندادنـد بلکه به صـراحت کفر خویش را به پیام آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أَرسلتم به

طبق نقل روح المعانی (ج ۱۳، ص ۱۹۴)، از ابوعبیده و اخفش، عبارت <فردّوا أیدیهم فی أفواههم> ضـرب المثل برای کسی است که

جواب مثبت به درخواست نمی دهد و سکوت اختیار می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۱۹

۱۹ - هشدار خداوند به کافران ، درباره نیات ناشایست آنان در انتخاب و پافشاری بر کفر

قالوا بل نتّبع ما وجدنا علیه ءاباءنا . .. إنّ اللّه علیم بذات الصدور

<علیم بـذات الصـدور> در حقیقت، می تواند هشداری باشد به آنان که حقایقی را در درون دل خود مخفی می دارند، ولی در ظاهر، با تعابیری مانند <نتّبع ما وجدنا. ..> آن را توجیه می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفهوم <أکثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۴

۴ - پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أکفره

اصرار بر کفر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۷ - ۴

۴ - پافشاری مردم اَیکه ، بر کفر و انکار رسالت شعیب (ع)

فأسقط علينا كسفًا من السماء إن كنت من الصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پافشارى مردم < ايكه > ، بر تكذيب

شعیب (ع) و انکار رسالت او

فکذّبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم < ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به <اصحاب الأیکه> برمی گردد.

اصرار بر کفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۱۲

۱۲ - اقدام حق ستیزان صدراسلام به انکار صریح قرآن و تورات و تأکید بر کفر خویش نسبت به آن دو

و قالوا إنّا بکلٍّ کفرون

اصرار بر کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

اصرار بر کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۸ - ۱،۲

۱ قوم عاد ، رسالت هود (ع) را نپذيرفتند و به شرك و كفر اصرار ورزيدند .

فإن تولّوا . .. يستخلف ربى قومًا غيركم ... و لما جاء أمرنا نجّينا هودًا

۲ خداوند ، در پى اصرار قوم عاد بر كفر و شرك ، عذابى سخت و سهمگين بر آنان نازل كرد .

و لما جاء أمرنا . .. و نجّينهم من عذاب غليظ

مراد از <أمر> عـذاب نـازل شـده بر قوم عاد است. <عـذاب غليظ> در ذيل آيه بنابر يک احتمال، يعنى دنيوى بودن عـذاب دلالت بر سهمگينى عذاب نازل شده بر قوم عاد دارد.

اصرار بر کفر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

اصرار بر کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۷ - ۶

۶ - اصرار و پافشاری قوم نوح ، بر مواضع کفرآمیز خویش

و أصرّوا

اصرار بر کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) از سر تهدید و هشدار ، از کفرپیشگان لجوج خواست تا همچنان بر مواضع نادرستشان پافشاری کنند .

قل یقوم اعملوا علی مکانتکم

آهنگ آیه شریفه، آهنگی تهدیدآمیز و هشدار دهنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۴

۴ - بیان سرسختی سازش خواهان کافر و باقی ماندن آنان بر مرام خویش تا پایان عمر ، از خبر های غیبی قرآن

و لا أنتم عبدون

ما أعبد

اصرار بر کفر کافران مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۵ - ۲

۲ - خداوند ، با بیان پافشاری کافران عصر بعثت بر کفر و انکار معاد ، انتظار ایمان آوردن آنان را بی فایده خواند و توطئه گری آنها را به پیامبر (ص) گوشزد کرد .

إنّهم يكيدون كيدًا

اصرار بر کفر مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۸

۸ - اصرار و پافشاری مرفهان خوش گذران بر کفر ، در برابر پیام ملاطفت آمیز و توحیدی پیامبران

قال مترفوها . .. قل أوَ لو ... قالوا إنّا بما أرسلتم به كفرون

اصرار بر کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۱

۱ خداوند ، مشرکان و کفرپیشگان را به خاطر پافشاری بر کفر و ناباوری به قرآن ، ملامت و سرزنش فرمود .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

اطاعت از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۸

۸ گروهی از اهل کتاب ، مطیع و فرمانبردار سران کفر و ضلالت

و عبد الطغوت

اظهار لفظی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۶ – ۳،۶،۹

۳- جواز تقیه در دین و اظهار لفظی کفر در شرایط اجبار و اکراه ، با وجود ایمان استوار قلبی

إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن

۶- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط عادی و بدون

اجبار و اکراه ، جایز نیست .

من کفر بالله من بعد إیمنه إلّا من أُکره . .. فعلیهم غضب من الله

۹- ممنوعیت تقیه و اظهار لفظی کفر ، برای کسانی که عمل آنان راه گرایش به کفر را برای دیگران بگشاید . *

و لکن من شرح بالکفر صدرًا

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که <لکن> استدراک از <من أکره> باشد; یعنی، در شرایط اکراه تقیه جایز است مگر برای کسی که تقیه وی موجب شود که مؤمنان دیگر در ایمان سست شوند و به کفر گرایش پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۲،۱۶

۱۲- بر زبان راندن کلمات کفرآمیز ، حتی از روی تقیه و ناگزیری ، نیازمند مغفرت الهی است .

إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن . .. إن ربّک من بعدها لغفور رحیم

برداشت فوق، بنابراین نکته است که <إن ربّک . ..> در بیان حال کسانی باشد که به اکراه، اظهار کفر کرده اند; که در این صورت وعده غفران توسط خدا، نشان دهنده نیاز آنان به مغفرت است.

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله . .. إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن ... إن ربّک للذین هاجروا

اظهار لفظی کفر مسلمانان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عماریاسر) به خاطر فشار های شدید کافران

علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر باللّه من بعد إیمنه إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عماریاسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۷

۷ هجرت در راه خدا ، نشانه دست برداشتن از نفاق و کفر است .

ودّوا لو تکفرون . .. فلا تتّخذوا منهم اولیاء حتّی یهاجروا فی سبیل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ وسعت و گنجایش زمین برای هجرت و گریز از سرزمین فساد و کفر

و قالوا الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۶

۶ - پذیرش معاد و ترک کفر ، فرمان خداوند به همه انسان ها است .

ما أکفره . .. ثمّ إذا شاء أنشره ... ما أمره

از مصادیق بارز <ما أمره> به قرینه آیات پیشین کنار نهادن کفر و پذیرش معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۲ - ۱۴

۱۴ - پیامبر (ص) و قرآن ، برهانی روشن بر لزوم دست کشیدن اهل کتاب و مشرکان از کفر و شرک خویش

حتّی تأتیهم البیّنه . رسول من اللّه یتلوا صحفًا مطهّره

اعراض کافران از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۳ - ۶

۶ - در صورتی که کفرپیشگان محارب یا فتنه انگیز از کفرورزی دست بکشند ، نباید با آنان نبرد کرد .

فإن انتهوا فلا عدون إلا علی الظلمین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که متعلق <انتهوا> کفرورزی باشد.

اغواگری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۲

۱۲ اغواگری سران کفر و شرک و واداشتن دیگران به ضلالت، ادعای دوزخیان پیرو علیه رهبران خویش در پیشگاه خداوند

قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

اقرار به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا بعد إسلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۴ - ۹

۹ - پی بردن و اعتراف بلقیس به گذشته نادرست و کفرآمیز خویش پس از مشاهده یکی دیگر از جلوه های قدرت خارق العاده سلیمان (ع)

فلمّا رأته . .. قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

مطلب یاد شده از آن جا است که ملکه سبا بی آنکه توضیحی اضافی برای او داده شود صرفاً با مشاهده امور شگفتی چون تخت و صحن شیشه ای، بی تأمل اظهار ایمان کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲۳

۲۳ - اعتراف کافران به کفر خویش و سزاوار عذاب بودن خود ، در آستانه ورود به دوزخ

قالوا بلی و لکن حقّت کلمه

العذاب علی الکفرین

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که جمله <لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین> ادامه کلام کافران دوزخی باشد.

اقرار به کفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۴

۱۴ پیروان شیطانها در قیامت به کفرورزی خویش در دنیا اعتراف می کنند.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

اقسام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابوعمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : < الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . . . فاذکرونی أذکرکم و اشکروا لی و لاتکفرون . . . ;

وجه سوم از اقسام کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: . .. فاذکرونی أذکرکم واشکروا لی و لاتکفرون ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۶

۲۶- < عن أبی عبدالله (ع) : . . . و الوجه الخامس من الکفر : کفر البرائه . . . و قال : یذکر إبلیس و تبرئته من أولیائه من الإنس یوم القیامه : < إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:. .. قسم پنچم از کفر [به معنای] بیزاری جستن است ... و خداوند [داستان] ابلیس و بیزاری جستن او در قیامت ، از انسانهای پیروش را یادآور می شود [و سخن شیطان را

بیان کرده] می فرماید: <إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل> ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ – < عن أبی عمرو الزبیری عن أبی عبدالله قال : قلت له أخبرنی عن وجوه الکفر فی کتاب الله قال : الکفر فی کتاب الله علی خمسه أوجه : فمنها کفر الجحود علی معرفه و هو أن یجحد الجاحد و هو یعلم أنّه حق قد استقر عنده و قد قال الله عزّوجلّ : < و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم ظلماً و علوّاً > ;

از ابوعمر زبیری نقل شده که گفت: به امام صادق(ع) عرض کردم: مرا از اقسام کفر که در کتاب خدا آمده است خبر ده؟ فرمود: کفر در کتاب خدا بر پنج قسم است: یکی از آنها کفر انکاری است با وجود شناخت و آن این است که انکارکننده چیزی [از آیات الهی] را منکر شود در حالی که می داند آن چیز حتماً حق است. خداوند عزّوجلّ فرموده است: <و جحدوا بها و استیقنتها أنفسهم ظلماً و علوّاً>...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۴۰ – ۲۸

۲۸ – < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . .الوجه الثالث من الکفر النعم و ذلک قوله تعالی یحکی قول سلیمان < هذا من فضل ربّی لیبلونی ءأشکر أم أکفر . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است:. ..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سخن خداوند متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند:

<...لیبلونی ءأشکر أم أکفر>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۳۳

۳۳ - < عن أبی عبدالله (ع) . . .قال : . . .الوجه الخامس من الکفر کفر البرائه و ذلک قوله عزّوجلّ یحکی قول ابراهیم (ع) < کفرنا بکم . . . > یعنی تبرّأنا منکم . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: قِسم پنجم از کفر، کفر برائت است و این سخن خداوند عزّوجلّ است که از قول ابراهیم(ع) حکایت کرده که [به قوم مشرک خود]گفت: <کفرنا بکم. ..>; یعنی، ما از شما بیزاری جستیم>.

امکان کفر خانواده پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۷

۷- امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

اندوه بر کفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۶ - ۸

۸ تأسف بر کفرورزی و هدایت ناپذیری انسان های عنود و لجوج ، امری نابه جا و بی مورد

لن یؤمن من قومک إلّا من قد ءامن فلاتبتئس بما کانوا یفعلون

انذار از فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۰ - ۱۷

۱۷- خداوند ، مردمان را همواره از فرجام شرک ، کفر و نافرمانی بیم داده و می ترساند .

و نخوّفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۶ - ۱

۱- تنها وظیفه رسولان الهی

، بشارت و انذار مردمان و آگاه ساختن آنان از فرجام کفر و ایمان است .

و ما نرسل المرسلین إلّا مبشّرین و منذرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۸ - ۵

۵ - هشدار به فرجام شوم کفرپیشگی و مبارزه با توحید و یکتاپرستی ، رسالت الهی پیامبر (ص)

و إن جدلوک فقل اللّه أعلم بما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۷ - ۵

۵ - انذار مردم نسبت به فرجام کفر ، دارای اهمیتی خاص در تبلیغ دین

لتنذر أُمّ القری

انذار از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن ، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به

تعبیر <أرأیتم . ..>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

اهمیت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۸

۸ - بیزاری جستن از مظاهر کفر و شرک ، همانند تبرّی جستن از اندیشه کفر ، امری بایسته

كانت لكم أسوه حسنه . .. إذ قالوا لقومهم إنّا برءؤا منكم و ممّا تعبدون

اهميت مبارزه با رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۳۸ - ۶

۶ - لزوم هدف قرار دادن مركز اصلى قدرت كفر ، براى اصلاح توده ها *

و فى موسى إذ أرسلنه إلى فرعون

موسى(ع) مأموريت يافته بود تا مستقيماً با فرعون روبه رو شود و

او را از کفر و حق ستیزی باز دارد و خداوند این حقیقت رابرای ما بازگو کرده است از این نکته مطلب یاد شده احتمال می رود.

اهمیت مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۱۱

۱۱- مبارزه با عوامل گسترش کفر و سرکشی و جلوگیری از رشد آنها لازم است .

فخشینا أن یرهقهما طغیًنا و کفرًا

گرچه کار خضر(ع) عملی مستند به غیب و با اطلاع از اسرار بوده است، ولی حاکی از ضرورت جلوگیری از رشد و گسترش کفر و از بین بردن عوامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۷

۷ - لزوم کار بنیادی ، در ترویج دین و تشکیل امت اسلامی و ضرورت مبارزه با عوامل اصلی کفر و فساد اجتماعی

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

اهمیت نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۵

۵- هجرت ، حرکتی است در جهت حفظ ایمان و رهایی از محیط جبر و حاکمیت کفر .

هاجروا من بعد ما فتنوا

با توجه به ارتباطی که میان این آیه و آیه <من کفر بالله من بعد إیمانه إلاّ من أُکره . ..> وجود دارد که می نمایاند در شرایط دشوار تقیه امری جایز است، اما انسان نباید برای همیشه به اظهار ظاهری کفر تن در دهد; بلکه در صورت امکان باید محیط کفر را ترک نماید، برداشت فوق به دست می آید.

ایجاد اختناق رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶ – ۷

۷ – سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبراسلام (ص)

و انطلق الملأمنهم أن امشوا و اصبروا علی ءالهتکم

پراکنده کردن توده های مردم از اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

ایمان و کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۱ – ۸

۸ رشد ایمان در جامعه ، موجب نفی حضور کفر است .

و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

نیاوردن <لام تعلیل> در <یمحق>، اشاره به این معنا دارد که نابودی کافران پس از خالص شدن مؤمنان صورت می گیرد. یعنی به هر اندازه که مؤمنان از عیب و نقص خالص شوند، به همان مقدار از شوکت کافران کاسته خواهد شد تا به نابودی کشانده شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

بدترین کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا ، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع <صدّ عن سبیل اللّه> مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

بدفرجامی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

بشارت شکست رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۴

۴ - بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بشارت نابودی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- نوید خداوند به نابودی جوامع کفرپیشه و شرکورز و پیروزی اسلام و توسعه قلمرو سرزمین های اسلامی

أفلایرون أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

برخی از مفسران برآنند که مقصود از کاستن زمین و اهل آن به قرینه این که این آیات در باره کافران و منکران قرآن است کاستن از تعداد کافران و افزایش نفرات مسلمانان است. ضمیر غایب در <أفلایرون> و همزه استفهامی انکاری در <أفهم الغالبون> می تواند مؤید همین برداشت باشد.

بهانه جویی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- ص - ۳۸ - ۷ - ۳

۳ - سران شرک و کفر ، نوپیدایی و بی سابقه بودن پیام توحیدی پیامبراسلام را در تاریخ ادیان گذشته ، بهانه ای بر مخالفت خود قرار داده بودند .

ما سمعنا بهذا فی الملّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۳

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است; یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد; پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

بی ارزشی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۳ - ۵

۵ - کفر کافران ، بی ارزش تر از آن است که پیامبر (ص) خود را به آن مشغول و اندوه ناک کند .

و من کفر فلایحزنک کفره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۶ - ۷

۷ - دین کافران ، خالی از هرگونه جاذبه و ارزش

لکم دینکم

بی شعوری رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۳ – ۱۰

۱۰ سردمداران کفر از درک بازگشت آثار توطئه های آنان علیه خودشان ناتوانند.

و ما یمکرون إلا بأنفسهم و ما یشعرون

بی منطقی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۴

۴ - انکار خدای یکتا و کفر به او - با وجود دلیل های آشکار - امری غیر منطقی و شگفت آور است .

کیف تکفرون باللّه و کنتم أموتاً فأحیکم

استفهام در جمله <کیف تکفرون باللّه> استفهامی است که برای ایجاد تعجب ایراد شده است. جمله <و کنتم ...> جمله حالیه و بیانگر علت تعجب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ کفر به خداوند بخشنده نعمت ها و برطرف کننده نیاز ها ، امر شگفت آور و غیر منطقی است .

کیف تکفرون باللّه . .. هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق بر این اساس است که: آیه مورد بحث با صدر آیه قبل در ارتباط باشد.

۱۵ کفر ورزیدن به خداوند دارنده قدرت بی انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگیز و نامعقول است .

کیف تکفرون باللّه . .. هو الذی خلق لکم ... و هو بکل شیء علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا . ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۴ - ۲

۲ کافران هیچ عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن به قرآن و پیامبر (ص) نداشتند .

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین. و ما تسئلهم علیه من أجر

آیه ۱۰۲ عهده دار اثبات حقانیّت قرآن در رسالت پیامبر(ص) بود و آیه ۱۰۳ اشاره به این معنا داشت که قرآن و تعالیم وحی به واسطه پیامبر(ص) به مردم ابلاغ شد. آیه مورد بحث بیانگر این است که هیچ هزینه ای از آنان مطالبه نشد ; یعنی، راه هر عذر و بهانه ای برای ایمان نیاوردن کافران مسدود بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۸۰ - ۱۳

۱۳ - شرک و کفر ، بینشی غیر علمی و مخالف با مبانی عقلی

و هو الذی یحی . .. أفلاتعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۴

۴- راه کفر ، دارای ریشه در هوس ها و فاقد منطق روشن

کمن زیّن له . .. و اتّبعوا أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، هیچ عذر موجه

و قابل قبولی برای گزینش راه کفر خویش ندارند .

یأیّها الذین کفروا لاتعتذروا الیوم

برخی از مفسران نوشته اند: این که به کافران اعلان می شود که عذر نیاورید، به این سبب است که آنان هیچ عذر قابل قبول و منطقی ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۵

۵ - خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الّیل و ما وسق . و القمر إذا اتّسق . لترکبنّ طبقًا عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسمٌ به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

بینش رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵،۱۴

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود: <کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>; ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرک

و قالوا أسطیرالأوّلین .

.. إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۵،۶

۵ - سران کفر و شرک ، صبر و پایداری بر آیین شرک و بت پرستی را ، امری مطلوب و تکلیف دینی خود می دانستند .

و اصبروا علی ءالهتکم إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که <هذا> به صبر اشاره داشته و مقصود از <یراد> (خواسته شده) اقتضای اعتقاد به آیین شرک باشد.

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را ، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود; زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۱

۱ - سران کفر و شرک ، پیام توحیدی پیامبراسلام را ، سخنی نو ظهور و بی سابقه می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۸ – ۲

۲ – پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هرگونه ملاک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أءنزل علیه الذکر من بیننا

همزه در <أءنزل> برای استفهام انکاری است و قید <من بیننا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

پاداش اجتناب از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

پشیمانی از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۲،۴

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

پلیدی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ –

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

پوچی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۱ - ۳،۵

۳ عقاید و باور های کفرپیشگان ، بافته هایی است دروغین و بی اساس .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

۵ کافران ، به پوچی و بی اساس بودن بافته های دروغین و عقاید واهی خویش ، پی خواهند برد .

و ضلّ عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

<سوّل> به معنای وارونه نمایانـدن واقعیت ها است; یعنی، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است; ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

پیشتازان در کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال الملأ

الذین کفروا

پیشگویی شکست رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۱

۱ – پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشینه کفر به رسولان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۷

۷ – توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۷

۷ – توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

پیوند با کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر

آن

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

تاریخ کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۹ – ۱

۱ خط نفاق و کفر ، دارای پیشینه در میان امت های گذشته

وعد اللّه المنفقین و المنفقت . .. کالذین من قبلکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۴ – ۴

۴– اندیشه کفر و شرک ، دارای سابقه طولانی در سرزمین مکه

عن ذکر ربّهم معرضون . أم لهم ءالهه ... بل متّعنا هؤلاء و ءاباءهم حتّی طال علیهم

از این که خداوند، پدران و اجداد مردم مکه را جزء اعراض کنندگان از خدا و بهره مندان از متاع های دنیوی و عمری طولانی برشمرده، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۸۲ – ۳

۳ – انکار معاد ، دارای دیرینه ای عمیق در طول تاریخ کفر و شرک

بل قالوا مثل ما قال الأوّلون . قالوا أءذا متنا... أءنّا لمبعوثون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۱۰ – ۴

۴– کفر و عواقب شوم آن ، دارای پیشینه و نماد های بسیار در گذشته تاریخ

فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

تبری از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۸ – ۴

۴ – امتنان الهی بر مؤمنان ، به سبب افکندن محبت ایمان و بیزاری از کفر در قلب آنان

و لکنّ اللّه حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه

إلیکم الکفر ... فضلاً من اللّه و نع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۶ – ۱

۱ – دین کافران برای پیامبر (ص) ، غیر قابل پذیرش بود .

لکم دینکم

درباره مفاد این آیه سه بیان وجود دارد: ۱. من دین شما را نخواهم پذیرفت و شما هم دین من را نمی پذیرید; بنابراین، سازش من و شما امکانپذیر نیست و درگیری تبلیغاتی ادامه خواهد یافت (برداشت های یکم تا چهارم، ناظر به این معنا است); ۲. شما به راه خود بروید و من هم به راه خود می روم، نه شما به من کاری داشته باشید و نه من به شما کاری دارم (برداشت های پنجم و ششم، ناظر به این مفاد است); ۳. دین شما لایق خود شما است و دین من شایسته خود من است; نه شما زیبنده دین من هستید و نه دین شما زیبنده من است (برداشت های هفتم و هشتم، این معنا را می رساند).

تبیین کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۲ – ۱

۱– پیامبر (ص) موظّف به استفاده از تمثیل و ترسیم نمای کفر و ایمان در غالب گفتوگوی کشاورزی رفاه مند با هم صحبتی کم ثروت شد .

و اضرب لهم مثلاً رجلین

تحیّر در کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۳ – ۱،۶

۱ منافقان ، متحیر و سرگردان میان کفر و ایمان

مذبذبین بین ذلک لا إلی هؤلاء و لا إلی هؤلاء

<ذلک> اشاره به ایمان و کفر

است. <مذبذب> به شییء معلق گفته می شود که دایم به این سو و آن سو حرکت می کند و استقراری ندارد.

۶ تحیر و سرگردانی میان کفر و ایمان ، گمراهی است .

مذبذبین . .. و من یضلل اللّه فلن تجد له سبیلا

تداوم کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۴ - ۵

۵ - بروز اختلاف در میان امت های پیشین ، با وجود دستیابی آنان به کتاب آسمانی و برهان ، نمونه ای از انفکاک ناپذیری برخی کافران از مرام خویش ; حتی با پی بردن به تضاد آن با برهان

لم یکن . .. منفکّین ... حتّی تأتیهم البیّنه ... و ما تفرّق... إلاّ من بعد ما جاء

تداوم کفر همسر ابو لهب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مسد - ۱۱۱ - ۴ - ۱۲

۱۲ - کافر ماندن همسر ابولهب تا آخر عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا . .. و امرأته حمّاله الحطب

تسلیم و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۰ - ۶

۶ ناسازگاری تسلیم در برابر خدا ، با کفر (اعتقاد به ربوبیّت غیر خدا)

ایأمرکم بالکفر بعد اذ انتم مسلمون

تشبیه کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۰ – ۲

۲ – ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۱ - ۱

۱ - ایمان چون سایه ، آرام بخش و فرح زا است و کفر چون بادِ داغ ، آزاردهنده و ناراحت کنند .

و لا الظلّ و لا الحرور

<ظلّ> به معنای سایه و <حرور> به معنای باد داغ است. گفتنی است در این آیه، ایمان به سایه تشبیه شده است و کفر به باد داغ.

تشویق به اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۶

۶ - خداوند ، کافران را به بازگشتن از کفر ، پیش از پایان یافتن مهلت شان ، تشویق کرده است .

قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم و لا هم ینظرون

تشویق به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۹

۹- ممنوعیت تقیه و اظهار لفظی کفر ، برای کسانی که عمل آنان راه گرایش به کفر را برای دیگران بگشاید . *

و لکن من شرح بالکفر صدرًا

برداشت فوق، بر این احتمال استوار است که <لکن> استدراک از <من أکره> باشد; یعنی، در شرایط اکراه تقیه جایز است مگر برای کسی که تقیه وی موجب شود که مؤمنان دیگر در ایمان سست شوند و به کفر گرایش پیدا کنند.

تعدد راه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۹ - ۱۳

۱۳ – راه خداوند ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

لیخرجکم من الظلمت إلی النور

برداشت یاد شده، از استعمال <ظلمات> به صورت

جمع و <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۱۱ - ۸

۸ - راه خدا ، واحد و یگانه و راه کفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

من الظلمت إلى النور

مطلب یاد شده، با توجه به کاربرد <ظلمات> به صورت جمع و واژه <نور> به صورت مفرد به دست می آید.

تعدد راههای کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۹

۹ کفر و گمراهی دارای رشته ها و صورتهای مختلف و گوناگون است.

و جعلنا له نورا . .. مثله فی الظلمت

جمع آوردن <ظلمات> ممکن است جهت عنایت به این نکته باشد که گمراهی دارای یک شعبه نیست بلکه انواع و اقسام مختلفی و متعددی دارد.

تعقل در روش مبارزه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۱،۲،۳

۱ خداوند ، پیامبر (ص) را به اندیشه و تحلیل در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و رسالت آن حضرت ، فراخواند

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

۲ ضرورت اندیشه در چگونگی و شیوه های مخالفت و مبارزه سران کفر و شرک با قرآن و پیامبراسلام (ص) و تحلیل عمیق آن برای رهبران جامعه اسلامی

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، امری شگفت آور و در خور تأمل و

اندیشیدن

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

<کیف> اسم استفهام است; ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

تفکر در فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۳

۳- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلّوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تقدیر عذاب رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۱

۱ - برای بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، عذاب الهی مقرر شده بود .

لقد حقّ القول علی أکثرهم

<حقّ> به معنای <ثبت> است و مقصود از <قول> عذاب الهی می باشد. این مطلب به قرینه دیگر آیاتی است که در آن واژه ای مشابه <قول> به کار رفته است مثل <و لکن حقّت کلمه العذاب علی الکافرین>(زمر، آیه ۷۱). گفتنی است مقصود از اکثریت در آیه شریفه به دلیل این که این آیه در نیمه نخست رسالت و در مکه نازل گشت آن دسته از مشرکان و کافرانی است که در ابتدای دعوت اسلام به مخالفت با آن برخاستند (مانند سران قریش، چون ابوجهل و ابولهب); نه اکثریت توده مردم که پس از چندی مسلمان شدند.

تکبر رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - سران کفر و شرک ، در اوج غرور و ناباوری نسبت به معاد و حسابرسی الهی به سر می بردند .

و قالوا ربّنا عجلّ لنا قطّنا قبل یوم الحساب

از استهزای معاد به وسیله کافران و درخواست شتاب در نزول عذاب قیامت، برداشت یاد شده به دست می آید.

تنزیه از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۲

۲ - ساختار وجودی انسان و مراحل پیدایش او ، فاقد زمینه آلودگی به کفر و گناه است .

الذی خلقک فسوّیک فعدلک . فی أیُّ صوره ما شاء رکّبک . کلاّ

حرف <کلاّ> به قرینه آیات پیشین ممکن است برای رفع این توهّم باشد که زمینه کفر و گناه، در وجود کافران و گنه کاران نهاده شده است; یعنی، با آن تسویه، تعدیل و ترکیب، جایی برای این توهّم نمی ماند; بلکه علت گناه و کفر به خداوند را باید در تکذیب کیفرهای اخروی جست و جو کرد.

تنفر از رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۴

۴ - پیشوایان کفر ، مورد تنفر و انزجار خلایق در روز قیامت

و یوم القیمه هم من المقبوحین

مفسران برآنند که <مقبوح> از ریشه <قبح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح>; یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

تنوع کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱ – ۱۰

۱۰– راه خدا ، واحد و یگانه و راه

كفر و ضلالت ، متعدد و گوناگون است .

لتخرج الناس من الظلمت إلى النور

برداشت فوق با توجه به استعمال <ظلمات> به صورت جمع و <نور> به صورت مفرد استفاده می شود.

توبه از كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۷ - ۱

۱ - توبه از كفر و شرك و گرايش به ايمان ، توصيه خداوند به مشركان

فأمّا من تاب و ءامن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱۵

۱۵ - توبه و بازگشت از گناهِ كفر و شرك ، مورد پذيرش خداوند

و أنا أدعوكم إلى العزيز الغفّر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۰ - ۶

۶ - توبه و استغفار از كفر و گناه هر چند بسيار و پيوسته باشد مورد پذيرش خداوند است .

استغفروا ربّكم إنّه كان غفّارًا

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه قوم نوح، به مدت طولانی كافر و گناه پيشه بودند; اما نوح(ع) آنان را پيوسته به استغفار فرامی خواند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - رهایی اصحاب اخدود از آتش جهنم ، تنها در صورتی امکان پذیر است که از کفر خویش توبه کرده باشند .

ثمّ لم یتوبوا

سیاق آیه شریفه، گرچه قرینه است بر این که متعلق <لم یتوبوا> فتنه گری و سوزاندن مؤمنان است; ولی آیه بعد، می تواند قرینه باشد که مراد از توبه، روی آوردن به ایمان و عمل صالح است و نیز توبه

از شکنجه مؤمنان، زمانی توبه به درگاه خداوند است که شخص منکر او نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۵ – ۴

۴- بازگشت از شرک و کفر (توبه) برای کافران و مشرکانی که هلاکتشان مقدر شده ممکن نیست .

و حرم علی قریه أهلکنها أنّهم لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <لا> در <لایرجعون> زایده و مقصود از رجوع، بازگشت از کفر و شرک باشد.

توجیه ناپذیری کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۰ – ۲

۲ – کفر کافران با وجود آسانی راه هدایت ، توجیه ناپذیر است .

ما أکفره . .. ثمّ السبیل یسّره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۱

۱ – کفر به خداوند ، با آن که هدایت و مرگ و قیامت انسان به دست او است ، توجیه ناپذیر و مطرود است .

قتل الإنسن ماأکفره . .. کلاّ

حرف <کلاّـ>، یا به معنای <حقّا> و تأکید ما بعد است و یا برای ردع و زجر از چیزی است که در جملات قبلی، از آن سخن به میان آمده بود، در صورت دوم مفاد آن در این آیه، باز داشتن از کفرورزی است.

توصیه های رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶ – ۲

۲ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مردم را به صبر و پایداری بر آیین شرک و مواضع عقیدتی خود فرامی خواندند .

و اصبروا علی ءالهتکم

<صبر

بر آلهه> کنایه از پایداری بر پرستش معبودها و ادامه آن است.

توطئه رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۳ – ۱۰

۱۰ سردمداران کفر از درک بازگشت آثار توطئه های آنان علیه خودشان ناتوانند.

و ما یمکرون إلا بأنفسهم و ما یشعرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۷

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تهمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعه صدراسلام بودند .

و قال الظلمون إن تتّبعون إلّا رجلاً مسحورًا

از جمله <إن تتّبعون إلّا. ..; پیروی نمی کنید مگر...> استفاده می شود که دو گروه در جامعه بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶ – ۱

۱ – رفتن سران شرک و کفر از حضور پیامبر (ص) و تحریک دیگران به پراکنده شدن از اطراف آن حضرت

و انطلق الملأ منهم أن امشوا

<انطلاق> به معنای انصراف و رفتن و <ملأ> به معنای سران و دانه درشتان جامعه است. <أن> در <أن امشوا> تفسیری و متضمن معنای قول است; یعنی، <انطلقوا و قالوا امشوا...>. مفسران گفته اند: آیه شریفه درباره کسانی نازل شده که در مجلس ابوطالب و با حضور پیامبراسلام شرکت داشتند; ولی پس از دعوت پیامبر(ص) به یگانه پرستی، آن مجلس را ترک کردند و دیگران را به پراکنده شدن از

اطراف آن حضرت تحریک نمودند.

تهدید رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۹

۹ - سران کفر و شرک در عصر بعثت ، مورد تهدید خداوند به عذاب استیصال

بل لمّا یذوقوا عذاب

برداشت یاد شده از لحن تهدیدآمیز آیه شریفه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۵

۵ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، به کیفر و عذاب استیصال تهدید شدند .

إن کلّ إلّاکذّب الرسل فحقّ عقاب

این آیه و آیات گذشته که سرگذشت هلاکت بار اقوام بزرگ و مقتدر پیشین را یادآور شده در واقع در جهت تهدید کافران و مشرکان مکه است که رهبری جریان مخالف با رسول اکرم(ص) را در دست داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۱

۱ - تهدید سران کفر و شرک عصر بعثت ، به عذاب ناگهانی (بانگ سهمگین) از سوی خداوند

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

<ینظر> (از مصدر <نظر>) به معنای <انتظار> است و مقصود از <صیحه> عذاب استیصال می باشد که ممکن است به صورت صاعقه و بانگ سهمگین باشد. آمدن کلمه <واحده> نیز برای اشاره به ناگهانی و یکباره بودن نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۵

۵ – تهدید شدن سران کفر و شرک در صدراسلام ، به مؤاخده شدن همچون مؤاخذه فرعون

إنّا أرسلنا إليكم رسولاً شهدًا عليكم . .. فعصى فرعون الرسول

فأخذنه أخذًا وبيلا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، مورد تهدید خداوند به عذاب و شکست

ذرنی و من خلقت وحیدًا

تهمتهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۷،۱۲

۷ سران کفر و شرک ، سازندگان تهمت و افترا بر پیامبر (ص) و تخریب گران افکار عمومی جامعه صدراسلام بودند .

و قال الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

از جمله <إن تتّبعون إلاّ. ..; پیروی نمی کنید مگر...> استفاده می شود که دو گروه در جامعه بودند: ۱ گویندگان این سخن، ۲ مخاطبان و پیروان. و به قرینه صفت <الظالمون> می توان گفت که: <گویندگان از سران کفر و شرک بودند>.

۱۲ تهمت سحر زدگی ، آخرین توجیه و حربه سران کفر و شرک علیه پیامبر (ص)

و قال الظلمون إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

سران کفر و شرک، به ترتیب چند تهمت و افترا را علیه پیامبر(ص) مطرح کردند که اولین آن، تهمت دروغ گویی به آن حضرت و خدشه در اصالت وحی بود. آخرین آن نیز تهمت سحرزدگی به ایشان بود. در تاریخ آمده است که گویندگان این سخن عتبه بن ربیعه، ابوسفیان و ... بوده اند که از سران شرک و کفر به شمار می آمدند. بنابراین آنچه در تاریخ آمده، مؤید دیگری برای برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۶ - ۶

۶ - سران شرک و کفر ، هدف و

انگیزه پیامبراسلام (ص) از دعوت به یکتاپرستی را ، دستیابی به ریاست و آقایی بر دینداران می دانستند .

أجعل الألهه إلهًا وحدًا . .. إنّ هذا لشیء یراد

برداشت یاد شده، براساس این دیدگاه است که <هذا> اشاره به یکتاپرستی و نفی آیین شرک (مضمون دعوت پیامبراسلام) باشد و مقصود از <شیء یراد> سیادت و آقایی بر مردم باشد که در نگاه سران کفر، هدف و آرزوی پیامبراسلام بود; زیرا با یکی شدن پرستش ها، قهراً آن حضرت رهبری امت یکتاپرست را به عهده می گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷ - ۴

۴ - سران کفر و شرک ، کلام توحیدی و یکتاپرستی رسول خدا را ، سخنی دروغ و ساختگی می پنداشتند .

إن هذا إلّا اختلق

مقصود از واژه <اختلاق> هنگامی که در وصف کلامی آورده شود سخن ساختگی و دروغی است که سابقه نداشته باشد.

جادو و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۷،۲۸،۳۴

۷ - به کارگیری سحر گناهی بزرگ و به منزله کفر است .

و ما کفر سلیمن

چنانچه گذشت، مراد از جمله فوق نفی جادوگری از سلیمان است. ولی از آن جا که از جادوگری به کفرورزی، تعبیر شده، به دست می آید که: جادوگری خود نوعی کفر است و یا گناهی است به منزله کفر.

۲۸ - جدایی انداختن بین زن و شوهر به وسیله سحر ، گناهی در حد کفر است .

إنما نحن فتنه فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه

۳۴ - رساندن زیان

به مردم با اعمال سحر و نیز آموختن آن به انگیزه مفسده جویی ، حرام و گناهی در حد کفر است .

فلا تکفر فیتعلمون منهما ما یفرقون به بین المرء و زوجه . .. و یتعلمون مایضرهم و ل

جایگاه درک زشتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۹

۱۹ - قلب ، جایگاه ادراک و اساس زیبایی ایمان و زشتی کفر

و زیّنه فی قلوبکم و کرّه إلیکم الکفر

جرم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۴ - ۲

۲ - سردمداران شرک و کفر و توده های کافر و مشرک ، در پیشگاه عدل الهی مجرم اند .

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

مقصود از <مجرمین> دو گروه پیشوایان شرک و توده های مشرک اند که در آیات پیشین از آنان سخن به میان آمد.

جرم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۹ - ۴

۴ - کفر ، جرم است و کافران مجرم اند .

و امتزوا الیوم أیّها المجرمون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند کافران را که در آیات پیشین از آنان سخن گفته شده با لفظ <مجرمان> خطاب کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۵ – ۶

۶ – کفر و شرك ، جرم است و کافران و مشرکان از تبهکاران اند .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

از مقابله مجرمان با مسلمانان به دست می آید که مقصود از آن، کافران و مشرکان است.

جنگ

با رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۳ – ۲

۲ تشویق و تشجیع مسلمانان به پیکار با سران شرک و کفر

فقتلوا أئمه الکفر . .. ألا تقتلون قوماً نکثوا أیمنهم و همّوا بإخراج الرسول

جهاد با رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲ – ۸،۱۱،۱۲

۸ خداوند ، مسلمانان صدر اسلام را به پیکار با سران و پیشوایان شرک و کفر ، در صورت نقض پیمان صلح از سوی آنان ، فراخواند .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

۱۲ پیکار با سران شرک و کفر ، به منظور وادار کردن آنان به رعایت عهد و پیمان و بازداشتن ایشان از ضربه زدن به اسلام و مسلمانان است .

و إن نکثوا أیمنهم . .. فقتلوا أئمه الکفر ... لعلهم ینتهون

جهل رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۱۸،۱۹

۱۸ سران کفر و شرک و پیروان آنان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب یکدیگر

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

مفعول <لاتعلمون> به قرینه <لکل ضعف>، ان لکل ضعفا است.

۱۹ سران شرک و کفر و پیروانشان، بی خبر از مضاعف بودن عذاب خویش

لکل ضعف و لکن لاتعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که سران شرک نیز، همچون پیروان آنان، مخاطب <لاتعلمون> باشند.

حامیان کفر در دوران نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۱ – ۱۲

۱۲ – قدرت اقتصادی و سیاسی صاحبان زر و زور در عصر نوح (ع) ، در خدمت کفر و شرک و علیه دعوت توحیدی آن حضرت بود .

قال نوح ربّ إنّهم عصونی و اتّبعوا من لم یزده ماله وولده إلاّ خسارًا

حتمیت عذاب رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۴ – ۳

۳ – اشتراک عذاب و کیفر رهبران شرک و کفر و توده های مشرک و کافر ، وعده حتمی خداوند

إنّا کذلک نفعل بالمجرمین

حتمیت کیفر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۷ – ۹

۹ کفر و تکذیب دین ، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است .

فقد کذّبتم فسوف یکون لزامًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۷ – ۳

۳ – کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا و لنجزینّهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۲

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلّا أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علیهم القول

حتمیت گمراهی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهیِ گریز

ناپذیر سران کفر و شرک ، پیامد برخورد های عناد آلود و بهانه جویانه آنان با قرآن و پیامبر (ص)

إن هذا إلّا إفک. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلّا رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> برای سببیت و در <فلایستطیعون> تفسیریه است; یعنی، برخوردهای عناد آلود کافران با پیامبر(ص) سبب گمراهی آنان بود و این گمراهی، موجب نیافتن راهی برای گریز از آن گردید.

حرمت تأیید کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۲

۲ حرمت انجام هر گونه عملی که مایه تأیید کفر و نفاق و تقویت کافران و منافقان محارب و زمینه زیان و تفرقه مؤمنان باشد .

و الذین اتخذوا مسجداً . .. لا تقم فیه أبداً

حق ستیزی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ، آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

حق ناپذیری اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق

ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

حق ناپذیری رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران کفر و شرک در صدراسلام ، مردمی لجوج و حق ناپذیر بودند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا یذوقوا عذاب> (بلکه هنوز عذاب مرا نچشیده اند) کنایه از این نکته است که آنان آن چنان در شک و تردید نسبت به قرآن به سر می برند و زیر بار رسالت پیامبراسلام(ص) نمی روند که تنها با چشیدن عذاب الهی دست از مخالفت برمی دارند و به سخن حق تن در می دهند. این نکته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذیری آنان است.

حقیقت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من کان میتا فأحیینه . .. کمن مثله فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۸

۸ کفر ، ستمگری است و کفر پیشگان ستمگرند .

و قیل بعدًا للقوم الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱،۳

۱- کافران ، کسانی اند که با کفر خود ، به خویش ستم می

کنند .

الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

<الذین> صفت <الکافرین> و <ظالمی> حال برای آن است. مراد از <ظالمی أنفسهم> به قرینه لفظ <الکافرین> ظلم کنندگان به خود با انتخاب کفر است.

۳- کفر ، ظلم به نفس است .

الکفرین . الذین ... ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۳ - ۹

۹- کفر به وحی و کتاب های آسمانی ، ظلم به خویش است .

هل ینظرون إلّا أن تأتیهم الملئکه أو یأتی أمر ربّک کذلک فعل الذین من قبلهم و ما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱۱

۱۱- اسلام و کفر ، تنها به زبان و گفتار نیست .

من کفر بالله من بعد إیمنه إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن و لکن من شرح با

از آن جایی که خداوند کسانی که به زبان کافر شوند ولی قلباً مؤمن باشند را، از زمره کافران نشمرده و بلکه آنان را مؤمن دانسته است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم . .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۹ – ۳

۳ – کفر ، ضلالت و گمراهی است .

و قال الذین کفروا . .. الذین أضلّانا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

حقیقت کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۵

۵- کفر به آیات و رسولان الهی ، در حقیقت ، ریش خند کردن و تمسخر آنها است .

بما کفروا واتخذوا ءایتی و رسلی هزوًا

تمسخر آیات و رسل از سوی کافران، به دو گونه تصور می شود: ۱ تمسخر با زبان و قلم و مانند این ها B۲ تمسخری که از عمل و برخورد کلّی با پیامبران و آیات الهی انتزاع می شود. به عبارت دیگر، ممکن است که کسی، هیچ تمسخر لفظی نسبت به آیات و رسولان ابراز نکند، ولی نحوه برخورد او با آن ها، به گونه ای باشد که گویا هیچ حقیقتی برای آنان قائل نبوده و آن ها را در بینش خود صرفاً، مسخره بپندارد.

خدا و کفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۲،۷

۲- بنی اسرائیل می پنداشتند خداوند از ایمان و یا کفر آنان بهره مند می شود یا زیان می بیند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

۷- بی نیازی و ستودگی خداوند ، دلیل زیان ندیدن او از کفر مردم

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<فإن الله لغنی حمید> در مقام تعلیل جزای شرط محذوف است . در این صورت، معنا چنین می شود: چون خداوند بی

نیاز است، کفران شما به او ضرری نمی رساند.

خضوع رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴ - ۴

۴ - قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ . .. فظلّت أعنقهم لها خضعین

برخی بر آننـد همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>; یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

خطر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۶

درخواست شغل از حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

دشمنی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک ، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام ، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند .

و قالوا أسطیرالأوّلین . .. مالِ هذا الرسول یأکل الطعام ... إن تتّبعون إلاّ رجل

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتنی است تعبیر <ضربوا لک الأمثال; برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند> در آیه بعد، مؤید

همین برداشت است.

دعوت به اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۶ - ۳

۳ پیامبر (ص) فراخوان مردم به ایمان و ترک کفر برای دستیابی به رحمت و سعادت دنیا و آخرت

یستعجلونک بالسیئه قبل الحسنه

<ال> در <الحسنه> عهد ذهنی است و اشاره به نویدهایی دارد که پیامبر(ص) به اهل ایمان ابلاغ می کرد و به قرینه مقابله آن با <السیئه> دوری از عذاب دنیا و آخرت و رسیدن به آسایش و سعادت در دنیا و آخرت است.

دعوت به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۱

۱ - مردم مصر (قبطیان و فرعونیان) ، مؤمن آل فرعون را به کفر و شرک به خدا فراخواندند .

تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به

دعوت به کفر ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۴۰ - ۶

۶ - بشارت و انذار در کنار یکدیگر ، از شیوه های قرآن در دعوت به تقوا و مبارزه با کفر

إنّ للمتّقین مفازًا . .. إنّا أنذرنکم عذابًا قریبًا

دعوت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرك و كفر با دعوت پيروانشان به چشيدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت مى كنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما كنتم تكسبون

<ال> در كلمه <العذاب> عهد ذكرى است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد كه از <لكل ضعف> استفاده مى شود.

دلایل اجتناب از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۶

۶ - الهی بودن قرآن ، دلیل ضرورت پرهیز از کفر ورزی به قرآن و پست بودن هر چیزی در مقابل از دست دادن آن ، است .

أن یکفروا بما أنزل اللّه

تعبیر کردن از قرآن به <ما> و توصیف آن به <أنزل اللّه> بیانگر علت و دلیل حکمی است که در فراز قبل بیان شد; یعنی، چون قرآن کتابی است نازل شده از جانب خدا، کفر به آن موجب می شود هر چیزی که در مقابل از دست دادن آن دریافت شود، پست باشد.

دلایل کفر اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۱

۱ سرگذشت اقوام تکذیب کننده پیشین ، شاهد صدق این ادعاست که محکومان به عذاب استیصال ، توفیق ایمان آوردن را تا لحظه وقوع عذاب از دست خواهند داد .

إن الذین حقت علیهم کلمت ربک لایؤمنون . .. فلولا کانت قریه ءامنت فنفعها إیمنها

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل، جمله <فلولا کانت قریه آمنت>، می تواند جواب برای شرط مقدر باشد و تقدیر آن چنین می شود: <إن کنت فی شک من هذا فلولا کانت . ..>; یعنی، اگر در این مطلب (کسانی که از سوی خداوند محکوم به عذاب استیصال شوند تا لحظه وقوع عذاب، ایمان نخواهند آورد) تردید دارید، پس بگویید: چرا و به چه دلیل، اقوام تکذیب کننده پیشین تا لحظه وقوع عذاب ایمان نیاوردند؟

دلایل کفر مخالفان انبیا

جلد - نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۲

۲- بشر بودن رسولان الهی ، تنها دستاویز عمده برای بهانه جویی های مخالفان کافر و مشرک جهت ایمان نیاوردن به آنان

و قالوا لن نؤمن لک حتی . .. إلّا أن قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

دلایل کفر مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۴ – ۳

۳- تنها دستاویز مشرکان مکه برای ایمان نیاوردن به پیامبر اسلام (ص) ، بشر بودن آن حضرت بود .

قالوا أبعث الله بشرًا رسولاً

دلایل کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۲۱

۲۱ – کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۲ – ۱۲

۱۲ – گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل ... و لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءکم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضـمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علینا).

دلایل کفر یهود به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۱ – ۷

۷ – نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

ذکر پیشینه کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۷

۷ – توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

ذکر فرجام شوم کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۶ – ۵

۵ – توجه به فرجام شوم کفر ، مانع گرایش انسان به آن و عامل دلگرمی مؤمنان

یوم لایغنی . .. و لا هم ینصرون

آیه شریفه تهدیدی برای کافران و دلجویی برای اهل ایمان در قبال حق ستیزی کفرپیشگان است.

ذلت رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴ – ۴

۴ – قدرت خداوند بر به خضوع کشاندن سردمداران کفر در برابر خویش

إن نشأ . .. فظلّت أعنقهم لها خضعین

برخی بر آننـد همان گونه که به بزرگ قوم <رأس القوم> و <صدرالقوم> گفته می شود، <عنق القوم> نیز گفته می شود بنابراین <أعناقهم>; یعنی، <سادتهم>. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

راههای تنبه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران کفر و شرک ،

آن چنان لجوج و حق ستیز بودند که تنها نزول عذاب ناگهانی پایان بخش تکذیب آنان بود .

و ما ینظر هؤلاء إلّا صیحه وحده

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که مقصود از این که کافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگین هستند، بیان این حقیقت است که آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پایان عمر پای می فشرند و به حقیقت اسلام تن درنمی دهند.

رجعت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۵

۵ - رجعت داده شدگان هر امت ، متشکل از سردمداران کفر

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا

با توجه به این که <من> در عبارت <من کلّ أُمّه> برای تبعیض است، به مناسبت مورد احتمال می رود که آن بعض، پیشوایان کفر باشند.

روش اضلال رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۲

۲- سران کفر و شرک ، برای منحرف کردن مردم از مسیر خدا و توحید ، به ساختن شبیه و مانند برای خداوند روی آوردند .

أحلّوا قومهم دار البوار . .. و جعلوا لله أندادًا لیضلّوا عن سبیله

از سیاق این آیه و آیات قبل استفاده می شود که درباره سران کفر و شرک است . زیرا مبتلاـ کردن مردم به سرنوشت و جایگاه شوم (و أحلّوا قومهم دار البوار) و نیز مانند درست کردن برای خدا و اضلال مردم از راه خدا (و جعلوا لله أنداداً لیضلّوا عن سبیله) کار رهبران و سران کفر و شرک است.

روش اغواگری رهبران کفر

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۸ - ۵

۵ - استفاده از قدرت و تظاهر به خیرخواهی ، از روش های پیشوایان کفر و شرک برای فریب و گمراهی توده ها

قالوا إنّکم کنتم تأتوننا عن الیمین

روش برخورد رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۶ - ۶

۶- استفاده از احساسات و عقاید دینی مردم و تحریک آنان علیه پیامبر (ص) ، از شیوه های سران شرک و کفر در برخورد با آن حضرت

أهذا الذی یذکر ءالهتکم

از این که کفار مکه، مردم را مخاطب خود قرار داده و <آلهتکم> گفته اند و نه <آلهتنا> استفاده می شود که آنان از احساسات و عقاید مردم علیه پیامبر(ص) بهره می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۲

۲ - استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء علیه اسلام و پیامبر (ص) ، کار همیشگی و روش سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

آمدن فعل <یقولون> به صورت فعل مضارع، دلالت بر استمرار این گفتار دارد.

روش تشخیص کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۱۲

روش مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۴

۱۴- اخطار و هشدار به سرنوشت شوم کافرانِ دنیاطلب ، روشی برای بازداشتن از کفر و دنیاطلبی

ربما یودّ الذین کفروا . .. ذرهم یأکلوا و ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۵ – ۵

۵ – تبلیغ دین و دفاع صریح و قاطعانه از مواضع عقیدتی خود در محیط خفقان آور و پرخطر کفر و شرک ، باید پس از طی مراحلی چون دفاع غیرمستقیم و برخورد دلسوزانه با مخالفان و . . . انجام گیرد .

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. و مالی لا أعبد الذی فطرنی ... ءأتّخذ من دونه ءال

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنّی آمنت بربّکم. ..> که آخرین کلام مؤمن انطاکیه با مردم است در مقام نتیجه گیری و بیان هدف نهایی او از مجموعه سخنانی است که در ضمن پنج آیه پیش بیان شده است. بدین صورت که او در ابتدا سخن خود را با لحنی خیرخواهانه و نرم آغاز کرد و در پایان با زبان صریح و قاطعانه، مواضع عقیدتی خود را اظهار داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۰ – ۴

۴– انسان بی اتکا به پروردگار ، ناتوان از مبارزه با ظلم و کفر

و إنّی عذت بربّی و ربّکم

موسی(ع) با این که در سیر دعوت به توحید و رهایی بندگان برای رفع استثمار و ترویج توحید، از <سلطان مبین> برخوردار بود; با این حال خویش را در برابر هجوم دشمنان نیازمند به حمایت و امداد پروردگار می دید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۳ – ۴

۴– لزوم توجه مؤمنان به ابعاد حفاظتی در مبارزه خویش علیه کفر

فأسر . .. لیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۶ – ۱۹

۱۹– ایجاد مصونیت و مقاومت روحی در مؤمنان ، شایسته ترین شیوه برای مقابله با هجوم کفر و جهل *

فی قلوبهم الحمیّه . .. و ألزمهم کلمه التقوی و کانوا أحقّ بها و أهلها

خداوند، در قبال خشم و تعصب جاهلی مشرکان، در مؤمنان روح آرامش و مقاومت را تقویت کرده است. از این مطلب استفاده می شود که در تعارض قوای کفر و ایمان، شایسته ترین و ممکن ترین راه، ایجاد مصونیت و مقاومت در جبهه مؤمنان است.

روش مبارزه رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۱۳

۱۳ سران کفر و شرک ، برای جلوگیری از نفوذ پیامبر (ص) و گسترش اسلام ، از شیوه های گوناگون تبلیغی و سیاسی و از راهبرد های متنوع و ممکن استفاده می کردند .

و قالوا أسطیرالأوّلین . .. مالِ هذا الرسول یأکل الطعام ... إن تتّبعون إلّا رجل

تهمت دروغ پردازی و سحرزدگی به پیامبر(ص) و ایراد و خرده گیری از ایشان، حاکی از گوناگونی شیوه ها و راه های مبارزه کافران با پیامبر و قرآن است. گفتنی است تعبیر <ضربوا لک الأمثال; برای تو مثل ها زده و توصیف ها کرده اند> در آیه بعد، مؤید همین برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶ – ۷

۷ – سلب آزادی از مردم و ایجاد مانع بر سر راه آگاهی آنان از حقایق الهی ، از شیوه های مبارزه سران کفر و شرک با پیامبراسلام (ص)

و

انطلق الملأمنهم أن امشوا و اصبروا علی ءالهتکم

پراکنده کردن توده های مردم از اطراف پیامبر(ص) و توصیه به پایداری بر عقیده خود از سوی سران کفر، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۴ - ۹

۹ - عناصر قدرتمند و مرفّه ، سردمداران انحراف و کفر در جوامع کافر و شرک پیشه

قال مترفوها . .. قالوا إنّا بما أرسلتم به کفرون

از این که در جوامع شرک پیشه، تنها سخن مرفهان ذکر گردیده با آن که اندیشه شرک مختص آنان نبوده است می توان استفاده کرد که آنان، نقش اصلی را در تعیین گرایش های جامعه داشته اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

رهبران کفر در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۱

۱۱ دوزخیان پیرو پس از اجتماعشان در جهنم با سران کفر و شرک، علیه آنان اقامه دعوا خواهند

کرد.

حتی إذا ادارکوا فیها جمیعا قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

<حتی إذا ادارکوا . ..> یعنی تا آنگاه که امتها بر یکـدیگر ملحق و مجتمع گردنـد. <ادارکوا> در اصل تدارکوا بوده و پس از ساکن کردن تاء و ادغام آن در دال، همزه وصل به آن اضافه شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخریهم لأولیهم . .. و قالت ألیهم لأخریهم فما کان

رهبران کفر در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۳ – ۱۰

۱۰ – جدا شدن سردمداران کفر از میان هر امت در قیامت ، به صورت نظام یافته و تحت نظارت و کنترل مأموران الهی است .
*

و یوم نحشر . .. فهم یوزعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۲ – ۴

۴ – پیشوایان کفر ، مورد تنفر و انزجار خلایق در روز قیامت

و یوم القیمه هم من المقبوحین

مفسران برآنند که <مقبوح> از ریشه <قبح> (زشتی) مشتق شده است. بنابراین <مقبوح>; یعنی، کسی که به خاطر زشتی، مورد نفرت دیگران بوده و از جانب آنان طرد شده است.

رهبران کفر و قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۸ – ۱۴

۱۴ قرآن ، کتابی پرجاذبه و شگفت آور در نظر سران کفر وشرك

و قالوا أسطیرالأوّلین . .. إن تتّبعون إلاّ رجلاً مسحورًا

اسطوره خواندن قرآن

و سحر دانستن آن از سوی سران کفر و شرک، گویای این نکته است که این کتاب الهی، همانند اسطوره، سحر و جادو، برای آنان جاذبه داشت.

رهبران کفر و محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۲،۳

۲ - پیامبراسلام (ص) ، در نظر سران کفر و شرک ، فاقد هرگونه ملاـک برتری و شایستگی برای رسالت و دریافت وحی الهی

أءنزل علیه الذکر من بیننا

همزه در <أءنزل> برای استفهام انکاری است و قید <من بیننا> (از میان ما) قرینه است بر این که نفی و انکار آنان، مربوط به شایستگی پیامبر(ص) برای رسالت بود.

۳ - سران کفر و شرک ، برگزیده شدن پیامبر (ص) را به رسالت بدون برخوردار بودن آن حضرت از امتیاز و شایستگی های لازم ، دلیل نپذیرفتن دعوت او اعلام کردند .

أءنزل علیه الذکر من بیننا

قید <من بیننا> در حقیقت در مقام بیان تعلیل برای انکار رسالت است; یعنی، پیامبراسلام از میان ما انتخاب شده است و مانند ما هیچ امتیاز و برتری و شایستگی برای دریافت وحی ندارد; پس نمی توان ادعای او را تصدیق کرد.

رهبران کفر و نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۸ - ۵

۵ خودکفایی مالی و بی نیازی از تلاش اقتصادی ، حداقل شرط پیامبری و کمترین شایستگی لازم برای احراز مقام نبوت ، در دیدگاه سران کفر و شرک

أو یلقی إلیه کنز أو تکون له جنّه یأکل منها

برداشت یاد شده، از آن جا است که در آیه پیش آمده بود:

<کافران این نکته را القا کردند که پیامبر(ص) از نظر جسمی نباید نیازمند به تغذیه و داد و ستد اقتصادی باشد>; ولی در این آیه از آن نکته صرف نظر کردند و گفتند: <پیامبر باید از نظر معیشتی و مالی خودکفا باشد>.

زمینه اجتناب از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۱ - ۱۲

۱۲ هراس از قیامت، زمینه ساز اجتناب از کفر و تکذیب آیات الهی است.

و أنذر به الذین یخافون أن یحشروا . .. لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۳

۳ - مقهور بودن انسان در برابر اراده خداوند ، مقتضی پرهیز از کفر و تکذیب

یرسل علیکما شواظ . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال در آیه قبل، قاهریت خویش را به خلق یادآوری کرده تا از تکذیب دست بردارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۸ - ۳

۳ - توجه به فرجام هستی و قدرت قاهر خداوند ، زمینه ساز اجتناب انسان از کفر و تکذیب حق

فإذا انشقّت السّماء . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۵

۵ - اشتیاق به نعمت های موعود خداوند و ارزش های بهشت ، مستلزم پرهیز از هرگونه کفر و تکذیب

متّکین علی رفرف خضر . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند با برشمردن نعمت های بهشت، شوق دستیابی به آن را در خلق فزونی می بخشد و در پی آن هشدار می دهد که

کفر و تکذیب، مانع ره یابی به آن نعمت ها است; زیرا تکذیب کنندگان، منفور خدا و شایسته توبیخ اند; نه احسان.

زمینه ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۵

۱۵ لعنت الهی ، زمینه ساز محرومیت از معارف قرآن و ازدیاد کفر و طغیان

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

زمینه اعراض از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۲

۲ - اِخبار قرآن از فرارسیدن قیامت ، هشداری کافی برای دور شدن آدمیان از کفر و گناه است .

اقترب الساعه . .. و لقد جاءهم ... ما فیه مزدجر

مراد از <الأنباء> به قرینه آیات پیشین، می تواند مسأله نزدیکی قیامت و مسائل مختلف آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۴

۴ - توجه به پاداش های مهم اخروی خداوند ، برای بیم دارندگان مقام پروردگار ، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

زمینه ترک کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹،۱۱

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوى شديد العقاب

هدف از توصيف خداوند با جمله <إن اللّه . .. > پس از بيان مؤاخذه كفرپيشگان گنهكار اين است كه انسانها با باور به

نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی بپرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

کدأب ءال فرعون . .. إن اللّه قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشداری است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

زمینه شکست کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۰ – ۱۷

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص) ، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه اللّه

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلی

زمینه کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۳۶

۳۶ – تجاوزگری و ارتکاب گناهان ، آدمی رابه سوی کفر گرایش داده و بر کشتن رهبران الهی بی پروا می سازد .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۰ – ۱۴

۱۴ – حسادت ، از رذایلی است که آدمی را به گناهان بزرگ و حتی کفر می کشاند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۲۰

۲۰ – به کارگیری سحر و سوء استفاده از آن آدمی را به ورطه کفر می

کشاند .

إنما نحن فتنه فلاتكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۹،۱۰

۹ - درخواست نسخ و تبدیل برخی از احکام ، زمینه ساز از دست دادن ایمان و گرایش به کفر است .

أم تریدون أن تسئلوا . .. و من یتبدل الکفر بالإیمن

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۲۴

۲۴ لزوم پرهیز از معاشرتهایی که خطر کفر و انحراف دارد و مایه درآمدن به جهنّم است .

و لا تنکحوا . .. و لا تنکحوا ... اولئك یدعون الی النار

با توجّه به عمومیّت تعلیل: اولئك یدعون الی النار، و شمول آن نسبت به موارد غیر ازدواج.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . .. ان اتیه اللّه الملك

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملك و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیّت الهی

الم تر الی الّذی . .. ان اتیه اللّه الملك

چنانچه جمله <ان اتیه . .. >، بیانِ علّتِ کفر و غرور نمرود باشـد، می توان از آن یک نتیجه کلّی به دست آورد که قـدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر

و ... است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۴ – ۲

۲ شهوت پرستى و زراندوزى ، زمينه كفر و تكذيب آيات الهى

زيّن للنّاس حبّ الشّهوات . .. من الذهب و الفضّه

بنابراينكه منظور از <للنّاس>، كافران باشد; به قرينه آيات پيشين كه سخن از آنان بود.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۷ – ۱۴،۱۵،۱۸

۱۴ منافقان به دليل شركت نكردن در پيكار احد ، دور از مرز ايمان و در آستانه كفر بودند .

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان

۱۵ سرباز زدن از پيكار در راه خدا ، موجب دورى از مرز ايمان و قرار گرفتن در آستانه كفر

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان

۱۸ عملكرد هاى آدمى ، مؤثر در گرايش هاى درونى (ايمان و كفر) اوست .

لو نعلم قتالا لاتّبعناكم هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان

با توجّه به اينكه نفاق يك نوع گرايش است و عملكرد منافقان (ترك پيكار و جهاد)، آنان را به كفر نزديكتر كرده و از ايمان دور ساخته (هم للكفر يومئذ . ..)، معلوم مى شود عملكردها در گرايشها مؤثر است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۵

۵ شايعه پراكنانى كه در صدد تضعيف روحيه مجاهدان اسلام هستند ، شتابگران در كفرند . *

و لا يحزنك الّذين يسارعون فى الكفر

به مقتضای ارتباط بین آیه مورد بحث و آیات قبل، جمله <الّذین یسارعون فی الکفر> می توانـد اشاره به کسانی باشد که با تبلیغات سوء

و شایعات ترس آفرین، در صدد بازداشتن مؤمنان از جهاد بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۹ – ۴

۴ تکبّر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الکتب لمن یؤمن . .. خاشعین للّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۱۲

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون النّاس بالبخل . .. و اعتدنا للکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۶

۶ حسادت یهودیان بر پیامبر (ص) و منزلت وی ، مایه گرایش آنان به کفر و شرک

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۱ – ۱۲

۱۲ بی تقوایی ، زمینه گرایش آدمی به کفر

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا

جمله <و ان تکفروا . ..> پس از امر به رعایت تقوا، می توانـد اشاره به این باشـد که بی تقوایی، آدمی را به کفر گرایش می دهد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۱ – ۱۷

۱۷ کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۹

۱۹

طغیانگری ، زمینه کفرورزی و انکار حق

طغیناً و کفراً

تقدیم طغیان بر کفر می تواند بیانگر نقش طغیان در پیدایش کفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۹ - ۶

۶ ترک نهی از منکر عامل روی آوری جوامع به کفرپیشگی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بماعصوا و کانوا یعتدون.کانوا لایتناهون

در آیه قبل تجاوز و تعدی موجب گرفتار شدن به کفر و لعنت الهی دانسته شد و آیه مورد بحث ترک نهی از منکر را مصداقی بارز برای تعدی و تجاوز شمرده بنابراین ترک نهی از منکر عامل گرایش مردمان به کفر و گرفتار شدن به لعنت الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۶

۶ فریبندگی حیات دنیا زمینه ساز گرایش گروهی از انسان ها به کفرپیشگی و انکار مداوم آیات خدا

حرمهما علی الکفرین . .. غرتهم الحیوه الدنیا ... و ما کانوا بایتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۶ - ۱۳

۱۳ عالمان دینیِ دنیاگرا و پیرو هوا و هوس ، در خطر تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر هستند .

فانسلخ منها . .. و لکنه أخلد إلی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبک أمولهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

- ۱۰ - ۸۸ - ۹

۹ فقر و تنگدستی ، زمینه ساز ترک ایمان و وارد شدن در جبهه کفر است .

ربنا لیضلوا عن سبیلک ربنا اطمس علی أمولهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ درک نکردن معارف و حقایق دین ، ریشه گرایش به کفر و شرک است .

أُولئک . .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جمله <ما کانوا . ..> بیانگر دلیل و ریشه کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۶ - ۷

۷ دل خوش کردن به حیات دنیا و نشناختن مقدار ارزش آن ، مایه کفرورزی است .

و فرحوا بالحیوه الدنیا و ما الحیوه الدنیا فی الأخره إلّا متع

چون مراد از ضمیر در <فرحوا> کفرپیشگان و مخالفان پیامبر(ص) است ، جمله <فرحوا بالحیوه الدنیا و . ..> در حقیقت بیانگر ریشه و عاملی از عوامل کفرورزی آنان است ; یعنی ، دل خوش بودنشان به زندگی دنیا ، آنان را به کفرورزی کشانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۹

۹- دلبستگی به دنیا و ترجیح دادن آن بر آخرت ، زمینه ساز دین ستیزی و کفر است .

الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره و یصدّون عن سبیل الله

تقدیم <یستحبّون الحیاه الدنیا> بر جمله <و یصدّون عن سبیل الله و یبغونها عوجاً> احتمالاً بیانگر معنای یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۹ – ۱۲

۱۲- ستم پیشگی

، زمینه ساز کفر و انکار آیات الهی است .

فأبی الظلمون إلّا کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۷ - ۲،۳

۲- گرایش به ایمان و کفر ، متکی به اراده و تصمیم خود انسان است .

ءامنوا به أو لاتؤمنوا

۳- انتخاب راه کفر یا ایمان ، پس از ابلاغ و تبیین تعالیم دین ، با خود مردم است .

و قرءانًا فرقنه لتقرأه علی الناس علی مکث . .. قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا

ذکر <قل ءامنوا به أو لاتؤمنوا> پس از بیان فلسفه نزول تدریجی قرآن و تبیین حق و باطل برای مردم، می تواند بیانگر نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۷

۷- تصمیم و خواست خود انسان ، محور و اساس ایمان و کفرش است .

فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۲

۲- انکار معاد و تردید در آن و مغرور شدن به زندگی دنیا ، اندیشه و بینشی کفرآمیز است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. قال له صاحبه وهو یحاوره أکفرت بالذی خلقک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۹،۱۲

۹- فرزند ناصالح ، زمینه ساز گرایش پدر و مادر به کفر و طغیان است .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما طغیًنا و کفرًا

۱۲- سرکشی و تجاوز از حدود الهی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر است . *

یرهقهما طغیًنا و کفرًا

محتمل است تقدیم طغیان

بر کفر، گویای این باشد که کشانده شدن به کفر، پی آمد ابتلا به طغیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۹ - ۱۳

۱۳- غفلت از قیامت ، زمینه ساز کفرورزی و بی ایمانی است .

و أنذرهم یوم الحسره . .. و هم فی غفله و هم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۰ - ۳

۳- دارایی ها و توان مندی ها ، از عمده ترین زمینه های غفلت و کفرورزی است .

و هم فی غفله و هم لایؤمنون . إنّا نحن نرث الأرض

از جمله وجوه ارتباطی این آیه با آیه قبل، بیان اسباب غفلت و سعی در ریشه کن کردن آن است. دراین آیه خداوند برای متنبّه ساختن آدمیان و از بین بردن عوامل غفلت آنان، بر فناپذیری ثروت های دنیا و ساکنان زمین تأکید کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۷ - ۳

۳- وضعیت بهتر اقتصادی و معیشتی کافران عصر بعثت ، زمینه ساز گرایش عده ای از مردم به کفر بود .

کفر بأیتنا و قال لأُتینّ مالاً

بینش مطرح شده در این آیه، از اندیشه ای سرچشمه می گیرد که در آیات پیشین با جمله <قال الذین کفروا. .. أیّ الفریقین خیر مقاماً> به آن اشاره شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۶

۶ - امکان سقوط انسان به مرحله ای از حق ناپذیری که هیچ آیت و معجزه ای در او تأثیر نکرده

و جملگی آنها را تکذیب کند .

و لقد أرينه ءايتنا كلّها فكذّب و أبى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۵ - ۴

۴ - فقر ، تنگدستی ، بیچارگی و درماندگی زمینه ساز یأس و نومیدی از خدا (کفر) و پناهنده شدن به غیر او (شرک)

من كان يظنّ . .. هل يذهبنّ كيده ما يغيظ

روی سخن در این بخش، با آن اشخاصی است که به خداپرستی گرویده بودند و همین که با برخی از ناملایمات زندگی روبه رو شدند از عبادت او روی برتافتند و به گمان آن که در هستی جز خدا، نیروهای دیگری نیز دخالت دارند، به شرک (آیین سابقشان) بازگشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۷

۷ - ر ها ساختن تعالیم قرآن و کناره گیری از فراخواندن مردم به سوی آنها ، زمینه ساز قرار گرفتن در صف کافران است .

لايصدّنّك عن ءايت اللّه . .. و ادع إلى ربّك و لاتكوننّ من المشركين

گفتنی است که از صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، ارتباط میان موضوع جدا شدن از صف مشرکان و موضوع ابلاغ رسالت الهی و دعوت به توحید، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۰ - ۴

۴ - روح طغیان و حق ناپذیر ، از عوامل تأثیرپذیری از جریان کفر و شرک

بل كنتم قومًا طغين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۱،۱۰

- گرایش تمامی انسان ها به کفر ، در صورت برخورداری همه کافران از رفاه و نعمت

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

مراد از <اُمّه واحده> ممکن است کافر شدن تمام انسان ها باشد.

۱۰ - واگذاری مزایا ، امکانات و بهرهوری های زندگی دنیایی به کافران ، امری نادرست و زمینه گرایش نسل ها به کفر

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا لمن یکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۵۰ - ۹

۹ - خداگرایی انسان ، به هنگام سختی ها و شداید و خداگریزی وی در شرایط رفاه و آسایش

و أخذنهم بالعذاب . .. ادع لنا ربّک ... إنّنا لمهتدون . فلمّا کشفنا عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۴

۱۴- کفر ، هواپرستی ، استکبار و عصیان گری ، عناصری به هم پیوسته

یعرض الذین کفروا . .. و استمتعتم بها... تستکبرون فی الأرض بغیرالحقّ و بما کنتم ت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۱

۱۱- شیطان ، هموارکننده راه گناه و کفر ، در نگاه انسان ها

الشیطن سوّل لهم

واژه <سوّل> ممکن است به معنای <سهّل> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۷

۷ - غفلت از پیام های عبرت آموز پیامبران و تاریخ ، دور نمایه گرایش به کفر

فهل من مدّکر

از این که خداوند، کفرپیشگان را به هشیاری و بیداری فراخواهنده است; استفاده می شود که مشکل

اصلی کافران در غفلت ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداوند متعال، نخست فناپذیری زندگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۹

۹ - قدرت سیاسی و اقتصادی ، زمینه ساز کفر و حق ناپذیری

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۱۴

۱۴ - < عن جابر بن عبداللّه قال رسول اللّه (ص) : کل مولود یولد علی الفطره حتّی یعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاکراً و إمّا کفوراً . . . ;

از جابربن عبداللّه [انصاری] روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید]متولد می شود، تا زمانی که زبان او بتواند افکار و عقاید او را تعبیر و ابراز کند. در این هنگام یا شاکر است [و پذیرای توحید] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر]>.

زمینه کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ -

۸ - ۲

۸ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الکتب

زمینه کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۱ - ۶

۶ - درونمایه های فرهنگ طبقاتی و مادی مردم مکه ، زمینه ساز گرایش آنان به کفر و شرک

و إنّا به کفرون . و قالوا لولا نزّل هذا القرءان

با توجه به این که آیه شریفه پس از بیان کفر مشرکان (إنّا به کافرون) روحیه مادی گرایانه آنان را بازگو می کند، تأثیر این بینش در انحراف و کفر استفاده می شود.

زمینه کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۷

۳۷ - شهرنشینی بنی اسرائیل و رسیدن به رفاه و آسایش ، زمینه ساز عصیانگری ، تجاوز ، کشتن پیامبران و کفرشان بود .

لن نصبر علی طعام وحد . .. اهبطوا مصراً ... و ضربت علیهم الذله

برداشت فوق، مقتضای ارتباط بخش دوم آیه; یعنی، <و ضربت علیهم الذله . ..> با بخش اول آیه است.

زمینه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا على الإنسن . .. ثمّ كفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

زمینه کفر به قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۶

۶ - پیروی از هوا ها و امیال نفسانی ، در پی دارنده کفر و بی ایمانی به قیامت است .

من لایؤمن بها واتبع هویه

<اتبع> ماضی است و عطف بر <لایؤمن> که مضارع است; بنابراین پیروی از هوس ها که در زمان قبل انجام گرفته است، سبب بی ایمان در زمان بعد خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۰

۱۰ - آسایش و سرخوشی ، زمینه ساز کفر و تردید انسان نسبت به قیامت

و لئن أذقنه رحمه . .. لیقولن ... و ما أظنّ الساعه قائمه

زمینه کفر خانواده انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - امکان نفوذ جریان انحراف ، کفر و نفاق ، در میان اعضای بهترین خانواده (همچون پیامبران)

امرأت نوح و امرأت لوط . .. فخانتاهما ... و قیل ادخلا النار مع الدخلین

زمینه کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۶ - ۳

۳ - توان مندی نسبی مشرکان قریش در محیط خویش ، زمینه ساز سرکشی و کفر آنان

أهلکنا قبلهم من قرن هم أشدّ منهم بطشًا

از این که خداوند به آنان یادآوری کرده که امت های نیرومندتر از ایشان هلاک شدند; استفاده می شود که مشرکان مکه بر ثروت و قدرت محلی خویش، تکیه داشته و ایمان نمی آوردند.

زمینه کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء -

۲۶ - ۱۳۶ - ۳

۳ - رفاه و توانمندی قوم عاد ، زمینه ساز کفر و لجاجت آنان در برابر هود (ع)

و اتّقوا الذی أمدّکم . .. أمدّکم بأنعم و بنین ... قالوا سواء علینا أَوَعظت أم ل

زمینه کفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الکتب

زمینه کفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذّبین . ..أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربّک

زمینه کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۴

۴ - در صورت تداوم حیات قوم کافر و گمراه گر نوح ، تمامی فرزندان و نسل بعدی آنان ، به کفر ، نافرمانی خدا و تبه کاری روی می آوردند .

و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

<فاجر> به افراد نافرمان، معصیت کار و زناکار گفته می شود. در این آیه دو معنای اول و دوم مراد است.

زمینه کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۲

۱۲ معارف نازل شده بر پیامبر (ص) ، موجب افزایش طغیانگری و کفرورزی بسیاری از یهودیان

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک

من ربک طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۸

۸ - اهل کتاب (یهود و نصارا) ، در صورت توطئه علیه اسلام و مسلمانان ، در زمره کافران اند .

الذین کفروا من أهل الکتب

زمینه گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۷ - ۱

۱- ترجیح زندگی دنیا بر آخرت ، ریشه اصلی ارتداد و گرایش به کفر است .

من کفر بالله من بعد إیمنه . .. ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره

جمله <ذلک بأنهم . ..> در مقام تعلیل برای آیه قبل است و نیز <ذلک> اشاره دارد به ارتداد و کفر پس از ایمان.

زمینه مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۵

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبک أمولهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۳

۱۳ منافقان ، علی رغم اظهار ایمان ، در حال کفر می میرند .

و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیماردلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

زمینه نابودی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲ – ۱۱

۱۱ نابودی عوامل اصلی کفر و شرک ، هدف عمده و اساسی پیکار اسلام با کافران و مشرکان

فقتلوا أئمه الکفر

زمینه نجات از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱ – ۱۵

۱۵– ربوبیت الهی ، مقتضی بیرون آوردن بندگان خویش از گمراهی کفر ، و هدایت آنان به نور ایمان

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور بإذن ربّهم

زیان اجتماعی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۹ – ۹

۹ – کفر ، موجب خسارت جامعه بشری بوده و حاصلی جز آن ندارد .

و لایزید الکفرین کفرهم إلّا خسارًا

زیان رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۷ – ۹

۹ – خطرساز بودن رهبران متکبر و منکر قیامت و روز حساب برای جامعه

کلّ متکبّر لایؤمن بیوم الحساب

پناه بردن موسی(ع) از شر متکبران منکر قیامت (چون فرعونیان)، گویای مطلب یاد شده است.

زیان کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۱ – ۱۵

۱۵ بازگشت زیان کفر و بی تقوایی ، به خود انسان نه به خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۰ – ۹

۹ بازگشت سود و زیان ایمان به خود انسان نه خداوند

فامنوا خیراً لکم و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

جواب شرط <ان تکفروا>

به قرينه <خيراً لکم> و نيز جمله <فان للّه . ..> مى تواند به اين گونه باشد <يکن شراً لکم و لايضر اللّه شيئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ - ۵

۵ - پى آمد زيان بار کفر ، متوجه خود انسان ها است .

فمن کفر فعليه کفره

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر < ايمان و کفر > و < شکر و ناسپاسى > ، دامنگير خود انسان ها است ; نه خداوند .

إن تکفروا فإنّ اللّه غنىّ عنکم . .. و إن تشکروا يرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- هدر دادن امکانات زندگى در مسير کفر و گمراهى ، زيان و زمينه ساز عذاب الهى است .

أُولئک الذين حقّ عليهم القول . .. إنّهم کانوا خسرين

تعبير <إنّ> در صورتى که عليت را برساند، نشان مى دهد که نفس همين خسران، باعث شده تا عده اى گرفتار عذاب حتمى شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عصر - ۱۰۳ - ۲ - ۳

۳ - بى ايمانى و ترک عمل صالح و تبليغ نکردن از حق و صبر ، زيان بزرگى است .

لفى خسر

نکره آمدن کلمه <خسر>، براى بيان عظمت آن است. استثنايى که در آيه بعد آمده، زيان را به غير افراد مستثنى، اختصاص داده است.

سختی مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵

- ۵۲ - ۶

۶ مبارزه با جریان کفر و شرک ، کاری است سخت که تلاش گسترده و طاقت فرسایی را می طلبد .

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

شده باشد.

سرزنش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۵

۵ نکوهش کفرِ آگاهانه به آیات الهی

لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

سرزنش کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

تقدیم اهل کتاب بر مشرکان در توبیخ بر کفر، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

سرزنش کفر به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۵

۵- سرزنش اهل کتاب از سوی خداوند ، به خاطر امتناع از ایمان ، علی رغم آشکار شدن حقانیت اسلام بر ایشان *

إنّ الذین ارتدّوا علی أدبرهم . .. الشیطن سوّل لهم

برداشت بالا بدان احتمال است که

مراد از <الـذین ارتـدّوا. ..> اهـل کتاب باشـند; زیرا آنان با برخورداری از کتاب آسـمانی و وعـده های الهی به بعثت رسول خاتم(ص) و عالمان به کتاب، نزدیک ترین گروه و سزاوارترین آنان به شناخت حقانیت اسلام و قرآن بوده اند.

سرزنشهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۶

۶ سران شرک و کفر با دعوت پیروانشان به چشیدن از عذاب مضاعف دوزخ، آنان را سرزنش و ملامت می کنند.

ربنا هؤلاء أضلونا . .. فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

<ال> در کلمه <العذاب> عهد ذکری است و اشاره به همان عذاب مضاعف دارد که از <لکل ضعف> استفاده می شود.

سستی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۱۸،۱۹

۱۸ سُستی و تزلزلِ مبانیِ اعتقادی و رفتاریِ اهل کفر

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

چون ایمان به خداوند، توصیف به تمسّک به عروه الوثقی شده است، به قرینه مقابله فهمیده می شود که پیوند کافران با عقاید و رهبران خویش دارای بنیادی سُست و گسستنی است.

۱۹ سُستی و آسیب پذیری پیوند با کفر و رهبران طغیانگر آن

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی لا انفصام لها

سلیمان(ع) و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۶

۶ - حضرت سلیمان (ع) منزه از جادوگری و گرایش پیدا کردن به کفر

و ما کفر سلیمن

سنگینی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶

۱۱ پیامدهای کفر و انکار معاد، باری سنگین و طاقتفرسا بر دوش انسان است.

و هم یحملون أوزارهم علی ظهورهم

سنگینی گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است; زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

شتاب در کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للکذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۵ منافقان و یهودیان شتابنده در کفر ، مردمی دروغ پرداز ، جاسوس و فرمانبردار سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <للکذب> و <لقوم> مفعول له برای <سمعون> باشد. بنابراین <سمعون للکذب>، یعنی

سخنان تو را می شنوند تا بر تو دروغ ببندند و شایعه سازی کنند و <سمعون

لقوم ءاخرين>، یعنی آنان جاسوس دیگرانند و سخنان تو را برای دیگران می شنوند.

شرایط آمرزش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۲ - ۲

۲ - توبه کنندگان از شرک ، کفر و عصیان ، با ایمان و عمل صالح و پی گیری هدایت ، قطعاً مشمول مغفرت خداوند قرار خواهند گرفت .

و إنّی لغفّار لمن تاب و ءامن . .. ثمّ اهتدی

مراد از توبه به قرینه آیه قبل، توبه از گناه تعدی در مأکولات است و چون پس از <تاب>، سخن از ایمان به میان آمده است، شامل توبه از شرک و کفر نیز می شود.

شرایط مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶ رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبک اللّه و من اتبعک من المؤمنین

چنانچه <من اتبعک> عطف بر <اللّه> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبادا کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

شرایط نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۱۴

۱۴- خارج

ساختن مردم از ظلمت کفر و گمراهی و رهنمونی آنان به نور ایمان ، حتی از سوی پیامبر (ص) ، منوط به اذن و مشیت خداوند است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور بإذن ربّهم

شعار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۸

۱۸ < کلمه اللّه > (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلیا

شکست توطئه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلاّ إفک . .. قالوا مالِ هذا الرسول ... لولا أُنزل إلیه ملک ... إلاّ رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد; یعنی، <فلایستطیعون سبیلاً إلی إبطال أمرک. ..>.

شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۹ - ۹

۹ حرکت های منافقانه ، کفرآمیز و ضد خدا و دین ، حرکتهایی سست ، مذبوحانه و محکوم به شکست است .

و الذین اتخذوا مسجداً ضراراً . .. و إرصاداً لمن حارب اللّه ... أسّس بنینه علی شف

سست بودن بنیان اعمال منافقان و کافران، می تواند کنایه از مطلب فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ – پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض و لیمکّننّ لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۲

۲ – جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

شگفتی اصرار بر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۷ – ۴

۴ – پافشاری کافران بر کفر خویش ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

قتل الإنسن ما أکفره

شگفتی روش مبارزه رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۹ – ۳

۳ کیفیت موضع گیری و شیوه های مبارزاتی سران کفر و شرک علیه قرآن و رسالت پیامبر (ص) ، امری شگفت آور و در خور تأمل و اندیشیدن

انظر کیف ضربوا لک الأمثل

<کیف> اسم استفهام است; ولی در این آیه برای بیان تعجب به کار رفته است، نه استفهام حقیقی.

شگفتی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۹ - ۱

۱ - کفر و شرک به خداوند ، با وجود آیات آشکار او ، امری شگفت و تعجب آور

قل أئنّکم لتکفرون بالذی خلق الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۰ - ۵

۵

- خودداری از ایمان ، پس از مشاهده حالت های گوناگون طبیعت و تحولات زندگی بشر ، غیر قابل توجیه و شگفت آور است .

لا أقسم بالشفق . و الّیل و ما وسق . و القمر إذا اتّسق . لترکبنّ طبقًا عن طبق . ف

برداشت یاد شده، ناظر به این احتمال است که حرف <فاء>، این آیه را بر محتوای قسم و مقسمٌ به (در آیات پیشین) تفریع کرده باشد.

شگفتی کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۶

۶ - کفر انسان ها به خداوند ، برخلاف مسیر و فلسفه خلقت انسان و جهان و شگفت انگیز است .

هو الذی خلقکم فمنکم کافر و منکم مؤمن

تفریع <فمنکم کافر> بر موضوع آفرینش انسان از سوی خداوند (هو الذی خلقکم) و یادآوری آفرینش حق مدارانه جهان در آیه بعد، می رساند که کفر انسان ها به آفریننده خود، امری شگفت انگیز و بیرون از مسیر خلقت و به دور از انتظار است؛ زیرا انتظار از مخلوق (انسان)، این است که آفریننده خود را انکار نکند.

صبر بر استهزاهای رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۷ - ۱

۱ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور به صبر و شکیبایی در برابر استهزا ، گفتار مغرضانه و تبلیغات سوء سران کفر و شرک

اصبر علی ما یقولون

ظلم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۳

۲۳ کفر و شرک ، ستمکاری است .

انه من یشرک باللّه .

.. و ما للظلمین من انصار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۷ – ۲۲

۲۲ کفر و شرک از بزرگترین ستمهاست.

فمن أظلم ممن افتری علی الله کذبا أو کذب . .. أنهم کانوا کفرین

جمله <أین ما کنتم . ..> که بیان شرک مشرکان است، توضیح مصداقی برای <فمن أظلم ...> می باشد. بنابراین شرک از ستمهای بزرگ است و چون مشرکان در ذیل آیه کافر نامیده شده اند، کفر نیز از ستمهای بزرگ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱۸

۱۸ کفرورزی و انکار دلایل روشن انبیا ، ظلم انسان به خویش و پیامد آن دامنگیر خود اوست .

أتتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۷ – ۹

۹- کفر ، ظلم است و کافران ، ظالمند .

یثبّت الله الذین ءامنوا . .. و یضلّ الله الظلمین

از مقابله <الظالمین> با <الذین آمنوا> استفاده می شود که ظالمان همان کافران هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۶ – ۶

۶- کفر ، شرک و استهزای پیامبران ، ظلم و ستمی آشکار است .

یویلنا إنّا کنّا ظلمین

اعتراف مشـركان و كـافران اسـتهزاگر به سـتم كـار بودن خود، حكايت از اين دارد كه كفر و شـرك و اسـتهزاى پيامبران، ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۵

۵ كفر و شرك ،

ظلم است .

و من يظلم منكم نذقه عذابًا كبيرًا

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه مخاطب <من يظلم منكم> كافران و مشركان اند كه خداوند آنان را ستم كار دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ - كفر و نپذيرفتن دعوت پيامبران ، ظلم است و كافران ظالم اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنّم . .. فما للظلمين من نصير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۴ - ۹

۹ - كفر و شرك ، ظلم است .

و قيل للظلمين ذوقوا ما كنتم تكسبون

مقصود از <ظالمان>، كافران و مشركان است. توصيف آنان با صفت ظلم، بيانگر اين حقيقت است كه كفر و شرك ظلم است و همين ظلم، موجب دوزخى شدن آنان مى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - كفر و شرك ، ظلم است و كافران و مشركان ، از هرگونه يارى دوست و نزديكان دلسوز خود و شفاعت شفيعان محروم اند .

ما للظلمين من حميم و لا شفيع يطاع

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه اين آيات، در سلسله آياتى قرار دارد كه درباره كافران و مشركان سخن مى گويد و مقصود از <ظالمين> آنان مى باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۲ - ۵

۵ - کفر و شرک ، ستمی غیرقابل بخشش و عذرناپذیر در پیشگاه خداوند

یوم لاینفع الظلمین معذرتهم

مقصود از <الظالمین> به

قرينه آيات گذشته كافران و مشركان مى باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۶۰ - ۲

۲ - كفر به خداوند و روى گردانى از عبادت او ، ظلمى بدفرجام

ليعبدون . .. فإنّ للذين ظلموا ذنوبًا ... فويل للذين كفروا من يومهم

برداشت بالا از آن جا است كه در اين آيه و آيه قبل، كفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <ليعبدون> مطرح گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳۱ - ۸

۸ - كفر و نپيمودن راه خدا ، ظلم است و كافران ظالم اند .

و الظلمين أعدّ لهم عذابًاأليمًا

مقصود از <ظالمين> به قرينه آيات گذشته كافرانى هستند كه راه خدا را نمى پيمايند.

ظلم كفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - كفر به قرآن و روى گردانى از آن ، ظلم و گناهى غيرقابل بخشش است .

و من يعش عن ذكر الرحمن . .. و لن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنّكم فى العذاب مشتركون

برداشت ياد شده بر اين مبنا است كه مراد از <ذكر الرحمان> قرآن باشد.

ظلمت كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۹ - ۱۳

۱۳ عن أبی جعفر(ع) فی قوله: <الذین کذبوا بایاتنا صم و بکم> یقول: <صم> عن الهدی و <بکم> لایتکلمون بخیر <فی الظلمات> یعنی ظلمات الکفر . .. .

از امام باقر(ع) درباره آیه <الذین کذبوا بایاتنا . ..> روایت شده است:

تکذیب کنندگان آیات الهی <کرانند> از (شنیدن آیات) هدایت، <لالند> از سخن خیر گفتن، <در تاریکیها قرار دارند> یعنی تاریکیهای کفر ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۲ - ۳

۳ ایمان، حیات است و مولد نور و کفر، مرگ است و تاریکی.

أو من کان میتا فأحیینه . .. کمن مثله فی الظلمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵ - ۵

۵- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

أخرج قومک من الظلمت إلی النور

از آن جایی که هدف پیامبران و از جمله موسی(ع) هدایت مردم بوده است; احتمالاً مراد از خارج کردن مردم از ظلمت، نجات از کفر و بردن آنان به سوی نور، هدایت آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۰ - ۲

۲ - ایمان چون نور ، مایه هدایت و روشنایی و کفر ، همچون ظلمت ، مایه گمراهی و تاریک بینی

و لا الظلمت و لا النور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۱۱ – ۷

۷ – کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

من الظلمت إلی النور

از این

قرینه که مقصود از نور قرآن و راه خدا است; استفاده می شود که مراد از ظلمات، راه های کفر است.

عبرت از فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۴

۴- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

عجز رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۶

۶ سران کفر و شرک علی رغم به کار بردن شگرد های گوناگون تبلیغی علیه قرآن و پیامبر (ص) ، از دستیابی به اهداف خود ناتوان و ناکام بودند .

إن هذا إلاّ إفک . .. قالوا مالِ هذا الرسول ... لولا أُنزل إلیه ملک ... إلاّ رج

مقصود از ناتوانی در یافتن راه، می تواند ناتوانی از دستیابی به راه موفق و مؤثر برای پیگیری اهدافشان باشد; یعنی، <فلایستطیعون سبیلاً إلی إبطال أمرک. ..>.

عذاب اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۵

۵ - مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند ; ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست علیهم بمصیطر . إلاّ من تولّی و کفر

حرف <إلاّـ> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری; لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد>.

عذاب استيصال

رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - سران کفر و شرک ، مستحق چشیدن عذاب الهی استیصال اند .

بل لمّا یذوقوا عذاب

عذاب رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۵

۱۵ کافران و مشرکان پیرو، همانند رهبرانشان، دارای عذابی مضاعف از آتش دوزخ

قال لکل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۴ - ۲

۲ - مرفهان خوشگذران و جلوداران کفر ، نخستین چشندگان شعله های عذاب الهی

حتّی إذا أخذنا مترفیهم بالعذاب إذا هم یجئرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۹ - ۵

۵- مراتب شدید و هلاکت بار عذاب دوزخ ، متوجه گناه پیشگان مغرور و پیشوایان کفر و نه همه گنه کاران *

طعام الأثیم کالمهل . .. ثمّ صبّوا فوق رأسه ... ذق إنّک أنت العزیزالکریم

از مبالغه نهفته در <الأثیم> و نیز وصف <العزیز الکریم>، این احتمال شکل می گیرد که عذاب های شدید مطرح شده در این آیات، برای هر گنه کاری نیست; بلکه مخصوص دارندگان اوصاف یاد شده است.

عذر بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۲ - ۷

۷ انسان ها با نزول قرآن و دریافت آن هیچ عذر و توجیهی برای گرایش به کفر ، به فراموشی سپردن قیامت ، فریب خوردن به حیات دنیا و انکار آیات الهی ندارند .

الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً . .. و

لقد جئنهم بکتب

آیه مورد بحث در پی بیان گرفتاری کافران به آتش دوزخ و بیان عامل دوزخی شدن آنان، اشاره به اتمام حجت الهی برای همگان دارد. یعنی با نزول قرآن و معارف آن بهانه ای برای روی آوری به عقاید و اعمالی که در آیه قبل علل گرفتاری به دوزخ معرفی شده، وجود ندارد.

علایم کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۹ – ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . .. و ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۲۲،۲۳

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذین هادوا یحرّفون . .. سمعنا و عصینا ... لعنهم اللّه بکفرهم

۲۳ تحریفگری ، استهزا و طعن به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر

یحرّفون الکلم . .. لعنهم اللّه بکفرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۵ – ۹،۱۰،۱۳

۹ مراجعه به غیر پیامبر (ص) برای حلّ اختلافات ، نشانه بی ایمانی است .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک فیما شجر بینهم

۱۰ ناخشنودی از حکم پیامبر (ص) در مشاجرات ، نشانه بی ایمانی است .

ثمّ لا يجدوا فى انفسهم حرجاً ممّا قضيت

<حرج> به معناى ضيق و تنگى، و حرج در نفس

به معنای دلتنگی و ناخشنودی است.

۱۳ تسلیم نبودن در برابر احکام قضایی پیامبر (ص) ، نشانه بی ایمانی است .

فلا و ربّک لا یؤمنون حتّی یحکّموک . .. و یسلّموا تسلیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۶ – ۴

۴ نبرد در رکاب طاغوت ها ، نشانه کفر

و الّذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطّاغوت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۹ – ۶

۶ بریدن از جامعه ایمانی و سر باز زدن از هجرت ، نشانه نفاق و بی ایمانی است .

فلا تتّخذوا منهم اولیاء حتّی یهاجروا فی سبیل اللّه

علم به کفر انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۹ – ۱

۱ – آگاهی کامل خداوند ، از ایمان یا کفر انسان ها

و إنّا لنعلم أنّ منکم مکذّبین

عوامل اجتناب از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۳ – ۷

۷ – صبر و نماز دو عامل کارساز برای ایجاد روحیه سپاسگزاری به درگاه خدا و دوری از کفرورزی به او *

و اشکروا لی و لاتکفرون. یأیها الذین ءامنوا استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ – توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون . .. لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۰ - ۱

۱ - توجه به آیات الهی ، عامل گریز انسان از شرک و کفر و شتاب به سوی خداوند

ففرّوا إلی اللّه

در آیات پیشین سخن از نشانه های خداوند بود و <فاء> در <ففرّوا> می رساند که نتیجه توجه به نشانه های الهی حرکت پر شتاب به سوی خداوند، برای گریز از مهلکه کفر و شرک است.

عوامل ازدیاد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۲

۲ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفرِ کفرمداران

إنما النسیء زیاده فی الکفر

عوامل تقویت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۷ - ۴

۴ - کوتاهی در ابلاغ رسالت الهی و عقب نشینی از آرمان های دینی ، موجب تقویت جبهه کفر و نوعی پشتیبانی از مواضع کفرپیشگان است .

فلاتکوننّ ظهیرًا للکفرین . و لایصدّنّک عن ءایت اللّه

توصیه خداوند به دست برنداشتن از ابلاغ آیات الهی، پس از هشدار از هرگونه پشتیبانی از کافران، می تواند به این حقیقت اشاره داشته باشد که ترک ابلاغ رسالت الهی، نوعی تقویت و پشتیبانی از آنان به شمار می رود.

عوامل ذلت اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۹ – ۳

۳- ذلت و خواری اشراف و سران کفر در آخرت ، نتیجه برتری جویی ناروای آنان در دنیا

ذق إنّك أنت العزيز الكريم

مخاطب قرار گرفتن این گروه از دوزخیان بهوسیله وصف <العزیز الکریم>، می نمایاند که

مجـازات آنـان، پیامـد روحیه تکبرمنشـانه و برتری جویـانه ایشـان است. در حقیقت آنان، آثار رفتار شوم خویش در دنیا را می بینند.

عوامل شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ تأثیر عمیق جنگ بدر در تحکیم پایه های توحید و آیین اسلام و شکست شرک و کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

عوامل کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ - سرپیچی از فرمان خدا ، از روی استکبار و خود بزرگ بینی ، موجب کفر است .

أبی و استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷ - ۳۹

۳۹ گسترش کفر ، هدف کج اندیشان از تمسک به آیات متشابه و دنبال کردن آن

فامّا الّذین فی قلوبهم زیغ فیتّبعون ما تشابه منه ابتغاء الفتنه

امام صادق(ع): المراد بالفتنه هاهنا الکفر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۰۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۱۳، ح ۱۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۱

۱ آنان که از تسلیم در برابر خدا روی گردانند ، کافرند .

و ان تولّوا . .. انّ الّذین یکفرون بایات اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۰ - ۲

۲ پیروی از علما و رهبران اهل کتاب ، موجب بازگشت از ایمان به سوی کفر (ارتداد)

یا ایها الذین امنوا

ان تطیعوا فریقاً من الذین اوتوا الکتاب یردّوکم

از آیه قبل (و انتم شهداء)، معلوم می شود که این طایفه، عالمان و دانایان اهل کتاب بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۷

۷ تفرقه و اختلاف در میان جامعه ایمانی پس از اتمام حجّت ، موجب کفر و ارتداد

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا . .. اکفرتم بعد ایمانکم

گویا ارتداد (اکفرتم . ..)، نتیجه تفرقه و اختلاف است که در آیه قبل از آن نهی شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۷،۱۸

۱۷ عصیان اهل کتاب (یهود) و تجاوز مداومشان ، باعث کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی و کشتن پیامبران باشد.

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدّی و تجاوز مداوم ، موجب کفر به آیات الهی

بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ ذلک بما عصوا و کانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۱۱

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون . .. ما اتیهم اللّه ... و اعتدنا للکافرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ حسادت ، خطری برای ایمان و اعتقاد و عاملی برای گرایش به شرک و کفر

یؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام یحسدون النّاس علی ما اتیهم اللّه من فضله

<ام یحسدون>، چنانچه گذشت، بیان علت مسائلی است که در آیه ۵۱ مطرح شد که از جمله آنها، گرایش و ایمان برخی از یهودیان به کفر و شرک است. یعنی حسادت باعث شد تا به <جبت> و <طاغوت> ایمان بیاورند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۷

۷ اعمال ناروای منافقان ، عامل برگشت آنان به کفر و ضلالت

و اللّه ارکسهم بما کسبوا

با توجه به جمله <بما کفروا> در آیه بعد، از مصادیق <ارکاس> (وارونه شدن)، گرایش آنان به کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۹ - ۳،۴،۵

۳ هشدار خداوند به مسلمانان در مورد تلاش منافقان برای گسترش کفر

ودّوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء

۴ ممنوعیت دوستی با منافقان تلاش کننده برای گسترش کفر

ودّوا لو تکفرون کما کفروا فتکونون سواء فلا تتّخذوا منهم اولیاء

۵ ممنوعیّت پذیرش ولایت و سرپرستی منافقانِ گسترش دهنده آیین کفر *

ودّوا لو تکفرون . ..فلا تتّخذوا منهم اولیاء

در برداشت فوق، <ولیّ> به معنی سرپرست گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۲۳،۲۵

۲۳ بازیچه قرار دادن دین، کفر است و بازیچه قراردهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . .. بما کانوا یکفرون

۲۵ کسانی که بازی و سرگرمی دنیا را دین خود

قرار داده اند، کافرند.

و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا و لهوا . .. بما كانوا يكفرون

بنابراین که <اتخذوا دينهم لعبا>، به معنای <اتخذوا اللعب دينا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۳

۳ تکبر و خودبزرگ بینی ، موجب کفر به پیامبران و پیام های آنان

قال الذين استكبروا إنا بالذی ءامنتم به كفرون

آوردن اسم ظاهر <الذين> به جای ضمیر و نگفتن <قالوا إنا . .. > و توصیف آن اسم ظاهر به <استكبروا> برای اشاره به علت کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ مال و اولاد فراوان منافقان ، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۲

۱۲ جهل و ناآگاهی ، عامل اصلی کفر و نفاق

الأعراب أشد كفراً و نفاقاً و أجدر ألّا يعلموا

برداشت فوق با استفاده از ارتباط بین <أجدر ألّايعلموا> و <أشد كفراً و نفاقاً> به دست آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ از امـام صـادق (ع) [درباره بنی آدم] روایت شـده که فرمود : < . . . فمنهم من أقرّ بلسانه فی الـذر و لم یؤمن بقلبه فقال اللّه : < فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا به من قبل > ;

. .. برخی از آنان در عالم ذر به زبان اقرار کردند، ولی ایمان

قلبی نداشتند. این است که خداوند فرمود: ایمان نمی آوردند به آنچه که قبلاً تکذیب کردند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۷ – ۹

۹- ستم پیشگی ، عامل اصلی دوری از حق ، گرایش به کفر و بدبختی در جهان آخرت است .

یویلنا قد کنّا فی غفله من هذا بل کنّا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <بل> در <بل کنّا. ..> اضراب ابطالی باشد; یعنی، حقیقت این نیست که در آغاز گفتیم که ما در غفلت به سر می بردیم; بلکه حقیقت این است که ما از ظالمان و ستم پیشگان بودیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۳۵

۳۵ – گناه ، موجب کفر و بیرون آمدن از زمره مؤمنان نیست .

توبوا إلی اللّه جمیعًا أیّه المؤمنون

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که خداوند، مؤمنان گناه کار را با عنوان <مؤمنان> خطاب کرده است و این می رساند که انسان به صرف گناه کردن، کافر نشده و از صف مؤمنان بیرون نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۱ – ۵

۵ – کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره

به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۹ – ۷

۷ – کفر برخاسته از خود برتربینی و بزرگ منشی ، عامل اصلی عذاب الهی

من قبل أن یأتیکم العذاب . .. قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکف

از آن جایی که آیه شریفه درصدد بیان احتجاج خداوند با عذاب شدگان می باشد، در واقع بیانگر دلیل ابتلای آنان به عذاب الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۰ – ۶

۶ – تکبر ، ریشه اصلی کفر و دروغ بستن بر خداوند

و کنت من الکفرین . .. الذین کذبوا علی اللّه ... ألیس فی جهنّم مثوًی للمتکبّرین

توصیف شدن کافران و دروغ زنندگان بر خدا به متکبر، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۲ – ۶

۶ – کفر به خدا و انکار رستاخیز در عین شناخت آیات الهی برخاسته از تکبر و غرور است .

ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم . .. فبئس مثوًی المتکبّرین

توصیف شدن کافران و منکران قیامت به متکبر، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۹ – ۸

۸ – شرک ، در بردارنده کفر و مستلزم انکار ربوبیت یگانه خداوند

و ويل للمشركين . .. قل أئنّكم لتكفرون ... و تجعلون له أندادًا

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۵

۵ - استکبار و جرم پیشگی ، مهم ترین عامل گرایش کافران به کفر و انکار آیات الهی

ءایتی تتلی علیکم فاستکبرتم و کنتم قومًا مجرمین

با توجه به این که خداوند، درباره کافران تنها به دو ویژگی (استکبار و جرم پیشگی) تصریح کرده است; اساسی بودن عوامل یاد شده در گرایش کافران به کفر استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۷

۷- بینش طبقاتی ، عامل کفر و حق ناپذیری

و قال الذین کفروا . .. لو کان خیرًا ما سبقونا إلیه

از آیه شریفه استفاده می شود که کافران، به نوعی روحیه استکباری ناشی از اشرافیت گرفتار بودند و مؤمنان را از طبقه حقیر و پایین به شمار می آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا ، ناشی از جهالتورزی است .

قالوا أجئتنا لتأفکنا عن ءالهتنا . .. و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۸ - ۱۱

۱۱ - مخالفت با اسلام و قرآن ، کفر است .

یریدون . .. و اللّه متمّ نوره و لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۱ – ۴،۵

۴ – روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، عامل کفر و تکذیب دین از سوی کافران در صدراسلام

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ

و نفور

۵ - روح لجاج ، استکبار و حق گریزی ، از موجبات کفر و تکذیب دین

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. بل لجّوا فی عتوّ و نفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۳ - ۵

۵ - خوی استکبار و برتری طلبی ، عاملی مهم در کفر و دین گریزی

ثمّ أدبر و استکبر

عوامل کفر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - ابلیس به خاطر خود بزرگ بینی و سرپیچی از فرمان خدا ، از زمره کافران شد .

أبی و استکبر و کان من الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۴ - ۷

۷ - ابلیس ، بر اثر تمرد از فرمان سجده بر آدم ، در زمره کافران قرار گرفت .

إلاّ إبلیس استکبر و کان من الکفرین

عوامل کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۷

۷ انحصار پیروان نوح به قشر مستضعف و تهی دست ، بهانه و دستاویز اشراف برای ایمان نیاوردن به او و انکار رسالت های

وى

فقال الملأ . .. ما نريک اتبعک إلّاَ الذين هم أراذلنا بادى الرّأى

عوامل کفر به آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۶،۷

۶ - فسق و انحراف ، مايه انکار آيات خدا و از دست دادن زمينه هاى ايمان است .

و ما يکفر بها إلا الفسقون

۷ - فسق و

انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

عوامل کفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای نفس دارد .

قل فأتوا بکتب . .. أهدی منهما... فاعلم أنّما یتّبعون أهواءهم

عوامل کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف یهودیان ، موجب کفرشان به قرآن و آیات الهی است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن برای <الفاسقون> - به قرینه آیات قبل و بعد - یهودیان هستند. آیات پیشین برخی از بهانه های یهود را برای اعراض از ایمان یادآور شده و آیه مورد بحث بیان می دارد که ریشه اصلی اعراض یهود از ایمان انحراف و فسق پیشگی آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن و تورات ، علی رغم عدم وجود کتابی هدایت بخش تر از آنها ، نشان از حق ستیزی و پیروی از هوای

نفس دارد .

قل فأتوا بكتب . .. أهدى منهما... فاعلم أنّما يتّبعون أهواءهم

عوامل کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۰ - ۱

۱ - علاقه و دلبستگی به دنیا ، از علت های کفر به قیامت و پرسش های انکارآمیز کافران درباره معاد

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه ... کلّا بل تحبّون العاجله

برداشت یاد شده، بر این اساس استوار است که آیه شریفه مرتبط با آیه ۵ و ۶ همین سوره (بل یرید الإنسان لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیامه) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۶ - ۶

۶ - پوچ انگاری خلقت انسان و بی هدف دانستن زندگی او ، تأثیرگذار در انکار کردن معاد و ایمان نیاوردن به روز قیامت

أیحسب الإنسن أن یترک سدًی

آیه شریفه در سلسله آیات مربوط به تکذیب معاد از سوی کافران قرار دارد. از این رو می تواند درصدد بیان علل تکذیب روز قیامت باشد; هم چنان که می تواند بیانگر نشانه های تحقّق چنین روزی باشد.

عوامل کفر جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۵ - ۹

۹ - تأثیر کلیدی رهبران سیاسی و نظام اجتماعی ، در ایمان یا کفر و صلاح یا فساد جامعه

کما أرسلنا إلی فرعون رسولاً

عوامل کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۷

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت

موسی

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

استکبار به معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است ; یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

عوامل کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ - کفر و استکبار قوم عاد ، نتیجه غفلت آنان از قدرت برتر الهی

أَوَلم یروا أنّ اللّه الذی خلقهم هو أشدّ منهم قوّه

عوامل کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۱ - ۸

۸ - صاحبان زر و زور ، عامل اصلی گمراهی و کفر قوم نوح بودند .

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلاّ خسارًا

عوامل کفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۶

۶ - مستضعفان در قیامت ، انتخاب کفر و بی دینی را تحمیلی از سوی مستکبران معرفی خواهند کرد .

إذ تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أندادًا

کاربرد فعل <تأمروننا> (از ماده <أمر> و به معنای فرمان و دستور) دلالت می کند که مستکبران به صورت دستور آمرانه،

مستضعفان را وادار به پذیرش عقیده ای می کرده اند.

عوامل کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۱۴

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی

آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علينا و يكفرون بما وراءه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۷

۷ - فسق و انحراف يهوديان ، موجب كفرشان به قرآن و آيات الهى است .

و ما يكفر بها إلا الفسقون

مصداق روشن براى <الفاسقون> - به قرينه آيات قبل و بعد - يهوديان هستند. آيات پيشين برخى از بهانه هاى يهود را براى اعراض از ايمان يادآور شده و آيه مورد بحث بيان مى دارد كه ريشه اصلى اعراض يهود از ايمان انحراف و فسق پيشگى آنان است.

عوامل گرايش به كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۳

۱۳- توجه به فرجام مؤمنان و كافران ، نقشى تعيين كننده در گرايش انسان به ايمان يا كفر دارد .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

عوامل گمراهى رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۹ - ۴

۴ گمراهىِ گريز ناپذير سران كفر و شرك ، پيامد برخورد هاى عناد آلود و بهانه جويانه آنان با قرآن و پيامبر (ص)

إن هذا إلاّ إفك. .. و قالوا مالِ هذا الرسول ... إن تتّبعون إلاّ رجلًا مسحورًا

<فاء> در <فضلّوا> براى سببيت و در <فلايستطيعون> تفسيريه است; يعنى، برخوردهاى عناد آلود كافران با پيامبر(ص) سبب گمراهى آنان بود و اين گمراهى، موجب نيافتن راهى براى گريز از آن گرديد.

عوامل مصونیت از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ –

۳ - ۵۰

۳ - لزوم استمداد از خداوند و پناه جستن به او ، برای مصون ماندن از کفر و گناه

ففرّوا إلى اللّه

فرجام اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳ - ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطهوری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما يودّ الذين كفروا لو كانوا مسلمين. ذرهم يأكلوا ... فسوف يعلمون

فرجام رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۰ - ۲

۲ - یاوران خط کفر ، دارای سرنوشتی مشترک با پیشوایان کافر خویش

فأخذنه و جنوده

فرجام شوم رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۵

۵ - طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونیان و پیشوایان کفر در روز رستاخیز

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار . .. و يوم القيمه هم من المقبوحين

فرجام شوم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۶۰ – ۲

۲ – کفر به خداوند و روی گردانی از عبادت او ، ظلمی بدفرجام

لیعبدون . .. فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا ... فویل للذین کفروا من یومهم

برداشت بالا از آن جا است که در این آیه و آیه قبل، کفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <لیعبدون> مطرح گشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۴۵ – ۷

۷ – کفرورزی ، دارای فرجامی سخت و هلاکت بار

فذرهم حتّی یلقوا یومهم الذی

فیه یصعقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۵

۵ - برخی از کافران ، مصرّ بر کفر خویش ، به رغم آگاهی کامل از نتایج شوم آن

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

مفهوم <أکثرهم> این است که اقلیتی آگاه و معاند وجود دارند که به رغم آگاهی داشتن، گام در مسیر کفر می نهند.

فرجام کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۹ - ۵

۵ - حق ناپذیران لجوج ، شاهد بازتاب کفر و شرک خویش در فرجامی نه چندان دور

فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱

۱- هشدار خداوند به منکران قرآن ، نسبت به عواقب کفرورزی آنان

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه و کفرتم به

تعبیر <أرأیتم . ..>، دربردارنده معنای هشدار و تذکر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۴

۴- کفر و عواقب شوم آن ، دارای پیشینه و نماد های بسیار در گذشته تاریخ

فینظروا کیف کان عقبه الذین من قبلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۲

۲ - کفر و حق ستیزی ، منتهی به تناقض در گفتار و اندیشه *

إنّکم لفی قول مختلف

مخاطب <إنّکم>، کافران هستند. از آن جایی که برای آنان وصفی آورده نشده، استفاده می شود که نفس کفر آنان، منتهی به اختلاف در گفتار و پندار آنها شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار

- ۸۲ - ۹ - ۱

۱ - کسانی که خود را از فرجام کفر و کیفر گناه در امان می پندارند ، دستاویزی برای توجیه کفر و گناه خود ندارند .

ما غرّك . .. كلاّ

حرف <کلاّ> مخاطب را از چیزی منع می کند که در جملات پیشین مطرح بوده است. از آن جایی که آیات قبل، توجیهات و بهانه های نادرست کافران و گنه کاران را پوچ قلمداد کرده است، حرف <کلاّ> در این آیه آنان را از دلگرمی به آن دستاویزها بازمی دارد.

فطریت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - بیزاری از کفر ، فسق و عصیان ، دارای ریشه در سرشت انسان *

و كرّه إليكم الكفر و الفسوق و العصيان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب <کرّه> به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد; یعنی، خداوند وجود انسان را با همه تمایلات و گرایش ها به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و. .. متنفر است.

فطریت نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - بیزاری از کفر ، فسق و عصیان ، دارای ریشه در سرشت انسان *

و كرّه إليكم الكفر و الفسوق و العصيان

برداشت بالا بدان احتمال است که انتساب <کرّه> به خداوند، بیانگر جریان تکوینی باشد; یعنی، خداوند وجود انسان را با همه تمایلات و گرایش ها به گونه ای آفریده است که به طور طبیعی از کفر و. .. متنفر است.

فلسفه کفر به

قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۴۱ – ۱۱

۱۱ – رسیدن به منافع دنیوی ، از عوامل گرایش به کفر و انکار قرآن

و لاتشتروا بأیتی ثمناً قلیلا

قرآن و ازدیاد کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

قساوت قلب اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۰ – ۱

۱ – بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، به گونه ای بودند که انذار و اخطارِ پیامبر (ص) در آنان کارساز نبوده و ایمان نمی آوردند .

لقد حقّ القول علی أکثرهم . .. و سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون

کفر آل فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۳

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

كدأب ءال فرعون . .. كفروا بايت اللّه

كفر ابليس

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۳۴ – ۱۳،۱۸،۱۹

۱۳ – وجود كافرانى غير از ابليس ، در زمان تمردش از فرمان خدا *

و كان من الكفرين

۱۸ موسى بن بكر واسطى گفت : < سألت أباالحسن موسى (ع) عن الكفر و الشرك أيهما أقدم . . . فقال لى

: الكفر أقدم و هو الجحود قال لابليس < أبى و استكبر و كان من الكافرين > ;

از امام كاظم(ع) سؤال كردم: كفرقديمى تر است يا شرك؟ امام فرمود: كفر قديمى تر است و آن به معناى انكار است. خداوند درباره ابليس فرمود: نافرمانى و تكبر كرد و از كافران بود>.

۱۹ از امام سجاد (ع) روايت شده : < . . . فأول ما عصى الله بالكبر و هى معصيه إبليس حين أبى و استكبر و كان من الكافرين . . . ;

. .. اولين سبب نافرمانى از خدا كبر بوده و اين نافرمانى ابليس بود به هنگامى كه تكبر و نافرمانى كرد و از كافران گشت ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۲۲ – ۲۶

۲۶– < عن أبى عبدالله (ع) : . . . و الوجه الخامس من الكفر : كفر البرائه . . . و قال : يذكر إبليس و تبرئته من أوليائه من الإنس يوم القيامه : < إنى كفرت بما أشركتمون من قبل > . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود:. .. قسم پنجم از كفر [به معناى] بيزارى جستن است ... و خداوند [داستان] ابليس و بيزارى جستن او در قيامت ، از انسانهاى پيروش را يادآور مى شود [و سخن شيطان را بيان كرده] مى فرمايد: <إنى كفرت بما أشركتمون من قبل> ...>.

كفر ابو لهب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – مسد – ۱۱۱ – ۳ – ۵

۵ – گرايش نيافتن ابولهب به اسلام تا آخر

عمر ، از پیشگویی های قرآن

سیصلی نارًا ذات لهب

کفر احزاب صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۲

۲ - احزاب متّحدِ محاصره کننده مسلمانان در مدینه ، همگی ، کافر بودند .

و ردّ اللّه الذین کفروا

طبق آنچه در آغاز سوره آمد، احزاب گرد آمده برای جنگ با مسلمانان مدینه، از مشرکان و منافقان و یهودیان بودند، ولی خداوند از همه آنان، به <الذین کفروا> تعبیر کرده است و این، حکایت از کفر همگی آنان می کند.

کفر استهزاگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۶

۶ استهزا کنندگان آیات الهی ، کافرند .

إذا سمعتم ءایت اللّه یکفر بها و یستهزأ بها

ظاهراً جمله <یستهزأ بها> توضیح و تفسیر برای جمله <یکفر بها> است، بازگشت ضمیر مفرد در <غیره> به این دو جمله، دلالت بر وحدت کفر و استهزا دارد.

کفر اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ طبقه سران و اشراف ملتها ، پیشتاز در کفر و انکار پیامبران الهی هستند .

فقال الملأ الذین کفروا

کفر اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۶ – ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

کفر اشراف قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۴ – ۱

۱ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أکبر مجرمیها . .. قالوا لن نؤمن

کفر اشراف قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۴

۴ – کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

و قال الملأ من قومه الذین کفروا و کذّبوا بلقاء الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۷ – ۲

۲ – انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلّا حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۸ – ۲

۲ – اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

کفر اشراف قوم عاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۳۳ – ۴

۴ – کفر ورزی و انکار معاد ، دو مشخصه عمده اشراف جامعه پس از نوح

و قال الملأ من قومه الذین کفروا و کذّبوا بلقاء الأخره

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۷ - ۲

۲ - انکار صریح معاد ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

إن هی إلاّ حیاتنا الدنیا نموت و نحیا و ما نحن بمبعوثین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۸ - ۲

۲ - اعلام صریح ایمان نداشتن به فرستاده الهی برای مردم ، از سوی اشراف و سران جامعه پس از نوح

و ما نحن له بمؤمنین

کفر اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۷ - ۱

۱ اشراف و سران قوم نوح ، پیامبری آن حضرت را انکار کرده و به توحید و برپایی قیامت کافر شدند .

فقال الملأ الذین کفروا من قومه

متعلق <کفروا> به قرینه آیه قبل توحید ، نبوت نوح و برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۴ - ۳

۳ - کفرورزی و حق ناپذیری ، بارزترین مشخصه اشراف قوم نوح

فقال الملؤا الذین کفروا

کفر اشراف مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۲

۲ گروهی از اشراف و بزرگان مدین رسالت شعیب را انکار کردند و گروهی از آنان به وی ایمان آوردند .

و قال الملأ الذین کفروا من قومه

در برداشت فوق <الذین . .. > قید احترازی گرفته شده است; یعنی <ملأ> دو گروه بودند: گروهی کافر و گروهی مؤمن.

کفر اشراف مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۵

انعام – ۶ – ۱۲۴ – ۱

۱ مجرمان سردمدار مکه از ایمان به رسالت پیامبر(ص) و آیات خدا به بهانه های واهی سر باز می زدند.

أکبر مجرمیها . .. قالوا لن نؤمن

کفر اصحاب شمال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۲ – ۲

۲ – اصحاب الشمال ، متشکل از انسان های کافر و تکذیب گر

و أمّا إن کان من المکذّبین

کفر اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۹ – ۱۳

۱۳– اقوام کافر پس از ملاحظه دلایل روشن انبیا ، آنها را استهزا کردند و کفر خویش را صریحاً به آنان اعلام داشتند .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت فردّوا أیدیهم فی أفوههم و قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به

مرجع ضمیر در <أیدیهم فی أفواههم> اقوام یاد شده در آیه است و این عبارت، معنای کنایی دارد و مراد از آن، این است که اقوام کافر با دست گذاشتن بر دهان خود و یا با سوت زدن، به استهزای انبیای خود پرداختند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۳ – ۴

۴– اقوام هدایت ناپذیر پیشین ، علی رغم دریافت آیات الهی به آنان ، ایمان نیاوردند .

لایؤمنون به و قد خلت سنه الأولین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۶ – ۱

۱ – خداوند ، اقوام تکذیب گر و کفرپیشه تاریخ را که از سر لجاجت و عمد بر کفر و تکذیب خود پافشردند با عذاب استیصال نابود کرد .

فقد کذّب

الذین من قبلهم جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. ثمّ أخذت الذین کفروا

<تنکیر> به معنـای انکـار (تغییر) است (لسـان العرب) و مقصود از آن در آیه شـریفه، تغییر نعمت به نقمت و حیـات به مرگ می باشد; که مجازات کفرپیشگی است.

کفر اکثریت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۹

۹ - بسیاری از مردم ، منکر معاد و لقاءاللّه اند .

و إنّ کثیرًا من الناس بلقای ربّهم لکفرون

کفر اکثریت اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۴

۴ - بیشتر مردم < ایکه > ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر بودند .

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به <اصحاب الأیکه> برمی گردد.

کفر اکثریت اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۱

۲۱ بسیاری از اهل کتاب مردمانی کفرپیشه و دارای سرنوشتی شوم

یاهل الکتب لستم علی شیء . .. فلاتأس علی القوم الکفرین

کفر اکثریت فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۷ - ۴

۴ - اکثریت فرعونیان (قبطیان) ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

کفر اکثریت قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۴

۴ - بیشتر قوم لوط ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد.

کفر اکثریت قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۴

۴ - بیشتر افراد قوم نوح ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

کفر اکثریت مردم صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۳

۲۳ اکثر مردم عصر بعثت ، از ایمان آوردن به قرآن امتناع میورزیدند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، براین اساس است که <ال> در <الناس> عهد حضوری و اشاره به مردمی باشد که در زمان نزول آیات سوره هود ، زندگی می کردند.

کفر اکثریت مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱۲

۱۲ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری در بیشتر شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به عادیان بازمی گردد; اما در عین حال به شرک پیشگان صدراسلام نیز اشاره ای دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱۰

۱۰ - رسوخ روحیه کفرورزی و پندناپذیری ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به ثمودیان بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۴ - ۷

۷ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در<أکثرهم> به قوم لوط بازمی گردد; اما در عین حال اشاره به مشرکان صدراسلام نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۰ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفر و حق ستیزی ، در اکثریت شرک پیشگان صدراسلام

و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به مردم ایکه باز می گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

کفر اکثریت یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷،۸،۱۰،۱۱

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

۱۰ - اکثر یهودیانی که به عهد های الهی وفا نکردند ، به آن عهد و پیمان ها ، ایمان و اعتقاد نداشتند .

كلما عهدوا عهداً نبذه فريق منهم بل اكثرهم لايؤمنون

اين برداشت بدان احتمال است كه متعلق <يؤمنون> عهدها و پيمانها باشد; يعنى، اكثر عهدشكنان، آن عهد و پيمانها را به

قلب و دل خویش نپذیرفته بودند اگر چه تظاهر به پذیرش آن می کردند. گفتنی است که در برداشت فوق ضمیر در <أکثرهم> به <فریق> برگردانده شده است.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا یؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

کفر اکراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۰ - ۱۶

۱۶- پذیرش عذر بر زبان راندن کلمات کفرآمیز در شرایط سخت و ناچاری ، مشروط به نشان دادن صداقت خویش با هجرت ، جهاد و مقاومت در راه خداست .

من کفر بالله . .. إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن ... إن ربّک للذین هاجروا

کفر اکراهی عمارياسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۴

۴- برخی از مسلمانان صدراسلام (مانند عمارياسر) به خاطر فشار های شدید کافران علی رغم ایمان باطنی خود الفاظ کفرآمیز بر زبان جاری کردند .

من کفر بالله من بعد إیمنه إلاّ من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن

طبق شأن نزولی که درباره آیه آمده است، قضیه مربوط به عمارياسر است که از شدت شکنجه، سخنان کفرآمیز بر زبان جاری کرد.

کفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۴

۴ فرعونیان و امت های قبل از ایشان مردمی کفرپیشه و گنهکار

کدأب ءال فرعون و

الذین من قبلهم کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

ضمیر در <کفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۹

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نقمت و عذاب تبدیل کرد .

کدأب ءال فرعون . .. ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۵ - ۳

۳ - امت های پیشین ، با وجود برهانِ روشن الهی ، گرفتار عبادت غیر خدا شده ، خود را به آن موظف می پنداشتند .

و ما أُمروا إلاّ لیعبدوا اللّه

تعبیر <و ما اُمروا. ..>، تعریض به تفرقه گران است که نباید امر خدا را بهانه قرار دهند; زیرا او به شرک فرمان نداده است.

کفر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۶

۱۶ کفرورزی انسان ها و بی تقوایی آنان ، خارج از خواست و اختیار خداوند نخواهد بود .

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

بیان مالکیت خداوند نسبت به تمامی هستی پس از جمله <ان تکفروا>، می تواند اشاره به این معنا باشد که، کفرورزی انسانها چون خارج از هستی نیست، در اختیار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۲۰

۲۰ خداوند ، آگاه به ایمان و کفر مردمان

فامنوا خیراً

لكم و إن تكفروا . .. و كان اللّه عليماً حكيماً

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۱

۱۱– برخوردارى انسان از حق انتخاب ايمان و كفر ، به معناى بى تفاوتى ايمان و كفر در فرجام اخروى او ، نيست .

فمن شاء فليؤمن و من شاء فليكفر إنّا أعتدنا للظلمين نارًا

امر در <فليكفر> براى تهديد است و جمله <إنّا أعتدنا. ..> گوياى اين معنا است كه اختيار انسان در انتخاب ايمان يا كفر، بدان معنا نيست كه او، بر انتخاب خويش، مؤاخذه و يا تشويق نخواهد شد.

كفر انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۸ – ۴

۴– كفر و حق نا باورى ، داراى ديرينه در گذشته تاريخ جن و انس

حقّ عليهم القول فى أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

كفر اهل انطاكيه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – يس – ۳۶ – ۲۲ – ۸

۸ – مردم انطاكيه به علت كفر به خدا و انكار معاد ، مورد انتقاد و سرزنش مؤمن انطاكيه (حبيب نجار) قرار گرفتند .

و ما لى لا أعبد الذى فطرنى و إليه ترجعون

بيشتر مفسران برآنند كه آيه شريفه، در مقام تعريض و سرزنش مردم كافر انطاكيه مى باشد و آمدن آن در قالب <و ما لى لا أعبد> به جاى <و ما لكم لاتعبدون> براى تأكيد بيشتر است. گفتنى است آمدن جمله <ترجعون> به صيغه مخاطب، مؤيد اين حقيقت است.

كفر اهل عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱

- انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۱

۱- امت های محکوم به عذاب ، علی رغم بهره مندی آنان از معجزات الهی ، ایمان نیاوردند .

ماءامنت قبلهم من قریه أهلکنها

کفر اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهـل . ..> به دلیـل عطف <المشـرکین> بر <اهـل الکتـاب> بیـانیه است. بنـابراین <ما یود الـذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۱۱

۱۱ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمود : < مراد از < شقاق > در آیه < فانماهم فی شقاق > کفر است .> ۱۴۰

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۳ - ۲

۲ تمرّد اهل کتاب از حاکمیّت کتاب خدا ، شاهد و دلیل کفر آنان

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً . .. و هم معرضون

به نظر می رسد این آیه، عهده دار بیان کفر اهل کتاب باشد که در آیه قبل، به آن تصریح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان

و افترایشان در دین

قالوا لن تمسّنا النار . .. فکیف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۰ - ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۲ - ۱،۲

۱ تظاهر به پذیرش اسلام و قرآن و سپس کفر به آن دو ، از راه های آمیختن حق به باطل توسط اهل کتاب

یا اهل الکتاب لم تلبسون الحقّ بالباطل . .. و طائفه من اهل الکتاب

به نظر می رسد جمله <و قالت طائفه . .. >، پس از <لم تلبسون>، ذکر مصداقی برای تلبیس حق به باطل باشد.

۲ توصیه گروهی از اهل کتاب به دیگران مبنی بر ایمان به قرآن در اوّل روز و کفر به آن در آخر روز ، به منظور بازگشت مؤمنان از اسلام

و قالت طائفه من اهل الکتاب . .. لعلهم یرجعون

بنابراینکه <وجه النهار>، متعلّق به <امنوا> و <اخره>، متعلق به <اکفروا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۱،۲

۱ پیامبر (ص) ، مأمور پرسش از انگیزه های کفرِ اهل کتاب

قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات اللّه

کفر اهل کتاب به آیات الهی (انکار حلیّت خوردنی ها قبل از نزول تورات در آیین ابراهیم و انکار تقدّم تاریخی بنای کعبه)

کل الطعام . .. قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات اللّه

مراد از <ایات اللّه>، مضامینی است که در آیه های قبل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۰ - ۲۰

۲۰ ایمان آوردن عدّه کمی از اهل کتاب به اسلام ، و کفر بیشتر آنان بدان

منهم المؤمنون و اکثرهم الفاسقون

بنابر اینکه منظوراز ایمان، ایمان به اسلام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی دیگر پذیرای طاعت خدا ، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلک بانّهم کانوا یکفرون . .. لیسوا سوآءً من اهل الکتب ... و هم یسجدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲۳

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها

على ادبارها

امام باقر (ع) در معنى آيه فوق فرمود: نطمسها عن الهدى فنردّها على ادبارها فى ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۸۶ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۳

۳ اهل كتاب ، مردمى مشرك ، به خاطر كفر به قرآن

فلا يؤمنون الّا قليلا . .. يا ايها الذين اوتوا الكتب امنوا بما نزّلنا ... انّ ال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۲

۲ تغيير موضع ، با اظهار ايمان و كفر مكرر ، توطئه اهل كتاب براى تضعيف عقايد مسلمانان

إنّ الذين ءامنوا ثم كفروا ثم ءامنوا ثم كفروا . .. و لاليهديهم سبيلا

در شأن نزول آيه آمده است كه گروهى از اهل كتاب، در حضور مسلمانان اظهار ايمان مى كردند و براى القاى شبهه در بين ايشان، دوباره كافر مى شدند و كفر خويش را معلول نادرستى اسلام قلمداد مى كردند تا از اين طريق بذر ترديد و شك را در دل مسلمانان بپاشند و بارور كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۵

۵ اهل كتاب با انكار رسالت پيامبر (ص) ، در حقيقت به خدا و تمامى پيامبران و پيامبر خويش كافرند .

إنّ الذين يكفرون . .. و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض ... أولئك هم الكفرون

بنا به گفته مفسران و به دليل آيات بعد، مراد از <الذين يكفرون . ..>، اهل كتاب هستند.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۵

۵ کفر و ظلم گروهی از اهل کتاب ، موجب خلود آنها در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. و لالیهدیهم طریقاً. الا طریق جهنم خلدین فیها

با توجه به آیات قبل مصداق مورد نظر از آیه کافران اهل کتاب می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۱ - ۳

۳ پافشاری و اصرار اهل کتاب ، بر کفر خویش

و قد دخلوا بالکفر و هم قد خرجوا به

جمله <قد دخلوا بالکفر و هم قد خرجوا به> به این معناست که هیچ نقصانی در کفر آنان حاصل نشد و با همان کفر خارج شدند که با آن به پیشگاه پیامبر(ص) آمده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۱،۱۳،۱۵،۲۲

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۳ اهل کتاب در کفر و طغیان روز افزون به خاطر بی اعتنایی به تعالیم تورات و انجیل

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

ازدیاد کفر و طغیان اهل کتاب بر اثر نپذیرفتن قرآن، حاکی از آن است که قبل از نزول قرآن نیز آنان در کفر و طغیان بوده اند که به قرینه صدر آیه، این کفر و طغیان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجیل بوده است.

۱۵ بی اعتنایی و عدم

تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل یاهل الکتب لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل . .. طغیناً

بیـان کفرورزی اهـل کتـاب به قرآن پس از بیـان بی اعتنـایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

۲۲ کفرورزی اهل کتاب اسفبار و حزن انگیز برای پیامبر (ص)

فلاتأس علی القوم الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۰ – ۵،۷،۱۲

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخری . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او ایمان نیاورده اند.

۷ اهل کتاب، مورد توبیخ خداوند به جهت کتمان حقانیت پیامبر(ص) و ایمان نیاوردن به او

الذین ءاتینهم الکتب . .. الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

۱۲ کتمان کنندگان حقانیت پیامبر(ص) از اهل کتاب، ایمان نخواهند آورد.

الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه . .. فهم لا یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۹ – ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان

از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۴،۵،۶،۱۲،۱۳،۱۴

۴ - منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را، اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

۵ - همسویی اهل کتاب ، با مشرکان در عصر بعثت ، در امتناع از پذیرش اسلام

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

در برداشت یاد شده، <منفکّین> به معنای <منفکّین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البیّنه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البیّنه> مرادف است و عبارت <حتّی اتیان البیّنه> را می توان به معنای <حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <حتّی باتیان البیّنه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکّین فی وقت من الأوقات حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <لم یکن ... منفکّین بأیّ طریق حتّی باتیان البیّنه>.

۱۲ - ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

۱۳ - برخی از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند

.

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند; ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است; ۳. تعبیر <منفکّین> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند; ۴. آیه شریفه در مقام توبیخ کسانی است که به رغم پیدایش <بیّنه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور < بیّنه > ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۴،۵

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أُمروا إلاّ لیعبدوا اللّه مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل

الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

کفر اهل کتاب به محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۴ - ۱۱

۱۱ ایمان نیاوردن اهل کتاب به پیامبر(ص) و مخالفت آنان با حضرت، امری شبهه افکن در دلهای مردم بوده است.

و الذین ءاتینهم الکتب یعلمون أنه منزل من ربک بالحق فلا تکونن من الممترین

ظاهراً آیه شریفه در مقام رفع تردیدی است که از ناحیه ایمان نیاوردن اهل کتاب در دلهای برخی ایجاد می گشت. با این بیان که آنان حقانیت قرآن را می دانند، ولی به جهت دیگری آن را انکار می کنند، پس مسلمانان نباید به سبب ایمان نیاوردن آنان به خود شک راه دهند.

کفر اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۵

۲۵ شعیب (ع) پس از یأس از ایمان مردم کفرپیشه با دعا به درگاه خداوند از وی خواست تا بین او و کفرپیشگان قضاوت کند .

ربنا افتح بیننا و بین قومنا بالحق و أنت خیر الفتحین

از معانی کلمه <فتح> داوری کردن و قضاوت نمودن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ شعیب (ع) با توجه به کفرورزی مردم خویش ، دریغ و تأسف بر هلاکت آنان را ناروا خواند .

فکیف ءاسی علی قوم کفرین

لحن جمله <یقوم . .. > حکایت از دریغ و تأسف شعیب دارد و جمله <کیف ءاسی ... > دلالت می کند که تأسف

بر هلاـکت کفرپیشـگان نارواست. گویا شـعیب هنگامی که قومش را مشـرف به هلاکت یافت بر آنان افسوس خورد و سـپس کفرورزی آنـان را ملاـحظه کرد و آنـان را مسـتحق این هلاکت دانست و لـذا نتیجه گرفت که نبایـد بر هلاکت ایشان افسوس خورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۹

۹ قوم شعیب ، مردمی مشرک و روی گردان از پرستش خداوند

اعبدوا الله ما لکم من إله غیره

کفر اهل مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲

۲- تن دادن مکیان به صلح ، با همه کفر و عناد خویش نسبت به مؤمنان ، نمودی از اراده و تدبیر نافذ خداوند

و هو الذی کفّ . .. هم الذین کفروا

علی رغم کفر و ستیز مشرکان با اسـلام، به تدبیر الهی زمینه ای پدید آمد که آنان به صلح تن دادند و شرّشان از سر مسلمانان دفع گردید.

کفر بادیه نشینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

کفر بادیه نشینان جزیره العرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۷ – ۱

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و

نفاقاً

کفر باغدار متکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۸ – ۱

۱– مرد مؤمن (سمبل ایمان) از بینش و منش کفرآلود ثروت منِدِ دنیاگرا ، اظهار بی زاری کرد .

لکنّاْ هو اللّه ربّی

کفر بت پرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۶ – ۵

۵ – بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

کفر بخیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۱۰

۱۰ بخلورزی و دعوت دیگران به بخل و پنهان نمودن نعمت های خدادادی ، زمینه کفرورزی

الذین یبخلون . .. اعتدنا للکافرین

اطلاق کافر بر بخیل و . .. یا بـدین جهت است که بخیل در حقیقت کافر است، و یا هشدار به این است که سـرانجام بخلورزی کفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۸

۸ آگاهی کامل خداوند به مؤمنان انفاق کننده ، ریاکاران و بخیلان کفرپیشه

و کان اللّه بهم علیماً

کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین

جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱،۵

۱ - قوم موسی از تصدیق رسالت او سرباز زدند و بر ایمان نداشتن به او تأکید ورزیدند .

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک

<لن نؤمن لک>; یعنی، تو را هرگز تصدیق نمی کنیم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به یک معناست. (مجمع البیان)

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۸،۳۰،۲۵

۲۵ - بنی اسرائیل ، آیات خدا را انکار کردند و به آنها کفر ورزیدند .

کانوا یکفرون بأیت اللّه

۳۰ - بنی اسرائیل ، به خاطر کفرشان به آیات الهی و کشتن پیامبران ، مورد غضب خداوند قرار گرفتند .

ذلک بأنهم کانوا یکفرون بأیت اللّه و یقتلون النبیین

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر < منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ

قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱،۲،۳،۴،۲۶

۱ کفر و انکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع) ، علی رغم مشاهده معجزات او

انّی قد جئتکم بایه من ربّکم . .. فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۲ یقین عیسی (ع) به ایمان نیاوردن بنی اسرائیل و اصرار آنان بر کفر

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

با وجود اینکه کفر، امری قلبی است و قابل حسّ نیست، کلمه احساس به کار برده شده تا اشاره به شدت کفر آنان باشد. یعنی گویا می توان کفرشان را احساس کرد; لذا در برداشت فوق از احساس، تعبیر به یقین شده است.

۳ کفر آشکار بنی اسرائیل به رسالت عیسی (ع)

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

۴ عیسی (ع) با مشاهده کفر بنی اسرائیل ، در صدد اتمام حجّت و متمایز کردن جبهه حق از جبهه کفر شد .

فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی اللّه

۲۶ شنیدن و دیدن حضرت عیسی (ع) سخنان و اعمال کفرآمیز از بنی اسرائیل

فلمّا احسّ منهم الکفر

امام صادق (ع) درباره آیه فوق

فرمود: ای لما سمع و رأی انّهم یکفرون.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۳ ; بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۲، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۲

۲ کفر و گمراهی بنی اسرائیل به علت نقض پیمان های الهی

فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل . .. فبما نقضهم میثقهم لعنهم

به مقتضای آیه قبل (و لقد اخذ اللّه . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل)، نقض میثاق الهی، کفر و گمراهی است. و آیه مورد بحث، بنی اسرائیل را نقض کننده پیمان الهی معرفی می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۶

۶ کفر گروهی از بنی اسرائیل پیامد غلو آنان در دین

لاتغلوا فی دینکم . .. لعن الذین کفروا من بنی اسرءیل

بیان گرایش گروهی از بنی اسرائیل به کفر پس از اشاره به غلو و گزافه گویی اهل کتاب در دین، می تواند بیانگر این باشد که کفرورزی آنان پیامد غلوشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

- فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱

۱ بسیاری از بنی اسرائیل به پیامبر (ص) و قرآن ایمان نیاوردند و اعتقاد راسخی به خداوند نداشتند .

و لو کانوا یؤمنون باللّه و النبی و ما أنزل إلیه

برداشت فوق بنابر این احتمال است که مراد از <النبی> پیامبر اسلام(ص) باشد، در این صورت <ما انزل الیه> قرآن خواهد بود قابل ذکر است که بر این مبنا عدم ایمان نسبت به خداوند ایمان واقعی و نسبت به پیامبر و قرآن ایمان واقعی و ظاهری است. زیرا بنی اسرائیل ایمان به خداوند را اظهار می داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۳۷

۳۷ گروهی از بنی اسرائیل عصر عیسی (ع) ، رسالت وی را منکر و در زمره کافران بودند .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۱

۱- موسی (ع) در راستای رسالت خویش به بنی اسرائیل اعلام کرد که کفر آنان و تمامی ساکنان زمین$ زیانی به خداوند نمی رساند .

و قال موسی إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمید

<إن> در <إن تکفروا> شرطیه است و جواب آن <لم یتضرر هو> می باشد که محذوف است و <فإن الله لغنی> تعلیل جزای شرط محذوف می باشد.

کفر بنی اسرائیل به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و

ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

کفر بنی اسرائیل به لقاء الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۴ - ۱۳

۱۳ ناباوری بنی اسرائیل به قیامت و ملاقات خدا پیش از نزول تورات

ثم ءاتینا موسی الکتب . .. لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون

کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۳

۳ - بی اعتقادی مشرکان صدراسلام ، نسبت به جهان واپسین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسمّون الملئکه

کفر به آل ابراهیم (ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۴

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم . .. و منهم من صدّ عنه

کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۲۵

۲۵ - بنی اسرائیل ، آیات خدا را انکار کردند و به آنها کفر ورزیدند .

کانوا یکفرون بأیت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

عمران - ۳ - ۷۰ - ۳،۵

۳ گمراه کردن مؤمنان ، کفر به آیات الهی است . *

ودّت طائفه . .. یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه

به نظر می رسد مراد از جمله <لم تکفرون . .. >، تعبیر دیگر و یا بیان مصداقی از جمله <لو یضلونکم> باشد.

۵ نکوهش کفرِ آگاهانه به آیات الهی

لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱،۳

۱ آتش سوزانِ جهنّم ، کیفر کافرانِ به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۳ اخلالگری در برنامه انبیا ، انکار آیات الهی و کفر به آنهاست .

و منهم من صدّ عنه . .. انّ الّذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۰ - ۲

۲ حرمت نشست در مجالس استهزای به آیات الهی و کفر به آنها ، حکمی که قبلا نیز در قرآن بیان شده بود .

و قد نزّل علیکم فی الکتب أن إذا سمعتم . .. و یستهزأُ بها فلاتقعدوا معهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم

یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۷

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت موسی

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

استکبار به معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است ; یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۳

۳ آل فرعون از مظاهر بارز کافران به آیات الهی

کدأب ءال فرعون . .. کفروا بایت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه اشاره به فرجام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می تواند اشاره به قضایای جنگ بدر و

نابودی مشرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۷ – ۲

۲ – کفر به آیات الهی ، پس از شنود و شهود آن ، دروغ پردازی و گناهی نابخشودنی است .

فبأیّ حدیث بعد اللّه و ءایته یؤمنون . ویل لکلّ أفّاك أثیم

برداشت یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل و این نکته است که <أفّاك أثیم> به کسانی اطلاق شده که آیات الهی را تصدیق نکرده و بدان کفر ورزیده اند. بر این اساس عدم ایمان به آیات روشن الهی، خود دروغ و گناهی عظیم و نابخشودنی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴ – ۹،۱۳

۹ کفر به آیات خدا ، موجب عذاب سخت الهی بر کافران

انّ الّذین کفروا بایات اللّه لهم عذاب شدید

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نزّل علیك . .. انّ الّذین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که مورد آیه، اهل کتابند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۳،۶

۳ کفر به آیات الهی ، منشأ قتل انبیا و عدالتخواهان

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون الذین یأمرون بالقسط

۶ همسانی گناه کفر به آیات الهی ، با قتل انبیا و مردمان عدالتخواه

انّ الذین یکفرون . .. و یقتلون النّبیّن ... و یقتلون

همسانی گناه، از همگون بودن کیفر، استفاده شده است.

- آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۱

۱ تهدید اهل کتاب از سوی خداوند ، به لحاظ کفرشان به آیات الهی ، قتل پیامبران و عدالتخواهان و افترایشان در دین

قالوا لن تمسّنا النار . .. فکیف اذا جمعناهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۸

۸ توجّه به نظارت و آگاهی خداوند بر اعمال انسان ، عامل بازدارنده از کفر به آیات خداوند

و اللّه شهید علی ما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۱،۱۸،۲۰

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

۱۸ گناه ، عصیان ، تعدّی و تجاوز مداوم ، موجب کفر به آیات الهی

بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ ذلک بما عصوا و کانوا

بنابر اینکه مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا>، کفر به آیات الهی باشد.

۲۰ هشدار خداوند به پرهیز از گناه ، تجاوز و کفر به آیات الهی

ذلک بانّهم کانوا یکفرون . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

بیان علت ذلّتها و گرفتاریهای یهود، هشداری است به تمام مرتکبین گناه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۳ - ۲

۲ برخی از اهل کتاب ، منکر آیات الهی ، قاتل انبیا و اهل عصیان و تعدی و برخی

دیگر پذیرای طاعت خدا ، اهل تلاوت آیات الهی و سجده کننده در پیشگاه او هستند .

ذلک بانّهم کانوا یکفرون . .. لیسوا سوآءً من اهل الکتب ... و هم یسجدون

کفر به احکام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۰

۳۰ کفر به احکام الهی ، موجب حبط عمل و زیان اخروی است .

و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله و هو فی الأخره من الخسرین

منظور از <ایمان> می توانـد به معنای مصدری آن (باورها) باشد و نیز می تواند معارف و مسائلی باشد که ایمان به آنها لازم است، مراد از آن معارف، به قرینه فرازهای پیشین آیه، احکام دینی است.

کفر به اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۳،۷

۳ - نپذیرفتن معارف اسلام ، پس از آگاهی به آنها ، نشانه حق ناپذیری و ستیزه جویی است .

قولوا ءامنا باللّه . .. فإن ءامنوا ... و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخری . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند

برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او ایمان نیاورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۶ - ۳

۳ - کفر و نپذیرفتن عمدی آیین اسلام ، نشانه جنون و بی خردی است و ایمان و هدایت ، نشانه خردورزی است .

بأییّکم المفتون

برداشت یاد شده، از آن جا است که به کافران، جنون نسبت داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۱۳

۱۳ - برخی از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند; ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است; ۳. تعبیر <منفکّین> ناظر به جدا شدن کافران، از دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند; ۴. آیه شریفه در مقام توبیخ کسانی است که به رغم پیدایش <بیّنه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن

پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۶ - ۹

۹ - ایمان داشتن به برخی از پیامبران و کافر شدن به برخی دیگر ، مایه هدایت نبوده و ناروا می باشد .

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا . .. لانفرق بین أحد منهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۲ - ۱،۲

۱ ایمان نیاوردن به پیامبران و یاری نکردن آنان ، فسق است .

لتؤمننّ به و لتنصرنّه . .. فمن تولّی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون

۲ کسانی که به پیامبر (ص) ایمان نیاورند و یا حضرتش

را یاری نکنند ، فاسق هستند .

لتؤمننّ به و لتنصرنّه . .. فمن تولّی بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون

در صورتی که مراد از <رسول> در آیه قبل، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به تمامی پیامبران و کتب نازل شده بر آنان ، حاکی از تسلیم نبودن در برابر خداست .

امنا . .. لا نفرّق بین احد منهم و نحن له مسلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۵ – ۴

۴ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبران آل ابراهیم و اخلالگری آنان در راه تحقق اهداف ایشان

فقد اتینا ال ابرهیم . .. و منهم من صدّ عنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۶ – ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۰ – ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی ، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست .

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض

مضاف الیه کلمه <بعض>، در هر دو مورد، <رسل> است، یعنی ایمان به برخی از پیامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز

جمله

<یقولون>، در حقیقت تفسیر <یکفرون باللّه و رسله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر ، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است . *

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله و یریدون أن یفرقوا . .. أولئک هم الکفرون

بـا توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامـل تبعیض در اعتقـاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود ; یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص) ، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إنّ الذین یکفرون . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض ... أولئک هم الکفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون . ..>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۹،۱۰

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئک الذین ءاتینهم . .. فإن یکفر بها هؤلاء

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه

به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۳

۳ تکبر و خودبزرگ بینی ، موجب کفر به پیامبران و پیام های آنان

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

آوردن اسم ظاهر <الذین> به جای ضمیر و نگفتن <قالوا إنا . .. > و توصیف آن اسم ظاهر به <استکبروا> برای اشاره به علت کفرورزی کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- کفر به تعالیم انبیا و ستیزه جویی با آنان ، ظلم است .

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. فأوحی إلیهم ربّهم لنهلکنّ الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۳ - ۸

۸- کفر در برابر پیام انبیا ، ناشی از جهالتورزی است .

قالوا أجئتنا لتأفکنا عن ءالهتنا . .. و لکنّی أریکم قومًا تجهلون

کفر به بخشی از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۳۳

۳۳ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < . . . الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه اوجه . . . و الوجه الرابع من

الكفر ترك ما

أمر اللّه عز و جل به و هو قول اللّه عز و جل < . . . أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > فكفّر هم بترك ما أمراللّه عز و جل به و نسبهم إلى الايمان و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده . . . ;

كفر در كتاب خدا بر پنج قسم است . .. و قسم چهارم از كفر، ترك اوامر خداست و اين سخن خداى عز و جل است كه مى فرمايد: <أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم> پس خداوند آنان را به خاطر ترك نمودن اوامر الهى كافر دانسته و به آنان نسبت ايمان داده است، اگر چه ايمان مورد قبول نيست و براى آنان نزد خداوند سودى ندارد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۱ - ۱،۵

۱- يهود و نصارا ، پس از نزول قرآن و ظهور اسلام ، به التقاط گراييده و به برخى از آيات قرآن ايمان آوردند و به برخى ديگر كفر ورزيدند .

الذين جعلوا القرءان عضين

<عضين> جمع <عضه> است و <عضه> به معناى جزء مى باشد و تجزيه در پذيرش معارف دين در شأن اهل كتاب است; چون كافران و مشركان اصل ديانت الهى را قبول نداشتند; چنان كه خداوند اهل كتاب را به همين وصف توصيف فرمود: <. ..و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض...> (سوره نساء، آيه ۱۵۰).

۵- < عن إبن عباس قال : سأل رجل رسول الله (ص) < . . .الذين جعلوا القرآن عضين > قال :

آمنوا ببعض و كفروا ببعض ;

از ابن عباس روايت شده است كه مردى از رسول خدا(ص) درباره سـخن خداوند <الذين جعلوا القرآن عضـين> سؤال كرد، حضرت فرمود: به بعضى از[قرآن]ايمان مى آورند و نسبت به بعض ديگر آن كافر مى شوند>.

كفر به تعاليم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۵

۵- باور نداشتن رهنمود هاى الهى و استغفار نكردن از لغزش ها ، درپى دارنده عذاب الهى است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . .. و يستغفروا ربّهم إلاّ أن تأتيهم سنّه الأوّلين

كفر به توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه كافران به توحيد، نبوت و معاد در مواقف قيامت

و يوم نحشر هم جمعياً . .. و لو ترى إذ وقفوا على ربهم قال أليس هذا بالحق

<أين شـركاؤكم> (در آيه ۲۲) مؤاخـذه درباره توحيد، <لاتكذب بآيات ربنا> (در آيه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <أليس هذا بالحق> (در آيه ۳۰) مؤاخذه درباره قيامت است.

كفر به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲،۱۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و كتاب آسمانى خويش (تورات) كفر ورزيدند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعيد نيست كه علاوه بر آن، تورات نيز منظور باشد. قابل ذكر است كه مراد از كافر شدن

یهود به تورات، انکار یا تحریف آن بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان

، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

۱۲ – حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن يكفروا بما أنزل اللّه بغياً أن ينزل اللّه من فضله على من يشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغياً> مفعولٌ به برای <أن يكفروا> می باشد.

کفر به حکمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۹ – ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ يقول المنفقون و الذين . .. فإن اللّه عزيز حكيم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن اللّه عزيز حكيم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

کفر به حمایت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ –

۱۱ ناباوری به حمایت خدا از متوکلان ، نشانه بیماردلی و ضعف ایمان است .

إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل به دست می آید.

کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا . .. لایؤمنون

متعلَّق <لایؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است; یعنی: لایؤمنون باللّه و لاباليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۸ - ۴

۴ - انکار خدای یکتا و کفر به او - با وجود دلیل های آشکار - امری غیر منطقی و شگفت آور است .

کیف تکفرون باللّه و کنتم أموتاً فأحیکم

استفهام در جمله <کیف تکفرون باللّه> استفهامی است که برای ایجاد تعجب ایراد شده است. جمله <و کنتم ...> جمله حالیه و بیانگر علت تعجب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۹ - ۱۴،۱۵

۱۴ کفر به خداوند بخشنده نعمت ها و برطرف کننده نیاز ها ، امر شگفت آور و غیر منطقی است .

کیف تکفرون باللّه . .. هو الذی خلق لکم ما فی الأرض جمیعاً

برداشت فوق بر این اساس است که: آیه مورد بحث با صدر آیه قبل در ارتباط باشد.

۱۵ کفر ورزیدن به خداوند دارنده قدرت بی انت ها و برخوردار از علم مطلق ، امر شگفت انگیز

و نامعقول است .

کیف تکفرون باللّه . .. هو الذی خلق لکم ... و هو بکل شیء علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۹،۱۸،۲۵

۹ در نظر خداوند ، جلوگیری از راه خدا و کفر به او ، گناهی بزرگتر از جنگیدن در ماه های حرام است .

عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به . .. اکبر

بنابراینکه <صد عن سبیل اللّه>، مبتدا و <اکبر>، خبر آن باشد.

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبیل اللّه>، عطف بر <کبیر> باشد: یعنی قتال فیه، صدّ عن سبیل اللّه و کفر به.

۲۵ کفر به خداوند و جلوگیری از راه او و مسجدالحرام و بیرون راندن اهل آن ، از مصادیق فتنه

و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله منه اکبر عنداللّه و الف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۴ – ۶،۷،۸

۶ عدم ایمانِ انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن . .. >، توضیح و تفسیری برای جمله <ینفق ماله رئاء> باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

کالّذی ینفق ماله رئاء

النّاس و لا يؤمن باللّه و اليوم الاخر

بنابراينكه جمله <و لا يؤمن . .. >، تفسيرى براى جمله قبل باشد.

۸ ريا و كفرِ به خدا و قيامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خير

لا تبطلوا . .. كالّذى ينفق ماله رئاء النّاس و لا يؤمن باللّه و اليوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۳ - ۶

۶ ايمان نياوردن به ربوبيّت خداوند ، پس از شنيدن نداى قرآن و دعوت پيامبر به آن ، نشانه بى خردى است .

ربّنا انّنا سمعنا . .. فامنّا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۱۳،۸،۷

۷ رياكاران ، ايمان واقعى به خدا و قيامت ندارند .

و الذين ينفقون اموالهم رئاء النّاس و لا يؤمنون باللّه و لا باليوم الاخر

جمله <و لا يؤمنون> مى تواند تفسير و توضيح جمله <ينفقون . .. > باشد ; تكرار نشدن <الذين> مى تواند اين معنا را تأييد كند.

۸ عذاب خواركننده ، كيفر ايمان نداشتن به خدا و قيامت

اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً. و الذين ... لا يؤمنون باللّه و لا باليوم الاخر

۱۳ دل هاى تهى از ايمان به خدا و قيامت ، جايگاه شيطان

لا يؤمنون باللّه و لا باليوم الاخر و من يكن الشيطان له قريناً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . .. و ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

ضمیر

در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۲

۲ شرمساری و رسوایی بی اندازه کافران به خدا و منکران معاد در قیامت

ماذا علیهم لو امنوا . .. یومئذ یودّ الذین کفروا ... لو تسوّی بهم الارض

به دلیل آیات گذشته، مراد از کفر، کفر به خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ ارجاع ننمودن داوری اختلافات به خدا و رسول (قرآن و سنت) ، حاکی از بی ایمانی به خدا و قیامت است .

فان تنازعتم فی شیء فردّوه الی اللّه و الرّسول ان کنتم تؤمنون باللّه و الیوم الاخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳،۴

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل . .. ما

یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

بنـابر اینکه خطـاب، متوجه منافقـان باشـد، آیه شـریفه اشـاره به ناسپاسـی و بی ایمـانی آنـان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی ، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست .

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض

مضـاف الیـه کلمـه <بعض>، در هر دو مـورد، <رسـل> است، یعنی ایمـان به برخی از پیـامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز جمله <یقولون>، در حقیقت تفسیر <یکفرون باللّه و رسله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر ، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است . *

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله و یریدون أن یفرقوا . .. أولئک هم الکفرون

بـا توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامـل تبعیض در اعتقـاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود ; یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص) ، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إنّ الذین یکفرون . .. و یقولون نؤمن

ببعض و نکفر ببعض ... أولئک هم الکفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون . ..>، اهل کتاب هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۱ – ۳

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. صرطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . ..> بیانگر آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۹ – ۱۱

۱۱ کفر به خدا و قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۱ – ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . .. و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله <و لکن . ..> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۲،۳

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود

آگاهی به حقانیت آن ، کفر به خداوند است .

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: <ما لنا لانؤمن باللّه>.

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا . ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۹ - ۱

۱ فرمان خدا به نبرد با اهل کتاب ، به دلیل عدم ایمان آنان به خدا و آخرت و عدم پرهیزشان از محرمات الهی و پایبند نبودن به دین حق

قتلوا الذین لا یؤمنون . .. من الذین أوتوا الکتب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۰ - ۶

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص

)

ذلک بأنهم کفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص) ، کفر به خدا و رسول خداست .

فرح المخلفون . .. إنهم کفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۸

۱۸ نپذیرفتن آیین و شریعت الهی ، کفر به خداوند است .

حش لله. .. إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

آیه ۳۸ و ۳۹ و نیز جمله هـایی نظیر <حاش لله> (در آیه ۳۱ و ۵۱) دلالت بر آن دارد که: مصـریان عصر یوسف(ع) به وجود خداونـد معتقـد بودنـد ; ولی یوسف(ع) از آنان به کافران به خـدا یاد می کنـد (لایؤمنون بالله). این تعبیر به قرینه <ترکت ملّه قوم ...>، می تواند بدان سبب باشد که شریعت و آیین آنان، شریعتی غیر الهی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیّت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکّه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم . ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شـدن به خـدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله

کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۸

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸۳ - ۷

۷- شرک ، کفر به خداوند است .

واتّخذوا من دون اللّه ءالهه . .. علی الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملأ من قومه الذین کفروا . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

عبارت <و أترفناهم> حال است برای فاعل <کفروا>; یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۰

۱۰ - شرک ، در حقیقت کفر به خدا و انکار صفات کمالی او است .

و من يدع مع اللّه . ..

إنّه لايفلح الكفرون

<كافرون> مى تواند در مقابل <مؤمنون> باشد و يا در مقابل <شاكرون>. برداشت فوق بر پايه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۸

۸ - شرك ، در واقع كفر به خدا و انكار او است .

تدعوننى لأكفر باللّه و أشرك به

برداشت ياد شده به خاطر اين نكته است كه پيش از طرح مسأله شرك به خدا، مسأله كفر به خدا مطرح گشته و دعوت به شرك، دعوت به كفر به خدا دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۶

۶ كفر و روى گردانى از راه خدا ، مايه گرفتار آمدن به پوچى و سرگردانى

الذين كفروا و صدّوا عن سبيل اللّه أضلّ أعملهم

برداشت ياد شده بنابر اين نكته است كه <صدّ> به معناى اعراض و روى گردانى باشد نه ايجاد مانع بر سر راه ديگران و سد كردن راه خدا و نيز با توجه به اين كه پوچى و سرگردانى نتيجه گم گشتن و بى اثر شدن اعمال است كه از <أضلّ أعمالهم> استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۲

۲ - تخلف از دعوت پيامبر (ص) به بهانه هاى واهى ، در حكم كفر به خداو رسول او *

سيقول لك المخلّفون . .. و من لم يؤمن ... فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

روى سخن آيه شريفه، مى تواند متوجه به باديه نشينانى باشد كه از دعوت پيامبر(ص) تخلّف كردند و اشتغال به اموال

و خانواده را بهانه قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۲

۲ - کفر به خداوند و روی گردانی از عبادت او ، ظلمی بدفرجام

لیعبدون . .. فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا ... فویل للذین کفروا من یومهم

برداشت بالا از آن جا است که در این آیه و آیه قبل، کفر و ظلم هم سنخ شناخته شده و در قبال <لیعبدون> مطرح گشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۳ - ۱

۱ - ایمان نیاوردن کافران صاحب زر و زور (اصحاب الشمال) به خدای بزرگ ، سبب عذاب شدن آنان در قیامت

إنّه کان لایؤمن باللّه العظیم

آیه شریفه، در مقام تعلیل عذاب کافران دارای زروزور است که در آیات پیشین از آنان یاد شده است.

کفر به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ اختلاف انگیزی در دین ، پس از درک حقیقت آن ، کفر است .

و ما اختلف . .. و من یکفر بایات اللّه

کفر به دین لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۳ - ۶

۶ جدایی دیرینه زن لوط از آیین و روش همسرش ، عامل جدا ماندن وی از خانواده لوط و نجات نیافتن از عذاب الهی

إلا امرأته كانت من الغبرين

کفر به ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۱۱

۱۱- کفر به ربوبیت خداوند ،

گمراهی است و از صراط مستقیم فاصله بسیاری دارد .

الذین کفروا بربّهم . .. ذلک هو الضلل البعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۹

$۹ - فرعون ، به ربوبیت خداوند ، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود .

و أهدیک إلی ربّک فتخشی

- فرعون، به ربوبیت خداوند، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود.

کفر به رحمانیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۷،۹

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیّت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکّه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم . ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شدن به خدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف < الرحمان > نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از کفر مردم عصر بعثت به <الرحمان> عدم آشنایی آنان با این اسم برای خداوند است ; یعنی، خداوند را با این اسم و وصف نمی شناختند و آن گاه که قرآن خداوند را به اسم <الرحمان> توصیف کرد، انکار کردند و گفتند <رحمان> دیگر کیست و چه

خدایی است؟

کفر به رسالت عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمین

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به طاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۰ - ۶،۷،۱۱

۶ لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن

و قد امروا ان یکفروا به

۷ لزوم کفر به طاغوت و موضعگیری در مقابل آن ، فرمان مشترک همه ادیان الهی

یزعمون انّهم امنوا بما انزل الیک و ما انزل من قبلک یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغ

چون خداوند مراجعه به طاغوت را با ایمان به کتب آسمانی گذشته ناسازگار دانسته، معلوم می شود که در آن کتابها نیز چنین کرداری محکوم و ناپسند شمرده شده است.

۱۱ خودداری از مراجعه به طاغوت برای قضاوت ، مصداقی از کفر به طاغوت

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت و قد امروا ان یکفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۶ - ۹،۱۰،۱۱،۱۳،۱۴،۱۷،۲۱

۹ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، راهی استوار ، محکم و مطمئن

فمن یکفر بالطاغوت و یؤمن باللّه فقد

استمسک بالعروه الوثقی

۱۰ کفر مستمرّ به طاغوت و ایمان مداوم به خداوند ، چنگ زدن به ریسمان محکم الهی است .

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

۱۱ کفر به طاغوت (نفی همه اغیار و تخلیه وجود از غیر حق) ، شرط تحقّق ایمان

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه

از تقدم مسأله <کفر به طاغوت> بر <ایمان> استفاده شده است.

۱۳ ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، رُشد است .

قد تبیّن الرّشد من الغیّ فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه

۱۴ لزوم اعلانِ کفر به طاغوت و ایمان به خداوند با زبان ، علاوه بر تصدیق قلبی

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه . .. و اللّه سمیع علیم

ذکر <سمیع علیم> بیانگر این است که ایمان به خداوند و کفر به طاغوت، به زبان و قلب است.

۱۷ تشویق خداوند نسبت به مؤمنانِ به او و کافرانِ به طاغوت

فمن یکفر بالطّاغوت و یؤمن باللّه . .. و اللّه سمیع علیم

۲۱ تعلّق قلبی به خداوند و کفر به طاغوت (نفی اغیار) ، دو بُعد ایمانِ با صلابت

فمن یکفربالطّاغوت و یؤمن باللّه فقد استمسک بالعروه الوثقی

امام صادق (ع) درباره آیه <فقد استمسک . .. > فرمود: هی الایمان باللّه وحده لا شریک له

کافی، ج ۲، ص ۱۴، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۶۳، ح ۱۰۵۲ و ۱۰۵۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۷ - ۱،۲

۱ شمول ولایت خاص الهی ، بر مؤمنانی که به طاغوت کفر ورزند .

فمن یکفر بالطّاغوت . .. اللّه ولیّ الّذین امنوا

۲

ایمان به خداوند و کفر به طاغوت ، موجب جلب سرپرستی ، یاوری و دوستی خداوند

فمن یکفر بالطّاغوت . .. اللّه ولیّ الّذین امنوا

برای <ولیّ>، معانی متعدّدی گفته شده است ; از آن جمله که با آیه شریفه تناسب دارد، سرپرست، یاور و دوست است.

کفر به عزت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ ایمان نداشتن به عزت و حکمت خدا و توکل نکردن بر وی از ریشه های نفاق است .

إذ یقول المنفقون و الذین . .. فإن اللّه عزیز حکیم

از اینکه خداوند منافقان و بیماردلان را قسیم متوکلان قرار داد و با جمله <إن اللّه عزیز حکیم> منشأ توکل متوکلان را ایمان به عزت و حکمت مطلق خداوند دانست، معلوم می شود از ریشه های نفاق و ضعف ایمان، باور نداشتن به اقتدار خدا و حکیم بودن اوست.

کفر به عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۰

۱۰ کافران به عیسی (ع) (یهودیان) ، ظالم و محروم از محبّت خداوند هستند .

فاما الذین کفروا . .. و اللّه لا یحبّ الظالمین

از مصادیق مورد نظر از کلمه <الظالمین>، به قرینه آیات قبل، یهودیانی هستند که به حضرت عیسی (ع) ایمان نیاوردند.

کفر به قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع

) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمین

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر

شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا كفروا به

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲،۴،۱۲

۱ - يهوديان ، به قرآن و كتاب آسمانى خويش (تورات) كفر ورزيدند .

أن يكفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعيد نيست كه علاوه بر آن، تورات نيز منظور باشد. قابل ذكر است كه مراد از كافر شدن يهود به تورات، انكار يا تحريف آن بخش از تورات است كه ويژگيهاى پيامبر اكرم(ص) را بيان كرده است.

۲ - يهوديان ، با كفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهايى فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معناى خريدن است و گاهى به معناى فروختن نيز به كار مى رود. در آيه شريفه معناى دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البيان). <ما>ى موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن يكفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراين جمله <بئسما ...>; يعنى، كفرورزى يهوديان به قرآن بهاى بدى بود كه خود را بدان فروختند.

۴ - هر آنچه آدمى در برابر كفر به قرآن و از دست دادن دين الهى به چنگ آورد ، پست و ناچيز است .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن يكفروا بما أنزل اللّه

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه مخصوص به ذم، مال و منال، رياستهاى دنيوى و مانند آن باشد كه در كلام ذكر نشده تا شامل هر چيزى بشود. بر اين مبنا <أن يكفروا ...> بيان معامله و داد و ستد است و معناى جمله <بئسما اشتروا ...> چنين مى شود: يهوديان آنچه از مال

و منال دنیا در برابر فروختن خویش به دست آوردند، بهای پستی بود و این معامله با کفر به قرآن صورت گرفت.

۱۲ - حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۷،۹

۷ - نازل نشدن قرآن بر بنی اسرائیل ، تنها دلیل و بهانه یهود برای ایمان نیاوردن به آن

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵،۱۱

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

۱۱ - انکار قرآن ، نشانه خروج از بینش صحیح در شناخت وحی و رسالت است .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

برداشت فوق با توجه به معنای فسق (خروج از حد اعتدال) استفاده شده است. خروج از اعتدال در مقوله ایمان - که یک مقوله معرفتی و شناختی است - به نداشتن اندیشه و بینش صحیح باز می گردد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۰ – ۱۱

۱۱ – بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا‌یؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۷ – ۷

۷ – ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۱ – ۰

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۰ – ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۹ – ۴

۴ تکبر و گردن فرازی گروهی از اهل کتاب در برابر خداوند ، موجب کفر و انکار قرآن از سوی آنان

انّ من اهل الكتب لمن يؤمن . .. خاشعين للّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳

۱۰ هشدار خداوند به اهل کتاب ، در مورد مسخ انسانیّت آنان در صورت ایمان نیاوردن به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها او نلعنهم

<طمس> به معنای نابود کردن اثر چیزی است، و <وجه> به معنای صورت می باشد. مراد از <وجوه> نیز به دلیل برگشت ضمیر <هم> به آن، افراد انسان است ; البته به لحاظ شخصیّت انسانی آنان و نه به لحاظ جسم ایشان.

۱۲ انحراف فکر و اندیشه و مسخ شخصیّت ، پیامد کفر به قرآن

امنوا . .. من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

<وجوه> به اعتبار اینکه مجمع تمامی حواس آدمی است، می تواند کنایه از درک و فهم باشد.

۱۵ هشدار خداوند به اهل کتاب در مورد گرفتاری آنان به لعن الهی در صورت کفر به قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۷ کافران به قرآن در خطر گرفتاری به لعنتی ، همسان لعنی که اصحاب سبت بدان گرفتار شدند .

امنوا . .. او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۱۹ سرگذشت اصحاب سَبت (مسخ شدن به میمون) عبرت و اندرزی برای کافران به قرآن از اهل کتاب

او نلعنهم کما لعنّا اصحاب السَّبت

۲۱ مسخ کافرانِ به قرآن و یا گرفتاری آنان به لعنت ، سنت الهی

من قبل ان نطمس وجوهاً . .. او نلعنهم ... و کان امر اللّه مفعولا

۲۲ مسخ و یا لعنت کافرانِ به قرآن از اهل کتاب ، امری حتمی و قضایی تخلف ناپذیر

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا . .. من قبل

ان نطمس وجوهاً ... و كان امر اللّه م

۲۳ ایمان نیاوردن اهل کتاب به قرآن ، زمینه گمراهی و عدم رستگاری ابدی آنان

من قبل ان نطمس وجوهاً فنردّها علی ادبارها

امام باقر (ع) در معنی آیه فوق فرمود: نطمسها عن الهدی فنردّها علی ادبارها فی ضلالتها ذمّاً لها بانّها لا تفلح ابداً.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۸۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۷، ح ۲۸۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۲،۳

۲ کفر به قرآن به مثابه شرک به خداوند است .

امنوا بما نزّلنا . .. انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

جمله <ان اللّه . .. > تهدیدی برای کافران به قرآن است. بنابراین کفر به قرآن باید مصداقی از شرک به خدا باشد و یا به منزله شرک به او.

۳ اهل کتاب ، مردمی مشرک ، به خاطر کفر به قرآن

فلا یؤمنون الّا قلیلا . .. یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزّلنا ... انّ ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...>

می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۲،۳

۲ اهل کتاب به دلیل کفرشان به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، منحرفانی سخت گمراه

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

از مصادیق مورد نظر برای <الذین کفروا . ..> به قرینه آیات پیشین (۱۵۳ به بعد) آن گروه از اهل کتاب هستند که رسالت پیامبر(ص) را نپذیرفتند و قرآن را وحی الهی ندانستند ; و مراد از <سبیل اللّه> به دلیل آیات گذشته دین اسلام است.

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، گمراهی عمیق است .

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه قد ضلوا ضللا بعیداً

متعلق <کفروا> به قرینه آیات قبل قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۸ - ۲

۲ انکار رسالت پیامبر (ص) و کفر به قرآن و بازداشتن دیگران از راه خدا ، موجب محرومیت از هدایت و آمرزش الهی

إنّ الذین کفروا و ظلموا لم یکن اللّه لیغفر لهم و لالیهدیهم طریقاً

با توجه به آیات قبل مراد از <کفر>، کفر به پیامبر(ص) و قرآن است و مراد از ظلم، بازداشتن دیگران از راه خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۶

۶

کفر به قرآن و انکار رسالت پیامبر (ص) و بازداری مردمان از پیوستن به اسلام ، مایه خلود در جهنم

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. صرطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . ..> بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۵

۱۵ بی اعتنایی و عدم تعهد اهل کتاب به تورات و انجیل ، موجب کفر آنان به قرآن

قل یاهل الکتب لستم علی شیء حتّی تقیموا التوریه و الانجیل . .. طغیناً

بیان کفرورزی اهل کتاب به قرآن پس از بیان بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، نمایانگر این است که بی اعتنایی آنان به تورات و انجیل، زمینه ساز کفر و انکار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا . ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف

- ۷ - ۵۳ - ۱۱

۱۱ کافران به قرآن ، در قیامت ، اندیشه ها و باور های خودبافته و مخالف تعالیم دین را سرابی بر باد رفته خواهند دید .

ضل عنهم ما کانوا یفترون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۵،۷

۵ کفر به قرآن و انکار معارف آن طغیانگری است .

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

ضمیر <هم> در <یذرهم> و <طغیانهم> به منکران قرآن، که از جمله <فبأیّ حدیث> استفاده می شود، برمی گردد. بنابراین مراد از <طغیان> انکار قرآن است.

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۱

۲۱ بیشتر مردم به قرآن ایمان نمی آورند .

و لکنّ أکثر الناس لایؤمنون

برداشت فوق ، مبنی بر این است که <ال> در <الناس> برای استغراق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ کفرورزی مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پیامبر (ص) و قرآن ، عامل روی آوردن مصیبت های سخت و کوبنده بر آنان

و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قریبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> که به معنای سببیت است استفاده می شود. مراد از <ما صنعوا> به قرینه آیات گذشته ، انکار قرآن،

مخالفت با رسالت پیامبر(ص) و مانند آن می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۱ – ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لك . .. و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت ... فقال له فرعون إنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۷ – ۱۳

۱۳- خضوع و سجود آگاهان در برابر قرآن ، گواه بی نیازی آن از ایمان دیگران و بی تأثیری بی ایمانی آنان *

ءامنوا به أو لاتؤمنوا إن الذین أُوتوا العلم من قبله إذا یتلی علیهم یخرّون

برداشت فوق بر این اساس است که <إن> تعلیل باشد برای جمله <آمنوا به أو. ..>; یعنی، چون اهل دانش به قرآن ایمان می آورند، ایمان و عدم ایمان دیگران مساوی بوده و نیازی به ایمان آنان نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۱ – ۱

۱ – کفر و انکار قرآن از دید خداوند ، پنهان نمی ماند .

لایخفون علینا . .. إنّ الذین کفروا بالذّکر

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که خبر <إنّ> در <إنّ الذین کفروا> به قرینه آیه قبل جمله <لایخفون> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۲ – ۴

۴ – کفر به قرآن ، بدترین درجه ضلالت و گمراهی است .

قل أرءیتم إن کان من عند اللّه ثمّ کفرتم به من أضلّ ممّن هو فی

شقاق بعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمال در آیه وجود دارد که تذکر قرآن به ایمان فردی از بنی اسرائیل; از آن جهت برای مشرکان عرب سرزنش بار باشد که بنی اسرائیل در اصل عرب نبودند و عوامل نژادی و زبانی، مقتضی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشوند. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

کفر به قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منکران قرآن ، به خدا و قیامت ایمان نخواهند آورد .

إن الذین کفروا . .. لایؤمنون

متعلّق <لایؤمنون> به دلیل آیه هشت و نیز آیات قبل، خدا و قیامت است; یعنی: لایؤمنون باللّه و لاًبالیوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۴ - ۶،۷،۸

۶ عدم ایمانِ انفاق کنندگان ریاکار به خداوند و روز رستاخیز

کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن . .. >، توضیح و تفسیری برای جمله <ینفق ماله رئاء> باشد.

۷ ریا ، اثر و نشانه عدم ایمان به خداوند و قیامت

كالّذى ينفق ماله رئاء النّاس و لا يؤمن

باللّه و الیوم الاخر

بنابراینکه جمله <و لا یؤمن . .. >، تفسیری برای جمله قبل باشد.

۸ ریا و کفرِ به خدا و قیامت ، موجب بطلان صدقات و اعمال خیر

لا تبطلوا . .. کالّذی ینفق ماله رئاء النّاس و لا یؤمن باللّه و الیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۷،۸،۹،۱۳

۷ ریاکاران ، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند .

و الذین ینفقون اموالهم رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

جمله <و لا یؤمنون> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون . .. > باشد ; تکرار نشدن <الذین> می تواند این معنا را تأیید کند.

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین ... لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

۱۳ دل های تهی از ایمان به خدا و قیامت ، جایگاه شیطان

لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر و من یکن الشیطان له قریناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۳

۳ بخل و ریاکاری ، نشانه کفر به خدا و قیامت است .

الذین یبخلون . .. و ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

ضمیر در <علیهم> به <الذین یبخلون> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- نساء - ۴ - ۴۱ - ۴

۴ رسوایی و وخامت حال بخیلان ، ریاکاران و کافران به خدا و قیامت در صحنه قیامت

الذین یبخلون . .. فکیف اذا جئنا من کل امّه بشهید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۱۱

۱۱ کفر به خدا و قیامت و نداشتن عمل صالح ، موجب غلبه ترس و اندوه بر آدمی

من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

کفر به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۱ - ۹

۹ - بنی اسرائیل با انکار قرآن ، خود پیشتاز کفر به کتاب های آسمانی خویش خواهند بود .

و لاتکونوا أول کافر به

برداشت فوق

بر این اساس است که ضمیر در <به> به <ما معکم> برگردد. بنابراین جمله <و لاتکونوا ...> در ارتباط با جمله <ءامنوا بما أنزلت> چنین معنا می شود: ای بنی اسرائیل! به قرآن ایمان آورید و از نخستین کسانی نباشید که به کتب آسمانی خود کافر می شوند; یعنی، در صورت انکار قرآن کتابهای آسمانی خود را انکار کرده اید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۸

۱۸ - عمل نکردن به دستورات کتاب آسمانی ، به منزله انکار کردن آن کتاب و نشانه کافر شدن به آن است .

أفتؤمنون . .. و تکفرون ببعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران و

کتابهای آسمانی است. <بل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاتر از پیمان شکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرك و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراك از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر

به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۱۱،۱۵

۱۱ - یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

۱۵ - از امام صادق (ع) درباره سخن خداوند عز و جل (و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا) روایت شده که فرموده اند : < کانت الیهود تجد فی کتاب ها ان مهاجر محمد (ص) مابین عیر و اُحد فخرجوا یطلبون الموضع . . . فاتخذوا بأرض المدینه الأموال فلما کثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم . . . فخلّف حییّن الأوس و الخزرج . . . و کانت الیهود تقول لهم : أما لو قد بعث محمد لیخرجنکم من دیارنا و اموالنا فلما بعث اللّه عز و جل محمداً آمنت به الأنصار و کفرت به الیهود و هو قول اللّه عز و جل : و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنه اللّه علی

الکافرین ;

یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بودند که محل هجرت محمد(ص) بین کوه عیر و کوه احد است لذا برای یافتن آن محل از جایگاه خود خارج گردیدند . .. پس در مدینه ساکن شدند و اموالی فراوان به دست آوردند. چون این خبر به <تُبَّع> رسید با آنان جنگ کرد ... پس دو طایفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و یهود به آنان (اوس و خزرج) می گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه های ما و اموالمان بیرون می کند. پس چون خداوند پیامبر را مبعوث کرد، انصار (اوس و خزرج) ایمان آوردند و یهود به آن حضرت کافر گشتند و این سخن خداوند است که: آنان (یهودیان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پیروز شدن بر کافران را می دادند; پس وقتی کتابی که آن را (از قبل) می شناختند نزد آنان آمد به آن کافر شدند; پس لعنت خدا بر کافران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لا یؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱۲

۱۲ کفر (انکار پیامبر) ، ظلم است و کافران ، ظالم هستند .

فاما الذین کفروا . .. و اللّه لا یحبّ الظالمین

بنابراینکه

جمله <و اللّه لا یحب الظالمین>، تعلیل برای کیفر کافران باشد; یعنی چون کافران ظالم هستند، مستحق کیفرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۰ – ۱

۱ کفر آگاهانه عالمان اهل کتاب به آیات خداوند (قرآن و پیامبر (ص)) و توبیخ آنان از سوی خداوند

یا اهل الکتاب لم تکفرون بایات اللّه و انتم تشهدون

با توجّه به آیات قبل و بعد که درباره محاجّه، کتمان و درآمیختن حق به باطل است، استفاده می شود که مقصود از اهل کتاب، عالمان آنان هستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۲ – ۲

۲ کسانی که به پیامبر (ص) ایمان نیاورند و یا حضرتش را یاری نکنند ، فاسق هستند .

لتؤمننّ به و لتنصرنّه . .. فمن تولّی بعد ذلک فاولئک هم الفاسقون

در صورتی که مراد از <رسول> در آیه قبل، پیامبر اکرم (ص) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۲ – ۶

۶ عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، کفر به آن حضرت است .

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول

چنانچه <الرسول>، مفعول <کفروا> گرفته شود، به نظر می رسد جمله <عصوا>، بیان و تفسیر انکار رسالت باشد; یعنی انکار پیامبر (ص) در عمل.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۵ – ۳

۳ ایمان نیاوردن برخی از اهل کتاب (یهود) به پیامبر (ص) و اخلالگری آنان در

و منهم من صدّ عنه

<صدّ> در برداشت فوق به معنای متعدی آن، یعنی بازداشتن و منع کردن گرفته شده است و لذا از آن به اخلالگری تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۵

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص) ، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إنّ الذین یکفرون . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض ... أولئك هم الکفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون . ..>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۲۱

۲۱ بسیاری از یهود ، هرگز به پیامبر اسلام (ص) ایمان نخواهند آورد .

فلایؤمنون إلاّ قلیلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۱۳

۱۳ کافران به رسالت پیامبر (ص) مورد تهدید خداوند

و إن تکفروا فان للّه ما فی السموت و الارض

جمله <فان للّه . ..> که بیانگر سلطنت خداوند بر هستی است می تواند به منظور تهدید منکران رسالت پیامبر(ص) ایراد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱۳

۱۳ کافران به خدا ، قرآن و پیامبر (ص) محروم از رحمت و فضل و هدایت خاص خداوند

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. صرطاً مستقیماً

معادل <اما>ی تفصیلیه حذف شده و جمله موجود <فاما الذین ءامنوا . ..>

بیانگر آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . .. و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله <و لکن . ..> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۴ - ۳

۳ کفر به خداوند ، قرآن و رسالت پیامبر (ص) فاقد هرگونه دلیل

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

استفهام در جمله <ما لنا . ..> استفهام انکاری است یعنی برای ما هیچگونه عذر و دلیلی وجود ندارد که از ایمان به خداوند یکتا و پذیرش اسلام رویگردان باشیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹ - ۳

۳ گریز کفرپیشگان بهانه جو از ایمان به پیامبر(ص)، با درخواست معجزاتی غیرعملی

و لو جعلنه ملکا لجعلنه رجلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۵

۵ کفر اهل کتاب به پیامبر(ص) و اسلام، بهانه مشرکان صدر اسلام برای گریز از ایمان

لتشهدون أن مع اللّه ءالهه أخری . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه

روی اصلی سخن در این آیه با مشرکان و علل ایمان نیاوردن آنان است. مطرح کردن اهل کتاب می تواند برای پاسخگویی به سؤالی باشد که برای مشرکان مطرح بوده و آن اینکه اگر پیامبر(ص) حق است، چرا اهل کتاب که آنان نیز دین آسمانی دارند به او

ایمان نیاورده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۷ – ۲

۲ نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر(ص)

و قالوا لو لا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر(ص)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۹

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئک الذین ءاتینهم . .. فإن یکفر بها هؤلاء

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۰ – ۶

۶ مشرکان مکه با وجود ایمان نیاوردن به پیامبر(ص) با معجزات ارائه شده، مجدداً خواهان معجزات دیگری از پیامبر(ص) بودند.

و أقسموا . .. لئن جاءتهم ءایه ... إذا جاءت لایؤمنون ... کما لم یؤمنوا به أول مره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۴ – ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۰ – ۶

۶ منافقان ، کافر به خدا و پیامبر (ص)

ذلك بأنهم كفروا

باللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۸۴ – ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پيامبر (ص) ، كفر به خدا و رسول خداست .

فرح المخلفون . .. إنهم كفروا باللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۷ – ۷

۷ گرايش نداشتن آدمى به خدا ، زمينه ساز مشيّت الهى به گمراه ساختن او و هدايت نكردنش به توحيد و رسالت پيامبر (ص)

إن الله يضل من يشاء و يهدى إليه من أناب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۲

۱۲ كفرورزى مردم عصر بعثت و مخالفتشان با پيامبر (ص) و قرآن ، عامل روى آوردن مصيبت هاى سخت و كوبنده بر آنان

و لايزال الذين كفروا تصيبهم بما صنعوا قارعه أو تحلّ قريبًا من دارهم

برداشت فوق با توجه به حرف <باء> در <بما صنعوا> كه به معناى سببيت است استفاده مى شود. مراد از <ما صنعوا> به قرينه آيات گذشته ، انكار قرآن، مخالفت با رسالت پيامبر(ص) و مانند آن مى باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۳ – ۲

۲ – تخلف از دعوت پيامبر (ص) به بهانه هاى واهى ، در حكم كفر به خداو رسول او *

سيقول لك المخلّفون . .. و من لم يؤمن ... فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

روى سخن آيه شريفه، مى تواند متوجه به باديه نشينانى باشد كه از دعوت پيامبر(ص) تخلّف

کردند و اشتغال به اموال و خانواده را بهانه قرار دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < إلاّ من تولّی و کفر > یرید من لم یتعظ و لم یصدّقک و جحد ربوبیتی و کفر نعمتی . . ;.

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلاّ من تولّی و کفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. ..>.

کفر به معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل . .. کتب علی نفسه الرحمه ... الذین خسروا أنفسهم فهم لا یؤمنون

با توجّه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعیاً . .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال ألیس هذا بالحق

<أین شرکاؤکم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتکذب بآیات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <ألیس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

کفر به معبودان باطل

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۵ - ۹

۹ مستعضعفان مؤمن قوم ثمود ، در پاسخ مستکبران ، کفر خویش به معبودان دروغین را اعلان کردند .

قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

حصر اضافی که از تقدیم <بما ارسل> بر <مؤمنون> به دست می آید، بیانگر این است که مستضعفان، علاوه بر اعلان ایمان به صالح و رسالتهای وی، بیزاری خویش را از معبودان دروغین نیز بیان داشتند.

کفر به معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۴

۴ عذاب سهمگین و بی نظیر الهی سزای آنانکه پس از مشاهده مائده آسمانی به قدرت خداوند ، رسالت عیسی (ع) و معجزه بودن آن مائده کافر شوند .

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً من العلمین

متعلق <یکفر> می تواند، رسالت عیسی(ع)، قدرت خداوند و معجزه بودن مائده آسمانی باشد. ضمیر در <لااعذبه> مفعول مطلق نوعی است و مرجع آن کلمه <عذاباً> می باشد یعنی لااعذب قبل هذا العذاب احداً

کفر به ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۸

۸ کافرانِ به خدا ، ملائکه ، کتب آسمانی ، پیامبران الهی و روز قیامت ، در گمراهی ژرف

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

کفر به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱،۵

۱ - قوم موسی از تصدیق رسالت او سرباز زدند و بر ایمان نداشتن

به او تأکید ورزیدند .

و إذ قلتم یموسی لن نؤمن لک

<لن نؤمن لک>; یعنی، تو را هرگز تصدیق نمی کنیم. <آمن> چه با لام آورده شود (آمن له) و چه با حرف باء <آمن به> به یک معناست. (مجمع البیان)

۵ - قوم موسی در پی کفر به او و تقاضای ناروایشان (دیدن خداوند) ، به هلاکت رسیدند .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

<اخذ> (مصدر اخذت) به معنای گرفتن است و به قرینه آیه بعد کنایه از کشتن می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۱

۱ فرعونیان با سحر خواندن تمامی معجزات موسی ، به وی گفتند که هرگز رسالتش را تصدیق نخواهند کرد .

مهما تأتنا به من ءایه لتسحرنا بها فما نحن لک بمؤمنین

<مهما> از أسماء شرط و به معنای <ای شیء> است. و <من> در <من آیه> بیان <مهما> است. بنابراین جمله <مهما تأتنا ... > یعنی <هر چیزی را که به عنوان معجزه بیاوری ... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱،۶،۷

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لک بمؤمنین. فأرسلنا علیهم ... ءایت مفصلت

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

۷ کبرورزی و خودبزرگ بینی فرعونیان ، ریشه کفرورزی آنان به آیات الهی و رسالت موسی

فأرسلنا علیهم . .. فاستکبروا

استکبار به

معنای خود بزرگ بینی است و چون <استکبروا> با حرف <فا> بر ارسال آیات تفریع شده، لازمه معنای آن (انکار کردن و نپذیرفتن) اراده شده است. به کارگیری استکبار به جای انکار و نپذیرفتن، برای رساندن علت انکار است ; یعنی انکار فرعونیان از سر خود بزرگ بینی و تکبر بود.

کفر به نبوّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۸

۸ مؤاخذه کافران به توحید، نبوت و معاد در مواقف قیامت

و یوم نحشر هم جمعیاً . .. و لو تری إذ وقفوا علی ربهم قال أليس هذا بالحق

<أين شركاؤكم> (در آیه ۲۲) مؤاخذه درباره توحید، <لاتكذب بآيات ربنا> (در آیه ۲۷) مؤاخذه درباره نبوت، <أليس هذا بالحق> (در آیه ۳۰) مؤاخذه درباره قیامت است.

کفر به نبوت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلين

کفر به نبوّت محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ کافران به معاد و رسالت پیامبر(ص) ، زیانکار، تباه کننده خویش و محروم از رحمت الهی

و لقد استهزیء برسل . .. كتب على نفسه الرحمه ... الذين خسروا أنفسهم فهم لا يؤمنون

با توجّه به اینکه رحمت الهی فراگیر است، ممکن است زیان کافران به جهت محروم ساختن خود از دریافت رحمت باشد.

کفر به نوبت صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ -

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

کفر به وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۱ - ۱۰

۱۰ فسق بنی اسرائیل عامل ایمان نیاوردن به خدا ، پیامبر (ص) و وحی الهی

و لو کانوا یؤمنون . .. و لکن کثیراً منهم فسقون

جمله <و لکن . ..> بیانگر علت عدم ایمان بنی اسرائیل است.

کفر به وعده خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۹

۹ ایمان نداشتن به وعده های الهی و قیامت ، منشأ ریاکاری

رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

بدان احتمال که جمله <الذین لا یؤمنون> بیانگر علت و ریشه انفاقهای ریایی باشد.

کفر پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلّا من سبق علیه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلّا من ...>; یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و

یا <کنعان> است.

کفر تحریفگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۶

۶ - تحریف گران آیات الهی ، کافراند .

إنّ الذین یلحدون فی ءایتنا . .. إنّ الذین کفروا بالذّکر

کفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ انکار معاد کفرورزی است.

ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

کفر توطئه گران علیه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۵ - ۲

۲ - کافران ، تلاش گران بر ضد آیات الهی اند .

الذین ءامنوا . .. أُولئک لهم مغفره ... و الذین سَعَوْ فی ءایتنا ... أُولئک له

به قرینه مقابله <الذین سَعَوْ> با <الذین آمنوا>، به دست می آید که مراد از آنان همان کافران اند.

کفر جالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۵

۵ جالوت و سپاهیان وی از زُمره کافران

و لمّا بروزا الجالوت و جنوده . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

کفر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ - ۴

۴- کفر و حق ناباوری ، دارای دیرینه در گذشته تاریخ جن و انس

حقّ علیهم القول فی أُمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کفر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۸ - ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی

از سوء اختیار خود آنان است ; نه معلول عوامل جبری .

و قد قدّمت إلیکم بالوعید

تعبیر <قد قدّمت إلیکم بالوعید> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلًا اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

کفر حیبی بن اخطب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۱۳

۱۳ ایمان حُیبی بن اخطب و کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت و یقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حیبی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

کفر خانواده نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۸ - ۵

۵ - ایمان نیاوردن برخی از اعضای خاندان نوح (ع)

و لمن دخل بیتی مؤمنًا

مطلب یاد شده، از قید <مؤمناً> استفاده می شود.

کفر در عالم ذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۳

۱۳ از امام صادق (ع) [درباره بنی آدم] روایت شده که فرمود : < . . . فمنهم من أقرّ بلسانه فی الذر و لم یؤمن بقلبه فقال

اللّه : < فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل > ;

. .. برخی از آنان در عالم ذر به زبان اقرار كردند، ولی ايمان قلبی

نداشتند. این است که خداوند فرمود: ایمان نمی آوردند به آنچه که قبلاً تکذیب کردند>.

کفر دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً للّه . .. فإن اللّه عدو للکفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست; زیرا آنان کافرند.

کفر دشمنان جبرئیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷،۹

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

۹ - یهودیان ، به دلیل عداوتشان با جبرئیل کافرند و خداوند دشمن آنان است .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

از مصداقهای <الکافرین> - به دلیل آیات گذشته - یهودیان هستند.

کفر دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً للّه . .. فإن اللّه عدو للکفرین

مقتضـای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضـمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان،

کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

کفر دشمنان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

کفر دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۹ - ۳

۳ - دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در قبال کفر و حق ستیزی دشمنان

کذّبت قبلهم قوم نوح

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که ضمیر <قبلهم> به کافران عصر پیامبر بازمی گردد و در آیات پیشین نیز افعال <إن یروا. ..> و <کذّبوا> و <اتّبعوا> نظر به ایشان دارد.

کفر دشمنان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶

۶ - دشمنان خدا و پیامبران و فرشتگان ، کافرند .

من کان عدواً للّه . .. فإن اللّه عدو للکفرین

مقتضای کلام آن بود که به جای <الکافرین> ضمیر <هم> آورده شود. این جا به جایی حاوی دونکته است: ۱ تصریح به اینکه توصیف شدگان کافرند. ۲ علت دشمنی خدا با آنان، کفر ایشان است. بنابراین معنای آیه چنین می شود: کسانی که با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست؛ زیرا آنان کافرند.

کفر دشمنان میکائیل

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۷

۷ - دشمنان جبرئیل و میکائیل کافرند .

من کان عدواً للّه . .. و جبریل و میکل فإن اللّه عدو للکفرین

کفر رباخواران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۴

۴ رباخواران ، هر چند مدّعی ایمان باشند ، در حقیقت از زمره کفرپیشگان هستند .

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

مقتضای جمع میان خطاب <یا ایّها الّذین آمنوا لا تاکلوا الرّبوآ . .. > و تهدید این گروه از رباخواران به آتش مهیا شده برای کافران، قرار دادن رباخواران مدّعی ایمان است به منزله کافران.

کفر ریاکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۷

۷ ریاکاران ، ایمان واقعی به خدا و قیامت ندارند .

و الذین ینفقون اموالهم رئاء النّاس و لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

جمله <و لا یؤمنون> می تواند تفسیر و توضیح جمله <ینفقون . .. > باشد ; تکرار نشدن <الذین> می تواند این معنا را تأیید کند.

کفر زبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴،۶

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا بعد إسلمهم

۶ بر زبان جاری ساختن کلمات کفرآمیز ، موجب کفر می شود .

یحلفون باللّه ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا

کفر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام

- ۶ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ شرك، كفرورزی و مشرك، كافر است.

و اللّه ربنا ما كنا مشركين . .. يقول الذين كفروا

مرجع ضمير <منهم من يستمع> در صدر آيه، مشركان مطرح شده در آيات قبل است. و از آنجا كه در پايان آيه از همان گروه با توصيف <الذين كفروا> ياد شده، كه در حقيقت اظهار در مورد اضمار است برداشت فوق به دست می آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۲ - ۳

۳ - شرك ، كفر است و مشركان ، كافراند .

إنّ الذين كفروا . .. ذلكم بأنّه إذا دعی اللّه وحده كفرتم و إن يشرك به تؤمنوا

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه در اين آيات، مشركان با عنوان كافران معرفی شده اند.

كفر شياطين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۹

۹ - كفرورزی شياطين با تعليم سحر به مردم

و لكن الشيطين كفروا يعلمون الناس السحر

كفر شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۸

۱۸- شيطان در قيامت اظهار می دارد كه وی قبل از شرك پيروانش ، به خداوند كافر شده بود . *

إنی كفرت بما أشركتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضـمیر صـله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شـما مرا شریک خدا قرار دهید (در

عهد آدم) به او کافر شدم.

کفر عبادت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۵ - ۷

۷ پرستش غیر خدا ، کفر است و مشرکان کافراند .

و یعبدون من دون اللّه . .. و کان الکافر علی ربّه ظهیرًا

برداشت فوق، از به کار بردن واژه <کافر> بر عبادت کنندگان غیر خدا که همان مشرکان اند استفاده شده است.

کفر عقیده به تثلیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۲

۲ معتقدان به تثلیث بدون هیچ تردید ، مردمی کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه ثالث ثلثه

کفر علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۱ - ۵

۵ شرک و کفر عالمان به کتاب های آسمانی ، دور از انتظار و مایه شگفتی

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت

کفر علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۵

۵ رشوه خواری عالمان کفرپیشه یهود برای پذیرش و تأیید دروغپردازی های رشوه دهندگان

لقوم ءاخرین . .. سمعون للکذب اکلون للسحت

ذکر رشوه خواری عالمان یهود پس از توصیف آنان به دروغ پذیری، بیانگر آن است که آنان برای پذیرش و تأیید دروغهای بافته شده توسط گروهی از یهودیان رشوه می گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۵۱

۵۱ کفرپیشگی برخی از عالمان و سران یهود عصر پیامبر (

ص) ، به دلیل خودداری آنان از قضاوت بر اساس تورات

ثم یتولون من بعد ذلک . .. و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

کفر عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۹

۹ بدکاران ، گرفتار کیفرِ کردار ناپسند خویش خواهند شد .

من یعمل سوءاً یجز به

کفر عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۴ - ۱۱

۱۱ سوگند صادقانه به خدا ، گناه است و دروغ آن ، کفر عملی .

و لا تجعلوا اللّه عُرضهً لایمانکم

ان اللّه عز و جل یقول: <و لا تجعلوا اللّه عُرضه لایمانکم>

کافی، ج ۷، ص ۴۳۴، ح ۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۱۸، ح ۸۳۴.

کفر غیر متمدنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱،۳

۱ بادیه نشینان جزیره العرب در عصر بعثت ، در کفر و نفاق پابرجاتر و در امتناع از پذیرش سخن حق ، سخت تر بودند .

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

کفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۹ - ۵

۵ - تنها فاسقان (منحرفان) ، قرآن و دلایل روشن آن را نپذیرفته و بدان کافر می شوند .

و ما یکفر بها إلا الفسقون

کفر فرزندان قوم نوح

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۵

۵ - به وجود آمدن فرزندان کافر و تبه کار در جامعه ، فلسفه نفرین نوح (ع) علیه قوم کافر و گمراه گر خویش

و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

کفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۸ - ۹

۹ فرعون و اطرافیانش ، به موسی و هارون (ع) اعلام کردند که دعوت آنان را نپذیرفته و تسلیم ایشان نخواهند شد .

و ما نحن لکما بؤمنین

به قرینه لام در <لکما> ; در کلمه <مؤمنین> معنای تسلیم تضمین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۶ - ۳

۳ فرعون و اشراف پیرامون او ، مردمانی کافر بودند .

علی خوف من فرعون و ملإیهم . .. و نجنا برحمتک من القوم الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۶ - ۲،۳،۴

۲ - فرعون ، معجزات ارائه شده از جانب موسی (ع) را تکذیب کرد و منکر دلالت آنها بر رسالت او شد .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب

۳ - فرعون ، علی رغم مشاهده تمامی معجزات و آیات موسی (ع) ، از پذیرفتن رسالت او امتناع کرد .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

۴ – فرعون ، اسیر لجاجت و کفر شدید در برابر آیات الهی بود .

و لقد أرینه ءایتنا کلّها فکذّب و أبی

امتناع و تکذیب فرعون در عین ارائه آیات بسیار بر او، نشان از

شدت لجاجت و کفرپیشگی او دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۹ – ۶

۶ – فرعون و سپاهیان سرکش وی ، عناصری بی ایمان و بی اعتقاد به آخرت بودند .

و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۵ – ۱۶

۱۶ – فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّاب . .. و ما کید الکفرین إلاّ فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۶ – ۸

۸ – فرعون ، منکر ربوبیت خداوند

و لیدع ربّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۸ – ۴

۴ – < فرعون > ، محور حاکمیت کفر در عصر موسی

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

از این که موسی(ع) قبل از تبلیغ تودهای مردم، مأموریت یافته بود تا به سوی فرعون حرکت کند، به دست می آید که فرعون بر مجموعه نظام اجتماعی آن عصر حاکمیت داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۹

$۹ - فرعون ، به ربوبیت خداوند ، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود .

و أهديك إلى ربّك فتخشى

- فرعون، به ربوبیت خداوند، بی اعتقاد و در برابر خواسته های او گستاخ بود.

کفر فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۶

۶ موسی (ع

) از ایمان آوردن فرعونیان به خدا و پذیرش تعالیم وی ناامید شد .

عسی ربکم أن یهلك عدوكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱،۶

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لك بمؤمنین. فأرسلنا علیهم ... ءایت مفصلت

۶ فرعونیان علی رغم مشاهده آیاتی متعدد بر حقانیت رسالت موسی ، از پذیرش آن سرباز زدند .

فأرسلنا علیهم . .. فاستكبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۵ - ۸

۸ فرعونیان ، علی رغم پیمان مؤكدشان با موسی (ع) (تصدیق رسالت او و آزادسازی بنی اسرائیل پس از برطرف شدن عذاب) ، حتی لحظه ای به وی ایمان نیاوردند و بنی اسرائیل را آزاد نكردند .

فلما كشفنا عنهم الرجز . .. إذا هم ینكثون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۳

۳ فرعونیان به دلیل شكستن پیمانشان با موسی (ع) (ایمان به وی و آزادسازی بنی اسرائیل) سزاوار انتقام الهی و غرق شدن در دریا گشتند .

إذا هم ینكثون. فانتقمنا منهم

تفریع جمله <فانتقمنا> بر جمله <إذا هم ینكثون> به وسیله حرف <فاء> می رساند كه پیمان شكنی فرعونیان در انتقام الهی از آنان دخیل بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۴

۴ فرعونیان و امت های قبل از

ایشان مردمی کفرپیشه و گنهکار

کدأب ءال فرعون و الذین من قبلهم کفروا بایت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

ضمیر در <کفروا> به <آل فرعون> و <الذین من قبلهم> برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۹

۹ خداوند به سبب کفرورزی فرعونیان و اقوام پیش از آنها ، نعمت های خویش را از آنان سلب و به نقمت و عذاب تبدیل کرد .

کدأب ءال فرعون . .. ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا ... حتی یغیروا ما بأنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۶

۶ - فرعون و سپاهیان سرکش وی ، عناصری بی ایمان و بی اعتقاد به آخرت بودند .

و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۲ - ۹

۹ - مردم مصر (فرعونیان و قبطیان) ، منکر یکتایی خدا و مشرک بودند .

تدعوننی لأکفر باللّه و أشرک به

کفر قارون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلى فرعون و همن و قرون فقالوا سحر كذّاب . .. و ما كيد الكفرين إلّا فى ضلل

كفر قبطيان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۳ - ۱

۱ قوم فرعون ، على رغم مشاهده معجزه بزرگ موسى (ع) و غلبه او بر ساحران ، بر ناباورى خود پاى فشرده و كسى

از آنان به او ایمان نیاورد .

فما ءامن لموسی إلا ذریه من قومه

برداشت فوق مبتنی بر این است که ضمیر <من قومه> راجع به <موسی> و مراد از <قوم موسی>، بنی اسرائیل باشد.

کفر قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۶ - ۲

۲ قوم و قبیله پیامبر، تهدید به عذاب از جانب خداوند را باور نکرده و آن را تکذیب کردند.

قل هو القادر علی أن یبعث علیکم عذابا . .. و کذّب به قومک

در آیه <قل هو القادر> وعیدهایی از جانب خداوند مطرح گردید. محتمل است مرجع ضمیر <کذب به> همان وعیدهای مطرح شده در آیه قبل باشد برداشت فوق بر این اساس استوار است.

کفر قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۳ - ۱۷

۱۷ کتمان شهادت ، حاکی از کفر قلب کتمان کننده است .

و لا تکتموا الشّهاده و من یکتمها فانّه اثم قلبه

امام باقر (ع) درباره <فانه اثم قلبه> فرمود: کافر قلبه

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۵، ح ۵ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۱، ح ۱۲۰۷.

کفر قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۳ - ۳

۳ - اکثریت قوم ابراهیم ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

کفر قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۶ - ۱

۱ - قوم الیاس ، منکر ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها

أتدعون بعلاً . .. اللّه ربّکم و ربّ ءابائکم

الأوّلين

یادآوری ربوبیت خداوند نسبت به انسان ها، گویای این مطلب است که قوم الیاس، منکر این حقیقت بودند.

کفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۷ - ۵

۵ قوم ثمود ، ناباور به رسالت حضرت صالح (ع)

إن كنت من المرسلين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۸ - ۲

۲ قوم ثمود ، ربوبیت خداوند را انکار کردند و از فرمانش سرپیچی نمودند .

ألا إن ثمودا كفروا ربهم

چون <ربهم> بدون واسطه حرف <باء> مفعول برای <کفروا> قرار گرفته است، می توان گفت در <کفروا> معنای عصیان و نافرمانی اشراب شده است; یعنی: عصوا ربهم کافرین به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۰

۲۰- اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذين من بعدهم . .. جاءتهم رسلهم بالبيّنت ... قالوا إنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۰ - ۱،۳

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت رسولان الهی را تکذیب کردند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلین

۳- اصحاب حجر (قوم ثمود) رسالت حضرت صالح (ع) را مورد تکذیب قرار دادند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلین

برداشت فوق بنابراین احتمال است که مراد از <المرسلین> حضرت صالح(ع) باشد که پیامبر قوم ثمود بود و جمع آورده شدن <المرسلین> می تواند

به این دلیل باشد که آن قوم با تکذیب صالح(ع) در حقیقت همه انبیای الهی را مورد تکذیب قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۱ - ۲

۲- اصحاب حجر (قوم ثمود) ، از معجزات و آیات الهی روی برتافته و بر کفر خویش اصرار ورزیدند .

و ءاتینهم ءایتنا فکانوا عنها معرضین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۵ - ۱

۱ - ناباوری قوم ثمود نسبت به انتخاب فردی چون < صالح (ع) > ، از میان همه قوم ، برای دریافت وحی

أءلقی الذکر علیه من بیننا

کفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۲

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که <کفروا> به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

کفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۳ - ۷

۷ تأکید قوم عاد ، بر ایمان نیاوردن به هود (ع) و تصدیق نکردن پیام ها و رسالت های او

و ما نحن لک بمؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۹ - ۲

۲ اکثریت قاطع قوم عاد ، آیات الهی و نشانه های ربوبیت خداوند را انکار کردند .

و تلك عاد جحدوا بأیت ربهم

با اینکه عده

ای از مردم عاد ایمان آوردند، خداوند انکار آیات و مخالفت با پیامبران را به همه قوم نسبت می دهد تا به این نکته اشاره کند که: اکثریت قریب به اتفاق آنان، به کفرورزی اصرار داشتند و مؤمنان در قیاس با آنها، چیزی به شمار نمی آمدند. قابل ذکر است که چون فعل <جحد> به وسیله حرف <با> متعدی شده، معنای <کفر> در آن اشراب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۰ - ۵

۵ قوم عاد ، بر اثر کفر و نافرمانی خدا و پیامبران ، سزاوار هلاکت و دوری از رحمت الهی شدند .

ألا بُعدًا لعاد قوم هود

<بُعداً> (هلاک گشتن یا دور شدن) مفعول مطلق برای فعل محذوف (لیبعد) است: ألا لیبعد قوم عاد بعداً. و از آن جا که قوم عاد به هلاکت رسیدند و از رحمت او محروم شدند می توان گفت، مرادْ عذاب در آخرت و دوری از رحمت او در آن سراست و نیز محتمل است <ألا بُعدًا ...> چنان چه زمخشری گفته بیانگر استحقاق دوری و هلاکت باشد; یعنی، [قوم عاد هلاک گشتند و از رحمت او محروم شدند]بدانید آنان مستحق آن کیفر و سزاور چنین عقوبتی بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۲۰

۲۰- اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . .. جاءتهم رسلهم بالبیّنت ... قالوا إنا

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۳۹ – ۸

۸ – بیشتر عادیان ، حق ناپذیر و مصمم بر کفر

و ما کان أکثرهم مؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۱ – ۲

۲ – کفر و حق ستیزی قوم عاد ، منتهی به عذاب الهی با بادی ویرانگر

و فی عاد إذ أرسلنا علیهم الریح العقیم

کفر قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۲ – ۵

۵ کفرپیشگان قوم نوح ، ناباور به آمدن عذاب و تحقق یافتن وعید ها و تهدید های حضرت نوح (ع)

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۹ – ۲۰

۲۰– اقوام کفرپیشه نوح ، عاد و ثمود برای انکار تعالیم انبیای خویش در برابر دلایل روشن آنان ، دلیل و برهان روشنی نداشتند .

قوم نوح و عاد و ثمود و الذین من بعدهم . .. جاءتهم رسلهم بالبیّنت ... قالوا إنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۶ – ۸

۸- قوم بی ایمان نوح ، مایه غم شدید و اندوه بزرگ برای حضرت نوح و خاندانش بودند .

فنجّینه و أهله من الکرب العظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۹

۱۹ - < عن أبی جعفر (ع) قال : کانت شریعه نوح أن یعبد اللّه بالتوحید . . . فلبث فیهم ألف

سنه إلاّـ خمسين عاماً يدعوهم سراً و علانيه . . . فأوحى اللّه عزّوجلّ إليه : أنّه لن يؤمن من قومک إلاّ من قد آمن فلاتبتأس بماكانوا يفعلون > فلذلک قال نوح : < و لايلدوا إلاّفاجراً كفاراً > و أوحى اللّه إليه < أن اصنع الفلک > ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که فرمود: .. شریعت نوح آن بود که خدا به یکتایی پرستش می شد... پس نوح(ع) در بین قوم خویش ۹۵۰ سال توقف کرد و آنها را آشکار و پنهان به خدا دعوت نمود... سپس خداوند عزّوجلّ به او وحی فرستاد: <أنّه لن یؤمن من قومک إلاّـ من قد آمن فلاتبتئس بما کانوا یفعلون> و به همین خاطر نوح گفت: <و لایلدوا إلاّـ فاجراً کفاراً> و خداوند به نوح وحی کرد:<أن اصنع الفلک>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۲

۲ قوم نوح ، رسالت و پیامبری نوح (ع) و دیگر پیامبران الهی پیش از او را تکذیب کردند .

كذّبوا الرسل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمع آمدن <رسل> به لحاظ مجموعه پیامبران الهی پیش از نوح(ع) باشد; که در این صورت الف و لام <الرسل> برای عهد خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۷ - ۱

۱ - شِکوه نوح (ع) به درگاه خدا ، از لجاجت و تکذیب گری قومش نسبت به او

قال ربّ إنّ قومى كذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۳

۴ - قوم نوح ، پیش از رسالت آن حضرت ، به عبادت خدا و تقوای الهی اعتقاد نداشته و پایبند نبودند .

أن اعبدوا اللّه و اتّقوه و أطیعون

توصیه و انذار حضرت نوح(ع) به موارد یاد شده و مخالفت طولانی قومش با آنها، بیانگر حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۱۳ - ۱،۲

۱ - قوم نوح ، مردمی بی پروا در برابر خداوند ولی بی اعتقاد به عظمت او

ما لکم لاترجون للّه وقارًا

<رجاء> در مقابل <یأس> قرار دارد و هرگاه با حرف نفی استعمال شود مانند آیه شریفه به معنای <خوف> به کار می رود (لسان العرب). برخی مراد از <رجاء> در این آیه را، <اعتقاد> دانسته اند; زیرا کسی که به چیزی امیدوار است، به آن چیز اعتقاد خواهد داشت. و <وقار> به معنای عظمت و بزرگی است.

۲ - قوم نوح ، مردمی بی اعتقاد به شکوه و عظمت ربوبی خداوند

ما لکم لاترجون للّه وقارًا

مشرکان، خداوند را به عنوان خالق جهان قبول داشتند; ولی ربوبیت او را انکار می کردند. با توجه به این نکته، می توان استفاده کرد که مقصود از <وقار> عظمت ربوبی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۶

۶ - قوم نوح ، مردمی کافر و تبه کار بودند

و لایلدوا إلاّ فاجرًا کفّارًا

تداوم حیات قوم نوح، موجب تولد فرزندان کافر و تبه کاری می شد. از این نکته استفاده می شود که خود آنان نیز چنین بودند.

کفر قوم یونس

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۶

۶ قوم یونس ، پیامبر خویش را در آغاز تکذیب کرده و از ایمان آوردن به دعوت های او سرباز زدند .

إلا قوم یونس لما ءامنوا کشفنا عنهم عذاب

کفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۳

۱۳ کفرورزی کافران ، بیرون از اراده الهی نیست .

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر انّهم لن یضرّوا اللّه شیئاً یرید اللّه الّا ی

جمله <یرید اللّه . .. >، بیان دلیلی است برای <لن یضرّوا اللّه>; یعنی شتاب کافران در کفر خویش، ضرری به خداوند نمی زند و کفر آنان، نشانه چیره شدن بر خداوند و اراده او نیست; زیرا خداوند با اراده خود آنان را به راهی انداخته که نتیجه آن محرومیّت از بهره های آخرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۴

۱۴ مالکیت انحصاری خداوند بر تمامی هستی و غنای وی ، دلیل مصونیت او از هرگونه خسارت و آسیب از کفر کافران

و إن تکفروا فان للّه . .. و کان اللّه غنیاً حمیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۵ - ۱۶

۱۶ ناتوانی از درک معارف دین در نتیجه لجاج و کفر ، کافران را نزد خدا معذور نمی سازد .

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

چنانچه مقصود از جمله <قلوبنا غلف> این معنا باشد که یهودیان واقعاً از درک تعالیم پیامبر اسلام و یا دیگر انبیا عاجز بودند

و

بر ایـن اسـاس خـود را معـذور می پنداشـتند، جمله <بـل طبـع اللّه> بیـانگر این نکته است که نـاتوانی یهـود از درک سـخنان پیامبر(ص) نمی تواند عذری در پیشگاه خداوند محسوب شود چون کفرورزی آنان عامل چنین وضعیتی برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۸ - ۸

۸ کافران تکذیب کننده آیات الهی حتی در صورت بازگشت به دنیا ایمان نمی آورند.

فقالوا یلیتنا نرد . .. و لو ردوا لعادوا لما نهوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۹ - ۱

۱ هیچ حرکت و رفتاری ، حتی کفرورزی کافران و پیمان شکنی آنان ، خارج از اراده خداوند نیست .

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا إنهم لایعجزون

جمله <لایحسـبن . .. > در صدد رفع پندار ناصوابی است که کفرپیشگان آن را در خیال خویش می پروراندند که با توجه به آیـات قبـل می توان گفت آن پنـدار برخاسـته از کفرورزی و ستیزه جویی علیه پیـامبر(ص) و شکسـتن پیمانهای او بوده است. آنـان بر این پنـدار بودنـد که اگر دسـتورات پیـامبر(ص) از جانب خـدا و خواست اوست، آنان با مخالفتهای خویش بر خـدای محمـد(ص) چیره شـده اند. جمله <لایحسـبن ... > بیان می دارد که این پندار ناصواب است. زیرا هیچ چیز خداوند را ناتوان نمی سازد. مفـاد این جمله بـا تـوجه به آنچه گـذشت این است که هیـچ حرکت و رفتـاری بیرون از اراده و خـواست خـداوند نیست.

کفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ -

۵ - ربوبیت خداوند بر انسان ها مورد انکار کافران عصر بعث قرار داشت .

من ربّه

چنانچه کافران به ربوبیت خداوند معترف بودند، می گفتند: <ربّنا>.

کفر کافران مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۳ - ۱

۱- کافران مجرم مکه ، علی رغم دریافت آیات قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به

برداشت فوق، بنابراین است که جمله <لایؤمنون به> جمله تفسیریه برای <المجرمین> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۴ - ۱

۱- اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۵ - ۱

۱- کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را

گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

کفر کعب ابن اشرف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۱ – ۱۳

۱۳ ایمان حُیبی بن اخطب و

کعب اشرف به جبت و طاغوت ، و گفتار ناروای آنان نسبت به مسلمانان

الم تر الی الّذین اوتوا نصیباً من الکتب یؤمنون بالجبت و الطّاغوت و یقولون

ابن عباس می گوید: این آیه درباره حیبی بن اخطب و کعب اشرف نازل شده است.

کفر متخلفان از غزوه تبوک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۴ – ۳

۳ متخلفان از جنگ تبوک ، به ظاهر مسلمان ولی در باطن کافر به خدا و رسول او بودند .

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

روی سخن در این بخش از آیات با کسانی است که از شرکت در جنگ تبوک سرباز زده بودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۴ – ۱۱

۱۱ حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إنهم کفروا باللّه و رسوله

کفر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۸ – ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

کفر مخالفت با انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۹ – ۹

۹ – کفر و مخالفت با پیامبران ، اسراف است و کافران مسرف اند .

أئن ذكّرتم بل أنتم قوم مسرفون

توصیف مردم بی ایمان و مخالف پیامبران الهی به

اسرافگر، گویای حقیقت یاد شده است.

کفر مرتد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۰ - ۵

۵ مرتدانی که بر کفر اصرار ورزند ، گمراهان واقعی هستند .

اولئک هم الضّالّون

کفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱،۲،۱۷

۱ علاقه وافر پیامبر (ص) به هدایت یافتن مردم و اندوه و تأسف عمیق وی از شتاب برخی از مردم در کفر

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

۲ توصیه خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اندوهگین نشدن از شتاب برخی مردم در کفر

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر

۱۷ تسلیت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) در مورد شتاب برخی از مردم در کفر

و لا یحزنک الّذین یسارعون فی الکفر . .. و لهم عذاب عظیم

کفر مردم دوران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۶ - ۱۵

۱۵ - اعتقاد به ربوبیت خداوند ، در آیین مردم عصر فرعون مردود بود .

و لیدع ربّه . .. أن یبدّل دینکم

دین حضرت موسی بر ربوبیت خداوند استوار بود. بنابراین دین مردم مصر که مطابق اعتقادات موسی(ع) در حال تغییر بود در تضاد با اعتقاد به ربوبیت خداوند قرار داشت.

کفر مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۰ - ۶،۹

۶ امتی که پیامبر (ص) به سوی آنان مبعوث شد ، به خداوند رحمان کفر ورزیدند .

و

هم یکفرون بالرحمن

۹ مردم عصر بعثت خداوند را به اسم و وصف < الرحمان > نمی شناختند و بدان کفر میورزیدند .

و هم یکفرون بالرحمن

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از کفر مردم عصر بعثت به <الرحمان> عدم آشنایی آنان با این اسم برای خداوند است ; یعنی، خداوند را با این اسم و وصف نمی شناختند و آن گاه که قرآن خداوند را به اسم <الرحمان> توصیف کرد، انکار کردند و گفتند <رحمان> دیگر کیست و چه خدایی است؟

کفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۷

۷- ساحل نشینان غرب سرزمین ذی القرنین ، مردمی کفرپیشه و ستم کار بودند .

قلنا یذا القرنین إمّا أن تعذّب

تعبیر <تعذّب> نشانگر آن است که آنان مستحق کیفر بوده اند و دلیل آن به قرینه آیات بعد ستم گری و کفر آنان بوده است.

کفر مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملأ من قومه الذین کفروا . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

عبارت <و أترفناهم> حال است برای فاعل <کفروا>; یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۴ – ۲

۲ – مترفان ، به

هر پیامبری که از جانب خداوند به سوی مردم مبعوث می شد ، اعلام می کردند که تعالیم او را نمی پذیرند .

و ما أرسلنا فی قریه من نذیر إلاّ قال مترفوها إنّا بما أُرسلتم به کفرون

کفر مستکبران قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۶ - ۲

۲ مستکبران قوم ثمود ، در پاسخ مستضعفان ، مخالف صریح خویش را با رسالت صالح و کفرشان را به پیام های او ابراز داشتند .

قال الذین استکبروا إنا بالذی ءامنتم به کفرون

کفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهل . ..> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم

. .. خالدين فيها لا يخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > کافرند .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

يريدون أن يطفئوا نور اللّه . .. و يأبى اللّه ... و لو كره الكفرون

کفر مسیحیان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم يكن الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين منفكّين حتّى تأتيهم البيّنه

حرف <من>، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهل . ..> به دلیل عطف <المشرکین> بر <اهل الکتاب> بیانیه است. بنابراین <ما یود الذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ -

۱۷ مشرکان مکه ، مردمانی کفرپیشه و بازدارندگان از راه خداوند و مسجدالحرام

و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و المسجدالحرام و اخراج اهله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذین کفروا و کذبوا . ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۷

۷ آنان که برای خداوند همتایی بپندارند، کافرند.

ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

در این برداشت <بربهم> متعلق به یعدلون و <یعدلون> نیز از عدل، به معنی برابر و همسان، گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۷ - ۲

۲ نازل نشدن معجزه ویژه و دلخواه مشرکان، بهانه کفرورزی آنان به رسالت پیامبر(ص)

و قالوا لو لا نزل علیه ءایه من ربه

درخواست معجزه از پیامبر(ص)، علی رغم ارائه معجزات از سوی آن حضرت، حاکی است که آنان خواهان معجزه ویژه و دلخواه خود بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدين على أنفسهم بالكفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ مشرکان از زمره کافران و موحدان از زمره تقواپیشگانند .

تلك عقبى الذين اتقوا

و عقبى الكفرين النار

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۷ – ۱۶

۱۶– مشركانى كه آيات قرآن را اسطوره مى خوانند ، و نيز كسانى كه عليه دين خدا توطئه مى كنند ، در زمره كافرانند .

و إذا قيل لهم ماذا أنزل ربّكم قالوا أسطر الأولين . .. قد مكر الذين من قبلهم ...

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴۹ – ۵

۵– مشركان ، معاد جسمانى را امرى مستبعد و غير ممكن مى دانستند .

و قالوا أءذا كنّا عظمًا و رفتًا أءنّا لمبعوثون خلقًا جديدًا

از اينكه براى مشركان، بازسازى استخوانهاى خرد شده انسان امرى مستبعد و ناممكن مى نمود، به دست مى آيد كه آنان، معاد جسمانى را غير ممكن مى دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۱ – ۴

۴ – مشركان ، مردمانى كفرپيشه اند .

قل أرونى الذين ألحقتم به شركاء . .. و قال الذين كفروا

مراد از <الذين كفروا> چنان كه مفسران نيز اذعان كرده اند مشركانى اند كه در آيات پيش از آنان سخن گفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۱۷

۱۷ – مشركان ، مردمانى كافراند .

إذ تأمروننا أن نكفر باللّه و نجعل له أندادًا . .. و إذا تتلى عليهم ءايتنا ... و

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۰ – ۱

۱ – مشرکان ، به رغم ادعای آمادگی برای ایمان آوردن

به کتاب آسمانی ، به قرآن کفر ورزیدند .

لو أنّ عندنا ذكرًا من الأوّلين . لكنّا عباد اللّه المخلصين . فكفروا به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵ – ۲

۲ – منکران یگانگی خدا و معتقدان به تعدد معبود ، کافراند .

و قال الكفرون . .. أجعل الألهه إلهًا وحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۲ – ۳

۳ – شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إنّ الذين كفروا . .. ذلكم بأنّه إذا دعى اللّه وحده كفرتم و إن يشرك به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۸ – ۷

۷– کفرورزی و نسبت هایِ ناروای مشرکان به ساحت وحی و پیامبر (ص) ، مورد علم و آگاهی خداوند

قل . .. هو أعلم بما تفيضون فيه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۵ – ۱

۱– مذمّت خداوند از کفر مشرکان ، و جلوگیری آنان از ورود مؤمنان به مسجدالحرام و قربانی کردن

هم الذين كفروا و صدّوكم عن المسجدالحرام و الهدىَ معكوفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۴،۶،۱۰،۱۲،۱۳،۱۴

۴ - منکران اسلام چه از اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

حرف <من> برای تبیین است و مصداق <الذین کفروا> را،

اهل کتاب و مشرکان معرفی کرده است.

۶ - اهل کتاب و مشرکانی که اسلام را نپذیرفتند ، کسانی بودند که از پذیرش هر برهان روشنی سرباز می زدند .

لم یکن . .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

در برداشت یاد شده، <منفکّین> به معنای <منفکّین عن الکفر> دانسته شده است. <تأتیهم البیّنه> به تقدیر <أن> مصدریه با <اتیان البیّنه> مرادف است و عبارت <حتّی اتیان البیّنه> را می توان به معنای <حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <حتّی باتیان البیّنه> دانست. در این صورت، تقدیر کلام چنین می شود: <لم یکن ... منفکّین فی وقت من الأوقات حتّی وقت اتیان البیّنه> یا <لم یکن ... منفکّین بأیّ طریق حتّی باتیان البیّنه>.

۱۰ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

تقدیم اهل کتاب بر مشرکان در توبیخ بر کفر، بیانگر برداشت یاد شده است.

۱۲ - ادعای نبودن برهانی روشن بر حقانیت اسلام ، بهانه اهل کتاب و مشرکان ، در امتناع از پذیرش آن

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

۱۳ - برخی از اهل کتاب و مشرکان ، پس از مشاهده برهان حقانیت اسلام ، با کفرورزی به آن ، راه خویش را از دیگر هم کیشان خویش جدا کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

این برداشت، بر چهار نکته استوار است: ۱. مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که پس از ظهور اسلام، به آن کافر شدند; ۲. حرف <من> در <من أهل الکتاب و المشرکین> برای تبعیض است; ۳. تعبیر <منفکّین> ناظر به جدا شدن کافران، از

دیگر اهل کتاب و مشرکانی است که به اسلام گرویده اند; ۴. آیه شریفه در مقام توبیخ کسانی است که به رغم پیدایش <بیّنه>، خود را از صف عموم گروندگان به اسلام جدا کرده اند.

۱۴ - سرپیچی کافرانِ اهل کتاب و مشرکان ، از پذیرش اسلام و انشعاب از مجموعه گروندگان به آن پس از ظهور < بیّنه > ، رفتاری نکوهیده و شگفت

لم یکن الذین کفروا. .. منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۳،۴،۵

۳ - کفر اهل کتاب ، نکوهیده تر از کفر مشرکان است .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۴ - منکران اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک کافراند .

إنّ الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۵ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت خودداری از پذیرش اسلام ، از عبادت خالصانه خداوند محروم مانده و خود را از برکات نماز و زکات دور ساخته اند .

و ما أُمروا إلاّ لیعبدوا اللّه مخلصین له الدین حنفاء و یقیموا الصلوه و یؤتوا الز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۰

۱۰ - اهل کتاب و مشرکان ، در صورت کفر به اسلام ، از لذّت مناظر پردرخت و زمین آب خیز بهشت محروم خواهند بود .

من أهل الکتب و المشرکین فی نار جهنّم . .. الذین ءامنوا و عملوا الصلحت ... جزا

کفر مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳ - ۲

شرک پیشگان عصر بعثت ، منکر ربوبیت خدا بودند .

قال الکفرون إن هذا لسحر مبین. إن ربکم اللّه

به کارگیری حرف تأکید (إن) و اسمیه بودن جمله <إن ربکم اللّه> بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷ - ۲

۲ شرک پیشگان عصر بعثت ، منکر روز بازپسین بودند .

إن الذین لا یرجون لقاءنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۱ - ۴،۸،۹،۱۲

۴ شرک پیشگان عصر بعثت با وجود اعتقادشان به رازقیت و روزی بخشی خدا ، ربوبیت بی شریک او را باور نداشتند .

قل من یرزقکم من السماء و الأرض . .. فسیقولون اللّه

ضمیر فاعلی در <سیقولون> به مشرکان بر می گردد.

۸ شرک پیشگان عصر بعثت ، در عین اینکه به مالکیت و حاکمیت خدا بر قوا و حواس آدمی اعتقاد داشتند ، منکر ربوبیت او بودند .

أمن یملک السمع و الأبصر. .. فسیقولون اللّه

۹ شرک پیشگان عرب جاهلی با وجود اینکه خدا را پدید آورنده جانداران از موجودات بی جان و موجودات بی جان را از جانداران می دانستند ، منکر ربوبیت و پروردگاری او بودند .

و من یخرج الحی من المیت و یخرج المیت من الحی . .. فسیقولون اللّه

۱۲ مشرکان عرب جاهلی با وجود اعتقادشان به اینکه تدبیر امور جهان در دست خداست ، منکر ربوبیت و پروردگاری بی همتای او بودند .

و من یدبر الأمر فسیقولون اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۴

۴ امتناع مشرکان عصر

بعث از اقرار به ربوبیت خدا بر تمام هستی علی رغم مشاهده نقش او در جهان آفرینش

قل من رب السموت و الأرض قل الله

از اینکه خداوند خود به پرسشی که از مشرکان کرده (من رب السموت) پاسخ می دهد (قل الله) معلوم می شود آنان از اعتراف و اقرار به ربوبیّت خداوند خودداری می کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۲،۳

۲- بیشتر مشرکان صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثمّ ینکرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أکثرهم الکافرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۵

۵- پیشگویی قرآن ، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءامنت قبلهم . .. أفهم یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۱ - ۸

۸ - رسوخ روحیه کفرورزی و حق ناپذیری ، در بیشتر مشرکان صدراسلام

إنّ فی ذلک لأیه و ما کان أکثرهم مؤمنین

گرچه ضمیر <هم> در <أکثرهم> به قوم نوح بازمی گردد; اما در عین حال تعریض به مشرکان صدر اسلام نیز دارد.

سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵ - ۵

۵ - موضع گیری ناباورانه مشرکان صدراسلام ، درباره وعده قیامت

إنّما توعدون لصادق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۷ - ۳

۳ - بی اعتقادی مشرکان صدراسلام ، نسبت به جهان واپسین

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره لیسمّون الملئکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۱ - ۶

۶ - مشرکان صدراسلام ، پیشوای کافران گذشته تاریخ در کفر و حق ستیزی *

و لقد أهلکنا أشیاعکم

با توجه به این که <شیعه> به معنای پیرو است و از نظر زمانی کفار مکه دنباله رو کافران گذشته اند; احتمال می رود که اطلاق <أشیاع> بر کافران گذشته تاریخ از آن جهت باشد که مشرکان مکه در کفر و حق ستیزی، گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده اند، به گونه ای که باید پیشینیان را پیرو آنها به حساب آورد و آنان را پیشوای گذشتگان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۸ - ۲،۳

۲ - سرپیچی مشرکان صدراسلام ، از پذیرش دعوت پیامبر (ص) و ایمان آوردن به یگانگی خداوند

و ما لکم لاتؤمنون باللّه و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بربّکم

خطاب در آیه شریفه، متوجه کافران شرک پیشه صدراسلام است.

۳ - نکوهش مشرکان صدراسلام از سوی خداوند ، به خاطر موضع گیری مخالفت آمیزشان در برابر دعوت پیامبر (ص) و

سرباز زدن از پذیرش ایمان به خدا

و ما لکم لاتؤمنون باللّه و الرسول یدعوکم لتؤمنوا بربّکم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۱ – ۵،۸

۵ – همسویی اهل کتاب ، با مشرکان در عصر بعثت ، در امتناع از پذیرش اسلام

الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین

۸ – گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

حرف <من>، ممکن است برای تبعیض باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۳ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، مأمور افشای سرسختی مشرکان در ترک پرستش خداوند ; حتی در فرض محال تن دادن پیامبر (ص) به پرستش معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

کفر مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۹ – ۹،۱۱

۹ مشرکان مکه به پیامبر(ص) و انبیای پیشین کفر میورزیدند.

أولئک الذین ءاتینهم . .. فإن یکفر بها هؤلاء

<هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه است.

۱۱ خداوند تسلی دهنده پیامبر(ص) با بشارت به پدیدار شدن مؤمنانی پایدار، علی رغم کفر مشرکان مکه

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا بها قوما لیسوا بها بکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ هلاکت و نابودی مشرکان مکه در کارزار بدر ، پیامد گناهان و کفرشان به آیات الهی بود .

ذلک بأن اللّه لم یک مغیرا نعمه أنعمها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم

<ذلک> علاوه بر اینکه

اشـاره به فرجـام شوم فرعونیان و کافران پیش از آنان است، می توانـد اشاره به قضایای جنگ بـدر و نابودی مشـرکان مکه نیز داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۹ - ۱

۱- مشـرکان مکه ، ناباوری و بی اعتقادی خود را به امکان حیات مجـدد پس از تبدیل شدن به اسـتخوان خُرد و ریز ریز شده ، اعلام داشتند .

و قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا أءنَّا لمبعوثون خلقًا جدیدًا

<رفات> از ریشه <رَفْت> به معنای شکستن و خُرد و ریز ریز شدن است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۱ - ۷

۷- دلداری خداوند به پیامبر (ص) در قبال کفر مشرکان مکه به معجزه آن حضرت (قرآن)

و قالوا لن نؤمن لک . .. و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت بیّنت ... فقال له فرعون إنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۰ - ۱۱

۱۱- سرزنش مشرکان عرب از سوی خداوند ، به سبب کفرورزی به قرآن ، علی رغم ایمان برخی غیر عرب به حقانیت آن *

و شهد شهد من بنی إسرءیل علی مثله فامن و استکبرتم

این احتمـال در آیه وجود دارد که تـذکر قرآن به ایمـان فردی از بنی اسـرائیل; از آن جهت برای مشـرکان عرب سـرزنش بـار باشـد که بنی اسـرائیل در اصـل عرب نبودنـد و عوامـل نژادی و زبانی، مقتضـی آن بوده تا در برابر قرآن خاضع نشونـد. با این وصف برخی از آنان به قرآن ایمان آوردند; در حالی

که مشرکان عرب که قرآن به لغت آنان نازل شده از پذیرش آن امتناع ورزیدند.

کفر مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۷

۱۷ مصریان عصر یوسف (ع) ، به خداوند ایمان نداشتند و سرای آخرت را انکار می کردند .

إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءکم یوسف من قبل . .. فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به حتّی إذا هلک قلتم لن یبع

کفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تکذیب کنندگان حق ، کافرند و جایشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افتری علی اللّه . .. أو کذّب بالحقّ... ألیس فی جهنّم مثوًی للکفر

<ال> در <الکافرین> برای عهد بوده و اشاره به همین افرادی دارد که در آیه، مورد بحث قرار گرفته اند.

کفر مفتریان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۷ - ۱۶

۱۶- مشرکانی که آیات قرآن را اسطوره می خوانند ، و نیز کسانی که علیه دین خدا توطئه می کنند ، در زمره کافرانند .

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین .

.. قد مكر الذين من قبلهم ...

كفر مفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۲

۱۲– فسادانگيزان سركش ، كافرند .

لتفسدنّ فى الأرض . .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرين حصيرًا

كفر مكذبان آيات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – عنكبوت – ۲۹ – ۴۷ – ۹

۹ – آيات خداوند را ، جز كافران ، كسى انكار نمى كند .

و ما يجحد بأيتنا إلاّ الكفرون

كفر مكذبان اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بينه – ۹۸ – ۱ – ۴

۴ – منكران اسلام چه از اهل كتاب باشند و چه مشرك كافراند .

الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين

حرف <من> براى تبيين است و مصداق <الذين كفروا> را، اهل كتاب و مشركان معرفى كرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – بينه – ۹۸ – ۶ – ۴

۴ – منكران اسلام چه اهل كتاب باشند و چه مشرك كافراند .

إنّ الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين

كفر مكذبان انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۸ - ۲۸

۲ هیچ قومی از اقوام تکذیب کننده سابق به جز قوم یونس پیش از نزول عذاب استیصال ، به دست کشیدن از تکذیب پیامبر خود و اظهار ایمان به او موفق نشدند .

فلولا كانت قريه ءامنت فنفعها إيمنها إلا قوم يونس

۸ از تمام اقوام تکذیب کننده پیشین ، تنها قوم یونس پیش از وقوع

عذاب استيصال ، از تكذيب دست برداشته و ايمان آوردند .

فلولا كانت قريه ءامنت فنفعها إيمنها إلا قوم يونس لما ءامنوا كشفنا عنهم عذاب الخز

كفر مكذبان توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۲

۲ - منكران يگانگى خدا و معتقدان به تعدد معبود ، كافراند .

و قال الكفرون . .. أجعل الألهه إلهًا وحدًا

كفر مكذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۸ - ۹

۹ - افترازنندگان به خدا و تكذيب كنندگان حق ، كافرند و جايشان در جهنم است .

و من أظلم ممّن افترى على اللّه . .. أو كذّب بالحقّ... أليس فى جهنّم مثوًى للكفر

<ال> در <الكافرين> براى عهد بوده و اشاره به همين افرادى دارد كه در آيه، مورد بحث قرار گرفته اند.

كفر مكذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۲

۲ - منكران قرآن ، به خدا و قيامت ايمان نخواهند آورد .

إن الذين كفروا . .. لايؤمنون

متعلَّق <لايؤمنون> به دليل آيه هشت و نيز آيات قبل، خدا و قيامت است; يعنى: لايؤمنون باللّه و لاباليوم الآخر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۶ - ۷،۸

۷ کفرپیشگان منکر قرآن ، مردمی متحیر و سرگردان در وادی گمراهی و طغیانگری

و یذرهم فی طغینهم یعمهون

در برداشت فوق <فی طغیانهم> متعلق به <یعمهون> گرفته شده است، <عَمَهْ> (مصدر <یعمهون>) به معنای تحیر و سرگردانی است.

۸ کفرپیشگان منکر قرآن راهی برای نجات از تحیر

و سرگردانى ندارند .

و يذرهم فى طغينهم يعمهون

معناى جمله <يذرهم . .. > بنابراينكه <فى طغيانهم> متعلق به <يعمهون>باشد، چنين مى شود: خداوند منكران قرآن را رها نمى سازد تا همچنان در وادى طغيان، سرگردان بمانند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۱

۱ - منكران قرآن ، كافراند .

ثمّ أورثنا الكتب . .. و الذين كفروا

مقصود از كفر در اين آيه به قرينه آيات پيشين كه درباره قرآن كريم بود انكار قرآن است.

كفر مكذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۲۰

۲۰ - يهوديان منكر رسالت پيامبر (ص) ، از زمره كافرانند و به عذابى خفت آور گرفتار خواهند شد .

و للكفرين عذاب مهين

كفر مكذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۳

۳ - منكران معاد ، فرو رفته در كفر و در اوج پافشارى بر پندار باطل خويش

ما أكفره

از آيات بعد كه توجّه به مبدأ خلقت انسان را مقدمه توجّه به معاد در <ثمّ إذا شاء أنشره> قرار داده است استفاده مى شود كه آيه شريفه بر منكران معاد نيز قابل تطبيق است. مفاد جمله <ماأكفره>، تعجّب از رسوخ كفر در كافران است تا آن حد كه به

هیچ نحو زایل نمی شود. این تعبیر ممکن است، صیغه تعجب و یا استفهام باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۲

۲ - منکران معاد ، کافراند .

لترکبنّ

طبقًا عن طبق . .. بل الذين كفروا يكذّبون

کفر مكذبان نعمتهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۳ – ۴

۴– اکثر انکار کنندگان نعمت های الهی ، مصداق و مجسمه کامل کفرند .

يعرفون نعمت الله . .. و أكثرهم الكفرون

برداشت فوق، بنابراین نکته است که ضـمیر <هم> به فاعل <یعرفون>باز گردد و الف و لام در <الکافرون> برای استغراق باشد.

کفر منافقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹ – ۴

۴ – منافقان علم گسترده و همه جانبه خدا و آگاهی او را به اسرار و نهان انسان ها ، باور نداشته و بدان معتقد نیستند .

يخدعون اللّه

از اینکه منافقان با نفاق خویش در صـدد نیرنگ زدن به خـدا برآمـده انـد، معلوم می شود که آنان می پنداشـتند، اگر امری را مخفی کنند، خداوند از آن آگاه نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴ – ۵

۵ – منافقان صدر اسـلام ، به هنگام حضور در محفل سـردمدارانشان ، بر همگامی و هم مسلکی خویش با آنان (کفر به اسلام) تأکید می کردند .

و إذا خلوا إلى شيطينهم قالوا إنّا معكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹ - ۶

۶ - منافقان در زمره کفرپیشگانند .

واللّه محیط بالکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۷ - ۱۴

۱۴ منافقان به دلیل شرکت نکردن در پیکار احد ، دور از

مرز ایمان و در آستانه کفر بودند .

هم للكفر يومئذ اقرب منهم للايمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۶

۶ منافقان در زمره کافرانند *

إنّ المنفقين . .. يأيها الذين ءامنوا لاتتخذوا الكفرين

با توجه به آیات قبل و بعد که درباره منافقان است، می توان گفت مراد از <الكفرين> همان منافقان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقين فى الدرك الاسفل . .. ما يفعل اللّه بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱۱،۱۴،۱۷،۱۸،۳۵،۴۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للكذب سمعون لقوم ءاخرين لم يأتوك يحرفون الكلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف یهودیان، وصف منافقان نیز باشد، و <للكذب> و <لقوم> مفعول به برای <سمعون> باشد. بنابراین معنای <سمعون للكذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سخنان دروغ هستند، و <سمعون لقوم ءاخرين>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پذیری برخی منافقان و یهودیان و پیروی آنان از عالمان تحریفگر ، فلسفه نهی خداوند از تأسف پیامبر (ص) بر

کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

<سمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپذیر ، آن قدر بی ارزشند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. أولئک الذین

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۹ - ۱۲

۱۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه اند .

و منهم من یقول ائذن لی . .. ألا فی الفتنه سقطوا و إن جهنم لمحیطه بالکفرین

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۴ - ۲

۲ منافقان ، گروهی کفرپیشه و منکر رسالت پیامبر (ص)

و ما منعهم أن تقبل منهم نفقتهم إلا أنهم کفروا باللّه و برسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ منافقان ، علی رغم ادعای ایمان ، در حال کفر می میرند .

و تزهق أنفسهم و هم کفرون

۱۵ مال و اولاد فراوان منافقان ، زمینه گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

فلا تعجبک أمولهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

۱۶ جان کندن دشوار و حسرت بار منافقان و کفر نهایی آنان ، پیامد کثرت مال و اولاد و نمودی از عذاب الهی

فلا تعجبک أمولهم . .. یرید اللّه لیعذبهم بها ... و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۳

۳ نفی صریح ایمان منافقان ، از سوی خداوند

و ما هم منکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۳،۴،۵،۶

۳ برملا شدن کفر منافقان صدر اسلام ، در پی توطئه آنان علیه اسلام و پیامبر (ص)

لا تعتذروا قد کفرتم بعد إیمنکم

۴ منافقان صدر اسلام ، گروهی بودند که در آغاز به اسلام ایمان آوردند ولی بعداً به کفر گرویده و مرتد شدند .

لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمنكم

۵ کفر منافقان ، پس از ایمان ظاهریشان ، مانع پذیرفته شدن عذر آنان است .

لا تعتذروا قد

کفرتم بعد إیمنکم

۶ عذر منافقان ، عذر بدتر از گناه و مایه برملا شدن کفر باطنی آنان بود .

إنما کنا نخوض و نلعب . .. لا تعتذروا قد کفرتم بعد إیمنکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱

۱ روی آوردن منافقان به سوگند دروغ ، برای انکار سخنان کفرآمیزی که در نهان گفته بودند .

یحلفون باللّه ما قالوا و لقد قالوا کلمه الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۱ - ۱۶

۱۶ بی اعتقادی منافقان به قیامت و عدم درک آن نسبت به حوادث و حقایق آن ، مایه تخلف آنان از جهاد

لو کانوا یفقهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۳،۱۵

۱۳ منافقان ، علی رغم اظهار ایمان ، در حال کفر می میرند .

و تزهق أنفسهم و هم کفرون

۱۵ کثرت مال و اولاد منافقان نمودی از عذاب الهی و زمینه ساز جان کندن دشوار و حسرت بار آنان

أن یعذبهم . .. و تزهق أنفسهم و هم کفرون

با توجه به اینکه <تزهق أنفسهم> می تواند عطف تفسیری برای <أن یعذبهم> باشد، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۷ - ۱۴

۱۴ منافقان ، در خدمت کفر و دشمنان خدا و رسول و هموارکننده راه آنان هستند .

اتخذوا مسجداً . .. کفراً ... و إرصاداً لمن حارب اللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۷

محمد - ۴۷ - ۱۶ - ۱۰

۱۰- منافقان ، در زمره کافران و گرفتار عذابی همانند آنان

و منهم من یستمع إلیکَ حتّی إذا خرجوا من عندکَ قالوا . .. ماذا قال

چنانچه ضمیر <منهم> به <من هو خالد . ..> بازگردد و مراد از آن در <من یستمع ...> به قرینه محتوای آیه منافقان باشد، می توان گفت: منافقان فرجامی همانند کافران خواهند داشت.

کفر منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر (ص) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لایحزنکَ الذین یسرعون فی الکفر من الذین . .. و من الذین هادوا

<من الذین هادوا> عطف بر <من الذین قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۲

۲ مؤمنان ، شاهد برخی نشانه های کفر و نفاق در زندگی منافقان صدر اسلام

و یحلفون باللّه إنهم لمنکم

بدیهی است که مؤمنان راستین چون در مظان اتهام نیستند، نیازمند سوگند نمی باشند و آنچه منافقان را به سوگند واداشته، نشانه هایی است که سبب متهم شدن آنان می شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۴

۴ ثبوت کفر منافقان صدر اسلام ، با اظهار کردن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا بعد إسلمهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۴ – ۱۱

۱۱

حکم صریح خداوند به کفر منافقان متخلف از جنگ تبوک

إنهم کفروا باللّه و رسوله

کفر منافقان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۴ - ۶

۶ - تزلزل منافقان مدینه در غزوه احزاب ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

و یستئذن فریق منهم . .. یقولون إنّ بیوتنا عوره ... إن یریدون إلاّ فرارًا ... ثمّ

<ثمّ سئلوا الفتنه> دلالت می کند که آنان، با درخواست شرک، آن را قبول می کردند. چنین امری اشعار دارد که استیذان در ترک جهاد و بهانه جویی برای فرار، ناشی از بی ایمانی و تزلزل در عقیده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۹ - ۲۱،۲۴

۲۱ - منافقان مدینه ، به اسلام ، ایمان نیاوردند .

أُولئک لم یؤمنوا

۲۴ - رفتار های بیمارگونه منافقان مدینه ، ناشی از بی ایمانی آنان بود .

أشحّه علیکم فإذا جاء الخوف . .. تدور أعینهم ... فإذا ذهب الخوف سلقوکم بألسنه حدا

کفر نسل قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - < عن صالح بن میثم قال : قلت لأبی جعفر (ع) : ما کان علم نوح (ع) حین دعا قومه إنّهم لایلدوا إلاّ فاجرًا کفارًا فقال : أما سمعتَ قولَ اللّه لنوح : < إنّه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد آمن > ;

صالح بن میثم گوید: به امام باقر(ع) عرض کردم: نوح(ع) هنگامی که قوم خود را دعوت می کرد از کجا آگاه بود

که اولاد آن قوم، غیر از بدکار و کافر به دنیا نمی آیند; امام فرمود: آیا سخن خداوند را به نوح نشنیده ای که فرمود: (إنّه لن یؤمن من قومک إلاّ من قد آمن)>.

کفر نمرود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۸ - ۶،۷،۲۵

۶ قدرتمداری نمرود ، زمینه ساز غرور ، کفر و طغیانگری وی

الم تر الی . .. ان اتیه اللّه الملک

بنابراینکه جمله <ان اتیه . .. >، بیان علّت محاجّه باشد; یعنی چون ملک و سلطنت یافت، چنین و چنان کرد.

۷ قدرتمداری ، زمینه ساز غرور و کفر در برابر ربوبیّت الهی

الم تر الی الّذی . .. ان اتیه اللّه الملک

چنانچه جمله <ان اتیه . .. >، بیانِ علّتِ کفر و غرور نمرود باشد، می توان از آن یک نتیجه کلّی به دست آورد که قدرت و سلطنت، زمینه ساز غرور، کفر و ... است.

۲۵ پادشاه عصر ابراهیم (ع) (نمرود) ، حاکمی کافر و ستمگر

فبهت الّذی کفر و اللّه لا یهدی القوم الظّالمین

کفر نوجوان قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۰ - ۳

۳- نوجوانی که خضر (ع) او را کُشت ، کافر بود .

و أمّا الغلم فکان أبواه مؤمنین

اختصاص وصف <مؤمن> به پدر و مادر نوجوان، گویای کافر بودن وی است و مؤثّر بودن او در گرایش والدین خویش به کفر نیز، کافر بودن او را تأیید می کند.

كفر و فسق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه –

۹ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم کفروا . .. فسقون

کفر و نفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ پیوند تنگاتنگ میان کفر ، نفاق و فسق

إنهم کفروا . .. فسقون

کفر ولایت غیر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۱۱

۱۱- پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کفر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۵ - ۱۶

۱۶ - فرعون ، هامان و قارون ، از کافران بودند .

إلی فرعون و همن و قرون فقالوا سحر کذّاب . .. و ما کید الکفرین إلّا فی ضلل

کفر همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۳ – ۴

۴ همسر لوط ، از زمره كافران به وى بود .

فانجينه و أهله إلا امرأته

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۱۹

۱۹ همسر لوط به او ايمان نياورد و به گناهى هم طراز گناهان قوم لوط آلوده بود .

فأسر بأهلك . .. إلاّ امرأتك إنه مصيبها ما أصابهم

همانندى كيفر همسر لوط با كيفر قوم لوط كه جمله <إنه مصيبها ما أصابهم> دلالت بر آن دارد حاكى است كه گناه وى نيز هم طراز گناه آن قوم بوده است. گويا وى

به عملکرد آنان راضی بوده و یا به گونه ای - چنانچه در برخی روایات وارده شده ایشان را در گناهشان یاری می داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۲

۲ - همسر لوط ، مخالف راه او و در زمره محکومان به عذاب

إلّا عجوزًا فی الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ - همسر لوط ، از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

لننجّینّه و أهله إلّا امرأته کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ - همسر لوط (ع) از زمره کافران بود و به او ایمان نیاورد .

إنّا منجّوک . .. إلّا امرأتک کانت من الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۳

۳ - تمامی اعضای خاندان لوط ، به جز همسر او ، مؤمن بودند .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلّا عجوزًا فی الغبرین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که عذاب به جهت کفر است، پس نجات خاندان لوط دلیل ایمان شان و عذاب همسر لوط به نشانه کفر او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲۰۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . .. ضرب اللّه مثلًا للذین کفروا امرأت نوح

و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته اند و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسران خود اقدام کردند; مثلاً آنان اسرار خانه همسران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

کفر همسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلک إلاّ من سبق علیه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلاّ من ...>; یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۰ - ۲۸

۲ - همسران نوح و لوط پیامبر ، نمونه بارز و مثال زدنی ، برای جریان کفر و نفاق اند .

جهد الکفّار و المنفقین . .. ضرب اللّه مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط

۸ - کفر و نفاق همسران نوح و لوط ، خیانت به آن دو پیامبر بود .

فخانتاهما

مفسران، مصداق بارز خیانت همسران نوح و لوط را، کفر و نفاق آنان دانسته

انـد و نیز روایت کرده اند که آنان با تطمیع دیگران علیه همسـران خود اقدام کردند; مثلًا آنان اسـرار خانه همسـران خود را به دشمنان منتقل می کردند و. .. .

کفر یأس از رحمت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۳ – ۲

۲ – مأیوس بودن از رحمت خدا ، روحیه ای ناپسند و کافرانه است .

و الذین کفروا . .. یئسوا من رحمتی

کفر یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۸ – ۵

۵ – کفر ورزی یهود ، موجب محروم شدن آنان از رحمت الهی است .

لعنهم اللّه بکفر هم

<باء> در <بکفر> سببیه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۹ – ۱۱،۱۵

۱۱ – یهودیان علی رغم مطابق یافتن ویژگی های کتاب و پیامبر موعود ، بر قرآن و رسول اکرم (ص) ، به آن کافر شدند .

فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به

۱۵ – از امـام صـادق (ع) دربـاره سـخن خداونـد عز و جـل (و کانوا من قبل یسـتفتحون علی الـذین کفروا) روایت شـده که فرموده انـد : < کانت الیهود تجـد فی کتاب ها ان مهاجر محمـد (ص) مابین عیر و اُحد فخرجوا یطلبون الموضع . . . فاتخذوا بأرض المـدینه الأموال فلما کثرت أموالهم بلغ تبع فغزاهم . . . فخلّف حیّین الأوس و الخزرج . . . و کانت الیهود تقول لهم : أما لو قد بعث محمد لیخرجنکم من دیارنا و اموالنا فلما بعث اللّه

عز و جل محمداً آمنت به الأنصار و کفرت به الیهود و هو قول اللّه عز و جل : و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا فلما جاءهم ما عرفوا کفروا به فلعنه اللّه علی الکافرین ;

یهود در کتابهای آسمانی خود خوانده بودند که محل هجرت محمد(ص) بین کوه عیر و کوه احد است لذا برای یافتن آن محل از جایگاه خود خارج گردیدند . .. پس در مدینه ساکن شدند و اموالی فراوان به دست آوردند. چون این خبر به <تُبَّع> رسید با آنان جنگ کرد ... پس دو طایفه اوس و خزرج را به جا گذاشت ... و یهود به آنان (اوس و خزرج) می گفتند: اگر محمد(ص) مبعوث شود، شما را از خانه های ما و اموالمان بیرون می کند. پس چون خداوند پیامبر را مبعوث کرد، انصار (اوس و خزرج) ایمان آوردند و یهود به آن حضرت کافر گشتند و این سخن خداوند است که: آنان (یهودیان) قبل از بعثت محمد(ص) وعده پیروز شدن بر کافران را می دادند; پس وقتی کتابی که آن را (از قبل) می شناختند نزد آنان آمد به آن کافر شدند; پس لعنت خدا بر کافران باد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱،۲

۱ - یهودیان ، به قرآن و کتاب آسمانی خویش (تورات) کفر ورزیدند .

أن یکفروا بما أنزل اللّه

مراد از <ما أنزل اللّه> قرآن است و بعید نیست که علاوه بر آن، تورات نیز منظور باشد. قابل ذکر است که مراد از کافر شدن یهود به تورات، انکار یا تحریف آن

بخش از تورات است که ویژگیهای پیامبر اکرم(ص) را بیان کرده است.

۲ - یهودیان ، با کفرشان به قرآن و تورات ، خود را به بد بهایی فروختند .

بئسما اشتروا به أنفسهم أن یکفروا بما أنزل اللّه

<اشتراء> به معنای خریدن است و گاهی به معنای فروختن نیز به کار می رود. در آیه شریفه معنای دوم اراده شده است (اقتباس از مجمع البیان). <ما>ی موصوله در <بئسما> فاعل <بئس> و <أن یکفروا ...> مخصوص به ذم است. بنابراین جمله <بئسما ...>; یعنی، کفرورزی یهودیان به قرآن بهای بدی بود که خود را بدان فروختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۹،۱۱،۱۲،۱۴،۲۰،۲۱

۹ - یهودیان ، علی رغم اطمینانشان به الهی بودن قرآن ، به آن ایمان نیاوردند .

إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

۱۱ - یهودیان ، به هر پیامبری که از نژاد اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۲ - یهودیان ، به هر کتاب آسمانی که آورنده آن از بنی اسرائیل نباشد ، کافر می شوند .

و یکفرون بما وراءه

۱۴ - قوم گرایی و نژاد پرستی یهود ، از عوامل کفر ورزی آنان به قرآن

قالوا نؤمن بما أنزل علینا و یکفرون بما وراءه

۲۰ - یهود ، بر خلاف اظهاراتشان حتی به پیامبران بنی اسرائیل نیز ایمان نداشتند .

نؤمن بما أنزل علینا . .. قل فلم تقتلون أنبیاء اللّه من قبل إن کنتم مؤمنین

۲۱ - کشته شدن پیامبرانی از نژاد اسرائیل به دست یهودیان ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل

نؤمن بما أنزل علینا

. .. قل فلم تقتلون أنبياء اللّه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۲ - ۱۲

۱۲ - گرایش یهودیان به گوساله پرستی ، دلیل ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل ... و لقد جاء کم موسی بالبینت ثم أتخذتم العجل

جمله <لقد جاءکم . ..> عطف بر <لم تقتلون ...> در آیه قبل است. بنابراین مضمون این آیه نیز پاسخی به این ادعای یهود است که خود را مؤمن به پیامبران اسرائیلی و کتابهای آسمانی آنان می دانستند (نؤمن بما أنزل علینا).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۸

۱۸ - اعمال ناروای یهود در طول تاریخ (کشتن پیامبران ، گوساله پرستی و . . .) نشانه ایمان نداشتن آنان حتی به پیامبران بنی اسرائیل و کتاب های آسمانی خویش است .

قالوا نؤمن بما أنزل علینا . .. قل بئسما یأمرکم به إیمنکم إن کنتم مؤمنین

چون جمله <قل بئسما . ..> (اگر ایمان دارید، ایمانتان شما را به کارهای ناروایی واداشته است) در جواب <نؤمن بما أنزل علینا> قرار گرفته، بیانگر آن است که: شما یهودیان به کتابهای آسمانی ایمان ندارید که چنین اعمال ناپسندی را مرتکب می شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱،۷

۷ - اکثریت یهود ، حتی به پیامبران و کتاب های آسمانی خویش ایمان ندارند .

بل اکثرهم لایؤمنون

متعلق ایمان - به قرینه آیات گذشته - پیامبران

و کتابهـای آسـمانی است. <بـل> در جمله فوق برای ترقی است; یعنی، و بالاـتر از پیمان شـکنی این است که اکثر آنها اهل ایمان نیستند.

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشـت فـوق مبتنی بر این است که: متعلـق <لاـیؤمنون>، به دلیـل آیه قبـل، قرآن و پیـامبر اسـلام باشـد. مضـارع بـودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۵ - ۱

۱ - اهل کتاب (یهود و نصارا) و مشرکان ، مردمی کفرپیشه اند .

ما یودّ الذین کفروا من اهل الکتب و لاالمشرکین

<من> در <من أهـل . ..> به دلیـل عطف <المشـرکین> بر <اهـل الکتـاب> بیـانیه است. بنـابراین <ما یود الـذین کفروا ...>; یعنی، آنان که کافر شدند - مقصود از کافران، اهل کتاب و مشرکانند - دوست ندارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۷ - ۷

۷ - ایمان نیاوردن یهود و نصارا به قرآن و معارف اسلام ، از سر ستیزه جویی و دشمنی است .

و إن تولوا فإنما هم فی شقاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

– فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۱،۱۶

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

۱۶ کفر ، جنایت و تجاوز ، سیره دائمی اهل کتاب (یهود)

ذلک بانّهم کانوا یکفرون بئایت اللّه و یقتلون . .. و کانوا یعتدون

فعل مضارع پس از فعل ماضی از ماده <کَوْنْ> دلالت بر استمرار دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۳ – ۱۳،۲۱

۱۳ یهود ، حتّی با مشاهده معجزه مورد درخواست خود (سوختن قربانی در آتشی از غیب) از پیامبران ، نه تنها به آنان ایمان نیاوردند ، بلکه آنان را کشتند .

قل قد جآءکم رسل من قبلی . .. و بالّذی قلتم فلم قتلتموهم

۲۱ بهانه جویی یهود برای گریز از ایمان به پیامبر (ص)

الّذین قالوا . .. فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جمله <فلم قتلتموهم . .. >، می رساند که پیشنهاد آنان برای ایمان آوردن، بهانه ای بیش نبوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۶ – ۲۱،۲۲

۲۱ کفر یهود ، عامل گرفتاری آنان به لعنت و نفرین الهی

من الذین هادوا . .. لعنهم اللّه بکفرهم

۲۲ تحریفگری ، استهزا و طعن یهود نسبت به اسلام و پیامبر (ص) ، نمودی از کفر آنان

من الذين هادوا يحرّفون . .. سمعنا و عصينا ... لعنهم

اللّه بكفرهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۴،۵،۱۴،۱۵

۴ يهوديان عصر پيامبر (ص) على رغم ادعايشان هرگز منزّه نبودند و نزد خدا منزلتى نداشتند .

الم تر الى الذين يزكّون انفسهم بل اللّه يزكّى من يشاء

۵ خداوند نخواسته است كه يهوديان كفرپيشه ، از آلودگى ها پيراسته گردند و تزكيه شوند .

يزكّون انفسهم بل اللّه يزكّى من يشاء

۱۴ شهادت خدا بر ناپاكى يهوديان كفرپيشه ، هرگز ستمى به آنها نيست .

الم تر . .. بل اللّه يزكّى من يشاء و لا يظلمون فتيلا

۱۵ خداوند در اعطا نكردن كمال و پاك ننمودن يهوديان كفرپيشه ، هرگز ستمى به آنها نكرده است .

الم تر . .. بل اللّه يزكّى من يشاء و لا يظلمون فتيلا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۵۴ – ۶

۶ حسادت يهوديان بر پيامبر (ص) و منزلت وى ، مايه گرايش آنان به كفر و شرك

يؤمنون بالجبت و الطاغوت . .. ام يحسدون النّاس على ما اتيهم اللّه من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۷ – ۳

۳ يهود ، مرتدانى كه با انكار عيسى (ع) كافر شدند و با انكار حضرت محمد (ص) ، بر كفر خويش افزودند .

لم يكن اللّه ليغفر لهم و لاليهديهم سبيلا

در شأن نزول آمده كه مقصود آيه، يهوديان هستند كه به حضرت موسى(ع) ايمان آوردند و سپس با گوساله پرستى كافر

شدند و پس از

مراجعه ی آن حضرت(ع) از طور، دوباره مؤمن شدند. تا آنگاه که به حضرت عیسی(ع) کفر ورزیدند و با انکار رسول اللّه(ص)، بر کفر خویش افزودند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۳ – ۱۵

۱۵ کفر و گوساله پرستی یهود ، علی رغم مشاهده بینات و دلایل آشکار بر توحید و ضرورت خداپرستی

ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۵ – ۳،۱۱،۱۹

۳ آیات الهی (معجزات پیامبران و . . .) مورد انکار یهودیان

و کفرهم بایت اللّه

۱۱ کفر یهود ، موجب مهر زدن خداوند بر دل های آنان گشت .

و قولهم قلوبنا غلف بل طبع اللّه علیها بکفرهم

۱۹ کفرورزی یهود ، مایه تقدیر الهی ، بر بازداشتن قلب های آنان از نفوذ تعالیم انبیا

بل طبع اللّه علیها بکفرهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۶ – ۱،۲،۷

۱ یهود ، مردمی کفرپیشه

و بکفرهم

۲ بهتان یهودیان به مریم (ع) ، نمونه ای از کفرپیشگی آنهاست .

و بکفرهم و قولهم علی مریم بهتناً عظیماً

بدان احتمال كه <قولهم> تفسير و تبيين كفر در <بكفرهم> باشد.

۷ كفرورزى يهود با انكار رسالت حضرت مسيح (ع) ، موجب گرفتار شدن آنان به لعنت خداوند

و بكفرهم و قولهم على مريم بهتناً عظيماً

برداشت فوق بر اساس اين احتمال است كه <بكفرهم> عطف بر <بنقضهم> در آيه قبل باشد. بر اين مبنا <بكفرهم> متعلق به فعل محذوف <لعناهم> خواهد بود.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۷ – ۲

۲ یهود ، مردمی کفرپیشه و طغیانگر علیه عیسی (ع) ، علی رغم اذعان به رسالت الهی وی

و قولهم إنّا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه

بر این مبنا که <رسول اللّه> دنباله سخن یهودیان <انا قتلنا . ..> باشد می توان گفت اعتراف آنان به رسالت عیسی اعترافی واقعی و حقیقی بوده ولی در عین حال اقرار به کشتن وی داشته و این حکایت از شدت خباثت آنان دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحیه ناباوری در اکثریت یهود ، مایه کفر آنان به قرآن و دیگر کتب آسمانی

لکن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون یؤمنون بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک

در برداشت فوق کلمه <لکن> استدراک از جمله <فلایؤمنون الا قلیلا> (۱۵۵) گرفته شده است، یعنی اکثر یهودیان ایمان نمی آورند و لکن عالمان ژرفنگر ایشان و آنانکه اهل باور به حقیقت هستند به قرآن ایمان خواهند آورد. بنابراین جمله <لکن ...> می رساند که جهل و روحیه ناباوری در اکثریت یهود مانع ایمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۱۱،۱۴،۱۷،۱۸،۳۵،۴۵

۱۱ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، پذیرای سخنان نادرست و سر به فرمانِ سران و عالمان تحریفگر یهود

سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین لم یأتوک یحرفون الکلم

برداشت فوق بر این مبناست که <سمعون . ..>، علاوه بر توصیف

یهودیـان، وصف منافقـان نیز باشـد، و <للکـذب> و <لقوم> مفعول به برای <سـمعون> باشـد. بنـابراین معنای <سـمعون للکذب> که دارای لحنی مذمت آمیز است، چنین می شود: آنان پذیرای سـخنان دروغ هسـتند، و <سـمعون لقوم ءاخرین>، یعنی شنوای دستورات دیگران و مطیع آنانند.

۱۴ دروغ پـذیری برخی منافقـان و یهودیـان و پیروی آنـان از عالمان تحریفگر ، فلسـفه نهی خداونـد از تأسف پیامبر (ص) بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

<سـمعون> خبر برای ضمیر محذوفی است که به <الذین قالوا> و <الذین هادوا> بر می گردد (هم سماعون) و این جمله، بیانگر علت نهی خداوند از تأسف بر کفر منافقان و یهودیان است.

۱۷ شایعه سازی برخی از منافقان و یهودیان و جاسوسـی آنان برای تحریفگران یهود ، فلسفه بازداشتن پیامبر (ص) از اندوه بر کفرورزی آنان

لایحزنک الذین یسرعون . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۱۸ منافقان و یهودیان جاسوس ، دروغ پرداز و حق ناپـذیر ، آن قدر بی ارزشـند که حتی نباید بر گمراهی آنان تأسف خورد و بر کفرشان غمگین بود

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر . .. سمعون للکذب سمعون لقوم ءاخرین

۳۵ یهودیان و منافقان شتابنده در کفر ، دارای جان و دلی آلوده و ناپاک

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. أولئک الذین

۴۵ پیشتازی در کفر ، تحریفگری ، دروغپردازی و جاسوسی ، نمودی از خواری و رسوایی منافقان و یهودیان در دنیا

یسرعون فی الکفر . .. لهم فی الدنیا خزی

رسوایی یهودیان و منافقان، که <لهم فی الدنیا خزی> بیانگر آن است، می

تواند همان رذایلی باشد که در آیه مطرح شده است. زیرا این رذایل یا خود رسوایی است و یا موجب رسوایی انسان در جامعه خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۳،۱۴،۳۶

۱۳ یهودیان عصر پیامبر (ص) ، دارای پیشینه طغیانگری و کفرورزی

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

۱۴ تأثیر منفی قرآن در یهودیان افزون بر کفر و طغیان آنان ، برخاسته از گرفتاری ایشان به لعنت الهی

و لعنوا بما قالوا . .. ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

واقع شدن جمله <و لیزیدن . ..> پس از بیان پندار باطل یهود و گرفتار شدن آنان به لعنت الهی بر اثر آن، می رساند که ازدیاد کفر و طغیان آنان ریشه در ملعون شدن آنان و پندارهای ناروا درباره خدا، دارد.

۳۶ مفسده جویی یهود ، برخاسته از طغیان گری و کفرورزی آنان *

طغیناً و کفراً . .. و یسعون فی الارض فساداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۶ - ۲

۲ مشرکان و یهودیان ، مردمانی کفر پیشه و تکذیب کننده آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا

با توجه به آیات گذشته معلوم می شود مصداق بارز از <الذین کفروا و کذبوا . ..> مشرکان و یهودیان منکر قرآن و رسالت پیامبر(ص) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۸

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیر >

و < مسیح > کافرند .

یضهئون قول الذین کفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، مردمانی کفرپیشه

یریدون أن یطفئوا نور اللّه . .. و یأبی اللّه ... و لو کره الکفرون

کفر یهود صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۶

۶ گروهی از منافقان و یهودیان عصر پیامبر (ص) ، کافرانی شتابگر در جهت کفر

لایحزنک الذین یسرعون فی الکفر من الذین . .. و من الذین هادوا

<من الذین هادوا> عطف بر <من الذین قالوا> گرفته شده است و <من> در هر دو مورد برای تبعیض می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۱ - ۸

۸ - گروهی از یهود و نصارا و مشرکان در عصر بعثت ، اسلام را نپذیرفته و خود را همچنان در انتظار دستیابی به برهان آشکار قلمداد می کردند .

لم یکن الذین کفروا من أهل الکتب و المشرکین منفکّین حتّی تأتیهم البیّنه

حرف <من>، ممکن است برای تبعیض باشد.

کفر یهود مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۶ – ۴

۴ یهودیان مدینه در عصر بعثت نمونه پست ترین جنبندگان به سبب اصرارشان بر کفر و از میان بردن زمینه های ایمان در خویش و شکستن پیمانها

إن شر الدواب عنداللّه الذین کفروا . .. الذین عهدت منهم ثم ینقضون عهدهم

کفران رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹

- ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کیفر اخروی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

کیفر اخروی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

کیفر اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ -

۵ کافران قوم ثمود پس از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و . . .) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

<رجز> به معنای عذاب است و <ال> در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند <ال> در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به

کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۹ - ۲

۲ - کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

کیفر دنیوی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

کیفر دنیوی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لک بمؤمنین. فأرسلنا علیهم ... ءایت مفصلت

کیفر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خُلود در جهنّم و حَبط عمل در دنیا و آخرت

و من يرتدد منكم عن دينه فيمت و هو كافر فاولئك حبطت اعمالهم . .. و اولئك اصحاب ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ –

۱۵،۱۶ - ۲۵۷

۱۵ کافران ، اهل آتش و ماندگار در آن برای همیشه

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

۱۶ توجّه به عاقبت و عقوبت اهل کفر ، زمینه ساز پرهیز از انحراف به کفر و پذیرش حاکمیّت طاغوت

اولئک اصحاب النّار هم فیها خالدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۹،۱۳

۹ کفر به آیات خدا ، موجب عذاب سخت الهی بر کافران

انّ الّذین کفروا بایات اللّه لهم عذاب شدید

۱۳ تهدید شدن اهل کتاب (یهود و نصارا) به عذاب سخت الهی ، در صورت کفر به آیات خداوند ، قرآن ، تورات و انجیل

نزّل علیک . .. انّ الّذین کفروا ... لهم عذاب شدید

از شأن نزول به دست می آید که مورد آیه، اهل کتابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰ - ۹،۱۰

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا . .. و اولئک هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوُقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردنِ آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲

۲ کافران به آيات الهی ، مستحق عذابی دردناك

انّ الذين يكفرون بايات اللّه . .. فبشّرهم بعذاب اليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۲ – ۸،۹

۸ كافران و قاتلان

پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۷ – ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۸ – ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۱۴

۱۴ عذاب اُخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

<تکفرون . .. >، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۱ – ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقواپیشگان و کافران

و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۶ – ۹،۱۶

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیّت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الّذین یسارعون فی الکفر . .. و لهم عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۷ – ۹

۹ عذاب دردناک الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۸ – ۸

۸ بقای بر کفر ، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است ; بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۸

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین ... لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل . .. ما

يفعل اللّه بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

بنـابر اينكه خطـاب، متوجه منافقـان باشـد، آيه شـريفه اشـاره به ناسپاسـى و بى ايمـانى آنـان دارد و آن را از موجبات گرفتارى دوزخ مى شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ كفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناك قيامت

و أعتدنا للكفرين منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ كفر و تكذيب آيات الهى ، موجب گرفتارى به آتش برافروخته دوزخ

و الذين كفروا و كذبوا بايتنا أولئك اصحب الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنيان نيز همانند آدميان، در صورت تكذيب آيات الهى و گرايش به كفر و شرك، در معرض مجازاتهاى الهى هستند.

قال ادخلوا فى أمم قد خلت من قبلكم من الجن و الإنس فى النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخى از اقوام پيشين بر اثر كفرپيشگى و ارتكاب گناه به عذاب الهى گرفتار شدند و توان درك معارف دينى از آنان سلب شد .

أو لم يهد للذين يرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع على قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۱ – ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

گفتن

<اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است; به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم ، مؤاخذه نخواهد کرد .

ما أنزّلنا علیک القران لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا فأولئک لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر ، عامل گرفتار شدنِ انسان به عذابی سخت است .

و من کفر فلایحزنک کفره . .. ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۱ – ۲

۲ – کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و أمّا الذین کفروا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش اخروی سخن به میان آمد; لیکن در این آیه، در کنار <الذین کفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۳ – ۳

۳ – تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرّصون . .. یوم هم علی النار یفتنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۷ – ۶

۶ – سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الألیم

کیفر کفر به آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۸ – ۱۰

۱۰ – ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در

گمراهی دور و دراز است.

کیفر کفر به آیات خدا

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۲

۲- آتش همواره شعلهور جهنّم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

کلّما خبت زدنهم سعیرًا . ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بأیتنا و قالوا أءذا کنّا عظمً

کیفر کفر به حقایق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۲

۱۲- کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم . .. و من شاء فلیکفر إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

کیفر کفر به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار؛ یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۵ – ۱۷

۱۷- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا

و رسول او

و من لم يؤمن . .. فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

کيفر کفر به صالح

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهديد های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا . .. فأخذتهم الرجفه

از حقـايقی که در آيه قبـل مطرح شـده و می توانـد <أخـذتهم الرجفه> بر آن مترتب باشـد، ناباوری قوم ثمود به تهديـدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آيد.

کيفر کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طايفه (مشرکان ، يهوديان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من يکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهديه باشد که در اين صورت اشاره به مشرکان ، يهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در اين صورت ، مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کيفر کفر به قيامت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قيامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه

که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

کیفر کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۶

۶ - کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام - که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید - از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۴

۱۴ - یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم یؤمن . .. فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۱۷

۱۷ گرایش نصارا به کفر و شرک ، نشانه بی ثمری و کارساز نبودن انتساب ظاهری به ادیان الهی

إنّ الذين هادوا و الصبئون و النصرى .

.. لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح

در آیه ۶۹ بیان شد که مجرد انتساب به ادیان الهی در سعادت آدمی کارساز نیست و این آیه به منزله دلیل و برهانی بر آن حقیقت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۹

۹ گرایش انسان ها به کفر و شرک ، نه دلالت بر خروج آنان از سیطره خدا دارد و نه بیانگر ولایت غیر خدا بر آنان است .

أُولئک لم یکونوا معجزین فی الأرض . .. ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

خداوند، با بیان ریشه کفرورزی کافران (ماکانوا . ..)، پس از اعلام ولایت خدا بر آنان، به این حقیقت اشاره می کند که: مخالفت کافران با برنامه های الهی به خاطر خروج آنان از حاکمیت خدا و سلطه غیر او بر ایشان نیست; بلکه به دلیل ناتوانی آنان از درک معارف الهی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۱

۱- میل و گرایش به کفر پس از پذیرش ایمان (ارتداد) ، موجب خشم شدید الهی است

من کفر بالله من بعد إیمنه . .. فعلیهم غضب من الله

گمراهی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۴ - ۵

۵ راه کفر و

ستیزه جویی با پیامبر (ص) و تعالیم قرآن ، بی راهه ترین راه ها است .

الذین کفروا . .. أُولئک شرّ مکانًا و أضلّ سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - کفر و بی ایمانی ، راهی است لغزنده ، پرپیچ و خم و بی مقصدی روشن

أفمن یمشی مکبًّا علی وجهه أهدی

آیه شریفه، ضرب المثلی برای انسان های کافر و مؤمن است. عبارت <مکبّاً علی وجهه> (پی در پی به رو افتاده)، اشاره به لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه <سویّاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۹

۹- کفر ، ظلمت و راه خدا ، نور است .

لتخرج الناس من الظلمت إلی النور

به قرینه آیات بعد، که درباره کافران و سدّ کنندگان راه خداست، مراد از <ظلمات>، کفر و مراد از <نور>، راه خداست.

گناه دعوت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرکورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لکل ضعف

گناه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۴

۴ پیروان شرک و کفر، در قیامت، خواهند فهمید که گناهی کمتر

از سرانشان بر دوش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

چون جمله <فما کان . ..> نتیجه پاسخ خداوند است که فرمود <لکل ضعف و لکن ...> معلوم می شود هر دو گروه (سران و پیروان) از آن جمله می فهمند که به گناهی همسان گرفتار هستند.

گناه کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۶

۱۶ دعوت مردم به کفر و شرک، گناهی همسان با کفرپیشگی و شرکورزی

ربنا هؤلاء أضلونا فاتهم عذابا ضعفا من النار قال لکل ضعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۵

۵ شرک و کفر ، جرم است و مشرکان و کافران ، مجرم هستند .

و لو کره المجرمون

از مصادیق مورد نظر برای <المجرمون> مشرکان مکه هستند مکه از آنان در آیه قبل به کافران تعبیر کرد. بنابراین مجرم بر کافر و مشرک اطلاق شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۴

۴ – کفر و شرک ، گناه و نیازمند توبه و طلب مغفرت از پیشگاه خداوند

لیغفر لنا خطینا

مصداق مورد نظر از خطیئه به قرینه آیات بعد که جرم و ایمان را در مقابل یکدیگر قرار داده است گناه کفر

به خداوند و انکار رسالت موسی(ع) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۲

۲ - کفر ، جرم و گناه است و کافران مجرم و دوزخی اند .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

لام در <له جهنّم> بر استحقاق دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۶

۶ - سدکردن راه ایمان و معرفت دیگران به قرآن ، گناهی بزرگ تر و بدتر از کفر و گناهان شخصی کافران

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت بالا بدان احتمال است که <أسوء> در مقام مقایسه میان کفر و حق ناباوری کافران، با تلاش های آنان در جلوگیری از گرایش دیگران به ایمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۴ - ۳

۳ - کفر و شرک ، جرمی نابخشودنی

إنّ المجرمین فی عذاب جهنّم خلدون

ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد مشرکان بود بیانگر آن است که مشرکان، مجرمانی اند که قابل بخشش نیستند و در جهنم برای همیشه ماندگاراند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فأمّا الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و أمّا الذين كفروا

در آيه پيشين، از لزوم همراهى ايمان با عمل صالح، جهت بهره مندى از پاداش اخروى سخن به ميان آمد;

لیکن در این آیه، در کنار <الذین کفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۷

۷ - کفر ، گناهی نابخشودنی

یأیّها الذین کفروا لاتعتذروا الیوم

پذیرفته نشدن عذرِ کافران، نشانگر نابخشودنی بودن عمل آنان (کفر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۱ - ۶

۶ - کفر و شرک ، جرمی نابخشنودنی

یودّ المجرم لویفتدی من عذاب یومئذ ببنیه

مقرر شدن عذابی که فدیه بردار نیست، بیانگر این حقیقت است که جرم کفر و شرک، جرمی نابخشودنی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۹ - ۳

۳ - کفرورزی ، جرم (گناه) است و کافران به گناه آلوده اند . *

إنّ الذين أجرموا

مجرم خواندن كافران، يا به لحاظ گناه بودن كفر است و يا اين كه گناهان ديگرى نيز در بين كافران رواج دارد.

گناه كفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱

۱ - كفر به خدا و سرپيچى از عبادت او ، گناهى نابخشودنى و در پى دارنده عذاب دردناك

دوزخ است .

إنّ الذین کفروا و یصدّون عن سبیل اللّه

مراد از <الطیب من القول> همان طور که در آیه پیش گفته شد کلمه توحید و <صراط حمید> عبادت خدای یگانه است. بنابراین با توجه به ارتباط این آیه با آیه پیش، می توان گفت: <کفروا> در <إنّ الذین کفروا>به تقدیر <کفروا بالطیب من القول> است و مراد از <سبیل اللّه> در <یصدون عن سبیل اللّه>، عبادت و پرستش خدای یگانه می باشد. قابل ذکر است که <الذین> اسم <إنّ> و خبر آن محذوف است و تقدیر آن به قرینه ذیل آیه چنین می شود: <إنّ الذین کفروا... نذیقهم من عذاب ألیم>.

گناه کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۶

۶ - کفر به قرآن و روی گردانی از آن ، ظلم و گناهی غیرقابل بخشش است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم أنّکم فی العذاب مشترکون

برداشت یاد شده بر این مبنا است که مراد از <ذکر الرحمان> قرآن باشد.

لجاجت اکثریت رهبران کفر صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷ - ۲

۲ - بیشتر سران کفر و شرک در صدراسلام ، دچار روح لجاجت و حق ناپذیری و مصمم بر نپذیرفتن ایمان

فهم لایؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۰ - ۲

۲ - بیشتر سران شرک و کفر در صدراسلام ، گرفتار روح لجاجت و حق ناپذیری بودند .

و سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون

لجاجت رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۸

۸ - سران كفر و شرك در صدراسلام ، مردمى لجوج و حق ناپذير بودند .

بل لمّا يذوقوا عذاب

جمله <بل لمّا يذوقوا عذاب> (بلكه هنوز عذاب مرا نچشيده اند) كنايه از اين نكته است كه آنان آن چنان در شك و ترديد نسبت به قرآن به سر مى برند و زير بار رسالت پيامبراسلام(ص) نمى روند كه تنها با چشيدن عذاب الهى دست از مخالفت برمى دارند و به سخن حق تن در مى دهند. اين نكته نشانگر اوج لجاجت و حق ناپذيرى آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۵ - ۲

۲ - سران كفر و شرك ، آن چنان لجوج و حق ستيز بودند كه تنها نزول عذاب ناگهانى پايان بخش تكذيب آنان بود .

و ما ينظر هؤلاء إلّا صيحه وحده

بيشتر مفسران بر اين عقيده اند كه مقصود از اين كه كافران تنها در انتظار نزول عذاب سهمگين هستند، بيان اين حقيقت است كه آنان از سر لجاجت، بر راه نادرست خود تا پايان عمر پاى مى فشرند و به حقيقت اسلام تن درنمى دهند.

لغزش كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۲۲ - ۱

۱ - كفر و بى ايمانى ، راهى است لغزنده ، پرپيچ و خم و بى مقصدى روشن

أفمن يمشى مكبًّا على وجهه أهدى

آيه شريفه، ضرب المثلى براى انسان هاى كافر و مؤمن است. عبارت <مكبّاً على وجهه> (پى در پى به رو

افتاده)، اشاره به لغزنده بودن راه کفر است و به قرینه <سوِیّاً> فهمیده می شود که کافر، راه درست و مقصد خود را نمی شناسد و به قرینه <صراط مستقیم>، استفاده می شود که راه کفر، پرپیچ و خم و ناهموار است.

مادیگریی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۳

۳ - راه کفر و شرک ، آمیخته با ماده گرایی و سرگرمی های پوچ و بدفرجام

فذرهم یخوضوا و یلعبوا حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

مبارزه اجتماعی با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - لزوم حرکت دسته جمعی برای تقویت جبهه حق و دین الهی و صف آرایی در برابر جبهه باطل و کفر ، به هنگام ضرورت و نیاز

فکذّبوهما فعزّزنا بثالث فقالوا إنّا إلیکم مرسلون

مبارزه با رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۴ - ۵

۵ - مبارزه با عوامل و سردمداران کفر و فساد و اصلاح نظام اجتماعی حاکم ، سرلوحه رسالت موسی (ع) و مرحله نخستین نهضت او

لقد أرسلنا موسی . .. إلی فرعون و همن و قرون

مبارزه با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۴ - ۸

۸ خویشاوندی و پیوندهای اجتماعی نباید مانعی برای تبلیغ و مخالفت با الحاد گردد.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر . .. و قومک

یاد آور شدن گفتگوی ابراهیم(ع) با خویشاوندانش بدان جهت می تواند باشد که ضرورت ملاحظه نکردن روابط

خویشاوندی و قومی در مسائل اساسی عقیدتی را یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۹

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرک و به وجود آوردن صحنه مبارزه ، از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته

خداوند در برابر مؤمنان که خواهان هجوم به کاروان تجاری قریش بودند، خواست تا آنان با لشکریان کفر درآویزند و به جهاد با آنان بپردازند و همان را نیز مقدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۵،۹

۵ پیامبر (ص) و رهبران الهی در مبارزه با شرک و کفر تنها باید بر خدا و مؤمنان پیرو تکیه کنند .

حسبک اللّه و من اتبعک من المؤمنین

۹ اتکا بر مؤمنان راستین برای مبارزه با شرک و کفر ، منافاتی با توحید و اتکا بر خدا ندارد .

حسبک اللّه و من اتبعک من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۲ - ۷،۸

۷ تلاش در راه احیای معارف دین و مبارزه فرهنگی با جریان کفر و شرک ، جهادی بزرگ و با عظمت

فلاتطع الکفرین و جهدهم به جهادًا کبیرًا

۸ مبارزه و جهاد فرهنگی با کفر و شرک ، هدف کلی قرآن و محور اصلی دعوت پیامبراسلام (ص)

و

جهدهم به جهادًا کبیرًا

مبلغان کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۹ – ۱۳

۱۳ منافقان ، زیان زننده به جامعه اسلامی ، مروج کفر ، تفرقه افکن میان مؤمنان ، ظالم و دوزخی اند .

اتخذوا مسجداً ضراراً و کفراً و تفریقاً . .. و إرصاداً ... فانهار به فی نار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۸ – ۳

۳– شیطان ، ترویج کننده کفر و انکار معاد

و یقول الإنس(ن . .. لنحشرنّهم والشیطین

یادکردن از شیطان در این آیه به عنوان همراه و هم دوش کافران در صحنه قیامت، گویای نقش شیطان در کفرورزی ها و سردمداری او در این صحنه ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲

۲ – افشاگری مستضعفان در قیامت علیه مستکبران ، درباره تلاش شبانه روزی آنان در ترویج کفر

و قال الذین استضعفوا . .. بل مکر الّیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر باللّه

اضافه <مکر الّیل> مفید معنای <فی> است و سیاق آیه، دلالت می کند که مضاف الیه <مکر> چیز محذوفی مثل <کم> است. بنابراین معنا چنین می شود: بلکه مکر شما در طول شب و روز درباره ما، این بود که به خدا کافر شویم.

مبلغان و کفر مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۴ – ۸

۸ ایمان نیاوردن گروهی از مردم حتی اکثریت آنان در یک زمان ، نباید مبلغان دینی را دلسرد کرده و مأیوس کند .

و

ما أكثر الناس و لو حرصت بمؤمنين . .. إن هو إلّا ذكر للعلمين

جمله <إن هو إلّا ذكر للعالمين> كه دلالت بر جهانى بودن قرآن و اسلام دارد و اختصاص آن را به مردم مكه و عصر بعثت نفى مى كند اشاره به اين نكته دارد كه: اى پيامبر! از ايمان نياوردن اكثريت مردم مكه ناراحت مباش و مأيوس نشو ; چرا كه قرآن مخصوص اين مردم نيست و از آنِ همه عالم است. اينها ايمان نياوردند، سراغ ديگران بايد رفت.

محروميت اخروى رهبران كفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۱ - ۷

۷ - پيشوايان كفر ، محروم از هرگونه نصرت و امداد الهى در روز رستاخيز

و يوم القيمه لاينصرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۲ - ۵

۵ - طرد شدن از لطف و رحمت حق ، فرجام شوم فرعونيان و پيشوايان كفر در روز رستاخيز

و جعلنهم أئمه يدعون إلى النار . .. و يوم القيمه هم من المقبوحين

محمد(ص) و كفر مردم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۱،۲

۱ گرايش سريع و تلاش مستمر برخى از مردم به سوى كفر ، دغدغه آفرين براى پيامبر (ص)

يأيها الرسول لايحزنك الذين يسرعون فى الكفر

۲ خداوند ، بر حذر دارنده پيامبر خويش (ص) از تأسف و اندوه بر كفرورزى مردمان

يأيها الرسول لايحزنك الذين يسرعون فى الكفر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٧ - يونس - ١٠ - ١٠٨

۱۳ خداوند ، پیامبر (ص) را کفیل و قیّم ایمان و کفر مردم قرار نداده است .

فمن اهتدی فإنما یهتدی لنفسه و من ضل فإنما یضل علیها و ما أنا علیکم بوکیل

<وکیل> به معنای قیّم و کفیل است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۶

۶- پیامبر (ص) موظّف به رساندن پیام حقِّ الهی به مردم است و نه مسئول ایمان و کفر آنان .

و قل الحقّ من ربّکم فمن شاء فلیؤمن ومن شاء فلیکفر

مخالفت رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۸ - ۵

۵ - مخالفت سران کفر و شرک با پیامبراسلام ، به خاطر شک و تردید آنان در اصل نزول وحی و الهی بودن قرآن بود ; نه در شایستگی پیامبر (ص) برای رسالت .

أءنزل علیه الذکر من بیننا بل هم فی شکّ من ذکری

<بل> در جمله <بل هم فی شکّ من ذکری> برای اضراب می باشد. بر این اساس مقصود از آیه شریفه این است که مخالفت سران کفر و شرک با رسول خدا، ناشی از شک و تردید آنان در درستی قرآن است و بحث از شایستگی آن حضرت برای رسالت، معلول چنین تردیدی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۱۱ - ۳

۳ - دلداری خداوند به پیامبر (ص) ، در برابر مخالفت ها و کارشکنی های سران کفر و شرک (همچون ولیدبن مغیره)

ذرنی و من خلقت

وحیدًا

مراتب کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۵،۶

۵ - برخی از مردم عصر پیامبر (ص) در مرحله ای از کفر بودند که انذار های پیامبر (ص) در آنان تأثیری نمی بخشید .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون

برخی برآنند که مراد از <الذین کفروا> گروهی از کفرپیشگان مکه است; یعنی آیه شریفه بیان یک قضیه خارجیه است و حکایت از آن ندارد که در کافر زمینه ایمان نیست.

۶ - برخی از کافران به مرحله ای از کفر می رسند که زمینه ایمان در آنان نابود می شود .

إن الذين كفروا سواء عليهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لايؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۲

۲ کفر و کشتن پیامبران و عدالتخواهان ، گناه بزرگی است که همه اعمال نیک را می زداید و تباه می کند .

انّ الذين يكفرون . .. اولئك الّذين حبطت اعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۷ - ۴

۴ کفر ، دارای مراتب متزاید

ثم ازدادوا کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۵،۸

۵ کفر ، دارای مراحل و مراتب و قابل فزونی و کاهش

الذین یسرعون فی الکفر

۸ ایمان زبانی در کنار کفر باطنی ، ناپسند و مایه افزایش کفر

یأیها الرسول لایحزنك . .. من الذین قالوا ءامنا بافوههم و لم تؤمن قلوبهم

بنابر اینکه <من الذین قالوا> بیان برای <الذین

يسرعون> باشد، معلوم می شود نفاق مایه افزایش کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

و لیزیدن کثیراً منهم . .. طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۸

۱۸ کفر و طغیان ، دارای مراتب

لیزیدن . .. طغیناً و کفراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۷ - ۲،۳

۲ جا به جا کردن ماه های حرام ، مایه فزونی درجه کفرِ کفرمداران

إنما النسیء زیاده فی الکفر

۳ کفر ، دارای مراتب

زیاده فی الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۳،۴

۳ افراد بدوی و به دور از تمدن و فرهنگ ، دارای کفر و نفاقی سخت تر در مقایسه با مردم متمدن و دارای فرهنگ

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

۴ کفر و نفاق ، دارای مراتب و شدت و ضعف

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۹ – ۱

۱ وجود مؤمنان واقعی به خدا و قیامت در میان بادیه نشینان صدر اسلام ، علی رغم کفر و نفاق شدید عده ای دیگر از آنان

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً . .. و من الأعراب من یؤمن باللّه و الیوم الأخر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۵ – ۵

۵ کفر و نفاق ، دارای

شدت و ضعف و مراتب گوناگون

و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۲ - ۴

۴ کفر و پیامد های آن ، دارای مراتبی متفاوت

لاجرم أنّهم فی الأخره هم الأخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۵

۵ - کفر و حق ستیزی دارای مراتب ، گونه ها و عوامل مختلف

إنّک لاتسمع الموتی و لاتسمع الصمّ . .. و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از این که در این آیه و در آیه قبل، سه تعبیر مختلف درباره کافران به کار رفته است (۱ مرده، ۲ ناشنوای روی برتافته، ۳ نابینای گمراه)، احتمال می رود که هر یک اشاره به مرتبه و گونه ای از کفر و تعریضی به عوامل متفاوت آن داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۲

۲ - کفر ، دارای مراتب گوناگون است و کافران ، در درکات مختلف دوزخ جای دارند .

و سیق الذین کفروا إلی جهنّم زمرًا حتّی إذا جاءوها فتحت أبوبها

تقسیم شدن کافران به چند دسته و گروه و نیز ورود آنان از درب های گوناگون جهنم ، می تواند حاکی از حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا ، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع <صدّ عن سبیل

اللّه> مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ - تخلّف از جنگ و جهاد ، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۳ - ۱۰

۱۰ - < محمدبن مسلم ، قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) < عتلّ بعد ذلک زنیم > قال : العُتُلّ العظیم الکفر و < الزنیم > المستهتر بکفره ;

محمدبن مسلم گوید: از امام صادق(ع) [معنای سخن خداوند:] <عتلّ بعد ذلک زنیم> پرسیدم؟ فرمود: <عتلّ> [یعنی]دارای کفر بزرگ است و <زنیم> [یعنی] در کفر خود دارای ولع است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

مراد از کفر به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۲۶

۲۶ < عن أمیرالمؤمنین (ع) فی قوله تعالی : < و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده > یعنی الجحود به والعصیان له ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است که مقصود از

کفر در آیه شریفه ، انکار و نافرمانی است>.

مرکز کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ قلب ، کانون کفر و ایمان است .

فما کانوا لیؤمنوا . .. کذلک نطبع علی قلوب المعتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ دل ، مرکز ایمان و کفر است .

و اشدد علی قلوبهم فلایؤمنوا

مرگ با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۲ - ۳

۳ - کفرپیشگانی که بدون توبه می میرند ، برای همیشه به عذاب اخروی گرفتار می شوند .

خلدین فیها لایخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۴،۵

۴ خداوند ، کسانی را که کافر از دنیا بروند ، نخواهد بخشید .

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده

است .

و ليست التّوبه للّذين . .. و لا الّذين يموتون و هُم كفّار اولئك اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ منافقان ، على رغم ادعاى ايمان ، در حال كفر مى ميرند .

و تزهق أنفسهم و هم كفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۵ - ۱۴

۱۴ مال

و اولاد فراوان منافقان ، موجب گرایش آنان به کفر در هنگام مرگ

و تزهق أنفسهم و هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۵ – ۶

۶ مردن بر حال کفر ، فرجام شوم منافقان استهزاکننده آیات قرآن

و أما الذین فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۲،۲۱

۲– کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

۲۱– کافرانی که با حالت کفر از دنیا می روند ، همواره در دنیا در مسیر نادرست بوده و مرتکب اعمال زشت می شوند .

ما کنّا نعمل من سوء بلی إن الله علیم بما کنتم تعملون

دو عبارت <ما کنّا نعمل> و <ما کنتم تعملون> دلالت بر ماضی استمراری دارد. عبارت اول سخن کافران است که با آن به کلی منکر ارتکاب عمل زشت هستند و عبارت دوم جواب به آنهاست که بر استمرار عمل زشت آنها دلالت می کند.

مرگ رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۴ – ۵

۵– پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفإیْن متّ فهم الخلدون

همزه در <أفإن> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و

شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید; بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

مسؤولیت پذیری در حکومت کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۷،۸

۷ جواز تقاضای مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

۸ تصدی مشاغل حکومتی حتی در حکومت های کفر و شرک ، امری جایز و رواست .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

مشرکان و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۷ - ۲۱

۲۱ شرک در پندار مشرکان، ایمان و باوری راستین; و توحید و یکتا پرستی، کفرورزی و انکار حقیقت است.

و شهدوا علی أنفسهم أنهم کانوا کفرین

مفهوم کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶ - ۷

۷ - از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند : < الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه أوجه . . . فمن ها کفر الجحود و الجحود علی وجهین . . . فأما کفر الجحود فهو الجحود بالربوبیه و هو قول من یقول لا رب و لا جنه و لا نار . . . قال اللّه عز و جل : . . . إن الذین کفروا سواء علیهم ءأنذرتهم أم لم تنذرهم لایؤمنون . . . ;

کفر در کتاب خدابه پنج معنا آمده است . .. یکی از آنها کفر جحود است که دو وجه دارد: یک وجه آن، انکار ربوبیت است

و آن قول کسی است که می

گوید: نه خدایی هست نه بهشتی و نه جهنمی ... خداوند فرمود: إن الذین کفروا سواء علیهم ...>.

مکان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۷

۷- کفر و ناسپاسی ، محدود به دنیاست و در آخرت حتی کافران ، ثناگوی خداوند خواهند بود .

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

بنابر اینکه مخاطب <یـدعوکم> منکران قیامت باشد، استفاده می شود که آنان تنها در دنیا مجال کفر و کفران داشـتند، ولی در آخرت حمد و ثنا خواهند گفت.

ملاک کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۶ - ۵

۵- باور های قلبی انسان ، ملاک واقعی ایمان و کفر اوست .

إلّا من أُکره و قلبه مطمئنّ بالإیمن

ممانعت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱

۱ - وظیفه پیامبر (ص) ، تنها ابلاغ رسالت الهی است ; نه ممانعت قاهرانه از کفر و حق گریزی مردم

فإن أعرضوا فما أرسلنک علیهم حفیظًا إن علیک إلّا البلغ

ممانعت از گسترش کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۴

۴ - پیشگیری خداوند از گسترش فضای کفر و بی اختیار شدن انسان ها و برهم خوردن زمینه های انتخاب

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده

مراد از <اُمّه واحده> شدن مردم، ممکن است تمایل یافتن آنان به کفر باشد.

ممنوعیت کفر زبانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۵

۵ ممنوعیتِ بر

زبان راندن کلمات کفرآمیز

و لقد قالوا کلمه الکفر و کفروا

منازعه رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۱

۱ سران کفر و شرک و پیروانشان پس از ورود به جهنم به مجادله و کشمکش خواهند پرداخت.

قالت أخریهم لأولیهم . .. و قالت ألیهم لأخریهم فما کان

منشأ تزیین کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۵ - ۱۰

۱۰- زیبایی ها و جلوه های راه کفر ، غیر واقعی و زاییده وسوسه های شیطانی است .

الشیطن سوّل لهم و أملی لهم

<سوّل> به معنای وارونه نمایانـدن واقعیت ها است; یعنی، <زیبانمودن زشتی ها و متمایل ساختن نفس به جانب آن> و این تعبیر نشان می دهد که راه کفر و ضد حق و هدایت، فاقد زیبایی واقعی است; ولی شیطان به دروغ آن را می آراید.

منشأ شکست کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۴

۴ - در صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۴ – ۱۷

۱۷ – علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح اللّه البطل . .. إنّه علیم بذات الصدور

جمله <إنّه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح اللّه الباطل> باشد.

منشأ کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۲

۲ ترغیب آدمیان به تأمل کردن در ریشه بی ایمانی و بخلورزی خویش *

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۷ - ۷

۷ گرایش نداشتن آدمی به خدا ، زمینه ساز مشیّت الهی به گمراه ساختن او و هدایت نکردنش به توحید و رسالت پیامبر (ص)

إن الله یضل من یشاء و یهدی إلیه من أناب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۱ - ۹

۹- جهل و ناآگاهی ، ریشه اصلی گرایش به کفر ، شرک و تکذیب پیامبر (ص)

قالوا إنما أنت مفتر بل أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۲۰

۲۰ - شرک و کفر ، مولود جهل و ناآگاهی است .

بل أکثرهم لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۹ - ۶

۶ - خود برتربینی و بزرگ منشی ، منشأ کفر و حق ناپذیری و سبب تکذیب آیات الهی

قد جاءتک ءایتی فکذّبت بها و استکبرت و کنت من الکفرین

<إستکبار> (مصدر <استکبرت>) به معنای خود را برتر از آنچه هست، دیدن و نشان دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۴ - ۴

۴- راه کفر ، دارای ریشه در هوس ها و فاقد منطق روشن

کمن زیّن له . .. و اتّبعوا أهواءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۸ – ۵

۵ انحراف و کفر انسان های دوزخی ، ناشی از سوء اختیار خود آنان است ; نه معلول عوامل جبری .

و قد قدّمت إلیکم بالوعید

تعبیر <قد قدّمت إلیکم بالوعید> بدان معنا است که بر گمراهان، قبلاً اتمام حجت شده است و دیگر مجالی برای جدال و تخاصم نیست. لازمه اتمام حجت و مجرم بودن فرد، این است که او مجبور نبوده و به سوء اختیار خود، علیه حجت الهی اقدام کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۸ – ۸

۸ – کفر ورزیدن به خداوند و انکار ربوبیت یگانه او ، خروج از فطرت و شکستن میثاق است .

و ما لکم لاتؤمنون باللّه . .. و قد أخذ میثقکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۶ – ۳،۱۲

۳ – شیطان ، محرک و مشوق اصلی انسان ها به کفر

کمثل الشیطن إذ قال للإنسن اکفر

با توجه به این که <شیطان> مشبه به است; نقش محوری او در تحریک به کفر استفاده می شود.

۱۲ – < عن علی بن أبی طالب (ع) انّ رجلاً کان یتعبّد فی صومعته و انّ امرأه کان لها إخوه فعرض لها شیء ، فأتوه بها ، فزیّنت له نفسه فوقع علیها فجاءه الشیطان فقال : اُقتلها فإنّهم إن ظهروا علیک إفتضحت فقتلها و دفنها فجاؤوه فأخذوه فذهبوا به فبینما هم یمشون إذ جاءه الشیطان فقال : إنّی أنا الذی زیّنت لک فاسجد لی سجده اُنجیک ، فسجد له ، فذلک قوله ، < کمثل

الشيطان إذ قال للإنسان اكفر . . . > ;

از امام علی(ع) روایت شـده است: مردی در دیر و صومعه خود مشـغول عبادت بود، و زنی بود که چنـد برادر داشت. برای زن چیزی (بیماری) پدیـد آمد و آن برادران خواهر خود را نزد آن عابد بردند. پس خواهش زشت نفسانی در نظر عابد جلوه کرد و عمـل زشت را با زن انجام داد. شـیطان نزد عابـد آمـده و گفت: زن را بکش; زیرا اگر آنان بر تو دست یابنـد، رسوا خواهی شـد. پس آن عابـد زن را کشـته و دفن کرد. خویشاونـدان زن نزد عابـد آمدنـد و او را دسـتگیر کردنـد و بردند و در این حال شیطان نزد عابد آمد و گفت: من این عمل را نزد تو خوب جلوه دادم، حال بر من سـجده ای نما تا تو را نجات دهم. پس عابد برای شیطان سجده کرد و این سخن خدا است که فرموده: کمثل الشیطان إذ قال للإنسان اکفر...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۲ - ۹

۹ - رفتار و کردار آدمی ، نشانگر کفر و ایمان و نیز اندیشه و باور او است .

فمنکم کافر و منکم مؤمن و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۹ - ۸

۸ - کفر و تکذیب دین ، برخاسته از تأمل نکردن و نیندیشیدن در آیات الهی در طبیعت است .

و لقد کذّب الذین من قبلهم . .. أولم یروا إلی الطیر ... إنّه بکل شیء بصیر

از سرزنش شدن کافران تکذیب گر، به

خاطر تأمل نکردن در پدیده های طبیعت (مانند پرندگان) می توان مطلب یاد شده را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۷ - ۴

۴ - محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله

منشأ کفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۹ - ۱۹

۱۹- شک توأم با بدبینی اقوام کفرپیشه نسبت به تعالیم انبیا ، منشأ کفر آنان بود .

قالوا إنا کفرنا بما أُرسلتم به و إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیه مریب

منشأ کفر بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۳۲

۳۲ - عصیان و تجاوز گری بنی اسرائیل ، ریشه گرایش آنان به کفر و جرئتشان بر کشتن پیامبران بود .

یکفرون بأیت اللّه . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

مشارالیه <ذلک> در <ذلک بما عصوا> کفر به آیات خدا و کشتن پیامبران است. قابل ذکر است که برخی از مفسران، ذلک در <ذلک بما عصوا> را اشاره به <ذلت و ...> دانسته اند و در نتیجه عصیان و تجاوز را نیز علت <ذلت و ...> شمرده اند.

منشأ کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۵

۵ – کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن) ، برخاسته از خوی استکبار و خود بزرگ بینی

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا

. .. عذاب مهین

توصیف <عذاب> به <مهین> (ذلیل کننده)، گویای این حقیقت است که کفر به خدا و تکذیب آیات او، کرداری برخاسته از روح استکباری و خودبزرگ بینی است و خداوند، متناسب با آن، کیفری را تعیین فرموده است تا آن روح را درهم بشکند و به خواری و ذلتشان بکشاند.

منشأ کفر به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰۳ - ۶

۶ حسادت مردم مکه بر پیامبر (ص) از ریشه های ایمان نیاوردن ایشان به آن حضرت *

و ما أکثر الناس و لو حرصت بمؤمنین

برداشت فوق با توجه به توضیحی که در شماره قبل آورده شد معلوم می شود.

منشأ کفر در دوران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۸ - ۴

۴ - < فرعون > ، محور حاکمیت کفر در عصر موسی

و فی موسی إذ أرسلنه إلی فرعون

از این که موسی(ع) قبل از تبلیغ تودهای مردم، مأموریت یافته بود تا به سوی فرعون حرکت کند، به دست می آید که فرعون بر مجموعه نظام اجتماعی آن عصر حاکمیت داشت.

منشأ کفر مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۸ - ۹

۹ - کفر مخالفان پیامبر (ص) در مکه ، براساس لجاجت و عناد بوده است ، نه منطق و برهان

و لئن جئتهم بأيه ليقولنّ الذين كفروا إن أنتم إلاّ مبطلون

منشأ كفر يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۰ - ۱۲

- ۱۲

حسادت یهود به پیامبر (ص) از ریشه های کفرورزی آنان به قرآن و تورات

أن یکفروا بما أنزل اللّه بغیاً أن ینزل اللّه من فضله علی من یشاء من عباده

<بغی> به معنای حسادت و نیز به معنای ظلم و سرکشی است; برداشت فوق ناظر به احتمال اول است. کلمه <بغیاً> مفعولٌ به برای <أن یکفروا> می باشد.

منشأ نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، پدید آورنده زمینه بیزاری مؤمنان از کفر ، فسوق و عصیان

و لکنّ اللّه . .. و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

موارد کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۲ - ۵۰

۵۰ - علم و ایمان به سرای آخرت ، بدون عمل به مقتضای آن ، به منزله جهل و بی ایمانی است .

لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو کانوا یعلمون> در ارتباط با <لقد علموا . ..> مطرح باشد. بر این مبنا مفعول <یعلمون> محرومیت ساحر از سرای آخرت است. بر اساس این معنا، خداوند از یکسو آنان را عالم می داند (لقد علموا)و از سوی دیگر آنها را جاهل می شمرد (لو کانوا یعلمون) تا به این حقیقت اشاره کند که: علم و ایمان بدون عمل به مقتضای آن، به منزله جهل و بی ایمانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۲

۲ -

کتمان معارف و احکام دین و حقایق کتاب های آسمانی ، کفرپیشگی است .

إن الذین یکتمون ما أنزلنا . .. إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار

آوردن جمله <إن الـذین کفروا . ..> پس از <إن الـذین یکتمون> - بدون حرف فاصـله ای همانند واو - گویای این اسـت که: <الـذین کفروا> همان کتمان کنندگان هستند و یا کتمان کنندگان از مصادیق کفرپیشـگان می باشـند. به هر تقدیر این معنا که کتمان حقایق دینی کفر است، از ارتباط دو آیه به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۶

۶ تحریف آیات و تبدیل نعمت های الهی ، کفر است .

و من یبدل نعمه اللّه . .. زین للذین کفروا

جلمـه <زیّن . ..>، تعلیـل برای جمله <و من یبـدّل ...> است. بنـابراین تبـدیل کننـدگان و تحریفگران، از مصـادیق کـافران (الذین کفروا) خواهند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱۸

۱۸ جنگ در ماه های حرام ، موجب بازداشتن مردمان از راه خداوند و بازداری آنان از مسجدالحرام و کفر به خداست .

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر و صدّ عن سبیل اللّه و کفر به و

بنابراینکه <و صدّ عن سبیل اللّه>، عطف بر <کبیر> باشد: یعنی قتال فیه، صدّ عن سبیل اللّه و کفر به.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳،۱۵،۱۶

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم . ..

و الكافرون هم الظالمون

۱۵ ترک کنندگان انفاق ، در واقع منکر خدادادی بودن امکانات و داراییهایشان هستند .

انفقوا ممّا رزقناکم . .. و الكافرون هم الظّالمون

متعلّق کفر در <الکافرون> می تواند معارفی باشد که در آیه به آنها اشاره رفته است. از جمله باور داشتن این حقیقت که داراییهای آدمی، داده خداوند است; و انکار این معنا خود از موانع انفاق خواهد شد.

۱۶ ترک کنندگان انفاق ، در واقع منکر قیامتند .

انفقوا . .. و الكافرون هم الظّالمون

مراد از <کفر> به قرینه طرح مسأله قیامت در آیه ، می تواند کفر به قیامت و یا ویژگیهای آن همانند <لا بیع . .. > باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۴ – ۱۱

۱۱ انفاق های آمیخته با ریا و همراه با منّت و اذیّت ، نوعی کفر است .

یا ایّها الّذین امنوا . .. و اللّه لا یهدی القوم الكافرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۲ – ۵،۶

۵ انکار دین پس از اتمام حجت و درک حقیقت ، کفر است .

انّی قد جئتکم . .. فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

زیرا عیسی (ع) پس از ارائه آیات و معجزات، منکران را کافر نامید.

۶ عدم رعایت تقوای الهی ، ترک اطاعت انبیا و بندگی خداوند ، کفر است .

فاتقوا اللّه و اطیعون . .. فاعبدوه ... فلمّا احسّ عیسی منهم الکفر

آیات قبل نشان دهنده مصادیق کفر بنی اسرائیل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳

۴ اعتقاد به ربوبیّت انبیا و فرشتگان (غیر خدا) ، کفر است .

و لا یأمرکم . .. ایأمرکم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۶

۶ عصیان از فرمان های پیامبر (ص) ، کفر به آن حضرت است .

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول

چنانچه <الرسول>، مفعول <کفروا> گرفته شود، به نظر می رسد جمله <عصوا>، بیان و تفسیر انکار رسالت باشد; یعنی انکار پیامبر (ص) در عمل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۱۱

۱۱ عدم رعایت تقوا ، نوعی کفر است .

ان اتقوا اللّه و إن تکفروا

خداوند، بی تقوایی را کفر نامیده است. چون مراد از <ان تکفروا>، <ان لاتتقوا> می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۶ - ۱۰

۱۰ انکار هر یک از حقایق (خدا ، پیامبران ، فرشتگان ، کتب آسمانی و روز قیامت) ، کفر و به منزله انکار تمامی آنهاست .

و من یکفر باللّه و ملئکته و کتبه و رسله و الیوم الأخر فقد ضل ضللا بعیداً

با توجه به صدر آیه که ضرورت ایمان به تک تک معارف یاد شده را مطرح ساخت، معلوم می شود ضلالت بعید نتیجه انکار هر یک از معارف یاد شده است، نه نتیجه ای برای مجموع آنها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۳۷ – ۱۰

۱۰ ارتکاب گناهانی همچون شرابخواری ، زنا و

نپرداختن زکات ، با اعتقاد به گناه بودن آنها ، کفر است .

إنّ الذین ءامنوا ثم کفروا

ابو بصیر از معصوم(ع) روایت کرده است که پس از تلاوت <ان الذین ءامنوا ثم کفروا ثم ءامنوا ثم ازدادوا کفراً> امام فرمود: من زعم ان الخمر حرام ثم شربها، و من زعم ان الزنا حرام ثم زنی، و من زعم ان الزکوه حق و لم یؤدها.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۸۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۳، ح ۶۲۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۰ - ۱،۲،۵

۱ کفر نسبت به برخی از پیامبران الهی ، در حقیقت کفر به خدا و تمامی پیامبران اوست .

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض

مضاف الیه کلمه <بعض>، در هر دو مورد، <رسل> است، یعنی ایمان به برخی از پیامبران و کفر به برخی دیگر. و نیز جمله <یقولون>، در حقیقت تفسیر <یکفرون باللّه و رسله>، می باشد.

۲ پذیرش برخی از احکام دین و انکار برخی دیگر ، کفر به خدا و رسول و به منزله انکار تمامی آن دین است . *

إنّ الذین یکفرون باللّه و رسله و یریدون أن یفرقوا . .. أولئک هم الکفرون

با توجه به واژه رسول می توان گفت: آیه شامل تبعیض در اعتقاد به احکام و رسالت یک دین نیز می شود ; یعنی همانگونه که انکار برخی از رسولان به منزله انکار همه پیامبران است، انکار برخی از تعالیم انبیا نیز انکار تمامی آن دین است.

۵ اهل کتاب با انکار رسالت پیامبر (ص

) ، در حقیقت به خدا و تمامی پیامبران و پیامبر خویش کافرند .

إنّ الذین یکفرون . .. و یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض ... أولئک هم الکفرون

بنا به گفته مفسران و به دلیل آیات بعد، مراد از <الذین یکفرون . ..>، اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۱،۲

۱ ایمان به خدا و انکار هر یک از رسولان الهی ، ایمانی دروغین و کفری حتمی است .

و یریدون أن یفرقوا بین اللّه و رسله . .. أولئک هم الکفرون حقّاً

۲ انکار برخی از رسولان و ایمان به برخی دیگر ، کفری قطعی و ریشه دار است .

یقولون نؤمن ببعض و نکفر ببعض . .. أولئک هم الکفرون حقّاً

کلمه <حقاً> در آیه، مقابل باطل نیست، بلکه به معنای عمق کفر و تحقق حتمی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۳۱،۳۲،۳۶

۳۱ انکار جواز مبادله با اهل کتاب و انکار حلیت طعام آنان ، کفر و موجب حبط عمل است .

و طعام الذین اوتوا الکتب حل لکم . .. و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

از مصادیق مورد نظر برای ایمان، معارف و احکامی است که در آیه مورد بحث، مطرح شده است، همانند حلیت طعام اهل کتاب و . .. .

۳۲ انکار جواز ازدواج با زنان اهل کتاب ، کفر و موجب حبط عمل است .

و المحصنت من الذین اوتوا الکتب . .. و من یکفر بالایمن فقد حبط عمله

۳۶ التزام به احکام الهی ، ایمان

و تخلف از آن ، کفر است .

و من یکفر بالایمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۳

۳ انکار لزوم برپایی عدالت و عدم اجرای آن ، حتی نسبت به دشمنان ، از مصادیق کفر و تکذیب آیات الهی است . *

و لایجر منکم شنئان . .. و الذین کفروا و کذبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۳۱،۳۲

۳۱ انکـار هر یـک از رسولاـن الهی و ترک یـاری آنـان ، بر پـا نداشـتن نمـاز ، نپرداختن زکـات و خودداری از انفـاق ، کفر و ضلالت است .

لئن اقمتم الصلوه . .. فمن کفر

۳۲ شکستن پیمان های الهی ، کفر و گمراهی است .

و لقد اخذ اللّه میثق . .. فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۷ - ۲،۴

۲ ادعای الوهیت برای مسیح (ع) ، کفر است و مدعیان آن کافرند .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

۴ ادعای الوهیت برای غیر خدا ، کفر است .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح ابن مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۴ – ۵۳، ۵۰، ۴۹، ۴۴

۴۴ قانونگذاری ، جز بر پایه مقررات و مفاهیم الهی ، حرام و کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئك هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم . ..> علاوه بر مسأله قضاوت می تواند شامل

هر نوع دستور و قانونی بشود.

۴۹ خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

جمله <و من لم یحکم . ..> دارای دو مصداق است: یکی حکم کردن بر اساس احکام غیر الهی و دوم خودداری از قضاوت بر اساس احکام الهی در عین وجود شرایط آن، برداشت فوق ناظر به مصداق دوم است.

۵۰ خودداری از قانونگذاری بر پایه مقررات الهی ، کفر است . *

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

۵۳ داوری بر پایه جور اگر چه در مورد مالی اندک و اجبار دیگران به پذیرش آن ، کفر است .

و من لم یحکم بما أنزل اللّه فأولئک هم الکفرون

از رسول خدا(ص) روایت شده: من حکم فی درهمین بحکم جور ثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه <و من لم یحکم بما انزل اللّه فأولئک هم الکفرون> . .. .

کافی، ج ۷، ص ۴۰۸، ح ۳; تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۲۳، ح ۱۲۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۲۵،۲۶

۲۵ انکار تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (قرآن) ، کفر است .

لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک . .. فلاتأس علی القوم الکفرین

۲۶ برپا نداشتن کتب آسمانی در جامعه ، کفر به آنهاست . *

حتّی تقیموا التوریه و الانجیل . .. فلاتأس علی القوم الکفرین

جمله <فلاتأس . ..> علاوه بر ارتباط آن با جمله <و لیزیدن ...> می تواند تفریع بر ترک اقامه تورات، انجیل

و دیگر کتب آسمانی نیز باشد. بنابراین کسانی که به کتب آسمانی پایبند نیستند از مصادیق کافران خواهند بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۲ – ۱۶

۱۶ شرک به خدا ، کفر به اوست .

لقد کفر الذین قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. من یشرک باللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۴ – ۲

۲ انکار قرآن و رسالت پیامبر (ص) با وجود آگاهی به حقانیت آن ، کفر به خداوند است .

و ما لنا لانؤمن باللّه وما جاءنا من الحق

چنانچه ایمان واقعی به خداوند در گرو ایمان به قرآن و رسالت پیامبر(ص) نباشد معنا ندارد که مسیحیان و دانشمندان آنان با آنانکه به ایمان خداوند داشتند پس از اختیار اسلام بگویند: <ما لنا لانؤمن باللّه>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۰ – ۳۸

۳۸ انکار رسالت عیسی (ع) کفر است .

فقال الذین کفروا منهم ان هذا الا سحر مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱ – ۷،۱۳

۷ آنان که برای خداوند همتایی بپندارند، کافرند.

ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

در این برداشت <بربهم> متعلق به یعدلون و <یعدلون> نیز از عدل، به معنی برابر و همسان، گرفته شده است.

۱۳ ستایش غیر خداوند، کفرپیشگی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

چون در صدر آیه اختصاص حمد به خداوند مطرح شده، ممکن است مراد از <الذین کفروا> کسانی باشند که

با بستن چشم خود از حقیقت (کفرورزی) در ستایش برای خداوند، همسان قرار می دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴ - ۲

۲ رویگردانی از آیات خداوند و بی توجهی به آن کفر است.

ثم الذین کفروا . .. و ما تأتیهم من ءایه من ءایت ربهم إلا کانوا عنها معرضین

این آیه بیانگر ویژگیهای فکری و روحی کافران است که در آیه اول مطرح شد. از این رو می تواند بیان ویژگیهایی باشد که در مجموع موجب اطلاق <کافر> بر آنان شده است، نه بیان حالات آنان پس از کفر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۵ - ۱۵،۱۶

۱۵ اسطوره خواندن قرآن و جدال و سرسختی در برابر آن، کفرورزی است.

یقول الذین کفروا إن هذا إلا أسطیر الأولین

۱۶ شرک، کفرورزی و مشرک، کافر است.

و اللّه ربنا ما کنا مشرکین . .. یقول الذین کفروا

مرجع ضمیر <منهم من یستمع> در صدر آیه، مشرکان مطرح شده در آیات قبل است. و از آنجا که در پایان آیه از همان گروه با توصیف <الذین کفروا> یاد شده، که در حقیقت اظهار در مورد اضمار است برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ انکار معاد کفرورزی است.

ألیس هذا بالحق قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۳

۲۳ بازیچه قرار دادن دین،

کفر است و بازیچه قراردهندگان آن کافرند.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . .. بما کانوا یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ انکار رسالت انبیا و باور نداشتن انذارهای آنان، کفر است.

ألم یأتکم رسل . .. ینذورنکم ... أنهم کانوا کفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۱۲،۱۳

۱۲ انکار قیامت و به فراموشی سپردن آن ، کفرپیشگی است .

إن اللّه حرمهما علی الکفرین . .. فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا

۱۳ انکار آیات الهی ، کفرپیشگی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا . .. و ما کانوا بایتنا یجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ مخالفت با قرآن و اسلام ، کفر است .

يريدون أن يطفئوا نور اللّه . .. و يأبى اللّه إلا أن يتم نوره و

لو کره الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۴ - ۶

۶ از امـام هـادی (ع) روایت شـده است : < . . . من زعم ان اللّه عزوجـل أجبر العباد علی المعاصـی و عاقبهم علی ها . . . فقد ظلّم اللّه فی حکمه و کذّبه و رد علیه قوله : . . . < إن اللّه لایظلم الناس شیئاً > . . . ;

. .. هر کس گمان کنـد که خـدای عزوجل، بنـدگان را بر ارتکاب گناهان مجبور ساخته و در عین حال آنان را کیفر می کند، به خـدا در حکمش اسـناد ظلم داده و قول او را که فرموده: <خـدا به مردم هیچ ظلمی نمی کند> رد نموده و خدا را تکذیب کرده است ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۰ - ۷

۷ انتساب فرزند به خدا ، بدعت در دین و افترا و دروغ بستن به او ، کفر و موجب عذاب شدید اخروی است .

الذین یفترون علی اللّه الکذب . .. إلینا مرجعهم ثم نذیقهم العذاب الشدید بما کانوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۷ - ۱۸

۱۸ نپذیرفتن آیین و شریعت الهی ، کفر به خداوند است .

حش لله. .. إنی ترکت ملّه قوم لایؤمنون بالله و هم بالأخره هم کفرون

آیه ۳۸ و ۳۹ و نیز جمله هـایی نظیر <حاش لله> (در آیه ۳۱ و ۵۱) دلالت بر آن دارد که: مصـریان عصر یوسف(ع) به وجود خداوند معتقد

بودنـد ; ولی یوسف(ع) از آنـان به کـافران به خـدا یـاد می کنـد (لایؤمنون باللّه). این تعبیر به قرینه <ترکت ملّه قوم ...>، می تواند بدان سبب باشد که شریعت و آیین آنان، شریعتی غیر الهی بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۴ – ۸

۸ خواندن غیر خدا و درخواست حاجت کردن از غیر او کفر است .

له دعوه الحق . .. و ما دعاء الکفرین إلاّ فی ضلل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۰ – ۷

۷ نپذیرفتن قرآن و وحی نازل شده بر پیامبر (ص) کفر به خدا و رحمانیّت اوست .

لتتلوا علیهم الذی أوحینا إلیک و هم یکفرون بالرحمن

چون مردم عصر بعثت به ویژه اهل مکّه و اطراف آن، به خداوند معتقد بودند، معلوم می شود مراد از <یکفرون بالرحمن> به قرینه عبارت <لتتلوا علیهم . ..> انکار قرآن است. تعبیر کردن از انکار قرآن به کافر شـدن به خـدا، گویای این نکته است که نپذیرفتن قرآن و کافر شدن به آن به منزله کفر ورزیدن به خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۳ – ۳

۳ انکار رسالت پیامبر (ص) کفر است .

و یقول الذین کفروا لست مرسلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۳ – ۷

۷– شرک ، کفر به خداوند است .

واتّخذوا من دون اللّه ءالهه . .. علی الکفرین

فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۸ – ۵

۵- پرستش غیر خدا ، کفر و مستوجب جهنم است .

الذین کفروا . .. إنّکم و ماتعبدون من دون اللّه حصب جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۲ – ۳

۳ – شرک ، کفر است و مشرکان ، کافراند .

إنّ الذین کفروا . .. ذلکم بأنّه إذا دعی اللّه وحده کفرتم و إن یشرک به تؤمنوا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در این آیات، مشرکان با عنوان کافران معرفی شده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۸۵ – ۶

۶ – شریک پنداشتن برای خدا ، به منزله کفر و انکار خدا است .

کنّا به مشرکین . .. خسر هنالک الکفرون

برداشت یاد شده به این خاطر است که در آیه شریفه از مشرکان، به کافران تعبیر شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۸

۸ – قرار دادن مخلوق خداوند در کنار او و جزء وی به شمار آوردن آن ، کفری آشکار و سرپوشی رسوا بر خرد آدمی و واقعیت هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنّ الإنسن لکفور مبین

واژه <کفور> و <مبین> با توجه به ریشه آنها که یکی پوشیدن و مخفی داشتن حق و دیگری آشکار بودن و پوشش ناپذیری است می تواند اشاره به خردناپذیر بودن و متناقض بودن مطلب مورد ادعای مشرکان داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷

۳- عداوت و مبارزه با پیامبراکرم (ص) ، مصداق کفر و پیشگیری از راه خداوند

کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه و شاقّوا الرسول

عطف <شاقّوا الرسول> بر <الذین کفروا و صدّوا. ..> ممکن است عطف تفسیری باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۰

۱۰ - انکار حکم ظهار و تجاوز به حدود آن ، در حکم کفر است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۵ - ۱۰

۱۰ - رد و انکار آیات قرآن ، کفر است .

و قد أنزلنا ءایت بیّنت و للکفرین عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - نوح - ۷۱ - ۲۶ - ۵

۵ - بت پرستی ، کفر به خداوند است و بت پرستان از کافران اند .

لاتذر علی الأرض من الکفرین دیّارًا

برادشت بالا، به سبب این است که از بت پرستان، به کافران یاد شده است.

موانع کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۱ - ۱۱

۱۱ – پرستش خداوند ، آدمی را از گرفتار شدن در ورطه کفر و نفاق و پیامد های آن دو ، مصون می دارد .

اعبدوا ربکم . .. لعلکم تتقون

از اهـداف دعـوت به پرسـتش خداونـد – پس از بیـان کفر و نفـاق و عـواقب شـوم آنهـا – ارائه رهنمونی است به انسانهـا برای پاسداری خویش از گرایش به کفر و نفاق. بر این اساس <تتقون> به معنای لغوی آن و متعلقش

کفر و نفاق خواهد بود; یعنی: اعبدوا ربکم لعلکم تتقون الکفر و النفاق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۵ - ۵

۵ - صبر و نماز عوامل کارآمد برای موفق شدن در پرهیز از محرمات الهی (کفر به قرآن ، دین فروشی ، کتمان حق و . . .)

و لاتکونوا أول کافر به . .. و استعینوا بالصبر و الصلوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۸

۸ رشد ایمان در جامعه ، موجب نفی حضور کفر است .

و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

نیاوردن <لام تعلیل> در <یمحق>، اشاره به این معنا دارد که نابودی کافران پس از خالص شدن مؤمنان صورت می گیرد. یعنی به هر اندازه که مؤمنان از عیب و نقص خالص شوند، به همان مقدار از شوکت کافران کاسته خواهد شد تا به نابودی کشانده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۹

۹ وعد و وعید از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به ایمان ، عمل صالح و پرهیز از کفر

انّ الّذین کفروا بایاتنا سوف . .. و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۴

۴ انذار و تهدید ، از روش های قرآن برای بازداشتن انسان ها از کفر و انکار حقایق و تکذیب آیات الهی

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۹

۹ برخی از معتقدان به تثلیث به خاطر ناآگاهی از شرک آمیز بودن آن ، نه کافرند و نه مشرک .

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

ظاهراً ضمیر در <منهم> به معتقدان به تثلیث بازگشت می کند. بر این مبنا قائلان به تثلیث به دلیل کلمه <منهم> به دو دسته تقسیم می شوند: کافر و غیر کافر و می توان گفت منشأ این تفاوت علم و آگاهی آنان نسبت به معنای تثلیث و جهل به آن است ; یعنی آنانکه نمی دانند اعتقاد به تثلیث با توحید در الوهیت ناسازگار است، محکوم به کفر نیستند و به عذاب دردناک گرفتار نمی شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۳ - ۲،۱۱

۲ - خداوند ، به منظور جلوگیری از گرایش عمومی انسان ها به کفر ، زندگی تمامی کافران را سرشار از امکانات رفاهی و تجملی نساخت ; بلکه فقر و غنا را نیز در میان ایشان تقسیم کرد .

و لولا أن یکون الناس أمّه وحده لجعلنا . .. سقفًا من فضّه

۱۱ - < قال [اسحاق بن غالب] : سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : فی هذه الآیه : < و لولا أن یکون الناس اُمّه واحده جعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفاً من فضّه و معارج علیها یظهرون > قال : لو فعل لکفر الناس جمیعاً ;

اسحاق بن غالب می گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که درباره آیه <و لولاـ أن یکون الناس اُمّه واحده لجعلنا لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفاً من فضّه

و معارج علیها یظهرون> فرمود: اگر چنین می کرد (یعنی اگر خدا به کافران آن قدر ثروت می داد که آنان حتی سقف خانه هایشان را از نقره بسازند)، در آن صورت همه مردم به کفر روی می آوردند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۴ - ۴

۴- اندیشه و تدبّر انسان ، در قرآن ، مانع کفر است .

فأصمّهم و أعمی أبصرهم . أفلایتدبّرون القرءان

از لحن <أفلایتدبّرون>، استفاده می شود که اگر آنان به راستی در قرآن تدبّر می کردند، در برابر دستورات حق کر و کور نبوده و موضع نمی گرفتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۵

۵ - توجه به فرجام شوم کفر ، مانع گرایش انسان به آن و عامل دلگرمی مؤمنان

یوم لایغنی . .. و لا هم ینصرون

آیه شریفه تهدیدی برای کافران و دلجویی برای اهل ایمان در قبال حق ستیزی کفرپیشگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۲ - ۳

۳ - توجه به ضبط کردار آدمیان در نظام جهان ، بازدارنده آنان از کفر و گناه

فهل من مدّکر . و کلّ شیء فعلوه فی الزّبر

با توجه به این که آیه شریفه در جهت تذکار، بیان شده است؛ برداشت بالا به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۰ - ۳

۳ - توجه به نیاز و فقر ذاتی ممکنات ، زمینه خداشناسی و پرهیز از کفر و تکذیب

يسله من فى السموت و .

.. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که خداوند برای دورساختن آدمیان و جن از کفر و تکذیب حق، نیاز و فقر ذاتی عالم ممکنات را به آنان یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۳

۳ - توجه به حتمی بودن حسابرسی اعمال ، زمینه ساز شناخت پروردگار و بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

سنفرغ لکم . .. فبأىّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند، برای دور ساختن خلق از کفر و تکذیب حق، حتمی بودن حسابرسی اعمال را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۴ - ۵

۵ - توجه به قدرت برتر خداوند و عجز و ناتوانی خلق ، بازدارنده آنان از کفر و تکذیب

لاتنفذون إلّا بسلطن . فبأىّ ءالآء ربّکما تکذّبان

ارتباط دو آیه، نشانگر آن است که غفلت جن و آدمیان از قدرت خداوند، زمینه ساز تکذیب گری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأىّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۲ – ۳

۳ – توجه به فضاحت و ذلت مجرمان در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

فیؤخذ بالنوصی و الأقدام . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۵ – ۳

۳ – توجه به سختی های دوزخ و حیرت و ناآرامی مداوم دوزخیان ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب

یطوفون بینها و بین حمیم ءان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند در آیه قبل، سختی های دوزخ را به خلق یادآور شده و در این آیه، حیثیت ربوبیت و رشد دهی خویش را مطرح ساخته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۸ – ۹

$۹ – تزکیه و خودسازی ، از راه های پیشگیری از طغیان و کفر

إنّه طغی . فقل هل لک إلی أن تزکّی

این آیه از طرفی ناظر به آیه قبل است و راه دفع طغیان را ارائه می دهد و از سویی دیگر، ناظر به آیه بعد است و زمینه هدایت به خداوند و دوری از کفر را بیان کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۸ – ۲

۲ – توجّه به ماده اولیه خلقت انسان و سیر پیدایش وی ، مانع کفر به خداوند و قدرت او و زمینه ساز باور به معاد

قتل الإنسن ماأکفره . من أیّ شیء خلقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۹ - ۴

۴ -

توجّه انسان به پیدایش او از نطفه ای ناچیز ، بازدارنده وی از کفرورزی به خداوند و قدرت او و مایه باور به معاد است .

ما أکفره . .. من نطفه خلقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۰ - ۷

۷ - توجه به آسانی سلوک راه هدایت ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما أکفره . .. ثمّ السبیل یسّره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۱ - ۴،۱۱

۴ - توجّه به وابستگی مرگ انسان ها به خداوند ، مانع کفر به او است .

ما أکفره . .. ثمّ أماته

۱۱ - توجّه به پایان زندگی و مدفون شدن انسان ها در قبر ، مانع کفرورزی به خداوند است .

ما أکفره . .. فأقبره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۲

۲ - اندیشیدن در زمینه پیدایش مواد غذایی و تأمّل در مراحل تولید و مصرف آن ، از میان برنده کفر به خداوند است .

فلینظر الإنسن إلی طعامه

فرمان به دقت در طعام (به قرینه <قتل الإنسان ما أکفره> در آیات پیشین ارائه رهنمودی برای ایمان به خدا و کنار نهادن کفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۸ - ۴

۴ - توجّه به رویش گیاهان و سبزیجات ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أکفره . .. فأنبتنا فیها ... عنبًا و قضبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس

- ۸۰ - ۲۹ - ۳

۳ - توجّه به روییدن درختان زیتون و خرما و تأثیر آنها در تغذیه انسان ، زمینه ساز شناخت خدا و مانع کفر به او است .

ما أکفره . .. و زیتونًا و نخلًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳ - توجّه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. و فکهه و أبًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۹

۹ - توجّه انسان به وابستگی اش در رشد ، تربیت و نعمت ها به خداوند ، مانع کفر او و زمینه ساز فریفته نشدن به آنچه مایه بی پروایی ، در برابر گناه می گردد .

ما غرّك بربّك الکریم

موانع کفر به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۸ - ۶

۶ اعتقاد به حاکمیت خداوند بر هستی ، از میان برنده هر گونه ناباوری نسبت به بعثت پیامبران

إنی رسول اللّه . .. الذی له ملک السموت و الأرض

موانع گرایش به کفر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۷ – ۵

۵– توجه به آخرت و ارزش دادن به آن ، مانع روی گردانی از ایمان و گرایش به کفر و ارتداد

ذلک بأنهم استحبّوا الحیوه الدنیا علی الأخره

جمله <ذلک بأنهم . ..> در صدد معرفی مرتد و انگیزه ارتداد اوست و او کسی است که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده، در حالی که اگر آخرت را در نظر می داشت و برای آن ارزش لازم قائل بود، دست از ایمان برنداشته و مرتد نمی شد.

موجبات ازدیاد کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۸

۸ ایمان زبانی در کنار کفر باطنی ، ناپسند و مایه افزایش کفر

یأیها الرسول لایحزنک . .. من الذین قالوا ءامنا بافوههم و لم تؤمن قلوبهم

بنابر اینکه <من الذین قالوا> بیان برای <الذین یسرعون> باشد، معلوم می شود نفاق مایه افزایش کفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۸ – ۱۱

۱۱ تعالیم نازل شده بر پیامبر (ص) (آیات قرآن) موجب افزایش کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب

و لیزیدن کثیراً منهم ما أنزل إلیک من ربک طغیناً و کفراً

موجبات کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۳۳

۳۳ – از امام صادق (ع) روایت شده که فرموده اند : < . . . الکفر فی کتاب اللّه علی خمسه اوجه . . . و الوجه الرابع من الکفر ترک ما أمر اللّه عز

و جـل به و هو قول اللّه عز و جـل < . . . أفتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم > فكفّر هم بترك ما أمراللّه عز و جل به و نسبهم إلى الايمان و لم يقبله منهم و لم ينفعهم عنده . . . ;

كفر در كتاب خـدا بر پنـج قسم است . .. و قسم چهارم از كفر، ترك اوامر خداست و اين سـخن خداى عز و جل است كه مى فرمايـد: <أفتؤمنـون ببعض الكتـاب و تكفرون ببعض فمـا جزاء من يفعـل ذلـك منكم> پس خداونـد آنـان را به خـاطر ترك نمودن اوامر الهى كافر دانسته و به آنان نسبت ايمان داده است، اگر چه ايمان مورد قبول نيست و براى آنان نزد خداوند سودى ندارد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۹۸ - ۶،۷،۹

۶ - دشمنان خدا و پيامبران و فرشتگان ، كافرند .

من كان عدواً للّه . .. فإن اللّه عدو للكفرين

مقتضـاى كلام آن بود كه به جاى <الكافرين> ضـمير <هم> آورده شود. اين جا به جايى حاوى دونكته است: ۱ تصريح به اينكه توصيف شدگان كافرند. ۲ علت دشـمنى خـدا با آنان، كفر ايشان است. بنابراين معناى آيه چنين مى شود: كسانى كه با خدا و ... دشمنند خدا دشمن آنهاست; زيرا آنان كافرند.

۷ - دشمنان جبرئيل و ميكائيل كافرند .

من كان عدواً للّه . .. و جبريل و ميكل فإن اللّه عدو للكفرين

۹ - يهوديان ، به دليل عداوتشان با جبرئيل كافرند و خداوند دشمن آنان است .

من كان عدواً للّه . .. و

جبريل و ميكل فإن اللّه عدو للكفرين

از مصداقهای <الكافرين> - به دليل آيات گذشته - يهوديان هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۴ - ۱۲

۱۲ - اهانت به پيامبر (ص) و استهزای او موجب كفر است .

لاتقولوا رعنا . .. و للكفرين عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۹

۹ جهل ، سطحی نگری و روحيه ناباوری در اكثريت يهود ، مايه كفر آنان به قرآن و ديگر كتب آسمانی

لكن الرسخون فی العلم منهم و المؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك

در برداشت فوق كلمه <لكن> استدراك از جمله <فلايؤمنون الا قليلا> (۱۵۵) گرفته شده است، يعنی اكثر يهوديان ايمان نمی آورند و لكن عالمان ژرفنگر ايشان و آنانكه اهل باور به حقيقت هستند به قرآن ايمان خواهند آورد. بنابراين جمله <لكن ...> می رساند كه جهل و روحيه ناباوری در اكثريت يهود مانع ايمان آوردن آنان به قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۹ - ۳

۳ خداوند ، راهنمای كافران ستم پيشه به كفرپيشگی و انجام اعمال ناروا

إنّ الذين كفروا و ظلموا . .. و لاليهديهم طريقاً. الا طريق جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۴۲،۴۳

۴۲ ترس از مردم و مال پرستی ، عامل كفرپيشگی و كتمان حقايق آسمانی

فلاتخشوا الناس . .. و من لم يحكم بما أنزل اللّه فأولئك هم الكفرون

كه حكم و داورى خويش را بر پايه مقررات و قوانين الهى بنا نكنند ، كافرند .

و من لم يحكم بما أنزل اللّه فأولئك هم الكفرون

با توجه به آيات گذشته كه درباره قضاوت بود، معلوم مى شود كه جمله <و من لم يحكم . ..> ناظر به مسأله قضاوت و داورى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۶۸ - ۱۳،۱۵

۱۳ اهل كتاب در كفر و طغيان روز افزون به خاطر بى اعتنايى به تعاليم تورات و انجيل

و ليزيدن كثيراً منهم ما أنزل إليك من ربك طغيناً و كفراً

ازدياد كفر و طغيان اهل كتاب بر اثر نپذيرفتن قرآن، حاكى از آن است كه قبل از نزول قرآن نيز آنان در كفر و طغيان بوده اند كه به قرينه صدر آيه، اين كفر و طغيان بر اثر مهمل گذاشتن تورات و انجيل بوده است.

۱۵ بى اعتنايى و عدم تعهد اهل كتاب به تورات و انجيل ، موجب كفر آنان به قرآن

قل ياهل الكتب لستم على شىء حتّى تقيموا التوريه و الانجيل . .. طغيناً

بيان كفرورزى اهل كتاب به قرآن پس از بيان بى اعتنايى آنان به تورات و انجيل، نمايانگر اين است كه بى اعتنايى آنان به تورات و انجيل، زمينه ساز كفر و انكار قرآن شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۷۸ - ۷،۱۲

۷ غلو در دين موجب كفر است .

لاتغلوا فى دينكم . .. لعن الذين كفروا

۱۲ نافرمانى خدا و پيامبران و استمرار تجاوز به حدود الهى و حقوق مردمان ، موجب

کفر و گرفتاری به لعنت الهی

لعن الذین کفروا . .. ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون

در برداشت فوق <ذلک> علاوه بر اشاره به لعنت اشاره به کیفر نیز گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۰ - ۹،۱۰

۹ روابط ولایی و دوستی بنی اسرائیل با کافران عامل کفرورزی و گرفتاری آنان به لعنت خدا و پیامبران

لعن الذین کفروا . .. تری کثیراً منهم یتولون الذین کفروا

مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان بیان مصداقی دیگر از عصیان و تجاوزگری بنی اسرائیل است. بنابراین پذیرش ولایت مشرکان نیز از عوامل کفرپیشگی و گرفتاری به لعنت الهی است.

۱۰ عصیان ، تجاوزگری و ترک نهی از منکر ، زمینه ساز پذیرش ولایت کافران و طرح دوستی با آنان *

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون . .. کانوا لایتناهون ... یتولون الذین کفروا

بدان احتمال که مضمون آیه مورد بحث یعنی پذیرش ولایت مشرکان، نتیجه اعمال ناپسندی باشد که در آیات قبل درباره بنی اسرائیل بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۹ - ۱۰

۱۰ انکار حقانیت رسالت پیامبر(ص)، کفر به همه انبیا و کتب آسمانی است. *

فإن یکفر بها هؤلاء فقد و کلنا

<هؤلاء> اشاره به کفر مردم مکه است. با توجه به اینکه در این آیات سخن آنها، که دال بر کفر به انبیای گذشته باشد، نقل نشده، به نظر می رسد که کفر آنها به انبیای پیشین تابع کفر آنان به پیامبر باشد. چون همه انبیا مورد تصدیق اسلام و قرآن و پیامبرند، کفر به

پیامبر کفر به همه انبیا قلمداد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۰ - ۱۳

۱۳ انکار رسالت انبیا و باور نداشتن انذارهای آنان، کفر است.

ألم يأتكم رسل . .. ينذورنكم ... أنهم كانوا كفرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۷،۸

۷ اندیشه < فرزند داشتن خدا > اندیشه ایست کفرآمیز و معتقدان به آن ، کافرند .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

۸ یهود و نصارا به دلیل فرزند خدا خواندن < عزیر > و < مسیح > کافرند .

يضهئون قول الذين كفروا من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۶

۶ بر زبان جاری ساختن کلمات کفرآمیز ، موجب کفر می شود .

يحلفون باللّه ما قالوا و لقد قالوا كلمه الكفر و كفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۴ - ۱۲

۱۲ نفاق و تخلف از فرمان پیامبر (ص) ، کفر به خدا و رسول خداست .

فرح المخلفون . .. إنهم كفروا باللّه و رسوله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۹ - ۱۲

۱۲- انکار معاد ، کفر است .

و لیعلم الذین کفروا أنهم کانوا کذبین

مراد از <الذین کفروا> کسانی اند که رستاخیز را مورد انکار قرار می دادند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۳۷ - ۴،۵

۴- آنان که عیسی (ع)

را فرزند مریم (س) ، بنده خدا و پیامبر او نمی دانند ، کافراند .

فاختلف الأحزاب من بینهم فویل للذین کفروا

۵- اعتقاد به فرزندی عیسی (ع) برای خداوند کفر است .

ما کان للّه أن یتّخذ من ولد . .. فویل للذین کفروا من مشهد یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۷ - ۴

۴ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) . . . ان من شبّه ربّنا الجلیل . . . لم یعقد غیب ضمیره علی معرفته و لم یشاهد قلبه الیقین بأنّه لاندّ له و کأنّه لم یسمع بتبرّی التابعین من المتبوعین و هم یقولون < تاللّه إن کنّا لفی ضلال مبین . إذ نسوّیکم بربّ العالمین > فمن ساوی ربّنا بشیء فقد عدل به و العادل به کافر بما تنزّلت به محکمات آیاته ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده است: . .. همانا کسی که پروردگار بزرگ ما را به [چیزی] تشبیه کند ... ضمیر باطن خود را بر شناخت او معتقد نساخته و قلب او به این که خدا نظیر ندارد به یقین نرسیده است و گویا نشنیده که پیروی کنندگان، از پیشوایان (معبودهای) خود تبرّی می جویند و می گویند: به خدا سوگند! حقاً ما در گمراهی آشکار بودیم; زیرا شما را با پروردگار عالمیان برابر می دانستیم. پس کسی که خدا را با چیزی مساوی بداند، برای او نظیر قرار داده است و کسی که برای خدا نظیر قرار دهد، به مفاد آیات محکمات خدا، کافر شده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ -

یس - ۳۶ - ۵۲ - ۱۱

۱۱ - نادرست پنداشتن وعده الهی به برپایی قیامت و دروغگو دانستن پیامبران ، کفر و از نشانه های کافران است .

الذین کفروا . .. قالوا یویلنا ... هذا ما وعد الرحمن و صدق المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۴ - ۴

۴ - انکار برپایی قیامت و دروغ پنداشتن آن ، سبب کفر است .

هذه جهنّم الّتی کنتم توعدون . اصلوها الیوم بما کنتم تکفرون

در این آیه مفعول <تکفرون> ذکر نشده است; ولی به قرینه آیه قبل که درباره وعده به عذاب دوزخ است مفعول آن برپایی قیامت و وجود دوزخ خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵ - ۲

۲ - منکران یگانگی خدا و معتقدان به تعدد معبود ، کافراند .

و قال الکفرون . .. أجعل الألهه إلهًا وحدًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۳

۳ - بدگمانی به خدا و نصرت های او نسبت به مؤمنان ، منتهی به کفر و بی ایمانی *

و ظننتم ظنّ السوء . .. و من لم یؤمن باللّه و رسوله

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <من لم یؤمن>، همان مخاطبان <ظننتم. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۴

۴- باز داشتن مؤمنان از ورود به مسجدالحرام ، گناهی بزرگ و کفرآمیز

هم الذین کفروا و صدّوکم عن المسجدالحرام

از این که خداوند، ممانعت از ورود مؤمنان به مسجدالحرام

را به عنوان دومین جرم مهم مشرکان یاد کرده و آن را در کنار کفر آنان متذکر شده است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۲

۲ - انکار هر یک از پیامبران الهی ، موجب بیرون شدن انسان از دایره اسلام است .

و الذین ءامنوا باللّه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۱ - ۱۳

۱۳ - انکار هر یک از پیامبران الهی ، موجب خروج انسان از دایره اسلام است .

للذین ءامنوا باللّه و رسله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۶ - ۲

۲ - انکار صفت ربوبیت خداوند ، مساوی با کفر و موجب دوزخی شدن است .

و للذین کفروا بربّهم عذاب جهنّم

موجبات کفر عملی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۶

۶- ضایع کردن نماز و پیروی از شهوات ، کفر عملی است .

أضاعوا الصلوه واتبعوا الشهوت . .. إلاّ من تاب و ءامن

مؤمنان و کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۰ – ۷

۷– مؤمنان ، برخوردار از حمایت های غیبی الهی در دور ماندن از کفر و معصیت اند .

فکان أبواه مؤمنین فخشینا أن یرهقهما

نابودی کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷ – ۹،۱۳

۹ فرمان خداوند به مبارزه با کفر و شرك و به وجود آوردن صحنه مبارزه

، از اسباب تحقق اراده خداوند برای اظهار حق و نابودی کفر

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته

خداونـد در برابر مؤمنـان که خواهـان هجوم به کاروان تجاری قریش بودنـد، خواست تا آنان با لشـکریان کفر درآویزنـد و به جهـاد بـا آنـان بپردازنـد و همـان را نیز مقـدر ساخت و بیان داشت که احقاق حق در پرتو آن حاصل می شود. بنابراین مراد از <بکلمته> همان فرمان به جهاد و تحقق یافتن صحنه مبارزه است.

۱۳ برکنده شدن ریشه های کفر از زمین ، هدفی متعالی در بینش الهی

و یرید اللّه أن یحق الحق بکلمته و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۴

۴ خداونـد خواهـان نابودی کفر و گسترش توحیـد و معارف اسـلام ، علی رغم ناخشـنودی مشـرکان مجرم و تلاش های پیگیر آنان

لیحق الحق . .. و لو کره المجرمون

کراهت مجرمان کنایه از تلاشـهای پیگیر آنان برای مقابله با حق است. زیرا مجرد کراهت نفسانی مجرمان، بـدون مبارزه عملی و تلاش پیگیر، مسأله ای نیست که در آیه به آن پرداخته شود. گفتنی است بـا توجه به مورد آیه، توحیـد و معـارف اسـلام از مصادیق مورد نظر کلمه <الحق> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۱

۱ - به جا آوردن سپاس و ستایش خدا ، به خاطر بقای خط رسالت و اضمحلال جبهه کفر و فرستادن سلام و درود بر رسولان او ، رهنمود الهی به پیامبراسلام (ص)

قل الحمد للّه و سلم علی عباده الذین اصطفی

با توجه به

این که در آیات پیشین نام چند تن از پیامبران (موسی، داوود، سلیمان، صالح و لوط) و یاد تلاش ها و مبارزات آنان و پیروزی نهایی حق و اضمحلال کافران به میان آمده است، آیه یاد شده می تواند ختامی بر آن مجموعه یادها باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۴

۴ - همان گونه که کافران برای شکست دین منتظرند ، مؤمنان نیز برای نابودی کفر ، باید منتظر باشند .

و انتظر إنّهم منتظرون

احتمال دارد متعلق انتظار کافران، به قرینه دشمنی آنان با دین، انتظار برای شکست دین خدا باشد.

ناپسندی اظهار کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۱

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یکون لنا . .. > به دست می آید، عدم امکان تشریعی باشد.

ناپسندی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۸ - ۱۵

۱۵- اسطوره خواندن قرآن ، توطئه علیه دین الهی و انتخاب کفر ، اعمالی زشت و ناپسند

و إذا قیل لهم ماذا أنزل ربّکم قالوا أسطر الأولین . .. قد مکر الذین من قبلهم ...

ناپسندی کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۰ – ۵

۵- ایمان نیاوردن به

عالم آخرت زشت است ، نه دختر داشتن

للذين لایؤمنون بالأخره مثل السوء

احتمال دارد که آیه تعریض به مشرکانی باشد که <مثل السوء> را دختر داشتن می دانستند و خداوند جواب می دهد که عدم ایمان به آخرت <مثل السوء> است.

ناپسندی کفر به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۸ - ۵

۵ - کفر به خدا ، به اندازه ای ناروا است که آفرینش تاب تحمل آن را ندارد .

السماء منفطر به

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که ضمیر <به> به <کفر> بازگردد و جمله <السماء منفطر به> معترضه باشد. در این صورت مفاد آن مانند آیه ۹۰ از سوره <مریم> خواهد بود: <تکاد السماوات یتفطرن منه و تنشقّ الأرض و تخرّ الجبال هدًّا>.

ناخشنودی از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۴

۴ - خداوند ، کفر و ناسپاسی بندگان را نمی پسندد و به آن رضایت نمی دهد .

و لایرضی لعباده الکفر

نجات از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۰ - ۸

۸ اعتقاد به وجود خداوند برای خروج آدمی از زمره کافران کافی نیست .

أقسمتم لاينالهم اللّه برحمه . .. إن اللّه حرمهما على الكفرين

سياق آيات اين بخش نشان مى دهـد كه گويندگان جمله <أقسـمتم . .. > از دوزخيانند. بنابراين عنوان <الكافرين> در اين آيه شامـل آنـان نيز مى شود ; در حـالى كه به شـهادت جمله نقـل شـده از آنهـا (أقسـمتم لاـ ينـالهم اللّه برحمه)، اين گروه به خداوند

اعتقاد داشته اند.

نجات رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۳

۳ پیروان شرک و کفر برای رهایی از عذاب مضاعف هیچ مزیتی بر سران خویش ندارند.

فما کان لکم علینا من فضل

نشانه های کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۷ - ۴

۴ بازداشتن مردم از پیوستن به راه خدا نشانه کفر است . *

إنّ الذین کفروا و صدوا عن سبیل اللّه

در برداشت فوق جمله <و صدوا> به منزله تفسیر و تبیین جمله <کفروا> گرفته شده است ; یعنی بازداری از راه خدا کفرپیشگی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۳ - ۳

۳ افترا بر خداوند از نشانه های کفر

و لکن الذین کفروا یفترون علی اللّه الکذب

چنانچه عنوان <الذین کفروا> عنوان مشیر نباشد، جمله <لکن الذین کفروا> عهده دار بیان یکی از ویژگیهای کفرپیشگان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۵ - ۴

۴ بازداشتن مؤمنان از مسجدالحرام و انجام کار های بیهوده به عنوان نیایش و پرستش ، جلوه هایی از کفرپیشگی

و هم یصدون عن المسجدالحرام . .. إلا مکاء و تصدیه ... بما کنتم تکفرون

از مصادیق مورد نظر برای <کنتم تکفرون> رفتارهای ناپسندی است که در این آیه و آیه قبل بیان شده است ; یعنی بازداری از مسجدالحرام و کف زدن و سوک کشیدن به عنوان عبادت و نیایش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۳۷ - ۴

۴ دخل و تصرف در احکام ثابت الهی ، نشانه کفر

منها أربعه حرم . .. إنما النسیء زیاده فی الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ طغیان و سرکشی ، نشانه بی ایمانی به روز رستاخیز

فنذر الذین لایرجون لقاءنا فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳ - ۱۰

۱۰- ترجیح دادن همواره دنیا بر آخرت ، سد مدام راه خدا و کج جلوه دادن تعالیم الهی ، از نشانه های کفرپیشگی است .

ویل للکفرین . .. الذین یستحبّون الحیوه الدنیا علی الأخره و یصدّون عن سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم . .. فیغرقکم بما کفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۷ - ۳

۳- دل بستگیِ شدید به دنیا و غفلت از نقش خداوند در آفرینش و اعطای نعمت ها ، نشانه کفر است .

و کان له ثمر فقال . .. أنا أکثر منک مالاً ... ما أظنّ أن تبید هذه ... قال له صاح

در پی گفته های مرد ثروت مند و فخرفروشی های او و انکار فناپذیری نعمت ها، مرد مؤمن،

با سؤال <أکفرت> با وی به گفتو گو پرداخت و این نشان دهنده کفرورزی مرد ثروت مند در اندیشه ها و گفته هایش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۳ – ۴

۴ – ظلم به خویشتن ، نشانه کفر و مصداق بارز بی دینی است .

و من ذرّیّتهما محسن و ظالم لنفسه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۲۲

۲۲ – شک و تردید نسبت به قیامت نشانه کفر است .

و ما أظنّ الساعه قائمه . .. الذین کفروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۷،۹،۱۰

۷ – پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . .. إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

۹ – بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لکم من الفلک و الأنعام . .. إنّ الإنسن لکفور مبین

۱۰ – شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنّ الإنسن لکفور مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۳ - اطاعت محض از رسول خدا (ص) ، نمود ایمان و موضع گیری در برابر آن حضرت نمود کفر است . *

لو یطیعکم . .. لعنتّم و لکنّ اللّه حبّب إلیکم الإیمن ... و کرّه إلیکم الکفر

صدر آیه؛ درباره اطاعت از رسول خدا و تحمیل نکردن رأی بر آن حضرت است؛ ولی ادامه آن درباره ایمان و کفر است؛ از این بیان انطباق ایمان بر اطاعت و تطبیق کفر بر تحمیل رأی بر پیامبر(ص) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ - اتکای مطلق به امکانات و وسایل مادی و مسلّط ندانستن خداوند بر آنها ، نمودی از کفر

أخرج الذین کفروا . .. ما ظننتم أن یخرجوا و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۱ - ۱،۲

۱ - تصدیق نکردن حقایق دین و ترک نماز ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق و لاصلّی

۲ - صدقه ندادن و انفاق نکردن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

فلاصدّق

برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال است که <صدّق> از ماده <صدقه> باشد (نظر زمخشری و ابی حیان). گفتنی است مفاد برخی از آیات، مانند مفاد همین است؛ یعنی، ترک انفاق و نماز، از نشانه های کافران دانسته شده است؛ مانند: <ماسلککم فی سقر . قالوا لم نک من المصلّین . و لم نک نطعم المسکین>، (سوره مدثر، آیات ۴۲ ۴۴).

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۲ – ۱

۱ – تکذیب حقایق دین و روی گردانی از پذیرش آنها ، از نشانه های کفر و اوصاف کافران

و لکن کذّب و تولّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳۳ – ۱

۱ – تبختر و به خودبالیدن ، از نشانه های کفر و از اوصاف کافران است .

ثمّ ذهب إلی أهله یتمطّی

مفسّران واژه <یتمطّی> را به معنای <تبختر> دانسته اند; زیرا این واژه یا از ماده <مط>(کشیدن پاها و گام ها) است و یا از ماده <مطا>(پشت). در هر دو صورت، مقصود تبختر و فخرفروشی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۸ – ۳

۳ – ترک نماز (رکوع و فروتنی در برابر خداوند) ، نشانه کفر و تکذیب روز جزا

و إذا قیل لهم ارکعوا لایرکعون

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این آیه، درصدد بیان ویژگی های تکذیب گران است و در این راستا، نماز نگزاردن آنان را مطرح کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۹ – ۲

۲ – پوزخند به مؤمنان ، گناه و از نشانه های کفر است .

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون

مراد از <الذین أجرموا> به قرینه <من الکفّار> در آیات بعد کافران اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۸

۸ - تمسخر مؤمنان ، با ریشخند ، چشمک ، لطیفه سازی و گمراه دانستن

آنان ، گناه و از نشانه های کفر است .

إنّ الذین أجرموا . .. یضحکون ... یتغامزون ... فکهین ... من الکفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۲ - ۴

۴ - گردن فرازی در برابر تعالیم قرآن ، نشانه کفر است .

لایسجدون . بل الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۹ - ۵

۵ - پافشاری بر تکذیب تهدید های خداوند ، نشانه کفر است .

بل الذین کفروا فی تکذیب

نکره بودن <تکذیب>، دلالت بر شدّت آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۷ - ۸

۸ - جدّی نگرفتن آیات قرآن و شوخی پنداشتن آن ، از نشانه های کفر است .

و ما هو بالهزل . .. فمهّل الکفرین

نشانه های کفر به آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۹ - ۹

۹ دروغ بستن به خدا ، موجب بازداری مردم از پیوستن به راه او و منحرف ساختن دین الهی و نشانه کفر به آخرت است .

و من أظلم ممن افتری . .. و هم بالأخره هم کفرون

نشانه های کفر به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۶

۶ – ایمان به قرآن ، ایمان به خدا و انکار آن ، کفر به او است .

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به فمن یؤمن بربّه

برداشت یاد شده، از تبدیل و تغییر ایمان به قرآن (آمنّا به)، به ایمان به

خداوند (یؤمن بربّه) استفاده می شود.

نشانه های کفر قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ سوارشدن بر کشتی نوح ، نشانه ایمان و تخلف از آن ، نشانه و دلیل کفر بود .

ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

نشانه های کفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۸

۸ - رواج عهدشکنی در میان یهود ، نشانه فقدان ایمان در اکثریت آنان است .

أو کلما عهدوا عهداً نبذه فریق منهم بل اکثرهم لایؤمنون

نعمت تبری از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لکنّ اللّه حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من اللّه و نع

نعمت نفرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۸ - ۱

۱ - محبت به ایمان و بیزاری از کفر و گناه ، جلوه ای از فضل و نعمت الهی

و لكنّ اللّه حبّب إليكم الإيمن . .. و كرّه إليكم الكفر ... فضلًا من اللّه و نع

نفرت از كفر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۷ – ۱۸

۱۸ – نفرت درونى مؤمنان ، از كفر ، فسق و عصيان

و كرّه إليكم الكفر و الفسوق و العصيان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷

- حجرات - ۴۹ - ۸ - ۴

۴ - امتنان الهی بر مؤمنان ، به سبب افکندن محبت ایمان و بیزاری از کفر در قلب آنان

و لکنّ اللّه حبّب إلیکم الإیمن . .. و کرّه إلیکم الکفر ... فضلاً من اللّه و نع

نقش اجتماعی رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۹ - ۴

۴ - نقش مهم رهبری کفر ، در گمراهی و انحراف ارکان جامعه

فتولّی برکنه

در صورتی که مراد از <رکن>، ارکان جامعه بوده و <باء> برای تعدیه باشد، از منتسب شدن انحراف ارکان جامعه، به شخص فرعون، مطلب یاد شده استفاده می شود.

نقش رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۹ - ۳

۳- سردمداران کفر و شرک عامل اصلی دوزخی کردن قوم خویشند .

أحلّوا قومهم دار البوار . جهنّم یصلونها

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه <جهنّم يصلونها> بدل از <دار البوار> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ -

۵ – نقش سردمداران کفر و فساد در هلاکت و بدبختی تمامی جامعه

أنّا دمّرنهم و قومهم

ضمیر <هم> به گروه های نُه گانه بازمی گردد که طرح ترور شبانه صالح و خانواده اش را ریخته بودند. و از این که نام آنان به صورت مجزا و مقدم بر نام قومشان یاد شده است، مطلب فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۶ – ۴

۴ – سران و رهبران جامعه شرک ، رهبری مردم را بر ضد رسول اکرم (ص) در دست داشتند .

و انطلق الملأ منهم أن امشوا و اصبروا علی ءالهتکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷ – ۵

۵ – سران شرک و کفر در عصر بعثت ، رهبری فکری و عقیدتی مردم را در دست داشتند .

و انطلق الملأ .. ما سمعنا بهذا فی الملّه الأخره إن هذا إلّا اختلق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – نوح – ۷۱ – ۲۷ – ۹

۹ – تأثیرپذیری قوم نوح ، از سران کفر و شرک و صاحبان زر و زور جامعه

و اتّبعوا من لم یزده ماله و ولده إلّا خسارًا . .. یضلّوا عبادک و لایلدوا إلّا فا

نوح(ع) و کفر قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۳۶ – ۶

۶ نوح (ع) ، همواره رنجیده خاطر از رفتار ناپسند قوم خویش و اندوهناك از اصرار آنان بر کفر و انکار رسالت

فلاتبتئس بما كانوا يفعلون

إبتئاس (مصدر تبتئس) به معنای

محزون و نـاراحت شـدن است و مراد از <مـا کـانوا یفعلون> شـرک ورزی و اصـرار آنـان بر انکـار رسـالت و دیگر کارهای نارواست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند ، در پی باخبر ساختن نوح از ایمان نیاوردن قومش ، او را به ساختن کشتی فرمان داد .

أُوحی إلی نوح أنه لن یؤمن من قومک . .. واصنع الفلک

نهی از اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۵

۵ خداوند ، مشرکان را از پافشاری بر کفر برحذر داشته و به آنان هشدار داد که تا پیش از نزول عذاب استیصال ، متنبه شده و ایمان بیاورند .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن

وضوح زیان کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۳ - ۶

۶ - ضرر و زیان کفر و شرک ، امری روشن و شناخته شده

و ظالم لنفسه مبین

هجرت از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۰

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم . .. لاکفّرنّ عنهم سیّاتهم و لادخلنّهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخرجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

هماهنگی کفر با حق ستیزی

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۵ – ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با شبهه افکنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۵ – ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

هماهنگی کفر با عصیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۷ – ۲۱

۲۱ – کفر ، فسق و عصیان ، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

هماهنگی کفر با فسق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۷ – ۲۱

۲۱ – کفر ، فسق و عصیان ، سه حلقه پیوسته به یکدیگر

و کرّه إلیکم الکفر و الفسوق و العصیان

هماهنگی ممانعت از خیر با کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۵ - ۲

۲ کفر ، حق ستیزی ، سد کردن راه خیر و خوبی ، تجاوز و شکّ آفرینی ، حلقه هایی به هم پیوسته

فی جهنّم کلّ کفّار عنید . منّاع للخیر معتد مریب

کفران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کفران

آثار اجتماعی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲

- ۶،۹،۱۲،۱۴

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله . .. بما کانوا یصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <یصنعون> که دربردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه . .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسّران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۸

۸ - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له . .. فأعرضوا ... و مزّقنهم کلّ ممزّق

آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۴ - ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع ، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران

است .

و ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

<فاء> در <فکلوا. ..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است; یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند; ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار روحیه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۳

۱۳ - روحیه ناسپاسی و دغلکاری ، مایه انکار آیات الهی است .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختّار کفور

<ختر> به معنای <غدر> و دغلکاری شدید است (مفردات راغب).

آثار کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۸ - ۶

۶ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < من هداه اللّه للاسلام و علّمه القرآن ، ثم شکا الفاقه کتب اللّه الفقر بین عینیه إلی یوم یلقاه ثم تلا النبی (ص) : < قل بفضل اللّه و برحمته فبذلک فلیفرحوا هو خیر مما یجمعون > من عرض الدنیا من الأموال ;

کسی را که خداوند به اسلام هدایت کرده و قرآن را به او آموخته و پس از آن [آن شخص]از تنگ دستی شکوه کند، خداوند فقر را تا قیامت در پیشانی او می نویسد. سپس رسول خدا (ص) این آیه را تلاوت فرمود: <بگو به فضل و رحمت خدا باید خوشحال باشند که این از تمام آنچه جمع می کنند، بهتر است> و مراد از

<آنچه جمع می کنند> اموال و بهره زیباست>.

آثار کفران انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۷ – ۱۰

۱۰– غفلت از یاد خدا در پی نجات از خطرات ، برخاسته از خصلت حق ناشناسی شدید انسان است .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جمله <و کان الإنسان کفوراً> که بیانگر یک خصلت عام همه انسانهاست به منزله تعلیل برای مطالب قبل است.

آثار کفران انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۹ – ۲

۲ – کفر و ناسپاسی انسان ها و روی گردانی آنان از پیام وحی ، بی تأثیر برای یگانه مالک آسمان ها و زمین

فإنّ الإنسن کفور . للّه ملک السموت و الأرض

آثار کفران اهل مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۱۴

۱۴– روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسّران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

آثار کفران قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۱۶

۱۶ – ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، عامل هلاکت قارون و فرورفتن با خانه اش در کام زمین

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

آثار کفران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی . .. واشکروا لی و لاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لاـتکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قال إنکم قوم تجهلون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۱ – ۲۲

۲۲ < عن على بن الحسين (ع) يقول : الذنوب التى تغير

النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل : < إن الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امام زین العابدین(ع) روایت شده است که می فرمود: گناهانی که موجب تغییر نعمتها می شوند عبارتند از: ستمگری بر مردم، دوری از عادت به کار خیر و از انتخاب کردار نیک، کفران نعمتها و ترک شکرگزاری. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بأنفسهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۱،۲،۳،۵

۱- پیامبر (ص) موظف به یادآوری اعلام الهی به مردم به اینکه : هر کس سپاسگزار باشد ، قطعاً نعمتش فزونی می یابد و هر کس کفران نماید ، دچار عذاب شدید می گردد .

و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

<و إذ تأذّن> عطف بر <إذ قال> است که در آن <اذکر> در تقدیر است و مخاطب پیامبراکرم(ص) می باشد.

۲- موسی (ع) از قوم خود خواست تا به یاد فرمان و توصیه خداوند باشند که هر کس شکرگزاری نماید خداوند نعمتش را افزون می کند و هر کس کفران نماید دچار عذاب شدید خواهد شد .

اذکروا نعمه الله علیکم . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

این برداشت مبتنی بر این نکته است که <إذ تأذّن> مقول قول موسی(ع) و عطف به <اذکروا نعمه الله> باشد.

۳- افزایش نعمت در صورت شکرگزاری و

تهدید به عذاب در صورت کفران نعمت ، مقتضای ربوبیت الهی

و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

۵- شکر نعمت رهایی از نظام ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۳

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا

مراد از <إن تکفروا> به قرینه <و لئن کفرتم>که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۷

۷- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۲،۱۷

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه . .. إنّ الإنسن لظلوم کفّار

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کلّ> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله <إن الإنسان لظلوم کفّار> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن

لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکرگزاری ، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و . . .) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

کلوا . .. و لاتطغوا فیه فیحلّ علیکم غضبی

<یحلّ>; یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم . .. لیستخلفنّهم ... و لیمکّننّ لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۳

۳ - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتّقوا الذى أمدّكم . .. إنّى أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و من شکر فإنّما یشکر لنفسه و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إنّ ربّک لذو فضل . .. و لکنّ أکثرهم لایشکرون

مقدم شدن <فضل و رحمت> بر <شکر و ناسپاسی> می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است; ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابرنعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ویکأنّه لایفلح الکفرون

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و یکأنّه لایفلح الکافرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

۱۵ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، درپی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ،

کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۵ - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له . .. فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم... ذلک جزینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۴،۱۰،۱۲

۴ - برنتابیدن وفور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره . ..سیروا فیها ... ءامنین

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان . .. بلده طیبه ... فقالوا ربّنا بعد بین أسفا

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی من هو کذب کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالا به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی

است; زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰،۲۱،۲۳

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸ - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون فأصابهم سیّئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا علی الإنسن . .. ثمّ کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۷

۱۷ - دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا . .. فإنّ الإنسن کفور

جمله <و إنّا إذا . .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۲

۲ - کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی (همچون زنجیر ، غل و آتش) در قیامت

إنّا أعتدنا للکفرین سلسلاْ و أغللاً و سعیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أکفره . .. لمّا یقض ما أمره

چنانچه مراد از کفر در <ما أکفره> کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از <ما أمره> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۴

۴ - ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۴

۴ – انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

آثارکفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۳ – ۳۱

۳۱ ارتکاب فحشا و ناسپاسی در برابر نعمت های خداوند ، مانع رستگاری است .

إنه لایفلح الظلمون

آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۴

۴– حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمنتم أن یخسف بکم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

اجتناب از کفران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۵

۵ آدمی پس از نجات از شداید، علی رغم پیمان عدم شرک و سپاسگزاری از خداوند، پیمان شکنی می کند و مجدداً شرک میورزد.

لئن أنجنا . .. قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

اجتناب از كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۷

۷ - ضرورت پرهيز از كفران نعمت هاى خداوند

و لاتكفرون

برداشت فوق بر اين اساس است كه <لاتكفرون> به تقدير <نعمه> در اصل <و لاتكفروا نعمتى> بوده باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و كرامت الهى خويش ، مستلزم پرهيز از ناسپاسى خداوند است .

فيغرقكم بما كفرتم . .. و لقد كرّمنا بنى ءادم

يادآورى كرامت انسانها پس از ذكر ماجراى كسانى كه پس از رهايى از خطر مرگ به كفران نعمتهاى الهى روى آوردند; مى تواند مذمتى باشد براى آنان و نيز به انسانها توجه بدهد كه كرامت انسانى مستلزم اجتناب از كفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - تأكيد هود (ع) بر تقواى الهى و پرهيز از ناسپاسى در برابر خداى نعمت بخش

و اتّقوا الذى أمدّكم بما تعلمون

<إمداد> (مصدر <أمدّكم>) به معناى كمك كردن و <ما> در <بما تعلمون> كنايه از نعمت هايى است كه تفصيل آن در آيات بعد آمده است. متعلق <تعلمون> به خاطر رعايت فاصله آيات حذف شده و تقدير آن چنين است: <أمدّكم بما تعلمون أنّها من إمداده>.

۲ - لزوم پرهيز از مخالفت و ناسپاسى در برابر خداى نعمت دهنده

و اتّقوا الذى أمدّكم

اقرار به كفران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمى به هنگام شدايد بر ناسپاسى خويش در برابر خداوند اعتراف مى كند.

لئن أنجىنا من هذه لنكونن من الشكرين

اقرار به كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۱

۱ - انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند

.

و إنّه علی ذلک لشهید

اقرار کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۱

۱ – انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إنّه علی ذلک لشهید

امکانات مادی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۵

۵ – مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ماکسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

انذار از کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۱۱

۱۱– هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا ی

انذار کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۱

۱– هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهيده از خطرات و مشكلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلكه هاى ديگر

فلمّا نجّكم إلى البرّ أعرضتم . .. أفأمنتم أن يخسف بكم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۱

۱– هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهيده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلكه

أم أمنتم أن

یعیدکم فیه تاره أخری

اهمیت اجتناب از کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۳

۱۳ - لزوم حفظ تعادل و حد و مرز در استفاده از نعمت های الهی و پرهیز از ناسپاسی و اسراف و تبذیر در آن

کلوا من طیّبت ما رزقنکم و لاتطغوا فیه

از مصادیق مهم و بارز طغیان گری در مورد نعمت ها، کفران، ناسپاسی، اسراف و تبذیر است.

بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۷

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶ - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فإذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّلنه نعمه ... بل هی فتنه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر وسپاس گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

تفکر در فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱،۳

۱- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و

تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهایش

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا

۳- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلّوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تهدید کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۶ – ۷

۷ – شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۴

۴ – معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود . .. لحبّ الخیر لشدید . أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

حرمت کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۱۴

۱۴ حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۴ - ۹

۹ - خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه

و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا

ذکر آثار کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۴ – ۹

۹– توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فكفرت بأنعم الله . .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللاً طيبًا و اشكروا

رذایل کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۶

۶ – کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لكنود

زشتی کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۶ – ۸

۸ – مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم ... فسوف يعلمون

زلیخا و کفران یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ زلیخا ، تسلیم نشدن یوسف (ع) در برابر خواسته اش را ، ناسپاسی و قدرناشناسی می شمرد .

رودته التی هو فی بیتها . .. إنه ربی أحسن مثوای

در برداشت فوق، <إنه ربی . ..> ناظر به مفهومی گرفته شده که از عبارت <التی هو فی بیتها> استفاده می شود ; یعنی، زلیخا با اظهار اینکه مربی یوسف(ع) بوده و او را در خانه خویش سر و سامان بخشیده است، توقع داشت که یوسف(ع) در برابر تقاضایش تسلیم شود ; ولی یوسف(ع) با

جمله <إنه ربی ...> بیان می دارد که خداوند، مربی و مدبر امور او بوده و هست، و سزاوار آن است که وی مطیع او باشد.

زمینه کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱ - ۱۲

۱۲ کفرپیشگی، زمینه ساز سرباز زدن از ستایش انحصاری برای آفریدگار هستی است.

الحمد للّه الذی خلق . .. ثم الذین کفروا بربهم یعدلون

اگر جمله <الـذین . .. > عطف بر <الحمدللّه> و <یعدلون> به معنای <عدول> باشد، نتیجه این می شود که حمد از آن خداست، ولی کافران از این حقیقت عدول می کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۸ - ۴

۴ - غفلت از زوال پذیری زندگی دنیایی ، زمینه ساز گرایش انسان به کفر و ناسپاسی

کلّ من علیها فان . و یبقی وجه ربّک ... فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

خداونـد متعال، نخست فناپـذیری زنـدگی دنیایی را به انسان تذکر داده و در پی آن از آنان خواسته است تا دست از تکذیب نعمت های حق بردارند. از این دو استفاده می شود که یکی از عوامل تکذیب حق، دلبستگی به دنیا و غفلت از ناپایداری آن است.

زمینه کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۸

۱۸ - انسان ، بدون تأثیرپذیری از مکتب وحی ، گرفتار کفران و ناسپاسی است .

فإن أعرضوا . .. فإنّ الإنسن کفور

زمینه کفران دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور

دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی . .. و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إنّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشتن را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۶

۶ رفاه و آسایش بسیار ، زمینه ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مسّتهم إذا لهم مکر فی ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلّکم تشکرون

تعبیر <لعلّکم> می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۸

۸- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

<نئا> به معنای <بَعُـد> (دوری می شود) است و <أعرض و نئا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

<لام> در <لیفکروا> احتمال دارد برای تعلیل و به معنای <کی> و احتمال دارد برای امر باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنی است که مراد از <یکفرون> در آیه، به قرینه <بما آتیناهم> کفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱

۱ - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در <لیکفروا> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

از نکره آمدن <سیّئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

زیادی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳ – ۱۱

۱۱ – انسان

های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

طبق باور برخی از مفسران، آمدن <شاکر> به صورت اسم فاعل و <کفوراً> به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنّکم و . .. إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال . .. أنا أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ اللّه غنیّ

به قرینه مقابله، <و من یشکر. ..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إنّ اللّه...> تعلیل برای جواب مقدر است; یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد; چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر < ایمان و کفر > و < شکر

و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ; نه خداوند .

إن تكفروا فإنّ اللّه غنىّ عنكم . .. و إن تشكروا يرضه لكم

سرزنش تداوم كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عاديات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خويش ، شگفت آور و سزاوار نكوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لكنود . و إنّه على ذلك لشهيد

سرزنش كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۲۱ - ۴

۴ مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مكر فى ءاياتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هايش در روی زمين

و ءايه لهم الأرض الميته أحيينها. .. أفلايشكرون

استفهام در جمله <أفلايشكرون> انكاری است و اين جمله درصدد تقبيح و توبيخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۷۳ - ۵

۵ - ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء

و یقدر

استفهام در <أوَلم یعلموا. ..> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لکنود

سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۶

۶- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

و إن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إن الله لغفور رحیم

ذکر <إن الله لغفور> پس از بیان نعمتهای فراوان خداوند، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مایه توبیخ است. عبارت <إن الله لغفور> بیان کننده ضمنی آن نقصان و کاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۶

۶- تبذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذّرين . .. لربّه كفورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷ – ۶

۶ – شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و

کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یأیّها الإنسن ما غرّک بربّک الکریم

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است; زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

شگفتی تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۶

۶ - ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلایشکرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام <أفلایشکرون> که برای تعجب است استفاده می شود.

صفات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء

۴ - ۶۹ - ۱۷ -

۴- حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمنتم أن يخسف بكم . .. أم أمنتم أن يعيدكم فيه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

ضعف کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا على الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ كان يوسًا

ظلم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۵

۵ - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذين ظلموا من هؤلاء

<و الذين ظلموا من هؤلاء>، هر چند اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد; ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۰

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لايفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۶

۶ - ناسپاسی و ناديده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

و الذين ظلموا من هؤلاء

توصيف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب ياد شده است.

عبرت از فرجام کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۲،۴

۲– سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

۴– سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

عذاب کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۲

۲– انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّكم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدكم فیه تاره أخری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۸

۸ – قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما كانوا یكسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

علم به کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۲،۳

۲ – تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن

لربّه لكنود . و إنّه على ذلك لشهيد

۳ - خداوند ، در تأكید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد كرده است .

و العدیت . .. و إنّه على ذلك لشهيد

علم كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشركان ناسپاس ، از زشتی كار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم ... فسوف يعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نكوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لكنود . و إنّه على ذلك لشهيد

عمل كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشركان ناسپاس ، از زشتی كار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم ... فسوف يعلمون

عوامل تهدید كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۰ – ۵

۵ – صحنه برملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

عوامل کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۴ – ۹

۹ – شرك ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمّن یبدؤا الخلق

. .. و من يرزقكم ... أءله مع اللّه

لحن آميخته با توبيخ <أءله مع اللّه> نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدّق علیهم إبلیس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فریقًا من المؤمنین

در عبارت <صدّق علیهم. .. ظنّه> ایجاز به حذف وجود دارد; برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه . .. لیقولنّ هذا لی

فرجام شوم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۲

۲- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۲ – ۱۷

۱۷ – ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به

و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

فرجام کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۷۸

۷ – همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

۸ – مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

فرجام کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۱

۱– مَثَل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما کانوا یصنعون

کفران آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۰ – ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

کفران ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۶ - ۴

۴ ابلیس عنصری ناسپاس و گستاخ در برابر خداوند

قال فبما أغویتنی

استجابت درخواست ابلیس از سوی خداوند اقتضا می کرد که وی در برابر این نعمت الهی سپاسگزار باشد. ولی او تمردی دیگر کرد و مصمم شد تا راه مستقیم الهی را بر بندگان خدا سد کند و این حکایت از گستاخی و ناسپاسی وی دارد.

کفران

اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۳ – ۶

۶ – بیشتر مردم گرفتار ناسپاسی نسبت به خدا ، علی رغم فضل و رحمت او بر آنان

و إنّ ربّک لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثرهم لایشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۳ – ۸

۸ – ناسپاسی بسیار انسان ها ، در برابر نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده

کفران اکثریت انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۷ – ۷

۷ بیشتر آدمیان، گرفتار دامها و تزویرهای ابلیس و ناسپاس در برابر خداوند هستند.

و لاتجد أکثرهم شکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۵۰ – ۶

۶ بیشتر مردم ، علی رغم برخورداری از نعمت های خداوند ، دچار ناسپاسی و قدرناشناسی اند .

فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

کفران اکثریت مردم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۷

۷ همواره اکثریت مردم در برابر رزق و فضل خدا ، ناسپاسند .

إن اللّه لذو فضل علی الناس و لکن أکثرهم لایشکرون

کفران انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمی به هنگام شداید بر ناسپاسی خویش در برابر خداوند اعتراف می کند.

لئن أنجنا من هذه لنکونن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ -

۱۰ انسان در برابر نعمت های خدا و لطف و مهربانی های او ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسن الضرّ دعانا . .. فلما کشفنا عنه ضرّه مرّ کأن لم یدعنا إلی ضرّ م

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۳،۸

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

مفهوم آیه این است که: انسانها به جای شکر و سپاسگزاری در برابر نعمتهایی که به ایشان عطا کرده ایم، با آیات و نشانه های ما به نیرنگورزی و توطئه برخاستند.

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۲،۳

۲ مردم پس از رهایی از اضطرار و خطر مرگ ، پیمان خود را با خدا می شکنند و به ناسپاسی و تجاوز از حق می پردازند .

لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

۳ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر دستگیری های خداوند

فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۹

۹- انسان ، موجودی بس ناسپاس و حق ناشناس

و کان الإنسن کفورًا

<کفور> صیغه مبالغه و برای مبالغه در کفران نعمت (نادیده گرفتن نعمت) است.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۶ - ۵،۶

۵ - انسان ، آفریده ای بسیار ناسپاس در برابر خداوند

و هو الذی أحیاکم . .. إنّ الإنسن لکفور

<کفور> صیغه مبالغه و مشتق از ریشه <کفر> است. <کفر> گاهی در مقابل ایمان به کار می رود و گاهی در مقابل شکر. بنابراین <کفور> در جمله یاد شده، می تواند در مقابل <شکور> (بسیار سپاس گزار) و به معنای بسیار ناسپاس باشد. هم چنین می تواند به معنای بسیار بی ایمان باشد. برداشت فوق بر پایه احتمال اول است.

۶ - شرک و بت پرستی و سرباز زدن از توحید ، اوج ناسپاسی انسان در برابر خدا

و هو الذی أحیاکم . .. إنّ الإنسن لکفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱،۵،۹،۱۰

۱ - انسان ها ، به هنگام مشاهده وزش باد های مضر و نابودکننده مزارع ، به ناسپاسی می گرایند .

و لئن أرسلنا ریحًا . .. یکفرون

<ریح> در مقابل <ریاح> در آیه چهل و نه است. معمولاً، بادهای سودمند، به صیغه جمع آورده می شوند و در صورتی که سخن از باد سوزان و مخرب باشد به صیغه مفرد می آید. قرینه مقابله و نیز واژه <مصفرّاً> که حال برای ضمیر مفعولی <رأوه> است مؤید این نکته اند که مراد از <ریح> بادهای سوزان و مخرب اند.

۵ - انسان ها ، به محض مشاهده باد های نوید بخش باران ، بدون توجّه به خدایی بودن آنها ، خوش حال می شوند ، ولی در برخورد با باد های مخرّب ، ناسپاس می گردند

!

فإذا أصاب به من يشاء من عباده . .. يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... يكفرون

<يكفرون> به قرينه اين كه سخن از نعمت و قطع شدن آن است، كفر و ناسپاسى است.

۹ – انسان ها ، با مشاهده خالى بودن ابر ها از باران ، ناسپاس مى شوند .

و لئن أرسلنا ريحًا فرأوه مصفرًّا لظلّوا من بعده يكفرون

طبق آنچه كه راغب، در مفردات اظهار داشته، ممكن است: <مصفرّاً> از ريشه <صفر> بر وزن سفر به معناى <خالى بودن> باشد.

۱۰ – شادمانى ، در شرايط رفاه ، و كفر و ناسپاسى به هنگام سختى و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۴ – ۱۵

۱۵ – انسان ، در معرض ناسپاسى نسبت به نعمت هاى الهى و حقوق والدين ونيازمند به تذكر است .

و وصّينا الإنسن بولديه . .. أن اشكرلى و لولديک

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۱۲

۱۲ – گروهى از مردم ، در برابر نعمت نجات از بلا ها و خطر هاى مرگ آفرين ، ناسپاس اند .

فلمّا نجّيهم إلى البرّ فمنهم مقتصد و ما يجحد بأيتنا إلاّ . ..كفور

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۹ – ۱۷

۱۷ – انسان ها ، شكر گزار نعمت هاى خداوند نيستند .

قلیلاً ما تشکرون

به قرینه آیه بعد که در آن آمده است <و

قالوا أءذا ضللنا. ..> <قليلاً> می تواند به معنای نفی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۹،۱۳

۹ – انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

۱۳ – انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۱۳

۱۳ – ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن أکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۱،۷،۱۰

۱ – انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسن لربّه لکنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ – خداوند ، در تأکید بر

ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

۱۰ - < قال رسول اللّه (ص) : < إنّ الإنسان لربّه لکنود > قال : لکفور الذی یأکل وحده ، و یضرب عبده و یمنع رِفْدَه ;

رسول خدا(ص) [آیه] <إنّ الإنسان لربّه لکنود> را تلاوت کرده فرمود: [<لکنود> یعنی]ناسپاس، همان که به تنهایی غذا می خورد و غلام خود را می زند و از بخشش امتناع میورزد>.

کفران انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۶

۶ ناسپاسی آدمیان در برابر خدا آرزوی ابلیس در اغواگریهای خویش

ثم لأتینهم . .. و لاتجد أکثرهم شکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

<نئا> به معنای <بَعُـد> (دوری می شود) است و <أعرض و نئا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به

عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۱ - ۱

۱ - اعراض و روی گردانی انسان از خداوند ، پس از دستیابی به نعمت

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نا بجانبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳،۱۵

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

از نکره آمدن <سیّئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

۱۵ - انسان ، موجودی کم ظرفیت ، کوته بین و ناسپاس است .

و إنّا إذا أذقنا . .. و إن تصبهم ... الإنسن کفور

این که انسان در برخورد با انـدک نعمت و یا سـختی، تغییر روحیه می دهد، نشانه کم ظرفیتی او است و این که به امکان تغییر و تحول شرایط رفاه نمی اندیشد و به آن دلخوش است، نشانگر کوته نظری او است.

کفران بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. إن اللّه لذو فضل علی الناس و لکن أکثرهم لایشکرون

کفران بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ – بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا

ءال فرعون . .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هـدف از بیان گرایش بنی اسـرائیل به پرسـتش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسـی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۲ - ۷

۷ - بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند .

ثم عفونا عنکم من بعد ذلک لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۷ - ۱۳،۱۶،۱۷

۱۳ - قوم موسی در برابر نعمت های الهی ، مردمی ناسپاس بودند .

ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <ما ظلمونا و لکن . ..> در ارتباط با فرازهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، لحاظ شود.

۱۶ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از دستورات خداوند ، هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس خدا نکرد .

و ما ظلمونا

۱۷ - ناسپاسی قوم موسی و تمردشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خودشان روا داشتند .

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹،۳۸

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

۳۸ - داستان ناسپاسی بنی اسرائیل بر

< منّ > و < سلوی > و انتخاب شهرنشینی و گرایش آنان به کفر و تجاوز ، داستانی آموزنده و شایسته به یاد آوردن است .

إذ قلتم یموسی لن نصبر . ... و ضربت علیهم الذله ... و کانوا یعتدون

<إذ قلتم . ..> مفعول برای <أذکروا> (به یاد آوردن) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۷

۷ قوم موسی (ع) ، مردمی لجوج ، نصیحت ناپذیر و ناسپاس در برابر نعمت های الهی

اذکروا نعمه اللّه علیکم . .. قالوا یموسی إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۲،۱۵

۱۲ بنی اسرائیل مردمی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی اجعل لنا إلهاً

بیان این حقیقت که گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا فاصله چندانی با نجات آنان از دست فرعونیان و عبور معجزه آسای ایشان در دریای سرخ نداشت، اشاره به این دارد که بنی اسرائیل مردمی ناسپاس بودند.

۱۵ بی توجهی قوم موسی به نعمت های خدا و گرایش آنان به پرستش غیر او ، برخاسته از جهالت دامنه دار آنان بود .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قالوا یموسی ... قال إنکم قوم تجهلون

چنانچه از آیه استفاده می شود، گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا پس از عبورشان از دریا و تحقق این نعمت بزرگ الهی بوده است. بنابراین می توان گفت موسی این جهت را نیز در نظر داشته و آنان را

جاهل خوانـده است. یعنی این بی خردی است که انسان نعمتهای الهی را ببینـد و در عین حال به غیر او گرایش پیدا کند. فعل مضارع <تجهلون> بر دامنه داری این بی خردی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۲۸،۲۹،۳۰

۲۸ قوم موسی ناسپاس در برابر نعمت های عطا شده به آنان (جوشیدن چشمه های آب برای آنان و . . .)

و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و مـا ظلمونـا و لکن . .. > در ارتبـاط با تمامی قسـمتهایی که بیانگر نعمتهای الهی است، ایراد شده باشد.

۲۹ قوم موسی با ناسپاسی و تخلف از دستورات خداوند هیچ زیانی را متوجه ساحت قدس او نکردند .

و ما ظلمونا

۳۰ ناسپاسی قوم موسی و تمرد ایشان از فرمان های خدا ، ستمی بود که آنان بر خود روا داشتند .

و قطّعنهم . .. و ما ظلمونا و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۵،۶،۹،۱۲

۵ بنی اسـرائیل در عین برخورداری از زنـدگی منـاسب ، به جـای اتحـاد و حفظ حقوق یکـدیگر ، آگاهانه به اختلافات داخلی دامن زده و به حقوق یکدیگر تجاوز می کردند .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۶ بنی اسـرائیل ، با وجود در اختیار داشـتن تورات و برخورداری از زنـدگی مناسب ، کفران نعمت کرده و به اختلاف و تجاوز به حقوق یکدیگر پرداختند

.

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از <العلم> کتاب آسمانی تورات باشد.

۹ اختلاف بنی اسرائیل ، پس از رهایی از حکومت فرعون و برخورداری از مسکن و روزی مناسب ، ناسپاسی نعمت های الهی بود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

۱۲ خداوند ، بنی اسرائیل را به خاطر ناسپاسی ها و ایجاد اختلاف ، سرزنش کرده و به کیفر اخروی تهدید فرمود .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم إن ربک یقضی ب

کفران ثروتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۷ – ۶

۶ – گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلّا إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

کفران حوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۹۰ – ۵

۵ آدم (ع) و حوا به عهد خویش با خدا (سپاسگزاری از او در صورت اعطای فرزند صالح) وفا نکردند .

لنکونن من الشکرین. فلما ءاتیهما صلحاً جعلا له شرکاء

کفران خائنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۶

۶ - خیانت کاران ناسپاس ، محروم از حمایت و

محبت خداونداند .

إنّ اللّه لايحبّ كلّ خوّان كفور

كفران در سختى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - شادمانى ، در شرايط رفاه ، و كفر و ناسپاسى به هنگام سختى و حسرت ، حالات و صفات انسان ها است .

فإذا أصاب . .. إذا هم يستبشرون ... و لئن أرسلنا ريحًا ... من بعده يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ آدمى به هنگام شدايد بر ناسپاسى خويش در برابر خداوند اعتراف مى كند.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين

كفران دشمنان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عاديات - ۱۰۰ - ۶ - ۳،۴

۳ - دشمنان اسلام ، ناسپاس در برابر نعمت اسلام و مظاهر ربوبيت خداوند

إنّ الإنسن لربّه لكنود

۴ - ناسپاسى دشمنان اسلام در برابر ربوبيت خداوند ، دليل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العديت . .. إنّ الإنسن لربّه لكنود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - عاديات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴ – انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان با صفوف آنان است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

کفران دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۶

۶ – ناسپاسی دشمنان دین ، در برابر نعمت های خداوند و دلبستگی شدید آنها به دارایی خویش ، نشان بی

توجهی آنان به معاد

إنّ الإنسن لربّه لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

کفران دشمنان مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۸

۸ - خصومت کنندگان با اهل ایمان ، مردمی خیانتکار و ناسپاس اند .

إنّ اللّه یدفع . .. إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

کفران دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۸

۸ انسان ، موجودی ناسپاس در برابر نعمت بعثت پیامبران و تعلیمات الهی آنان

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

کفران رهبران شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الـذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران رهبران کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد

که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۸ - ۱۴

۱۴ - سامری ، فردی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند و بی توجه به الطاف و کمک های ویژه او

فنسی

چنانچه ضمیر فاعلی <نسی> به سامری برگردد، مراد از فراموشی سامری، بی توجهی او به عنایات الهی در نجات از فرعونیان و نزول <منّ و سلوی> و نظایر آن خواهد بود.

کفران شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس دربرابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

<عصیّ> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

کفران قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۳،۷،۱۰

۳ - سباییان ، نعمت امنیت راه ها و نزدیکی منزل گاه های سفر را کفران نموده و به خویش ستم روا داشتند .

فقالوا ربّنا بعد بین أسفارنا و ظلموا أنفسهم

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. و مزّقنهم کلّ

ممزّق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد كان لسبإ فى مسكنهم ءايه جنّتان . .. بلده طيبه ... فقالوا ربّنا بعد بين أسفا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدّق عليهم إبليس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فريقًا من المؤمنين

در عبارت <صدّق عليهم. .. ظنّه> ایجاز به حذف وجود دارد; برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

کفران قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۱

۱ - تأکید هود (ع) بر بیمناك بودن درباره سرنوشت قومش ، به خاطر بی تقوایی و ناسپاسی آنان

فاتّقوا اللّه . .. الذى أمدّكم ... إنّى أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

کفران قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش

قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

کفران کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۵ – ۵

۵ – ناسپاسی و هدایت ناپذیری کافران ، حتی با رفع گرفتاری ها و نزول رحمت الهی

و لو رحمنهم . .. للجّوا فی طغینهم یعمهون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۶ – ۸

۸ – کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم . .. کذلک نجزی کلّ کفور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۰ – ۴

۴ – نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء . .. فلولا تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۳ – ۷

۷ – استفاده بهینه نکردن کافران تکذیب گر از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که شکر نکردن انسان ها در برابر نعمت ها، به معنای استفاده صحیح نکردن از آنها است.

کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار

البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

کفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمتِ رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . .. و سیجزی اللّه الشّاکرین

مفهوم جمله <و سیجزی اللّه الشّاکرین> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

کفران مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: ۱توحید (ما کان لنا أن نشرک .

..)، ۲ وجود پیـامبران به عنوان معلمـان توحیـد و بیـانگران شـریعت و آیین الهی (ملّه آبـائی ابراهیم ...). برداشت فوق، نـاظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

کفران مردم مقارن بعثت

جلد

- نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اكثر مردم در نيمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بى اعتنايى كردند .

و لقد صرّفنه بينهم ليذّكّروا فأبى أكثر الناس إلاّ كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آيه شريفه در مكه است كه نيمه نخست دوران بعثت در همين شهر سپرى شد.

كفران مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۴،۵

۱- شرك ربوبى رهيدگان از ناگوارى ها ، كفران نعمت هاى خداوند است .

بربّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

<لام> در <ليكفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراين معنا چنين مى شود: عاقبت شرك آنان، كفران نعمتها شد. لازم به ذكراست به تناسب <ما ءاتيناهم> مراد از <يكفروا> كفران است.

۴- مشركان ناسپاس ، مورد تهديد شديد خداوند

بربّهم يشركون . ليكفروا ... فتمتّعوا فسوف تعلمون

۵- مشركان ناسپاس ، على رغم كفران نعمت هاى الهى ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حيات داده مى شود .

بربّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۱

۱- مشركان ، على رغم شناخت نعمت هاى الهى ، آن را عملاً انكار مى كنند و راه ناسپاسى مى پيمايند .

يعرفون نعمت الله ثمّ ينكرونها

در این آیه انکـار در مقابـل عرفـان و شـناخت قرار گرفته است و این می رسانـد که مراد از انکـار نعمت، انکـار عملی است نه ذهنی و اعتقادی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴

- روم - ۳۰ - ۳۴ - ۹،۱۰

۹ - مشرکان ، به رغم کفران نعمت های الهی ، از آن نعمت ها ، برخوردار می شوند و مهلت زندگی می یابند .

فتمتّعوا فسوف تعلمون

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطّلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فسوف تعلمون

کفران مشرکان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۳ - ۲،۳

۲- بیشتر مشرکان صدراسلام ، با وجود آگاهی از نعمت های الهی ، راه ناسپاسی پیمودند و کافر شدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

۳- بیشتر مشرکان صدراسلام ، علاوه بر انکار عملی نعمت های الهی ، به زبان نیز کفر میورزیدند .

یعرفون نعمت الله ثمّ ینکرونها و أکثرهم الکفرون

انکار و ناسپاسی نعمتهای الهی یا با زبان است و یا با عمل. جمله <ثمّ ینکرونها> می تواند گویای کفران عملی و جمله <و أکثرهم الکافرون> بیانگر ناسپاسی با زبان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۹

۹ - شرک پیشگان حق ستیز عصر بعثت ، مردمانی خیانت کار و ناسپاس بودند .

إنّ اللّه یدفع عن الذین ءامنوا إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

کفران مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۹ - ۱

۱ - بهره مندی مشرکان مکه از موهبت های الهی ، به رغم بی اعتنایی آنان به آیین توحیدی ابراهیم (ع)

و إذ قال إبرهیم . .. لعلّهم یرجعون . بل متّعت هؤلاء و ءاباءهم

از آن جا که در

آیات پیشین سخن از ابراهیم(ع) و نسل آن حضرت بود و با توجه به این که مشرکان مکه از نسل او به شمار می آمدند، می توان گفت که <هؤلاء> اشاره به مشرکان مکه دارد.

کفران منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل . .. ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کفران موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۳،۴

۳ - قتل مرد قبطی توسط موسی (ع) ، نشانه ناسپاسی و کفران نعمتی بزرگ در نظر فرعون

و فعلت فعلتک . .. و أنت من الکفرین

مراد فرعون از <و أنت من الکافرین> ناسپاسی موسی(ع) در قبال خدمات گذشته وی به او می باشد.

۴ - تلاش فرعون برای تکذیب موسی (ع) با یادآوری ارتکاب قتل و ناسپاسی وی

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

کفران نسبت به مربی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۶

۶- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . *

الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح

اضافه <رب> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین کفروا> است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند

و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۷ – ۷

۷– ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ – بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون . .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هدف از بیان گرایش بنی اسرائیل به پرستش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسی در آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۶ – ۵

۵ – بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۱ – ۱۹

۱۹ – بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابوعمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : < الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . . . فاذکرونی أذکرکم و اشکروا لی و لاتکفرون . . . ;

وجه سوم از اقسام

کفر، کفران نعمت است و این است سخن خداوند که می فرماید: . .. فاذکرونی أذکرکم واشکروا لی و لاتکفرون ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۰ – ۵،۶

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

۶ گرایش به شرک ، ناسپاسی به نعمت های خداوند است .

قال أغیر اللّه أبغیکم إلهاً و هو فضلکم علی العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۰ – ۳۱

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحیه انسان به خویشتن

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۳۸ – ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پیامبران و معلمان توحید ، ناسپاسند .

ذلک من فضل الله علینا و علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

شکر، در برابر نعمت است و نعمتهایی که آیه مورد بحث گویای آن است عبارت است از: ۱توحید (ما کان لنا أن نشرک . ..)، ۲ وجود پیامبران به عنوان معلمان توحید و بیانگران شریعت و آیین الهی (ملّه آبائی ابراهیم ...). برداشت فوق، ناظر به دومین نعمت یاد شده در آیه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۱۱

۱۱– < قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن کفار ؟ قال : لا و

لكنّ كما قال الله : < ألم تر إلى الذين بدّلوا نعمت الله كفراً و أحلّوا قومهم دار البوار > . . . ;

هارون به امام كاظم(ع) گفت [آيا]ما كافريم؟ آن حضرت فرمود: خير بلكه آن گونه [هستيد] كه خدا مى فرمايد: <ألم تر إلى الذين بدّلوا نعمت الله كفراً . ..>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۸

۱۸- سرشت انسان با نوعى از ظلم به خويشتن و ناسپاسى عجين است .

إنّ الإنسن لظلوم كفّار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۵

۱- شرك ربوبى رهيدگان از ناگوارى ها ، كفران نعمت هاى خداوند است .

بربّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

<لام> در <ليكفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراين معنا چنين مى شود: عاقبت شرك آنان، كفران نعمتها شد. لازم به ذكراست به تناسب <ما ءاتيناهم> مراد از <يكفروا> كفران است.

۵- مشركان ناسپاس ، على رغم كفران نعمت هاى الهى ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حيات داده مى شود .

بربّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرك به خدا ، كفران نعمت هاى اوست .

أفبنعمه الله يجحدون

برداشت فوق با توجه به اين نكته است كه مخاطبان آيه مشركان مكه مى باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۲ – ۱۲

۱۲– نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست

.

و الله جعل لكم . .. بنعمت الله هم يكفرون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۳ – ۵

۵- پرستش غير خدا ، ايمان به باطل و كفران نعمت هاى الهى است .

أفبالبطل يؤمنون و بنعمت الله هم يكفرون . و يعبدون من دون الله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۳ – ۳

۳- تكذيب رسولان و رهبران الهى ، ناسپاسى نعمت هاى خداوندى است .

فكفرت بأنعم الله . .. و لقد جاءهم رسول منهم فكذّبوه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۴ – ۶،۷

۶- استفاده از چيز هاى حرام ، كفران نعمت هاى الهى است .

يأتيها رزقها رغدًا من كلّ مكان فكفرت بأنعم الله . .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللا

برداشت فوق، بنابراين احتمال است كه <كلو ممّـا . .. حلالاًـ طيّباً> اشاره داشته باشد به اينكه كفران ياد شده در آيه قبل، استفاده از حرام بوده است.

۷- تحريم روزى هاى حلال و دلپذير و بهره نگرفتن از آنها ، كفران نعمت هاى الهى است .

فكفرت بأنعم الله . .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللًا طيبًا

با توجه به اينكه آيه بعد، خوردنيهاى حرام را در چند چيز محدود كرده است، معلوم مى شود كه مراد از <كفران> حرام كردن حلالها و استفاده نكردن از آنهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۷ – ۳،۵،۷

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

۵- تبذیر (ریخت و پاش

و به هدر دادن امکانات) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبذّرين كانوا إخون الشيطين و كان الشيطن لربّه كفورًا

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كان الشيطن لربّه كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۸

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی مانندی آن ، ناسپاسیی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا للناس فى هذا القرءان من كلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶،۸،۹

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس دربرابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إنّ الشيطن كان للرحمن عصيًّا

<عصیّ> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

۸- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است .

لاتعبد الشيطن إنّ الشيطن كان للرحمن عصيًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه براین نام در جمله <کان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله <لاتعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

۹- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لاتعبد الشيطن إنّ الشيطن كان للرحمن عصيًّا

- فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إنّ اللّه یدفع . .. إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های او است .

و قال الملأ من قومه الذین کفروا . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

عبارت <و أترفناهم> حال است برای فاعل <کفروا>; یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. و لو رحمنهم ... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - شرك و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من یدع مع اللّه . .. إنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و

لقد صرّفنه بينهم ليذّكّروا فأبى أكثر الناس إلاّ كفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آيه شريفه در مكه است كه نيمه نخست دوران بعثت در همين شهر سپرى شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - < عن أبى عبداللّه (ع) قال : . . .الوجه الثالث من الكفر النعم و ذلك قوله تعالى يحكى قول سليمان < هذا من فضل ربّى ليبلونى ءأشكر أم أكفر . . . > ;

از امام صادق(ع) روايت شده است:. ..قسم سوم از اقسام كفر، كفران نعمت ها است و اين سخن خداوند متعال است كه از زبان سليمان(ع) حكايت مى كند: <...ليبلونى ءأشكر أم أكفر>».

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۵

۵ - بازگشت رهيدگان از ناملايمات ، به شرك ، كفران نعمت هاى خدا است .

فلمّا نجّيهم إلى البرّ إذا هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - مشركان مكه ، به خاطر ناسپاسى نعمت هاى الهى ، از سوى خداوند سرزنش شدند .

أَوَلم يروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا . .. أفبالبطل يؤمنون و بنعمه اللّه يكفرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۲

۲ - بازگشت رهيدگان از ناملايمات به شرك ربوبى ، كفران نعمت هاى خداوند است .

بربّهم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم

به قرينه <ما آتيناهم> مراد از <ليكفروا> كفران نعمت است.

- آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۶ - ۱۸

۱۸ - انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلّکم تشکرون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فإنّ اللّه غنیّ حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین ونیازمند به تذکر است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أنّ اللّه . .. و أسبغ علیکم نعمه ... و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر

ذکر <و من الناس. ..> پس از بیان آیات خداوند که از جمله آنها وُفورِ نعمت بود می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ – شرك و بت پرستی ، كفران نعمت های الهی است .

أفلايشكرون . و

اتّخذوا من دون اللّه ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید; یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ - شرک به خدا و اطاعت از غیر او ، کفران نعمت خدا و ناسپاسی او است .

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. إنّ اللّه لایهدی من هو کذب کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - کفر و شرک ، کفران نعمت های الهی است .

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که مقصود از کفر در <إن تکفروا> به قرینه مقابله با <إن تشکروا. ..> کفران نعمت و ناسپاسی است. بنابراین یاد کردن خداوند از کافران و مشرکان به ناسپاسان، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۹،۱۵

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف های خداوند ، موجودی ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه

۱۵ - شرک به خداوند ، کفران نعمت های الهی است .

ثمّ إذا خوّله نعمه منه . .. و جعل للّه أندادًا

<ندّ> (مفرد <انداد>) به معنای مثل و نظیر است و مقصود از آن شریک در کار خداوند

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۹ – ۱۷

۱۷ – برخورداری از آسودگی ها و نعمت ها به همراه غفلت از یاد خدا و ناشکری ، محنت زا و بلاآفرین است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم بل هی فتنه

یکی از موارد کاربرد <فتنه>، محنت و بلاـ است و برداشت بالاـ مبتنی بر این معنا است. بر این اساس می توان گفت: برخورداری از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلا خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۱۳،۱۵

۱۳ – ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترك میان آنان

إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن أکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۵ – عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او ، کفران نعمت های الهی است .

قال ربّکم ادعونی أستجب لکم . .. اللّه الذی جعل لکم الّیل ... و لکنّ أکثر الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۱۴

۱۴ – غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی . .. و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إنّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشتن را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۲۰

۲۰ – نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

خداوند باتصریح به <بما قدّمت أیدیهم>، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۹ – ۸

۸ – ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور . .. یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۷

۷ – پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . .. إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا

می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۴ - ۳

۳ - نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۰ - ۴

۴ - نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء . .. فلولا تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۳ - ۶

۶ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < إلاّ من تولّی و کفر > یرید من لم یتعظ و لم یصدّقک و جحد ربوبیتی و کفر نعمتی . . ;.

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلاّ من تولّی و کفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۷ - ۶

۶ - گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند

و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلاّ إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۱،۷

۱ - انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسن لربّه لکنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم . .. و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶،۹

۵ ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران ، محروم از محبّت الهی

و اللّه لا یحبّ کل کفّار اثیم

۶ رباخواران ، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبّت الهی

یمحق اللّه الرّبوا . .. و اللّه لا یحبّ کلّ کفّار

اثیم

کلمه <کفّار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثیم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

۹ رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

یمحق اللّه الرّبوا . .. و اللّه لا یحب کلّ کفّار اثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۰

۱۰ کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

و اذکروا نعمت اللّه . .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

بنابراینکه <اکفرتم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۴،۵،۱۱،۱۲،۱۷

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون . .. ما اتیهم اللّه ... و اعتدنا للکافرین

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون النّاس بالبخل . .. و اعتدنا للکافرین

۱۷ بخلورزی ، کفران نعمت

های الهی است .

الذین یبخلون . .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

با توجّه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

کفران نعمت اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۱۱

۱۱ – بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

کفران نعمت انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۳۴ – ۱۳،۱۴

۱۳– انسان در برابر نعمت های بیکران الهی ، بسیار ستم پیشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

<ظلوم> و <کفّار> صیغه مبالغه است و بر کثرت و فراوانی معنای خود دلالت دارد.

۱۴– انسان به خویشتن ستمکار و در برابر نعمت و احسان ، بسیار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرینه بیان نعمتها و داده های الهی به وی، ظلم به خویشتن است.

کفران نعمت در جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض کفران نعمت های الهی پس از آسایش و رفاه مادی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه یأتیها رزقها رغدًا . .. فکفرت بأنعم الله

کفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان

کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کفران نعمت کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲۳ – ۹

۹ – کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

کفران نعمت مرفهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۳،۴

۳ – ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

۴ – همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۷

۷ – همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

کفران نعمت مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۴

۴

– مشرکان ، به رغم کفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۲۰

۲۰ – مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. إنّ اللّه لایهدی من هو کذب کفّار

کفران نعمت مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۷ – ۸

۸ – مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون . .. و بنعمه اللّه یکفرون

کیفر دنیوی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۲

۲– انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر کفران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۷ – ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل . .. ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کیفر کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰

- اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و کان الإنسن کفورًا. أفأمنتم أن یخسف بکم ... أو یرسل علیکم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزی إلّا الکفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

کیفر کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۷،۱۷

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . ان أهل قریه ممّن کان قبلکم کان الله قد أوسع علیهم حتی طغوا فقال بعضهم لبعض : لو

عمدنا إلى شـيء من هذا النقى فجعلناه نسـتنجى به كان ألين علينا من الحجاره فلمّا فعلوا ذلك بعث الله على أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم يدع

لهم شيئاً خلقه الله . . . إلاّ أكله من شجر أو غيره فبلغ بهم الجحد إلى أن أقبلوا على الذى كانوا يستنجون به فأكلوه و هى القريه التى قال الله : < ضرب الله مثلاً قريه كانت آمنه مطمئنّه يأتى ها رزق ها رغداً من كلّ مكان فكفرت بأنعم الله فأذاق ها الله لباس الجوع و الخوف بما كانوا يصنعون > ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه فرمود:. .. قبل از شما اهل قريه اى بودند كه خداوند در زندگى به آنان كشايش داده بود تا اينكه طغيان كردند و بعضى به بعض ديگر گفتند: اگر به چيزى از اين نانها روى آوريم و آن را وسيله استنجا قرار دهيم، براى ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنين كردند، خداوند جنبنده هاى كوچك تر از ملخ را بر سرزمينهاى آنان فرستاد و آنها همه چيزهايى كه خداوند آفريده بود از درخت و غير آن خوردند. در نتيجه سختى به جايى رسيد كه آنان به همان نانهايى كه با آن استنجا كرده بودند، روى آوردند و آنها را خوردند و آن همان قريه اى است كه خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قريه كانت آمنه مطمئنه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشركان ناسپاس ، از سزاى ناسپاسى شان ، مطّلع خواهند شد .

بربّهم يشركون . .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال كفران نعمت هاى خدا و جارى

شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. و مزّقنهم کلّ ممزّق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ماکسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أکفره

مراد از <کفر> در <ماأکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ -

۱۹ – طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا . .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۹

۹ – کفران نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلّا الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۷ – ۶

۶ – سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از ده ها بار تکرار <فبأیّ ءالآء. ..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۴ – ۳

۳ – هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنّا هدینه السبیل . .. إنّا أعتدنا للکفرین ... سعیرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

مراتب کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۶ – ۸

۸ – کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم . .. کذلک نجزی

کلّ کفور

مرفهان کفران کننده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۵

۵ - مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء

<و الـذین ظلموا من هؤلاـء>، هر چنـد اشاره به مرفهان ناسـپاس در آغاز، بعثت دارد; ولی آیه شـریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

مشکلات کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه . .. لیقولنّ هذا لی

مکر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۶

۱۶ - منکران آیات الهی ، جز دغلکاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بأیتنا إلاّ کلّ ختّار کفور

ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۷

۷ – ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

منشأ کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۴

۴ – محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا . .. إنّ هؤلاء یحبّون العاجله

موارد کفران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۶

۶ شرك، مصداق کامل ناسپاسی به درگاه خداوند

است.

لئن أنجنا من هذه لنكونن من الشكرين. قل الله ينجيكم ... ثم أنتم تشركون

روشن است که مصادیق ناسپاسی آدمی فراوان است. کاربرد جمله <ثم أنتم تشرکون> به جای <تکفرون> و یا <ما تشکرون> به این نکته اشعار دارد که شرک بارزترین مصداق ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۷ - ۸

۸ پیروی از ابلیس، ناسپاسی در برابر خداوند است.

ثم لأتینهم من بین أیدیهم . .. و لاتجد أكثرهم شكرين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۲ - ۱۵

۱۵ - رویکرد به خدا در بلا ها و اعراض از او پس از نجات ، دغلکاری و ناسپاسی است .

فلمّا نجّیهم إلی البرّ . .. و ما يجحد بأيتنا إلاّ كلّ ختّار كفور

موارد کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لاتتبعوا من دونه أولياء . .. قليلا ما تشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجيتنا من هذه لنكوننّ من الشكرين. فلما أنجيهم إذا هم يبغون فی الأرض بغير ال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۶۰ – ۱۰

۱۰ تحريم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. إن اللّه لذو فضل

على الناس و لكن أكثرهم لايشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ايجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عين برخورداری از رفاه و آسايش ، كفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوّأنا بنی إسرءيل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتى جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتكاب گناه ، ناسپاسی و كفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لايفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۵

۲۵ شرك ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لكنّ أكثر الناس لايشكرون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۷ - ۱۴

۱۴- < عن الصادق (ع) : . . . إن الكبائر . . . كفران النعمه < و لئن كفرتم إن عذابی لشديد > . . . ;

از امام صادق(ع) روايت شده است كه در بيان گناهان كبيره فرمود: . .. همانا از گناهان كبيره ... كفران نعمت است [خداوند می فرمايد]: و لئن كفرتم إن عذابی لشديد...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا . .. و جعلوا لله أندادًا

جمله <و جعلوا لله أنداداً> عطف بر جمله <بدّلوا نعمت الله

. ..> است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۸ – ۷

۷ – به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم . .. أنشأ لکم السمع ... قلیلاً ما تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۶ – ۶

۶ – شرک و عبادت غیرخدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل اللّه فاعبد و کن من الشکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳ – ۹

۹ – پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنّا هدینه السبیل إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۵

۵ – افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

موانع کفران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۰ – ۴

۴ – توجّه به برملا شدن خصلت ها و علاقه ها در قیامت ، بازدارنده انسان از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به ثروت

لکنود . .. أفلایعلم إذا ... و حصّل ما فی الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۱ – ۴

۴ – توجّه

به آگاهی دقیق خداوند از اسرار درونی انسان ، بازدارنده او از خوی ناسپاسی ، بخل و دل بستگی به مال

لكنود . .. لحبّ الخير لشديد . أفلايعلم ... إنّ ربّهم بهم يومئذ لخبير

موانع کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۸ - ۵

۵ - توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أكفره . من أىّ شىء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲۴ - ۴

۴ - توجّه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أكفره . .. فلينظر الإنسن إلى طعامه

چنانچه <کفر> در <ما أكفره> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۰ - ۳

۳ - توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أكفره . .. فلينظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳ – توجّه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما

أکفره . .. و فکهه و أبًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۵

۵ – توجّه به ربوبیت و مدبّر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لربّه لکنود

تقدیم <لربّه>، بیانگر اهتمام به آن است; یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند <ربّ> و <مدبّر> او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۳

۳ – لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجّه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دلبستگی شدید به ثروت است .

لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۱

۱ – گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إذا خوّلنه نعمه منّا . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا

مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۱ – ۵

۵ – انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود . .. لحبّ الخیر لشدید . أفلایعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهیِ خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهره‌وری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

ناپسندی کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۸ - ۶

۶- ناسپاسی به پرورش دهنده خویش ، ناشایست و ناپسند است . *

الذین کفروا بربّهم أعملهم کرماد اشتدّت به الریح

اضافه <رب> به ضمیر <هم>، که مرجع آن <الذین کفروا> است، احتمالاً اشاره به این دارد که آنان به پروردگار خود کافر شدند و از این رو اعمالشان حبط شد. چنین اضافه ای می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۱ - ۸

۸ - ناسپاسی کردن و کفر ورزیدن ، به هنگام مواجه شدن با امور ناخوشایند ، امری ناپسند و مذموم است .

و لئن أرسلنا . .. یکفرون

آیه، در صدد سرزنش کسانی است که با مشاهده بادهای مخرّب ناسپاسی می کنند. از توبیخ و سرزنش، به دست می آید که چنین حالتی، شایسته نیست.

ناپسندی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۷ – ۱۲

۱۲ – ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمه اللّه یکفرون

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لكنود

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتك التى فعلت و أنت من الكفرين

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم . .. فيغرقكم بما كفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۱۵ - ۹،۱۰

۹ - بی توجهی به نعمت های الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام

. .. إنّ الإنسن لكفور مبين

۱۰ – شرك ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنّ الإنسن لكفور مبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۲

۲ – رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إنّ الإنسن لربّه لكنود

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

نهی از کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۸ – ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسی لقومه اذكروا نعمه الله عليكم . .. و قال موسى إن تكفروا أنتم و من ف

وضوح کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۶

۶ – کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إنّ الإنسن لكفور مبين

هلاکت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۷۸

۷ - همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

۸ - مرفهان ناسپاس ، در

معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

یوسف(ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

کفران کنندگان

{کفران کنندگان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۳

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و کان الشیطن لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ - انسان ها در برابر نعمت ها و الطاف خداوند ، موجوداتی ناسپاس اند .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتیته علی علم

مؤثر دانستن دانش و تلاش خود به عنوان عامل اصلی برخورداری، نوعی ناسپاسی در برابر صاحب اصلی نعمت ها (خداوند کریم) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳ – ۲،۱۴

۲ – انسان ها در برابر هدایت الهی دو دسته اند : سپاس گزار و هدایت یافته و یا ناسپاس و هدایت ناپذیر .

إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

۱۴ – < عن جابر بن عبدالله قال رسول الله (ص) : کل مولود یولد علی الفطره حتّی یعبر عنه لسانه ، فإذا عبر عنه لسانه إمّا شاکراً و إمّا کفوراً . . . ;

از جابربن عبدالله [انصاری] روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هر نوزادی بر فطرت [توحید]متولد

می شود، تـا زمانی که زبان او بتوانـد افکار و عقایـد او را تعبیر و ابراز کنـد. در این هنگام یا شاکر است [و پـذیرای توحیـد] یا ناسپاس است [و پذیرای کفر]>.

آسایش طلبی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۴

۴– حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمنتم أن یخسف بکم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسـپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشـند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

اقرار کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۱

۱ – انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إنّه علی ذلک لشهید

امکانات مادی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۵

۵ – مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سـیئات ماکسـبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

انذار کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطرات و مشکلات ، به دچار شدن به خطرات و مهلکه های

دیگر

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أفأمنتم أن یخسف بکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱

۱- هشدار خداوند به حق ناسپاسان رهیده از خطر ، به دچار آمدن در همان مهلکه

أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

بی ارزشی امکانات مادی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰

۲۰ - اندک و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

تداوم عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۷

۷ - عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر ناسپاسان نعمت های الهی

کذلک نجزی کلّ کفور

تشخیص کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۶

۱۶ - آسودگی ها و نعمت ها ، عرصه شناخت سپاس گزاران و ناسپاسان

فإذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّلنه نعمه ... بل هی فتنه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که هر نعمتی، اقتضای شکر وسپاس گزاری دارد. بنابراین آزمایش بودن نعمت های الهی، می تواند در ارتباط با همین مسأله باشد.

تفکر در فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۱،۳

۱- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت شوم ناسپاسان نعمتهایش

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا

۳- خداوند ، فراخوان مردم به تأمل و تفکر در سرنوشت

شوم رهبران کفر و ناسپاسی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

برداشت فوق به خاطر این نکته است که به نابودی کشاندن و دچار سرنوشت شوم ساختن مردم (أحلّوا قومهم دار البوار) کار سردمداران کفر و رهبران جامعه است، نه مردم عادی.

تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۷

۷ - شرک پیشگان ناسپاس ، مورد تهدید خداوندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۹ - ۴

۴ - معاد ، تهدیدی برای مال دوستان و ناسپاسان

لکنود . .. لحبّ الخیر لشدید . أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

خطر عذاب کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۸

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

خطر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۹

۹ – خطر نفوذ و تأثیرگذاری گروه های گناه پیشه و ناسپاس ، در رهبران جامعه ایمانی

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

رذایل کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۶

۶ – کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لکنود

زیادی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶

۱۱ - انسان های شاکر ، اندک اند و انسان های ناسپاس بسیار .

إمّا شاکرًا و إمّا کفورًا

طبق باور برخی از مفسران، آمدن <شاکر> به صورت اسم فاعل و <کفوراً> به صورت صیغه مبالغه، می تواند گویای این حقیقت باشد که انسان هایی که به صورت کامل سپاس گزار نعمت هدایت باشند، در اقلیت بوده و افراد ناسپاس بسیاراند.

سرزنش کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - سرزنش خداوند از ناسپاسانِ نعمت هایش در روی زمین

و ءایه لهم الأرض المیته أحیینها. .. أفلایشکرون

استفهام در جمله <أفلایشکرون> انکاری است و این جمله درصدد تقبیح و توبیخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۵

۵ - ناسپاسان نعمت های الهی ، مورد سرزنش خداوند

و لهم فیها منفع و مشارب أفلایشکرون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه در مقام سرزنش ناسپاسان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۲ - ۴

۴ - نکوهش خداوند از قشر مرفه و ناسپاس ، به خاطر ناآگاهی آنان از مشیت و تقدیر الهی در رزق و روزی انسان ها

أوَلم یعلموا أنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء و یقدر

استفهام در <أوَلم یعلموا. ..> از نوع استفهام انکاری توبیخی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لکنود

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۱ – ۴

۴ مردمان ناسپاس مورد سرزنش خداوند

و إذا أذقنا الناس رحمه . .. إذا لهم مکر فی ءایاتنا

صفات کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۴

۴– حق ناسپاسان ، انسانهایی لحظه نگر و فریفته آرامش و امنیتند .

أفأمنتم أن یخسف بکم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه

برداشت فوق بر این اساس است که حق ناسپاسان به صِرف نجات یافتن از امواج دریا، به آرامش مقطعی خویش دلخوشند و در نتیجه از یاد خدا غافل می شوند.

ضعف کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۳ – ۷

۷– بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

ظلم کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۵

۵ – مرفهان و برخورداران ناسپاس جامعه ، از ستمگران اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء

<و الـذین ظلموا من هؤلاء>، هر چنـد اشاره به مرفهان ناسپاس در آغاز، بعثت دارد; ولی آیه شریفه بیانگر حکمی عامی و فراتر از مورد خاص نزول می باشد.

عبرت از فرجام کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۲،۴

۲- سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلی

الذين بدّلوا نعمت الله كفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

۴- سرنوشت شوم رهبران و سردمداران کفر و ناسپاسی ، درخور تأمل و شایسته پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین . .. أحلّوا قومهم دار البوار

عذاب کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۸

۸ – قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

علم کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۶ – ۸

۸ – مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۲

۲ – تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی

ذلك لشهيد

عمل كفران كنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

عوامل تهدید کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۰ - ۵

۵ - صحنه برملا شدن راز ها و نیت های پنهان ، هول انگیز و تهدیدی برای ناسپاسان و مال دوستان

أفلایعلم إذا . .. و حصّل ما فی الصدور

غفلت کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۴

۴ - انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه . .. لیقولنّ هذا لی

فرجام شوم کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۷

۱۷ - ثروت اندوزان قارون صفت و ناسپاس ، در معرض گرفتار شدن به فرجام شوم قارون

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۸ – ۲

۲– سرنوشت شوم ناسپاسان و قدرناشناسان نعمت های الهی ، شایسته تأمل و تفکر و درخور پند و درس آموزی

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

فرجام کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۷۸

۷ – همسانی سرنوشت هلاکت بارِ

مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

۸ - مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۸

۸- رهبران و سردمداران کفر و شرک در مکه ، افرادی ناسپاس و عامل اصلی سقوط و بدبختی مردم بودند .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا و أحلّوا قومهم دار البوار

با توجه به اینکه آیه فوق در مکه نازل شده است، می توان استفاده کرد که مصداق مورد نظر آیه <الذین بدّلوا . .. و أحلّوا قومهم> سران کفر و شرک، همچون ابوجهل و ابولهب است.

کفران کنندگان در سختی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۷

۷- بروز ضعف و ناتوانی ناسپاسان رفاه زده ، در مواجهه با سختیها

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه و إذا مسّه الشرّ کان یوسًا

کفران کنندگان نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۴ - ۱۷

۱۷ واپسگرایی و ارتداد ، کفران نعمتِ رسالت انبیا و هدایت الهی است .

و من ینقلب علی عقبیه . .. و سیجزی اللّه الشّاکرین

مفهوم جمله <و سیجزی اللّه الشّاکرین> این است که مرتدان، ناسپاس هستند، و به مناسبت حکم و موضوع، این ناسپاسی در ارتباط با رسالت انبیا و هدایت الهی است.

کیفر

دنیوی کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۲

۲– انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۸ – ۴

۴– کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و کان الإنسن کفورًا. أفأمنتم أن یخسف بکم ... أو یرسل علیکم حاصبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۸

۸ – خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزی إلّا الکفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

مشکلات کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۴

۴ – انسان ناسپاس و خودخواه ، غافل از گشایش های خداوند برای او در شداید و مشکلات

و لئن أذقنه . .. ليقولنّ هذا لی

مکر کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ – منکران آیات الهی ، جز دغلکاران ناسپاس نیستند .

و ما یجحد بأیتنا إلّا کلّ ختّار کفور

ممنوعیت اطاعت از کفران کنندگان

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۴ – ۷

۷ – ممنوعیت اطاعت از گناه پیشگان و ناسپاسان کافر

و لاتطع منهم ءاثمًا أو کفورًا

موجبات عذاب کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۱

۱ – گرفتار شدن قشر مرفه و ناسپاس ملت های گذشته به عذاب و پیامد های ناگوار رفتار بد خود

إذا خوّلنه نعمه منّا . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا

ناپایداری امکانات کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۸ – ۲۰

۲۰ – اندک و ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

هلاکت کفران کنندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۷۸

۷ – همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

۸ – مرفهان ناسپاس ، در معرض عذاب و سرنوشت هلاکت بار خویش اند .

و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیّئات ماکسبوا

کفران نعمت

آثار اجتماعی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۶،۹،۱۲،۱۴

۶- مبتلا شدن جامعه به فقر ، گرسنگی و ناامنی ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۹- ابداع روش های جدید برای گناه و استمرار آن و نیز ناسپاسی

در برابر خدا ، عامل پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی اجتماعی

فکفرت بأنعم الله . .. بما کانوا یصنعون

برداشت فوق، با توجه به واژه <یصنعون> که دربردارنده معنای ابداع و ایجاد مسبوق به عدم است، استفاده گردید.

۱۲- گناهان و ناسپاسی های اجتماعی ، دارای آثار شوم برای کل جامعه

قریه کانت ءامنه . .. فکفرت ... فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

۱۴- روی آوری فقر ، گرسنگی و ناامنی به شهر مکه پس از آبادانی آن ، در نتیجه کفران نعمت های الهی

ضرب الله مثلاً قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما ک

برداشت فوق چنان چه عده ای از مفسّران گفته اند بنابراین احتمال است که مورد مثال آیه، قحطی شهر مکه باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۹ – ۸

۸ – کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده گسیختگی زمام جامعه و از هم فروپاشی آن

و اشکروا له . .. فأعرضوا ... و مزّقنهم کلّ ممزّق

آثار اجتناب از کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۴ – ۸

۸- تداوم رفاه و آسایش و حیات اقتصادی جوامع ، در پرتو بهره گیری از روزی های حلال و استفاده بهینه از آنها و اجتناب از کفران است .

و ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله ... فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیب

<فاء> در <فکلوا. ..> برای تفریع این جمله به آیات پیشین است; یعنی، از روزیهای حلال و دلپذیر استفاده کنید و شکر نعمت خدا را به جا

آورید تا گرفتار سرنوشت مردمی نشوید که آنان در اوج رفاه و آسایش بودند; ولی در اثر کفران نعمت، دچار عذاب شدند.

آثار کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۸

۸ - غفلت از یاد خدا و ناسپاسی نعمتهایش ، به منزله انکار اوست .

فاذکرونی . .. واشکروا لی و لاتکفرون

نهی از کفرورزی و انکار خدا (لاـتکفرون) - پس از فرمان دادن به ذکر و سپاس او - می رساند که: غفلت از یاد خدا و ناسپاسی در برابر او، آدمی را به کفرورزی و انکار خدا می کشاند و یا خود به منزله کفر و انکار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۴

۴ کفر به خدا ، و ناسپاسی نعمت های او ، موجب گرفتار شدن انسان به عذاب الهی

ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۸ - ۱۸

۱۸ ناسپاسی در برابر نعمت های خدا با گرایش به معبودانی دروغین ، نشانه جهل آدمی است .

و جوزنا ببنی إسرءیل البحر . .. قال إنکم قوم تجهلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۱ - ۲۲

۲۲ < عن علی بن الحسین (ع) یقول : الذنوب التی تغیر النعم ، البغی علی الناس و الزوال عن العاده فی الخیر ، و اصطناع المعروف ، و کفران النعم ، و ترک الشکر . قال الله عزوجل :

< إن الله لايغيّر ما بقوم حتى يغيّروا ما بأنفسهم > . . . ;

از امـام زين العابـدين(ع) روايت شـده است كه مى فرمود: گناهانى كه موجب تغيير نعمتها مى شونـد عبارتنـد از: سـتمگرى بر مردم، دورى از عادت به كار خير و از انتخاب كردار نيك، كفران نعمتها و ترك شـكرگزارى. خداوند عزوجل فرموده: إن الله لايغيّر ما بقوم حتى يغيّروا ما بأنفسهم>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۷ - ۱،۲،۳،۵

۱- پيامبر (ص) موظف به يادآورى اعلام الهى به مردم به اينكه : هر كس سپاسگزار باشد ، قطعاً نعمتش فزونى مى يابد و هر كس كفران نمايد ، دچار عذاب شديد مى گردد .

و إذ تأذّن ربّكم لئن شكرتم لأزيدنّكم و لئن كفرتم إن عذابى لشديد

<و إذ تأذّن> عطف بر <إذ قال> است كه در آن <اذكر> در تقدير است و مخاطب پيامبراكرم(ص) مى باشد.

۲- موسـى (ع) از قوم خود خواست تا به ياد فرمان و توصـيه خداوند باشند كه هر كس شكرگزارى نمايد خداوند نعمتش را افزون مى كند و هر كس كفران نمايد دچار عذاب شديد خواهد شد .

اذكروا نعمه الله عليكم . .. و إذ تأذّن ربّكم لئن شكرتم لأزيدنّكم و لئن كفرتم إن

اين برداشت مبتنى بر اين نكته است كه <إذ تأذّن> مقول قول موسى(ع) و عطف به <اذكروا نعمه الله> باشد.

۳- افزايش نعمت در صورت شكرگزارى و تهديد به عذاب در صورت كفران نعمت ، مقتضاى ربوبيت الهى

و إذ تأذّن ربّكم لئن شكرتم لأزيدنّكم و لئن كفرتم إن عذابى لشديد

۵- شكر نعمت رهايى از نظام

ظالمانه ، موجب فزونی و بقای آن نعمت شده و کفران آن ، مایه از دست رفتنش می شود .

إذ أنجکم من ءال فرعون . .. و إذ تأذّن ربّکم لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۳

۳- کفران نعمت های خداوند هیچگونه زیانی به او نمی رساند .

إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا

مراد از <إن تکفروا> به قرینه <و لئن کفرتم>که به معنای کفران بود، می تواند ناسپاسی در برابر نعمتهای خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۸ - ۷

۷- ناسپاسی نعمت ها موجب هلاکت و سرنوشت شوم است .

ألم تر إلی الذین . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۲،۱۷

۱۲- روحیه ستم پیشگی و ناسپاسی انسان ، فلسفه دریغ نمودن خداوند از برآوردن تمامی درخواست ها و تقاضا های او

و ءاتیکم من کلّ ما سألتموه . .. إنّ الإنسن لظلوم کفّار

برداشت فوق بر این اساس است که <من> در <من کلّ> برای تبعیض و مقصود از سؤال درخواست زبانی باشد و نیز جمله <إن الإنسان لظلوم کفّار> تعلیل برای جملات پیشین باشد.

۱۷- کفران و ناسپاسی نعمت های الهی ، ظلم به خویشتن است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱۳

۱۳- ناسپاسی نعمت ها ، موجب سلب آنها و شکر گزاری

، عامل بقای آنهاست .

قریه کانت ءامنه مطمئنّه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

از مفهوم آیه استفاده می شود که اگر آنان ناسپاسی انجام نمی گرفت، نعمتها سلب نمی شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۷

۱۷ - طغیان گری در استفاده از نعمت ها (ناسپاسی ، اسراف و . . .) ، زمینه ساز فرا رسیدن غضب الهی و سیطره یافتن آن بر انسان است .

کلوا . .. و لاتطغوا فیه فیحلّ علیکم غضبی

<یحلّ>; یعنی، <ینزل> و نزول و اقامت غضب، کنایه از استقرار کامل آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۶

۲۶ - کفران و ناسپاسی نعمت حاکمیت دین داران و امنیت در پناه دین ، نشان فسق و تبه کاری و خروج از راه حق و صواب است .

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم . .. لیستخلفنّهم ... و لیمکّننّ لهم دینهم ... یعبدون

<فسق> به معنای عصیان و ترک فرمان های الهی و خروج از راه حق است (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۵ - ۳

۳ - کفران نعمت های الهی ، درپی دارنده عذاب و کیفری سخت

و اتّقوا الذی أمدّکم . .. إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۰

۲۰ - بازتاب سپاسگزاری و کفران انسان در برابر نعمت های خدا ، تنها متوجه خود او است .

و

من شکر فإنّما یشکر لنفسه و من کفر فإنّ ربّی غنیّ کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۱۰

۱۰ - بنای خداوند بر فضل و رحمت نسبت به خلق و ناسپاسی های مردم زمینه ساز عذاب

و إنّ ربّک لذو فضل . .. و لکنّ أکثرهم لایشکرون

مقدم شدن <فضل و رحمت> بر <شکر و ناسپاسی> می رساند که فضل الهی، دارای اصالت و خواست خدا است; ولی این ناسپاسی ها است که مردم را از آن محروم می سازد و سبب نزول عذاب می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۱۴،۱۵

۱۴ - آگاهی یافتن آرزومندان مال و ثروت به پی آمد شوم ناسپاسی در برابرنعمت های الهی ، با مشاهده نگون بختی قارون

ویکأنّه لایفلح الکفرون

<کفر> (مصدر <کافرون>) در این جا مقابل <شکر> و به معنای ناسپاسی است. جمله <و یکأنّه لایفلح الکافرون> اعتراف دنیاطلبان به ناسپاسی خود در مقابل خدا است و اشاره به علت هلاکت قارون دارد.

۱۵ - ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، درپی دارنده هلاکت انسان و نابودی ثروت وی

فخسفنا به و بداره الأرض . .. ویکأنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال

دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۵ - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له . .. فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم... ذلک جزینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۱۲،۱۰،۴

۴ - برنتابیدن وفور نعمت و امنیت و آسایش ، ستم بر خویش است .

و جعلنا بینهم و بین القری التی برکنا فیها قرًی ظهره . ..سیروا فیها ... ءامنین

۱۰ - تارومار شدن کامل قوم سبأ در پی کفران آنان ، به دست خداوند بود .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه جنّتان . .. بلده طیبه ... فقالوا ربّنا بعد بین أسفا

۱۲ - قصه مردم سبا و فروپاشی کامل آنان در پی کفران نعمت های الهی ، دربردارنده آیات خدا برای صبرپیشگان شکرگزار است .

إنّ فی ذلک لأیت لکلّ صبّار شکور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۱

۲۱ - دروغ پردازی و ناسپاسی ، باعث محرومیت از هدایت الهی

إنّ اللّه لایهدی من هو کذب کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالاـ به خاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسی است; زیرا آیه شریفه درباره همین موضوع است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۲۰،۲۱،۲۳

۲۰ - اندك و

ناپایدار بودن بهرهوری کافران و ناسپاسان ، در سایه کفر و ناشکری خویش

قل تمتّع بکفرک قلیلاً

۲۱ - شرک و ناسپاسی خدا ، موجب گرفتاری به آتش جهنم

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

۲۳ - بهره های دنیایی تحت لوای کفر و ناسپاسی خدا ، در مقایسه با عذاب دایمی دوزخ بسی اندک و ناپایدار است .

قل تمتّع بکفرک قلیلاً إنّک من أصحب النار

جمله <إنّک من أصحاب النار> برای تعلیل و بیان چرایی ناچیز بودن و ناپایداری بهره دنیایی شرک و ناسپاسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۸

۸ - قشر مرفه و برخوردار ناسپاس ، در معرض عذاب و پیامد های هلاکت بار ناشکری خود

فما أغنى عنهم ما کانوا یکسبون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این آیه، علاوه بر آن که درصدد موعظه و درس آموزی است، در مقام تهدید و بازدارندگی نیز می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۲

۲ - رفاه مندی و برخورداری از نعمت ها در سایه تلاش و دانش اقتصادی ، در صورت همراه بودن آن با ناسپاسی و غفلت از منشأ خدایی آنها ، هلاکت و بدبختی در دنیا را در پی خواهد داشت .

فما أغنى عنهم ما کانوا یکسبون فأصابهم سیّئات ما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۲ - ۵

۵ - قرآن ، نعمتی از جانب خداوند و کفر به آن نتیجه کبر و ناسپاسی است .

و إذا أنعمنا على الإنسن

. .. ثمّ کفرتم به

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل مطلب یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۱۷

۱۷ – دلخوشی به مظاهر دنیا و کفران و ناسپاسی انسان ، موجب روی گردانی وی از پیام وحی است .

فإن أعرضوا . .. فإنّ الإنسن کفور

جمله <و إنّا إذا . .. کفور> می تواند اشاره به وجه اعراض و روی گردانی کافران از پیام وحی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۴ – ۲

۲ – کفران نعمت هدایت ، موجب عذاب سخت الهی (همچون زنجیر ، غل و آتش) در قیامت

إنّا أعتدنا للکفرین سلسلاْ و أغللًا و سعیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ – کفران نعمت های خداوند ، سرپیچی از فرمان او است .

ما أکفره . .. لمّا یقض ما أمره

چنانچه مراد از کفر در <ما أکفره> کفران نعمت باشد، شکرگزاری نعمت مصداق مورد نظر از <ما أمره> خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۴

۴ – ناسپاسی دشمنان اسلام در برابر ربوبیت خداوند ، دلیل هجوم مجاهدان به صفوف آنان است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۴

۴ - انکار آگاهانه نعمت های خداوند ، از سوی دشمنان اسلام ، دلیل رویارویی سپاه مجاهدان

با صفوف آنان است .

و العديت . .. إنّ الإنسن لربّه لكنود . و إنّه على ذلك لشهيد

اجتناب از كفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۷

۷ - ضرورت پرهيز از كفران نعمت هاى خداوند

و لاتكفرون

برداشت فوق بر اين اساس است كه <لاتكفرون> به تقدير <نعمه> در اصل <و لاتكفروا نعمتى> بوده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۰ - ۳

۳- توجه انسان به مقام و كرامت الهى خويش ، مستلزم پرهيز از ناسپاسى خداوند است .

فيغرقكم بما كفرتم . .. و لقد كرّمنا بنى ءادم

يادآورى كرامت انسانها پس از ذكر ماجراى كسانى كه پس از رهايى از خطر مرگ به كفران نعمتهاى الهى روى آوردند; مى تواند مذمتى باشد براى آنان و نيز به انسانها توجه بدهد كه كرامت انسانى مستلزم اجتناب از كفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۲ - ۱،۲

۱ - تأكيد هود (ع) بر تقواى الهى و پرهيز از ناسپاسى در برابر خداى نعمت بخش

و اتّقوا الذى أمدّكم بما تعلمون

<إمداد> (مصدر <أمدّكم>) به معناى كمك كردن و <ما> در <بما تعلمون> كنايه از نعمت هايى است كه تفصيل آن در آيات بعد آمده است. متعلق <تعلمون> به خاطر رعايت فاصله آيات حذف شده و تقدير آن چنين است: <أمدّكم بما تعلمون أنّها من إمداده>.

۲ - لزوم پرهیز از مخالفت و ناسپاسی در برابر خدای نعمت دهنده

و اتّقوا الذی أمدّکم

اقرار به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۷ – ۱

۱ – انسان های ناسپاس ، خود معترف و گواه بر خصلت ناروای خویش اند .

و إنّه علی ذلک لشهید

انذار از کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۱۱

۱۱– هشدار خداوند به ملت های متنعم و مرفه دارای امنیت ، نسبت به کفران نعمت های او

قریه کانت ءامنه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا ی

حرمت کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۱۴

۱۴ حرمت پنهان سازی نعمت های الهی به جهت ترک احسان

و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

ذکر آثار کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۴ – ۹

۹– توجه به تأثیر کفران در نابودی نعمت ها ، باعث قناعت و بسنده کردن انسان به روزی های حلال و دلپذیر و استفاده بهینه از آنهاست .

فکفرت بأنعم الله . .. فکلوا ممّا رزقکم الله حللاً طیبًا و اشکروا

زشتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۸

۸ - مشرکان ناسپاس ، از زشتی کار خود ، آگاهی خواهند یافت .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم ... فسوف یعلمون

زمینه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۱ - ۶

۶ رفاه و آسایش بسیار ، زمینه

ساز روحیه ناسپاسی و کفران

و إذا أذقنا الناس رحمه من بعد ضراء مسّتهم إذا لهم مکر فی ءایاتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۸ - ۱۱

۱۱- انسان ، در معرض کفران نعمت های خداوند قرار دارد .

لعلّکم تشکرون

تعبیر <لعلّکم> می تواند اشاره به غفلت انسانها از شکرگزاری خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۷ - ۸

۸- آسایش و احساس امنیت ، زمینه گرایش انسان به کفران نعمت

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم و کان الإنسن کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۳ - ۱

۱- انسان ، به هنگام برخورداری از رفاه و نعمت های الهی ، به ناسپاسی و خداگریزی می گراید .

و إذا أنعمنا علی الإنسن أعرض و نئا بجانبه

<نئا> به معنای <بَعُـد> (دوری می شود) است و <أعرض و نئا بجانبه> (اعراض کرد و کناره گرفت) کنایه از حق ناسپاسی و گریز از خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۶ - ۱

۱ - کفران نعمت های خداوند و بهره گیری از امکانات دنیوی ، حاصل و عاقبت شرک مشرکان است .

هم يشركون . ليكفروا بما ءاتينهم و ليتمتّعوا

<لام> در <ليفكروا> احتمال دارد براى تعليل و به معناى <كى> و احتمال دارد براى امر باشـد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است. گفتنى است كه مراد از <يكفرون> در آيه، به قرينه <بما آتيناهم> كفران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - روم - ۳۰

۱ - پیدایش روحیه کفران و ناسپاسی در برابر نعمت های الهی ، پیامد شرک است .

یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

لام در <لیکفروا> لام عاقبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ - انسان ها هنگام رهایی از مشکلات و دستیابی به آسودگی ، موقعیت گذشته خود را فراموش کرده و ناسپاس می شوند .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسی ما کان یدعوا إلیه من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۸ - ۱۳

۱۳ - کفران و ناسپاسی انسان ، به هنگام برخورد با کوچک ترین دشواری در زندگی

و إن تصبهم سیّئه بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

از نکره آمدن <سیّئه> که برای تحقیر است <کوچک ترین دشواری> استفاده شده است.

زیان کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۸ - ۵

۵- فایده شکر نعمت و ضرر و زیان کفران آن به خود انسان باز می گردد .

لئن شکرتم لأزیدنّکم و . .. إن تکفروا أنتم و من فی الأرض جمیعًا فإن الله لغنی حمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۵

۵- آسیب و زیان ناسپاسی توانگران در برابر نعمت های الهی ، دامنگیر خود ایشان است .

فقال . .. أنا أکثر منک مالاً و أعزّ نفرًا ... و هو ظالم لنفسه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۳۱ - ۱۲ - ۱۴

۱۴ - خسارت کفران نعمت الهی ، به خود کفران کننده بازمی گردد .

و من کفر فإنّ اللّه غنیّ

به قرینه مقابله، <و من یشکر. ..> جواب شرط <من کفر> حذف شده است و <إنّ اللّه...> تعلیل برای جواب مقدر است; یعنی، هرکس کفران نعمت کند ضررش به خودش برمی گردد; چون خداوند نیازی ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۷

۷ - نفع و ضرر < ایمان و کفر > و < شکر و ناسپاسی > ، دامنگیر خود انسان ها است ; نه خداوند .

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و إن تشکروا یرضه لکم

سرزنش تداوم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

سرزنش کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم کفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۸ - ۶

۶- ادا نکردن حق نعمت های فراوان خداوند ، نوعی نقصان و کاستی و سزاوار توبیخ و سرزنش است .

و إن تعدّوا نعمه الله لاتحصوها إن الله لغفور رحیم

ذکر <إن الله لغفور>

پس از بیان نعمتهای فراوان خداونـد، احتمال دارد از این جهت باشد که ادا نشدن شایسـته حق نعمتهای خداوند، نوعی نقصان تلقی می شود و از این جهت، مـایه توبیـخ است. عبـارت <إن الله لغفور> بیـان کننـده ضـمنی آن نقصـان و کـاستی است که خداوند آن را مورد بخشایش خویش قرار می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۷ - ۶

۶- تبذیر و کفران نعمت های پروردگار ، عملی بس نکوهیده و ناشایسته است .

إن المبذّرین . .. لربّه کفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۶

۶ - شکر و سپاس گزاری در خور شأن بندگان ، و کفر و ناسپاسی دور از شأن آنان است .

و لایرضی لعباده الکفر و إن تشکروا یرضه لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۶ - ۱۲

۱۲ - کفران نعمت ، از کسی که از کرم (جود و عفو) خداوند برخوردار است ، دور از انتظار و سرزنش بار است .

یأیّها الإنسن ما غرّک بربّک الکریم

سنگینی گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۳

۱۳ - کفر و ناسپاسی ، گناهی سنگین و دامنگیر خود مشرکان و کافران

إن تکفروا فإنّ اللّه غنیّ عنکم . .. و لاتزر وازره وزر أُخری

برداشت بالاـ به خـاطر این نکته است که مقصود از <وزر> در این آیه، کفر و ناسپاسـی است; زیرا آیه شـریفه دربـاره همین

موضوع است.

شگفتی تداوم کفران

نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

شگفتی کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۳ - ۶

۶ - ناسپاسی انسان ها در برابر نعمت های الهی ، امری شگفت آور و به دور از منزلت آدمیان

أفلایشکرون

برداشت یاد شده از همزه استفهام <أفلایشکرون> که برای تعجب است استفاده می شود.

ظلم کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۳۰

۳۰ نادیده گرفتن نعمت های الهی و ناسپاسی خدا ، با ارتکاب گناه ، ظلم است .

إنه ربی أحسن مثوای إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۱ - ۶

۶ - ناسپاسی و نادیده گرفتن نقش خداوند در برخورداری از نعمت ها ، ظلم است .

و الذین ظلموا من هؤلاء

توصیف مرفهان ناسپاس به ستمگران، حاکی از مطلب یاد شده است.

علم به کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۷ - ۲،۳

۲ - تداوم ناسپاسی در انسان ، با وجود آگاهی او از خصلت ناروای خویش ، شگفت آور و سزاوار نکوهش افزون تر

إنّ الإنسن لربّه لکنود . و إنّه علی ذلک لشهید

۳ - خداوند ، در تأکید بر آگاهی دشمنان اسلام از خوی

ناسپاسی خویش ، به اسبان تیزپای مجاهدان ، سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. و إنّه علی ذلک لشهید

عوامل کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۴ - ۹

۹ - شرک ، مستلزم ناسپاسی انسان در برابر خالق و یگانه روزی دهنده خویش

أمّن یبدؤا الخلق . .. و من یرزقکم ... أءله مع اللّه

لحن آمیخته با توبیخ <أءله مع اللّه> نشان دهنده آن است که مشرکان با شرک خویش، کفران خدایی کرده اند که خالق و یگانه روزی دهنده آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۰ - ۹

۹ - ابلیس ، عامل کفران مردم سبأ و برانگیزنده آنان به ظلم به نفس

و لقد صدّق علیهم إبلیس ظنّه فاتّبعوه إلاّ فریقًا من المؤمنین

در عبارت <صدّق علیهم. .. ظنّه> ایجاز به حذف وجود دارد; برای این که صدق ظن، فرع بر دعوت و جواب مثبت دادن مردم است. بنابراین، معلوم می شود که ابلیس از آنان خواسته و آنان نیز او را اجابت نموده و نعمت های خدا را کفران کرده اند.

فرجام کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۱

۱- مَثَل و مانند آوردن خداوند ، برای ترسیم فرجام شوم کفران نعمت های خویش

ضرب الله مثلاً قریه . .. فکفرت بأنعم الله فأذقها ... بما کانوا یصنعون

کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۱ – ۱۲

۱۲ – بنی اسرائیل ، مردمی بسیار ناسپاس

در برابر نعمت های خداوند

فأنجینکم و أغرقنا ءال فرعون . .. ثم اتخذتم العجل من بعده و أنتم ظلمون

هـدف از بیان گرایش بنی اسـرائیل به پرسـتش غیر خدا، پس از بیان نعمتهای بزرگ الهی به آنان، نشان دادن روحیه ناسپاسـی در آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۶ - ۵

۵ - بنی اسرائیل ، مردمانی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

لعلکم تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۱ - ۱۹

۱۹ - بنی اسرائیل ، مردمی ناسپاس در برابر نعمت های ارزشمند الهی (منّ و سلوی)

لن نصبر علی طعام وحد . .. قال أتستبدلون الذی هو أدنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۲ - ۹

۹ - ابوعمرو زبیری از امام صادق (ع) روایت کرده است که آن حضرت فرمود : < الوجه الثالث من الکفر کفر النعم و ذلک قوله تعالی . . . فاذکرونی أذکرکم و اشکروا لی و لاتکفرون . . . ;

وجه سوم از اقسـام کفر، کفران نعمت است و این است سـخن خداونـد که می فرمایـد: . .. فـاذکرونی أذکرکم واشـکروا لی و لاتکفرون ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۰ - ۵،۶

۵ موسی (ع) تمایل قوم خویش را به بت پرستی ، ناسپاسی به نعمت های خداوند دانست .

أغير اللّه أبغيكم إلهاً و هو فضلكم على العلمين

۶ گرايش به شرك ، ناسپاسى به نعمت هاى

خداوند است .

قال أغير اللّه أبغيكم إلهاً و هو فضلكم على العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۳۱

۳۱ تخلف از فرمان خدا و ناسپاسی در برابر نعمت های او ، ظلمی است از ناحيه انسان به خويشتن

و لكن كانوا أنفسهم يظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۲

۲۲ مردم در برابر نعمت وجود پيامبران و معلمان توحيد ، ناسپاسند .

ذلك من فضل الله علينا و على الناس و لكنّ أكثر الناس لايشكرون

شكر، در برابر نعمت است و نعمتهايی كه آيه مورد بحث گويای آن است عبارت است از: ۱توحيد (ما كان لنا أن نشرك . ..)، ۲ وجود پيامبران به عنوان معلمان توحيد و بيانگران شريعت و آيين الهی (ملّه آبائی ابراهيم ...). برداشت فوق، ناظر به دومين نعمت ياد شده در آيه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- < قال هارون لأبی الحسن موسی (ع) نحن كفار ؟ قال : لا و لكنّ كما قال الله : < ألم تر إلى الذين بدّلوا نعمت الله كفراً و أحلّوا قومهم دار البوار > . . . ;

هارون به امام كاظم(ع) گفت [آيا]ما كافريم؟ آن حضرت فرمود: خير بلكه آن گونه [هستيد] كه خدا می فرمايد: <ألم تر إلى الذين بدّلوا نعمت الله كفراً . ..>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۸

۱۸- سرشت انسان با نوعی از ظلم به

خویشتن و ناسپاسی عجین است .

إنّ الإنسن لظلوم كفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۵ - ۱،۵

۱- شرک ربوبی رهیدگان از ناگواری ها ، کفران نعمت های خداوند است .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

<لام> در <لیکفروا> احتمال دارد لام عاقبت باشد. بنابراین معنا چنین می شود: عاقبت شرک آنان، کفران نعمتها شد. لازم به ذکراست به تناسب <ما ءاتیناهم> مراد از <یکفروا> کفران است.

۵- مشرکان ناسپاس ، علی رغم کفران نعمت های الهی ، از آنها برخوردار بوده و به آنان مهلت حیات داده می شود .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۱ - ۱۰

۱۰- شرک به خدا ، کفران نعمت های اوست .

أفبنعمه الله یجحدون

برداشت فوق با توجه به این نکته است که مخاطبان آیه مشرکان مکه می باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۲

۱۲- نادیده گرفتن آثار وجود خداوند در مظاهر هستی ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

و الله جعل لکم . .. بنعمت الله هم یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۳ - ۵

۵- پرستش غیر خدا ، ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی است .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمت الله هم یکفرون . و یعبدون من دون الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۳ - ۳

۳- تکذیب رسولان و رهبران الهی ،

ناسپاسی نعمت های خداوندی است .

فكفرت بأنعم الله . .. و لقد جاءهم رسول منهم فكذّبوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۴ – ۶،۷

۶- استفاده از چیز های حرام ، کفران نعمت های الهی است .

يأتيها رزقها رغدًا من كلّ مكان فكفرت بأنعم الله . .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللا

برداشت فوق، بنابراین احتمال است که <كلو ممّا . .. حلالاً طيّباً> اشاره داشته باشد به اینکه کفران یاد شده در آیه قبل، استفاده از حرام بوده است.

۷- تحریم روزی های حلال و دلپذیر و بهره نگرفتن از آنها ، کفران نعمت های الهی است .

فكفرت بأنعم الله . .. فكلوا ممّا رزقكم الله حللًا طيّبًا

با توجه به اینکه آیه بعد، خوردنیهای حرام را در چند چیز محدود کرده است، معلوم می شود که مراد از <کفران> حرام کردن حلالها و استفاده نکردن از آنهاست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۷ – ۳،۵،۷

۳- شیطان ، کفران کننده نعمت های خداوند است .

و كان الشيطن لربّه كفورًا

۵- تبذیر (ریخت و پاش و به هدر دادن امکانات) ، کفران نعمت های الهی است .

إن المبذّرين كانوا إخون الشيطين و كان الشيطن لربّه كفورًا

۷- ناسپاسی در برابر لطف مربی ، شیوه ای شیطانی است .

و كان الشيطن لربّه كفورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۹ - ۸

۸- انکار قرآن با وجود دلایل حقانیت و بی مانندی آن ، ناسپاسیی بس بزرگ و غیر قابل توجیه است .

و لقد صرّفنا

للناس فی هذا القرءان من کلّ مثل

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <کفور> به معنای کفران نعمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۴ - ۶۸،۹

۶- شیطان ، موجودی بسیار نافرمان در برابر خداوند و ناسپاس و قدرناشناس دربرابر نعمت ها و رحمت واسعه او است .

إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

<عصیّ> برای مبالغه به کار می رود (مصباح).

۸- اطاعت از شیطان ، ناسپاسی و قدرناشناسی رحمت واسعه الهی است .

لاتعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

<رحمن> صیغه مبالغه و از نام های خداوند است. تکیه براین نام در جمله <کان للرحمن...> به منزله تعلیلی بر زشتی کار شیطان است، زیرا عصیان کردن او در برابر دارنده رحمت واسعه و اصرار بر آن نشانه ناسپاس بودن او است. و جمله <لاتعبد...> دلالت دارد که هر کس از شیطان تبعیت نماید، او نیز چنان خواهد بود.

۹- اطاعت و پیروی از گنه پیشگان و سرپیچی کنندگان از فرمان خداوند ، امری ناروا و ناسپاسی نعمت های او است .

لاتعبد الشیطن إنّ الشیطن کان للرحمن عصیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۵

۵ - دشمنی با دین خدا ، خیانت در امانت او و ناسپاسی در برابر نعمت هدایت او است .

إنّ اللّه یدفع . .. إنّ اللّه لایحبّ کلّ خوّان کفور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۳ - ۶

۶ - کفر به یگانگی خدا در عین برخورداری از امکانات دنیوی بارزترین نوع ناسپاسی در برابر نعمت های

او است .

و قال الملأ من قومه الذین کفروا . .. و أترفنهم فی الحیوه الدنیا

عبارت <و أترفناهم> حال است برای فاعل <کفروا>; یعنی، با این که خدا آنان را از امکانات دنیوی برخوردار ساخت، آنها به یگانگی او کفر ورزیدند و به پرستش غیر او رو آوردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۵ - ۸

۸ - ناسپاسی در برابر لطف و رحمت الهی و سوء استفاده از آن ، نمودی از انحراف و گمراهی منکران قیامت

و إنّ الذین لایؤمنون بالأخره . .. و لو رحمنهم ... فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۱۱

۱۱ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های خدا و ناسپاسی در برابر ربوبیت او است .

و من یدع مع اللّه . .. إنّه لایفلح الکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۰ - ۹

۹ اکثر مردم در نیمه نخست بعثت ، نعمت قرآن را قدر نشناخته و بدان بی اعتنایی کردند .

و لقد صرّفنه بینهم لیذّکّروا فأبی أکثر الناس إلاّ کفورًا

برداشت فوق، با توجه به نزول آیه شریفه در مکه است که نیمه نخست دوران بعثت در همین شهر سپری شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۰ - ۲۸

۲۸ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : . . .الوجه الثالث من الکفر النعم و ذلک قوله تعالی یحکی قول سلیمان < هذا من فضل ربّی لیبلونی

ءأشکر أم أکفر . . . > ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است:. ..قسم سوم از اقسام کفر، کفران نعمت ها است و این سـخن خداونـد متعال است که از زبان سلیمان(ع) حکایت می کند: <...لیبلونی ءأشکر أم أکفر>».

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۶ – ۵

۵ – بازگشت رهیدگان از ناملایمات ، به شرک ، کفران نعمت های خدا است .

فلمّا نجّیهم إلی البرّ إذا هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۷ – ۱۰

۱۰ – مشرکان مکه ، به خاطر ناسپاسی نعمت های الهی ، از سوی خداوند سرزنش شدند .

أَوَلم یروا أنّا جعلنا حرمًا ءامنًا . .. أفبالبطل یؤمنون و بنعمه اللّه یکفرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۴ – ۲

۲ – بازگشت رهیدگان از ناملایمات به شرک ربوبی ، کفران نعمت های خداوند است .

بربّهم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم

به قرینه <ما آتیناهم> مراد از <لیکفروا> کفران نعمت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۶ – ۱۸

۱۸ – انسان ها ، به رغم بهره مند بودن از نعمت و فواید باد ، ممکن است از شکر آن نعمت ، سرباز زنند .

و لعلّکم تشکرون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و رجا است استعمال آن در آیه، می تواند به منظور اشاره به نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان -

۳۱ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - کفران نعمت های الهی ، هیچ تأثیری بر خداوند ندارد .

و من کفر فإنّ اللّه غنیّ حمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - انسان ، در معرض ناسپاسی نسبت به نعمت های الهی و حقوق والدین ونیازمند به تذکر است .

و وصّینا الإنسن بولدیه . .. أن اشکرلی و لولدیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۰ - ۱۹

۱۹ - چشم بستن بر مظاهر وجود خدا و پرداختن به جدال های جاهلانه درباره او ، کفرانِ نعمت است .

ألم تروا أنّ اللّه . .. و أسبغ علیکم نعمه ... و من الناس من یجدل فی اللّه بغیر

ذکر <و من الناس. ..> پس از بیان آیات خداوند که از جمله آنها وُفورِ نعمت بود می تواند اشاره به نکته مذکور باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۴ - ۲

۲ - شرک و بت پرستی ، کفران نعمت های الهی است .

أفلایشکرون . و اتّخذوا من دون اللّه ءالهه

از ارتباط میان آیه قبل که از ناسپاسی انسان سخن به میان آورده است و آیه شریفه، برداشت یاد شده به دست می آید; یعنی، شرک و بت پرستی در واقع نوعی ناسپاسی به شمار می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۲۲

۲۲ – شرك به خدا و اطاعت از غیر او ، كفران نعمت خدا و ناسپاسی او

است .

و الذين اتّخذوا من دونه أولياء . .. إنّ اللّه لايهدى من هو كذب كفّار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۳

۳ - كفر و شرك ، كفران نعمت هاى الهى است .

إن تكفروا فإنّ اللّه غنىّ عنكم

برداشت ياد شده به خاطر اين نكته است كه مقصود از كفر در <إن تكفروا> به قرينه مقابله با <إن تشكروا. ..> كفران نعمت و ناسپاسى است. بنابراين ياد كردن خداوند از كافران و مشركان به ناسپاسان، بيانگر مطلب ياد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۸ - ۹،۱۵

۹ - انسان در برابر نعمت ها و لطف هاى خداوند ، موجودى ناسپاس است .

و إذا مسّ الإنسن ضرّ دعا ربّه . .. ثمّ إذا خوّله نعمه منه نسى ما كان يدعوا إليه

۱۵ - شرك به خداوند ، كفران نعمت هاى الهى است .

ثمّ إذا خوّله نعمه منه . .. و جعل للّه أندادًا

<ندّ> (مفرد <انداد>) به معناى مثل و نظير است و مقصود از آن شريك در كار خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۹ - ۱۷

۱۷ - برخوردارى از آسودگى ها و نعمت ها به همراه غفلت از ياد خدا و ناشكرى ، محنت زا و بلاآفرين است .

ثمّ إذا خوّلنه نعمه منّا قال إنّما أُوتيته على علم بل هى فتنه

يكى از موارد كاربرد <فتنه>، محنت و بلاـ است و برداشت بالاـ مبتنى بر اين معنا است. بر اين اساس مى توان گفت: برخوردارى

از آسودگی و نعمت ها، به همراه این تصور که آنها ناشی از دانش بشری است نه لطف الهی، نه تنها برای بشر نعمت نیست; بلکه در دنیا و آخرت نقمت و بلاـ خواهد بود. گفتنی است آیه بعد که از روبه رو شدن مرفهان بی خبر از خدا با عذاب و بدبختی و کارساز نبودن برخورداری های آنان، سخن می گوید مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۱ - ۱۳،۱۵

۱۳ - ناسپاسی ، رفتاری ریشه دار در انسان ها و خصلتی مشترک میان آنان

إنّ اللّه لذو فضل علی الناس و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

تصریح به لفظ <ناس> در جمله <و لکن أکثر الناس لایشکرون> به جای ضمیر <هم> که به <الناس> قبل بازمی گردد می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

۱۵ - عبادت غیر خدا و حاجت خواهی از غیر او ، کفران نعمت های الهی است .

قال ربّکم ادعونی أستجب لکم . .. اللّه الذی جعل لکم الّیل ... و لکنّ أکثر الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۰ - ۱۴

۱۴ - غرور دنیاگرایان ، موجب ناسپاسی آنان نسبت به خداوند

لیقولنّ هذا لی . .. و لئن رجعت إلی ربّی إنّ لی عنده للحسنی

بنابراین که لام در <هذا لی> و <إنّ لی> افاده استحقاق کند، روشن می شود که دنیاگرایان خود را مستحق برخورداری از نعمت های دنیوی و اخروی می دانند و بدین جهت خویشتن را موظف به سپاس گزاری در برابر خداوند نمی بینند.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۸ – ۲۰

۲۰ – نسبت دادن ناگواری ها و سختی های زندگی به خداوند ، کفران و ناسپاسی است .

بما قدّمت أیدیهم فإنّ الإنسن کفور

خداوند باتصریح به <بما قدّمت أیدیهم>، درصدد رفع این اندیشه باطل است که معمولاً انسان های سطحی، مشکلات زندگی خود را به او نسبت می دهند و احتمال نمی دهند که نتیجه کارهای خودشان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۹ – ۸

۸ – ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور . .. یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۷

۷ – پرستش مخلوقات خدا (فرشتگان) و فرزند او انگاشتن آنان ، اقدامی ناسپاسانه و کفرآمیز

و جعلوا له . .. إنّ الإنسن لکفور مبین

با توجه به فضای آیات، می توان استفاده کرد که مشرکان مکه فرشتگان را فرزند خدا می دانستند و آنان را مورد پرستش قرار می دادند. خداوند، پس از یاد کردن نعمت های خویش، این پندار را نمونه بارز ناسپاسی می شمارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۴ – ۳

۳ – نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که

مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۰ – ۴

۴ – نکوهش کافران از سوی خداوند ، به خاطر ناسپاسی آنان در برابر نعمت های الهی

أفرءیتم الماء . .. فلولا تشکرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۲۳ – ۶

۶ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < إلاّ من تولّی و کفر > یرید من لم یتعظ و لم یصدّقک و جحد ربوبیتی و کفر نعمتی . . ;.

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <إلاّ من تولّی و کفر> روایت شده است: مقصود کسی است که موعظه نمی پذیرد و تو را [ای محمد] تصدیق نمی کند و پروردگاری مرا منکر است و نعمت من را کفران می کند. ..>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۷ – ۶

۶ – گرفتاری به طغیان ، برای کسانی که در سایه کرم خداوند و به کمک علوم خدادادی ، به ثروت رسیده و خود را بی نیاز می بینند ، خلاف انتظار و واکنشی ناشایست در برابر نعمت های الهی است .

الأکرم . الذی علّم ... کلاّ إنّ الإنسن لیطغی . أن رءاه استغنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۱،۷

۱ – انسان ، دارای طبیعتی ناسپاس در برابر نعمت های خداوند

إنّ الإنسن لربّه لکنود

<ال> در <الإنسان> برای جنس

است و بر استغراق افراد دلالت دارد. <کنود>، به معنای کفور است. برخی از قبایل عرب، آن را در معنای <عاصی> به کار می برند. اسناد این خصلت به عموم مردم، به معنای گرفتار بودن نوع انسان ها به آن است.

۷ - خداوند ، در تأکید بر ناسپاس بودن نوع انسان ها ، به اسبان تیزپای مجاهدان سوگند یاد کرده است .

و العدیت . .. إنّ الإنسن لربّه لکنود

این آیه و دو آیه بعد که عطف بر آن است، جواب سوگندهایی است که در آغاز سوره آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۴ - ۱۳

۱۳ خودداری از انفاق ، کفران نعمت و ستمگری است .

انفقوا ممّا رزقناکم . .. و الکافرون هم الظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۵،۶،۹

۵ ناسپاسان از نعمت ها و گنهکاران ، محروم از محبّت الهی

و اللّه لا یحبّ کل کفّار اثیم

۶ رباخواران ، ناسپاسانی گنهکار و محروم از محبّت الهی

یمحق اللّه الرّبوا . .. و اللّه لا یحبّ کلّ کفّار اثیم

کلمه <کفّار> (بسیار ناسپاس) و کلمه <اثیم> (فرو رفته در گناه و آلودگی) پس از بیان ربا و رباخواری، اشاره به این معنا دارد که رباخواران از جمله مصادیق انسانهای ناسپاس و آلوده به گناهند.

۹ رباخواری ، ناسپاسی شدید نعمت و گنهکاری است .

یمحق اللّه الرّبوا . .. و اللّه لا یحب کلّ کفّار اثیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۰

۱۰ کفران

و ناسپاسی نعمت های الهی ، موجب روسیاهی در قیامت *

و اذکروا نعمت اللّه . .. فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

بنابراینکه <اکفرتم> به معنای کفران نعمت باشد. و به مقتضای ارتباط با آیات قبل مراد از نعمتهای کفران شده همان نعمتهایی است که در آیات قبل آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۷ – ۴،۵،۱۱،۱۲،۱۷

۴ خداوند کسانی را که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند ، دوست ندارد .

و بالوالدین احساناً . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

۵ فقرنمایی و پنهان سازی نعمت های الهی ، دستاویز بخیلان برای ترک احسان

الذین یبخلون . .. و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله

۱۱ کسانی که به جهت ترک احسان نعمت های الهی را پنهان می سازند ، کافر هستند .

الذین یبخلون . .. ما اتیهم اللّه ... و اعتدنا للکافرین

۱۲ بخیلان و دعوت کنندگان مردم به بخل ، کافر هستند .

الذین یبخلون و یأمرون النّاس بالبخل . .. و اعتدنا للکافرین

۱۷ بخلورزی ، کفران نعمت های الهی است .

الذین یبخلون . .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

با توجّه به معنای لغوی کافر (ناسپاس)، می توان گفت مراد از کافران، ناسپاسان هستند که مصداق آن در آیه، همان بخیلانند.

کفران نعمت اکثریت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۱ – ۱۱

۱۱ – بیشتر مردم ، نسبت به نعمت ها و احسان های خداوند ، شاکر و سپاس گزار نیستند .

إنّ اللّه لذو فضل علی

الناس و لكنّ أكثر الناس لايشكرون

كفران نعمت انسان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۳،۱۴

۱۳- انسان در برابر نعمت هاى بيكران الهى ، بسيار ستم پيشه و ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

<ظلوم> و <كفّار> صيغه مبالغه است و بر كثرت و فراوانى معناى خود دلالت دارد.

۱۴- انسان به خويشتن ستمكار و در برابر نعمت و احسان ، بسيار ناسپاس است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

مقصود از <ظلوم> بودن انسان، به قرينه بيان نعمتها و داده هاى الهى به وى، ظلم به خويشتن است.

كفران نعمت در جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۲ - ۵

۵- قرار گرفتن جامعه در معرض كفران نعمت هاى الهى پس از آسايش و رفاه مادى

قريه كانت ءامنه مطمئنّه يأتيها رزقها رغدًا . .. فكفرت بأنعم الله

كفران نعمت قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سيل بنيان كن و درهم كوبيده شدن باغ هاى دل پذير قوم سبا ، كيفر ناسپاسى و كفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم و بدلّنهم بجنّتيهم . .. ذلك جزينهم بما كفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کفران نعمت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۳ - ۹

۹ - کافران لجوج و دین گریز ، مردمی ناسپاس بوده

و از نعمت شنوایی ، بینایی و تعقّل بهره کافی نبرده اند .

و جعل لکم السمع و الأبصر و الأفئده قلیلاً ما تشکرون

کفران نعمت مرفهان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۰ – ۳،۴

۳ – ناسپاسی انسان ها در برابر آسودگی ها و نعمت های الهی ، دارای پیشینه طولانی در تاریخ قشر مرفه و متنعم جامعه

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

۴ – همسانی طرز تلقی مرفهان ناسپاس از دنیا و نعمت های آن ، و یگانگی موضع آنان در برابر اندیشه توحیدی پیامبران

قال إنّما أُوتیته علی علم . .. قد قالها الذین من قبلهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۷

۷ – همسانی سرنوشت هلاکت بارِ مرفهان ناسپاس ، برای همیشه تاریخ و یکسانی سنت الهی درباره آنان

قد قالها الذین من قبلهم . .. فأصابهم سیّئات ماکسبوا و الذین ظلموا من هؤلاء سیصی

کفران نعمت مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۶ – ۴

۴ – مشرکان ، به رغم کفران نعمت های خداوند ، از امکانات و وسایل آسایش در دنیا ، بهره مندند .

هم یشرکون . لیکفروا بما ءاتینهم و لیتمتّعوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳ – ۲۰

۲۰ – مشرکان ، مردمی دروغ پرداز و ناسپاس

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. إنّ اللّه لایهدی من هو کذب کفّار

کفران نعمت مشرکان مکه

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۶۷ – ۸

۸ – مشرکان مکه ، به نعمت های خداوند ، کفر ورزیدند .

هم یشرکون . .. و بنعمه اللّه یکفرون

کیفر کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۵ – ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۲ – ۷،۱۷

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . ان أهل قریه ممّن کان قبلکم کان الله قد أوسع علیهم حتی طغوا فقال بعضهم لبعض : لو عمدنا إلی شیء من هذا النقی فجعلناه نستنجی به کان ألین علینا من الحجاره فلمّا فعلوا ذلک بعث الله علی أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم یدع لهم شیئاً خلقه الله . . . إلاّ أکله من شجر أو غیره فبلغ بهم الجحد إلی أن أقبلوا علی الذی کانوا یستنجون به فأکلوه و هی القریه التی قال الله : < ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنّه یأتی ها رزق ها رغداً من کلّ مکان فکفرت بأنعم الله فأذاق ها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا یصنعون

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:. .. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطّلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. و مزّقنهم کلّ ممزّق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ -

۵ - ۵۰

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ماکسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أکفره

مراد از <کفر> در <ماأکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند .

و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

گناه کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۱ - ۱۹

۱۹ - طغیان در مورد نعمت های خداوند و خروج از مرز تعادل ، گناهی است بس بزرگ .

و لاتطغوا . .. و من یحلل علیه غضبی فقد هوی

غضب خداوند بر طغیان گران در مورد نعمت ها، نشانه بزرگی گناه آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۹

۹ - کفران

نعمت های الهی ، گناهی بس بزرگ و غیرقابل بخشش در پیشگاه خداوند

و هل نجزی إلّا الکفور

تأکید خداوند بر این که تنها کفران کنندگان نعمت ها، مورد مجازات قرار می گیرند، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۷ - ۶

۶ - سپاس نعمت های الهی و اعتراف به آن ، تکلیفی بس مهم و انکار و ناسپاسی آن ، گناهی بس عظیم

فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از ده ها بار تکرار <فبأیّ ءالآء. ..> در این سوره، می توان برداشت بالا را استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۴ - ۳

۳ - هدایت ، نعمتی است بزرگ و کفران آن ، گناهی عظیم و نابخشودنی است .

إنّا هدینه السبیل . .. إنّا أعتدنا للکفرین ... سعیرًا

از مهیا شدن عذاب سخت برای ناسپاسان نعمت هدایت، برداشت بالا به دست می آید.

مراتب کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۶ - ۸

۸ - کفر ، ناسپاسی شدید است و کافران ، مردمی بس ناسپاس اند .

و الذین کفروا لهم نار جهنّم . .. کذلک نجزی کلّ کفور

منشأ کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۷ – ۴

۴ – محبت و دلبستگی به دنیا ، سرچشمه گناه ، کفر و ناسپاسی است .

و لاتطع منهم ءاثمًا أو كفورًا . .. إنّ هؤلاء يحبّون العاجله

موارد کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ –

اعراف - ۷ - ۱۰ - ۸

۸ تبعیت از ولایتهای غیر الهی و تکذیب آیات خداوند، ناسپاسی نعمتهای اوست.

و لاتتبعوا من دونه أولیاء . .. قلیلا ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۸

۸ بهره جویی های ظالمانه از دنیا ، ناسپاسی در برابر خداست .

لئن أنجیتنا من هذه لنکوننّ من الشکرین. فلما أنجیهم إذا هم یبغون فی الأرض بغیر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱۰

۱۰ تحریم حلال خدا ، ناسپاسی در برابر فضل اوست .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. إن اللّه لذو فضل علی الناس و لکن أکثرهم لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه ، در عین برخورداری از رفاه و آسایش ، کفران و ناسپاسی نعمت های خداوند است .

و لقد بوّأنا بنی إسرءیل مبوّأ صدق . .. فما اختلفوا حتی جاءهم العلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۴

۲۴ ارتکاب گناه ، ناسپاسی و کفران نعمت های الهی است .

قال معاذ الله إنه ربی أحسن مثوای إنه لایفلح الظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۲۵

۲۵ شرک ورزی ، ناسپاسی در برابر خداست .

و لکنّ أکثر الناس لایشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷

۱۴- < عن الصادق (ع) : . . . إن الکبائر . . . کفران النعمه < و لئن کفرتم إن عذابی لشدید > . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است که در بیان گناهان کبیره فرمود: . .. همانا از گناهان کبیره ... کفران نعمت است [خـداوند می فرماید]: و لئن کفرتم إن عذابی لشدید...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۰ - ۱

۱- شرک به خدا ، کفران و ناسپاسی نعمت های اوست .

ألم تر إلی الذین بدّلوا نعمت الله کفرًا . .. و جعلوا لله أندادًا

جمله <و جعلوا لله أنداداً> عطف بر جمله <بدّلوا نعمت الله . ..> است و می تواند بیان و تفسیر برای چگونگی تبدیل نعمت الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۸ - ۷

۷ - به کار نگرفتن عقل در جهت شناخت حق و صراط مستقیم ، مصداق بارز ناسپاسی

و إنّک لتدعوهم إلی صرط مستقیم . .. أنشأ لکم السمع ... قلیلاً ما تشکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۶ - ۶

۶ - شرک و عبادت غیرخدا ، ناسپاسی پروردگار است .

بل اللّه فاعبد و کن من الشکرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۳ - ۹

۹ - پیمودن راه دین ، شکر نعمت خداوند و انحراف از آن ، ناسپاسی او است .

إنّا هدينه السبيل إمّا شاكرًا و إمّا كفورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۵

۵ – افتخار بر دیگران در امتیازات مادی ، کفران نعمت و زمینه ساز گرفتاری به دوزخ پس از حسابرسی است .

ألهیکم التکاثر . .. ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم

موانع کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۸ – ۵

۵ – توجّه انسان به مراحل آفرینش خویش به دست خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت های الهی

ما أکفره . من أیّ شیء خلقه

در برداشت یاد شده، مراد از کفر در آیه قبل کفران نعمت دانسته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۲۴ – ۴

۴ – توجّه به تأمین مواد غذایی انسان از سوی خداوند ، بازدارنده او از کفران نعمت و وادارسازنده او به شکرگزاری است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن إلی طعامه

چنانچه <کفر> در <ما أکفره> به معنای کفران نعمت باشد، ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۰ – ۳

۳ – توجّه به جنگل های انبوه و درختان تناور ، مایه شناخت خداوند و قدرت او و بازدارنده انسان از ناسپاسی و کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. فلینظر الإنسن ... حدائق غلبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۱ - ۳

۳ - توجّه به باغ های میوه و مرغزار ها ، مایه شناخت خدای قادر و بازدارنده انسان از ناسپاسی و

کفرورزی به او است .

ما أکفره . .. و فکهه و أبًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۵

۵ – توجّه به ربوبیت و مدبّر بودن خداوند ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ها است .

لربّه لکنود

تقدیم <لربّه>، بیانگر اهتمام به آن است; یعنی، شگفتا که انسان با آن که خداوند <ربّ> و <مدبّر> او است، به کفران نعمت او رو آورده است!

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۹ – ۳

۳ – لحظه خروج مردگان از قبر ها در قیامت ، وحشت انگیز و توجّه به آن ، بازدارنده انسان از کفران نعمت ، بخلورزی و دلبستگی شدید به ثروت است .

لکنود . .. أفلایعلم إذا بعثر ما فی القبور

مؤاخذه بر کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۱۱ – ۵

۵ – انسان ها در قیامت ، بر کفران نعمت ، بخلورزی و علاقه شدید به ثروت ، مؤاخذه خواهند شد .

لکنود . .. لحبّ الخیر لشدید . أفلایعلم ... إنّ ربّهم بهم یومئذ لخبیر

هشدار به آگاهیِ خداوند از افکار، اسرار و نیت ها، اشاره به مؤاخذه و حسابرسی است.

ناپسندی کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۴ - ۱۶

۱۶- ناسپاسی در برابر نعمت و احسان ، امری بس نکوهیده و ناپسند است .

و إن تعدّوا نعمت الله لاتحصوها إنّ الإنسن لظلوم كفّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹

۱۲ - ایمان به باطل و کفران نعمت های الهی ، اموری نکوهیده اند .

أفبالبطل یؤمنون و بنعمه اللّه یکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۶ - ۶

۶ - کفران نعمت ، خصلتی نکوهیده و انسان ناسپاس ، فردی مذموم است .

إنّ الإنسن لربّه لکنود

نبوت و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹ - ۵

۵ - قتل نفس و ناسپاسی نعمت ، دو رفتار نامناسب با شأن و ادعای پیامبری در نظر فرعون

و فعلت فعلتک التی فعلت و أنت من الکفرین

به رخ کشیدن قتل نفس و ناسپاسی موسی(ع) از جانب فرعون، می تواند به منظور خدشه دار کردن پیامبری آن حضرت و منافی دانستن مقام نبوت با قتل نفس و ناسپاسی ادا شده باشد. گفتنی است آیه بعد که در آن حضرت موسی(ع) قتل نفس را عملی غیر عمدی و ناخواسته می شمرد مؤید برداشت یاد شده است.

نشانه های کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۶

۶- روی برتافتن از یاد خدا در پی نجات از مشکلات ، نمودی از کفر به حق و کفران نعمت است .

أعرضتم . .. فیغرقکم بما کفرتم

از اینکه خدا از اعراض یاد خود به کفر (کفرتم) یاد کرده است، استفاده می شود که اعراض از خدا، کفر به اوست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۹،۱۰

۹ – بی توجهی به نعمت های

الهی ، و تدبیر او در همسازی طبیعت با نیاز های آدمی ، نمودی آشکار از کفر و ناسپاسی انسان

جعل لكم من الفلك و الأنعام . .. إنّ الإنسن لكفور مبين

۱۰ – شرک ، نمودی از کفر و ناسپاسی انسان ، در برابر خالق یگانه هستی است .

و جعلوا له من عباده جزءًا إنّ الإنسن لكفور مبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عادیات – ۱۰۰ – ۶ – ۲

۲ – رویارویی با سپاه اسلام ، نشانه ناسپاسی انسان در برابر نعمت های خداوند است .

إنّ الإنسن لربّه لكنود

بیان خصلت های ناروایی که در نوع انسان ها وجود دارد پس از تمجید از سپاهیان اسلام در آغاز سوره تعریض به دشمنان دین است و رسوخ آن خصلت ها را در آنان بیان می کند.

نهی از کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۸ – ۴

۴- موسی (ع) ، بنی اسرائیل را از کفران نعمت های الهی برحذر داشت .

و إذ قال موسى لقومه اذكروا نعمه الله عليكم . .. و قال موسى إن تكفروا أنتم و من ف

وضوح کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۱۵ – ۶

۶ – کفران و ناسپاسی انسان در برابر خداوند ، امری علنی و پوشش ناپذیر

إنّ الإنسن لكفور مبين

یوسف(ع) و کفران نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۳ - ۲۲

۲۲ یوسف (ع) ، پذیرفتن تمنای زلیخا (درخواست وصال

و آمیزش) را ، کفران احسان های خداوند به خویش دانست .

إنه ربی أحسن مثوای

کلاغ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کلاغ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۲۷

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) بر گزید .

فخذ اربعه من الطیر

امام صادق (ع): . .. فاخد ابراهیم الطاووس و الدیک و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

تاریخ خلقت کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ وجود کلاغ در زمان حضرت آدم (ع)

فبعث اللّه غراباً

تعلّم از کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۱،۲،۵،۶،۲۸

۱ خداوند کلاغی را برای آموزش دفن هابیل به سوی قابیل گسیل داشت .

فبعث اللّه غراباً . .. لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله

زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسیله <فاء>، بیانگر برداشت فوق است.

۲۸ حفر زمین و دفن کلاغ کشته شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

شعور کلاغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲،۵،۶،۲۸

۲ کلاغ با کاوش در زمین و پنهان سازی چیزی در آن ، قابیل را به کیفیت دفن جثه هابیل رهنمون ساخت .

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

۵ کلاغ گسیل داده شده برای تعلیم قابیل ، آگاه به تحیر و سرگردانی وی برای دفن هابیل

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

در برداشت فوق ضمیر فاعلی در <لیریه> به <غراب> برگردانده شده است. یعنی کلاغ به انگیزه نشان دادن چگونگی دفن به قابیل در زمین کاوش می کرد و چیزی را در آن نهان می ساخت.

۶ فاصله زمانی اندک میان مرگ هابیل و گسیل کلاغی برای آموزش قابیل

فقتله . .. فبعث اللّه غراباً

عطف <بعث> بر <قتله> به وسيله <فاء>، بيانگر برداشت فوق است.

۲۸ حفر زمين و دفن كلاغ كشته

شده توسط کلاغ دیگر پس از زد و خورد میان آنها ، راهنمای قابیل در پنهان ساختن جسد برادرش به همان شیوه

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. فجاء غرابان فاقبلا یتضاربان حتی قتل احدهما صاحبه ثم حفر الذی بقی الارض بمخالبه و دفن فیها صاحبه ... .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۶۶; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴.

علم کلاغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۱۹

۱۹ آگاهی غریزی کلاغ بر شیوه پنهان سازی اشیا

فبعث اللّه غراباً یبحث فی الارض لیریه کیف یوری سوءه اخیه

قدرت کلاغ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۲۰

۲۰ تأسف قابیل بر نادانی خویش و ناتوانی از برابری با حیوانی همچون کلاغ

قال یویلتی اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب

کلمه اللّه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

اعتلای کلمه اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۰ – ۱۸،۱۹

۱۸ < کلمه اللّه > (شعار توحید) ، دارای برتری مطلق بر شعار کفر

و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلیا

۱۹ رهایی پیامبر (ص) از توطئه کافران مکه و اعتلای کلمه اللّه ، جلوه عزّت (شکست ناپذیری) و حکمت خدا

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. کلمه اللّه هی العلیا و اللّه عزیز حکیم

زمینه اعتلای کلمه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰

۱۷ نقش مهم هجرت پیامبر (ص) ، در فروشکستن صولت و شعار کفر و اعتلا یافتن کلمه اللّه

فقد نصره اللّه إذ أخرجه . .. و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلی

عوامل اعتلای کلمه اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۵

۱۵ نصرت های خاص الهی به پیامبر (ص) ، عامل فرو شکستن شعار و صولت کافران و اعتلا یافتن کلمه اللّه (شعار توحید)

فقد نصره اللّه . .. و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و کلمه اللّه هی العلیا

کلمات الله

{کلمات الله}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱،۳،۱۶

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأیت عند الله . .. و نقلب ... و کذلک جعلنا ... و تمت کلمت ربک

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما کانوا لیؤمنوا> و <لکل نبی عدوا>. لذا اگر مراد از <کلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

۱۶ ارائه کلمه تامه پروردگار (قرآن) با در نظر گرفتن همه

شبهات و بهانه های مخالفان انجام پذیرفته است.

و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا . .. و هو السمیع العلیم

از وجوه محتمل در بیان تناسب <السمیع> با مضمون آیه آن است که ذکر این وصف برای اشاره به شبهات و القائاتی است که درباره قرآن مطرح می شود. یعنی کلام خداوند تمام است و او شبهات را نیز در نظر داشته و با عنایت به آنها قرآن را نازل فرموده است.

بی شماری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۷ - ۱،۲،۶

۱ - کلمات الهی (مخلوقات) بی نهایت و غیر قابل شمارش اند .

و لو أنّما . .. ما نفدت کلمت اللّه

۲ - در صورت تبدیل شدن همه درختان زمین به قلم و مرکب شدن دریا های متعدد (بیش از هفت دریا) جهت کتابت کلمات الهی ، کلمات خداوند تمام نخواهد شد .

لو أنّما فی الأرض من شجره أقلم و البحر یمدّه من بعده سبعه أبحر ما نفدت کلمت ال

<من> بیان برای <ما>ی موصول است و آوردن <شجره> با تای وحدت به جای <شجر> برای این است که افاده استغراق کند به گونه ای که یکایک درختان را در برگیرد. گفتنی است که <سبعه أبحر> دلالت بر کثرت می کند و <من بعده> به معنای <بعد از اتمام آن دریا> و یا غیر از آن است.

۶ - عزت و حکمت خداوندی ، دلیل بی شماری کلمات و مقدّرات او است .

ما نفدت کلمت اللّه إنّ اللّه عزیز حکیم

جمله <إنّ اللّه عزیز حکیم> به منزله تعلیل برای <مانفدت. ..> است. بنابراین، معنا

چنین می شود: <کلمات خداوند، پایان ناپذیر است; چون او حکیم و عزیز است>.

تبدیل کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۳

۱۳ هیچ تبدیل کننده ای برای کلمات و سنتهای الهی وجود ندارد.

و لا مبدل لکلمت اللّه

تغییرناپذیری کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت . .. و هو السمیع العلیم

مراد از کلمات الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ عن النبی(ع) فی قوله <و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا> قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: مراد از <کلمه ربک در آیه <و تمت کلمه ربک . .. > <لا إله إلا الله> است.

کلمه توحید

اظهار کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۱ - ۱۶

۱۶ - < عن البـاقر (ع) فی قول اللّه تبارک و تعالی < قل هو اللّه أحـد > قال < قل > أی أظهر ما أوحینا إلیک و نبأناک به بتـألیف الحروف الّتی قرأناهـا لـک . . . و < هو > اسم مکنّی مشـار إلی غـائب فالهـاء تنبیه علی معنی ثـابت و الواو اشـاره إلی الغائب عن الحواس ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند تبارک و تعالی <قل هو اللّه أحد> روایت شده که فرمود: <قل>; یعنی، آشکار

کن آنچه را به تو وحی کردیم و تو را از آن به وسیله ترکیب حروفی که برایت خواندیم، آگاه ساختیم. <هو> اسمی است که با آن به غایب به صورت غیر صریح اشاره می شود. <هاء> یاد آور یک حقیقت ثابت و <واو> اشاره به وجودی است که از حواس پنهان می باشد (با حواس ظاهری قابل درک نیست)>.

پاکی کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۴

۴ - کلمه توحید (لا اله الا اللّه) ، سخنی پاک و پسندیده است .

و هدوا إلی الطّیّب من القول

با توجه به عبارت پیشین که سخن از اهل توحید و اهل شرک و فرجام کار موحدان و مشرکان بود می توان گفت که مراد از <الطیب من القول> کلمه توحید (لا اله الا اللّه) و مراد از <صراط الحمید> عبادت خدای یگانه است.

جذابیت کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۶ - ۷

۷ - کلمه توحید و شعار < لا إله إلّا اللّه > سخنی جذاب و گیرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قیل لهم لا إله إلّا اللّه یستکبرون . و یقولون ...لشاعر

کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۷

۱۷ عن النبی(ع) فی قوله <و تمت کلمه ربک صدقا و عدلا> قال: لا إله إلا الله.

از رسول خدا(ص) روایت شده است: مراد از <کلمه ربک در آیه <و تمت کلمه ربک . .. > <لا إله إلا الله>

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۵ – ۲

۲ – < لا إله إلّا اللّه > شعار پیامبر اسلام (ص)

إذا قیل لهم لا إله إلّا اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۱ – ۳

۳ – کلمات توحید ، باید بر زبان جاری گردد .

قل

کلمه توحید در صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۶ – ۷

۷ – کلمه توحید و شعار < لا إله إلّا اللّه > سخنی جذاب و گیرا برای مردم عصر بعثت

و إذا قیل لهم لا إله إلّا اللّه یستکبرون . و یقولون ...لشاعر

کم فروشی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کم فروشی

آثار کم فروشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۵ – ۳

۳ شرکورزی ، ستمگری ، کم فروشی و بی عدالتی در مبادلات ، عامل های دوری از رحمت خدا و زمینه ساز هلاکت است .

و إلی مدین أخاهم شعیبًا . .. ألا بُعدًا لمدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۳ – ۴

۴ – کم فروشی ، تقلّب در معامله و بی ارزش شمردن متاع مردم ، از نمود های فسادگری است .

أوفوا الکیل . .. و لاتبخسواالناس أشیاءهم و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۷ – ۵

۵ – کم فروشی ، ازبین برنده دیانت انسان و نمونه ای از فسق و سرکشی در برابر خداوند است

.

ویل للمطفّفین . .. کلاّ إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

<فجور>; یعنی، دریـدن پرده دیـانت (مفردات راغب) و به معنـای فسق و عصـیان نیز آمـده است (قاموس). ارتباط این آیه با آیات پیشین، بیانگر این است که از <فجّار>، همان <مطفّفین> اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۳

۳ - کم فروشی و خیانت در معامله ، تکذیب عملی روز قیامت است .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

آیات مورد بحث درباره <مطفّفین> است و آنان را با عناوین <فجّار> و <مکـذّبین> تهدیـد به عـذاب الهی می کند. مراد از <یومئـذ> همان <یوم یقوم الناس...> است که در آیات پیشـین گـذشت. تکذیب می تواند، شامل تکذیب عملی و قولی باشد; بنابراین آیه اختصاص به کافران ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۳،۴

۳ - کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ویل للمطفّفین . .. کلاّإنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

۴ - کم فروشی ، زمینه ساز آلودگی به گناه و گناه زمینه ساز تکذیب قیامت است .

ویل للمطفّفین . .. کلاّإنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

ترتیب آیات، ممکن است برخاسته از ترتیب پیدایش اوصاف ذکر شده در آن باشد.

آثار کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳ - ۱

۱ – تاجرانی که در سنجش کالا خیانت ورزیده و هنگام فروش آن از پیمانه و وزن می کاهند ، به عذاب الهی گرفتار خواهند

شد .

و إذا كالوهم أو وزنوهم يخسرون

اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۱

۱- وجوب کامل کردن پیمانه و کم نگذاشتن از آن ، در معاملات کیلی

و أوفوا الکیل إذا کلتم

احکام کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۹ - ۲

۲ - حرمت کم فروشی ، مغبون ساختن دیگران و کم نهادن سهم طرف مقابل در مبادلات اقتصادی

و أقیموا الوزن بالقسط و لاتخسروا المیزان

اهمیت اجتناب از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۳

۳- خیر و مصلحت واقعی انسان و جامعه ، در اجتناب کردن از کم فروشی و خیانت اقتصادی است .

و أوفوا الکیل . .. وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلک خیر

حرمت کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۹ - ۱۹

۱۹ حرمت تصرف در اموال به دست آمده از راه ربا ، قمار ، کم فروشی و ظلم

لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل

امام باقر(ع) در مورد <بالباطل> در آیه فوق فرمود: بالرّبا و القمار و البخس و الظلم.

تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۱۷۸ ; مجمع البیان، ج ۳، ص ۵۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۳، ح ۱۰ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۲، ح ۱۹۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۶۸

۶ پر کردن پیمانه ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب

در مبادله کالاها

و أوفوا الکیل و المیزان

<کیل> به معنای پیمانه کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کننـد (پیمانه) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانه به این است که پیمانه مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

۸ بی عدالتی و کمفروشی در معاملات از محرمات الهی است.

أتل ما حرم ربکم . .. و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط

جمله <أوفوا . ..> به دلیـل <مـا حرم ربکم>، بیـانگر مصـداقی از محرمـات الهی است، بنابراین علاوه بر وجوب عـدالت در مبادلات، حکایت از حرمت بی عدالتی و کمفروشی نیز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۵ - ۲۵

۲۵ کمفروشی و کم مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم ، حرام و از مصادیق فسادانگیزی در زمین است .

فأوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس أشیاءهم و لا تفسدوا فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۸

۸ کم فروشی و بی مقدار و کم ارزش جلوه دادن اجناس مردم ، حرام و از مصداق های فسادانگیزی در زمین است .

أوفوا المکیال و المیزان . .. و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

زیان کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۵ - ۵

-۵

کم فروشی و خیانت اقتصادی ، به گمان جلب منافع بیشتر ، بد فرجام و عملی زیان آور و نامیمون است .

و أوفوا الکیل . .. وزنوا بالقسطاس المستقیم ذلك خیر و أحسن تأویلاً

شگفتی کم فروشی مؤمنان به معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۴ – ۵

۵ – کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ألا یظنّ أُولئك أنّهم مبعوثون

کم فروشی اصحاب ایکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۱ – ۲

۲ – تمام دادن پیمانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم < ایکه >

أوفوا الکیل و لاتکونوا من المخسرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۲ – ۲

۲ – استفاده از ترازو های ناسالم ، از مشکلات اخلاقی مردم < ایکه > بود .

وزنوا بالقسطاس المستقیم

کم فروشی اهل مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۵ – ۱۹،۲۰،۲۱

۱۹ شعیب (ع) از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نکاهند .

فأوفوا الکیل و المیزان

کلمه <کَیل> مصـدر است و در آیه مورد بحث به معنای چیزی است که به وسـیله آن کیل می کنند ; یعنی پیمانه. <ایفاء> (مصدر اوفوا) به معنای اتمام می باشد و <اتمام کیل> به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد

متعارف نباشـد و تا حـد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقـدار وزنه های مورد اسـتفاده کمتر از حـد معمول نباشد و جنس پرداخت شده کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۲۰ شعیب از قوم خویش خواست تا به هنگام خرید ، اجناس مردم را کم تعدادتر و کم ارزشتر از آنچه هست جلوه ندهند .

و لا تبخسوا الناس أشیاءهم

<بَخس> به این معناست که چیزی را کمتر از واقع و حقیقتش نشان دهنـد. در مفردات آمده است: <بخس> یعنی چیزی را ظالمانه ناقص شمردن.

۲۱ ابتلای قوم شعیب به کمفروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، بارزترین انحراف اجتماعی اقتصادی آنان بود .

فأوفوا الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس أشیاءهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۴ – ۱۷،۱۹

۱۷ کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، رفتاری شایع در میان قوم شعیب

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

۱۹ قوم شـعیب ، علی رغم برخورداری از مکنت و دارایی و بی نیازی در گذران زندگی ، به کلاه برداری و کم فروشـی روی آورده بودند .

لاتنقصوا . .. إنی أریکم بخیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۵ – ۱،۳

۱ شعیب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نکاهند .

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال>; یعنی <پیمانه> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا

حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

۳ کم فروشی و بی عدالتی در امور اقتصادی ، بارزترین انحراف اقتصادی قوم شعیب

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

کم فروشی اهل مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) [فی قوله تعالی < ویل للمطففین >] قال : نزلت علی نبیّ اللّه (ص) حین قدم المدینه و هم یومئذ اسوأ الناس کیلاً فأحسنوا الکیل ;

از امام باقر(ع) [درباره قول خدای تعالی <ویل للمطففین>] روایت شده است که فرمود: هنگامی که پیامبر خدا(ص) وارد مدینه شد، این آیه بر آن حضرت نازل گشت; در حالی که در آن زمان مردم مدینه در پیمانه کردن از همه بدتر بودند (یعنی در وزن اجناس خیانت می نمودند) و پس از نزول این آیه، پیمانه کردن را نیکو انجام دادند>

کم فروشی تاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲ - ۱

۱ - برخورد دوگانه تاجران ، هنگام فروش کالا و خرید آن و به کار بردن سنجش دقیق با پیمانه کامل تنها به هنگام خرید ، مایه زیان جامعه و زمینه ساز عذاب الهی است .

ویل للمطفّفین . الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون

<اکتالوا>; یعنی، با پیمانه کالا ـ را دریافت کردند. حرف <علی> در آیه شریفه جایگزین حرف <من> شده است تا نشانگر متضرر

شدن مردم از این گونه تجارت باشد.

کم فروشی صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۴

۴ - رواج کم فروشی در میان عصر بعثت

ویل للمطفّفین

کم فروشی مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

گناه کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۱

۱ - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین

<طفیف> و<قلیل>، به یک معنا است. تطفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانه کردن و وزن کردن خیانت کند و <ویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۵

۵ - کم فروشی ، گناهی در خور منکران معاد است و صدور آن از باورداران آخرت مایه شگفتی است .

ألا يظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

موانع کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۶۸

۶ - توجّه به لحظه حضور در پیشگاه خداوند و در انتظار صدور حکم او بودن ، بازدارنده انسان از کم فروشی و خیانت به اموال مردم

ويل للمطفّفين . .. يوم يقوم الناس لربّ العلمين

۸ - کم فروشی ، ناسازگار با اعتقاد به

ربوبیت خداوند بر جهان هستی

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۷

۷ - توجّه به فرجام ارجمند نیکوکاران ، بازدارنده انسان از کم فروشی و بی توجهی به حضور یافتن در نزد خداوند

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین ... کلّا إنّ کتب الأبرار لفی عل

نهی از کم فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۴ - ۱۶

۱۶ شعیب (ع) ، از مردم خویش خواست تا از مقدار پیمانه ها و وزنه ها ، نکاهند و از کم فروشی بپرهیزند .

و لاتنقصوا المکیال و المیزان

<مکیال> به معنای پیمانه است. ناقص گذاردن پیمانه، یا به این است که آن را کم حجم تر از حد متعارف بسازند یا پیمانه متعارف را پر نکنند. <میزان> هم به معنای ترازوست. ناقص گذاردن ترازو، یا به این است که وزنه های مورد استفاده در آن کمتر از حد معمول باشد یا جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه های آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۵ - ۱

۱ شعیب (ع) ، از مردم خویش خواست تا در فروش اجناس ، پیمانه ها را پر کنند و از وزنه های ترازو نکاهند .

و یقوم أوفوا المکیال و المیزان بالقسط

<مکیال>; یعنی <پیمانه> و ایفای آن به این است که گنجایش پیمانه مورد استفاده کمتر از حد متعارف نباشد و تا حد معمول آن پر شود. و ایفای میزان

به این است که مقدار وزنه های مورد استفاده، کمتر از حد معمول نباشد و جنس پرداخت شده، کمتر از مقدار وزنه ها نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۱ – ۲

۲ – تمام دادن پیمانه و پرهیز از کم فروشی ، توصیه شعیب (ع) به مردم < ایکه >

أوفوا الکیل و لاتکونوا من المخسرین

کم فروشان

آثار تکذیب عذاب کم فروشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۰ – ۵

۵ – کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّفین> بیان داشته است.

حتمیت احضار کم فروشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۷ – ۲

۲ – احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلاّ

حسابرسی اخروی کم فروشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - مطففين - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قيامت و حسابرسى اعمال آنان ، قطعى و ترديدناپذير است .

ويل للمطفّفين . .. ألا يظنّ أُولئك ... كلاّ

زمينه كيفر كم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - مطففين - ۸۳ -

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱۰

۱۰ ستمگران ، مشرکان و آنان که در مبادلات کم فروشی کرده و عدل و انصاف را رعایت نکنند ، در خطر گرفتار شدن به عذاب های دنیوی (عذاب استیصال) هستند .

و أخذت الذین ظلموا الصیحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۱

۱ - کم فروشی ، گناهی بزرگ است و کم فروشان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین

<طفیف> و<قلیل>، به یک معنا است. تطفیف کاستنی است که انجام دهنده آن در پیمانه کردن و وزن کردن خیانت کند و <ویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است. (لسان العرب)

کم فروشان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه کم فروشان است .

ویل للمطفّفین

<ویل> را برخی به معنای دره ای خاص در جهنم، یا یکی از درهای آن دانسته اند. (لسان العرب).

کم فروشان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۲

۲ - احضار کم فروشان در صحنه قیامت و حسابرسی اعمال آنان ، قطعی و تردیدناپذیر است .

ویل للمطفّفین . .. ألا یظنّ أُولئک ... کلاّ

کیفر اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین

- ۸۳ - ۴ - ۲

۲ - قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

کیفر مکذبان عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّفین> بیان داشته است.

محافظت از نامه عمل کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۷ - ۶

۶ - نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطفّفین . .. إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

محرومیت کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۴ - ۶

۶ - کم فروشان ، از رحمت خداوند دور و محروم اند .

أُولئک

اسم اشاره <اُولئک>، برای مشارالیه بعید به کار می رود که در آیه شریفه، گویای دوری کم فروشان از خداوند است.

مکان نامه عمل کم فروشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۷ – ۶

۶ – نامه عمل کم فروشان ، در جایگاهی پست نگه داری خواهد شد .

ویل للمطفّفین . .. إنّ کتب الفجّار لفی سجّین

مکذبان عذاب کم فروشان در جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین –

۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت، عذابی است که آیه <ویل للمطفّفین> بیان داشته است.

کمال از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کمال

آثار کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۴ - ۶

۶ - بی نیازی و واجد بودن همه کمالات ، شرط شایستگی برای ربوبیت و تدبیر امور عالم و آدم

و إنّ اللّه لهو الغنیّ الحمید

آثار کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۱۷

۱۷ زمینه های کمال و ارزش های انسان ، جبران کننده فسادگری های اوست .

أتجعل فیها من یفسد فیها . .. قال إنی أعلم ما لاتعلمون

چون خداوند پیش بینی فرشتگان مبنی بر فسادگری انسان را رد نکرد ولی با گوشزد کردن وجود استعدادی ویژه در او، خلقت و خلافت وی را موجه دانست; معلوم می شود: وجود آن استعداد در بشر جبران کننده جهات منفی اوست.

آثار کمال عقل محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۲۲ - ۴

۴ - مشاهده کمال عقلانی پیامبر (ص) از سوی معاشران آن حضرت ، دلیلی کافی بر مردود بودن ادعای جنون درباره او است .

و ما صاحبکم بمجنون

عنوان <صاحبکم> گویای مردود بودن اتهام جنون است; زیرا مصاحبت روز مرّه کسانی که به پیامبر(ص)

تهمت جنون می زدند، با آن حضرت، مایه شناخت وضعیت فکری آن بزرگوار بوده و دستاویزی برای نسبت جنون باقی نمی گذارد.

آثار کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۱۰

۱۰- کمال و عظمت قرآن و نبود کمترین کجی و انحراف در آن ، مقتضی حمد و ستایش در برابر پدیدآورنده آن است .

الحمد للّه الذی . .. لم یجعل له عوجًا

ایمان به کمال بخشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۵

۵ - باور به خالقیت خداوند و کمال بخشی او ، زمینه ساز تسبیح نام او و پرهیز از همراه ساختن آن با هرگونه وصف نامناسب است .

سبّح اسم . .. الذی خلق فسوّی

دلایل کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۲

۲- آسمان ها و زمین و موجودات مستقر در آنها ، خود گویاترین دلیل بر کمال آفریدگار و تنزیه او از شریک و هرگونه نقص و کاستی است .

تسبّح له السموت السبع و الأرض و من فیهنّ

<تسبیح> در لغت به معنای <تنزیه> است (مفردات راغب) و <تنزیه>; یعنی، دور دانستن خداوند از چیزهایی که بر او سزاوار نیست (مجمع البحرین). گفتنی است، تنزیه به دو صورت ممکن است: تنزیه به زبان گفتار و تنزیه به زبان حال. برداشت فوق مبتنی بر صورت دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۳۶ - ۵

۵ - حاکمیت قانونِ زوجیت بر پدیده های

شناخته شده و ناشناخته جان دارِ جهان ، دلیل کمال خدا و مبرّا بودن او از هر نقص و کاستی

سبحن الذی خلق الأزوج کلّها . .. و ممّا لایعلمون

از ارتباط میان تنزیه خدا از هر نقصی به توصیف او به آفریدن پدیده های جان دارِ جهان به صورت زوج (نر و ماده)، برداشت یاد شده به دست می آید.

زمینه کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

زمینه کمال مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۸

۸ - تساوی زنان و مردان ، از نظر استعداد و زمینه های لازم برای رسیدن به مراتب کمال و دست یافتن به ثواب ها و بهره های اخروی

یوم تری المؤمنین و المؤمنت . .. بشریکم الیوم جنّت

برداشت یاد شده، از تصریح به نام های زنان و مردان در عرض هم، استفاده می شود.

عوامل کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۵

۵- تمامی انسان ها ، حتی پیامبران به عنایت خداوند در رشد و کمال نیازمنداند .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

فاقدان استعداد کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۳ - ۵

۵ فاقدان خیر و استعداد کمال ، ناشایست برای شمول هدایت های ویژه خداوند و توفیق یافتن به پذیرش معارف دین

و لو علم اللّه فیهم خیرا لأسمعهم

فطریت کمال طلبی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۷

۷ - رشد و طهارت ، اموری فطری و مطلوب همه انسان ها است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم

جمله <هو أزکی لکم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد یافته تر و پاکیزه تر بودن) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت: رشد، بالندگی، طهارت و پاکی، امری مورد پذیرش و مطلوب همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک أزکی لهم

جمله <ذلک أزکی لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

کمال آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۴

۴ جهان هستی خالی از هر نقص و کاستی است.

ما فرطنا فی الکتب من شیء

با توجه به صدر آیه، که بحث از موجودات هستی است، می توان گفت مراد از <الکتاب> کتاب تکوینی و جهان

هستی است و مراد از تفریط نکردن در آن نفی هرگونه نقص و کاستی می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۳ - ۵

۵ - جهان هستی ، به سوی کمال در حرکت است .

ربّ العلمین

<ربّ>، به معنای تربیت کردن است و <تربیت> ایجاد حالتی در شیء پس از حالت قبل است تا آن گاه که به حد تمام و کمال برسد (مفردات راغب). این معنا حکایت از حرکت تکاملی دارد. گفتنی است که کلمه <ربّ> مشترك لفظی میان وصف و مصدر است و در آیه مورد بحث معنای وصفی دارد.

کمال ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۱،۱،۴

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده

۱- ابراهیم (ع) از رشد و کمال والا در پرتو عنایت الهی برخوردار بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

کمال اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳ - ۳۲

۳۲ دین اسلام ، شریعتی کامل و مورد رضایت خداوند

الیوم اکملت لکم دینکم و رضیت لکم الاسلم دیناً

کمال انسان

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۰ – ۱۹

۱۹ فرشتگان ، ناآگاه به زمینه های کمال و ارزش های والای انسان

إنی أعلم ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۴ – ۷

۷ – انسان ، دارای استعداد ها و کمالات برین

و صوّرکم فأحسن صورکم

برداشت یاد شده بر این اساس مبتنی است که مقصود از صورت ، شامل صورت ظاهری (شکل و شمایل) و باطنی (استعدادهای زاینده صنایع و کمالات) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۸

۸ – زیبایی و کمال ، از ویژگی های انسان و از نعمت های الهی برای او است .

خلق السموت . .. فأحسن صورکم

برداشت یاد شده از آنجا که آیه شریفه در مقام امتنان و برشمردن نعمت های اعطایی به انسان ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۱۲ – ۱۶

۱۶ – از تبار نیکان و خداپرستان بودن ، از فضایل و کمالات آدمی

و کانت من القنتین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۴ – ۳

۳ – انسان ، کامل ترین موجودات و ارجمندترین آفریده ها است .

لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

مراد از <أحسن تقویم> به قرینه آیه بعد نقطه مقابل <أسفل سافلین> است; یعنی، هر انسانی در اصل خلقت خویش، از برترین نوع آفرینش برخوردار است و سقوط برخی از انسان ها به پست ترین حالت ها، عارضی و غیر اصیل است.

کمال ایمان

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۲ - ۷

۷ کمال ایمان و درجات آن، وابسته به میزان پالایش آن از شرک و ظلم است.

الذین ءامنوا و لم یلبسوا إیمنهم بظلم

کمال جسمانی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۵،۷،۹،۱۲،۱۵

۵ - بیرون آورنده انسان ها از ناتوانی دوران جنینی و نوزادی و رساننده آنها به کمال جسمانی ، خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه

۷ - از ضَعف به کمال جسمانی رسیدنِ انسان ها و سپس فرتوت و ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف . .. و شیبه

۹ - رسیدن انسان از مرحله ضعف و ناتوانی به توان مندی ، نشانه علم و قدرت خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف . .. و هو العلیم القدیر

۱۲ - رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها درقیامت است . *

اللّه الذی خلقکم . .. یخلق ما یشاء

عبارت <یخلق ما یشاء> به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان منـدی خداونـد بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

۱۵ - رساننده انسان از دوران قوّت و توان مندی به دوران ضعف و ناتوانی ، خداوند است .

اللّه

الذی . .. جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

کمال حورالعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۵ - ۱

۱ - حوران بهشتی ، در اوج زیبایی و کمال

إنّا أنشأنهنّ إنشاءً

نسبت دادن <إنشاء> به ضمیر متکلم مع الغیر که برای بیان عظمت است و نیز نکره آوردن <إنشاءً> که آن نیز دلالت بر عظمت دارد حاکی از آن است که خداوند، با قدرت بی مانند خود در زیبایی و کمال حوران بهشتی از چیزی فروگذاری نکرده است.

کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۶

۲۶ پی بردن خردمندان و اعتراف آنان به کمال مطلق پروردگارا ، پس از اندیشه در آفرینش

الّذین . .. یتفکّرون فی خلق السّموات و الارض ربّنا ... سبحانک

تسبیح به معنای پاک دانستن از هر عیب و نقصی است و لازمه نبود عیب و نقص برای خداوند، وجود تمام کمالات برای اوست و خردمندان با تفکّر در آفرینش به چنین اعتقادی رسیده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۷ - ۱۰

۱۰ توجّه به الوهیت و کمال مطلق بودن خداوند ، موجب پذیرش خبر های او و اعتقاد به راستی آنها

و من اصدق من اللّه حدیثا

تکیه بر اسم جلاله <اللّه> با وجود اینکه می توانست با ضمیر از آن یاد شود، اشاره به این معناست که الوهیّت، ملازم

حقانیّت تمامی اخبار اوست. یعنی چون <اللّه> است و کمال مطلق، اَخبار او با واقع مطابقت دایمی دارد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۵ – ۱۱

۱۱ خداوند کمال مطلق است.

و الحمد للّه رب العلمین

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پـذیرد و مفاد <الحمـد للّه> اختصاص همه ستایشـها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۸۰ – ۲،۴،۶،۸

۲ تنها خداوند دارای همه کمالات و منزه از هر نقص و کاستی است .

و للّه الأسماء الحسنی

تقـدیم <للّه> بر <الأسـماء الحسـنی> مفید حصـر است. وصف و اسـمی که دلالت بر کمال مطلق نکند و حاکی از نقص و کاستی باشد، بهترین اسم و وصف نخواهد بود و جمله <و للّه الأسماء الحسنی> چنین نامی را از آن خدا نمی داند.

۴ ضرورت نیایش به درگاه خدا با توصیف وی به کمالات مطلق و تنزیه او از هر نقص و عیب

و للّه الأسماء الحسنی فادعوه بها

۶ باور به خداوندِ دارنده تمام کمالات و منزه از هر نقص و عیب ، وادارکننده انسان به ستایش و پرستش اوست .

و للّه الأسماء الحسنی فادعوه بها

حرف <فـاء> در <فـادعوه> سـببیه است و دلالـت می کنـد که لزوم پرسـتش و خوانـدن خـدا به این سـبب است که او همه کمالات را دارد و از هر عیب منزه است.

۸ در نامیدن خدا و توصیف او باید نام ها و وصفهایی را عنوان کرد که گویای کمال مطلق است .

و للّه الأسماء الحسنی فادعوه بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- یونس - ۱۰ - ۱۰ - ۴

۴ خدا ، کمال مطلق و منزه از هر عیب و نقص

دعویهم فیها سبحنک اللّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳- استقلال همه جانبه خداوند و کمال ذاتی او ، مستلزم اختصاص توکل بر او

و ما لنا ألاّ نتوکّل علی الله و قد هدینا سبلنا . .. و علی الله فلیتوکّل المتوکّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۵ - ۱۶

۱۶- غیر از خداوند ، هیچ موجودی در کمال و جمال ، کامل و مستقل نیست .

الحمد لله

بی شک همه موجودات جهان از نوعی کمال و جمال برخوردارند. بنابراین انحصار تمامی ستایشها به خداوند، می تواند گویای این حقیقت باشد که کمال و جمال آنها کامل و مستقل نیست؛ بلکه ناقص و وابسته به خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۴ - ۱۰

۱۰- همه موجودات ، علاوه بر تنزیه خداوند از هرگونه شریک و نقص ، بر اثبات تمامی شایستگی ها برای خداوند دلالت دارند .

یسبّح بحمده

بنابر اینکه <با> در <بحمده> مصاحبت باشد، استفاده می شود که علاوه بر <تنزیه> او را حمد می کنند و چون حمد، در برابر کمال و شایستگی صورت می گیرد، موجودات با حمدشان، به وجود شایستگی و کمال خداوند اعتراف می کنند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸ - ۴

۴ - خداوند ، دارای همه کمالات و منزه از هر نقص و کاستی است .

له الأسماء الحسنی

اسمی که حاکی از نقص و عیب باشد، مصداق <أسماء حسنی> نبوده و بر خداوند تطبیق نمی کند; بنابراین او از هر عیبی مبرا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۴ - ۱

۱ - خداوند ، در اوج کمال و حقیقتی بلندمرتبه و بی نظیر

فتعلی اللّه

<تعالی> به معنای، والا مرتبه است و مراد، برتر بودن صفات خداوند از صفات مخلوقات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۸ - ۹

۹ - خدا ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص

سبحن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، دارنده کمال ها و زیبایی است .

الحمد للّه

حمد، در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد. جمله <الحمد للّه> دلالت می کند که خداوند، واجد صفات یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، کمال مطلق است .

الحمد للّه

چون همواره، حمـد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمـد به خداونـد، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۵ - ۷

۷ - خداوند ، واجد کمال ها و زیبایی

ها است .

بحمد ربّهم

حمد در برابر کمال و زیبایی است و این نشان دهنده این است که خداوند کمال و زیبایی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، واجد همه کمال ها است .

الحمد للّه

حمد، در برابر کمال است و اختصاص دادن همه حمدها به خداوند، حکایت از آن دارد که او دارای همه کمال ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، کمال مطلق و به دور از هر عیب و نقص است .

سبحنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱ - ۳

۳ - کمال ذات خدای یگانه هستی ، پیام یکایک موجودات جهان

سبّح للّه ما فی السموت و ما فی الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱ - ۱۱،۱۲

۱۱ - خداوند ، دارای برترین مقام ها و کامل ترین ویژگی ها است .

ربّک الأعلی

وصف <الأعلى> به قرینه آیه بعد به <ربّك> ارتباط دارد; نه <اسم ربّك>.

۱۲ - اختصاص والاترین مقام ها به خداوند ، دلیل لزوم تنزیه نام او از هر عیب و نقص است .

سبّح اسم ربّك الأعلى

وصف <الأعلى>، در مقام تعلیل برای <سبّح> است.

کمال رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۹ - ۳

۳ - فرستاده خداوند برای ابلاغ قرآن به پیامبر (ص) ، واجد تمام کمالاتی است که برای پیام رسان

ضروری است .

رسول کریم

هر چیز که در زمینه مربوط به خود، والا مرتبه باشد با وصف <کَرَم> توصیف می شود. (مفردات راغب)

کمال زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۵ - ۱۲

۱۲ توانایی زن برای نیل به درجات والای کمال و ارزش های معنوی

و امه صدیقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۱ - ۳

۳- عفت و پاک دامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان است .

والتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده به خاطر این است که خداوند در مقام توصیف و تمجید مریم(س) که در این آیات نام او و در ردیف پیامبران قرار گرفته صفت عفت و پاک دامنی او را یادآور شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۶ - ۸

۸ - چشم پاکی و دوشیزگی ، از کمالات زن است .

فیهنّ قصرت الطرف لم یطمثهنّ إنس قبلهم و لاجانّ

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <قاصرات الطرف> اشاره به چشم پاکی زنان و <لم یطمثهنّ. ..> اشاره به دوشیزگی آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۵۸ – ۲

۲ – زیبایی و جذابیت ، از کمالات زن

کأنّهنّ الیاقوت و المرجان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۷۰ – ۳

۳ نیک سیرتی و نیک رویی ، از اوصاف پسندیده و کمالات زن

فیهنّ خیرت حسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۷۲ - ۴

۴ - زیبایی و جذابیت چشم ، از کمالات زن

حور مقصورت فی الخیام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۶ - ۲

۲ - دوشیز گی ، از اوصاف پسندیده و از کمالات زن

فجعلنهنّ أبکارًا

کمال زنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۵

۵ - عفّت و پاکدامنی ، از برجسته ترین اوصاف زنان و از بهترین کمالات آنان

الّتی أحصنت فرجها

برداشت یاد شده، به سبب این نکته است که خداوند، در مقام توصیف و تمجید از مریم(س) که به عنوان زنی مثال زدنی و الگو مطرح شد صفت عفت و پاکدامنی او را بیان کرده است.

کمال شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۹ - ۱۴

۱۴ شهادت ، وسیله رشد و تکامل شهید

بل احیآء عند ربّهم یرزقون

بـا تـوجه به معنـای <ربّهم> که خداونـد مربّی و تربیت کننـده شـهیدان است، معلوم می شود که شـهادت زمینه ای برای بهره مندی از ربوبیّت خاص الهی است.

کمال طلبی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ انسان ، شیفته ابدیّت و دوستدار زندگی جاوید است .

خالدین فیها

وعده به جاودانگی، آنگاه نوید به حساب می آید که انسان خواهان آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۰ - ۸

۸ انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

یأیها الناس

. .. فامنوا خیراً لکم

جمله <خیراً لکم> خیرجویی و سعادت طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق واقعی خیر و سعادت که ایمان به قرآن و پیامبر(ص) باشد، رهنمون ساخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۱ - ۴

۴ سوء استفاده شیطان از خصیصه کمال طلبی و منفعت جویی انسان برای گمراه سازی ایشان

و قاسمهما إنی لکما لمن النصحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلك أزکی لهم

جمله <ذلك أزکی لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - انسان ، موجودی خیر طلب و کمال جو

أنفقوا خیرًا لأنفسکم

جمله <خیراً لأنفسکم>، خیرجویی و کمال طلبی را برای انسان مفروض و طبیعی دانسته و تنها وی را به مصداق های واقعی خیر و سعادت (انفاق و. ..) رهنمون ساخته است.

کمال علم خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۶۱ – ۵

۵ – علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل . .. و أنّ اللّه سمیع بصیر

کمال قدرت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۱ - ۵

۵ - علم و قدرت خدا ، کامل و بی نقص است .

ذلک بأنّ اللّه یولج الّیل . .. و أنّ اللّه سمیع بصیر

کمال قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲ - ۱

۱ - قرآن کتابی کامل و با عظمت

ذلک الکتب

<ذلک> مبتدا و <الکتاب> خبر آن است. بر این مبنا <ال> در الکتاب برای استغراق صفات است و دلالت بر کمال دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۶

۶ قرآن خالی از هرگونه نقص و کاستی برای اثبات رسالت پیامبر(ص)

لولا نزل علیه ءایه . .. ما فرطنا فی الکتب من شیء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱

۱ قرآن کلمه تام و صدق و عدل پروردگار است.

و هو الذی أنزل إلیکم الکتب . .. و تمت کلمت ربک صدقا و عدلا

مراد از <کلمت>، به قرینه آیه قبل که سخن از نزول کتاب است، قرآن می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۴

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه; یعنی، <و جئنا بک شهیدا . ..> با <و نزّلنا علیک

...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۲

۲- قرآن ، کامل ترین کتاب هدایت

إن هذا القرءان یهدی للّتی هی أقوم

برداشت فوق بنابراین است که مفضل علیه <أقوم> صرفاً هدایت تورات نباشد; بلکه مفضل علیه محذوف، عام بوده و شامل همه کتابهای هدایتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۵

۵- قرآن ، کتابی با عظمت و در اوج زیبایی و کمال است .

الحمد للّه الذی أنزل علی عبده الکتب

<ال> در <الکتاب> برای استغراق صفات است; یعنی، تمام اوصافی که یک کتاب، در حد کامل می تواند داشته باشد، در این کتاب متبلور است و این، حاکی از عظمت قرآن است. و چون حمد در برابر زیبایی و کمال است و در آیه بالا خداوند، به سبب نزول قرآن، تمام حمدها و ستایش ها را از آن خویش دانسته، استفاده می شود که قرآن، در نهایت کمال و زیبایی است.

کمال محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۹ - ۱۱،۱۴

۱۱- پیامبراسلام (ص) کامل ترین و متعالی ترین انسان در طول تاریخ بشر

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء

برداشت فوق، بر این اساس است که <هؤلاء> اشاره به <شهیداً>; یعنی، گواهان هر امت داشته باشد که در این صورت پیامبراسلام(ص) تنها انسانی است که بر همه انسانهای طول تاریخ و گواهان آنان

شرافت و برتری دارد.

۱۴- پیامبر (ص) ، شایسته ترین انسان و قرآن کامل ترین برنامه برای رشد و هدایت آدمیان است .

و جئنابک شهیدًا علی هؤلاء و نزّلنا علیک الکتب تبینًا لکلّ شیء و هدًی

با توجه به ارتباط دو بخش آیه; یعنی، <و جئنا بک شهیدا . ..> با <و نزّلنا علیک ...> و نیز بنابر اینکه <شهیداً> را به معنای الگو بدانیم و شهادت را شهادت عملی به شمار آوریم، برداشت فوق را می توان به دست آورد.

کمال مطلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱ خداوند کمال مطلق است.

و الحمد للّه رب العلمین

ستایش همواره در برابر کمال صورت می پذیرد و مفاد <الحمد للّه> اختصاص همه ستایشها به خداوند است، بنابراین هیچ کمالی نیست که خداوند فاقد آن و یا فاقد مرحله ای از آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۳

۳ همگان ، بجز خداوند ، دارای نقص و کاستی و فاقد کمال مطلق هستند .

و للّه الأسماء الحسنی

برداشت فوق با توجه به حصری که از تقدیم <للّه> به دست آمده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۷

۷ - خداوند ، کمال مطلق است .

الحمد للّه

چون همواره، حمـد در برابر کمال صورت می گیرد، اختصاص یافتن حمـد به خداونـد، مفید این است که او واجد همه کمال ها است.

کمال معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه

- ۲۰ - ۸ - ۶

۶ - معبودی جز دارنده بهترین اوصاف کمال ، سزاوار پرستش نیست .

اللّه لا إله إلاّ هو له الأسماء الحسنی

کمال موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۴ - ۱۵

۱۵ - ارزش ها و کمالات موجودات جهان ، نمایانگر اقتدار و حکمت الهی

یسبّح له . .. العزیز الحکیم

در صورتی که تسبیح وجودی و به زبان حال باشد، نمایانگر کمال وجودی موجودات است که خود حکایت از عزت و حکمت آفریدگار آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۲ - ۴

۴ - نبودن افراط و تفریط در ساختار مخلوقات ، دلیل لزوم تسبیح خداوند و اعتراف به دور بودن او از هر عیب و نقص

سبّح اسم ربّک . .. الذی خلق فسوّی

وصف <الذی . ..>، بیانگر علت تسبیح است و حرف <فاء> در <فسوّی> دلالت دارد که غرض اصلی از توصیف خداوند با جمله <خلق فسوّی>، بیان تسویه است و ذکر خلقت، به عنوان مقدمه برای بیان تسویه می باشد.

کمال موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۳

۳- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال ، بعد از ابراهیم (ع) بودند .

ءاتینا موسی و هرون الفرقان . .. و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از <من قبل> زمان پیش از موسی و هارون(ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که

آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

کمال مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۱

۱ - مؤمنانی که کار های شایسته انجام می دهند ، کمال های برتر خویش را از دست نداده ، از پستی ها دور مانده اند .

أحسن تقویم . .. أسفل سفلین . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

کمال هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۳

۳- موسی و هارون (ع) دو پیامبر رشد یافته و بهره مند از کمال ، بعد از ابراهیم (ع) بودند .

ءاتینا موسی و هرون الفرقان . .. و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده بر این مبنا استوار است که مراد از <من قبل> زمان پیش از موسی و هارون(ع) باشد. از این مطلب به دست می آید که آن دو پیامبر نیز از چنین رشدی بهره مند بودند.

کمال همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۴ - ۳

۳ - همخوابگان اصحاب الیمین در بهشت ، زنانی در اوج شکوه و جلال مادی و معنوی (عقل ، کمال و جمال)

و فرش مرفوعه

برخی از مفسران بر آنند که مراد از <فرش> در آیه شریفه به قرینه آیه بعد (إنّا أنشأناهنّ إنشاء) همسران و همخوابگان می باشد. بر این اساس وصف <مرفوعه> اشاره به مطلبی دارد که در برداشت بالا آمده است.

مراتب کمال انسان ها

آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۱ – ۲

۲– استعداد ها و ظرفیت های وجودی آدمیان برای رشد و کمال ، متفاوت است .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده

از این که خداوند به ابراهیم(ع) رشدِ متناسب و مخصوص به او اعطا فرموده; به دست می آید که هر انسانی دارای قابلیت و استعداد مخصوص به خود و متفاوت با دیگران است.

مراتب کمال موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۵ – ۳

۳ – تفاوت و گوناگونی درجه ها و منزلت های موجودات (انسان ها ، فرشتگان و . . .)

رفیع الدرجت

منشأ کمال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۲ – ۲

۲ – خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیباییهاست .

الحمد للّه

حمد در برابر زیباییها و کمالهاست و به مقتضای جمله <الحمد للّه>، هر ستایشی از آن خداست. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۴۵ – ۱۲

۱۲ خداوند سرچشمه همه کمالها و زیباییهاست.

و الحمد للّه رب العلمین

چون تمامی ستایشها مخصوص خداوند است و ستایش همواره در برابر کمال و زیبایی است، پس همه کمالها و زیباییها از آن خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱ - ۲

۲- خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون -

۲۳ - ۲۸ - ۹

۹ - خدا ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

فقل الحمد للّه

ستایش در برابر کمال ها و زیبایی ها انجام می گیرد و به مقتضای <الحمد للّه> (همه ستایش ها از آن خدا است)، نتیجه می گیریم که خدا، منشأ همه کمالات و زیبایی ها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۹ - ۴

۴ - خدا ، سرچشمه کمالات و زیبایی ها است .

الحمد للّه

ستایش در برابر کمال و زیبایی انجام می شود و به مقتضای <الحمد للّه> هر ستایشی در حقیقت، ستایش خدا است. بنابراین تمام کمال ها و زیبایی ها از او نشأت گرفته و او منشأ و سرچشمه آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۲

۲ - خدا ، سرچشمه هر کمال و زیبایی است .

و قل الحمدللّه

ستایش، در برابر کمال و زیبایی است و مقتضای <الحمدللّه> که در آن هر ستایشی از آنِ خداوند شمرده شده این است که هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۰ - ۴

۴ - خداوند ، سرچشمه همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

حمـد و سـتایش همواره در برابر کمال و زیبایی صورت می گیرد و به مقتضای جمله <له الحمـد> که همه سـتایش ها از آنِ خداوند شمرده شده است به دست می آید که همه کمال ها و زیبایی ها از آن ذات

مقدس سرچشمه می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه> هر ستایشی از آنِ خدا است. بنابراین هر کمالی و زیبایی، از او نشأت می گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۴ - ۶

۶ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه> هر ستایشی از آن خدا است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۸۲ - ۲

۲ - خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی، از او نشأت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۹ - ۱۴

۱۴ – خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

حمد، در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه>، هرستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۵ – ۱۳

۱۳ – خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

و قالوا الحمد للّه . .. و قیل الحمد للّه

حمد در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه>، هر ستایشی از آن خداوند است. بنابراین هر کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۵ – ۲

۲ – خداوند بالا برنده درجات و منزلت های موجودات مستعد کمال

رفیع الدرجت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۵ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

الحمد للّه

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <الحمد للّه> ثابت می شود که هر ستایشی از آنِ خداوند است. بنابراین کمال و زیبایی از او نشأت گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱ – ۹

۹ – خداوند ، سرچشمه و منشأ همه کمال ها و زیبایی ها است .

له الحمد

<حمد> در برابر زیبایی ها و کمال ها است و به مقتضای جمله <له الحمد> هر ستایشی، به خداوند اختصاص دارد.

بنابراین هر زیبایی و کمالی، از او نشأت گرفته است.

منشأ کمال ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۶،۷

۶- خداوند از پیش بر شایستگی ها و استعداد های ابراهیم (ع)

آگاه بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل و کنّا به علمین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <و کنّا به عالمین> حالیه باشد و ضمیر <به> به ابراهیم برگردد. براین اساس پیام آیه شریفه مانند آیه (...اللّه أعلم حیث یجعل رسالته...) (انعام(۶) ۱۲۴) خواهد بود.

۷- برخوردار شدن ابراهیم (ع) از رشد و کمال ویژه در پرتو عنایت الهی ، بر اساس لیاقت ها وشایستگی های خود آن حضرت بوده است .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

اضافه <رشد> به ضمیر، اضافه مصدر به مفعول خود است و نیز از نوع اضافه لامیه و افاده کننده اختصاص می باشد; یعنی، ما به ابراهیم(ع) رشد شایسته او و مخصوص شأن و منزلت والای او داده ایم.

منشأ کمال انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳۸ - ۳

۳ - خداوند ، وجود انسان را کامل و به دور از هرگونه کاستی و فزونی قرار داده است .

فسوّی

<تسویه> و <تعدیل> به یک معنا است(مصباح اللغه) و اعتدال هر چیزی، به دور ماندن آن از افراط و تفریط است. <رجل سوی>; یعنی، مردی که اخلاق و خلقتش متعادل و از افراط و تفریط به دور است(مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، انسان را آفریده ای کامل و به دور از هرگونه کاستی و اضافات قرار داده است .

فسوّیک

عبارت <سوّاک>; یعنی، تو را <سَوِیّ> قرار داد. <سَوِیّ> به چیزی گفته می شود که اندازه و کیفیت آن، از افراط و تفریط

به دور باشد.(مفردات راغب)

منشأ کمال دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۵ - ۱۴

۱۴ کمال دین و تبدیل ناپذیری کلمات خدا بر اساس شنوایی و علم گسترده اوست.

و تمت کلمت . .. و هو السمیع العلیم

موانع کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴ - ۸

۸ - فرزند گزینی خدا ، برابر با ضعف و نقص ذات او و ناسازگار با کمال مطلق او

لو أراد اللّه أن يتّخذ ولدًا . .. سبحنه

نشانه های کمال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۵ - ۳

۳ - برخورد شایسته و نیکو در برابر رفتار ناپسند دیگران ، نشانه بهره مندی فرد از کمالات و ارزش های والای انسانی است .

ادفع بالتی هی أحسن . .. و ما یلقّیها إلاّ ذوحظّ عظیم

نشانه های کمال ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۵

۵- مبارزه با اندیشه های خرافی و شرک آلود ، تبلور رشد و کمال ابراهیم (ع) بود .

و لقد ءاتينا إبرهيم رشده . .. إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل

; یعنی، اعطای رشد به ابراهیم(ع) هنگامی بود که او به پدر و قومش گفت. ...

نشانه های کمال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱ - ۸

۸ - مالکیت مطلق خدا بر موجودات و حکمت و آگاهی او ، جلوه ای از کمال های

او است .

الحمد للّه الذی له ما فی السموت و ما فی الأرض. .. و هو الحکیم الخبیر

از آن جایی که حمد در برابر کمال است، آوردن صفت های مالکیت، حکمت و آگاهی پس از بیان اختصاص داشتن همه حمدها به خداوند، می تواند به منظور القای نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأمّا إن کان من المقرّبین. ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

کمبود از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کمبود

آثار ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۵،۸

۵ نقش سختیها و کاستیها در سازندگی و تربیت انسان

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

۸ سختیها و کاستیها، زمینه شکوفایی فطرت توحیدی انسانها

بل إیاه تدعون . .. فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

ابتلا به کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹

۹ قوم عاد ، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

نویـد به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشـد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دسـتورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

ابتلا به کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۴

۴ - مبتلا شدن به پیکار با دشمنان و پیامد های آن (ترس ، گرسنگی ، زیان های مالی و جانی و کم محصولی) از مشکلات راه ایمان است .

لاتقولوا لمن یقتل . .. و لنبلونکم بشیء من الخوف

بیان کردن آزمون با ترس، گرسنگی و . .. پس از مطرح کردن جهاد و کشته شدن در راه خدا، گویای این است که: مقصود از <الخوف و ...> ترسها و گرسنگیهایی است که از مبتلاـ شدن به دشمنان دین به وجود می آید; یعنی، ایمان به رسالت مستلزم پیکار با دشمنان دین است و پیامد پیکار ترس، گرسنگی و ... می باشد.

ابتلای بنی اسرائیل به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

امتحان با کمبود محصول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۳

۳ - خداوند با گرفتار ساختن مؤمنان به چیزهایی که زیان مالی و جانی و کمبود محصول را در پی داشته باشد ، آنان را می آزماید .

و لنبلونکم بشیء من . .. نقص من الأمول و الأنفس و الثمرت

برادران یوسف و کمبود غلات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۵ – ۱۷

۱۷ فرزندان یعقوب غلّه دریافتی در

سفر اول را برای قحطی پیش آمده کافی نمی دانستند و سفر به مصر را برای دریافت سهمیه ای دیگر ضروری می شمردند .

ذلک کیل یسیر

<ذلک> اشاره به متاع و آذوقه ای است که فرزندان یعقوب در سفر نخست دریافت کرده بودند. <یسیر> به معنای اندک است و روشن است که اندک بودن به لحاظ دوره قحطی می باشد.

دعای کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱۴

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع کمبود آب (استسقا) امری نیکو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذاستسقی موسی لقومه

سوء استفاده از کمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

۵ سوء استفاده از کمبود ها ، کاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللکم یبغونکم الفتنه

عوامل ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۳

۳ گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فأخذنهم بالبأساء و الضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله <فأخذناهم> نتیجه تکذیب آنان است ; یعنی: <فکذبوا فأخذناهم>.

عوامل کمبود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۶ – ۱۱

۱۱ جوامع تکذیب کننده پیامبران الهی در خطر گرفتار شدن به کمبود

ها و مشکلات زندگی

و لو أن أهل القری ءامنوا . .. و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکسبون

از مصادیق مورد نظر برای <فأخذنهم . .. > به دلیل آیه ۹۴، گرفتار شدن تکذیب کنندگان انبیا به کمبودها و مشکلات است.

عوامل کمبود امکانات مادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ شرکورزی ، ارتکاب گناهان و مخالفت با پیامبران الهی ، از عوامل کمبود موهبت های دنیوی است .

استغفروا ربکم ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا و یزدکم قوّه

فلسفه ابتلا به کمبود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۴

۴ تضرع، هدف خداوند از گرفتار ساختن مردم به سختیها و کاستیها

فأخذنهم بالبأساء و الضراء لعلهم یتضرعون

<تضرع> به معنای تذلل و خضوع است. (لسان العرب).

قوم عاد و کمبود باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۲ - ۹

۹ قوم عاد ، بر اثر شرکورزی و ارتکاب گناه ، به کمبود باران مبتلا شده بودند .

ثم توبوا إلیه یرسل السماء علیکم مدرارًا

نوید به نزول باران و فراوانی آن ، آن گاه می توانست مؤثر باشد و مردمان را به پذیرش تعالیم و دستورهای هود(ع) گرایش دهد که آنان از کمبود باران در زحمت باشند.

کمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می

کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

کمبود آب در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۱

۱ - قوم موسی ، پس از نجات از سیطره فرعون و گذر از دریا ، در سرزمینی به دور از آب حرکت می کردند و کمبود شدید آب مبتلا بودند .

و إذاستسقی موسی لقومه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶،۷،۹

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

۷ بنی اسرائیل با توسل به موسی (ع) خواستار برطرف شدن مشکل کمبود آب شدند .

إذ استسقه قومه

۹ موسی (ع) از جانب خداوند فرمان یافت تا برای دستیابی به آب عصای خویش را به سنگ زند .

و أوحینا إلی موسی . .. أن اضرب بعصاک الحجر

<ال> در <الحجر> هم می تواند تعریف جنس باشد، که در این صورت مراد از <الحجر>، سنگ در مقابل اشیای دیگر است، و هم می تواند <ال> برای عهد حضوری و یا ذهنی باشد، که در این صورت مراد از <الحجر> سنگی مخصوص بوده است.

کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - < [قال الرضا (ع)] . . . قول اللّه عزّوجلّ < و أمّا إذا ما ابتلاه ربّه فقدر عليه رزقه > أى ضيق عليه رزقه ;

[امام

رضا(ع)] درباره سخن خداوند عزّوجلّ <. ..فقدر علیه رزقه> فرمود: یعنی روزیش را بر او تنگ سازد>.

کمبود غذا در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۰ - ۶

۶ قوم موسی پس از عبور از دریا به کمبود آب و غذا مبتلا شدند .

إذ استسقه قومه . .. و أنزلنا علیهم المن و السلوی

مصلحت در کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۲ - ۷

۷ - فراخی و تنگی روزی بندگان ، برای رعایت مصلحت آنان است .

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء . .. و یقدر له إنّ اللّه بکلّ شیء علیم

<لام> در <لمن> و <له> هر دو، برای منفعت است. نیز به دنبال فراخی و تنگی روزی بندگان، یادآوری علم همه جانبه خدا، مفید این حقیقت است که قبض و بسط روزی انسان ها، تابع مصالحی است و آنها را، خدا می داند.

منشأ کمبود روزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۶۲ - ۲،۳،۶

۲ - مشیت خداوند ، تعیین کننده فراوانی و کمی روزی است .

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

۳ - خداوند ، به هرکسی که خود بخواهد ، روزی کم عطا می کند .

اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له

<قدر> و <تقدیر> تبیین کمیت چیزی است (مفردات راغب)، به قرینه مقابله با <یبسط>، <یقدر> در آیه، به معنای <کم و ضیق> است.

۶ - فراخی و ضیق روزی بندگان ، ناشی از علم خدا به همه

چیز است .

اللّه یبسط الرزق . .. و یقدر له إنّ اللّه بكلّ شیء علیم

نجات از كمبود آب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۰ - ۲،۴،۱۴

۲ - موسی (ع) از خداوند خواست ، تا قومش را از كمبود آب رهایی بخشد .

و إذاستسقی موسی لقومه

<استسقاء> در لغت به معنای طلب كردن آب است و در اصطلاح شرعی دعا به درگاه خداوند است به نحوی خاص برای نزول باران.

۴ - خداوند ، دعا و درخواست موسی (ع) (دستیابی به آب) را سریعاً اجابت كرد .

فقلنا اضرب بعصاك الحجر

حرف <فاء> در <فقلنا> اشاره به این دارد كه میان دعای موسی و اجابت آن فاصله زمانی نبوده است.

۱۴ - دعا و مناجات به درگاه خدا برای رفع كمبود آب (استسقا) امری نیكو و شایسته ، و وظیفه ای بر عهده رهبران دین

و إذاستسقی موسی لقومه

كمبود ها

سوء استفاده از كمبود ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۷ - ۵

۵ سوء استفاده از كمبود ها ، كاستی ها و ناهماهنگی های جنگ ، شیوه منافقان بی ایمان سست باور

و لأوضعوا خللكم یبغونكم الفتنه

کنترل اجتماعی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کنترل اجتماعی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۸

۱۸ مبارزه با فساد و فسادانگیزی ، از اهداف مهم انبیا

و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ فرمان به کار های

شایسته و برحذر داشتن از کار های ناروا (امر به معروف و نهی از منکر) از وظایف اساسی پیامبر (ص) و از اهداف رسالت او

یأمرهم بالمعروف و ینهیهم عن المنکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۰،۱۳،۱۵

۱۰ باور مصلحان یهود به ربوبیت خداوند بر بندگان ، وادارکننده ایشان به تلاش برای اصلاح جامعه و بازداری منحرفان از گناه و تجاوز

قالوا معذره إلی ربکم

برداشت فوق از آوردن اسم <رب> استفاده شده است.

۱۳ تلاش برای اصلاح جامعه و نهی از منکر ، امری لازم بر عهده همگان

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

۱۵ پرهیزکنندگان از فساد در صورتی که برای بازداری جامعه از گناه تلاش نکنند ، در پیشگاه خداوند مسؤولند .

قالوا معذره إلی ربکم و لعلهم یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ مؤمنان وظیفه دارند برای از میان بردن کدورت ها ، درگیری ها و اختلافات خویشتن تلاش کنند .

و أصلحوا ذات بینکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۳،۵

۳ اهل ایمان موظف به مبارزه با فتنه هایی که شعله های آن دامنگیر کل جامعه است .

و اتقوا فتنه لاتصیبن الذین

عامل فتنه در مورد بحث چنانچه گذشت گناه و ستمکاری است و مرتکب این گناه به دلیل <ظلموا منکم> تنها برخی از افراد جامعه هستند. بنابراین امر به اتقا (اتقوا فتنه) نسبت به مخاطبان متفاوت خواهد بود. یعنی نسبت به گنهکاران و ستم

پیشگان، پرهیز از خود گناه است و نسبت به آنان که مرتکب نمی شوند، جلوگیری از ارتکاب آن است.

۵ تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول ، مایه بروز فتنه هایی فراگیر و نزول عذابی شدید بر تمامی جامعه ایمانی

إذا دعاكم لما يحييكم . .. و اتقوا فتنه لاتصيبن الذين ظلموا منكم خاصه

از مصادیق مورد نظر برای ستمکاری (ظلموا)، به قرینه آیه قبل، تخلف از دستورات حیاتبخش و زیربنایی خدا و رسول است.

ابزار کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۹ - ۲

۲ - قصاص ، عاملی مهم و اساسی در بازداری مردم از ارتکاب قتل

و لكم فى القصاص حيوه . .. لعلكم تتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۴ - ۱۲

۱۲ نهی از منکر وسیله ای برای بازداری مردم از گناهان

و لعلهم يتقون

اهمیت کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۹۹ - ۲،۴

۲ دعوت مردم به کار های پسندیده ، از وظایف پیامبر (ص)

و أمر بالعرف

<عرف> به معنای (شناخته شده) است و مراد از آن کارهایی است که در شرع و عقل به پسندیده بودن شناخته شده است.

۴ گذشت از لغزش ها ، دعوت مردم به کار های نیک و مدارا کردن با جاهلان و سفیهان ، از وظایف اساسی مبلغان دین

خذ العفو و أمر بالعرف و أعرض عن الجهلین

روش کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ -

۳ - ۶

۳ برخی از مؤمنان به سبب مخالفتشان با حرکت به سوی جنگ بدر ، مورد سرزنش و توبیخ خداوند قرار گرفتند .

یجدلونک فی الحق بعد ما تبین

روشهای کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۸ - ۱۰،۱۸

۱۰ مبارزه منفی و تحریم روابط با خطاکاران ، از روش های مؤثر و سازنده در برخورد با آنان

ضاقت علیهم الأرض . .. و ظنوا أن لا ملجأ من اللّه إلا إلیه

برداشت فوق با توجه به شأن نزول آیه شریفه است که مسلمانان، با متخلفان از جنگ تبوک، قطع رابطه کردند.

۱۸ فراهم آوردن زمینه و شرایط مناسب توبه برای خطاکاران پس از یک دوره مبارزه منفی از روش های مؤثر و سازنده در اصلاح آنان

و علی الثلثه الذین خلّفوا حتی إذا ضاقت علیهم الأرض . .. ثم تاب علیهم لیتوبوا إن

زمینه کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۱۹

۱۹ توجه به خدادادی بودن نعمت ها و به یاد داشتن همواره آن ، زمینه ساز پرهیز آدمی از فسادانگیزی است .

فاذکروا ءالاء اللّه و لاتعثوا فی الأرض مفسدین

نهی از فسادانگیزی (لا۔ تعثوا) در پی توجه دادن به نعمتهای الهی، اشاره به این نکته دارد که توجه به نعمتهای الهی می تواند آدمی را از فسادانگیزی بر حذر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۷ - ۵

۵ توجه جوامع بشری به فرجام شوم تکذیب کنندگان انبیا ، زمینه ساز نگرانی ایشان

در ابتلا به عذاب الهی و مایه گرایش آنان به ایمان و تقواست .

و لو أن أهل القری . .. أفأمن أهل القری أن یأتیهم بأسنا

جمله <أفأمن . .. > عطف بر جمله <فاخذنهم بما كانوا یكسبون> است. یعنی آیا اقوام و ملتهای كفرپیشه پس از آگاهی به سرنوشت شوم تكذیب كنندگان انبیا، باز هم عذاب الهی را انكار می كنند و خویشتن را از گرفتار آمدن به آن مصون می پندارند؟

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۳

۳ فرجام شوم كفرپیشگان گنهكار تاریخ ، زمینه ای مناسب برای پندگیری و عبرت آموزی است .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

از مصادیق مورد نظر برای <ذنوب>، به قرینه آیات قبل و آیه بعد، كفر و انكار آیات الهی است.

شیوه كنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۱

۱۱ لزوم یادآوری حقایق آموزنده تاریخ

إذ یعدكم اللّه إحدی الطائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۰ - ۳

۳ مؤمنان در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول و نیازمند هشدار

یأیها الذین ءامنوا . .. و لا تولوا عنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱،۶

۱ پیـامبر (ص) از جـانب خـدا فرمـان یـافت تا در صورت تسـلط بر یهودیان پیمان شـکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات کند که زمینه پراکنده شدن دیگر دشمنان

فراهم آید .

فإما تثقفنهم فی الحرب فشردبهم من خلفهم

تشرید به معنای پراکنده ساختن و کوچ دادن است. <باء> در <بهم> سببیه است که به دلیل <فی الحرب> کلمه ای همانند قتل و یا مجازات در تقدیر می باشد. و مراد از <من خلفهم> یهود و یا دیگر دشمنانی است که از مدینه و یا اطراف آن به فتنه گری می پرداختند. بنابراین جمله <فشردبهم> چنین معنا می شود: ای پیامبر با مجازات سنگین که بر یهودیان پیمان شکن تحمیل می کنی، دیگر دشمنان را متفرق ساز و پراکنده کن.

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی ، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردبهم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یذکرون> تعلیل برای <فشردبهم> است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

عوامل کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۴ - ۵

۵ توجه به محدود بودن زندگی و مجالهای آن، مایه پرهیز از محرمات الهی است.

حرم ربی الفوحش . .. و لکل أمه أجل فإذا جاء أجلهم لا یستاخرون ساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلکم

حرف <کم> در <ذلکم> خطاب به اهل ایمان

است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۵ - ۶

۶ توجه به شدت عقاب الهی ، زمینه ساز پرهیز از گناهان و ستمگریها

و اتقوا فتنه . .. و اعلموا أن اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۱۰

۱۰ توجه به احاطه علمی خداوند بر کردار آدمی ، عامل اجتناب وی از سرمستی و ریاکاری و جلوگیری از راه خدا

و لاتکونوا . .. و اللّه بمایعملون محیط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۹،۱۱

۹ باور به توانمندی خدا و شدت کیفر های وی زمینه ساز پرهیز آدمی از کفرورزی و ارتکاب گناه

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

هدف از توصیف خداوند با جمله <إن اللّه . .. > پس از بیان مؤاخذه کفرپیشگان گنهکار این است که انسانها با باور به نیرومندی خدا و شدید العقاب بودن وی، از مخالفت با وی بپرهیزند و رو به کفر و گناه نیاورند.

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

کدأب ءال فرعون . .. إن اللّه قوی شدید العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشداری است به انسانها تا با توجه به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۳

توجه انسان به نظارت شدن اعمالش از سوی خدا و رسول خدا (ص) ، بازدارنده او از تخلف و کجروی

و سیری اللّه عملکم و رسوله

تذکر به نظارت خدا و رسول او، ظاهراً در راستای دور نمودن متخلفان از انحراف و کجروی است.

لوط(ع) و کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۰ - ۴

۴ بازداشتن مردم از فحشا و لواط ، مهمترین و مقدمترین وظیفه لوط در رسالت های خویش

و لوطاً إذ قال لقومه أتأتون الفحشه

مسؤول کنترل اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۱

۱۱ لزوم توجه و نظارت خاص رهبر نظام اسلامی ، نسبت به عملکرد منافقان و عناصر متخلف از وظایف اجتماعی

و سیری اللّه عملکم و رسوله

اختصاص یافتن رؤیت به خدا و پیامبر(ص) با اینکه همه مردم عملکرد متخلفان را شاهد خواهند بود شاید از آن جهت باشد که نظارت آن دو، نقش اساسی در برخورد با آنان دارد. گفتنی است که برداشت فوق با الغای خصوصیت از <رسوله> و تعمیم آن به جایگاه اجتماعی پیامبر (ص) است.

کنز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کنز

کیفر اخروی کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۱

۱ دفینه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه . .. یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

کیفر کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه

- ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب ألیم

مراد از کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۷

۱۷ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < . . . من رفع دیناراً أو درهماً أو تبراً أو فضه لا یعده لغریمه و لا ینفقه فی سبیل اللّه فهو کنز یکوی به یوم القیامه ;

کسی که درهم و دینار (پول رایج) یا طلا و نقره ای را ذخیره کند، بدون اینکه برای طلبکار کنار بگذارد و آن را در راه خدا انفاق نکند این مال کنز است و در قیامت، به وسیله آن داغ زده می شود>.

مقدار کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۵

۱۵ < لما نزلت هذه الآیه < و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه . . . > قال رسول اللّه (ص) : . . . کل مال لا تؤدّی زکاته فهو کنز و ان کان فوق الأرض ;

هنگامی که آیه <کنز> نازل شد رسول خدا (ص) فرمود: . .. هر مالی که زکات آن داده نشود، کنز است اگر چه روی زمین باشد>.

کنیز از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کنیز

آثار تملک کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ -

۲ - ۶

۲ - ازدواج یا تملک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۳

۳ - ارضای غرایز جنسی ، به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

آمرزش کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۲

۳۲ - کنیزان وادار شده به فحشا از سوی مالکان ، مورد آمرزش و مشمول رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فإنّ اللّه من بعد إکرههنّ غفور رحیم

آمیزش با کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶ - ۱

۱ - لزوم حفظ و نگه داری دامن از همگان ، جز از همسر و کنیز خویش

و الذین هم لفروجهم حفظون . إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

استثنا در آیه فوق، استثنای مفرغ (خالی از مستثنی منه) است. با توجه به این که حذف <مستثنی منه> در کلام موجب، جایز نیست، حذف آن در آیه بالا، بدان جهت است که <حافظون> متضمن معنای نفی است; یعنی، <لایرسلونها علی أحد إلاّ علی أزواجهم أو ما ملکت أیمانهم; مؤمنان در آمیزش با احدی، خود را آزاد و رها نمی سازند; مگر با همسران خود یا کنیزانی که در تملک آنان قرار دارند>.

اباحه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳

۳۰ – ۵۰ –

۳۰ – داشتن کنیز ، امری جایز و مباح است .

قد علمنا ما فرضنا علیهم فی . .. و ما ملکت أیمنهم

احسان به کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۶ – ۱۴

۱۴ لزوم احسان به در راه ماندگان ، غلامان ، کنیزان و زیردستان

احساناً . .. و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم

ابن سبیل (پسر راه)، در اصطلاح به مسافری گفته می شود که زاد و توشه خویش را از دست داده و درمانده شده است.

احکام کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۹ – ۴

۴ – کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزوجک . .. نساء المؤمنین یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ

<نساء المؤمنین> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یک نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۰ – ۲

۲ – ازدواج با تملّک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلّا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

ازدواج با کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۱۱،۱۰،۹

۹ جواز تملک کنیزان متعدد و بهره گیری جنسی از آنان

فواحده او ما ملکت ایمانکم

تعیین نکردن عدد در کنیزان در مقابل

تعیین عدد در غیر آنان دلیل جواز بهره گیری جنسی از کنیزان متعدد است.

۱۰ مشروعیّت ازدواج با کنیزان متعدد

فواحده او ما ملکت ایمانکم

<فواحده>، به قرینه صدر آیه، مفعول برای <انکحوا> است. یعنی <فانکحوا واحده>، و به مقتضای عطف، <ما ملکت> نیز مفعول آن خواهد بود. گفتنی است که بنابراین مبنا مخاطب در <ایمانکم>، شخصی که تصمیم به ازدواج دارد، نمی باشد.

۱۱ اکتفا به یک همسر یا بهره گیری از کنیزان ، بهترین و نزدیکترین راه برای منحرف نشدن از عدالت در مورد زنان

فواحده او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الّا تعولوا

<ذلک>، اشاره به <واحده او ما ملکت ایمانکم> است. و <الّا تعولوا>، از ماده <عول> به معنی کجروی و ستم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۱۴

۱۴ حرمت ازدواج با کنیزان مسلمان و کنیزان اهل کتاب *

احل . .. و المحصنت و المحصنت من الذین اوتوا الکتب من قبلکم

بنابر اینکه مراد از <المحصنت> در آیه مورد بحث، زنان آزاده باشند. گفتنی است که ازدواج با کنیزانی که مسلمان هستند، با شرایطی که در آیه ۲۵ سوره نساء گذشت، تجویز شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱،۲،۳،۶،۱۱،۱۲،۱۸،۱۹،۲۰،۲۲،۲۵،۲۶،۳۱،۳۵

۱ جواز ازدواج با کنیزان مسلمان

فمن ما ملکت ایمانکم من فتیاتکم المؤمنات

۲ جواز ازدواج با کنیزان ، مشروط به نداشتن تمکن مالی برای ازدواج با زنان آزاده مؤمن

و من لم يستطع منكم طولا ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم

مؤيّد برداشت فوق، فرمايش امام باقر (ع) است كه درباره معناى

<طولاً> فرمود: من لم يجد منكم غنى.

مجمع البيان، ج ۳، ص ۵۴ ; نورالثقلين، ج ۱، ص ۴۶۹، ح ۱۸۳.

۳ ازدواج با كنيزان غير مؤمن جايز نيست .

فمن ما ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤمنات

۶ اظهار ايمان از سوى كنيزان ، مجوز ازدواج با آنان

من فتياتكم المؤمنات و اللّه اعلم بايمانكم

تذكر به علم كامل الهى به ايمان انسانها، پس از مشروط دانستن ازدواج با كنيزان به ايمان، اشاره به اين است كه براى ازدواج با كنيزان ايمان ظاهرى كافى است.

۱۱ مبارزه اسلام با تحقير كنيزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتياتكم المؤمنات . .. بعضكم من بعض

۱۲ ازدواج با كنيز ، مشروط به اذن مالك اوست .

فانكحوهنّ باذن اهلهنّ

<اهل كنيز>، همان مالك اوست.

۱۸ جواز ازدواج با كنيز ، مشروط به پاكدامنى او

فمن ما ملكت ايمانكم . .. محصنات غير مسافحات

ظاهراً كلمه <محصنات>، حال است براى <ما ملكت ايمانكم>. بنابراين جواز ازدواج را مشروط مى كند به احصان و پاكدامنى كنيز.

۱۹ ازدواج با كنيزان زناكار جايز نيست .

فانكحوهنّ . .. غير مسافحات

۲۰ ازدواج با كنيز رفيقباز جايز نيست .

فانكحوهنّ . .. غير مسافحات و لا متّخذات اخدان

<اخدان>، جمع <خدن> و به معنى دوست و رفيق است.

۲۲ پاكدامنى كنيز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهريه) متعارف به وى *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غير مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنابر اينكه <محصنات غير مسافحات>، حال براى مفعول اوّل <اتوهنّ> باشد كه در اين صورت <محصنات> قيد براى <اتوا> مى شود.

۲۵ ترس از گرفتار شدن در تنگنا هاى مشقّتبار جنسى ، مجوّز ازدواج با كنيزان

فانكحوهنّ .

.. ذلک لمن خشی الْعنت منکم

<عنت> بمعنی مشقّت است و مراد از آن به مناسبت مورد، مشقّتهایی است که از ناحیه جنسی به آدمی وارد می شود. <ذلک> اشاره به ازدواج با کنیزان است.

۲۶ ترس از ابتلا به زنا و فحشا ، مجوز ازدواج با کنیزان *

ذلک لمن خشی الْعنت منکم

بسیاری از مفسران برآنند که مراد از <عنت> در آیه شریفه، زناست.

۳۱ خویشتن داری در غریزه جنسی ، بهتر از ازدواج با کنیزان

فمن ما ملکت ایمانکم . .. ذلک لمن خشی الْعنت منکم

در برداشت فوق متعلق صبر، <عنت> به معنای مشقت گرفته شده است و مفضّل علیه کلمه <خیر>، ازدواج با کنیز فرض شده است. یعنی <ان تصبروا علی العنت خیر لکم من نکاحهن>.

۳۵ تجویز ازدواج با کنیزان ، مظهری از غفران و رحمت الهی

و من لم یستطع منکم . .. فمن منا ملکت ایمانکم ... و اللّه غفور رحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۰ – ۲

۲ – ازدواج با تملّک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

استمتاع از کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۴ – ۲

۲ جواز بهره گیری جنسی از کنیز شوهردار برای مالک وی

حرّمت . .. و المحصنات من النّساء الّا ما ملکت ایمانکم

لازم به تذکر است که حکم مذکور دارای شرایطی است که در فقه بیان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۰ - ۲

۲ - ازدواج با تملّک

کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلّا علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۳۱ - ۱

۱ - ارضای غرایز جنسی ، جز از طریق همسر یا کنیز مملوك ، تجاوز به حدود الهی و به دور از حق و اعتدال است .

فمن ابتغی وراء ذلک فأُولئک هم العادون

<عدوان> (مصدر <عادون>)، به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن است.

استیذان کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۲۵

۲۵ - < عن أبی عبدالله (ع) فی قول الله عزّوجلّ : یا أیّها الذین آمنوا لیستئذنکم الذین ملکت أیمانکم والذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرّات > قیل : من هم ؟ فقال : هم المملوکون من الرجال و النساء و الصبیان الذین لم یبلغوا الحلم ;

امام صادق(ع) در پاسخ این سؤال که مراد از < الذین ملکت أیمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم> چه کسانی اند؟ فرمود: آنان بردگان اند; چه غلامان [باشند]و چه کنیزان و کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند. ..>.

اکراه کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۱،۲۲،۳۹

۲۱ - واداشتن کنیزان عفیف ، بر فحشا و فساد جنسی ، حرام است .

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا

۲۲ - سود و درآمد به دست آمده از راه واداشتن کنیزان به فحشا و خودفروشی ، حرام است .

ولاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

نهی از واداشتن کنیزان به

فحشا برای به دست آوردن سود و متاع دنیوی، دلیل حرمت چنین سودی است.

۳۹ < عن علی ابن أبی طـالب (ع) فی قوله : < و لا ـتکرهوا فتیـاتکم علی البغاء > قال : کان أهل الجاهلیه یبغین إمائهم فنهوا عن ذلک فی الإسلام ;

حضـرت علی بن ابی طالب(ع) درباره سـخن خدا <و لاتکرهوا فتیاتکم علی البغاء> فرمود: اهل جاهلیت کنیزان خود را به زنا وادار می کردند. سپس در اسلام از این کار نهی شدند>.

انفاق به کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۱۰ – ۱۹

۱۹ – < عـن محمّـد بن علیّ (ع) أنّه قـال : < أنفقـوا من مّـا رزقنـاکم > قـال : ممّـا رزقکم اللّه علی مـا فرض اللّه علیکم فیما مَلَکَتْ أیمانُکم . . . ;

از امـام باقر(ع) درباره سـخن خداونـد <أنفقوا من مّا رزقناکم> روایت شـده که فرمود: از آنچه خداونـد به شـما روزی داده، انفاق کنید بر کسانی که غلام یا کنیز شما هستند; همان گونه و همان مقدار که خداوند بر شما واجب کرده است. ..>.

تملک کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۳۰ – ۲

۲ – ازدواج با تملّک کنیزان ، تنها محدوده مجاز در روابط جنسی

إلاّ علی أزوجهم أو ما ملکت أیمنهم

حجاب کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۹ – ۴،۱۲

۴ – کنیزان ، در پوشش و حجاب ، حکم زنان آزاده را ندارند .

قل لأزوجك . .. نساء المؤمنين يدنين عليهنّ من جلبيبهنّ

<نساء

المؤمنين> انصراف به زنان آزاده مؤمن دارد. شأن نزول نقل شده درباره این آیه و این که زنان آزاده و کنیزان، دارای پوشش یکٔ نواختی بودند و از این رو، مورد تعرض مزاحمان قرار می گرفتند، گویای این است که حکم مزبور، مربوط به زنان آزاده است.

۱۲ – بر زنان مؤمن آزاده ، لازم است با پوشش مناسب ، خود را از بردگان کنیز متمایز سازند .

یدنین علیهنّ من جلبیبهنّ ذلکٔ أدنی أن یعرفن فلایؤذین

متعلق <یعرفن> می تواند <من الإماء> باشد و می تواند چیزی شبیه <إنّهنّ حرائر> باشد. برداشت بالا، بنابر احتمال نخست است.

حد زنای کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۵ – ۲۳،۲۴

۲۳ حدّ زنای کنیزان مسلمان ، نیمی از حدّ زنانی آزاده است .

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات من العذاب

چون فعل <احصنّ> مجهول است، مراد از آن شوهردار بودن است، و چون ضمیر آن به <مؤمنات> برمی گردد، هر دو قید، یعنی مسلمان و شوهردار بودن، از آن استفاده می شود. مؤیِّد معنای مذکور برای <احصنّ> در برداشت فوق، فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آن فرمود: یعنی نکاحهنّ ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۹۶ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۹۰.

۲۴ کنیز شوهردار ، در صورت ارتکاب هر نوع فحشا ، مستحق نیمی از کیفر زن آزاد *

فاذا احصنّ فان اتین بفاحشه فعلیهن نصف ما علی المحصنات

در برداشت فوق، <فاحشه> به معنای مطلق کار زشت گرفته شده، نه به معنای <زنا>.

حقوق کنیز

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۵ – ۱۱،۱۴

۱۱ مبارزه اسلام با تحقیر کنیزان و ننگ دانستن ازدواج با آنان

من فتیاتکم المؤمنات . .. بعضکم من بعض

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریّه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

و اتوهُنّ اجورهنّ بالمعروف

حلیت کنیز برای محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۲ – ۱۰

۱۰ – بر پیامبر (ص) غیر از همسران تعیین شده ، تنها کنیز ، حلال و مباح بود .

لایحلّ لك النساء من بعد . .. إلاّ ما ملکت یمینك

حمایت از کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۳ – ۲۹

۲۹ – کنیزان پاکدامن و شخصیت انسانی آنان ، مورد حمایت اسلام است .

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء إن أردن تحصّنًا لتبتغوا عرض الحیوه الدنیا

زمینه ازدواج کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۲ – ۴،۵

۴ – اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار ، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنكحوا . .. و الصلحين من عبادكم و إمائكم

۵ - فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنكحوا. .. و الصلحين من عبادكم و إمائكم

برداشت یاد شده، براین اساس است که مقصود از صلاح در <الصالحین> به قرینه این که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند صلاحیت برای

امر ازدواج باشد; یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

شخصیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۲۶

۲۶ - شخصیت و کرامت انسانی کنیزان ، به منزله شخصیت و کرامت دختران آزاد است .

و لاتکرهوا فتیتکم علی البغاء . .. إن أردن تحصّنًا

<فتیات> (جمع <فتیه>) به معنای دختران جوان است (لسان العرب). برداشت یاد شده از تعبیر <فتیاتکم>(دختران جوانتان) به جای <إمائکم>(کنیزانتان) با آن که مقصود از دختران جوان، همان کنیزان است استفاده شده است.

عفّت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۲۲

۲۲ پاکدامنی کنیز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهریه) متعارف به وی *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غیر مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنابر اینکه <محصنات غیر مسافحات>، حال برای مفعول اوّل <اتوهنّ> باشد که در این صورت <محصنات> قید برای <اتوا> می شود.

کنیز صالحه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۲ - ۴،۵

۴ - اولیای بردگان و کنیزان صالح و نیکو کردار ، موظف به فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای آنان .

و أنکحوا . .. و الصلحین من عبادکم و إمائکم

۵ - فراهم آوردن تسهیلات ازدواج برای بردگان و کنیزان شایسته اداره زندگی مشترک ، تکلیفی است بر عهده اولیای آنان .

و أنكحوا. .. و الصلحين من عبادكم و إمائكم

برداشت ياد شده، براين اساس است كه مقصود از صلاح در <الصالحين> به قرينه اين

که سخن از ازدواج افراد غیر متأهل است و آنان نوعاً از قشر جوان و نوجوانان اند صلاحیت برای امر ازدواج باشد; یعنی، به حدی از رشد و بلوغ رسیده باشند که شایستگی اداره زندگی مشترک را داشته باشند.

کنیز مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۳

۳ کنیز مؤمن برای همسری شایسته تر است از آزاد زن مشرک ; هر چند زیبا و دلربا باشد .

و لَاَمَه مؤمنه خیر من مشرکه و لو اعجبتکم

مالکیت کنیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ کنیز ، مالک مهریّه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم . .. و اتوهُنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریّه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می شود مالک مهریّه، خود کنیز است نه مالک او.

محرومیت مالک کنیز گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۳ - ۳۳

۳۳ - برده دارانِ وادار کننده کنیزان خویش به فحشا و فساد جنسی ، محروم از آمرزش و رحمت خدا هستند .

و من یکرههنّ فإنّ اللّه من بعد إکرههنّ غفور رحیم

در آیه یاد شده متعلق <غفور> و <رحیم> ذکر نشده است. با توجه به این که بعید است خداوند به برده داران، به خاطر گناه اکراهشان و نیز مورد هشدار قرار گرفتن آنان وعده غفران و رحمت بدهد، به نظر می رسد مقصود کنیزانی خواهد بود

که مجبور به فحشا شده اند. بر این

اساس اختصاص یافتن این وعده به کنیزان، حاکی از محرومیت برده داران از این موهبت است.

مشروعیت تملک کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶ – ۳

۳ – ارضای غرایز جنسی به گونه ای مشروع (اختیار همسر یا تملک کنیز) ، امری مقبول و مورد پذیرش اسلام

إلاّ علی أزوجهم . .. فإنّهم غیر ملومین

معاشرت با کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳ – ۱۲

۱۲ عدم لزوم رعایت مساوات بین کنیزان ، برای مالکان آنان

فان خفتم الّا تعدلوا فواحده او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الّا تعولوا

مراد از مساوات، عدالت و قسطی است که شوهر ملزم به رعایت آن در بین زنان متعدد خویش می باشد.

مهریه کنیز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۵ – ۱۴،۱۵،۲۲

۱۴ وجوب پرداخت اجرت (مهریّه) به کنیزان بر طبق معیار های متعارف جامعه

و اتوهُنّ اجورهنّ بالمعروف

۱۵ کنیز ، مالک مهریّه خویش

فمن ما ملکت ایمانکم . .. و اتوهُنّ اجورهنّ

از اینکه خداوند تصریح می کند که مهریّه کنیز را به خود او بدهید (اتوهنّ اجورهنّ) و نفرمود که: اتوا اجورهنّ، معلوم می

شود مالك مهريّه، خود كنيز است نه مالك او.

۲۲ پاكدامنى كنيز پس از ازدواج ، شرط لزوم پرداخت اجرت (مهريه) متعارف به وى *

اتوهنّ اجورهنّ بالمعروف محصنات غير مسافحات و لا متّخذات اخدان

بنـابر اينكه <محصـنات غير مسافحات>، حال براى مفعول اوّل <اتوهنّ> باشـد كه در اين صورت <محصـنات> قيـد براى <اتوا> مى

شود.

کودک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کودک

احکام کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . .. و المستضعفین من الولدن

استماع سخن کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴ - ۷

۷ لزوم گوش سپاری به سخنان کودکان و اجازه نقل رخداد ها و دریافت ها به آنان

إذ قال یوسف لأبیه یأبت إنی رأیت

اهمیت حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۹

۹ - توجه به مصالح و منافع نوزادان و نیز رعایت موازین شرعی و عقلی ، باید اساس و مبنای مشاوره و هم فکری مردان و زنان مطلّقه باشد .

و أتمروا بینکم بمعروف

<معروف> اسم برای هر کاری است که از نظر عقل و شرع، حسن و خوبی آن شناخته شده باشد (مفردات راغب).

تصرفات کودک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶ – ۵،۷

۵ کودکان (نابالغان) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند ، از تصرف در اموال خود محجورند . *

و ابتلوا الیتامی . .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا

۷ صحت تصرف کودکان یتیم در اموال ، با اذن و نظارت ولیّ

و ابتلوا الیتامی حتّی اذا بلغوا النّکاح

چون بدون تصرف یتیم در اموال و بدون نظارت ولیّ بر آن تصرفات، آزمایش تحقق نمی یابد.

تغذیه کودک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره

- ۲ - ۲۳۳ - ۱،۲،۳،۴،۶،۸،۱۵،۱۸،۱۹،۲۶،۲۷،۳۶

۱ وجوب شیر دادن مادران به فرزندان خویش

و الوالدات یُرضعن اولادهنّ

جمله <یرضعن . .. >، جمله ای است خبری در مقام انشا.

۲ اولویّت شیر مادر برای تغذیه فرزند نسبت به شیر دیگر زنان و تغذیه های دیگر

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

۳ دوره کامل شیرخوارگی کودک ، دو سال کامل است .

و الوالدات یرضعن اولادهنّ حولین کاملین

۴ عدم وجوب شیر دادن به نوزاد به مدّت دو سال بر مادر *

لمن اراد ان یتمّ الرضاعه

چون حکم (ارضاع به مـدّت دو سال) را تعلیق به اراده مادر کرده است، به نظر می رسد ارضاع به مدّت دو سال واجب نباشد؛ اگر چه اصل ارضاع واجب باشد.

۶ مادر در صورت تصمیم پدر به تکمیل شیرخوارگی فرزند ، باید دو سال کامل به نوزاد شیر دهد . *

و الوالدات یرضعن . .. لمن اراد ان یتم الرضاعه

برخی از مفسّرین برآنند که مراد از <من أراد> پدر فرزند است؛ یعنی آنگاه بر مادر دو سال شـیر دادن لازم است که پدر از او بخواهد. در تأیید این برداشت نیز گفته شده که صیغه <اراد> و <یتمّ> به صورت مذکر، مؤید آن است.

۸ زنان مطلّقه نباید از شیر دادن به نوزاد خود امتناع نمایند .

و الوالدات یُرضعن

آیات قبل و بعد در مورد زنان مطلّقه است.

۱۵ توجه اسلام به نقش سازنده مادر در تغذیه و پرورش کودک *

و الوالدات یرضعن اولادهنّ

۱۸ نباید مادر حتی پس از طلاق با امتناع از شیر دادن به فرزند ، موجب ضرر او شود .

لا تضارّ والده بولدها

۱۹ خودداری مادر از شیر دادن

به کودک خویش ، از مصادیق بارز اضرار به فرزند

و الوالدات یرضعن . .. لا تضارّ والده بولدها

نهی از زیـان رسـانی به کـودک پس از الزام مـادر به شـیر دادن، اشـاره به این معنـاست که از مصـادیق بـارز ضـرر به کودک، خودداری از شیر دادن به اوست.

۲۶ جواز گرفتن فرزند از شیر قبل از دو سال ، به شرطِ رضایت ، مشورت و توافق پدر و مادر

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

چون حـدّ کمال شـیر دادن دو سال است، بنابراین <فصال> پس از دو سال طبیعی است و نیاز به مشورت و توافق نـدارد; لذا مراد از <فصال> در آیه شریفه، <فصال> قبل از دو سال است.

۲۷ جدا کردن طفل از شیر مادر ، باید پس از مشورت با صاحبنظران و توافق والدین صورت گیرد .

فان ارادا فصالا عن تراض منهما و تشاور فلا جناح علیهما

در برداشت فوق، <فصـال> حمل شـده بر <فصال> از شـیر مادر، نه از هر شـیری; یعنی توافق می کننـد که مادر دیگر شـیر ندهد و برای تکمیل مدّت شیر، کودک را به دایه ای بسپارند.

۳۶ لزوم رعایت تقوا در حقوق نوزادان و آنچه مربوط به شیردهی آنان است .

و الوالدات یرضعن . .. و اتقوا اللّه

محور اصلی آیه، تأمین حیات و رشد نوزادان است. بنابراین مصداق بارز تقوا درآیه شریفه، رعایت حقوق آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۶ - ۸

۸ - مردان و زنان مطلّقه ، باید درباره شیر دادن و کیفیت نگه داری نوزادانشان ، به مشاوره و هم

فکری بپردازند .

و أتمروا بینکم

حقوق کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۱

۱ کسانی که خواهان رعایت حقوق کودکان یتیم خویش از طرف جامعه هستند ، باید حقوق کودکانِ یتیم دیگران را رعایت کنند .

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً خافوا علیهم فلیتّقوا اللّه

جمله <فلیتّقوا اللّه>، به قرینه جمله قبل (لو ترکوا من خلفهم ذریّه ضعافاً) چنین معنا می شود: فلیتّقوا اللّه فی امر الذریّه الضعاف; یعنی کسانی که نگران رعایت حقوق فرزندان خویش پس از مرگ خود هستند، باید تقوای الهی را در مورد فرزندان ضعیف (یتیمان) دیگر مردمان رعایت کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱۷

۱۷ قرآن حاوی احکامی خاص ، درباره اطفال ناتوان و مستضعف

یفتیکم فیهنّ و ما یتلی علیکم فی الکتب . .. و المستضعفین من الولدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۶

۶ - دوران شیرخوارگی کودک ، تا دو سال است .

و فصله فی عامین

<فصال> در لغت، به معنای <جدا کردن کودک از شیر> است (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <فی> (حرف ظرف) دلالت می کند بر این که مدّت شیرخوارگی، دو سال است و جدا کردن کودک از شیر، می تواند در خلال آن دو سال باشد.

روانشناسی کودک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۵

۵- اهمیت نام و نام گذارنده و نقش آن در شخصیت کودک

اسمه یحیی لم نجعل

له من قبل سميًّا

تعبیر <اسـمه يحيى> از آن جهت مورد تصـريح قرار گرفته است که تعيين آن از سوى خدا، خود شرافتى برجسته و قابل تأمل است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۴ – ۷

۷ لزوم گوش سپارى به سخنان كودكان و اجازه نقل رخداد ها و دريافت ها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إنى رأيت

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۱۲ – ۷

۷ حضور در مراتع و بازى و گردش ، از نياز هاى طبيعى كودكان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا يرتع و يلعب

روش برخورد با كودك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۴ – ۷

۷ لزوم گوش سپارى به سخنان كودكان و اجازه نقل رخداد ها و دريافت ها به آنان

إذ قال يوسف لأبيه يأبت إنى رأيت

عوامل مؤثر در رشد كودك

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۵ – ۱۳

۱۳– نقش اساسى دوران جنينى و شيرخوارگى ، در رشد و بلوغ فرزند *

و حمله و فصله ثلثون شهرًا حتّى إذا بلغ أشدّه

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه آمدن <بلغ أشدّه> در پى <و حمله و فصاله> بيانگر ارتباط ميان اين دو مقطع باشد.

كودك مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۵

۵ مردان ، زنان و كودكان مانده در ستم ، از مصاديق مستضعفان

و المستضعفين من الرّجال و النّساء و الولدان

الّذین یقولون ربّنا اخرجنا من هذه ال

مالکیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۸

۸ مالکیت شخصی کودکان

و ابتلوا التیامی . .. فادفعوا الیهم اموالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۵

۵- ثبوت حق مالکیت برای افراد نابالغ

و لاتقربوا مال الیتیم . .. حتی یبلغ أشدّه

<یتیم> در لغت، به طفلی گفته می شود که قبل از بلوغ، از پدرش جدا شده و او را از دست بدهد (مفردات راغب).

محجوریت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶ - ۵

۵ کودکان (نابالغان) و کسانی که رشد اقتصادی ندارند ، از تصرف در اموال خود محجورند . *

و ابتلوا الیتامی . .. فان انستم منهم رشداً فادفعوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- صغیر بودن و رشد و درک اقتصادی نداشتن ، دو عامل حجر و مانع حق تصرف فرد در مال خویش است .

حتی یبلغ أشدّه

بیان غایت زمان ممنوعیت حق تصرف یتیم، در واقع بیان کننده ملاک حق تصرف در مال است و آن، بلوغ و رشد اقتصادی است. بنابراین یتیم بودن، خصوصیت و موضوعیت ندارد.

محرمیت کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۲،۲۵

۲۲ - پوشاندن زینت ها و مواضع آنها (بدن) از خدمت کاران بی نیاز به زن و بی رغبت به زناشویی و کودکان بی خبر

از مسائل جنسی ، بر زنان مؤمن لازم نیست .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ. .. أو التبعین غیر أُوْلی الإربه من الرجال أو الطفل الذی

واژه <الإربه> به معنای حاجت است و در آیه شریفه به مناسبت این که در بیان مسائل محرم و نامحرم است مقصود، نیاز به زن و تمایل جنسی به زنان است.

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

نجات کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۵ - ۶

۶ نجات کودکان از محیط کفر و شرک ، از وظایف مؤمنان

و الولدان . .. الظالم اهلها

نقش کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۳ - ۸

۸ - حضور کودک در کنار مادر ، مایه سرور و روشنی دیدگان و فراق او ، موجب اندوه و نگرانی مادر

فرددنه إلی أُمّه کی تقرّ عینها و لاتحزن

نیازهای کودک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۷

۷ حضور در مراتع و بازی و گردش ، از نیاز های طبیعی کودکان

و إنا له لنصحون. أرسله معنا غدًا يرتع و يلعب

كودكان

استيذان كودكان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۸ – ۳

۳ – فرزندان نابالغ ،

باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

لیستئذنکم . .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... ثلث عورت لکم

اهمیت تربیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود ، ممنوع است .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه العشاء ... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

سختی استیذان کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۴

۱۴ - ضرورت معاشرت نزدیک و تنگاتنگ فرزندان نابالغ با پدر و مادر خود و مشقت اجازه خواستن ، فلسفه و دلیل عدم لزوم اذن خواستن از والدین ، برای رفت و آمد نزدیک باآنان در غیر از سه وقت مقرر است .

لیستئذنکم . .. ثلث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهنّ طوّفون علیکم بعضکم

جمله <طوّافون علیکم. ..> جمله ای است تعلیلیه که بیانگر علت و فلسفه جواز رفت و آمد نزدیک فرزندان با پدر و مادرشان در اتاق ها و محل استراحت آنان است; یعنی، چون فرزندان باید با پدر و

مادرشان رفت و آمد نزدیک داشته باشند و اجازه خواستن برای این کار، برای فرزندان مشقت بار است، پس اذن طلبیدن لازم نیست.

مسؤولیت کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۳

۳ - فرزندان نابالغ ، باید برای ورود به اتاق و محل استراحت پدر و مادرشان به وقت برهنگی و خلوت آنان ، اجازه بگیرند .

لیستئذنکم . .. الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلث مرّت ... ثلث عورت لکم

ممنوعیت تحریک جنسی کودکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۸ - ۱۳

۱۳ - هرگونه رفتاری که موجب تحریک جنسی فرزندان نابالغ و ممیز (بلوغ زودرس) شود ، ممنوع است .

لیستئذنکم . .. و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ... من قبل صلوه العشاء ... لیس علیکم

با توجه به فلسفه و حکمت اذن گرفتن فرزندان نابالغ، برای ورود به محل خواب و خلوت پدر و مادرشان و نیز لزوم پرهیز والدین از ظاهر شدن با چنین وضعیتی در انظار فرزندان خویش، می توان گفت که هرگونه تحریک جنسی فرزندان (بلوغ زودرس) ممنوع است و مورد آیه خصوصیتی ندارد.

کودکی

امامت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- < علیّ بن اسباط قال : رأیت أباجعفر (ع) . . . فقال یا علیّ إنّ اللّه إحتج فی الإمامه بمثل ما احتّج به فی النبوّه فقال : < و آتیناه الحکم صبیّاً > . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبیّ

; . . .

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

بازگشت به کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۱،۶

۱ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

<تعمیر> (مصدر <نعمّر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننکّسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و من نعمّره ننکّسه فی الخلق> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

۶ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی ، نشانگر توانایی خداوند بر عذاب کافران و بازگرداندن آنان به روز رستاخیز است .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم . .. و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

برداشت یاد شده براین اساس استوار است که عبارت <من نعمّره . ..> عطف بر <و لو نشاء لطمسنا...> از باب عطف علت بر معلول باشد; یعنی، آیه شریفه درصدد ارائه شاهدی بر توانایی خداوند بر مسخ و زمین گیر کردن انسان و بازگرداندن وی به روز رستاخیز برای محاکمه است.

بازی در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۵

۵ - اقتضای دوران کودکی انسان بازی است .

أنّما الحیوه الدنیا لعب

حکمت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۴

۱۴- < علیّ بن اسباط قال : رأیت أباجعفر (ع) . . . فقال یا علیّ إنّ اللّه إحتج فی الإمامه بمثل ما احتّج به فی النبوّه فقال : < و آتیناه الحکم صبیّاً > . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبیّ . . . ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودك هم داده شود...>.

دوران کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۷

۱۷- منحنی صعود انسان در زندگی دنیوی ، از طفوبیت آغاز می شود و در اوج جوانی ، به پایان می رسد .

فإنّا خلقنکم من تراب. .. ثمّ نخرجکم طفلاً ثمّ لتبلغوا أشدّکم

ذکر نیازهای کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۸

۸- توجه انسان به ضعف ها و نیاز های دوران کودکی و خدمات و زحمات پدر و مادر ، برانگیزنده عواطف وی نسبت به

آنان است .

و قل ربّ ارحمهما کما ربّیانی صغیرًا

قضاوت در کودکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۱۰

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

کودکی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۱ - ۴

۴- ابراهیم (ع) در پرتو عنایت الهی ، از رشد و کمالات خاص از دوران کودکی و قبل از نبوت بهره مند بود .

و لقد ءاتینا إبرهیم رشده من قبل

برداشت یاد شده مبتنی براین است که مراد از <من قبل> پیش از بلوغ و یا قبل از نبوت باشد.

کودکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۲،۴

۲ - مراحل مختلف حیات انسان ، از کودکی تا پیری ، به دست خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

۴ – سیر مراحل زندگی آدمی ،

از کودکی تا پیری ، تخلف ناپذیر و غیر قابل تغییر است .

خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۷

۷ - منحنی صعود انسان در حیات دنیوی ، از طفولیت آغاز می شود و در نقطه اوج جوانی پایان می پذیرد .

ثمّ یخرجکم طفلاً ثمّ لتبلغوا أشدّکم ثمّ لتکونوا شیوخًا

کودکی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۱،۶،۷

۱ - پیامبر (ص) ، از از آغاز تولّد یتیم بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

استفهام <ألم یجدک یتمًا> مطلق است و به زمان خاصی اختصاص نیافته است و کسی که خداوند او را به طور مطلق یتیم می یابد، باید از آغاز تولد با فوت پدر مواجه باشد. فعل <آوی> نیز قرینه است بر این که یتیمی پیامبر(ص)، در دورانی بود که شخص به سرپرست نیازمند است. بنابراین آن حضرت، از آغاز تولّد یتیم بوده است.

۶ - خداوند ، با یادآوری الطاف خود در دوران کودکی پیامبر (ص) ، آن حضرت را به عطا های آینده خویش اطمینان بخشید .

و لسوف یعطیک . .. ألم یجدک یتیمًا فاوی

۷ - پیامبر (ص) از خردسالی ، در پناه خداوند و برخوردار از مراقبت مخصوص او بود .

ألم یجدک یتیمًا فاوی

فعل <آوی> که مطلق است ممکن است به معنای <آواک إلی نفسه> و بیانگر مراقبت مستقیم خداوند، از پیامبر(ص) باشد.

کودکی موسی(ع)

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۸ - ۲

۲ - موسی (ع) از طفولیت ، مورد عنایت ویژه خداوند قرار داشت .

إذ أوحینا إلی أُمّک مایوحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ - موسی (ع) ، در خردسالی تحت تکفل مادر خود بود .

علی من یکفله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸ - ۱،۲

۱ - موضع گیری فرعون ، در قبال دعوت موسی (ع) با به رخ کشیدن دوران سرپرستی خویش بر او

قال ألم نربّک فینا ولیدًا

<تربیه> (مصدر <نربّی>) به معنای پروریدن است. <ولید> به نوزاد و نیز به کودکی گفته می شود که از وقت ولادتش زمانی زیادی نگذشته باشد; وگرنه طفل گفته می شود. <لبث> (مصدر<لبثت>) به معنای ماندن و درنگ کردن است; یعنی، فرعون گفت: آیا تو را از کودکی در میان خود نپروریدم [مگر]سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی.

۲ - کودکی و بخشی از دوران عمر موسی (ع) و نیز رشد و پرورش جسمی او در خاندان فرعون گذشت .

قال ألم نربّک فینا ولیدًا و لبثت فینا من عمرک سنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲ - ۶

۶ - ناخشنودی موسی (ع) ، از زندگی گذشته خویش در دربار فرعون

قال ألم نربّک فینا ولیدًا . .. و تلک نعمه تمنّها علیّ أن عبّدتّ بنی إسرءیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ –

قصص - ۲۸ - ۷ - ۱۲

۱۲ - خداوند ، پناه و پشتیبان موسی (ع) از مرحله شیرخوارگی تا رسیدن به مقام رسالت

إنّ فرعون . .. یذبّح أبناءهم ... و أوحینا إلی أُمّ موسی أن أرضعیه ... إنّا رادّو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۱

۱ - سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی موسی (ع) و رسیدن او به مرحله جوانی ، بی هیچ حادثه درخور بیان

فرددنه إلی أُمّه . .. و لمّا بلغ أشدّه و استوی

تعبیر <بلغ أشدّه> کنایه از رسیدن شخص به دوره جوانی است; زیرا نوعاً بلوغ فکری انسان هم زمان با رسیدن وی به مرحله جوانی است. بنابراین پرداختن قرآن به حوادث روزگار جوانی موسی(ع) و بعد از آن و مسکوت گذاشتن دوران پیش از جوانی (کودکی و نوجوانی)، نشانگر آن است که کودکی و نوجوانی او در کمال آرامش سپری شده بود و در این مدت حادثه ای درخور بیان برای وی روی نداده بود.

کودکی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۲ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۵،۱۶

۸- اعطای قدرت درست اندیشی و شناخت حق از سوی خدا ، به یحیی (ع) در کودکی او بود .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

برای <حکم> معانی مختلفی ذکر شده است ; یکی از آن معانی که مبنای برداشت یاد شده است <علم و فهم> می باشد (لسان العرب).

۹- خداوند ، یحیی (ع) را در کودکی به اجرای احکام الهی توان مند ساخت .

و ءاتینه الحکم صبیًّا

در برداشت

یاد شـده <حکم> به معنای حاکمیت و اجرای قضاوت گرفته شـده است. در (قاموس) آمـده است: حاکم به کسـی گفته می شود که حکم را به مرحله اجرا درآورد.

۱۰- حضرت یحیی ، برخوردار مقام قضاوت در ایام کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

<حکم> بر اساس یکی از معانی متعددی که برای آن ذکر شده است، مصدر و به معنای قضاوت کدن است (لسان العرب).

۱۱- یحیی برخوردار از استعدادی فوق العاده در کودکی

و ءاتینه الحکم صبیًّا

۱۵- < عن النبی (ص) فی قوله < و آتیناه الحکم صبیّاً > قال : أعطی الفهم و العباده و هو ابن سبع سنین ;

۱ . الدرالمنثور، ج ۵، ص ۴۸۴.

۱۶- < قال رسول اللّه (ص) : . . . قال اللّه تعالی : < و آتیناه الحکم صبیّاً > یعنی الزهد فی الدنیا . . . ;

از رسـول خـدا(ص) روایـت شـده: . .. خـدای تعـالی فرمـوده اسـت: <و آتینـاه الحکـم صبیّاً>; یعنی زهـد در دنیـا را (بـه او دادیم)...>.

کودکی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۱۳

۱۳ رؤیای شگفت یوسف (ع) (سجده ستارگان ، ماه و خورشید) در سنین کودکی یا نوجوانی او بوده است .

قال یبنیّ

کلمه <بنیّ> تصغیر کلمه <ابن> می باشد و به ضمیر متکلم اضافه شده است. <یبنیّ> ; یعنی، ای پسر کوچک من.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۲ - ۶

۶ یوسف (ع) به هنگام اجرای توطئه برادرانش علیه او ، در سنین کودکی یا نوجوانی بوده است

.

أرسله معنا غدًا يرتع و يلعب

برداشت فوق ، از فعل <يلعب> (بازى كند) به دست مى آيد ; زيرا معمولاً بازى كردن را در مورد كودكان و نوجوانان به كار مى برند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۰،۱۲

۱۰ يوسف (ع) در سنين كودكى ، شايستگى دريافت وحى را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحينا إليه

۱۲ يوسف (ع) در سنين كودكى به نبوت رسيد . *

و أوحينا إليه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱

۱ يوسف (ع) روزگار كودكى و نوجوانى را در خانه عزيز مصر به سر برد ، تا به جوانى و رشد جسمى و عقلى رسيد .

أكرمى مثويه . .. و لما بلغ أشدّه

كلمه <أشدّ> چنان چه لسان العرب از سيبويه نقل كرده جمع شدّه (توان و قدرت) است. بنابراين <أشدّ> ; يعنى ، توانها و قدرتهاى متعدد كه به مناسبت مورد ، شامل توان جسمى و عقلى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۴

۴ يوسف (ع) در دوران كودكى اش به ناحق متهم به دزدى شده بود .

فقد سرق أخ له من قبل . .. قال ... الله أعلم بما تصفون

گرايشها در كودكى

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۴

۴ - انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی

، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

نبوت در کودکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۲ – ۱۴

۱۴- < علیّ بن اسباط قال : رأیت أباجعفر (ع) . . . فقال یا علیّ إنّ اللّه إحتج فی الإمامه بمثل ما احتّج به فی النبوّه فقال : < و آتیناه الحکم صبیّاً > . . . فقد یجوز أن یؤتی الحکمه و هو صبیّ . . . ;

علی بن اسباط گفت: امام جواد(ع) را دیدم . .. به من فرمود ای علی همان خداوند احتجاج نموده در مورد امامت به حجتی نظیر آنچه در مورد نبوت احتجاج نموده است، پس فرمود: <و آتیناه الحکم صبیّاً> ... پس روا است که حکمت به کودک هم داده شود...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۳۰ – ۱۱،۱۰،۴

۴- حضرت عیسی (ع) در خردسالی ، خود را بنده خدا ، صاحب کتاب آسمانی و پیامبری الهی معرفی کرد .

قال إنّی عبداللّه ءاتینی الکتب و جعلنی نبیًّا

۱۰- < عن یزید الکناسی قال : سألت أباجعفر (ع) أکان عیسی بن مریم حین تکلّم فی المهد حجه اللّه علی أهل زمانه ؟ فقال : کان یومئذ

نبيّاً حجه اللّه غير مرسل ، أما تسـمع لقوله حين قال : < إنّى عبداللّه آتانى الكتاب و جعلنى نبيّاً > . . . فلمّا بلغ عيسى سبع سنين تكلّم بالنبوه والرساله حين أوحى اللّه تعالى إليه ;

از يزيد كناسـى نقل شده كه گفت: از امام باقر(ع) سؤال كردم آيا عيسى بن مريم(ع) آن گاه كه در گهواره بود حجت خدا بر اهل زمانش بود؟ فرمود: (عيسـى(ع)) در آن زمان پيامبر و حجت خـدا بود، اما مأموريت رسالت نـداشت، آيا سـخن او را نمى شنوى آن گـاه كه گفت: <. .. و جعلنى نبيّاً> ... پس آن گـاه كه به هفت سـالگى رسـيد، ابراز نبوت و رسـالت كرد، همـان هنگام كه خدا به او وحى كرد.>.

۱۱- < عن رسول اللّه (ص) : . . . و هذا عيسى بن مريم (ع) . . . حين أشارت إليه . . . قال : إنّى عبداللّه آتانى الكتاب > . . . أُعطى كتاب النبوه و أُوصى بالصلاه والزكاه فى ثلاثه أيّام من مولده و كلّمهم فى اليوم الثانى من مولده . . . ;

از رسـول خـدا(ص) روايـت شـده كه فرمـود: . .. و اين عيسـى بن مريم(ع) است كه وقـتى مريم به او اشـاره كرد گفت: <إنّى عبـداللّه آتـانى الكتـاب> ... كتابِ نبوت به او داده شـد و به نماز و زكات سـفارش گرديـد (و اين همه) ظرف سه روز پس از ولادت او بود و در روز دوم ولادت با مردم سخن گفت...>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ يوسف

(ع) در سنين كودكى به نبوت رسيد . *

و أوحينا إليه

وحى در كودكى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۱،۱۰

۱۰ يوسف (ع) در سنين كودكى ، شايستگى دريافت وحى را دارا بود .

فلما ذهبوا به . .. و أوحينا إليه

۱۱ در تلقى وحى الهى و دريافت آن ، رسيدن به سن خاصى شرط نيست .

و أوحينا إليه

ويژگيهاى كودكى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۲۰ - ۵

۵ - اقتضاى دوران كودكى انسان بازى است .

أنّما الحيوه الدنيا لعب

كور از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

كور

تشبيه به كور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸ - ۱

۱ - منافق ر ها شده در ظلمت و گمراهى بسان شخص كر و لال و نابيناست .

ترکهم فی ظلمت لایبصرون. صم بکم عمی

صم، بکم و عمی به ترتیب: جمع أصم (کر)، أبکم (لال) و أعمی (کور) است. کلمات یاد شده خبر برای مبتدای محذوف، یعنی ضمیر <هم> است که به توصیف شدگان در آیه قبل (منافقان رها شده در ظلمت) بر می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۱

۱ - مردمی که ایمان نیاورند و محکوم به عذاب الهی گردند ، مانند کسانی اند که سدّی بلند در پیش رو و پشت سرشان نهاده شده و بر دیدگانشان پرده ای افکنده شده که هیچ چیز نبینند .

و جعلنا من بین أیدیهم سدًّا

تنکیر <سدّاً> برای تعظیم است و به قرینه <فأغشیناهم>، مقصود

از آن، سدّی بلند است.

تمثیل به کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۱

۱ حالت مشرکان و کافران به قرآن ، همانند انسان کور و کر است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ

شخصیت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۵

۵ - شخصیت افراد نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، برابر شخصیت دیگر انسان ها است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

از این که افراد ناقص العضو (مانند نابینایان و. ..) در استفاده از خوراکی های منازل خویشان خود همانند دیگر افراد جامعه شمرده شدند، حاکی از حقیقت یاد شده است. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان، مریضان و... خودداری می کردند تأیید کننده همین برداشت است; زیرا اسلام خواسته است با چنین سنّتِ نادرستی مبارزه کند.

محدوده اختیارات کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۲،۳،۴

۲ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های اهل خانه خود (فرزندان و همسر) بدون هیچ اجازه ای ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج . .. أن تأکلوا من بیو

برداشت فوق، مبتنی بر این است که جمله <و لاـ علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم> عطف بر جمله پیشین باشد. گفتنی است مقصود از <بیوتکم> (خانه های

خود) خانه همسر و فرزندان است که از افراد خودی هر شخصی محسوب می شوند.

۳ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۴ - نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازلی که کلید های آنها را در دست دارند و نیز از منازل دوستان خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم ... أو ما ملکتم مفاتحه أو صدیقکم

معذوریت کور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۱

۱ - افراد نابینا ، لنگ و مریض ، معاف از شرکت در جنگ

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

کوران

احترام کوران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۲ - ۵

۵ - روشندلان مسلمان هرچند فقیر باشند شایسته احترام اند و اهانت یا اظهار کدورت از همنشینی با آنان ، مجاز نیست .

عبس و تولّی . أن جاءه الأعمی

توصیف ابن ام مکتوم به <الأعمی> با آن که اگر ثروتمند بود کوری او مایه خشم و قهر دیگران نمی شد بیانگر این است که در نظام حاکم بر مردم آن زمان، افراد کور به رفاه و ثروت نمی رسیدند; به گونه

ای که توصیف آنان به <کور>، برای بیان فقر آنها کافی بود. تقابل <الأعمی> با <من استغنی> در آیات بعد، گفته یاد شده را تأیید می کند. سرزنش کسی که دیگران را بر شخص کور ترجیح داده بود، گویای لزوم احترام نابینایان است.

تشبیه به کوران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۱۰

۱۰ تنها وحی الهی تعیین کننده وظایف و شأن پیامبر(ص) است.

قل لا أقول لکم . .. إنی ملک إن أتبع إلا ما یوحی إلیّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴۳ – ۲

۲ مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (ص) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل نیز محروم است .

و منهم من ینظر إلیک أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا یبصرون

همسفرگی با کوران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۱۹،۳۸

۱۹ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، می توانند با دیگر اعضای خانواده خود و نیز باخویشاوندان و دوستان خویش باهم (بر سر یک سفره) و یا جداگانه ، غذا میل کنند .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

۳۸ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج > وذالک أن أهل المدینه

قبل أن يسلّموا كانوا يعزلون الأعمى و الأعرج و المريض و كانوا لايأكلون معهم و كان الأعمى و المريض يقولون : لعلّنا نوذيهم إذا أكلنا معهم فاعتزلوا مواكلتهم فلمّا قدم النبى (ص) سألوه عن ذالك فأنزل اللّه < ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعًا أو أشتاتاً ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <ليس على الأعمى حرج. ..> فرمود: اهل مدينه قبل از آنكه مسلمان شوند، نابينايان، لنگان و بيماران را از خود جدا مى كردند و با آنان هم غذا نمى شدند... و كوران و بيماران مى گفتند: شايد اگر ما با ديگران هم غذا شويم، موجب اذيت آنان باشيم. از اين رو از هم غذا شدن با ديگران كناره مى گرفتند. پس هنگامى كه پيامبر(ص) وارد مدينه شد، از آن حضرت سؤال كردند. خداوند اين آيه را نازل فرمود: ليس عليكم جناح أن تأكلوا جميعاً أو أشتاتاً>.

كوردلان

{كوردلان}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ تكذيب كنندگان قوم نوح (ع) ، مردمى كوردل بودند .

إنهم كانوا قوماً عمين

كلمه <عمين> جمع <عمى> به معناى فاقدان بصيرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ آنان كه ولايت خدا و ربوبيت او را بر هستى پذيرفته اند بينايند و كسانى كه براى غير خدا ولايت و تدبيرى در جهان معتقدند ، كوردلانند .

قل هل يستوى الأعمى والبصير أم هل تستوى الظلمت والنور

كلمات <أعمى> (كور)، <بصير> (بينا) و نيز <ظلمات> (تاريكيها) و <نور> (روشنى) محتمل است مثالها و نظيرهايى براى مشركان

و موحدان باشد و محتمل است صفات و ویژگیهای معبودهای اهل شرک و خداوند متعال باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن یعلم أنما أُنزل إلیک من ربک الحق کمن هو أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا . .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۳

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یستوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

بینایی اخروی کوردلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۸

۸- چشم های نابینا در برابر حق ، در قیامت ، شعله های آتش دوزخ را خواهد دید .

و عرضنا جهنّم یومئذ للکفرین عرضًا . الذین کانت أعینهم فی غطاء عن ذکری

عرضه شدن جهنم بر کافران در قیامت و

رویت آن، عقوبتی متناسب با بهره نبردن آنان از بینایی برای شناخت خداوند است، همانگونه که گوش ناشنوای آنان نیز صدای جهنم را درخواهد یافت، زیرا، عرضه جهنم، محدود به عرضه بصری نیست.

سرنوشت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

شخصیت کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۹ - ۱

۱ - انسان جاهل و کوردل با انسان عالم و روشن بین ، از نظر شخصیت و سرنوشت ، برابر و هم سنگ نیستند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر

واژه <أعمی> و <بصیر> در آیه شریفه، کنایه از کوردلی و روشن بینی است.

کوردلان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱،۷،۸

۱- کوردلان در دنیا ، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً

۷- < عن أبی جعفر (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < و من کان فی هده أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً > قال : من لم یدلّه خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار و دوران الفلک و الشمس و القمر و الأیات العجیبات علی أن وراء ذلک

أمراً أعظم منه فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً قال : فهو عمّا لم یعین أعمی و أضلّ ;

از امـام باقر(ع) در باره سـخن خداونـد عزّوجلّ <و من کان فی هـذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً> روایت شـده است که فرمود: کسـی که آفرینش آسـمانها و زمین و پی در پی درآمدن شب و روز و گردش فلك و خورشـید و ماه و نشانه هـای عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکنـد که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد; چنین شـخص نابینا و گمراه، در آخرت نابیناتر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابیناتر و گمراه تر است>.

۸- < عن أبی محمـد (ع) . . . یـا إسـحاق ! انه من خرج من هـذه الـدنیا أعمی فهو فی الأـخره أعمی و أضلّ سبیلاً یا إسـحاق لیس تعمی الأبصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از]کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست; بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد>.

کوردلان در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱،۷،۸

۱- کوردلان در دنیا ، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً

-۷

< عن أبی جعفر (ع) فی قول الله عزّوجلّ : < و من کـان فی هـده أعمی فهو فی الأـخره أعمی و أضـلّ سبیلاً > قال : من لم یدلّه خلق السماوات و الأرض و اختلاف اللیل و النهار و دوران الفلک و الشمس و القمر و الأیات العجیبات علی أن وراء ذلک أمراً أعظم منه فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً قال : فهو عمّا لم یعین أعمی و أضلّ ;

از امـام باقر(ع) در باره سـخن خداونـد عزّوجلّ <و من کان فی هـذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً> روایت شـده است که فرمود: کسـی که آفرینش آسـمانها و زمین و پی در پی درآمدن شب و روز و گردش فلک و خورشـید و ماه و نشانه هـای عجیب، او را به این حقیقت راهنمایی نکنـد که در پس این آفرینش، حقیقتی بزرگ تر از آن وجود دارد; چنین شـخص نابینا و گمراه، در آخرت نابیناتر و گمراه تر خواهد بود. [امام] فرمود: پس این شخص نسبت به چیزی که ندیده و تجربه نکرده است، نابیناتر و گمراه تر است>.

۸- < عن أبی محمـد (ع) . . . یـا إسـحاق ! انه من خرج من هـذه الـدنیا أعمی فهو فی الأـخره أعمی و أضلّ سبیلاً یا إسـحاق لیس تعمی الأبصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور . . . ;

از امام هادی(ع) روایت شده است که آن حضرت به اسحاق نوشت: ای اسحاق! [مراد از]کسی که از این دنیا نابینا بیرون رود، در آخرت نیز نابینا و گمراه تر است، یا اسحاق! نابینایی چشم نیست;

بلکه کوری قلبهایی است که در سینه ها جای دارد>.

گمراهی اخروی کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۲ - ۱

۱- کوردلان در دنیا ، در آخرت نیز نابینا و راه گم کردگانند .

و من کان فی هذه أعمی فهو فی الأخره أعمی و أضلّ سبیلاً

هدایت ناپذیری کوردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۲

۲ - بی تأثیر بودن قوی ترین هدایتگران و نیرومندترین هدایت ها ، در گمراهان کوردل

و ما أنت بهدی العمی عن ضللتهم

از آن جایی که فردی چون پیامبر(ص) که قوی ترین هدایتگر و کتابی چون قرآن که دربردارنده نیرومندترین پیام هدایت است در کوردلانی که زمینه بینش را از دست داده اند، بی تأثیرند، برداشت یاد شده به دست می آید.

کوردلی

آثار کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۹

۹ نپذیرفتن آیات الهی، نتیجه کوردلی است، نه معلول خفای آیات.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

کاربرد فعل <عمی> (کور شد) در مورد کسانی است که آیات روشن خداوند را درک نمی کنند، بیانگر این است که آنان چشم خود را به روی حقایق می بندند، نه اینکه حقایق پنهان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۲،۱۳

۱۲ کوردلی قوم نوح (ع) ، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از سوی آنان

کذبوا بایتنا إنهم کانوا قوماً عمین

۱۳ انکار

آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران ، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

کذبوا بایتنا إنهم کانوا قوماً عمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۵ - ۸

۸- تأثیر نکردن انذار های پیامبر (ص) در برخی از مردم ، برخاسته از حرف ناشنوایی آنان بود ; نه ناشی از ضعف در منطق وحی و بیان آن حضرت .

قل إنّما أُنذرکم بالوحی و لایسمع الصمّ الدعاء إذا ماینذرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۸

۸ - کوردلی ، موجب محرومیت از فهم حقایق و پندپذیری

أفلم یسیروا . .. فإنّها لاتعمی الأبصر و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور

آثار کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۶

۶- سرمستی ، تحیّر و بصیرت نداشتن قوم لوط ، مانع هدایت پذیری از رهنمود های حضرت لوط (ع) بود .

و اتقوا الله و لاتخزون . .. لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

<سکره> به معنای از بین رفتن و از کار افتادن عقل است و <عمه> به معنای تردد ناشی از تحیر در امور است. بنابراین مقصود از جمله <لفی سکرتهم یعمهون> سرمستی و متحیر بودن و از دست دادن بصیرت در امور است.

آثار کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۶

۶ - کور باطنی ، ریشه تردید ها و حیرت کافران در مورد قیامت و مسائل آن

بل هم فی شکّ منها بل هم

منها عمون

<عمون> نظر به چشم ظاهر نـدارد; بلکه عـدم بینش و بصـیرت کـافران را می رسانـد که در نتیجه آن، آنهـا گرفتار شک و تردید و حیرت و سر گردانی اند.

زمینه کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴ - هدایت و شفای قرآن ، مایه فزونی کوردلی کافران لجوج

و هو علیهم عمیً أُولئک ینادون من مکان بعید

عوامل کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۹

۹ اشـرافیت ، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن . .. ءاتنی رحمه من عنده فعمّیت علیکم

<عُمّیت> فعـل مجهول است و فاعـل آن; یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشـد، ذکر نشـده است. به قرینه صـفاتی که برای کـافران قوم نوح بیان شـده، می توان گفت: همان صـفات (از طبقه اشـراف و مسـتکبران بودن و خود را برتر دانستن و ...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

کوردلی اشراف قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۸ - ۸،۹

۸ سران و اشراف قوم نوح ، کوردلانی ناتوان از درک دلایل نبوت و فهم و معارف الهی

أرءيتم إن . .. ءاتنى رحمه من عنده فعمّيت عليكم

تعميه (مصـدر عمّيت) به معنـاى كور سـاختن است و آن گـاه كه به <على> متعـدى شود ، به معناى مخفى كردن مى باشـد.
بنابراين <فعميت عليكم>; يعنى ،

آن بیّنه و رحمتی که خداوند به من عطا کرده است ، بر شما مخفی مانده و از درکش ناتوانید.

۹ اشرافیت ، استکبار و خودبرتربینی سران قوم نوح ، مایه کوردلی و ناتوانی آنان از درک دلایل نبوت و فهم معارف الهی بود .

أرءیتم إن . .. ءاتنی رحمه من عنده فعمّیت علیکم

<عُمّیت> فعل مجهول است و فاعل آن; یعنی، چیزی که موجب کوردلی و خفای دلیلهای نبوت نوح به کافران باشد، ذکر نشده است. به قرینه صفاتی که برای کافران قوم نوح بیان شده، می توان گفت: همان صفات (از طبقه اشراف و مستکبران بودن و خود را برتر دانستن و ...) موجب کوردلی و ناتوانی آنان از درک معارف شده بود.

کوردلی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۲ - ۱

۱- سوگند مؤکد خداوند به جان پیامبر (ص) مبنی بر اینکه قوم لوط مردمانی سرمست و متحیر و به دور از هرگونه بصیرت و روشن بینی بودند .

لعمرک إنهم لفی سکرتهم یعمهون

برداشت فوق بنابراین مبناست که مخاطب جمله <لعمرک> به قرینه آیات ۴۹ وB۵۱ پیش از شروع داستان ابراهیم(ع) و لوط(ع) (نبّیء عبادی . .. و نبّئهم ...) پیامبراکرم(ص) باشد.

کوردلی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱،۱۲

۱۱ تکذیب کنندگان قوم نوح (ع) ، مردمی کوردل بودند .

إنهم کانوا قوماً عمین

کلمه <عمین> جمع <عمی> به معنای فاقدان بصیرت است.

۱۲ کوردلی قوم نوح (ع) ، ریشه انکار و تکذیب آیات خداوند از

سوی آنان

كذبوا بايتنا إنهم كانوا قوماً عمين

کوردلی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۱۵ – ۳

۳ نزول معجزات و محدوده آن، وارونه ساختن دل و دیده کافران، و قرار دادن دشمن برای پیامبران، از سنتها و کلمات خداوند و غیر قابل تغییر است.

إنما الأيت عند الله . .. و نقلب ... و كذلك جعلنا ... و تمت كلمت ربك

در آیات گذشته چند سنت و قانون الهی یاد شد، از جمله: <نقلب أفئدتهم> و <ما كانوا ليؤمنوا> و <لكل نبى عدوا>. لذا اگر مراد از <كلمت>، سنن باشد، همه موارد ذکر شده را می تواند شامل گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۱ – ۱

۱– بارزترین ویژگی کافران ، محجوب بودن آنان از دیدن و درک آیات الهی است .

الذين كانت أعينهم فى غطاء عن ذكرى

مراد از دیـدن ذکر خدا، مشاهده و درک آیات و نشانه هایی است که مایه یاد خداوند هسـتند (گفتن مسـبّب و اراده سـبب) و مفاد آیه، این است که مشاهـده آیات خداوند، کافران را به یاد او نمی افکند، گویا پوششـی بر چشم های آنان است که دیدن آن آیات، بر ایشان مقدور نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۱۱

۱۱ – کافران و تکذیب کنندگان پیامبران ، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم يسيروا فى الأرض . .. و لكن تعمى القلوب التى فى الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ -

۳ - کافران ، مردمی کوردل و تاریک بین و مؤمنان ، انسان هایی روشن ضمیر و اهل بصیرت

و ما یستوی الأعمی و البصیر

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که آیه شریفه، درصدد بیان تمثیل برای وضعیت مؤمنان و کافران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، انسان های زنده دل و برخوردار از حیات واقعی و معقول ، و کافران (چونان مردگان) محروم از آن

لینذر من کان حیًّا و یحقّ القول علی الکفرین

برداشت یاد شده از ارتباط میان صدر و ذیل آیه شریفه; یعنی، به قرینه مقابله میان انسان های زنده و کافران، به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۸ - ۵

۵ - مؤمنان نیک کردار ، گروهی روشن بین و اهل بصیرت و کافران بدکردار ، گروهی کوردل و غافل اند .

و ما یستوی الأعمی و البصیر و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت و لا المسیء

<الأعمی> و <البصیر> تمثیلی برای مؤمنان نیک کردار و کافران بد کرداراست.

کوردلی کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۳ - ۲

۲ - کافران حق ناپذیر ، انسان هایی کوردل اند .

إذا ولّوا . .. و ما أنت بهد العمی عن ضللتهم

کوردلی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۱ - ۱

۱ - برخی از گمراهان ، گرفتار کوردلی و فاقد زمینه هدایت

و ما أنت

بهدی العمی عن ضللتهم

کوردلی مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵۰ – ۱۷

۱۷ پیامبر(ص)، بینا و راه یافته، و مشرکان، کور و گمراه هستند. *

فمن ءامن . .. والذین کذبوا ... قل هل یستوی الأعمی و البصیر

ظاهراً مراد از <البصیر>، پیامبر(ص)، مراد از <الأعمی>، مشرکان هستند. و چون موضوع آیه، ایمان به پیامبر است، گویا آیه در صدد بیان فلسفه لزوم ایمان به آن حضرت است. یعنی از آنجا که پیامبر(ص) بصیر است، دیگران باید از او تبعیت کنند.

کوردلی مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۴۶ – ۶

۶ – مشرکان تکذیب گر و حق ستیز عصر بعثت ، مردمی پندناپذیر و کوردل

و إن یکذّبوک . .. أفلم یسیروا فی الأرض ... القلوب التی فی الصدور

کوردلی معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۶ – ۱۷

۱۷ خداوند ، حقیقتی بصیر و پرفروغ است و معبود های اهل شرک کور و تاریکند .

قل هل یستوی الأعمی والبصیر أم هل تستوی الظلمت والنور

برداشت فوق بر این مبناست که <أعمی> و <ظلمات> اوصاف معبودهای اهل شرک و <بصیر> و <نور> وصف خداوند باشد.

کوردلی مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۶ - ۵

۵ - منکران آخرت ، مردمی کور باطن و فاقد بصیرت

بل هم منها عمون

<عمی> (مفرد <عمون>) یعنی کور، و مقصود از کوری در آیه، کوری دل است و نه کوری سر.

کوردلی مکذبان آیات خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۱

۱۱ تکذیب کنندگان قوم نوح (ع) ، مردمی کوردل بودند .

إنهم كانوا قوماً عمين

کلمه <عمین> جمع <عمی> به معنای فاقدان بصیرت است.

کوردلی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۱۱

۱۱ - کافران و تکذیب کنندگان پیامبران ، نابینایان واقعی و محروم از بینایی دل

أفلم يسيروا فی الأرض . .. و لكن تعمی القلوب التی فی الصدور

کوردلی مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۹ - ۵

۵ آنان که الهی بودن قرآن و حقانیّت آن را باور ندارند ، کوردل و جاهلند .

أفمن يعلم أنما أُنزل إليك من ربك الحق كمن هو أعمى

کوردلی مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵۰ - ۱۶

۱۶ مؤمنان به پیامبر(ص)، بینا و راه یافته و تکذیب کنندگان او کور و گمراه هستند.

فمن ءامن . .. والذين كذبوا ... قل هل يستوى الأعمى و البصير

چون موضوع آیات اثبات رسالت پیامبر(ص) است، می توان گفت مراد از <البصیر> مؤمنان به آن حضرت و مراد از <الأعمی> تکذیب کنندگان آن حضرت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۳ - ۲

۲ مردمی که از نزدیک ، اعمال و رفتار پیامبر (ص) را نظاره کرده و از او تبعیت نمی کردند ، همانند آن نابینایی اند که از نعمت بصیرت دل

نیز محروم است .

و منهم من ینظر إلیک أفأنت تهدی العمی و لو کانوا لا یبصرون

کوردلی منکران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۱۳

۱۳ انکار آیات الهی برخاسته از کوردلی منکران ، و نه ابهام و خفای نشانه های خداوند

کذبوا بایتنا إنهم کانوا قوماً عمین

نشانه های کوردلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۴ - ۳

۳ گرایش های شرک آلود و انکار حقانیت قرآن ، نشانه ناشنوایی ضمیر و کوری دل است .

مَثل الفریقین کالأعمی والأصمّ والبصیر والسمیع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۶ - ۴

۴ - تکذیب پیامبران الهی و مبارزه با آنان ، نشانه پندناپذیری و کوردلی است .

و إن یکذّبوک. .. فتکون لهم قلوب یعقلون ... القلوب التی فی الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۱۶

۱۶ - شرکورزی ، نشانه بی بصیرتی است .

أفلاتبصرون

نشانه های کوردلی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۷

۷- روی گردانی از ولایت الهی و تمسک به ولایت غیر خدایی ، نمودی از کوردلی کافران است .

کانت أعینهم فی غطاء . .. أفحسب الذین کفروا أن یتّخذوا

ارتباط محتوایی این آیه با آیات قبل، خصوصاً با توجه به <فاء> در <أفحسب> چنین می نماید که برگزیدن اولیا از سوی کافران، از نتایج کوری و کری و فقدان شناخت آنان است.

نشانه های کوردلی کافران

صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۴۷ - ۶

۶ - ناباوری کافران عصر بعثت به عذاب الهی و به مسخره گرفتن آن ، نمودی از کوردلی ایشان

و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور . و یستعجلونک بالعذاب

کوری

آثار کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۱ - ۱،۲۰

۱ - نابینایی ، لنگی و مرض ، سه عامل معاف شدن از تکالیفی است که در آنها ، بینایی ، حرکت و راه رفتن و سلامت لازم است .

لیس علی الأعمی حرج و لا علی الأعرج حرج و لا علی المریض حرج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <و لا علی أنفسکم أن تأکلوا. ..> استینافیه و جدا از جمله <لیس علی الأعمی حرج...> باشد. بر این اساس جمله <لیس علی الأعمی...> درصدد بیان قانون و اصلی کلی است و آمدن آن به تناسب بیان احکام افرادی است که به شکلی از برخی از تکالیف معاف اند; مانند زنان سالخورده که از حجاب معاف اند و نیز معاف بودن فرزندان و برادر زادگان و... از اجازه خواستن جهت ورود به خانه دیگران که در دنبال همین آیه ذکر شده است.

۲۰ - نقص عضو مانند نابینایی ، لنگی و بیماری را ، نباید مانع از هم غذا شدن با افراد سالم دانست .

لیس علی الأعمی حرج . ..و لا علی أنفسکم أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أ

توصیه خداوند به این که افراد ناقص العضو، نابینایان و. .. حق دارند با افراد سالم هم غذا شوند، می

تواند به این دلیل باشد که کسی گمان نکند که نقص عضو، مانع از هم غذا شدن است و باید از افراد ناقص العضو، اجتناب کرد. گفتنی است آنچه در برخی از تواریخ آمده است که برخی از مردم از هم غذا شدن با نابینایان و... خودداری می کردند، مؤید همین برداشت است.

زمان کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

شفا کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

و أبرىء الاکمه و الابرص

شفای کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۴،۲۷،۳۱

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

۲۷ عیسی (ع) ، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان) ، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند

روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

عوامل کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۱۱

۱۱ حزن شدید و گریه فراوان ، باعث سفید گشتن سیاهی چشم و نابینایی می شود .

وابیضت عیناه من الحزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ - نور شدید ، از عوامل زدایش بینایی چشم *

یکاد سنا برقه یذهب بالأبصر

<سنا> به معنای <ضیاء> (روشنایی) و <برق> به معنای لمعان و نوری است که بر اثر برخورد ابرها به وجود می آید.

عوامل کوری اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۲

۲ - به فراموشی سپردن آیات و هدایت های الهی و غفلت از آن ، موجب کور محشور شدن در قیامت است .

لم حشرتنی أعمی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا فنسیتها

عوامل کوری در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ – زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره یومِ القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است

به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

عوامل کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۵

۵ حزن و اندوه شدید یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) ، موجب نابینایی هر دو چشم او شد .

وابیضت عیناه من الحزن

<ابیضاض> مصدر باب افعلال از ماده <بیض> و به معنای سفید شدن است و سفید شدن چشم کنایه از نابینا گشتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۳

۳ یعقوب (ع) در فراق یوسف (ع) نابینا شده بود .

یأت بصیرًا

کوری اخروی تارکان حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۳

۱۳ - < معاویه بن عمار عن أبی عبدالله (ع) قال : سألته عن رجل لم یحجّ قطّ و له مال قال : هو ممّن قال الله : < و نحشره یوم القیامه أعمی > قلت : سبحان الله أعمی ؟ قال : أعماه الله عن طریق الجنّه ;

معاویه بن عمار گوید: از امام صادق(ع) در باره کسی که مالی داشته و به حج نرفته است سؤال کردم؟ فرمود: او در زمره کسانی است که خداوند فرموده: <و نحشره یوم القیامه أعمی>. گفتم سبحان الله نابینا؟ فرمود: خداوند او را از [دیدن]راه بهشت نابینا کرده است>.

کوری اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۴ – ۵

۵ – روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ،

در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . .. و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱،۲

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

کوری اخروی غافلان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کوری اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۷ - ۶

۶- گمراهان ، در قیامت به صورت خزندگانی فاقد هرگونه شنوایی ، بینایی و نطق محشور خواهند شد .

و من یضلل . .. و نحشرهم یوم القیمه علی وجوههم عمیًا و بکمًا و صمًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۵

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت

، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . .. و نحشره یوم القیمه أعمی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

کوری اخروی مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنکًا و نحشر یوم القیمه أعمی . .. و کذلک نجزی من أسرف

اسراف; یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلک> در <کذلک> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

کوری اخروی معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۵،۱۰

۵ - روی گردانان از هدایت الهی و یاد او ، در صحنه قیامت ، نابینا محشور خواهند شد .

و من أعرض عن ذکری . .. و نحشره یوم القیمه أعمی

۱۰ - زندگانی دشوار ، اثر طبیعی روی گردانی از یاد خدا و نابینایی در قیامت ، مجازات و کیفر الهی آن است .

فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره یوم القیمه أعمی

تفاوت در تعبیر <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> که دومی به خداوند نسبت داده شده است و اولی بر

نفسِ عمل متفرع گردیده ممکن است به مطلب یاد شده اشاره داشته باشد.

کوری اخروی معرضان ازخدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱

۱ - روی گردانان از هدایت و یاد خدا ، در قیامت نابینا برانگیخته خواهند شد .

قال ربِّ لم حشرتنی أعمی

کوری بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۸

۸ پندار مصونیت از امتحان و عذاب الهی ، از میان برنده حق شنوی و بصیرت دینی بنی اسرائیل

فعموا و صموا

کوری بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئک الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کوری تارکان جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذين . .. فأصمّهم و أعمى أبصرهم

کوری درقیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۴ – ۱۱

۱۱ – زندگانی پر دردسر در دنیا و محشور شدن با چشمانی نابینا در قیامت ، ازجلوه های گمراهی و شقاوت آدمی است .

فمن اتبع هدای فلایضلّ و لایشقی . و من أعرض عن ذکری فإنّ له معیشه ضنکًا و نحشره ی

برداشت یاد شده، لازمه تقابل بین گروه هدایت یافتگان و غافلان است

که مجموع دو آیه، بیانگر آن است.

کوری دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

کوری عبدالله بن ام مکتوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۸ - ۱

۱ - ابن ام مکتوم ، با آن که از دیدن عاجز بود ، برای رساندن خویش به مجلس وعظ و ارشاد پیامبر (ص) ، راه را با شتاب می پیمود .

من جاءک یسعی

کوری غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۱۴

۱۴ - ژرف اندیشی های همراه با غفلت از یاد خدا ، در حقیقت کوری وبی بصیرتی است .

لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرًا

کوری در قیامت، نمای واقعیت شخص در دنیا است; یعنی، هر چند او خود را دارای بصیرت می داند، اما در حقیقت فاقد بصیرت است.

کوری قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۷،۸

۷ – مردان مصمم به تجاوز نسبت به میهمانان لوط ، مورد انتقام الهی با کور شدن چشم هایشان

و لقد رودوه عن ضیفه فطمسنا أعینهم

<طمس> (مصدر <طمسنا>) به معنای محوکردن و از بین بردن است. بنابراین <طمسنا أعینهم>; یعنی، چشمانشان را از آنان گرفتیم و نابینایشان کردیم.

۸ – کور شدن چشم های متجاوزان قوم

لوط ، پیش درآمد عذاب الهی برای آنان

فذوقوا عذابی و نذر

به کار رفتن واژه <ذوقوا>، ظاهراً کنایه از این است که این عذاب را بچشید تا عذاب اصلی بر سرتان فرود آید.

کوری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۱ - ۱،۲،۴

۱ - مَثَل کفرپیشگان ، مَثَل حیوانی است که از درک شنیده ها ناتوان است .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع

<نعق> (مصدر ینعق) به معنای: نهیب چوپان بر گوسفندان و امر و نهی اوست و مراد از <ما لایسمع> گوسفند و مانند آن می باشد. به گفته مفسران در آیه شریفه، کافران لجوج به گوسفندان و دعوت کنندگان به معارف دین به چوپان تشبیه شده اند. بر این مبنا بخشی از مشبه ذکر نشده و تقدیر کلام چنین است: مثل الذین کفروا و الذی یدعوهم الی الأیمان کمثل الذی ... .

۲ - کفرپیشگان از دعوت پیامبران جز فریاد و سر و صدا ، چیز دیگری در نمی یابند .

و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لایسمع إلا دعاءً و نداءً

بر اساس توضیح برداشت قبل، معنای جمله <مثل الذین کفروا . .. إلا دعاءً و نداءً> چنین می شود: مَثَل کافران در ارتباط با دعوت کنندگان به ایمان مَثَل گوسفندان و چوپان آنهاست; همان گونه که گوسفندان از سخن و امر و نهی چوپان چیزی جز فریاد نمی فهمند، کافران نیز از دعوت پیامبران حقیقتی را درک نمی کنند.

۴ - ناتوانی کفرپیشگان از دیدن و شنیدن حقایق دینی و بازگویی آنها ، ایشان را از درک معارف دین و حقایق قرآن ،

محروم کرده است .

صم بکم عمی فهم لایعقلون

مفعول <لایعقلون> معارف الهی و حقایق قرآن (ما أنزل اللّه) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۴ - ۱۰

۱۰ ایمان به آیات الهی بینایی و کفر به آن کوری است.

قد جاءکم بصائر من ربکم فمن أبصر فلنفسه و من عمی فعلیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۴۵ - ۸

۸- افتادن حجاب نامرئی بر دیدگان کافران و محروم شدن آنان از شنیدن و درک وحی ، معلول تصمیم آنها مبنی بر عدم ایمان به آخرت است .

بین الذین لایؤمنون بالأخره حجابًا مستورًا

تعبیر <الذین لایؤمنون بالأخره> - به صورت جمله وصفیه - و فعل مضارع به جای <الکافرین> می تواند به این معنا باشد که جعل حجاب از سوی خدا، به خاطر این خصلت و گزینش از سوی کافران بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۹

۹ - مؤمنان ، مردمی واقع بین ، خودشناس و بصیر و کافران ، مردمی خود ناشناس و فاقد بصیرت

الذین کفروا لهم عذاب شدید و الذین ءامنوا. .. أفمن زیّن له سوء عمله فرءاه حسنًا

برداشت یاد شده براساس این احتمال است

که آیه شریفه تصویر کننده چهره مؤمنان و کافران باشد که در آیه قبل از آنان سخن گفته شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۶ - ۱،۲

۱ - توانایی خداونـد بر عـذاب کافران ، به گونه ای که آنان با از بین رفتن چشم ها و نوردیـدگانشان ، راه معمول خود را پیدا نکرده و از پیمودن راه درست محروم خواهند شد .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

<طمس> (مصـدر <طمسـنا>) به معنای از بین بردن آثار و شواهـد چیزی است و مقصود از <لطمسـنا علی أعینهم> از بین بردن کامل عضو چشم و یا نور و بینایی آن می باشـد. مراد از <الصـراط> نیز راه معمول و متـداولی است که افراد آن را طی می کنند.

۲ - عذاب کافران با از بین بردن چشم ها و نوردیدگانشان (به گونه ای که راه درستی را پیدا نکنند) جزء مشیت و سنت خدا نیست .

و لو نشاء لطمسنا علی أعینهم فاستبقوا الصرط فأنّی یبصرون

از به کار رفتن <لو> که برای امتناع و امر محالی است برداشت یاد شده به دست می آید.

کوری کافران حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیـدیهم سـدّاً و من خلفهم سـدّاً فأغشـیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خدا <. ..فأغشیناهم> روایت شده: که خدا می

فرماید: آنان را کور کردیم، پس نور هدایت را نمی بینند...>.

کوری متجاوزان به مهمانان لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۷ – ۹

۹ – < عن أبی یزیدالحمار عن أبی عبداللّه . . . فلمّا دخلوا (أی دخلوا قوم لوط) أهوی جبرئیل بإصبعه نحوهم فذهبت أعینهم و هو قوله < فطمسنا أعینهم . . . > ;

ابی یزیدحمار از امام صادق(ع) روایت نموده است:. .. پس چون قوم لوط وارد خانه لوط(ع) شدند، جبرئیل با انگشت خود به سوی آنها نشانه گرفت که در اثر آن، چشم هایشان کور شد و این سخن خداوند است که فرمود: فطمسنا أعینهم...>.

کوری مرتدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۸ – ۱

۱– خداوند ، قلب و قوای شنوایی و بینایی کافران دنیاگرا (مرتدان) را ، مهر کرده و از درک حقایق محرومشان ساخته است .

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. الکفرین . أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم ... و أ

کوری مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۷ – ۵

۵ – شرکورزی و پرستش غیر خدا ، گمراهی و کوری است .

فاستحبّوا العمى

علی الهدی

مصداق بارز برای ضلالت و کوردلی قوم ثمود به قرینه <ألاّ تعبدوا إلاّ اللّه> در آیه ۱۴ شرک و پرستش غیر خداوند است.

کوری مشرکان حق ناپذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۹ - ۴

۴ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < و جعلنا من بین أیـدیهم سـدّاً و من خلفهم سـدّاً فأغشـیناهم > یقول : فأعمیناهم < فهم لایبصرون > الهدی . . . ;

از امام باقر(ع) درباره قول خـدا <. ..فأغشـیناهم> روایت شـده: که خـدا می فرمایـد: آنان را کور کردیم، پس نور هـدایت را نمی بینند...>.

کوری مفتریان بر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۰ - ۱۱،۱۳

۱۱ کفرپیشگان ، مشرکان و آنان که به خدا دروغ می بندند ، از شنیدن و دیدن آیات الهی ناتوانند .

و من أظلم ممن افتری . .. أُولئک ... ما کانوا یستطیعون السمع و ما کانوا یبصرون

۱۳ < عن أبی عبدالله (ع) [فی قوله تعالی] : < ما کانوا یسـتطیعون السمع و ما کانوا یبصرون > . . . قال : لم یعتبهم بما صنع قلوبهم و لکن یعاتبهم بما صنعوا . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <ما کانوا یسـتطیعون السـمع و ما کانوا یبصرون> فرمود: خداوند آنان را برای آنچه قلبهایشان انجام داده نکوهش نکرده; بلکه برای آنچه خود، انجام داده اند نکوهش کرده است . ..>.

کوری مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- محمد - ۴۷ - ۲۳ - ۶

۶- بیماردلان گریزان از جهاد و فسادانگیز و قطع کننده رحم ، مردمی کر و کور در برابر حق

أولئك الذین . .. فأصمّهم و أعمی أبصرهم

کوری مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۲

۲ - بر گوش و چشم منکران آن ، حجابی است که آنان را از شنیدن و دیدن حقایق دین ، ناتوان ساخته است .

و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

<غشاوه> به معنای پرده و مانند آن است. در برداشت فوق <علی سمعهم> خبر برای <غشاوه> گرفته شده است.

کوری هواپرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ - پرستشگران هوای نفس براساس سنت الهی ناشنوا ، نابینا و تأثیرناپذیر در برابر حق

من اتّخذ إلهه هویه و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غ

مرض کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ شیوع بیماری کوری مادرزاد و پیسی ، در زمان حضرت عیسی (ع) *

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای کوری و پیسی از میان تمام بیماریهایی که در آن زمان قابل علاج نبود، حکایت از شیوع این دو بیماری در آن زمان

دارد.

منشأ کوری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۷

۷ - اعطای بصیرت و بینایی و سلب آن ، از جلوه های ربوبیت خداوند است .

قال

ربّ لم حشرتنی أعمی

منشأ کوری اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۸

۸ - نابینایی و بسته بودن راه درک انسان در قیامت ، تبلور محرومیت او از توجه و عنایت خداوند

لم حشرتنی أعمی . .. کذلک الیوم تنسی

نشانه های کوری دهریون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۴ - ۲

۲ - محدود شمردن زندگی به مجال دنیا ، نمودی از ناشنوایی ، نابینایی و حق ناپذیر بودن دهریون

و أضلّه اللّه علی علم و ختم علی سمعه . .. و قالوا ما هی إلّا حیاتنا الدنیا

یوسف(ع) و کوری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۳ - ۵

۵ یوسف (ع) از نابینا شدن پدرش آگاه شده بود .

یأت بصیرًا

کوه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کوه

آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰ – ۳،۴،۵،۶

۳ – حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان ، آتشی را دید و به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال . .. إنّی ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود(لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ – خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . *

فقال لأهله امکثوا أنّی ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که

دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما ، خود را به محل آتش برساند .

لعلّی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدًی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدیً> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

۶ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند .

فقال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

<مکث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱

۱ - موسی (ع) درپی مشاهده آتش ، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

رءا نارًا . .. فلمّا أتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۷ - ۱

۱ - موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش ، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت .

و ما تلک بیمینک یموسی

<تلک> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد

که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی(ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی(ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهشّ بها علی غنمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی(ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۴،۵

۴ - موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إیناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس>؛ یعنی، <بصر و رأی>.

۵ - موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلّی ءاتیکم منها . .. أو جذوه من النار ... فلمّا أتیها

آثار آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۷

۷ - تصمیم موسی (ع) به آوردن آتش از وادی طور ، برای گرم کردن خانواده اش

قال لأهله امکثوا . .. أو جذوه من النار لعلّکم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معنای خود را گرم کردن است.

آثار استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونکَ عن الجبال فقل ینسفها ربّی

آثار عظمت کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونکَ عن الجبال فقل ینسفها ربّی

اتقان کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۷ – ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

اجزای کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۵ – ۴

۴ – اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

ارزش کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۲ – ۲

۲ – < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

استبعاد تلاشی کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

استحکام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ –

۱،۷ - ۲۷

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

۷ - وجود کوه هـای اسـتوار و بلنـد و آب هـای گوارا برای شـرب انسـان ها ، از نشانه های قـدرت خداونـد بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتـد>)؛ یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و اسـتحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسـخ آنان که درباره معاد پرسـش هایی را مطرح کرده بودنـد؛ گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

۵ - وجود کوه های استوار در زمین ،

از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است; نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لأیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۴

۴ - خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقی فی الأرض روسی

اسکان در کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۵

۵- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لکم من الجبال أکنٰنًا

اطرافیان آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل

۳ - ۸ - ۲۷ -

۳ - تبریک خداوند به موسی و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودی أن بورك من فی النّار و من حولها

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <بورک من فی النار> انشای تبریک باشد.

امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد; چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و زمین و کوه

ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

انقیاد کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إنّا سخّرنا الجبال

انهدام کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می توانـد به <رب> برگردانده شود ; یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دکا>، و هم می تواند ضمیر فـاعلی آن بـه مصـدری کـه از جملـه <تجلی ربـه> بـه دسـت می آیـد، برگردد ; یعنی: <جعـل تجلیـه الجبـل دکـا>. <دک> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلى ربه للجبل

جعله دکا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صَعْق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی(ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنك تبت إليك

انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۰ - ۲

۲- شکافته شدن آسمان ها ، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها ، امری بسزا ، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تكاد السموت يتفطّرن منه و تنشقّ الأرض و تخرّ الجبال هدًّا

فعل <تکاد> که بر <وقوع نزدیک> دلالت دارد در معنای مجازی <سزاواربودن> به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است; که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و زمینی

باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۳

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

۳ - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکّتا دکّه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ فی الصور . .. و حملت الأرض ... فیومئذ وقعت الواقعه

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و. .. در قرآن که

بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلَم برای قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۹ - ۱

۱ - متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۰ - ۱

۱ - کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحیط).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰ – ۸

۸ – نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع) ، حادثه

ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۲

۲ - امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان ها ، بس عظیم و سنگین است .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها و ح

تعبیر <أبین أن یحملنها و أشفقن منها> و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به <إنّه کان ظلوماً جهولاً> حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۳

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . .. سبلاً لعلّهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۶

۶ – نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که <طور> به معنای

مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

بالا بردن کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۱،۴،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ما ءاتینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

بالا رفتن کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۳ – ۲،۳،۹

۲ – خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقكم الطور

<الطور> نام كوهى است (مفردات راغب). الطور - چنانچه

از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۳ - هدف از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۲

۲- کوه طور ، مکانی مبارک و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<الأیمن> که دراین برداشت به معنای مبارک گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۰ – ۴

۴ – وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبرکه

<بقعه> به

نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

بلندی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

بنی اسرائیل و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۲،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراساان از سقوط کوهِ برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

پرسش از فرجام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

۳

- تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسَلونکَ عن الجبال

پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۴ - ۴

۴ - پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامّه الکبری

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

تاریخ پیدایش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۴

۴- کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۸

۸ - کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمده اند .

و ألقی فی الأرض روسی

تاریخ خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۲

۲- پیدایش کوه ها ، پس از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است; بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ -

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و كانت الجبال كثيبًا مهيلاً

<كثيب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهيل> (اسم مفعول از ماده <هيل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فكانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فكانت هباء منبثًّا

به کارگیری فعل ماضی <فكانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لكن انظر إلى الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ; یعنی: انظر إلى هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

و لكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترنى

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر

آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می توانـد به <رب> برگردانده شود ; یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دکا>، و هم می تواند ضمیر فـاعلی آن بـه مصـدری کـه از جملـه <تجلی ربـه> بـه دسـت می آیـد، برگردد ; یعنی: <جعـل تجلیـه الجبـل دکـا>. <دک> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صَعِق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسـی صـعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکـا>، بیـانگر این است که تجلی خـدا بر کـوه و انهـدام آن در بی هوش شدن موسی(ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و

کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶،۹

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن و الطیر

۹- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن والطیر و کنّا فعلین

تعبیر <کنّا فاعلین> (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند; بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۴،۵،۱۰

۴ - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

یجبال أوّبی معه

<أوّبی> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع)

در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه

جمله <یا جبال أوّبی معه>، بدل اشتمال و یا بدل کل از کل برای <فضلاً> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذاالأید إنّه أوّاب . إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن

جمله <إنّا سخّرنا الجبال. ..> می تواند تعلیل برای <ذاالأید...> باشد; یعنی، داوود(ع) شخصیتی نیرومند در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح بپردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۴

۴ - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن . .. و الطیر

محشوره کلّ له أوّاب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه <کلّ> شامل <جبال> (کوه ها) هم بشود.

تسخیر کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إنّا سخّرنا الجبال

تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال . .. فیذرها قاعًا صفصفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین همواری است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ – کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

تشبیه به

کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۳ - ۶،۷

۶ - خداوند ، از بالا و از ابر یخ زده که به کوه می ماند تگرگ فرو می ریزد .

و ينزّل من السماء من جبال فيها من برد

<من جبال> بدل از <من السماء> و برای تشبیه کردن ابرها، به کوه ها است; همان گونه که تشبیه اشیای بزرگ و با عظمت به کوه، بسیار معمول است; مانند کوه علم و. ... <بَرَد> نیز به معنای تگرگ است.

۷ - در فضا ، انبوهی از ابر های یخ زده همچون کوه ، وجود دارد .

و ينزّل من السماء من جبال فيها من برد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶۳ - ۷

۷ - شکافته شدن دریا با عصای موسی و تقسیم شدن آب های آن به دو دیوار ; چون دو کوه بزرگ

فانفلق فكان كلّ فرق كالطود العظيم

فعل <کان> در این جا به معنای <صار> است. <فرق> نیز معادل قطعه (پاره) و <طود> مرادف <جبل> (کوه) است. بنابراین <کان کلّ فرق...>; یعنی، هر پاره ای از آب دریا، مانند کوهی بزرگ شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۲۴ - ۱

۱ - حرکت کشتی های کوه پیکر در دریا ها ، به تدبیر و اراده الهی

و له الجوار المنشات فى البحر كالأعلم

<جواری> (جمع <جاریه>)به معنای کشتی ها و <أعلام> (جمع <علم>) به معنای کوه ها است.

تشبیه به کوه صعب العبور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

- ۲۰

بلد - ۹۰ - ۱۱ - ۱

۱ - انجام دادن بعضی از کار های نیک ، دشوار و بسان افکندن خویش در یک راه کوهستانی و گردنه های صعب العبور است .

فلااقتحم العقبه

<اقتحام>; یعنی، بین کاری سخت و هولناك قرار گرفتن (مفردات). زمانی که شخص بدون فحص و بررسی خود را در ماجرایی بزرگ بیفکند، گفته می شود: <إقْتَحَمَ> (نهایه ابن اثیر). راه دشواری که در کوه قرار دارد، <عقبه> نامیده می شود (مفردات) و نیز <عقبه> به مسیر صعب العبوری گفته می شود که از آن بر کوه بالا روند (قاموس). این راه از آن جهت <عقبه> نامیده می شود که راه پیمایان، باید در آن پشت سر هم و به یک ستون حرکت کنند.

تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۵

۵ - کوه طور ، مکانی مبارك و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

در برداشت یاد شده <الأیمن> از ماده <یمن> گرفته شده و به معنای مبارك است. این کلمه گرچه وصف برای <جانب> است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

تلاشی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۴،۵

۴ - تمامی کوه های زمین ، در آستانه قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفًا

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

۵ – متلاشی شدن کوه ها در قیامت

، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربّی نسفًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۸ - ۱

۱ - با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتّبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

تنوع رگه های کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرابیب سود

تنوع رنگ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ - وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرابیب سود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵ - ۴

۴ – اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

ثبات کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان

- ۳۱ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

و ألقی فی الأرض روسی

<رواسی> جمع <راسیه> از ماده <رسو> به معنای <ثبوت و استواری> است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتنی است که <ألقی> وقتی همراه <فی> باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدّر فیها أقوتها فی أرب

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها، از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیّرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیّرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست؛ ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۳ - ۱

۱ - در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

حرکت

کوه های یخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۲

۲ - حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلمّا أتیها

خالق کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال

موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور>.

خانه سازی در کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۹

۹ قوم ثمود در دشت های متعدد ، قصر های بسیار بنا کردند و از کوه ها خانه های زیادی تراشیدند .

تتخذون من سهولها قصوراً و تنحتون الجبال بیوتاً

<سهول> جمع سهل است و سهول الأرض به معنای زمینهای هموار می باشد که از آن به دشتها و صحراها تعبیر می شود. <الجبال> من الجبال بوده و در اصطلاح منصوب به نزع خافض است. بنابراین جمله <إذ ... تنحتون الجبال بیوتاً>، یعنی آنگاه که از کوهها خانه ها می تراشیدید.

خداشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله .

.. جعل لكم من الجبال أكننًا

دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

ذکر معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۱۰

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء . .. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غربیب> (مفرد <غرابیب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سیاه کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۷ – ۹

۹ – آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء . .. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غربیب> (مفرد <غرابیب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۰ – ۱،۲

۱ – رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجره تخرج من طور سیناء

<شجره> عطف بر <جنّات> است. <طور> به معنای کوه و <سیناء> شبه جزیره ای در مصر است. اضافه <طور> به <سیناء> اضافه ظرفیه و به تقدیر <طور فی سیناء> می باشد; یعنی:[با آن آب باران] درختی که از طور سینا برمی آید[پدید آوردیم].

۲ – طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

رؤیت آتش کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۶۴ – ۲

۲ – پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن

کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۶

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إنّی ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکّتا دکّه وحده

<دكّ> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

سکون کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<أیمن> یا از <یُمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. دراین برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۴

۴ - سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

<أیمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلمّا أتیها نودی من شطی الواد . .. من الشجره

<شاطئ> به معنای <جانب> است و <الأیمن> مقابل <الأیسر> (چپ) صفت برای شاطئ> می باشد. بنابراین <شاطئ

الواد الأيمن>; يعنى، طرف راست وادى.

سوگند به كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۱

۱ - سوگندِ خداوند ، به كوه طور

و الطّور

<طور> در لغت به مطلق كوه گفته مى شود و در آيه شريفه ممكن است همين معنا مراد باشد. و نيز مى تواند خصوص طور واقع در شبه جزيره سينا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پايه احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تين - ۹۵ - ۲ - ۱،۲

۱ - سوگند خداوند ، به كوه طور در سرزمين سينا

و طور سينين

<سينين>، در اصل نام نوعى درخت است كه به آن <سَيْناء> نيز گفته مى شود (صحاح). رويش فراوان آن درخت، در منطقه اى كه بين مصر و فلسطين است، سبب شده كه به آن منطقه، <سَيْناء> يا <سينين> گفته شود و كوه طور كه در آن سرزمين است به <طور سينين> يا <طور سَيْناء> مشهور گردد.

۲ - < طور > ، كوهى با عظمت و داراى ارزشى درخور سوگند خداوند

و طور سينين

شدت انهدام كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمين و كوه ها در آستانه برپايى قيامت ، به شدت و سرعت در هم كوبيده و ويران خواهند شد .

فدكّتا دكّه وحده

<دكّ> به معناى خرد كردن و ويران نمودن است (لسان العرب).

شعور كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبيعت (كوه ها

، پرندگان و . . .) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبّحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۶

۶ - آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه

است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد; چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عرضه تکلیف به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد; چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عظمت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند

خداوند

و طور سینین

عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲،۷

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشـی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به انـدیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم یتفکّرون

عوامل خشوع کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱،۲،۷

۱ - صخره های ستبر کوه ، خاشع و فروتن از بیم خدا ، در صورت نزول وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل لرأیته خشعًا متصدّعًا من خشیه اللّه

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشـی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به انـدیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان على جبل . .. و تلك الأمثل نضربها للناس لعلّهم يتفكّرون

غرش كوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آيه –

فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۳ – ۱۷

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

فرجام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۶ – ۲

۲ – انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثًّا

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۳

۳ – پذیرش میثاق الهی ، هدف از بر افراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

وقوع جمله <رفعنا . ..> در میان جمله های <أخذنا میثاقکم> و <خذوا ما اتیناکم> و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا ...) هدف و غایت بر افراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقی فی الأرض روسی . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّکم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند; گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فلسفه سوگند به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۴ - ۴

۴ - برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التين . .. لقد خلقنا الإنسن فى أحسن تقويم

فوايد كوه

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۴ - ۵

۵- قوم درگیر با یأجوج و مأجوج از کوه های مرتفع به عنوان سدّ دفاعی در برابر هجوم آنان بهره می بردند .

حتّی إذا بلغ بین السدّین . .. إنّ یأجوج و مأجوج مفسدون

فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۸

۸- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فیها من کلّ شیء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <فیها>، <رواسی> باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۱،۲،۳

۱- خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<رواسی> (جمع راسیه) از ماده <رسو> بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و <القاء> وقتی با <فی> همراه باشد به معنای قرار دادن است.

۲- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<مید> در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که <أن تمیدبکم> در اصل <لأن لاتمیدبکم> یا <کراهیه أن تمیدبکم> بوده

است; یعنی، کوهها را در زمین

قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۱

۱- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

<رسا> به معنای <ثَبت> و <رَسَخ> است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، <رواسی> گفته می شود. <مید> (مصدر <تمید>) به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۵،۶

۵ - زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمید بکم

۶ - کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمید بکم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <أن تمید>، <أن لاتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۳

۳ سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار *

و ألقينا فيها

روسی

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح رویین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۲،۴،۵

۲ - وجود کوه های استوار و بلند ، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است; می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

۴ - کوه ها ، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین می تواند بیانگر مطلب یاده شده باشد.

۵ - آب ساری و جوشیده از کوه ها ، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتًا

<فرات>، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>); یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و

استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است; زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب); ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است; یعنی، <تمتیعاً لکم>.

قانونمندی خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۳

۳ - آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

قداست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۴

۴ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارك

فی البقعه المبرکه

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۲

۲ – کوهِ طور ، مکانی مقدس

و الطّور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کوه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ < صفوان بن مهران الجمّال عن الصادق جعفربن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال : هو الجبل الذی اعتصم به إبن جدّی نوح علیه السلام فقال : < سآوی إلی جبل یعصمنی من الماء > . . . فغار فی الأرض . . . ;

صفوان بن مهران جمّال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد; پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <سآوی إلی جبل یعصمنی من الماء> . .. پس آن کوه در زمین فرو رفت...>.

کوه طور و بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲،۱۰

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل

ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ – قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

کوه نشینی قوم ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۹ – ۳،۴

۳ – سرخوشی و سرمستی ثمودیان در خانه های کوهستانی خویش

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

<فارهین> می تواند از مصدر<فره> (نشاط و سرخوشی) مشتق شده باشد. گفتنی است که <فارهین> بنابراین احتمال، صفت برای <بیوتاً> و به تقدیر <فارهین فیها> است; یعنی، خانه هایی که در آن مست و سرخوشید.

۴ – سرزنش ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به خاطر ساختن خانه ها در دل کوه ها و خوش گذرانی در آن

و تنحتون من الجبال بیوتًا فرهین

برداشت یادشده بدان احتمال است که این آیه به قرینه واقع شدن در حیز استفهام (استفهام در<أتترکون فی ما ههنا>) جمله استفهامی بوده و به تقدیر <أو تنحتون. ..> باشد.

لرزش کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۱

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور

دارد. <ظله> به

معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

مراحل خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۴

۴ - آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فیها روسی من فوقها . .. فی أربعه أیّام

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه أیّام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

مطالعه استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقّت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلی الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقاییس اللغه)

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

معجزه حرکت کوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱

۱ نزول قرآنی که کوه ها را به حرکت درآورد ، زمین را قطعه قطعه کند ، مردگان را زنده سازد ، نمی تواند مایه هدایت کسانی شود که خدا هدایت آنان را نخواهد .

و لو أن قرءانًا سيّرت به الجبال أو قطّعت به الأرض أو كلّم به الموتى

<تسيير> (مصدر سيّرت) به معناى حركت دادن است و <تقطيع> (مصدر قطّعت) به

معنـای شـکافتن عمیق یـا قطعه قطعه کردن می باشـد و حرف بـاء در جمله هـای سه گانه فوق به معنای اسـتعانت است. عبارت <بـل لله الأمـر> و نیز <أن لـو یشـاء الله لهـدی النـاس> گویـای این است که جواب شـرط <لو أنّ ...> جمله ای نظیر <لم یهتدوا إن لم یشأ الله> است.

معجزه کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۹

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعـد ذلک> رساننـده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل

قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

منافع استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلاینظرون إلی . .. و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است; ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۲

۲ - آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم . .. و الجبال أرسیها

منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۱

۱ - خداوند ، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد .

و الجبال أرسیها

فعل <أرسی>; یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند

، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقّت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلی الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقاییس اللغه)

۲ - تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

منشأ انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال. ..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می توانـد به منظور بیان رخـدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظـام طبیعت ظـاهر می گردد. بنـابراین معنـای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنـداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند; در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال. ..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می تواند به منظور بیان رخدادهایی باشد که در پی دمیده شدن

در صور، در نظام طبیعت ظاهر می گردد. بنابراین معنای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند; در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<أیمن> یا از <یُمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. دراین برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۵

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما ، خود را به محل آتش برساند .

لعلّی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدًی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدیً> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲،۳،۴

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلمّا أتیها

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش ، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

۴ - ندای < یاموسی > ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش ، به او خطاب شد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۳،۵

۳ - خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أُتیت سؤلک

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) ونصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۷ - ۴

۴ - نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد مننّا علیک مرّه أُخری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۳۵،۳۸،۴۱

۳۵ – موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با

خداونـد در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشـیدن سـختی ها ، عبور کرد و شایسـتگی لازم را به دست آورده بود .

و فتنّک فتونًا. .. ثمّ جئت علی قدر یموسی

۳۸ - بازگشت موسـی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور ، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود .

فلبثت سنین فی أهل مدین ثمّ جئت علی قدر یموسی

از معانی <قـدر> قضای الهی و تقـدیر او است. گفته شـده است: این کلمه، اسم مصـدر برای <قدْر> به معنای مقدر ساختن است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: <قدر> زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

۴۱ - خداوند در کوه طور ، با ملاطفت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت .

یموسی

تصریح مکرر نام موسی(ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بَایتی

جمع آوردن <آیـات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسـی(ع) عطا شـده بود، می توانـد وعـده ضـمنی خداونـد به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ

به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸ – ۷

۷ – مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار و من حولها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹ – ۳

۳ – سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلمّا جاءها نودی . .. إنّه أنا اللّه العزیز الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۰ – ۱۸

۱ – فرمان خدا به موسی (ع) در وادی طور ، مبنی بر افکندن عصای خویش

و ألق عصاک

۸ – اعطای مقام رسالت از جانب خداوند به موسی (ع) در وادی طور

یموسی لاتخف إنّی لایخاف لدیّ المرسلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۲ – ۲

۲ – < ید بیضا > ، دومین معجزه عطا شده به موسی (ع) از جانب خدا در وادی طور

و ألق عصاک . .. و أدخل یدک فی جیبک تخرج بیضاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۹ – ۴،۶

۴ – موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إيناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (ديدن) است. بنابراين <آنس>; يعنى، <بصر و رأى>.

۶ – تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إنّى

ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۱

۱ - موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلّی ءاتیکم منها . .. أو جذوه من النار ... فلمّا أتیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۱ - ۱

۱ - فرمان الهی به موسی ، در وادی طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاک

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱

۱ - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلک یدک فی جیبک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۵

۵ - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۶ – ۱

۱ – مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا

موسی(ع) و آتش کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷ – ۱۲،۱۱،۱۰،۹،۸

۸ – مشاهده موسی

، آتشی را از دور در وادی طور

إنّی ءانست نارًا

<إیناس> (مصدر <آنست>) معادل <إبصار> (دیدن) است; یعنی، آتشی به نظرم رسید.

۹ - تنها موسی (ع) ، نظاره گر آتش وادی طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إنّی ءانست نارًا

۱۰ - تصمیم موسی (ع) به حرکت به سمت آتش طور

ساتیکم منها بخبر أو ءاتیکم

۱۱ - امید موسی (ع) ، به یافتن اطلاعاتی از محل برافروخته شدن آتش ، برای یافتن راه و ادامه مسیر سفر

ساتیکم منها بخبر

جمله <سآتیکم منها بخبر> به تقدیر <سآتیکم من عندها بخبر نهتدی به> است; یعنی، به زودی از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ءاتیکم بشهاب قبس لعلّکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است; یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱،۴

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلمّا جاءها نودی

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۱،۲

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک

من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

تصریح خداوند به <إنّه أنا اللّه> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند; به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸،۱۱

۸ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

۱۱ - < عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قضی موسی الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس أخطأ الطریق لیلًا < فقال لأهله امکثوا إنّی آنست ناراً > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکثوا إنّی آنست ناراً>...>.

نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۲

۲ - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی أن بورک من فی النّار و من حولها

در این که مراد از <من فی النار> (آن که در آتش است) و <من حولها> (آن که پیرامون آتش است) چیست، میان مفسران

اختلاف است. برخی گفته اند: مراد از <من فی النار> موسی است; زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشته بود که گویا در میان آن است، و مراد از <من حولها> فرشتگانند. برخی عکس آن را گفته اند; یعنی، <من فی النار> فرشتگان و <من حولها> موسی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از <من فی النار> خداوند و <من حولها> موسی است; بدین معنا که: <مبارك است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است>. برداشت یاد شده برپایه احتمال اخیر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۲

۲ - آتش طور ، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور ، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلمّا أتیها نودی . .. یموسی إنّی أنا اللّه ربّ العلمین

نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۵،۶

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) ونصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلك

۶ - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد .

هرون أخی . .. و أشرکه فی أمری ... قد أُتیت سؤلك

چنانچه مراد از <أشرکه فی أمری> درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم . .. سبلاً لعلّهم یهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۲

۲ - رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهرًا و جعل لها روسی

<خلال> (جمع <خلل>) به معنای شکاف ها است. <نهر> (مفرد <أنهار>) مشترك لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت <جعل خلالها أنهاراً> را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: ۱ شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب قرار داده است. ۲ در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرینندگی خداوند است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذین من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶ – نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در

صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بميثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد. بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بميثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ; بنابراین جمله <و رفعنا . ..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتينا موسى سلطناً مبيناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله <و ءاتينا موسى سلطناً مبيناً> باشد.

کوه جودی

{کوه جودی}

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ < عن الصادق (ع) انه قال : یوم النیروز هو الیوم الذی استوت فیه سفینه نوح (ع) علی الجودی ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: روز نوروز روزی است که کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۸ - ۱

۱ خداوند ، پس از استقرار کشتی نوح بر کوه جودی ، به او و همراهانش فرمان داد تا از کشتی پیاده شوند و از کوه فرود آیند .

واستوت علی الجودی . .. قیل ینوح اهبط

<هبوط> به معنای فرود آمدن است. متعلق <اهبط> به قرینه <استوت علی الجودی> کشتی و نیز کوه جودی است; یعنی: أنزل من الفلک و من الجودی ... نیاوردن متعلق، دلیل این شمول است. فاعل محذوف <قیل> به قرینه <منا> خداونداست.

کشتی نوح(ع) در کوه جودی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۴ - ۴

۴ با فرمان الهی به آسمان و زمین ، آب ها کاسته شد ، جریان طوفان نوح تمام شد و کشتی نجات ، به سلامت بر کوه جودی مستقر گردید .

و غیض الماء و قضی الأمر واستوت علی الجودی

کوه سینا

{کوه سینا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۴ - ۱۱

۱۱ سخن خداوند با موسی (ع) در طور سینا بصورت ایجاد صدا در درخت و قابل شنیدن برای همران آن حضرت از هر طرف

و کلم

اللّه موسی تکلیماً

امام رضا(ع) درباره سخن گفتن خداوند با موسی(ع) فرمود: . .. فخرج بهم الی طور سیناء ... فکلمه اللّه تعالی ذکره و سمعوا کلامه ... لان اللّه عزوجل احدثه فی الشجره ثم جعله منبعثاً منها حتی سمعوه من جمیع الوجوه ... .

توحید صدوق، ص ۱۲۱، ح ۲۴، ب ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۷۴، ح ۶۷۶.

کوه صفا

{کوه صفا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خدا (ص) روایت شده که فرمود : < فأوحی اللّه تعالی إلی جبرئیل ان اهبطهما إلی البلده المبارکه مکه فهبط بهما جبرئیل فألقی آدم علی الصفا و ألقی حواء علی المروه . . . ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۱

۱ - کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر اللّه

بنابراین توصیف <صفا و مروه> به <شعائر اللّه> می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه طور

آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۳،۴،۵،۶

۳ - حضرت موسی (ع) هنگام سرگردانی در بیابان ، آتشی را دید و

به خانواده اش بشارت داد .

إذ رءا نارًا فقال . .. إنّی ءانست نارًا

<ایناس> (مصدر <ءانست>) در معانی <احساس کردن>، <دیدن>، <دانستن> و <شنیدن> استعمال می شود(لسان العرب). به مناسبت مورد آیه، مراد <دیدن> است.

۴ - خانواده و همراهان موسی (ع) در بیابان ، آتشی را که موسی (ع) مشاهده کرد ، ندیدند . *

فقال لأهله امکثوا أنّی ءانست نارًا

از گفته موسی(ع) که فرمود: <من آتشی را دیدم> می توان احتمال داد که دیگر همراهان موسی(ع) آن آتش را ندیده بودند. و گرنه دیدن را به خود اختصاص نمی داد.

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما ، خود را به محل آتش برساند .

لعلّی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدًی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدیً> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

۶ - موسی (ع) از خانواده اش خواست که در جای خود منتظر وی بمانند و با او به مکان آتش نیایند .

فقال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

<مکث> به معنای درنگ کردن و انتظار کشیدن است (قاموس).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۱

۱ - موسی (ع

) درپی مشاهده آتش ، از خانواده خویش جدا شده و به طرف آتش حرکت کرد .

رءا نارًا . .. فلمّا أتیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۷ – ۱

۱ – موسی (ع) هنگام جدا شدن از خانواده اش برای آوردن آتش ، چوب دستی خود رانیز به همراه داشت .

و ما تلک بیمینک یموسی

<تلک> برای اشاره به مؤنث به کار می رود و دلالت دارد که اطلاق نام خشبه یا عوده (چوب) بر آنچه در دست موسی(ع) است، مسلم گرفته شده است؛ بنابراین از موسی(ع) خواسته شده بود که در جواب، خصوصیات آن چوب را بیان کند تا متوجه باشد که چه چیزی تبدیل به مار خواهد شد. گفتنی است که از جمله <أهشّ بها علی غنمی> (در آیه بعد)، استفاده می شود که موسی(ع) پیش از آمدن به کوه طور، آن عصا را به همراه داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۹ – ۴،۵

۴ – موسی (ع) آتشی را در سمت وادی طور مشاهده کرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إیناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (دیدن) است. بنابراین <آنس>؛ یعنی، <بصر و رأی>.

۵ – موسی (ع) خانواده اش را از وجود آتش در وادی طور آگاه کرد .

قال لأهله امکثوا إنّی ءانست نارًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۰ – ۱

۱ – موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلّی ءاتیکم منها . ..

أو جذوه من النار ... فلمّا أتيها

آثار آتش كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۷

۷ - تصميم موسى (ع) به آوردن آتش از وادى طور ، براى گرم كردن خانواده اش

قال لأهله امكثوا . .. أو جذوه من النار لعلّكم تصطلون

<إصطلاء> (مصدر <تصطلون>) به معناى خود را گرم كردن است.

ارزش كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - تين - ۹۵ - ۲ - ۲

۲ - < طور > ، كوهى با عظمت و داراى ارزشى درخور سوگند خداوند

و طور سينين

اطرافيان آتش كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۳

۳ - تبريک خداوند به موسى و فرشتگان حاضر در اطراف آتش طور

نودى أن بورک من فى النّار و من حولها

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه <بورک من فى النار> انشاى تبريک باشد.

انهدام كوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۳ کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می تواند به <رب> برگردانده شود ; یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دکا>، و هم می تواند ضمیر فاعلی آن به مصدری که از جمله <تجلی ربه> به دست می آید، برگردد ; یعنی: <جعل تجلیه الجبل دکا>. <دک> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶

موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صَعْق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسی صعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکا>، بیانگر این است که تجلی خدا بر کوه و انهدام آن در بی هوش شدن موسی(ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

اهمیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۸

۸ - نمایان شدن آتش و فراهم آمدن خلوت گاهی برای اعطای رسالت به موسی (ع) ، حادثه ای با اهمیت و درخور توجه برای پیامبر (ص) بود .

هل اتیک حدیث موسی . إذ رءا نارًا

کلمه <إذ> ظرف است برای <حدیث> (در آیه قبل) و استفهام در آن آیه برای ترغیب پیامبر(ص) به توجه به آن ماجرا است.

بالا بردن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۷ - ۱۷۱ - ۱،۴،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۴ خداوند با برافراشتن کوه طور بر سر قوم موسی ، از آنان خواست تا با جدیت تمام تورات بپذیرند و رفتار و اندیشه های خویش را بر اساس آن استوار سازند .

خذوا ما ءاتینکم بقوه

<خذوا> یعنی بگیرید. <گرفتن> تورات و دیگر کتابهای آسمانی به این است که مورد پذیرش قرار گیرد و به احکام آن عمل شود.

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

بالا رفتن کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۲،۳،۹

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی (ع) بر آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که طور به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۳ - هدف

از برافراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل ، پذیرش میثاق الهی بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۳ - ۲

۲ - خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور - چنانچه از ابن عباس نقل شده - همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

برکت کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۲

۲- کوه طور ، مکانی مبارك و محلی که خداوند از آن ناحیه با موسی (ع) سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<الأیمن> که دراین برداشت به معنای مبارك گرفته شده است ممکن است وصف برای <الطور> باشد و ممکن است وصف برای <جانب> گرفته شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۴

۴ - وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارك

فی البقعه المبرکه

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

بنی اسرائیل و کوه

طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۱ - ۱،۲،۸

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصدر نتقنا) به معنای لرزاندن و از جا برکندن است. <ال> در <الجبل>، عهد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنای پاره ابر، سقف و سایبان است. کوه اگر بر فراز سر انسانها قرار گیرد، شباهتش به پاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

۲ قوم موسی هراساان از سقوط کوهِ برافراشته شده بر سر آنان

و ظنوا أنه واقع بهم

۸ قرار گرفتن کوه بر فراز سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یاد داشتن

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<إذ> متعلّق به فعل مقدّر <اذکروا> است.

تجلی خدا بر کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۱،۱۲،۱۳،۱۶،۱۷،۲۲

۱۱ خداوند در پاسخ به درخواست موسی (ع) (رؤیت خدا) از وی خواست تا به کوه مقابل خویش نظر افکند و اثر تجلی خداوند را بر آن مشاهده کند .

قال لن ترنی و لکن انظر إلی الجبل

<ال> در <الجبل> عهد حضوری است ; یعنی: انظر إلی هذا الجبل.

۱۲ خداوند به موسی (ع) اعلام کرد در صورتی وی را مشاهده خواهد کرد که کوه بر اثر تجلی او پایدار بماند .

و لكن انظر إلى الجبل فإن استقر مكانه فسوف ترنى

کوه طور بر اثر تجلی خداوند بر آن متلاشی شد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا

ضمیر فاعلی در <جعله> هم می توانـد به <رب> برگردانده شود ; یعنی: <جعل الرب بتجلیه الجبل دکا>، و هم می تواند ضمیر فـاعلی آن بـه مصـدری کـه از جملـه <تجلی ربـه> بـه دسـت می آیـد، برگردد ; یعنی: <جعـل تجلیـه الجبـل دکـا>. <دک> مصدر و به معنای متلاشی شدن و در آیه شریفه به معنای اسم مفعول (مدکوک، یعنی متلاشی شده) است.

۱۶ موسی (ع) بر اثر تجلی خداوند بر کوه و انهدام آن ، بی هوش بر زمین افتاد .

فلما تجلی ربه للجبل جعله دکا و خرّ موسی صعقا

<خرور> (مصدر <خرّ>) به معنای افتادن و ساقط شدن و <صَعْق> به معنای بی هوش شدن است. قرار گرفتن جمله <خرّ موسـی صـعقا> پس از دو جمله <تجلی ربه> و <جعله دکـا>، بیـانگر این است که تجلی خـدا بر کـوه و انهـدام آن در بی هوش شدن موسی(ع) دخیل بوده است.

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

۲۲ موسی (ع) با مشاهده اثر تجلی خدا (انهدام کوه) تقاضای رؤیت خداوند را ناروا دانست و به درگاه الهی توبه کرد .

فلما أفاق قال سبحنک تبت إلیک

تقدس کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰

۵ - کوه طور ، مکانی مبارک و مورد عنایت خداوند

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

در برداشت یاد شده <الأیمن> از ماده <یمن> گرفته شده و به معنای مبارک است. این کلمه گرچه وصف برای <جانب> است، ولی وصفِ جز هر چیز، وصف کل آن نیز شمرده می شود. انتخاب کوه طور برای مواعده، نشان از ویژگی خاص آن دارد.

حقیقت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلمّا أتیها

خانواده موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور>.

دعوت به کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ – نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

ذکر معجزه کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره

۱۰ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

رویش درختان زیتون در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - رویش درختان زیتون در ارتفاعات کوه سینا به وسیله باران ، کاری خدایی است .

و شجره تخرج من طور سیناء

<شجره> عطف بر <جنّات> است. <طور> به معنای کوه و <سیناء> شبه جزیره ای در مصر است. اضافه <طور> به <سیناء> اضافه ظرفیه و به تقدیر <طور فی سیناء> می باشد؛ یعنی:[با آن آب باران] درختی که از طور سینا برمی آید[پدید آوردیم].

۲ - طور سینا ، مرکز رویش درختان زیتون

و شجره تخرج من طور سیناء

رؤیت آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است؛ زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸

۶ - ۲۹ - ۶

۶ - تنها موسی (ع) نظاره گر آتش وادی طور بود .

إنّی ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسی(ع) و نیز نکره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است که آتش مزبور، تنها به وسیله موسی(ع) قابل مشاهده بوده است.

سمت راست کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندینه من جانب الطور الأیمن

<أیمن> یا از <یُمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. دراین برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۴

۴ - سمت راست کوه طور ، میقات و وعده گاه شرفیابی بنی اسرائیل برای پاسخ گویی به دعوت خداوند بود .

و وعدنکم جانب الطور الأیمن

<أیمن> به معنای <یمین> (طرف راست) است و مراد از <جانب راست طور> دامنه و یا فضای سمت راست آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۳

۳ - آمدن ندای الهی به موسی (ع) از درختی واقع در جانب راست وادی طور ، هم زمان بانزدیک شدن وی به آتش

فلمّا أتيها نودى من شطى الواد . .. من الشجره

<شاطئ> به معناى <جانب> است و <الأيمن> مقابل <الأيسر> (چپ)

صفت برای شاطئ> می باشد. بنابراین <شاطئ الواد الأیمن>; یعنی، طرف راست وادی.

سوگند به کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۱

۱ – سوگندِ خداوند ، به کوه طور

و الطّور

<طور> در لغت به مطلق کوه گفته می شود و در آیه شریفه ممکن است همین معنا مراد باشد. و نیز می تواند خصوص طور واقع در شبه جزیره سینا اراده شده باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۲ – ۱،۲

۱ – سوگند خداوند ، به کوه طور در سرزمین سینا

و طور سینین

<سینین>، در اصل نام نوعی درخت است که به آن <سَیْناء> نیز گفته می شود (صحاح). رویش فراوان آن درخت، در منطقه ای که بین مصر و فلسطین است، سبب شده که به آن منطقه، <سَیْناء> یا <سینین> گفته شود و کوه طور که در آن سرزمین است به <طور سینین> یا <طور سَیْناء> مشهور گردد.

۲ – < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

عظمت کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۲ – ۲

۲ – < طور > ، کوهی با عظمت و دارای ارزشی درخور سوگند خداوند

و طور سینین

غرش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۳ - ۱۷

۱۷ موسی (ع) با غرش و نهیب برآمده از انهدام کوه طور ، بی

هوش شد و بر زمین افتاد .

جعله دکاً و خرّ موسی صعقا

<صَعِق> به کسی گفته می شود که بر اثر صدایی مهیب بی هوش شود. (برگرفته شده از لسان العرب).

فلسفه بالارفتن کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۳

۳ – پذیرش میثاق الهی ، هدف از بر افراشتن کوه طور بر سر بنی اسرائیل بود .

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

وقوع جمله <رفعنا . ..> در میان جمله های <أخذنا میثاقکم> و <خذوا ما اتیناکم> و بیان نکردن هدف و غایتی برای برافراشتن کوه می نمایاند که: همان پذیرش میثاق و اطاعت از فرمان الهی (خذوا ...) هدف و غایت بر افراشتن کوه باشد. (اقتباس از المیزان)

فلسفه سوگند به کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۴ – ۴

۴ – برخورداری انسان از خلقت برتر ، حقیقتی است که خداوند آن را با سوگند به انجیر ، زیتون ، طور سینا و شهر مکه ، بیان داشته و بر آن تأکید کرده است .

و التین . .. لقد خلقنا الإنسن فی أحسن تقویم

قداست کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۰ – ۴

۴ – وادی طور ، جایگاهی مقدس و مبارک

فی البقعه المبرکه

<بقعه> به نقطه ای گفته می شود که هیئت آن متمایز از پیرامونش باشد. بنابراین اطلاق بقعه بر وادی طور، بدان جهت است که آن وادی وضعیتی متفاوت با اطرافش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱ – ۲

۲ – کوهِ طور ، مکانی مقدس

و الطّور

از این که طور سینا، مورد سوگند خداوند قرار گرفته است، تقدس آن استفاده می شود.

کوه طور و بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۳ – ۲،۱۰

۲ – خداوند ، کوه طور را بر فراز سر بنی اسرائیل قرار داد .

و رفعنا فوقکم الطور

<الطور> نام کوهی است (مفردات راغب). الطور – چنانچه از ابن عباس نقل شده – همان کوهی است که موسی(ع) در آن مناجات می کرد (مجمع البیان). قابل ذکر است که <طور> به مطلق کوه نیز گفته می شود.

۱۰ – قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل ، معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل مقدر <أذکروا> می باشد و بر این اساس برداشت فوق استفاده می گردد.

لرزش کوه طور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۱ – ۱

۱ خداوند کوه طور را به لرزه درآورد ، از زمین کند و آن را همچو پاره ابری بر بالای سر بنی اسرائیل قرار داد .

و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله

<نتق> (مصـدر نتقنـا) به معنای لرزانـدن و از جا برکنـدن است. <ال> در <الجبل>، عهـد ذهنی است و اشاره به کوه طور دارد. <ظله> به معنـای پـاره ابر، سـقف و سایبـان است. کـوه اگر بر فراز سـر انسانهـا قرار گیرد، شـباهتش به پـاره ابر بیش از شباهتش به سقف و مانند آن است.

معجزه کوه طور

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۹

۹ - قرار گرفتن کوه طور بر بالای سر بنی اسرائیل معجزه و رخدادی شایسته به یادداشتن

و إذ أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور

<إذ> مفعول برای فعل <اذکروا> در آیه ۴۷ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۴ - ۲

۲ - پیمان شکنی بنی اسرائیل ، علی رغم مشاهده معجزه ای چون برافراشته شدن کوه ، امری سنگین ، شگفت و نامتوقع بود .

أخذنا میثقکم و رفعنا فوقکم الطور . .. ثم تولیتم من بعد ذلک

<ثم> در جمله <ثم تولیتم> حاکی از ترتیب رتبی است; زیرا <من بعد ذلک> رساننده ترتیب زمانی می باشد و آن گاه که <ثم> برای ترتیب رتبی به کار رود حکایت از عظمت، شگفتی و . .. مضمون جمله بعد دارد.

مناجات در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۰ - ۹

۹ - نجات بنی اسرائیل از فرعونیان و دعوت آنان به کوه طور برای مناجات و فرو فرستادن منّ و سلوی بر آنان ، از نعمت های خداوند بر بنی اسرائیل در زمان موسی (ع)

یبنی اسرءیل قد أنجینکم . .. و نزّلنا علیکم المنّ والسلوی

موسی(ع) در کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۲ - ۱

۱- خداوند از سمت راست کوه طور ، موسی (ع) را مورد خطاب قرار داد و با او سخن گفت .

و ندينه من جانب الطور

الأیمن

<أیمن> یا از <یُمن> به معنای خیر و برکت داشتن گرفته شده و یا از <یمین> که به معنای <سمت راست> است. دراین برداشت معنای دوم مورد نظر است. در این صورت <الأیمن> وصف کلمه <جانب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰ - ۵

۵ - موسی (ع) تصمیم گرفت برای آوردن پاره آتشی جهت روشن کردن آتش و یا پیدا کردن راهنما ، خود را به محل آتش برساند .

لعلّی ءاتیکم منه بقبس أو أجد علی النار هدًی

<قبس>، یعنی اخگر و آن، چوب آتش گرفته ای است که برای برافروختن آتش دیگر، از آتش آماده اقتباس کرده باشند (لسان العرب). <هدیً> مصدر و به معنای اسم فاعل (هادی) است. حرف <أو> در آیه برای تعیین یکی از دو کار است، یعنی موسی(ع) در نظر داشت اگر با راهنمایی برخورد کرد، به راه ادامه دهند وگرنه با فراهم کردن آتش، خود را گرم نگه دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱ - ۲،۳،۴

۲ - آتشی که موسی (ع) مشاهده کرد ، امری واقعی بود و موسی (ع) خود را به آن رسانید .

فلمّا أتیها

۳ - موسی (ع) با نزدیک شدن به آتش ، با ندایی مواجه شد که او را با نام صدا می زد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

۴ - ندای < یاموسی > ناگهانی و بدون گذشت زمانی از لحظه رسیدن موسی (ع) به آتش ، به او خطاب شد .

فلمّا أتیها نودی یموسی

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۶ – ۳،۵

۳ – خداوند در وادی طوی (در کوه طور) موسی (ع) را بر اجابت خواسته هایش آگاه ساخت .

قد أُتیت سؤلک

۵ – وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) ونصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۳۷ – ۴

۴ – نعمت عطا شده به موسی (ع) در کوه طور ، هم سان نعمت گران قدری بود که در گذشته موسی (ع) به او عطا شده بود .

و لقد مننّا علیک مرّه أُخری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۳۵،۳۸،۴۱

۳۵ – موسی (ع) زمانی توفیق مناجات با خداوند در کوه طور و دریافت حکم رسالت را یافت که از مرحله آزمون الهی و چشیدن سختی ها ، عبور کرد و شایستگی لازم را به دست آورده بود .

و فتنّک فتونًا. .. ثمّ جئت علی قدر یموسی

۳۸ – بازگشت موسی (ع) از مدین و آمدن به وادی طوی در کوه طور ، براساس تقدیر و برنامه تنظیم شده از جانب خداوند بود .

فلبثت سنین فی أهل مدین ثمّ جئت علی قدر یموسی

از معانی <قدر> قضای الهی و تقدیر او است. گفته شده است: این کلمه، اسم مصدر برای <قدْر> به معنای مقدر ساختن

است (لسان العرب). راغب نیز می گوید: <قدر> زمان و مکان مقدر شده برای هر چیز است.

۴۱ - خداوند در کوه طور ، با ملاطفت و مهربانی با موسی (ع) سخن گفت .

یموسی

تصریح مکرر نام موسی(ع) در مقاطع مختلف خطاب الهی، گویای عنایت خداوند به او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۲ - ۶

۶ - اعطای معجزاتی در کنار معجزه عصا و یدبیضا به موسی (ع) ، وعده خداوند به او در کوه طور *

بَایتی

جمع آوردن <آیات> با آن که تا آن زمان، تنها دو معجزه به موسی(ع) عطا شده بود، می تواند وعده ضمنی خداوند به عطای معجزاتی دیگر به موسی(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۱

۱ - سرگذشت موسی و خانواده اش در وادی طور ، شایان ذکر و یادآوری

إذ قال موسی لأهله

<إذ> اسم زمان در محل نصب و مفعولٌ به برای فعل محذوف است; یعنی، <اذکر إذ قال موسی لأهله. ..; زمانی را که موسی به کسانش گفت... به یادآور>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۷

۷ - مکالمه خدا با موسی در وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار و من حولها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹ – ۳

۳ – سخن گفتن بیواسطه خدا با موسی در وادی طور

فلمّا جاءها نودی . .. إنّه أنا اللّه العزیز الحکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۰ - ۱،۸

۱ - فرمان خدا به موسى (ع) در وادى طور ، مبنى بر افكندن عصاى خويش

و ألق عصاك

۸ - اعطاى مقام رسالت از جانب خداوند به موسى (ع) در وادى طور

يموسى لاتخف إنّى لايخاف لدىّ المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۲ - ۲

۲ - < يد بيضا > ، دومين معجزه عطا شده به موسى (ع) از جانب خدا در وادى طور

و ألق عصاك . .. و أدخل يدك فى جيبك تخرج بيضاء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۴،۶

۴ - موسى (ع) آتشى را در سمت وادى طور مشاهده كرد .

ءانس من جانب الطور نارًا

<إيناس> (مصدر <آنس>) مرادف <إبصار> (ديدن) است. بنابراين <آنس>; يعنى، <بصر و رأى>.

۶ - تنها موسى (ع) نظاره گر آتش وادى طور بود .

إنّى ءانست نارًا

نسبت داده شدن مشاهده آتش به موسى(ع) و نيز نكره آمدن <ناراً>، نشان دهنده آن است كه آتش مزبور، تنها به وسيله موسى(ع) قابل مشاهده بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۰ – ۱

۱ – موسی (ع) برای بردن آتش ، خود را به وادی طور رساند .

لعلّی ءاتیکم منها . .. أو جذوه من النار ... فلمّا أتیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۱ – ۱

۱ – فرمان الهی به موسی ، در وادی

طور مبنی بر افکندن عصای خویش

و أن ألق عصاك

<إلقاء> (مصدر <ألق>) به معنای انداختن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۲ - ۱

۱ - فرمان دیگر خداوند به موسی (ع) در وادی طور مبنی بر بردن دست خویش به گریبان

اسلك یدك فی جیبك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۳ - ۵

۵ - موسی (ع) در وادی طور ، نگرانی خویش نسبت به موانع راه رسالت را با خدا در میان گذاشت .

قال ربّ إنّی قتلت منهم نفسًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۶ - ۱

۱ - مکالمه خداوند با موسی (ع) در وادی طور

و ما کنت بجانب الطور إذ نادینا

موسی(ع) و آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷ - ۸،۹،۱۰،۱۱،۱۲

۸ - مشاهده موسی ، آتشی را از دور در وادی طور

إنّی ءانست نارًا

<إيناس> (مصدر <آنست>) معادل <إبصار> (ديدن) است; يعنى، آتشى به نظرم رسيد.

۹ - تنها موسى (ع) ، نظاره گر آتش وادى طور و همراهانش محروم از مشاهده آن

إنّى ءانست نارًا

۱۰ - تصميم موسى (ع) به حركت به سمت آتش طور

ساتيكم منها بخبر أو ءاتيكم

۱۱ - اميد موسى (ع) ، به يافتن اطلاعاتى از محل برافروخته شدن آتش ، براى يافتن راه و ادامه مسير سفر

ساتيكم منها بخبر

جمله <سآتيكم منها بخبر> به تقدير <سآتيكم من عندها بخبر نهتدى به> است; يعنى، به زودى

از آن جا اطلاعی خواهم آورد که با کمک آن راهمان را پیدا کنیم.

۱۲ - موسی (ع) ، درصدد آوردن پاره ای آتش برای گرم کردن خانواده اش

أو ءاتیکم بشهاب قبس لعلّکم تصطلون

<شهاب> به شعله آتش و <قبس> به شعله برگرفته از آتش گفته می شود. <اصطلاء> (مصدر <تصطلون>) نیز به معنای گرم شدن است; یعنی، یا شعله ای از آتش برگیرم و بیاورم تا با آن، آتش برافروزم، باشد که گرم شوید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۱،۴

۱ - ندای خداوند به موسی (ع) در پی رسیدن وی به آتش طور

فلمّا جاءها نودی

۴ - قرار گرفتن موسی (ع) در احاطه آتش طور

نودی أن بورک من فی النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹ - ۱،۲

۱ - تأکید خداوند ، بر الهی بودن ندای برخاسته از دل آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

۲ - موسی ، در شگفتی و حیرت از ندای برآمده از آتش وادی طور

نودی أن بورک من فی النّار . .. یموسی إنّه أنا اللّه

تصریح خداوند به <إنّه أنا اللّه> می تواند از آن جهت باشد که موسی با شنیدن ندا از درون آتش، در شگفتی فرو رفت و حیران ماند; به گونه ای که سخت نیازمند راهنمایی روشن و صریح بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۹ - ۸،۱۱

۸ – موسی (ع) از خانواده اش خواست

که تا بازگشت وی از وادی طور درنگ کنند .

قال لأهله امکثوا . .. لعلّی ءاتیکم منها بخبر أو جذوه من النار

۱۱ - < عن أبی جعفر (ع) قال : لمّا قضـی موسی الأجل و سار بأهله نحو بیت المقدس أخطأ الطریق لیلًا < فقال لأهله امکثوا إنّی آنست ناراً > . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که قرارداد موسـی [با شعیب] پایان یافت و همراه با اهلش به سوی بیت المقدس رهسپار گردید، شب هنگام راه را گم کرد. پس به اهلش گفت: <امکثوا إنّی آنست ناراً>...>.

نقش آتش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸ - ۲

۲ - تجلی خدا در آتش طور برای موسی (ع)

نودی أن بورک من فی النّار و من حولها

در ایـن کـه مراد از <مـن فی النـار> (آن کـه در آتش اسـت) و <مـن حولهـا> (آن که پیرامـون آتش است) چیست، میـان مفسـران اختلاـف است. برخی گفته انـد: مراد از <من فی النـار> موسـی است; زیرا وی چنان به آتش نزدیک گشـته بود که گویا در میان آن است، و مراد از <من حولها> فرشـتگانند. برخی عکس آن را گفته اند; یعنی، <من فی النار> فرشـتگان و <من حولها> موسـی است. دسته ای نیز بر آنند که مراد از <من فی النار> خداوند و <من حولها> موسی است; بدین معنا که: <مبارک است آن که در آتش تجلی کرده و آن که پیرامون آن است>. برداشت یاد شده برپایه احتمال اخیر است .

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۰ - ۲

۲ - آتش طور ، وسیله ای برای کشاندن موسی (ع) به وادی طور ، جهت سخن گفتن خدا با وی و دریافت رسالت الهی

فلمّا أتیها نودی . .. یموسی إنّی أنا اللّه ربّ العلمین

نقش کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۶ - ۵،۶

۵ - وادی طوی در کوه طور ، مکان اعطای شرح صدر و بیان روان به موسی (ع) ونصب هارون به مقام وزارت موسی (ع) بود .

قال ربّ اشرح . .. قال قد أُتیت سؤلک

۶ - هارون (ع) در وادی طوی به مقام نبوت و رسالت برگزیده شد .

هرون أخی . .. و أشرکه فی أمری ... قد أُتیت سؤلک

چنانچه مراد از <أشرکه فی أمری> درخواست نبوت و رسالت برای هارون(ع) باشد، اجابت آن در وادی طوی انجام پذیرفت.

یهود و کوه طور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۴ - ۱،۳،۴

۱ خداوند ، با برافراشتن کوه طور بر سر یهود به منظور تهدید آنان ، از ایشان پیمان گرفت .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

<طور> علم است برای کوهی مخصوص و گفته شده <طور> به معنای مطلق کوه است (مفردات)، باء در <بمیثقهم> سببیه است و بدیهی است که خود میثاق نمی تواند دلیل و سبب باشد بر اینکه خداوند کوه طور را بر سر آنان برافرازد.

بنابراین می توان گفت گرفتن میثاق علت برای برافراشتن کوه طور بوده است.

۳ نقض میثاق از سوی

یهود ، سبب شد تا خداوند بر آنان خشم گیرد و کوه طور را بر سر آنان بالا برد .

و رفعنا فوقهم الطور بمیثقهم

برداشت فوق بر این اساس است که نقض میثاق و تصمیم بر ادامه نقض میثاق علت برافراشتن کوه طور باشد ; بنابراین جمله <و رفعنا . ..> یعنی بدان سبب که پیمان الهی را شکستند و تصمیم بر ادامه پیمان شکنی داشتند، به عنوان تهدید، کوه طور را بر سر آنان بالا برده و مسلط ساختیم.

۴ قرار دادن کوه طور بر سر یهود ، از معجزات حضرت موسی (ع)

و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً. و رفعنا فوقهم الطور

بر افراشتن کوه طور، می تواند بیان مصداقی برای جمله <و ءاتینا موسی سلطناً مبیناً> باشد.

کوه قاسیون

{کوه قاسیون}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۲۰

۲۰ کوه قاسیون در دمشق ، مکان کشته شدن هابیل توسط برادرش

فطوعت له نفسه قتل اخیه فقتله

از رسول خدا(ص) روایت شده: بدمشق. حبل یقال له قاسیون فیه قتل ابن آدم اخاه.

الدرالمنثور، ج ۳، ص ۶۱.

کوه مروه

{کوه مروه}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۶ - ۲۳

۲۳ از رسول خـدا (ص) روایت شـده که فرمود : < فـأوحی اللّه تعـالی إلی جبرئیل ان اهبطهما إلی البلـده المبارکه مکه فهبط بهما جبرئیل فألقی آدم علی الصفا و ألقی حواء علی المروه . . . ;

خداوند به جبرئیل وحی کرد که آدم و حوا را به شهر مبارک مکه فرود آور. پس جبرئیل آدم(ع) را بر

کوه صفا و حوا را بر کوه مروه فرود آورد ...>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۸ – ۱

۱ – کوه صفا و مروه ، دو علامتی که خداوند آنها را نشانه جایگاه عبادت قرار داده است .

إن الصفا و المروه من شعائر اللّه

بنابراین توصیف <صفا و مروه> به <شعائر اللّه> می رساند که: خداوند آن دو مکان را علامتی قرار داده تا بندگانش در آن جا، او را عبادت کنند.

کوه ها

آثار استحکام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

آثار عظمت کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۲

۲ – عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی

اتقان کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۷ – ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمین ، از آیات الهی است .

و ألقینا فیها روسی

اجزای کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – قارعه – ۱۰۱ – ۵ – ۴

۴ – اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

استبعاد تلاشی کوه ها

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت کوه ها و استحکام آن ، زمینه ساز استبعاد متلاشی شدن آن در نظر تحلیل گران فرجام جهان

و یسَلونکَ عن الجبال فقل ینسفها ربّی

استحکام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۱،۷

۱ - آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

۷ - وجود کوه های استوار و بلند و آب های گوارا برای شرب انسان ها ، از نشانه های قدرت خداوند بر برپایی قیامت و احیای مردگان

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء فراتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱،۲،۴،۵

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>)؛ یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

۴ – میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان

قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ یتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند; گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

۵ - وجود کوه های استوار در زمین ، از نعمت های خداوند به انسان ها است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

بیان وصف کوه ها، بین مجموعه آیاتی که بیانگر بعضی از نعمت های خداوند به انسان ها است; نشان می دهد که استواری کوه ها نیز از جمله آن نعمت ها است.

استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۶

۶ زمین و گسترش آن ، کوه های ثابت و استوار ، رودخانه ها ، گیاهان مزدوج و تداوم شب و روز ، از نشانه های خدا و از دلایل یکتایی او در تدبیر هستی است .

إن فی ذلک لأیت لقوم یتفکرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

استقرار کوه ها در زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۰ – ۴

۴ – خداوند ، قرار دهنده کوه ها در زمین است .

و ألقی فی الأرض روسی

اسکان در کوه ها

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۵

۵- امکان مأوی گرفتن انسان در دل صخره ها و سنگر گرفتن در شکاف کوه ها ، از نعمت های الهی

و جعل لکم من الجبال أکننًا

امتناع کوه ها از تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد; چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

امتناع کوه ها از قبول امانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

۵ - خودداری آسمان ها و

زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

انقیاد کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>) به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إنّا سخّرنا الجبال

انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۰ - ۲

۲- شکافته شدن آسمان ها ، قطعه قطعه شدن زمین و انهدام کوه ها ، امری بسزا ، در برابر ادعای باطل فرزند گزینی خداوند

تکاد السموت یتفطّرن منه و تنشقّ الأرض و تخرّ الجبال هدًّا

فعل <تکاد> که بر <وقوع نزدیک> دلالت دارد در معنای مجازی <سزاواربودن> به کار رفته و ممکن است مراد این باشد که برخورد این سخن با مقام قدس الهی، مانند برخورد چیزی با ارکان جهان هستی است; که همه چیز را متلاشی کند و از میان ببرد. و یا این که خشم خداوند از این سخن به حدی است که جای آن دارد، آسمان و

زمینی باقی نگذارد و همه چیز را نابود کند و کوه ها را درهم بریزد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۳

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۱،۳

۱ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جایگاه و مدار خود خارج خواهند شد .

و حملت الأرض و الجبال

۳ - نظم کنونی کره زمین و شکل استقرار کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت از هم پاشیده می شود .

و حملت الأرض و الجبال فدکّتا دکّه وحده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۵ - ۱

۱ - به هنگام دمیده شدن در صور و متلاشی شدن نظم کنونی زمین و کوه ها ، واقعه قیامت رخ می دهد .

فإذا نفخ فی الصور . .. و حملت الأرض ... فیومئذ وقعت الواقعه

به گفته مفسران، واژه <واقعه> همانند واژه های <حاقه>، <قارعه>، <غاشیه> و. .. در قرآن

که بدون موصوف و یا به تقدیر آن آمده است عَلَم برای قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۹ – ۱

۱ – متلاشی و ذره ذره شدن کوه ها ، همچون پشم رنگین و پراکنده شده ، در آستانه برپایی قیامت

و تکون الجبال کالعهن

<عهن> به معنای پشم رنگ شده است. در آیه پنجم از سوره <قارعه> چنین آمده است: <و تکون الجبال کالعهن المنفوش>; (و کوه ها مانند پشم رنگین زده شده خواهند شد).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۱۰ – ۱

۱ – کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، از جا کنده و متلاشی خواهد شد .

و إذا الجبال نسفت

<نسف>، به معنای کندن از ریشه و بن است (قاموس المحیط).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۰ – ۳

۳ – کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

اهمیت امانت عرضه شده به کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۲ – ۲

۲ – امانت عرضه شده الهی بر آسمان ها ، زمین و کوه ها و انسان

ها ، بس عظیم و سنگین است .

إنّا عرضنا الأمانه على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها و ح

تعبیر <أبين أن يحملنها و أشفقن منها> و تعلیل قبول امانت از سوی انسان به <إنّه كان ظلوماً جهولاً> حکایت می کند که آن امانت، بس عظیم و سنگین است.

اهمیت پناهگاههای کوهستانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۹

۹- اهمیت مسکن ، سایه ، پناهگاه های کوهستانی و پوشش های مقاوم و متنوع در زندگی انسان

و الله جعل لكم من بيوتكم سكنًا . .. ظللاً ... أكننًا ... سربيل تقيكم الحرّ ...

اهمیت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۳

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقى فى الأرض روسى أن تميدبكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فى الأرض روسى أن تميد بهم . .. سبلاً لعلّهم يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶ – نقش مهم کوه ها ، در نظام زمین و طبیعت

و الطّور

در صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهمیت آن در نظام زمین، استفاده می شود.

بلندی کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۷ – ۱

۱ – آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

پرسش از فرجام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۳

۳ – تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسَلونک عن الجبال

پیدایش کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۴ – ۴

۴ – پیدایش آسمان ، زمین ، شب ، روز ، آب ، گیاه و کوه ، حوادثی نابرابر با حادثه بزرگ قیامت

الطامّه الکبری

<کبری> اسم تفضیل است و قیامت را در برابر آنچه در آیات پیشین ذکر شد برترین و بزرگ ترین حادثه معرفی می کند.

تاریخ پیدایش کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۹ – ۴

۴- کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمدند .

و الأرض مددنها و ألقینا فیها روسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۰ – ۸

۸ – کوه ها ، پس از پیدایش زمین به وجود آمده اند .

و ألقی فی الأرض روسی

تاریخ خلقت کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۱ – ۲

۲- پیدایش کوه ها ، پس

از آفرینش زمین بوده است . *

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

ظاهر آن است که قرار دادن شیء در ظرفی فرع وجود ظرف است; بنابراین قرار دادن کوه ها در زمین بیانگر تأخر پیدایش کوه ها از پیدایش خود زمین است.

تبدیل کوه ها به ریگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۴ - ۲

۲ - کوه ها ، در آستانه برپایی قیامت به صورت انبوهی از ریگ های روان درخواهد آمد .

و کانت الجبال کثیبًا مهیلاً

<کثیب> به معنای ریگ انباشته شده و <مهیل> (اسم مفعول از ماده <هیل>) به معنای شیء روان است (صحاح اللغه).

تبدیل کوه ها به غبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۱،۲

۱ - پاشیده شدن کوه های زمین و تبدیل شدن آنها ، به غبار پراکنده در هوا در آستانه برپایی قیامت

فکانت هباء منبثًّا

<هباء> به خاک نرم مانند آرد گفته می شود و <منبث> به معنای پراکنده است.

۲ - انهدام زمین و تبدیل کوه های آن به غبار پراکنده در فضا ، امری قطعی و تردیدناپذیر

فکانت هباء منبثًّا

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

ترس کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۴،۵

۴ - آسمان ها و زمین و کوه ها ، از قبول امانت الهی ، می ترسیدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها و أشفقن منها

۵ -

خودداری آسمان ها و زمین و کوه ها از قبول امانت الهی ، همراه با شفقت و ترس بود .

إنّا عرضنا الأمانه على السموت و الأرض و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

تسبیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶،۹

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سخّرنا مع داود الجبال يسبّحن و الطير

۹- هم آوایی موجودات طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) با پیامبران در تسبیح خداوند

و سخّرنا مع داود الجبال يسبّحن والطير و كنّا فعلين

تعبیر <کنّا فاعلین> (ما در گذشته این کار را انجام می دادیم) برای بیان این حقیقت است که کوه ها و پرندگان تنها با داوود و سلیمان هم آوا نشدند; بلکه پیش از این نیز با پیامبران الهی هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۴،۵،۱۰

۴ - فرمان خداوند به کوه ها ، جهت هم صدا شدن با داوود (ع) در تسبیح خداوند

يجبال أوّبى معه

<أوّبی> (از مصدر <اوب>) در اصل به معنای نوعی از بازگشت است (مفردات راغب) و مراد از آن چنان که مفسران نیز گفته اند تکرار و رجوع در تسبیح گویی است.

۵ - هم صدایی کوه ها با داوود (ع) در تسبیح گویی ، از جمله فضیلت های اعطا شده از جانب خداوند به آن حضرت

و لقد ءاتينا داود منّا فضلاً يجبال أوّبى معه

جمله <یا جبال

أوّبی معه>، بدل اشـتمال و یا بدل کل از کل برای <فضـلًا> است. بنابراین معنا چنین می شود: ما به داوود(ع) فضیلتی دادیم و گفتیم ای کوه ها با او در تکرار تسبیح هم صدا باشید.

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۲،۵

۲ - کوه ها ، در هر صبح و شام با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

۵ - همراهی کوه ها در تسبیح الهی با داوود (ع) ، نمود قدرت و مقام معنوی آن حضرت

ذاالأید إنّه أوّاب . إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن

جمله <إنّا سـخّرنا الجبال. ..> می توانـد تعلیل برای <ذاالأیـد...> باشـد; یعنی، داوود(ع) شخصـیتی نیرومنـد در عبادت بود، زیرا ما کوه ها را با او همراه کردیم تا در صبح و شام با وی به تسبیح بپردازند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۴

۴ - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إنّا سخّرنا الجبال معه یسبّحن . .. و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است که واژه <کلّ> شامل <جبال> (کوه ها) هم بشود.

تسخیر کوه ها

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۶

۶- کوه ها و پرندگان ، به تسخیر الهی همراه با داوود (ع) به تسبیح خدا می پرداختند .

و سخّرنا مع داود الجبال یسبّحن و الطیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۱

۱ - کوه ها ، تحت تسخیر خدا و رام او هستند .

إنّا سخّرنا الجبال

تسطیح کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۶ - ۱

۱ - کوه ها در قیامت ، به زمین هموار و مسطح تبدیل خواهند شد .

عن الجبال . .. فیذرها قاعًا صفصفًا

<قاع> به معنای زمین صاف و مسطحی است که در آن درخت نروید و <صفصف> به معنای زمین هموارى است که امکان روییدن هیچ گیاهی در آن نباشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۳

۳ - کوه ها در قیامت ، نابود گشته و با زمین هم سطح خواهند شد .

فکانت سرابًا

<سراب> درخششی است در بیابان که مانند آب به چشم می آید (مفردات راغب). در اطلاق <سراب> گستردگی بر سطح زمین ملحوظ است (لسان العرب). بنابراین می توان گفت: کوه ها، با زمین هم سطح خواهند شد هر چند غبارهای باقی

مانده از آن به صورت شبحی از کوه نمایان می شود.

تلاشی کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۴،۵

۴ – تمامی کوه های زمین ، در آستانه

قیامت ریشه کن و متلاشی خواهند شد .

و یسَلونک عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفًا

<نسف> به معنای ریشه کن کردن و از هم پاشیدن است (مصباح).

۵ – متلاشی شدن کوه ها در قیامت ، جلوه ای از ربوبیت خداوند و به فرمان او است .

فقل ینسفها ربّی نسفًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۸ – ۱

۱ – با متلاشی شدن کوه ها و مسطح شدن زمین در قیامت ، دعوت کننده ای ، آدمیان را به بیرون آمدن از قبر ها دعوت خواهد کرد .

یومئذ یتّبعون الداعی لاعوج له

ظاهراً مقصود از <داعی> که تمامی مردم از او تبعیت خواهند کرد و به ندای او پاسخ مثبت خواهند داد کسی است که آدمیان را از قبرها برای حشر فرا می خواند.

تنوع رگه های کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غرابیب سود

تنوع رنگ کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۷ – ۱۰

۱۰ – وجود راه ها و رگه های رنگارنگ و گوناگون در کوه ها ، از نمود های تدبیر خداوند برای انسان ها

و من الجبال جدد بيض و حمر مختلف ألونها و غرابيب سود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۵

۴ - اجزای تشکیل دهنده کوه ها ، دارای رنگ های گوناگون است .

و تکون الجبال کالعهن المنفوش

ثبات کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۷

۷ - خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار قرار داده است .

و ألقی فی الأرض روسی

<رواسی> جمع <راسیه> از ماده <رسو> به معنای <ثبوت و استواری> است. مراد از آن کوه هایند که بر اساس وصف غالب شان نام گذاری شده اند. گفتنی است که <ألقی> وقتی همراه <فی> باشد معنای استقرار را می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۰ - ۷

۷ - کوه های استوار ، برکت سرشار زمین ، تغییر فصل ها و تأمین نیار های غذایی موجودات ، از نشانه های ربوبیت بی همتای خدا

ذلک ربّ العلمین . و جعل فیها روسی من فوقها و برک فیها و قدّر فیها أقوتها فی أرب

حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۷ - ۲

۲- در آستانه بروز قیامت ، کوه ها جابه جا شده و صفحه زمین مسطّح می شود .

و یوم نسیّر الجبال و تری الأرض بارزه

<نسیّر> (از ماده سیر) یعنی <حرکت می دهیم> و <بارزه> به معنای <ظاهر و آشکار> است. چون در قیامت، کوه ها،

از جا کنده می شوند و ناهمواری های زمین از بین می رود، همه جای آن دیده شده و هیچ مانعی در برابر دید وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳

- نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۲

۲ - به حرکت در آمدن کوه ها ، در آستانه رستاخیز

و تسیر الجبال سیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵ - ۱،۳

۱ - حرکت و رانش کوه ها ، در آستانه قیامت بر اثر زلزله شدید

إذا رجّت الأرض رجًّا . و بسّت الجبال بسًّا

<بسّ> در دو معنا به کار می رود: ۱ به حرکت واداشتن (القاموس المحیط)؛ ۲ خرد و ریز ریز کردن (المصباح المنیر). برداشت بالا بر پایه معنای اول است.

۳ - رانش و از هم پاشیدگی کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، بسیار عظیم و غیرقابل توصیف

و بسّت الجبال بسًّا

ذکر <بسّاً> به صورت نکره، بیانگر عظمت و غیرقابل توصیف بودن مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - کوه ها در آغاز برپایی قیامت ، از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و سیّرت الجبال

۲ - حرکت کوه ها در قیامت ، آنها را به توده غباری شبیه کوه ، تبدیل خواهد کرد .

و سیّرت الجبال فکانت سرابًا

تشبیه کوه به سراب، بیانگر آن است که پس از حرکت کوه ها در قیامت، آنچه دیده می شود کوه نیست; ولی بیننده آن را کوه خواهد دید.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۳ – ۱

۱ – در آستانه قیامت ، کوه ها از جا کنده و حرکت داده خواهند شد .

و إذا الجبال سیّرت

حرکت کوه های یخی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۲ – ۲

۲ – حرکت کوه های یخ ، با تمامی عظمت و بزرگی در اقیانوس ها ، نشانی از قدرت خدای یگانه *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

خالق کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۰ – ۱

۱ – خداوند ، پدید آورنده کوه های استوار در زمین

و جعل فیها روسی

<رواسی> (جمع <راسیه>) به معنای کوه های استوار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۲۷ – ۱

۱ – آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین ، از سوی خداوند

و جعلنا فیها روسی شمخت

<رواسی> به معنای کوه های استوار و پابرجا و <شامخات> به معنای <مرتفعات> (کوه های بلند) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۲

۲ - خداوند ، آفریننده کوه های استوار و مستحکم است .

ألم نجعل . .. و الجبال أوتادًا

خداشناسی کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر -

۱۵ - ۱۹ - ۳

۳- خداوند ، در زمین کوه های ثابت و استوار پدید آورد .

و ألقینا فیها روسی

<رواسی> (جمع راسیه) به معنای ثابت و استوار است و مراد از آن در این آیه، کوهها می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۱ - ۴

۴- آفرینش کوه ها به گونه ای که قابل پناه گرفتن برای انسان باشد ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من الجبال أکننًا

رگه های سرخ کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء . .. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غربیب> (مفرد <غرابیب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سفیدکوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء .

.. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غربیب> (مفرد <غرابیب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

رگه های سیاه کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۷ - ۹

۹ - آفرینش راه ها و رگه های کوه ها به رنگ های سفید ، سرخ و سیاه پر رنگ ، نشانه قدرت و یکتایی خداوند

ألم تر أنّ اللّه أنزل من السماء . .. و من الجبال جدد بیض و حمر مختلف ألونها و غر

<جُدَد> (جمع <جُدّه>) در معنای طرق و خطوط استعمال می شود. البته ممکن است مقصود از آن رگه های مختلف کوه ها باشد. <غربیب> (مفرد <غرابیب>) به معنای سیاه پر رنگ و <أسود> (مفرد <سود>) به معنای سیاه است. آمدن این واژه با هم نشانگر شدت و نهایت صفت سیاهی برای بعضی از کوه ها است.

سجده کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۸ - ۱

۱ - سجده (خضوع و انقیاد) اهل آسمان و زمین و نیز خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها ، درختان و جنبندگان برای خدا

ألم تر أنّ اللّه یسجد له من فی السموت و من فی الأرض . .. و الشجر و الدواب

<سجود> (مصدر <یسجد>)

به معنای اظهار خضوع و انقیاد است.

سرعت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکّتا دکّه وحده

<دكّ> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

سکون کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱

۱ - جمود و ایستایی کوه ها در پندار آدمی ، علی رغم حرکت ابرآسای آنها

و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

شدت انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۴ - ۲

۲ - زمین و کوه ها در آستانه برپایی قیامت ، به شدت و سرعت در هم کوبیده و ویران خواهند شد .

فدکّتا دکّه وحده

<دكّ> به معنای خرد کردن و ویران نمودن است (لسان العرب).

شعور کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۹ – ۷

۷– طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبّحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۲ – ۶

۶ – آسمان ها و زمین و کوه ها دارای نوعی شعورند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض

و الجبال فأبين أن يحملنها و أشفقن منها

خودداری از پذیرش امانت الهی، حکایت از نوعی شعور و ادراک می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۸ - ۷

۷ - کوه ها ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به خداوند

یسبّحن بالعشیّ و الإشراق

شگفتی حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۰ - ۳

۳ - حرکت کوه های زمین در آستانه رستاخیز ، حرکتی عجیب و نامعهود

و تسیر الجبال سیرًا

مفعول مطلق <سیراً>، می تواند اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

عرضه امانت به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد؛ چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عرضه تکلیف

به کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۲ - ۱

۱ - خداوند ، تکالیف دین را ، به عنوان امانت به آسمان ها و زمین و کوه ها سپرد و آنان از قبول آن ، سر باز زدند .

إنّا عرضنا الأمانه علی السموت و الأرض و الجبال فأبین أن یحملنها

لام در <لیعذّب. ..> در آیه بعد، برای تعلیل عرضه امانت است. ذکر منافق مشرک و مؤمن در آن آیه، به دنبال تعلیل <لیعذّب> قرینه است که مراد از <الأمانه> در این آیه، چیزی است که افراد درباره آن، به سه گروه تقسیم می شوند و آن، همانا تکالیف دینی است. گفتنی است که آیه پیش که درباره اطاعت از خدا و رسول است، نیز می تواند قرینه بر برداشت بالا، باشد; چه این که اطاعت از خدا و پیامبر(ص)، وقتی میسّر است که به تکالیف ارائه شده از سوی آنان عمل شود.

عوامل انهدام کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۲،۷

۲ - از هم پاشیده شدن صخره های کوه از بیم خداوند ، در صورت نازل شدن وحی و آیات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلک الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معنای شکافته و از هم پاشیده شدن است.

۷ - فروتنی و < فروپاشی کوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثیلی به منظور گرایش یافتن انسان ها به اندیشه درباره آیات وحی

لو أنزلنا هذا القرءان علی جبل . .. و تلک الأمثل نضربها للناس لعلّهم

يتفكّرون

عوامل خشوع كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲۱ - ۱،۲،۷

۱ - صخره هاى ستبر كوه ، خاشع و فروتن از بيم خدا ، در صورت نزول وحى و آيات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان على جبل لرأيته خشعًا متصدّعًا من خشيه اللّه

۲ - از هم پاشيده شدن صخره هاى كوه از بيم خداوند ، در صورت نازل شدن وحى و آيات قرآن بر آن

لو أنزلنا هذا القرءان . .. و تلك الأمثل نضربها

<تصدّع> (مصدر <متصدّعاً>) به معناى شكافته و از هم پاشيده شدن است.

۷ - فروتنى و < فروپاشى كوه ها در صورت نزول قرآن بر آنها > ، تمثيلى به منظور گرايش يافتن انسان ها به انديشه درباره آيات وحى

لو أنزلنا هذا القرءان على جبل . .. و تلك الأمثل نضربها للناس لعلّهم يتفكّرون

فرجام كوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۲

۲ - عظمت كوه ها و استحكام آن ، زمينه ساز استبعاد متلاشى شدن آن در نظر تحليل گران فرجام جهان

و يسَلونك عن الجبال فقل ينسفها ربّى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۶ - ۲

۲ - انهدام زمين و تبديل كوه هاى آن به غبار پراكنده در فضا ، امرى قطعى و ترديدناپذير

فکانت هباء منبثًا

به کارگیری فعل ماضی <فکانت> در مورد آینده، در صورتی است که آن، آینده ای قطعی و غیرقابل تردید باشد.

فلسفه خلقت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر

- ۱۵ - ۱۹ - ۹

۹- وجود زمین های هموار و پدیداری کوه ها ، برای ثبات و استقرار زمین و رویش گیاهان و پدیده های معدنی ، از آیات الهی است .

و الأرض مددنها و ألقينا فيها روسى و أنبتنا فيها من كلّ شىء موزون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۵ - ۷

۷- غرض از خلقت کوه ها ، نهر ها و راه ها هدایت انسان ها است .

و ألقى فى الأرض روسى . .. و أنهرًا و سبلاً لعلّكم تهتدون

برداشت مذکور، بنابراین نکته است که مراد از <تهتدون> هدایت معنوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۴

۴ - میخکوب شدن کوه ها در زمین ، نشان قدرت خداوند و ضرورت معاد

عمّ يتساءلون . .. ألم نجعل ... و الجبال أوتادًا

بیان آفرینش کوه ها، در پاسخ آنان که درباره معاد پرسش هایی را مطرح کرده بودند; گویای آن است که اگر معاد نباشد، برای پدیده هایی همچون زمین و کوه های آن توجیهی نمی توان یافت.

فواید کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۱۹ - ۸

۸- کوه ها ، محل پیدایش معادن

و أنبتنا فيها من كلّ شىء موزون

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <فیها>، <رواسی> باشد. در این صورت مراد آیه، پیدایش معدنها خواهد

بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۵ – ۱،۲،۳

۱– خداوند ، کوه ها را ثابت و استوار در

زمین قرار داده است تا آن را چونان بستری آرام برای انسان مهیا سازد .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<رواسی> (جمع راسیه) از ماده <رسو> بوده و به معنای ثبوت و استواری است و مراد از آن کوههاست که به خاطر وصف غالبشان به این نام، نام گذاری شده اند و <القاء> وقتی با <فی> همراه باشد به معنای قرار دادن است.

۲- کوه ها ، از جنبش ها و لرزش های زمین جلوگیری می کند .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

<مید> در لغت اضطراب و لغزش چیزهای بزرگ را گویند و چون این آیه در مقام بیان نعمتهای خداست و اضطراب و لرزش زمین نعمت نیست، معلوم می شود که <أن تمیدبکم> در اصل <لأن لاتمیدبکم> یا <کراهیه أن تمیدبکم> بوده است؛ یعنی، کوهها را در زمین قرار داد تا زمین شما را نلرزاند.

۳- زمین بدون وجود کوه ها ، دارای جنبش و لرزش بوده و برای زندگی انسان مناسب نیست .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمیدبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۱

۱- آفرینش کوه های استوار برای جلوگیری زمین از لرزاندن و جنباندن انسان ها است .

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم

<رسا> به معنای <ثَبَت> و <رَسَخ> است و به کوه ها از آن جهت که خود راسخ و استواراند و مانع اضطراب و لرزش زمین می شوند، <رواسی> گفته می شود. <مید> (مصدر <تمید>) به معنای اضطراب و حرکت به سمت های گوناگون است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

- ۱۰ - ۵،۶

۵ - زمین ، بدون وجود کوه ها ، در معرض لرزش های مداوم بوده و مناسب زندگی نیست .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمید بکم

۶ - کوه ها ، از جنبش و لرزش زمین جلوگیری می کنند و برای آماده کردن آن برای زیستن بشر ، نقش دارند .

و ألقی فی الأرض روسی أن تمید بکم

<مید> در لغت، <اضطراب و لرزش چیزهای بزرگ> را گویند. چون آیه درصدد بیان نعمت های خداوند است و لرزش، نمی تواند نعمت باشد، معلوم می شود که <أن تمید>، <أن لاتمید> و یا <کراهیه تمید بکم> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۳

۳ سطح زمین ، بدون وجود کوه ها فاقد ثبات و استقرار *

و ألقینا فیها روسی

خداوند، پس از مسأله امتداد و گسترش سطح زمین، از وجود کوه ها به عنوان عناصری استوار (رواسی) یاد کرده است. از این مطلب استفاده می شود که ثبات و استقرار سطح رویین زمین، مدیون استواری کوه ها است و بدون وجود کوه ها، فاقد ثبات و استواری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۷ - ۲،۴،۵

۲ - وجود کوه های استوار و بلند ، از نعمت های الهی برای بشر و تأثیرگذار در زندگی انسان ها

و جعلنا فیها روسی شمخت

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که این دسته از آیات، ضمن آن که در بیان نشانه های قدرت عظیم خداوند است؛ می تواند درصدد بیان نعمت های الهی برای بشر نیز باشد.

- ۴

کوه ها ، از منابع تأمین آب برای بشر

و جعلنا فیها روسی شمخت و أسقینکم ماء

یادآوری سیراب شدن بشر از آب های گوارا پس از بیان آفرینش کوه های استوار و بلند در زمین می تواند بیانگر مطلب یاده شده باشد.

۵ - آب ساری و جوشیده از کوه ها ، آبی گوارا و مناسب برای نوشیدن انسان ها

و أسقینکم ماء فراتًا

<فرات>، به معنای گوارا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۷ - ۱

۱ - کوه ها مانند میخ های مستحکم ، با رسوخ در زمین مانع لرزش آن شده و اجزای$ آن را به هم پیوند داده است .

و الجبال أوتادًا

<أوتاد> (جمع <وتد>)؛ یعنی، میخ ها. تشبیه کوه ها به <میخ>، به این لحاظ است که آرامش و استحکام زمین و از هم نپاشیدن آن، وابسته به وجود کوه ها است؛ زیرا بدون وجود کوه ها، حرکت لایه های زمین به روی یکدیگر و پیدایش زلزله های فراگیر، آرامش و استقرار آن را به هم می زد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۳ - ۱

۱ - سودمندی آسمان ، شب ، روز ، زمین ، آب ، گیاه و کوه ها برای انسان و دام ، هدف خداوند از آفرینش و سامان بخشی آنها است .

متعًا لکم و لأنعمکم

<متاعاً> مفعول له است. این کلمه گرچه اسم است برای هر چیزی که سودمند باشد (لسان العرب)؛ ولی در این آیه جایگزین مصدر شده است؛ یعنی، <تمتیعاً لکم>.

قانونمندی خلقت کوه ها

- آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۷ – ۳

۳ – آفرینش کوه ها ، دارای غایت و هدف است .

و الجبال أوتادًا

مراحل خلقت کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۰ – ۴

۴ – آفرینش کوه های استوار ، ایجاد نعمت ها و تقدیر معیشت موجودات زمین در چهار روز (مرحله)

و جعل فیها روسی من فوقها . .. فی أربعه أیّام

برداشت یاد شده براین اساس است که <فی أربعه أیّام> ظرف برای مجموع عبارت های آیه باشد.

مطالعه استقرار کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۱۹ – ۱،۲

۱ – خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقّت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلی الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقاییس اللغه)

۲ – تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

منافع استقرار کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۲۰ - ۳

۳ - آفرینش شتر ، برافراشتن آسمان ، استوارسازی کوه ها و هموار ساختن زمین ، دارای منافعی درخور توجه برای انسان ها است .

أفلاینظرون إلی . .. و إلی الأرض کیف سطحت

آیه شریفه، گرچه توجّه دادن انسان ها به مظاهر قدرت خداوند در زمین و آسمان است; ولی تکیه بر اوصاف یاد شده، نشانه سودمند بودن آنها به حال آنان است.

منشأ

استقامت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۲

۲ - آفرینش کوه های پایدار و تزلزل ناپذیر ، نشان قدرت خداوند بر احیای دوباره انسان ها است .

ءأنتم . .. و الجبال أرسیها

منشأ استقرار کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳ - ۱

۱ خداوند ، گسترنده زمین و قرار دهنده کوه ها و رود ها در دل آن

و هو الذی مدّ الأرض و جعل فیها روسی و أنهرًا

<مدّ> به معنای گسترانیدن و پهن کردن است. <رواسی> (جمع راسیه) به معنای کوههای استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۲ - ۱

۱ - خداوند ، کوه ها را استوار و پابرجا قرار داد .

و الجبال أرسیها

فعل <أرسی>; یعنی، ثابت و استوار ساخت (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۱۹ - ۱،۲

۱ - خداوند ، ترغیب کننده مردم به بررسی و دقّت در کیفیت استوار ماندن کوه ها در زمین

و إلی الجبال کیف نصبت

<نصب> به معنای برپاداشتن و راست نگه داشتن چیزی در حالت اعتدال است. (مقاییس اللغه)

۲ – تحقیق و تدبر در علل برقرار ماندن کوه ها ، مایه توجه به قدرت خداوند بر ایجاد معاد

و إلی الجبال کیف نصبت

منشأ انهدام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۸ – ۱۲

۱۲ – متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر

نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال. ..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می توانـد به منظور بیان رخـدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظـام طبیعت ظـاهر می گردد. بنـابراین معنـای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنـداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند; در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

منشأ حرکت کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۸ - ۱۲

۱۲ - متلاشی شدن و به حرکت درآمدن کوه ها در فضا ، بر اثر نفخ صور

و یوم ینفخ فی الصور . .. و تری الجبال تحسبها جامده و هی تمرّ مرّ السحاب

ذکر <تری الجبال. ..> در ادامه <یوم ینفخ فی الصور...> می توانـد به منظور بیان رخـدادهایی باشد که در پی دمیده شدن در صور، در نظـام طبیعت ظـاهر می گردد. بنـابراین معنـای آیه بالا چنین می شود: تو این کوه ها را می بینی و می پنـداری که ایستا و غیرقابل حرکت اند; در حالی که آنها روزی که در صور دمیده شود، چون ابر در آسمان به حرکت در خواهند آمد.

نقش کوه ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۱ - ۴

۴- اهمیت و نقش حیاتی کوه ها و راه های طبیعی برای زندگی انسان ها

و جعلنا فی الأرض روسی أن تمید بهم .

.. سبلًا لعلّهم يهتدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۱ - ۲

۲ - رود ها و نهر های جاری بر بستر شکاف های زمین و کوه های استوار بر پهنه آن ، نمودی دیگر از تدبیر خدای یگانه

و جعل خللها أنهرًا و جعل لها روسی

<خلال> (جمع <خلل>) به معنای شکاف ها است. <نهر> (مفرد <أنهار>) مشترک لفظی است میان آب جاری و مکانی که در آن آب روان باشد. بنابراین، عبارت <جعل خلالها أنهاراً> را می توان به دو صورت زیر معنا کرد: ۱ شکاف های زمین را مکانی برای جریان آب قرار داده است. ۲ در بستر شکاف های زمین آب های روان قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۱ - ۱

۱ - آسمان ها و کوه ها و جنبندگان و . . . ، تبلور آفرينندگی خداوند است .

هذا خلق اللّه فأرونی ماذا خلق الذين من دونه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۷ - ۲

۲ وجود کوه های استوار بر بستر زمين ، از آيات الهی است .

و ألقينا فيها روسی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱ - ۶

۶ - نقش مهم کوه ها ، در نظام زمين و طبيعت

و الطّور

در صورتی که <طور> به معنای مطلق کوه باشد، از مورد قسم قرار گرفتن آن، اهميت آن در نظام زمين، استفاده می شود.

كهانت از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

كهانت

تهمت كهانت به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه

- فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهانت به قرآن و کاهنی به پیامبراسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

تهمت کهانت به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۹ - ۷

۷ - اتهام کهانت و جنون به پیامبر (ص) ، از سوی کافران

فما أنت بنعمت ربّك بكاهن و لامجنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۴

۴ - اتهام کهانت به قرآن و کاهنی به پیامبراسلام (ص) ، از سوی کافران و مشرکان

و لا بقول کاهن

قرآن و کهانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۲ - ۲

۲ - قرآن ، به تحقیق از سنخ کهانت و کلامی کاهنانه نیست .

و لا بقول کاهن

محمد(ص) و کهانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۵

۵ – پیامبر (ص) ، مصون از هر گونه کهانت و جنون ، در پرتو عنایت پروردگار خویش

فما أنت بنعمت ربّك بكاهن و لامجنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۲ – ۱

۱ – پیامبراسلام (ص) ، به تحقیق کاهن نبود .

و لا بقول کاهن

ناپسندی کهانت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۲۹ – ۹

۹ – < کهانت > ، امری مذموم و نکوهیده *

فما أنت بنعمت ربّك بكاهن

از

این که وجود نعمت الهی، عامل مصونیت از کهانت شمرده شده است; نوعی تنافر میان آن دو، استفاده می شود; یعنی، کاهن به دور از رحمت الهی است.

نقش کهانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۱۰

۱۰ - < و سئل أبوعبداللّه (ع) عن قوله : < یعلمون ظاهراً من الحیاه الدنیا > ؟ فقال : منه الزجر و النجوم ;

در مجمع البیان آمده است که از امام صادق(ع) درباره معنای این سخن خداوند <یعلمون ظاهراً من الحیاه الدنیا> سؤال شد. فرمود: از جمله آنها (یعنی از جمله دانش های ظاهری حیات دنیا) نوعی کهانت و استفاده از علم نجوم است.>.

کیفر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

{کیفر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲،۴

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

۴ تأثیر علم و آگاهی گناهکاران ، در مقدار و کیفیّت عذاب آنان

کفروا بعد ایمانهم و شهدوا انّ الرّسول حق و جاءهم البیّنات . .. لا یخفّف عنهم الع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۵،۱۱،۱۴،۱۶

۵ روسیاهی و عذاب مرتدّان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۱۱ مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

۱۴ عذاب

اُخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

<تکفرون . .. >، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنّت رسول اللّه (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبیضّ وجوه . .. >، فرمود: تبیضّ وجوه اهل السّنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۲۸ – ۷،۸،۱۴

۷ توبه مشرکان و پذیرش آن از سوی خداوند و یا عذاب و مجازات آنان ، هدفی برای نصرت الهی به رزمندگان بدر

ولقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً ... او یتوب علیهم

جمله <یتوب علیهم> و نیز <یعذّبهم>، عطف است بر <یقطع طرفاً>; و این جمله متعلق به <نصرکم اللّه ببدر> است. و لذا عذاب مشرکان و پذیرش توبه آنان نیز از اهداف پیروزی جنگ بدر خواهد بود.

۸ کیفر و مجازات و یا پذیرش توبه مشرکان ، در اختیار خداوند است ، نه پیامبر (ص)

لیس لک من الامر شیء او یتوب علیهم او یعذّبهم

پذیرش توبه و عذاب مشرکان، می تواند از مصادیق جمله <لیس لک من الامر شیء> باشد.

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او یعذّبهم فانّهم ظالمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۷

۷ اصل ، در مشیّت الهی ، آمرزش بندگان است ، نه عذاب آنان

یغفر لمن یشآء و یعذّب من

يشآء و اللّه غفور رحيم

تقديم ذكرى آمرزش بر عذاب، دلالت بر تقديم واقعى و اصالت مغفرت الهى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخى از گناهان آدمى ، در پى دارنده عذاب هاى دنيوى

كيف كان عاقبه المكذّبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹،۲۰

۱۹ آتشِ دوزخ ، جايگاه و فرجام شوم كفرپيشگان مشرك

سنلقى فى قلوب الّذين كفروا الرعب . .. و ماويهم النّار و بئس مثوى الظّالمين

۲۰ آتش دوزخ ، جايگاه و فرجام شوم ستم پيشگان

و ماويهم النّار و بئس مثوى الظّالمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۲۶

۲۶ سستى در نبرد با دشمن ، نزاع و پراكندگى و تخلف از دستورات فرماندهى ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّى اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنكم

ظاهر كلمه عفو اين است كه گناهى صورت گرفته باشد و گناه در اين مورد همان سستى و نزاع و سرپيچى از دستورات فرماندهى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۸،۱۱،۱۳،۱۴،۱۵،۱۶

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱۱ خیانتکاران ، دریافت کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۳ پاداش و جزاءِ

کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا ـ یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفّی کلّ نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنّم دیده و باید در آتش جهنّم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النّار ثمّ یکلّف ان یدخل الیه فیخرجه من النّار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۲ – ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متّهم به خیانتکاری می کنند .

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و ما کان لنبیّ ان یغلّ ...

كمن بآء بسخط من اللّه و م

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۶

۹ اراده الهى مبنى بر محروميّت حتمى شتابگران در كفر از بهره هاى اخروى

يريد اللّه الّا يجعل لهم حظّا فى الاخره

۱۶ عذاب بزرگ اخروى در انتظار شتابگران در كفر است .

الّذين يسارعون فى الكفر . .. و لهم عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناك الهى ، كيفر انتخاب كنندگان كفر به بهاى از دست دادن ايمان (مرتدان)

انّ الّذين اشتروا الكفر بالايمان . .. لهم عذاب اليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهى در قيامت ، فرجام بخلورزى و عدم انفاق از دارايى هاى فزون بر نياز

و لا يحسبنّ الّذين يبخلون بما اتيهم اللّه من فضله

رسول اللّه (ص): ما من ذى رحم يأتى ذا رحمه فيسأله من فضل ما اعطاه اللّه اياه فيبخل عليه الّا خرج له يوم القيامه من جهنّم شجاع يتلمّظ حتى يطوّقه. ثم قرأ <و لا يحسبنّ ... >.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و کشتن پیامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنکتب ما قالوا و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحریق

<حریق>، به معنای محرِق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای کشتن پیامبران

و نسبت ناروا به خدا دادن، حاکی از بزرگی چنین گناهانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۲،۳،۷،۸،۹،۱۲،۱۴

۲ عذاب و کیفر اخروی انسان ها ، نتیجه عملکرد خود آنان

ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ اللّه لیس بظلّام للعب

جمله <و اَنّ اللّه . .. > عطف بر <ما قدّمت> می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

۸ عذاب دوزخیان ، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . .. و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

بنابر اینکه <انّ اللّه . .. >، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشّأن انّ اللّه لیس ...)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم> این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فزونتر از اقتضای

عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحريق. ذلك بما قدّمت ايديكم و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحريق . .. ذلك بما قدّمت ايديكم و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ اللّه . .. > بر <ما قدّمت>)، است.

۱۴ مجازات افزون بر گناه ، ظلمی بزرگ است .

و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان كنتم صادقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵،۱۰

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انّما توفّون اجوركم يوم القيمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای اعمال ناپسند انسانها

و انّما توفّون . .. فمن زحزح عن النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۳،۱۱،۱۰

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و .

(. .

لا تحسبنّ الّذين . .. بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۱ عذاب دردناك الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الّذین یفرحون . .. و یحبّون ... بمفازه ... و لهم عذاب الیم

۱۳ عذابی دردناك در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش ، وسیله ای برای عذاب دوزخیان

فقنا عذاب النّار

آثار اجرای قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسکم ذلکم خیر لکم عند بارئکم

آثار احساس مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱ - ۳

۳ - غفلت از یاد خدا و احساس ایمنی از کیفر او ، عامل رواج یافتن ظلم و ستم بر مردم در خاندان فرعون

أن ائت القوم الظلمین . قوم فرعون ألایتّقون

از مجموع دو آیه استفاده می شود که تقوا (بیم داشتن از خشم خدا و کیفر کردار) مانع ظلم و تباهی است و خاندان فرعون به دلیل بی بهره بودن از عنصر تقوا، گرفتار ظلم و تباهی گشته بودند.

آثار ایمان به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۵ – ۸

۸ – ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه و اللّه عنده أجر عظیم

آثار ترس از کیفر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۸ – ۴

۴ – بیم از خدا و کیفر او ، زمینه ساز ایمان آوردن به آیات او است .

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم . .. و الذین هم بأیت ربّهم یؤمنون

تقدیم <خشیت> بر <ایمان> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

آثار تکذیب کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۲ – ۸

۸ – انکار مستمر وجود کیفر و عذاب در قیامت ، عذاب آور است .

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

آثار تکذیب کیفر های اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۹ – ۳

۳ – چیزی جز دروغ پنداشتن کیفر های اخروی ، گنه کاران و کافران را به احساس امنیت از عذاب سوق نداده است .

بل تکذّبون بالدين

مراد از <دين> به قرينه آيات بعد كه در آنها قيامت با عنوان <يوم الدين> ياد شده جزاى اعمال است. حرف <بل> كه براى اضراب است بيانگر آن است كه كافران و گناه كاران، گرچه توجيهاتى نزد خود دارند; ولى محرّك اصلى آنان، چيزى جز دروغ دانستن كيفرهاى آخرت

نیست.

آثار ذکر کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقواپیشگی در انسان

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۸

۸ - توجّه به کیفر اخروی ، مانع برترنمایی و تفاخر است .

کلّا سوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۶

۶ - توجّه به کیفر اخروی ، مانع برتری نمایی و تفاخر است .

ثمّ کلّا سوف تعلمون

آثار ذکر کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۵

۵- توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

یعرض الذین کفروا علی النار . .. فاصبر کما صبر أولواالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

آثار سرعت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر

(ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

آثار غفلت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۷ - ۳

۳- بزرگ ترین ظلم ها و جنایت ها در تاریخ بشر ، دارای ریشه در انکار آیات الهی و غفلت از کیفر اَعمال است . *

و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها و نسی ما قدّمت یداه

برداشت بالا، بنابراین احتمال است که منظور از ظلم در <من أظلم> صرفاً، ظلم به نفس نباشد، بلکه علاوه بر آن، شامل ظلم به غیر نیز بشود و جمله <نسی ما قدمت یداه> کنایه از عدم اعتقاد به کیفر کردار و بقای عمل باشد.

آثار غفلت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۶

۶ - کیفر و پاداش و تشویق و تهدید ، دو عامل بهم پیوسته و ضروری ، برای هدایت و تربیت انسان

ذوقوا فتنتکم . .. إنّ المتقین فی جنّت

خداوند، در کنار تهدید و کیفر کافران، به تشویق و پاداش مؤمنان تقواپیشه پرداخته است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۴ – ۶

۶ – مقرر کردن < کیفر و پاداش > و < تنبیه و تشویق > ، دو روش هدایتی و تربیتی قرآن

کذلک العذاب و لعذاب الأخره أکبر . .. إنّ للمتّقین عند ربّهم جنّت النعیم

آثار کیفر اخروی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۵ – ۲

۲ – تماشای کیفر های کافران در قیامت ، برای مؤمنان لذت بخش است .

علی الأرائک ینظرون

آثار کیفر بنی اسرائیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۱۲

۱۲– روی کرد عمومی بنی اسرائیل به صلاح و شایستگی ، پس از تحمل مجازات افساد خویش و قبول شکست از مردانی جنگاور

لتفسدنّ فی الأرض . .. بعثنا علیکم عبادًا لنا أُولی بأس شدید ... ثمّ رددنا لکم ال

قرینه دو آیه بعد <إن عدتم عدنا> دلالت می کند بر اینکه بنی اسرائیل پس از شکست خود، متنبه شده اند و برای همین جهت، خداوند هم آنان را امداد کرده است.

آثار کیفر دنیوی ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۱ – ۷

۷– در صورت تصمیم خداوند بر عقوبت و مؤاخذه دنیوی ظالمان ، همه انسان ها به هلاکت می رسیدند و نسلشان منقرض می

شد . *

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک عليها من دابّه

احتمال دارد به قرينه <الناس> و <بظلمهم> و نيز تناسب كيفر با گناهكار، مراد از <دابّه> انسانها باشد.

آثار كيفر كافران

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۱ – ۲

۲ مجازات کفار و منکران قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۶

۶ – وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

آثار کیفر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۰۳ – ۲

۲ – کیفر دردناك الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون . فیقولوا هل نحن منظرون

آثار کیفر های دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۲ – ۱۰

۱۰- کیفر های دنیوی ، بیدارباشی برای غافلان است .

و أُحیط بثمره . .. یقول یلیتنی

لم أَشرک بربّی أحدًا

آخرت محل کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۳ - ۱۲

۱۲ دنیا ، سرای تلاش است و جهان پس از مرگ ، برای کیفر و پاداش می باشد .

إذا هم یبغون . .. متع الحیوه الدنیا ثم إلینا مرجعکم فننبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۱

۱ دنیا سرای تلاش و آخرت سرای کیفر و پاداش است .

للذین أحسنوا الحسنی . .. و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

آسانی تشدید کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۶

۶ - تشدید و دو چندان کردن کیفر گناه ، بر خداوند ، کاری آسان است .

من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی اللّه یسیرًا

ابزار کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۹

۹- جعل برخی از محرمات الهی ، ممکن است به خاطر مجازات باشد نه به دلیل وجود مفسده و ضرر در آنها .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

محرمات خاص یهود، کیفر عملکرد خود آنان بود و اگر آنان ظلم نمی کردند، هیچ

مفسده ای در آن امور نبود که بر آنان حرام شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۹ – ۵،۷

۵- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعیدکم . .. فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۴،۶

۴ – کیفر های دنیوی خداوند ، ممکن است با ایجاد رخداد های طبیعی (همانند سیلی بنیان کن) تحقق پیدا کند .

فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم

۶ – از دست دادن نعمت و امکانات ، نوعی کیفر و مجازات است .

و اشکروا له . .. فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم جنّتین ذوات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۳ – ۶

۶ – صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیّضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیّضنا)، مطلب

یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۱ - ۵

۵ - مظاهر رحمت ، مایه نقمت و نابودی خلق در نتیجه کفر و تکذیب

فکذّبوا عبدنا . .. ففتحنا أبوب السّماء بماء منهمر

با این که باران در نظام طبیعت، مایه حیات و رحمت است; ولی به گاه خشم الهی به عذابی بنیان برافکن تبدیل می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فکیف کان عذابی . .. إنّا أرسلنا علیهم ریحًا صرصرًا

اجتناب از کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۴

۴ لزوم پرهیز حاکمان از مجازات بی گناهان به جای گنه کاران

قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

استهزای کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۴

۴- کافران دین ستیز مکه ، وعده ها و تهدید های الهی (عذاب ، کیفراخروی و . . .) را مورد استهزا و تمسخر قرار می دادند .

و یقولون متی هذا الوعد

جمله استفهامیه <و یقولون متی هذا الوعد> برای تهکّم و استهزا است.

اصلاح در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۷

۱۷ - در مجازات مجرمان ، باید به جهت های اصلاحی و تربیتی ، توجّه شود .

لیذیقهم . .. لعلّهم یرجعون

اعلام شخصی

بودن کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۱

۱ - پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیام خداوند به مشرکان ، درباره بازخواست نشدن هرکسی از عمل دیگری

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

اقرار به استحقاق کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۴

۱۴- مجرمان ، در قیامت ، خود به بدکاری و استحقاق عقوبت خویش ، معترف خواهند بود .

یویلتنا مال هذا الکتب . .. و وجدوا ما عملوا حاضرًا و لایظلم ربّک أحدًا

اقسام کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱۰

۱۰ کیفر الهی دارای انواع گوناگون

فیعذبهم عذاباً ألیماً

انبیا و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۶۳ – ۱۱

۱۱ تمرد کنندگان از فرمان خدا هر چند از پیامبران باشند در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

انذار از کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۷ – ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند

، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

اهل مدین و کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند; بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرهطی أعز. ..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطك>، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا ...> است.

اهمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۷

۷ - مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

اهمیت کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۶ - ۱۵

۱۵- سیر در زمین و به کیفر رساندن اقوام ناصالح ، امری پسندیده است .

حتّی إذابلغ . .. إمّا أن تعذّب

گزارش سفر ذی القرنین پس از بیان موهبت های الهی به او، نشانه شایسته بودن اقدامات او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۷

۷

- مصلحت بقای نسل انسان ها و حیات در زمین ، مهم تر از مصلحت عقوبت دنیایی بندگان گنه کار و کافران

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

ایمان به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم . .. إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم أعملهم ... فاستقم کما أُمرت

برادران یوسف و کیفر دزد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۴

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۴ فرزندان یعقوب ، ضمن تعیین مجازات سارق تصریح کردند که خصوص سارق (کسی که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود) مسؤول شناخته می شود نه همه افراد کاروان

قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

فرزندان یعقوب در مقام پاسخ به این پرسش که <فما جزؤه> کافی بود که بگویند: <هو جزؤه> ; ولی از آن جا که همه کاروان به سرقت متهم شدند (أیّتها العیر إنکم لسرقون) لازم دانستند که

با جواب تفصیلی (جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه) بیان کنند که همه کاروان مسؤول نیستند ; بلکه تنها آن کس که جام شاهی در اثاثیه اش یافت شود، مسؤول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۹،۱۰

۹ فرزندان یعقوب در صورت آگاهی به وجود جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، کیفر سارق در آیین خویش را بیان نمی کردند .

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که مراد از شهادت در <ما شهدنا> بیان حکم سارق که آیه ۷۵ (جزاؤه من وجد فی رحله) رساننده آن است باشد. بر این اساس مفاد <ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حافظین> چنین می شود: ما به آنچه می دانستیم (کیفر سارق بردگی است) شهادت دادیم ; ولی نمی دانستیم که جام شاهی نزد بنیامین است تا از بیان آن حکم خودداری کنیم. قابل ذکر است که بر این مبنا <حافظین> به معنای <عالمین> خواهد بود.

۱۰ بی اطلاعی برادران از امور نهانی ، اعتذار آنان در نزد یعقوب برای بیان کیفر سارق

ما شهدنا إلاّ بما علمنا و ما کنا للغیب حفظین

تأخیر در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۸

۸ - تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم الیوم إنّ اللّه سریع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه سریع الحساب> در مقام تعلیل برای

<لاظلم الیوم> می باشـد; یعنی، در محکمه عدل الهی به کسـی سـتم نمی شود; چون خداوند با سـرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

تأخیر کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۳ - ۱۵

۱۵ - تأخیر کیفر حق ستیزان ، براساس مصالح و نه معلول غفلت خداوند از کردار آنان

سیریکم ءایته . .. و ما ربّک بغفل عمّا تعملون

با توجه به این که بیشتر آیات این سوره، متوجه منکران رسالت پیامبر(ص) و توحیـد ربوبی خداوند است، خاتمه یافتن سوره با تعبیر <سـیریکم آیاته> و <ما ربّک بغافل. ..> می رسانـد که خداوند، از نشان دادن آیات انکار ناپذیر خود، عاجز نیست و از کردار بندگان نیز غافل نمی باشد و به موقع جزای آنان را خواهد داد.

تأخیر کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۳ - ۳

۳ - مخالفت های کافران با پیام وحی و تأخیر کیفر دنیایی آنان ، نبایستی پیامبر (ص) و مؤمنان را در تبلغ دین سـست گرداند .

فإمّا نذهبنّ . .. فاستمسک بالذی أُوحی إلیک

از تفریع این آیه بر آیات پیشـین که مسأله اعراض کافران از وحی و کیفر آنان را مطرح کرده بود مطلب یاد شـده اسـتفاده می شود.

تأخیر کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۹،۱۳

۹- عفو موقت و تأخیر در مؤاخذه و عقوبت ظالمان ، به معنای ر ها کردن همیشگی آنان نیست .

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم ما

ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

۱۳- تعیین اجل مقرر برای انسان ها و تصمیم به مؤاخذه و عقوبت کردن ظالمان و یا تأخیر آن ، به دست خداوند است .

و لو یؤاخذ الله الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

تأخیر کیفر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ – ۶

۶- مهلت یافتن گنه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو یؤاخذهم . .. بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلاً

تبدیل کیفر بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۳ – ۳

۳ – بنی نضیر ، به خاطر توطئه و خیانت ، مستحق کیفر و مجازاتی سخت بودند و اجرای حکم تبعید علیه آنان ، تقدیری همراه با تخفیف برای ایشان بود .

و لولا أن . .. لعذّبهم فی الدنیا

تبدیل کیفر به پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۰ – ۵،۶

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها ، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

۶ توبه ، ایمان و عمل صالح ، موجب محو شدن

گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلّا من تاب و ءامن و عمل عملًاصلحًا فأُولئك یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت

تبعیض در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۱

۱۱ ضرورت پرهیز از هرگونه تبعیض ، در اجرای مقررات و قوانین جزایی

من یعمل سوءاً یجز به

جمله <من یعمل . ..> دارای مضمونی عام و کلی است و شامل کیفرهای دنیوی نیز می شود.

ترجیح کیفر بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۱۰

۱۰- اصحاب کهف ، در صورت گرفتاری به دست کافران ، سنگ سار شدن را بر پذیرش آیین شرک ترجیح می دادند .

یرجموکم أو یعیدوکم فی ملّتهم و لن تفلحوا إذًا أبدًا

ارتباط جمله <و لن تفلحوا. ..> با <یعیدوکم> گویای این است که اصحاب کهف، تنها، شرک و بازگشت به آیین قوم خویش را مانع رستگاری می دانستند و درباره سنگ سار شدن چنین دیدگاهی نداشتند.

ترس از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام هراس داشتن خود از پیامد های ناگوار اخروی عصیان و نافرمانی خدا به مردم

قل إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

تساوی در کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و

کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد اللّه المنفقین و المنفقت . .. نار جهنم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۱۸

۱۸ هیچ کس ، حتی پیامبران ، در صورت سرپیچی از فرمان های خدا از عذاب اخروی در امان نیستند .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲ – ۴

۴- تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مأئه جلده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۵ – ۴

۴ – تساوی انسان ها ، در برابر قانون کیفر و پاداش الهی

من عمل صلحًا . .. و من أساء

از عموم و شمول واژه <من>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۷

۷ – نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۳ – ۶

۶ – تساوی مردان و زنان در عرصه قیامت ، از نظر کیفر و عذاب

و محرومیت از ثواب ها و بهره های اخروی

یوم یقول المنفقون و المنفقت للذین ءامنوا انظرونا نقتبس من نورکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۷ – ۳

۳ – همه انسان ها ، حتی پیامبران ، در برابر قوانین الهی برابر و مساوی اند .

فما منکم من أحد عنه حجزین

مجازات شدن پیامبر(ص) در برابر گناه و مخالفت با قوانین الهی، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۲۲ – ۳

۳ – همه انسان ها در برابر قوانین الهی برابراند و هیچ کس در جامعه اسلامی مصونیت قانونی ندارد .

قل إنّی لن یجیرنی من اللّه أحد

تشدید کیفر رهبران دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۵ – ۳

۳– کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی ، دارای کیفری دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً. إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

تشدید کیفر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۵ – ۱

۱– هشدار خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر اینکه در صورت لغزش از مواضع اصولی خویش ، دچار کیفر دو چندان دنیوی و

اخروی خواهد شد .

إذًا لأذقنك ضعف الحیوه و ضعف الممات

تفاوت در کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ

من ذلك مثوبه عند اللّه

تفاوت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۱

۱۱ - همه کافران در جرم و کیفر ، یکسان نیستند .

نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

از این که از میان تکذیب گران هر امت، تنها گروهی در این مرحله به منظور محاکمه و مجازات، جدا و محشور می شوند؛ می توان استفاده کرد که این گروه ها دارای گناهی سنگین تر و کیفری متناسب با آن هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۰ - ۱۲

۱۲- کیفر الهی برای کافران ، دارای گونه های بسیار با نتایجی ویرانگر و مشابه *

دمّر اللّه علیهم و للکفرین أمثلها

جمع آمدن واژه <أمثالها> می رساند که مجازات ملت های کفر پیشه، هر چند در نابودی و ویرانگری همگون است؛ اما در شکل متفاوت است.

تکذیب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۳

۳ - ادعای در کار نبودن پاداش و کیفر پس از مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن کنتم غیر مدینین . ترجعونها إن کنتم صدقین

خطاب در <إن کنتم صادقین>، متوجه کسانی است که منکر پاداش و کیفر در سرای دیگر بودند.

تکذیب کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۸ - ۳

۳ - تناقض گویی کافران مکه ، در انکار معاد و کیفر کردار

إنّکم لفی قول مختلف

با توجه به این که آیات پیشین در مورد معاد و جزای کردار

و آیات بعد در زمینه روز جزا است، ممکن است <قول مختلف> نظر به همین موضوع (معاد) داشته باشد.

تکذیب کیفر های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۱ - ۲

۲ - ناباوری کافران نسبت به کیفر الهی ، علی رغم یادآوری آنان به فرجام هلاکت بار مجرمان گذشته تاریخ

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین . .. و یقولون متی هذا الوعد

با توجه به ارتباط آیه مورد بحث با آیات قبل، برداشت یاد شده را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۹ - ۴

۴ - گناه ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ما غرّك . .. بل تكذّبون بالدين

<تكذّبون> مضارع و بیانگر این است که آنچه هم اکنون و از این پس انجام می دهید، تکذیب عذاب الهی است.

تناسب کیفر با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحیات عمل کننده است.

الیوم تجزون عذاب الهون . .. کنتم عن ءایته تسکتبرون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۶

۶ کیفر های الهی همطراز و متعادل با اعمال و رفتار انسانهاست .

هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۴۸

۴ پاداش ها و

کیفر های خداوند ، با اعمال و رفتار آدمیان مطابقت داشته و کاستی ندارد .

لیوفیّنهم ربک أعملهم

<توفیه> (مصدر یوفی) به معنای به طور کامل و تمام پرداختن است.

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لیوفیّنهم ربک أعملهم إنه بما یعملون خبیر

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۶

۶ - کیفر های اخروی ، متناسب با کردار های آدمیان در دنیا

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

تناسب کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۶

۶ - همسانی کیفر های الهی با گناه گنهکاران

إنما نحن مستهزءون. اللّه یستهزئ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۱

۱۱ میان گناه و کیفر آن در نظام مجازات الهی نوعی تقابل و تناسب برقرار است.

و إذا جاءتهم ءایه قالوا لن نؤمن . .. سیصیب الذین أجرموا صغار عنداللّه

خداوند ذلت و خواری را کیفر متکبران

در برابر آیات الهی قرار داده است که با یکدیگر تقابل تضاد دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲،۶

۲ عمل ناشایست دارای کیفری مانند آن و نه بیشتر

من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴ - ۶

۶ عذابهای الهی متناسب با گناه متخلفان است.

قلیلا ما تذکرون. و کم من قریه أهلکنها فجاءها بأسنا بیتا أو هم قائلون

بیان زمان عذاب، یعنی شبانگاه و خواب نیمروز، که هنگام غفلت مردم است، پس از بیان غفلت مردم از تذکارهای الهی (قلیلا ما تذکرون) اشاره به تناسب عذاب با گناه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۱۸

۱۸ تناسب کیفر ها و مجازات های الهی با عملکرد انسان

نسوا اللّه فنسیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۸

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم سخر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷

- یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۴ - ۶

۶- هر گناهی ، کیفر و عذاب متناسب خود را دارد .

و إن جهنّم لموعدهم أجمعین . لها سبعه أبوب لکلّ باب منهم جزء مقسوم

از اینکه گفته شده است: <برای هر گروهی از گمراهان در و یا طبقه ای مخصوص در جهنّم وجود دارد> به دست می آید که گناهان متفاوتند و کیفر متناسب خود را دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۹ - ۱۱

۱۱- گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها فلبئس مثوی المتکبّرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این

معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است. مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان جهنّمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۴ - ۱۴

۱۴- برخی از گناهان ، عذابی فراگیر و سخت تر از برخی دیگر دارند .

فأصابهم سیئات ما عملوا و حاق بهم ما کانوا به یستهزءون

از اینکه برای <سیئه> واژه <أصاب> و برای استهزا <حاق> به کار رفته است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۶

۶- سرکشان و عصیان گران در قیامت ، هر یک برای چشیدن عذاب ، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود .

ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه أیّهم أشدّ

جمله <لننزعنّ. ..> دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گنه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۳

۳- هرکس به اندازه استحقاق و اولویت خود ، طعم عذاب دوزخ را خواهد چشید .

ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولی بها صلیًا

درجه بنـدی مسـتحقان آتش دوزخ و تعیین اولویت هـای آنان، نشان از آن دارد که همه یکسان عـذاب نخواهنـد دیـده; بلکه برخوردی متفاوت

و متناسب با هر یک صورت خواهد گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنسیتها . .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۹

۹ - وجود تناسب میان گناه و کیفر آن در نظام کیفری الهی

ثانی عطفه . .. له فی الدنیا خزی

برداشت فوق از مقابله <ثانی عطفه> (تکبر) با <خزی> (ذلت) به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳،۱۸،۱۹

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

۱۸ - در گناه گروهی و دسته جمعی ، هر کس به قدر دخالتش در انجام آن ، مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت .

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۸ - ۴

۴ – کیفر های الهی ، متناسب با اعمال آدمیان

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما

تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۵،۶

۵ – هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . .. و من جاء بالسیّئه

<ال> در <الحسنه> و <السیّئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>; یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسیّئه>; یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

۶ – تبدیل شدن اعمال ناپسند بدکاران به صورت کیفر در جهان آخرت

فلایجزی الذین عملوا السیّئات إلاّ ما کانوا یعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اعمال بدکاران در این آیه به عنوان خود جزا مطرح شده است; نه <مجزی به>; یعنی، چیزی که در مقابل آن جزا داده شوند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱،۲

۱ – هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

۲ – قوم عاد و ثمود ، مناسب گناهشان ، کیفر و عذاب شدند .

و عادًا و ثمودًا . .. و قرون ... فکلاًّ أخذنا بذنبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۱۴

۱۴ – عمل ها و موضع گیری ها هر کدام ، متناسب با خود ، عذاب و کیفر دارند .

فذوقوا بما نسیتم . .. ذوقوا ... بما کنتم تعملون

تکرار <ذوقوا> با ذکر سبب هر کدام از آنها، می تواند بیان کننده این نکته باشد که هر کدام از

عمل ها و نیز برخوردهای منفی با اعتقادات دینی، عذاب خاص خود را دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۳،۲۴

۲۳ - عذاب های خداوند ، متناسب با بدکرداری کیفرشدگان است .

هل یجزون إلّا ما کانوا یعملون

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا هل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۳،۴

۳ - مقدار مجازات الهی در قیامت ، بسته به میزان اعمال انسان ها و متناسب با کم و کیف آنها است .

و لاتجزون إلّا ما کنتم تعملون

در برداشت یاد شده <ما> در <ما کنتم> مجرور به مضاف محذوف دانسته شده و تقدیر آن می تواند چنین باشد: <و لاتجزون إلّا علی وفاق ما کنتم تعملون و علی مقداره>.

۴ - مجازات به میزان رفتار و کردار و متناسب با کم و کیف آن ، جزایی است عادلانه .

فالیوم لاتظلم نفس شیئًا و لاتجزون إلّا ما کنتم تعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که جمله <و لاتجزون. ..> عطف بر جمله پیش (لاتظلم...) است و بیانگر چرایی و چگونگی ستم نشدن به انسان ها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۱،۲،۳

۱ - عذاب دردناک مشرکان و کافران مستکبر در دوزخ ، تجسم اعمال خود آنان و متناسب با رفتار ایشان است .

لذائقوا العذاب الألیم . و ما تجزون

إلّا ما كنتم تعملون

آیه شریفه، در واقع پاسخ سؤالی است که از آیه قبل برمی آید و آن این که: چرا عذاب مشرکان مستکبر، عذابی دردناک است و آیا این عذاب عادلانه است؟

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

۳ - مجازات های الهی در قیامت ، عادلانه و متناسب با اعمال و رفتار خود انسان هاست .

و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وفّیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد; یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱

۱ - جزا و کیفر الهی در قیامت ، عادلانه

و متناسب با رفتار زشت انسان است .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها

مقصود از مجازات به مثل، عادلانه بودن جزای الهی و متناسب بودن آن با رفتار انسان ها است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۰ – ۷

۷ – مجازات پروردگار ، عادلانه و متناسب با نوع رفتار و کردار آدمی است .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین

مجازات شدن متکبران خود برتربین به خواری و ذلت، گویای حقیقت یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۶ – ۱۴

۱۴ – تناسب کیفر های الهی با رفتار و عملکرد آدمی

فاستکبروا . .. عذاب الخزی ... و لعذاب الأخره أخزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۸ – ۱۱

۱۱ – تناسب عذاب های الهی ، با گناهان و عملکرد آدمیان

لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

گفتنی است که در آیه شریفه در برابر انکار مستمر آیات الهی، عذاب مستمر و همیشگی قرار داده شده است. با الغای خصوصیت از مورد، مطلب بالا قابل برداشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۰ – ۱۵

۱۵- کیفر های الهی برای مجرمان ، متناسب با جرم و گناه ایشان *

تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تعبیر <استکبار> در قبال <هون> اشاره به این تناسب داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۴،۵

۴ - تناسب کامل

میان کیفر و کردار مجرمان ، در نظام کیفری خداوند

یوم یسحبون فی النار . .. إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر

خداونـد، پس از بیان مجازات مجرمان، در حقیقت این قانون کلی را تـذکر داده است که تمامی برنامه های ما از روی عدل و حساب است. از آن جمله کیفر مجرمان است که هر یک به تناسب عمل و استحقاقشان، کیفر خواهند دید.

۵ - < عن علی بن أبی طـالب (ع) إنّه سئل عن قوله اللّه : < إنّـا کـلّ شـیء خلقنـاه بقـدر > فقال : یقول اللّه عزّوجلّ إنّا کلّ شیء خلقناه لأهل النار بقدر أعمالهم ;

روایت شده که از امام علی بن ابی طالب(ع) [درباره] آیه <إنّا کلّ شیء خلقناه بقدر> سؤال شد، آن حضرت فرمود: خداوند می فرماید: ما هر چیز را برای اهل دوزخ به اندازه اعمالشان خلق نمودیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۷

۷ - مؤاخذه و کیفر خلایق (جن و انس) ، در قیامت براساس جرم آنان است .

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۷ - ۶

۶ - وجود تناسب کامل ، بین کردار انسان و مجازات او در قیامت

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جمله <إنّما تجزون. ..> می تواند پاسخ این سؤال باشد که چرا عذر کافران پذیرفته نمی شود و چرا نگهبانان دوزخ این گونه با آنان برخوردی خشن و سـختگیرانه دارنـد؟ خداونـد در پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است.

بنابراین بین کیفر و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۵ - ۴

۴ - وجود تناسب ، میان نوع گناه و کیفر الهی

و لایحضّ علی طعام المسکین . فلیس له الیوم ههنا حمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۳۶ - ۴

۴ - وجود تناسب ، میان گناه و کیفر الهی

و لایحضّ علی طعام المسکین . .. و لا طعام إلاّ من غسلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۸ - ۷

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۱،۲،۴

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

جزاء وفاقًا

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است; یعنی، <یجزون جزاءً> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غسّاق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسّاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است; ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخیانِ طغیان گر ، کیفری هم طراز با طغیان گری آنان است .

إلاّ حمیمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غسّاقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده

است.

۴ – تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

جزاء وفاقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۷ – ۴

۴ – محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است; آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غسّاق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده بیان کرده است; آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند(اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۸ – ۷

۷ – نوشیدن آب جوشان و خونابه چرکین و بدبو در جهنم ، عقوبتی مناسب با گناه تکذیب آیات الهی

إلّا حمیمًا و غسّاقًا . .. و کذّبوا بایتنا کذّابًا

ترتیب پنج آیه مورد بحث، به گونه ای است که آیه <جزاء وفاقاً>، دو عقوبت قبل از خود را کیفری مناسب، برای دو گناه بعد از خود قلمداد کرده است. عقوبت ها یکی منفی (لایذوقون) و دیگری مثبت (إلّا حمیماً و غساقاً) بود و گناهان نیز یکی منفی (لایرجون) و دیگری مثبت (کذّبوا) است. آیه <جزاء وفاقاً> در میان آنها، گویای تناسب عقوبت منفی با گناه منفی و تناسب

عقوبت مثبت با گناه مثبت است. برداشت یاد شده بیانگر تناسب دو مثبت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۰ - ۲

۲ - عذاب جهنم و افزایش آن ، نتیجه انکار معاد و تکذیب آیات الهی و عقوبتی متناسب با آن گناهان است .

فذوقوا فلن نزیدکم

<فاء> در <فذوقوا> و <فلن نزیدکم> دلالت می کند که چشیدن عذاب فزاینده پیامدی مناسب برای گناهان بیان شده در آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۴ - ۶

۶ - تناسب عذاب و گناه ، در نظام کیفری خداوند

إنّ الذین أجرموا کانوا من الذین ءامنوا یضحکون . .. فالیوم الذین ءامنوا من الکفّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۰ - ۶،۹

۶ - تناسب گناه و عذاب ، در نظام کیفری خداوند

الذین فتنوا . .. فلهم عذاب جهنّم

۹ - گناه شکنجه دادن و سوزاندن مرد و زن مؤمن ، برابر و عذاب اخروی آن یکسان است .

الذین فتنوا المؤمنین و المؤمنت . .. فلهم عذاب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۲۰ - ۶

۶ - تناسب مجازات با گناه ، در نظام کیفری خداوند

فی تكذيب . .. محيط

ر. ك. توضيح ۵

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۳

۳ - كيفر هاى الهى ، متناسب با گناه مجرمان است .

يكيدون . .. أكيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس

- ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۹،۱۰

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه . .. لینبذنّ فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <هَمْز> و <لَمْز> باشد که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. مادّه <نبذ> نیز که بر افکندن تحقیرآمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلک انداختن های فرد دوزخی باشد.

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه . .. لینبذنّ فی الحطمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه . .. الّتی تطّلع علی الأفئده

تهدید به حتمیت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۳ - ۴

۴ – خداوند ، تهدیدکننده افزون نمایان عصر بعثت به کیفری گریزناپذیر

ألهیکم التکاثر . .. کلاّ سوف تعلمون

تهدید به کیفر

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند ، مشرکان عصر بعثت و منکران رسالت پیامبر (ص) را به عذاب و کیفر تهدید کرد .

فما أغنت عنهم ءالهتهم . .. لما جاء أمر ربک

خطاب کردن به پیامبر(ص) (لما جاء أمر ربک) و (ذلک من أنباء القری نقصه علیک) در بیان نتیجه گیری از سرگذشت اقوام پیشین، حاوی این نکته است که: مشرکان عصر پیامبر نیز در خطر گرفتار شدن به آن گونه عذابها بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالک من الله من ولیّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <ولیّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <ولیّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۹ - ۵

۵ - افرادی که بخواهند از قانون جواز و ورود به خانه های غیر مسکونی سوء استفاده کنند و نیتی جز بهره برداری از آنها داشته باشند ، به کیفر الهی تهدید شده اند .

لیس علیکم أن تدخلوا بیوتًا غیر مسکونه . .. و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

جمله <و اللّه یعلم ما

تبـدون و ما تكتمون> كه علم همه جانبه و فراگير الهى به نهان و آشـكار انسان را به وى يادآورى مى شود هشـدارى است به كسانى كه احكام ياد شده را رعايت نكنند و يا از آنها سوء استفاده كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۴ - ۱۶

۱۶ - تهديد بدكاران ، به كيفر اعمال از سوى خداوند

و اللّه بما تعملون بصير

يـادآورى ايـن حقيقـت كه خداونـد، بر اعمـال مردم آگـاهى كامـل دارد، دربردارنـده تهديـد بـدكاران و نيز متضـمن تشـويق نيكوكاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - فيل - ۱۰۵ - ۱ - ۹

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شكنان كعبه و تهديد آنان به كيفرى نظير نابودى اصحاب فيل

ألم تر كيف فعل ربّك بأصحب الفيل

تهديد به كيفر اخروى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۱۱

۱۱ - تهديد شرك پيشگان هدايت ناپذير صدراسلام از سوى خداوند ، به مؤاخذه و كيفر اخروى

ثمّ هو يوم القيمه من المحضرين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۷

۷ - تهديد شدن كافران حق ناپذير و باطل گرا ، به كيفر الهى در قيامت

فذرهم . .. حتّى يلقوا يومهم الذى يوعدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، با تهدید رقابت کنندگان در امتیازات مادی ، بر ظهور حقیقت و مواجه شدن آنان با کیفر اخروی تأکید کرده است

.

ثمّ کلاّ سوف تعلمون

تهدید به کیفر سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) را در صورت تداوم بر مخالفت با نماز ، هدایت و تقوا ، به مؤاخذه ای سخت تهدید کرد .

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

تهدید به کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظلمین ببعید

واقع شدن جمله <و ما هی . ..> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربک) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

حتمیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - بازگشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنّوا أنّهم إلینا لایرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۳ – ۱۳

۱۳ – توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون . .. لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲۲

۲۲ – پشیمانی

در قیامت ، مانع کیفر نشده و از آن نمی کاهد .

و أسرّوا الندامه . .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۶ - ۲

۲ - ربوبیت الهی در حق خلق ، مستلزم مسدود ساختن راه هرگونه فرار از کیفر کردارشان در قیامت

یرسل علیکما شواظ من نار و نحاس . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

از به کار رفتن وصف <ربّکما> و ارتباط آن با مفاد آیه قبل که بیانگر ناتوانی فرار از صحنه قیامت بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن کنتم غیر مدینین

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد; به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۵ - ۵

۵ - دانستن زمان وقوع قیامت ، خطر گرفتاری به کیفر های موجود در آن را کاهش نمی دهد .

یسئلونک . .. من یخشیها

جمله <إنّما أنت منذر . ..> در مقام بیان این نکته است که آنچه درباره قیامت دارای اهمیت است، توجه به گرفتاری های آن و نگرانی و ترس از خطرات آن است و زمان آن چه معلوم باشد و چه مجهول تأثیری در آن جهت ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۳

۳ - روز مجازات و حسابرسی ، حقیقتی است انکارناپذیر و دروغ پنداشتن آن ، شگفت آور و توجیه ناپذیر است .

أرءیت الذی یکذّب بالدین

حتمیت کیفر اخروی دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۷

۷ - صحنه های هول انگیز قیامت و مجازات دین ستیزان ، امری حتمی و تخلف ناپذیر

اقتربت الساعه . .. و کذّبوا ... و کلّ أمر مستقرّ

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <و کلّ أمر مستقرّ> در ارتباط با <اقتربت الساعه> باشد و نظر به تکذیب گران پیامبر(ص) داشته باشد که قیامت نزدیک شده و تهدیدهای الهی در مورد آنان محقق خواهد شد.

حتمیت کیفر اخروی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۶

۶ - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . .. و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده>، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

حتمیت کیفر اخروی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنّی بریء منک إنّی أخاف اللّه . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار

حتمیت کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۹

۹ – عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۵ – ۵

۵– توجه به کیفر حتمی کافران در قیامت ، زمینه ساز صبر و شکیبایی رهبران الهی در برابر عنادورزی های مخالفان

یعرض الذین کفروا علی النار . .. فاصبر کما صبر أولواالعزم من الرسل

<فاء> در <فاصبر>، تفریع را افاده می کند و ارتباط این آیه با آیه قبل، صبر را فرع و نتیجه توجه به عذاب کافران قرار داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۶۰ – ۵

۵ – کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم. ..> نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۶ – ۴

۴ – حکم مجازات کافران در قیامت ، غیرقابل تغییر و تجدید نظر

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر اخروی گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۹

۹ – عقوبت و مجازات کافران و گنه کاران ، امری قطعی

است که در عالم پس از مرگ تحقق خواهد یافت .

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

حتمیت کیفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۲

۲ - انسان ها در قیامت ، مقهور نظام کیفری خداوند و ناتوان از هرگونه استتار و مقاومت

و ما هم عنها بغائبین

حتمیت کیفر تکذیب دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۹

۹ کفر و تکذیب دین ، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است .

فقد کذّبتم فسوف یکون لزامًا

حتمیت کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۶

۶ - مشرکان و کافران حق ستیز ، چون از بازگشت به سوی خدا و گرفتار شدن به عذاب جهنم راه فراری ندارند ، مهلت دادن خداوند به آنان نگران کننده نیست .

فإمّا نرینّک بعض الذی نعدهم أو نتوفّینّک فإلینا یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ – عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۷ – ۶

۶– امکانات گسترده دنیوی ، مانع از مجازات الهی نسبت به حق ستیزان نخواهد بود .

إنّهم جند مغرقون . .. و نعمه کانوا فیها

فكهين

حتميت كيفر حق ناپذيران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۵ - ۱۵

۱۵- كيفر دادن حق ناپذيران ، سنت ديرپاى الهى است .

و ما منع الناس أن يؤمنوا . .. إلّا أن تأتيهم سنّه الأوّلين

اضافه <سنه> به <الأولين> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان هاى گذشته است.

حتميت كيفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۱

۱۱- عقوبت و مؤاخذه انسان هاى ظالم ، در وقت و موعد مقرر انجام مى شود .

و لو يؤاخذ الله الناس بظلمهم . .. و لكن يؤخّرهم إلى أجل مسمًّى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۹ - ۸

۸- نظام كيفرى خدا براى مجازات دنيوى امّت هاى ستم پيشه ، نظامى زمان بندى شده و داراى موعدى تخلّف ناپذير است .

و جعلنا لمهلكهم موعدًا

<مهلك> مصدر ميمى و <موعد> اسم زمان است؛ يعنى، براى هلاكت ظالمان، زمانى معيَّن در نظر گرفته شده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۹ - ۴

۴ چشيدن عذاب بزرگ الهى ، كيفر حتمى ستم كاران

و من يظلم منكم نذقه عذابًا كبيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ -

۴ - ۵۹

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

حتمیت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۴

۱۴ - مجازات شدن هر کسی در قبال عمل خودش ، امری حتمی و تخلف ناپذیر است .

یومًا لایجزی والد عن ولده و لا مولود هو جاز عن والده شیئًا إنّ وعد اللّه حقّ

این برداشت، بنابراین احتمال است که متعلق <وعد>، عبارت <لایجزی. ..> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۴

۴ - تمامی آدمیان ، بی کمترین ظلم و کاستی به نتایج اعمال خویش خواهند رسید .

و خلق اللّه . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

مجهول آمدن فعل <تجزی> می نمایاند که هر چند آدمیان رغبت به دریافت جزای اعمال خود نداشته باشند، به ایشان جزا داده خواهد شد.

حتمیت کیفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۶ - ۱

۱ - پنهان داشتن خویش از آتش جهنم ، برای فاسقان امکان پذیر نیست .

و ما هم عنها بغائبين

<غاب عنه>; یعنی، از او مخفی شد. (لسان العرب)

حتمیت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۳

۱۳ - تهدید ظالمان و کفرپیشگان از

سوی خدا به کیفری حتمی و نه چندان دور

و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۳ - ۵

۵ - کافرانی که برای مرتد ساختن مسلمانان ، تلاش کرده اند ، حتماً ، کیفر خواهند شد .

قال الذین کفروا للذین ءامنوا اتّبعوا سبیلنا. ..و لیحملنّ أثقالهم

<لام قسم> و <نون تأکید> در <لیحملنّ> بر قطعیت، دلالت دارد. لازم به ذکر است که احتمال دارد حمل گناه، کنایه از کیفر باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۱

۱ - عذاب سخت و دشوار الهی ، کیفری حتمی برای کافران حق ستیز

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

لام و نون تأکید در <لنذیقنّ>، حاکی از حتمی بودن عذاب و کیفر می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - باور مؤمنان به مجازات حتمی کافران از سوی خداوند ، مانع اقدام های شتابزده آنان در مقابله با کافران

یغفروا . .. لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<لام> در <لیجزی> برای تعلیل است و فلسفه امر به خویشتن داری مؤمنان در برابر کافران را بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان

می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۶ – ۲

۲ – بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۲ – ۴

۴ – هیچ چیز نمی تواند در برابر خداوند ، به هنگام کیفر رساندن کافران ، مانع ایجاد کند .

إنّ بطش ربّک لشدید

واژه <بطش>، در خود معنای زور، قهر و غلبه را دارد و تأکید آن با کلمه <لشدید>، بر شدّت قهر و غلبه در آن دلالت می کند. مراد از قاهر و غالب بودن خداوند، بی تأثیر بودن موانع در برابر کیفررسانی است.

حتمیت کیفر کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۷ – ۹

۹ کفر و تکذیب دین ، دارای کیفر و پیامد قطعی و اجتناب ناپذیر است .

فقد کذّبتم فسوف یکون لزامًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۷ – ۳

۳ – کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا و لنجزینّهم

تأکید فعل های <نذیق> و <نجزی> به لام و نون ثقیله، مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۸ -

۲- کفر به معاد و انکار حقانیت وعده های الهی ، درپی دارنده کیفری حتمی

فیقول ما هذا إلّا أسطیر الأوّلین . أُولئک الذین حقّ علیهم القول

حتمیت کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۲

۲ - محیط ناسالم و نظام اجتماعی فاسد ، موجب تبرئه انسان گمراه و مردم فاسد از مجازات الهی نمی شود .

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

اشتراک مردم گمراه با رهبران گمراه کننده که معمولاً نظام اجتماعی مردم را نیز در دست دارند در مجازات الهی، می تواند گویای حقیقت بالا باشد.

حتمیت کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

حتمیت کیفر مبارزه با قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۳

۳ - کفر و مبارزه با قرآن ، دارای کیفری حتمی و غیر قابل چشم پوشی

فلنذيقنّ الذين كفروا عذابًا شديدًا و لنجزينّهم

تأكيد فعل هاى <نذيق> و <نجزى> به لام و نون ثقيله، مفيد برداشت ياد شده است.

حتميت كيفر مخالفان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأكيد بر مؤاخذه حتمى تكذيب گران دين و مخالفان نماز ، هدايت و

تقوا

لئن لم ينته لنسفعًا بالناصيه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

حتميت كيفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأكيد بر مؤاخذه حتمى تكذيب گران دين و مخالفان نماز ، هدايت و تقوا

لئن لم ينته لنسفعًا بالناصيه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

حتميت كيفر مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۵

۵ - اعمال و باور هاى مشركان ، داراى كيفر و حسابى معلوم و قطعى در نزد پروردگار

و من يدع مع اللّه . .. فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳

۳ - حاكميت خداوند بر قواى هستى ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و كيفر منافقان و مشركان

ليدخل المؤمنين و المؤمنت جنّت . .. و يعذّب المنفقين ... و المشركين ... و للّه

از ارتباط اين آيه با آيات پيشين كه درباره پاداش مؤمنان و كيفر منافقان و مشركان بود مطلب بالا استفاده مى شود.

حتميت كيفر مفتريان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۸ - ۴،۵

۴- افترازنندگان به خداوند ، در معرض کیفر حتمی او

إن افتریته فلا تملکون لی من اللّه شیئًا

تعبیر <فلاتملکون. ..>، بیانگر این نکته است که اگر پیامبر(ص) به خدا افترا بسته باشد; مشرکان در دفاع از او ناتوان اند.
این مطلب می رساند که افترا بر خداوند، مستلزم عذاب و عقابی است که هیچ دفاع

و حمایتی در برابر آن، اثربخش نیست.

۵-اعتقاد به کیفر حتمی افترازنندگان به خداوند ، مایه اجتناب از هر گونه نسبت دروغ به ساحت حق

قل إن افتریته فلا تملکون لی من اللّه شیئًا

حتمیت کیفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۲

۲ - مظاهر قدرت خداوند ، در نظام تشریع و تکوین ، گواه حتمی بودن مجازات کافران تکذیب گر

و الطّور . و ... إنّ عذاب ربّک لوقع

در آیات پیشین، تعبیر <و کتاب. ..>، اشاره به نظام تشریع و تعبیر <والسقف...> اشاره به قدرت خداوند در نظام تکوین دارد. از ارتباط این دو با <إنّ عذاب ربّک لواقع> مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۶ - ۲

۲ - قرار و بی قراری تکذیب گران در آتش دوزخ ، بی تأثیر در تغییر کیفر آنان

فاصبروا أو لاتصبروا سواء علیکم

حتمیت کیفر مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۵ - ۲،۶

۲ - حتمیت یافتن مجازات الهی درباره تکذیب کنندگان آیات او ، پس از متقاعد شدن آنان نسبت به مجرم بودن خویش

أکذّبتم بایتی . .. و وقع القول علیهم

برخی از مفسران کلمه <وقع> را به معنای <حَقَّ> (قطعیت یافت) گرفته اند. گفتنی است که واژه <القول> چنان که پیش از این نیز گفته شد کنایه از عذاب است.

۶ - فروماندن ظالمان تکذیب کننده آیات خدا ، از عذرآوری و بهانه تراشی در محکمه الهی ، پس از قطعی شدن عذاب

بر آنان

وقع القول علیهم . .. فهم لاینطقون

در برداشت یاد شده قید <پس از قطعی شدن. ..>، بر این اساس است که <وقع القول...> به معنای <حقّ القول...> باشد.

حتمیت کیفر مکذبان دعوتهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۸

۸ پیامد و کیفر تکذیب دعوت خدا و رسول او ، همواره با تکذیب کنندگان بوده و آنان حتماً گرفتار آن خواهند شد .

فقد کذّبتم فسوف یکون لزامًا

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ واژه <لزام> مصدر و به معنای لازم و پیوسته است. ۲ فاعل <یکون> ضمیری است که به مصدر فعل <کذّبتم> بازمی گردد. بر این اساس معنای آیه چنین می شود: <فسوف یکون جزاء التکذیب لازماًلکم>.

حتمیت کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

حتمیت کیفر مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۷ - ۸

۸ پیامد و کیفر تکذیب دعوت خدا و رسول او ، همواره با تکذیب کنندگان بوده و آنان حتماً گرفتار آن خواهند شد .

فقد كذّبتم فسوف يكون لزامًا

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ واژه <لزام> مصدر و به معنای لازم و پیوسته است. ۲ فاعل <یکون> ضمیری است که به مصدر فعل <کذّبتم> بازمی گردد. بر این اساس

معنای آیه چنین می شود: <فسوف یکون جزاء التکذیب لازماًلکم>.

حتمیت کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذین هادوا . .. و من یرد اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۷ - ۳

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت . .. و یعذّب المنفقین ... و المشرکین ... و للّه

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

حتمیت کیفر هدایت ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۶

۶ - سوگند خداوند در تأکید بر مؤاخذه حتمی تکذیب گران دین و مخالفان نماز ، هدایت و تقوا

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<لام> در <لئن. ..> لام قسم است.

حتمیت کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۲

۳۲ اراده حتمی خداوند بر مجازات یهودیان و منافقان شتابنده در کفر

قالوا ءامنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذين هادوا . .. و من يرد اللّه

حقانیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز

، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است; یعنی، جزای عادلانه و به حق.

حقیقت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۴

۴ - عقوبت های اخروی ، تجسم اعمال دنیایی است .

فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا . خلدین فیه ... حملاً

خلود گنه کاران در وزر و گناه، بیانگر آن است که عقوبت ها و گرفتاری های قیامت، تجسّم همان اعمال دنیایی است; چرا که آنان در گناه خویش مخلدند.

خویشاوندی و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ لزوم پرهیز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجرای کیفر ها و مجازات های مطرح شده در دین

و أهلك إلاّ من سبق علیه القول

بیان این بخش از داستان نوح(ع) (احمل فیها .. أهلك إلاّـ من سبق علیه القول) رساننده این پیام است که: نباید به خاطر خویشی خطاکاران حتی با افراد برجسته ای چون پیامبران ، از کیفر آنان چشم پوشید.

دقت در کیفر اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عادیات - ۱۰۰ - ۱۱ - ۷

۷ - علم خداوند ، پشتوانه دقّت در حسابرسی و مجازات انسان ها در قیامت است .

إنّ ربّهم بهم يومئذ لخبير

ذكر كيفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۰ - ۵

۵ - توجه به كيفر بی چون و چرای

گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

ذوالقرنین و کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۱،۴

۱- ذوالقرنین ، از کیفر ساحل نشینان غرب ، چشم پوشی کرد و تنها کسانی را که بر ستم کاری خود باقی بمانند ، به مجازات تهدید کرد .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

روش کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۸

۸ زندانی کردن ، از راه های مجازات بزهکاران

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

روش کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۳

۳ - انتقام جویی ، کینه توزی و تجاوز از حد در مسیر مجازات ستمگر ، ممنوع و نامشروع است .

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها

روش کیفر کافران

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۵۰ – ۲۵

۲۵ – تفهیم اتهام و تبیین جرایم کافران برای ایشان ، قبل از اِعمال مجازات درباره آنان

فلننبّئنّ الذین کفروا بما عملوا و لنذیقنّهم من عذاب غلیظ

از این که خداوند، مجازات کافران را پس از اطلاع آنان نسبت به گناهان شان ذکر فرموده، مطلب بالا قابل برداشت است.

زمان کیفر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۳ – ۹

۹ – قیامت ، مکان اصلی مجازات عصیانگران و گناه کاران است .

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

پیامبر(ص) ترس و هراس خود را تنها در پیامدهای اخروی عصیان و نافرمانی اظهار کرده اند. این نکته می توان بیانگر برداشت یاد شده باشد.

زمینه تکذیب کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۱ – ۳

۳ – کم فروشی و گناه پیشگی ، تکذیب عملی کیفر های اخروی است .

ویل للمطفّفین . .. کلاّإنّ کتب الفجّار ... الذین یکذّبون بیوم الدین

زمینه عدالت در کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۵

۵ – هدفمندی و حقانیت نظام جهان ، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق . .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون

در آیه شریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته استفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

زمینه کیفر

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۴

۱۴- الوهیت خداوند مقتضی کیفر و پاداش به بندگان است .

لیجزی الله . .. إن الله سریع الحساب

از آمدن لفظ جلاله <الله> و تکرار آن در یک آیه، بدون اینکه نیازی به تصریح آن باشد، برداشت فوق به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۳ - ۴

۴- ربوبیت الهی ، مقتضی بازپرسی و کیفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمی است .

فوربّک لنسئلنّهم أجمعین . عمّا کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

ربّکم . .. إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذّبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۸

۸ - آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت ، زمینه ساز مداومت آنان برکار های خویش و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است .

أکاد أُخفیها لتجزی کلّ نفس بما تسعی

لام در <لتجزی> در برداشت فوق تعلیل برای <أکاد أخفیها> گرفته شده است; دراین معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعی کلّ نفس فتجزی بما تسعی> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند; این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را

بدانند، بسیاری از

تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۲۰

۲۰– نقش خود انسان ، در ابتلا به کیفر الهی و مشکلات زندگی

إذ ذهب مغضبًا . .. سبحنک إنّی کنت من الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۲۷ – ۱۸

۱۸ – عذاب و کیفر الهی ، ره آورد عملکرد خود انسان ها

و لاتخطبنی فی الذین ظلموا إنّهم مغرقون

تعبیر <الذین ظلموا> اشعار به علیت دارد; یعنی، آنان (قوم نوح) به جهت ستمشان محکوم به عذاب طوفان شدند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۷ – ۹

۹ – مجازات های الهی ، پس از اتمام حجت و ارائه دلیل و برهان است .

فجاءوهم بالبیّنت فانتقمنا من الذین أجرموا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۳۵ – ۵

۵ – بحث و جدل بیهوده و انکارآمیز درباره آیات الهی ، دارای کیفر و عذاب

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۳ – ۲

۲ - بخل و محروم ساختن بینوایان از اموال خویش ، زمینه ساز کیفر و عذاب الهی در دنیا و آخرت

أن لایدخلنّها الیوم علیکم مسکین . .. کذلک العذاب و لعذاب الأخره أکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۲

۲ - هیچ انسانی از خطا مصون نبوده و بر کیفر نشدن خویش

اطمینان ندارد .

إنّ عذاب ربّهم غیر مأمون

زمینه کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۱۶

۱۶ نپذیرفتن نصیحت های پیامبران ، زمینه گرفتار شدن به کیفر های اخروی است .

و لاینفعکم نصحی إن أردت أن أنصح لکم . .. هو ربکم و إلیه ترجعون

از هدفهای بیان این حقیقت که نصیحت ناپذیران به خدا بازمی گردند ، هشدار دادن آنان به عذابهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۴،۷

۴ - وارد شدن به جهان آخرت همراه با اعمال بد ، مایه گرفتار شدن به کیفر الهی است .

و من جاء بالسّیّئه فلایجزی . .. إلّا ما کانوا یعملون

۷ - اصرار و استمرار بر عمل بد تا لحظه مرگ ، درپی دارنده کیفر اخروی است .

فلایجزی . .. إلّا ما کانوا یعملون

<کانوا یعملون> ماضی استمراری و بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قدّرنا بینکم الموت . .. فلولا إن کنتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فلولا إن کنتم> بر <نحن قدّرنا بینکم الموت> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق

از <دین> (جزا) باشد; یعنی، <إن کنتم غیر مجزیین>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم> باشد; چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با

توجه به معنای اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۶ – ۲

۲ – برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأمّا إن کان من المقرّبین. ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

زمینه کیفر اقوام پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۱۴ – ۵

۵ کیفر امت های حق ستیز در طول تاریخ ، پس از اتمام حجت الهی بر آنان

کذّبت قبلهم . .. کلّ کذّب الرسل فحقّ وعید

تعبیر <فحقّ وعید> می رساند که اقوام هلاک شده، قبلاً مورد هشدار، تهدید، تذکر و اتمام حجت قرار گرفته بودند.

زمینه کیفر انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۳ – ۱۱

۱۱ – معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إلیه المصیر

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

زمینه کیفر ثروتمندان متکبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۱۹ – ۴

۴ – ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذّبین . ..أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربّک

زمینه کیفر جوامع عصیانگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۱۲

۱۲– ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۹ – ۳

۳ – جوامع عصیانگر و متمرد از فرمان های خدا و پیامبران ، در معرض روبه رو شدن با پیامد های سنگین کردار خویش و دچار شدن به فرجامی خسارت بار

فذاقت وبال أمرها و کان عقبه أمرها خسرًا

زمینه کیفر جوامع فاسد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۱۲

۱۲– ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات جوامع فاسد و عصیانگر بر اساس علم و آگاهی است .

و کم أهلکنا . .. و کفی بربّک بذنوب عباده خبیرًا بصیرًا

زمینه کیفر حرام خواران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۶ – ۷

۷ – ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

زمینه کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبیت الهی ، مقتضی مجازات کافران و حق ستیزان

إنّ عذاب ربّك لوقع

از اضافه <عذاب> به <ربّ>، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۷

۷- جرم پیشگی

مردمان و حق ناپذيرى ايشان ، زمينه ساز عقوبت آنان در دنيا

أهلكنهم إنّهم كانوا مجرمين

زمينه كيفر كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبيت الهى ، مقتضى عذاب دادن و كيفر كردن كافران حق ستيز و تكذيب كننده

و كذلك حقّت كلمت ربّك على الذين كفروا أنّهم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- كيفر الهى در مورد كافران ، پس از اتمام حجت و تبيين حق براى آنان

إنّ الذين كفروا و . .. من بعد ما تبيّن لهم الهدى ... و سيحبط أعملهم

در صورتى كه <سيحبط. ..> عنوان كيفر داشته باشد; تعبير <من بعد ما تبيّن...> بيانگر اتمام حجّتى است كه قبل از اعمال مجازات، صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۷ - ۴

۴ - ربوبيت الهى ، مقتضى مجازات كافران و حق ستيزان

إنّ عذاب ربّك لوقع

از اضافه <عذاب> به <ربّ>، مطلب بالا استفاده مى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴ - ۵

۵ – تحقق مجازات های الهی بر کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

و کلّ أمر مستقرّ . و لقد جاءهم من الأنباء ما فیه مزدجر

در صورتی که تعبیر <و کلّ أمر مستقرّ> کنایه از عذاب و کیفر حتمی کافران باشد، در پی آمدن <و لقد جائهم. ..>، توضیحی است بر این که کیفر آنان، بدون اتمام حجت صورت نگرفته و نمی گیرد.

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۹ - ۴

۴ - ربوبیت خداوند ، مقتضی کیفر و مجازات کافران تکذیب گر و ثروتمندان مغرور

فلاتطع المکذّبین . ..أن کان ذا مال و بنین ... فطاف علیها طائف من ربّک

زمینه کیفر کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۶ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی مجازات حرام خواران و کم فروشان

ویل للمطفّفین . .. یوم یقوم الناس لربّ العلمین

زمینه کیفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۸ - ۴

۴ - نظارت الهی بر موضع گیری مشرکان علیه پیامبر (ص) ، پشتوانه مجازات و محاکمه آنان

و عنده علم الساعه و إلیه ترجعون . .. و قیله یربّ إنّ هؤلاء قوم لایؤمنون

عطف <قیله> بر <الساعه> در دو آیه قبل گویای ارتباط این آیه با <إلیه ترجعون> در آن آیه است و از مجموع دو آیه، براشت یاد شده استفاده می شود.

سختی کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۵ - ۱۴

۱۴- یک عمر لذّت جویی و هوس رانی ، پوچ و بی ارزش در قبال لحظه پاسخ گویی و مجازات

كأنّهم يوم يرون ما يوعدون لم يلبثوا إلاّ ساعه من نهار

<يوم يرون مايوعـدون> همـان قيـامت و روز كيفر است كه بـا ديـدنش روزگـار دراز كامروايى كافران، لحظه اى از روز مى نمايد.

سختى كيفر اخروى ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - ذاريات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

- قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

سختی کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

سختی کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۳

۳ - وزر و عقوبت روی گردانی از قرآن در روز قیامت ، باری ناگوار و مشقت بار بر دوش اعراض کنندگان ، خواهد بود .

وزرًا . .. و ساء لهم یوم القیمه حملاً

سختی کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

- ۱۲

عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فكيف كان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

سختی کیفر در معبود راستین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳ - ۱۰

۱۰ - عزت ، علم ، گناه آمرزی ، توبه پذیری ، سخت عقوبت دادن ، صاحب فضل و عطا داشتن ، از اوصاف معبود حقیقی

غافر الذنب . .. لا إله إلّا هو

سختی کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذًا وبيلًا

<وبیل> به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، فرعون را به سختی کیفر داد .

ألم تر کیف فعل ربّك . .. و فرعون

سختی کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۹ - ۱

۱ - خداوند ، قوم ثمود را

به سختی کیفر داد .

کیف فعل ربّک بعاد . .. و ثمود

قوم ثمود، امت حضرت صالح(ع) بودند که بر اثر مخالفت با تعالیم او عقوبت شدند.

سختی کیفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، قوم عاد را به سختی کیفر داد .

ألم تر کیف فعل ربّک بعاد

قوم عاد، امت هود(ع) بودند که بر اثر نافرمانی خداوند عقوبت شدند. عبارت <کیف فعل>، حاکی از شدت عقوبت آنان است.

سرعت در کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إنّ بطش ربّک لشدید

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به معنای هجوم سریع است.

سنت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و كذلك نجزی المحسنين

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱۷

۱۷- کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتك و نتّبع الرسل ... كيف فعلنا بهم و ضربنا لكم الأمثال

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۹

۹- مجازات و کیفر فسادانگیزان ، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۵ – ۱۵

۱۵- کیفر دادن حق ناپذیران ، سنت دیرپای الهی است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا . .. إلاّ أن تأتیهم سنّه الأوّلین

اضافه <سنه> به <الأولین> اضافه مصدر به مفعول است و مراد، سنت خداوند درباره انسان های گذشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶ – ۱

۱ – عذاب شدن کافران در قیامت ، امری قطعی و سنت تغییرناپذیر الهی

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا

<حق>; یعنی، <ثَبِتَ> و <وَجَبَ> (ثابت و واجب شد) است. و مراد از کلمه در <کلمه ربّک> وعده فرمان عذاب است.

سنت کیفر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۵۹ – ۴

۴ – کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

سنت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۴

۴ - کیفر کافران و ستم پیشگان ، سنت تغییرناپذیر الهی در طول تاریخ

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب

أصحبهم

از مجموع آیه شریفه، آیه استفاده می شود که مجازات امت های گذشته، منحصر به آنان نبوده است; بلکه قانونی کلی است که شامل تمام ستم پیشگان می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۵

۵ – مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۵ – ۸

۸– هلاکت قوم عاد ، نمودی از سنت الهی در مجازات جوامع جرم پیشه

کذلک نجزی القوم المجرمین

از تعبیر <کذلک نجزی> با توجه به فعل مضارع که مفید استمرار است سنت استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۵۱ – ۵

۵ – مجازات کافران و مجرمان ، سنت الهی در همیشه تاریخ

و لقد أهلکنا أشیاعکم فهل من مدّکر

تذکر و هشدار، بیانگر این است که هلاکت مخصوص گروه خاصی از کافران در بخشی از تاریخ نمی باشد; بلکه سنتی فراگیر است.

سنت کیفر مکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۳ – ۷

۷ – کیفر شدن مکاران تاریخ ، سنت الهی است .

فهل ینظرون إلاّ سنّت الأوّلین

شخصی بودن کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۸

۸ – انسان ها مسؤول اعمال گذشتگان

خویش نبوده و به سبب آنها مؤاخذه نخواهند شد .

و لاتسئلون عما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۸

۸ در نظام کیفری خداوند ، هیچکس به گناه دیگری مؤاخذه نخواهد شد .

أفتهلکنا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلّک بخع نفسک علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم ، مؤاخذه نخواهد کرد .

ما أنزّلنا علیک القران لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۵ - ۲،۳،۴

۲ - مشرکان ، هیچ گاه درباره کردار پیامبر و مؤمنان ، مورد مؤاخذه قرار نمی گیرند .

قل لاتسئلون عمّا أجرمنا

۳ - پیامبر (ص) و مؤمنان ، از کردار مشرکان بازخواست نمی شوند .

و لانسئل عمّا تعملون

۴ - هر کسی در قیامت پاسخگوی

کردار و عمل خویش است .

لاتسئلون عمّا أجرمنا و لانسئل عمّا تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۳ - ۹

۹ - سنت و حکم خداوند درباره یک گروه ، بر گروهی دیگری جاری و برگردانده نمی شود .

و لن تجد لسنّت اللّه تحویلاً

<تحویل> به معنای گرداندن چیزی در غیر مکانی که بوده است (مجمع البیان) و مقصود از آن در آیه شریفه این است که حکم الهی درباره عقوبت مکاران، به دیگران منتقل نمی شود و تنها در مورد همین گروه جاری می شود. پس هیچ راه نجاتی برای حیله گران عالم وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - انسان ، در برابر اعمال خود مسؤول است و مورد بازخواست الهی قرار خواهد گرفت .

فینبّئکم بما کنتم تعملون

مقصود از آگاه ساختن مردم نسبت به اعمالشان، حسابرسی اعمال آنان و کیفر و پاداش به ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۶

۶ - در قیامت ، هیچ کس بار کیفر دیگران را بر دوش نخواهد کشید .

فیقول الضعفؤا . .. فهل أنتم مغنون عنّا نصیبًا من النار . قال الذین استکبروا إنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۵

۵- هر فرد ، دریافت کننده تمامی اعمال خویش و پاداش و کیفر آن به شکلی کامل ، در جهان آخرت

و ليوفّيهم أعملهم و هم لايظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸

- نجم - ۵۳ - ۳۸ - ۵

۵ - < و رووا أنّه أتی بحامل قد زنت فأمر برجمها فقال له أمیرالمؤمنین (ع) : هب لک سبیل علیها ، أیّ سبیل لک علی ما فی بطنها ؟ ! و اللّه تعالی یقول : < و لاتزروا وازره وزر أُخری > > .

روایت شـده: زنی حامله را که زنا داده بود [نزد خلیفه]آوردند. وی فرمان رجم او را صادر کرد. امیرالمؤمنین(ع) فرمود: گیرم تو حق رجم او را داشـته باشـی، چه حقی بر بچه اش داری که در شـکم او است؟ در حالی که خداوند می فرماید: <و لاتزروا وازه وزر أُخری>».

شدت کیفر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۱

۱ - لشکری فیل سوار پیش از عصر بعثت ، گرفتار کیفر خداوند شده ، به شدّت مجازات شدند .

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

شدت کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۷

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

از اینکه خداونـد متعال کیفر سـتمگران را تا روزی سـخت و هولناک به تأخیر انـداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد; چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

شدت کیفر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال -

۸ - ۵۷ - ۶

۶ عبرت گرفتن از سرنوشت پیمان شکنان جنگ آفرین علیه پیامبر (ص) و جامعه اسلامی ، از اهداف فرمان خداوند بر شدت مجازات آنان

فشردبهم من خلفهم لعلهم یذکرون

<تذکر> (مصدر یذکرون) به معنای دریافتن و همواره به خاطر داشتن است. جمله <لعلهم یذکرون> تعلیل برای <فشردبهم> است. یعنی هدف از شدت مجازات این است که کفرپیشگان، توان مسلمین را دریابند و همواره به خاطر بسپارند تا در آینده علیه جامعه اسلامی توطئه نکنند.

شدت کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۳ - ۳

۳ - توانمندی خداوند بر ایجاد جهان هستی و اعاده آن ، دلیل قدرت او بر مجازات سخت کافران

إنّه هو یبدیء و یعید

حرف <إنّ> برای تعلیل است و مبنای آیه قبل را بیان می کند.

شدت کیفر کافران صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۳

۳ - کافران عصر بعثت ، مورد تهدید شدید خداوند به مقابله ای سریع و برخوردی سخت با آنان

إنّ بطش ربّک لشدید

لسان العرب از ابن سیده نقل می کند که <بطش> به

معنای هجوم سریع است.

شدت کیفر گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۲۵ – ۹

۹- مجازات الهی برای جوامع مجرم ، مجازاتی سخت ویرانگر و هلاکت بار

کذلک نجزی القوم المجرمین

<کذلک> اشاره به عذاب سخت و ویرانگری دارد که قوم عاد را نابود ساخت. خداوند امت ها را به مجازاتی چنین سخت، هشدار داده است.

شرایط کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۴ – ۱۶

۱۶ متخلفان از قوانین الهی تنها پس از بیان احکام و اتمام حجت سزاوار گرفتاری به عذاب الهی

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

شرایط کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۰ – ۸

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

شرایط کیفر عصیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۳ – ۱۳

۱۳– کیفر و مجازات متمردان باید پس از ارشاد و اتمام حجت به آنان صورت گیرد .

جاءتهم رسلهم بالبیّنت . .. و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم ... فأوحی إلیهم ر

شرایط کیفر معبودان باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۹ – ۵

۵– کسانی که به خدایی برگرفته شده ، ولی خود مدعی آن نیستند ، گنه کار نبوده و کیفر نمی شوند .

و من

یقل منهم إنّی إله . .. نجزیه جهنّم

برداشت بالا از مفهوم شرط استفاده شده است; یعنی، خداوند تنها کسانی را که مدعی خدایی هستند عذاب می کند، نه کسانی که خود هیچ ادعایی در باره خدا بودن خویش ندارند.

شعیب(ع) و کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۱ – ۶

۶ شعیب (ع) ، در دیدگاه مردم مدین مستحق کیفر و مجازات و سنگسار شدن بود .

و لولا رهطك لرجمنک

شگفتی کیفر حق ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵ – ۱۲

۱۲ – عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

شگفتی کیفر حق ناپذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵ – ۱۲

۱۲ – عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

صبر در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است

و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

صفات مکذبان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۲ - ۱

۱ - پرخاش به یتیمان و راندن آنان از نزد خود ، از کسی سرمی زند که جزای آخرت را دروغ می پندارد .

فذلک الذی یدعّ الیتیم

<ذلک>، اشاره به کسی است که آیه قبل او را تکذیب کننده روز جزا معرفی کرد. <دَعٌّ> (مصدر <یَدُعُّ>)، به معنای دور ساختن با خشونت است (قاموس). تعبیر <ذلک الذی...> که مبتدای معرفه در کنار خبر معرفه ای قرار گرفته که بر جنس دلالت دارد بیانگر حصر است.

ظلم تخفیف کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۷

۷- تغییر حکم و تخفیف کیفر بایسته ظالمان ، ظلمی به دیگران و دور از ساحت خدا *

ما یبدّل القول لدیّ و ما أنا بظلّم للعبید

برداشت بالاـ بدان احتمال است که <و ما أنا بظلاّم. ..> تعلیل <ما یبدّل...> باشد; یعنی، چون تبدیل حکم و تخفیف مجازات به حق مجرمان، موجب ظلم به بندگان صالح و ستمدیده می شود، در نظام الهی چون ظلمی نیست تبدیل قول هم نخواهد بود.

ظلم کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۱۷

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت

قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبيّنت فما كان اللّه ليظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: درصورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۹ - ۷

۷ - مؤاخذه بندگان ، قبل از بیان و اتمام حجت بر ایشان ، ظلم و دور از ساحت خداوند است .

و ما أهلکنا من قریه . .. ذکری و ما کنّا ظلمین

مفاد مطلب یاد شده، همان <قبح عقاب بلابیان> است که از آیه مورد بحث استفاده می شود.

ظلم کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱۲

۱۲ مجازات بی گناهان به جای مجرمان ، گناه و از مصادیق ظلم است .

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

عبرت از کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۲

۱۲ - عقوبت دنیایی مردم حق ناپذیر و ستیزه جو از اقوام گذشته (چون قوم نوحو . . .) مجازاتی سخت ، شگفت آور و درس آموز

فأخذتهم فکیف کان عقاب

برداشت یادشده از استفهام تعجیبی <کیف> استفاده می شود.

عبرت از کیفر زناکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲ – ۱۵

۱۵- پیشگیری از ارتکاب فحشا و عبرت آموزی ، فلسفه تشریع کیفر زنا و اجرای آن در ملأ عام

الزانیه و الزانی فاجلدوا. .. و لیشهد عذابهما طائفه من المؤمنین

برداشت یاد

شده، به خاطر این است که مشاهده کیفر زنا، بی تردید باعث عبرت گیری و موجب پیشگیری از ارتکاب به آن خواهد شد.

عبرت از کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۱

۱- سرزنش خداوند از ستمگرانی که از کیفر ستم پیشگان پیش از خود و مثل های الهی ، پند نگرفتند و درس نیاموختند .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم و تبیّن لکم کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثا

عبرت از کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۱۰

۱۰- کیفر های دنیوی ، بیدارباشی برای غافلان است .

و أُحیط بثمره . .. یقول یلیتنی لم أُشرک بربّی أحدًا

عدالت در کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳،۵

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه

ظاهراً جمله <ان اللّه . .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

۵ مجازات های الهی ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه یضاعفها

جمله <و ان تک حسنه> عطف بر جمله ای مقدر است ; یعنی <ان تک سیئةً فلا یجزی الا مثلها و ان تک حسنه . .. >.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۶،۱۱

۶ نظام کیفر و جزای الهی ، دور از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است .

من یعمل سوءاً یجز به

۱۱ ضرورت پرهیز از هرگونه تبعیض ، در اجرای مقررات و قوانین جزایی

من یعمل سوءاً یجز به

جمله <من یعمل . ..> دارای مضمونی عام و کلی است و شامل کیفرهای دنیوی نیز می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۸

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی راه ندارد .

من یعمل سوءاً یجز به . .. فأولئك یدخلون الجنه و لایظلمون نقیراً

<نقیر> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه از چیز اندك و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۳،۶

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پاداشهای وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی

به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لكل نفس ظلمت . .. قضى بينهم بالقسط و هم لايظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۱۶

۱۶ لزوم پرهيز از ملاحظه نسب و حسب انسان ها در اجراى كيفر ها و مجازات هاى مطرح شده در دين

و أهلك إلاّ من سبق عليه القول

بيـان اين بخش از داسـتان نوح(ع) (احمـل فيهـا. .. أهلـك إلاّـ من سـبق عليه القول) رساننـده اين پيـام است كه: نبايـد به خاطر خويشى خطاكاران حتى با افراد برجسته اى چون پيامبران ، از كيفر آنان چشم پوشيد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۱ – ۲۱

۲۱ در اجراى كيفر ها و مجازات تعيين شده براى گنه كاران ، نبايد حسب و نسب آنان را ملاحظه كرد .

إلاّ امرأتک إنه مصيبها ما أصابهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۱ – ۱۵

۱۵– توجه به حـاكميت عـدل بر نظـام كيفر و پـاداش اخروى ، گرايش دهنـده انسـان هـا به انجام اعمال و رفتار خوب و داراى پاداش

فمن أوتى كتبه بيمينه . .. و لايظلمون فتيلاً

از اينكه خداونـد، نظـام پاداش دهى خود را در قيامت، براى مردم تشـريح مى كنـد، مى توانـد به منظور تشويق انسانها به انجام اعمالى باشد كه پاداش الهى را در پى دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۲ – ۵

۵ – پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی

است .

و من يعمل . .. فلايخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کيفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الأليم . و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کيفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وفّيت کلّ نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گويای اين نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گويا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کيفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کيفری است عادلانه و به حق .

و هم لايظلمون . و وفّيت کلّ نفس ما عملت

برداشت ياد شده از آن جا است که آيه شريفه، به منزله بيان برای جمله <و هم لايظلمون> می باشد; يعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به اين خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد ديد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قيامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نيک کردار براساس فضل و لطف خويش برخورد خواهد کرد .

من عمل سيّئه فلايجزی إلاّ مثلها و من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن

... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است; ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۵

۵ - عدالت در نظام مجازات و پاداش ، از شؤون ربوبیت الهی است .

و ما ربّک بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۵

۵ - قصاص و مجازات بدی و خطا ، باید مطابق و مماثل با خطا باشد ; نه متفاوت با آن

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۹

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون . .. إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط

این آیه با آیه قبل که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَق> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب>و <ظلم> به کار می رود; ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

عدالت در کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کیفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم یعیده لیجزی . .. بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۲

۲ خداوند در قیامت ، در کیفر دادن بدکاران به عدل و در پاداش دادن به نیکوکاران به فضل ، رفتار خواهد کرد .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده . .. و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

تعبیر <الحسنی> و <زیاده> در مورد پاداش نیکوکاران بیانگر فضل و عبارت <جزاء سیئه بمثلها> در مورد کیفر بدکاران بیانگر عدالت و نفی ظلم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۳

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم

و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است; یعنی، جزای عادلانه و به حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . .. و من جاء بالسیّئه

<ال> در <الحسنه> و <السیّئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>; یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسیّئه>; یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وفّیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عظمت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۴

۴ - کیفر و عذاب خداوند در آخرت ، بزرگ تر و با عظمت تر از عذاب و کیفر دنیوی او است .

و لعذاب الأخره أکبر

عفو از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۷

۷ عفو خداوند ، در عین قدرت او بر انتقام و کیفردهی

فإنّ اللّه کان عفواً قدیراً

عقیده یهود به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۲ - ۸۰ - ۵

۵ - یهودیان ، معتقد به قیامت و گرفتار شدن گنهکاران به آتش دوزخ

و قالوا لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده

علم و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۴ - ۲

۲ افترا و دروغ بستن آگاهانه به خداوند (بدعت) ، ظلمی است بزرگ .

فمن افتری . .. فاولئک هم الظالمون

ضمیر فَصل، دلالت بر بزرگی ظلم می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹ - ۹

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادلّه روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاءتکم البیّنات . .. ان اللّه عزیز حکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۸

۸ انحراف ، پس از آمدن آیات الهی ، موجب کیفر سخت خداوند

و من یبدل نعمه اللّه . .. فان اللّه شدید العقاب

عمومیت کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ – نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل ازدیاد کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۴ –

۸ - ارتکاب فحشا از روی آگاهی ، دارای زشتی و جرم بیشتر

أتأتون الفحشه و أنتم تبصرون

عوامل تشدید کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۳،۴،۵

۳ - موقعیت افراد ، در برخورداری شان از پاداش و کیفر الهی ، نقش دارد .

و إن کنتنّ تردن اللّه. .. فإنّ اللّه أعدّ... أجرًا عظیمًا... من یأت منکنّ بفحشه

۴ - تظاهر به کار های ناشایست ، موجب تشدید عذاب می شود .

من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین

۵ - انتساب به پیامبر (ص) ، نه تنها موجب تخفیف کیفر گناهکار نمی شود ، بلکه باعث تشدید آن هم می گردد .

من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین و کان ذلک علی اللّه یسیرًا

احتمال دارد ذکر <و کان ذلک علی اللّه یسیراً> برای دفع یک توهّم باشد. آن توهّم این است: <موقعیت همسران پیامبر، به دلیل انتساب شان به آن حضرت، مانع از چنین عذابی می شود>. خداوند برای دفع این توهم پاسخ داده است که <چنین نیست و آن عذاب برای خداوند سهل و آسان است>.

عوامل رفع کیفر قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵ - ۳

۳ - توبه نسبت دهندگان بی دلیل زنا به زنان پاکدامن در صورت اصلاح رفتار خویش و جبران ضرر و زیان وارده بر متهمان موجب رفع مجازات فسق و عدم پذیرش شهادت از آنان می شود .

والذین یرمون المحصنت . .. أُولئک هم الفسقون . إلاّ الذین تابوا من بعد ذلک و أ

برداشت

فوق، مبتنی براین نکته است که پـذیرش توبه، شامـل تمـامی مجازات های مطرح شـده در آیه قبل برای تهمت زننـدگان شود; ولی حدّ قذف (صد تازیانه) را به خاطر وجود دلیل خاص قطعی شامل نخواهد شد.

عوامل کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- کیفر و پاداش الهی تنها در برابر مکتسبات و اعمال ارادی انسان است ، نه در مقابل امور ذاتی و فطری

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

تصریح به اینکه کیفر و پاداش الهی در برابر کسب و تلاش خود انسان است (ما کسبت)، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۲

۲- تبعید رسولان الهی ، دارای عقوبت سخت دنیوی

إذًا لایلبثون خلفك إلاّ قلیلاً سنّه من قد أرسلنا قبلك من رسلنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ - پاداش دیدن و به کیفر رسیدن انسان ها ، محصول کردار و تلاش خود آنها است .

لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ کیفر و عذاب الهی برای انسان ها ، بازتاب و نتیجه عمل خود آنان است .

و لقد استهزئَ . .. فحاق بالذین سخروا منهم

ما كانوا به يستهزءون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۹ – ۴

۴ – كيفر هاى الهى ، بازتاب عملكرد خود انسان ها است .

فكذّبوه فأخذهم عذاب يوم الظلّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۱ – ۵

۵ – ارتكاب گناه ، ظلم و درپى دارنده كيفر الهى

لايخاف لدىّ المرسلون . إلاّمن ظلم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۷ – ۲

۲ – برخورد مستكبرانه با آيات الهى ، عذاب آور است .

و إذا تتلى عليه ءايتنا ولّى . .. فبشّره بعذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۳ – ۹

۹ – حفظ و نكوداشت امانت الهى پاداش دارد و تضييع آن عذاب آور است .

إنّا عرضنا الأمانه . .. ليعذّب اللّه المنفقين ... و يتوب اللّه على المؤمنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۳،۵

۳ – روى گردانى از آيه خدا ، مجازات الهى را درپى دارد .

لقد کان لسبإ فی مسکنهم ءایه . .. فأعرضوا ... ذلک جزینهم

۵ - کفران نعمت های خداوند ، کیفر در پی دارد .

و اشکروا له . .. فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم... ذلک جزینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد .

و قال الذین استضعفوا للذین

استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۴۵ – ۷

۷ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : معناه إتّقوا ما بین أیدیکم من الذنوب و ما خلفکم من العقوبه ;

از امـام صادق(ع) روایت شـده که فرمود: معنای <و إذا قیل لهم اتّقوا ما بین أیـدیکم و ما خلفکم> این است که بپرهیزیـد از گناهانی که در پیش رو دارید و از کیفرهایی که به دنبال شما است>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۱ – ۲

۲ – روح طغیان و حق ناپذیری ، عامل دوزخی شدن و استحقاق کیفر الهی

بل کنتم قومًا طغین . فحقّ علینا قول ربّنا إنّا لذائقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۵

۵ – انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۵۸ – ۷

۷ – نسبت ها ، نزدیکی ها و پیوند های خویشاوندی ، هیچ تأثیری در سرنوشت بندگان و مجازات آنان ندارد .

و جعلوا بینه و بین الجنّه نسبًا و لقد علمت الجنّه إنّهم لمحضرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۱ – ۷

۷ - مبتنی بودن جزای الهی بر عملکرد خود انسان ، پیام مشترک

تمامی پیامبران

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... و أن لیس للإنسن إلّا ما سعی ... ثمّ

از ارتباط آیات شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۱۸

۱۸ – عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب ... فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۲ – ۶

۶ مجازات انسان در قیامت ، محصول دستاورد های دنیوی خود اوست .

هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۱ – ۶

۶– رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۳

۱۳- فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للكفرين حصيرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش و کیفر

انسان در قیامت ، برخاسته از کردار دنیوی او است .

فنسیتها . .. الیوم تنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۵

۵ – کیفر های اخروی و آتش دوزخ ، ظهور و بروز کردار بد خود آدمی

هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جزا دیـدن انسـان بـا نفس عمـل خود (مـا کنتم تعملون) بیـانگر این معنـا است که مـاهیت عمل زشت، خود آتش است که در قیامت برای انسان آشکار می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۰ – ۱۱

۱۱ – تخلف از دستورات خداوند ، درپی دارنده کیفر الهی در جهان آخرت

و له الحکم و إلیه ترجعون

قید <إلیه ترجعون> پس از <له الحکم> تهدید به کسانی است که از اجرای دستورات و قوانین الهی سرپیچی کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۹

۹ – شرک و کفر به خدا ، مؤاخذه و کیفر اخروی در پی دارد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۴ – ۸

۸ – کیفر و عذاب الهی در قیامت ، نتیجه و بازتاب رفتار و کردار زشت خود انسان ها است .

و قیل للظلمین ذوقوا ما کنتم تکسبون

خداونـد متعـال در این جـا چشـیدن عـذاب را به خود رفتار و کردار نسـبت داده است. این مطلب گویای این حقیقت است که عذاب، نتیجه و حاصل خود رفتار آدمی است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - کیفر و پاداش الهی در قیامت ، معلول چگونگی رفتار خوب و بد انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<باء> در <بما کسبت> برای سببیت است; یعنی، <تجزی بسبب ما کسبت و جزاء مناسباً لما کسبت>.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است; نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۶

۶ - پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

يصدر الناس أشتاتًا ليروا أعملهم

عوامل كيفر اخروى بنى نضير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۲

۲ - مجازات اخروى بنى نضير ، معلول ستيزه جويى آنان با خدا و

رسول او

و لهم فی الأخره عذاب النار . ذلک بأنّهم شاقّوا اللّه و رسوله

عوامل کیفر اقوام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - استمرار و اصرار ملت ها بر انحراف و حق ستیزی ، عامل مجازات آنان از سوی خداوند

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

تعبیر <کانوا یکسبون> استمرار را می رساند و برداشت بالا در صورتی استفاده می شود که <قوماً> نظر به کافران و منکران <أیّام اللّه> داشته باشد.

عوامل کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰،۱۱

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

۱۱ - مجادله و ستیزه جویی با حق ، عقوبت الهی در دنیا را درپی دارد .

و جدلوا بالبطل لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۷

۷ - استکبار و عناد در برابر آیات الهی ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستکبروا . .. و کانوا بأیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۳

۳ - روی گردانی از یاد خدا ، موجب استحقاق کیفر دنیوی است .

و من یعش عن ذکر الرحمن . .. فإنّا منهم منتقمون . أو نرینّک الذی وعدنهم

عوامل کیفر قوم سبأ

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱،۲

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

۲ - خداوند ، مردم سبأ را به خاطر کفرشان با فرستادن سیلی بنیان کن مجازات کرد .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که <کفروا> به همان معنای مشهور (کفر ورزیدن) باشد.

عوامل کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۴ - ۳

۳ - انسان های گنه کار ، مستحق کیفر الهی و در معرض هلاکت و نابودی به واسطه اعمال ناشایست خویش

أو یوبقهنّ بما کسبوا

عوامل کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۳

۱۳- فسادانگیزی ، گناهی بزرگ و در پی دارنده مجازات دنیوی و اخروی خداوند است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

عوامل کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۳

۳- تکالیف فزون تر یهود در مقایسه با دیگر امت ها ، برای کیفر و مجازات آنان بود نه به خاطر دفع ضرر و مفسده از آنان .

و علی الذین هادوا حرّمنا

تحریم هر چیزی در دین برای دفع مفسده و ضرر است و تحریم اختصاصی

برای یهودیان، این مطلب را می رساند که این تحریم به خاطر امر دیگری است و گرنه برای همه مکلفان حرام می شد و جمله <لکن کانوا أنفسهم یظلمون> نشان می دهد که فلسفه این تحریم، کیفر ظلم آنان بود. گفتنی است که در جمله <جزیناهم ببغیهم> (در آیه ۱۴۶ سوره انعام) به این مطلب تصریح شده است.

عوامل مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۰ - ۲

۲ توبه ، ایمان و عمل صالح ، موجب مصونیت انسان گناه کار از عذاب و کیفر الهی است .

یضعف له العذاب . .. إلاّ من تاب و ءامن و عمل عملاًصلحًا

عوامل مصونیت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۸ - ۴

۴ - عبودیت خالصانه برای خدا ، موجب نجات از بازخواست و عذاب الهی در قیامت

فإنّهم لمحضرون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۶۰ - ۴

۴ - عبودیت خالصانه برای خدا ، موجب رهایی و معافیت از احضار شدن برای کیفر و مجازات در قیامت

إنّهم لمحضرون . .. إلاّ عباد اللّه المخلصین

عوامل مؤثر در کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۳

۳ عقیده و جهان بینی درست و نادرست انسان ها ، تأثیرگذار در مقدار مجازات گناهانشان در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

وضع مجازات دو چندان و دائمی برای مشرکانی که مرتکب آدم کشی و زنا شوند

و دایمی و دوچندان نبودن مجازات همین گناهان در صورتی که گناه کار مؤمن باشد، گویای این حقیقت است که ایمان و کفر و عقیده حق و باطل، در میزان مجازات بزه کاران مؤثر است.

عوامل نجات از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۳ - ۹

۹ - رهایی از عذاب و کیفر الهی در روز قیامت ، جز با در دست داشتن دلیل و حجت شرعی برای هیچ کس میسر نیست .

فانفذوا لاتنفذون إلاّ بسلطن

یکی از کاربردهای <سلطان>، حجت و برهان است (لسان العرب). برداشت یاد شده مبتنی بر این کار برد و نیز مرتبط بودن آیه شریفه با مسأله قیامت است.

غفلت از کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فرجام غفلت از کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۶ - ۹

۹ - تباهی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی به جزای اعمال است .

فلایصدّنک عنها . .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد

را بیان می کند.

فلسفه تأخیر کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۴۵ - ۶

۶ - بقای نسل انسان و تداوم حیات زندگان در کره زمین ، فلسفه به تأخیر افتادن کیفر گناه کاران و کافران تا قیامت

و لو یؤاخذ اللّه الناس بما کسبوا ما ترک علی ظهرها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أج

فلسفه تأخیر کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۷

۷- تأخیر کیفر ستمگران از سوی خداوند تا روز قیامت ، جهت تشدید مجازات آنان است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

از اینکه خداوند متعال کیفر ستمگران را تا روزی سخت و هولناک به تأخیر انداخت، حکایت از شدت مجازات آنان دارد; چون اگر آن مجازات در دنیا اتفاق می افتاد به این مقدار سخت نبود. بنابراین، تأخیر کیفر ظالمان به نفع آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- اجل مقرر داشتن انسان های ظالم ، دلیل به تعویق افتادن مؤاخذه و عقوبت آنان

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

فلسفه قوانین کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۷

۱۷ - اجرای قوانین و مقررات کیفری ادیان الهی - هر چند کیفری همانند کشته شدن باشد - تضمین کننده خیر و سعادت خطاکاران است .

فاقتلوا أنفسكم ذلكم خير لكم عند بارئكم

فلسفه کیفر

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۲ – ۱۲

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحریق . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ اللّه . .. > بر <ما قدّمت>)، است.

فلسفه کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

فلسفه کیفر قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۶

۶ جلوگیری از پیامد سنگدلی های افسار گسیخته ، فلسفه وضع مجازات سنگین برای قتل و آدمکشی

من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

فلسفه کیفر متجاوزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۳۴ – ۵

۵ - کیفر تجاوزگران ، در راستای ربوبیت الهی و هموار ساختن راه رشد برای بندگان است .

مسوّمه عند ربّک للمسرفین

تعبیر <عند ربّک>، ممکن است اشاره به این جهت داشته باشد که مقام پروردگاری

و تربیت خلق و رشد انسان ها، مقتضی آن است که موانع تکامل و رشد از میان برداشته شود.

فلسفه کیفر های دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۵

۱۵ - کیفر های دنیوی الهی ، برای اصلاح انسان ها است .

لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

قاعده قبح کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۴

۴ مؤاخذه کفار به جرم مبارزه با اسلام ، پیش از ارائه معارف الهی قرآن به آنان و تمام شدن حجت بر ایشان ، ممنوع است .

و خذوهم و احصروهم . .. و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

قاعده کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- عقاب و کیفر دادن بر هر عملی بدون بیان زشتی و خلاف بودن آن عمل ، زشت و ناپسند است .

و ما کنّا معذّبین حتی نبعث رسولاً

اینکه خداوند فرمود: <ما بدون اینکه رسولی برای تبیین حقایق برای مردم بفرستیم، عذاب و کیفرشان نمی کنیم> احتمال دارد به جهت این داوری عقل باشد که: <عقاب بدون بیان زشت و قبیح است>.

قانونمندی کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۳ – ۲۰

۲۰ – کیفر شدن در قیامت ، پس از اتمام حجت و ارائه راه درست و حق به بندگان در دنیا است .

و نقول للذین ظلموا ذوقوا عذاب النار . .. و إذا

تتلی علیهم ءایتنا بیّنت ... و ق

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند پس از نقل عذاب شدن ظالمان، مسأله ارائه حق و تلاوت آیات الهی بر آنان را مطرح ساخته است.

قانونمندی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۶ - ۲

۲ - کیفر کافران ، به دنبال اتمام حجت های مکرر بر آنان

ثمّ جاءهم ما کانوا یوعدون

<کانوا یوعدون> ماضی استمراری و بیانگر آن است که خداوند، حجت خویش را بر کافران بارها تمام کرده و مرتباً آنان را به فرجام شوم کفرورزی هشدار داده است.

قانونمندی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۶ - ۶

۶- مجازات اقوام مجرم ، پس از اتمام حجت و اعطای ابزار لازم شناخت ، به ایشان است .

کذلک نجزی القوم المجرمین . .. و جعلنا لهم سمعًا و أبصرًا و أفئده

تذکر به اعطای چشم، گوش و قلب به قوم هلاک شده عاد، در حقیقت اشاره به این است که هلاکت آنان، پس از قرار گرفتن امکانات معرفت در اختیار ایشان و اتمام حجت بر آنان، صورت گرفته است.

قانونمندی کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه يعلم إسرارهم . فكيف إذا توفّتهم الملئكه

از ارتباط عبارت <فكيف إذا. ..> كه بيانگر كيفر سخت منافقان است با ذيل آيه قبل (واللّه يعلم إسرارهم) استفاده مى شود كه علم

و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

قوانین کیفری در دوران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۸

۸ حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای تشکیلات و قوانین جزایی و قضایی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

کیفر آخرت فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳ - برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك . .. فلا یخفف عنهم العذاب

کیفر آخرت فروشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳ - برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك . .. فلا یخفف عنهم العذاب

کیفر ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۵

۵- اغوای ابلیس از سوی خداوند ، کیفر تمرّد وی از فرمان الهی بود .

ربّ بما أغویتنی

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فمن تبعک منهم فإن جهنّم جزاؤکم

کیفر اختلاف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۹

۱ تهدید الهی نسبت به کسانی که پس از اتمام حجّت ، اقدام به تفرقه در جامعه اسلامی می کنند .

یا ایها الذین امنوا ادخلوا فی السلم کافه و لا تتبعوا خطوات الشیطان . .. فان زللت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱،۱۳

۱ کیفر سخت پویندگان راه اختلاف و تفرقه ، در روزی خواهد بود که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می شود .

و اولئک لهم عذاب عظیم. یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

<یوم تبیضّ>، متعلق به <لهم عذاب عظیم> است.

۱۳ بازخواست و سرزنش مؤمنانی که پس از اتحاد در پرتو دین ، به پراکندگی و تفرقه گراییدند .

و لا تکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات . .. اکفرتم بعد ایم

ارتداد (اکفرتم . ..)، به قرینه آیه قبل، همان تفرقه و اختلاف مسلمانان پس از اتّحاد آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۵

۵ جنگ های داخلی میان مسلمین ، ظلم و تجاوز و موجب استحقاق عذاب اخروی است .

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۵ – ۱۱،۱۶

۱۱ خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) و تفرقه افکنان در جامعه ایمانی را از ولایت خویش خارج و به حال خودشان ر ها می سازد .

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی

۱۶ تفرقه افکنی در صفوف جامعه ایمانی ، موجب عذاب جهنم

و من . .. یتبع غیر سبیل المؤمنین نوله ما تولی و نصله جهنم

کیفر اختلاف افکنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۵۹ – ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلی الله

کیفر اختلاف دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۴ – ۱۶

۱۶ – عذاب حتمی و گریزناپذیر در آخرت ، سرنوشت تفرقه آفرینان و اختلاف افکنان در دین

لولا کلمه . .. إلی أجل مسمًّی لقضی بینهم

برداشت فوق از مفهوم غایت استفاده شده است.

کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

<توفّی> به معنای دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستاخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱ <توفّی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنابر گفته

برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدّر گرفته شده است ; یعنی <توفّی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۱۵

۱۵ تناسب عذاب و عقوبت اخروی ، با گناه و عصیان

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۹

۹ < یوم القیمه > ، از اسامی روز جزای اعمال

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النّار

کلمه <فا> در <فقنا . .. >، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم . .. فلیتّقوا اللّه

جمله <ولیخش . .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا اللّه> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۷

۱۷ اجرای حدود و مجازات های دنیوی ، مستلزم رهایی از عذاب اخروی نیست .

لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۴

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنّهم إلی ربّهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۶،۷

۶ - سازندگان و طرّاحان < افک > ، مورد خشم شدید خدا و گرفتار کیفر سخت او در جهان آخرت

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که آیه ۲۳ تا ۲۵ نیز از جمله آیات مربوط به قضیه <افک> باشد.

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است

.

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسّیئه فلایجزی . .. إلاّ ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۱ - ۳

۳ - عالم آخرت ، عالم کیفر و رحمت است .

ثمّ اللّه ینشئ النشأه الأخره . .. یعذّب من یشاء و یرحم من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۷

۱۷ - آخرت ، صحنه اعمال دقیق مجازات ها است ، نه دنیا .

إنّ الذین یمارون فی الساعه لفی ضلل بعید . .. من کان یرید حرث الدنیا نؤته منها و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الأخره عذاب شدید و مغفره من اللّه و رضون

کیفر اخروی ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۵ – ۳

۳- کیفر اصلی ابلیس ، در روز قیامت داده خواهد شد .

و إن علیك اللعنه إلی یوم الدین

فراز <إلی یوم الدین> به معنای تعیین غایت حقیقی

برای لعن ابلیس نیست; بلکه به قرینه اینکه یقیناً برای عـذاب ابلیس، به لعن بسـنده نمی شود، به این معناست که تا قیامت مورد لعن است و با رسیدن قیامت، گرفتار آن چنان عذاب سختی می شود که لعن در مقابل آن ناچیز است و به حساب نمی آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۳

۳ - کیفر اصلی ابلیس ، در روز قیامت به او داده خواهد شد .

و إنّ علیك لعنتی إلی یوم الدین

آمدن قید <إلی یوم الدین> برای لعن ابلیس، به این معنا نیست که او در قیامت مشمول آن نخواهد بود; بلکه بدین معنا است که او در قیامت، آن چنان عذابی خواهد دید که لعن شدنش فراموش گشته و چیزی به حساب نمی آید.

کیفر اخروی اختلاف افکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹۳ - ۱۶

۱۶ ایجاد اختلاف و بر هم زدن وحدت جامعه از روی عمد ، دارای کیفر اخروی است .

إن ربک یقضی بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

کیفر اخروی استهزاگران وحی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۶ - ۵

۵ - تهدید استهزاگران وحی از سوی خداوند به کیفر های اخروی

فسیأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفر اخروی اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۷

۷ - حکم خداوند مبنی بر کیفر دنیوی و اخروی اشاعه دهندگان فحشا و سخت گیری نسبت به آنان ، ناشی

از علم و آگاهی او به حکمت و پیامد کار ها و رفتار ها است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم فی الدنیا و الأخره و اللّه ی

برداشت یاد شده بر اساس این نکته است که مفعول <یعلم> و <تعلمون> حکمت و پیامد همین حکم باشد; یعنی، شما نمی دانید که چرا خداوند تا این اندازه نسبت به اشاعه فحشا، واکنش سخت نشان می دهد و حکمت این سخت گیری چیست؟ تنها خداوند به آن آگاهی دارد.

کیفر اخروی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

کیفر اخروی اعراض از تأمین مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی اعراض از تأمین یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحّم ،

مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی اعراض از توصیه به صبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی اعراض از عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انکار آیات الهی ، آزادنکردن بردگان و غذا ندادن به گرسنگان یتیم و مسکین و توصیه نکردن به صبر و ترحّم ، مایه گرفتاری به آتش فراگیر و گریزناپذیر

فکّ رقبه . .. و الذین کفروا ... علیهم نار مؤصده

کیفر اخروی افترا به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱

۱ افترا و دروغ بستن به خداوند ، مجازاتی بسیار سخت و فوق تصور را در قیامت ، در پی خواهد داشت .

و ما ظن الذین یفترون علی اللّه الکذب یوم القیمه

کیفر اخروی امت های هلاک شده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۵ - ۳

۳- حتمی بودن بازگشت امت های هلاک شده به سوی خدا برای مجازات در قیامت

کلٌّ إلینا رجعون . .. و حرم علی قریه أهلکنها أنّهم لایرجعون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حرام> خبر

مقدم و مصدر مؤوّل (رجوع) در <أنّهم لا‌يرجعون> مبتدای مؤخّر باشد و هم چنین <لا‌> در <لايرجعون> برای نفی و مقصود از رجوع به قرینه (كلٌّ إلينا راجعون) بازگشت به آخرت باشد; یعنی، بازنگشتن اقوام هلاك شده به آخرت، ممکن نیست; بلکه حتماً بازمی گردند.

کیفر اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۱ - ۱

۱ - مشاهده نامه اعمال در قیامت ، مایه آگاهی به کردار ها و پیش بینی کیفر ها است .

و أمّا من أُوتى . .. فسوف يدعوا ثبورًا

کیفر اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

يوم تبدّل الأرض غير الأرض . .. و برزوا لله ... ليجزى الله كلّ نفس ما كسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ – هدفمند بودن آفرینش

جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۲ – ۴

۴ – جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لكم أيّه الثقلان . فبأيّ ءالآء ربّكما تكذّبان

کیفر اخروی اهانت به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۸ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، به علّت در پیش بودن عذاب اخروی ، منافقان را به خاطر اهانت هایشان به پیامبراکرم (ص) عذاب نمی کرد .

و يقولون فی أنفسهم لولا يعذّبنا . .. حسبهم جهنّم

کیفر اخروی بدعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۸

۸ – بدعتگذاری و دین سازی از سیئاتی است که در صورت توبه نکردن از آن ، عذاب همیشگی دوزخ را در پی خواهد داشت .

فويل للذين يكتبون الكتب . .. من كسب سيئه ... هم فيها خلدون

از مصادیق مورد نظر برای

<سیئه> به دلیل <فویل للذین . ..> بدعتگذاری است که اصرار بر آن موجب احاطه خطیئه بر بدعتگذار خواهد شد.

کیفر اخروی بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱،۴

۱ - سرنگون شدن و به روی افتادن در آتش دوزخ ، کیفر و فرجام بدکاران

و من جاء بالسّیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

<کَبّ> (مصدر مجهول <کُبّت>) به معنای سرنگون شدن است. بنابراین <فکبّت وجوههم فی النار>; یعنی، آنان با صورت [توسط مأموران الهی] در آتش سرنگون خواهند شد.

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون. ..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۱

۱ - بدکاران در قیامت ، کیفر دیده و با کردار ناروای خود ، روبه رو خواهند شد .

و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

کیفر اخروی تباهی عمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - کسانی که در دنیا عمر خود را به بطالت (بازی ، سرگرمی ، آرایش ، تفاخر ، فزون خواهی و . . .) می گذرانند ، در آخرت محکوم به عذاب الهی اند .

أنّما الحيوه الدنيا لعب و لهو

. .. و فى الأخره عذاب شديد

كيفر اخروى تكذيب آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۲۰ - ۳

۳ - انكـار آيات الهى ، آزادنكردن بردگان و غـذا نـدادن به گرسـنگان يتيم و مسـكين و توصـيه نكردن به صبر و ترحّم ، مايه گرفتارى به آتش فراگير و گريزناپذير

فكّ رقبه . .. و الذين كفروا ... عليهم نار مؤصده

كيفر اخروى جن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان داراى مسؤوليت و كيفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لكم أيّه الثقلان . فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدميان ، در صحنه قيامت براى حسابرسى و كيفر و پاداش

فيومئذ لايسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، داراى تكليف و مورد بازخواست خدا و كيفر و پاداش در قيامت

و أنّهم ظنّوا كما ظننتم أن لن يبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۸

۸ - جن ، موجودی مکلف و مسؤول و مورد مجازات الهی در آخرت

و أنّا لمّا سمعنا الهدی ءامنّا به . .. فلایخاف بخسًا

و لا رهقًا

کیفر اخروی حق ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۱۵

۱۵ – قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۲ – ۳

۳ – عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

کیفر اخروی حیوانات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

کیفر اخروی دین ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۳ – ۱

۱ – تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المكذّبين . .. و طعامًا ذا غصّه

کیفر اخروی رهبران شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۳ – ۱

۱ – مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

کیفر اخروی رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۳ – ۱

۱ –

مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

کیفر اخروی رهبران گمراه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

کیفر اخروی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۷

۷ - پیشوایان گمراهی ، با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد .

فی الحیوه . .. لامساس و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

کیفر اخروی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۶۹ – ۴،۷

۴ گناه شرك ، آدم كشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قيامت

يضعف له العذاب يوم القيمه

۷ گناه شرك ، آدم كشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خواركننده در قيامت

و يخلد فيه مهانًا

كيفر اخروی زناكار مشرك

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه

در این که چرا افراد یاد شـده، دو چنـدان مجازات خواهند شد، میان مفسـران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از <یضاعف. ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شـرک، آدم کشـی و زنا را با هم مرتکب شوند; زیرا شرک موجب دو چنـدان شـدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شـده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و . . .) در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر اخروی زیانکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۶ - ۵

۵ - آتش ، وسیله اصلی عذاب و کیفر زیانکاران در قیامت

لهم من فوقهم ظلل من النار و من تحتهم ظلل

کیفر اخروی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّه یحکم . .. فیما کنتم فیه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید

و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ، آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴،۷

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیه مهانًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اخروی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۵ – ۱۳

۱۳ – آتشِ فروزان ، کیفر شیاطین در قیامت

و أعتدنا لهم عذاب السعیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۹ – ۹

۹ – شیاطین ، مورد مؤاخذه و مجازات در روز قیامت *

نقیّض

له شيطنًا . .. أنّكم فى العذاب مشتركون

عذاب شدن شياطين، مى تواند دال بر تكليف آنان باشد.

كيفر اخروى طغيانگران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۷ - ۱

۱ - طغيان گران با حضور در صحنه قيامت ، كردار خويش را به ياد آورده و جهنم را حاضر خواهند يافت .

يوم يتذكّر . .. و برّزت الجحيم لمن يرى . فأمّا من طغى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۳،۷

۳ - خداوند ، كيفر دهنده طغيان گران و تهديد كننده آنان به كيفر هاى اخروى است .

ليطغى . .. إنّ إلى ربّك الرجعى

مراد از بيان بازگشت انسان ها به خداوند، توجّه دادن طغيان گران كه در آيات پيشين مطرح بودند به كيفرهاى الهى است.

۷ - خداوند ، پيامبر (ص) را به تدبير امور آن حضرت و مجازات اخروى مخالفان طغيان گر او ، وعده داد .

ليطغى . .. ربّك

خطاب در <ربّك>; چه ويژه پيامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبى را شامل گردد كه در نتيجه پيامبر(ص) بارزترين مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت ياد شده استفاده مى شود.

كيفر اخروى طغيانگرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۲

۲ - نوشاندن آب جوشان و خونابه زخم به دوزخيانِ طغيان گر ، كيفرى هم طراز با طغيان گرى آنان است .

إلّا حميمًا و غسّاقًا . جزاء وفاقًا

چنانچه کلمه <جزاء> حال برای <حمیماً و غسّاقاً> باشد، نکته بالا قابل استفاده است.

کیفر اخروی ظالمان

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۱۲

۱۲ مجازات اخروی ستمکاران بزرگ از نخستین لحظات احتضار و مرگ آغاز خواهد شد.

و لو تری إذ الظلمون فی غمرت الموت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۸

۸- کیفر ستمگران در قیامت بسیار شدید و هولناک است .

و لاتحسبنّ الله غفلاً عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۷،۱۱

۷- ذوالقرنین ، به معاد و وجود کیفر سخت اخروی برای ظالمان ، معتقد بود .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه ثمّ یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

۱۱- کیفر اخروی ستم کاران ، جلوه ای از ربوبیّت الهی است .

یردّ إلی ربّه فیعذّبه عذابًا نکرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خبر از کیفر های دنیوی و اخروی خویش

و لکنّ أکثرهم لایعلمون

کیفر اخروی ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذين هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للكفرين منهم عذاباً أليماً

کیفر اخروی عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۸

۸ امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی

، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً ألیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۳ – ۱،۲

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور اعلام هراس داشتن خود از پیامد های ناگوار اخروی عصیان و نافرمانی خدا به مردم

قل إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

۲ – پیامبر (ص) در خوف و هراس از عذاب قیامت ، در صورت عصیان و نافرمانی کردن

إنّی أخاف إن عصیت ربّی عذاب یوم عظیم

کیفر اخروی عصیانگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۹ – ۶

۶- سرکشان و عصیان گران در قیامت ، هر یک برای چشیدن عذاب ، گرفتار مرحله ای مناسب با کردار خویش خواهند بود .

ثمّ لننزعنّ من کلّ شیعه أیّهم أشدّ

جمله <لننزعنّ. ..> دلالت دارد که بیرون کشیدن فردی که از دیگران گنه کارتر است، تا آنجا ادامه خواهد یافت که هر یک از عصیان گران در جایگاه مناسب خویش قرار گیرند و کیفر ببینند.

کیفر اخروی علما دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۱۸

۱۸ – عالمان دینی در صورت بی توجهی به تعالیم کتاب های آسمانی ، سزاوار توبیخ و ملامت بوده و در قیامت بسزای کردارشان خواهند رسید .

قالت الیهود . .. و هم یتلون الکتب ... فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه

کیفر اخروی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۸ – ۸

۸ ترک عمل به

وظیفه و ادعای انجام آن و انتظار ستایش در برابر عملی که انجام نشده ، ناپسند و موجب عذاب دنیا و آخرت است .

و یحبّون ان یحمدوا . .. فلا تحسبنّهم بمفازه من العذاب و لهم عذاب الیم

تکرار کلمه عذاب دلالت بر این دارد که آنها به دو عذاب گرفتار می شوند، و به نظر می رسد یکی از آن دو، عذاب دنیوی و دیگری عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۲

۲ عذاب و کیفر اخروی انسان ها ، نتیجه عملکرد خود آنان

ذلک بما قدّمت ایدیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۵ - ۱۸

۱۸ اعمال و رفتار هر یک از گمراهان و هدایت یافتگان دارای بازتاب و سزایی مناسب در قیامت

فینبئکم بما کنتم تعملون

هدف از جمله <فینبئکم بما . ..> ترغیب مردمان به هدایت و پذیرش تعالیم قرآن و تهدید کفرپیشگان و منحرفان به عذاب است و چون مجرد آگاه سازی به اعمال و کردار برای تهدید و ترغیب کافی نیست بنابراین جمله <فینبئکم> کنایه از پاداش دهی و به کیفررسانی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحیات عمل کننده است.

الیوم تجزون عذاب الهون . .. کنتم عن ءایته تسکتبرون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام

- ۶ - ۱۰۸ - ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و کذلک زینا لکل أمه عملهم . .. فینبئهم بما کانوا یعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴،۵

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الأخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ; یعنی: <و لقائهم الأخره>.

۵ کیفر انسان ها در قیامت ، بازتاب اعمال خود آنان است .

هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷،۱۰

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

<توفّی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه

دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۹ - ۱۵

۱۵- کیفر های الهی ، در آخرت ، بازتاب اَعمال انسان است .

و وجدوا ما عملوا حاضرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ - پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل . .. فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۵

۵ - تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیئًا و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لاتجزون إلاّ ما> به جای <لاتجزون إلاّ بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خودِ اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۴

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۱۶

۱۶ – علم گسترده

الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کیفر و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إنّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۷

۷ - اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و درپی دارنده کیفر و پاداش در حیات اخروی

من عمل صلحًا . .. ثمّ إلی ربّکم ترجعون

تعبیر <ثمّ إلی ربّکم> در پی <من عمل صالحاً. ..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کیفر و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۳

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود; زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۵ - ۲

۲ - قیامت ، روز مواجه شدن با سزای اعمال است .

یوم الدین

<دین>; یعنی، جزا و به معنای طاعت نیز آمده است (مفردات راغب) و چون معنای اول با قیامت تناسب دارد، در آیه شریفه به معنای جزا می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۸ – ۴

۴ –

قیامت ، روز کیفر دادن اعمال است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۱

۱ - قیامت ، روز جزای اعمال است .

الذین یکذّبون بیوم الدین

<دین> در معانی <طاعت> و <جزاء> استعمال می شود و معنای مجازی آن <شریعت> است (مفردات راغب). تناسب معنای <جزاء> با قیامت، دلیل برگزیدن این معنا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۵،۷

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجّسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنسیتها . .. تنسی

کیفر اخروی عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۱۲

۱۲ عذاب اخروی بازتاب اعمال ناشایست و مداوم آدمی است.

ثم ینبئهم بما کانوا یفعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۷

۷ بین کردار انسان

و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۶

۶ - تبدیل شدن اعمال ناپسند بدکاران به صورت کیفر در جهان آخرت

فلایجزی الذین عملوا السّیئات إلاّ ما کانوا یعملون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که اعمال بدکاران در این آیه به عنوان خود جزا مطرح شده است; نه <مجزی به>; یعنی، چیزی که در مقابل آن جزا داده شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیّئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیّئات. ..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر اخروی فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۱ - ۶۸

۶ - کیفر واقعی فاسقان تنبّه ناپذیر از بلا های دنیا ، به جهان آخرت موکول شده است .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر لعلّهم یرجعون

از تعبیر <لعلّهم یرجعون> استفاده می شود که

<عـذاب أدنى> همان بلاهای دنیوی است که می توانـد در بازگشت انسان به سوی خـدا مؤثر باشـد. در این صورت به قرینه تقابل، مراد از <العذاب الأکبر> عذاب قیامت خواهد بود.

۸ - عذاب شدن فاسقان در قیامت ، پس از اتمام حجت با آنان ، در دنیا است .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی دون العذاب الأکبر لعلّهم یرجعون

بلاهای هشداردهنده دنیا، نوعی اتمام حجت برای فاسقان است. <لعلّهم یرجعون> نیز نکته بالا را تأیید می کند.

کیفر اخروی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۴

۴ جزایی که در دنیا نصیب فرعونیان شد ، عطیه ای شوم و نیز سزایی که در آخرت بدان خواهند رسید ، سزایی نامیمون است .

و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه بئس الرفد المرفود

در آیه شریفه ، سزا و کیفر تحکماً و از روی استهزا به <رفد> (عطیه و بخشش) تشبیه شده است.

کیفر اخروی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۴

۴ گناه شرک ، آدم کشی و زنا در پی دارنده اشد مجازات در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر اخروی قاتل مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱،۲

۱ کسانی که رو به سوی شرک آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه

در این که چرا افراد یاد شده، دو چندان مجازات خواهند شد، میان مفسران دو دیدگاه

وجود دارد: ۱ مقصود از <یضاعف. ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند; زیرا شرک موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

۲ شرک ، موجب دو چندان شدن کیفر بزه کاری (آدمکشی ، زنا و . . .) در قیامت

یضعف له العذاب یوم القیمه

کیفر اخروی قاذف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

ضمیر <هم> در <یوفّیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر اخروی قتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۶

۶ هشدار هابیل به قابیل درباره بزرگی گناه آدمکشی و سنگینی عقوبت آن در قیامت

ان تبوا باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۸ - ۱۰

۱۰ مشرکان ،

آدم کشان و زناکاران ، به روز رستاخیز با کیفر اعمالشان روبه رو خواهند شد .

والذین لایدعون مع اللّه إلهًا . .. و لایزنون و من یفعل ذلک یلق أثامًا

<ذلک> اشاره است به سه گناهی که در جمله های قبل یاد شده است و <اثام> به معنای جزا و کیفر گناه می باشد (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۷

۷ گناه شرک ، آدم کشی و زنا ، در پی دارنده عذاب طولانی و خوارکننده در قیامت

و یخلد فیه مهانًا

کیفر اخروی قوم الیاس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۷ - ۲

۲ - قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۱،۱۲،۱۳،۱۴

۱ آتش سوزانِ جهنّم ، کیفر کافرانِ به آیات الهی

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نُصلیهم ناراً

۱۲ وارد ساختن کافران به آتش و عذاب آنان در دوزخ ، بر اساس حکمت خداوند

انّ الذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکّر به حکمت خداوند پس از بیان عذاب کافران، اشاره به حکیمانه بودن چنین عملی است.

۱۳ هیچ نیرویی قادر به جلوگیری از عذاب کافران در دوزخ نخواهد بود .

سوف نصلیهم ناراً . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

تذکر به شکست ناپذیری خداوند پس از بیان اینکه کافران را به دوزخ خواهد برد، اشاره به این معنا دارد که

مبادا توهّم شود آنان می توانند علی رغم خواست خداوند بر او غلبه کنند و خود را از آتش برهانند.

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ اللّه . .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۴ – ۱۳

۱۳ عذاب دردناک و آشامیدنی داغ و جوشان ، کیفر اخروی کفرمداران

و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۸ – ۲

۲- کافرانی که با حالت ظلم به نفس (کفر) از دنیا بروند ، در قیامت گرفتار خواری و ذلت خواهند

شد .

إن الخزی الیوم و السوء علی الکفرین . الذین تتوفّهم الملئکه ظالمی أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب جهنم و نبود مرگ در آن ، دلیل پاینده تر بودن عذاب کافران از شکنجه و آزاری است که آنان بر مؤمنان روا می داشتند .

واللّه خیر و أبقی . إنّه من یأت ... لایموت فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۵

۱۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر کفرپیشگان و حق ستیزان

و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۱

۱۱ - کافران ، در روز رستاخیز به جای نیل به ثمره اعمال نیک خویش ، با خدا و کیفر او مواجه خواهند شد .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه . .. حتّی إذا جاءه لم یجده شیئًا و وجد اللّه ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۸،۹

۸ - وعده الهی به گردآوری کافران هر امت ، برای محاکمه و مجازات در قیامت *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <حشر> مورد بحث در آیه مربوط به قیامت باشد.

۹ - حشر گروهی از کافران هر امت در قیامت و رانده شدن آنان به سوی جایگاه محاکمه و مجازات *

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ – مجازات کافران و بدکاران در قیامت ، همراه با آگاه شدن از جرم شان است .

إلینا مرجعهم فننبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۴ – ۲

۲ – رفاه دنیوی کافران ، در قبال عذاب سخت آخرت ، اندک و ناچیز است .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۲ – ۴

۴ – همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۳۳ – ۱

۱ – مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ – خداونـد بـا کـافران بـدکردار در قیـامت ، بر مبنـای عـدل و بـا مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها و من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان

است; ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۳

۳ - عذاب شدن کافران حق ستیز و ستیزه جو به آتش دوزخ ، پس از کیفر شدنشان با آب داغ و پر حرارت خواهد بود .

فی الحمیم ثمّ فی النار یسجرون

برداشت یاد شده از آمدن <ثمّ> که نوعاً برای تراخی زمانی است، استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۸

۸- قیامت ، روز مجازات کافران با عذابی خوارکننده و ذلّت بار

فالیوم تجزون عذاب الهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۱ - ۲۲

۲۲- روز قیامت و کیفر دهی کافران ، روزی بس بزرگ و توصیف ناپذیر *

إنّی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۱

۱۱- کیفر کافران در قیامت ، نتیجه عملکرد خود آنان

قال فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۹ - ۵

۵ کیفر های اخروی نتیجه قهری عملکرد خود کافران ، و نه ظلمی از سوی خدا بر ایشان

قدّمت إلیکم بالوعید . .. و ما أنا بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۴۱ - ۱

۱ - رهنمود خداوند به پیامبر (ص) ، در امید بستن به قیامت برای جزای کافران لجوج

فاصبر . ..

و استمع یوم یناد المناد

آیات پیشین در زمینه مواجهه ناروای کافران با پیامبر(ص) و لزوم شکیبایی آن حضرت در برابر آنان بود. اکنون در این آیه، خداوند به پیامبر(ص) می فرماید: گوش به زنگ منادی حق برای رستاخیز باش; کنایه از این که آن روز کافران، مجازات واقعی خود را خواهند دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۶ - ۳

۳ - قیامت ، قرارگاه اصلی برای مؤاخذه و مجازات کافران

سیهزم الجمع . .. و الساعه أدهی و أمرّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۱ - ۲

۲ - کیفر و عذاب دوزخ برای کافران ، نتیجه و پیامد کوتاهی و تقصیرکاری خود آنان است .

فاعترفوا بذنبهم

کیفر اخروی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۱ - ۸

۸ - کفر و شرک ، جرمی بزرگ و کیفرآور در قیامت

یعرف المجرمون بسیمهم فیؤخذ بالنوصی و الأقدام

توصیف کافران و مشرکان، به <جرم پیشه>، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

کیفر اخروی کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ -

۲ - قیامت ، روز کیفر دیدن کم فروشان

ألا یظنّ أُولئک أنّهم مبعوثون

کیفر اخروی کنز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۵ - ۱

۱ دفینه های زراندوزان در قیامت وبال گردن و ابزاری برای شکنجه و عذاب آنان ، خواهد گشت .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه . .. یوم یحمی علیها فی نار جهنم فتکوی بها جباههم

کیفر اخروی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلًا. إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

کیفر اخروی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۸

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۳ - ۳

۳ - قیامت ، صحنه ظهور عواقب گناه و بدکاری

و بدا لهم سیّئات ما عملوا

چنانچه قبل از <سیّئات> مضاف حذف شده و تقدیر آن <جزاء یا عقوبه سیّئات. ..> باشد، برداشت بالا به دست می آید.

کیفر اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۳

۳ بدکاران در قیامت

، گرفتار کیفر اعمال بد خویش خواهند شد .

و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۱ - ۵

۵ - قیامت ، روز مجازات و کیفر گنه پیشگان

و ساء لهم یوم القیمه حملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<یومئذ> ظرف و متعلق به <یوفّیهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <یوفّیهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است; زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۰ - ۴

۴- عذاب های دنیوی مجرمان ، پیش درآمد کیفر نهایی آنان در آخرت

أهلکنهم إنّهم کانوا مجرمین . .. إنّ یوم الفصل میقتهم أجمعین

از ارتباط این آیه با آیات پیشین، مطلب یاد شده قابل استفاده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۹ - ۳

۳ - مجازات های سخت مجرمان در قیامت ، براساس محاسبه و سنجشی عادلانه و به دور از گزاف و ظلم است .

یوم یسحبون . .. إنّا کلّ شیء خلقنه بقدر

با توجه به ارتباط این آیه با آیه قبل

که در زمینه مجازات سخت مجرمان در قیامت است برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۴۰ – ۵

۵ – توجه به کیفر بی چون و چرای گناه کاران در قیامت ، بازدارنده خلق از کفر و تکذیب نعمت های خداوند

فیومئذ لایسل عن ذنبه . .. فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

برداشت یاد شده بر این اساس است که خداوند پس از بیان راه نداشتن چون و چرا در برنامه های قیامت برای گناهکاران، خلق را به پرهیز از تکذیب نعمت ها توجه داده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۴

۴ – گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشداری به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

کیفر اخروی مانعان از مسجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۲۰

۲۰ – عذاب بزرگ قیامت ، فرجام بازدارندگان مردم از ورود به مساجد برای یاد خدا

و من أظلم ممن منع مسجد اللّه . .. و لهم فی الأخره عذاب عظیم

کیفر اخروی متکبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۶۰ – ۹

٩ - < عن الصادق (ع) قال : إنّ فى جهنّم لوادياً للمتكبّرين يقال له

سقر ، شکی إلی اللّه شدّه حرّه [و] سأله أن یتنفّس فأذن له فتنفّس فأحرق جهنّم ;

از امام صادق(ع) روایت شده در جهنم وادی است برای متکبران به نام <سقر> که از شدت حرارتش به خدا شکایت کرد و از او خواست تا نفسی بکشد، و خدا به او اجازه تنفس داده، پس نفس کشید که در پی آن جهنم سوزان گردید>.

کیفر اخروی محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۵،۱۶

۱۵ عذاب بزرگ اخروی پیامد و کیفر ستیزه جویی با خدا و رسول (ص) و فسادگری در زمین

و لهم فی الاخره عذاب عظیم

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

کیفر اخروی مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۷

۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را به تدبیر امور آن حضرت و مجازات اخروی مخالفان طغیان گر او ، وعده داد .

لیطغی . .. ربّک

خطاب در <ربّک>; چه ویژه پیامبر(ص) باشد و چه هر مخاطبی را شامل گردد که در نتیجه پیامبر(ص) بارزترین مصداق مورد نظر خواهد بود برداشت یاد شده استفاده می شود.

کیفر اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - کیفر مستکبران

و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا هل

کیفر اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۴

۲۴ - کیفر مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، متناسب با کردار بد آنان است .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا هل

کیفر اخروی مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

کیفر اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث

نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>; یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۲ - ۴

۴ - همانندی و یک سانی مجازات و کیفر زنان و مردان مشرک و کافر در قیامت

احشروا الذین ظلموا و أزوجهم

برداشت یاد شده از آن جا است که اختصاص به ذکر یافتن <ازواج> (همسران)، می تواند برای از بین بردن این توهم باشد که زنان مشرک و کافر از کیفر الهی معاف اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۳ - ۱

۱ - مشترک بودن رهبران شرک و کفر اغواگر با توده های مشرک و کافر اغوا شده در کیفر و عذاب دوزخ

فإنّهم یومئذ فی العذاب مشترکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۹

۹ - قیامت ، روز کیفر مشرکان به خاطر ستیزه گری های آنان با پیام حق

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

کیفر اخروی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۶۰ – ۴

۴ خداوند ، مشرکان صدر اسلام رابه خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها ، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. و ما ظن الذین یفترون علی اللّه الکذب یوم القیمه

کیفر اخروی معرضان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۱ – ۱،۲

۱ – کیفر روی گردانی از قرآن ، در قیامت همانند باری سنگین بر دوش اعراض کنندگان خواهد بود .

من أعرض عنه . .. وزرًا . خلدین فیه ... حملًا

<حمل> به محمولی گفته می شود که نظیر باری که بر سر یا پشت نهند، آشکار باشد (لسان العرب). نکره بودن آن، گویای گران باری آن است.

۲ – عقوبت و پی آمد های اخروی روی گردانان از قرآن ، ابدی و جدایی ناپذیر است .

وزرًا . خلدین فیه و ساء لهم

مرجع ضمیر <فیه>، <وزراً> در آیه قبل است. خلودِ در <وزر>، به معنای جاودانگی در آثار و تبعات آن است.

کیفر اخروی مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۲

۲– کیفر کسانی که قرآن را اسطوره می خوانند ، در قیامت بدون هیچ کاستی داده خواهد شد .

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم کامله یوم القیمه

کیفر اخروی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندك و

ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸ – ۱۱

۱۱– ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب حهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض . .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

کیفر اخروی مکذبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۳ – ۱

۱ – تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلو گیر کیفر می شوند .

و المکذّبین . .. و طعامًا ذا غصّه

کیفر اخروی مکذبان الیاس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۷ – ۲

۲ – قوم تکذیب کننده الیاس ، در روز قیامت برای حسابرسی و کیفر احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

کیفر اخروی مکذبان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۷ – ۳

۳ - تکذیب کنندگان پیامبران و ادیان الهی ، برای حسابرسی و کیفر در روز قیامت احضار خواهند شد .

فإنّهم لمحضرون

کیفر اخروی مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۱

۱۱ منکران معاد و ربوبیت خدا در روز قیامت به غل ها و زنجیرهایی که بر گردنشان آویخته می شود ، گرفتار خواهند شد .

أُولئک الأغلل فی أعناقهم

کیفر اخروی مکذبان کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۳

۳ انکار کنندگان کتاب های آسمانی ، به کیفر و مجازات اخروی گرفتار خواهند شد .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

قابل ذکر است که مفسران درباره کلمه <لما> و معنا و جایگاه آن در آیه شریفه، سخنان بسیاری دارند. علاقه مندان را به کتابهای مفصل تفسیری و ادبی ارجاع می دهیم. آنچه به نظر تکلفی ندارد این است که <لمّا> شرطیه است و فعل آن محذوف می باشد کلام با تقدیر آن چنین می شود: إنّ کلاًّ لما أتتهم الساعه لیوفینّهم.

کیفر اخروی مکذبان کیفر های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشداری به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

کیفر اخروی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانى منافقان و كافران ، در استحقاق كيفر شديد و مستمر خداوند در قيامت

وعد اللّه

المنفقين و المنفقت و الكفار نار جهنم خلدين فيها هى حسبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۹

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

کیفر اخروی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۲۱

۲۱ – شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۳ – ۱۷

۱۷ – خداوند ، در قیامت میان یهود ، نصارا و مشرکان داوری کرده آنان را بسزای گفته ها و اتهام های ناروایشان خواهد رساند .

فاللّه یحکم بینهم یوم القیمه فیما کانوا فیه یختلفون

مراد از حکومت و داوری خدا در قیامت، مجرد بیان حق نیست; زیرا خداوند حقایق را با نازل کردن قرآن بیان داشته و آیه مورد بحث نیز پندار باطل یهود و نصارا را روشن ساخته است. بنابراین، مقصود از <یحکم ...> به کیفر رساندن متخلفان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم

فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

کیفر اخلالگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۵ - ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کیفر آتش افروزان و اخلالگران علیه پیامبران

و کفی بجهنّم سعیراً

<سعیر>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

کیفر ادعا های بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۴

۴- گفته ها و ادعا های بی اساس در مورد کفر و ایمان و آثار آنها ، دارای عقوبت و عذاب

سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب

کیفر ادعای الوهیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۱

۱- اگر فرشتگان ادعای الوهیت کنند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یقل منهم إنّی إله من دونه فذلك نجزیه جهنّم

کیفر ادعای دروغین نبوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۲

۲ - مرگ و نابودی ، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا و ادعای دروغین نبوت

فما منکم من أحد عنه حجزین

کیفر ادعای ربوبیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۲۵ - ۱،۶

۱ - خداوند فرعون را در پی ادعای ربوبیت ، به عذاب سخت دنیا و آخرت گرفتار ساخت .

فأخذه اللّه نکال الأخره و الأولی

فاء در <فأخذه. ..>، آن را بر آیه قبل (فقال أنا ربّکم الأعلی) تفریع کرده است.

۶ - خداوند ، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه

موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت ، هلاک ساخت .

فکذّب و عصی . .. فقال أنا ربّکم الأعلی . فأخذه اللّه نکال الأخره و الأولی

می توان گفت: فاء در <فأخذه اللّه>، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریع کرده است.

کیفر اذیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۳ - ۹

۹ بی نیازی خداوند از انفاق آدمیان و بردباری او در کیفر دادن به انفاق کنندگانِ آزاررسان

قول . .. و اللّه غنیّ حلیم

کیفر اذیت زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۱۵

۱۵ - آزار و اذیت زنان مؤمنان ، کیفری سخت دارد .

لئن لم ینته المنفقون . .. لنغرینّک بهم

کیفر اذیت شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر اذیت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۷ - ۷

۷ - خداوند ، برای آزاردهندگان خود و پیامبرش ، عذابی خوارکننده تدارک دیده است .

إنّ الذين يؤذون اللّه . .. و أعدّ لهم عذابًا مهينًا

کیفر ارتداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۳۳

۳۳ کفر و ارتداد ، موجب خُلود در جهنّم و حَبط

عمل در دنیا و آخرت

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت و هو کافر فاولئک حبطت اعمالهم . .. و اولئک اصحاب ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۶ - ۱۶

۱۶ - گمراهی پس از هدایت و شرکورزی پس از توحید ، زمینه ساز گرفتاری به خشم سنگین و پایدار خداوند و عذابی سخت و طولانی از جانب او

أضلّهم السامریّ . .. أم أردتّم أن یحلّ علیکم غضب من ربّکم

<حلول غضب> بر رسوخ و دوام آن و نکره بودن <غضب> بر عظمت آن دلالت دارد. فرود آمدن غضب الهی، کنایه از نزول عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۱ - ۸

۸ - ارتداد از دین ، گناهی نابخشودنی و درپی دارنده عذاب جاودان اخروی است .

و من الناس من یعبد اللّه علی حرف . .. خسر الدنیا و الأخره

کیفر استراق سمع شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹ - ۲

۲ - شیاطینی که با صعود به آسمان ، آهنگ استراق سمع کنند ، به عذاب دائم الهی دچار خواهند شد .

و لهم عذاب واصب

<واصب> به معنای دائم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰ - ۴،۵

۴ – شیاطینی که دزدانه به آسمان نزدیک صعود کنند و به جمع آوری اطلاعات و اخبار بپردازند ، با گلوله آتشین ، مؤثر و سوراخ کننده ، مورد تعقیب و اصابت قرار خواهند گرفت .

إلّا من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب

<شهاب>

به شعله ای از آتش افروخته (گلوله آتشین) گفته می شود. <ثاقب> نیز به معنای نافذ و سوراخ کننده است.

۵ - شیاطین ، پیش از استفاده از اطلاعات و اخبار غیبی از آسمان ، نابود می شوند .

إلاّ من خطف الخطفه فأتبعه شهاب ثاقب

کیفر استکبار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۸

۸ امتناع از عبادت خداوند به دلیل گردن فرازی و خودبرتربینی ، موجب عذاب دردناک در قیامت

و اما الذین استنکفوا و استکبروا فیعذبهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ ذلت و خواری، کیفر استکبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرميها . .. و إذا جاءتهم ءايه ... سيصيب الذين أجرموا صغار عنداللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۵ - ۱

۱ - عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه توحید

إنّهم كانوا إذا قيل لهم لا إله إلّااللّه يستكبرون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنهم كانوا إذا. ..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ – عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۷

۷ – استکبار و به استضعاف کشیدن جامعه ، موجب گرفتاری در آتش دوزخ است .

و إذ یتحاجّون فی النار فیقول الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا

کیفر استکبار با آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۲۱

۲۱ استکبار در برابر آیات الهی، عذاب خوارکننده پس از مرگ را (در برزخ) به دنبال دارد.

الیوم تجزون عذاب الهون . .. کنتم عن ءایته تستکبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۸

۸ – استکبار در برابر خدا و آیات او ، درپی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۷ – ۲

۲ – برخورد مستکبرانه با آیات الهی ، عذاب آور است .

و إذا تتلی علیه ءایتنا ولّی . .. فبشّره بعذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۶ – ۷

۷ – استکبار و عناد در برابر آیات الهی ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستکبروا . .. و کانوا بأیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحًا

کیفر استکبار با خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۹ – ۵

۵- گردن فرازی (استکبار) در برابر خداوند رحمان (گسترده مهر) ، کاری بس ناروا و درپی دارنده عقوبتی سنگین است .

أیّهم أشدّ علی الرحمن عتیًّا

مطرح ساختن نام <رحمان> که بیان کننده

رحمت عام و گسترده خداوند است در کنار عصیان و استکبار برخی از مردمان، می تواند بیانگر شدّت پستی و ناروایی استکبار در برابر او باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۷ – ۸

۸ – استکبار در برابر خدا و آیات او ، درپی دارنده عذاب ذلت بخش و خوار کننده دوزخ

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا . .. عذاب مهین

کیفر استهزا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – استهزا و به تمسخر گرفتن آن گاه که با سزای تمسخر و استهزا باشد ، ناپسند نیست .

إنما نحن مستهزءون. اللّه یستهزئ بهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۹ – ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فیسخرون منهم سخر اللّه منهم و لهم عذاب أليم

کیفر استهزاگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۷،۸

۷ کافرانی که پیامبران و عذابهای موعود آنان را استهزا می کردند، به همان عذابهای مورد تمسخر خویش گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که <ما> موصوله بوده و مراد از آن، عذاب الهی باشد که در ضـمن سـخنان پیامبران مطرح می شده و مورد استهزای کافران قرار می گرفته است.

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که

تقـدیر آیه <جزاء ما کانوا به یسـتهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضـمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

کیفر استهزاگران آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفر استهزاگران امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لایخلف المیعاد. و لقد استهزیء برسل من قبلك ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم . ..> دلیلی است برای <حتی یأتی وعد الله إن الله لایخلف المیعاد>.

کیفر استهزاگران انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۵

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأملیت . .. ثم أخذتهم فکیف کان عقاب

کیفر استهزاگران حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما

كانوا به يستهزءون

كيفر استهزاگران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۶

۱۶ < عن الرضا (ع) [فى قوله تعالى :] < سخر اللّه منهم > قال : إن اللّه تعالى لايسخر . . . و لكنه تعالى يجازيهم جزاء السخريه . . . ;

از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که فرموده: <خدا آنها را مسخره می کند> روایت شده: خداوند متعال کسی را مسخره نمی کند . .. ولی در برابر استهزای منافقان، آنان را مجازات می کند ... >.

كيفر استهزاگران سبيل الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۴

۱۴ - کیفر مسخره کنندگان راه خدا ، عذابی ذلت بار است .

يتّخذها هزوًا أُولئك لهم عذاب مهين

كيفر استهزاگران قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

كيفر استهزاگران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۳

۳- مشرکان استهزاگر پیامبر (ص) ، به کیفر شدیدی تهدید شدند .

المستهزءین. الذین یجعلون مع الله إلهًا ءاخر فسوف یعلمون

جمله <فسوف یعلمون> (به زودی خواهند دانست) در مقام تهدید است.

کیفر استهزاهای کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱

- دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاك أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۲

۲ - بی پاسخ نماندن تمسخر های کافران و گرفتاری آنان به نتایج کردار خویش ، امری طرفه و جالب توجّه است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

استفهام در آیه شریفه برای تقریر و تعجیب است; یعنی، کافران چنین حالتی را گمان نداشته و پیش بینی نمی کردند.

کیفر استهزای آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۰ - ۴

۴ - تکذیب و استهزای مدام آیات الهی ، فرجامی شوم (عذاب) در پی دارد .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی

برداشت فوق بنابر اسم بودن <السوأی> برای <کان> و تعلیل بودن <أن کذّبوا> برای <السوأی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۹

۹ - استهزا و تمسخر آیات الهی ، درپی دارنده عذاب ها و گرفتاری های دنیایی

إذا هم منها یضحکون . .. و أخذنهم بالعذاب

کیفر استهزای اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲

۲ – استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. اللّه یستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر استهزای انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه

– فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۰ – ۸

۸ کافرانی که به استهزای انبیای گذشته می پرداختند، به عذاب و کیفر استهزای خود گرفتار شدند.

فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون

بنابراین که تقدیر آیه <جزاء ما کانوا به یستهزءون> باشد. در این صورت <ما> در (ما کانوا) مصدریه بوده و مرجع ضمیر <به>، به قرینه کلمه <رسل> در صدر آیه می تواند کلمه <رسول> باشد.

کیفر استهزای جامعه دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵ – ۲

۲ – استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. اللّه یستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

کیفر استهزای قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۶ – ۷

۷ – تمسخر تعالیم آسمانی قرآن ، درپی دارنده عذاب الهی

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن یأتیکم العذاب... أن تقول ... و إن کنت لمن

کیفر استهزای محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۴ – ۱۴

۱۴ - یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین عذاب أليم

کیفر استهزای منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۲،۱۱

۲ - استهزای منافقان از سوی خدا ، کیفر تمسخر آنان نسبت به اسلام و جامعه ایمانی است .

إنما نحن مستهزءون. اللّه يستهزئ

آیه مورد بحث، بیانگر

سزا و کیفر منافقان استهزا کننده است.

۱۱ – از امام رضا (ع) روایت شده که : . . . < إن اللّه تبارک و تعالی . . . لایسخر و لایستهزئ . . . و لکنه عز و جل یجازیهم جزاء السخریه و جزاء الإستهزاء . . . ;

. .. خدای تبارک و تعالی کسی را مسخره و استهزا نمی کند ... بلکه او سزای مسخره و استهزای منافقان را می دهد ...>.

کیفر اسناد نجات بخشی به غیرخدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۶ – ۱۱

۱۱– نسبت دادن نجات از گرفتاری که کار خداست به غیر او ، مورد مؤاخذه شدید قرار خواهد گرفت .

ثمّ إذا کشف الضرّ عنکم إذا فریق منکم بربّهم یشرکون . .. و یجعلون لما لایعلمون نص

کیفر اشاعه فحشا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۹ – ۱

۱ – اشاعه فحشا در میان مردم ، گناهی بزرگ و در پی دارنده عذابی دردناک در دنیا و آخرت

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه فی الذین ءامنوا لهم عذاب ألیم فی الدنیا و الأخر

<فاحشه> به هر عمل و سخن بسیار زشت گفته می شود و این واژه کنایه از گناه زنا و فساد جنسی است. عبارت <أن تشیع الفاحشه> نیز به دو گونه قابل معنا و تفسیر کردن است: ۱ اشاعه فحشا و رواج گناهان جنسی. ۲– رواج و پخش اخبار مربوط به فحشا و روابط جنسی دیگران، که در این صورت کلمه ای در تقدیر است; یعنی، <أن تشیع

خبر الفاحشه>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۴،۵

۴ - فضل ، رحمت ، رأفت و مهربانی خداوند ، موجب شتاب نکردن او در عذاب اشاعه دهندگان فحشا

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته و أنّ اللّه رءوف رحیم

جواب <لولا> محذوف است و آنچه می تواند مقدر باشد به قرینه آیه ۱۴ (لمسّکم فیما أفضتم فیه عذاب عظیم) و نیز آیه قبلی که در آن اشاعه دهندگان فحشا تهدید به عذاب شده اند جمله ای مانند <لعاجلکم بالعقوبه> و یا <لهلکتم> می باشد.

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

کیفر اشاعه فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدنهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

کیفر اشاعه قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۶

۶ – فضل و رحمت خدا ، مردم صدراسلام را که ندانسته در گسترش توطئه < افك > دخالت داشتند ، از گرفتار شدن به عذاب دنیوی و اخروی

نجات بخشید .

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

به قرینه آیه پیش و نیز آیه ۱۴، جمله <و لولا فضل اللّه>، به تقدیر <و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته مسکم عذاب فی الدنیا و الآخره> می باشد.

کیفر اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۳ - ۱

۱ - نابود شدن بوستان باغداران یمنی ، کیفر و عذاب الهی بر آنان بود .

کما بلونا أصحب الجنّه . .. بل نحن محرومون ... کذلک العذاب

کیفر اصحاب ایکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن كلّ إلّاكذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص>

آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم

حضرت شعیب بودند.

کیفر اصحاب سبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۲،۳

۲ - مسخ شدن ، مجازات اصحاب سبت و دیگر امت های متخلف از احکام خدا

فجعلنها نکلا لما بین یدیها و ما خلفها

۳ - کیفر اصحاب سبت ، موعظه و پندی برای اهل تقواست .

فجعلنها . .. موعظه للمتقین

کیفر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۱ - ۴،۷،۹

۴ - برخورد شدید خداوند با فیل داران مهاجم ، جلوه ربوبیت او و فراهم آورنده زمینه رشد برای آیین اسلام بود .

ربّک

اضافه <ربّ> به ضمیر در خطاب به رسول اکرم(ص)، بیانگر این است که نابودی اصحاب فیل، آن حضرت را در مسیر رسالت الهی اش، از تربیت و تدبیر الهی برخوردار کرده است.

۷ - داستان اصحاب فیل و کیفر دیدن آنان ، حادثه ای عبرت آموز و شایسته تدبر

ألم تر کیف

۹ - هشدار خداوند به مخالفان و حرمت شکنان کعبه و تهدید آنان به کیفری نظیر نابودی اصحاب فیل

ألم تر کیف فعل ربّک بأصحب الفیل

کیفر اصرار بر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را پس از اصرارشان به شرك و انكار رسالت هود ، به عذابی فراگیر گرفتار ساخت .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا و قطعنا دابر الذین كذبوا

كیفر اصرار بر كفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۸ - ۵

۵ كافران قوم ثمود پس

از تمام شدن حجت بر آنان و اصرارشان بر کفرورزی و از میان بردن ناقه صالح به هلاکت رسیدند .

قال الملأ الذین استکبروا . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فاء> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر حقایق بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد که از آنهاست کفرورزی قوم صالح، پی کردن ناقه و . .. .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۴ - ۱

۱ فرعونیان پس از مشاهده آیات پنجگانه (طوفان و . . .) و اصرارشان بر انکار رسالت موسی ، به عذابی شدیدتر مبتلا شدند .

و لما وقع علیهم الرجز قالوا یموسی ادع لنا ربک

<رجز> به معنای عذاب است و <ال> در آن هم می تواند عهد ذکری بوده و اشاره به عذابهای پنجگانه مطرح شده در آیه قبل باشد، و هم می تواند <ال> در آن عهد ذهنی باشد. در این صورت اشاره به عذابی غیر از عذابهای ذکر شده دارد که به دلیل روی آوری آنها به موسی و تقاضای برطرف شدن آن، عذابی بسیار شدیدتر از عذابهای پنجگانه بوده است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از کافران قریش که پس از شکست همچنان به کفرورزی خویش ادامه دادند ، از دوزخیان هستند .

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

تکرار <الذین کفروا> پس از <ثم یغلبون> اشاره به این دارد که گروهی از کفار قریش پس از شکست و غلبه مسلمانان به کفر باقی خواهند ماند، آنان سزایشان

جهنم است و گروهی اسلام را خواهند پذیرفت و اهل نجات خواهند بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۹ – ۲

۲ – کافران دوزخی ، از کسانی اند که پس از اتمام حجت و از روی عمد ، راه کفر و انکار را در پیش گرفته و به تکذیب دین پرداختند .

قالوا بلی قد جاءنا نذیر فکذّبنا

کیفر اضرار به شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۳ – ۲۲

۲۲ صالح (ع) قوم خویش را به گرفتار آمدن به عذابی دردناک ، در صورت زیان رساندن به ناقه و یا بازداری آن از چریدن ، هشدار داد .

فذروها تأکل فی أرض اللّه و لاتمسوها بسوء فیأخذکم عذاب ألیم

کیفر اضلالگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۹ – ۱۳

۱۳ – آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۱۳،۱۶

۱۳ – رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث . .. أُولئک لهم عذاب مهین

۱۶ - جهل و ناآگاهی گمراه سازان مردم ، مانع عذاب آنان نیست .

لیضلّ عن سبیل اللّه بغیر علم . .. لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب

- ۳۳ - ۶۸ - ۴

۴ - گمراه سازان به خاطر گمراه ساز بودن شان ، عذاب دیگری هم دارند .

ربّنا ءاتهم ضعفین من العذاب

دو عذابِ مورد نظر در آیه چنان که مفسران نیز گفته اند برای دو چیز است: یکی گمراهی کافران و دیگری گمراه سازی آنان. گفتنی است که چون درخواست کافران پیرو برای عذاب رهبران رو نشده است، می توان نکته فوق را به دست آورد.

کیفر اطاعت از شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - سرانجام رویگردانی از آن چه که خداوند نازل کرده و گردن نهادن به راه شیطان ، آتش شعلهور است .

و إذا قیل لهم اتّبعوا ما أنزل اللّه . .. أوَ لو کان الشیطن یدعوهم إلی عذاب السع

کیفر اطاعت از قوانین ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءک من العلم مالک من الله من ولیّ و لاواق

کیفر اعراض از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۲

۲ اعراض و امتناع از پذیرش آیات الهی بر اثر کبرورزی و خودبرتربینی، در پی دارنده آتش دوزخ است.

و الذین کذبوا بأیتنا و استکبروا عنها أولئک أصحب النار

استکبار به معنای کبرورزی و خودبرتربینی است، و چون این کلمه با

حرف <عن> متعدی شده، متضمن معنای اعراض و امتناع است. بنابراین <استکبروا عنها> یعنی اعرضوا عنها متکبرین.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴۱ – ۲

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۸۳ – ۱

۱– اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

و لقد کذّب أصحب الحجر المرسلین . و ءاتینهم ءایتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۷ – ۱۲

۱۲– محروم شدن از درک پیام های قرآن ، کیفر بی اعتنایی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. إنّا جعلنا علی قلوبهم أکنّه أن یفقهوه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ – ۹

۹– جدال در برابر آیاتِ حق و اِعراض از آنها و غفلت از گناهان ، دارای کیفر قطعی است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۴

۴ - سوختن چهره بدکاران به وسیله آتش دوزخ ، جزای روی گردانی آنان از آیات الهی

فکبّت وجوههم

فى النّار هل تجزون إلاّ ما كنتم تعملون

از تعبیر <هل تجزون. ..> تناسب کیفر با گناه استفاده می شود و این تناسب، در مورد آنان که با صورت در آتش افکنده می شوند، می تواند بدان جهت باشد که آنان روی از حق برمی تافتند (ولوا مدبرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۲ - ۵

۵ - گرفتار شدن تکذیب کنندگان آیات الهی به عذاب عظیم در قیامت ، حاصل و پی آمد اعراض آنان از آیات خدا ، پس از توجه به آنها است .

و لنذيقنّهم من العذاب . .. دون العذاب الأكبر ... و من أظلم ممّن ذكّر بأيت ربّه

<و من أظلم. ..> به منزله تعلیل آیه قبل است و درصدد تبیین چراییِ گرفتار آمدن مجرمان به عذاب سخت قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۶ - ۳

۳ - روی گردانی از آیه خدا پس از تبیین آن ، درپی دارنده عذاب استیصال از جانب خداوند

لقد كان لسبإ فى مسكنهم ءايه جنّتان . .. فأعرضوا فأرسلنا عليهم سيل العرم

احتمال دارد متعلق <أعرضوا> <آیه> باشد که در آیه قبل از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳

۳ - صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنّكم لتكفرون بالّذى . .. فإن أعرضوا فقل أنذرتكم صعقه

کیفر اعراض از انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

- صاعقه آسمانی ، کیفر تخلّف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر اعراض از توحید عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۰ - ۹

۹ هود (ع) مردمش را در صورت مقامت بر شرک و پرستش نکردن خدای یگانه به عذاب الهی تهدید کرد .

فأتنا بما تعدنا إن کنت من الصدقین

کیفر اعراض از تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۳ - ۱۶

۱۶ - عبیداللّه حلبی می گوید : < قال < أذکروا ما فیه > و اذکروا ما فی ترکه من العقوبه ;

ایشان (امام صادق(ع)) درباره <أذکروا ما فیه> فرمودند: یاد بیاورید عقوبتی را که در ترک آن]تورات[هست>.

کیفر اعراض از حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و

خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلى البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن يعيدكم فيه تاره أخرى

کیفر اعراض از دین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴ – ۴

۴ به هلاکت رساندن امتهای بی اعتنا به تعالیم دین، از سنتهای خداوند است. *

و کم من قریه أهلکنها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۲۳ – ۵

۵ – مردم ، گرچه نباید بر ایمان مجبور شوند ; ولی بر اعراض و کفر مؤاخذه شده و در آخرت عذاب خواهند دید .

لست علیهم بمصیطر . إلاّ من تولّی و کفر

حرف <إلاّ> در یک احتمال برای استثنای منقطع است. در نتیجه مفاد این آیه و آیه بعد، این است که: <تو بر هیچ کس سیطره نداری; لکن اعراض کنندگان کافر در آخرت به عذاب خداوند گرفتار خواهند شد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۸

۸ – تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیرآمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذّب و تولّی . .. کلاّ لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد; به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است; ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفر اعراض از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۵ – ۷،۸،۱۰

۷ – توصیه خداوند به عمل کردن به قرآن ، پیش از دچار شدن به پیامد های هلاکت بار ر ها کردن

قرآن (عذاب)

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن يأتيكم العذاب

۸ - عمل نكردن به تعاليم قرآن ، درپى دارنده عذاب ناگهانى در دنيا

و اتّبعوا أحسن ما أُنزل . .. من قبل أن يأتيكم العذاب بغته

<بغته> به معناى ناگهانى است.

۱۰ - عذاب عمل نكردن به تعاليم قرآن ، ناگهانى و غيرقابل پيش بينى است .

و أنتم لاتشعرون

كيفر اعراض از كتب آسمانى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۳ - ۱۸

۱۸ - عالمان دينى در صورت بى توجهى به تعاليم كتاب هاى آسمانى ، سزاوار توبيخ و ملامت بوده و در قيامت بسزاى كردارشان خواهند رسيد .

قالت اليهود . .. و هم يتلون الكتب ... فاللّه يحكم بينهم يوم القيمه

كيفر اعراض ازخدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ - زندگانى دشوار ، اثر طبيعى روى گردانى از ياد خدا و نابينايى در قيامت ، مجازات و كيفر الهى آن است .

فإنّ له معيشه ضنكًا و نحشره يوم القيمه أعمى

تفاوت در تعبير <فإنّ له. ..> و <نحشره ...> كه دومى به خداوند نسبت داده شده است و اولى بر نفسِ عمل متفرع گرديده ممكن است به مطلب ياد شده اشاره داشته باشد.

كيفر افترا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ دوزخ ، جایگاه شوم ترک کنندگان جهاد ، خیانتکاران و آنانکه پیامبر (ص) را متّهم به خیانتکاری می کنند .

انّ الّذین تولّوا منکم . .. و

ما کان لنبیّ ان یغلّ ... کمن بآء بسخط من اللّه و م

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۲ – ۱

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

کیفر افترا به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۲۰،۲۳

۲۰ عذاب خوارکننده در برزخ، جزای گفتار نادرست درباره خداوند و افترای به اوست.

الیوم تجزون عذاب الهون بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگین در پی دارد.

بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۷،۸

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و موجب کیفر اوست.

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۶،۷،۱۱

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیهم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم وصفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون . ..

سیجزیهم وصفهم

۱۱ کیفر کسانی که احکام خود ساخته را به خداوند منتسب می سازند، مجازاتی حکیمانه و عالمانه است.

سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک ، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع ، همه جنبندگان را فرا می گیرد .

بربّهم یشرکون . .. کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت ... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۲

۱۲- افترا زدن به خداوند و دادن نسبت های ناروا به او ، در پی دارنده آتش جهنّم است .

عمّا کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت ... و یجعلون لله ما یکرهون ... لاجرم أن ل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۵ - ۶

۶- نسبت ناروای فرزندگزینی به خداوند ، درپی دارنده عذاب الهی در قیامت

و کلّهم ءاتیه یوم القیمه

خبر از حضور در عرصه قیامت، هشدار به عذاب آن روز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۸ - ۹

۹- تنها ماندن مشرکان در طوفان عذاب ، بازتاب دروغ ها و افتراهایشان به خداوند

بل ضلّوا عنهم و ذلک إفکهم

چنانچه <ذلک> اشاره به عدم نصرت مشرکان از سوی آلهه باشد که از مضمون صدر آیه استفاده می شود و بعد از <ذلک> کلمه ای در تقدیر باشد; یعنی، <ذلک أثر إفکهم> می توان به نکته یاد شده

پی برد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۶ – ۱،۲

۱ – مرگ و هلاکت ، مجازات الهی برای پیامبر (ص) در صورت دروغ بستن بر خداوند

ثمّ لقطعنا منه الوتین

<وتین> نام رگی است در قلب که اگر بریده شود انسان بی درنگ می میرد. (قاموس المحیط)

۲ – دروغ بستن بر خداوند ، دارای مجازات مرگ و هلاکت

و لو تقوّل علینا . .. لقطعنا منه بالوتین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – حاقه – ۶۹ – ۴۷ – ۲

۲ – مرگ و نابودی ، کیفر قطعی و رهایی ناپذیر گناه دروغ بستن بر خدا و ادعای دروغین نبوت

فما منکم من أحد عنه حجزین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۱۰

۱۰– نسبت ناروا به خداوند موجب استحقاق هلاکت و عذاب الهی است .

لکم الویل ممّا تصفون

<الویل> در اصل به معنای عذاب و هلاکت است و در جایی استعمال می شود که کسی و یا کسانی در معرض هلاکتی باشند که مستحق آن هستند (لسان العرب).

کیفر افترا به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفترى الكذب الذين لايؤمنون

کیفر افترا به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۵ - ۸

۸- افترا بستن بر پیامبر (ص) و قرآن ، موجب عذاب

دردناک اخروی است .

لهم عذاب أليم . إنما يفترى الكذب الذين لايؤمنون

كيفر افساد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱ - ۹

۹ - فسادگرى و اصلاح ناپذيرى منافقان ، موجب گرفتار آمدن آنان به عذابى دردناک خواهد شد .

و لهم عذاب اليم بما كانوا . .. إذا قيل لهم لاتفسدوا فى الأرض

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه: <إذا قيل> عطف بر <يكذبون> در آيه قبل باشد. بر اين مبنا، مفاد جمله <إذا قيل ...> نيز همانند <يكذبون> بيانگر سبب گرفتارى منافقان به عذاب اليم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ فسادانگيزى در زمين ، موجب مجازات اعدام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فى الارض

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۹،۱۵

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دليل فسادگرى در زمين محكوم به كيفرى سنگين

انما جزؤا الذين يحاربون اللّه و رسوله و يسعون فى الارض فساداً ان يقتلوا

بنابر اينكه <يسعون فى الارض> عطف تفسيرى براى <الذين يحاربون> باشد، مى توان گفت داعى بر تفسير محاربان به فسادگران در زمين، بيان علت كيفرى است كه براى آنان ذكر شده است.

۱۵ عذاب بزرگ اخروى پيامد و كيفر ستيزه جويى با خدا و رسول (ص) و فسادگرى در زمين

و لهم فى الاخره عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ فسادگران در زمین به لعنت خداوند

و دوری از رحمت او گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض أُولئک لهم اللعنه

۱۲ آنان که در زمین فساد می کنند ، به سرایی شوم (دوزخ) گرفتار خواهند شد .

و الذین . .. یفسدون فی الأرض ... لهم سوء الدار

کیفر افساد بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۷

۷- تهدید شدن بنی اسرائیل به کیفر مجدد در صورت بازگشت به فتنه گری ، از سوی خداوند

و إن عدتم عدنا

کیفر اقامت در دار الکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۳

۳ مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد کفر ، سزاوار کیفرند . *

فاولئک عسی اللّه ان یعفو عنهم

کیفر اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- گروه ها و اقوامی که در طول تاریخ ، انبیای الهی را تکذیب کردند ، گرفتار عذاب شدند .

فسیروا فی الأرض فانظروا کیف کان عقبه المکذّبین

دعوت از مردم برای جهانگردی جهت مطالعه در عاقبت تکـذیب کننـدگان انبیا، دلالت بر این دارد که آنان دچار عذاب شده

انـد و مطـالعه آن عبرت آموز است و اگر چنـان چه به مرگ طبیعی مرده بودنـد، با انسانهای دیگر تفاوتی نداشـتند و در نتیجه مزیتی برای مطالعه نخواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۱ - ۱۲

۱۲ - گرفتار شدن امت های متمدن و نیرومند گذشته به عقوبت الهی

، در حال گناه و معصیت

فأخذهم اللّه بذنوبهم

برداشت یاد شده بر این احتمال استوار است که <با> در <بذنوبهم> برای ملابست باشد; یعنی، خداوند آنان را در حال گناه کاری شان به کیفر رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۲ - ۸

۸ - نابودی و عقوبت امت های نیرومند و متمدن گذشته ، جلوه قدرتمندی و سخت کیفری خداوند

کانوا هم أشدّ منهم قوّه و ءاثارًا . .. فأخذهم اللّه إنّه قویّ شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۶

۶ - صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند

، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

ربّک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۷ – ۲

۲- کیفر هلاکت بار عمومی و فراگیر ، برای انسان های قبل از نوح (ع) به وقوع نپیوسته بود .

و کم أهلکنا من القرون من بعد نوح

خداوند در آیه پیش از سنت خویش مبنی بر هلاکت اقوام کافر و فاسد، خبر داد و آن گاه برای اثبات این حقیقت، هلاکت قوم نوح و پس از او را یادآور شد. از ذکر داستان نوح و اقوام پس از او، می توان استفاده کرد که اقوامی که به صورت جمعی قبل از نوح(ع) دچار عذاب شده باشند، وجود نداشته است.

کیفر امداد به ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۷

۷- کیفر الهی به هنگام نزول ، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است .

فأغرقنه و من معه جمیعًا

کیفر انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۱

۱۱ کفر مستمر یهود به آیات الهی و کشتن ناروای پیامبران ، موجب ذلت ، درماندگی و گرفتاری آنان به غضب الهی

ضربت علیهم الذّلّه . .. و باءُو بغضب من اللّه و ضربت علیهم المسکنه ذلک بانّهم کا

کیفر انتساب فرزند به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۴ – ۷

۷– نسبت دهندگان فرزند به خداوند ، از

احاطه کامل او بیرون نستند و مجازات الهی در انتظار آنان است .

لقد أحصیهم وعدّهم عدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <أحصاهم>، فاعل <قالوا> (در آیات پیشین) گرفته شده است. در این صورت آیه در مقام تهدید کسانی است که به فرزندگزینی خداوند قائل می باشند و مراد از <مشخص بودن تعداد> این است که احدی از آنان نمی تواند از عقوبت این کار بگریزد.

کیفر انحراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناك دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

کیفر انحراف جنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ فساد های جنسی ، درپی دارنده عقوبت های الهی است .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لكم فاتقوا الله

کیفر انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ - همه انسان ها ، برای کیفر و پاداش به سوی خدا بازمی گردند .

فإلینا یرجعون

کیفر انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤون خداوند

و إلی اللّه ترجع الأُمور

در صورتی که مراد از<الأمور> کارهای مربوط به انسان ها باشد; آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن

فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۲۶ – ۳

۳ – حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

کیفر انکار توحید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۱ – ۱۸

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إنی معکم من المنتظرین

کیفر انکار رسالت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۴ – ۶

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

کدأب ءال فرعون . .. فأهلکنهم بذنوبهم

کیفر انکار رسالت هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۱ – ۱۸

۱۸ هود در انتظار نزول عذاب الهی بر قوم عاد ، پس از ابلاغ رسالت های الهی و اصرار آنان بر انکار توحید و رسالت وی

فانتظروا إنی معکم من المنتظرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد را پس از اصرارشان به شرك و انکار رسالت هود ، به عذابی فراگیر گرفتار ساخت .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا و قطعنا دابر الذین کذبوا

کیفر

اهانت به اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲ – ۷،۹

۷ اعدام ، کیفر طعن و توهین به اسلام

و طعنوا فی دینکم فقتلوا

۹ مسلمانان صدر اسلام ، موظف بودند در صورت مشاهده طعن و توهین به دین الهی از سوی معاهدان مشرک ، با ایشان به پیکار برخیزند .

و إن نکثوا أیمنهم . .. و طعنوا فی دینکم فقتلوا أئمه الکفر

کیفر اهانت به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۸ – ۱۰

۱۰ – منافقان ، نازل نشدن عذاب الهی به خاطر اهانت های آنان به رسول اکرم (ص) را دلیل عدم رسالت آن حضرت می پنداشتند .

و یقولون فی أنفسهم لولا یعذّبنا اللّه بما نقول

کیفر اهل کتاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۹

۹ گرفتاری اهل کتاب به لعنت و غضب خداوند ، پرستش طاغوت و مسخ شدنشان به میمون و خوک ، سزای رفتار های زشت آنان

هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه من لعنه . .. و عبد الطغوت

کلمه <مثوبه> (سزا و جزا) می رساند که غضب و . .. به عنوان پیامدهای شومی است که اعمال ناروای اهل کتاب آنها را

اقتضا می کرده است.

کیفر اهل مدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۱ – ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود

برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

کیفر ایمان در اصحاب اخدود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۷ - ۳

۳ - در دیدگاه اصحاب اخدود ، ایمان مردم ، جرمی سنگین و موجب کیفر سوزاندن بود .

ما یفعلون بالمؤمنین

کیفر با بلا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۷

۷- کفر به خداوند ، موجب کیفر شدن به وسیله بلا های طبیعی

فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

کیفر با پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۹

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

کیفر با تحریم مباحات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۶

۶ جعل احکام سخت و محدود کردن بهره برداری از مواهب، از انواع مجازاتهای خداوند برای برخی اقوام بوده است.

و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر . .. ذلک جزینهم ببغیهم

کیفر با رستنگاه مو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۷

۷ – گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت

دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقاییس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر با سیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۱

۱ - راه افتادن سیل بنیان کن و درهم کوبیده شدن باغ های دل پذیر قوم سبا ، کیفر ناسپاسی و کفران آنان بود .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم و بدلّنهم بجنّتیهم . .. ذلک جزینهم بما کفروا

به قرینه بحث شکر در دو آیه پیش، احتمال دارد مراد از <کفروا> کفران باشد.

کیفر با صاعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۳،۵،۶

۳ - صاعقه آسمانی ، کیفر روی گردانی از آیات روشن الهی است .

قل أئنّکم لتکفرون بالّذی . .. فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلّف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

۶ – صاعقه از کیفر های دنیوی خداوند ، برای برخی از امت های مشرک پیشین

أنذرتكم

صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر با غذای گلوگیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۳ – ۱

۱ – تکذیب گران دین ستیز در قیامت ، با غذای گلوگیر کیفر می شوند .

و المکذّبین . .. و طعامًا ذا غصّه

کیفر با مرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

کیفر با مکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۲ – ۱۷

۱۷ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إنّ المنفقین یخدعون اللّه و هو خدعهم

امـام رضـا(ع) در پاسـخ سؤال از معنای خـدعه خداونـد در آیه فوق فرمود: ان اللّه تعالی . .. لایخادع و لکنه تعالی یجازیهم ... جزاء ... الخدیعه ... .

توحید صدوق، ص ۱۶۳، ح ۱، ب ۲۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۲.

کیفر با مواد مذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۴۶ – ۲

۲– مواد مذاب و گداخته ، مجازات الهی برای گناه پیشگان

إنّ شجرت الزقّوم . .. کغلی الحمیم

کیفر بازی با دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۳،۱۹،۲۰،۲۲

۳ پیامبر(ص) وظیفه دار بی اعتنایی به کسانی که آیین آنها بازی و سر گرمی

است.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا

۱۹ هیچ فدیه ای از بازیچه قرار دهندگان دین، برای رهایی آنان از عذاب پذیرفته نمی شود.

اتخذوا دینهم لعبا . .. و إن تعدل کل عدل لا یؤخذ منها

۲۰ گرفتاری به عذاب و محرومیت از شفاعت، نتیجه بازیچه قرار دادن دین است.

الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . .. أولئک الذین أبسلوا بما کسبوا

۲۲ نوشیدنی سوزان و عذاب دردناک قیامت در انتظار بازیچه قراردهندگان دین است.

أولئک الذین أبسلوا . .. لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

کیفر بت پرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۲ – ۵

۵ گرفتار شدن به غضب الهی و عجین شدن زندگانی دنیا به ذلت و خواری ، فرجام پرستشگران غیر خدا

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذله فی الحیوه الدنیا

کیفر بت شکنی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۱ – ۳

۳- بت پرستان ، حضرت ابراهیم (ع) را به منظور نشان دادن کیفر بت شکنی او به عموم مردم ، احضار کردند .

فأتوا به . .. لعلّهم یشهدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <یشهدون> به معنای <یحضرون> (حضور پیدا کنند) باشد. بر اساس این احتمال، مقصود از حضور مردم به تناسب مورد آیه حضور برای دیدن کیفر و عقوبت ابراهیم(ع) خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۸ - ۱

۱- ابراهیم (ع) ، از سوی بت پرستان محکوم به

سوزانده شدن در آتش شد .

قالوا حرّقوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۷ - ۱،۲

۱ - توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم

۲ - تصمیم دسته جمعی مشرکان بر سوزاندن ابراهیم (ع) در آتشی پرحرارت و پرشعله

فألقوه فی الجحیم

<جحیم> (از ماده <جحمه>) به معنای شدت شعله و حرارت آتش است.

کیفر بخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

رسول اللّه (ص): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه اللّه ایاه فیبخل علیه الّا خرج له یوم القیامه من جهنّم شجاع یتلمّظ حتی یطوّقه. ثم قرأ <و لا یحسبنّ ... >.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

کیفر بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۷

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون

. .. ذوقوا عذاب الحريق ... و انّ اللّه ليس بظلّام للعب

جمله <و اَنّ اللّه . .. > عطف بر <ما قدّمت> مى باشد. بنابراين دليل ديگرى براى گرفتار شدن بخيلان و قاتلان انبيا به دوزخ است. يعنى عدالت خداوند اقتضا مى كند كه ستمگران را عذاب كند، ورنه به ستمديده ظلم شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۸

۸ عذاب خواركننده ، كيفر بخيلان و دعوت كنندگان به بخل

الذين يبخلون . .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

مراد از كافران در آيه، يا خصوص بخيلان و آمران به بخل است و يا مصداق مورد نظر از آن.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، كيفردهنده بخيلان و رياكاران و پاداش دهنده انفاق كنندگان مخلص

الذين يبخلون . .. و انفقوا ... و كان اللّه بهم عليماً

هدف از بيان علم و آگاهى خداوند پس از بيان ايمان و بخل، تهديد بخيلان و رياكاران به كيفر، و پاداش دهى به مؤمنان انفاق كننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ كيفر بخيلان و رياكاران (عذاب ، محروميت از محبت خداوند ، همراهى با شيطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمى از جانب خداوند .

انّ اللّه لا يحبّ . .. الذين يبخلون ... و الذين ينفقون اموالهم رئاء النّاس ... و

جمله <انّ اللّه . .. > مى تواند پاسخى باشد براى اين سؤال كه چرا خداوند مردم

را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

کیفر بدعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۹ - ۶،۷

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیهم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم وصفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۷ - ۳

۳- بدعت گذاری ، و در پی دارنده عذاب دردناک اخروی است .

و لاتقولوا . .. هذا حلل و هذا حرام ... متع قلیل و لهم عذاب ألیم

کیفر بدعت گذاری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۵،۱۶

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فامّا الّذین اسودّت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فامّا الّذین اسودّت وجوههم . .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

۱۶ در قیامت عمل کنندگان به سنّت رسول اللّه (ص) ، روسفید و بدعتگزاران روسیاهند .

یوم تبیضّ وجوه و تسودّ وجوه

رسول خدا (ص) درباره آیه <یوم تبیضّ وجوه . .. >، فرمود: تبیضّ وجوه اهل السّنه و تسودّ وجوه اهل البدع

الدّر المنثور، ج ۲، ص ۲۹۱.

کیفر بدعتگذاران

یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۹ – ۹

۹ – عالمان بدعتگذار و دین ساز یهود ، به عذاب الهی گرفتار خواهند شد .

فویل للذین یکتبون الکتب . .. فویل لهم مما کتبت أیدیهم

کیفر بدکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۷

۷ – بدکاران ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

در صورتی که مراد از <سبقت از خدا>، گریز از کیفر خدا باشد، آیه، دلالت می کند که آنان، کیفر دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۱ – ۹

۹ – جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

کیفر بدون بیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۲

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می توانـد حال برای <ربک> باشـد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

کیفر بدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۱

۱ - جزای بدی و کیفر خطا ها در حد مقابله به مثل ، مجاز و مشروع است

.

و الذين إذا أصابهم البغى . .. و جزؤا سيّئه سيّئه مثلها

کيفر برادران يوسف

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۹۲ – ۷

۷ رفتار برادران يوسف عليه وى ، گناه بود و بدون آمرزش خداوند عقوبت او را در پى داشت .

يغفر الله لکم

کيفر برزخى کافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۶ – ۳

۳ – وجود کيفر براى کافران ، پيش از برپايى قيامت و در عالم برزخ

النار يعرضون عليها غدوًّا و عشيًّا

کيفر بنى اسرائيل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۵۴ – ۱

۱ – قوم موسى با گوساله پرستى ، بر خويشتن ستم کرده و مستحق کيفر شدند .

يقوم إنكم ظلمتم أنفسكم باتخاذكم العجل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۵۹ – ۷

۷ – عذاب آسمانى نازل شده بر گنهکاران بنى اسرائيل ، سزاى فسق ديرينه آنان و گناه تغيير و تبديل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا على الذين ظلموا رجزاً من السماء بما كانوا يفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۶

بنی اسرائیل ، مصداق بارز تفرقه افکنان و تحریفگران دین خداوند و مشمول عذاب شدید الهی

ادخلوا فی السِلم کافه . .. فان زللتم من بعد ما ... سَلْ بنی اسرائیل کم اتیناهم م

پس از امر به دخول در <سلم> (تسلیم در برابر خداونـد و اتّحاد جامعه ایمانی)، و عـدم تبعیّت از شیطان، بنی اسـرائیل را به عنوان نمونه ذکر می کند.

کیفر بنیامین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۴

۴ طرح و نقشه یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین ، کیفر و طرحی از ناحیه خداوند و به وحی او بود .

کذلک کدنا لیوسف

کیفر بی ارزشی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قارعه - ۱۰۱ - ۹ - ۳

۳ - گرفتاری به جهنم ، کیفر کردار های بی ارزش است .

و أمّا من خفّت موزینه . فأُمّه هاویه

کیفر بی اعتنایی به هشدارهای انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیـل فقـدان زمینه ایمـان و تکـذیب آیـات الهی و نپـذیرفتن هشـدار هـای پیامبرانشان ، با عـذاب استیصال نابود شدند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل أیام الذین خلوا من

کیفر بی ایمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیل فقدان زمینه ایمان و تکذیب آیات الهی و نپذیرفتن هشدار های پیامبرانشان ، با عذاب استیصال

نابود شدند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل أیام الذین خلوا من

کیفر بی بیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۵ - ۸

۸ خداوند کسی را بدون اتمام حجت عقاب نمی کند .

رسلا . .. لئلا یکون للناس علی اللّه حجه بعد الرسل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۳

۳ سنت خداوند بر عقوبت نکردن انسان ها پیش از بیان دستورات خویش است .

لو لا کتب من اللّه سبق لمسکم فیما أخذتم

در اینکه مراد از <کتب . .. > چیست، چندین نظر ایراد شده است ; از جمله سنت الهی بر اینکه تا دستوری را به روشنی برای مردم بیان نکند، آنان را به عذاب گرفتار نمی سازد. و اسیر گرفتن در جنگ بدر هر چند کاری بسیار ناصواب بوده، ولی حکم آن به روشنی بیان نشده بود و لذا خداوند مرتکبان این عمل ناصواب را به عذاب گرفتار نساخت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۷ - ۹

۹ نزول عذاب استیصال ، همواره پس از تمام شدن حجت خدا بر مردم است .

فإذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط

کیفر بی تقوایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه . .. و اتّقوا اللّه إنّ اللّه شدید العقاب

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۴

۴ اضلال ، از کیفر های الهی برای بی تقوایان

ما کان اللّه لیضل . .. حتی یبین لهم ما یتقون

کیفر بی گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ بی گناهان جامعه ، در خطر گرفتار آمدن به کیفر گناهکاران

قال فانها محرمه علیهم اربعین سنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۲،۳

۲ داوطلب شدن بی گناهان برای مجازات شدن به جای مجرمان ، مجوز کیفر دادن آنان نیست .

فخذ أحدنا مکانه . .. معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

۳ قوانین جزایی مصر در زمان یوسف ، کیفر بی گناهان را به جای مجرمان هر چند داوطلبانه باشد ، مجاز نمی شمرد . *

معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا متعنا عنده

برداشت فوق را می توان از به کارگیری ضمیرهای متکلم مع الغیر به جای ضمیر متکلم وحده استفاده کرد ; یعنی، یوسف(ع) بـا جمله <بازداشت نمی کنیم> به جای <بازداشت نمی کنم> اشاره به این معنا می کنـد که قوانین مصـر چنین اجازه ای به من نمی دهد که بی گناه را به جای گنهکار بازداشت کنم، هر چند او خود داوطلب باشد.

کیفر پدر به جای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن

ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است * .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر پیروان ابلیس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۵

۵- دوزخ ، کیفر قطعی ابلیس و پیروان وی

فمن تبعک منهم فإن جهنّم جزاؤکم

کیفر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنّم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ – گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنّما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

کیفر پیروی از مسیحیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالك من الله من وليّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <وليّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <وليّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالك ...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر پیروی از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذین . .. یعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلی صرط الجحیم

کیفر پیروی از یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۷ - ۱۱

۱۱ خداوند پیامبر (ص) را در صورت پیروی از آرای یهود و نصارا به عقوبتهایی از جانب خویش تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالك من الله من وليّ ولاواق

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که <من الله> متعلق به <وليّ> و <واق> باشد. بر این مبنا <وليّ و واق> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالك ...> چنین معنا می شود: برای تو یاور و نگه دارنده ای که تو را از [عذاب] خدا باز دارد، وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیت از مسیحیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت پیروی کردن از آیین یهود و نصارا ، به عقوبتهایی از جانب خود تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من اللّه> متعلق به <ولیّ> و <نصیر> باشد. بر این مبنا <ولیّ> و <نصیر> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو پشتیبان و یاوری که تو را از خدا (از عذاب خدا) باز دارد وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعیت از یهودیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۱۷

۱۷ - خداوند ، پیامبر (ص) را در صورت پیروی کردن از آیین یهود و نصارا ، به عقوبتهایی از جانب خود تهدید کرد .

لئن اتبعت أهواءهم . .. مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

برداشت فوق مبتنی بر این است که <من اللّه> متعلق به <ولیّ> و <نصیر> باشد. بر این مبنا <ولیّ> و <نصیر> متضمن معنای <منع> است و جمله <مالک ...> چنین معنا می شود: برای تو پشتیبان و یاوری که تو را از خدا (از عذاب خدا) باز دارد وجود نخواهد داشت.

کیفر تبعید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۸

۲۸ - معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل

. .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

کیفر تبعید انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۱

۱- سنّت خداوند ، بر هلاک ساختن امتهایی که اقدام به اخراج و تبعید رسولان الهی از سرزمین خود نمودند .

لیخرجوک منها و إذًا لایلبثون خلفک إلّا قلیلًا. سنّه من قد أرسلنا قبلک من رسلنا

کیفر تبعید محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۶ - ۴

۴- تهدید خداوند به هلاکت حتمی و قریب الوقوع مشرکان ، در صورت اخراج پیامبر (ص) از مکه

و إذًا لایلبثون خلفک إلّا قلیلًا

کیفر تبعیدگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۲۰،۲۲

۲۰ - گرفتار شدن به خواری و ذلت در دنیا ، سزای یهودیانی است که همدیگر را کشتند و همکیشان خو را از دیارشان بیرون راندند .

تقتلون أنفسکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

۲۲ - یهودیانی که همکیشان خود را کشتند یا آنان را آواره ساختند ، به شدیدترین عذاب های قیامت ، کیفر خواهند شد .

تقتلون أنفسکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

کیفر تجاوز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۷۸ - ۲۵

۲۵ - کسانی که از احکام خدا تعدی کنند ، به عذابی دردناك گرفتار خواهند شد .

فمن اعتدی بعد ذلك فله عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ -

۲۹ – ۴،۵

۴ آغازگر درگیری و تهاجم ناروا ، مسؤول خسارت های عملکرد خویش و طرف مقابل

ان تبوا باثمی و اثمک

۵ گناهان به وجود آمده در درگیری های ناروا ، بر عهده آغازگر آن است ، هر چند به دست طرف مقابل صورت گیرد .

انی ارید ان تبوا باثمی و اثمک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۵

۵- کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. فإذا جاء وعد أُول

کیفر تجاوز به حدود خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۴ – ۱۲،۱۳

۱۲ – عذاب دردناک الهی ، گریبانگیر کسانی خواهد شد که حدود الهی را رعایت نکرده و به آن تعدی می کنند .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب أليم

۱۳ – رعایت نکردن حدود الهی در ظهار ، درپی دارنده عذاب دردناک الهی است .

و تلک حدود اللّه و للکفرین عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در

روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً . .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

کیفر تجاوز به حقوق دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۵

۱۵ - عذاب دردناك دوزخ ، کیفر هر نوع انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

کیفر تجاوز به حقوق یتیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم . .. فلیتّقوا اللّه

جمله <ولیخش . .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا اللّه> (از خدا بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

کیفر تجاوز به همسران اشراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۹

۱۹ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان ، موجب مجازات و کیفر بود .

ما جزاء من أراد بأهلك سوءًا إلا أن يسجن أو عذاب أليم

کیفر تجاوزگری یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۶ - ۵،۱۲

۵ تحریم کامل برخی از حیوانات و تحریم بخشهایی از گاو و گوسفند

بر یهود، سزای تجاوزگری آنان بود.

و علی الذین هادوا حرمنا . .. ذلک جزینهم ببغیهم

<بغی> به معنای تجاوز و تعدی است. (لسان العرب).

۱۲ حلیت نخستین برخی از حیوانات و تحریم آن به واسطه تجاوزگری بر یهودیان، خبری راست و مطابق واقع از جانب خداوند است.

علی الذین هادوا . .. ذلک جزینهم ببغیهم و إنا لصدقون

کیفر تحریف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۶،۷

۶ - تغییر و تبدیل اوامر خداوند ، ظلم و در پی دارنده عذاب الهی است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

مراد از <الذین ظلموا> در جمله فوق، کسانی هستند که به جای گفتن <حطه> (خدایا! آمرزش گناهان را از تو خواهانیم) سخنی دیگر بر زبان جاری ساختند.

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

کیفر تحریف دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۴

۱۴ از سنّت های الهی ، عذاب شدید تحریفگران و تبدیل کنندگان دین است .

و من یبدل نعمه اللّه . .. فان اللّه شدید

العقاب

<و من یبدّل نعمه اللّه> عام است و دربرگیرنده کلیّه کسانی است که آیات الهی را تحریف می کنند; خصوصاً با توجّه به ضرورت پندگیری دیگران از بنی اسرائیل تحریفگر.

کیفر تحریفگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۱۰،۱۴

۱۰ تحریفگران و تبدیل کنندگان دین و آیات روشن الهی ، مستحق عذابی شدید

و من یبدل نعمه اللّه . .. فان اللّه شدید العقاب

از مصادیق روشن و مورد نظر نعمتهای الهی، دین و آیات خداوندی است. و مراد از تبدیل، تحریف است.

۱۴ از سنّت های الهی ، عذاب شدید تحریفگران و تبدیل کنندگان دین است .

و من یبدل نعمه اللّه . .. فان اللّه شدید العقاب

<و من یبدّل نعمه اللّه> عام است و دربرگیرنده کلیّه کسانی است که آیات الهی را تحریف می کنند; خصوصاً با توجّه به ضرورت پندگیری دیگران از بنی اسرائیل تحریفگر.

کیفر تحقیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۱۰

۱۰ - درهم شکسته شدن در آتش جهنم ، کیفری مناسب برای درهم شکستن شخصیت مردم

همزه لمزه . .. لینبذنّ فی الحطمه

کیفر تخلف از اوامر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۱ - ۱۵،۱۶

۱۵ – انحراف از روش ترسیم شده از سوی خدا برای زند گی ، درپی دارنده مجازات الهی

إنّی بما تعملون علیم

۱۶ – همه مردم حتی پیامبران در معرض کیفر های الهی در صورت تخلف از دستورات او

یأیّها الرسل . .. إنّی بما تعملون علیم

کیفر تخلف از جهاد

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۱۰

۱۰ پیامد هلاکت بار سرباز زدن از فریضه جهاد در راه خدا ، دامنگیر خود متخلفان است .

لو استطعنا لخرجنا معکم یهلکون أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۳ - ۱

۱ گناه و کیفر تخلف از جهاد ، تنها متوجه کسانی است که علی رغم توانمندی ، از آن روی بر گردانند .

إنما السبیل علی الذین یستئذنونک و هم أغنیاء

کیفر تداوم عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳۶ - ۱

۱ - عذاب های کافران در قیامت ، کیفر مداومت آنان بر کردار زشت خویش در دنیا است .

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ثواب>; یعنی، جزا و <تثویب> به معنای جزا دادن است (قاموس). فعل <کانوا> که بر مضارع داخل شده است بر استمرار دلالت دارد.

کیفر تداوم گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۴

۴ تداوم بر گناه، مجازات حتمی خداوند را در پی دارد.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

<تداوم> از فعل <یکسبون> و <کانوا یقترفون>، که ماضی استمراری است، استفاده شده است. ضمناً <إن> و سین در <سیجزون> بر تأکید دلالت دارند.

کیفر ترک احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خوارکننده ، کیفر کسانی که به جهت ترک احسان ، نعمت های خدادادی خویش را پنهان می کنند

.

و یکتمون ما اتیهم اللّه من فضله و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

کیفر ترک انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۰ - ۳۰

۳۰ عذاب سخت الهی در قیامت ، فرجام بخلورزی و عدم انفاق از دارایی های فزون بر نیاز

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون بما اتیهم اللّه من فضله

رسول اللّه (ص): ما من ذی رحم یأتی ذا رحمه فیسأله من فضل ما اعطاه اللّه ایاه فیبخل علیه الّا خرج له یوم القیامه من جهنّم شجاع یتلمّظ حتی یطوّقه. ثم قرأ <و لا یحسبنّ ... >.

الدر المنثور، ج ۲، ص ۳۹۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۱

۱۱ انفاق دارایی ها در راه جنگ و جهاد ، واجب و امتناع ورزیدن از آن ، در پی دارنده عذاب دردناک دوزخ است .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب أليم

برداشت فوق با توجه به این حقیقت است که آیه شریفه به دنبال آیات مربوط به جنگ و قرار گرفته است.

کیفر ترک اولی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت . .. لنبذ بالعراء و هو مذموم

این که خداونـد به پیامبر(ص) هشـدار داد که مانند یونس مباش; اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

کیفر ترک

توبه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

کیفر ترک توحید عبادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۶۵ – ۱۳

۱۳ هود برحذردارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تتقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب اللّه.

کیفر ترک جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۳ – ۹

۹ مرگ زودرس ، جزا و فرجام گُریزندگان از پیکار در راه خداوند

الم تر الی الّذین . .. فقال لهم اللّه موتوا ... و قاتلوا فی سبیل اللّه

با توجّه به ارتباط این آیه و آیه بعد می توان گفت، ترک شهر و دیار از سوی یادشدگان، به خاطر گریز از میدان نبرد بوده است و خداوند با یادآوری آن واقعه، به مسلمانان هشدار می دهد که مبادا همانند آن فراریان، نبرد را ترک کنند و به مرگ زودرس <موتوا> گرفتار شوند.

– فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۵ – ۶

۶ بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا ، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر . .. اذاعوا به ... من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعه سیّئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱۴

۱۴ – تخلّف از جنگ و جهاد ، دارای کیفری بس بزرگ و دردناک

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

کیفر ترک دعا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۰ – ۹

۹ – < فی الصحیفه السجّادیّه : و قلت : < ادعونی أستجب لکم إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم داخرین > فسمّیت دعاءک عباده و ترکه استکباراً و توعّدت علی ترکه دخول جهنّم داخرین . . . ;

در صحیفه سجادیه آمده است: [خدایا] تو فرمودی مرا بخوانید تا شما اجابت کنم[و فرمودی] کسانی که از روی کبر از عبادت من روی برمی گردانند، به زودی با ذلت وارد دوزخ خواهند شد. پس خواندن خودت را عبادت نامیدی و ترک آن را استکبار خواندی و بر ترک آن وعده دخول ذلیلانه به جهنم را دادی>.

کیفر ترک عبادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۹ – ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر

اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذردارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تتقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب اللّه.

کیفر ترک نهی از منکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری ، دارای کیفری شدید است .

أنجینا الذین ینهون عن السوء و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس

کیفر ترک هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۱۹

۱۹ جهنّم ، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت ، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند .

الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها فاولئک مأویهم جهنّم و ساءت مصیراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

کیفر تظاهر به عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۴

۴ - تظاهر به کار های ناشایست

، موجب تشدید عذاب می شود .

من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین

کیفر تفاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۱ - ۶

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبی ، از جمله کیفر های الهی برای کافرانی است که به خود بنازند و بر دیگران تفاخر کنند .

أو یصبح ماؤها غورًا فلن تستطیع له طلبًا

<یصبح> عطف بر <فتصبح> و تفریع دیگری بر <یرسل علیها حسباناً> است. قید <من السماء> در مورد عذابی که آب ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر تکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۱

۱۱ هیچ کیفری جز عذاب جهنّم ، نمی تواند حاکمان مفسد ، سرسخت ، متکبّر و مغرور را رام کند .

و اذا تولی سعی . .. فحسبه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۲

۱۲ سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتربینی ، در پی دارنده مجازات های الهی

و من یستنکف عن عبادته و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

در برداشت فوق <واو> در <و یستکبر> واو جمع گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۱۳ – ۶

۶ ذلت و خواری، کیفر تکبّر و خود بزرگ بینی است.

فما یکون لک أن تتکبّر فیها فاخرج إنک من الصغرین

کیفر تکبر در عبادت خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶

- غافر - ۴۰ - ۶۰ - ۴

۴ - آنان که از سر کبر و خودخواهی به عبادت خدا نمی پردازند ، محکوم به دوزخ اند .

إنّ الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنّم

کیفر تکذیب آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ; یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۵

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۶

۶ تمامی تکذیب کنندگان آیات الهی از قوم عاد ، با عذاب نازل شده از جانب خداوند به هلاکت رسیدند .

و قطعنا دابر الذین کذبوا

دابِر

هر چیز به معنای آخر آن است. <قطع دابر> یعنی نابودسازی آخرین نفر ; و این کنایه از نابودی همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۶ - ۷

۷ تکذیب آیات الهی و بی اعتنایی به آنها سبب هلاکت و غرق شدن فرعونیان در دریا شد .

فأغرقنهم فی الیم بأنهم کذبوا بایتنا و کانوا عنها غفلین

حرف <باء> در <بأنهم کذبوا> سببیه است و می رساند که تکذیب آیات و بی اعتنایی به آنها سبب انتقام الهی بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نیک ، جزایی مناسب برای تکذیب آیات الهی و روز قیامت است .

حبطت أعملهم هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه . .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵،۶

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

۶ هلاکت کافران در جنگ بدر کیفری از سوی خداوند به سبب تکذیب آیات الهی و انکار رسالت پیامبر (ص)

كدأب ءال فرعون . .. فأهلكنهم بذنوبهم

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۲ - ۴

۴ بسیاری از اقوام پیشین به دلیل فقدان زمینه ایمان و تکذیب آیات الهی و نپذیرفتن هشدار های پیامبرانشان ، با عذاب استیصال نابود شدند .

و ما تغنی الأیت و النذر عن قوم لایؤمنون. فهل ینتظرون إلا مثل أیام الذین خلوا من

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۵

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنّهم کانوا. ..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا فأولئک لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۶ - ۵

۵ خداوند ، فرعون و قومش را به خاطر تکذیب آیات الهی ، دچار هلاکتی سخت و شگفت آور کرد .

الذین کذّبوا بأیتنا فدمّرنهم تدمیرًا

<تدمیر> (مصدر <دمّرنا>) به معنای هلاک و نابودی کردن است و <تدمیراً> که مفعول مطلق برای <دمّرنا> است برای تأکید معنای هلاکت و نوع شگفت آور آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۸ - ۱

۱

خداوند ، قوم عاد ، ثمود و اصحاب رسّ را به خاطر تکذیب آیات و رسولان الهی درهم شکست و نابود ساخت .

و عادًا و ثمودا و أصحب الرّسّ و قرونًا بین ذلک کثیرًا

نصب کلمه های <عاداً>، <ثمودا> و <أصحاب الرسّ> به وسیله فعلی محذوف <دمّرنا> و <أهلکنا> می باشد. گفتنی است علت هلاکت اقوام یاد شده، همان تکذیب است که در آیات قبل در باره فرعونیان و قوم نوح آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۱ - ۴

۴ - ایمان نیاوردن به آیات الهی ، درپی دارنده عذابی دردناک

لایؤمنون به حتّی یروا العذاب الألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۶

۶ - تکذیب آیات و نشانه های الهی بدون تحقیق و دلیل علمی ، جرمی بزرگ و دارای کیفر

قال أکذّبتم بایتی و لم تحیطوا بها علمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۰ - ۴

۴ - تکذیب و استهزای مدام آیات الهی ، فرجامی شوم (عذاب) در پی دارد .

ثمّ کان عقبه الذین أسئوا السوأی

برداشت فوق بنابر اسم بودن <السوأی> برای <کان> و تعلیل بودن <أن کذّبوا> برای <السوأی> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فيها دار الخلد بما كانوا بأيتنا يجحدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى

- ۴۲ - ۳۵ - ۵

۵ - بحث و جدل بیهوده و انکارآمیز درباره آیات الهی ، دارای کیفر و عذاب

و یعلم الذین یجدلون فی ءایتنا ما لهم من محیص

کیفر تکذیب انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۰

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران ، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتکم . ..> علاوه بر ارتباطش با <نری اللّه جهره> مرتبط با <لن نؤمن لک> نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۲ - ۲

۲ تکذیب کنندگان انبیای الهی و رسالت های آنان در خطر نابودی با نزول عذابی سخت و ویرانگر

الذین کذبوا شعیباً کأن لم یغنوا فیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۶ – ۱۰

۱۰ جوامع کفرپیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون> گناهانی است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن

فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکذبون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۴

۴ کسانی که علی رغم تکذیب انبیا ، خویشتن را از عذاب الهی مصون می پنداراند ، زیانکار هستند .

و لکن کذبوا . .. فلا یأمن مکر اللّه إلا القوم الخسرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب استیصال ، کیفر تکذیب پیامبران الهی و رویارویی با ایشان

بل کذبوا . .. فانظر کیف کان عقبه الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناک و غرش سهمگین شدند .

و لقد کذّب أصحب الحجر المرسلین . و ءاتینهم ءایتنا ... معرضین ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۶

۶ - جوامع گذشته تاریخ ، یکی پس از دیگری ، با عذاب قهر الهی و در پی تکذیب انبیا و مبارزه با آنان ، مضمحل شدند .

فأتبعنا بعضهم بعضًا

<إتباع> (مصدر <أتبعنا>) به معنای یکی را در پی دیگری روانه کردن است; یعنی، <پس ما امت های تکذیب گر را پی در پی هلاک کردیم و هر یکی را به دنبال دیگری، به دیار نیستی روانه ساختیم>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲،۳

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

۳ - تکذیب پیامبران الهی ، عامل هلاکت و زوال جوامع بشری

فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۸ - ۱

۱ خداوند ، قوم عاد ، ثمود و اصحاب رسّ را به خاطر تکذیب آیات و رسولان الهی درهم شکست و نابود ساخت .

و عادًا و ثمودا و أصحب الرّسّ و قرونًا بین ذلک کثیرًا

نصب کلمه های <عاداً>، <ثمودا> و <أصحاب الرسّ> به وسیله فعلی محذوف <دمّرنا> و <أهلکنا> می باشد. گفتنی است علت هلاکت اقوام یاد شده، همان تکذیب است که در آیات قبل در باره فرعونیان و قوم نوح آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۹ - ۲۰

۲۰ - تکذیب انبیا ، در پی دارنده عذاب الهی است .

و جاءتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلاّکذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

۴ - تکذیب پیامبران الهی ، در پی دارنده کیفر و عذاب استیصال

إن كلّ إلّاكذّب الرسل فحقّ عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۱۹ – ۶

۶ – شرکورزی و تکذیب پیامبران الهی ، درپی دارنده آتش دوزخ است .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۹

۹ – امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر تکذیب جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – تکذیب همواره قیامت و جهنم ، موجب عذابی سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

کیفر تکذیب دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۳ – ۳

۳ – تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرّصون . .. یوم هم علی النار یفتنون

کیفر تکذیب رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکـذیب لجوجانه کتاب های آسـمانی و فرسـتادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی

أعنقهم ... ثمّ فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تکذیب کنندگان رسولان الهی و معجزات آنان ، در معرض گرفتاری به عذاب استیصال

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

تعبیر <بذنبهم> ضمن بیان علت هلاکت ثمودیان تهدید تمام کسانی است که، به گناه آلوده اند.

کیفر تکذیب علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۳ - ۱

۱ - بی اعتقادی به علم مطلق و فراگیر پروردگار ، پنداری نادرست و هلاکت بار

و ذلکم ظنّکم الذی ظننتم بربّکم أردیکم

کیفر تکذیب قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۲ - ۴

۴ تکذیب و انکار قرآن ، ظلم و موجب مخلد شدن مکذبان و منکران در عذاب اخروی است .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به . .. ثم قیل للذین ظلموا ذوقوا عذاب الخلد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا فأولئک لهم عذاب مهین

کیفر تکذیب قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم هذا و ما کانوا بایتنا یجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است

و <ما> مصدريه ; يعنى <لنسيانهم>. همچنين <ما> در <ما كانوا> مصدريه است و عطف بر <ما نسوا>، يعنى: لكونهم باياتنا يجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۷

۷ تباه شدن اعمال نيک ، جزايى مناسب براى تكذيب آيات الهى و روز قيامت است .

حبطت أعملهم هل يجزون إلا ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۸ - ۲

۲- آتش همواره شعلهور حهنّم ، كيفر كفر به آيات الهى و انكار روز رستاخيز

كلّما خبت زدنهم سعيرًا . ذلک جزاؤهم بأنهم كفروا بأيتنا و قالوا أءذا كنّا عظمً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - تكذيب همواره قيامت و جهنم ، موجب عذابى سخت است .

ذوقوا عذاب النار الذى كنتم به تكذّبون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۳ - ۴

۴ - تكذيب قيامت و كيفر آن ، از عوامل دوزخى شدن

هذه جهنّم الّتى يكذّب بها المجرمون

از اين كه دوزخ به تكذيب گران آن معرفى مى شود، مطلب ياد شده به دست مى آيد.

كيفر تكذيب كتب آسمانى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۲ – ۴

۴ – ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ

الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

کیفر تکذیب معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۷ - ۸

۸- انکار معاد ، جرمی مستحق هلاکت

إن هی إلاّ موتتنا . ..إنّهم کانوا مجرمین

این آیه، همگونی مشرکان با اقوام هلاک شده پیشین در مجرم بودن را اثبات می کند و آنچه در آیات پیشین به عنوان نقطه منفی یاد شده، انکار معاد است.

کیفر تکذیب معجزات موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۸ - ۶

۶ - ابتلای فرعونیان ، به عذابی سخت و دردناک ، در پی انکار لجاجت آمیز دلایل و معجزات موسی (ع) از سوی آنان

و أخذنهم بالعذاب

کیفر تکذیب معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۵ - ۸

۸ ارائه معجزات و عذاب منکران آن ، تنها در اختیار خداوند

قال اللّه انی منزلها علیکم . .. فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۸۳ - ۱

۱- اصحاب حجر (قوم ثمود) پس از تکذیب رسولان و اعراض از معجزات و آیات الهی ، صبحگاهان گرفتار صدای وحشتناك و غرش سهمگین شدند .

و لقد كذّب أصحب الحجر المرسلين . و ءاتينهم ءايتنا ... معرضين ... فأخذتهم الصی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶ - ۲

۲- عذاب و هلاکت اقوام پیشین ، به خاطر ایمان نیاوردن به معجزات الهی بود .

فلیأتنا بایه . .. ماءامنت

قبلهم من قريه أهلكنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تکذیب کنندگان رسولان الهی و معجزات آنان ، در معرض گرفتاری به عذاب استیصال

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

تعبیر <بذنبهم> ضمن بیان علت هلاکت ثمودیان تهدید تمام کسانی است که، به گناه آلوده اند.

کیفر تکذیب موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

کیفر تکذیب هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۸ - ۲

۲ - هلاکت و نابودی فرعون و اشراف حکومت او ، در نتیجه تکذیب رسولان الهی (موسی و هارون)

فکذّبوهما فکانوا من المهلکین

کیفر تکذیب هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۳۹ - ۱

۱ - هلاکت قوم عاد ، به اراده الهی و در پی تکذیب رسالت هود (ع) از سوی آنان بود .

فکذّبوه فأهلکنهم

کیفر تنقیص خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه سیجزون ما کانوا یعملون

کیفر توبه شکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ -

باز گشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلّفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلّف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

کیفر توطئه علیه اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۳ - ۸

۸ - تبعید ، حکمی الهی در مورد توطئه گران علیه دین و حاکمیت اسلام

هو الذی أخرج . .. کتب اللّه علیهم الجلاء

کیفر توطئه علیه دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۹

۹ فریبکاری و توطئه مداوم علیه دین، عامل گرفتاری توطئه گران به ذلت و عذاب شدید است.

سیصیب الذین . .. بما کانوا یمکرون

کیفر توطئه علیه صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین

کیفر توطئه گران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

کیفر توطئه گران علیه آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ -

۱ - ۵

۱ - فلسفه وقوع قیامت ، کیفر دادن به کسانی است که بر ضد آیات خدا تلاش می کنند .

لتأتینّکم . .. لیجزی الذین ... و الذین سَعَوْ فی ءایتنا معجزین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۸ - ۱

۱ - کسانی که همواره بر ضد آیات الهی تلاش می کنند ، کیفر خواهند دید .

و الذین یسعون فی ءایتنا . .. أُولئک فی العذاب محضرون

کیفر توطئه گران قصه افک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن توطئه گران < افک > ، به انتقام و کیفر به میزان نقش آنان در این گناه از سوی خداوند .

إنّ الذین جاءو بالإفک . .. لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افک > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

کیفر توطئه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲۷ – ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم . فکیف إذا

توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

کیفر ثروت اندوزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۳

۳ - آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

کیفر ثروت اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۲

۱۲ انباشتن و نهان کردن ثروت و محروم ساختن جامعه از منافع آن ، حرام و دارای عقوبتی است دردناک .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۸ - ۴

۴ - زراندوزی ، از موجبات دوزخی شدن

و جمع فأوعی

کیفر ثروتمندان متکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۲ - ۶

۶- کیفر الهی ، در کمین لحظه های خوش ثروت مندان به خود بالنده و سرمست است .

و أُحیط بثمره فأصبح یقلّب کفّیه علی ما أنفق فیها

تعبیر <أُحیط بثمره> نشان دهنـده نزدیکی فصل ثمر گیری و دستیابی به نتایـج است که برای فرد سـرمایگذار، حساس ترین و شیرین ترین لحظات است.

کیفر جادو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۲ – ۵۳

۵۳ – عمرو بن عبید وارد بر امام صادق (ع) شد . . . و گفت :

دوست دارم گناهان کبیره را از روی قرآن بشناسم ، امام فرمود : < . . . والسحر لان اللّه عز و جل یقول : و لقد علموا لمن اشتریه ماله فی الأخره من خلق . . . ;

. .. از جمله گناهان کبیره <سحر> است چون خداوند می فرماید: مسلّماً آنان (ساحران) می دانستند هر کس خریدار این متاع (سحر) باشد در آخرت هیچ نصیبی برای وی نخواهد بود ...>.

کیفر جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۱،۲

۱ فرعون بر کیفر دادن تمامی ساحران مؤمن به موسی (ع) تصمیم قطعی گرفت و بر آن سوگند یاد کرد .

لأقطعن . .. ثم لأصلبنکم

حرف <لام> در <لاقطعن> در <لاصلبن> لام تأکید و حاکی از سوگند مقدر است.

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۶ - ۲،۱۱

۲ ایمان ساحران به آیات الهی تنها انگیزه فرعون بر شکنجه و مجازات آنان

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه لتخرجوا . .. و ما تنقم منا إلا أن ءامنا بایت ربنا

نقمت <مصدر تنقم> به معنای عقوبت کردن و کراهت داشتن است و <أن ءامنا> مفعولٌ له برای <تنقم> می باشد. تقدیر جمله چنین است: و ما تنقم منا لشیء إلا لایماننا. یعنی ای فرعون تنها چیزی که تو را بر عقوبت ما واداشته ایمان

ماست، نه اینکه ما را توطئه گر و امثال آن بدانی. به عبارت دیگر یعنی تو خود می دانی که اتهامهایت واقعیت ندارد.

۱۱ کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن ، شکنجه هایی طاقتفرسا و تحمل آن نیازمند صبری وافر بود .

ربنا أفرغ علینا صبراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۱ – ۱۳

۱۳ – قطع یک دست و یک پا در جهت مخالف یکدیگر و دار زدن بر تنه درختان خرما ، از جمله مجازات های تعیین شده برای ساحران مؤمن از سوی فرعون بود .

فلأقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأصلّبنّکم

<جذع> (مفرد <جذوع>) به معنای ساق درخت است و حرف <فی> نشانه آن است که فرعون در تهدید خود، مکان همیشگی ساحران را پس از قطع دست و پایشان، چوبه های دار در نظر گرفته بود. این مطلب کنایه از آن دارد که بدن آنان هرگز از دار پایین آورده نخواهد شد.

کیفر جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۲ – ۱۷

۱۷ – جنّیان ، در صورت تخلف از انجام تکلیف ، کیفر خواهند شد .

و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

کیفر جنیان کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ –

اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جنیان مشرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۲،۴

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

کیفر جوامع عصیانگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۹ - ۱

۱ - بسیاری از جوامع انسانی ، به خاطر سرپیچی از فرمان های خدا و پیامبران ، به سزای سنگین و پیامد زیان بار کردار خویش دچار شدند .

و کأیّن من قریه عتت عن أمر ربّها. .. فذاقت وبال أمرها

<وبال> به معنای شدت و سنگینی است و مقصود از آن در آیه شریفه شدت مجازات و سنگینی پیامدهای کردارها است.

کیفر جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۲ – ۸،۹

۸ عذاب دوزخیان

، هرگز ستمی از سوی خداوند بر آنها نیست .

ذوقوا عذاب الحریق . .. و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

بنابر اینکه <انّ اللّه . .. >، خبر برای مبتدایی محذوف باشد (الأمر و الشّأن انّ اللّه لیس ...)، بر این مبنا، مراد از ستم نکردن خداوند به قرینه <ذلک بما قدّمت ایدیکم> این است که خداوند در کیفر دادن ستم نمی کند.

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فزونتر از اقتضای عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۳۵

۳۵ آتش ، وسیله ای برای عذاب دوزخیان

فقنا عذاب النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۶ - ۴،۵،۸،۹،۱۴

۴ رویش پوست جدید بر بدن ، پس از بریان شدن و سوختن آن در آتش جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلنا هم جلوداً غیرها

۵ پوست ، واسطه عذاب آدمی در جهنّم

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

با توجه به اینکه <لیذوقوا> متعلق به <بدلناهم> است، برداشت فوق استفاده شده است.

۸ رنج و عذاب دائمی دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

كلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غيرها ليذقوا العذاب

۱۴ عزت و حکمت الهی ، مقتضی عذاب مستمر دوزخیان کفرپیشه *

انّ الذین کفروا . .. انّ اللّه کان عزیزاً حکیماً

بنابر اینکه جمله <انّ اللّه . .. >، بیان علتی برای <سوف نصلیهم ناراً> باشد.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلک جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۱

۱- جوشش زقّوم ، در درون دوزخیان ، چونان جوشش آب های داغ

کغلی الحمیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۶ - ۱

۱ - جهنمیان به میزان کردار خویش ، کیفر خواهند شد .

جزاء وفاقًا

<جزاء> مصدر است و نصب آن، یا براساس مفعول مطلق بودن آن است; یعنی، <یجزون جزاءً> و یا با تأویل به مشتق رفتن، حال برای <حمیم> و <غسّاق> است. در صورت اول، مراد این است که کیفر آنان، کیفری مناسب و به میزان گناه آنان خواهد بود و در صورت دوم، همان <حمیم> و <غسّاق> کیفر مناسب آنان است. هر یک از دو احتمال، می تواند مبنای برداشت یاد شده باشد. <وفاقاً> گرچه مصدر است; ولی چون صفت می باشد، به معنای <موافقاً> خواهد بود.

کیفر چشم چرانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۰ – ۱۵

۱۵ – کسانی که از نگاه

کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضّوا . .. إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشداری است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر حرام خواری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر حرمت شکنی کعبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۷

۷ - هجوم آورندگان به کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم کعصف مأکول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق

ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۱۹ - ۲

۲ - عوامل طبیعی ، در خدمت اراده الهی ، برای کیفر اقوام حق ستیز

فکیف کان عذابی . .. إنّا أرسلنا علیهم ریحًا صرصرًا

کیفر حق ستیزان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۳ - ۱۲

۱۲ - تهدید حق ستیزان عصر بعثت به محاکمه و مجازات در روز رجعت

و یوم نحشر من کلّ أُمّه فوجًا ممّن یکذّب بایتنا

ظاهراً آیه یاد شده، تعریض به رجعت کافران عصر بعثت نیز دارد.

کیفر حق ستیزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۲ - ۴

۴ - ستیزه جویی و تکذیب لجوجانه کتاب های آسمانی و فرستادگان الهی ، موجب انواع گوناگون عذاب (در غل و زنجیر شدن ، سوخته شدن به آب داغ و آتش دوزخ)

الذین یجدلون . .. الذین کذّبوا بالکتب ... إذ الأغلل فی أعنقهم ... ثمّ فی الن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۵

۵ - انکار آیات الهی ، از سر عناد و حق ستیزی ، در پی دارنده آتش همیشگی دوزخ

لهم فیها دار الخلد بما کانوا بأیتنا یجحدون

کیفر حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب

الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظاهراً تـذلیلی برای تمـامی آیه است. یعنی هم پاسـخ دهنـدگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۵ – ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۹

۹– خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کلمـه <نُزُل> می توانـد اسـم باشـد برای چیزی کـه بـه هنگـام ورود میهمـان برای پـذیرایی او می آورنـد. ایـن نـوع سـخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۲

۲– کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۱ – ۳

۳ - تکذیب گران حق ستیز ، سزاوار عذاب مرگ بار استیصال

فأخذتهم الصیحه بالحقّ

کلمه <بالحقّ> را به دو صورت می توان تفسیر کرد: الف) جامعه پس از نوح، به خاطر

کفر و تکذیب گری شان، مستحق عذاب بودند. ب) نزول عذاب صیحه بر آن قوم، حکمی بر پایه حق و عدل بود. برداشت فوق، براساس تفسیر اول می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۴ – ۷

۷ – مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم حتّی حین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۴ – ۵

۵ – خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلاً> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۶ – ۶

۶ – عذاب دائمی و بی تخفیف ، کیفر تمامی کافران حق ناپذیر

کذلک نجزی کلّ کفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ – حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلّا ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشـین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار

دهنـد. اکنون در این آیه خداونـد به غفران و عقـاب خود اشـاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحـدان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ – مجازات حق ناپذیران ، پیمان خداوند با پیامبران خویش

ادع لنا ربّک بما عهد عندک إنّنا لمهتدون

با توجه به سیاق آیات که راجع به عذاب است استفاده می شود که عهد الهی همان عذاب هدایت ناپذیران است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۷ – ۲

۲ – آتش دوزخ ، کیفر حق گریزان

تدعوا من أدبر و تولّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۱ – ۴

۴ کیفر حق ناپذیران ، در راستای ربوبیت الهی بر جامعه انسانی است .

قد وقع علیکم من ربکم رجس

کیفر حق ناپذیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷ – ۶

۶ – درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سـمعهم . ..> جمله حـالیه و بیانگر علت مسـدود شـدن قلبهاست; یعنی، بـدان جهت خداونـد آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۱۰ - ۹

۹ سرگردانی در طغیان، کیفر و پیامد حق

ناپذیری کافران است.

و نذرهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۷ - ۴

۴ - حق گریزی ، از موجبات دوزخی شدن

تدعوا من أدبر و تولّی

کیفر حنث سوگند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳

۳ سوگندشکنان در صورتی که سوگندشان با توجه و از روی قصد باشد ، مورد مؤاخذه خداوند قرار خواهند گرفت

و لکن یؤاخذکم بما عقدتم الأیمن

امت اسلام بر این اتفاق نظر دارند که مؤاخذه بر سوگند و لزوم کفاره تنها در صورتی است که یاد کننده سوگند به آن وفادار نماند (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) فرزندانش

را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداوند و توجه دادن فرزندانش به وکالت او ، هشدار دادن آنان به مجازات الهی است.

کیفر خائنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۸

۸ رسوایی و مجازات خیانتکاران در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۹ - ۶

۶ در قیامت ، مانعی در برابر اجرای حکم الهی در مورد خائنان نخواهد بود .

فمن یجدل اللّه عنهم یوم القیمه ام من یکون علیهم وکیلا

کیفر خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۹

۹ خداوند پس از محاسبه اعمال و نیّات انسان ، وی را یا عفو خواهد کرد و یا عذاب .

و ان تبدوا . .. فیغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . .. و انفقوا ... و کان اللّه بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- نساء - ۴ - ۴۰ - ۵

۵ مجازات های الهی ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه یضاعفها

جمله <و ان تک حسنه> عطف بر جمله ای مقدر است ; یعنی <ان تک سیئهً فلا یجزی الا مثلها و ان تک حسنه . .. >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۳

۳ سبقت پاداش های الهی بر کیفر او

انّ الّذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم . .. و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخله

زیرا نسبت به وعید و کیفر، حرف <سوف> و در مورد پاداش، حرف <س> به کار رفته است.

کیفر خودکشی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ حضور جاودانه در آتش دوزخ ، پیامد و مجازات خودکشی

فسوف نُصلیه ناراً

امام صادق (ع): من قتل نفسه متعمداً فهو فی نار جهنّم خالداً فیها قال اللّه تعالی: <و لا تقتلوا انفسکم . .. فسوف نصلیه ناراً>.

من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۷۴، ح ۲۳، ب ۱۷۹ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۴، ح ۱۲.

کیفر خویشاوندان رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۲ - ۴

۴ - رهبران دینی ، نباید به خاطر خویشاوندی و روابط نسبی از مؤاخذه مقصران چشم پوشی کنند .

قال یهرون ما منعک

کیفر خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۱،۱۵،۱۶

۱۱ خیانتکاران ، دریافت

کنندگان کامل (بدون کم و زیاد) جزای رفتار ناپسند خویش ، در روز رستاخیز

و من یغلل . .. ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لایظلمون

۱۵ هر کس در چیزی خیانت کند ، در قیامت آنرا در جهنّم دیده و باید در آتش جهنّم رفته و آن را بیرون آورد .

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه

امام باقر (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. و من غلّ شیئا رآه یوم القیمه فی النّار ثمّ یکلّف ان یدخل الیه فیخرجه من النّار.

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۲۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۴۱۷.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول کلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

کیفر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۵ - ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . .. لتجزی

كلّ نفس

<لتجزی>یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أکاد أخفیها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفیها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملك یومئذ للّه یحکم بینهم . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ – قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۲

۱۲ – قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسّیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۳ – ۱۰،۱۱،۱۲

۱۰ – هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۱ – در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۲ – در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است * .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۸

۸ – قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات

- ۳۷ - ۲۰ - ۳

۳ - قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّا لمدینون

آمـدن عبارت <مـدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است; نه صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که

هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۹ – ۲

۲ – قیامت و گرد آمدن انسان ها در آن روز ، برای محاکمه و مجازات ، شایان یاد و یادآوری

یوم یجمعکم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که <یوم> متعلّق به فعل مقدّر <اذکر> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۶ – ۲

۲ – قیامت ، روز جزا و حسابرسی است .

بیوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۳

۳ – پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۷ – ۴

۴ - قیامت ، روز جزا و رسیدگی به اعمال است .

یوم الدین

<دین> به معنای شریعت، طاعت و جزا است و از آن جا که دین به معنای <شریعت>، در قیامت مورد ندارد، <یوم الدین>، به معنای روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسیدگی و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۸ - ۴

۴ - قیامت ، روز کیفر دادن اعمال

است .

یوم الدین

کیفر درخواست رؤیت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۹

۹ - درخواست مشاهده خداوند در پی دراننده کیفر الهی است .

حتی نری اللّه جهره فأخذتکم الصعقه

کیفر دردناک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۹

۹ - پروردگار ، هم دارای بخشایش و هم دارای عقابی دردناک است .

إنّ ربّک لذو مغفره و ذو عقاب ألیم

کیفر دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

کیفر دروغگو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - < قال الصادق (ع) : إذا سأل عن صدقه على أيّ وجه قاله ، فيجازى بحسبه فكيف يكون حال الكاذب . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: در صورتی که راستگو، از راستگویی اش سؤال شود که به چه انگیزه ای بوده است؟ و بر حسب آن جزا داده شود، حال دروغگو چگونه خواهد بود. ..؟>.

کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰ - ۸

۸ کیفر دمسازان با دروغ ، عذابی است دردناك

و لهم عذاب الیم بما کانوا یکذبون

<باء> در <بما کانوا> سببیه است و <ما> مصدریه می باشد; یعنی: و لهم

عذاب الیم بسبب کذبهم المستمر.

کیفر دروغگویی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۰ – ۱

۱ – دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاک أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

کیفر دزد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ عقوبت سارقان و آمرزش آنان به صورت توبه و اصلاح خویش ، از جمله مشیت های الهی

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

مصداق مورد نظر برای <من یشاء>، با توجه به آیات پیشین، زن و یا مردی است که مرتکب سرقت شود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۴ – ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این

است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

کیفر دزد در دین یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۲

۲ < استرقاق > کیفر سارقان در شریعت یعقوب

فهو جزؤه کذلک نجزی الظلمین

جمله <کذلک نجزی الظلمین> اشاره به این مطلب دارد که آنچه درباره کیفر سارق گفتیم ، مقتضای آیین ماست.

کیفر دزدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۳

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب

. ...

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۶،۱۵

۶ بریدن دست ، کیفری مناسب برای دزدان

فاقطعوا ایدیهما جزاء بما کسبا

<جزاء> به معنی مقابله کافی در برابر عمل است. (مفردات راغب)

۱۵ قطع انگشتان دست از انت ها ، بجز انگشت شست ، مجازات سرقت

و السارق و السارقه فاقطعوا ایدیهما

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از اینکه دست دزد از کجا باید قطع شود روایت شده: تقطع الاربع اصابع و تترک الابهام . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۲۵، ح ۱۷; نورالثقلین، ج۱، ص ۶۲۸، ح ۱۸۸.

کیفر دزدی در بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۶،۷

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

٧ < عن أبي عبدالله (ع) [في قوله تعالى] : < جزاؤه من وجد في رحله فهو جزاؤه

> : یعنون السّنه التی تجری فیهم أن یحبسه . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خدا که فرموده: <جزاؤه من وجد فی رحله فهو جزاؤه> روایت شده است: مقصود آنان ، سنت جاری بین آنان بوده که او را حبس کند . ..>.

کیفر دشمنان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۱۰ - ۷

۷ - ربوبیت خداوند ، مقتضی بعثت پیامبران و عقوبت دشمنان ایشان است .

فعصوا رسول ربّهم فأخذهم أخذه رابیه

کیفر دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۴

۴ عذاب شدید الهی ، کیفر ستیزه جویان با خدا و رسول

و من یشاقق اللّه و رسوله فإن اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۶

۱۶- < عن أبی عبدالله (ع) سئل عن قول الله : < أفأمن الذین مکروا السیّئات أن یخسف الله بهم الأرض > قال : هم أعداء الله و هم یمسخون و یقذفون و یسیخون فی الأرض ;

از امام صادق(ع) در باره سخن خداوند <أفأمن الذین مکروا السیّئات أن یخسف الله بهم الأرض> سؤال شد، حضرت در پاسخ فرمود: آنان دشمنان خداوندند. آنان مسخ شده و هدف قرار می گیرند و در زمین فرو می روند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای دشمنان خدا است .

ذلک جزاء أعداء اللّه النار

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۴ – ۳

۳ – کیفر های دنیوی ، ناکافی برای مجازات ستیزکنندگان با خدا و رسول او

و لولا أن کتب اللّه علیهم الجلاء . .. و لهم فی الأخره عذاب النار . ذلک بأنّهم ش

کیفر دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ هزیمت و شکست ، فرجام شوم و کیفر قطعی برای تمامی کافران و دشمنان ایستاده در برابر دین الهی

و عذّب الذین کفروا و ذلک جزاء الکفرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۶ – ۱۲،۱۳

۱۲– < عن أبی جعفر (ع) فی قول الله : < فأتی الله بنیانهم من القواعد > قال : کان بیت غدر یجتمعون فیه ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <فأتی الله بنیانهم من القواعد> فرمود: [آن بنیان] خانه خیانتی بود که در آن اجتماع می کردند>.

۱۳– < عن ابی جعفر (ع) فی قوله : < قد مکر الذین من قبلهم فأتی الله بنیانهم من القواعد > فخّر علیهم السقف من فوقهم و أتاهم العذاب من حیث لایشعرون قال : بیت مکرهم أی ماتوا فألقاهم الله فی النار . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <. .. فأتی الله بنیانهم من القواعد...> فرمود: مقصود این است که خدا خانه مکرشان را ویران کرد; یعنی، مردند و خدا آنان را در آتش افکند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲

- ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۲

۲ - گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیّضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیّضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

کیفر دشمنان فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۹،۶

۶ - میخکوب کردن به زمین هنگام مجازات ، شیوه فرعون در سرکوب مخالفان

و فرعون ذی الأوتاد

ممکن است فرعون از آن جهت به <ذی الأوتاد> توصیف شده باشد که مخالفان خود را، به چهار میخ می کشید و شکنجه می داد.

۹ - < عن أبان الأحمر قال : سألت أباعبداللّه (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ < و فرعون ذی الأوتاد > لأیّ شیء سمّی ذاالأوتاد ؟ قال : لأنّه کان إذا عذّب رجلًا بسطه علی الأرض علی وجهه و مدّ یدیه و رجلیه فأوتدها بأربعه أوتاد فی الأرض و ربّما بسطه علی خشب منبسط فوتّد رجلیه و یدیه بأربعه أوتاد ثمّ ترکه علی حاله حتّی یموت فسمّاه اللّه عزّوجلّ < فرعون ذی الأوتاد > لذلک ;

از ابان احمر روایت شده که گفت: از امام صادق(ع) درباره این سخن

خداونـد عزّوجـلّ <و فرعون ذی الأوتـاد> پرسـیدم: برای چه چیز ذی الاوتاد نامیـده شـد؟ فرمود: برای این که وقتی مردی را شکنجه می داد، او را بر صورت بر زمین می خوابانـد و دست ها و پاهایش را می کشـید و با چهار میـخ در زمین می کوبیـد و چه بسا او را روی چوب پهنی می خوابانـد و چهار دست و پای او را با چهار میخ می کوبید آن گاه او را به همان حال رها می کرد تا بمیرد. پس خداوند عزّوجلّ از این جهت او را فرعون ذی الاوتاد نامید>.

کیفر دشمنان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۴

۴ عذاب شدید الهی ، کیفر ستیزه جویان با خدا و رسول

و من یشاقق اللّه و رسوله فإن اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۳

۳ - کیفر های دنیوی ، ناکافی برای مجازات ستیزکنندگان با خدا و رسول او

و لولا أن کتب اللّه علیهم الجلاء . .. و لهم فی الأخره عذاب النار . ذلک بأنّهم ش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۴ - ۶،۹

۶ - خداوند ، مراقب کردار مخالفان پیامبر (ص) و در کمین آنان است .

ألم تر . .. إنّ ربّک لبالمرصاد

۹ - تهدیـد مخالفان پیامبر (ص) و سـرکوب آنان از سوی خداوند ، جلوه ربوبیت او بر پیامبر (ص) و در راسـتای تدبیر امور رسالت آن حضرت است .

ربّک

فعل

<رَبَّ>، زمانی به کار می رود که شخص اداره کاری را به دست گیرد و به تدبیر آن برخیزد (مصباح). بر این اساس کلمه <ربّ>، به معنای مدبّر است و اضافه آن به ضمیری که خطاب به رسول اکرم(ص) می باشد، بیانگر تأثیر کار خداوند در شؤون پیامبری آن حضرت است.

کیفر دشمنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۳ - ۲۴

۲۴ آتش دوزخ ، سرانجام تفرقه و دشمنی انسان ها نسبت به یکدیگر *

و کنتم علی شفا حفره من النار فانقذکم منها

محتمل است منظور از <النار>، آتش دوزخ باشد.

کیفر دشمنی با آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۹ - ۱

۱ - کیفر مخالفت های لجوجانه و عنادآمیز با آیات الهی ، از دست دادن استعداد هدایت است .

لیقولنّ الذین کفروا إن أنتم إلاّ مبطلون . کذلک یطبع اللّه علی قلوب الذین لایعلمو

<طبع> همانند <ختم>، در لغت، به معنای <اثر پدید آمده از نقش (مهر دارای خطوط برجسته)> است و مجازاً، در بستن و مهر و موم کردن چیزی استعمال می شود (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۶ - ۷

۷ - استکبار و عناد در برابر آیات الهی ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فاستکبروا . .. و کانوا بأیتنا یجحدون . فأرسلنا علیهم ریحًا

کیفر دشمنی با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۰ - ۵

۵ - مخالفت عمدی و ستیزه جویانه کافران با پیامبران

، موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب الهی

قالوا أَوَ لم تکُ تأتیکم رسلکم بالبیّنت قالوا بلی قالوا فادعوا و ما دعؤا الکفر

اعتراف کـافران دوزخی به این که به پیامبران و دلایل روشن آنان دست یافته بودنـد، نشان می دهـد که مخالفت آنان با تعالیم آسمانی، از روی عمد و ستیزه جویانه بوده است و همین موجب دوزخی شدن و محرومیت آنان از تخفیف در عذاب گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۳۹ - ۷

۷ عذاب استیصال ، کیفر تکذیب پیامبران الهی و رویارویی با ایشان

بل کذبوا . .. فانظر کیف کان عقبه الظلمین

کیفر دشمنی با توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۸

۸ - مخالفت با دعوت توحیدی پیامبر (ص) ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

کیفر دشمنی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۹

۹ – معارضه و ستیز با خداوند ، دارای کیفری سخت و سهمگین

و من یشاقّ اللّه فإنّ اللّه شدیدالعقاب

کیفر دشمنی با

محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۱

۱ دشمنی و مخالفت با رسول خدا (ص) ، موجب عذاب جهنم

و من یشاقق الرسول . .. نوله ما تولی و نصله جهنم و ساءت مصیراً

<یشاقق> از ماده <شقق>، به معنای مخالفت کردن و دشمنی نمودن است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۲ - ۹

۹ مشرکان ، به دلیل مقاومت و خیره سری در برابر دعوت پیامبر (ص) ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

و سوف یعلمون حین یرون العذاب من أضلّ سبیلاً

جمله <و سوف یعلمون حین یرون العذاب. ..> برای تهدید مشرکان لجوج به عذاب، بیان شده است و این عذاب هم می تواند در دنیا باشد (مانند شکست سخت آنان به دست مسلمانان در جنگ بدر) و هم می تواند عذاب اخروی باشد.

کیفر دشمنی با معجزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۵

۵ - مبارزه خصمانه با معجزات الهی ، درپی دارنده کیفری سخت

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

کیفر دنیاطلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۶ - ۳

۳ - برگزیدن دنیا در قبال از دست دادن آخرت ، در پی دارنده عذابی تخفیف ناپذیر است .

أولئك . .. فلا يخفف عنهم العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۸ - ۴

۴- مهر شدن قلب و قوای شنوایی

و بینایی (محرومیت از درک حقایق) ، کیفر ترجیح دهندگان زندگی دنیا بر آخرت

استحبّوا الحیوه الدنیا . .. أُولئک الذین طبع الله علی قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۸ – ۲۵

۲۵– غفلت از یاد خدا ، کیفر الهی برای دنیاگرایان دل بسته به جلوه های مادّی است .

ترید زینه الحیوه الدنیا و لاتطع من أغفلنا قلبه عن ذکرنا

توصیف دنیازدگان به کسانی که قلب شان از یاد خدا غافل است، گویای ارتباط غفلت قلب با دنیازدگی است و اسناد اغفال به خداوند (اغفلنا) کیفر بودن آن را می رساند.

کیفر دنیاطلبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۹ – ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه . .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

کیفر دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۲۳

۲۳ – گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الأخره عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹ - ۹

۹ عقوبت دنیوی و اخروی در کمین پایمال کنندگان حقوق یتیمان

ولیخش الّذین لو ترکوا من خلفهم . .. فلیتّقوا اللّه

جمله <ولیخش . .. >، اشاره به کیفر دنیوی است و جمله <فلیتّقوا اللّه> (از خدا

بترسید)، دلالت بر استحقاق عقوبت اخروی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱۷

۱۷ اجرای حدود و مجازات های دنیوی ، مستلزم رهایی از عذاب اخروی نیست .

لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۵ – ۳

۳ ستمگری امتهای پیشین، عامل نابودی آنان با کیفرهای دنیوی (عذاب استیصال) شد.

کم من قریه أهلکنها . .. قالوا إنا کنا ظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۴ – ۴

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳۳ – ۴

۴ – کیفر و عذاب خداوند در آخرت ، بزرگ تر و با عظمت تر از عذاب و کیفر دنیوی او است .

و لعذاب الأخره أکبر

کیفر دنیوی ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۵ – ۲

۲– طرد از درگاه الهی و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنک رجیم . و إن علیک اللعنه إلی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵

- ص - ۳۸ - ۷۸ - ۲

۲ - طرد از درگاه خداوند و گرفتار شدن به لعن و نفرین ابدی ، کیفر دنیوی ابلیس

فإنّک رجیم . و إنّ علیک لعنتی إلی یوم الدین

خداوند در هشت آیه بعد، ابلیس را به عذاب جهنم تهدید و محکوم کرد. این نکته می رساند که طرد و نفرین ابلیس آن هم با آمدن قید <إلی یوم الدین> مربوط به کیفر دنیایی او است.

کیفر دنیوی اشاعه فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۹ - ۷

۷ - حکم خداوند مبنی بر کیفر دنیوی و اخروی اشاعه دهندگان فحشا و سخت گیری نسبت به آنان ، ناشی از علم و آگاهی او به حکمت و پیامد کار ها و رفتار ها است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم فی الدنیا و الأخره و اللّه ی

برداشت یاد شده بر اساس این نکته است که مفعول <یعلم> و <تعلمون> حکمت و پیامد همین حکم باشد; یعنی، شما نمی دانید که چرا خداوند تا این اندازه نسبت به اشاعه فحشا، واکنش سخت نشان می دهد و حکمت این سخت گیری چیست؟ تنها خداوند به آن آگاهی دارد.

کیفر دنیوی اصرار بر کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً

فی الدنیا و الأخره

کیفر دنیوی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمـامی اقوام تکـذیب گر (چون قوم نوح) ، به خـاطر مبـارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

کیفر دنیوی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۲ - ۲

۲ خداوند ، گوساله پرستان بنی اسرائیل را به پدید آوردن ذلتی شدید در زندگی دنیوی آنان تهدید کرد .

إن الذین اتخذوا العجل سینالهم . .. ذله فی الحیوه الدنیا

کیفر دنیوی تبعید انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۷ - ۲

۲- تبعید رسولان الهی ، دارای عقوبت سخت دنیوی

إذًا لایلبثون خلفک إلّا قلیلًا سنّه من قد أرسلنا قبلک من رسلنا

کیفر دنیوی حق ناپذیران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسـان هـای ناسـپاس و روی گردان از حق ، هیـچ گـاه و در هیـچ شـرایطی ، از عـذاب و کیفر دنیوی خداونـد ، در دریـا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر دنیوی رهبران گمراهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۷

۷ - پیشوایان گمراهی ، با مجازات دنیوی از مجازات اخروی معاف نخواهند شد .

فی الحیوه

. .. لامساس و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

کیفر دنیوی سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۶

۶ - سامری علاوه بر کیفر دنیوی ، مجازاتی حتمی و تخلف ناپذیر نیز در آخرت خواهد داشت .

لک فی الحیوه . .. و إنّ لک موعدًا لن تخلفه

<موعد> در معانی <وعده>، <زمان وعده> و <مکان وعده> استعمال می شود و مقصود از آن برحسب ظاهر، عذاب موعود در قیامت است.

کیفر دنیوی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۷

۷ جوامع ستمگر ، در معرض گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و در خطر هدف قرار گرفتن سنگ های عذاب

و ما هی من الظلمین ببعید

<هی> می تواند به قریه یا قریه هایی که از سیاق کلام برمی آید، باز گردد و می تواند به <حجاره> در آیه قبل ارجاع شود. معنای جمله <و ما هی ...> بنابر احتمال دوم چنین است: آن سنگهای کذایی دور از ستمگران نیست; یعنی، ستمگران در معرض چنین عذابهایی اند و آن گونه سنگها برای آنان مهیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۴

۱۴- مصلحت بقای حیات در زمین ، مهمتر از مصلحت عقوبت دنیوی ظالمان

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترک علیها من دابّه و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۵ – ۱۴

۱۴ – انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد

الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب أليم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب أليم> کیفر دنیوی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۴

۴ - بیشتر ظالمان ، بی خبر از کیفر های دنیوی و اخروی خویش

و لكنّ أكثرهم لايعلمون

کیفر دنیوی ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۰ - ۶

۶ - ظلم و بیدادگری ، پی آمدی شوم و سرنوشتی هلاکت بار در دنیا

فأخذنه و جنوده فنبذنهم فی اليمّ فانظر كيف كان عقبه الظلمين

کیفر دنیوی عصیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴ - امت های گنهکار و متمرد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نكلا لما بين يديها و ما خلفها

کیفر دنیوی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۸

۸ ترک عمل به وظیفه و ادعای انجام آن و انتظار ستایش در برابر عملی که انجام نشده ، ناپسند و موجب عذاب دنیا و آخرت است .

و یحبّون ان یحمدوا . .. فلا تحسبنّهم بمفازه من العذاب و لهم عذاب الیم

تکرار کلمه عذاب دلالت بر این دارد که آنها به دو عذاب گرفتار می شوند، و به نظر می رسد یکی از آن دو،

عذاب دنیوی و دیگری عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

کیفر دنیوی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذًا وبيلًا

<وبیل> به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

کیفر دنیوی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۹ - ۴

۴ جزایی که در دنیا نصیب فرعونیان شد ، عطیه ای شوم و نیز سزایی که در آخرت بدان خواهند رسید ، سزایی نامیمون است .

و أُتبعوا فی هذه لعنه و یوم القیمه بئس الرفد المرفود

در آیه شریفه ، سزا و کیفر تحکماً و از روی استهزا به <رفد> (عطیه و بخشش) تشبیه شده است.

کیفر دنیوی قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند

.

كذّبت قبلهم قوم نوح . .. ليدحضوا به الحقّ فأخذتهم

كيفر دنيوى كافران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۱۳ – ۲

۲ مخالفت و دشمنى مشركان مكه با خدا و رسول او مايه فرمان الهى به سركوبى و نابودى آنان

ذلك بأنهم شاقوا اللّه و رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۴۸ – ۱۹

۱۹ شكست كافران جنگ بدر نمودى از عقوبت شديد خداوند براى آنان

و اللّه شديد العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۷،۹

۷ هلاكت امت هاى كفرپيشه گذشته تاريخ ، نمودى از قدرت خدا بر كيفر دنيوى منافقان و كافران هر عصر

ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفكت

۹ كيفر دنيوى و اخروى كافران و منافقان ، از سنت هاى ثابت الهى

أولئك حبطت أعملهم فى الدنيا و الأخره . .. ألم يأتهم نبأ الذين من قبلهم قوم نوح .

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – رعد – ۱۳ – ۴۰ – ۱۱

۱۱ حسابرسى و مجازات كفرپيشگان و منكران رسالت در دنيا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۳ - ۳

۳ - چشاندن بخشی از کیفر دنیایی به کافران ، نمودی از رحمت الهی و وسیله ای

برای هدایت آنان

ردف لکم بعض الذی تستعجلون . و إنّ ربّک لذو فضل علی الناس

همان طور که در آیه پیش گفته شد، مراد از <الذی تستعجلون> می تواند تنها عذاب دنیوی باشد. بنابراین عبارت <بعض الذی تستعجلون> به معنای گوشه ای از مجازات دنیایی است. با توجه به مطلب یاد شده می توان گفت که یادآوری بذل و رحمت الهی بر مردم، پس از بیان <ردف لکم بعض الذی تستعجلون> از آن جهت است که مشاهده گوشه ای از مجازات الهی، بیدارگر و هشدار دهنده است; برخلاف نزول تمامی عذاب که در آن مجالی برای توبه و انابه باقی نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۳ - ۱۱

۱۱- وجود کیفر های دنیوی برای بسیاری از کافران ، افزون بر عذاب اخروی آنان

و الذین کفروا . .. و النار مثوًی لهم . و کأیّن من قریه ... أهلکنهم

از ارتباط این آیه با آیه قبل، استفاده می شود که خداوند تمامی کیفر کافران را به آخرت واننهاده و آنان را در دنیا به کلی رها نساخته است; بلکه بسیاری از آنان را به کیفر کفرشان هلاک ساخته و می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۶،۷

۶ - کافران ، گرفتار کیفر های دنیوی و بیشتر آنان ، غافل از منشأ گرفتاری های خویش *

للذین ظلموا عذابًا . .. و لکنّ أکثرهم لایعلمون

در صورتی که <عذاباً دون ذلک> نظر به کیفر دنیوی داشته باشد، احتمال می رود که <أکثرهم لایعلمون> به این معنا باشد که کافران به

رغم ابتلا به این کیفرهای الهی، معمولاً توجه ندارند که علت آن، کفر ایشان است.

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ، سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

کیفر دنیوی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۳ - ۱

۱ خداوند فرعونیان را پس از اعلام صریحشان بر ایمان نیاوردن به موسی (ع) ، به عذاب های متعدد گرفتار ساخت .

فما نحن لک بمؤمنین. فأرسلنا علیهم ... ءایت مفصلت

کیفر دنیوی کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۲

۲- انسان های ناسپاس و روی گردان از حق ، هیچ گاه و در هیچ شرایطی ، از عذاب و کیفر دنیوی خداوند ، در دریا و خشکی در امان نیستند .

فلمّا نجّکم إلی البرّ أعرضتم . .. أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری

کیفر دنیوی گرایش به ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۵

۵- کمترین تمایل به کافران از سوی رهبران دینی ، گناهی نابخشودنی و دارای کیفری مضاعف در دنیا و آخرت

لقد کدتّ ترکن إلیهم شیئًا قلیلًا. إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

کیفر دنیوی گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ – احتمال تحقق

عقوبت و عذاب گناه در دنیا

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶ - ۱۶

۱۶ انحطاط و نابودی بسیاری از تمدنها پیش از اسلام به سبب گناه و ستیز با حق

ألم يروا كم أهلكنا من قبلهم . ... فأهلكنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- ارتکاب برخی از گناهان ، عذاب دنیوی در پی دارد .

أفأمن الذين مكروا السيّئات أن يخسف الله بهم الأرض أو يأتيهم العذاب

کیفر دنیوی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۱۲

۱۲ - گنهکاران ، از گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی در امان نبوده و نباید احساس مصونیت کنند .

فأخذتكم الصعقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۶ - ۴

۴ - امت های گنهکار و متمرد از فرمان خدا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی و سرنوشتی شوم

فجعلنها نكلا لما بين يديها و ما خلفها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۳۰

۳۰ – گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی در خطر گرفتار شدن به کیفر های دنیوی نیز هستند .

فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۲۳

۲۳ – گنهکاران علاوه بر عذاب اخروی ، در خطر گرفتار شدن به عقوبت های دنیوی نیز هستند .

لهم فی الدنیا

خزی و لهم فی الأخره عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امکان گرفتاری گناهکاران به عقوبت گناهشان در دنیا

فانها محرمه علیهم اربعین سنه یتیهون فی الارض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۵

۵ - دنیا ، سرایی نیست که در آن بتوان گنه کاران را به کیفر گناهانشان رساند .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<یومئذ> ظرف و متعلق به <یوفّیهم> است. بنابراین تقدیم آن بر <یوفّیهم> یا به خاطر اهتمام به ذکر <قیامت> و یا برای بیان حصر می باشد. برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال دوم است; زیرا در این صورت معنای آیه چنین می شود: تنها در آن روز (قیامت) است نه روزی دیگر (دنیا) که خداوند، جزای آنان را به صورت تام و کامل خواهد داد.

کیفر دنیوی محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

کیفر دنیوی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۲ - ۵

۵ - کیفر دنیوی خداوند درباره مشرکان ، پس از اتمام حجت بر آنان است .

أو نرینّك الذی وعدنهم

از این که خداوند تحقق کیفر خویش را پس از ابلاغ وعده

عذاب به مشرکان (وعدناهم) مطرح می کند، مطلب بالا استفاده می شود.

کیفر دنیوی مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

<کم> در <ذلکم> خطاب به مشرکان و <ذا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلکم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للکافرین ... > <عقابکم فی الدنیا> است.

کیفر دنیوی مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱۶

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندك و ناچیز است .

ذلك لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۱۱

۱۱- ذلّت و شکست ، مجازات دنیوی فسادانگیزان و عذاب حهنّم ، کیفر اخروی آنان است .

لتفسدنّ فی الأرض . .. و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

کیفر دنیوی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۴ - ۵

۵ خداوند ، قوم نوح (ع) را به خاطر تکذیب آیاتش ، با غرق کردن در آب به هلاکت رساند .

و أغرقنا الذین کذبوا بایتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد -

۱۳ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ حسابرسی و مجازات کفرپیشگان و منکران رسالت در دنیا

و علینا الحساب

از آن جا که مقصود از تهدیدهای اشاره شده در این آیه عذابهای دنیوی است ، معلوم می شود مراد از حساب در جمله <علینا الحساب> نیز حسابرسی در دنیاست.

کیفر دنیوی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی ; در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۰ - ۷،۹

۷ هلاکت امت های کفرپیشه گذشته تاریخ ، نمودی از قدرت خدا بر کیفر دنیوی منافقان و کافران هر عصر

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح . .. و المؤتفکت

۹ کیفر دنیوی و اخروی کافران و منافقان ، از سنت های ثابت الهی

أولئک حبطت أعملهم فی الدنیا و الأخره . .. ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم قوم نوح .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۲

۲ شادی اندک و رنج طولانی منافقان در دنیا ، بازتاب عملکرد آنان و کیفر الهی برای ایشان

فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً جزاء بما کانوا

یکسبون

برداشت فوق بدین احتمال است که خنده و گریه در <فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیراً> هر دو مربوط به دنیا باشد.

کیفر دنیوی منحرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - انحراف از حق و تجاوز به حقوق دیگران در محیط مسجد الحرام ، گناهی است بس بزرگ و کج روان و ستم کاران باید در انتظار کیفر سخت دنیوی باشند .

و من یرد فیه بإلحاد بظلم نذقه من عذاب ألیم

برداشت یاد شده بر این اساس است که مقصود از <عذاب ألیم> کیفر دنیوی نیز باشد.

کیفر دنیوی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۴ - ۲۱

۲۱ دشمنی و کینه یهود با یکدیگر ، کیفر و عقوبت دنیوی آنان

و القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۸ - ۴

۴- تحریم برخی از حلال ها بر یهود ، کیفر و بازتاب عملکرد ظالمانه خود آنان بود نه برخاسته از ستم الهی .

و علی الذین هادوا حرّمنا . .. و ما ظلمنهم و لکن کانوا أنفسهم یظلمون

کیفر دوستی با کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۴ - ۱۱

۱۱ کیفر الهی ، فرجام شوم دوستی با کافران و پذیرش سلطه آنهاست .

لاتتخذوا الکفرین أولیاء . .. ان تجعلوا اللّه علیکم سلطناً مبیناً

حجت آشکار خداوند، حکایت از این دارد که مقتضی کیفر و عقاب برای چنین افرادی فراهم است.

کیفر دین ستیزان

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۲ – ۲

۲ – تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

کیفر دین فروشان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۲

۲ – دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

کیفر دین فروشی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۷ – ۱۸

۱۸ علمای اهل کتاب به خاطر سوداگری بر سر عهد الهی و پیمان شکنی ، مستحق عذاب دردناک خداوند در قیامت

و من اهل الکتاب . .. انّ الذین یشترون ... و لهم عذاب الیم

کیفر ذلت بار ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۱۷

۱۷ ظالمان نمی توانند خود را از مهلکه مردن و عذاب خوارکننده پس از آن رهایی بخشند.

و الملئکه باسطوا أیدیهم أخرجوا أنفسکم الیوم تجزون عذاب الهون

جمله <أخرجوا انفسکم> خطاب ملائکه به ظالمان است، که اگر می توانید خود را از این مهلکه نجات بخشید. این سخن

ملائکه از سر استهزا و بیان عجز ظالمان است.

کیفر ربا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۵ – ۱۶،۱۷

۱۶ باز گشت به رباخواری پس از آگاهی از حرمت آن ، موجب جاودانگی در آتش

فمن جاءه موعظه . .. و من عاد فاولئک

اصحاب النّار هم فيها خالدون

جمله <فمن جاءه موعظه> به اين معناست كه حكم الهى به او ابلاغ شود; يعنى پس از بيان حكم، به آن آگاهى يابد. گفتنى است جمله <و من عاد> در برداشت فوق، بازگشت به رباخوارى تفسير شده است.

۱۷ اعتقاد به همگونى بيع و ربا پس از بيان ربا و حكم آن ، موجب جاودانگى در آتش

قالوا انّما البيع . .. و من عاد فاولئك اصحاب النّار هم فيها خالدون

در برداشت فوق متعلق <عاد>، پندار غلط همسانى بيع و ربا گرفته شده است، بنابراين جمله <و من عاد . .. > به اين معناست: اگر كسى پس از بيان حكم الهى درباره ربا، همچنان بر اين پندار باشد كه بيع همانند رباست در آتش مخلّد خواهد بود. چون وى در حقيقت كافر است.

كيفر رباخوارى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳۸

۳ آتش دوزخ ، در انتظار كافران و رباخواران ، و آماده براى آنان

لا تاكلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتى اعدّت للكافرين

۸ همگونى عذاب رباخواران با عذاب كافران

لا تاكلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتى اعدّت للكافرين

كيفر رضايت به گناه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ - < عن ابن نُباته قال : سمعت أميرالمؤمنين (ع) على منبر الكوفه يقول : . . .أيّها الناس إنّما عَقَر ناقهَ صالح واحد فأصابهم اللّه بعذابه بالرضا و آيه ذلك قوله عزّوجلّ < . . .فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّيها . .

. < ;

اَصْبَغ بن نُباتَه گويـد: شـنيدم از اميرالمؤمنين(ع) كه بر منبر كوفه مى فرمود: <. ..اى مردم! همانا ناقه صالح را يك نفر [از قوم ثمود]پى كرد; ولى خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار كرد; چون به كار آن شـخص راضى بودند و دليل اين مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است <...فعقروها فدمدم عليهم ربّهم بذنبهم فسوّاها...>».

كيفر رهبران ظالم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۴ - ۱۰

۱۰ ذلت و خوارى، كيفر استكبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرميها . .. و إذا جاءتهم ءايه ... سيصيب الذين أجرموا صغار عنداللّه

كيفر رهبران ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۶ - ۱۱،۱۲

۱۱ هيچ كيفرى جز عذاب جهنّم ، نمى تواند حاكمان مفسد ، سرسخت ، متكبّر و مغرور را رام كند .

و اذا تولى سعى . .. فحسبه جهنم

۱۲ جهنّم ، كيفر حاكمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذير

و اذا تولى سعى . .. فحسبه جهنّم

كيفر رهبران فاسد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۸ - ۶

۶- رهبران و سردمداران فاسد و اغواگر درخور سرزنش و كيفرند .

ألم تر إلى الذين . .. و أحلّوا قومهم دار البوار

از اینکه خداوند در بیان سرنوشت شوم اقوام و ملتهای ناسپاس و کافر، رهبران آنها را مورد بحث قرار داد (أحلّوا قومهم . ..)، استفاده می شود که جرم آنان بیش از دیگر مردم بوده و سزاوار سرزنش و کیفری افزونترند.

کیفر رهبران منافقان

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۸

۸ امکان عفو عناصر غیر اصلی و خط گیرنده نفاق و غیر قابل بخشش بودن جرم عناصر اصلی و خط دهنده *

إن نعف عن طائفه . .. نعذب طائفه ... بعضهم من بعض

<بعضهم من بعض> تحت تأثیر بودن برخی از منافقان از برخی دیگر را افاده می کند و نیز این آیه تفسیر آیه قبل می باشد و علت عفو گروهی و کیفر گروهی دیگر را بیان می نماید.

کیفر رهبران نفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۶ – ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

کیفر ریاکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۸ – ۳

۳ عذاب خوارکننده الهی ، کیفر انفاق کنندگان ریاکار

و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین ینفقون اموالهم رئاء النّاس

بنابر اینکه <الذین> عطف بر <الکافرین> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۹ – ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . .. و انفقوا ... و

كان اللّه بهم عليماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۴

۴ کیفر بخیلان و ریاکاران (عذاب ، محرومیت از محبت خداوند ، همراهی با شیطان) ، بازتاب عمل خود آنان است ، نه ستمی از جانب خداوند .

انّ اللّه لا یحبّ . .. الذین یبخلون ... و الذین ینفقون اموالهم رئاء النّاس ... و

جمله <انّ اللّه . .. > می تواند پاسخی باشد برای این سؤال که چرا خداوند مردم را به عذاب و ... مبتلا می کند. خداوند می فرماید این عذابها ناشی از ستم او نیست، بلکه دستاورد خود بخیلان است.

کیفر زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۶،۷،۱۱،۱۴،۱۵،۱۷،۱۸

۶ کیفر فحشا (زنا ، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

۷ حبس ابد ، کیفر فحشای زنان شوهرداری که شوهرشان مسلمان باشد .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت حتّی یتوفیهنّ الموت

چنانچه مراد از <کُم>، مردان مسلمان باشند ; ظاهراً مقصود از <نساء> همسران آنان خواهد بود. بنابراین، حکم مذکور، شامل زنان بی شوهر نخواهد شد.

۱۱ کیفر حبس ابد برای زنا و همجنس بازی زنان ، مشروط به شهادت چهار مرد مسلمان است .

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فاستشهدوا علیهنّ اربعه منکم فان شهدوا

چون مخاطبان

<منکم> مسلمان هستند، معلوم می شود که شاهد در مورد فحشا، باید مسلمان باشد و چون ضمیر مذکّر به کار رفته، معلوم می شود که گواهان بر زنا و همجنس بازی باید مرد باشند.

۱۴ نوید خداوند به نسخ کیفر زنا (حبس ابد)

و الّتی یأتین الفاحشه . .. فامسکوهنّ ... او یجعل اللّه لهنّ سبیلاً

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتّی یتوفّیهنّ الموت او یجعل اللّه لهُنّ سبیلا

جمله <او یجعل اللّه . .. >، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد ; و لام در <لهنّ>، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

۱۷ حکم خدا (شلاق) در مورد فحشای زنان ، ناسخ حکم حبس ابد در مورد آنان

والّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنّ فی البیوت حتی یتوفیهنّ الموت او یج

امام صادق (ع) درباره <سبیل> در آیه فوق فرمود: منسوخه و السبیل هو الحدود.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۰ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۲.

۱۸ حبس ابد و محرومیت از گفتگو و همنشینی ، کیفر منسوخ شده فحشای زنان

فامسکوهنّ فی البیوت

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: هذه منسوخه . .. کانت المرأه ... ادخلت بیتاً و لم تحدث و لم تکلّم و لم تجالس و اوتیت فیه بطعامها و شرابها حتی تموت ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نساء - ۴ - ۱۶ - ۳،۴

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و الّتی یأتینَ الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنّ فی البیوت ... و الّذان یأتیانها

با توجّه به برداشت قبل و توضیح آن.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

کیفر زناکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵ - ۱،۳

۱ کیفر زن در صورت ارتکاب زنا ، حبس ابد است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

<الفاحشه> به معنای کار زشت است و الف و لام آن اشاره به عمل خاصی است که به مناسبت مورد، مراد از آن زناست و می تواند مساحقه را نیز شامل شود.

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد ، به حبس ابد محکوم می شود .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

چنانچه <کُم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۵

۵ لزوم تداوم ایذای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا . .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار، توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲ – ۱،۲،۴

۱– صد ضربه شلاق با تازیانه چرمی ، کیفر هر یک از زن و مرد زناکار

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مأئه جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت یاد شده براساس کاربرد اول است.

۲– صد ضربه تازیانه بر پوست بدن هر کدام از زن و مرد زناکار ، کیفر کردار ناپسند آنان

الزانیه والزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مأئه جلده

۴– تساوی زن و مرد در حدود و کیفر زنا (صد تازیانه)

الزانیه و الزانی فاجلدوا کلّ وحد منهما مأئه جلده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳ – ۷

۷ – ممنوعیت ازدواج زناکاران با مؤمنان ، یکی دیگر از کیفر های الهی درباره آنان

الزانی لاینکح إلاّ زانیه أو مشرکه و الزانیه لاینکحها إلاّ زان أو مشرک

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه فوق و آیه پیشین، در مقام بیان کیفر گناه زنا است و در واقع بیانگر این نکته است که گناه زنا، دارای دو کیفر دنیوی است: ۱ صد ضربه شلاق، ۲ محرومیت از ازدواج با مؤمنان.

کیفر زنان منافق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

کیفر زنای باکره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۵

۱۹ صد تازیانه و یک سال تبعید ، کیفر فحشای زنان باکره و صد تازیانه و رجم ، کیفر فحشای زنان غیر باکره

او یجعل اللّه لهُنّ سبیلا

رسول خدا (ص) فرمود: قد جعل اللّه لهن السبیل البکر بالبکر جلد مأه و تغریب عام و الثیب بالثیب جلد مأه و الرجم.

مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۲.

کیفر زنای محصنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۳

۳ تفاوتِ کیفر فحشای زنان شوهردار و بی شوهر

و الّتی یأتینَ الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنّ فی البیوت ... و الّذان یأتیانها

با توجّه به برداشت قبل و توضیح آن.

کیفر سامری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۹۷ - ۴

۴ - قطع رابطه با مردم و منزوی و مطرود جامعه شدن ، کیفری سزاوار برای سامری

قال فاذهب فإنّ لک . .. لامساس

لام در <لک> بر استحقاق سامری دلالت دارد و با توجه به <نبذتها> (در آیه قبل) می توان گفت: رانده شدن از جامعه، کیفری مناسب برای گناه دور انداختن آثار رسالت از سوی سامری است.

کیفر سخت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم . فکیف إذا توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود

که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بازگشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلّفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلّف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۲،۴

۲ - مؤاخذه سخت و سنگین فرعون در دنیا از سوی خداوند

فأخذنه أخذًا وبیلاً

<وبیل> به معنای وخیم و سنگین است (مصباح المنیر).

۴ - عصیان و سرپیچی در برابر دعوت پیامبران ، موجب مؤاخذه سخت الهی است .

فعصی فرعون الرسول فأخذنه أخذًا وبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أکفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر سخت کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۵ - ۴

۴ - مؤاخذه سخت کافران و چشم پوشی از خطای مؤمنان ، برخاسته از سلطه خداوند بر

تمام هستی است .

إنّ بطش ربّک . .. و هو الغفور الودود . ذوالعرش

کیفر سخن بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۹ - ۴

۴- گفته ها و ادعا های بی اساس در مورد کفر و ایمان و آثار آنها ، دارای عقوبت و عذاب

سنکتب ما یقول و نمدّ له من العذاب

کیفر سستی در نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۴ - ۵

۵ - < قال رسول اللّه (ص) الصلاه عماد الدین . . . من ترک أوقاتها یدخل الویل و الویل واد فی جهنّم کما قال اللّه تعالی . . . < فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون . . . > ;

رسول خدا(ص) فرمود: نماز ستون دین است . .. هر کس وقت های نماز را [اعتنا نکرده و نماز را در آنها] ترک کند، داخل ویل می گردد و <ویل> درّه ای است در جهنم. همان طوری که خداوند تعالی فرموده: فویل للمصلّین . الذین هم عن صلاتهم ساهون>.

کیفر سوءاستفاده از اماکن غیرمسکونی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۹ - ۵

۵ - افرادی که بخواهند از قانون جواز و ورود به خانه های غیر مسکونی سوء استفاده کنند و نیتی جز بهره برداری از آنها داشته باشند ، به کیفر الهی تهدید شده اند .

لیس علیکم أن تدخلوا بیوتًا غیر مسکونه . .. و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

جمله <و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون>

که علم همه جانبه و فراگیر الهی به نهان و آشکار انسان را به وی یادآوری می شود هشداری است به کسانی که احکام یاد شده را رعایت نکنند و یا از آنها سوء استفاده کنند.

کیفر سوگند دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۲۴

۲۴ کسانی که قسم دروغ می خورند ، در آخرت نصیبی نداشته و عذابی دردناک در انتظار آنان است .

انّ الّذین . .. و ایمانهم ثمناً قلیلاً

امام صادق (ع)، در ضمن شمارش گناهان کبیره فرمود: و الیمین الغموس ; لأنّ اللّه عز و جلّ یقول <انّ الـذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم ثمنا قلیلا اولئک لا خلاق لهم فی الاخره . .. >.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۲۸۷، ح ۳۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۵، ح ۱۹۵.

کیفر شایعه پراکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۰ - ۲۰

۲۰ - شایعه پراکنی و برهم زدن آرامش روانی مردم ، کیفری سخت دارد .

و المرجفون فی المدینه لنغرینّک بهم ثمّ لایجاورونک فیها إلاّ قلیلاً

کیفر شدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۶

۱۶ - کیفر و مجازات الهی ، سخت و سهمگین است .

إنّ اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أکفره

مراد از <کفر> در <ماأکفره> ممکن است کفران نعمت های

خداونـد باشـد کـه آیـات بعـد به بعضـی از آنهـا اشـاره دارد. نفرین <قتـل الإنسـان> در معنـای عرفی آن که بیـان اسـتحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

کیفر شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۱ - ۱۷

۱۷ سرانجامِ شرک ، جهنّم است .

اولئک یدعون الی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۸ - ۱۴

۱۴ شرک ، از گناهان کبیره و موجب گرفتاری به آتش دوزخ

انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

امـام صـادق (ع) در معرّفی و شـمارش گناهـان کبیره فرمود: . .. و هنّ ممّـا اوجب اللّه عز و جـل علیهن النّار قال اللّه عزّ و جل: <انّ اللّه لا یغفر ان یشرک به ... >.

عقاب الاعمال "مترجم"، ص ۵۲۵، ح ۱، باب عقاب من اتی الکبائر ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۸۸، ح ۲۹۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ - ۳

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۱

۱ شرک ، انحراف و لغزش غیر قابل آمرزش

إنّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۲ – ۴

۴ بازخواست

و محاکمه مشرکان در قیامت به سبب شریک پنداشتن برای خداوند

أین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۸

۱۸ نوح ، نگران مبتلا شدن قومش به کیفر دنیوی (طوفان) بر اثر شرکورزی و ترک پرستش خداوند

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

بر اساس این احتمال که مراد از <یوم عظیم> زمان طوفان نوح باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۶۵ - ۱۳

۱۳ هود برحذردارنده قوم خویش از گرفتار شدن به عذاب های الهی به سبب پرستش نکردن خدای یکتا و پرهیز نکردن از گرایش های شرک آلود

أفلاتتقون

<اتقاء> مصدر <تتقون> به معنای گرفتن حفاظ برای دوری از مکروه و مانع شدن از رسیدن مکروه است. در اینجا به مناسبت مورد و تأیید آیات بعد (همانند آیه ۷۰)، مراد از مکروه، عذابهای الهی است، یعنی: أفلا تتقون عذاب اللّه.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۱

۱ خداوند ، در پی اصرار مردم مدین بر شرکورزی و نپذیرفتن تعالیم شعیب (ع) ، آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت .

و لما جاء أمرنا

مراد از <أمر> عذاب نازل شده بر قوم

شعیب است. اضافه آن به ضمیر <نا> حکایت از بزرگی آن عذاب دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را درپی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک ، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع ، همه جنبندگان را فرا می گیرد .

بربّهم یشرکون . .. کنتم تفترون . و یجعلون لله البنت ... و لو یؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۹ - ۵

۵ - شرک و انکار ربوبیت خدا ، گناهی نابخشودنی و گرفتار کننده به آتش دورخ است .

فالذین کفروا قطّعت لهم ثیاب من نار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۸

۸ - شرک ، گناهی بزرگ و دارای کیفری ویژه در نزد پروردگار

و من یدع مع اللّه . .. فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۳ - ۳

۳ - شرک و هم نشینی و هم فکری با مشرکان ستم پیشه ، عامل دخول در دوزخ

احشروا الذين . .. يعبدون . من دون اللّه فاهدوهم إلى صرط الجحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷

۱ - عذاب دوزخ ، کیفر شرک و استکبار ، در مقابل کلمه توحید

إنّهم کانوا إذا قیل لهم لا إله إلّااللّه یستکبرون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنهم کانوا إذا. ..> تعلیل برای جملات پیشین است که در آنها از دوزخی بودن کافران و مشرکان سخن به میان آمده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۳۹ - ۲

۲ - عذاب دردناک دوزخ ، کیفری عادلانه و متناسب با رفتار شرک آلود و استکبار در برابر حق

العذاب الألیم . و ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۴۷ - ۸

۸ - شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۹ - ۶

۶ - شرکورزی و تکذیب پیامبران الهی ، درپی دارنده آتش دوزخ است .

و یوم یحشر أعداء اللّه إلی النار

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در مورد تکذیب پیامبران بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۹

۹ - امت هایی از جن و انس در گذشته تاریخ بر اثر دشمنی با خداوند (شرکورزی ، انکار رسالت پیامبران و . . .) به عذاب الهی گرفتار شدند .

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم

من الجنّ و الإنس

کیفر شرک ستیزی در دوران اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۰ - ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنّهم إن یظهروا علیکم یرجموکم

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

کیفر شرک عبادی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۵

۱۵ - شرک و عبادت ناخالص خداوند ، امری محکوم و مورد مؤاخذه الهی

أولیاء ما نعبدهم إلاّ لیقرّبونا إلی اللّه زلفی إنّ اللّه یحکم بینهم فی ما هم فیه

کیفر شرک مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

کیفر شرک یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

کیفر شعر باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه –فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷ – ۱۴

۱۴ – ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء یتّبعهم الغاون . .. و

سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

کیفر شک در قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۷ - ۱۶

۱۶ شک و شبهه در راستی و درستی قرآن ، مایه گرفتار شدن به آتش دوزخ است .

فالنار موعده فلاتک فی مریه منه

کیفر شناسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۵ - ۱۸،۱۹

۱۸ زندانی کردن مجرمان و شکنجه و آزار آنان در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، امری معمول و متداول بود .

إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

۱۹ قصد تجاوز به همسران اشراف در مصر باستان ، موجب مجازات و کیفر بود .

ما جزاء من أراد بأهلک سوءًا إلا أن یسجن أو عذاب ألیم

کیفر شهوترانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ انسان ، ناتوان از تحمل عواقب انحراف از حدود الهی در روابط جنسی

و یرید الّذین یتّبعون الشّهوات ان تمیلوا میلا عظیماً . .. خلق الانسان ضعیفاً

جمله <خلق الانسان ضعیفاً> می تواند بیانگر علت لزوم پیروی از احکام الهی در ازدواج و اجتناب از پیروی هواپرستان باشد. یعنی قوانین الهی، جوامع را سبکبار خواهد کرد و انحراف از آن موجب مشقت خواهد شد و انسان توان تحمل آن مشقتها را ندارد.

کیفر شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹ – ۳

۳ – شیاطین ، موجوداتی مکلف و مسؤول و مورد کیفر و بازخواست الهی

و لهم عذاب واصب

برداشت یاد شده از مبتلا شدن به عذاب

و کیفر الهی به دست می آید; زیرا کیفر و عذاب بدون تکلیف و مسؤولیت، معقول نیست.

کیفر شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۳ - ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنّم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

کیفر صدّ از سبیل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۲۱

۲۱ ظلم ، جلوگیری از راه خدا ، به ناحق خوردن مال مردم ، موجب عقوبت های دنیوی و عذاب اخروی

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

کیفر صید در شنبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۶ - ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

کیفر طراحان توطئه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

کیفر طراحان گناه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۱۱ - ۱۹

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

کیفر طرد مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳،۶

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

۶ استحقاق عذاب الهی به خاطر طرد مؤمنان ، حقیقتی که همگان به دریافت و فهم آن توانایند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم أفلاتذکّرون

کیفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را درپی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

کیفر طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۸ - ۵

۵ - بازگشت انسان ها به خداوند و به کیفر رسیدن طغیان گران ، جلوه های ربوبیت خداوند و در راستای تدبیر امور انسان ها

است .

ربّك

ضمير خطاب در <ربك>، ممكن است خطاب به هر كس باشد كه سخن را مى شنود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۶ - ۵

۵ - گناهان زبانى و عملى طغيان گران ، گرفتار سازنده

آنان به کیفری ذلت آفرین

لیطغی . .. ناصیه کذبه خاطئه

<کذب> از مصداق های گناه زبانی می باشد و <خطا>، گناه عملی و یا شامل زبانی و عملی است.

کیفر طلااندوزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۴ – ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب أليم

کیفر ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۵ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، ستمکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند .

و اللّه علیم بالظلمین

هدف از بیان آگاهی خداوند به ستمکاران، تهدید آنان به عذاب می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۱ – ۲۰

۲۰ آتش دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم ستم پیشگان

و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۲ – ۱۲

۱۲ مجازات نکردن ستمگران ، ظلم بر ستمدیدگان است .

ذوقوا عذاب الحریق . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

برداشت فوق مبتنی است بر احتمال اوّل (عطف <انّ اللّه . .. > بر <ما قدّمت>)، است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰ - ۷

۷ آتشی سوزان و برافروخته ، فرجام پایمال کنندگان اموال یتیمان

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً .

.. و سیصلون سعیراً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۹ – ۱۱

۱۱ آتش همواره دوزخ ، جزای ستمگران و کیفری مناسب برای آنان

فتکون من اصحب النار و ذلك جزؤا الظلمین

<جزاء> در لغت به معنی کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۴ – ۲

۲ احضار ظالمان در قیامت و بازخواست و کیفر ایشان از وعده های تخلف ناپذیر خداوند

و ینذرونکم لقاء یومکم هذا . .. إن ما توعدون لأت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۴۱ – ۴

۴ گرفتار شدن ستمکاران به آتش دوزخ، سنت خداوند در کیفر آنان

و کذلك نجزی الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۴ – ۱۳

۱۳ در نظام جزایی خداوند ، حتی به ستمگران هم ظلم نخواهد شد .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. قضی بینهم بالقسط و هم لایظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۸ – ۶

۶ کیفر و مجازات ستمگران ، پرتوی از ربوبیت خداوند است .

أُولئک یعرضون علی ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۳

۳ کیفر ستم کاران و گنه پیشگان ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

مسوّمه عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت

های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۲ - ۸

۸عقوبت و سرزنش کسانی که در حق آدمی ستم کرده اند پس از اعترافشان به گناه و توبه از آن ، به دور از شأن نیکوکاران است .

لاتثریب علیکم الیوم

<الیوم> ظرف و متعلق به <تثریب> است و مراد از آن زمانی است که برادران یوسف به خطای خویش اعتراف نموده و از گناه خود توبه کردند (و إن کنّا لخاطئین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۲ - ۵

۵- تأخیر کیفر اصلی ظالمان به روز قیامت ، از سنت های خداوند است .

و لاتحسبنّ الله غفلًا عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۲

۲- مورد عقوبت قرار گرفتن انسان های ظالم ، نتیجه عمل خود آنان است .

و لو یؤاخذ الله الناس بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۷۸

۷- کیفر الهی به هنگام نزول ، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است .

فأغرقنه و من معه جمیعًا

۸- خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقنه و من معه جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <و من معه>

یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۹ - ۷

۷- جهنم ، کیفر تمامی ستمگران است .

نجزیه جهنّم کذلک نجزی الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها ظالمان و گنه کاران در معرض خطر کیفر و عقاب الهی

إنّی لایخاف لدیّ المرسلون . إلاّمن ظلم ثمّ بدّل حسنًا

از مفهوم <لایخاف لدیّ المرسلون> استفاده می شود که غیر از رسولان، هیچ شخص دیگری از عقاب الهی در امان نیست. عبارت <إلاّ من ظلم...> استثنا از این مفاد است؛ یعنی، همه ظالمان در معرض خطر قرار دارند، مگر کسانی که ستم کردند ولی آن را با انجام خوبی ها جبران نمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۱

۱ - ستم پیشگان و تجاوزگران به حقوق مردم ، سزاوار پیگرد ، مؤاخذه و مجازات می باشند .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۵

۵ - خلود در آتش ، جزای ستمکاران و ظالمان

أنّهما فی النار خلدَین فیها و ذلک جزؤا الظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۳۱ – ۱۰

۱۰ – رحمت و لطف خداوند به مؤمنان و کیفر و عذاب ظالمان از سوی او ، براساس علم و حکمت او است .

إنّ اللّه کان علیمًا حکیمًا . یدخل من یشاء فی رحمته و الظلمین

أعدّ لهم عذابًا أ

برداشت یاد شده، بر این فرض مبتنی است که جمله <یدخل من یشاء. ..>، خبر برای <إنّ> در <إنّ اللّه> و جمله <کان اللّه علیماً حکیماً>، معترضه و یا حال باشد. بر این اساس توصیف خداوند به علم و حکمت، اشاره به این دارد که کار خدا (رحمت یا عذاب)، مبتنی بر علم و حکمت است.

کیفر ظالمان دوران ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۷ - ۴

۴- ذوالقرنین ، به ایمان آوردن ظالمان ساحل دریا و دست برداشتن آنان از ظلم و فساد ، امیدوار بود و در مجازات آنان شتابی نداشت .

قال أمّا من ظلم فسوف نعذّبه

حرف <سوف> برای آینده است و فعل های شرط (<آمن> و <عمل>) در آیه بعد، قرینه این است که ذی القرنین، به احتمال ایمان آوردن ظالمان، در مجازات آنان تعجیل نکرده است.

کیفر ظالمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۲

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت معنای جمله چنین می شود: خداوند از روی ظلم جامعه ناآگاه را هلاک نمی کند. بنابراین هلاکت در صورت عدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

کیفر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ – خداوند ، ستمکاران را به سزای اعمالشان خواهد رساند .

و اللّه علیم بالظلمین

هدف از بیان

آگاهی خداوند به ستمکاران، تهدید آنان به عذاب می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۰ - ۱،۲

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۱

۲۱ حاکم اسلامی ، وظیفه دار برگزیدن یکی از مجازات های چهارگانه محارب ، با رعایت تناسب بین مجازات و جنایت وی

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق روایت شده: ذلک الی الامام یفعل به ما یشاء، قلت: فمفوض ذلک الیه؟ قال: لا، و لکن نحو الجنایه.

کافی، ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۱۶۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۶

۶ ستمگران و اعراض کنندگان از قوانین دین، علاوه بر عذابهای دنیوی به عذابهای آخرت نیز گرفتار خواهند شد.

و كم من قريه أهلكنها . .. إنا كنا ظلمين. فلنسئلن الذين أرسل

إليهم

هـدف از بيان بازجويى در قيامت، تهديـد ظالمان به عذابهاى اخروى است،$و كلمه <فاء> در <فلنسـئلن> بيانگر آن اسـت كه عذابهاى دنيا پايان مجازات آنان نيست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۵ - ۹

۹ ترک نهى از منكر و سكوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگرى ، داراى كيفرى شديد است .

أنجينا الذين ينهون عن السوء و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۳

۲۳- ستمگرى در پى دارنده عذابى بس دردناك

إن الظلمين لهم عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۷ - ۸

۸- افزايش گمراهى ، كيفر و پيامد ستم پيشگى است .

و يضلّ الله الظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم ، گناهى بزرگ و نابخشودنى و موجب كيفر سخت الهى در قيامت است .

يعمل الظلمون . .. ليوم تشخص فيه الأبصر . مهطعين مقنعى رءوسهم لايرتدّ إليهم طرف

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۴۷ – ۸

۸ – شرک و ظلم ، گناهی بس بزرگ و پیام دار عذابی سخت و فوق تصور بشر

و بدا لهم من اللّه ما لم یکونوا یحتسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵۱ – ۹

۹ – ناتوانی انسان ها در دنیا ، از دفع عذاب الهی و پیامد های هلاکت بار ستم خویش

و الذین

ظلموا من هؤلاء سيصيبهم سيّئات ماكسبوا و ما هم بمعجزين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۲ – ۳

۳ – ظلم و تجاوز به حقوق مردم حتی انسان های غیر مؤمن امری ناشایست و سزاوار پیگرد و انتقام است .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۵ – ۲۲

۲۲ – ظلم و ستمگری ، موجب جاودانگی انسان در آتش دوزخ است .

ألا إنّ الظلمین فی عذاب مقیم

کیفر ظلم جاهلانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۱ – ۹

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلك القری بظلم و أهلها غفلون

کیفر عجب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۸ – ۱۱

۱۱ عذاب دردناك الهی در انتظار خودپسندان و علاقه مندان به ستایش بیجا و چاپلوسی

لا تحسبنّ الّذین یفرحون . .. و یحبّون ... بمفازه ... و لهم عذاب الیم

کیفر عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۶ - ۲۱،۲۴

۲۱ سرپیچی از انجام کامل اعمال حج ، موجب گرفتار شدن به مجازات سخت الهی

و اتمّوا الحج . .. و اعلموا انّ الله شدید العقاب

۲۴ عدم رعایت تقوا و سرپیچی از تکالیف الهی ، موجب عقاب شدید خداوند

و اتمّوا الحج . .. و اتقوا اللّه و اعلموا انّ اللّه شدید العقاب

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۰ - ۱،۳،۴،۱۱

۱ تسلیم نشدن در برابر اوامر خداوند و پیروی از شیطان ، موجب عذاب الهی

ادخلوا فی السّلم کافه . .. هل ینظرون الا ان یأتیهم اللّه فی ظلل

<ان یاتیهم اللّه>، کنایه از عذاب الهی است ; به قرینه <فان اللّه عزیز حکیم> در آیه سابق.

۳ ابر ها ، از ابزار نزول عذاب الهی برای متمرّدان

ان یأتیهم اللّه فی ظلل من الغمام

۴ عذاب الهی بر متمرّدان ، با پوشش رحمت

هل ینظرون الا ان یأتیهم اللّه فی ظلل من الغمام

با توجّه به اینکه ابر، مظهر رحمت خداوند است ; امّا در آیه مزبور، به عنوان وسیله ای برای عذاب الهی معرّفی شده است.

۱۱ تهدید خداوند ، نسبت به کسانی که تسلیم فرمان های الهی نیستند و از شیطان پیروی می کنند .

و لا تتبعوا خطوات . .. هل ینظرون الا ان یأتیهم ... و الی اللّه ترجع الأمور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۲

۲ قیامت ، هنگامه ای عظیم و دهشتناک برای نابکاران

و اتّقوا یوماً ترجعون فیه الی اللّه

آوردن <یوماً> به صورت نکره، اشاره به عظمت آن روز دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۶ - ۸،۲۷

۸ مؤمنان در صورت انجام ندادن تکالیف الهی ، بر اثر فراموشی یا خطا و اشتباه ، خود را مستحق مؤاخذه می دانند .

ربّنا لا تؤاخذنا ان نیسنا او اخطأنا

درخواست گذشت از مؤاخذه، اعترافی ضمنی به استحقاق مؤاخذه است.

۲۷

امت های گذشته به علّت خطا و نسیان نسبت به تکالیف الهی ، مورد مؤاخذه و عقوبت قرار می گرفتند .

لا تؤاخذنا ان نسینا او اخطأنا و لا تحمل علینا اصراً کما حملته علی الّذین من قبلن

امیرالمؤمنین (ع): . .. و کانت الامم السالفه اذا نسوا ما ذکّروا به فتحت علیهم ابواب العذاب ... و اذا اخطأوا اخذوا بالخطأ و عوقبوا علیه ...

احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۲۸ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۰۶، ح ۱۲۲۷.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۵۲ – ۲۶

۲۶ سستی در نبرد با دشمن ، نزاع و پراکندگی و تخلف از دستورات فرماندهی ، گناه و موجب استحقاق عقاب

حتّی اذا فشلتم . .. و لقد عفا عنکم

ظاهر کلمه عفو این است که گناهی صورت گرفته باشد و گناه در این مورد همان سستی و نزاع و سرپیچی از دستورات فرماندهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۰ – ۱۵

۱۵ تناسب عذاب و عقوبت اخروی ، با گناه و عصیان

سیطوّقون ما بخلوا به یوم القیمه

طوق شدن اموال بخیلان بر گردن آنان به دلیل دلدادگی و وابستگی شدید آنان به اموال می باشد، و این حاکی از تناسب عذاب آخرت با گناه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۴ – ۹،۱۰

۹ عذاب همیشگی و خوارکننده ، کیفر سرکشی از فرامین خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود الهی

و من يعص اللّه و رسوله . .. و

له عذاب مهين

۱۰ نافرمانی خدا و رسول (ص) و تجاوز از حدود ، آنگاه که از روی سرکشی باشد ، موجب خلود در آتش است . *

و من یعص اللّه و رسوله . .. و له عذاب مهین

کلمه <مهین> به معنای خوارکننده است و چون عذابهای الهی متناسب با گناه آدمی است، بنابراین مراد از عصیان، نافرمانی از سر طغیان و سرکشی می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۷ – ۱۹

۱۹ جهنّم ، جایگاه گنهکارانی که به سبب ماندن در سلطه مشرکان و ترک عمدی هجرت ، قادر بر ادای تکالیف الهی نباشند .

الم تکن ارض اللّه واسعه فتهاجروا فیها فاولئک مأویهم جهنّم و ساءت مصیراً

بنابر اینکه توبیخ، به جهت عمل نکردن به تکالیف باشد، نه خصوص ترک هجرت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۲ – ۱۲

۱۲ سرپیچی از بندگی خدا از سر تکبر و خودبرتربینی ، در پی دارنده مجازات های الهی

و من یستنکف عن عبادته و یستکبر فسیحشرهم إلیه جمیعاً

در برداشت فوق <واو> در <و یستکبر> واو جمع گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۶ – ۲،۴

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخل ابداً . .. فانها محرمه علیهم

جمله <فانها محرمه . . .>، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی(ع) است، نه

اینکه متفرع بر نفرین او (فافرق بیننا ...) باشد.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخلها . .. یتیهون فی الارض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۰ – ۱۶

۱۶ جاودانگی عذاب بنی اسرائیل به خاطر عصیان گری ، تجاوزپیشگی ، ترک نهی از منکر ، و پذیرش ولایت کافران

ذلک بما عصوا و کانوا یعتدون. کانوا لایتناهون ... و فی العذاب هم خلدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۵ – ۸

۸ تخلف از احکام الهی و مداومت بر آن ، فسق و ظلم و در پی دارنده کیفر شدید الهی است .

و أخذنا الذین ظلموا بعذاب بئیس بما کانوا یفسقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۶ – ۱

۱ خداوند یهودیان ایله را به خاطر شکستن قانون روز شنبه با صید ماهی ، به بوزینگانی مطرود مبدّل ساخت .

فلما عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم کونوا قرده خسئین

<عتوّ> (مصدر عتوا)، به معنای عصیان و سرکشی است. مراد از <ما نهوا عنه> صید ماهی در روز شنبه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را درپی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۳ – ۱۴

۱۴– کیفر امتهایی که به دعوت انبیا جواب مساعد ندادند ، عذاب دردناک است .

و لهم عذاب أليم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵ – ۵

۵– کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

و قضينا إلى بنى إسرءيل فى الكتب لتفسدنّ فى الأرض مرّتين . .. فإذا جاء وعد أُول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۸ – ۱۰

۱۰– < عن إبن عباس أن النبى (ص) قال : معنى الأيه من كان يريد ثواب الدنيا بعمله الذى افترضه الله عليه لايريد به وجه الله و الدار الأخره عجّل له فيها ما يشاء الله من عرض الدنيا و ليس له ثواب فى الأخره و ذلك ان الله سبحانه و تعالى يؤتيه ذلك ليستعين به على الطاعه فيستعمله فى معصيه الله فيعاقبه الله عليه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من کان یرید العاجله عجّلنا له فيها مان يشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند; بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست; چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند; ولی او در معصیت

خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۲۵ – ۶

۶ – خداوند ، فرعون را به دلیل تکذیب رسالت و معجزه موسی (ع) و عصیانگری و ادعای ربوبیت ، هلاک ساخت .

فکذّب و عصی . .. فقال أنا ربّکم الأعلی . فأخذه اللّه نکال الأخره و الأولی

می توان گفت: فاء در <فأخذه اللّه>، کیفر را بر تمام کارهای فرعون که در آیات قبل آمده بود، تفریع کرده است.

کیفر عصیان آدم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۴ – ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدلیهما بغرور . .. قال اهبطوا بعضکم لبعض عدو

کیفر عصیان از انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۵ – ۱۷

۱۷– کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۸ – ۷

۷ – عمل نکردن به تعالیم و دستور انبیا ، درپی دارنده عذابی دردناک است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل ... و أعدّ للکفرین عذابًا ألیمًا

مراد از <الکافرین> به قرینه اخذِ میثاق از پیامبران که همانا، آن میثاق، ابلاغ پیام الهی

بوده است کسانی اند که آن تعالیم و پیام ها را نادیده گرفته اند و در نتیجه، گرفتار عذاب می شوند.

کیفر عصیان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۹ - ۵

۵- اغوای ابلیس از سوی خداوند ، کیفر تمرّد وی از فرمان الهی بود .

ربّ بما أغویتنی

بی تردید، گمراه شدن ابلیس از جانب خداوند، پس از سرپیچی او از سجده بر آدم(ع) بود و این می رساند که این گمراهی، جنبه کیفری داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۲

۲- هیچ انسانی حتی پیامبر (ص) ، از کیفر الهی در صورت تخلف و انحراف از مدار وحی ، مصون و ایمن نیست .

إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم . .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صلیًّا

<صلیّاً> (از صَلِیَ یَصلی) تمیز برای <أولی> و به معنای سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند; گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۲

- خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های الهی ، برحذر داشت .

فلیحذر الذین یخالفون عن أمره أن تصیبهم فتنه أو یصیبهم عذاب ألیم

برداشت فوق، براساس این احتمال است که ضمیر <أمره> به خدا بازگردد و مقصود از <أمر> همان چیزی است که جمله <لاتجعلوا دعاء الرسول> بازگو کننده آن است; زیرا نهی از چیزی مستلزم امر به ضد آن (امر) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فعتوا . .. فأخذتهم الصعقه

کیفر عصیان از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۹ - ۹

۹ - دوزخ ، فرجام کافران به رسالت پیامبر و سرپیچی کنندگان از احکام اسلام

إنا أرسلنك بالحق . .. و لاتسئل عن أصحب الجحیم

کیفر عصیان از سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۲ - ۱۳

۱۳ - تهدید شدن جنیانِ در خدمت سلیمان (ع) به عذاب با آتش از سوی خداوند ، در صورت سرپیچی از فرمان آن حضرت

و من الجنّ من یعمل بین یدیه . .. و من یزغ منهم عن أمرنا نذقه من عذاب السعیر

کیفر عصیان از قوانین نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۲،۴

۲ – شکنجه یا مرگ (بریدن سر) ، مجازات تخلف بی دلیل از مقررات سپاه سلیمان

أم كان من الغائبين . لأُعذّبنّه

عذابًا شديدًا أو لأَاْذبحنّه

۴ - لزوم تعیین کیفر های سخت تا مرز مرگ ، برای متخلفان از مقررات ارتش

أم كان من الغائبين لأُعذّبنّه عذابًا شديدًا أو لأَاْذبحنّه

کیفر عصیان از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۹

۹ - خداوند ، مردم را از پیامد ناگوار و هلاکت بار سرپیچی از فرمان های پیامبر (ص) بر حذر می دارد .

فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيبهم فتنه أو يصيبهم عذاب أليم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیر <أمره> به پیامبر(ص) بازگردد و با توجه به آیه قبل که سخن از فراخوانی پیامبر(ص) برای امر جامع به میان آورده و نیز مسأله فراخوانی ایشان را مطرح کرده است ظاهر آیه شریفه نیز مطابق همین مبنا می باشد.

کیفر عصیان حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور . .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

کیفر عصیان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۴ - ۴

۴ هبوط آدم، حوا و شیطان به زمین، کیفر تخلف آنان از فرمان خدا

فدليهما بغرور . .. قال اهبطوا بعضكم لبعض عدو

کیفر عصیان قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۴۴ - ۱

۱ - نزول عذاب بر قوم ثمود ، در پی سرکشی از فرمان پروردگار

فعتوا . .. فأخذتهم الصعقه

کیفر عصیانگران

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم . .. إن ربک لسریع العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۳ - ۱۱

۱۱ تمرد کنندگان از فرمان خدا هر چند از پیامبران باشند در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی اند .

فمن ینصرنی من الله إن عصیته

<من الله> به معنای <من عذاب الله> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۳ - ۱۰

۱۰ - تخلف کنندگان از کفّاره ظهار ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

فتحریر رقبه . .. و اللّه بما تعملون خبیر

جمله <و اللّه بما تعملون. ..> پیامـدار این حقیقت است که ظهارکننده، باید بداند که در صورت تخلف و فرار از دادن کفّاره ظهار، خداوند به عمل او آگاهی داشته و سزای وی را خواهد داد.

کیفر عصیانگران بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۵

۵ - متمردان و ستمکاران قوم موسی ، به عذاب آسمانی گرفتار شدند .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء

کیفر عقر شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۱۴ – ۱۷

۱۷ – < عن ابن نُباته قال : سمعت أميرالمؤمنين (ع) على منبر الكوفه يقول : . . .أيّها الناس إنّما عَقَر ناقةَ صالح واحد فأصابهم

اللّه بعذابه بالرضا و آیه ذلک قوله عزّوجلّ < . . .فعقروها فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم فسوّیها . . . > ;

اَصْبَغ بن نُباتَه گوید: شنیدم از امیرالمؤمنین(ع) که بر منبر کوفه می فرمود: <. ..ای مردم! همانا ناقه صالح را یک نفر [از قوم ثمود]پی کرد; ولی خداوند همه آن قوم را به عذاب خود دچار کرد; چون به کار آن شخص راضی بودند و دلیل این مطلب سخن خداوند عزّوجلّ است <...فعقروها فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم فسوّاها...>».

کیفر عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

در صورتی که <إنّی أخاف . ..> سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أخاف ...> نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

کیفر عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۲ - ۲۱

۲۱ معتقدان به الوهیت مسیح (ع) محروم از بهشت و گرفتار به آتش دوزخ

قالوا إنّ اللّه هو المسیح . .. فقد حرم اللّه علیه الجنه مأویه النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۸ - ۱

۱ معتقدان و مدعیان الوهیت عیسی (ع) و مادرش مریم ، مستحق عذاب الهی

ان تعذبهم فانهم عبادک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- توبه - ۹ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

کیفر عقیده به تثلیث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۳ - ۷

۷ عذاب دردناک در انتظار معتقدان به تثلیث

لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم

کیفر علمای اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۳

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۴ - ۱۲

۱۲ کیفر انسان ها ، بازتاب و نتیجه اعمال آنهاست .

و ان تبدوا ما فی انفسکم . .. یحاسبکم به اللّه ... و یعذّب من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹ - ۵

۵ هدف از گردآوردن انسان ها در دنیا ، حضور آنان در قیامت و دادن جزای اعمال است . *

ربّنا انّک جامع الناس لیوم لا ریب فیه

بنابراینکه <لام> در <لیوم>، غایت باشد; نه به معنای <فی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۸

۸ بازتاب کردار آدمی مشابه و همسان با عملکرد وی

و مکروا و مکر اللّه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۳،۱۴

۱۳ پاداش و جزاىِ کردار آدمى در قیامت بر اساس عدل

ثمّ توفّى کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایى قیامت و معاد براى دریافت تمامى جزا ها و پاداش هاى اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّى کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لا يظلمون> (عدالت الهى)، پس از جمله <توفّى کلّ نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان مى باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق مى یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۹

۹ عذاب دوزخیان ، هرگز فزونتر از اقتضاى عملکرد آنان نخواهد بود .

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم و انّ اللّه لیس بظلّام للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، جزایى کامل براى اعمال ناپسند انسانها

و انّما توفّون . .. فمن زحزح عن النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهى کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش هاى الهى

کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه

ظاهراً جمله <ان اللّه . .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم

نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۴

۴ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی ، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من یعمل سوءاً یجز به . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض ... محیطاً

برخی بر آنند که جمله <و لله ما فی السموت>، به منزله تعلیل برای جمله های <من یعمل سوءا یجز به> و <فأولئک . ..> است; یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ مسیحیان پیمان شکن ، مورد تهدید خداوند به عذاب و کیفر اعمال خویش

و سوف ینبئهم اللّه بما کانوا یصنعون

جمله <ینبئهم اللّه . ..>، کنایه از کیفر دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف اللّه رب العلمین . .. تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشداری است به بندگان

که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۹ – ۷

۷ عذاب اخروی پیروان شرک و کفر، سزای اعمالشان در دنیاست.

فذوقوا العذاب بما کنتم تکسبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۷

۷ کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خودِ انسان

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۵

۵- گرفتار شدن به کیفر عمل خویش ، نمود و مظهر ظلم به نفس است .

و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئات ما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۶

۶ – جزای اعمال ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۷ – ۱۰

۱۰- تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن كان مثقال حبّه من خردل أتينا بها و كفى بنا حسبين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۱۳

۱۳ – گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه

خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ و یعلمون أنّ اللّه ه

جمله <و یعلمون. ..> عطف بر <یوفّیهم> است و مقصود از <یومئذ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد ...) - همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ - در قیامت ، بار عمل هر کس ، تنها بر دوش خود او است .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - انسان در برابر رفتار و آثار برجای مانده از خود ، مسؤول بوده و با کیفر و پاداش دقیق آن ، رو به رو خواهد شد .

و نکتب ما قدّموا . .. أحصینه فی إمام مبین

برداشت یاد شده به سبب این حقیقت است که ذکر إحیای مردگان و شمارش و ثبت تمامی اعمال و آثار انسان، از مسؤولیت او در برابر رفتار و کردارش حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۴

۴ - تمامی رفتار و کردار انسان ، دارای کیفر و پاداش بوده و

او در برابر آن مسؤول است .

و وفّيت كلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - < عن زيدبن وهب إنّ عليّاً (ع) قال : . . .و لكنّه جعل الدنيا دار الأعمال و جعل الأخره دار الجزاء و القرار < ليجزى الذين أساؤا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحسنى > . . . ;

زيدبنوهب گويد: امام على(ع) فرمود: . ..خداوند دنيا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدكاران را به كيفر بدى هايشان برساند و نيكوكاران را پاداش نيك دهد>... .

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شيطان به جزا و كيفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

كمثل الشيطن إذ قال . .. إنّى أخاف اللّه ربّ العلمين

در صورتى كه <إنّى أخاف . ..> سخنى از روى واقعيت باشد و نه توجيه و استهزا تعبير <أخاف ...> نشانگر بيم شيطان از بازتاب كفر و اعتقاد او به كيفر و مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۷ - ۴

۴ - قيامت ، روز جزا و رسيدگى به اعمال است .

يوم الدين

<دين> به معناى شريعت، طاعت و جزا است و از آن جا كه دين به معناى <شريعت>، در قيامت مورد ندارد، <يوم الدين>، به معناى روز جزا خواهد بود و لازمه جزا دادن به بندگان، رسيدگى و محاسبه اعمال آنان است.

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۹ – ۵

۵ – حسابرسی نهان کاری های انسان و چشیدن کیفر آن ، از اهداف معاد است .

إنّه علی رجعه لقادر . یوم تبلی السرائر

<یوم> ظرف برای <رجعه> و بیانگر آن است که ارجاع دوباره انسان، روزی به وقوع خواهد پیوست که از مشخصات آن، محاسبه اعمال پنهانی و نیت های انسان برای تشخیص میزان کیفر او است.

کیفر عمل بدکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۶ – ۴

۴ – کردار بدکاران در قیامت ، به صورت کیفر برای آنان ظاهر خواهد شد . *

هل ثوّب الکفّار ما کانوا یفعلون

<ما> در <ما کانوا. ..> مفعول دوم برای <ثوّب> است؛ یعنی، کافران با همان کردار خود، کیفر داده شدند.

کیفر عمل جن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۱ – ۱۳

۱۳– وجود کیفر کردار برای جن ، همانند آدمیان

قالوا یقومنا . .. ءامنوا به یغفر لکم من ذنوبکم و یجرکم من عذاب ألیم

از تعبیر <یجرکم. ..>، استفاده می شود که اگر غفران و پناه الهی نباشد، گناه آنان نیز همانند آدمیان دارای کیفری سخت خواهد بود.

کیفر عمل دنیوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۵

۵ – مجازات انسان ها در قیامت ، بازتاب و محصول کردار دنیایی خود آنان است .

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

کیفر عمل کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۱ – ۱

۱

شکنجه و عذاب کافران به هنگام مرگ و پس از آن نتیجه اعمال خود آنان است ، نه ظلمی از جانب خداوند بر ایشان .

ذوقوا عذاب الحريق. ذلك بما قدمت أيديكم و أن اللّه ليس بظلّم

<ذلك> می توانـد اشاره به خصوص <عـذاب الحريق> باشـد و می توانـد اشاره به مجموع عذابی باشد که در آیه قبل بیان شـد. قابـل ذکر است که در برداشت فوق <أن اللّه ... > نـاظر به این حقیقت گرفته شـده که عـذاب کافران بیش از اسـتحقاق آنان نیست، نه تعلیلی برای ضرورت گرفتارسازی ایشان به عذابهای الهی.

کیفر عمل منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۳ - ۷

۷ تحیر منافقان ، کیفر شوم عملکرد (خدعه ها و . . .) آنان است .

مذبذبين بين ذلك . .. فلن تجد له سبيلا

چون اضـلال خداونـد همواره جنبه کیفری دارد و کیفر نیز به اقتضـای رفتار نارواست، معلوم می شود گمراهی منافقان و از آن جمله تحیر آنان کیفری الهی است و این کیفر برخاسته از اعمال ناروای آنان (خدعه، کسالت در نماز و . ..) است.

کیفر عمل ناپسند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۰

۱۰ دوزخ ، جزایی کامل برای

اعمال ناپسند انسانها

و انّما توفّون . .. فمن زحزح عن النّار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۸ - ۱۰

۱۰ اضلال آدمیان از سوی خداوند ، پیامد و کیفر اعمال ناروای خود آنان است .

و اللّه ارکسهم بما کسبوا اتریدون ان تهدوا من اضلّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۱۵

۱۵ بلا ها و مشکلات دنیوی (مالی و جانی) ، کفاره گناهان آدمی و از جمله عوامل نابود کننده اعمال زشت اوست .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

رسول خدا(ص) درباره < من یعمل سوءاً یجز به> در آیه فوق فرمود: اما تبتلون فی اموالکم و انفسکم و ذراریکم؟ قالوا: بلی قال: هذا مما . .. یمحو به السیئات.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۷۷، ح ۲۷۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۳، ح ۵۷۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۰ - ۱۱

۱۱ اعمال ناروای آدمی هر یک دارای کیفری مناسب ، در پیشگاه خداوند

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۷۰ - ۲۱

۲۱ عذاب قیامت و محرومیت از شفاعت، بازتاب اعمال انسان است.

لیس لها من دون الله . .. أولئك الذین أبسلوا بما کسبوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۲

۲ عمل ناشایست دارای کیفری مانند آن و نه بیشتر

من

جاء بالسیئه فلا یجزی إلاّ مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۶ - ۱۴،۱۰

۱۰ جوامع کفرپیشه گذشته بر اثر تکذیب انبیا و مداومت بر اعمال ناپسند به عذاب الهی مبتلا شدند و به هلاکت رسیدند .

و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکسبون

مراد از <ما کانوا یکسبون> گناهانی است که تکذیب انبیا از جمله آنهاست، نه اینکه مراد از آن فقط تکذیب انبیا باشد و گر نه جمله به این گونه بیان می شد: و لکن کذبوا فأخذنهم بما کانوا یکذبون.

۱۴ گرفتاری های جوامع انسانی ، کیفر اعمال ناشایست خود آنان است .

فأخذنهم بما کانوا یکسبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سیجزون ما کانوا یعملون

<ما> در <ما کانوا یعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سیجزون عملهم>. مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است; به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۷ – ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷۷ – ۵

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنّهم کانوا. ..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲۵

۲۵ – گرفتار شدن به غل ها در قیامت ، نتیجه اعمال بدکاران است .

و جعلنا الأغلل فی أعناق الذین کفروا هل یجزون إلاّ ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۲

۲ – عذاب دائمی دوزخ ، کیفر رفتار ناشایست انسان ها است .

نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۵ - ۴

۴ - بسیاری از اقوام کافر پیش از بعثت پیامبراسلام ، ثمره تلخ کردار خویش را چشیده و نابود شده اند .

فذاقوا و بال أمرهم

کیفر عهدشکنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ ضرورت

تعقیب و کشتن کسانی که علی رغم امضای پیمان ترک تعرض ، بدان وفا نکنند .

فان لم یعتزلوکم . .. فخذوهم و اقتلوهم

کیفر عهدشکنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۳ - ۴،۵

۴ گرفتاری بنی اسرائیل به لعن الهی و قساوت قلب ، کیفر پیمان شکنی آنان

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

۵ لعن الهی (دوری از رحمت خداوند) و قساوت دل ، کیفر شکستن پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۹،۱۴

۹ کینه و دشمنی دایمی مسیحیان با یکدیگر ، کیفر نقض پیمان و فراموشی تذکار های خداوند

و من الذین قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا حظاً . .. فاغرینا بینهم العداوه

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم . .. و من الذین قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا . .. میثقه> (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشداری است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۱ - ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای

عذاب گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۱۲

۱۲ بخل ، روی گردانی از حق ، پیمان شکنی و دروغ ، گناه و دارای کیفر

فلما ءاتیهم . .. بخلوا به و تولوا ... بما أخلفوا اللّه ... و بما کانوا یکذبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۶ - ۱۵

۱۵ یعقوب (ع) فرزندانش را به مجازات های الهی در صورت شکستن سوگند و پیمانشان ، هشدار داد .

قال الله علی ما نقول وکیل

سیاق آیه دلالت دارد که غرض یعقوب(ع) از وکیل قرار دادن خداونـد و توجه دادن فرزنـدانش به وکالت او ، هشـدار دادن آنان به مجازات الهی است.

کیفر عهدشکنی با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۹،۲۱

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا میثقکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

<ذلـک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد; از جمله: پایبند نبودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و . ..

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره

۴ - ۸۶ - ۲ -

۴ - نقض کنندگان پیمان های الهی ، از سرای آخرت و نعمت های آن نصیبی نخواهند داشت .

إذ أخذنا میثقکم . .. أولئک الذین اشتروا الحیوه الدنیا بالأخره

<أولئک> اشاره به همه گروههایی است که در آیه قبل، اعمال و رفتار ناپسندشان بیان شد; از جمله: نقض کنندگان پیمان الهی، قاتلان همکیشان و . ..

کیفر عیب جویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۴

۴ - احاطه آتش دوزخ بر قلب عیب جویان ، کیفری مناسب برای گناه افکار ناروای آنان درباره مردم

لمزه . .. الّتی تطّلع علی الأفئده

کیفر عیب جویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۹ - ۱۳

۱۳ خرده گیری و مسخره کردن مؤمن گناهی بزرگ و در پی دارنده عذاب سخت الهی است .

فیسخرون منهم سخر اللّه منهم و لهم عذاب أليم

کیفر غارت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۲۴،۲۷

۲۴ قطع یک دست و یک پا از

جهت مخالف ، مجازات محارب فسادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

کیفر غافلگیرانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۶

۶ - کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون ... و أکید کیدًا

<حیله>; یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

کیفر غصب

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۰ – ۲

۲ تصرف به ناحق در اموال دیگران از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به آتش دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

بنابر اینکه <ذلک> اشاره به <لا تاکلوا> و یا مجموع <لا تاکلوا . .. و لا تقتلوا> باشد.

کیفر غصب مال یتیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ مبعوث شدن خورندگان مال یتیمان به ناروا در قیامت در حالی که آتش از دهانشان شعله می کشد .

انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی

رسول اللّه (ص): یبعث اناس من قبورهم یوم القیامه تأجّج افواههم ناراً. از آن حضرت سؤال شد اینان چه کسانی هستند؟ فرمود: انّ الّذین یاکلون اموال الیتامی ظلماً ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۵، ح ۴۷ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۴۸، ح ۷۶.

کیفر غضب یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۸۷ – ۱۲

۱۲– گرفتار آمدن یونس (ع) در دریا و شکم ماهی ، کیفر ترک خشمگینانه او از میان قومش

ذاالنون إذ ذهب مغضبًا . .. فنادی فی الظلمت

مقصود از <ظلمات> در آیه شریفه، شکم ماهی است و جمع آمدن آن برای بیان شدت ظلمت است.

کیفر غفلت از گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ – ۹

۹- جدال در برابر آیاتِ حق و اِعراض از آنها و غفلت از گناهان ،

دارای کیفر قطعی است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

کیفر غنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۱۷

۱۷ - < عن محمدبن مسلم ، عن أبی جعفر (ع) قال : سمعته یقول : الغناء ممّا وعد اللّه عزّوجلّ علیه النار و تلی هذه الأیه : < و من الناس من یشتری لهو الحدیث لیضلّ عن سبیل اللّه بغیر علم و یتّخذها هزواً أُولئک لهم عذاب مهین > ;

محمدبن مسلم می گوید: از امام باقر(ع) شنیدم که می گفت: غنا از جمله گناهانی است که خداوند عزّوجلّ برای آن، وعده آتش داده است. و این آیه را تلاوت کرد: و من الناس من یشتری لهو الحدیث...>.

کیفر غیبت کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۱ - ۲

۲ - جهنم ، جایگاه عیب جویان و غیبت کنندگان است .

ویل لکلّ . .. لمزه

<لَمْز> (مصدر <لمزه>)، به معنای غیبت کردن و تلاش برای کشف عیوب دیگران است (مفردات). <ویل> کلمه ای است که برای تهدید به عذاب به کار می رود. و نیز نام وادی یا چاه خاصی در جهنم و یا نام یکی از درهای آن می باشد. (قاموس)

کیفر فاسقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۱

۱ - برابر نبودن مؤمن و فاسق ، در نظام پاداش الهی ، امری بدیهی و خدشه ناپذیر است .

أفمن كان مؤمنًا كمن كان فاسقًا لايستوون

همزه <أفمن. ..> استفهام انکاری است و <لايستوون> نيز

بر آن تأکید بیشتری می کند. گفتنی است: <کاف> در <کمن> تشبیه در جزا است و به قرینه آیات سابق و آیات بعدی (۱۹ و ۲۰)، مراد از نفی تساوی، می تواند عدم تساوی در پاداش و جزا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۰ – ۶۸

۶ – عذاب فاسقان ، پایان ناپذیر و غیرقابل گریز است .

کلّما أرادوا أن یخرجوا منها أُعیدوا فیها

عبارت <کلّما أرادوا أن یخرجوا منها> می تواند کنایه از پایان ناپذیری و خلود در آتش باشد.

۸ – فاسقان ، عذابی را که همواره تکذیب می کردند ، می چشند .

ذوقوا عذاب النار الذی کنتم به تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۱ – ۲

۲ – بلا های دنیوی فاسقان ، هشداری به آنان است و نه کیفر واقعی شان .

و لنذیقنّهم من العذاب الأدنی . .. لعلّهم یرجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۴ – ۱

۱ – آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

<فجور>; یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۵ – ۴

۴ - گرفتاری فاسقان به آتش جهنم ، کیفر فسق آنان است .

یصلونها یوم الدین

تصریح به <روز جزا> بودن قیامت، در بیان عذاب فاسقان، بیانگر آن است که عذاب قیامت جزای فسق آنان است.

کیفر فاسقان ظالم

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۷ - ۶

۶ مسلط ساختن مردمی شکنجه گر بر یهود ، نمودی از کیفر سریع خداوند برای متمردان و فاسقان ستم پیشه

لیبعثن علیهم . .. إن ربک لسریع العقاب

کیفر فحشا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱۴

۱۴ حبس ، کیفر فحشای دوشیزگان

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: یعنی البکر اذا اتت الفاحشه التی اتتها هذه الثیّب، و درباره <اذوهما> فرمود: تحبس.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۲۷، ح ۶۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۵۶، ح ۱۲۴.

کیفر فرار از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۲،۴

۲ روی گردانان از جبهه نبرد جز برای اتخاذ تاکتیک های جدید مورد غضب الهی و مستحق جهنم

و من یولهم . .. فقد باء بغضب من اللّه و مأویه جهنم و بئس المصیر

کلمه <بوء> چنانچه با حرف <باء> متعدی شود می تواند به معنای متحمل شدن باشد. بنابراین <باء بغضب من اللّه> یعنی خشم خداوند را بر خود هموار ساخت.

۴ جهنم ، جایگاه فراریان از جبهه نبرد

و من يولهم . .. مأويه جهنم

کیفر فرار از مسؤولیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - شانه خالی کردن از بار مسؤولیت اجتماعی و حل و فصل امور مسلمین ، پیامددار فتنه و بلا و یا عذاب دردناك الهی است .

و إذا كانوا معه على

أمر جامع لم يذهبوا . .. فليحذر الذين يخالفون عن أمره أن تصيب

کیفر فراموشکاران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۹ - ۵

۵ - خودفراموشی ، کیفر الهی برای خدافراموشان

و لاتكونوا كالذين نسوا اللّه فأنسيهم أنفسهم

کیفر فراموشکاران قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۴ - ۲

۲ - کیفر حتمی فراموش کاران روز قیامت ، چشیدن عذاب است .

فذوقوا بما نسيتم لقاء يومكم هذا

کیفر فراموشی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید : از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : < نسوا اللّه فنسيهم > سؤال کردم فرمود : < ان اللّه تعالى لا ينسى و لا يسهو . . . و انما يجازى من نسيه و نسى لقاء يومه بان ينسيهم أنفسهم . . . ;

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه . .. همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ برخی از امتهای گذشته پس از فراموش کردن خدا و هشدارهای او گرفتار عذاب ناگهانی خداوند شدند.

و لقد أرسلنا إلى أمم من قبلك . .. فلما نسوا ... أخذنهم بغته فإذا هم مبلسون

كيفر فراموشى قيامت

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۲۳

۲۳ عبدالعزیز بن مسلم گوید : از امام رضا (ع) درباره سخن خدا که می فرماید : < نسوا اللّه فنسیهم > سؤال کردم فرمود : < ان اللّه تعالی لا ینسی و لا یسهو . . . و انما یجازی من نسیه و نسی لقاء یومه بان ینسیهم أنفسهم . . . ;

خدای تعالی نه فراموشی دارد و نه اشتباه . .. همانا خداوند کسانی را که او و دیدار قیامت را فراموش کرده اند به این صورت مجازات می کند که خودشان را از یادشان ببرد ... >.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۴ – ۳،۵

۳ – فراموش کردن قیامت ، گرفتاری به عذاب را در پی دارد .

فذوقوا بما نسیتم

<باء> در <بما> سببیه و <ما> مصدریه است. بنابراین، معنا چنین می شود: <به خاطر فراموشی تان روز قیامت را بچشید...!>.

۵ – وانهاده شدن انسان به حال خود ، در قیامت ، کیفر فراموش کردن قیامت در عالم دنیا است .

فذوقوا بما نسیتم لقاء یومکم هذا إنّا نسینکم

<إنّا نسیناکم> برای مقابله با <بما نسیتم> است; یعنی، شما قیامت را فراموش کردید و ما هم، در مقابل، شما را به حال خود وانهادیم.

کیفر فراموشی گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۷ – ۱۲

۱۲– محروم شدن از درک پیام های قرآن ، کیفر بی اعتنایی به آیات خدا و فرو رفتن در غفلت از گناهان است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . ..

إنّا جعلنا على قلوبهم أكنّه أن يفقهوه

کیفر فرزند به جای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است * .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می توانـد به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم ... فأغرقنه و من معه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فكلًّا أخذنا بذنبه

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۰ – ۱

۱ – اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنه ... فأخذنه و جنوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۳ – ۴

۴ – خداوند ، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

ربّک

کیفر فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۵،۱۰

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۱ – ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۵

۵- کیفر سخت و هلاکت بار فرعون و فرعونیان از سوی خداوند ، پس از اتمام حجت با آنان بود .

و لقد ءاتینا موسی تسع ءایت . .. فأراد أن یستفزّهم ... فأغرقنه و من معه

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۴ – ۳

۳ – نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلّاکذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۲۳ – ۱

۱– اجابت دعای موسی (ع) ، از سوی خداوند در مورد مجازات فرعونیان

فدعا ربّه . .. فأسر بعبادی لیلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۰ – ۱

۱ – اقدام الهی ، به کیفر دادن فرعون و لشکریان او ، پس از اتمام حجت بر ایشان

أرسلنه إلی فرعون بسلطن مبین . فتولّی برکنه ... فأخذنه و جنوده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۲ – ۴،۵

۴ – مجازات فرعونیان از سوی خداوند ، از موضع عزت و اقتدار کامل بود .

فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

۵ – مجازات سریع فرعونیان از سوی خداوند ، پس از تمام شدن حجت بر ایشان

کذّبوا بایتنا کلّها فأخذنهم أخذ عزیز مقتدر

عطف <فأخذناهم> بر <کذّبوا>، نشانگر آن است که خداوند، پس از این که فرعونیان تمام معجزات را تکذیب کردند، به

آنان مهلت نداد; بلکه بلافاصله اقدام به نابودی آنها نمود.

کیفر فرقه گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۴ - ۷

۷ - مجازات الهی ، در انتظار فرقه گرایان حق ناپذیر

فذرهم فی غمرتهم

حتّی حین

کیفر فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل الله زدنهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

کیفر فسق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۹ - ۷

۷ - عذاب آسمانی نازل شده بر گنهکاران بنی اسرائیل ، سزای فسق دیرینه آنان و گناه تغییر و تبدیل فرمان خدا بوده است .

فأنزلنا علی الذین ظلموا رجزاً من السماء بما کانوا یفسقون

<با>ی سببیه در <بما کانوا یفسقون> می رساند که: نزول عذاب آسمانی به سبب فسق دیرینه بنی اسرائیل بوده و توصیف آنان به ستمکاری (الذین ظلموا) دلالت می کند که عذاب به خاطر ظلم آنان، یعنی تبدیل فرمان خدا بوده است. بنابراین باید گفت: ستمکاری بنی اسرائیل به ضمیمه فسق دیرینه آنان، موجب عذاب شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۲،۴

۲ محرومیت قوم موسی (ع) از تسلط بر سرزمین مقدس و سکونت در آن ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آنان از فرمان موسی (ع)

إنّا لن ندخل ابداً . .. فانها محرمه علیهم

جمله <فانها محرمه . ..>، تفریع بر نافرمانی آنان از دستور موسی(ع) است، نه اینکه متفرع بر نفرین او (فافرق بیننا ...) باشد.

۴ سرگردانی قوم موسی (ع) در بیابان ، پیامد و کیفر فسق و سرپیچی آن از فرمان موسی (

ع)

إنّا لن ندخلها . .. يتيهون فی الارض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۵ – ۹

۹ ترک نهی از منکر و سکوت در برابر منحرفان و فسق و ستمگری ، دارای کيفری شديد است .

أنجينا الذين ينهون عن السوء و أخذنا الذين ظلموا بعذاب بئيس

کيفر قاتل

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۳۱

۳۱ جايگاه قاتل يک انسان در جهنم ، همان جايگاه قاتل همه انسانهاست ، اگر چه عذابشان متفاوت است .

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از معنای آيه فوق فرمود: يوضع فی موضع من جهنم . .. لو قتل الناس جميعا انما کان يدخل ذلک المکان قلت: فانه قتل آخر؟ قال: يضاعف عليه.

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

کيفر قاذف

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴ – ۱،۲

۱ – کيفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهارگواه ناظر ، هشتاد ضربه شلاق با تازيانه چرمی است .

والذين يرمون المحصنت ثمّ لم يأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنين جلده

<جلد> (مصدر <اجلدوا>) گاهی به معنای <زدن با تازیانه چرمی> و گاهی به معنای <بر پوست بدن کسی با تازیانه زدن> می آید. برداشت فوق، بر مبنای کار برد اول است. گفتنی است که <رمی> (مصدر <یرمون>) به معنای تیر انداختن است و در این جا استعاره از نسبت دادن

امری ناخوشایند به مردم است که در اصطلاح فقه از آن تعبیر به <قذف> می شود.

۲ – هشتاد ضربه تازیانه بر پوست بدن ، کیفر نسبت دهندگان زنا (قذف) به زنان پاکدامن ، بدون ارائه چهار گواه ناظر

والذین یرمون المحصنت ثمّ لم یأتوا بأربعه شهداء فاجلدوهم ثمنین جلده

کیفر قارون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴۰ – ۱

۱ – هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلاًّ أخذنا بذنبه

کیفر قبول ولایت غیرخدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۲ – ۱۱

۱۱– پذیرش ولایت غیر خدا ، کفر و در پی دارنده عذاب دوزخ است .

أن یتّخذوا عبادی من دونی أولیاء إنّا أعتدنا جهنّم للکفرین نزلاً

کیفر قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۵ – ۲۸

۲۸ – معتقدان به مکتب الهی ، در صورت کشتن یا آواره ساختن همکیشان خود ، به خواری در دنیا و شدیدترین عذاب در آخرت گرفتار خواهند شد .

فما جزاء من یفعل . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۰ – ۱

۱ قتل و آدمکشی از سر ظلم و تجاوز ، موجب گرفتاری به عذاب دوزخ

و لا تقتلوا انفسکم . .. و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نُصلیه ناراً

در برداشت فوق <ذلک> اشاره به <قتل نفس> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴

- مائده - ۵ - ۳۲ - ۵،۷،۳۰

۵ جنایت و برادرکشی قابیل ، موجب سختگیری خداوند در مجازات قتل بر بنی اسرائیل

فقتله . .. من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل نفساً بغیر نفس

<ذلک> اشاره است به داستان هابیل و قابیل.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

<من اجل ذلک . ..> به این معناست که خداوندبا توجه به آدمکشی قابیل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

۳۰ شدیدترین عذاب جهنم ، کیفر قتل به ناحق انسان

انه من قتل نفساً بغیر نفس . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

امام باقر(ع) در پاسخ سؤال از آیه فوق فرمود: یوضع فی موضع من جهنم الیه ینتهی شده عذاب اهلها . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۱، ح ۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۱۹، ح ۱۵۰.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۲،۲۳

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین

يحاربون اللّه . .. او يصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آيه فوق روايت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعى فى الارض فساداً . .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ... .

كافى، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلين، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

كيفر قتل انبيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۷،۱۶،۲۱،۲۲،۲۳

۷ همسانى سرنوشت شوم كافران ، با قاتلان پيامبران و عدالتخواهان

انّ الذين يكفرون . .. فبشّرهم بعذاب اليم

۱۶ كشتن انبياى الهى و عدالتخواهان ، موجب گرفتارى جامعه به مشكلات توانفرساست .

و يقتلون النّبيّن بغير حق . .. فبشّرهم بعذاب اليم

بنابراينكه <فبشّرهم بعذاب اليم>، نظر به مشكلات دنيوى و اخروى داشته باشد; به قرينه آيه بعد كه مى فرمايد: <حبطت اعمالهم فى الدنيا و الاخره>.

۲۱ قاتلان پيامبران و قاتلان امر كنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترين عذاب هاى الهى

و يقتلون النّبيّن بغير حق و يقتلون الذين يأمرون بالقسط.

از رسول اللّه (ص) سؤال شد: ايّ الناس اشد عذاباً يوم القيامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبيّاً او رجلاً امر بمعروف او نهى عن منكر، سپس آن حضرت، اين آيه را تلاوت كرد: <انّ الّذين يكفرون . .. >.

تفسير طبرى، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البيان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسير تبيان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۲ وعده عذاب دردناك به بنى اسرائيل ، به جهت قتل چهل و سه پيامبر و صد و دوازده آمر به معروف و ناهى از منكر

و يقتلون النّبيّن بغير حقّ و يقتلون الّذين يأمرون بالقسط من النّاس

فبشّرهم بعذاب

رسول اللّه (ص) به عنوان بیان مصداق برای آیه فوق فرمود: قتلت بنو اسرائیل ثلاثه و اربعین نبیّاً اول النّهار فی ساعه واحده فقام مائه رجل و اثنی عشر رجلا من عبّاد بنی اسرائیل فامروا من قتلهم بالمعروف و نهوهم عن المنکر فقتلوا جمیعاً من آخر النّهار فی ذلک الیوم.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: . .. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۱،۸،۹

۱ حَبط و تباهی اعمال کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، در دنیا و آخرت

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم فی الدنیا و الاخره

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳،۷

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان

(نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

۷ عدالت خداوند و دوری ساحت وی از ظلم ، مقتضی مجازات بخیلان و قاتلان انبیا

و لا یحسبنّ الّذین یبخلون . .. ذوقوا عذاب الحریق ... و انّ اللّه لیس بظلّام للعب

جمله <و اَنّ اللّه . .. > عطف بر <ما قدّمت> می باشد. بنابراین دلیل دیگری برای گرفتار شدن بخیلان و قاتلان انبیا به دوزخ است. یعنی عدالت خداوند اقتضا می کند که ستمگران را عذاب کند، ورنه به ستمدیده ظلم شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۱ – ۷

۷ پندار رهایی از مجازات نقض میثاق و تکذیب و کشتن انبیا ، از باور های بی اساس بنی اسرائیل

لقد اخذنا میثق بنی اسرءیل . .. و حسبوا الا تکون فتنه

دربرداشت فوق <فتنه> به معنای عذاب گرفته شده است.

کیفر قتل زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و یقتلون النّبیّن بغیر حق . .. فبشّرهم بعذاب الیم

امیرالمؤمنین (ع) درباره آیه فوق فرمود: .

.. انّ نبی اللّه زکریّا قد نشر بالمناشیر و یحیی ابن زکریا قتله قومه و هو یدعوهم الی اللّه.

تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۷۴، ح ۱.

کیفر قتل شتر صالح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۱

۱ - نزول عذاب فراگیر الهی بر ثمودیان ، در پی کشتن ناقه صالح

فعقروها . .. فأخذهم العذاب

کیفر قتل عدالتخواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۸،۹

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

کیفر قتل موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذين من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذين من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ايكه است; چنان كه در سوره <ص> آيه ۱۳، به آن تصريح شده است. گفتنى است برابر نظر مفسران <اصحاب أيكه> همان مردم مدين است كه از قوم حضرت شعيب

بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۲ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خویش ، از دچار شدن به عذاب الهی در روز قیامت در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

و یقوم إنّی أخاف علیکم یوم التناد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۳ - ۴

۴ - هشدار مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از دچار شدن آنان به عذاب گریزناپذیر الهی در قیامت در صورت کشتن موسی (ع)

یقوم إنّی أخاف علیکم . .. یوم تولّون مدبرین ما لکم من اللّه من عاصم

کیفر قتل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۳ - ۱،۲،۷

۱ خلود در جهنّم ، غضب و لعنت الهی ، کیفر کشتن مؤمن از روی عمد

و من یقتل مؤمنا متعمّداً فجزاؤه جهنّم خالداً فیها و غضب اللّه علیه و لعنه

۲ عذاب بزرگ الهی در انتظار کسی که مؤمنی را از روی عمد به قتل برساند .

و من یقتل مؤمنا . .. و اعدّ له عذاباً عظیما

۷ توبه کشتن مؤمن ، از روی خشم و غضب و یا به انگیزه های دنیایی ، قصاص است .

و من یقتل مؤمنا متعمّداً

امام صادق (ع) درباره توبه در قتل عمدی مؤمن از روی غضب یا به انگیزه های دنیایی فرمود: . .. و ان کان قتله لغضب او لسبب شیء من امر الدنیا فانّ توبته ان یقاد منه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۷۶، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱،

ص ۵۳۳، ح ۴۹۰.

کیفر قتل ناحق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

کیفر قتل نفس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲۱

۲۱ قاتلان پیامبران و قاتلان امر کنندگان به معروف ، گرفتار سخت ترین عذاب های الهی

و یقتلون النّبیّن بغیر حق و یقتلون الذین یأمرون بالقسط.

از رسول اللّه (ص) سؤال شد: ایّ الناس اشد عذاباً یوم القیامه؟ آن حضرت فرمود: رجل قتل نبیّاً او رجلاً امر بمعروف او نهی عن منکر، سپس آن حضرت، این آیه را تلاوت کرد: <انّ الّذین یکفرون . .. >.

تفسیر طبری، ج ۳، ص ۱۴۴ ; مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۲۰ ; تفسیر تبیان، ج ۲، ص ۴۲۲.

کیفر قتل یحیی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۲۱ – ۲۳

۲۳ وعده عذاب دردناک به قاتلان زکریّا و یحیای پیامبر (ع)

و يقتلون النّبيّن بغير حق . .. فبشّرهم بعذاب اليم

اميرالمؤمنين (ع) درباره آيه فوق فرمود: . .. انّ نبى اللّه زكريّا قـد نشـر بالمناشـير و يحيى ابن زكريا قتله قومه و هو يدعوهم الى اللّه.

تفسير برهان، ج ١، ص ٢٧۴، ح ١.

كيفر قذف

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٢ – نور –

۵ - ۲۳ - ۲۴

۵ - عذاب بزرگ خداوند ، پیامد و کیفر قذف کردن زنان عفیف و مؤمن است .

إنّ الذین یرمون المحصنت . .. لهم عذاب عظیم

کیفر قذف عفیفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

ضمیر <هم> در <یوفّیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قذف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۱

۱ - کسانی که به زنان پاکدامن و مؤمن تهمت زنا می زنند ، در قیامت بی هیچ تخفیف و ترحمی و به صورت کامل ، کیفر کارشان را دریافت خواهند کرد .

الذین یرمون المحصنت . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

ضمیر <هم> در <یوفّیهم> و <دینهم> به <قذف کنندگان> (الذین یرمون المحصنات) بازمی گردد و <توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت به صورت تام و کامل است و مقصود از <دین> به قرینه این که آیه شریفه در باره قیامت است جزا می باشد.

کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴۷ - ۶

۶ - مصایب و مشکلات ثمودیان ، کیفر الهی و معلول گناهان خود آنان

یقوم لم تستعجلون بالسیّئه . .. بل أنتم قوم تفتنون

برداشت فوق باتوجه به این نکته است که صالح پیامبر(ع) در رد پندار ثمودیان که بدبختی های خود را ناشی از بد یمنی وجود صالح و پیروان آن حضرت قلمدادمی کردند، فرمود: بدبختی های شما کیفری است الهی و معلول گناهان خودتان. گفتنی است در فرض فوق واژه <تفتنون> از فتنه به معنای عذاب مشتق می باشد; یعنی، <بل أنتم قوم تعذّبون; بلکه شما مردمی هستید که به کیفر گناه خود عذاب می شوید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۱ - ۴

۴ - کیفر الهی برای توطئه گران علیه صالح ، دامنگیر تمامی کافران ثمود

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلاّ کذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبُتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - ۳۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلّف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۲۶ - ۳

۳ - مجازات الهی برای قوم ثمود ، از پی اعطای فرصت به ایشان

سیعلمون غدًا

مراد از<غداً>، آینده و فرصتی است که به ثمودیان داده شده است; نه روزی که از پس امروز می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

ربّک

کیفر قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۷

۷ اصرار قوم عاد بر کفر و امید نرفتن به

ایمانشان ، عامل نزول عذاب و هلاکت آنان

و قطعنا دابر الذین کذبوا بایتنا و ما کانوا مؤمنین

چون تکذیب آیات الهی ملازم با عدم ایمان، بلکه برخاسته از بی ایمانی است، می توان گفت جمله <ما کانوا مؤمنین> یا اشاره به این معنا دارد که تکذیب کنندگانِ هلاک شده اهل ایمان نبودند و توفیق گرایش به توحید به طور کلی از آنان سلب شده بود، و یا اشاره به طایفه ای دیگر غیر از تکذیب کنندگان دارد. یعنی کسانی که تکذیب نکردند، ایمان نیز نیاوردند. برداشت فوق بر اساس احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۷ - ۱۴

۱۴ کردار کفر پیشگان قوم عاد و کیفر آنان ، تحت حسابرسی دقیق خداوند بود .

إن ربی علی کل شیء حفیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلّاکذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار

مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شـدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصـحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصـحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصـریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۵

۵ - صاعقه آسمانی ، کیفر تخلّف قوم عاد و ثمود از دعوت پیامبران خویش

أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۳ - ۴

۴ - خداوند ، تهدیدکننده مخالفان پیامبر (ص) به عذابی نظیر کیفر امت های پیشین (عاد ، ثمود و فرعون)

ربّک

کیفر قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ،

لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلّاکذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبَتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۲ - ۳

۳ - قوم لوط ، مردمی مجرم و مستحق کیفر

قالوا إنّا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

مراد از <قوم مجرمین> که فرشتگان مأمور شدند تا کیفرشان دهند قوم لوط است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۴ - ۱

۱ - مجازات قوم حق ستیز لوط ، به وسیله طوفانی از شن و سنگریزه

إنّا أرسلنا علیهم حاصبًا

<حاصب> به باد شدیدی که با خود سنگریزه حمل کند، گفته می شود (مختار الصحاح).

کیفر قوم نوح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۵

۵ خداوند ،

آن دسته از قوم نوح را که آیات الهی را تکذیب کردند ، در آب غرق نمود .

و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۱ - ۶

۶ عذاب های نازل شده بر اقوام گذشته (فرعونیان ، عادیان و . . .) کیفرهایی بود که آنان خود برای خویشتن فراهم آوردند .

و ما ظلمنهم و لکن ظلموا أنفسهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۴ - ۳

۳ - نزول کیفر و عذاب الهی بر قوم نوح ، عاد ، فرعون ، ثمود ، لوط و اصحاب ایکه (قوم شعیب) به جرم تکذیب پیامبران

إن کلّ إلّاکذّب الرسل فحقّ عقاب

<حقّ> به معنای <ثَبُتَ> (ثابت و محقق است) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۱ - ۱

۱ - هشدار مؤمن آل فرعون به قوم خود ، از دچار شدن به کیفر کردار قوم نوح ، عاد ، ثمود و اقوام پس از آنان (لوط و اصحاب ایکه) در صورت اقدام به قتل موسی (ع)

مثل دأب قوم نوح . .. و الذین من بعدهم

<دأب> به معنای عادت است و مقصود از <الذین من بعدهم> قوم لوط و اصحاب ایکه است; چنان که در سوره <ص> آیه ۱۳، به آن تصریح شده است. گفتنی است برابر نظر مفسران <اصحاب أیکه> همان مردم مدین است که از قوم حضرت شعیب بودند.

کیفر کاروان یابنده یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۱۹ - ۱۱

۱۱ کاروان یابنده یوسف (ع) به خاطر کالا قرار دادن او ، گنه کار و مستحق کیفر الهی شدند .

و أسرّوه بضعه والله علیم بما یعملون

یادآوری علم خدا به اعمال بندگان ، می تواند کنایه از کیفردهی او باشد.

کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۶ - ۱۸

۱۸ - آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴ - ۱۰،۱۶

۱۰ عذاب شدید کافران پس از اتمام حجت بر آنان از طریق کتب آسمانی

نزّل علیک الکتاب . .. انّ الّذین کفروا بایات اللّه لهم عذاب شدید

۱۶ ابتلای کافران به عذاب شدید ، انتقام الهی از آنان و نمایانگر شکست ناپذیری خداوند است .

انّ الّذین کفروا . .. لهم عذاب شدید و اللّه عزیز ذوانتقام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، از سنّت های خداوند است .

كدأب ال فرعون و الذين من قبلهم كذّبوا باياتنا فاخذهم اللّه بذنوبهم

خداوند همه كافران را در همه عصرها، تهديد به

عذاب کرده و از این، عمومیّت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متّقین و کیفر کافران

قل للّذین کفروا . .. للّذین اتقوا عند ربّهم ... و اللّه بصیر بالعباد

اگر آگاهی همه جانبه خداوند نباشد، کیفرها و پاداشها، تضمین نمی شود. از این رو خداوند پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکّر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۹ - ۱۴

۱۴ کفر و انکار آگاهانه آیات الهی ، کیفر سریع خداوند را در پی دارد .

و من یکفر بایات اللّه فانّ اللّه سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ مکر خداوند با کافران ، مجازات نمودن آنان به سبب مکرشان است .

و مکروا و مکر اللّه

امام رضا(ع) درباره آیه فوق فرمود: انّ اللّه تبارک و تعالی . .. لا یمکر ... و لکنّه عزّ و جل یجازیهم ... جزاء المکر.

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۲۶، ح ۱۹، ب ۱۱ ; معانی الاخبار، ص ۱۳، ح ۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۵

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ

یار و یاوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فأّما الذین کفروا . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۱ - ۴

۴ کسانی که در حال کفر بمیرند ، مستحقّ عذابی دردناک هستند .

اولئک لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۸ - ۵،۸

۵ عذاب سیه رویان (اهل کفر) و استغراق سفیدرویان در رحمت الهی ، از آیات بحق خداوند

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون . .. ففی رحمه اللّه ... تلک ایات اللّه

بنابراینکه مشارالیه <تلک>، مطالب مذکور در دو آیه قبل باشد.

۸ عذاب سیه رویان (کافران) ، ناشی از اعمال ناپسند (تفرقه و پراکندگی و کفر) خود آنان است و نه از ناحیه خداوند

فاما الذین اسودّت وجوههم . .. و ما اللّه یرید ظلماً للعالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۶ - ۱،۱۳

۱ اموال و فرزندان اهل کفر ، نمی تواند آنها را از کیفر خداوند برهاند .

انّ الذین کفروا لن تغنی عنهم اموالهم و لا اولادهم من اللّه شیئاً

<اغنی> هنگامی که با <عن> متعدی شود، به معنای <دفع> می آید. لذا <لن

تُغنی>، یعنی نمی رهاند. (روح المعانی).

۱۳ آتش جاودانه دوزخ ، فرجام کفر پیشگانِ اهل کتاب

انّ الّذین کفروا . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

با توجه به آیات قبل، مراد از <الذین>، کافران اهل کتاب هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغیظکم انّ اللّه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۳،۵،۶،۸

۳ آتش دوزخ ، در انتظار کافران و رباخواران ، و آماده برای آنان

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

۵ آتش دوزخ ، هم اکنون حاضر و آماده برای کافران

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

کلمه <اعدّت> (مهیّا شده)، به صیغه ماضی، دلالت بر وجود بالفعل چنین آتشی دارد.

۶ آتش دوزخ ، در اصل برای کافران مهیّا شده است .

و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

بنابر اینکه <الّتی>، وصفِ توضیحی باشد نه احترازی.

۸ همگونی عذاب رباخواران با عذاب کافران

لا تاکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۱۹

۱۹ آتشِ دوزخ ، جایگاه و فرجام شوم کفرپیشگان مشرک

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرعب . .. و ماویهم النّار و بئس مثوی الظّالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۶

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است

.

الّذین یسارعون فی الکفر . .. و لهم عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۸ – ۵،۶

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذابا

۶ خداوند برای کسانی که تا لحظه مرگ بر کفر خویش باقی مانده و آنگاه ایمان آورند ، عذابی دردناک آماده کرده است .

و لیست التّوبه . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذاباً الیما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۵ – ۶

۶ آتش سوزان جهنم ، کیفر آتش افروزان و اخلالگران علیه پیامبران

و کفی بجهنّم سعیراً

<سعیر>، به معنای آتش برافروخته و سوزان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۵۱ – ۳،۴

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

۴ جهنم و عذاب الهی ، هم اکنون برای کافران آماده و مهیاست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

چنانچه مراد از <عذاباً مهیناً> عذاب دوزخ باشد، فعل <اعتدنا>، به صیغه ماضی حکایت از وجود هم اکنون دوزخ دارد.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۹ – ۷

۷ جاودانگی در جهنم ، کیفر کافران ستمگر

إنّ الذین کفروا و ظلموا . .. خلدین فیها ابداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰ – ۱

۱ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اصحاب دوزخ هستند .

و الذین کفروا و کذبوا . .. أولئک اصحب الجحیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۹ – ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۲

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم يهد للذين يرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

فاعل <يهد> ضميرى است كه به داستان و سرنوشت اقوام پيشين برمى گردد و <أن لو نشاء . .. > مفعول آن مى باشد. قابل ذكر است كه <الذين يرثون> نيز مفعول به واسطه <يهد> است. و چون <يهد> به حرف لام متعدى شده، معناى تبيين در آن تضمين شده

است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۲

۲ آتش دوزخ کیفر تمامی کافران

و أن للکفرین عذاب النار

<ال> در <الکافرین> برای استغراق و شمول است. گفتنی است در وجه ترکیبی <أن للکفرین ... > نظرهای مختلفی ایراد شده است. بهترین وجه آن تقدیر گرفتن فعلی همانند <اعلموا> است. یعنی <و اعلموا أن للکفرین عذاب النار>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۷ - ۷

۷ خداوند ، کفرپیشگان را به سبب رفتار ناپسندشان (سرمستی ها ، ریاکاری ها ، بازداری مردم از راه خدا) ، مجازات خواهد

کرد .

و لاتکونوا کالذین . .. و

اللّه بمايعملون محيط

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۵۲ – ۵،۶،۱۰،۱۱

۵ خداوند فرعونيان و همه كافران پيش از آنان را به سبب گناهانشان به كيفرى شديد گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوى شديد العقاب

۶ خداوند ، كافران و گنهكاران را پس از ارائه آيات خويش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد كرد .

كفروا بايت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

۱۰ گرفتارى فرعونيان و كافران پيش از آنها به كيفر هاى شديد الهى ، نمودى از توانمندى خداوند است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوى شديد العقاب

۱۱ توجه به سنت الهى در مجازات كافران و گناهكاران ، زمينه ساز پرهيز از كفرورزى و ارتكاب گناه

كدأب ءال فرعون . .. إن اللّه قوى شديد العقاب

هدف از بيان مؤاخذه كافران و گنهكاران هشدارى است به انسانها تا با توجه به آن در مسير ايمان و ترک گناه قرار گيرند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۵۳ – ۱۴

۱۴ كيفر خداوند براى كافران ، متكى بر شنوايى و علم گسترده اوست .

و أن اللّه سميع عليم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ هزيمت و شكست ، فرجام شوم و كيفر قطعى براى تمامى كافران و دشمنان ايستاده در برابر دين الهى

و عذّب الذين كفروا و ذلک جزاء الكفرين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۷،۸،۱۲

۷عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین

و کافى براى منافقان و کافران

نار جهنم خلدين فيها هى حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافى براى منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقين . .. و الكفار نار جهنم خلدين فيها هى حسبهم

۱۲ محروميت منافقان و کافران از رحمت الهى ، مايه رنج و عذاب هميشگى آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقيم

برداشت فوق بر اين اساس است که <عذاب مقيم> در نتيجه نفرين الهى به دورى آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستيابى مؤمنان به پاداش و ايمان و اعمال شايسته خويش و گرفتارى کافران به کيفر کفر و بزهکارى خود ، فلسفه اساسى معاد و برپايى رستاخيز است .

ثم يعيده ليجزى الذين ءامنوا . .. و الذين كفروا لهم شراب من حميم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۱ - ۳،۶

۳ مجازات کفرپيشگان و منکران قيامت (از ميان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرينش انسان

و لو يعجل اللّه للناس الشر . .. لقضى إليهم أجلهم

۶ کفرمداران و شرک پيشگان ، مستحق عذاب و کيفر الهى در دنيا

و لو يعجل اللّه للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۸۸ - ۲۰

۲۰ عذاب دردناك جهنم ، كيفر كافران است .

فلايؤمنوا حتى يروا العذاب الأليم

ممكن است الف و لام <العذاب> كه براى عهد ذهنى است اشاره به عذاب دنيوى (استيصال) باشد و ممكن است

اشاره به عذاب برزخی و یا عذاب اخروی باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت های ستم پیشه (جوامع کفرپیشه و مشرک) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و کذلک أخذ ربک إذا أخذ القری و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لا یزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لا یزال . ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و خداوند کافران را خوار می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸

- رعد - ۱۳ - ۳۲ - ۵

۵ خداوند پس از مدت ها و گذشت زمانهایی ، کفرپیشگان و استهزاگران انبیا را به عقوبت های خویش گرفتار می ساخت .

فأمليت . .. ثم أخذتهم فكيف كان عقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ خداوند ، کفرپیشگان را پس از اتمام حجت حسابرسی می کند و به مجازات می رساند .

فإنما عليك البلغ و علينا الحساب

وقوع جمله <و علینا الحساب> که گویای حسابرسی و مجازات کفرپیشگان است پس از <إنما علیك البلاغ> که گویای ابلاغ و اتمام حجت است می رساند که خداوند پیش از ابلاغ دین و اتمام حجت ، کافران را مجازات نمی کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۲ - ۹

۹- خداوند ، از کافران حق ناپذیر ، به وسیله شراره های دوزخ ، پذیرایی می کند .

إنّا أعتدنا جهنّم للكفرين نزلاً

کلمه <نُزُل> می تواند اسم باشد برای چیزی که به هنگام ورود میهمان برای پذیرایی او می آورند. این نوع سخن، <تهّکم> بوده و برای استهزا به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۱۰ - ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه يعلم الجهر من القول و يعلم ماتكتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۳

۱۳ - آتش سوزان ، کیفر کفرپیشگان و تمام کسانی که در راستای منحرف ساختن مردم از راه خدا و دین او تلاش می کنند .

و من الناس من یجدل . .. و نذیقه یوم القیمه عذاب الحریق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۳۰ - ۴

۴ - سرگذشت قوم نوح ، دارای نشانه هایی روشن بر قدرت الهی در کیفر کافران و نصرت مؤمنان

قال ربّ انصرنی . .. إنّ فی ذلک لأیت

با توجه به ظهور قدرت خدا در طوفان نوح و غرق شدن کافران و مشرکان و نیز ظهور نصرت الهی نسبت به حضرت نوح(ع) و همراهان او، عبارت <إنّ فی ذلک لآیات>، می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۷ - ۷

۷ - ربوبیت خدا ، مقتضی حسابرسی اعمال و کیفر کافران

فإنّما حسابه عند ربّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۷ - ۲

۲ - بی ارزشی بهرهوری هر چند طولانی کافران از دنیا ، در قبال کیفر الهی

إن متّعنهم سنین . .. ما أغنی عنهم ما کانوا یمتّعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۴ - ۳

۳ – تکذیب نشانه های خدا ، اصلی ترین موضوع دادگاه کیفری کافران

حتّی إذا جاءو قال أکذّبتم بایتی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴

۸ - کافران ، به کیفر الهی ، مجازات خواهند شد .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۵ - ۴

۴ - عذاب فراگیر دوزخ ، سزای اعمال ناروای خود کافران است .

ذوقوا ما کنتم تعملون

برداشت بالا، بنابر تقدیر <جزا> به عنوان معنای <ما>ی موصول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۵

۵ - خداوند ، کافران حق ناپذیر را ، به سرعت مجازات نمی کند و به آنها مدتی مهلت می دهد .

نمتّعهم قلیلاً ثمّ نضطرّهم

احتمال دارد <قلیلًا> صفت برای مفعول به <نمتّع > باشد که <زماناً> است. بنابراین، مفاد آیه چنین می شود: <به آنان، مدت کوتاهی مهلت می دهیم و سپس آنان را روانه عذاب جهنم می کنیم.>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱،۶،۱۰

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل الصدقین عن صدقهم ... و أعدّ للکفرین

<لام> در <لیسئل. ..> لامِ تعلیل یا لام غایت است. مراد از <الصادقین> به قرینه مقابله با <الکافرین> مؤمنان اند. لازم به ذکر است که برداشت بالا، علاوه بر نکته یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر در <صدقهم> واژه <الصادقین> باشد و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن به آنها است.

۶ - عذاب شدن کافران ، پس از اتمام حجت با آنان است

.

و إذا أخذنا من النبيّن ميثقهم . .. ليسئل ... و أعدّ للكفرين

۱۰ – عذاب كافران ، بدون پرسش و پاسخ و مؤاخذه خواهد بود .

ليسئل الصدقين . .. و أعدّ للكفرين عذابًا أليمًا

تغيير اسلوب كلام از <ليسئل. ..> به <أعدّ...> مى تواند به منظور افاده اين نكته باشد كه عذاب كافران، آماده شده است و جاى چون و چرا ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۷ – ۱۰

۱۰ – خداوند ، جز كافران را مجازات نمى كند .

و هل نجزى إلّا الكفور

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۷ – ۱

۱ – كافران ، سزاوار عذابى سخت و طاقت فرسا

الذين كفروا لهم عذاب شديد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۶ – ۲،۶

۲ – كافران ، محكوم به دوزخ اند .

و الذين كفروا لهم نار جهنّم

۶ – عذاب دائمى و بى تخفيف ، كيفر تمامى كافران حق ناپذير

كذلك نجزى كلّ كفور

<کفور> صیغه مبالغه از ماده <کفر> و یا <کفران> می باشد. برداشت یاد شده مبتنی بر احتمال نخست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۷ - ۷

۷ - مجازات الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت و دادن فرصت مناسب و عمر کافی برای شناخت و پذیرش دین و تعالیم آسمانی خواهد بود .

أوَلم نعمّرکم ما یتذکّر فیه من تذکّر و جاءکم النذیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۹ -

۱۰ – کیفر کافران ، از شؤون مقام ربوبی است .

و لایزید الکفرین کفرهم عند ربّهم إلاّ مقتًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۵ – ۲

۲ – گرفتاری کافران و دشمنان دین خدا ، در دام افراد وسوسه کننده و اغواگر ، کیفر الهی برای آنان است .

و قیّضنا لهم قرناء فزیّنوا لهم

از این که خداوند تعیین هم نشین اغواگر را برای کافران به خود نسبت داده (قیّضنا)، مطلب یاد شده استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۷ – ۷

۷ – مجازات و عقوبت کفرپیشگان ، بازتاب و تجسم عملکرد بد خود آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <أسوء الذی. ..> خود جزا و کیفر باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ – حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – دخان – ۴۴ – ۱۱ – ۳

۳- تهدید مشرکان حق ستیز مکه ، از سوی خداوند

به عذابی دنیوی و تیره کننده زندگی

فارتقب یوم تأتی السماء بدخان مبین

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دخان مبین>، کنایه از تیره روزی و عذاب دنیوی باشد، چه این که برخی از مفسران این آیه را پاسخی به دعای پیامبر(ص) دانسته اند که از خداوند خواست تا برای بیدار شدن مشرکان، آنان را به قحطی ای همچون دوران یوسف مبتلا کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۱ - ۳

۳- دود های متراکم قیامت ، شکنجه آور ، دردآفرین و در بر گیرنده تمامی کفرپیشگان

یغشی الناس هذا عذاب ألیم

ممکن است این آیات در مورد عذاب اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۸ - ۳

۳ - کیفر الهی برای کافران ، پس از اتمام حجت بر ایشان

تتلی علیه . .. فبشّره بعذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۱ - ۴

۴ - کیفر کافران ، پس از اتمام حجت پروردگار بر ایشان

هذا هدًی و الذین کفروا بایت ربّهم لهم عذاب

از این که خداوند پس از بیان هدایتگری قرآن، عذاب کافران را مطرح می کند، مطلب یاد شده قابل برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۲۰ - ۱۶

۱۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون . .. تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون ... و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷

- احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۷

۷- عدل الهی در کیفر کافران ، مورد اقرار خود آنان ، در قیامت

أليس هذا بالحقّ قالوا بلى و ربّنا

<هذا> اشاره به عذاب کافران است و مصداق بارز <حقّ> در زمینه مجازات، <عدل> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۴

۴ - آتش دوزخ ، هم اکنون موجود و مهیا برای کافران *

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

ماضـی آمـدن فعل <أعتدنا>، ممکن است ناظر به معنای حقیقی آن (زمان گذشـته) باشد; نه این که مضارع محقق الوقوع را بیان کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۲

۲ - حاکمیت مطلق خداوند بر هستی ، پشتوانه تحقق اراده او بر کیفر کافران

فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا . و للّه ملك السموت و الأرض

تذکر به حاکمیت مطلق خداوند بر هستی در پی تهدید کافران به عذاب بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۹

۹ - مجازات الهی در حق کافران ، در پی مهلت ها و دارای زمان و برنامه ای خاص

فإنّ للذين ظلموا ذنوبًا . .. فلايستعجلون

تعبیر <فلايستعجلون> می رسانـد که خداوند در مجازات کافران عجله ندارد; بلکه براساس مصلحت به ایشان مهلت داده و طبق برنامه و زمانی خاص آن را به اجرا درمی آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۶۰ – ۶

۶ – کیفر کافران ، در پی اتمام حجت بر ایشان با هشدار های مکرر

فویل

للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

تعبیر <یوعدون> (با فعل مضارع) بیانگر وعیدهای مستمر و مکرر است که قبل از مجازات و کیفر کافران، به ایشان داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۴

۴ - سنت الهی ، بر عدم تعجیل ، در کیفر کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۶ - ۱،۲

۱ - کافران لجوج ، بی بهره از تزویر های خویش و بی نصیب از یاری هر پشتیبان ، هنگام سر رسیدن وقت مجازاتشان

یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا و لا هم ینصرون

۲ - مرگ ، لحظه کوتاه شدن دست کافران از تدبیر های خویش و نقطه های امید

فیه یصعقون . یوم لایغنی عنهم کیدهم شیئًا

در صورتی که <یومهم الذی. ..> در آیه قبل، نظر به لحظه مرگ داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۴ - ۱۱

۱۱ - عذاب دردناك الهی ، کیفر کافران است .

و للکفرین عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۶ - ۲

۲ – عذاب و کیفر خداوند درباره کافران ، پس از اتمام حجت و ارائه دلایل روشن بوده است .

تأتیهم رسلهم بالبیّنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۴

۴ – دوزخی شدن کافران ، جزای کردار خود آنان است .

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۱۹ – معارج – ۷۰ – ۱۸ – ۳

۳ – آتش دوزخ ، کیفر زراندوزان کافر

و جمع فأوعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – طارق – ۸۶ – ۱۶ – ۶،۷

۶ – کافرانی که در برابر حاکمیت قرآن و تأثیر هشدار های آن ، خدعه کنند ، به کیفری غافلگیرانه و غیر قابل پیش بینی گرفتار خواهند شد .

إنّه لقول فصل . .. یکیدون ... و أکید کیدًا

<حیله>; یعنی، آنچه به صورت مخفیانه، مایه رسیدن به حالت مورد نظر گردد. و <کید> نوعی احتیال است. (مفردات راغب)

۷ – خداوند در مکر و کیفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنّهم یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – فجر – ۸۹ – ۱۴ – ۱۰

۱۰ – < روی عن علی (ع) انّه قال : معناه [أی قوله تعالی : إنّ ربّک لبالمرصاد] إنّ ربّک قادر علی أن یجزی أهل المعاصی جزاءهم ;

از علی(ع) روایت شده که فرمود: معنای آیه این است که پروردگارت، توانایی دارد که گنه کاران را کیفر بدهد>.

کیفر کافران امت های پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۱۱

۱۱ عقوبت های نازل شده بر کفرپیشگان و استهزاگران امت های گذشته ، دلیلی فراروی کافران بر تخلف ناپذیری تهدید ها و وعید های الهی

إن الله لایخلف المیعاد. و لقد استهزیء برسل من قبلك ... ثم أخذتهم

آیه مورد بحث به لحاظ <ثم أخذتهم . ..> دلیلی است

برای <حتی یأتی وعد الله إن الله لایخلف المیعاد>.

کیفر کافران به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۳ - ۶

۶ خداوند ، مشرکان و کافران به پیامبر (ص) را به کیفر های دنیوی و فرو ریختن سنگ های عذاب تهدید کرد .

و ما هی من الظلمین ببعید

واقع شدن جمله <و ما هی . ..> پس از مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) (عند ربک) می تواند قرینه بر این باشد که: از مصداقهای مورد نظر برای <الظالمین> مشرکان و کافران عصر بعثت است.

کیفر کافران حق ستیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۸ - ۳،۴،۶

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا . .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و إن یعودوا فانتقمنا منهم کما انتقمنا من الأولین ... .>

۴ خداوند بر اساس سنت خویش ، کافران حق ستیز دوران های پیشین را به سزای اعمالشان رسانیده است .

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

۶ مجازات و سرکوبی کافران حق ستیز ، سنتی الهی

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

کیفر کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- نظام کیفری خداوند برای مجازات کافرانِ عصر بعثت ، نظامی مشخَّص و دارای مَوعِد و زمانی تخلّف ناپذیر بود .

بل لهم موعد

لن يجدوا من دونه موئلًا

به قرينه آيه بعـد، مراد مؤاخـذه در <لو يؤاخذهم> مؤاخذه در دنيا است. و جمله <بل لهم موعد> ظهور در فعليّت آن وعده دارد كه در مورد كافران عصر بعثت صادق است.

كيفر كافران قريش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ آن گروه از كافران قريش كه پس از شكست همچنان به كفرورزى خويش ادامه دادند ، از دوزخيان هستند .

و الذين كفروا إلى جهنم يحشرون

تكرار <الذين كفروا> پس از <ثم يغلبون> اشاره به اين دارد كه گروهى از كفار قريش پس از شكست و غلبه مسلمانان به كفر باقى خواهند ماند، آنان سزايشان جهنم است و گروهى اسلام را خواهند پذيرفت و اهل نجات خواهند بود.

كيفر كافران لجوج

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۴ - ۴

۴- عذاب دردناك ، فرجام و كيفر كافرانى است كه از سر لجاج و عناد به آيات الهى ايمان نمى آورند .

إن الذين لايؤمنون بأيت الله . .. لهم عذاب أليم

كيفر كافران متكبر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۱ - ۶

۶- فرو رفتن آب ها و منابع آبى ، از جمله كيفر هاى الهى براى كافرانى است كه به خود بنازند و بر ديگران تفاخر كنند .

أو يصبح ماؤها غورًا فلن تستطيع له طلبًا

<يصـبح> عطف بر <فتصبح> و تفريع ديگرى بر <يرسل عليها حسباناً> است. قيد <من السماء> در مورد عذابى كه آب

ها را در زمین فرو ببرد، ناظر به الهی بودن

عذاب است، نه نزول آن از آسمان.

کیفر کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۹۱ - ۱۷

۱۷ - سزای کفرپیشگان محارب و فتنه انگیز ، کشتن آنان است .

فاقتلوهم کذلک جزاء الکفرین

<ال> در <الکافرین> عهدیه است و اشاره به کافرانی دارد که سر جنگ با مسلمانان دارند و یا علیه ایشان فتنه انگیزی می کنند.

کیفر کتمان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۴ - ۲۶

۲۶ فرجام کتمان کنندگان احکام خداوند ، فرجامی هراس انگیز

و اخشون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۸ - ۱۰،۱۳

۱۰ واهی بودن پندار نجات عالمان اهل کتاب از عذاب الهی ، با وجود عملکرد ناشایست آنان (کتمان حقایق و . . .)

لا تحسبنّ الّذين . .. بمفازه من العذاب

کلمه <مفازه>، مصدر میمی و به معنای خلاص و نجات یافتن است.

۱۳ عذابی دردناک در انتظار عالمان اهل کتاب به جهت کتمان حقایق و انتظار چاپلوسی و ستایش بیجا

لا تحسبنّ الّذین . .. بمفازه من العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۲ -

۳ کسانی که حقانیّت اسلام را می پوشانند و راه شرک را بهتر از آن می نمایانند ، مورد لعن الهی هستند .

الم تر الی الذین . .. یقولون هؤلاء اهدی من الّذین امنوا سبیلا. اولئک الّذین لعنه

کیفر کتمان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۲

۲ – کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب . .. لهم عذاب ألیم

کیفر کتمان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۲

۲ – کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب . .. لهم عذاب ألیم

کیفر کتمان کنندگان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۵ – ۲

۲ – دین فروشان و کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی ، از مغفرت الهی محروم و به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أولئک الذین اشتروا . .. العذاب بالمغفره

کیفر کسب نامشروع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۱۹

۱۹ – کسب در آمد از راه های نامشروع ، حرام و موجب عذاب الهی است .

و یشترون به ثمناً قلیلا أولئک

. .. لايكلمهم اللّه ... و لهم عذاب اليم

كيفر كفر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۳۳

۳۳ كفر و ارتداد ، موجب خُلود در جهنّم و حَبط عمل در دنيا و آخرت

و من يرتدد منكم عن دينه فيمت و هو كافر فاولئك حبطت اعمالهم . .. و اولئك اصحاب ال

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۷ – ۱۵،۱۶

۱۵ كافران ، اهل آتش و ماندگار در آن براى هميشه

اولئك اصحاب النّار هم فيها خالدون

۱۶ توجّه به عاقبت و عقوبت اهل كفر ، زمينه ساز پرهيز از انحراف به كفر و پذيرش حاكميّت طاغوت

اولئك اصحاب النّار هم فيها خالدون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴ – ۹،۱۳

۹ كفر به آيات خدا ، موجب عذاب سخت الهى بر كافران

انّ الّذين كفروا بايات اللّه لهم عذاب شديد

۱۳ تهديد شدن اهل كتاب (يهود و نصارا) به عذاب سخت الهى ، در صورت كفر به آيات خداوند ، قرآن ، تورات و انجيل

نزّل عليك . .. انّ الّذين كفروا ... لهم عذاب شديد

از شأن نزول به دست مى آيد كه مورد آيه، اهل كتابند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰ – ۹،۱۰

۹ هشدار الهی به کافران در مورد عاقبت بد آنان

انّ الذین کفروا . .. و اولئک هم وقود النار

۱۰ آتش دوزخ ، از درون کافران زبانه می کشد .

اولئک هم وقود

النار

با توجه به معنای لغوی <وقود>: هو الحطب المجعول للوُقود. یعنی وقود، هیزمی است برای روشن کردنِ آتش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۱ - ۲

۲ کافران به آیات الهی ، مستحق عذابی دردناک

انّ الذین یکفرون بایات اللّه . .. فبشّرهم بعذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۸،۹

۸ کافران و قاتلان پیامبران و عدالتخواهان ، هیچگونه یاور و شفیعی در برابر اراده خداوند نسبت به حبط اعمال خود ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. حبطت اعمالهم ... و ما لهم من ناصرین

۹ کافران و قاتلان انبیا و عدالتخواهان ، راه نجاتی ندارند .

انّ الذین یکفرون . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۷ - ۶

۶ کسانی از یهود و نصارا که آگاهانه نبوت پیامبر (ص) را انکار نمودند ، گرفتار لعنت خدا و فرشتگان و مردم هستند .

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. اولئک جزاؤهم انّ علیهم ... و النّاس اجمعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۲

۲ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر یهود و نصارا ، بجهت کفر آگاهانه آنان به پیامبر (ص)

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

بنابراینکه <قوما کفروا> شامل یهود و نصارا نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل

عمران - ۳ - ۱۰۶ - ۱۴

۱۴ عذاب اُخروی آدمی ، نتیجه کفر و اعمال بد او

فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

<تکفرون . .. >، می تواند هم شامل کفر عملی و هم اعتقادی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۱ - ۹

۹ رستگاری و عذاب ، دو فرجام متفاوت برای تقواپیشگان و کافران

و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون. و اتّقوا النّار الّتی اعدّت للکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۶

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیّت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

۱۶ عذاب بزرگ اخروی در انتظار شتابگران در کفر است .

الّذین یسارعون فی الکفر . .. و لهم عذاب عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناک الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۸ - ۸

۸ بقای بر کفر ، موجب ازدیاد گناه و کیفر آن

و لا یحسبنّ الّذین کفروا انّما نملی لهم خیر لانفسهم انّما نملی لهم لیزدادوا اثما

ظاهراً مراد از گناه در آیه، همان کفر است ; بنابراین عمر کافر هر چه طولانی شود، گناه او افزون می شود. هر چند غیر از کفر، گناه دیگری مرتکب نشود.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۸ - ۸

۸ عذاب خوارکننده ، کیفر ایمان نداشتن به خدا و قیامت

اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً. و الذین ... لا یؤمنون باللّه و لا بالیوم الاخر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقین فی الدرک الاسفل . .. ما یفعل اللّه بعذابکم إن شکرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ کفر ، موجب گرفتار شدن به عذاب دردناک قیامت

و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً أليماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰ - ۲

۲ کفر و تکذیب آیات الهی ، موجب گرفتاری به آتش برافروخته دوزخ

و الذین کفروا و کذبوا بایتنا أولئک اصحب الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۴

۴ جنیان نیز همانند آدمیان، در صورت تکذیب آیات الهی و گرایش به کفر و شرک، در معرض مجازاتهای الهی هستند.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۰۰ - ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب

گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است; به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت برخی مردم ، مؤاخذه نخواهد کرد .

ما أنزّلنا علیک القران لتشقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۷ - ۲

۲ - عذاب دوزخ ، عقوبت کفر به خدا و تکذیب آیات او (قرآن)

و الذین کفروا و کذّبوا بَایتنا فأولئک لهم عذاب مهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - کفر ، عامل گرفتار شدنِ انسان به عذابی سخت است .

و من کفر فلایحزنک کفره . .. ثمّ نضطرّهم إلی عذاب غلیظ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۲۰

۲۰ - پذیرفتن عقیده کفرآلود ولو

با فریب و دستور دیگران کفر تلقی شده و کیفر دارد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا . .. تأمروننا أن نکفر باللّه و نجعل له أنداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۵ - ۱۴

۱۴ - جنیان ، مکلف به تکالیف الهی و مستحق کیفر در صورت کفر و حق ستیزی

و حقّ علیهم القول فی أمم قد خلت من قبلهم من الجنّ و الإنس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۱ - ۲

۲ - کفر به تنهایی من های ضمیمه شدن به اعمال زشت خود جرمی مستحق عذاب است . *

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و أمّا الذین کفروا

در آیه پیشین، از لزوم همراهی ایمان با عمل صالح، جهت بهره مندی از پاداش اخروی سخن به میان آمد; لیکن در این آیه، در کنار <الذین کفروا> اشاره به اعمال بد نشده است. بنابراین می توان گفت کفر، انسان را مصداق <مجرم> کرده و مستحق عذاب می سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرّصون . .. یوم هم علی النار یفتنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الألیم

کیفر کفر به آخرت

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۸ – ۱۰

۱۰ – ایمان نیاوردن به آخرت ، کیفر دارد و انسان را در وادی بس بی راهه قرار می دهد .

الذین لایؤمنون بالأخره فی العذاب و الضلل البعید

آوردن موصول به جای اسم ظاهر (الکافرون) دلالت می کند که ایمان نیاوردن، علت گرفتاری در عذاب و واقع شدن در گمراهی دور و دراز است.

کیفر کفر به آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹۸ – ۲

۲– آتش همواره شعلهور حهنّم ، کیفر کفر به آیات الهی و انکار روز رستاخیز

کلّما خبت زدنهم سعیرًا . ذلک جزاؤهم بأنهم کفروا بأیتنا و قالوا أءذا کنّا عظمً

کیفر کفر به حقایق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۹ – ۱۲

۱۲– کافرانِ به حقایق نازل شده از سوی خداوند ، ظالم ، و سزاوار آتش اند .

الحقّ من ربّکم . .. و من شاء فلیکفر إنّا أعتدنا للظلمین نارًا

کیفر کفر به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من كفر . .. ثم أضطره إلى عذاب النار

اضـطرار; يعنى، مجبور ساختن كسـى به انجام كارى. پس <ثم اضطره ...> چنين معنا مى شود: آن گاه كه كافران حيات دنيا را سپرى كردند، آنان را براى ورود به آتش دوزخ مجبور مى كنم.

جلد – نام سوره – سوره

- آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۵ – ۱۷

۱۷– کیفر دادن به سبب کفر به خدا و پیروی نکردن از رسولان او از سنت های الهی است .

و أنذر الناس . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... کیف فعلنا بهم و ضربنا لکم الأمثال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۳ – ۱

۱ – شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم یؤمن . .. فإنّا أعتدنا للکفرین سعیرًا

کیفر کفر به صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۸ – ۶

۶ عذاب نازل شده بر قوم ثمود ، پاسخی بود به ناباوری آنان نسبت به تحقق تهدید های صالح (ع)

ائتنا بما تعدنا . .. فأخذتهم الرجفه

از حقایقی که در آیه قبل مطرح شده و می تواند <أخذتهم الرجفه> بر آن مترتب باشد، ناباوری قوم ثمود به تهدیدهای حضرت صالح(ع) است، که از جمله <ائتنا بما تعدنا> به دست می آید.

کیفر کفر به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۷ – ۱۳

۱۳ کافران به قرآن از هرگروه و طایفه (مشرکان ، یهودیان ، نصارا و . . .) به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

و من یکفر به من الأحزاب فالنار موعده

<ال> در <الأحزاب> می تواند عهدیه باشد که در این صورت اشاره به مشرکان ، یهود و نصاراست و می تواند <ال> در آن برای استغراق باشد که در این صورت ،

مصداقهای بارز و موردنظر آن ، گروههای نامبرده اند.

کیفر کفر به قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۶ – ۱۸

۱۸ – آنان که به خدا و روز قیامت کافر شوند ، راهی جز ورود به آتش دوزخ نخواهند داشت .

و من کفر . .. ثم أضطره إلی عذاب النار

اضطرار; یعنی، مجبور ساختن کسی به انجام کاری. پس <ثم اضطره ...> چنین معنا می شود: آن گاه که کافران حیات دنیا را سپری کردند، آنان را برای ورود به آتش دوزخ مجبور می کنم.

کیفر کفر به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۶

۶ – کفر به پیامبر (ص) و اسلام ، موجب گرفتار شدن آدمی به آتش دوزخ و خلود در آن خواهد شد .

أفتطمعون أن یؤمنوا لکم . .. من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

آیه مورد بحث (من کسب . ..) قضیه کلی و کبرای آیات گذشته است و آیات پیشین تعیین کننده صغرای این قضیه کلی است. بنابراین کفر به پیامبر(ص) و اسلام – که از جمله <أفتطمعون أن یؤمنوا لکم> (آیه ۷۵) به دست می آید – از مصداقهای <سیئه> است و اصرار بر آن، مصداق <احاطه خطیئه> خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۴ – ۱۴

۱۴ – یهودیانِ کافر به پیامبر (ص) و استهزا کننده او ، مستحق عذابی دردناک هستند .

و للکفرین عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

فتح - ۴۸ - ۱۳ - ۱

۱ - شعله های گدازنده آتش ، مهیا برای کافران به خدا و رسول او

و من لم يؤمن . .. فإنّا أعتدنا للكفرين سعيرًا

کیفر کفران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۳

۳ منافقان به خاطر ناسپاسی و کفرشان به خدا ، مستحق عذاب دوزخند .

إنّ المنفقين فى الدرك الاسفل . .. ما يفعل اللّه بعذابكم إن شكرتم و ءامنتم

بنابر اینکه خطاب، متوجه منافقان باشد، آیه شریفه اشاره به ناسپاسی و بی ایمانی آنان دارد و آن را از موجبات گرفتاری دوزخ می شمرد.

کیفر کفران کنندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۸ - ۴

۴- کفران کنندگان نعمت های الهی و حق ناسپاسان ، در معرض عذاب های دنیوی چون بلعیده شدن به وسیله زمین و گرفتار شدن به طوفان شن

و كان الإنسن كفورًا. أفأمنتم أن يخسف بكم ... أو يرسل عليكم حاصبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۷ - ۸

۸ - خداوند ، جز کفران کنندگان را مجازات نمی کند .

و هل نجزى إلّا الكفور

استفهام در این آیه، انکاری به معنای نفی بوده و مفید برداشت یاد شده است.

کیفر کفران نعمت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۵۵ – ۶

۶- مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان مطلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فتمتّعوا فسوف تعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶

۷- کمترین کیفر الهی برای جامعه ناسپاس ، پیدایش فقر ، گرسنگی و ناامنی فراگیر است . *

فأذقها الله لباس الجوع و الخوف

برداشت فوق، بر اساس این احتمال است که <اذاق> اشاره به چشاندن و ظاهر ساختن گوشه ای از کیفر باشد و <لباس> اشاره به اثرات و فراگیری آن کیفر داشته باشد.

۱۷- < عن أبی عبدالله (ع) قال : . . . ان أهل قریه ممّن کان قبلکم کان الله قد أوسع علیهم حتی طغوا فقال بعضهم لبعض : لو عمدنا إلی شیء من هذا النقی فجعلناه نستنجی به کان ألین علینا من الحجاره فلمّا فعلوا ذلک بعث الله علی أرضهم دواباً أصغر من الجراد فلم یدع لهم شیئاً خلقه الله . . . إلاّ أکله من شجر أو غیره فبلغ بهم الجحد إلی أن أقبلوا علی الذی کانوا یستنجون به فأکلوه و هی القریه التی قال الله : < ضرب الله مثلاً قریه کانت آمنه مطمئنّه یأتی ها رزق ها رغداً من کلّ مکان فکفرت بأنعم الله فأذاق ها الله لباس الجوع و الخوف بما کانوا یصنعون > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود:. .. قبل از شما اهل قریه ای بودند که خداوند در زندگی به آنان کشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعض دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نانها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده های کوچک تر از ملخ را بر سرزمینهای آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند

آفریده بود از درخت و غیر آن خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نانهایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه ای است که خداوند فرموده است: ضرب الله مثلاًـ قریه کانت آمنه مطمئنه ...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - مشرکان ناسپاس ، از سزای ناسپاسی شان ، مطّلع خواهند شد .

بربّهم یشرکون . .. فسوف تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۹ - ۷

۷ - مردم سبأ ، به دنبال کفران نعمت های خدا و جاری شدن سیل سد مأرب ، به طور کلی متلاشی و پراکنده شدند .

فأعرضوا فأرسلنا علیهم سیل العرم . .. و مزّقنهم کلّ ممزّق

<مزق> در لغت به معنای پاره کردن و از بین بردن اثر آمده و در آیه پراکندن در اطراف و اکناف بلاد است (مجمع البحرین).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۰ - ۵

۵ - مؤثر نبودن اموال و برخورداری های انسان های ناسپاس در برابر نتایج ناگوار و پیامد های هلاکت بار ناسپاسی (عذاب)

فما أغنی عنهم ما کانوا یکسبون

کارساز نبودن دارایی ها و نعمت ها به قرینه صدر آیه بعد (فأصابهم سیئات ماکسبوا) در ارتباط با عذاب و پیامدهای هلاکت بار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها

است .

قتل الإنسن ما أكفره

مراد از <كفر> در <ماأكفره> ممكن است كفران نعمت هاى خداوند باشد كه آيات بعد به بعضى از آنها اشاره دارد. نفرين <قتل الإنسان> در معناى عرفى آن كه بيان استحقاق شديدترين عقوبت ها مى باشد استعمال شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۹

۹ عذاب خواركننده ، كيفر كسانى كه به جهت ترك احسان ، نعمت هاى خدادادى خويش را پنهان مى كنند .

و يكتمون ما اتيهم اللّه من فضله و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

كيفر كنز

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان كه طلا و نقره مى اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع ميورزند ، مستحق عذابى دردناكند .

و الذين يكنزون الذهب و الفضه و لا ينفقونها فى سبيل اللّه فبشرهم بعذاب أليم

كيفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منكران رستاخيز و لطف او به خلق مانع از سلب روزى آنان در دنيا است .

لفى ضلل بعيد . اللّه لطيف بعباده يرزق من يشاء و هو القوىّ العزيز

با توجه به معناى <لطيف> كه حكايت از رحمت و لطف دارد برداشت ياد شده به دست مى آيد.

كيفر گمراهى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۲۰

۲۰ عقوبت سنگینتر ، بازتاب ضلالت افزونتر

قل هل انبئکم بشرّ

من ذلک مثوبه . .. اضل عن سواء السبيل

کیفر گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۶ – ۱۲،۱۰

۱۰ نفاق ، فساد در زمین و نصیحت ناپذیری در برابر دعوت به تقوا ، گناه و موجب عذاب جهنّم

و من الناس من یعجبک . .. فحسبه جهنّم

۱۲ جهنّم ، کیفر حاکمان مفسد ، سرسخت و حق ناپذیر

و اذا تولی سعی . .. فحسبه جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۸ – ۲۵

۲۵ عزّت و قدرت شکست ناپذیر الهی ، پشتوانه مجازات متخلّفانِ از احکام و قوانین الهی

و المطلّقات یتربّصن . .. و لا یحل لهن ... و اللّه عزیز حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۸۴ – ۱۰

۱۰ بخشش گناهان انسان و یا عقاب وی ، به مشیّت الهی است .

فیغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۱ – ۷،۱۱

۷ گرفتاری به عذاب الهی ، نتیجه گناهان

فاخذهم اللّه بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> سببیه باشد.

۱۱ گناهان ، خود ، مایه و وسیله عذاب و کافران است .

فاخذهم اللّه بذنوبهم

بنابراینکه <باء> در <بذنوبهم> برای استعانت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۶

۶ بخشایش و آمرزش توبه کنندگان و عذاب گناهکاران ، برخاسته از مشیّت خداوند

او یتوب علیهم او یعذّبهم . .. یغفر لمن یشآء و یعذّب من

يشآء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ برخی از گناهان آدمی ، در پی دارنده عذاب های دنيوی

كيف كان عاقبه المكذّبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۱ - ۱۶

۱۶ نسبت ناروا به خداوند و كشتن پيامبران ، گناهی بزرگ و موجب عذاب سوزان دوزخ

سنكتب ما قالوا و قتلهم الانبيآء بغير حقّ و نقول ذوقوا عذاب الحريق

<حريق>، به معنای محرِق (سوزاننده) است. گفتنی است عذاب سوزان برای كشتن پيامبران و نسبت ناروا به خدا دادن، حاكی از بزرگی چنين گناهانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱۴

۱۴ مجازات افزون بر گناه ، ظلمی بزرگ است .

و انّ اللّه ليس بظلّام للعبيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ عذاب گناهكاران ، متناسب با گناه آنان

لا يحبّ من كان مختالا فخوراً . .. و اعتدنا للكافرين عذاباً مهيناً

توصيف عذاب به خواركننده و قرار دادن آن برای متكبران و فخرفروشان، حاكی از تناسب عذاب الهی با گناهِ گناهكاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۱ - ۱۵

۱۵ گناه و تخلف گروهی از یک جامعه ، می تواند مایه گرفتاری همه افراد آن جامعه به عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذین هادوا حرمنا . .. و أعتدنا للکفرین منهم عذاباً ألیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده – ۵ – ۱۳ – ۱۳،۱۸

۱۳ قساوت قلب و نفهمیدن حق ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

لعنهم و جعلنا قلوبهم قسیه

بنی اسرائیل گر چه به سبب ناتوانی از درک حقایق مرتکب تحریف شدند، ولی چون این ناتوانی ناشی از گناه خود آنان بوده است، مورد مذمت خداوند قرار گرفتند. بنابراین عجز از فهمیدن حق، اگر پیامد گناه باشد، نمی تواند عذر شمرده شود.

۱۸ فراموشی ، آنگاه که پیامد گناه و کیفر آن باشد ، عذر نیست .

و نسوا حظاً مما ذکروا به

از اینکه خداوند بنی اسرائیل را به خاطر فراموشی دستورات الهی مذمت کرده، معلوم می شود فراموشی آنان عذر نبوده است. چرا که این فراموشی، کیفر پیمان شکنی آنان بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۸ – ۷

۷ عذاب الهی ، پیامد آلودگی به گناه

فلم یعذبکم بذنوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۱۲

۱۲ تفاوت کیفر های الهی ، نشاندهنده میزان پلیدی گناهان

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۵ – ۱۵

۱۵ اندازه کیفر ها و مجازات های تعیین شده از سوی خداوند ، بسته به میزان گناه نه کم و نه بیش

فجزاء مثل ما قتل . .. لیذوق و بال امره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۵ – ۷

۷ کیفیت و نوع عذاب

الهی ، متناسب با چگونگی و نوع گناه

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۱،۲

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

۲ ابتلای کفرپیشگان تاریخ به کیفر های الهی ، بیانگر توانایی خداوند به گرفتارسازی گنهکاران موجود به عقوبت گناهانشان است .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم

فاعل <یهد> ضمیری است که به داستان و سرنوشت اقوام پیشین برمی گردد و <أن لو نشاء . .. > مفعول آن می باشد. قابل ذکر است که <الذین یرثون> نیز مفعول به واسطه <یهد> است. و چون <یهد> به حرف لام متعدی شده، معنای تبیین در آن تضمین شده است. بنابراین جمله <او لم یهد ... > یعنی آیا سرگذشت پیشینیان برای وارثانشان این حقیقت را روشن نکرده است که اگر مشیت ما اقتضا کند آنان را به سبب گناهانشان عقوبت می کنیم.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۴۷ – ۸

۸ خداوند انسان ها را تنها بر گناهان مستمرشان مجازات می کند .

هل یجزون إلا ما کانوا یعملون

استمرار از تقارن <کانوا> و فعل مضارع <یعملون> استفاده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۲۹ – ۷

۷ گناه ، دارای آثار سوء

اجتماعی و روحی ، علاوه بر کیفر الهی

یکفر عنکم سیئاتکم و یغفر لکم

از آنجا که تکفیر و غفران سیئات به یک معناست، می توان تکرار آن را اشاره به آثار دنیوی گناهان (آثار سوء اجتماعی، روحی و . ..) و آثار اخروی آنها دانست. که در صورت تقواپیشگی خداوند گناهان را می آمرزد و هر دو نوع اثر را می زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۴ - ۵

۵ خداوند ، فرعونیان و کافران پیش از آنان را به سبب تکذیب آیات الهی و ارتکاب گناهان به هلاکت رساند .

فأهلکنهم بذنوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۵ - ۵

۵ هر کس مسؤول عملکرد خویش است و تنها خودش به خاطر گناهش مؤاخذه می شود .

إن افتریته فعلیّ إجرامی

<إجرام> به معنای ارتکاب و کسب گناه است. تقدیم <علیّ> بر <إجرامی> حکایت از حصر دارد; یعنی ، گناه افترا (اگر افترایی باشد) تنها متوجه من است نه دیگری.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۵ - ۱۱

۱۱- برخی از گناهان ، کیفر فرو رفتن در زمین را در پی دارد .

أفأمن الذین مکروا السیّئات أن یخسف الله بهم الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۷ - ۴

۴ - دوزخیان ، خواستار مجازات خویش در صورت بازگشت دوباره به گناه و عصیان ، بعد از فرصت داده شده

ربّنا أخرجنا منها فإن عدنا فإنّا ظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ هر گناهی از هر کسی ، مجازات الهی را در پی دارد .

و کفی به بذنوب عباده خبیرًا

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند، حاکی است که گناه از هر کس که باشد، در پی دارنده مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۳،۱۲،۱۰،۸

۸ - ابتلائات و مصائب فراوان ، تنها کیفرِ بخشی از گناهان انسان ها است .

ظهر الفساد . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

۱۰ - خداوند ، به منظور تنبّه انسان ها ، تنها بخشی از گناهان را کیفر می هد .

ظهر الفساد فی البرّ . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

۱۲ - در تنبیهی که برای تنبّه است ، شایسته است که تنها ، به مجازات بخشی از خطا ها اکتفا شود .

ظهر الفساد فی البرّ . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

۱۳ – فلسفه از دست رفتن امکانات دنیوی ، در پی گناه ، تنبیه گناهکاران جهت بازگشت از خطا به صراط مستقیم

است .

ظهر الفساد فی البرّ . .. لیذیقهم بعض الذی عملوا

<لام> در <لیذیقهم> لام عاقبت است و <لعلّ> معنای تعلیل دارد و مراد از <فساد> براساس ریشه لغوی آن، یعنی خروج شیء از اعتدال (تباه شدن)، قابل بهره برداری نبودن امکانات و یا از دست دادن آنها است. بنابراین، خداوند، در پی آلوده شدن انسان ها، به گناه، آنان را مبتلا می کند تا به این صورت، بیدارشان سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵۸ - ۵

۵ - آزار و اذیت مردان و زنان مؤمن ، در قبال گناه شان ، منعی ندارد .

و الذین یؤذون المؤمنین . .. بغیر ما اکتسبوا

قید <بغیر ما اکتسبوا> احترازی است و مفهوم اش این است که در صورت ارتکاب جرم و گناه، آزار و اذیت با رعایت شرایط جایز است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۴

۴ - سنت خداوند ، بر کیفر گناهان ، فراگیر و شامل همه جوامع ، در پهنه زمین

و ما أصبکم . .. و ما أنتم بمعجزین فی الأرض

با توجه به آیه قبل، می توان گفت که قید <فی الأرض> اشاره به این نکته دارد که گرفتار شدن انسان ها به نتایج عملکرد خویش، سنت الهی در سراسر زمین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۷ - ۶

۶ - سرگذشت قوم لوط ، عبرتی برای بیمناکان از عذاب دردناک کفر و گناه

و ترکنا فیها ءایه للذین یخافون العذاب الألیم

کیفر گناه جاهلانه

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۹

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

کیفر گناه کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۱ - ۴

۴ گناهی که وعده عذاب دوزخ در پی داشته باشد ، کبیره است . *

سوف نصلیه ناراً . .. ان تجتنبوا کبائر

مؤیّد برداشت فوق فرمایش امام صادق (ع) است که درباره آیه فوق فرمود: الکبائر، التی اوجب اللّه عزّ و جل علیها النار.

کافی، ج ۲، ص ۲۷۶، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۴۷۳، ح ۲۰۷.

کیفر گناهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۹ - ۶

۶ - اعدام ، کیفری پذیرفته شده برای بعضی از گناهان

بأیّ ذنب قتلت

استفهام در این آیه (به کدامین گناه؟) حاکی از پذیرش این نکته است که هر چند برخی گناهان ممکن است مجوّز اعدام باشد; ولی زنده به گور شدگان، از آن گناهان پاک بودند.

کیفر گناهان کبیره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۲۵ - ۱۳

۱۳- ارتکاب گناه کبیره هر چند جاهلانه ، تقلیدی و تحت تأثیر تبلیغات باشد ، کیفر دارد .

لیحملوا أوزارهم . .. و من أوزار الذین یضلّونهم بغیر علم

این برداشت، مبتنی بر این اساس است که <من> برای تبعیض و <بغیر> حال برای ضمیر مفعولی باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: آنان به دوش می

کشند گناهان خود و بخشی از گناه گمراه شدگان به دست خود را، هر چند اینها عالم نبوده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۴ - ۱۰

۱۰ - گناه ، هرچه بزرگ تر باشد ، کیفر آن سنگین تر خواهد بود .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

حرف <باء> در <بذنبهم> بیانگر علت عقوبت سنگین ثمودیان و نشانگر آن است که اگر کیفر آنان شدید بود، به جهت گناهی بود که از آنان سرزد. بنابراین ویژگی های کیفر، براساس خصوصیات گناه تعیین می شود.

کیفر گناهکار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۸ - ۵

۵ خداوند برای گناهکارانی که توبه را تا آستانه مرگ تأخیر انداخته و کسانی که کافر بمیرند ، عذاب دردناکی آماده کرده است .

و لیست التّوبه للّذین . .. و لا الّذین یموتون و هُم کفّار اولئک اعتدنا لهم عذابا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۷ - ۱۶

۱۶ عذاب گناهکاران ، متناسب با گناه آنان

لا یحبّ من کان مختالا فخوراً . .. و اعتدنا للکافرین عذاباً مهیناً

توصیف عذاب به خوارکننده و قرار دادن آن برای متکبران و فخرفروشان، حاکی از تناسب عذاب الهی با گناهِ گناهکاران است.

کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۷۴ – ۱۹،۲۰

۱۹ – بنی اسرائیلیان گنهکار و دارای اعمال ناشایست ، مورد تهدید خداوند به کیفر و مجازات

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی و توجه خداوند به اعمال گنهکاران،

تهدید ایشان به کیفر است.

۲۰ – انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۲

۲ – طوایف و نژاد های مختلف انسانی ، در برابر کیفر گناهانشان ، هیچ امتیازی بر یکدیگر ندارند .

لن تمسنا النار إلّا أیاماً معدوده . .. بلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۹۶ – ۱۲

۱۲ – یهودیان گنهکار به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

بما قدمت أیدیهم . .. و ما هو بمزحزحه من العذاب

<زحزحه> (مصدر مزحزح) به معنای دور ساختن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۹ – ۹

۹ مقتضای حکمت الهی ، عقابِ خطاکاران پس از بیان احکام و ارائه ادلّه روشن است .

فان زللتم من بعد ما جاءتکم البیّنات . .. ان اللّه عزیز حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۱ – ۴

۴ سرزنش خلافکاران و مؤاخذه آنان باید همواره پس از اتمام حجّت باشد .

و کیف تکفرون و انتم تتلی علیکم ایات اللّه و فیکم رسوله

بنابراینکه استفهام برای توبیخ بوده و مراد از تلاوت آیات و وجود رسول، اتمام حجّت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۶ - ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد

.

نصله جهنم . .. إنّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

بنابر اینکه جمله <ان اللّه . ..> بیانگر علت <نصله جهنم>باشد، معلوم می شود که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۳ – ۹،۱۴

۹ بدکاران ، گرفتار کیفرِ کردار ناپسند خویش خواهند شد .

من یعمل سوءاً یجز به

۱۴ حرمت جلوگیری از اعمال مجازات های الهی ، بر خطاکاران

و لایجد له من دون اللّه ولیاً و لانصیراً

چنانچه <یُجَز> شامل کیفرهای دنیوی باشد، جمله <لایجد . .. > چه نافیه باشد و عطف بر جمله <یجز به> و چه ناهیه باشد و جمله ای مستقل ، دلالت می کند که نباید هیچ کس مانع کیفر دیدن خطاکاران شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ عذاب گنهکاران ، مظهر عزت و حکمت خداوند و آمرزش توبه کاران ، جلوه غفران و رحمت او

یعذب من یشاء و یغفر لمن یشاء

چنانچه <یعذب . .. و یغفر> اشاره به آیات پیشین داشته باشد. بیان عزت و حکمت خداوند پس از <فاقطعوا> و ذکر غفران و رحمت او پس از <فان اللّه یتوب علیه> در آن آیات، حاکی از برداشت مذکور خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۰ – ۵

۵ مجازات گناهکاران نتیجه عمل خود ایشان است.

إن الذين يكسبون الإثم سيجزون بما كانوا يقترفون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵

- انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۶

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۲

۱۲ کیفر های الهی بازتاب اعمال ناروای گناهکاران است .

سیجزون ما کانوا یعملون

<ما> در <ما کانوا یعملون> مصدریه است و مفاد آیه این می شود که <سیجزون عملهم>. مطرح شدن عمل به عنوان جزا حاکی از این است که کیفر ملحدان چیزی جز چهره دیگر همان عمل ناروای آنان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۱ - ۲

۲ کیفر الهی در مورد گنهکاران ، عادلانه و به دور از هر گونه ظلم

ذلک بما قدمت أیدیکم و أن اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۶،۱۱

۶ خداوند ، کافران و گنهکاران را پس از ارائه آیات خویش و اتمام حجت بر آنان ، مؤاخذه خواهد کرد .

كفروا بايت اللّه فأخذهم اللّه بذنوبهم

۱۱ توجه به سنت الهی در مجازات کافران و گناهکاران ، زمینه ساز پرهیز از کفرورزی و ارتکاب گناه

كدأب ءال فرعون . .. إن اللّه قوی شديد العقاب

هدف از بیان مؤاخذه کافران و گنهکاران هشداری است به انسانها تا با توجه

به آن در مسیر ایمان و ترک گناه قرار گیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۶ – ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما یعذبهم و إما یتوب علیهم و اللّه علیم حکیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۳ – ۳

۳ کیفر ستم کاران و گنه پیشگان ، مقتضای ربوبیت خداوند و در جهت تدبیر امور انسانهاست .

مسوّمه عند ربک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۲ – ۳

۳- خداوند ، خصلت تمسخر و استهزا کردن را به منظور کیفر مجرمان تبهکار ، در قلبشان رسوخ داده است .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مرجع ضمیر <نسلکه> استهزا (مصدر یستهزءون) باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۹

۱۹ – طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لکلّ امری منهم ما اکتسب من الإثم والذی تولّی کبره منهم له عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۰ - ۴

۴ - حق ناپذیری دل های مجرمان ، کیفری تعیین شده از جانب خداوند در قبال جرم هایشان

کذلک سلکنه فی قلوب المجرمین

ذکر مشرکان با وصف <المجرمین>، اشعار به علیت حکم دارد; یعنی،

<سلکنا القرآن و هو بلسان عربی مبین فی قلوب هؤلاء المشرکین مثل ذلک السلوک جزاء لأجرامهم; ما قرآن را با این که به زبان عربی روشن است در دل های مشرکان هم چون زبان عجمی غیر قابل فهم راه دادیم، تاکیفری باشد در برابر جرم هایشان>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۱

۱ - تنها ظالمان و گنه کاران در معرض خطر کیفر و عقاب الهی

إنّی لایخاف لدیّ المرسلون . إلاّمن ظلم ثمّ بدّل حسنًا

از مفهوم <لایخاف لدیّ المرسلون> استفاده می شود که غیر از رسولان، هیچ شخص دیگری از عقاب الهی در امان نیست. عبارت <إلاّ من ظلم...> استثنا از این مفاد است; یعنی، همه ظالمان در معرض خطر قرار دارند، مگر کسانی که ستم کردند ولی آن را با انجام خوبی ها جبران نمودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۱ - ۱۶،۱۷

۱۶ - بازگشت انسان های گناهکار ، به صراط مستقیم ، حتی پس از تنبّه دادن شان قطعی نیست .

لیذیقهم بعض الذی عملوا لعلّهم یرجعون

<لعلّ> از حروف شبیه به فعل و برای انشا و توقع است; یعنی می خواهد بگوید: <امید است که بازگردند. >.

۱۷ - در مجازات مجرمان ، باید به جهت های اصلاحی و تربیتی ، توجّه شود .

لیذیقهم . .. لعلّهم یرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۴۶ - ۲

۲- مواد مذاب و گداخته ، مجازات الهی برای گناه پیشگان

إنّ شجرت الزقّوم . .. کغلی الحمیم

- آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۴ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، جایگاه فاسقان و گنه پیشگان و کیفر کردار آنان است .

و إنّ الفجّار لفی جحیم

<فجور>; یعنی، دریدن پرده دیانت (مفردات راغب). از معانی دیگر <فجور>، فسق و عصیان است. (قاموس)

کیفر گناهکاران یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۱ - ۱،۳

۱ - گنهکاران یهود همانند دیگر گنهکاران ، به اندازه استحقاقشان ، در آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

لن تمسنا النار إلاّ أیاماً معدوده . .. بلی

<بلی> (چنین نیست) حرف جواب است و برای رد سخن و ادعای مطرح شده به کار می رود. این کلمه در آیه شریفه رد ادعای یهود (لن تمسنا النار إلا أیاماً معدوده) است.

۳ - خداوند ، نه تنها اندک بودن عذاب یهود را تضمین نکرده ; بلکه در صورت احاطه داشتن گناه بر آنان ، ایشان را در آتش دوزخ ماندگار خواهد کرد .

أتخذتم عند اللّه عهداً . .. بلی من کسب سیئه ... هم فیها خلدون

کیفر گناهکاری کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۰ - ۱

۱ - دوزخ ، پایانی خفّت بار برای دروغ پردازی ها ، استهزاگری ها و گناه پیشگی کافران

ویل لکلّ أفّاک أثیم . .. اتّخذها هزوًا ... عذاب مهین . من ورائهم جهنّم

کیفر گواهی دروغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۵ - ۲۶

۲۶ شهادت دهندگان به دروغ و ترک کنندگان شهادت حق ، مورد تهدید خدایند .

و إن

تلوا او تعرضوا فإنّ اللّه كان بما تعملون خبيراً

بیان آگاهی خداوند به شهادتهای دروغ و ترکِ شهادتِ حق، کنایه از تهدید و عذاب الهی است.

کیفر گوساله پرستان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱۵

۱۵ - موسی (ع) با توجه دادن مرتدان به خالقیت خدا ، کیفر قتل را برای آنان امری سازنده دانست .

ذلکم خیر لکم عند بارئکم

انتخاب <بارء> در بیان ضرورت اجرای حکم قتل، به این معنا اشاره دارد که: هر چند کشته شدن به ظاهر از میان رفتن و نابود شدن است، ولی در حقیقت زندگی یافتن و دوباره آفریده شدن است. گفتنی است که تکرار <بارئکم> در دو جمله <توبوا إلی بارئکم> و <ذلکم خیر لکم عند بارئکم> رسای به این است که هر کدام به هدفی خاص آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۴ - ۱

۱ موسی (ع) پس از دریافت وعده الهی (آمرزش گوساله پرستان تائب و به کیفر رساندن غیر تائبان) خشمش فرو نشست .

و لما سکت عن موسی الغضب

وقوع جمله <و لما سکت . .. >، پس از دو آیه گذشته، بیانگر این است که فرو نشستن غضب موسی(ع) به خاطر پذیرش توبه تائبان از سوی خدا و تهدید اصرارکنندگان بر گوساله پرستی به کیفری زودرس بوده است.

کیفر لجاجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۴ - ۳

۳ گمراهی ضلالت پیشگان از سوی خدا ، سزا و کیفر

لجاجت و حق ناپذیری ایشان است .

ینوح قد جدلتنا . .. فأتنا بما تعدنا ... إن کان الله یرید أن یغویکم

وقوع جمله <إن کان الله> پس از بیان لجاجتها و حق ناپذیریهای کفرپیشگان (قد جادلتنا . ..) ، حاکی است که اراده خداوند بر اغوای آنان ، به خاطر عناد و لجاجتشان بوده است.

کیفر لغزش رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۳

۳- کمترین لغزش رهبران الهی از مواضع تعیین شده به وسیله وحی ، دارای کیفری دو چندان در دنیا و آخرت

ترکن إلیهم شیئًا قلیلاً. إذًا لأذقنک ضعف الحیوه و ضعف الممات

کیفر لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۶ - ۱،۴،۵

۱ تعزیر و ایذا ، کیفر دو مردی که مرتکب فحشا (لواط) شوند .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

چون در آیه قبل حکم زن زناکار بیان شده، بنابراین آیه مورد بحث در مورد غیر زنان است. پس مراد از <الّذان>، دو مردی هستند که مرتکب فاحشه گردند.

۴ کیفر فحشا (لواط و زنا) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّذان یأتیانها منکم فاذوهما

۵ لزوم تداوم ایذای مرتکبین فحشا (لواط و زنا) تا احراز توبه و اصلاح آنان *

فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما

در برداشت فوق، جمله <فان تابا . .. فاعرضوا> عطف بر <فاذوهما> و متفرع بر آن شده است و می رساند که پایان آزار،

توبه آنان است. بنابراین آزار آنان باید همچنان ادامه داشته باشد تا توبه کنند.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۳ – ۱

۱ خداوند قوم لوط را به سبب مخالفتشان با لوط و استمرارشان بر عمل شنیع لواط به هلاکت رساند .

فانجینه و أهله إلا امرأته کانت من الغبرین

کیفر مانعان از مسجد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۱۴ – ۱۷

۱۷ – خواری و ذلت در دنیا ، سزای بازدارندگان مردم از ورود به مساجد

و من أظلم ممّن منع مسجد اللّه . .. لهم فی الدنیا خزی

کیفر مانعان زکات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی . .. فسأکتبها للذین ... بایتنا یؤمنون

کیفر مبارزه با آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۵

۵ – خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحب الجحیم

کیفر مبارزه با انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۴۴ - ۶

۶ - جوامع گذشته تاریخ ، یکی پس از دیگری ، با عذاب قهر الهی و در پی تکذیب انبیا و مبارزه با آنان ، مضمحل شدند .

فأتبعنا بعضهم بعضًا

<إتباع> (مصدر <أتبعنا>) به معنای یکی را در پی دیگری روانه کردن است; یعنی، <پس ما امت های

تکذیب گر را پی در پی هلاک کردیم و هر یکی را به دنبال دیگری، به دیار نیستی روانه ساختیم>.

کیفر مبارزه با حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۶ – ۹

۹ جهنم ، سزای کافران حق ستیز

و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون

کیفر مبارزه با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۱ – ۵

۵ – خلود در جهنم ، کیفر مقابله کنندگان با آیات الهی (قرآن)

و الذین سعوا فی ءایتنا معجزین أولئک أصحب الجحیم

کیفر متجاوزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۹۳ – ۹

۹ – متجاوزان از مقررات جنگ ، باید مجازات شوند . *

فلا عدون إلا علی الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۸ – ۱۴

۱۴ ربوبیت الهی ، مقتضی کیفر متجاوزان

انی اخاف اللّه رب العلمین

ترس هابیل، به قرینه آیه بعد، از مجازات خداوند و عذاب دوزخ بوده است. بنابراین توصیف خداوند به <رب العلمین>، می رساند که چون او رب العالمین است، متجاوزان را کیفر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۲ - ۱

۱ - ستم پیشگان و تجاوزگران به حقوق مردم ، سزاوار پیگرد ، مؤاخذه و مجازات می باشند .

إنّما السبیل علی الذین یظلمون الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۲،۴

۲ - اسرافگران متجاوز از قانون الهی ، دارای

مجازات هایی از پیش تعیین شده در نزد خداوند

حجاره من طین . مسوّمه عند ربّک للمسرفین

۴ – برنامه الهی در کیفر مجرمان و متجاوزان ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

مسوّمه عند ربّک

تعبیر <مسوّمه عند ربّک> و علامت دار بودن سنگ ها، حاکی از وجود دقت و حسابگری در نظام کیفری خداوند برای متجاوزان است.

کیفر متخلفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۰ – ۱۱

۱۱ خداوند ، قادر بر کیفر تخلف کنندگان از احکام الهی

و اللّه عزیز حکیم

آوردن صفت <عزیز> (به معنای قادری پیروز و شکست ناپذیر) پس از بیان احکام، تهدیدی است نسبت به متخلّفان از احکام الهی.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۴ – ۱۶

۱۶ متخلفان از قوانین الهی تنها پس از بیان احکام و اتمام حجت سزاوار گرفتاری به عذاب الهی

فمن اعتدی بعد ذلک فله عذاب الیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۵۷ – ۴

۴ – وجود کیفر ، برای انسان های متخلف ، در نظام ربوبی خداوند

إنّ الذین هم من خشیه ربّهم مشفقون

کیفر متخلفان از جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۲ – ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بکم . .. بعذاب من عنده أو بأیدینا

کیفر متخلفان از غزوه تبوك

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۰ – ۹

۹ عذاب دردناك ، کیفر سخت

متخلفان جنگ

سيصيب الذين . .. عذاب أليم

كيفر مجادله با آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۵۸ - ۹

۹- جدال در برابر آياتِ حق و اِعراض از آنها و غفلت از گناهان ، داراى كيفر قطعى است .

ذكّر بأيت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

كيفر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۳۸ - ۷

۷ حدود تعيين شده براى مجرمان ، كيفرهايى كافى و مناسب

جزاء بما كسبا

<جزاء> مفعول له براى <فاقطعوا> است و بيانگر آن است كه خداوند از آن رو بريدن دست دزد را واجب كرده كه كيفر مناسب براى دزدان است و از اين تعليل به دست مى آيد كه تمامى حدود الهى كيفرهايى مناسب با جرم مجرمان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۰ - ۳

۳ وضع قوانين و مقررات و جعل كيفر براى متخلفان ، از شؤون خداوند و برخاسته از حاكميت وى بر جهان هستى

فاقطعوا ايديهما جزاء بما كسبا . .. الم تعلم إنّ اللّه له ملك السموت و الارض

آيه مورد بحث، ناظر به مطالبى است كه در آيه قبل بيان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۷ - ۹

۹ گستردگی رحمت خدا، مانع کیفر مجرمان نخواهد بود.

ذو رحمه وسعه و لا یرد بأسه عن القوم المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ محرومیت ابدی از

رحمت، سنت خداوند در کیفر مجرمان

و کذلک نجزی المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۱

۱ مجرمان در احاطه آتش دوزخ، از زیر پا و فراز سر

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

<مهاد> به معنای بستر گسترده است و <غواش> (جمع غاشیه) به معنی ساتر و رواندار، عطف بر <مهاد> است و <من فوقهم> حال برای آن. یعنی: لهم من جهنم غواش من فوقهم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۱ - ۱۴

۱۴ - بریدن دست و پای مجرمان و بستن آنان به چوبه های دار ، از جمله سخت ترین مجازات ها در زمان فرعون بود .

فلأقطّعنّ . .. و لأصلّبنّکم فی جذوع النخل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۸ - ۱۶،۱۹

۱۶ - مجرمان و تبه کاران ، سزاوار کیفر مرگ در پیشگاه عدل الهی

أوَلم يعلم أنّ اللّه قد أهلك من قبله من القرون. ..و لايسئل عن ذنوبهم المجرمون

- ١٩

کیفر دادن تبه کاران ، بدون بازجویی ، محاکمه و اخذ اقرار در بینش الهی جایز است .

و لایسئل عن ذنوبهم المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۴

۴ - برنامه الهی در کیفر مجرمان و متجاوزان ، کاملاً دقیق و حساب شده است .

مسوّمه عند ربّک

تعبیر <مسوّمه عند ربّک> و علامت دار بودن سنگ ها، حاکی از وجود دقت و حسابگری در نظام کیفری خداوند برای متجاوزان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۳

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسوّمه عند ربّک . .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا. ..>، نمودی از <مسوّمه> و مصداقی برای آن باشد.

کیفر محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۱۴

۱۴ دشمنان محارب با اهل ایمان ، مستحقّ عذاب الهی

او یعذّبهم فانّهم ظالمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۱،۲،۳،۷،۹،۱۲،۱۴،۲۰،۲۱،۲۲،۲۳،۲۴،۲۵،۲۶،۲۷

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. او ینفوا فی الارض

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع

دست و پا و تبعید)

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که واو عاطفه در <و یسعون> واو جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۳ حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) ، کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

<جزاء> در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

۷ ضرورت اعمال حتمی کیفر محاربان و مفسدان و پرهیز از کوتاهی در اجرای حدود الهی بر ایشان

انما جزؤا الذین . .. ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم

فعل <یقتلوا> و <یصلبوا> و <تقطع> از باب تفعیل است و دلالت بر تأکید اجرای حدود یاد شده دارد.

۹ محاربان با خدا و رسول (ص) به دلیل فسادگری در زمین محکوم به کیفری سنگین

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا

بنابر اینکه <یسعون فی الارض> عطف تفسیری برای <الذین یحاربون> باشد، می توان گفت داعی بر تفسیر محاربان به فسادگران در زمین، بیان علت کیفری است که برای آنان ذکر شده است.

۱۲ کیفر های ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوار کننده و ذلت آور

ذلک لهم خزی فی الدنیا

۱۴ ضرورت برگزیدن شیوه ای ذلت آفرین و اهانت آمیز در اجرای حد بر محارب مفسد

ذلک لهم خزی فی الدنیا

<لهم خزی> می تواند ارشاد به چگونگی اجرای حد محاربان باشد. یعنی به

گونه ای حدود الهی را بر آنان جاری کنید که به خواری آنان منجر گردد.

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۱ حاکم اسلامی ، وظیفه دار برگزیدن یکی از مجازات های چهارگانه محارب ، با رعایت تناسب بین مجازات و جنایت وی

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام صادق(ع) در پاسخ سؤال از معنای آیه فوق روایت شده: ذلک الی الامام یفعل به ما یشاء، قلت: فمفوض ذلک الیه؟ قال: لا، و لکن نحو الجنایه.

کافی، ج ۷، ص ۲۴۶، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۲، ح ۱۶۴.

۲۲ اعدام ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً فقتل قتل به . .. .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه

فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۴ قطع یـک دست و یـک پـا از جهت مخـالف ، مجـازات محـارب فسـادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بـدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امـام رضـا(ع) دربـاره آیه فوق روایت شـده: اذا حارب اللّه و رسوله و سـعی فی الارض فساداً . .. و ان اخـذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۵ تبعیـد محارب (از محل ارتکاب جرم به شـهری دیگر) و قطع معاشـرت وی با مردم ، کیفر سـلاح بر کشـیدن بـدون قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: . .. و ان شهر السیف فحارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً و لم یقتل و لم یأخـذ المـال ... ینفی من المصـر الـذی فعل فیه ما فعل الی مصـر غیره و یکتب الی اهل ذلک المصـر انه منفی فلا تجالسوه و لا تبایعوه و لا تناکحوه و لا تواکلوه و لا تشاربوه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۶ زندانی کردن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها ، بدون قتل و غارت

انما جزؤا

الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مرم بسته اند فرمود: . .. فان کانوا اخافوا السبیل فقط و لم یقتلوا احداً و لم یأخذوا مالاً امر بایداعهم الحبس فان ذلک معنی نفیهم من الارض ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۴

۴ مردم ، فاقد هرگونه حقی در ثبوت و یا سقوط حد محاربان و مفسدان

الا الذین تابوا

خداوند حد محارب مفسد را در صورت توبه او ساقط کرده است و سقوط آن را مشروط به چیزی، مانند اعلام رضایت صاحبان حق، قرار نداده است. بنابراین در اثبات و نفی این حد، برای مردم حقی وجود ندارد.

کیفر محرومان از توشه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف

- ۱۸ - ۱۰۶ - ۳

۳- دوزخ ، جزای آنانی است که در صحنه قیامت ، بی توشه و تهیدست اند .

فلانقیم لهم یوم القیمه وزنًا . ذلک جزاؤهم جهنّم

کیفر مخالفان تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷ - گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقاییس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر مخالفان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۷

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه . .. و اتّقوا اللّه إنّ اللّه شدید العقاب

کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷

۷ - گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ،

کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقاییس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر مخالفت با تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۹

۹ - سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفعًا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخّصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مخالفت با دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

کیفر مخالفت با رهبری

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۵ – ۲۰

۲۰ مخالفت با رهبری کسی که با انتخاب مشروع برگزیده شده باشد ، موجب عذاب جهنم است .

و من يشاقق الرسول . .. و يتبع غير سبيل المؤمنين نوله ما تولى

اميرالمومنين(ع) فرمود: . .. فان اجتمعوا على رجل و سموه اماماً كان ذلك لله رضى فان خرج عن امرهم خارج بطعن او بدعه ردوه الى ما خرج منه فان ابى قاتلوه على اتباعه غير سبيل المؤمنين و ولاه اللّه ما تولى ...

نهج البلاغه، نامه ۶; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۱، ح ۵۶۶.

کیفر مخالفت با نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۹

۹ – سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفعًا بالناصيه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخّصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مخالفت با هدایت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۹

۹ – سیه رویی و ثبت نشانه دروغ گویی و گناه کاری بر پیشانی تکذیب گران دین ، کیفر مخالفت آنان با نماز ، هدایت و تقوا

لنسفعًا بالناصیه

برداشت یاد شده، ناظر به معانی گوناگونی است که برای <سفع> در توضیح برداشت هفتم ذکر شد. وصف های <کاذبه> و <خاطئه> (در آیه بعد)، مشخّصات نشانه را بیان کرده است.

کیفر مدعیان الوهیت

جلد - نام سوره

- سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۲۹ – ۴

۴- جهنم ، کیفر مدعیان دروغین الوهیت است .

و من یقل منهم إنّی إله من دونه فذلک نجزیه جهنّم

کیفر مرتد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۳۲

۳۲ کسی که مُرتدّ بمیرد ، همیشه در عذاب دوزخ است .

و من یرتدد منکم عن دینه فیمت . .. و اولئک اصحاب النار هم فیها خالدون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۸۸ – ۱،۳

۱ لعنت دائمی و عذاب تخفیف ناپذیر ، کیفر مرتدّان

قوماً کفروا بعد ایمانهم . .. خالدین فیها لا یخفّف عنهم العذاب

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۵،۱۱

۵ روسیاهی و عذاب مرتدّان در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم فذوقوا العذاب

۱۱ مرتدّانِ روسیاه ، مورد بازخواست و سرزنش در قیامت

فاما الذین اسودّت وجوههم اکفرتم بعد ایمانکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۷ - ۹

۹ عذاب دردناك الهی ، کیفر انتخاب کنندگان کفر به بهای از دست دادن ایمان (مرتدان)

انّ الّذین اشتروا الکفر بالایمان . .. لهم عذاب الیم

کیفر مردم مغرب سرزمین ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ -

۸ ذوالقرنین ، از سوی خداوند ، در مجازات یا بخشش ساحل نشینان غربی ، مخیر شد .

قلنا یذاالقرنین إمّا أن تعذّب و اما ان تتّخذ فیهم حسنًا

کیفر مروجان لهو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۶ – ۱۳

۱۳ – رواج دهندگان باطل ، مستحق عذابی خوارکننده اند .

من یشتری لهو الحدیث . .. أُولئک لهم عذاب مهین

کیفر مساحقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۵ – ۲،۳،۶،۱۵

۲ کیفر زن در صورت مساحقه (همجنس بازی) حبس ابد است . *

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم . .. فامسکوهنَّ فی البیوت

۳ زن زناکار و همجنس باز در صورتی که مسلمان باشد ، به حبس ابد محکوم می شود .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

چنانچه <کُم> خطاب به جامعه اسلامی باشد، مراد از <نساء> زنان مسلمان خواهد بود.

۶ کیفر فحشا (زنا ، مساحقه) ، مشروط به انجام آن از روی اختیار است .

و الّتی یأتین الفاحشه من نسائکم

۱۵ وعده خداوند به جعل کیفری خفیفتر از حبس ابد برای زنانی که مرتکب زنا و یا مساحقه شوند .

حتّی یتوفّیهنّ الموت او یجعل اللّه لهُنّ سبیلا

جمله <او یجعل اللّه . .. >، حاکی است که کیفر دیگر برای زن زناکار جعل خواهد شد ; و لام در <لهنّ>، مشعر به این است که آن کیفر خفیفتر از حبس ابد می باشد.

کیفر مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۹ - ۳

۳

مستضعفان ناتوان از هجرت ، به جهت ماندن در بلاد كفر ، سزاوار كيفرند . *

فاولئك عسى اللّه ان يعفو عنهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستكبران به مشترك بودنشان با مستضعفان پيرو خود ، در كيفر و عذاب الهى

قال الذين استكبروا إنّا كلّ فيها

كيفر مستكبران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۲ - ۱۰

۱۰ تهديد مستكبران و امتناع كنندگان از بندگى خداوند به احضار در پيشگاه خداوند براى حسابرسى و مجازات

و من يستنكف عن عبادته و يستكبر فسيحشرهم إليه جميعاً

جمله <فسيحشرهم> كنايه از حسابرسى و مجازات مستكبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۹،۱۶

۹ بى پناهى مستكبران رويگردان از بندگى خدا در برابر كيفر الهى در قيامت

اما الذين استنكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً و لايجدون لهم من دون اللّه و

۱۶ كيفر مستكبران بيش از استحقاق آنان نخواهد بود .

فاما الذين ءامنوا . .. و اما الذين استنكفوا و استكبروا فيعذبهم عذاباً أليماً

خداوند در پاداش مؤمنان جمله <و يزيدهم من فضله> را آورد ولى در كيفر مستكبران چيزى بر آنچه استحقاق دارند (عذاب اليم) نيفزود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۱،۲

۱- گردن فرازان و عصیان گران در برابر خداوند رحمان ، سزاوار سوختن در آتش دوزخ اند .

حول جهنّم . .. ثمّ لنحن أعلم ... بها صليًّا

<صليّاً> (از صَلِیَ یَصلی) تمیز برای <أولی> و به معنای

سوختن و چشیدن حرارت آتش است (لسان العرب). بنابراین مفاد عبارت <أعلم... صلیّاً> این است که: ما بهتر می دانیم چه کسی برای جهنم سزاوارتر است، از نظر چشیدن آتش و بریان شدن در آن. <أولویت> برای برخی نشانه آن است که بقیه نیز استحقاق دارند; گرچه ممکن است اولویت نداشته باشند.

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش دوزخ

علی الرحمن عتیًّا . ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولی بها صلیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۸ - ۱

۱ - اعتراف مستکبران به مشترک بودنشان با مستضعفان پیرو خود ، در کیفر و عذاب الهی

قال الذین استکبروا إنّا کلّ فیها

کیفر مسرفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۱،۷

۱ - زندگانی سخت و تنگ در دنیا و کوری و گرفتار بی مهری خداوند شدن در قیامت ، کیفر اسرافکاران است .

معیشه ضنکًا و نحشر یوم القیمه أعمی . .. و کذلک نجزی من أسرف

اسراف; یعنی، از حد اعتدال فراتر رفتن (مصباح). در این آیه، مراد از آن به قرینه <من اتبع هدای> تجاوز از رهنمودهای الهی است. <ذلک> در <کذلک> اشاره به کیفرهایی است که در آیات پیشین برای اعراض کنندگان از یاد، خدا بیان شده است.

۷ - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

و لعذاب الأخره أشدّ و أبقی

<کذلک> می رساند که زندگی سخت در دنیا

و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی ایمان را نیز تهدید می کند و جمله <لعذاب الأخره. ..> حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی تر از عذاب، دنیا و قیامت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۴ - ۲

۲ - اسرافگران متجاوز از قانون الهی ، دارای مجازات هایی از پیش تعیین شده در نزد خداوند

حجاره من طین . مسوّمه عند ربّک للمسرفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۵ - ۳

۳ - جدا شدن مؤمنان از صف مجرمان و مسرفان پیش از نزول عذاب ، نمودی از قانون مندی نظام کیفری حق

مسوّمه عند ربّک . .. فأخرجنا ... من المؤمنین

ممکن است <أخرجنا. ..>، نمودی از <مسوّمه> و مصداقی برای آن باشد.

کیفر مسیحیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب سخت اهل کتاب (یهود و نصارا) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تکونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات و اولئک لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ -

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم . .. و من الذین قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا

بیـان مجـازات مسـیحیان و یهودیـان به خاطر پیمان شـکنی آنان پس از <اذکروا . .. میثقه> (ای مسـلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشداری است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

۱۹ مسیحیان پیمان شکن ، مورد تهدید خداوند به عذاب و کیفر اعمال خویش

و سوف ینبئهم اللّه بما کانوا یصنعون

جمله <ینبئهم اللّه . ..>، کنایه از کیفر دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا . .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

کیفر مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۷،۸

۷ توبه مشرکان و پذیرش آن از سوی خداوند و یا عذاب و مجازات آنان ، هدفی برای نصرت الهی به رزمندگان بدر

ولقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیقطع طرفاً ... او یتوب علیهم

جمله <یتوب علیهم> و نیز <یعذّبهم>، عطف است بر <یقطع طرفاً>; و این جمله متعلق به <نصـرکم اللّه ببدر> است. و لذا عذاب مشرکان و پذیرش توبه آنان نیز از اهداف پیروزی جنگ بدر خواهد بود.

۸ کیفر و مجازات و یا پذیرش توبه مشرکان ، در اختیار خداوند است ، نه پیامبر (ص)

لیس لک من الامر شیء

او یتوب علیهم او یعذّبهم

پذیرش توبه و عذاب مشرکان، می تواند از مصادیق جمله <لیس لک من الامر شیء> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۶ – ۸

۸ مشرکان و گناهکارانی که آمرزیده نشوند ، به عذاب دوزخ گرفتار خواهند شد .

نصله جهنم . .. إنّ اللّه لا یغفر ان یشرک به

بنابر اینکه جمله <ان اللّه . ..> بیانگر علت <نصله جهنم>باشد، معلوم می شود که نجات از جهنم یا سقوط در آن، در گرو آمرزش و عدم آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۱ – ۶

۶ مشرکان به سبب شریک پنداشتن برای خداوند مستحق آسیب و کیفر هستند.

فأی الفریقین أحق بالأمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۹ – ۶

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیهم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم وصفهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۳۸ – ۲

۲ آتش دوزخ جایگاه اجتماع و به هم پیوستن جنیان و آدمیان کافر و مشرک است.

قال ادخلوا فی أمم قد خلت من قبلکم من الجن و الإنس فی النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۶ - ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی

أصیب به من أشاء و رحمتی . .. فسأكتبها للذین ... بایتنا یؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۳ - ۶

۶ خداوند مشركان را در قیامت مؤاخذه می كند و كیفر می دهد .

أفتهلكنا بما فعل المبطلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشركان و منكران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئك مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۶

۶ كفرمداران و شرك پیشگان ، مستحق عذاب و كیفر الهی در دنیا

و لو یعجل اللّه للناس الشر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۲ - ۲

۲ امت های ستم پیشه (جوامع كفرپیشه و مشرك) در خطر گرفتار شدن به عقوبت های الهی و عذاب های استیصال هستند .

و كذلك أخذ ربك إذا أخذ القری و هی ظلمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۹ - ۸

۸ خداوند ، سزا و كیفر مشركان را بی هیچ كم و كاستی به آنان خواهد رساند .

و إنا لموفّوهم نصيبهم غير منقوص

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۶ – ۳

۳- مشركان استهزاگر پيامبر (ص) ، به كيفر شديدى تهديد شدند .

المستهزءين. الذين يجعلون مع الله إلهًا ءاخر فسوف يعلمون

جمله <فسوف يعلمون> (به زودى خواهند دانست)

در مقام تهدید است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۲ – ۱۱

۱۱- بی شک کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا ، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۱۰ – ۲

۲- کافران و مشرکان حق ناپذیر ، به عذاب و کیفر الهی تهدید شدند .

إنّه یعلم الجهر من القول و یعلم ماتکتمون

تذکر به این که خداوند به سخنان آشکار و توطئه ها و اسرار مشرکان و کافران آگاه است، در حقیقت تهدید آنان و هشداری به کیفر و عذاب شدن آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۹۶ – ۴

۴ – صبر در برابر بدرفتاری های مشرکان و وانهادن کیفر آنان به خدا ، توصیه ای الهی به پیامبر (ص) در مقطع پیش از هجرت

ادفع بالتی هی أحسن السیّئه نحن أعلم بما یصفون

برداشت فوق، با توجه به مکّی بودن سوره مؤمنون است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۲ – ۱۵

۱۵ – هلاکت و نابودی اقوام مشرک ، در اثر عذاب الهی ، بخشی از کیفر عمل آنان بوده است .

لیذیقهم بعض الذی عملوا . .. فانظروا کیف کان عقبه الذین من قبل

چون این آیه، در مقام استشهاد برای مفاد آیه پیش است، این نکته به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳ - ۱۸

۱۸ - تهدید شدن مشرکان ، به عذاب و

کیفر از جانب خداوند

و الذین اتّخذوا من دونه أولیاء . .. إنّ اللّه یحکم بینهم فی ما هم فیه یختلفون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۳ – ۱۱

۱۱ – حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۶ – ۱

۱ – عذاب و کیفر الهی ، متوجّه مردان و زنان منافق و مشرک

و یعذّب المنفقین و المنفقت و المشرکین و المشرکت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۴ – ۲۱

۲۱ – تأکید ابراهیم (ع) ، بر عدم امکان دخالت او در حکم و قانون خدا علیه مشرکان

و ما أملک لک من اللّه من شیء

تعبیر <من شیء> در بردارنده تأکید، نسبت به عدم امکان مداخله در حکم خداوند است.

کیفر مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵ – ۲

۲ – مشرکان صدراسلام ، مورد تهدید خداوند به کیفر های سخت دنیایی

أُولئک الذین لهم سوء العذاب

قید <فی الأخره> در ذیل آیه، نشانگر آن است که مراد

از <سوء العذاب> عذاب دنیوی و تقدیر آن چنین است: <أولئك الذین لهم فی الدنیا سوء العذاب>.

کیفر مشرکان مفتری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۸ - ۷

۷ وعده الهی به کیفر مشرکان به سبب افتراهای آنان به خدا (ممنوعیت خوردن برخی از چهارپایان و محصولات، سوار نشدن بر برخی از چهارپایان، نبردن نام خدا به هنگام ذبح)

سیجزیهم بما کانوا یفترون

کیفر مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۳ - ۵

۵ سرکوبی و شکست مشرکان در جنگ بدر ، عقاب شدید الهی برای آنان

فاضربوا فوق الأعناق . .. فإن اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۳

۳ مشرکان حاضر در کارزار بدر ، مردمی کفرپیشه و مستحق عذاب با آتش دوزخ

و أن للکفرین عذاب النار

از مصادیق مورد نظر برای <للکفرین> مشرکان حاضر در کارزار بدر می باشد.

کیفر مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۶۹ - ۱

۱ کسانی که رو به سوی شرك آرند و دست به آدم کشی و زنا بیالایند ، در قیامت دو چندان عذاب و کیفر خواهند شد .

یضعف له العذاب یوم القیمه

در این که چرا افراد یاد شـده، دو چنـدان مجازات خواهند شد، میان مفسـران دو دیدگاه وجود دارد: ۱ مقصود از <یضاعف. ..> دو چندان شدن مجازات کسانی است که هر سه گناه شرک، آدم کشی و زنا را با هم مرتکب شوند; زیرا شرک

موجب دو چندان شدن مجازات بزه کاری می شود. برداشت یاد شده و برداشت بعدی مبتنی بر این نظریه است. ۲- مقصود، تشدید مجازات افراد یاد شده است نه دو چندان شدن آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۱،۷

۱ - در صورتی که همسران پیامبر ، آشکارا کار زشتی انجام دهند ، کیفرشان دوچندان خواهد بود .

ینساء النبیّ من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : أجرها مرّتین و العذاب ضعفین کلّ هذا فی الأخره حیث یکون الأجر یکون العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست>.

کیفر معرضان از آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۷ - ۷

۷ - مسرفان و ترک کنندگان ایمان به آیات خداوند ، علاوه بر کیفر شدن در دنیا و کور بودن در روز قیامت ، آخرتی همراه با عذاب سخت تر و مداوم تر خواهند داشت .

و لعذاب الأخره أشدّ و أبقی

<کذلک> می رساند که زندگی سخت در دنیا و کوری قیامت، علاوه بر غافلان، مسرفان بی ایمان را نیز تهدید می کند و جمله <لعذاب الأخره. ..> حاکی از عذابی اضافه بر آن است که پس از پایان روز قیامت، آغاز شده و شدیدتر و طولانی تر از عذاب، دنیا و قیامت خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۳

۳ - وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

کیفر معرضان از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۷

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أكفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۵

۵- باد های کوبنده و درهم شکننده ، از عوامل خداوند در کیفر اعراض کنندگان از او

یعیدکم . .. فیرسل علیکم قاصفًا من الریح فیغرقکم بما کفرتم

<قاصف> از مصدر <قصف> به معنای شکننده است (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۶ - ۲

۲ - همدمی با شیطان ، کیفر الهی برای اعراض کنندگان از یاد او

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیّض له شیطنًا

کیفر معرضان از قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۱۷ – ۷

۷ – کسانی که

خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أکفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

کیفر مغضوبان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۶ - ۵

۵ جهنم ، جایگاه مغضوبین درگاه خداوند

فقد باء بغضب من اللّه و مأویه جهنم

کیفر مفتریان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۲ - ۱۱

۱۱- بی شک کیفر مشرکان افترا زننده بر خدا ، آتش است .

لاجرم أن لهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۴ - ۷

۷- نسبت دهندگان فرزند به خداوند ، از احاطه کامل او بیرون نستند و مجازات الهی در انتظار آنان است .

لقد أحصیهم وعدّهم عدًّا

در برداشت یاد شده، مرجع ضمیر مفعولی در <أحصاهم>، فاعل <قالوا> (در آیات پیشین) گرفته شده است. در این صورت آیه در مقام تهدید کسانی است که به فرزندگزینی خداوند قائل می باشند و مراد از <مشخص بودن تعداد> این است که احدی از آنان نمی تواند از عقوبت این کار بگریزد.

کیفر مفتریان به قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۵ – ۱۶

۱۶– اسطوره تلقی کنندگان قرآن ، نیازمند به هشدار الهی ، به خاطر بی خبری از پیامد گناه

و کیفر عمل زشت خویش

قالوا أسطر الأولین . لیحملوا أوزارهم ... ألا ساء ما یزرون

کیفر مفسدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۵،۷،۱۲،۱۴،۲۳،۲۴

۵ تبهکاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) *

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی . .. او ینفوا من الارض

کلمه <فی الارض> بیانگر این است که مراد از <فساد>، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق <فسادگری> عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

۷ ضرورت اعمال حتمی کیفر محاربان و مفسدان و پرهیز از کوتاهی در اجرای حدود الهی بر ایشان

انما جزؤا الذین . .. ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم

فعل <یقتلوا> و <یصلبوا> و <تقطع> از باب تفعیل است و دلالت بر تأکید اجرای حدود یاد شده دارد.

۱۲ کیفر های ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوار کننده و ذلت آور

ذلک لهم خزی فی الدنیا

۱۴ ضرورت برگزیدن شیوه ای ذلت آفرین و اهانت آمیز در اجرای حد بر محارب مفسد

ذلک لهم خزی فی الدنیا

<لهم خزی> می تواند ارشاد به چگونگی اجرای حد محاربان باشد. یعنی به گونه ای حدود الهی را بر آنان جاری کنید که به خواری آنان منجر گردد.

۲۳ اعدام و بدار آویختن ، مجازات محارب فسادگر در زمین در صورت ارتکاب قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او یصلبوا

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه

و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان قتل و اخذ المال قتل و صلب ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۴ قطع یـک دست و یـک پـا از جهت مخـالف ، مجـازات محـارب فسـادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بـدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امـام رضـا(ع) دربـاره آیه فوق روایت شـده: اذا حارب اللّه و رسوله و سـعی فی الارض فساداً . .. و ان اخـذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۴ - ۴

۴ مردم ، فاقد هرگونه حقی در ثبوت و یا سقوط حد محاربان و مفسدان

الا الذین تابوا

خداونـد حـد محـارب مفسـد را در صورت توبه او ساقـط کرده است و سـقوط آن را مشـروط به چیزی، ماننـد اعلاـم رضایت صاحبان حق، قرار نداده است. بنابراین در اثبات و نفی این حد، برای مردم حقی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸ - ۹

۹- مجازات و کیفر فسادانگیزان ، از سنت های تخلف ناپذیر الهی است .

و إن عدتم عدنا و جعلنا جهنّم للکفرین حصیرًا

کیفر مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۱ - ۵۸

۵ مجازات کافران و تکذیب کنندگان آیات

الهی ، از سنّت های خداوند است .

کدأب ال فرعون و الذین من قبلهم کذّبوا بایاتنا فاخذهم اللّه بذنوبهم

خداوند همه کافران را در همه عصرها، تهدید به عذاب کرده و از این، عمومیّت سنت الهی در مورد کافران، استنباط می شود.

۸فرعونیان و پیشینیانشان که تکذیب کنندگان آیات الهی بودند ، گرفتار عقوبت شدید خدا شدند .

کذّبوا بایاتنا فاخذهم اللّه بذنوبهم و اللّه شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۲ - ۲

۲ - تکذیب گران دین ستیز ، به آتش برافروخته در قیامت گرفتار خواهند بود .

و جحیمًا

کیفر مکذبان آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۴ - ۳

۳ - بینش غلط منکران آخرت در تشخیص زشتی کردار خویش ، کیفری الهی برای آنان

إنّ الذین لایؤمنون بالأخره زیّنّا لهم أعملهم

تعبیر <زیّنّا> (ما آراستیم) اشاره به این حقیقت دارد که بینش نادرست کافران در عرصه ارزش گذاری، نتیجه ای است که خداوند در ازای حق ناپذیری آنان مقرر فرموده است.

کیفر مکذبان آیات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، کیفر و سزای انکار کنندگان و تکذیب کنندگان آیات الهی است .

و الذین کفروا و کذبوا بأیتنا أولئک أصحب النار

<تکـذیب> (مصدر کذبوا) به معنای: نسـبت دروغ دادن است. <آیاتنا> علاوه بر تعلقش به <کذبوا> متعلق به <کفروا> نیز می باشـد. جمله <الـذین کفروا ...> عطف بر جمله <من تبع ...> است و بیانگر گروهی است که هـدایتها و رهنمودهای الهی را

پذیرا نیستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱،۳

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الذين كذبوا . .. هم فيها خلدون

۳ آتش دوزخ ابدی است و تکذیب کنندگان آیات الهی در آن جاودان هستند.

أولئك أصحب النار هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۴۱ - ۲

۲ تکذیب کنندگان و اعراض کنندگان از آیات الهی در بستری از آتش جهنم و توده هایی آتشین بر فراز خویش، گرفتار خواهند شد.

لهم من جهنم مهاد و من فوقهم غواش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۱ - ۸

۸ بی اعتنایی خداوند به کافران و به فراموشی سپردن آنان در آخرت ، سزای غفلت آنان از قیامت و انکار آیات الهی است .

فاليوم ننسيهم كما نسوا لقاء يومهم هذا و ما كانوا بايتنا يجحدون

حرف <کاف> در <کما نسوا> تعلیلیه است و <ما> مصدریه ; یعنی <لنسیانهم>. همچنین <ما> در <ما کانوا> مصدریه است و عطف بر <ما نسوا>، یعنی: لکونهم بایاتنا یجحدون.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۱،۲ - ۱۸۲

۱ خداوند تکذیب کنندگان آیاتش را بتدریج به ورطه های سقوط می کشاند تا شایسته دوزخ شوند .

و الذین کذبوا بایتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون

<استدرجه إلی کذا> یعنی او را بتدریج و گام به گام به چیزی نزدیک کرد. متعلق <سنستدرجهم>، به دلیل آیه ۱۷۹، جهنم است ; یعنی تکذیب کنندگان را بتدریج به جهنم نزدیک می کنیم.

۲ خداوند با عواملی خام کننده و خالی از هشدار (رفاه ها و آسایش ها . . .) تکذیب کنندگان آیات را به سیر در راه سقوط وامی دارد .

سنستدرجهم من حیث لایعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۳ - ۱،۲،۴

۱ سنت خداوند بر امهال کفرپیشگانِ تکذیب کننده و تأخیر در هلاکت و عذاب ایشان است .

و أملی لهم إن کیدی متین

املاء (مصدر اُملی از ماده ملاوه) به معنای مهلت دادن و تأخیر انداختن است. به مناسبت اینکه حقیقت بیان شده (مهلت دادن و تأخیر انداختن) درباره تکذیب کنندگان آیات الهی است، معلوم می شود مراد از تأخیر، تأخیر در عذاب است.

۲ تکذیب کنندگان آیات الهی سزاوار عذاب از جانب خداوند هستند .

و أملی لهم

آنگاه مهلت دادن و تأخیر انداختن عذاب موضوع پیدا می کند که استحقاق عذاب بالفعل وجود داشته باشد.

۴ تأخیر در عذاب تکذیب کنندگان و کشاندن تدریجی آنان به ورطه های سقوط با عواملی خوشایند و خام کننده ، مکر خدا با ایشان است .

سنستدرجهم . .. و أملی لهم إن کیدی متین

مراد از <کید> همان استدراج و امهالی است که در آیه قبل مطرح شد.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۳ – ۵

۵ خداوند ، آن دسته از قوم نوح را که آیات الهی را تکذیب کردند ، در آب غرق نمود .

و أغرقنا الذین کذبوا بأیتنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۶ – ۱

۱– دوزخ ، جزای کافرانِ به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلک جزاؤهم جهنّم بما کفروا

مراد از کفر، به قرینه آیه قبل، کفر به آیات خدا و معاد است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۲۳ – ۶

۶ – کافرانِ به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناک خواهند داشت .

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه . .. و أولئک لهم عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۲ – ۵

۵ – گرفتار شدن تکذیب کنندگان آیات الهی به عذاب عظیم در قیامت ، حاصل و پی آمد اعراض آنان از آیات خدا ، پس از توجه به آنها است .

و لنذیقنّهم من العذاب . .. دون العذاب الأکبر ... و من أظلم ممّن ذکّر بأیت ربّه

<و من أظلم. ..> به منزله تعلیل آیه قبل است و درصدد تبیین چراییِ گرفتار آمدن مجرمان به عذاب سخت قیامت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۲۹ – ۸

۸ – مجازات الهی ، در انتظار منکران معاد و تکذیب کنندگان آیات او است .

إنّهم کانوا . .. و کلّ شیء أحصینه کتبًا

جمله <وکلّ

شیء . ..>، پس از بیان انکار معاد و تکذیب آیات از سوی طغیانگران تهدید آنان به مجازات در آخرت است.

کیفر مکذبان اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۶ - ۱

۱ - کافران به اسلام چه اهل کتاب باشند و چه مشرک به آتش جهنم ، گرفتار خواهند شد .

إنّ الذين كفروا من أهل الكتب و المشركين فی نار جهنّم

کیفر مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۶ - ۱

۱ گرفتاری به آتش دوزخ فرجام منکران رسالت انبیا و تکذیب کنندگان آیات الهی (احکام و معارف نازل شده بر پیامبران)

و الذين كذبوا . .. هم فيها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۱

۱ تکذیب کنندگان انبیا ، در معرض مکر خداوند و برنامه های پنهانی و ناشناخته وی برای مجازات آنان

أفأمنوا مكر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- گروه ها و اقوامی که در طول تاریخ ، انبیای الهی را تکذیب کردند ، گرفتار عذاب شدند .

فسيروا فی الأرض فانظروا كيف كان عقبه المكذّبين

دعوت از مردم برای جهانگردی جهت مطالعه در عاقبت تکذیب کنندگان انبیا، دلالت بر این دارد که آنان دچار عذاب شده

انـد و مطـالعه آن عبرت آموز است و اگر چنـان چه به مرگ طبیعی مرده بودنـد، با انسانهای دیگر تفاوتی نداشـتند و در نتیجه مزیتی برای مطالعه نخواهند داشت.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۷

۷ - منکران رسالت پیامبران پس از دریافت آیات الهی ، سزاوار کیفری سخت و نابودی با عذاب استیصال

و لو أنّا أهلکنهم بعذاب من قبله لقالوا . .. فنتّبع ءایتک

<عذاب> نکره است و ناشناخته بودن عذاب، حاکی از شدت سختی آن است; به گونه ای که حقیقت آن را نمی توان برای مخاطب ترسیم کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳۷ - ۱

۱ خداوند ، قوم نوح را به خاطر تکذیب رسولان الهی ، در میان امواج آب و توفان ، غرق ساخت .

و قوم نوح لما کذّبوا الرسل أغرقنهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵ - ۱۰

۱۰ -تمامی اقوام تکذیب گر (چون قوم نوح) ، به خاطر مبارزه با حق (تعالیم پیامبران) ، در دنیا مورد عقوبت و کیفر الهی قرار گرفتند .

کذّبت قبلهم قوم نوح . .. لیدحضوا به الحقّ فأخذتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶ - ۶

۶ - ربوبیت الهی ، مقتضی عذاب دادن و کیفر کردن کافران حق ستیز و تکذیب کننده

و کذلک حقّت کلمت ربّک علی الذین کفروا أنّهم أصحب النار

کیفر مکذبان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۱۷ – ۴

۴ – عذاب جهنم ، کیفر تکذیب کنندگان آن

ثمّ یقال هذا الذی کنتم به تکذّبون

کیفر مکذّبان حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد كذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف يأتيهم أنبؤا ما كانوا به يستهزءون

کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا . ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت عليكم الحجه و ثبت لديكم ان القرآن منزل من عنداللّه فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۵ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ويل يومئذ للمكذّبين

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۱۹ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ويل يومئذ للمكذّبين

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۲۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

مرسلات - ۷۷ - ۲۸ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۴ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۳۷ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۰ - ۲

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۵ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۷ – ۲

۲ – دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷

۲ - دوزخ ، جایگاه تکذیب گران دین

ویل یومئذ للمکذّبین

<ویل>، به وادی خاصی در جهنم و یا یکی از درهای آن گفته می شود (لسان العرب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۷۸

۷ - گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقاییس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

۸ - تکذیب دین و روی گردانی از آن ، در پی دارنده کیفری تحقیرآمیز و گریزناپذیر

أرءیت إن کذّب و تولّی . .. کلاّ لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

گرفتن موهای جلو سر علاوه بر تحقیر شخص را به طور کامل تسلیم گیرنده آن می سازد; به گونه ای که مقاومت سودی نمی بخشد. کیفر یاد شده به قرینه <سندع الزبانیه> (در آیات بعد) مربوط به قیامت است; ولی دلالت آیه شریفه بر کیفر دنیوی نیز بعید نیست.

کیفر مکذبان ربوبیت خدا

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۴ - ۱۴

۱۴ منکران ربوبیت خداوند در قیامت مجازات خواهند شد.

فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون

برداشت فوق بر این اساس است که <خبر دادن> (فینبئکم)، کنایه از کیفر دهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۱ - ۲

۲ - شرک پیشگان منکر ربوبیت خدا ، سزاوار گرز های آهنین در دوزخ

و لهم مقمع من حدید

<مقمعه> (مفرد <مقامع>) به معنای گرز است. پس <مقامع من حدید>; یعنی، گرزهای آهنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۶ - ۱

۱ - آتش جهنم ، کیفر منکران ربوبیت خداوند

و للذین کفروا بربّهم عذاب جهنّم

کیفر مکذبان عذاب کم فروشان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۰ - ۵

۵ - کسانی که عذاب کم فروشان را تکذیب کنند ، در قیامت به عذاب جهنم گرفتار خواهند شد .

ویل للمطفّفین . .. ویل یومئذ للمکذّبین

مراد از <مکذّبین> به قرینه آیه بعد تکذیب گران روز قیامت و رخدادهای آن اند و از مصادیق بارز رخدادهای قیامت،

عذابی است که آیه <ویل للمطفّفین> بیان داشته است.

کیفر مکذّبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۵ – ۱۰

۱۰ عذاب خداوند و سرانجامی شوم در انتظار تکذیب کنندگان و استهزاگران حق (قرآن و دیگر آیات خداوند)

فقد کذّبوا بالحق لمّا جاءهم فسوف یأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

کیفر مکذبان قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷

- یونس - ۱۰ - ۸ - ۱

۱ دوزخ ، جایگاه ابدی مشرکان و منکران رستاخیز

إن الذین لایرجون لقاءنا . .. و الذین هم عن ءایتنا غفلون. أولئک مأویهم النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۲،۳،۷

۲ مجازات کفار و منکران قیامت (از میان برداشتن ایشان) منجر به انقراض نسل بشر خواهد شد .

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

<ال> در <الناس> ال جنسیه و مفید استغراق است; یعنی، اگر سنت الهی درباره جوامع بشری این بود که هر انسان کفرپیشه را در دنیا بی درنگ مجازات کند، هر آینه تا کنون زمین از وجود انسان تهی شده و نسل بشر منقرض گشته بود. در حالی که این با فلسفه آفرینش انسان (و لکم فی الأرض مستقر و متاع إلی حین. بقره / ۳۶) ناسازگار است.

۳ مجازات کفرپیشگان و منکران قیامت (از میان برداشتنشان) ناسازگار با فلسفه آفرینش انسان

و لو یعجل اللّه للناس الشر . .. لقضی إلیهم أجلهم

۷ منکران قیامت ، مستحق کیفر و عذاب الهی در دنیا هستند .

و لو یعجل اللّه . .. لقضی إلیهم أجلهم فنذر الذین لایرجون لقاءنا

از آیه شریفه استفاده می شود که: اگر مجازات منکران قیامت منجر به مرگ آنان نمی شد، خدا بدون مهلت آنان را سرکوب می کرد; یعنی، آنان استحقاق کیفر را دارند لکن مانع وجود دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۱ - ۳،۶

۳ آتش بر افروخته و پرالتهاب دوزخ ، کیفر

تکذیب قیامت

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

<سعیر>، به معنای آتش پرالتهاب و برافروخته است.

۶ آتش جهنم ، هم اکنون (پیش از برپایی قیامت) برای تکذیب کنندگان قیامت ، آماده و مهیّا است .

و أعتدنا لمن کذّب بالساعه سعیرًا

آمدن فعل <أعتدنا> (آماده کردیم) به صورت فعل ماضی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۲ - ۴

۴ کیفر و عذاب تکذیب کنندگان قیامت ، بسیار شدید و هولناك خواهد بود .

سمعوا لها تغیّظًا و زفیرًا

صدای خشمگینانه و پرخروش آتش جهنم، با دیدن منکران معاد از راه دور، حاکی از شدت و هولناکی عذاب و کیفر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۵ - ۳

۳ - منکران قیامت ، در وسط دوزخ جای خواهند داشت .

فرءاه فی سواء الجحیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۵

۵ - تکذیب قیامت ، در نامه عمل تکذیب کنندگان ثبت شده و براساس آن کیفر خواهند دید .

کتب مرقوم . ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون بیوم الدین

کیفر مکذبان کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۴ – ۳

۳- منکران حقانیت کتاب های آسمانی ، گرفتار عذاب شدند .

کذلک فعل الذین من قبلهم و ما ظلمهم الله و لکن کانوا أنفسهم یظلمون . فأصابهم سیئ

کیفر مکذبان کیفرهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ماعون – ۱۰۷ – ۴

۳ - نمازخواندن تکذیب کنندگان کیفر های الهی ، بی ثمر بوده و مایه استحقاق عذاب جهنم است .

أرءیت الذی یکذّب بالدّین . .. فویل للمصلّین

کیفر مکذبان محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴۹ - ۵

۵ تعیین زمان کیفر تکذیب کنندگان ، تنها در اختیار خداوند است .

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لاأملک ... إلا ما شاء اللّه

کیفر مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۰ - ۷

۷ محاکمه و مجازات منکران معاد، جلوه ای از ربوبیت خداوند است.

و لو تری إذ وقفوا علی ربهم . .. قالوا بلی و ربنا قال فذوقوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۵ - ۱۲

۱۲ منکران قیامت ، به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أُولئک أصحب النار هم فیها خلدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰۶ - ۱

۱- دوزخ ، جزای کافرانِ به آیات الهی و منکران معاد است .

ذلك جزاؤهم جهنّم بما كفروا

مراد از كفر، به قرينه آيه قبل، كفر به آيات خدا و معاد است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۸ - ۵

۵- برانگيختن منكران معاد و مجازات آنها ، پرتويى از ربوبيت خداوند است .

فوربّك لنحشرنّهم . .. حول جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۹ - ۴

۴ - كيفر منكران معاد و

ختم فرجام ایشان با عذابی مرگبار ، از سنت های خداوند است .

فانظروا کیف کان عقبه المجرمین

تعبیر <فانظروا> دربردارنده معنای عبرت گیری و درس آموزی است و عبرت گرفتن در صورتی معنا دارد که حکم جاری بر مجرمان پیشین، درباره نسل های بعد نیز استمرار داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۳ - ۶

۶ - کافرانِ به آیات خدا و معاد ، عذابی دردناك خواهند داشت .

و الذین کفروا بأیت اللّه و لقائه . .. و أولئک لهم عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۹

۹ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و منکران رستاخیز و لطف او به خلق مانع از سلب روزی آنان در دنیا است .

لفی ضلل بعید . اللّه لطیف بعباده یرزق من یشاء و هو القویّ العزیز

با توجه به معنای <لطیف> که حکایت از رحمت و لطف دارد برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۷ - ۴

۴ - محرومیت دوزخیان از هوای مطبوع و آب ، عقوبتی مناسب با انکار معاد

لایذوقون فیها بردًا و لا شرابًا . .. إنّهم کانوا لایرجون حسابًا

کیفر دوزخیان در آیات پیشین، به دو صورت نفی و اثبات بیان شده است; آنان از هوای سرد و نوشیدنی، محروم اند(نفی) و به نوشیدن <حمیم> و <غسّاق> مجبور خواهند بود(اثبات). <جزاء وفاقاً> آن را کیفری مناسب با کردار آنان که آن هم به صورت نفی و اثبات بوده

بیان کرده است; آنها معاد را باور نداشتند(نفی) و آیات خدا را تکذیب می کردند(اثبات). آیه <جزاء وفاقاً> دلالت دارد که محرومیت، کیفری مناسب با بی اعتقادی است و نوشیدن مایع داغ و چرکین، کیفر مناسب تکذیب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۹ - ۸

۸ - مجازات الهی ، در انتظار منکران معاد و تکذیب کنندگان آیات او است .

إنّهم کانوا . .. و کلّ شیء أحصینه کتبًا

جمله <وکلّ شیء . ..>، پس از بیان انکار معاد و تکذیب آیات از سوی طغیانگران تهدید آنان به مجازات در آخرت است.

کیفر ممانعت از ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ خداوند، مانعان راه ایمان را به کیفری سخت مبتلا خواهد ساخت.

سنجزی الذین یصدفون عن ءایتنا سوء العذاب

کیفر ممانعت از قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۲

۲ - ممانعت از دسترسی انسان ها به پیام قرآن ، در پی دارنده عذاب سخت الهی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. فلنذیقنّ الذین کفروا عذابًا شدیدًا

کیفر منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۵

۵ - افزایش تحیّر و طغیان اهل نفاق ، کیفری است از جانب خدا برای آنان

یمدّهم فی طغینهم یعمهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۹ - ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته نابودی

قل

موتوا بغیظکم انّ اللّه علیم بذات الصدور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۰ – ۱۴

۱۴ خداوند ، گردآورنده همه منافقان و کافران ، در جهنم

إنّ اللّه جامع المنفقین و الکفرین فی جهنم جمیعاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۲ – ۷،۱۷

۷ خداوند ، خود کیفر دهنده خدعه و نیرنگ منافقان خیانت پیشه است .

إنّ المنفقین یخدعون اللّه و هو خدعهم

بدان احتمال که خدعه خداوند، همان کیفر و مجازاتهای وی باشد.

۱۷ خدعه خداوند با منافقان نیرنگ باز ، به مجازات کردن آنان است .

إنّ المنفقین یخدعون اللّه و هو خدعهم

امام رضا(ع) در پاسخ سؤال از معنای خدعه خداوند در آیه فوق فرمود: ان اللّه تعالی . .. لایخادع و لکنه تعالی یجازیهم ... جزاء ... الخدیعه ... .

توحید صدوق، ص ۱۶۳، ح ۱، ب ۲۱; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۶۵، ح ۶۳۲.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۶ – ۹،۱۷

۹ غیر قابل بخشش بودن کیفر برخی از منافقان ، به دلیل مداومت و استمرار آنان بر انجام جرم و خطا

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

برداشت فوق با توجه به این است که <بأنهم . .. > تعلیل <نعذب> می باشد و <هم کانوا مجرمین> افاده استمرار می کند.

۱۷ نقش پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی در عفو گروهی از منافقان بر اساس مصالح و کیفر گروهی دیگر

إن نعف . .. نعذب

با توجه به اینکه مراد از عفو و

عـذاب، می توانـد بخشـش و کیفر دنیوی باشـد، و نیز با الغای خصوصـیت و تعمیم دادن صـدور حکم عفو و مجازات به رهبر جامعه اسلامی مطلب فوق را می توان استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۷ - ۳

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۲،۷،۸،۱۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد اللّه المنفقین و المنفقت . .. نار جهنم خلدین فیها

۷ عذاب جاودان جهنم ، مجازاتی بس سنگین و کافی برای منافقان و کافران

نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۸ عذاب جاودان جهنم تنها مجازات کافی برای منافقان و کافران و برابر با گناه کفر و نفاق آنان

وعد اللّه المنفقین . .. و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

۱۲ محرومیت منافقان و کافران از رحمت الهی ، مایه رنج و عذاب همیشگی آنان

و لعنهم اللّه و لهم عذاب مقیم

برداشت فوق بر این اساس است که <عذاب مقیم> در نتیجه نفرین الهی به دوری آنان از رحمت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۱ - ۸

۸ علم نامحدود خداوند ، پشتوانه رسوایی و کیفر به حق منافقان

نحن نعلمهم سنعذبهم مرتين ثم يردون إلى عذاب عظيم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۷ – ۹

حق ناپذیری قلب منافقان ، کیفر الهی برای آنان

ثم انصرفوا صرف اللّه قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ; و کیفر شدن منافقان

و لیعلمنّ اللّه الذین ءامنوا و لیعلمنّ المنفقین

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۶،۹

۶ - در صورت تعلق مشیت الهی ، منافقان ، عذاب خواهند شد .

و یعذّب المنفقین إن شاء

۹ - در صورت اقدام نکردن منافقان به توبه ، خداوند آنان را کیفر خواهد داد .

و یعذّب المنفقین إن شاء أو یتوب علیهم

آوردن عبارت <إن شاء> به خاطر قطعی نبودن عذاب آنان به احتمال توبه شان است، اما در صورتی که آنان توبه نکنند، عذاب شان قطعی خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۷

۷- منحصر نبودن کیفر بیماردلان منافق ، به لحظه مرگ و امکان رسوایی آنان در دنیا *

فکیف إذا توفّتهم . .. أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج اللّه أضغنهم

در صورتی که تهدید به افشای کینه ها، مربوط به دنیا باشد و این رسوایی نوعی کیفر به شمار آید; از ارتباط این آیه با <فکیف إذا توفّتهم الملائکه . ..> می توان به مطلب بالا دست یافت.

کیفر منافقان استهزاگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۹ – ۹

عذاب دردناك الهی ، کیفر منافقان استهزا گر

و لهم عذاب ألیم

کیفر منافقان بخیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۲

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أعقب> به <اللّه> در فراز پیشین بازگردد; یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

کیفر منافقان توطئه گر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی ; در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

کیفر منافقان عهد شکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۷ - ۲

۲ ابتلای قلب منافقان عهدشکن و بخیل به نفاقی مزمن ، کیفر خداوند برای آنان

فأعقبهم نفاقاً فی قلوبهم

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <أعقب> به <اللّه> در فراز پیشین بازگردد; یعنی، خداوند منافقان را در پی شکستن عهدشان با او و امتناع ورزیدن از پرداخت زکات، به نفاق

مزمنی گرفتار کرد که تا روز قیامت از آن رهایی نخواهند یافت.

کیفر منافقان متخلف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۵۲ – ۸

۸ منافقان متخلف از جنگ ، مستحق و سزاوار مرگ

نحن نتربص بکم . .. بعذاب من عنده أو بأیدینا

کیفر منکران آیات خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۵۶ – ۱۸

۱۸ مشرکان ، مانعان زکات و منکران آیات الهی ، در خطر گرفتار شدن به عذاب خدا هستند .

قال عذابی أصیب به من أشاء و رحمتی . .. فسأکتبها للذین ... بایتنا یؤمنون

کیفر منکران انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۵ – ۵

۵ منکران رسالت انبیا ، پس از مشاهده معجزات درخواستی ، سزاوار عذابی سهمگین

فمن یکفر بعد منکم فانی اعذبه عذاباً لا اعذبه احداً

کیفر موحدان در دوران اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲۰ – ۲

۲- کیفر روی گردانی از آیین شرک در عصر اصحاب کهف ، سنگ سار شدن بود .

إنّهم إن يظهروا عليكم يرجموكم

از جمله معانی ذکر شده برای <رجم> سنگ سار کردن است.

کیفر ناامنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۳ - ۲۰،۲۵،۲۶،۲۷

۲۰ سلاح بر گرفتن و ایجاد ناامنی در راه ها همراه با قتل ، محاربه با خدا و رسول و کیفر آن اعدام است .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. ان یقتلوا

از

امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ از سؤال حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس امر بقتلهم ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۵ تبعید محارب (از محل ارتکاب جرم به شهری دیگر) و قطع معاشرت وی با مردم ، کیفر سلاح بر کشیدن بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: . .. و ان شهر السیف فحارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً و لم یقتل و لم یأخذ المال ... ینفی من المصر الذی فعل فیه ما فعل الی مصر غیره و یکتب الی اهل ذلک المصر انه منفی فلا تجالسوه و لا تبایعوه و لا تناکحوه و لا تواکلوه و لا تشاربوه ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۶ زندانی کردن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها ، بدون قتل و غارت

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او ینفوا من الارض

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مرم بسته اند فرمود: . .. فان کانوا اخافوا السبیل فقط و لم یقتلوا احداً و لم یأخذوا مالا امر بایداعهم الحبس فان ذلک معنی نفیهم من الارض ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از جهت

مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلك ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

کیفر ناگهانی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۹ - ۳

۳ کفرپیشگان به پندار باطل ، خویشتن را از مکر خدا و کیفر های ناگهانی وی ایمن می شمارند .

أفأمنوا مکر اللّه

کیفر نقره اندوزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ آنان که طلا و نقره می اندوزند و از انفاق آن در راه خدا ، امتناع میورزند ، مستحق عذابی دردناکند .

و الذین یکنزون الذهب و الفضه و لا ینفقونها فی سبیل اللّه فبشرهم بعذاب ألیم

کیفر نقض عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۱۷

۱۷ سوداگران عهد الهی و پیمان شکنان ، مستحق عذاب دردناك خداوند در قیامت

انّ الّذین یشترون . .. و لهم عذاب الیم

کیفر نگاه به عورت دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

- ۱۵

کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضّوا . .. إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشداری است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر نگاه به نامحرم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - کسانی که از نگاه کردن به نامحرمان و شرمگاه دیگران ابایی ندارند ، به مجازات الهی تهدید شده اند .

قل للمؤمنین یغضّوا . .. إنّ اللّه خبیر بما یصنعون

جمله <إنّ اللّه خبیر بما یصنعون> که آگاهی همه جانبه الهی به بشر را یادآوری می کند هشداری است به کسانی که احکام یادشده را رعایت نکنند.

کیفر نیاکان یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۳

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

کیفر نیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و اللّه یعلم ما تبدون

و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشداری است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

کیفر نیت سوء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۵ - ۱۸

۱۸ نیات سوء انسان ، مقتضی بازخواست الهی است .

و اعلموا انّ اللّه یعلم ما فی انفسکم فاحذروه

کیفر و اتمام حجت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۵ - ۳

۳ کیفر های الهی ، همواره پس از اتمام حجت است .

ما کان اللّه لیضل قوماً بعد إذ هدیهم حتی یبین لهم ما یتقون

کیفر هامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴۰ - ۱

۱ - هر یک از فرعون و هامان و قارون مناسب گناهشان کیفر شدند .

فکلًّا أخذنا بذنبه

کیفر هتک آبروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۴ – ۴

۴ – هتك حرمت پيامبر (ص) ، در پى دارنده عذابى بزرگ

لمسّكم فى ما أفضتم فيه عذاب عظيم

برداشت ياد شده، با توجه به اين نكته است كه موضوع آيه شريفه، ماجراى <افك> است و با حرمت پيامبر(ص) ارتباط دارد كه ناخواسته از سوى مسلمانان، در معرض هتك حرمت قرار گرفته بود.

كيفر هجوم به كعبه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – فيل – ۱۰۵ – ۵ – ۷

۷ – هجوم آورندگان به

کعبه و حرمت شکنان آن ، در معرض عذابی سخت از جانب خداوند

فجعلهم کعصف مأکول

نقل داستان ابرهه، با جمله <ألم تر>، دل گرمی دادن به مؤمنان و تهدید کسانی است که حرمت کعبه را پاس نمی دارند.

کیفر هدایت ستیزان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۱۵ – ۷

۷ – گرفتن مو های بالای پیشانی تکذیب گران دین و کشاندن ذلیلانه آنان به سوی آتش ، کیفر مخالفت آنها با نماز ، هدایت و تقوا

ینهی . عبدًا إذا صلّی ... لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

<ناصیه> به معنای انتهای رستنگاه مو از قسمت جلو سر است، ریشه این کلمه بر <علوّ> دلالت دارد و چون رستنگاه ناصیه در قسمت بالای سر است، این نام را بر آن نهاده اند (مقاییس اللغه). قسمت جلو سر را نیز <ناصیه> گویند (تاج العروس). <نسفعن> که <نون تأکید> آن به صورت تنوین نوشته می شود یعنی، چنگ می زنیم و می کشانیم و ممکن است به معنای <سیاه می کنیم>، <نشانه می گذاریم> یا <به خواری می کشانیم> باشد. (برگرفته از قاموس)

کیفر هدهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۱ – ۱

۱ – تصمیم سلیمان (ع) به مجازات سخت هدهد در صورت عدم ارائه دلیلی قابل قبول بر غیبت خویش

لأُعذّبنّه عذابًا شدیدًا . .. أو لیأتینّی بسلطن مبین

<سلطان> به معنای حجت و برهان است و <سلطان مبین>; یعنی، دلیل روشن و قانع کننده.

کیفر هلاکت شتر صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

٢٠ - شمس -

۸ - ۱۴ - ۹۱

۸ - خداوند ، بر قوم ثمود به جهت کشتن ناقه ، عذابی فراگیر نازل کرده ، اعضای بدن آنان را از هم متلاشی ساخت .

فدمدم علیهم ربّهم بذنبهم

اطلاق <دمدمه> که بر پوشاندن و فراگیری دلالت دارد بر هلاکت ثمودیان، به جهت آن بود که خداوند، آنان را با عذاب و هلاکت پوشاند (مقاییس). جمله <دمدمت الشیء> که گاهی با حرف <علی> و گاهی بدون آن استعمال می شود (قاموس) زمانی کار برد دارد که چیزی را به زمین کوبیده و آن را شکسته و قطعه های آن را پراکنده سازند. (صحاح اللغه)

کیفر همسران محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۱،۷

۱ - در صورتی که همسران پیامبر ، آشکارا کار زشتی انجام دهند ، کیفرشان دوچندان خواهد بود .

ینساء النبیّ من یأت منکنّ بفحشه مبیّنه یضعف لها العذاب ضعفین

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : أجرها مرّتین و العذاب ضعفین کلّ هذا فی الأخره حیث یکون الأجر یکون العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست>.

کیفر همکاران ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۸

۸- خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقنه و من معه جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <و من

معه> یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

کیفر همکاری با ظالمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۷،۹

۷- کیفر الهی به هنگام نزول ، فراگیر همه ظالمان و همراهان و یاوران آنان است .

فأغرقنه و من معه جميعًا

۹- تأیید ، همراهی و تقویت عناصر فاسد و حاکمیت های ظالم ، دارای فرجامی هلاکت بار و مشترک با آنها

فأغرقنه و من معه جميعًا

کیفر همکاری با مفسدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۰۳ – ۹

۹- تأیید ، همراهی و تقویت عناصر فاسد و حاکمیت های ظالم ، دارای فرجامی هلاکت بار و مشترک با آنها

فأغرقنه و من معه جميعًا

کیفر هواپرستان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۰۶ – ۱۵

۱۵ هواپرستان و بدعتگزاران در جامعه اسلامی ، روسیاهان در قیامت

فامّا الّذین اسودّت وجوههم

امیرالمؤمنین (ع): <فامّا الّذین اسودّت وجوههم . .. >، انهم اهل البدع و الاهواء من هذه الامه.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۸۰۹ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۸۲، ح ۳۲۵.

کیفر هواپرستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۹ - ۱۰

۱۰ عالمان دینی دنیادوست و هواپرست و تکذیب کنندگان آیات الهی ، اهل دوزخند .

لکنه أخلد إلی الأرض و اتبع هوه . .. و لقد ذرأنا لجهنم کثیراً

برداشت فوق مقتضای ارتباط آیه مورد بحث با آیات پیشین است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳

۱۵ - ۳۷ -

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا هـای نفسـانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شـدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءك من العلم مالك من الله من وليّ و لاواق

کیفر یاوه گویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۳

۳ - تفتیدن بر آتش دوزخ ، جزای کفر ، دروغ پردازی و یاوه سرایی علیه دین

قتل الخرّصون . .. یوم هم علی النار یفتنون

کیفر یاوه گویی علیه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ - عذاب دردناك و شدید ، کیفر یاوه سرایی علیه رسولان الهی است .

ما قد قیل للرسل . .. ذو عقاب ألیم

کیفر یونس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸۷ - ۶

۶- گمان یونس (ع) به مجازات نشـدن او از جانب خداونـد ، در زمینه بیرون آمدنش از میان قوم خود و هجرت به سـرزمینی دیگر

فظنّ أن لن نقدر علیه

برداشت یاد شـده مبتنی براین است که <قـدر> به معنای <قضا> و <حکم> باشد. گفتنی است که ذیل آیه (إنّی کنت من

الظالمین) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۹ - ۴

۴ - هشدار خداوند به پیامبر (ص) ، از گرفتار شدن به مجازات ترک اولی ، همچون یونس (ع)

و لاتکن کصاحب الحوت . .. لنبذ

بالعراء و هو مذموم

این که خداونـد به پیامبر(ص) هشـدار داد که مانند یونس مباش; اشاره به ترک اولی و مجازات آن دارد که یونس(ع) گرفتار آن شده بود.

کیفر یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۶ - ۱،۳،۴،۵

۱ کافران (یهودیان) ، مشمول عذاب سخت خداوند در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

۳ عدم تبعیّت یهود از حضرت عیسی (ع) ، موجب عذاب سخت آنان در دنیا و آخرت

فاما الذین کفروا فاعذّبهم عذاباً شدیداً فی الدنیا و الاخره

مصداق مورد نظر از جمله <فامّا الذین کفروا>، کافران به حضرت عیسی (ع) است.

۴ برتری پیروان عیسی (ع) بر یهودیان ، موجب عذاب سخن دنیوی یهودیان

و جاعل الذین اتبعوک . .. فاما الذین کفروا

بنابراینکه جمله <فاما الـذین . .. >، به قرینه ذکر عـذاب دنیوی، نتیجه جمله <جاعل الّـذین ... > باشـد; یعنی عـذاب دنیوی یهود نتیجه تفوّق نصارا بر ایشان است.

۵ کافران (یهودیان) ، هیچ یار و یاوری در برابر عذاب الهی در دنیا و آخرت ندارند .

فّاما الذین کفروا . .. و ما لهم من ناصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۸۸ - ۳

۳ خداوند بدون مهلت و تأخیر ، مرتدّان و کافران یهود و نصارا را عذاب می کند .

لا یخفّف عنهم العذاب و لا هم ینظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۰۵ - ۱۶

۱۶ عذاب

سخت اهل کتاب (یهود و نصارا) ، به خاطر تفرقه و اختلاف

و لا تکونوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاءهم البیّنات و اولئک لهم عذاب ع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۲ - ۱،۳

۱ عذاب سخت یهود در آخرت ، دستاورد اعمال ناروای آنان (نسبت دادن فقر به خدا و کشتن انبیا)

ذوقوا عذاب الحریق. ذلک بما قدّمت ایدیکم

۳ سهیم بودن یهود زمان پیامبر (ص) در گناه پدران خویش (کشتار انبیا)

و قتلهم الانبیآء بغیر حقّ . .. ذلک بما قدّمت ایدیکم

بنابر اینکه خطاب در <ایدیکم> به یهود عصر پیامبر (ص) باشد، جمله <ذلک بما قدّمت . .. > می رساند که آنان در گناه کشتن انبیا، که به دست پدرانشان صورت گرفته، شریک هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۳ - ۱۹

۱۹ یهود عصر پیامبر (ص) با رضایت به کشتار انبیا توسط پیشینیان خود ، در حکم قاتلان انبیا

فلم قتلتموهم ان کنتم صادقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۷

۱۷ گرفتاری یهود به صاعقه ، از بینات الهی برای آنان

فأخذتهم الصعقه بظلمهم ثم اتخذوا العجل من بعد ما جاءتهم البینت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۴

۱۴ هشدار خداوند به مسلمانان با بیان مجازات یهود و نصارا به خاطر نقض پیمان الهی

فبما نقضهم میثقهم . .. و من الذین

قالوا إنّا نصری اخذنا میثقهم فنسوا

بیان مجازات مسیحیان و یهودیان به خاطر پیمان شکنی آنان پس از <اذکروا . .. میثقه> (ای مسلمین پیمان الهی را به یاد داشته باشید)، هشداری است به مسلمانان که مبادا همانند اهل کتاب پیمان الهی را نقض کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۲۲

۲۲ اراده خداوند به عذاب بسیاری از یهودیان و مسیحیان عصر پیامبر (ص)

فان تولوا . .. ان یصیبهم ببعض ذنوبهم و إن کثیراً من الناس لفسقون

کیفر یهود عهدشکن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۵ - ۱۹،۲۱

۱۹ - سزای یهودیانی که پیمان های الهی را نقض کردند ، خواری و خفت در دنیاست .

إذ أخذنا میثقکم . .. فما جزاء من یفعل ذلک منکم إلا خزی فی الحیوه الدنیا

<ذلک> اشاره به همه کارهایی است که آیه شریفه از یهودیان نقل کرد و آنها را ناپسند شمرد; از جمله: پایبند نبودن به پیمانهای الهی، کشتن همکیشان و . ..

۲۱ - شدیدترین عذاب های اخروی ، کیفر یهودیانی است که پیمان های الهی را شکستند .

إذ أخذنا میثقکم . .. و یوم القیمه یردون إلی أشد العذاب

اضافه <أشد> (سخت ترین) به <العذاب> اضافه صفت به موصوف است; یعنی، <العذاب الأشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۱

۱ پیامبر (ص) از جانب خدا فرمان یافت تا در صورت تسلط بر یهودیان پیمان شکن و جنگ آفرین ، آنان را به گونه ای مجازات

كند كه زمينه پراكنده شدن ديگر دشمنان فراهم آيد .

فإما تثقفنهم فى الحرب فشردبهم من خلفهم

تشريد بـه معنـاى پراكنـده سـاختن و كـوچ دادن است. <بـاء> در <بهم> سـببيه است كه به دليـل <فى الحرب> كلمه اى هماننـد قتل و يا مجازات در تقـدير مى باشد. و مراد از <من خلفهم> يهود و يا ديگر دشـمنانى است كه از مدينه و يا اطراف آن به فتنه گرى مى پرداختنـد. بنـابراين جمله <فشـردبهم> چنين معنـا مى شود: اى پيـامبر بـا مجازات سـنگين كه بر يهوديان پيمان شكن تحميل مى كنى، ديگر دشمنان را متفرق ساز و پراكنده كن.

كيفر يهود كافر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۸۱ – ۷

۷ – يهوديان ، در صورت انكار رسالت پيامبر (ص) ، براى هميشه به آتش دوزخ گرفتار خواهند شد .

أفتطمعون أن يؤمنوا لكم . .. من كسب سيئه ... هم فيها خلدون

گناه كيفر بى گناهان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۹ – ۱۲

۱۲ مجازات بى گناهان به جاى مجرمان ، گناه و از مصاديق ظلم است .

قال معاذ الله . .. إنا إذًا لظلمون

مبدأ كيفر اخروى گناهكاران

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۵ – ۷

۷- لحظه مرگ ، سرآغاز كيفر اخروى مجرمان

لأذقنك ضعف الحيوه و ضعف الممات

برداشت فوق، از تعبیر <ممات> به جای <آخرت> و <قیامت> استفاده شده است; یعنی، عذاب دو چندان در ایام مرگ خواهد بود چه در قیامت و چه پیش از آن.

مبدأ کیفر

کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۵ - ۶

۶ - لحظه مرگ ، لحظه آغاز مجازات کافران

فذرهم حتّی یلقوا یومهم الذی فیه یصعقون

در صورتی که <یومهم. ..> به معنای لحظه مرگ باشد; معنای آیه چنین می شود: رهایی و آزادی کافران در زندگی دنیوی است و مرگ، پایانی بر این رهایی می باشد.

مجاری کیفر حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳۱ - ۷

۷ - عوامل طبیعی ، تحقق بخش اراده الهی در کیفر حق ستیزان

إنّا أرسلنا علیهم صیحه وحده فکانوا کهشیم المحتظر

مجریان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محدودیت کیفر در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۱۱

۱۱ – دنیا ، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعه ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

ضرورت برپـایی قیـامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بـد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا>

بتواند تحقق یابد.

محمد(ص) و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۴۷ - ۱

۱ - ناتوانی همگان از نجات پیامبر (ص) از کیفر الهی ، در صورت دروغ بستن آن حضرت بر خداوند

فما منکم من أحد عنه حجزین

مراتب کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۱ - ۳

۳ کیفر خوار کننده الهی ، در انتظار کافران به خدا و پیامبران اوست .

و أعتدنا للکفرین عذاباً مهیناً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲ - ۴۵،۴۷

۴۵ کیفر و مجازات خداوند ، شدید است .

إنّ اللّه شدید العقاب

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کیفر و مجازاتی سخت

و لاتعاونوا علی الاثم و العدون . .. إنّ اللّه شدید العقاب

تهدید به عذاب شدید، نشانه بزرگی گناه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۲ - ۱،۷

۱ کشتن نابحق یک انسان ، گناهی بزرگ و دارای کیفر و مجازاتی بسیار سنگین

انه من قتل نفساً . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

همسنگی کشتن یک انسان با کشتن تمامی مردم، می تواند کنایه از شدت مجازات باشد.

۷ کیفر سنگین برای قتل و آدمکشی ، زمینه پرهیز انسان ها از ارتکاب آن

و من اجل ذلک کتبنا علی بنی اسرءیل انه من قتل . .. فکانما قتل الناس جمیعاً

<من اجل ذلک . ..> به این معناست که خداوندبا توجه به آدمکشی قابیل و پیامدهای شوم آن، بنی اسرائیل را

به مجازاتی سنگین تهدید کرد تا از تکرار چنین جنایتهایی باز دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱۲،۱۶

۱۲ کیفر های ویژه محاربان مفسد ، کیفرهایی خوار کننده و ذلت آور

ذلک لهم خزی فی الدنیا

۱۶ مجازات دنیوی محاربان و فسادانگیزان در مقایسه با مجازات اخروی آنان ، بسی اندک و ناچیز است .

ذلک لهم خزی فی الدنیا و لهم فی الاخره عذاب عظیم

تصریح به بزرگی عذاب محاربان در آخرت در مقابل کیفر دنیوی آنان، گویای برداشت فوق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۴۲

۴۲ خواری و رسوایی در دنیاو عذاب بزرگ آخرت ، کیفر منافقان و یهودیان شتابگر در کفر

من الذین قالوا ءامنا بافواههم . .. لهم فی الدنیا خزی و لهم فی الاخره عذاب عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۲۰

۲۰ عقوبت سنگینتر ، بازتاب ضلالت افزونتر

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه . .. اضل عن سواء السبیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۲۳

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگین در پی دارد.

بما کنتم تقولون علی الله غیر الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۷ - ۱۴

۱۴ خداوند، مانعان راه ایمان را به کیفری سخت مبتلا خواهد ساخت.

سنجزی الذین یصدفون عن ءایتنا سوء العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ -

انفال - ۸ - ۱۴ - ۴

۴ آتش دوزخ کیفری بس سهمگینتر از عقوبت های الهی در دنیا

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

استفاده از کلمه ذوق (چشیدن) درباره عذاب دنیا، در مقابل عذاب دوزخ، بیانگر این است که عقوبتهای دنیوی تنها مضمضه ای از عقوبت و مقدمه ای برای عذاب اصلی و کامل که همان عذاب دوزخ است، می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۸ - ۱۸،۲۰

۱۸ عقوبت های خداوند همواره شدید و سهمگین است .

و اللّه شدید العقاب

۲۰ شیطان معتقد به خداوند و آگاه به شدت عقوبت های وی

و اللّه شدید العقاب

مقتضای سیاق این است که گفته شود جمله <و اللّه شدید العقاب> سخن شیطان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۲ - ۵،۸،۱۰

۵ خداوند فرعونیان و همه کافران پیش از آنان را به سبب گناهانشان به کیفری شدید گرفتار ساخت .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

۸ خداوند ، نیرومند و دارای عقاب شدید است .

إن اللّه قوی شدید العقاب

۱۰ گرفتاری فرعونیان و کافران پیش از آنها به کیفر های شدید الهی ، نمودی از توانمندی خداوند است .

فأخذهم اللّه بذنوبهم إن اللّه قوی شدید العقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۴ – ۲۳،۲۵

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۰ – ۹

۹ خداوند ، مشرکان بهانه جوی عصر بعثت را به کیفری سخت و قریب الوقوع تهدید کرد .

و یقولون لو لا أنزل علیه ءایه من ربه . .. فانتظروا

امر در <انتظروا> می تواند برای تهدید (تهدید به عذاب) و به کارگیری ماده <انتظار> بیانگر قریب الوقوع بودن عذاب باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۱۳ – ۲۵

۲۵ < فی مجمع البیان فی قوله : < شدید المحال > أی شدید الأخذ ، عن علی (ع) ;

در مجمع البیان درباره سخن خدا: <شدیدالمحال> از علی(ع) روایت شده: مراد سخت عقوبت کردن اوست>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۲ – ۸

۸ عقوبت های الهی سخت و سهمگین است .

فکیف کان عقاب

استفهام در جمله فوق برای تعجّب و حاکی از شدت عقوبت است. کسره <باء> در عقابِ گویای حذف <یاء> متکلم است ; یعنی <عقابی>.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۹۶ - ۳

۳- مشرکان استهزاگر پیامبر (ص) ، به کیفر شدیدی تهدید شدند .

المستهزءين. الذين يجعلون مع الله إلهًا ءاخر فسوف يعلمون

جمله <فسوف يعلمون> (به زودی خواهند دانست) در مقام تهدید است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۴

۴- عقوبت افترا به خدا و شرک ، به قدری شدید و سنگین است که در صورت وقوع ، همه جنبندگان را فرا می گیرد .

بربّهم يشركون . .. كنتم تفترون . و يجعلون لله البنت ... و لو يؤاخذ الله الناس ب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۴

۴- رواج دادن فساد در جامعه ، دارای کیفری فزون تر از آلودگی به فساد است .

الذين كفروا و صدّوا عن سبيل الله زدنهم عذابًا فوق العذاب بما كانوا يفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۹ - ۵

۵- گردن فرازی (استکبار) در برابر خداوند رحمان (گسترده مهر) ، کاری بس ناروا و درپی دارنده عقوبتی سنگین است .

أيّهم أشدّ على الرحمن عتيًّا

مطرح ساختن نام <رحمان> که بیان کننده رحمت عام و گسترده خداوند است در کنار عصیان و استکبار برخی از مردمان، می تواند بیانگر شدّت پستی و نارولیی استکبار در برابر او باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۰ - ۲

۲- تفاوت مراتب مستکبران و عصیان گران در استحقاق آتش

علی الرحمن عتیًّا . ثمّ لنحن أعلم بالذین هم أولی بها صلیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۰ - ۵

۵ - وضع کیفر سخت برای اشاعه دهندگان فحشا و افشای چهره توطئه گران < افك > ، از جلوه های فضل و رحمت خدا بر مسلمانان صدراسلام

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته

برداشت یاد شده، به خاطر این است که آیه شریفه، دهمین و آخرین آیه ای است که درباره ماجرای <افک> نازل گردید و قهراً ارتباط نزدیکی با این ماجرا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۶ - ۴،۵

۴ - تهدید ثمودیان از سوی صالح (ع) ، به عذاب و کیفر سخت الهی در صورت رساندن هرگونه گزندی به ناقه

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

۵ - مبارزه خصمانه با معجزات الهی ، درپی دارنده کیفری سخت

و لاتمسّوها بسوء فیأخذکم عذاب یوم عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۰۳ - ۲

۲ - کیفر دردناك الهی ، زداینده غفلت و سرمستی مجرمان

فیأتیهم بغته و هم لایشعرون . فیقولوا هل نحن منظرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۷ - ۱۴

۱۴ – ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء یتّبعهم الغاون . .. و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۳

۳

- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است; نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۳ - ۹،۱۱،۱۶

۹ - پروردگار ، هم دارای بخشایش و هم دارای عقابی دردناک است .

إنّ ربّک لذو مغفره و ذو عقاب ألیم

۱۱ - حق گرایان برخوردار از مغفرت الهی ، و ملحدان و حق ناپذیران رویارو با مجازات دردناک او

مایقال لک إلاّ ما قد قیل للرسل . .. إنّ ربّک لذو مغفره

در آیات پیشین، قرآن پیامی حق معرفی شده است که ملحدان با ایجاد شبهه در آن سعی می کردند پیامبر(ص) را مورد انکار قرار دهند. اکنون در این آیه خداوند به غفران و عقاب خود اشاره کرده که غفران منطبق بر حق گرایان و عقاب درباره ملحدان است.

۱۶ - توجه به رحمت گسترده و عقاب شدید خداوند ، زمینه ساز بازگشت انسان از مخالفت با حق

إنّ ربّک لذو مغفره و ذو عقاب ألیم

چنانچه جمله <إنّ ربک . ..> مربوط به مخالفان پیامبران باشد، از توجه دادن خداوند به مغفرت و عقاب خویش، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۷ - ۳

۳- کیفر سخت منافقان به هنگام مرگ ، براساس علم الهی به نهان کاری های خائنانه آنان

و اللّه یعلم إسرارهم .

فکیف إذا توفّتهم الملئکه

از ارتباط عبارت <فکیف إذا. ..> که بیانگر کیفر سخت منافقان است با ذیل آیه قبل (واللّه یعلم إسرارهم) استفاده می شود که علم و آگاهی خداوند، پشتوانه کیفر منافقان به هنگام مرگ شان، خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۵

۱۵ - بازگشت به گناه ، پس از اظهار توبه ، دارای عقوبتی سنگین *

و إن تتولّوا کما تولّیتم من قبل یعذّبکم عذابًا ألیمًا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که سنگینی کیفر متخلّفان از آن جهت باشد که اینان پس از تخلّف نخست، اظهار پشیمانی کردند و این بار بر آنان اتمام حجت شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۶۰ - ۳،۵

۳ - قیامت ، روزِ سختِ کیفر الهی ، برای کافران ستم پیشه

للذین ظلموا . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوعدون

مراد از <یومهم. ..>، می تواند روز قیامت و یا روز نزول عذاب بر کافران در دنیا باشد. برداشت بالا بر پایه احتمال اول است.

۵ - کافران ، در معرض عذاب دنیوی ، افزون بر کیفر سخت و حتمی آخرت

فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا مثل ذنوب أصحبهم . .. فویل للذین کفروا من یومهم الذی یوع

در صورتی که <یومهم. ..> نظر به روز قیامت و آیه قبل (مثل ذنوب أصحابهم) نظر به کیفرهای دنیوی داشته باشد، برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۴۷ - ۷

۷ - کیفر های دنیوی و برزخی کافران ،

سبک تر از کیفر اخروی آنان *

و إنّ للذین ظلموا عذابًا دون ذلک

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <دون> به معنای پایین تر و خفیف تر باشد و <دون ذلک> اشاره به عذاب دنیوی یا برزخی داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۴ - ۹

۹ - معارضه و ستیز با خداوند ، دارای کیفری سخت و سهمگین

و من یشاقّ اللّه فإنّ اللّه شدیدالعقاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۷ - ۱۶،۱۷،۱۸

۱۶ - کیفر و مجازات الهی ، سخت و سهمگین است .

إنّ اللّه شدید العقاب

۱۷ - بی تقوایان و مخالفت کنندگان با پیامبر (ص) ، دارای کیفری شدید

و ما ءاتیکم الرسول فخذوه . .. و اتّقوا اللّه إنّ اللّه شدید العقاب

۱۸ - توجه به کیفر های شدید الهی ، زمینه ساز گرایش به تقوا و عدم مخالفت با خدا و رسول او

و ما ءاتیکم الرسول . .. و اتّقوا اللّه إنّ اللّه شدید العقاب

از این که خداوند پس از <اتّقوا اللّه> شدت عقاب خویش را یادآور شده است; نکته بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶،۷

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أكفره

مراد از <کفر> در <ماأکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد.

نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده

است.

۷ - کسانی که خود را از رهنمود های خداوند و تذکرات قرآن بی نیاز می پندارند ، کافر و سزاوار سخت ترین کیفرهایند .

قتل الإنسن ما أکفره

این آیه و آیات بعد را می توان با آیات پیشین، مرتبط دانست; در این صورت حرف <ال> در <الإنسان> عهد ذکری بوده و اشاره به <من استغنی> در آیات قبل خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۱۰ - ۱

۱ - خداوند ، فرعون را به سختی کیفر داد .

ألم تر کیف فعل ربّک . .. و فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۵ - ۵

۵ - خداوند ، مخالفان پیامبر (ص) را در صورت تداوم بر مخالفت با نماز ، هدایت و تقوا ، به مؤاخذه ای سخت تهدید کرد .

لئن لم ینته لنسفعًا بالناصیه

مراتب کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۰ - ۱،۴

۱ افترا و دروغ بستن به خداوند ، مجازاتی بسیار سخت و فوق تصور را در قیامت ، در پی خواهد داشت .

و ما ظن الذین یفترون علی اللّه الکذب یوم القیمه

۴ خداوند ، مشرکان صدر اسلام رابه خاطر افترا بستن و تحریم حلال ها ، به کیفر سخت قیامت تهدید کرد .

فجعلتم منه حراماً و حللا . .. و ما ظن الذین یفترون علی اللّه الکذب یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۳ - ۴

۴- ظلم ، گناهی بزرگ

و نابخشودنی و موجب کیفر سخت الهی در قیامت است .

یعمل الظلمون . .. لیوم تشخص فیه الأبصر . مهطعین مقنعی رءوسهم لایرتدّ إلیهم طرف

مراتب کیفر های اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۲ – ۸

۸- کیفر ستمگران در قیامت بسیار شدید و هولناک است .

و لاتحسبنّ الله غفلًا عمّا یعمل الظلمون إنما یؤخّرهم لیوم تشخص فیه الأبصر

مستحقان کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۱ – ۶

۶ مشرکان به سبب شریک پنداشتن برای خداوند مستحق آسیب و کیفر هستند.

فأی الفریقین أحق بالأمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۵ – ۹،۱۰

۹ عقوبتهای الهی سریع و بدون تأخیر دامنگیر مستحقان کیفر می شود.

إن ربک سریع العقاب

۱۰ عقوبتهای الهی در انتظار کسانی است که در آزمون الهی ناموفق باشند.

لیبلوکم فی ما ءاتیکم إن ربک سریع العقاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۳۰ – ۱۲

۱۲ یهود و نصارا ، به دلیل اعتقاد شرک آمیزشان (فرزند خدا خواندن عزیر و مسیح) مستحق کیفر مرگ

و قالت الیهود عزیر ابن اللّه . .. قتلهم اللّه أنی یؤفکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۶ – ۸

۸ سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم و تبهکاری در جامعه ، غیر قابل بخشش و مستحق مجازات

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

تعلیل عذاب دسته ای از منافقان، به

اینکه اینان گروه مجرم و تبهکارند در برابر عفو گروهی دیگر می تواند گویای این حقیقت باشد که: سردمداران جریان نفاق و عاملان اصلی جرم، شایسته بخشش نبوده و باید مجازات شوند.

مستحقان کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۸ - ۴

۴ همسانی منافقان و کافران ، در استحقاق کیفر شدید و مستمر خداوند در قیامت

وعد اللّه المنفقین و المنفقت و الکفار نار جهنم خلدین فیها هی حسبهم

مستحقان کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۶ - ۱۴

۱۴ منافقان توطئه گر ، مستحق کیفر و مجازات دنیوی اند و عدم اعمال آن نسبت به برخی از آنان از جانب خداوند ، به اقتضای مصلحت است . *

إن نعف عن طائفه منکم نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین

مراد از عفو و عذاب، می تواند بخشش و کیفر دنیوی باشد نه اخروی ; در این صورت به حکم عقل، عفو از یک گروه به خاطر مصلحتی صورت گرفته است.

مصونیت از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۶

۶- مهلت یافتن گنه کاران و تأخیر مجازات ایشان ، به معنای ایمنی ابدی آنان از کیفر نیست .

لو یؤاخذهم . .. بل لهم موعد لن یجدوا من دونه موئلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۴،۹

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات

أن يسبقونا

۹ – پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذين يعملون السيّئات أن يسبقونا ساء ما يحكمون

معافیت از کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۳ – ۱۰

۱۰ برخی از مسلمانان و گروهی از اهل کتاب ، به گزاف آرزومند معاف بودن از جزای اعمال زشت خویش

ليس بامانيكم . .. من يعمل سوءاً يجز به

مکان کیفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إنّ الساعه ءاتيه . .. لتجزى كلّ نفس بما تسعى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۷

۷ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

يومئذ يوفّيهم اللّه دينهم الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الأخره عذاب شدید و مغفره من اللّه و رضون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۳۵ - ۳

۳ - دنیا ، محل تلاش و آخرت ، جای بهره مندی از تلاش ها است .

فإذا جاءت الطامّه الکبری . یوم یتذکّر الإنسن ما سعی

بیان <یادآوری اعمال در قیامت>، صرفاً به منظور خبر از آینده نیست; بلکه بشارت دادن و انذار انسان ها نسبت به فرجام اعمالشان است.

مکان کیفر عمل

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۱ – ۱۰

۱۰– دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

مکذبان کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۷

۷ مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۲ – ۶،۷

۶ – مشرکان ، منکر کیفر و عذاب در قیامت

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

۷ – تکذیب وجود عذاب و کیفر در قیامت از سوی مشرکان ، امری همیشگی است .

ذوقوا عذاب النار الّتی کنتم بها تکذّبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۶ – ۲

۲ – شرک پیشگان صدراسلام ، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکارآمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذّب بالدین

<دین>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملّت> نیز به کار می رود (قاموس). آیات بعد

که درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلّین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است; هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

مکذبان کیفر طغیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۱۱ - ۵

۵ - قوم ثمود ، کیفر های طغیان را دروغ انگاشته ، تهدید های الهی را تکذیب کردند .

کذّبت ثمود بطغویها

کلمه <طغواها>، می تواند قرینه بر مراد از <کذّبت> باشد; یعنی، ثمودیان هشدارهای رسول الهی درباره عواقب طغیان را تکذیب می کردند.

مکذبان کیفر های اخروی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۲ - ۴

۴ - گنه کاران و تکذیب کنندگان کیفر های اخروی ، در قیامت به کیفر گناه و تکذیب خود گرفتار خواهند شد .

بل تکذّبون بالدین . .. یعلمون ما تفعلون

مطرح ساختن کتابت و علم کاتبان به قرینه <بل تکذّبون بالدین> هشداری به تکذیب گران است که عمل آنان بی کیفر نخواهد ماند.

مکذبان معاد و کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۰ - ۵

۵ - منکران معاد ، پیش از برپایی قیامت و روبه رو شدن با مجازات الهی ، درباره آن آگاهی و سابقه ذهنی دارند .

و قالوا يويلنا هذا يوم الدين

برداشت ياد شده مبتنى بر اين فرض است كه جمله <هذا

یوم الدین> ادامه سخنان منکران معاد باشد. در این صورت سخن گفتن از روز جزا با اسم اشاره <هذا>، می تواند حاکی از مطلب بالا باشد.

ملاک کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۶

۶ نیّت ، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۵

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۳

۳ - ایمان و فسق دنیوی ، ملاک پاداش و کیفر اخروی است .

أفمن کان مؤمنًا کمن کان فاسقًا لایستوون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۴

۴ - پاداش و کیفر الهی ، بر محور عملکرد نیک و بد آدمی قرار

دارد .

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

ملاک کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جمله <یومئذ یوفّیهم اللّه> استئناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۵۴ - ۳

۳ - مقدار مجازات الهی در قیامت ، بسته به میزان اعمال انسان ها و متناسب با کم و کیف آنها است .

و لاتجزون إلّا ما کنتم تعملون

در برداشت یاد شده <ما> در <ما کنتم> مجرور به مضاف محذوف دانسته شده و تقدیر آن می تواند چنین باشد: <و لاتجزون إلّا علی وفاق ما کنتم تعملون و علی مقداره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ –

۲ - عمل و نوع رفتار آدمی ، معیار کیفر و جزای اخروی او است .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۵۱ - ۱۱

۱۱ - کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۲

۲ - مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <یجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۳

۳ - درجات آتش جهنم در قیامت ، براساس باور ها و نیت های انسان شکل می یابد .

الّتی تطّلع علی الأفئده

<إطّلع علی الشیء>; یعنی، آن را دانست (لسان العرب). مفاد آیه شریفه براساس این معنا آگاهی آتش جهنم از محتوای قلب ها است. این آگاهی، ممکن است کنایه از تفاوت وضع دوزخیان با یکدیگر باشد که آتش جهنم با هر کس، متناسب با محتوای قلب او رفتار خواهد کرد.

ملاک کیفر اخروی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۴۰ – ۱۴

۱۴ – کیفر های کافران در آخرت ، بر پایه کردار آنان در دنیا است .

ما قدّمت يداه و يقول الكافر يليتنى كنت تربًا

ملاک کیفر عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۳

۳ – پاداش

و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

ملاک کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۴

۴ - بدترین عملکرد کافران ، مبنای مؤاخذه و مجازات الهی نسبت به آنان است .

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <أسوء> منصوب به نزع خافض و به تقدیر <لنجزینّهم علی أسوء الذی کانوا یعملون> باشد; یعنی، ما بی تردید در مقابل بدترین عملشان کیفر خواهیم داد.

منشأ تأخیر کیفر مجرمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۴ - ۲

۲ - تأخیر کیفر مجرمان و اعطای مهلت به آنان ، ناشی از فضل و رحمت الهی است نه معلول نا آگاهی او به اسرار و اعمال زشت آنها .

و یقولون متی هذا الوعد. .. و إنّ ربّک لذو فضل... و إنّ ربّک لیعلم

از ارتباط این آیه با دو آیه پیشین، استفاده می شود که نازل نشدن عذاب بر کافران، نتیجه فضل خدا است; نه این که او از سخنان گستاخانه و تعجیل آنان در عذاب بی اطلاع بوده است.

منشأ تعیین کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۹ - ۸

۸ خداوند تعیین کننده کیفر و سرنوشت شوم خلافکاران و تفرقه افکنان

إنما أمرهم إلى الله

منشأ کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷- جزا دادن به بندگان (کیفر و پاداش)

، حق اختصاصی و دائمی خداوند است .

و له الدین واصبًا

<دین> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این معنا می باشد.

۱۰- در انحصار خداوند بودن جزا (کیفر و پاداش) ، مقتضی اختصاص دادن ترس ، به ترس از او

و له الدین واصبًا أفغیر الله تتّقون

به تناسب موضوع (توبیخ ترس از غیر خدا)، احتمال دارد مراد از <الدین> جزا باشد. اینکه ترس از غیر خدا مورد سرزنش قرار گرفته ممکن است به خاطر این باشد که جزا منحصراً در اختیار خداوند است و در این صورت، جایی برای ترس از غیر خدا نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، تنها تصمیم گیرنده صحنه های آخرت و کیفر و پاداش مردم

لایملکون منه خطابًا

منشأ کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیّئه فلایجزی . .. إلاّ ما کانوا یعملون

منشأ کیفر اخروی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۷ – ۵

۵ – مجازات انسان ها در قیامت ، بازتاب

و محصول کردار دنیایی خود آنان است .

إنّما تجزون ما کنتم تعملون

منشأ کیفر بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۲

۲ - بدکاران ، گرفتار پیامد اعمال ناشایست خویش اند .

من أساء فعلیها

منشأ کیفر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۱ - ۱۳

۱۳- تعیین اجل مقرر برای انسان ها و تصمیم به مؤاخذه و عقوبت کردن ظالمان و یا تأخیر آن ، به دست خداوند است .

و لو یؤاخذ الله الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۵۹ - ۳

۳ - نقش خود ظالمان در ابتلا به کیفر و نقمت ، به جای بهرهوری از روزی و نعمت خداوند

إنّ اللّه هو الرزّاق . .. فإنّ للذین ظلموا ذنوبًا

از این که <ظلم> به خود افراد نسبت داده شده و کیفر به عنوان پیامد کار خودشان، مطرح گشته است، مطلب بالا استفاده می شود.

منشأ کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۹ – ۱۸

۱۸ – خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خویش و کیفر کافران را بر پایه عدل می دهد .

رجال . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله ... و الذین کفروا ... فوف

برداشت یاد شده، از مقایسه میان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و کافران به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء

- ۲۶ - ۱۸۸ - ۳

۳ - کیفر کافران و نوع ، زمان و مقدار آن در اختیار خداوند است ; نه به اقتراح کافران .

فأسقط علینا کسفًا . .. قال ربّی أعلم بما تعملون

تعبیر <ربّی أعلم. ..> در پاسخ درخواست کافران، در بر دارنـده این معنااست که چون خداونـد از هر کس به اعمال بندگان داناتر است; پس تنها او است که نوع، زمان و مقدار کیفر آنان را تعیین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حکمت الهی ، مقتضی کیفر کافران و پاداش مؤمنان است .

فبشّره بعذاب ألیم . .. لهم جنّت النعیم ... و هو العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۴ - ۵

۵ -اراده و مشیت خداوند ، در غفران یا کیفر کافران بی هیچ گونه معارضی ، تحقق می پذیرد .

و للّه ملک السموت و الأرض یغفر لمن یشاء و یعذّب من یشاء

از ارتباط <للّه ملک. ..> با <یغفر لمن...> استفاده می شود که مشیّت الهی معارض ندارد.

منشأ کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۶ - ۲

۲ کیفر گنهکاران یا بخشودن خطای آنان ، مبتنی بر مشیت الهی

و ءاخرون مرجون لأمر اللّه إما یعذبهم و إما یتوب علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۸ - ۳

۳ - ربوبیت الهی ، مقتضی کیفر دادن گناه کاران است .

إنّ عذاب ربّهم

منشأ کیفر مشرکان

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۶ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، فقط تبلیغ کننده پیام وحی بود ; نه مجازات کننده مشرکان و تحقق بخشنده به انذار ها .

و قالوا . .. فاعمل إنّنا عملون . قل إنّما أنا بشر مثلکم یوحی إلیّ

یکی از احتمال ها در تفسیر <فاعمل>، این است که مشرکان، به پیامبر(ص) اعلام کردند که او می تواند به وعیدهای خود جامه عمل بپوشاند; ولی خداوند در مقابل آنان اعلام می دارد که کار پیامبر، تبلیغ رسالت است; نه مجازات مشرکان.

موانع کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۵ - ۸

۸- ایمان و استغفار ، مانع نزول عذاب و کیفر الهی است .

و ما منع الناس أن یؤمنوا إذ جاءهم الهدی و یستغفروا ربّهم إلاّ أن تأتیهم سنّه الأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۲۷ - ۱۳

۱۳ - خویشاوندی با پیامبران ، نمی تواند مایه مصونیت از کیفر الهی گردد .

فاسلک فیها . .. إلاّ من سبق علیه القول منهم

موانع کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۴

۴ - توجّه به آفرینش نیکوی انسان ها و سقوط و انحراف برخی از آنان ، دستاویزی برای تکذیب دین و کیفر های اخروی ، باقی نمی گذارد .

فما یکذّبک بعد بالدین

حرف <فاء> در <فما يكذّبك> و نيز كلمه <بعد>، اين آيه را بر آيات پيشين، تفريع كرده است; يعنى، آيا وجود كسانى كه

در <أحسن تقويم> بوده و خود را به <أسفل سافلین> سقوط داده اند; دلیل ضرورت دین برای پیشگیری از آن سقوط و ضرورت روز جزا، برای کیفر آن منحرفان نیست؟!

موانع کیفر دنیوی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۵ - ۸

۸ - سنت امهال ، مانع از کیفر دنیوی کافران است .

و لولا کلمه سبقت من ربّک لقضی بینهم

موانع کیفر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۱ - ۱۰

۱۰ عزت و احترام قبیله شعیب در نزد مردم مدین ، مانع آنان از کیفر دادن و سنگسار کردن آن حضرت

و لولا رهطك لرجمنك

از آن جا که مردم مدین تصریح می کنند که شعیب(ع) در میان آنان ضعیف است، معلوم می شود مقصود آنان از <لولا رهطك> این معنا نیست که آنان توان مقابله با خاندان او را ندارند; بلکه به قرینه <ما أنت علینا بعزیز> و <أرهطی أعز. ..> در آیه بعد مراد از <لولا رهطك>، <لولا عزه قومك و کرامتهم عندنا ...> است.

موانع کیفر ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۲

۲ - توبه و انجام عمل صالح ، از میان برنده آثار سوء ظلم و گناه

إلّامن ظلم ثمّ بدّل حسنًا بعد سوء

<تبدیل> (مصدر <بدّل>) به معنای جایگزین کردن است. جایگزینی وقتی تحقق می یابد که یکی برود و دیگری جای آن

را بگیرد. گفتنی است که مراد از <ظلم> در آیه شریفه، مطلق معصیت است و مراد از <حُسن> هم می

تواند توبه باشد و هم عمل صالح; یعنی، <لکن آنان که با ارتکاب گناه مرتکب ظلم شدند ولی بعداً توبه [یا عمل صالح] را جایگزین آن نمودند بدانند که من غفور و رحیم هستم و آنان را می بخشم و مورد رحمت خویش قرار می دهم. بنابراین آنان نیز بعد از این از چیزی نترسند.

موانع کیفر گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۹ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، قادر به مجازات گمراهان و سلب بهرهوری های دنیوی ایشان است ; ولی ریزنگری ها و مشیت او در تدبیر جهان مانع از این اقدام است .

لفی ضلل بعید . .. لطیف ... یرزق من یشاء و هو القویّ

ارتباط این آیه با آیه قبل، نشان می دهد که آیه شریفه درصدد پاسخ گویی به یک پرسش نهفته است و آن این که: اگرمنکران معاد و گمراهان، برباطل اند پس چرا خداوند روزی خود رااز آنان دریغ نمی دارد؟! خداوند در پاسخ سه موضوع مهم را مطرح فرموده است: <لطیف بودن>، <مشیت> و <قدرت شکست ناپذیر او>.

موانع کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۱ - ۲

۲ - توبه و انجام عمل صالح ، از میان برنده آثار سوء ظلم و گناه

إلاّمن ظلم ثمّ بدّل حسنًا بعد سوء

<تبدیل> (مصدر <بدّل>) به معنای جایگزین کردن است. جایگزینی وقتی تحقق می یابد که یکی برود و دیگری جای آن را بگیرد. گفتنی است که مراد از <ظلم> در آیه شریفه، مطلق معصیت است و مراد از <حُسن> هم می تواند

توبه باشد و هم عمل صالح; یعنی، <لکن آنان که با ارتکاب گناه مرتکب ظلم شدند ولی بعداً توبه [یا عمل صالح] را جایگزین آن نمودند بدانند که من غفور و رحیم هستم و آنان را می بخشم و مورد رحمت خویش قرار می دهم. بنابراین آنان نیز بعد از این از چیزی نترسند.

موجبات کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷ - ۶

۶ - درک نکردن معارف الهی ، کیفری است از جانب خدا ، بر ناشنیده گرفتن و نادیده انگاشتن حقایق دینی

ختم اللّه علی قلوبهم و علی سمعهم و علی ابصرهم غشوه

جمله <و علی سمعهم . ..> جمله حالیه و بیانگر علت مسدود شدن قلبهاست; یعنی، بدان جهت خداوند آنان را از درک کردن محروم ساخت که ایشان حقایق را ناشنیده انگاشتند و بر واقعیتها چشم فرو بستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۴ - ۱

۱ - قوم موسی با گوساله پرستی ، بر خویشتن ستم کرده و مستحق کیفر شدند .

یقوم إنکم ظلمتم أنفسکم باتخاذکم العجل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۵ - ۹،۱۰

۹ - درخواست مشاهده خداوند در پی درانده کیفر الهی است .

حتی نری اللّه جهره فأخذتکم الصعقه

۱۰ - تصدیق نکردن رسالت های پیامبران ، گناه و درپی دارنده کیفر الهی است .

لن نؤمن لک . .. فأخذتکم الصعقه

برداشت فوق بر این اساس است که جمله <فأخذتکم . ..> علاوه بر ارتباطش با <نری اللّه جهره> مرتبط با <لن نؤمن

لک> نیز باشد.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۴ - ۲۰

۲۰ - انسان های گنهکار و دارای رفتار و کردار ناروا ، در خطر گرفتار شدن به کیفر و مجازات الهی هستند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۵

۱۵ - کفرپیشگان ، در صورت حضور در مساجد ، مجرم اند و باید به دست مسلمانان عقوبت شوند .

أولئک ما کان لهم أن یدخلوها إلا خائفین

برداشت فوق، مبتنی بر این است که <إلاـ خائفین> استثنا از عدم ورود به مساجد باشد، نه از عدم جواز ورود. بر این مبنا، جمله <ما کان لهم ...> بیانگر این معناست که: کافران حق ندارند به مساجد وارد شوند و در صورت تخلف، باید عقوبت شوند; زیرا ترس کافران از ورود به مساجد، در صورتی است که بدانند ورودشان در پی دارنده مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ - پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود قوانین الهی ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از جانب خداست .

لئن اتبعت أهواءهم بعد الذی جاءک من العلم مالک من اللّه من ولیّ و لانصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۹ - ۷

۷ - کیفر خدا در انتظار کسانی است که با احکام او (نظیر قبله قرار دادن مسجدالحرام) مخالفت کنند .

و ما اللّه بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان نظارت خدا

بر اعمال بندگان، تهدید کسانی است که با احکام او مخالفت می کنند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۲

۲ – کسانی که احکام و معارف کتاب های آسمانی را کتمان کرده اند تا بدین وسیله به متاع دنیا برسند ، در قیامت به عذاب دردناکی گرفتار خواهند شد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه من الکتب . .. لهم عذاب ألیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۵ – ۵،۶

۵ وساطت در انجام کار های ناپسند ، موجب سهیم شدن در پیامد های ناگوار آن

من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

<کفل> به معنای نصیب و بهره است.

۶ بازدارندگان مردم از جهاد در راه خدا ، سهیم در کیفر ترک آن

و اذا جاءهم امر . .. اذاعوا به ... من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

به مقتضای ارتباط این آیه با آیات قبل، مصداق مورد نظر از <شفاعه سیّئه>، می تواند همان کارهایی باشد که موجب بازماندن مردم از جهاد در راه خداست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲ – ۴۷

۴۷ همکاری در گناه و تجاوز ، گناهی بزرگ و موجب کیفر و مجازاتی سخت

و لاتعاونوا علی الاثم و العدون . .. إنّ اللّه شدید العقاب

تهدید به عذاب شدید، نشانه بزرگی گناه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۶ - ۱۳

۱۳ ضرورت پرهیز از تأسف و اندوه بر گناهکاران گرفتار به کیفر الهی

فلاتأس

على القوم الفسقين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۲

۱۲ فسادانگيزى در زمين ، موجب مجازات اعدام

من قتل نفساً بغير نفس او فساد فى الارض

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۸۱ – ۶

۶ مشركان به سبب شريك پنداشتن براى خداوند مستحق آسيب و كيفر هستند.

فأى الفريقين أحق بالأمن

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۹۳ – ۲۳

۲۳ گفتن سخن ناحق درباره خداوند، عقوبت سنگين در پى دارد.

بما كنتم تقولون على الله غير الحق

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۴ – ۹،۱۰

۹ فريبكارى و توطئه مداوم عليه دين، عامل گرفتارى توطئه گران به ذلت و عذاب شديد است.

سيصيب الذين . .. بما كانوا يمكرون

۱۰ ذلت و خوارى، كيفر استكبار سردمداران مجرم است.

أكبر مجرميها . .. و إذا جاءتهم ءايه ... سيصيب الذين أجرموا صغار عنداللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۲۵ – ۷

۷ ضیق صدر و سختی دل در پذیرش حق، کیفری از جانب خداوند برای حق ناپذیران است.

یجعل صدره ضیقا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۸ – ۸

۸ افترا بر خداوند از گناهان بزرگ و موجب کیفر اوست.

سیجزیهم بما کانوا یفترون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۹ – ۶،۷

۶ کیفر الهی در انتظار مشرکانی

است که توصیفهای ناروا و احکام ساخته خود را به خدا نسبت می دادند.

سیجزیهم بما کانوا یفترون. و قالوا ما فی بطون ... سیجزیهم وصفهم

۷ افترا به خداوند و انتساب احکام ساختگی به او، کیفر او را در پی دارد.

و قالوا ما فی بطون . .. سیجزیهم وصفهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۰ - ۱۰

۱۰ نامیدن خداوند به اوصافی که حکایتگر نقص و کاستی است ، مستلزم کیفری از جانب او خواهد شد .

و ذروا الذین یلحدون فی أسمئه سیجزون ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۳

۲۳ تهدید أکید خداوند بر کیفر سخت دنیوی و اخروی منافقان صدر اسلام ، در صورت امتناع آنان از توبه و پافشاری بر مواضع کفرآمیز توطئه گرانه خود

فإن یتوبوا . .. و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۳

۳ همگان ، حتی پیامبران الهی ، در صورت طرد مؤمنان و ارتکاب گناه ، مستحق کیفر و مجازات الهی اند .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۱۶

۱۶ فساد های جنسی ، درپی دارنده عقوبت های الهی است .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم فاتقوا الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۶

۱۶ طغیان و سرکشی در برابر خدا و

گرایش به شرک و پرستش غیر خدا ، عقوبت و کیفر الهی را درپی دارد .

و لاتطغوا إنه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۶ – ۱۶

۱۶ شکستن سوگند و وفا نکردن به پیمان های الهی ، گناه و موجب عقوبت از ناحیه خداوند است .

الله علی ما نقول وکیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۷ – ۱۵

۱۵ پیروی از آرا و قوانین برخاسته از هوا های نفسانی ، با وجود احکام و قوانین قرآن ، موجب گرفتار شدن به عقوبتهایی از ناحیه خداوند است .

و لئن اتبعت أهواءهم بعد ما جاءک من العلم مالک من الله من ولیّ و لاواق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۵۸ – ۹

۹– جدال در برابر آیاتِ حق و اِعراض از آنها و غفلت از گناهان ، دارای کیفر قطعی است .

ذکّر بأیت ربّه فأعرض عنها . .. بل لهم موعد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۷ – ۱۰

۱۰– سرسختی و لجاجت در برابر دعوت قرآن ، موجب گرفتاری به عقوبت و عذاب الهی

و تنذر به قومًا لدًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۱ – ۹

۹ – کیفر های الهی ، برخاسته از عملکرد ظالمانه خود انسان ها است .

فأخذتهم الصیحه بالحقّ . .. فبعدًا للقوم الظلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۷

١۴ - ترویج باطل و مبارزه با دین در قالب شعر ، ظلم بوده و دارای عقوبتی سخت است .

و الشعراء یتّبعهم الغاون . .. و سیعلم الذین ظلموا أیّ منقلب ینقلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - دخان - ۴۴ - ١۶ - ٣

٣- جدی نگرفتن پیام های وحی و بازی انگاشتن حقایق ، درپی دارنده کیفری سخت و حتمی

بل هم فی شکّ یلعبون . .. یوم نبطش البطشه الکبری إنّا منتقمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - جاثیه - ۴۵ - ١۵ - ۶

۶- مجازات و کیفر الهی پی آمد آلودگی به گناه است ; نه صرف هر لغزش *

بما کانوا یکسبون . .. و من أساء فعلیها

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که در مورد عمل صالح، تعبیر <عمل صالحاً> با تنوین تقلیل ذکر شده است که کم ترین اعمال ارزشی را نیز شامل می شود ولی در مورد اعمال زشت، تعبیر <أساء> به کار رفته است و نه <عمل سیّئاً>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - احقاف - ۴۶ - ٢٠ - ١۶

١۶- کیفر الهی در حق کافران ، معلول عملکرد منفی خود آنان و به دور از شائبه ظلم

و هم لایظلمون . .. تجزون عذاب الهون بما کنتم تستکبرون ... و بما کنتم تفسقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٧ - حجرات - ۴٩ - ٢ - ١٣

١٣ مترتب شدن کیفر بر بعضی از اعمال ناروا ، حتی با عدم توجه و علم انسان *

أن تحبط أعملكم و

أنتم لاتشعرون

برداشت بالا بدان احتمال است که مراد از <أنتم لاتشعرون> این باشد که هر چند شما از روی غفلت مرتکب بی احترامی به پیامبر(ص) می شوید; اما غفلت، آثار شوم این عمل را نمی زداید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۳ - ۴

۴ - تکذیب دین و بدگویی از آن ، از موجبات کیفر و عذاب الهی

و اصبر علی ما یقولون . .. و المکذّبین ... إنّ لدینا أنکالاً ... و عذابًا ألیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۴

۴ - عصیان و سرپیچی در برابر دعوت پیامبران ، موجب مؤاخذه سخت الهی است .

فعصی فرعون الرسول فأخذنه أخذًا وبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۱۷ - ۶

۶ - کفران نعمت ، مایه استحقاق شدیدترین عقوبت ها است .

قتل الإنسن ما أکفره

مراد از <کفر> در <ماأکفره> ممکن است کفران نعمت های خداوند باشد که آیات بعد به بعضی از آنها اشاره دارد. نفرین <قتل الإنسان> در معنای عرفی آن که بیان استحقاق شدیدترین عقوبت ها می باشد استعمال شده است.

موجبات کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۴

۴۴ آلودگی دل و جان آدمی به ناپاکی ها ، موجب ذلت دنیا و عذاب آخرت

أولئك الذين لم يرد اللّه ان يطهر قلوبهم . .. و لهم فی الاخره عذاب عظيم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹

۷ کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خودِ انسان

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۲ - ۹

۹ کیفر های الهی در قیامت بازتاب کردار ناشایست خود انسانهاست .

و لیبکوا کثیراً جزاء بما کانوا یکسبون

با توجه به اینکه خداوند، گریه و رنج طولانی را کیفر گناهان طولانی و مستمر کافران و منافقان قرار داده است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ظلم ، درپی دارنده مؤاخذه در قیامت

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم

وضع اسم ظاهر <الظالمون> به جای ضمیر، می تواند بیانگر این نکته باشد که ظلم باعث مؤاخذه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۹ - ۶

۶ – انکار و استهزا نسبت به آیات الهی ، پس از علم به آنها ، درپی دارنده کیفر اخروی

و إذا علم . .. لهم عذاب مهین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۷ – ۲

۲ – طغیان گری ، سرکشی در برابر دستورات خداوند و زیاده روی

در هواپرستی ، در پی دارنده مجازات در آخرت

فأمّا من طغی

<طغیان>; یعنی، از حد گذراندن (لسان العرب). متعلق <طغی> به قرینه <من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی> (در آیات بعد) بی اعتنایی به پروردگار و پیروی از هوای نفس است. جمله <فإنّ الجحیم هی المأوی> در آیات بعد که جزای <فأمّا> است بر مجازات اخروی دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۷ - ۲

۲ - انسان در قیامت ، به جهت باور ها و نیت هایش ، مؤاخذه شده و کیفر خواهد دید .

الّتی تطّلع علی الأفئده

موجبات کیفر دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۰

۱۰ ظلم ، موجب گرفتار شدن به کیفر الهی در دنیاست .

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۰ - ۲

۲ گناه و تخلف از فرامین خدا می تواند در پی دارنده کیفر و عقوبت های دنیوی باشد .

فبظلم من الذین هادوا حرّمنا علیهم طیبت أحلت لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۴ - ۱

۱ سرکوبی و شکست مشرکان در بدر ، عقوبت دنیوی آنان

ذلکم فذوقوه و أن للکفرین عذاب النار

<کم> در <ذلکم> خطاب به مشرکان و <ذا> اشاره به شکست و سرکوبی آنان دارد. و <ذلکم> مبتدا و خبر آن به قرینه فراز بعد <و أن للکافرین ... > <عقابکم فی الدنیا> است.

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۲۵

۲۵ روی گردانی از حق و اصرار بر کفر و ارتداد ، مستلزم کیفر شدید دنیوی و اخروی است .

و إن یتولوا یعذبهم اللّه عذاباً ألیماً فی الدنیا و الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۵ - ۶،۷

۶- ستم پیشگی موجب هلاکت و کیفر الهی در دنیاست .

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم . .. و ضربنا لکم الأمثال

۷- ظلم به نفس در پی دارنده هلاکت و کیفر الهی در دنیا

و سکنتم فی مسکن الذین ظلموا أنفسهم . .. و ضربنا لکم الأمثال

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: مقصود از <ظلموا أنفسهم> ظلم به نفس باشد نه ظلم به دیگران چنان که از ظاهر آن به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۱۳ - ۸

۸ - مخالفت با دعوت توحیدی پیامبر (ص) ، موجب استحقاق کیفر دنیوی

فإن أعرضوا فقل أنذرتکم صعقه مثل صعقه عاد و ثمود

موجبات کیفر فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۱۶ - ۳

۳ - عصیان و سرپیچی فرعون ، موجب مؤاخذه شدن او از جانب خداوند شد .

فعصی فرعون الرسول فأخذنه أخذًا وبیلًا

موجبات نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۹ - ۱۸

۱۸ رهایی از کیفر گناهان ، در گرو پذیرش احکام الهی و قضاوت های پیامبر (ص)

فان تولوا فاعلم انما

يريداللّه ان يصيبهم ببعض ذنوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – مائده – ۵ – ۹۳ – ۱۰

۱۰ ايمان ، عمل صالح ، تقوا و ايمان عامل رهايى از مؤاخذه بر كردار هاى نارواى گذشته

ليس على الذين ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و ءامنوا ثم اتقوا و احسنوا

مهلت در كيفر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۱۱ – ۴

۴ سنت خدا در رساندن خير به مردم < تسريع > و در مجازات كردن آنان < امهال > است .

و لو يعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخير

برداشت فوق بر اين اساس است كه <هم> مفعول استعجال و فاعلش ضمير عايد به <اللّه> و به تقدير <مثل استعجاله لهم بالخير> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۰ – كهف – ۱۸ – ۸۸ – ۱۲

۱۲– تسريع در پاداش و تأخير در مجازات ، امرى لازم است . *

من ظلم فسوف نعذّبه . .. من ءامن ... فله جزاءً الحسنى

ذكر <سوف نعذّبه> با أدات استقبال، در قبال <فله جزاءًالحسنى> به صورت قطعى و بدون أدات استقبال، مى تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

ناپسندى كيفر بى بيان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۳۴ – ۳

۳ - کیفردادن قبل از بیان و اتمام حجت ، کاری ناروا است .

و لو أنّا . .. لولا أرسلت إلینا رسولاً

گرچه <لولا أرسلت> در این آیه، اعتراضی است که از زبان کافران نقل شده; ولی از آن جهت که بر این اعتراض فرضی، ترتیب اثر

داده شده است، برمی آید که این اعتراض، قابل قبول بوده و فرستادن رسولان برای اتمام حجت، ضرورت داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۷ - ۳

۳ - مجازات خطاکاران پیش از تبیین راه صواب و خطا برای ایشان ، امری نادرست و نکوهیده در بینش الهی

و لولا أن تصیبهم مصیبه . .. و نکون من المؤمنین

نجات از کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۳

۳ پندار رهایی از کیفر ، به صرف انتساب به دین و آیین الهی ، تلقینی شیطانی است .

یعدهم و یمنّیهم . .. لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً

با توجه به آیات گذشته (لامنّینّهم . .. یعدهم و یمنّیهم)، می توان نتیجه گرفت که پندار رهایی از کیفر اعمال بد، از همان خیالپردازیهای موهومی است که شیطان برای فریب مردم به آنان تلقین می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا>

مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

نجات از کیفر گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۱ - ۶

۶ - خداوند ، تنها یار و یاور انسان در حفاظت وی از عواقب ناگوار گناهان

و ما أصبکم . .. و ما لکم من دون اللّه من ولیّ و لا نصیر

نزدیکی کیفر دروغگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب ألیم

به کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزدیکی کیفر گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ عذاب کیفر کافران و متخلفان از جنگ ، عذابی است قریب الوقوع و نه چندان دور .

سیصیب الذین کفروا منهم عذاب أليم

به

کارگیری حرف <سین> به جای <سوف> می تواند بیانگر برداشت فوق باشد.

نزدیکی کیفر مخالفان نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نزدیکی کیفر مکذبان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۱۸ - ۵

۵ - زمان کیفر دیدن مخالفان نماز ، تکذیب گران دین و دروغ گویان خطاکار ، نزدیک است .

سندع الزبانیه

حرف <سین>، برای آینده نزدیک به کار می رود.

نشانه های کیفر قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۲ - ۱

۱ - خانه های ویران و خالی از سکنه ثمودیان ، نشانه ای گویا از فرود آمدن کیفر الهی بر آنان

أنّا دمّرنهم و قومهم أجمعین . فتلک بیوتهم خاویه

<خواء> (مصدر <خاویه>) به معنای ویرانی و نیز خالی از سکنه شدن است. در برداشت فوق هر دو معنا لحاظ شده است.

نظارت بر کیفر کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۳۵ – ۱

۱ – مؤمنان ، در حالی کافران حاضر در صحنه قیامت را مسخره می کنند که خود بر تخت های تزیین یافته ، لمیده و ناظر کیفر کافران اند .

علی الأرائک ینظرون

<أریکه> (مفرد <أرائک>) به تخت تزیین یافته ای گفته می شود که در خیمه یا خانه ای نهاده شده باشد. هم چنین به جایگاه آرمیدن

و لمیـدن اعم از تخت، یـا تخت عروس و یا تخت خواب اطلاق می شود (قاموس). متعلق <ینظرون> به قرینه آیات قبل و بعد وضعیت کافران است.

نظام آفرینش و کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۲

۲- جهان (آسمان و زمین) با نظم کنونیش ، برای کیفر و پاداش کامل انسان ، ممکن و مناسب نیست .

یوم تبدّل الأرض غیر الأرض . .. و برزوا لله ... لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداونـد پیش از طرح مسأله کیفر و پـاداش انسانهـا در قیـامت موضوع دگرگونی نظـام کنونی جهـان (دنیـا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست می آید.

نظام کیفری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵ - ۶

۶ - همسانی کیفر های الهی با گناه گنهکاران

إنما نحن مستهزءون. اللّه یستهزئ بهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۶

۶ - منکران دین بدون اتمام حجت با آنان ، به آتش دوزخ گرفتار نخواهند شد .

فإن لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار

جواب شرط <فان لم تفعلوا> محذوف است و جمله <فاتقوا . ..> جانشین آن شده است. جمله با تقدیر آن چنین است: فان لم تفعلوا تمت علیکم الحجه و ثبت لدیکم ان القرآن منزل من عنداللّه فاتقوا ...

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۴۸ - ۵،۷،۸

۵ - هیچ کس در روز قیامت ، ذره ای از عذاب دیگری

را بر عهده نمی گیرد و متحمل نمی شود .

واتقوا یوماً لاتجزی نفس عن نفس شیئاً

۷ - در روز قیامت از هیچ کس عِدل و عوضی - که خویشتن را با آن باز خرد - گرفته نخواهد شد .

و لایؤخذ منها عدل

کلمه <عَدْل> به معنای: فدیه و عوض است که شخص برای آزادی خود یا دیگری می پردازد، تا از اسارت و مانند آن آزاد شود.

۸ - در روز قیامت هیچ کس به دفاع از دیگری برنخواهد خواست و او را یاری نخواهد کرد .

و لاهم ینصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۳ - ۲۷

۲۷ جزای اعمال در آخرت، متناسب با نوع عمل و روحیات عمل کننده است.

الیوم تجزون عذاب الهون . .. کنتم عن ءایته تسکتبرون

خداوند در برابر روحیه استکباری و خودبرتربینی ظالمان، آنان را به عذاب خوارکننده (الهون) وعده می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۰ - ۵

۵ مجازات گناهکاران نتیجه عمل خود ایشان است.

إن الذین یکسبون الإثم سیجزون بما کانوا یقترفون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۱ - ۱،۲،۴،۷،۸،۹

۱ خداوند هیچگاه از سر ظلم جامعه ای را نابود و مردمی را مجازات نکرده و نخواهد کرد.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

۲ هلاک جوامع بشری، بدون فرستادن هدایت برای ایشان، کاری ظالمانه و به دور از ساحت قدس الهی است.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

<بظلم> می تواند حال برای <ربک> باشد. در این صورت

معنـای جمله چنین می شود: خداونـد از روی ظلم جـامعه ناآگـاه را هلاـک نمی کنـد. بنابراین هلاکت در صورت عـدم ابلاغ کاری ظالمانه است.

۴ خداوند مردم جامعه ای را که از روی غفلت و ناآگاهی ستم کنند، به عذاب دنیوی نابود نمی کند.

ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

برای جـار و مجرور <بظلم> متعلقهـای مختلفی می توان در نظر گرفت، از آن جمله اینکه متعلق به <مهلـک> باشـد. یعنی: <مهلک القری بسبب ظلم>. برداشت فوق بر این اساس است.

۷ مشیت الهی به شقاوت و ضلالت امتهای ستمگر پس از اتمام حجت بر ایشان تعلق می گیرد.

و من یرد أن یضله . .. یجعل الله الرجس ... ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم

مراد از هلاکت در آیه، شقاوت و ضلالتی است که در آیات قبل از آن سخن به میان آمده بود.

۸ سنت خداوند، نابود ساختن جوامع ظالم قبل از فرستادن پیامبران و اتمام حجت نیست.

ألم یأتکم رسل منکم . .. ذلک أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

۹ خداوند، ستم و گناهی را که از سر غفلت و ناآگاهی باشد، کیفر نمی دهد.

أن لم یکن ربک مهلک القری بظلم و أهلها غفلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۳۹ – ۱۱

۱۱ کیفر کسانی که احکام خود ساخته را به خداوند منتسب می سازند، مجازاتی حکیمانه و عالمانه است.

سیجزیهم وصفهم إنه حکیم علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۰ – ۲،۳،۵،۶،۸

۲ عمل ناشایست دارای

کیفری مانند آن و نه بیشتر

من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پاداشهای وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

۵ در قیامت به گنهکاران ستم نخواهد شد.

و هم لا یظلمون

ذیل آیه قبل (ثم ینبئهم . ..) بیانگر این است که ظرف پاداش و جزای مطرح شده در این آیه روز قیامت است.

۶ کیفر دادن گنهکاران به اندازه گناهشان ستم بر آنان نیست.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها و هم لا یظلمون

۸ کیفر اخروی گناه در صورتی است که گنهکار تا حضور در صحنه قیامت مورد عفو الهی قرار نگیرد.

و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

برداشت فوق با توجه به توضیح برداشت قبل معلوم می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۴ – ۶

۶ هیچکس بار گناه دیگران را بر دوش نخواهد گرفت و به گناهان دیگران مؤاخذه نخواهد شد.

و لاتزر و ازره وزر أخری

<وزر> به معنای حمل کردن و نیز به معنای گناه است. <تزر> و <وازره>، از <وزر> به معنای حمل کردن است و <وزر> و <وزر أخری> به معنای گناه می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۲ – ۱۸

۱۸ خداوند بدون اتمام حجت، بندگان متخلف را توبیخ نخواهد کرد.

ألم أنهکما عن تلکما الشجره و أقل لکما إن الشیطن لکما عدو مبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۳ – ۷

۷

کیفر های سخت اخروی ، بازتاب عملکرد و موضع گیری های خودِ انسان

من یحادد اللّه و رسوله فان له نار جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۷ – ۳،۱۸

۳ همگونی زنان و مردان منافق ، در مجازات و کیفر جرم نفاق

نعذب طائفه بأنهم کانوا مجرمین. المنفقون و المنفقت بعضهم من بعض

۱۸ تناسب کیفر ها و مجازات های الهی با عملکرد انسان

نسوا اللّه فنسیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۸ – ۲

۲ زنان و مردان منافق در استحقاق کیفر های الهی ، مساویند .

وعد اللّه المنفقین و المنفقت . .. نار جهنم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۰ – ۱۲،۱۷،۲۰

۱۲ هلاکت اقوام کافر پیشین ، پس از اتمام حجت رسولان الهی بر آنان بود .

ألم یأتهم نبأ الذین من قبلهم . .. أتتهم رسلهم بالبیّنت

۱۷ کیفر انسان ها ، قبل از تبیین حق و باطل برای آنان ، ظلم و دور از ساحت قدس خداست .

أتتهم رسلهم بالبیّنت فما کان اللّه لیظلمهم

نفی ظلم از خدا و متفرع شدن آن بر وجود بینات، بیانگر این نکته است که: درصورت ارائه نشدن دلایل روشن، به هلاکت رساندن انسانها ظلم می باشد.

۲۰ ظلم در نظام کیفری خداوند راه ندارد .

فما کان اللّه لیظلمهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۹ – ۱۵

۱۵ کیفر الهی برای گناهکاران ، متناسب با گناه آنان است .

فیسخرون منهم

سخر اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۵ – ۱۸

۱۸ هیچ کس ، حتی پیامبران ، در صورت سرپیچی از فرمان های خدا از عذاب اخروی در امان نیستند .

إنی أخاف إن عصیت ربی عذاب یوم عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۴

۴ کیفر هر کار بد در قیامت ، کیفری متناسب با همان کار بد خواهد بود .

جزاء سیئه بمثلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۵۲ – ۷

۷ بین کردار انسان و مجازات او در آخرت ، تناسب کامل وجود دارد .

ذوقوا عذاب الخلد هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون

<باء> در جمله <هل تجزون إلا بما کنتم تکسبون> برای مقابله است و این جمله می تواند پاسخ این سؤال باشد که: چرا کافران به عذاب ابدی دچار خواهند شد؟ (ذوقوا العذاب الخلد) خداوند پاسخ می فرماید: این حکم در مقابل رفتار و متناسب با گناهان خود آنان است. بنابراین بین کیفر (عذاب ابدی) و عمل آدمی، ارتباط و تناسب وجود دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۲۹ – ۱۱

۱۱– گناهان ، دارای رتبه های مختلف بوده و عذاب های متناسب با خود را دارند .

فادخلوا أبوب جهنّم خلدین فیها فلبئس مثوی المتکبّرین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مراد از <أبواب> اصناف باشد و این معنا نشان دهنده تناسب عذاب با گناه است.

مؤید برداشت فوق، تخصیص به ذکر متکبران از میان

جهنّمیان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۸ - ۷

۷- عذاب کافران ، به تناسب عملکرد و فساد آنان ، متفاوت است .

زدنهم عذابًا فوق العذاب بما کانوا یفسدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵ - ۵

۵- کیفر الهی برای انسان ها ، پس از اقدام آنان به تجاوز و سرکشی است .

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین . .. فإذا جاء وعد أُول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۰۳ - ۸

۸- خداوند ، ستمگران و شریکان آنان را در ستم ، همسان کیفر می دهد .

فأغرقنه و من معه جمیعًا

برداشت فوق، مبتنی بر این است که مراد از <و من معه> یاران و شریکان فرعون در ستم باشند نه صرفاً همراهان وی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۶ - ۵

۵- خداوند ، پیامبران را به جهت کفرورزی و لجاجت کفرپیشگان ، مؤاخذه نخواهد کرد .

فلعلّك بخع نفسك علی ءاثرهم إن لم یؤمنوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۰ - ۳

۳ – کیفر های الهی در آخرت ، برپایه عدل و بدون کمترین ظلمی در حق کیفر شوندگان

أنّ اللّه لیس بظلّم للعبید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۱ – ۱۸،۱۹

۱۸ – در گناه گروهی و دسته جمعی ، هر کس به قدر دخالتش در انجام آن

، مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت .

لكلّ امرى منهم ما اكتسب من الإثم والذى تولّى كبره منهم له عذاب عظيم

۱۹ - طراحان و عاملان اصلی گناه و توطئه ، سزاوار کیفر و عقوبتی سخت تر و شدیدتر از دیگر گناه کاران و توطئه گران

لكلّ امرى منهم ما اكتسب من الإثم والذى تولّى كبره منهم له عذاب عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۲

۲ - کیفر های الهی در جهان آخرت ، به صورت کامل و بی کم و کاست خواهد بود .

يومئذ يوفّيهم اللّه دينهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۸ - ۱۲

۱۲ هر گناهی از هر کسی ، مجازات الهی را در پی دارد .

و كفى به بذنوب عباده خبيرًا

یادآوری آگاهی همه جانبه خداوند، حاکی است که گناه از هر کس که باشد، در پی دارنده مجازات است.

نظام کیفری در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۸ - ۱۰

۱۰- نظام کیفری خداوند برای مجازات کافرانِ عصر بعثت ، نظامی مشخَّص و دارای مَوعِد و زمانی تخلّف ناپذیر بود .

بل لهم موعد لن يجدوا من دونه موئلاً

به قرینه آیه بعد، مراد مؤاخذه در <لو یؤاخذهم> مؤاخذه در دنیا است. و جمله <بل لهم موعد> ظهور در فعلیّت آن وعده دارد که در مورد کافران عصر بعثت صادق است.

وعده کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر

و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

وعده کیفر دین ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۲

۲- برپایی قیامت و کیفر کافران دین ستیز ، وعده الهی است .

و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده براین اساس است که <ال> در <الوعد> عهد حضوری بوده و مقصود از آن، برپایی قیامت و عذاب کافران باشد که همواره تمامی پیامبران به امت خویش وعده می دادند و این وعده در خاطر امت ها وجود داشت.

وعده کیفر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۲ - ۶

۶ - وعده رویارویی قهرآمیز و سریع خداوند با کافران و گرفتار ساختن آنان در قبضه قدرت خود ، مایه آرامش و تسلّای خاطر پیامبر (ص) و مؤمنان

إنّ بطش ربّک لشدید

خطاب به پیامبر(ص)، به هنگام بیان مؤاخذه کافران، بیانگر تأثیر مثبت این خبر در روحیه آن حضرت و پیروان ایشان است.

وقت کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دين> در آيه بالا به معناى حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان كيفر كامل و مجازات مناسب

ثمّ يجزيه الجزاء الأوفى

به كار رفتن عبارت <الجزاء الأوفى> براى جزاى اخروى، نشانگر آن است كه گرچه در دنيا امكان مجازات وجود دارد; اما جزاى كامل

تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت کیفر عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۹ - ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ - قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

ویژگی کیفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۳ – ۸

۸ در نظام کیفری خداوند ، هیچکس به گناه دیگری مؤاخذه نخواهد شد .

أفتهلکنا بما فعل المبطلون

ویژگیهای کیفر اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲

- نور - ۲۴ - ۲۵ - ۲،۳

۲ - کیفر های الهی در جهان آخرت ، به صورت کامل و بی کم و کاست خواهد بود .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم

۳ - کیفر های الهی در روز رستاخیز ، بر پایه حق و عدل و به دور از هر شایبه ظلم و بی دادگری

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

<الحقّ> در جمله <دینهم الحقّ> صفت برای <دین> است; یعنی، جزای عادلانه و به حق.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد; اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - همزه - ۱۰۴ - ۴ - ۹

۹ - تناسب کیفر های اخروی ، با گناهان انسان

همزه لمزه . .. لینبذنّ فی الحطمه

برگزیدن نام <حطمه> که نشانگر درهم شکسته شدن جهنمیان در آتش است ممکن است در ارتباط با گناه <هَمْز> و <لَمْز> باشد که باعث شکسته شدن شخصیت و اعتبار کسی نزد دیگران است. مادّه <نبذ> نیز که بر افکندن تحقیرآمیز دلالت دارد، چه بسا ناظر به تناسب آن با استهزاها و متلك انداختن های فرد دوزخی باشد.

هشدار به کیفر اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۹ - ۱۱،۱۵

۱۱ نوح ، مشرکان قوم خویش را به کیفر های سخت اخروی تهدید کرد .

إنی

أخاف عليكم عذاب يوم عظيم

۱۵ تهدید مشرکان به کیفر های اخروی ، زمینه ساز گرایش آنان به پرستش خدای یگانه و پرهیز از شرک و دوگانه پرستی

إنی أخاف علیکم عذاب یوم عظیم

هماهنگی کیفر با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - جاودانگی عذاب کافران ، متناسب با نوع عملکرد آنان است .

لهم فیها دار الخلد جزاء بما کانوا بأیتنا یجحدون

<باء> در <بما کانوا> برای مقابله است; یعنی، جاودانگی کافران در دوزخ، در برابر شیوه مستمر آنان در عناد و لجاجت با پیامبر(ص) و آیات الهی است.

هماهنگی کیفر با گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<قوماً> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۴ - ۴

۴ - تشابه کیفر اخروی با عملکرد دنیوی انسان

ننسیکم کما نسیتم

بنابراین که <کما> برای تشبیه باشد، مطلب بالا استفاده می شود.

کیفر و پاداش

{کیفر و پاداش}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۴ - ۷۸

۷ اهل کتاب ، معتقد به رستاخیز و کیفر اعمال

لن تمسّنا النار الاّ ایاماً

۸ گروهی از اهل کتاب ، قائل به وجود تبعیض در رستاخیز و کیفر های الهی بودند . *

لن تمسّنا النار الاّ ایاماً

زیرا نسبت به خودشان

عذاب اندکی را باور داشتند، ولی نسبت به دیگران چنین پنداری را نداشتند; یعنی تبعیض در رستاخیز و کیفرهای آن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۲،۸

۲ باور های خودساخته انسان در زمینه تخفیف عذاب ، کیفر عادلانه خداوند را تغییر نمی دهد .

قالوا لن تمسّنا النار الاّ ایاماً . .. فکیف اذا جمعناهم

گر چه اهل کتاب می گفتند که: لن تمسّنا النار . .. ، ولی خداوند می فرماید این باور نادرست، مجازات آنان را تغییر نخواهد داد.

۸ قیامت ، روزی که هر کس اندوخته های خود را به تمام و کمال دریافت می کند .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۳،۶

۳ قیامت ، روز تحقق عقاب و قهر الهی و یافتن اعمال خیر و شر

و یحذّرکم اللّه نفسه . .. یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر ... من سوء

۶ قیامت ، روز دریافتِ کیفر و پاداشِ اعمال نیک و بد *

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر . .. من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

کینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

کینه

آثار کینه با ائمه(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٠ – اسراء – ١٧ – ۶۴ – ١٨

١٨- < عن أبى عبدالله (ع) . . . [فى قوله] < و شاركهم فى الأموال و الأولاد > . . . قال : إن الشيطان ليجىء حتى يقعد من المرأه كما يقعد الرجل

منها و يحدث كما يحدث و ينكح كما ينكح قلت : بأى شىء يعرف ذلك ؟ قال : بحبّنا و بغضنا ، من أحبّنا كان من نطفه العبد و من أبغضنا كان نطفه الشيطان ;

از امام صادق(ع) در باره[سخن خداوند]<و شاركهم فى الأموال و الأولاد> روايت شده است كه فرمود: همانا شيطان مى آيد و بر زنان مى نشيند، همان گونه كه مردان بر آنان مى نشينند و همان مى كنند كه آنان انجام مى دهند . ..[راوى مى گويد]گفتم: به چه چيزى اين مسأله شناخته مى شود؟ حضرت فرمود: به حبّ و بغض نسبت به ما. هر كس ما را دوست بدارد، از نطفه پدرش مى باشد و هر كس بر ما بغض بورزد، از نطفه شيطان مى باشد>.

آرزوى رفع كينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاك بودن قلب هايشان از كينه و عداوت نسبت به اهل ايمان

يقولون ربّنا . .. و لاتجعل فى قلوبنا غلّا للذين ءامنوا

ارزش رفع كينه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۴

۴ زدودن كينه و عداوت از سينه ها ، ارزش الهى است .

و نزعنا ما فى صدورهم من غل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۴۰ - ۸

۸ - تلاش در راه رفع كدورت هاى پيشين ، به دنبال عفو و گذشت از خطاى ديگران ، داراى ارزشى والا و پاداش فراوان الهى است .

فمن عفا و أصلح فأجره على اللّه

ذكر

<أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

اظهار کینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۱ - ۶

۶ اظهار کینه برادران بنیامین به وی در گزارش سرقتش به یعقوب

إن ابنک سرق

لحن جمله <إن ابنک سرق> (به یقین پسرت دزدی کرد) گویای کینه برادران بنیامین نسبت به اوست.

افشای کینه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۱

۱ هشدار الهی به منافقان ، نسبت به افشای کینه های نهانی آنان

أم حسب . .. أن لن یخرج اللّه أضغنهم

اهمیت رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۴

۴ زدودن کینه و عداوت از سینه ها ، ارزش الهی است .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۰

۱۰ مؤمنان وظیفه دارند برای از میان بردن کدورت ها ، درگیری ها و اختلافات خویشتن تلاش کنند .

و أصلحوا ذات بینکم

بهشتیان و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۱

۱– خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

پاداش رفع کینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۰ – ۸

۸ – تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

جایگاه کینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۳

۳– محل کینه و دشمنی انسان ، سینه و دل اوست .

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

ذکر کینه شیاطین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۴

۲۴- آدمیان همواره نسبت به کنیه و عداوت شیاطین با آنان توجه داشته باشند و از اطاعت آنان به پرهیزند .

أفتتّخذونه و ذرّيّته أولياء من دونى و هم لكم عدوٌّ

رفع کینه در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۱

۱- خداوند ، هرگونه دشمنی

و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

زمینه رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۴۷ - ۵

۵- تقوا ، زمینه زدوده شدن کینه و دشمنی از دل ها و موجب ایجاد روح برادری در میان انسانها

إن المتقین . .. و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ إخونًا

زمینه رفع کینه مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۱،۲

۱ - صلح حدیبیه ، مایه شوکت اسلام و فروخفتن کینه ها و خصومت های مشرکان نسبت به پیامبر (ص)

لیغفر لک اللّه ما تقدّم من ذنبک و ما تأخّر

با توجه به این که در این آیات، غفران مترتب بر فتح شده است، می توان پی برد که مراد از <غفران> و <ذنب> معنای رایج آن نیست; زیرا ربطی میان صلح حدیبیه و بخشش گناهان دیده نمی شود. بر این اساس معنای دیگری این جا مراد است و آن این که بعثت پیامبر(ص)، آن حضرت را در نظر دشمنانش گنه کار و متهم می نمود; ولی در پرتو صلح حدیبیه، زمینه نشر دعوت پیامبر(ص) و بازشناخت شخصیت، اوصاف و خصال کریمانه آن حضرت فراهم آمد.

۲ - صلح حدیبیه ، کاهش دهنده کینه مشرکان نسبت به پیامبر (ص) ، در زمینه های مورد اختلاف آنان ، قبل از هجرت و پس از آن *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک اللّه

ما تقدّم من ذنبك و ما تأخّر

منظور از <ما تقدّم> و <ما تأخّر>، امور قبل از هجرت و پس از آن است.

زمینه کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا . .. و اذکروا إذ کنتم قلیلا فکثرکم

عوامل رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱۱

۱۱ رعایت تقوا با عمل به احکام خداوند عاملی نیرومند برای حفظ وحدت جامعه ایمانی و زدودن کدورت ها و اختلافات آن

فاتقوا اللّه و أصلحوا ذات بینکم

امر به تقوا پیش از الزام اهل ایمان به زدودن کدورتها، رهنمودی است به راهی اساسی برای دستیابی به این تکلیف اجتماعی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - دعا و نیایش به درگاه خداوند ، دارای تأثیر در تزکیه قلب ها از کینه و بدخواهی

یقولون ربّنا . .. و لاتجعل فی قلوبنا غلاّ

تمجید خداوند از دعای مؤمنان، نشانگر تأثیر آن است؛ زیرا در صورتی که دعا و تمنا لغو و بی تأثیر باشد، مجالی برای تمجید نخواهد بود.

عوامل کینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۲۲

۲۲ شیطان از عوامل ایجاد عداوت و کینه

من بعد أن نزغ الشیطن بینی و بین إخوتی

کینه ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ –

۳ ابلیس دشمن انسانها و دارای ضمیری پر کینه از آنان

لأقعدن لهم صرطك المستقيم

کینه با سالکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا . .. و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

کینه به انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۶ - ۱۱

۱۱ از یاد بردن نعمت های خداوند ، زمینه ساز کینه توزی با پیامبران و سالکان راه خداست .

و لاتقعدوا . .. و اذكروا إذ كنتم قليلا فكثركم

کینه توزی اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۲ - ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود) ، با علم به ناحق بودن قتل انبیاء ، آنان را می کشتند . *

و يقتلون الانبياء بغير حقّ

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لذا می توان گفت که قید <بغیر حق>، اشاره باشد به اینکه قاتلین می دانستند که قتل انبیا، حق نیست.

کینه توزی کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۹ – ۲۳

۲۳ کافران کینه توز و منافقان حیله گر شایسته نابودی

قل موتوا بغیظکم انّ اللّه علیم بذات الصدور

کینه توزی یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۲ – ۱۴

۱۴ اهل کتاب (یهود) ، با علم به

ناحق بودن قتل انبیاء ، آنان را می کشتند . *

و یقتلون الانبیاء بغیر حقّ

چون تصوّر حق بودن قتل انبیا نمی رود، لـذا می توان گفت که قیـد <بغیر حق>، اشاره باشـد به اینکه قاتلین می دانسـتند که قتل انبیا، حق نیست.

کینه جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۹ - ۵

۵ کینه توزی و دشمنی دوزخیان نسبت به یکدیگر

فأتهم عذابا ضعفا من النار . .. فما کان لکم علینا من فضل

کینه در مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۵

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

کینه علیه محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۵

۵ - توطئه ها و کینهورزی های پنهان و آشکار مشرکان علیه پیامبر (ص)

و ربّک یعلم ما تکنّ صدورهم و ما یعلنون

بـا توجه به ارتبـاط این آیه بـا آیات پیشـین که درباره انواع بهانه جویی های کافران می باشـد می توان گفت که مراد آیه بیان مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۴

۴ - بغض و کینه عمیق منافقان ، نسبت به شخص پیامبر (ص)

لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

تعبیر <أذلّ> در مورد رسول خدا(ص)، حکایت از دشمنی شدید منافقان نسبت به آن حضرت دارد.

کینه فرعون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - < سفیان بن سعید قال : سمعت أباعبداللّه جعفربن محمد الصادق (ع) . . . یقول : یا سفیان ، علیك بالتقیّه . . . ان اللّه عزّوجلّ قال لموسی و هارون : < فقولا له قولاً لیّناً لعلّه یتذكّر أو یخشی > یقول اللّه عزّوجلّ : كنّیاه و قولا له : یا أبا مصعب ;

سفیان بن سعید گوید: از امام صادق(ع) شنیدم . .. كه می فرمود: ای سفیان! تقیه را مراعات كن ... خداوند عزّوجلّ به موسی و هارون فرمود: <فقولا له قولاً لیّناً لعلّه یتذكّر أو یخشی> مراد خداوند عزّوجلّ این است كه با كنیه به او خطاب كنید و به او بگویید: یا أبا مصعب>. (خطاب كردن به اشخاص با كنیه، نشانه احترام به آنان است).

كینه فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۲۰ - ۱

۱- موسی (ع) ، مورد هجوم كینه ها و تهمت های فرعونیان در پی ابلاغ پیام الهی

و إنّی عذت بربّی و ربّكم أن ترجمون

برداشت بالا بر این اساس است كه <رجم> (مصدر <ترجمون>)، در این آیه به معنای تهمت زدن باشد.

كینه مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۹ - ۵

۵ - توطئه ها و كینهورزی های پنهان و آشكار مشركان علیه پیامبر (ص)

و ربّك یعلم ما تكنّ صدورهم و ما یعلنون

با توجه به ارتباط این آیه با آیات پیشین

که درباره انواع بهانه جویی های کافران می باشد می توان گفت که مراد آیه بیان مطلب یاد شده است.

کینه مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۱۳

۱۳ افشای رفتار های فریبکارانه و کینه قلبی مشرکان صدر اسلام نسبت به مسلمانان از سوی خداوند

و إن یظهروا علیکم لایرقبوا فیکم إلّاً و لاذمه . .. و تأبی قلوبهم

آمدن فعلهای <یظهروا>، <یرقبوا> و <تأبی> به صورت فعل مضارع که دلالت بر حال و آینده می کند، می تواند حاکی از این حقیقت باشد که آیه در صدد افشای رازهای منافقان علیه مسلمانان است.

کینه منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۹ - ۳

۳ بیماردلان منافق ، دارای کینه های عمیق نسبت به دین و مؤمنان

أم حسب الذین فی قلوبهم مرض أن لن یخرج اللّه أضغنهم

<أضغان>، (جمع <ضغن>) به معنای کینه های شدید و عمیق است.

کینه منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۴

۴ - بغض و کینه عمیق منافقان ، نسبت به شخص پیامبر (ص)

لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

تعبیر <أذلّ> در مورد رسول خدا(ص)، حکایت از دشمنی شدید منافقان نسبت به آن حضرت دارد.

متقین و کینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۴۷ – ۱۰۸

۱– خداوند ، هرگونه دشمنی و کینه ای را از دل متقین در بهشت بیرون می کند .

ادخلوها بسلم ءامنین . و نزعنا ما فی صدورهم

من غلّ

<غلّ> در لغت به معنای دشمنی و کینه است.

۸- امکان راه یابی کینه و دشمنی در دل متقین

و نزعنا ما فی صدورهم من غلّ

از اینکه خداوند فرمود: <از دل متقین کینه و دشمنی را برداشتیم> حکایت از این نکته می کند که کینه، می تواند در دل متقین راه پیدا کند.

منشأ کینه منافقان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۴ - ۱۴

۱۴ رفاه و امکانات مادی مسلمانان ، غیر قابل تحمل برای منافقان صدر اسلام و برانگیزنده آنان به ستیزه جویی و کینهورزی

و ما نقموا إلا أن أغنیهم اللّه و رسوله من فضله

موجبات کینه اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۶

۶ همیاریهای ضد دینی در دنیا، در پی دارنده دشمنی و کینه توزی در آخرت خواهد شد.

کلما دخلت أمه لعنت أختها

یوسف(ع) و کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۹

۹ گذشت ، بزرگواری و منزه بودن از کینه توزی و حسّ انتقام جویی به هنگام قدرت ، از خصلت های نیکوی حضرت یوسف (ع)

فلاتبتئس بما كانوا يعملون

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹